



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



رسالة توضيح المسائل

آيت الله شيعي محمد شاه آبادي

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رساله آیت الله شیخ محمد شاه آبادی

نویسنده:

شیخ محمد شاه آبادی

ناشر چاپی:

عصر رهایی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۴۴	رساله آیت الله شیخ محمد شاه آبادی
۱۴۴	مشخصات کتاب
۱۴۴	مقدمه
۱۴۴	احکام تقلید
۱۴۴	مسأله ۱
۱۴۴	مسأله ۲
۱۴۵	مسأله ۳
۱۴۵	مسأله ۴
۱۴۵	مسأله ۵
۱۴۵	مسأله ۶
۱۴۶	مسأله ۷
۱۴۶	مسأله ۸
۱۴۶	مسأله ۹
۱۴۶	مسأله ۱۰
۱۴۷	مسأله ۱۱
۱۴۷	مسأله ۱۲
۱۴۷	مسأله ۱۳
۱۴۷	مسأله ۱۴
۱۴۷	آب مطلق و مضاف
۱۴۷	مسأله ۱۵
۱۴۸	۱- آب کر
۱۴۸	مسأله ۱۶

۱۴۸	مسأله ۱۷
۱۴۸	مسأله ۱۸
۱۴۸	مسأله ۱۹
۱۴۸	مسأله ۲۰
۱۴۸	مسأله ۲۱
۱۴۹	مسأله ۲۲
۱۴۹	مسأله ۲۳
۱۴۹	مسأله ۲۴
۱۴۹	۲- آب قلیل
۱۴۹	مسأله ۲۵
۱۴۹	مسأله ۲۶
۱۴۹	مسأله ۲۷
۱۵۰	۳- آب جاری
۱۵۰	مسأله ۲۸
۱۵۰	مسأله ۲۹
۱۵۰	مسأله ۳۰
۱۵۰	مسأله ۳۱
۱۵۱	مسأله ۳۲
۱۵۱	مسأله ۳۳
۱۵۱	مسأله ۳۴
۱۵۱	مسأله ۳۵
۱۵۱	مسأله ۳۶
۱۵۱	۴- آب باران
۱۵۱	مسأله ۳۷

۱۵۱	مسئله ۳۸
۱۵۲	مسئله ۳۹
۱۵۲	مسئله ۴۰
۱۵۲	مسئله ۴۱
۱۵۲	مسئله ۴۲
۱۵۲	مسئله ۴۳
۱۵۲	۵- آب چاه
۱۵۲	مسئله ۴۴
۱۵۳	مسئله ۴۵
۱۵۳	مسئله ۴۶
۱۵۳	احکام آبها
۱۵۳	مسئله ۴۷
۱۵۳	مسئله ۴۸
۱۵۳	مسئله ۴۹
۱۵۴	مسئله ۵۰
۱۵۴	مسئله ۵۱
۱۵۴	مسئله ۵۲
۱۵۴	مسئله ۵۳
۱۵۴	مسئله ۵۴
۱۵۴	مسئله ۵۵
۱۵۵	احکام تخلی (بول و غائط کردن)
۱۵۵	مسئله ۵۶
۱۵۵	مسئله ۵۷
۱۵۵	مسئله ۵۸

۱۵۵	مسأله ۵۹
۱۵۵	مسأله ۶۰
۱۵۵	مسأله ۶۱
۱۵۶	مسأله ۶۲
۱۵۶	مسأله ۶۳
۱۵۶	مسأله ۶۴
۱۵۶	مسأله ۶۵
۱۵۶	مسأله ۶۶
۱۵۷	مسأله ۶۷
۱۵۷	مسأله ۶۸
۱۵۷	مسأله ۶۹
۱۵۷	مسأله ۷۰
۱۵۷	مسأله ۷۱
۱۵۸	مسأله ۷۲
۱۵۸	استبراء
۱۵۸	مسأله ۷۳
۱۵۸	مسأله ۷۴
۱۵۸	مسأله ۷۵
۱۵۸	مسأله ۷۶
۱۵۹	مسأله ۷۷
۱۵۹	مسأله ۷۸
۱۵۹	مستحبات و مکروهات تخلی
۱۵۹	مسأله ۷۹
۱۵۹	مسأله ۸۰

۱۵۹	مسأله ۸۱
۱۵۹	مسأله ۸۲
۱۶۰	مسأله ۸۳
۱۶۰	۱-۲- بول و غائط
۱۶۰	مسأله ۸۴
۱۶۰	مسأله ۸۵
۱۶۰	مسأله ۸۶
۱۶۰	مسأله ۸۷
۱۶۰	۳- منی
۱۶۰	مسأله ۸۸
۱۶۱	۴- مردار
۱۶۱	مسأله ۸۹
۱۶۱	مسأله ۹۰
۱۶۱	مسأله ۹۱
۱۶۱	مسأله ۹۲
۱۶۱	مسأله ۹۳
۱۶۱	مسأله ۹۴
۱۶۲	مسأله ۹۵
۱۶۲	مسأله ۹۶
۱۶۲	۵- خون
۱۶۲	مسأله ۹۷
۱۶۲	مسأله ۹۸
۱۶۲	مسأله ۹۹
۱۶۲	مسأله ۱۰۰

- مسئله ۱۰۱ ۱۶۳
- مسئله ۱۰۲ ۱۶۳
- مسئله ۱۰۳ ۱۶۳
- مسئله ۱۰۴ ۱۶۳
- مسئله ۱۰۵ ۱۶۳
- ۶،۷- سگ و خوک ۱۶۳
- مسئله ۱۰۶ ۱۶۴
- ۸- کافر ۱۶۴
- مسئله ۱۰۷ ۱۶۴
- مسئله ۱۰۸ ۱۶۴
- مسئله ۱۰۹ ۱۶۴
- مسئله ۱۱۰ ۱۶۴
- مسئله ۱۱۱ ۱۶۴
- ۹- شراب ۱۶۵
- مسئله ۱۱۲ ۱۶۵
- مسئله ۱۱۳ ۱۶۵
- مسئله ۱۱۴ ۱۶۵
- مسئله ۱۱۵ ۱۶۵
- ۱۰- فقاع ۱۶۵
- مسئله ۱۱۶ ۱۶۵
- ۱۱،۱۲- عرق جنب از حرام و عرق حیوان نجاستخوار ۱۶۵
- مسئله ۱۱۷ ۱۶۶
- مسئله ۱۱۸ ۱۶۶
- مسئله ۱۱۹ ۱۶۶

۱۶۶	مسأله ۱۲۰
۱۶۶	مسأله ۱۲۱
۱۶۶	راه ثابت شدن نجاست
۱۶۶	مسأله ۱۲۲
۱۶۷	مسأله ۱۲۳
۱۶۷	مسأله ۱۲۴
۱۶۷	راه نجس شدن چیزهای پاک
۱۶۷	مسأله ۱۲۵
۱۶۷	مسأله ۱۲۶
۱۶۷	مسأله ۱۲۷
۱۶۸	مسأله ۱۲۸
۱۶۸	مسأله ۱۲۹
۱۶۸	مسأله ۱۳۰
۱۶۸	مسأله ۱۳۱
۱۶۸	مسأله ۱۳۲
۱۶۹	مسأله ۱۳۳
۱۶۹	مسأله ۱۳۴
۱۶۹	مسأله ۱۳۵
۱۶۹	احکام نجاسات
۱۶۹	مسأله ۱۳۶
۱۶۹	مسأله ۱۳۷
۱۶۹	مسأله ۱۳۸
۱۷۰	مسأله ۱۳۹
۱۷۰	مسأله ۱۴۰

۱۷۰	مسأله ۱۴۱
۱۷۰	مسأله ۱۴۲
۱۷۰	مسأله ۱۴۳
۱۷۰	مسأله ۱۴۴
۱۷۱	مسأله ۱۴۵
۱۷۱	مسأله ۱۴۶
۱۷۱	مسأله ۱۴۷
۱۷۱	مسأله ۱۴۸
۱۷۱	مطهرات
۱۷۱	مسأله ۱۴۹
۱۷۲	آب
۱۷۲	مسأله ۱۵۰
۱۷۲	مسأله ۱۵۱
۱۷۲	مسأله ۱۵۲
۱۷۲	مسأله ۱۵۳
۱۷۳	مسأله ۱۵۴
۱۷۳	مسأله ۱۵۵
۱۷۳	مسأله ۱۵۶
۱۷۳	مسأله ۱۵۷
۱۷۳	مسأله ۱۵۸
۱۷۳	مسأله ۱۵۹
۱۷۴	مسأله ۱۶۰
۱۷۴	مسأله ۱۶۱
۱۷۴	مسأله ۱۶۲

۱۷۴	مسأله ۱۶۳
۱۷۴	مسأله ۱۶۴
۱۷۵	مسأله ۱۶۵
۱۷۵	مسأله ۱۶۶
۱۷۵	مسأله ۱۶۷
۱۷۵	مسأله ۱۶۸
۱۷۵	مسأله ۱۶۹
۱۷۶	مسأله ۱۷۰
۱۷۶	مسأله ۱۷۱
۱۷۶	مسأله ۱۷۲
۱۷۶	مسأله ۱۷۳
۱۷۶	مسأله ۱۷۴
۱۷۶	مسأله ۱۷۵
۱۷۷	مسأله ۱۷۶
۱۷۷	مسأله ۱۷۷
۱۷۷	مسأله ۱۷۸
۱۷۷	مسأله ۱۷۹
۱۷۷	مسأله ۱۸۰
۱۷۸	مسأله ۱۸۱
۱۷۸	مسأله ۱۸۲
۱۷۸	مسأله ۱۸۳
۱۷۸	زمین
۱۷۸	مسأله ۱۸۴
۱۷۸	مسأله ۱۸۵

۱۷۸	مسأله ۱۸۶
۱۷۹	مسأله ۱۸۷
۱۷۹	مسأله ۱۸۸
۱۷۹	مسأله ۱۸۹
۱۷۹	مسأله ۱۹۰
۱۷۹	آفتاب
۱۷۹	مسأله ۱۹۱
۱۸۰	مسأله ۱۹۲
۱۸۰	مسأله ۱۹۳
۱۸۰	مسأله ۱۹۴
۱۸۰	مسأله ۱۹۵
۱۸۰	استحاله
۱۸۰	مسأله ۱۹۶
۱۸۱	مسأله ۱۹۷
۱۸۱	مسأله ۱۹۸
۱۸۱	مسأله ۱۹۹
۱۸۱	مسأله ۲۰۰
۱۸۱	مسأله ۲۰۱
۱۸۱	مسأله ۲۰۲
۱۸۲	کم شدن دو سوم آب انگور
۱۸۲	مسأله ۲۰۳
۱۸۲	مسأله ۲۰۴
۱۸۲	مسأله ۲۰۵
۱۸۲	مسأله ۲۰۶

۱۸۲	مسأله ۲۰۷
۱۸۲	مسأله ۲۰۸
۱۸۳	انتقال
۱۸۳	مسأله ۲۰۹
۱۸۳	مسأله ۲۱۰
۱۸۳	اسلام
۱۸۳	مسأله ۲۱۱
۱۸۳	مسأله ۲۱۲
۱۸۴	مسأله ۲۱۳
۱۸۴	مسأله ۲۱۴
۱۸۴	تبعیت
۱۸۴	مسأله ۲۱۵
۱۸۴	مسأله ۲۱۶
۱۸۴	مسأله ۲۱۷
۱۸۵	مسأله ۲۱۸
۱۸۵	مسأله ۲۱۹
۱۸۵	مسأله ۲۲۰
۱۸۵	مسأله ۲۲۱
۱۸۵	برطرف شدن عین نجاست
۱۸۵	مسأله ۲۲۲
۱۸۵	مسأله ۲۲۳
۱۸۶	مسأله ۲۲۴
۱۸۶	مسأله ۲۲۵
۱۸۶	استبراء حیوان نجاستخوار

۱۸۶	مسئله ۲۲۶
۱۸۶	غایب شدن مسلمان
۱۸۶	مسئله ۲۲۷
۱۸۷	مسئله ۲۲۸
۱۸۷	مسئله ۲۲۹
۱۸۷	مسئله ۲۳۰
۱۸۷	احکام ظرفها
۱۸۷	مسئله ۲۳۱
۱۸۸	مسئله ۲۳۲
۱۸۸	مسئله ۲۳۳
۱۸۸	مسئله ۲۳۴
۱۸۸	مسئله ۲۳۵
۱۸۸	مسئله ۲۳۶
۱۸۸	مسئله ۲۳۷
۱۸۸	مسئله ۲۳۸
۱۸۹	مسئله ۲۳۹
۱۸۹	مسئله ۲۴۰
۱۸۹	مسئله ۲۴۱
۱۸۹	وضو
۱۸۹	مسئله ۲۴۲
۱۸۹	مسئله ۲۴۳
۱۹۰	مسئله ۲۴۴
۱۹۰	مسئله ۲۴۵
۱۹۰	مسئله ۲۴۶

۱۹۰	مسأله ۲۴۷
۱۹۰	مسأله ۲۴۸
۱۹۰	مسأله ۲۴۹
۱۹۰	مسأله ۲۵۰
۱۹۱	مسأله ۲۵۱
۱۹۱	مسأله ۲۵۲
۱۹۱	مسأله ۲۵۳
۱۹۱	مسأله ۲۵۴
۱۹۱	مسأله ۲۵۵
۱۹۱	مسأله ۲۵۶
۱۹۲	مسأله ۲۵۷
۱۹۲	مسأله ۲۵۸
۱۹۲	مسأله ۲۵۹
۱۹۲	مسأله ۲۶۰
۱۹۲	مسأله ۲۶۱
۱۹۲	مسأله ۲۶۲
۱۹۳	مسأله ۲۶۳
۱۹۳	مسأله ۲۶۴
۱۹۳	مسأله ۲۶۵
۱۹۳	مسأله ۲۶۶
۱۹۳	وضوی ارتماسی
۱۹۳	مسأله ۲۶۷
۱۹۴	مسأله ۲۶۸
۱۹۴	مسأله ۲۶۹

۱۹۴	مسأله ۲۷۰
۱۹۴	شرایط وضو
۱۹۴	مسأله ۲۷۱
۱۹۵	مسأله ۲۷۲
۱۹۵	مسأله ۲۷۳
۱۹۵	مسأله ۲۷۴
۱۹۵	مسأله ۲۷۵
۱۹۵	مسأله ۲۷۶
۱۹۶	مسأله ۲۷۷
۱۹۶	مسأله ۲۷۸
۱۹۶	مسأله ۲۷۹
۱۹۶	مسأله ۲۸۰
۱۹۶	مسأله ۲۸۱
۱۹۷	مسأله ۲۸۲
۱۹۷	مسأله ۲۸۳
۱۹۷	مسأله ۲۸۴
۱۹۷	مسأله ۲۸۵
۱۹۷	مسأله ۲۸۶
۱۹۷	مسأله ۲۸۷
۱۹۸	مسأله ۲۸۸
۱۹۸	مسأله ۲۸۹
۱۹۸	مسأله ۲۹۰
۱۹۸	مسأله ۲۹۱
۱۹۹	مسأله ۲۹۲

۱۹۹	مسأله ۲۹۳
۱۹۹	مسأله ۲۹۴
۱۹۹	مسأله ۲۹۵
۱۹۹	مسأله ۲۹۶
۱۹۹	مسأله ۲۹۷
۲۰۰	مسأله ۲۹۸
۲۰۰	مسأله ۲۹۹
۲۰۰	مسأله ۳۰۰
۲۰۰	مسأله ۳۰۱
۲۰۰	مسأله ۳۰۲
۲۰۱	مسأله ۳۰۳
۲۰۱	مسأله ۳۰۴
۲۰۱	احکام وضو
۲۰۱	مسأله ۳۰۵
۲۰۱	مسأله ۳۰۶
۲۰۱	مسأله ۳۰۷
۲۰۱	مسأله ۳۰۸
۲۰۲	مسأله ۳۰۹
۲۰۲	مسأله ۳۱۰
۲۰۲	مسأله ۳۱۱
۲۰۲	مسأله ۳۱۲
۲۰۲	مسأله ۳۱۳
۲۰۲	مسأله ۳۱۴
۲۰۳	مسأله ۳۱۵

۲۰۳	مسأله ۳۱۶
۲۰۳	مسأله ۳۱۷
۲۰۳	مسأله ۳۱۸
۲۰۳	مسأله ۳۱۹
۲۰۴	مسأله ۳۲۰
۲۰۴	مسأله ۳۲۱
۲۰۴	چیزهایی که باید برای آنها وضو گرفت
۲۰۴	مسأله ۳۲۲
۲۰۴	مسأله ۳۲۳
۲۰۵	مسأله ۳۲۴
۲۰۵	مسأله ۳۲۵
۲۰۵	مسأله ۳۲۶
۲۰۵	مسأله ۳۲۷
۲۰۵	مسأله ۳۲۸
۲۰۶	چیزهایی که وضو را باطل می‌کند
۲۰۶	مسأله ۳۲۹
۲۰۶	احکام وضوی جبیره
۲۰۶	مسأله ۳۳۰
۲۰۶	مسأله ۳۳۱
۲۰۶	مسأله ۳۳۲
۲۰۷	مسأله ۳۳۳
۲۰۷	مسأله ۳۳۴
۲۰۷	مسأله ۳۳۵
۲۰۷	مسأله ۳۳۶

۲۰۷	مسئله ۳۳۷
۲۰۸	مسئله ۳۳۸
۲۰۸	مسئله ۳۳۹
۲۰۸	مسئله ۳۴۰
۲۰۸	مسئله ۳۴۱
۲۰۸	مسئله ۳۴۲
۲۰۸	مسئله ۳۴۳
۲۰۹	مسئله ۳۴۴
۲۰۹	مسئله ۳۴۵
۲۰۹	مسئله ۳۴۶
۲۰۹	مسئله ۳۴۷
۲۰۹	مسئله ۳۴۸
۲۰۹	مسئله ۳۴۹
۲۰۹	مسئله ۳۵۰
۲۱۰	غسلهای واجب
۲۱۰	احکام جنابت
۲۱۰	مسئله ۳۵۱
۲۱۰	مسئله ۳۵۲
۲۱۰	مسئله ۳۵۳
۲۱۰	مسئله ۳۵۴
۲۱۱	مسئله ۳۵۵
۲۱۱	مسئله ۳۵۶
۲۱۱	مسئله ۳۵۷
۲۱۱	مسئله ۳۵۸

۲۱۱	مسأله ۳۵۹
۲۱۱	مسأله ۳۶۰
۲۱۲	چیزهایی که بر جنب حرام است
۲۱۲	مسأله ۳۶۱
۲۱۲	چیزهای که بر جنب مکروه است
۲۱۲	مسأله ۳۶۲
۲۱۳	غسل جنابت
۲۱۳	مسأله ۳۶۳
۲۱۳	مسأله ۳۶۴
۲۱۳	مسأله ۳۶۵
۲۱۳	مسأله ۳۶۶
۲۱۳	غسل ترتیبی
۲۱۳	مسأله ۳۶۷
۲۱۳	مسأله ۳۶۸
۲۱۴	مسأله ۳۶۹
۲۱۴	مسأله ۳۷۰
۲۱۴	مسأله ۳۷۱
۲۱۴	مسأله ۳۷۲
۲۱۴	غسل ارتماسی
۲۱۴	مسأله ۳۷۳
۲۱۵	مسأله ۳۷۴
۲۱۵	مسأله ۳۷۵
۲۱۵	مسأله ۳۷۶
۲۱۵	احکام غسل کردن

۲۱۵	مسأله ۳۷۷
۲۱۵	مسأله ۳۷۸
۲۱۵	مسأله ۳۷۹
۲۱۶	مسأله ۳۸۰
۲۱۶	مسأله ۳۸۱
۲۱۶	مسأله ۳۸۲
۲۱۶	مسأله ۳۸۳
۲۱۶	مسأله ۳۸۴
۲۱۶	مسأله ۳۸۵
۲۱۷	مسأله ۳۸۶
۲۱۷	مسأله ۳۸۷
۲۱۷	مسأله ۳۸۸
۲۱۷	مسأله ۳۸۹
۲۱۷	مسأله ۳۹۰
۲۱۸	مسأله ۳۹۱
۲۱۸	مسأله ۳۹۲
۲۱۸	مسأله ۳۹۳
۲۱۸	مسأله ۳۹۴
۲۱۸	مسأله ۳۹۵
۲۱۸	مسأله ۳۹۶
۲۱۹	مسأله ۳۹۷
۲۱۹	استحاضه
۲۱۹	مسأله ۳۹۸
۲۱۹	مسأله ۳۹۹

۲۱۹	احکام استحاضه
۲۱۹	مسأله ۴۰۰
۲۱۹	مسأله ۴۰۱
۲۲۰	مسأله ۴۰۲
۲۲۰	مسأله ۴۰۳
۲۲۰	مسأله ۴۰۴
۲۲۰	مسأله ۴۰۵
۲۲۰	مسأله ۴۰۶
۲۲۰	مسأله ۴۰۷
۲۲۱	مسأله ۴۰۸
۲۲۱	مسأله ۴۰۹
۲۲۱	مسأله ۴۱۰
۲۲۱	مسأله ۴۱۱
۲۲۱	مسأله ۴۱۲
۲۲۲	مسأله ۴۱۳
۲۲۲	مسأله ۴۱۴
۲۲۲	مسأله ۴۱۵
۲۲۲	مسأله ۴۱۶
۲۲۲	مسأله ۴۱۷
۲۲۳	مسأله ۴۱۸
۲۲۳	مسأله ۴۱۹
۲۲۳	مسأله ۴۲۰
۲۲۳	مسأله ۴۲۱
۲۲۳	مسأله ۴۲۲

۲۲۴	مسأله ۴۲۳
۲۲۴	مسأله ۴۲۴
۲۲۴	مسأله ۴۲۵
۲۲۴	مسأله ۴۲۶
۲۲۴	مسأله ۴۲۷
۲۲۵	مسأله ۴۲۸
۲۲۵	مسأله ۴۲۹
۲۲۵	مسأله ۴۳۰
۲۲۵	مسأله ۴۳۱
۲۲۵	مسأله ۴۳۲
۲۲۵	مسأله ۴۳۳
۲۲۵	مسأله ۴۳۴
۲۲۶	مسأله ۴۳۵
۲۲۶	مسأله ۴۳۶
۲۲۶	مسأله ۴۳۷
۲۲۶	مسأله ۴۳۸
۲۲۶	مسأله ۴۳۹
۲۲۷	حیض
۲۲۷	مسأله ۴۴۰
۲۲۷	مسأله ۴۴۱
۲۲۷	مسأله ۴۴۲
۲۲۷	مسأله ۴۴۳
۲۲۷	مسأله ۴۴۴
۲۲۷	مسأله ۴۴۵

۲۲۸	مسأله ۴۴۶
۲۲۸	مسأله ۴۴۷
۲۲۸	مسأله ۴۴۸
۲۲۸	مسأله ۴۴۹
۲۲۸	مسأله ۴۵۰
۲۲۸	مسأله ۴۵۱
۲۲۹	مسأله ۴۵۲
۲۲۹	مسأله ۴۵۳
۲۲۹	مسأله ۴۵۴
۲۲۹	مسأله ۴۵۵
۲۲۹	احکام حائض
۲۲۹	مسأله ۴۵۶
۲۳۰	مسأله ۴۵۷
۲۳۰	مسأله ۴۵۸
۲۳۰	مسأله ۴۵۹
۲۳۰	مسأله ۴۶۰
۲۳۰	مسأله ۴۶۱
۲۳۱	مسأله ۴۶۲
۲۳۱	مسأله ۴۶۳
۲۳۱	مسأله ۴۶۴
۲۳۱	مسأله ۴۶۵
۲۳۱	مسأله ۴۶۶
۲۳۱	مسأله ۴۶۷
۲۳۲	مسأله ۴۶۸

۲۳۲	مسأله ۴۶۹
۲۳۲	مسأله ۴۷۰
۲۳۲	مسأله ۴۷۱
۲۳۲	مسأله ۴۷۲
۲۳۲	مسأله ۴۷۳
۲۳۳	مسأله ۴۷۴
۲۳۳	مسأله ۴۷۵
۲۳۳	مسأله ۴۷۶
۲۳۳	مسأله ۴۷۷
۲۳۳	مسأله ۴۷۸
۲۳۳	مسأله ۴۷۹
۲۳۴	مسأله ۴۸۰
۲۳۴	مسأله ۴۸۱
۲۳۴	مسأله ۴۸۲
۲۳۴	اقسام زنجهای حائض
۲۳۴	مسأله ۴۸۳
۲۳۴	مسأله ۴۸۴
۲۳۵	۱- صاحب عادت وقتیه و عددیه
۲۳۵	مسأله ۴۸۵
۲۳۵	مسأله ۴۸۶
۲۳۵	مسأله ۴۸۷
۲۳۶	مسأله ۴۸۸
۲۳۶	مسأله ۴۸۹
۲۳۷	مسأله ۴۹۰

۲۳۷	مسأله ۴۹۱
۲۳۷	مسأله ۴۹۲
۲۳۷	۲- صاحب عادت وقتیه
۲۳۷	مسأله ۴۹۳
۲۳۸	مسأله ۴۹۴
۲۳۸	مسأله ۴۹۵
۲۳۸	مسأله ۴۹۶
۲۳۸	مسأله ۴۹۷
۲۳۹	۳- صاحب عادت عددیه
۲۳۹	مسأله ۴۹۸
۲۳۹	۴- مضطربه
۲۳۹	مسأله ۴۹۹
۲۴۰	مسأله ۵۰۰
۲۴۰	مسأله ۵۰۱
۲۴۰	۵- مبتدئه
۲۴۰	مسأله ۵۰۲
۲۴۰	۶- ناسیه
۲۴۰	مسأله ۵۰۳
۲۴۱	مسأله ۵۰۴
۲۴۱	مسأله ۵۰۵
۲۴۱	مسائل متفرقه حیض
۲۴۱	مسأله ۵۰۶
۲۴۱	مسأله ۵۰۷
۲۴۱	مسأله ۵۰۸

۲۴۲	مسأله ۵۰۹
۲۴۲	مسأله ۵۱۰
۲۴۲	مسأله ۵۱۱
۲۴۲	مسأله ۵۱۲
۲۴۳	مسأله ۵۱۳
۲۴۳	نفاس
۲۴۳	مسأله ۵۱۴
۲۴۳	مسأله ۵۱۵
۲۴۳	مسأله ۵۱۶
۲۴۳	مسأله ۵۱۷
۲۴۳	مسأله ۵۱۸
۲۴۴	مسأله ۵۱۹
۲۴۴	مسأله ۵۲۰
۲۴۴	مسأله ۵۲۱
۲۴۴	مسأله ۵۲۲
۲۴۴	مسأله ۵۲۳
۲۴۴	مسأله ۵۲۴
۲۴۵	مسأله ۵۲۵
۲۴۵	مسأله ۵۲۶
۲۴۵	غسل مس میت
۲۴۵	مسأله ۵۲۷
۲۴۶	مسأله ۵۲۸
۲۴۶	مسأله ۵۲۹
۲۴۶	مسأله ۵۳۰

۲۴۶	مسأله ۵۳۱
۲۴۶	مسأله ۵۳۲
۲۴۶	مسأله ۵۳۳
۲۴۷	مسأله ۵۳۴
۲۴۷	مسأله ۵۳۵
۲۴۷	مسأله ۵۳۶
۲۴۷	مسأله ۵۳۷
۲۴۷	احکام مختصر
۲۴۷	مسأله ۵۳۸
۲۴۷	مسأله ۵۳۹
۲۴۸	مسأله ۵۴۰
۲۴۸	مسأله ۵۴۱
۲۴۸	مسأله ۵۴۲
۲۴۸	مسأله ۵۴۳
۲۴۸	مسأله ۵۴۴
۲۴۸	مسأله ۵۴۵
۲۴۹	مسأله ۵۴۶
۲۴۹	احکام بعد از مرگ
۲۴۹	مسأله ۵۴۷
۲۴۹	احکام غسل و کفن و نماز و دفن میت
۲۴۹	مسأله ۵۴۸
۲۴۹	مسأله ۵۴۹
۲۴۹	مسأله ۵۵۰
۲۵۰	مسأله ۵۵۱

۲۵۰	مسأله ۵۵۲
۲۵۰	مسأله ۵۵۳
۲۵۰	مسأله ۵۵۴
۲۵۰	مسأله ۵۵۵
۲۵۰	احکام غسل میت
۲۵۱	مسأله ۵۵۶
۲۵۱	مسأله ۵۵۷
۲۵۱	مسأله ۵۵۸
۲۵۱	مسأله ۵۵۹
۲۵۱	مسأله ۵۶۰
۲۵۱	مسأله ۵۶۱
۲۵۱	مسأله ۵۶۲
۲۵۲	مسأله ۵۶۳
۲۵۲	مسأله ۵۶۴
۲۵۲	مسأله ۵۶۵
۲۵۲	مسأله ۵۶۶
۲۵۲	مسأله ۵۶۷
۲۵۳	مسأله ۵۶۸
۲۵۳	مسأله ۵۶۹
۲۵۳	مسأله ۵۷۰
۲۵۳	مسأله ۵۷۱
۲۵۳	مسأله ۵۷۲
۲۵۳	مسأله ۵۷۳
۲۵۴	مسأله ۵۷۴

۲۵۴	مسأله ۵۷۵
۲۵۴	احکام کفن میت
۲۵۴	مسأله ۵۷۶
۲۵۴	مسأله ۵۷۷
۲۵۴	مسأله ۵۷۸
۲۵۴	مسأله ۵۷۹
۲۵۵	مسأله ۵۸۰
۲۵۵	مسأله ۵۸۱
۲۵۵	مسأله ۵۸۲
۲۵۵	مسأله ۵۸۳
۲۵۵	مسأله ۵۸۴
۲۵۵	مسأله ۵۸۵
۲۵۶	مسأله ۵۸۶
۲۵۶	مسأله ۵۸۷
۲۵۶	مسأله ۵۸۸
۲۵۶	مسأله ۵۸۹
۲۵۶	احکام جنوط
۲۵۶	مسأله ۵۹۰
۲۵۶	مسأله ۵۹۱
۲۵۷	مسأله ۵۹۲
۲۵۷	مسأله ۵۹۳
۲۵۷	مسأله ۵۹۴
۲۵۷	مسأله ۵۹۵
۲۵۷	مسأله ۵۹۶

۲۵۷	مسأله ۵۹۷
۲۵۸	مسأله ۵۹۸
۲۵۸	مسأله ۵۹۹
۲۵۸	احکام نماز میت
۲۵۸	مسأله ۶۰۰
۲۵۸	مسأله ۶۰۱
۲۵۸	مسأله ۶۰۲
۲۵۸	مسأله ۶۰۳
۲۵۸	مسأله ۶۰۴
۲۵۹	مسأله ۶۰۵
۲۵۹	مسأله ۶۰۶
۲۵۹	مسأله ۶۰۷
۲۵۹	مسأله ۶۰۸
۲۵۹	مسأله ۶۰۹
۲۵۹	مسأله ۶۱۰
۲۶۰	مسأله ۶۱۱
۲۶۰	مسأله ۶۱۲
۲۶۰	مسأله ۶۱۳
۲۶۰	مسأله ۶۱۴
۲۶۰	دستور نماز میت
۲۶۰	مسأله ۶۱۵
۲۶۱	مسأله ۶۱۶
۲۶۱	مسأله ۶۱۷
۲۶۱	مستحبات نماز میت

۲۶۱	مسأله ۶۱۸
۲۶۲	مسأله ۶۱۹
۲۶۲	احکام کفن
۲۶۲	مسأله ۶۲۰
۲۶۲	مسأله ۶۲۱
۲۶۲	مسأله ۶۲۲
۲۶۲	مسأله ۶۲۳
۲۶۲	مسأله ۶۲۴
۲۶۳	مسأله ۶۲۵
۲۶۳	مسأله ۶۲۶
۲۶۳	مسأله ۶۲۷
۲۶۳	مسأله ۶۲۸
۲۶۳	مسأله ۶۲۹
۲۶۳	مسأله ۶۳۰
۲۶۳	مسأله ۶۳۱
۲۶۳	مسأله ۶۳۲
۲۶۴	مسأله ۶۳۳
۲۶۴	مسأله ۶۳۴
۲۶۴	مستحبات دفن
۲۶۴	مسأله ۶۳۵
۲۶۵	مسأله ۶۳۶
۲۶۵	مسأله ۶۳۷
۲۶۵	مسأله ۶۳۸
۲۶۵	مسأله ۶۳۹

۲۶۶	مسأله ۶۴۰
۲۶۶	مسأله ۶۴۱
۲۶۶	مسأله ۶۴۲
۲۶۶	مسأله ۶۴۳
۲۶۶	مسأله ۶۴۴
۲۶۶	نماز وحشت
۲۶۶	مسأله ۶۴۵
۲۶۷	مسأله ۶۴۶
۲۶۷	مسأله ۶۴۷
۲۶۷	نیش قبر
۲۶۷	مسأله ۶۴۸
۲۶۷	مسأله ۶۴۹
۲۶۷	غسلهای مستحب
۲۶۷	مسأله ۶۵۰
۲۶۸	مسأله ۶۵۱
۲۶۹	مسأله ۶۵۲
۲۶۹	مسأله ۶۵۳
۲۶۹	مسأله ۶۵۴
۲۶۹	تیمم
۲۶۹	مسأله ۶۵۵
۲۷۰	مسأله ۶۵۶
۲۷۰	مسأله ۶۵۷
۲۷۰	مسأله ۶۵۸
۲۷۰	مسأله ۶۵۹

۲۷۰	مسأله ۶۶۰
۲۷۱	مسأله ۶۶۱
۲۷۱	مسأله ۶۶۲
۲۷۱	مسأله ۶۶۳
۲۷۱	مسأله ۶۶۴
۲۷۱	مسأله ۶۶۵
۲۷۱	مسأله ۶۶۶
۲۷۱	مسأله ۶۶۷
۲۷۲	مسأله ۶۶۸
۲۷۲	مسأله ۶۶۹
۲۷۲	مسأله ۶۷۰
۲۷۲	مسأله ۶۷۱
۲۷۲	دوم از موارد تیمم
۲۷۲	مسأله ۶۷۲
۲۷۳	مسأله ۶۷۳
۲۷۳	مسأله ۶۷۴
۲۷۳	مسأله ۶۷۵
۲۷۳	مسأله ۶۷۶
۲۷۳	سوم از موارد تیمم
۲۷۳	مسأله ۶۷۷
۲۷۳	مسأله ۶۷۸
۲۷۴	مسأله ۶۷۹
۲۷۴	مسأله ۶۸۰
۲۷۴	مسأله ۶۸۱

۲۷۴	چهارم از موارد تیمم
۲۷۴	مسأله ۶۸۲
۲۷۴	مسأله ۶۸۳
۲۷۴	پنجم از موارد تیمم
۲۷۴	مسأله ۶۸۴
۲۷۵	ششم از موارد تیمم
۲۷۵	مسأله ۶۸۵
۲۷۵	هفتم از موارد تیمم
۲۷۵	مسأله ۶۸۶
۲۷۵	مسأله ۶۸۷
۲۷۵	مسأله ۶۸۸
۲۷۵	مسأله ۶۸۹
۲۷۶	مسأله ۶۹۰
۲۷۶	مسأله ۶۹۱
۲۷۶	چیزهایی که تیمم به آنها صحیح است
۲۷۶	مسأله ۶۹۲
۲۷۶	مسأله ۶۹۳
۲۷۶	مسأله ۶۹۴
۲۷۷	مسأله ۶۹۵
۲۷۷	مسأله ۶۹۶
۲۷۷	مسأله ۶۹۷
۲۷۷	مسأله ۶۹۸
۲۷۷	مسأله ۶۹۹
۲۷۷	مسأله ۷۰۰

۲۷۸	مسأله ۷۰۱
۲۷۸	مسأله ۷۰۲
۲۷۸	مسأله ۷۰۳
۲۷۸	مسأله ۷۰۴
۲۷۸	مسأله ۷۰۵
۲۷۸	مسأله ۷۰۶
۲۷۹	مسأله ۷۰۷
۲۷۹	دستور تیمم بدل از وضوء
۲۷۹	مسأله ۷۰۸
۲۷۹	دستور تیمم بدل از غسل
۲۷۹	مسأله ۷۰۹
۲۷۹	احکام تیمم
۲۷۹	مسأله ۷۱۰
۲۸۰	مسأله ۷۱۱
۲۸۰	مسأله ۷۱۲
۲۸۰	مسأله ۷۱۳
۲۸۰	مسأله ۷۱۴
۲۸۰	مسأله ۷۱۵
۲۸۰	مسأله ۷۱۶
۲۸۱	مسأله ۷۱۷
۲۸۱	مسأله ۷۱۸
۲۸۱	مسأله ۷۱۹
۲۸۱	مسأله ۷۲۰
۲۸۱	مسأله ۷۲۱

۲۸۲	مسئله ۷۲۲
۲۸۲	مسئله ۷۲۳
۲۸۲	مسئله ۷۲۴
۲۸۲	مسئله ۷۲۵
۲۸۲	مسئله ۷۲۶
۲۸۲	مسئله ۷۲۷
۲۸۳	مسئله ۷۲۸
۲۸۳	مسئله ۷۲۹
۲۸۳	مسئله ۷۳۰
۲۸۳	مسئله ۷۳۱
۲۸۳	مسئله ۷۳۲
۲۸۳	مسئله ۷۳۳
۲۸۴	مسئله ۷۳۴
۲۸۴	مسئله ۷۳۵
۲۸۴	احکام نماز
۲۸۵	نمازهای واجب
۲۸۵	نمازهای واجب یومیه
۲۸۵	مسئله ۷۳۶
۲۸۵	وقت نماز ظهر و عصر
۲۸۵	مسئله ۷۳۷
۲۸۵	مسئله ۷۳۸
۲۸۶	مسئله ۷۳۹
۲۸۶	مسئله ۷۴۰
۲۸۶	مسئله ۷۴۱

۲۸۶	وقت نماز مغرب و عشا
۲۸۶	مسأله ۷۴۲
۲۸۶	مسأله ۷۴۳
۲۸۷	مسأله ۷۴۴
۲۸۷	مسأله ۷۴۵
۲۸۷	مسأله ۷۴۶
۲۸۷	مسأله ۷۴۷
۲۸۸	مسأله ۷۴۸
۲۸۸	وقت نماز صبح
۲۸۸	مسأله ۷۴۹
۲۸۸	احکام وقت نماز
۲۸۸	مسأله ۷۵۰
۲۸۸	مسأله ۷۵۱
۲۸۸	مسأله ۷۵۲
۲۸۹	مسأله ۷۵۳
۲۸۹	مسأله ۷۵۴
۲۸۹	مسأله ۷۵۵
۲۸۹	مسأله ۷۵۶
۲۸۹	مسأله ۷۵۷
۲۹۰	مسأله ۷۵۸
۲۹۰	مسأله ۷۵۹
۲۹۰	مسأله ۷۶۰
۲۹۰	مسأله ۷۶۱
۲۹۱	نمازهایی که باید به ترتیب خوانده شود

۲۹۱	مسئله ۷۶۲
۲۹۱	مسئله ۷۶۳
۲۹۱	مسئله ۷۶۴
۲۹۱	مسئله ۷۶۵
۲۹۱	مسئله ۷۶۶
۲۹۲	مسئله ۷۶۷
۲۹۲	مسئله ۷۶۸
۲۹۲	مسئله ۷۶۹
۲۹۲	مسئله ۷۷۰
۲۹۲	مسئله ۷۷۱
۲۹۳	نمازهای مستحب
۲۹۳	مسئله ۷۷۲
۲۹۳	مسئله ۷۷۳
۲۹۳	مسئله ۷۷۴
۲۹۳	مسئله ۷۷۵
۲۹۳	وقت نافله های یومیه
۲۹۳	مسئله ۷۷۶
۲۹۴	مسئله ۷۷۷
۲۹۴	مسئله ۷۷۸
۲۹۴	مسئله ۷۷۹
۲۹۴	مسئله ۷۸۰
۲۹۴	مسئله ۷۸۱
۲۹۴	نماز غفلیه
۲۹۴	مسئله ۷۸۲

۲۹۵	مسأله ۷۸۳
۲۹۵	احکام قبله
۲۹۵	مسأله ۷۸۴
۲۹۵	مسأله ۷۸۵
۲۹۵	مسأله ۷۸۶
۲۹۵	مسأله ۷۸۷
۲۹۶	مسأله ۷۸۸
۲۹۶	مسأله ۷۸۹
۲۹۶	مسأله ۷۹۰
۲۹۶	مسأله ۷۹۱
۲۹۶	مسأله ۷۹۲
۲۹۷	مسأله ۷۹۳
۲۹۷	مسأله ۷۹۴
۲۹۷	مسأله ۷۹۵
۲۹۷	پوشانیدن بدن در نماز
۲۹۷	مسأله ۷۹۶
۲۹۷	مسأله ۷۹۷
۲۹۷	مسأله ۷۹۸
۲۹۸	مسأله ۷۹۹
۲۹۸	مسأله ۸۰۰
۲۹۸	مسأله ۸۰۱
۲۹۸	مسأله ۸۰۲
۲۹۸	مسأله ۸۰۳
۲۹۸	مسأله ۸۰۴

۲۹۹	مسأله ۸۰۵
۲۹۹	لباس نمازگزار
۲۹۹	مسأله ۸۰۶
۲۹۹	مسأله ۸۰۷
۲۹۹	مسأله ۸۰۸
۳۰۰	مسأله ۸۰۹
۳۰۰	مسأله ۸۱۰
۳۰۰	مسأله ۸۱۱
۳۰۰	مسأله ۸۱۲
۳۰۰	مسأله ۸۱۳
۳۰۱	مسأله ۸۱۴
۳۰۱	مسأله ۸۱۵
۳۰۱	مسأله ۸۱۶
۳۰۱	مسأله ۸۱۷
۳۰۱	مسأله ۸۱۸
۳۰۲	مسأله ۸۱۹
۳۰۲	مسأله ۸۲۰
۳۰۲	مسأله ۸۲۱
۳۰۲	مسأله ۸۲۲
۳۰۲	مسأله ۸۲۳
۳۰۳	مسأله ۸۲۴
۳۰۳	مسأله ۸۲۵
۳۰۳	مسأله ۸۲۶
۳۰۳	مسأله ۸۲۷

۳۰۳	مسأله ۸۲۸
۳۰۴	مسأله ۸۲۹
۳۰۴	مسأله ۸۳۰
۳۰۴	مسأله ۸۳۱
۳۰۴	مسأله ۸۳۲
۳۰۴	مسأله ۸۳۳
۳۰۴	مسأله ۸۳۴
۳۰۵	مسأله ۸۳۵
۳۰۵	مسأله ۸۳۶
۳۰۵	مسأله ۸۳۷
۳۰۵	مسأله ۸۳۸
۳۰۵	مسأله ۸۳۹
۳۰۵	مسأله ۸۴۰
۳۰۶	مسأله ۸۴۱
۳۰۶	مسأله ۸۴۲
۳۰۶	مسأله ۸۴۳
۳۰۶	مسأله ۸۴۴
۳۰۶	مسأله ۸۴۵
۳۰۶	مسأله ۸۴۶
۳۰۷	مسأله ۸۴۷
۳۰۷	مسأله ۸۴۸
۳۰۷	مسأله ۸۴۹
۳۰۷	مسأله ۸۵۰
۳۰۷	مسأله ۸۵۱

- مسئله ۸۵۲ ۳۰۷
- مسئله ۸۵۳ ۳۰۸
- مسئله ۸۵۴ ۳۰۸
- مسئله ۸۵۵ ۳۰۸
- مواردی که لازم نیست بدن و لباس نماز گزار پاک باشد ۳۰۸
- مسئله ۸۵۶ ۳۰۸
- مسئله ۸۵۷ ۳۰۸
- مسئله ۸۵۸ ۳۰۹
- مسئله ۸۵۹ ۳۰۹
- مسئله ۸۶۰ ۳۰۹
- مسئله ۸۶۱ ۳۰۹
- مسئله ۸۶۲ ۳۰۹
- مسئله ۸۶۳ ۳۱۰
- مسئله ۸۶۴ ۳۱۰
- مسئله ۸۶۵ ۳۱۰
- مسئله ۸۶۶ ۳۱۰
- مسئله ۸۶۷ ۳۱۱
- مسئله ۸۶۸ ۳۱۱
- مسئله ۸۶۹ ۳۱۱
- مسئله ۸۷۰ ۳۱۱
- مسئله ۸۷۱ ۳۱۱
- مسئله ۸۷۲ ۳۱۱
- چیزهایی که در لباس نماز گزار مکروه است ۳۱۲
- مسئله ۸۷۳ ۳۱۲

۳۱۲	مکان نمازگزار
۳۱۲	مسأله ۸۷۴
۳۱۲	چیزهایی که در لباس نمازگزار مستحب است
۳۱۲	مسأله ۸۷۵
۳۱۲	مسأله ۸۷۶
۳۱۳	مسأله ۸۷۷
۳۱۳	مسأله ۸۷۸
۳۱۳	مسأله ۸۷۹
۳۱۳	مسأله ۸۸۰
۳۱۳	مسأله ۸۸۱
۳۱۳	مسأله ۸۸۲
۳۱۴	مسأله ۸۸۳
۳۱۴	مسأله ۸۸۴
۳۱۴	مسأله ۸۸۵
۳۱۴	مسأله ۸۸۶
۳۱۴	مسأله ۸۸۷
۳۱۵	مسأله ۸۸۸
۳۱۵	مسأله ۸۸۹
۳۱۵	مسأله ۸۹۰
۳۱۵	مسأله ۸۹۱
۳۱۵	مسأله ۸۹۲
۳۱۶	مسأله ۸۹۳
۳۱۶	مسأله ۸۹۴
۳۱۶	مسأله ۸۹۵

۳۱۶	مسأله ۸۹۶
۳۱۷	مسأله ۸۹۷
۳۱۷	مسأله ۸۹۸
۳۱۷	مسأله ۸۹۹
۳۱۷	مسأله ۹۰۰
۳۱۷	مسأله ۹۰۱
۳۱۷	جاهایی که نماز خواندن در آنها مستحب است
۳۱۷	مسأله ۹۰۲
۳۱۸	مسأله ۹۰۳
۳۱۸	مسأله ۹۰۴
۳۱۸	مسأله ۹۰۵
۳۱۸	جاهایی که نماز خواندن در آنها مکروه است
۳۱۸	مسأله ۹۰۶
۳۱۸	مسأله ۹۰۷
۳۱۹	مسأله ۹۰۸
۳۱۹	احکام مسجد
۳۱۹	مسأله ۹۰۹
۳۱۹	مسأله ۹۱۰
۳۱۹	مسأله ۹۱۱
۳۱۹	مسأله ۹۱۲
۳۲۰	مسأله ۹۱۳
۳۲۰	مسأله ۹۱۴
۳۲۰	مسأله ۹۱۵
۳۲۰	مسأله ۹۱۶

۳۲۰	مسأله ۹۱۷
۳۲۰	مسأله ۹۱۸
۳۲۰	مسأله ۹۱۹
۳۲۱	مسأله ۹۲۰
۳۲۱	مسأله ۹۲۱
۳۲۱	مسأله ۹۲۲
۳۲۱	مسأله ۹۲۳
۳۲۱	مسأله ۹۲۴
۳۲۲	اذان و اقامه
۳۲۲	مسأله ۹۲۵
۳۲۲	مسأله ۹۲۶
۳۲۲	مسأله ۹۲۷
۳۲۲	مسأله ۹۲۸
۳۲۲	ترجمه‌ی اذان و اقامه
۳۲۲	مسأله ۹۲۹
۳۲۳	مسأله ۹۳۰
۳۲۳	مسأله ۹۳۱
۳۲۳	مسأله ۹۳۲
۳۲۳	مسأله ۹۳۳
۳۲۴	مسأله ۹۳۴
۳۲۴	مسأله ۹۳۵
۳۲۴	مسأله ۹۳۶
۳۲۴	مسأله ۹۳۷
۳۲۵	مسأله ۹۳۸

۳۲۵	مسأله ۹۳۹
۳۲۵	مسأله ۹۴۰
۳۲۵	مسأله ۹۴۱
۳۲۵	مسأله ۹۴۲
۳۲۵	مسأله ۹۴۳
۳۲۵	مسأله ۹۴۴
۳۲۶	مسأله ۹۴۵
۳۲۶	مسأله ۹۴۶
۳۲۶	مسأله ۹۴۷
۳۲۶	مسأله ۹۴۸
۳۲۶	مسأله ۹۴۹
۳۲۶	مسأله ۹۵۰
۳۲۷	واجبات نماز
۳۲۷	مسأله ۹۵۱
۳۲۷	نیت
۳۲۷	مسأله ۹۵۲
۳۲۷	مسأله ۹۵۳
۳۲۷	مسأله ۹۵۴
۳۲۸	مسأله ۹۵۵
۳۲۸	مسأله ۹۵۶
۳۲۸	تکبیره الاحرام
۳۲۸	مسأله ۹۵۷
۳۲۸	مسأله ۹۵۸
۳۲۸	مسأله ۹۵۹

۳۲۹	مسأله ۹۶۰
۳۲۹	مسأله ۹۶۱
۳۲۹	مسأله ۹۶۲
۳۲۹	مسأله ۹۶۳
۳۲۹	مسأله ۹۶۴
۳۲۹	مسأله ۹۶۵
۳۳۰	مسأله ۹۶۶
۳۳۰	قیام (ایستادن)
۳۳۰	مسأله ۹۶۷
۳۳۰	مسأله ۹۶۸
۳۳۰	مسأله ۹۶۹
۳۳۰	مسأله ۹۷۰
۳۳۰	مسأله ۹۷۱
۳۳۱	مسأله ۹۷۲
۳۳۱	مسأله ۹۷۳
۳۳۱	مسأله ۹۷۴
۳۳۱	مسأله ۹۷۵
۳۳۱	مسأله ۹۷۶
۳۳۱	مسأله ۹۷۷
۳۳۲	مسأله ۹۷۸
۳۳۲	مسأله ۹۷۹
۳۳۲	مسأله ۹۸۰
۳۳۲	مسأله ۹۸۱
۳۳۲	مسأله ۹۸۲

۳۳۳	مسأله ۹۸۳
۳۳۳	مسأله ۹۸۴
۳۳۳	مسأله ۹۸۵
۳۳۳	مسأله ۹۸۶
۳۳۳	قرائت
۳۳۳	مسأله ۹۸۷
۳۳۳	مسأله ۹۸۸
۳۳۴	مسأله ۹۸۹
۳۳۴	مسأله ۹۹۰
۳۳۴	مسأله ۹۹۱
۳۳۴	مسأله ۹۹۲
۳۳۴	مسأله ۹۹۳
۳۳۴	مسأله ۹۹۴
۳۳۵	مسأله ۹۹۵
۳۳۵	مسأله ۹۹۶
۳۳۵	مسأله ۹۹۷
۳۳۵	مسأله ۹۹۸
۳۳۵	مسأله ۹۹۹
۳۳۶	مسأله ۱۰۰۰
۳۳۶	مسأله ۱۰۰۱
۳۳۶	مسأله ۱۰۰۲
۳۳۶	مسأله ۱۰۰۳
۳۳۶	مسأله ۱۰۰۴
۳۳۶	مسأله ۱۰۰۵

۳۳۷	مسأله ۱۰۰۶
۳۳۷	مسأله ۱۰۰۷
۳۳۷	مسأله ۱۰۰۸
۳۳۷	مسأله ۱۰۰۹
۳۳۷	مسأله ۱۰۱۰
۳۳۷	مسأله ۱۰۱۱
۳۳۸	مسأله ۱۰۱۲
۳۳۸	مسأله ۱۰۱۳
۳۳۸	مسأله ۱۰۱۴
۳۳۸	مسأله ۱۰۱۵
۳۳۹	مسأله ۱۰۱۶
۳۳۹	مسأله ۱۰۱۷
۳۳۹	مسأله ۱۰۱۸
۳۳۹	مسأله ۱۰۱۹
۳۳۹	مسأله ۱۰۲۰
۳۳۹	مسأله ۱۰۲۱
۳۴۰	مسأله ۱۰۲۲
۳۴۰	مسأله ۱۰۲۳
۳۴۰	مسأله ۱۰۲۴
۳۴۰	مسأله ۱۰۲۵
۳۴۰	مسأله ۱۰۲۶
۳۴۱	مسأله ۱۰۲۷
۳۴۱	مسأله ۱۰۲۸
۳۴۱	مسأله ۱۰۲۹

۳۴۱	رکوع
۳۴۱	مسأله ۱۰۳۰
۳۴۱	مسأله ۱۰۳۱
۳۴۲	مسأله ۱۰۳۲
۳۴۲	مسأله ۱۰۳۳
۳۴۲	مسأله ۱۰۳۴
۳۴۲	مسأله ۱۰۳۵
۳۴۲	مسأله ۱۰۳۶
۳۴۲	مسأله ۱۰۳۷
۳۴۲	مسأله ۱۰۳۸
۳۴۳	مسأله ۱۰۳۹
۳۴۳	مسأله ۱۰۴۰
۳۴۳	مسأله ۱۰۴۱
۳۴۳	مسأله ۱۰۴۲
۳۴۳	مسأله ۱۰۴۳
۳۴۳	مسأله ۱۰۴۴
۳۴۴	مسأله ۱۰۴۵
۳۴۴	مسأله ۱۰۴۶
۳۴۴	مسأله ۱۰۴۷
۳۴۴	مسأله ۱۰۴۸
۳۴۴	مسأله ۱۰۴۹
۳۴۵	مسأله ۱۰۵۰
۳۴۵	مسأله ۱۰۵۱
۳۴۵	مسأله ۱۰۵۲

۳۴۵	مسأله ۱۰۵۳
۳۴۵	سجود
۳۴۵	مسأله ۱۰۵۴
۳۴۶	مسأله ۱۰۵۵
۳۴۶	مسأله ۱۰۵۶
۳۴۶	مسأله ۱۰۵۷
۳۴۶	مسأله ۱۰۵۸
۳۴۶	مسأله ۱۰۵۹
۳۴۶	مسأله ۱۰۶۰
۳۴۷	مسأله ۱۰۶۱
۳۴۷	مسأله ۱۰۶۲
۳۴۷	مسأله ۱۰۶۳
۳۴۷	مسأله ۱۰۶۴
۳۴۷	مسأله ۱۰۶۵
۳۴۷	مسأله ۱۰۶۶
۳۴۸	مسأله ۱۰۶۷
۳۴۸	مسأله ۱۰۶۸
۳۴۸	مسأله ۱۰۶۹
۳۴۸	مسأله ۱۰۷۰
۳۴۸	مسأله ۱۰۷۱
۳۴۹	مسأله ۱۰۷۲
۳۴۹	مسأله ۱۰۷۳
۳۴۹	مسأله ۱۰۷۴
۳۴۹	مسأله ۱۰۷۵

۳۴۹	مسأله ۱۰۷۶
۳۵۰	مسأله ۱۰۷۷
۳۵۰	مسأله ۱۰۷۸
۳۵۰	مسأله ۱۰۷۹
۳۵۰	مسأله ۱۰۸۰
۳۵۰	مسأله ۱۰۸۱
۳۵۱	مسأله ۱۰۸۲
۳۵۱	مسأله ۱۰۸۳
۳۵۱	مسأله ۱۰۸۴
۳۵۱	چیزهایی که سجده بر آنها صحیح است
۳۵۱	مسأله ۱۰۸۵
۳۵۱	مسأله ۱۰۸۶
۳۵۱	مسأله ۱۰۸۷
۳۵۲	مسأله ۱۰۸۸
۳۵۲	مسأله ۱۰۸۹
۳۵۲	مسأله ۱۰۹۰
۳۵۲	مسأله ۱۰۹۱
۳۵۲	مسأله ۱۰۹۲
۳۵۲	مسأله ۱۰۹۳
۳۵۳	مسأله ۱۰۹۴
۳۵۳	مسأله ۱۰۹۵
۳۵۳	مسأله ۱۰۹۶
۳۵۳	مسأله ۱۰۹۷
۳۵۳	مسأله ۱۰۹۸

۳۵۴	مستحبات و مکروهات سجده
۳۵۴	مسأله ۱۰۹۹
۳۵۴	مسأله ۱۱۰۰
۳۵۴	مسأله ۱۱۰۱
۳۵۵	سجده واجب قرآن
۳۵۵	مسأله ۱۱۰۲
۳۵۵	مسأله ۱۱۰۳
۳۵۵	مسأله ۱۱۰۴
۳۵۵	مسأله ۱۱۰۵
۳۵۵	مسأله ۱۱۰۶
۳۵۵	مسأله ۱۱۰۷
۳۵۶	تشهد
۳۵۶	مسأله ۱۱۰۸
۳۵۶	مسأله ۱۱۰۹
۳۵۶	مسأله ۱۱۱۰
۳۵۶	مسأله ۱۱۱۱
۳۵۷	مسأله ۱۱۱۲
۳۵۷	مسأله ۱۱۱۳
۳۵۷	سلام نماز
۳۵۷	مسأله ۱۱۱۴
۳۵۷	مسأله ۱۱۱۵
۳۵۷	مسأله ۱۱۱۶
۳۵۸	ترتیب
۳۵۸	مسأله ۱۱۱۷

۳۵۸	مسأله ۱۱۱۸
۳۵۸	مسأله ۱۱۱۹
۳۵۸	مسأله ۱۱۲۰
۳۵۸	مسأله ۱۱۲۱
۳۵۹	مسأله ۱۱۲۲
۳۵۹	موالات
۳۵۹	مسأله ۱۱۲۳
۳۵۹	مسأله ۱۱۲۴
۳۵۹	مسأله ۱۱۲۵
۳۵۹	قنوت
۳۵۹	مسأله ۱۱۲۶
۳۵۹	مسأله ۱۱۲۷
۳۶۰	مسأله ۱۱۲۸
۳۶۰	مسأله ۱۱۲۹
۳۶۰	مسأله ۱۱۳۰
۳۶۰	ترجمه نماز
۳۶۱	تعقیب نماز
۳۶۱	مسأله ۱۱۳۱
۳۶۲	مسأله ۱۱۳۲
۳۶۲	صلوات بر پیغمبر
۳۶۲	مسأله ۱۱۳۳
۳۶۲	مسأله ۱۱۳۴
۳۶۲	مبطلات نماز
۳۶۲	مسأله ۱۱۳۵

۳۶۲	مسأله ۱۱۳۶
۳۶۳	مسأله ۱۱۳۷
۳۶۳	مسأله ۱۱۳۸
۳۶۳	مسأله ۱۱۳۹
۳۶۳	مسأله ۱۱۴۰
۳۶۴	مسأله ۱۱۴۱
۳۶۴	مسأله ۱۱۴۲
۳۶۴	مسأله ۱۱۴۳
۳۶۴	مسأله ۱۱۴۴
۳۶۴	مسأله ۱۱۴۵
۳۶۴	مسأله ۱۱۴۶
۳۶۵	مسأله ۱۱۴۷
۳۶۵	مسأله ۱۱۴۸
۳۶۵	مسأله ۱۱۴۹
۳۶۵	مسأله ۱۱۵۰
۳۶۵	مسأله ۱۱۵۱
۳۶۵	مسأله ۱۱۵۲
۳۶۶	مسأله ۱۱۵۳
۳۶۶	مسأله ۱۱۵۴
۳۶۶	مسأله ۱۱۵۵
۳۶۶	مسأله ۱۱۵۶
۳۶۶	مسأله ۱۱۵۷
۳۶۶	مسأله ۱۱۵۸
۳۶۶	مسأله ۱۱۵۹

۳۶۷	مسأله ۱۱۶۰
۳۶۷	مسأله ۱۱۶۱
۳۶۷	مسأله ۱۱۶۲
۳۶۸	مسأله ۱۱۶۳
۳۶۸	مسأله ۱۱۶۴
۳۶۸	مسأله ۱۱۶۵
۳۶۸	چیزهایی که در نماز مکروه است
۳۶۸	مسأله ۱۱۶۶
۳۶۸	مسأله ۱۱۶۷
۳۶۸	مواردی که می شود نماز واجب را شکست
۳۶۹	مسأله ۱۱۶۸
۳۶۹	مسأله ۱۱۶۹
۳۶۹	مسأله ۱۱۷۰
۳۶۹	مسأله ۱۱۷۱
۳۶۹	مسأله ۱۱۷۲
۳۶۹	مسأله ۱۱۷۳
۳۷۰	شکایات
۳۷۰	شک های باطل
۳۷۰	مسأله ۱۱۷۴
۳۷۰	مسأله ۱۱۷۵
۳۷۱	شک هایی که نباید با آنها اعتنا کرد
۳۷۱	مسأله ۱۱۷۶
۳۷۱	۱- شک در چیزی که محل آن گذشته است
۳۷۱	مسأله ۱۱۷۷

۳۷۱	مسأله ۱۱۷۸
۳۷۱	مسأله ۱۱۷۹
۳۷۲	مسأله ۱۱۸۰
۳۷۲	مسأله ۱۱۸۱
۳۷۲	مسأله ۱۱۸۲
۳۷۲	مسأله ۱۱۸۳
۳۷۲	مسأله ۱۱۸۴
۳۷۲	مسأله ۱۱۸۵
۳۷۳	مسأله ۱۱۸۶
۳۷۳	مسأله ۱۱۸۷
۳۷۳	۲- شک بعد از سلام
۳۷۳	مسأله ۱۱۸۸
۳۷۳	۳- شک بعد از وقت
۳۷۳	مسأله ۱۱۸۹
۳۷۴	مسأله ۱۱۹۰
۳۷۴	مسأله ۱۱۹۱
۳۷۴	مسأله ۱۱۹۲
۳۷۴	۴- کثیرالشک (کسی که زیاد شک می کند)
۳۷۴	مسأله ۱۱۹۳
۳۷۴	مسأله ۱۱۹۴
۳۷۴	مسأله ۱۱۹۵
۳۷۵	مسأله ۱۱۹۶
۳۷۵	مسأله ۱۱۹۷
۳۷۵	مسأله ۱۱۹۸

۳۷۵	مسأله ۱۱۹۹
۳۷۵	مسأله ۱۲۰۰
۳۷۶	۵- شک امام و مأوم
۳۷۶	مسأله ۱۲۰۱
۳۷۶	۶- شک در نماز مستحبی
۳۷۶	مسأله ۱۲۰۲
۳۷۶	مسأله ۱۲۰۳
۳۷۶	مسأله ۱۲۰۴
۳۷۷	مسأله ۱۲۰۵
۳۷۷	مسأله ۱۲۰۶
۳۷۷	مسأله ۱۲۰۷
۳۷۷	شک های صحیح
۳۷۷	مسأله ۱۲۰۸
۳۷۸	مسأله ۱۲۰۹
۳۷۸	مسأله ۱۲۱۰
۳۷۹	مسأله ۱۲۱۱
۳۷۹	مسأله ۱۲۱۲
۳۷۹	مسأله ۱۲۱۳
۳۷۹	مسأله ۱۲۱۴
۳۷۹	مسأله ۱۲۱۵
۳۸۰	مسأله ۱۲۱۶
۳۸۰	مسأله ۱۲۱۷
۳۸۰	مسأله ۱۲۱۸
۳۸۰	مسأله ۱۲۱۹

۳۸۰	مسأله ۱۲۲۰
۳۸۰	مسأله ۱۲۲۱
۳۸۱	مسأله ۱۲۲۲
۳۸۱	مسأله ۱۲۲۳
۳۸۱	نماز احتیاط
۳۸۱	مسأله ۱۲۲۴
۳۸۱	مسأله ۱۲۲۵
۳۸۱	مسأله ۱۲۲۶
۳۸۲	مسأله ۱۲۲۷
۳۸۲	مسأله ۱۲۲۸
۳۸۲	مسأله ۱۲۲۹
۳۸۲	مسأله ۱۲۳۰
۳۸۲	مسأله ۱۲۳۱
۳۸۲	مسأله ۱۲۳۲
۳۸۳	مسأله ۱۲۳۳
۳۸۳	مسأله ۱۲۳۴
۳۸۳	مسأله ۱۲۳۵
۳۸۳	مسأله ۱۲۳۶
۳۸۴	مسأله ۱۲۳۷
۳۸۴	مسأله ۱۲۳۸
۳۸۴	مسأله ۱۲۳۹
۳۸۴	مسأله ۱۲۴۰
۳۸۴	مسأله ۱۲۴۱
۳۸۴	مسأله ۱۲۴۲

۳۸۵	مسأله ۱۲۴۳
۳۸۵	سجده سهو
۳۸۵	مسأله ۱۲۴۴
۳۸۵	مسأله ۱۲۴۵
۳۸۵	مسأله ۱۲۴۶
۳۸۶	مسأله ۱۲۴۷
۳۸۶	مسأله ۱۲۴۸
۳۸۶	مسأله ۱۲۴۹
۳۸۶	مسأله ۱۲۵۰
۳۸۶	مسأله ۱۲۵۱
۳۸۷	مسأله ۱۲۵۲
۳۸۷	مسأله ۱۲۵۳
۳۸۷	مسأله ۱۲۵۴
۳۸۷	مسأله ۱۲۵۵
۳۸۷	مسأله ۱۲۵۶
۳۸۷	مسأله ۱۲۵۷
۳۸۷	مسأله ۱۲۵۸
۳۸۸	دستور سجده سهو
۳۸۸	مسأله ۱۲۵۹
۳۸۸	فضای سجده و تشهد فراموش شده
۳۸۸	مسأله ۱۲۶۰
۳۸۸	مسأله ۱۲۶۱
۳۸۸	مسأله ۱۲۶۲
۳۸۹	مسأله ۱۲۶۳

۳۸۹	مسأله ۱۲۶۴
۳۸۹	مسأله ۱۲۶۵
۳۸۹	مسأله ۱۲۶۶
۳۸۹	مسأله ۱۲۶۷
۳۹۰	مسأله ۱۲۶۸
۳۹۰	مسأله ۱۲۶۹
۳۹۰	مسأله ۱۲۷۰
۳۹۰	کم و زیاد کردن اجزاء و شرایط نماز
۳۹۰	مسأله ۱۲۷۱
۳۹۰	مسأله ۱۲۷۲
۳۹۰	مسأله ۱۲۷۳
۳۹۱	مسأله ۱۲۷۴
۳۹۱	مسأله ۱۲۷۵
۳۹۱	مسأله ۱۲۷۶
۳۹۱	مسأله ۱۲۷۷
۳۹۱	مسأله ۱۲۷۸
۳۹۲	نماز مسافر
۳۹۲	مسأله ۱۲۷۹
۳۹۲	مسأله ۱۲۸۰
۳۹۲	مسائل متفرقه
۳۹۲	مسأله ۱۲۸۱
۳۹۲	مسأله ۱۲۸۲
۳۹۳	مسأله ۱۲۸۳
۳۹۳	مسأله ۱۲۸۴

۳۹۳	مسأله ۱۲۸۵
۳۹۳	مسأله ۱۲۸۶
۳۹۳	مسأله ۱۲۸۷
۳۹۴	مسأله ۱۲۸۸
۳۹۴	مسأله ۱۲۸۹
۳۹۴	مسأله ۱۲۹۰
۳۹۴	مسأله ۱۲۹۱
۳۹۵	مسأله ۱۲۹۲
۳۹۵	مسأله ۱۲۹۳
۳۹۵	مسأله ۱۲۹۴
۳۹۵	مسأله ۱۲۹۵
۳۹۵	مسأله ۱۲۹۶
۳۹۶	مسأله ۱۲۹۷
۳۹۶	مسأله ۱۲۹۸
۳۹۶	مسأله ۱۲۹۹
۳۹۶	مسأله ۱۳۰۰
۳۹۶	مسأله ۱۳۰۱
۳۹۷	مسأله ۱۳۰۲
۳۹۷	مسأله ۱۳۰۳
۳۹۷	مسأله ۱۳۰۴
۳۹۷	مسأله ۱۳۰۵
۳۹۷	مسأله ۱۳۰۶
۳۹۸	مسأله ۱۳۰۷
۳۹۸	مسأله ۱۳۰۸

۳۹۸	مسأله ۱۳۰۹
۳۹۸	مسأله ۱۳۱۰
۳۹۸	مسأله ۱۳۱۱
۳۹۹	مسأله ۱۳۱۲
۳۹۹	مسأله ۱۳۱۳
۳۹۹	مسأله ۱۳۱۴
۳۹۹	مسأله ۱۳۱۵
۳۹۹	مسأله ۱۳۱۶
۴۰۰	مسأله ۱۳۱۷
۴۰۰	مسأله ۱۳۱۸
۴۰۰	مسأله ۱۳۱۹
۴۰۰	مسأله ۱۳۲۰
۴۰۰	مسأله ۱۳۲۱
۴۰۰	مسأله ۱۳۲۲
۴۰۱	مسأله ۱۳۲۳
۴۰۱	مسأله ۱۳۲۴
۴۰۱	مسأله ۱۳۲۵
۴۰۱	مسأله ۱۳۲۶
۴۰۱	مسأله ۱۳۲۷
۴۰۱	مسأله ۱۳۲۸
۴۰۲	مسأله ۱۳۲۹
۴۰۲	مسأله ۱۳۳۰
۴۰۲	مسأله ۱۳۳۱
۴۰۲	مسأله ۱۳۳۲

۴۰۲	مسأله ۱۳۳۳
۴۰۳	مسأله ۱۳۳۴
۴۰۳	مسأله ۱۳۳۵
۴۰۳	مسأله ۱۳۳۶
۴۰۳	مسأله ۱۳۳۷
۴۰۳	مسأله ۱۳۳۸
۴۰۳	مسأله ۱۳۳۹
۴۰۴	مسأله ۱۳۴۰
۴۰۴	مسأله ۱۳۴۱
۴۰۴	مسأله ۱۳۴۲
۴۰۴	مسأله ۱۳۴۳
۴۰۴	مسأله ۱۳۴۴
۴۰۴	مسأله ۱۳۴۵
۴۰۵	مسأله ۱۳۴۶
۴۰۵	مسأله ۱۳۴۷
۴۰۵	مسأله ۱۳۴۸
۴۰۵	مسأله ۱۳۴۹
۴۰۵	مسأله ۱۳۵۰
۴۰۶	مسأله ۱۳۵۱
۴۰۶	مسأله ۱۳۵۲
۴۰۶	مسأله ۱۳۵۳
۴۰۶	مسأله ۱۳۵۴
۴۰۶	مسأله ۱۳۵۵
۴۰۷	مسأله ۱۳۵۶

۴۰۷	مسأله ۱۳۵۷
۴۰۷	مسأله ۱۳۵۸
۴۰۷	مسأله ۱۳۵۹
۴۰۸	مسأله ۱۳۶۰
۴۰۸	مسأله ۱۳۶۱
۴۰۸	مسأله ۱۳۶۲
۴۰۸	مسأله ۱۳۶۳
۴۰۸	مسأله ۱۳۶۴
۴۰۹	کم و زیاد کردن اجزاء و شرایط نماز
۴۰۹	مسأله ۱۳۶۵
۴۰۹	مسأله ۱۳۶۶
۴۰۹	مسأله ۱۳۶۷
۴۰۹	مسأله ۱۳۶۸
۴۱۰	مسأله ۱۳۶۹
۴۱۰	مسأله ۱۳۷۰
۴۱۰	مسأله ۱۳۷۱
۴۱۰	مسأله ۱۳۷۲
۴۱۰	مسأله ۱۳۷۳
۴۱۰	مسأله ۱۳۷۴
۴۱۱	مسأله ۱۳۷۵
۴۱۱	مسأله ۱۳۷۶
۴۱۱	مسأله ۱۳۷۷
۴۱۱	مسأله ۱۳۷۸
۴۱۱	نماز قضا

۴۱۱	مسأله ۱۳۷۹
۴۱۲	مسأله ۱۳۸۰
۴۱۲	مسأله ۱۳۸۱
۴۱۲	مسأله ۱۳۸۲
۴۱۲	مسأله ۱۳۸۳
۴۱۲	مسأله ۱۳۸۴
۴۱۲	مسأله ۱۳۸۵
۴۱۲	مسأله ۱۳۸۶
۴۱۳	مسأله ۱۳۸۷
۴۱۳	مسأله ۱۳۸۸
۴۱۳	مسأله ۱۳۸۹
۴۱۳	مسأله ۱۳۹۰
۴۱۴	مسأله ۱۳۹۱
۴۱۴	مسأله ۱۳۹۲
۴۱۴	مسأله ۱۳۹۳
۴۱۴	مسأله ۱۳۹۴
۴۱۵	مسأله ۱۳۹۵
۴۱۵	مسأله ۱۳۹۶
۴۱۵	مسأله ۱۳۹۷
۴۱۵	مسأله ۱۳۹۸
۴۱۵	نماز قضای پدر و مادر که بر پسر بزرگتر واجب است
۴۱۵	مسأله ۱۳۹۹
۴۱۶	مسأله ۱۴۰۰
۴۱۶	مسأله ۱۴۰۱

۴۱۶	مسئله ۱۴۰۲
۴۱۶	مسئله ۱۴۰۳
۴۱۶	مسئله ۱۴۰۴
۴۱۶	مسئله ۱۴۰۵
۴۱۶	مسئله ۱۴۰۶
۴۱۷	مسئله ۱۴۰۷
۴۱۷	نماز جماعت
۴۱۷	مسئله ۱۴۰۸
۴۱۷	مسئله ۱۴۰۹
۴۱۷	مسئله ۱۴۱۰
۴۱۷	مسئله ۱۴۱۱
۴۱۸	مسئله ۱۴۱۲
۴۱۸	مسئله ۱۴۱۳
۴۱۸	مسئله ۱۴۱۴
۴۱۸	مسئله ۱۴۱۵
۴۱۸	مسئله ۱۴۱۶
۴۱۸	مسئله ۱۴۱۷
۴۱۹	مسئله ۱۴۱۸
۴۱۹	مسئله ۱۴۱۹
۴۱۹	مسئله ۱۴۲۰
۴۱۹	مسئله ۱۴۲۱
۴۱۹	مسئله ۱۴۲۲
۴۱۹	مسئله ۱۴۲۳
۴۲۰	مسئله ۱۴۲۴

۴۲۰	مسأله ۱۴۲۵
۴۲۰	مسأله ۱۴۲۶
۴۲۰	مسأله ۱۴۲۷
۴۲۰	مسأله ۱۴۲۸
۴۲۱	مسأله ۱۴۲۹
۴۲۱	مسأله ۱۴۳۰
۴۲۱	مسأله ۱۴۳۱
۴۲۱	مسأله ۱۴۳۲
۴۲۱	مسأله ۱۴۳۳
۴۲۱	مسأله ۱۴۳۴
۴۲۲	مسأله ۱۴۳۵
۴۲۲	مسأله ۱۴۳۶
۴۲۲	مسأله ۱۴۳۷
۴۲۲	مسأله ۱۴۳۸
۴۲۲	مسأله ۱۴۳۹
۴۲۳	مسأله ۱۴۴۰
۴۲۳	مسأله ۱۴۴۱
۴۲۳	مسأله ۱۴۴۲
۴۲۳	مسأله ۱۴۴۳
۴۲۳	مسأله ۱۴۴۴
۴۲۴	مسأله ۱۴۴۵
۴۲۴	مسأله ۱۴۴۶
۴۲۴	مسأله ۱۴۴۷
۴۲۴	مسأله ۱۴۴۸

۴۲۴	مسأله ۱۴۴۹
۴۲۵	مسأله ۱۴۵۰
۴۲۵	مسأله ۱۴۵۱
۴۲۵	مسأله ۱۴۵۲
۴۲۵	مسأله ۱۴۵۳
۴۲۵	مسأله ۱۴۵۴
۴۲۶	مسأله ۱۴۵۵
۴۲۶	مسأله ۱۴۵۶
۴۲۶	مسأله ۱۴۵۷
۴۲۶	مسأله ۱۴۵۸
۴۲۶	مسأله ۱۴۵۹
۴۲۶	مسأله ۱۴۶۰
۴۲۷	مسأله ۱۴۶۱
۴۲۷	شرایط امام جماعت
۴۲۷	مسأله ۱۴۶۲
۴۲۷	مسأله ۱۴۶۳
۴۲۷	مسأله ۱۴۶۴
۴۲۷	مسأله ۱۴۶۵
۴۲۷	مسأله ۱۴۶۶
۴۲۸	مسأله ۱۴۶۷
۴۲۸	احکام جماعت
۴۲۸	مسأله ۱۴۶۸
۴۲۸	مسأله ۱۴۶۹
۴۲۸	مسأله ۱۴۷۰

۴۲۸	مسأله ۱۴۷۱
۴۲۸	مسأله ۱۴۷۲
۴۲۸	مسأله ۱۴۷۳
۴۲۹	مسأله ۱۴۷۴
۴۲۹	مسأله ۱۴۷۵
۴۲۹	مسأله ۱۴۷۶
۴۲۹	مسأله ۱۴۷۷
۴۲۹	مسأله ۱۴۷۸
۴۳۰	مسأله ۱۴۷۹
۴۳۰	مسأله ۱۴۸۰
۴۳۰	مسأله ۱۴۸۲
۴۳۰	مسأله ۱۴۸۲
۴۳۰	مسأله ۱۴۸۳
۴۳۰	مسأله ۱۴۸۴
۴۳۱	مسأله ۱۴۸۵
۴۳۱	مسأله ۱۴۸۶
۴۳۱	مسأله ۱۴۸۷
۴۳۱	مسأله ۱۴۸۸
۴۳۲	چیزهایی که در نماز جماعت مستحب است
۴۳۲	مسأله ۱۴۸۹
۴۳۲	مسأله ۱۴۹۰
۴۳۲	مسأله ۱۴۹۱
۴۳۲	مسأله ۱۴۹۲
۴۳۲	مسأله ۱۴۹۳

۴۳۲	مسأله ۱۴۹۴
۴۳۳	مسأله ۱۴۹۵
۴۳۳	مسأله ۱۴۹۶
۴۳۳	چیزهایی که در نماز جماعت مکروه است
۴۳۳	مسأله ۱۴۹۷
۴۳۳	مسأله ۱۴۹۸
۴۳۳	مسأله ۱۴۹۹
۴۳۳	نماز آیات
۴۳۳	مسأله ۱۵۰۰
۴۳۴	مسأله ۱۵۰۱
۴۳۴	مسأله ۱۵۰۲
۴۳۴	مسأله ۱۵۰۳
۴۳۴	مسأله ۱۵۰۴
۴۳۴	مسأله ۱۵۰۵
۴۳۵	مسأله ۱۵۰۶
۴۳۵	مسأله ۱۵۰۷
۴۳۵	مسأله ۱۵۰۸
۴۳۵	مسأله ۱۵۰۹
۴۳۵	مسأله ۱۵۱۰
۴۳۶	مسأله ۱۵۱۱
۴۳۶	مسأله ۱۵۱۲
۴۳۶	مسأله ۱۵۱۳
۴۳۶	مسأله ۱۵۱۴
۴۳۶	مسأله ۱۵۱۵

۴۳۶	دستور نماز آیات
۴۳۷	مسأله ۱۵۱۶
۴۳۷	مسأله ۱۵۱۷
۴۳۷	مسأله ۱۵۱۸
۴۳۷	مسأله ۱۵۱۹
۴۳۷	مسأله ۱۵۲۰
۴۳۸	مسأله ۱۵۲۱
۴۳۸	مسأله ۱۵۲۲
۴۳۸	مسأله ۱۵۲۳
۴۳۸	مسأله ۱۵۲۴
۴۳۸	نماز عید فطر و قربان
۴۳۸	مسأله ۱۵۲۵
۴۳۸	مسأله ۱۵۲۶
۴۳۸	مسأله ۱۵۲۷
۴۳۹	مسأله ۱۵۲۸
۴۳۹	مسأله ۱۵۲۹
۴۳۹	مسأله ۱۵۳۰
۴۳۹	مسأله ۱۵۳۱
۴۳۹	مسأله ۱۵۳۲
۴۴۰	مسأله ۱۵۳۳
۴۴۰	مسأله ۱۵۳۴
۴۴۰	مسأله ۱۵۳۵
۴۴۰	مسأله ۱۵۳۶
۴۴۰	مسأله ۱۵۳۷

۴۴۰	مسأله ۱۵۳۸
۴۴۰	مسأله ۱۵۳۹
۴۴۱	مسأله ۱۵۴۰
۴۴۱	مسأله ۱۵۴۱
۴۴۱	اجیر گرفتن برای نماز
۴۴۱	مسأله ۱۵۴۲
۴۴۱	مسأله ۱۵۴۳
۴۴۱	مسأله ۱۵۴۴
۴۴۱	مسأله ۱۵۴۵
۴۴۲	مسأله ۱۵۴۶
۴۴۲	مسأله ۱۵۴۷
۴۴۲	مسأله ۱۵۴۸
۴۴۲	مسأله ۱۵۴۹
۴۴۲	مسأله ۱۵۵۰
۴۴۲	مسأله ۱۵۵۱
۴۴۳	مسأله ۱۵۵۲
۴۴۳	مسأله ۱۵۵۳
۴۴۳	مسأله ۱۵۵۴
۴۴۳	مسأله ۱۵۵۵
۴۴۳	مسأله ۱۵۵۶
۴۴۴	مسأله ۱۵۵۷
۴۴۴	مسأله ۱۵۵۸
۴۴۴	احکام روزه
۴۴۴	نیت

۴۴۴	مسأله ۱۵۵۹
۴۴۴	مسأله ۱۵۶۰
۴۴۵	مسأله ۱۵۶۱
۴۴۵	مسأله ۱۵۶۲
۴۴۵	مسأله ۱۵۶۳
۴۴۵	مسأله ۱۵۶۴
۴۴۵	مسأله ۱۵۶۵
۴۴۵	مسأله ۱۵۶۶
۴۴۵	مسأله ۱۵۶۷
۴۴۶	مسأله ۱۵۶۸
۴۴۶	مسأله ۱۵۶۹
۴۴۶	مسأله ۱۵۷۰
۴۴۶	مسأله ۱۵۷۱
۴۴۶	مسأله ۱۵۷۲
۴۴۷	مسأله ۱۵۷۳
۴۴۷	مسأله ۱۵۷۴
۴۴۷	مسأله ۱۵۷۵
۴۴۷	مسأله ۱۵۷۶
۴۴۷	مسأله ۱۵۷۷
۴۴۸	مسأله ۱۵۷۸
۴۴۸	مسأله ۱۵۷۹
۴۴۸	مسأله ۱۵۸۰
۴۴۸	چیزهایی که روزه را باطل می کند
۴۴۸	مسأله ۱۵۸۱

۴۴۸	۱- خوردن و آشامیدن
۴۴۸	مسأله ۱۵۸۲
۴۴۹	مسأله ۱۵۸۳
۴۴۹	مسأله ۱۵۸۴
۴۴۹	مسأله ۱۵۸۵
۴۴۹	مسأله ۱۵۸۶
۴۴۹	مسأله ۱۵۸۷
۴۴۹	مسأله ۱۵۸۸
۴۴۹	مسأله ۱۵۸۹
۴۵۰	مسأله ۱۵۹۰
۴۵۰	مسأله ۱۵۹۱
۴۵۰	مسأله ۱۵۹۲
۴۵۰	۲- جماع
۴۵۰	مسأله ۱۵۹۳
۴۵۰	مسأله ۱۵۹۴
۴۵۱	مسأله ۱۵۹۵
۴۵۱	مسأله ۱۵۹۶
۴۵۱	۳- استمناء
۴۵۱	مسأله ۱۵۹۷
۴۵۱	مسأله ۱۵۹۸
۴۵۱	مسأله ۱۵۹۹
۴۵۱	مسأله ۱۶۰۰
۴۵۱	مسأله ۱۶۰۱
۴۵۲	مسأله ۱۶۰۲

۴۵۲	مسأله ۱۶۰۳
۴۵۲	مسأله ۱۶۰۴
۴۵۲	۴- دروغ بستن به خدا و پیغمبر
۴۵۲	مسأله ۱۶۰۵
۴۵۲	مسأله ۱۶۰۶
۴۵۳	مسأله ۱۶۰۷
۴۵۳	مسأله ۱۶۰۸
۴۵۳	مسأله ۱۶۰۹
۴۵۳	مسأله ۱۶۱۰
۴۵۳	مسأله ۱۶۱۱
۴۵۳	۵- رساندن غبار غلیظ به حلق
۴۵۳	مسأله ۱۶۱۲
۴۵۴	مسأله ۱۶۱۳
۴۵۴	مسأله ۱۶۱۴
۴۵۴	مسأله ۱۶۱۵
۴۵۴	۶- فرو بردن سر در آب
۴۵۴	مسأله ۱۶۱۶
۴۵۴	مسأله ۱۶۱۷
۴۵۴	مسأله ۱۶۱۸
۴۵۵	مسأله ۱۶۱۹
۴۵۵	مسأله ۱۶۲۰
۴۵۵	مسأله ۱۶۲۱
۴۵۵	مسأله ۱۶۲۲
۴۵۵	مسأله ۱۶۲۳

۴۵۵	مسأله ۱۶۲۴
۴۵۶	مسأله ۱۶۲۵
۴۵۶	مسأله ۱۶۲۶
۴۵۶	مسأله ۱۶۲۷
۴۵۶	۷- باقیماندن بر جنابت و حیض و نفاس تا اذان صبح
۴۵۶	مسأله ۱۶۲۸
۴۵۶	مسأله ۱۶۲۹
۴۵۶	مسأله ۱۶۳۰
۴۵۷	مسأله ۱۶۳۱
۴۵۷	مسأله ۱۶۳۲
۴۵۷	مسأله ۱۶۳۳
۴۵۷	مسأله ۱۶۳۴
۴۵۷	مسأله ۱۶۳۵
۴۵۸	مسأله ۱۶۳۶
۴۵۸	مسأله ۱۶۳۷
۴۵۸	مسأله ۱۶۳۸
۴۵۸	مسأله ۱۶۳۹
۴۵۸	مسأله ۱۶۴۰
۴۵۹	مسأله ۱۶۴۱
۴۵۹	مسأله ۱۶۴۲
۴۵۹	مسأله ۱۶۴۳
۴۵۹	مسأله ۱۶۴۴
۴۵۹	مسأله ۱۶۴۵
۴۶۰	مسأله ۱۶۴۶

۴۶۰	مسأله ۱۶۴۷
۴۶۰	مسأله ۱۶۴۸
۴۶۰	مسأله ۱۶۴۹
۴۶۰	مسأله ۱۶۵۰
۴۶۰	مسأله ۱۶۵۱
۴۶۱	مسأله ۱۶۵۲
۴۶۱	مسأله ۱۶۵۳
۴۶۱	۸- اماله کردن
۴۶۱	مسأله ۱۶۵۴
۴۶۱	۹- قی کردن
۴۶۱	مسأله ۱۶۵۵
۴۶۱	مسأله ۱۶۵۶
۴۶۲	مسأله ۱۶۵۷
۴۶۲	مسأله ۱۶۵۸
۴۶۲	مسأله ۱۶۵۹
۴۶۲	مسأله ۱۶۶۰
۴۶۲	مسأله ۱۶۶۱
۴۶۲	احکام چیزهایی که روزه را باطل می کند
۴۶۲	مسأله ۱۶۶۲
۴۶۳	مسأله ۱۶۶۳
۴۶۳	مسأله ۱۶۶۴
۴۶۳	مسأله ۱۶۶۵
۴۶۳	آنچه برای روزه دار مکروه است
۴۶۳	مسأله ۱۶۶۶

۴۶۳	جاهايي که قضا و کفارہ واجب است
۴۶۴	مسأله ۱۶۶۷
۴۶۴	مسأله ۱۶۶۸
۴۶۴	کفارہ روزہ
۴۶۴	مسأله ۱۶۶۹
۴۶۴	مسأله ۱۶۷۰
۴۶۴	مسأله ۱۶۷۱
۴۶۵	مسأله ۱۶۷۲
۴۶۵	مسأله ۱۶۷۳
۴۶۵	مسأله ۱۶۷۴
۴۶۵	مسأله ۱۶۷۵
۴۶۵	مسأله ۱۶۷۶
۴۶۵	مسأله ۱۶۷۷
۴۶۶	مسأله ۱۶۷۸
۴۶۶	مسأله ۱۶۷۹
۴۶۶	مسأله ۱۶۸۰
۴۶۶	مسأله ۱۶۸۱
۴۶۶	مسأله ۱۶۸۲
۴۶۷	مسأله ۱۶۸۳
۴۶۷	مسأله ۱۶۸۴
۴۶۷	مسأله ۱۶۸۵
۴۶۷	مسأله ۱۶۸۶
۴۶۷	مسأله ۱۶۸۷
۴۶۷	مسأله ۱۶۸۸

۴۶۷	مسأله ۱۶۸۹
۴۶۸	مسأله ۱۶۹۰
۴۶۸	مسأله ۱۶۹۱
۴۶۸	مسأله ۱۶۹۲
۴۶۸	مسأله ۱۶۹۳
۴۶۸	مسأله ۱۶۹۴
۴۶۸	مسأله ۱۶۹۵
۴۶۹	مسأله ۱۶۹۶
۴۶۹	جاهایی که فقط قضای روزه واجب است
۴۶۹	مسأله ۱۶۹۷
۴۶۹	مسأله ۱۶۹۸
۴۷۰	مسأله ۱۶۹۹
۴۷۰	مسأله ۱۷۰۰
۴۷۰	مسأله ۱۷۰۱
۴۷۰	مسأله ۱۷۰۲
۴۷۰	احکام روزه قضا
۴۷۰	مسأله ۱۷۰۳
۴۷۰	مسأله ۱۷۰۴
۴۷۱	مسأله ۱۷۰۵
۴۷۱	مسأله ۱۷۰۶
۴۷۱	مسأله ۱۷۰۷
۴۷۱	مسأله ۱۷۰۸
۴۷۱	مسأله ۱۷۰۹
۴۷۲	مسأله ۱۷۱۰

۴۷۲	مسأله ۱۷۱۱
۴۷۲	مسأله ۱۷۱۲
۴۷۲	مسأله ۱۷۱۳
۴۷۲	مسأله ۱۷۱۴
۴۷۲	مسأله ۱۷۱۵
۴۷۳	مسأله ۱۷۱۶
۴۷۳	مسأله ۱۷۱۷
۴۷۳	مسأله ۱۷۱۸
۴۷۳	مسأله ۱۷۱۹
۴۷۳	مسأله ۱۷۲۰
۴۷۳	مسأله ۱۷۲۱
۴۷۴	مسأله ۱۷۲۲
۴۷۴	احکام روزه مسافر
۴۷۴	مسأله ۱۷۲۳
۴۷۴	مسأله ۱۷۲۴
۴۷۴	مسأله ۱۷۲۵
۴۷۴	مسأله ۱۷۲۶
۴۷۵	مسأله ۱۷۲۷
۴۷۵	مسأله ۱۷۲۸
۴۷۵	مسأله ۱۷۲۹
۴۷۵	مسأله ۱۷۳۰
۴۷۵	مسأله ۱۷۳۱
۴۷۵	مسأله ۱۷۳۲
۴۷۶	مسأله ۱۷۳۳

۴۷۶	کسانی که روزه بر آنها واجب نیست
۴۷۶	مسأله ۱۷۳۴
۴۷۶	مسأله ۱۷۳۵
۴۷۶	مسأله ۱۷۳۶
۴۷۶	مسأله ۱۷۳۷
۴۷۷	مسأله ۱۷۳۸
۴۷۷	راه ثابت شدن اول ماه
۴۷۷	مسأله ۱۷۳۹
۴۷۷	مسأله ۱۷۴۰
۴۷۸	مسأله ۱۷۴۱
۴۷۸	مسأله ۱۷۴۲
۴۷۸	مسأله ۱۷۴۳
۴۷۸	مسأله ۱۷۴۴
۴۷۸	مسأله ۱۷۴۵
۴۷۸	مسأله ۱۷۴۶
۴۷۹	مسأله ۱۷۴۷
۴۷۹	روزه های حرام و مکروه
۴۷۹	مسأله ۱۷۴۸
۴۷۹	مسأله ۱۷۴۹
۴۷۹	مسأله ۱۷۵۰
۴۷۹	مسأله ۱۷۵۱
۴۷۹	مسأله ۱۷۵۲
۴۸۰	مسأله ۱۷۵۳
۴۸۰	مسأله ۱۷۵۴

- مسأله ۱۷۵۵ ۴۸۰
- مسأله ۱۷۵۶ ۴۸۰
- روزه های مستحب ۴۸۰
- مسأله ۱۷۵۷ ۴۸۰
- مواردی که مستحب است انسان از کارهایی که روزه را باطل می کند خودداری نماید ۴۸۱
- مسأله ۱۷۵۸ ۴۸۱
- مسأله ۱۷۵۹ ۴۸۱
- احکام خمس ۴۸۱
- مسأله ۱۷۶۰ ۴۸۱
- ۱- منفعت کسب ۴۸۱
- مسأله ۱۷۶۱ ۴۸۱
- مسأله ۱۷۶۲ ۴۸۲
- مسأله ۱۷۶۳ ۴۸۲
- مسأله ۱۷۶۴ ۴۸۲
- مسأله ۱۷۶۵ ۴۸۲
- مسأله ۱۷۶۶ ۴۸۲
- مسأله ۱۷۶۷ ۴۸۳
- مسأله ۱۷۶۸ ۴۸۳
- مسأله ۱۷۶۹ ۴۸۳
- مسأله ۱۷۷۰ ۴۸۳
- مسأله ۱۷۷۱ ۴۸۳
- مسأله ۱۷۷۲ ۴۸۴
- مسأله ۱۷۷۳ ۴۸۴
- مسأله ۱۷۷۴ ۴۸۴

۴۸۴	مسأله ۱۷۷۵
۴۸۴	مسأله ۱۷۷۶
۴۸۴	مسأله ۱۷۷۷
۴۸۴	مسأله ۱۷۷۸
۴۸۵	مسأله ۱۷۷۹
۴۸۵	مسأله ۱۷۸۰
۴۸۵	مسأله ۱۷۸۱
۴۸۵	مسأله ۱۷۸۲
۴۸۶	مسأله ۱۷۸۳
۴۸۶	مسأله ۱۷۸۴
۴۸۶	مسأله ۱۷۸۵
۴۸۶	مسأله ۱۷۸۶
۴۸۶	مسأله ۱۷۸۷
۴۸۶	مسأله ۱۷۸۸
۴۸۷	مسأله ۱۷۸۹
۴۸۷	مسأله ۱۷۹۰
۴۸۷	مسأله ۱۷۹۱
۴۸۷	مسأله ۱۷۹۲
۴۸۷	مسأله ۱۷۹۳
۴۸۸	مسأله ۱۷۹۴
۴۸۸	مسأله ۱۷۹۵
۴۸۸	مسأله ۱۷۹۶
۴۸۸	مسأله ۱۷۹۷
۴۸۸	مسأله ۱۷۹۸

۴۸۸	مسأله ۱۷۹۹
۴۸۸	مسأله ۱۸۰۰
۴۸۹	مسأله ۱۸۰۱
۴۸۹	مسأله ۱۸۰۲
۴۸۹	مسأله ۱۸۰۳
۴۸۹	مسأله ۱۸۰۴
۴۸۹	مسأله ۱۸۰۵
۴۸۹	مسأله ۱۸۰۶
۴۹۰	۲- معدن
۴۹۰	مسأله ۱۸۰۷
۴۹۰	مسأله ۱۸۰۸
۴۹۰	مسأله ۱۸۰۹
۴۹۰	مسأله ۱۸۱۰
۴۹۱	مسأله ۱۸۱۱
۴۹۱	مسأله ۱۸۱۲
۴۹۱	مسأله ۱۸۱۳
۴۹۱	مسأله ۱۸۱۴
۴۹۱	۳- گنج
۴۹۱	مسأله ۱۸۱۵
۴۹۲	مسأله ۱۸۱۶
۴۹۲	مسأله ۱۸۱۷
۴۹۲	مسأله ۱۸۱۸
۴۹۲	مسأله ۱۸۱۹
۴۹۲	مسأله ۱۸۲۰

- مسأله ۱۸۲۱ ۴۹۳
- ۴- مال حلال مخلوط به حرام ۴۹۳
- مسأله ۱۸۲۲ ۴۹۳
- مسأله ۱۸۲۳ ۴۹۳
- مسأله ۱۸۲۴ ۴۹۳
- مسأله ۱۸۲۵ ۴۹۳
- مسأله ۱۸۲۶ ۴۹۳
- ۵- جواهری که به واسطه فرو رفتن در دریا به دست می آید ۴۹۴
- مسأله ۱۸۲۷ ۴۹۴
- مسأله ۱۸۲۸ ۴۹۴
- مسأله ۱۸۲۹ ۴۹۴
- مسأله ۱۸۳۰ ۴۹۴
- مسأله ۱۸۳۱ ۴۹۵
- مسأله ۱۸۳۲ ۴۹۵
- مسأله ۱۸۳۳ ۴۹۵
- مسأله ۱۸۳۴ ۴۹۵
- مسأله ۱۸۳۵ ۴۹۵
- مسأله ۱۸۳۶ ۴۹۶
- ۶- غنیمت ۴۹۶
- مسأله ۱۸۳۷ ۴۹۶
- ۷- زمینی که کافر ذمی از مسلمان بخرد ۴۹۶
- مسأله ۱۸۳۸ ۴۹۶
- مسأله ۱۸۳۹ ۴۹۶
- مسأله ۱۸۴۰ ۴۹۶

۴۹۷	مسأله ۱۸۴۱
۴۹۷	مسأله ۱۸۴۲
۴۹۷	مصرف خمس
۴۹۷	مسأله ۱۸۴۳
۴۹۷	مسأله ۱۸۴۴
۴۹۷	مسأله ۱۸۴۵
۴۹۷	مسأله ۱۸۴۶
۴۹۸	مسأله ۱۸۴۷
۴۹۸	مسأله ۱۸۴۸
۴۹۸	مسأله ۱۸۴۹
۴۹۸	مسأله ۱۸۵۰
۴۹۸	مسأله ۱۸۵۱
۴۹۹	مسأله ۱۸۵۲
۴۹۹	مسأله ۱۸۵۳
۴۹۹	مسأله ۱۸۵۴
۴۹۹	مسأله ۱۸۵۵
۴۹۹	مسأله ۱۸۵۶
۴۹۹	مسأله ۱۸۵۷
۵۰۰	مسأله ۱۸۵۸
۵۰۰	مسأله ۱۸۵۹
۵۰۰	مسأله ۱۸۶۰
۵۰۰	احکام زکوه
۵۰۰	مسأله ۱۸۶۱
۵۰۰	مسأله ۱۸۶۲

۵۰۰	شرایط واجب شدن زکوه
۵۰۰	مسأله ۱۸۶۳
۵۰۱	مسأله ۱۸۶۴
۵۰۱	مسأله ۱۸۶۵
۵۰۱	مسأله ۱۸۶۶
۵۰۱	مسأله ۱۸۶۷
۵۰۱	مسأله ۱۸۶۸
۵۰۲	مسأله ۱۸۶۹
۵۰۲	مسأله ۱۸۷۰
۵۰۲	مسأله ۱۸۷۱
۵۰۲	زکوه گندم و جو و خرما و کشمش
۵۰۲	مسأله ۱۸۷۲
۵۰۲	مسأله ۱۸۷۳
۵۰۳	مسأله ۱۸۷۴
۵۰۳	مسأله ۱۸۷۵
۵۰۳	مسأله ۱۸۷۶
۵۰۳	مسأله ۱۸۷۷
۵۰۳	مسأله ۱۸۷۸
۵۰۴	مسأله ۱۸۷۹
۵۰۴	مسأله ۱۸۸۰
۵۰۴	مسأله ۱۸۸۱
۵۰۴	مسأله ۱۸۸۲
۵۰۴	مسأله ۱۸۸۳
۵۰۴	مسأله ۱۸۸۴

۵۰۵	مسئله ۱۸۸۵
۵۰۵	مسئله ۱۸۸۶
۵۰۵	مسئله ۱۸۸۷
۵۰۵	مسئله ۱۸۸۸
۵۰۶	مسئله ۱۸۸۹
۵۰۶	مسئله ۱۸۹۰
۵۰۶	مسئله ۱۸۹۱
۵۰۶	مسئله ۱۸۹۲
۵۰۶	مسئله ۱۸۹۳
۵۰۶	مسئله ۱۸۹۴
۵۰۷	مسئله ۱۸۹۵
۵۰۷	مسئله ۱۸۹۶
۵۰۷	مسئله ۱۸۹۷
۵۰۷	مسئله ۱۸۹۸
۵۰۸	مسئله ۱۸۹۹
۵۰۸	مسئله ۱۹۰۰
۵۰۸	مسئله ۱۹۰۱
۵۰۸	مسئله ۱۹۰۲
۵۰۸	مسئله ۱۹۰۳
۵۰۸	نصاب طلا
۵۰۹	مسئله ۱۹۰۴
۵۰۹	نصاب نقره
۵۰۹	مسئله ۱۹۰۵
۵۰۹	مسئله ۱۹۰۶

۵۰۹	مسأله ۱۹۰۷
۵۱۰	مسأله ۱۹۰۸
۵۱۰	مسأله ۱۹۰۹
۵۱۰	مسأله ۱۹۱۰
۵۱۰	مسأله ۱۹۱۱
۵۱۰	مسأله ۱۹۱۲
۵۱۰	مسأله ۱۹۱۳
۵۱۰	مسأله ۱۹۱۴
۵۱۱	زکوه شتر و گاو و گوسفند
۵۱۱	مسأله ۱۹۱۵
۵۱۱	مسأله ۱۹۱۶
۵۱۱	مسأله ۱۹۱۷
۵۱۱	نصاب شتر
۵۱۱	مسأله ۱۹۱۸
۵۱۲	مسأله ۱۹۱۹
۵۱۲	نصاب گاو
۵۱۲	مسأله ۱۹۲۰
۵۱۳	نصاب گوسفند
۵۱۳	مسأله ۱۹۲۱
۵۱۳	مسأله ۱۹۲۲
۵۱۳	مسأله ۱۹۲۳
۵۱۳	مسأله ۱۹۲۴
۵۱۴	مسأله ۱۹۲۵
۵۱۴	مسأله ۱۹۲۶

۵۱۴	مسأله ۱۹۲۷
۵۱۴	مسأله ۱۹۲۸
۵۱۴	مسأله ۱۹۲۹
۵۱۴	مسأله ۱۹۳۰
۵۱۴	مسأله ۱۹۳۱
۵۱۵	مسأله ۱۹۳۲
۵۱۵	مصرف زکوه
۵۱۵	مسأله ۱۹۳۳
۵۱۵	مسأله ۱۹۳۴
۵۱۶	مسأله ۱۹۳۵
۵۱۶	مسأله ۱۹۳۶
۵۱۶	مسأله ۱۹۳۷
۵۱۶	مسأله ۱۹۳۸
۵۱۶	مسأله ۱۹۳۹
۵۱۶	مسأله ۱۹۴۰
۵۱۶	مسأله ۱۹۴۱
۵۱۷	مسأله ۱۹۴۲
۵۱۷	مسأله ۱۹۴۳
۵۱۷	مسأله ۱۹۴۴
۵۱۷	مسأله ۱۹۴۵
۵۱۷	مسأله ۱۹۴۶
۵۱۸	مسأله ۱۹۴۷
۵۱۸	مسأله ۱۹۴۸
۵۱۸	شرایط کسانی که مستحق زکاتند

۵۱۸	مسأله ۱۹۴۹
۵۱۸	مسأله ۱۹۵۰
۵۱۸	مسأله ۱۹۵۱
۵۱۸	مسأله ۱۹۵۲
۵۱۹	مسأله ۱۹۵۳
۵۱۹	مسأله ۱۹۵۴
۵۱۹	مسأله ۱۹۵۵
۵۱۹	مسأله ۱۹۵۶
۵۱۹	مصرف زکوه
۵۱۹	مسأله ۱۹۵۷
۵۱۹	شرایط کسانی که مستحق زکاتند
۵۱۹	مسأله ۱۹۵۸
۵۲۰	مسأله ۱۹۵۹
۵۲۰	مسأله ۱۹۶۰
۵۲۰	مسأله ۱۹۶۱
۵۲۰	مسأله ۱۹۶۲
۵۲۰	مسأله ۱۹۶۳
۵۲۰	مسأله ۱۹۶۴
۵۲۰	نیت زکوه
۵۲۱	مسأله ۱۹۶۵
۵۲۱	مسأله ۱۹۶۶
۵۲۱	مسأله ۱۹۶۷
۵۲۱	مسائل متفرقه زکوه
۵۲۱	مسأله ۱۹۶۸

۵۲۱	مسأله ۱۹۶۹
۵۲۲	مسأله ۱۹۷۰
۵۲۲	مسأله ۱۹۷۱
۵۲۲	مسأله ۱۹۷۲
۵۲۲	مسأله ۱۹۷۳
۵۲۲	مسأله ۱۹۷۴
۵۲۲	مسأله ۱۹۷۵
۵۲۲	مسأله ۱۹۷۶
۵۲۳	مسأله ۱۹۷۷
۵۲۳	مسأله ۱۹۷۸
۵۲۳	مسأله ۱۹۷۹
۵۲۳	مسأله ۱۹۸۰
۵۲۳	مسأله ۱۹۸۱
۵۲۴	مسأله ۱۹۸۲
۵۲۴	مسأله ۱۹۸۳
۵۲۴	مسأله ۱۹۸۴
۵۲۴	مسأله ۱۹۸۵
۵۲۴	مسأله ۱۹۸۶
۵۲۴	مسأله ۱۹۸۷
۵۲۵	مسأله ۱۹۸۸
۵۲۵	مسأله ۱۹۸۹
۵۲۵	مسأله ۱۹۹۰
۵۲۵	مسأله ۱۹۹۱
۵۲۵	مسأله ۱۹۹۲

۵۲۵	مسئله ۱۹۹۳
۵۲۶	مسئله ۱۹۹۴
۵۲۶	مسئله ۱۹۹۵
۵۲۶	مسئله ۱۹۹۶
۵۲۶	مسئله ۱۹۹۷
۵۲۶	مسئله ۱۹۹۸
۵۲۷	زکوه فطره
۵۲۷	مسئله ۱۹۹۹
۵۲۷	مسئله ۲۰۰۰
۵۲۷	مسئله ۲۰۰۱
۵۲۷	مسئله ۲۰۰۲
۵۲۷	مسئله ۲۰۰۳
۵۲۷	مسئله ۲۰۰۴
۵۲۸	مسئله ۲۰۰۵
۵۲۸	مسئله ۲۰۰۶
۵۲۸	مسئله ۲۰۰۷
۵۲۸	مسئله ۲۰۰۸
۵۲۸	مسئله ۲۰۰۹
۵۲۸	مسئله ۲۰۱۰
۵۲۹	مسئله ۲۰۱۱
۵۲۹	مسئله ۲۰۱۲
۵۲۹	مسئله ۲۰۱۳
۵۲۹	مسئله ۲۰۱۴
۵۲۹	مسئله ۲۰۱۵

۵۲۹	مسأله ۲۰۱۶
۵۲۹	مسأله ۲۰۱۷
۵۳۰	مسأله ۲۰۱۸
۵۳۰	مسأله ۲۰۱۹
۵۳۰	مسأله ۲۰۲۰
۵۳۰	مسأله ۲۰۲۱
۵۳۰	مصرف زکوه فطره
۵۳۰	مسأله ۲۰۲۲
۵۳۰	زکوه فطره
۵۳۰	مسأله ۲۰۲۳
۵۳۱	مسأله ۲۰۲۴
۵۳۱	مصرف زکوه فطره
۵۳۱	مسأله ۲۰۲۵
۵۳۱	مسأله ۲۰۲۶
۵۳۱	مسأله ۲۰۲۷
۵۳۱	مسأله ۲۰۲۸
۵۳۲	مسأله ۲۰۲۹
۵۳۲	مسأله ۲۰۳۰
۵۳۲	مسأله ۲۰۳۱
۵۳۲	مسائل متفرقه زکوه فطره
۵۳۲	مسأله ۲۰۳۲
۵۳۲	مسأله ۲۰۳۳
۵۳۳	مسأله ۲۰۳۴
۵۳۳	مسأله ۲۰۳۵

۵۳۳	مسأله ۲۰۳۶
۵۳۳	مسأله ۲۰۳۷
۵۳۳	مسأله ۲۰۳۸
۵۳۳	مسأله ۲۰۳۹
۵۳۴	مسأله ۲۰۴۰
۵۳۴	مسأله ۲۰۴۱
۵۳۴	مسأله ۲۰۴۲
۵۳۴	مسأله ۲۰۴۳
۵۳۴	احکام حج
۵۳۴	مسأله ۲۰۴۴
۵۳۵	مسأله ۲۰۴۵
۵۳۵	مسأله ۲۰۴۶
۵۳۵	مسأله ۲۰۴۷
۵۳۵	مسأله ۲۰۴۸
۵۳۵	مسأله ۲۰۴۹
۵۳۶	مسأله ۲۰۵۰
۵۳۶	مسأله ۲۰۵۱
۵۳۶	مسأله ۲۰۵۲
۵۳۶	مسأله ۲۰۵۳
۵۳۶	مسأله ۲۰۵۴
۵۳۶	مسأله ۲۰۵۵
۵۳۷	مسأله ۲۰۵۶
۵۳۷	مسأله ۲۰۵۷
۵۳۷	مسأله ۲۰۵۸

۵۳۷	احکام خرید و فروش
۵۳۷	مسأله ۲۰۵۹
۵۳۸	مسأله ۲۰۶۰
۵۳۸	مسأله ۲۰۶۱
۵۳۸	معاملات مکروه
۵۳۸	مسأله ۲۰۶۲
۵۳۸	معاملات حرام
۵۳۸	مسأله ۲۰۶۳
۵۳۹	مسأله ۲۰۶۴
۵۳۹	مسأله ۲۰۶۵
۵۳۹	مسأله ۲۰۶۶
۵۳۹	مسأله ۲۰۶۷
۵۴۰	مسأله ۲۰۶۸
۵۴۰	مسأله ۲۰۶۹
۵۴۰	مسأله ۲۰۷۰
۵۴۰	مسأله ۲۰۷۱
۵۴۰	مسأله ۲۰۷۲
۵۴۰	مسأله ۲۰۷۳
۵۴۱	مسأله ۲۰۷۴
۵۴۱	مسأله ۲۰۷۵
۵۴۱	مسأله ۲۰۷۶
۵۴۱	مسأله ۲۰۷۷
۵۴۱	مسأله ۲۰۷۸
۵۴۱	مسأله ۲۰۷۹

۵۴۲	مسأله ۲۰۸۰
۵۴۲	مسأله ۲۰۸۱
۵۴۲	مسأله ۲۰۸۲
۵۴۲	مسأله ۲۰۸۳
۵۴۲	مسأله ۲۰۸۴
۵۴۳	مسأله ۲۰۸۵
۵۴۳	مسأله ۲۰۸۶
۵۴۳	مسأله ۲۰۸۷
۵۴۳	مسأله ۲۰۸۸
۵۴۳	شرایط فروشنده و خریدار
۵۴۳	مسأله ۲۰۸۹
۵۴۴	مسأله ۲۰۹۰
۵۴۴	مسأله ۲۰۹۱
۵۴۴	مسأله ۲۰۹۲
۵۴۴	مسأله ۲۰۹۳
۵۴۴	مسأله ۲۰۹۴
۵۴۵	مسأله ۲۰۹۵
۵۴۵	مسأله ۲۰۹۶
۵۴۵	مسأله ۲۰۹۷
۵۴۵	شرایط جنس و عوض آن
۵۴۵	مسأله ۲۰۹۸
۵۴۶	مسأله ۲۰۹۹
۵۴۶	مسأله ۲۱۰۰
۵۴۶	مسأله ۲۱۰۱

۵۴۶	مسأله ۲۱۰۲
۵۴۶	مسأله ۲۱۰۳
۵۴۶	مسأله ۲۱۰۴
۵۴۷	صیغه خرید و فروش
۵۴۷	مسأله ۲۱۰۵
۵۴۷	مسأله ۲۱۰۶
۵۴۷	خرید و فروش میوه ها
۵۴۷	مسأله ۲۱۰۷
۵۴۷	مسأله ۲۱۰۸
۵۴۷	مسأله ۲۱۰۹
۵۴۸	مسأله ۲۱۱۰
۵۴۸	مسأله ۲۱۱۱
۵۴۸	نقد و نسیه
۵۴۸	مسأله ۲۱۱۲
۵۴۸	مسأله ۲۱۱۳
۵۴۸	مسأله ۲۱۱۴
۵۴۹	مسأله ۲۱۱۵
۵۴۹	مسأله ۲۱۱۶
۵۴۹	مسأله ۲۱۱۷
۵۴۹	معامله سلف
۵۴۹	مسأله ۲۱۱۸
۵۴۹	مسأله ۲۱۱۹
۵۵۰	شرایط معامله سلف
۵۵۰	مسأله ۲۱۲۰

۵۵۰ احکام معامله سلف
۵۵۰ مسأله ۲۱۲۱
۵۵۰ مسأله ۲۱۲۲
۵۵۱ مسأله ۲۱۲۳
۵۵۱ مسأله ۲۱۲۴
۵۵۱ مسأله ۲۱۲۵
۵۵۱ فروش طلا و نقره به طلا و نقره
۵۵۱ مسأله ۲۱۲۶
۵۵۱ مسأله ۲۱۲۷
۵۵۱ مسأله ۲۱۲۸
۵۵۱ مسأله ۲۱۲۹
۵۵۲ مسأله ۲۱۳۰
۵۵۲ مسأله ۲۱۳۱
۵۵۲ مواردی که انسان می تواند معامله را به هم بزند
۵۵۲ مسأله ۲۱۳۲
۵۵۳ مسأله ۲۱۳۳
۵۵۳ مسأله ۲۱۳۴
۵۵۳ مسأله ۲۱۳۵
۵۵۳ مسأله ۲۱۳۶
۵۵۴ مسأله ۲۱۳۷
۵۵۴ مسأله ۲۱۳۸
۵۵۴ مسأله ۲۱۳۹
۵۵۴ مسأله ۲۱۴۰
۵۵۴ مسأله ۲۱۴۱

۵۵۴	مسأله ۲۱۴۲
۵۵۵	مسأله ۲۱۴۳
۵۵۵	مسأله ۲۱۴۴
۵۵۵	مسائل متفرقه
۵۵۵	مسأله ۲۱۴۵
۵۵۵	مسأله ۲۱۴۶
۵۵۶	مسأله ۲۱۴۷
۵۵۶	مسأله ۲۱۴۸
۵۵۶	مسأله ۲۱۴۹
۵۵۶	احکام شرکت
۵۵۶	مسأله ۲۱۵۰
۵۵۶	مسأله ۲۱۵۱
۵۵۷	مسأله ۲۱۵۲
۵۵۷	مسأله ۲۱۵۳
۵۵۷	مسأله ۲۱۵۴
۵۵۷	مسأله ۲۱۵۵
۵۵۷	مسأله ۲۱۵۶
۵۵۸	مسأله ۲۱۵۷
۵۵۸	مسأله ۲۱۵۸
۵۵۸	مسأله ۲۱۵۹
۵۵۸	مسأله ۲۱۶۰
۵۵۸	مسأله ۲۱۶۱
۵۵۹	مسأله ۲۱۶۲
۵۵۹	مسأله ۲۱۶۳

۵۵۹	مسأله ۲۱۶۴
۵۵۹	مسأله ۲۱۶۵
۵۵۹	مسأله ۲۱۶۶
۵۵۹	مسأله ۲۱۶۷
۵۶۰	احکام صلح
۵۶۰	مسأله ۲۱۶۸
۵۶۰	مسأله ۲۱۶۹
۵۶۰	مسأله ۲۱۷۰
۵۶۰	مسأله ۲۱۷۱
۵۶۰	مسأله ۲۱۷۲
۵۶۰	مسأله ۲۱۷۳
۵۶۱	مسأله ۲۱۷۴
۵۶۱	مسأله ۲۱۷۵
۵۶۱	مسأله ۲۱۷۶
۵۶۱	مسأله ۲۱۷۷
۵۶۱	مسأله ۲۱۷۸
۵۶۲	مسأله ۲۱۷۹
۵۶۲	مسأله ۲۱۸۰
۵۶۲	احکام اجاره
۵۶۲	مسأله ۲۱۸۱
۵۶۲	مسأله ۲۱۸۲
۵۶۲	مسأله ۲۱۸۳
۵۶۳	مسأله ۲۱۸۴
۵۶۳	مسأله ۲۱۸۵

۵۶۳	مسئله ۲۱۸۶
۵۶۳	مسئله ۲۱۸۷
۵۶۳	مسئله ۲۱۸۸
۵۶۳	مسئله ۲۱۸۹
۵۶۴	مسئله ۲۱۹۰
۵۶۴	شرایط مالی که آنرا اجاره می دهند
۵۶۴	مسئله ۲۱۹۱
۵۶۴	مسئله ۲۱۹۲
۵۶۴	مسئله ۲۱۹۳
۵۶۵	شرایط استفاده ای که مال را برای آن اجاره می دهند
۵۶۵	مسئله ۲۱۹۴
۵۶۵	مسئله ۲۱۹۵
۵۶۵	مسئله ۲۱۹۶
۵۶۵	مسئله ۲۱۹۷
۵۶۵	مسئله ۲۱۹۸
۵۶۶	مسئله ۲۱۹۹
۵۶۶	مسئله ۲۲۰۰
۵۶۶	مسائل متفرقه اجاره
۵۶۶	مسئله ۲۲۰۱
۵۶۶	مسئله ۲۲۰۲
۵۶۶	مسئله ۲۲۰۳
۵۶۷	مسئله ۲۲۰۴
۵۶۷	مسئله ۲۲۰۵
۵۶۷	مسئله ۲۲۰۶

۵۶۷	مسئله ۲۲۰۷
۵۶۷	مسئله ۲۲۰۸
۵۶۷	مسئله ۲۲۰۹
۵۶۸	مسئله ۲۲۱۰
۵۶۸	مسئله ۲۲۱۱
۵۶۸	مسئله ۲۲۱۲
۵۶۸	مسئله ۲۲۱۳
۵۶۸	مسئله ۲۲۱۴
۵۶۹	مسئله ۲۲۱۵
۵۶۹	مسئله ۲۲۱۶
۵۶۹	مسئله ۲۲۱۷
۵۶۹	مسئله ۲۲۱۸
۵۶۹	مسئله ۲۲۱۹
۵۶۹	مسئله ۲۲۲۰
۵۷۰	مسئله ۲۲۲۱
۵۷۰	مسئله ۲۲۲۲
۵۷۰	مسئله ۲۲۲۳
۵۷۰	مسئله ۲۲۲۴
۵۷۰	مسئله ۲۲۲۵
۵۷۱	احکام جعاله
۵۷۱	مسئله ۲۲۲۶
۵۷۱	مسئله ۲۲۲۷
۵۷۱	مسئله ۲۲۲۸
۵۷۱	مسئله ۲۲۲۹

۵۷۱	مسأله ۲۲۳۰
۵۷۲	مسأله ۲۲۳۱
۵۷۲	مسأله ۲۲۳۲
۵۷۲	مسأله ۲۲۳۳
۵۷۲	مسأله ۲۲۳۴
۵۷۲	مسأله ۲۲۳۵
۵۷۲	احکام مزارعه
۵۷۲	مسأله ۲۲۳۶
۵۷۳	مسأله ۲۲۳۷
۵۷۳	مسأله ۲۲۳۸
۵۷۳	مسأله ۲۲۳۹
۵۷۴	مسأله ۲۲۴۰
۵۷۴	مسأله ۲۲۴۱
۵۷۴	مسأله ۲۲۴۲
۵۷۴	مسأله ۲۲۴۳
۵۷۵	مسأله ۲۲۴۴
۵۷۵	مسأله ۲۲۴۵
۵۷۵	احکام مساقات
۵۷۵	مسأله ۲۲۴۶
۵۷۵	مسأله ۲۲۴۷
۵۷۵	مسأله ۲۲۴۸
۵۷۶	مسأله ۲۲۴۹
۵۷۶	مسأله ۲۲۵۰
۵۷۶	مسأله ۲۲۵۱

۵۷۶	مسأله ۲۲۵۲
۵۷۶	مسأله ۲۲۵۳
۵۷۶	مسأله ۲۲۵۴
۵۷۷	مسأله ۲۲۵۵
۵۷۷	مسأله ۲۲۵۶
۵۷۷	مسأله ۲۲۵۷
۵۷۷	مسأله ۲۲۵۸
۵۷۷	کسانی که نمی توانند در مال خود تصرف کنند
۵۷۷	مسأله ۲۲۵۹
۵۷۸	مسأله ۲۲۶۰
۵۷۸	مسأله ۲۲۶۱
۵۷۸	مسأله ۲۲۶۲
۵۷۸	مسأله ۲۲۶۳
۵۷۸	مسأله ۲۲۶۴
۵۷۹	احکام وکالت
۵۷۹	مسأله ۲۲۶۵
۵۷۹	مسأله ۲۲۶۶
۵۷۹	مسأله ۲۲۶۷
۵۷۹	مسأله ۲۲۶۸
۵۸۰	مسأله ۲۲۶۹
۵۸۰	مسأله ۲۲۷۰
۵۸۰	مسأله ۲۲۷۱
۵۸۰	مسأله ۲۲۷۲
۵۸۰	مسأله ۲۲۷۳

۵۸۰	مسأله ۲۲۷۴
۵۸۱	مسأله ۲۲۷۵
۵۸۱	مسأله ۲۲۷۶
۵۸۱	مسأله ۲۲۷۷
۵۸۱	مسأله ۲۲۷۸
۵۸۱	مسأله ۲۲۷۹
۵۸۱	مسأله ۲۲۸۰
۵۸۲	احکام قرض
۵۸۲	مسأله ۲۲۸۱
۵۸۲	مسأله ۲۲۸۲
۵۸۲	مسأله ۲۲۸۳
۵۸۲	مسأله ۲۲۸۴
۵۸۲	مسأله ۲۲۸۵
۵۸۳	مسأله ۲۲۸۶
۵۸۳	مسأله ۲۲۸۷
۵۸۳	مسأله ۲۲۸۸
۵۸۳	مسأله ۲۲۸۹
۵۸۳	مسأله ۲۲۹۰
۵۸۳	مسأله ۲۲۹۱
۵۸۴	مسأله ۲۲۹۲
۵۸۴	مسأله ۲۲۹۳
۵۸۴	مسأله ۲۲۹۴
۵۸۴	مسأله ۲۲۹۵
۵۸۴	مسأله ۲۲۹۶

۵۸۵	مسأله ۲۲۹۷
۵۸۵	احکام حواله دادن
۵۸۵	مسأله ۲۲۹۸
۵۸۵	مسأله ۲۲۹۹
۵۸۵	مسأله ۲۳۰۰
۵۸۵	مسأله ۲۳۰۱
۵۸۶	مسأله ۲۳۰۲
۵۸۶	مسأله ۲۳۰۳
۵۸۶	مسأله ۲۳۰۴
۵۸۶	مسأله ۲۳۰۵
۵۸۶	مسأله ۲۳۰۶
۵۸۷	مسأله ۲۳۰۷
۵۸۷	مسأله ۲۳۰۸
۵۸۷	احکام رهن
۵۸۷	مسأله ۲۳۰۹
۵۸۷	مسأله ۲۳۱۰
۵۸۷	مسأله ۲۳۱۱
۵۸۷	مسأله ۲۳۱۲
۵۸۸	مسأله ۲۳۱۳
۵۸۸	مسأله ۲۳۱۴
۵۸۸	مسأله ۲۳۱۵
۵۸۸	مسأله ۲۳۱۶
۵۸۸	مسأله ۲۳۱۷
۵۸۸	مسأله ۲۳۱۸

۵۸۹	احکام ضامن شدن
۵۸۹	مسأله ۲۳۱۹
۵۸۹	مسأله ۲۳۲۰
۵۸۹	مسأله ۲۳۲۱
۵۸۹	مسأله ۲۳۲۲
۵۸۹	مسأله ۲۳۲۳
۵۹۰	مسأله ۲۳۲۴
۵۹۰	مسأله ۲۳۲۵
۵۹۰	مسأله ۲۳۲۶
۵۹۰	مسأله ۲۳۲۷
۵۹۰	مسأله ۲۳۲۸
۵۹۱	مسأله ۲۳۲۹
۵۹۱	مسأله ۲۳۳۰
۵۹۱	احکام کفالت
۵۹۱	مسأله ۲۳۳۱
۵۹۱	مسأله ۲۳۳۲
۵۹۱	مسأله ۲۳۳۳
۵۹۱	مسأله ۲۳۳۴
۵۹۲	مسأله ۲۳۳۵
۵۹۲	احکام ودیعه (امانت)
۵۹۲	مسأله ۲۳۳۶
۵۹۲	مسأله ۲۳۳۷
۵۹۲	مسأله ۲۳۳۸
۵۹۲	مسأله ۲۳۳۹

۵۹۳	مسأله ۲۳۴۰
۵۹۳	مسأله ۲۳۴۱
۵۹۳	مسأله ۲۳۴۲
۵۹۳	مسأله ۲۳۴۳
۵۹۳	مسأله ۲۳۴۴
۵۹۳	مسأله ۲۳۴۵
۵۹۴	مسأله ۲۳۴۶
۵۹۴	مسأله ۲۳۴۷
۵۹۴	مسأله ۲۳۴۸
۵۹۴	مسأله ۲۳۴۹
۵۹۴	مسأله ۲۳۵۰
۵۹۵	مسأله ۲۳۵۱
۵۹۵	مسأله ۲۳۵۲
۵۹۵	احکام عاریه
۵۹۵	مسأله ۲۳۵۳
۵۹۵	مسأله ۲۳۵۴
۵۹۵	مسأله ۲۳۵۵
۵۹۶	مسأله ۲۳۵۶
۵۹۶	مسأله ۲۳۵۷
۵۹۶	مسأله ۲۳۵۸
۵۹۶	مسأله ۲۳۵۹
۵۹۶	مسأله ۲۳۶۰
۵۹۶	مسأله ۲۳۶۱
۵۹۶	مسأله ۲۳۶۲

۵۹۷	مسأله ۲۳۶۳
۵۹۷	مسأله ۲۳۶۴
۵۹۷	مسأله ۲۳۶۵
۵۹۷	مسأله ۲۳۶۶
۵۹۷	مسأله ۲۳۶۷
۵۹۷	مسأله ۲۳۶۸
۵۹۸	مسأله ۲۳۶۹
۵۹۸	مسأله ۲۳۷۰
۵۹۸	مسأله ۲۳۷۱
۵۹۸	احکام نکاح یا ازدواج
۵۹۸	زناشویی
۵۹۸	احکام عقد
۵۹۸	مسأله ۲۳۷۲
۵۹۹	مسأله ۲۳۷۳
۵۹۹	مسأله ۲۳۷۴
۵۹۹	مسأله ۲۳۷۵
۵۹۹	مسأله ۲۳۷۶
۵۹۹	دستور خواندن عقد دائم
۵۹۹	مسأله ۲۳۷۷
۶۰۰	دستور خواندن عقد غیر دائم
۶۰۰	مسأله ۲۳۷۸
۶۰۰	شرایط عقد
۶۰۰	مسأله ۲۳۷۹
۶۰۰	مسأله ۲۳۸۰

- مسئله ۲۳۸۱ ۶۰۱
- مسئله ۲۳۸۲ ۶۰۱
- مسئله ۲۳۸۳ ۶۰۱
- مسئله ۲۳۸۴ ۶۰۱
- مسئله ۲۳۸۵ ۶۰۱
- مسئله ۲۳۸۶ ۶۰۱
- مسئله ۲۳۸۷ ۶۰۲
- مسئله ۲۳۸۸ ۶۰۲
- عیب‌هایی که به واسطه آنها می‌شود عقد را به هم زد ۶۰۲
- مسئله ۲۳۸۹ ۶۰۲
- مسئله ۲۳۹۰ ۶۰۲
- مسئله ۲۳۹۱ ۶۰۲
- مسئله ۲۳۹۲ ۶۰۳
- عده‌ای از زن‌ها که ازدواج با آنان حرام است ۶۰۳
- مسئله ۲۳۹۳ ۶۰۳
- مسئله ۲۳۹۴ ۶۰۳
- مسئله ۲۳۹۵ ۶۰۳
- مسئله ۲۳۹۶ ۶۰۳
- مسئله ۲۳۹۷ ۶۰۳
- مسئله ۲۳۹۸ ۶۰۴
- مسئله ۲۳۹۹ ۶۰۴
- مسئله ۲۴۰۰ ۶۰۴
- مسئله ۲۴۰۱ ۶۰۴
- مسئله ۲۴۰۲ ۶۰۴

۶۰۴	مسأله ۲۴۰۳
۶۰۵	مسأله ۲۴۰۴
۶۰۵	مسأله ۲۴۰۵
۶۰۵	مسأله ۲۴۰۶
۶۰۵	مسأله ۲۴۰۷
۶۰۵	مسأله ۲۴۰۸
۶۰۵	مسأله ۲۴۰۹
۶۰۶	مسأله ۲۴۱۰
۶۰۶	مسأله ۲۴۱۱
۶۰۶	مسأله ۲۴۱۲
۶۰۶	مسأله ۲۴۱۳
۶۰۶	مسأله ۲۴۱۴
۶۰۶	مسأله ۲۴۱۵
۶۰۷	مسأله ۲۴۱۶
۶۰۷	مسأله ۲۴۱۷
۶۰۷	مسأله ۲۴۱۸
۶۰۷	مسأله ۲۴۱۹
۶۰۷	مسأله ۲۴۲۰
۶۰۷	احکام عقد دائم
۶۰۷	مسأله ۲۴۲۱
۶۰۸	مسأله ۲۴۲۲
۶۰۸	مسأله ۲۴۲۳
۶۰۸	مسأله ۲۴۲۴
۶۰۸	مسأله ۲۴۲۵

۶۰۸	مسأله ۲۴۲۶
۶۰۸	مسأله ۲۴۲۷
۶۰۹	مسأله ۲۴۲۸
۶۰۹	مسأله ۲۴۲۹
۶۰۹	متعہ یا صیغہ -
۶۰۹	مسأله ۲۴۳۰
۶۰۹	مسأله ۲۴۳۱
۶۰۹	مسأله ۲۴۳۲
۶۰۹	مسأله ۲۴۳۳
۶۱۰	مسأله ۲۴۳۴
۶۱۰	مسأله ۲۴۳۵
۶۱۰	مسأله ۲۴۳۶
۶۱۰	مسأله ۲۴۳۷
۶۱۰	مسأله ۲۴۳۸
۶۱۰	مسأله ۲۴۳۹
۶۱۱	مسأله ۲۴۴۰
۶۱۱	مسأله ۲۴۴۱
۶۱۱	احکام نگاه کردن
۶۱۱	مسأله ۲۴۴۲
۶۱۱	مسأله ۲۴۴۳
۶۱۱	مسأله ۲۴۴۴
۶۱۱	مسأله ۲۴۴۵
۶۱۲	مسأله ۲۴۴۶
۶۱۲	مسأله ۲۴۴۷

۶۱۲	مسأله ۲۴۴۸
۶۱۲	مسأله ۲۴۴۹
۶۱۲	مسأله ۲۴۵۰
۶۱۲	مسأله ۲۴۵۱
۶۱۳	مسائل متفرقه زناشویی
۶۱۳	مسأله ۲۴۵۲
۶۱۳	مسأله ۲۴۵۳
۶۱۳	مسأله ۲۴۵۴
۶۱۳	مسأله ۲۴۵۵
۶۱۳	مسأله ۲۴۵۶
۶۱۴	مسأله ۲۴۵۷
۶۱۴	مسأله ۲۴۵۸
۶۱۴	مسأله ۲۴۵۹
۶۱۴	مسأله ۲۴۶۰
۶۱۴	مسأله ۲۴۶۱
۶۱۴	مسأله ۲۴۶۲
۶۱۵	مسأله ۲۴۶۳
۶۱۵	مسأله ۲۴۶۴
۶۱۵	مسأله ۲۴۶۵
۶۱۵	مسأله ۲۴۶۶
۶۱۵	مسأله ۲۴۶۷
۶۱۵	مسأله ۲۴۶۸
۶۱۶	مسأله ۲۴۶۹
۶۱۶	مسأله ۲۴۷۰

۶۱۶	مسأله ۲۴۷۱
۶۱۶	مسأله ۲۴۷۲
۶۱۶	احکام شیر دادن
۶۱۶	مسأله ۲۴۷۳
۶۱۷	مسأله ۲۴۷۴
۶۱۷	مسأله ۲۴۷۵
۶۱۷	مسأله ۲۴۷۶
۶۱۷	مسأله ۲۴۷۷
۶۱۸	مسأله ۲۴۷۸
۶۱۸	مسأله ۲۴۷۹
۶۱۸	مسأله ۲۴۸۰
۶۱۸	مسأله ۲۴۸۱
۶۱۸	شرایط شیر دادنی که علت محرم شدن است
۶۱۸	مسأله ۲۴۸۲
۶۱۸	مسأله ۲۴۸۳
۶۱۹	مسأله ۲۴۸۴
۶۱۹	مسأله ۲۴۸۵
۶۱۹	مسأله ۲۴۸۶
۶۲۰	مسأله ۲۴۸۷
۶۲۰	مسأله ۲۴۸۸
۶۲۰	مسأله ۲۴۸۹
۶۲۰	مسأله ۲۴۹۰
۶۲۰	مسأله ۲۴۹۱
۶۲۰	مسأله ۲۴۹۲

۶۲۱	مسأله ۲۴۹۳
۶۲۱	مسأله ۲۴۹۴
۶۲۱	مسأله ۲۴۹۵
۶۲۱	آداب شیر دادن
۶۲۱	مسأله ۲۴۹۶
۶۲۲	مسأله ۲۴۹۷
۶۲۲	مسائل متفرقه شیر دادن
۶۲۲	مسأله ۲۴۹۸
۶۲۲	مسأله ۲۴۹۹
۶۲۲	مسأله ۲۵۰۰
۶۲۲	مسأله ۲۵۰۱
۶۲۲	مسأله ۲۵۰۲
۶۲۳	مسأله ۲۵۰۳
۶۲۳	مسأله ۲۵۰۴
۶۲۳	مسأله ۲۵۰۵
۶۲۳	مسأله ۲۵۰۶
۶۲۳	احکام طلاق
۶۲۴	مسأله ۲۵۰۷
۶۲۴	مسأله ۲۵۰۸
۶۲۴	مسأله ۲۵۰۹
۶۲۴	مسأله ۲۵۱۰
۶۲۴	مسأله ۲۵۱۱
۶۲۴	مسأله ۲۵۱۲
۶۲۵	مسأله ۲۵۱۳

۶۲۵	مسأله ۲۵۱۴
۶۲۵	مسأله ۲۵۱۵
۶۲۵	مسأله ۲۵۱۶
۶۲۵	مسأله ۲۵۱۷
۶۲۶	مسأله ۲۵۱۸
۶۲۶	عده طلاق
۶۲۶	مسأله ۲۵۱۹
۶۲۶	مسأله ۲۵۲۰
۶۲۶	مسأله ۲۵۲۱
۶۲۶	مسأله ۲۵۲۲
۶۲۷	مسأله ۲۵۲۳
۶۲۷	مسأله ۲۵۲۴
۶۲۷	مسأله ۲۵۲۵
۶۲۷	عده زنی که شوهرش مرده
۶۲۷	مسأله ۲۵۲۶
۶۲۷	مسأله ۲۵۲۷
۶۲۸	مسأله ۲۵۲۸
۶۲۸	مسأله ۲۵۲۹
۶۲۸	مسأله ۲۵۳۰
۶۲۸	طلاق بائن و طلاق رجعی
۶۲۸	مسأله ۲۵۳۱
۶۲۸	مسأله ۲۵۳۲
۶۲۹	احکام رجوع کردن
۶۲۹	مسأله ۲۵۳۳

۶۲۹	مسأله ۲۵۳۴
۶۲۹	مسأله ۲۵۳۵
۶۲۹	مسأله ۲۵۳۶
۶۳۰	طلاق خلع
۶۳۰	مسأله ۲۵۳۷
۶۳۰	مسأله ۲۵۳۸
۶۳۰	مسأله ۲۵۳۹
۶۳۰	طلاق مبارات
۶۳۰	مسأله ۲۵۴۰
۶۳۰	مسأله ۲۵۴۱
۶۳۱	مسأله ۲۵۴۲
۶۳۱	مسأله ۲۵۴۳
۶۳۱	مسأله ۲۵۴۴
۶۳۱	احکام متفرقه طلاق
۶۳۱	مسأله ۲۵۴۵
۶۳۱	مسأله ۲۵۴۶
۶۳۲	مسأله ۲۵۴۷
۶۳۲	مسأله ۲۵۴۸
۶۳۲	مسأله ۲۵۴۹
۶۳۲	مسأله ۲۵۵۰
۶۳۲	مسأله ۲۵۵۱
۶۳۲	مسأله ۲۵۵۲
۶۳۳	مسأله ۲۵۵۳
۶۳۳	احکام غضب

۶۳۳	مسأله ۲۵۵۴
۶۳۳	مسأله ۲۵۵۵
۶۳۳	مسأله ۲۵۵۶
۶۳۳	مسأله ۲۵۵۷
۶۳۴	مسأله ۲۵۵۸
۶۳۴	مسأله ۲۵۵۹
۶۳۴	مسأله ۲۵۶۰
۶۳۴	مسأله ۲۵۶۱
۶۳۴	مسأله ۲۵۶۲
۶۳۴	مسأله ۲۵۶۳
۶۳۵	مسأله ۲۵۶۴
۶۳۵	مسأله ۲۵۶۵
۶۳۵	مسأله ۲۵۶۶
۶۳۵	مسأله ۲۵۶۷
۶۳۶	مسأله ۲۵۶۸
۶۳۶	مسأله ۲۵۶۹
۶۳۶	مسأله ۲۵۷۰
۶۳۶	مسأله ۲۵۷۱
۶۳۶	مسأله ۲۵۷۲
۶۳۷	احکام مالی که انسان آن را پیدا می کند
۶۳۷	مسأله ۲۵۷۳
۶۳۷	مسأله ۲۵۷۴
۶۳۷	مسأله ۲۵۷۵
۶۳۷	مسأله ۲۵۷۶

۶۳۷	مسأله ۲۵۷۷
۶۳۸	مسأله ۲۵۷۸
۶۳۸	مسأله ۲۵۷۹
۶۳۸	مسأله ۲۵۸۰
۶۳۸	مسأله ۲۵۸۱
۶۳۸	مسأله ۲۵۸۲
۶۳۸	مسأله ۲۵۸۳
۶۳۹	مسأله ۲۵۸۴
۶۳۹	مسأله ۲۵۸۵
۶۳۹	مسأله ۲۵۸۶
۶۳۹	مسأله ۲۵۸۷
۶۳۹	مسأله ۲۵۸۸
۶۳۹	مسأله ۲۵۸۹
۶۴۰	مسأله ۲۵۹۰
۶۴۰	مسأله ۲۵۹۱
۶۴۰	احکام سر بریدن و شکار کردن حیوانات
۶۴۰	مسأله ۲۵۹۲
۶۴۰	مسأله ۲۵۹۳
۶۴۱	مسأله ۲۵۹۴
۶۴۱	مسأله ۲۵۹۵
۶۴۱	مسأله ۲۵۹۶
۶۴۱	مسأله ۲۵۹۷
۶۴۱	مسأله ۲۵۹۸
۶۴۱	مسأله ۲۵۹۹

- ۶۴۲ دستور سر بریدن حیوانات
- ۶۴۲ مسأله ۲۶۰۰
- ۶۴۲ مسأله ۲۶۰۱
- ۶۴۲ کسانی که نمی توانند در مال خود تصرف کنند، شرایط سر بریدن حیوان
- ۶۴۲ مسأله ۲۶۰۲
- ۶۴۲ مسأله ۲۶۰۳
- ۶۴۳ دستور کشتن شتر
- ۶۴۳ مسأله ۲۶۰۴
- ۶۴۳ مسأله ۲۶۰۵
- ۶۴۳ مسأله ۲۶۰۶
- ۶۴۳ مسأله ۲۶۰۷
- ۶۴۴ چیزهایی که موقع سر بریدن حیوانات مستحب است
- ۶۴۴ مسأله ۲۶۰۸
- ۶۴۴ چیزهایی که در کشتن حیوانات مکروه است
- ۶۴۴ مسأله ۲۶۰۹
- ۶۴۴ احکام شکار کردن با اسلحه
- ۶۴۴ مسأله ۲۶۱۰
- ۶۴۵ مسأله ۲۶۱۱
- ۶۴۵ مسأله ۲۶۱۲
- ۶۴۵ مسأله ۲۶۱۳
- ۶۴۵ مسأله ۲۶۱۴
- ۶۴۶ مسأله ۲۶۱۵
- ۶۴۶ مسأله ۲۶۱۶
- ۶۴۶ مسأله ۲۶۱۷

۶۴۶	شکار کردن با سگ شکاری
۶۴۶	مسأله ۲۶۱۸
۶۴۷	مسأله ۲۶۱۹
۶۴۷	مسأله ۲۶۲۰
۶۴۷	مسأله ۲۶۲۱
۶۴۷	مسأله ۲۶۲۲
۶۴۷	مسأله ۲۶۲۳
۶۴۸	صید ماهی
۶۴۸	مسأله ۲۶۲۴
۶۴۸	مسأله ۲۶۲۵
۶۴۸	مسأله ۲۶۲۶
۶۴۸	مسأله ۲۶۲۷
۶۴۸	مسأله ۲۶۲۸
۶۴۸	مسأله ۲۶۲۹
۶۴۹	مسأله ۲۶۳۰
۶۴۹	صید ملخ
۶۴۹	مسأله ۲۶۳۱
۶۴۹	مسأله ۲۶۳۲
۶۴۹	احکام خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها
۶۴۹	مسأله ۲۶۳۳
۶۴۹	مسأله ۲۶۳۴
۶۵۰	مسأله ۲۶۳۵
۶۵۰	مسأله ۲۶۳۶
۶۵۰	مسأله ۲۶۳۷

۶۵۰	مسأله ۲۶۳۸
۶۵۰	مسأله ۲۶۳۹
۶۵۱	مسأله ۲۶۴۰
۶۵۱	مسأله ۲۶۴۱
۶۵۱	مسأله ۲۶۴۲
۶۵۱	مسأله ۲۶۴۳
۶۵۱	مسأله ۲۶۴۴
۶۵۱	چیزهایی که موقع غذا خوردن مستحب است
۶۵۱	مسأله ۲۶۴۵
۶۵۲	چیزهایی که در غذا خوردن مکروه است
۶۵۲	مسأله ۲۶۴۶
۶۵۳	مستحبات آب آشامیدن
۶۵۳	مسأله ۲۶۴۷
۶۵۳	مکروهات آب آشامیدن
۶۵۳	مسأله ۲۶۴۸
۶۵۳	احکام نذر و عهد
۶۵۳	مسأله ۲۶۴۹
۶۵۳	مسأله ۲۶۵۰
۶۵۴	مسأله ۲۶۵۱
۶۵۴	مسأله ۲۶۵۲
۶۵۴	مسأله ۲۶۵۳
۶۵۴	مسأله ۲۶۵۴
۶۵۴	مسأله ۲۶۵۵
۶۵۴	مسأله ۲۶۵۶

۶۵۵	مسئله ۲۶۵۷
۶۵۵	مسئله ۲۶۵۸
۶۵۵	مسئله ۲۶۵۹
۶۵۵	مسئله ۲۶۶۰
۶۵۵	مسئله ۲۶۶۱
۶۵۵	مسئله ۲۶۶۲
۶۵۶	مسئله ۲۶۶۳
۶۵۶	مسئله ۲۶۶۴
۶۵۶	مسئله ۲۶۶۵
۶۵۶	مسئله ۲۶۶۶
۶۵۶	مسئله ۲۶۶۷
۶۵۷	مسئله ۲۶۶۸
۶۵۷	مسئله ۲۶۶۹
۶۵۷	مسئله ۲۶۷۰
۶۵۷	مسئله ۲۶۷۱
۶۵۷	مسئله ۲۶۷۲
۶۵۷	مسئله ۲۶۷۳
۶۵۷	مسئله ۲۶۷۴
۶۵۸	مسئله ۲۶۷۵
۶۵۸	مسئله ۲۶۷۶
۶۵۸	مسئله ۲۶۷۷
۶۵۸	مسئله ۲۶۷۸
۶۵۸	احکام قسم خوردن
۶۵۸	مسئله ۲۶۷۹

۶۵۸	مسأله ۲۶۸۰
۶۵۹	مسأله ۲۶۸۱
۶۵۹	مسأله ۲۶۸۲
۶۵۹	مسأله ۲۶۸۳
۶۵۹	مسأله ۲۶۸۴
۶۶۰	احکام وقف
۶۶۰	مسأله ۲۶۸۵
۶۶۰	مسأله ۲۶۸۶
۶۶۰	مسأله ۲۶۸۷
۶۶۰	مسأله ۲۶۸۸
۶۶۱	مسأله ۲۶۸۹
۶۶۱	مسأله ۲۶۹۰
۶۶۱	مسأله ۲۶۹۱
۶۶۱	مسأله ۲۶۹۲
۶۶۱	مسأله ۲۶۹۳
۶۶۱	مسأله ۲۶۹۴
۶۶۲	مسأله ۲۶۹۵
۶۶۲	مسأله ۲۶۹۶
۶۶۲	مسأله ۲۶۹۷
۶۶۲	مسأله ۲۶۹۸
۶۶۲	مسأله ۲۶۹۹
۶۶۲	مسأله ۲۷۰۰
۶۶۳	مسأله ۲۷۰۱
۶۶۳	مسأله ۲۷۰۲

۶۶۳	احکام وصیت
۶۶۳	مسأله ۲۷۰۳
۶۶۳	مسأله ۲۷۰۴
۶۶۴	مسأله ۲۷۰۵
۶۶۴	مسأله ۲۷۰۶
۶۶۴	مسأله ۲۷۰۷
۶۶۴	مسأله ۲۷۰۸
۶۶۴	مسأله ۲۷۰۹
۶۶۵	مسأله ۲۷۱۰
۶۶۵	مسأله ۲۷۱۱
۶۶۵	مسأله ۲۷۱۲
۶۶۵	مسأله ۲۷۱۳
۶۶۵	مسأله ۲۷۱۴
۶۶۶	مسأله ۲۷۱۵
۶۶۶	مسأله ۲۷۱۶
۶۶۶	مسأله ۲۷۱۷
۶۶۶	مسأله ۲۷۱۸
۶۶۶	مسأله ۲۷۱۹
۶۶۶	مسأله ۲۷۲۰
۶۶۷	مسأله ۲۷۲۱
۶۶۷	مسأله ۲۷۲۲
۶۶۷	مسأله ۲۷۲۳
۶۶۷	مسأله ۲۷۲۴
۶۶۸	مسأله ۲۷۲۵

۶۶۸	مسأله ۲۷۲۶
۶۶۸	مسأله ۲۷۲۷
۶۶۸	مسأله ۲۷۲۸
۶۶۸	مسأله ۲۷۲۹
۶۶۸	مسأله ۲۷۳۰
۶۶۹	مسأله ۲۷۳۱
۶۶۹	مسأله ۲۷۳۲
۶۶۹	مسأله ۲۷۳۳
۶۶۹	مسأله ۲۷۳۴
۶۷۰	مسأله ۲۷۳۵
۶۷۰	مسأله ۲۷۳۶
۶۷۰	احکام ارث
۶۷۰	مسأله ۲۷۳۷
۶۷۰	مسأله ۲۷۳۸
۶۷۰	مسأله ۲۷۳۹
۶۷۱	ارث دسته اول
۶۷۱	مسأله ۲۷۴۰
۶۷۱	مسأله ۲۷۴۱
۶۷۱	مسأله ۲۷۴۲
۶۷۱	مسأله ۲۷۴۳
۶۷۱	مسأله ۲۷۴۴
۶۷۲	مسأله ۲۷۴۵
۶۷۲	مسأله ۲۷۴۶
۶۷۲	مسأله ۲۷۴۷

۶۷۲	مسأله ۲۷۴۸
۶۷۲	ارث دسته دوم
۶۷۲	مسأله ۲۷۴۹
۶۷۲	مسأله ۲۷۵۰
۶۷۳	مسأله ۲۷۵۱
۶۷۳	مسأله ۲۷۵۲
۶۷۳	مسأله ۲۷۵۳
۶۷۳	مسأله ۲۷۵۴
۶۷۳	مسأله ۲۷۵۵
۶۷۴	مسأله ۲۷۵۶
۶۷۴	مسأله ۲۷۵۷
۶۷۴	مسأله ۲۷۵۸
۶۷۴	مسأله ۲۷۵۹
۶۷۴	مسأله ۲۷۶۰
۶۷۵	مسأله ۲۷۶۱
۶۷۵	مسأله ۲۷۶۲
۶۷۵	مسأله ۲۷۶۳
۶۷۵	ارث دسته سوم
۶۷۵	مسأله ۲۷۶۴
۶۷۵	مسأله ۲۷۶۵
۶۷۶	مسأله ۲۷۶۶
۶۷۶	مسأله ۲۷۶۷
۶۷۶	مسأله ۲۷۶۸
۶۷۶	مسأله ۲۷۶۹

۶۷۶	مسأله ۲۷۷۰
۶۷۷	مسأله ۲۷۷۱
۶۷۷	مسأله ۲۷۷۲
۶۷۷	مسأله ۲۷۷۳
۶۷۷	مسأله ۲۷۷۴
۶۷۷	مسأله ۲۷۷۵
۶۷۸	مسأله ۲۷۷۶
۶۷۸	مسأله ۲۷۷۷
۶۷۸	مسأله ۲۷۷۸
۶۷۸	ارث زن و شوهر
۶۷۸	مسأله ۲۷۷۹
۶۷۸	مسأله ۲۷۸۰
۶۷۹	مسأله ۲۷۸۱
۶۷۹	مسأله ۲۷۸۲
۶۷۹	مسأله ۲۷۸۳
۶۷۹	مسأله ۲۷۸۴
۶۸۰	مسأله ۲۷۸۵
۶۸۰	مسأله ۲۷۸۶
۶۸۰	مسأله ۲۷۸۷
۶۸۰	مسأله ۲۷۸۸
۶۸۰	مسائل متفرقه ارث
۶۸۰	مسأله ۲۷۸۹
۶۸۱	مسأله ۲۷۹۰
۶۸۱	مسأله ۲۷۹۱

۶۸۱	مسئله ۲۷۹۲
۶۸۱	مسئله ۲۷۹۳
۶۸۱	مسئله ۲۷۹۴
۶۸۱	احکام حدی که برای بعضی از گناهان معین شده
۶۸۲	مسئله ۲۷۹۵
۶۸۲	مسئله ۲۷۹۶
۶۸۲	مسئله ۲۷۹۷
۶۸۲	مسئله ۲۷۹۸
۶۸۲	مسئله ۲۷۹۹
۶۸۲	مسئله ۲۸۰۰
۶۸۳	مسئله ۲۸۰۱
۶۸۳	مسئله ۲۸۰۲
۶۸۳	مسئله ۲۸۰۳
۶۸۳	مسئله ۲۸۰۴
۶۸۳	مسئله ۲۸۰۵
۶۸۳	مسئله ۲۸۰۶
۶۸۴	احکام دیه
۶۸۴	مسئله ۲۸۰۷
۶۸۴	مسئله ۲۸۰۸
۶۸۴	مسئله ۲۸۰۹
۶۸۵	مسئله ۲۸۱۰
۶۸۵	مسئله ۲۸۱۱
۶۸۵	مسئله ۲۸۱۲
۶۸۵	مسئله ۲۸۱۳

۶۸۶	مسئله ۲۸۱۴
۶۸۶	مسئله ۲۸۱۵
۶۸۶	مسئله ۲۸۱۶
۶۸۶	مسئله ۲۸۱۷
۶۸۶	مسئله ۲۸۱۸
۶۸۷	مسئله ۲۸۱۹
۶۸۷	مسئله ۲۸۲۰
۶۸۷	مسئله ۲۸۲۱
۶۸۷	مسائل متفرقه
۶۸۷	اشاره
۶۸۷	مسئله ۲۸۲۲
۶۸۷	مسئله ۲۸۲۳
۶۸۸	مسئله ۲۸۲۴
۶۸۸	مسئله ۲۸۲۵
۶۸۸	مسئله ۲۸۲۶
۶۸۸	مسئله ۲۸۲۷
۶۸۸	مسئله ۲۸۲۸
۶۸۸	مسئله ۲۸۲۹
۶۸۸	مسئله ۲۸۳۰
۶۸۹	مسئله ۲۸۳۱
۶۸۹	مسئله ۲۸۳۲
۶۸۹	مسئله ۲۸۳۳
۶۸۹	مسئله ۲۸۳۴
۶۸۹	مسئله ۲۸۳۵

۶۹۰	مسأله ۲۸۳۶
۶۹۰	مسأله ۲۸۳۷
۶۹۰	مسأله ۲۸۳۸
۶۹۰	مسأله ۲۸۳۹
۶۹۰	مسأله ۲۸۴۰
۶۹۰	امر بمعروف و نهی از منکر
۶۹۰	مسأله ۲۸۴۱
۶۹۱	مسأله ۲۸۴۲
۶۹۱	مسأله ۲۸۴۳
۶۹۱	مسأله ۲۸۴۴
۶۹۱	مسأله ۲۸۴۵
۶۹۱	شرایط امر بمعروف و نهی از منکر
۶۹۱	مسأله ۲۸۴۶
۶۹۲	مسأله ۲۸۴۷
۶۹۲	مسأله ۲۸۴۸
۶۹۲	مسأله ۲۸۴۹
۶۹۲	مسأله ۲۸۵۰
۶۹۲	مسأله ۲۸۵۱
۶۹۳	مسأله ۲۸۵۲
۶۹۳	مسأله ۲۸۵۳
۶۹۳	مسأله ۲۸۵۴
۶۹۳	مسأله ۲۸۵۵
۶۹۳	مسأله ۲۸۵۶
۶۹۴	مسأله ۲۸۵۷

۶۹۴	مسأله ۲۸۵۸
۶۹۴	مراتب امر بمعروف و نهی از منکر
۶۹۴	مسأله ۲۸۵۹
۶۹۴	مسأله ۲۸۶۰
۶۹۴	مسأله ۲۸۶۱
۶۹۵	مسأله ۲۸۶۲
۶۹۵	مسأله ۲۸۶۳
۶۹۵	مسأله ۲۸۶۴
۶۹۵	مسأله ۲۸۶۵
۶۹۵	مسأله ۲۸۶۶
۶۹۵	مسأله ۲۸۶۷
۶۹۶	مسأله ۲۸۶۸
۶۹۶	مسأله ۲۸۶۹
۶۹۶	مسأله ۲۸۷۰
۶۹۶	مسأله ۲۸۷۱
۶۹۶	مسأله ۲۸۷۲
۶۹۶	مسأله ۲۸۷۳
۶۹۶	مسأله ۲۸۷۴
۶۹۷	مسأله ۲۸۷۵
۶۹۷	مسأله ۲۸۷۶
۶۹۷	مسأله ۲۸۷۷
۶۹۷	مسأله ۲۸۷۸
۶۹۷	مسأله ۲۸۷۹
۶۹۸	مسائل دفاع

۶۹۸	مسأله ۲۸۸۰
۶۹۸	مسأله ۲۸۸۱
۶۹۸	مسأله ۲۸۸۲
۶۹۸	مسأله ۲۸۸۳
۶۹۸	مسأله ۲۸۸۴
۶۹۸	مسأله ۲۸۸۵
۶۹۹	مسأله ۲۸۸۶
۶۹۹	مسأله ۲۸۸۷
۶۹۹	مسأله ۲۸۸۸
۶۹۹	مسائل متفرقه
۶۹۹	مسأله ۲۸۸۹
۷۰۰	مسأله ۲۸۹۰
۷۰۰	مسأله ۲۸۹۱
۷۰۰	سفته
۷۰۰	مسأله ۲۸۹۲
۷۰۰	مسأله ۲۸۹۳
۷۰۱	مسأله ۲۸۹۴
۷۰۱	مسأله ۲۸۹۵
۷۰۱	مسأله ۲۸۹۶
۷۰۲	مسأله ۲۸۹۷
۷۰۲	مسأله ۲۸۹۸
۷۰۲	مسأله ۲۸۹۹
۷۰۲	سرقفلی
۷۰۲	مسأله ۲۹۰۰

۷۰۳	مسأله ۲۹۰۱
۷۰۳	مسأله ۲۹۰۲
۷۰۳	مسأله ۲۹۰۳
۷۰۳	مسأله ۲۹۰۴
۷۰۳	مسأله ۲۹۰۵
۷۰۴	مسأله ۲۹۰۶
۷۰۴	معاملات بانکی
۷۰۴	مسأله ۲۹۰۷
۷۰۴	مسأله ۲۹۰۸
۷۰۴	مسأله ۲۹۰۹
۷۰۴	مسأله ۲۹۱۰
۷۰۵	مسأله ۲۹۱۱
۷۰۵	مسأله ۲۹۱۲
۷۰۵	مسأله ۲۹۱۳
۷۰۵	مسأله ۲۹۱۴
۷۰۵	مسأله ۲۹۱۵
۷۰۶	بیمه
۷۰۶	مسأله ۲۹۱۶
۷۰۶	مسأله ۲۹۱۷
۷۰۶	مسأله ۲۹۱۸
۷۰۶	مسأله ۲۹۱۹
۷۰۷	مسأله ۲۹۲۰
۷۰۷	بخت آزمائی
۷۰۷	مسأله ۲۹۲۱

۷۰۷	مسأله ۲۹۲۲
۷۰۷	مسأله ۲۹۲۳
۷۰۷	مسأله ۲۹۲۴
۷۰۸	مسأله ۲۹۲۵
۷۰۸	مسأله ۲۹۲۶
۷۰۸	مسأله ۲۹۲۷
۷۰۸	تلقیح
۷۰۸	مسأله ۲۹۲۸
۷۰۸	مسأله ۲۹۲۹
۷۰۹	مسأله ۲۹۳۰
۷۰۹	مسأله ۲۹۳۱
۷۰۹	تشریح و پیوند
۷۰۹	مسأله ۲۹۳۲
۷۰۹	مسأله ۲۹۳۳
۷۱۰	مسأله ۲۹۳۴
۷۱۰	مسأله ۲۹۳۵
۷۱۰	مسأله ۲۹۳۶
۷۱۰	مسأله ۲۹۳۷
۷۱۱	مسأله ۲۹۳۸
۷۱۱	مسأله ۲۹۳۹
۷۱۱	مسأله ۲۹۴۰
۷۱۱	خاتمه
۷۱۱	مسأله ۲۹۴۱
۷۱۲	مسأله ۲۹۴۲

۷۱۲	مسأله ۲۹۴۳
۷۱۲	مسأله ۲۹۴۴
۷۱۲	مسأله ۲۹۴۵
۷۱۲	مسأله ۲۹۴۶
۷۱۲	مسأله ۲۹۴۷
۷۱۳	مسأله ۲۹۴۸
۷۱۳	مسأله ۲۹۴۹
۷۱۳	[نماز جمعه]
۷۱۳	مسأله ۲۹۵۰
۷۱۳	مسأله ۲۹۵۱
۷۱۳	مسأله ۲۹۵۲
۷۱۳	مسأله ۲۹۵۳
۷۱۴	مسأله ۲۹۵۴
۷۱۴	مسأله ۲۹۵۵
۷۱۴	مسأله ۲۹۵۶
۷۱۴	مسأله ۲۹۵۷
۷۱۴	مسأله ۲۹۵۸
۷۱۴	مسأله ۲۹۵۹
۷۱۴	مسأله ۲۹۶۰
۷۱۵	مسأله ۲۹۶۱
۷۱۵	مسأله ۲۹۶۲
۷۱۵	مسأله ۲۹۶۳
۷۱۵	مسأله ۲۹۶۴
۷۱۵	مسأله ۲۹۶۵

۷۱۶	مسأله ۲۹۶۶
۷۱۶	مسأله ۲۹۶۷
۷۱۶	مسأله ۲۹۶۸
۷۱۶	مسأله ۲۹۶۹
۷۱۶	مسأله ۲۹۷۰
۷۱۶	مسأله ۲۹۷۱
۷۱۷	مسأله ۲۹۷۲
۷۱۷	مسأله ۲۹۷۳
۷۱۷	مسأله ۲۹۷۴
۷۱۷	مسأله ۲۹۷۵
۷۱۷	مسأله ۲۹۷۶
۷۱۷	مسأله ۲۹۷۷
۷۱۸	مسأله ۲۹۷۸
۷۱۸	مسأله ۲۹۷۹
۷۱۸	مسأله ۲۹۸۰
۷۱۹	مسأله ۲۹۸۱
۷۱۹	مسأله ۲۹۸۲
۷۱۹	مسأله ۲۹۸۳
۷۱۹	مسأله ۲۹۸۴
۷۱۹	مسأله ۲۹۸۵
۷۱۹	مسأله ۲۹۸۶
۷۲۰	مسأله ۲۹۸۷
۷۲۰	مسأله ۲۹۸۸
۷۲۰	مسأله ۲۹۸۹

۷۲۰	مسأله ۲۹۹۰
۷۲۰	مسأله ۲۹۹۱
۷۲۰	مسأله ۲۹۹۲
۷۲۱	مسأله ۲۹۹۳
۷۲۱	مسأله ۲۹۹۴
۷۲۱	مسأله ۲۹۹۵
۷۲۱	مسأله ۲۹۹۶
۷۲۲	مسأله ۲۹۹۷
۷۲۲	مسأله ۲۹۹۸
۷۲۲	مسأله ۲۹۹۹
۷۲۲	مسأله ۳۰۰۰
۷۲۲	مسأله ۳۰۰۱
۷۲۳	مسأله ۳۰۰۲
۷۲۳	مسأله ۳۰۰۳
۷۲۳	مسأله ۳۰۰۴
۷۲۳	مسأله ۳۰۰۵
۷۲۳	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

رساله آیت الله شیخ محمد شاه آبادی

مشخصات کتاب

نویسنده: محمد شاه آبادی

ناشر: قم: عصر رهایی

برگرفته از:

<http://www.alshahabadi.ir/Default.aspx?tabid=۴۶۲۲>

مقدمه

رساله توضیح المسائل که متن آن مطابق است با فتاوی فقید سعید حضرت حجه الاسلام و المسلمین سید العلماء و المجتهدین آیت الله العظمی حاج آقا حسین طباطبایی بروجردی با حاشیه حضرت آیت الله العظمی حاج آقا شیخ محمد شاه آبادی حفظه الله تعالی شماره های درج شده در متن هر مساله نشانه حاشیه معظم له است. در غیر اینصورت دیدگاه ایشان عیناً همان دیدگاه مرحوم آیت الله العظمی بروجردی می باشد.

احکام تقلید

مسأله ۱

مسأله ۱- عقیده مسلمان به اصول دین باید از روی دلیل باشد (۱) و نمی توان در اصول دین تقلید نماید، یعنی بدون دلیل گفته کسی را قبول کند. ولی در احکام دین (۲) باید یا مجتهد باشد که بتواند احکام را از روی دلیل به دست آورد، یا از مجتهد تقلید کند، یعنی به دستور او رفتار نماید، یا از راه احتیاط طوری به وظیفه خود عمل نماید که یقین کند تکلیف خود را انجام داده است، مثلاً اگر عده‌ای از مجتهدین عملی را حرام می‌دانند و عده دیگر می‌گویند حرام نیست، آن عمل را انجام ندهد، و اگر عملی را بعضی واجب و بعضی مستحب می‌دانند آن را بجا آورد. پس کسانی که مجتهد نیستند و نمی‌توانند به احتیاط عمل کنند، واجب است از مجتهد تقلید نمایند.

۱- باید قطعی باشد ولو از طریق برهان و دلیل نباشد

۲- در غیر احکام ضروری

کد مسأله: ۱۵۵۱۶

مسأله ۲

مسأله ۲- تقلید در احکام، (۱) عمل کردن به دستور مجتهد است. و از مجتهدی باید تقلید کرد که مرد و بالغ و عاقل و شیعه دوازده امامی و حلال زاده و زنده (۲) و عادل باشد. و عادل کسی است (۳) که کارهایی را که بر او واجب است بجا آورد و کارهایی را که بر او حرام است ترک کند که اگر از اهل محل یا همسایگان او یا کسانی که با او معاشرت دارند حال او را پرسند، خوبی او را تصدیق نمایند. و نیز مجتهدی که انسان از او تقلید می‌کند باید اعلم باشد، (۴) یعنی در فهمیدن حکم خدا از تمام مجتهدین زمان خود استادتر باشد.

۱- تقلید عبارت است از عملی که مستند به رأی و نظر مجتهد باشد نه صرفاً مطابق با نظر و رأی او باشد و استناد و اتکائی به او نداشته باشد.

۲- لازم نیست مجتهد زنده باشد و تقلید ابتدایی از مجتهد میت هم جایز است.

۳- بلکه عادل کسی است که دارای ملکه عدالت باشد و حسن ظاهری که در عبارت ذکر شده طریق تبعیدی آن است نه خود آن چنانچه تصدیق دیگران طریق کشف آن است نه حقیقت آن پس منحصرأ حقیقت آن ملکه نفسانی است و این دو، طریق به آن است تبعیداً

۴- در مسائل مورد اختلاف و با عدم اختلاف تقلید هر دو مساوی است.

کد مسأله: ۱۵۶۴۱

مسأله ۳

مسأله ۳- مجتهد و اعلم را از سه راه می‌توان شناخت: اول: آنکه خود انسان یقین کند، مثل آنکه از اهل علم باشد و بتواند مجتهد و اعلم را بشناسد. دوم: آنکه دو نفر عالم عادل که می‌توانند مجتهد و اعلم را تشخیص دهند، مجتهد بودن یا اعلم بودن کسی را تصدیق کنند، به شرط آنکه دو نفر عالم عادل دیگر با گفته آنان مخالفت نمایند. سوم: آنکه عده‌ای از اهل علم که می‌توانند مجتهد و اعلم را تشخیص دهند و از گفته آنان اطمینان پیدا می‌شود، مجتهد بودن و یا اعلم بودن کسی را تصدیق کنند.

کد مسأله: ۱۵۶۴۲

مسأله ۴

مسأله ۴- اگر شناختن اعلم مشکل باشد باید از کسی تقلید کند که گمان به اعلم بودن او دارد، (۱) بلکه اگر احتمال ضعیفی هم بدهد که کسی اعلم است و بداند دیگری از او اعلم نیست به احتیاط واجب باید از او تقلید نماید. (۲) و اگر چند نفر در نظر او اعلم از دیگران و با یکدیگر مساوی باشند باید از یکی از آنان تقلید نماید. ولی چنانچه یکی از آنان پرهیز کارتر باشد (۳) باید از او تقلید نماید.

۱- با علم به اختلاف ولو اجمالاً تقلید مضمون الاعلمیه احتیاط واجب است

۲- با علم به اختلاف در فتوی ولو اجمالاً تقلید محتمل الاعلمیه احتیاط واجب است.

۳- بنا بر احتیاط واجب

کد مسأله: ۱۵۶۴۳

مسأله ۵

مسأله ۵- به دست آوردن فتوی یعنی دستور مجتهد چهار راه دارد: اول: شنیدن از خود مجتهد. دوم: شنیدن از دو نفر عادل که فتوای مجتهد را نقل کنند. سوم: شنیدن از کسی که انسان به گفته او اطمینان دارد. چهارم: دیدن در رساله مجتهد در صورتی که انسان به درستی آن رساله اطمینان داشته باشد.

کد مسأله: ۱۵۶۴۴

مسأله ۶

مسأله ۶- تا انسان یقین نکند که فتوای مجتهد عوض شده است، می‌تواند به آنچه در رساله نوشته شده عمل نماید، و اگر احتمال دهد که فتوای او عوض شده، جستجو لازم نیست.

کد مسأله: ۱۵۶۴۵

مسأله ۷

مسأله ۷- اگر مجتهد اعلم در مسأله‌ای فتوی دهد، مقلد آن مجتهد یعنی کسی که از او تقلید می‌کند نمی‌تواند در آن مسأله به فتوای مجتهد دیگر عمل کند، ولی اگر فتوی ندهد و بفرماید احتیاط آن است که فلان طور عمل شود، مثلاً بفرماید احتیاط آن است که در رکعت سوم و چهارم نماز، سه مرتبه تسبیحات اربعه یعنی "سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر" بگویند، مقلد باید یا به این احتیاط که احتیاط واجبش می‌گویند عمل کند و سه مرتبه بگوید، و یا به فتوای مجتهدی که علم او از مجتهد اعلم کمتر و از مجتهدهای دیگر بیشتر است عمل نماید، پس اگر او یک مرتبه گفتن را کافی بداند، می‌تواند یک مرتبه بگوید و همچنین است اگر مجتهد اعلم بفرماید مسأله محل تامل یا محل اشکال است.

کد مسأله: ۱۵۶۴۶

مسأله ۸

مسأله ۸- اگر مجتهد اعلم بعد از آن که در مسأله فتوا داده احتیاط کند، مثلاً بفرماید ظرف نجس را که یک مرتبه در آب کر بشویند پاک می‌شود، اگر چه احتیاط آن است که سه مرتبه بشویند، مقلد او نمی‌تواند در آن مسأله به فتوای مجتهد دیگر رفتار کند بلکه باید یا به فتوا عمل کند، یا به احتیاط بعد از فتوا که آن را احتیاط مستحب می‌گویند عمل نماید.

کد مسأله: ۱۵۶۴۷

مسأله ۹

مسأله ۹- اگر مجتهدی که انسان از او تقلید می‌کند، از دنیا برود باید از مجتهد زنده تقلید کرد. ولی کسی که در مسأله ای به فتوای مجتهدی عمل کرده، اگر بعد از مردن آن مجتهد در آن مسأله به فتوای مجتهد زنده رفتار نکرده باشد، می‌تواند در آن مسأله به فتوای مجتهدی که از دنیا رفته باقی باشد (۱) اگر چه احتیاط مستحب آن است که به فتوای مجتهد زنده رفتار نماید.

۱- اگر حی و میت مساوی باشد و اگر میت اعلم باشد باید باقی بماند و اگر حی اعلم باشد باید رجوع کند با اختلاف در فتوی و در صورت عدم اختلاف حکم، مخیر است.

کد مسأله: ۱۵۶۴۸

مسأله ۱۰

مسأله ۱۰- اگر در مسأله‌ای به فتوای مجتهدی عمل کند و بعد از مردن او در همان مسأله به فتوای مجتهد زنده رفتار نماید دوباره نمی‌تواند آن را مطابق فتوای مجتهدی که از دنیا رفته است انجام دهد. ولی اگر مجتهد زنده در مسأله‌ای فتوی ندهد، و احتیاط نماید و مقلد مدتی به آن احتیاط عمل کند، دوباره می‌تواند به فتوای مجتهدی که از دنیا رفته عمل نماید مثلاً اگر مجتهدی گفتن یک مرتبه "سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر" را در رکعت سوم و چهارم نماز، کافی بداند و مقلد مدتی به این دستور عمل نماید و یک مرتبه بگوید، چنانچه آن مجتهد از دنیا برود و مجتهد زنده احتیاط واجب را در سه مرتبه گفتن بداند و مقلد

مدتی به این احتیاط عمل کند و سه مرتبه بگوید، دوباره می‌تواند به فتوای مجتهدی که از دنیا رفته برگردد و یک مرتبه بگوید.

کد مسأله: ۱۵۶۴۹

مسأله ۱۱

مسأله ۱۱- مسائلی را که انسان غالباً به آنها احتیاج دارد واجب است، یاد بگیرد.

کد مسأله: ۱۵۶۵۰

مسأله ۱۲

مسأله ۱۲- اگر برای انسان مسأله‌ای پیش آید که حکم آن را نمی‌داند، چنانچه ممکن است، (۱) باید صبر کند تا فتوای مجتهد اعلم را به دست آورد. و اگر ممکن نیست باید به فتوای مجتهدی که علم او کمتر از مجتهد اعلم و بیشتر از مجتهدهای دیگر است عمل کند، یا اگر می‌تواند از راه احتیاط وظیفه خود را انجام دهد.

۱- در صورت عدم علم اختلاف در فتوی از مجتهد غیر اعلم تقلید می‌کند و یا احتیاط اگر ممکن باشد و در صورت علم اختلاف در فتوای ولو اجمالاً احتیاط می‌کند اگر ممکن باشد و اگر نباشد باید صبر کند.

کد مسأله: ۱۵۶۵۱

مسأله ۱۳

مسأله ۱۳- اگر کسی فتوای مجتهدی را به دیگری بگوید، چنانچه فتوای آن مجتهد عوض شود، لازم نیست به او خبر دهد که فتوی عوض شده، ولی اگر بعد از گفتن فتوی بفهمد اشتباه کرده در صورتی که ممکن باشد، باید اشتباه را برطرف کند.

کد مسأله: ۱۵۶۵۲

مسأله ۱۴

مسأله ۱۴- اگر مکلف مدتی اعمال خود را بدون تقلید انجام دهد، در صورتی اعمال او صحیح است که با فتوای مجتهدی که وظیفه اش تقلید از او بوده یا با فتوای مجتهدی که فعلاً باید از او تقلید کند، مطابق باشد، یا از راه دیگری بفهمد که وظیفه واقعی خود رفتار کرده است.

کد مسأله: ۱۵۶۵۳

آب مطلق و مضاف

مسأله ۱۵

مسأله ۱۵- آب یا مطلق است یا مضاف: آب مضاف آبی است که آن را از چیزی بگیرند: مثل آب هندوانه و گلاب، یا با چیزی مخلوط باشد، مثل آبی که به قدری با گل و مانند آن مخلوط شود، که دیگر به آن آب نگویند و غیر اینها آب مطلق است، و آن بر پنج قسم است: اول: آب کر. دوم: آب قلیل. سوم: آب جاری. چهارم: آب باران. پنجم: آب چاه.

کد مسأله: ۱۵۶۵۴

۱- آب کر**مسئله ۱۶**

مسئله ۱۶- آب کر مقدار آبی است که اگر در ظرفی که درازا و پهنا و گودی آن هر یک سه و جب و نیم است (۱) بریزند آن ظرف را پر کنند، و وزن آن از صد و بیست و هشت من تبریز بیست مثقال کمتر است، که ۳۷۶.۷۴۰ کیلوگرم می‌شود. (۲)

۱- بلکه اگر حجم آن سی و شش و جب هم باشد کر است.

۲- ظاهراً این مقدار کمی زیادتر از کر است و باید به دقت حساب شود.

کد مسئله: ۱۵۶۵۵

مسئله ۱۷

مسئله ۱۷- اگر عین نجس مانند بول و خون یا چیز دیگری که نجس شده است مانند لباس نجس، به آب کر برسد. چنانچه آن آب، بو یا رنگ یا مزه نجاست را بگیرد، نجس می‌شود. و اگر تغییر نکند نجس نمی‌شود.

کد مسئله: ۱۵۶۵۶

مسئله ۱۸

مسئله ۱۸- اگر بوی آب کر به واسطه غیر نجاست تغییر کند، نجس نمی‌شود.

کد مسئله: ۱۵۶۵۷

مسئله ۱۹

مسئله ۱۹- اگر عین نجس مانند خون به آبی که بیشتر از کر است برسد و بو یا رنگ یا مزه قسمتی از آن را تغییر دهد، چنانچه مقداری که تغییر نکرده کمتر از کر باشد، تمام آب نجس می‌شود. و اگر به اندازه کر یا بیشتر باشد، فقط مقداری که بو یا مزه یا رنگ آن تغییر کرده نجس است.

کد مسئله: ۱۵۶۵۸

مسئله ۲۰

مسئله ۲۰- آب فواره اگر متصل به کر باشد، آب نجس را پاک می‌کند. ولی اگر قطره قطره روی آب نجس بریزد، آن را پاک نمی‌کند، مگر آنکه چیزی روی فواره بگیرند، تا آب آن قبل از قطره قطره شدن، به آب نجس متصل شود. و بنا بر احتیاط واجب باید (۱) آب فواره با آن آب نجس مخلوط گردد.

۱- اتصال کافی است و اختلاط مستحسن است.

کد مسئله: ۱۵۶۵۹

مسئله ۲۱

مسئله ۲۱- اگر چیز نجس را زیر شیری که متصل به کر است بشویند، آبی که از آن چیز می‌ریزد اگر متصل به کر باشد و بو یا رنگ یا مزه نجاست نگرفته باشد و عین نجاست هم در آن نباشد پاک است.
کد مسئله: ۱۵۶۶۰

مسئله ۲۲

مسئله ۲۲- اگر مقداری از آب کر یخ ببندد و باقی آن بقدر کر نباشد، چنانچه نجاست به آن برسد نجس می‌شود، و هر قدر از یخ هم آب شود نجس است.
کد مسئله: ۱۵۶۶۱

مسئله ۲۳

مسئله ۲۳- آبی که به اندازه کر بوده، اگر انسان شک کند از کر کمتر شده یا نه، مثل آب کر است، یعنی نجاست را پاک می‌کند و اگر نجاستی هم به آن برسد نجس نمی‌شود. و آبی که کمتر از کر بوده و انسان شک دارد به مقدار کر شده یا نه حکم آب کر ندارد.
کد مسئله: ۱۵۶۶۲

مسئله ۲۴

مسئله ۲۴- کر بودن آب به سه راه ثابت می‌شود: اول: آن که خود انسان یقین کند. (۱) دوم: آن که دو مرد عادل خبر دهند. سوم: کسی که آب در اختیار او است به کر بودن آب خبر دهد مثلاً حمامی بگوید آب حوض حمام کر است.
۱- یا اطمینان نماید.
کد مسئله: ۱۵۶۶۳

۲- آب قلیل

مسئله ۲۵

مسئله ۲۵- آب قلیل آبی است که از زمین نجوشد و از کر کمتر باشد.
کد مسئله: ۱۵۶۶۴

مسئله ۲۶

مسئله ۲۶- اگر آب قلیل روی چیز نجس بریزد، یا چیز نجس به آن برسد نجس می‌شود. ولی اگر از بالا با فشار (۱) روی چیز نجس بریزد، مقداری که به آن چیز می‌رسد نجس، و هر چه بالاتر از آن است پاک می‌باشد.
۱- فشار لازم نیست جهت علو کافی است و اگر در جهت دَنُو است فشار معتبر است. مثل فواره
کد مسئله: ۱۵۶۶۵

مسئله ۲۷

مسئله ۲۷- آب قلیلی که برای برطرف کردن عین نجاست روی چیز نجس ریخته شود و از آن جدا گردد، نجس است، و همچنین بنا بر احتیاط واجب باید از آب قلیلی هم که بعد از برطرف شدن عین نجاست، برای آب کشیدن چیز نجس روی آن می‌ریزند، و از آن جدا می‌شود، اجتناب کنند. (۱) ولی آبی که با آن مخرج بول و غائط را می‌شویند با پنج شرط پاک است:

اول: آن که بو یا رنگ یا مزه نجاست نگرفته باشد.

دوم: نجاستی از خارج به آن نرسیده باشد.

سوم: نجاست دیگری مثل خون، با بول یا غائط بیرون نیامده باشد.

چهارم: ذره‌های غائط در آب پیدا نباشد.

پنجم: بیشتر از مقدار معمول، نجاست به اطراف مخرج نرسیده باشد.

۱- علی الاقوی نجس و باید از آن اجتناب نماید

کد مسئله: ۱۵۶۶۶

۳- آب جاری

مسئله ۲۸

مسئله ۲۸- آب جاری آبی است که از زمین بجوشد و جریان داشته باشد مانند آب چشمه و قنات.

کد مسئله: ۱۵۶۶۷

مسئله ۲۹

مسئله ۲۹- آب جاری اگر چه کمتر از کر باشد، چنانچه نجاست به آن برسد تا وقتی بو یا رنگ یا مزه آن بواسطه نجاست تغییر نکرده پاک است.

کد مسئله: ۱۵۶۶۸

مسئله ۳۰

مسئله ۳۰- اگر نجاستی به آب جاری برسد، مقداری از آن، که بو یا رنگ یا مزه‌اش بواسطه نجاست تغییر کرده نجس است. و طرفی که متصل به چشمه است اگر چه کمتر از کر باشد پاک است. و آبهای دیگر نهر اگر به اندازه کر باشد یا بواسطه آبی که تغییر نکرده به آب طرف چشمه متصل باشد، پاک و گر نه نجس است.

کد مسئله: ۱۵۶۶۹

مسئله ۳۱

مسئله ۳۱- آب چشمه‌ای که جاری نیست ولی طوری است که اگر از آن بردارند باز می‌جوشد حکم آب جاری دارد. یعنی اگر نجاست به آن برسد، تا وقتی بو یا رنگ یا مزه آن بواسطه نجاست تغییر نکرده پاک است.

کد مسئله: ۱۵۶۷۰

مسئله ۳۲

مسئله ۳۲- آبی که کنار نهر ایستاده و متصل به آب جاری است، حکم آب جاری دارد.

کد مسئله: ۱۵۶۷۱

مسئله ۳۳

مسئله ۳۳- چشمه‌ای که مثلا در زمستان می‌جوشد و در تابستان از جوشش می‌افتد فقط وقتی که می‌جوشد حکم آب جاری دارد.

کد مسئله: ۱۵۶۷۲

مسئله ۳۴

مسئله ۳۴- آب حوض حمام اگر چه کمتر از کر باشد، چنانچه به خزینه ای که آب آن به اندازه کر است متصل باشد، مثل آب جاری است.

کد مسئله: ۱۵۶۷۳

مسئله ۳۵

مسئله ۳۵- آب لوله‌های حمام که از شیرها و دوشها می‌ریزد، اگر متصل به کر باشد مثل آب جاری است.

کد مسئله: ۱۵۶۷۴

مسئله ۳۶

مسئله ۳۶- آبی که روی زمین جریان دارد ولی از زمین نمی‌جوشد، چنانچه کمتر از کر باشد و نجاست به آن برسد نجس می‌شود. اما اگر از بالا با فشار (۱) به پایین بریزد، چنانچه نجاست به پایین آن برسد بالای آن نجس نمی‌شود.

۱- جهت علو کافی در عدم انفعال است و فشار و شدت در آن معتبر نیست. ولی فشار معتبر است اگر آب قلیل در جهت دنو باشد مثل فواره چون با فشار خارج می‌شود اگر جهت علو آن ملاقات با نجاست نماید جهت دنو آن نجس نمی‌شود.

کد مسئله: ۱۵۶۷۵

۴- آب باران**مسئله ۳۷**

مسئله ۳۷- اگر به چیز نجسی که عین نجاست در آن نیست یک مرتبه باران ببارد، جایی که باران به آن برسد پاک می‌شود. و در فرش و لباس و مانند اینها فشار لازم نیست. ولی باریدن دو سه قطره فایده ندارد، بلکه باید طوری باشد که بگویند باران می‌آید.

کد مسئله: ۱۵۶۷۶

مسئله ۳۸

مسئله ۳۸- اگر باران، به عین نجس بیارد و به جای دیگر ترشح کند، چنانچه عین نجاست همراه آن نباشد و بو یا رنگ یا مزه نجاست نگرفته باشد پاک است. پس اگر باران بر خون بیارد و ترشح کند، چنانچه ذره‌ای خون در آن باشد، یا آن که بو یا رنگ یا مزه خون گرفته باشد نجس می باشد.

کد مسئله: ۱۵۶۷۷

مسئله ۳۹

مسئله ۳۹- اگر بر سقف عمارت یا روی بام آن عین نجاست باشد، تا وقتی باران به بام می بارد آبی که به چیز نجس رسیده و از سقف یا ناودان می ریزد پاک است. و بعد از قطع شدن باران اگر معلوم باشد آبی که می ریزد، به چیز نجس رسیده است نجس می باشد.

کد مسئله: ۱۵۶۷۸

مسئله ۴۰

مسئله ۴۰- زمین نجسی که باران بر آن بیارد پاک می شود. و اگر باران بر زمین جاری شود و به جای نجسی که زیر سقف است برسد آن را نیز پاک می کند.

کد مسئله: ۱۵۶۷۹

مسئله ۴۱

مسئله ۴۱- خاک نجسی که به واسطه باران گل شود و آب آن را فرا گیرد پاک است.

کد مسئله: ۱۵۶۸۰

مسئله ۴۲

مسئله ۴۲- هرگاه آب باران در جایی جمع شود اگر چه کمتر از کر باشد، چنانچه موقعی که باران می آید چیز نجسی را در آن بشویند و آب بو یا رنگ یا مزه نجاست نگیرد، آن چیز نجس پاک می شود.

کد مسئله: ۱۵۶۸۱

مسئله ۴۳

مسئله ۴۳- اگر بر فرش پاکی که روی زمین نجس است باران بیارد، و بر زمین نجس جاری شود، (۱) فرش نجس نمی شود و زمین هم پاک می گردد.

۱- جریان شرط نیست و وصول کافی در طهارت زمین و عدم انفعال فرش است.

کد مسئله: ۱۵۶۸۲

۵- آب چاه

مسئله ۴۴

مسئله ۴۴- آب چاهی که از زمین می‌جوشد، اگر چه کمتر از کر باشد چنانچه نجاست به آن برسد، تا وقتی بو یا رنگ یا مزه آن به واسطه نجاست تغییر نکرده‌پاک است، ولی مستحب است پس از رسیدن بعضی از نجاستها مقداری که در کتابهای مفصل گفته شده از آب آن بکشند.

کد مسئله: ۱۵۶۸۳

مسئله ۴۵

مسئله ۴۵- اگر نجاستی در چاه بریزد و بو یا رنگ یا مزه آب آن را تغییر دهد، چنانچه تغییر آب چاه از بین برود، بنا بر احتیاط واجب (۱) موقعی پاک می‌شود که با آبی که از چاه می‌جوشد، مخلوط گردد.

۱- امتزاج و اختلاط لازم نیست و مجرد زوال تغییر کافی در طهارت است علی الاقوی

کد مسئله: ۱۵۶۸۴

مسئله ۴۶

مسئله ۴۶- اگر آب باران یا آب دیگر، در گودالی جمع شود و کمتر از کر باشد، با رسیدن نجاست به آن نجس می‌شود. (۱)
۱- اگر باران قطع شده باشد و الا نجس نمی‌شود.

کد مسئله: ۱۵۶۸۵

احکام آبها

مسئله ۴۷

مسئله ۴۷- آب مضاف که معنی آن گفته شد، چیز نجس را پاک نمی‌کند، وضو و غسل هم با آن باطل است.

کد مسئله: ۱۵۶۸۶

مسئله ۴۸

مسئله ۴۸- آب مضاف هر قدر زیاد باشد (۱) اگر ذره‌ای نجاست به آن برسد نجس می‌شود، ولی چنانچه از بالا با فشار (۲) روی چیز نجس بریزد، مقداری که به چیز نجس رسیده نجس، و مقداری که بالاتر از آن است پاک می‌باشد. مثلاً اگر گلاب را از گلابدان روی دست نجس بریزند، آنچه به دست رسیده نجس، و آنچه به دست نرسیده پاک است.

۱- نجاست مقدار کر و مافوق آن به مجرد ملاقات با نجاست محل اشکال است.

۲- با فشار ولو از پایین پس ملاک فشار است و علو اعتباری ندارد.

کد مسئله: ۱۵۶۸۷

مسئله ۴۹

مسئله ۴۹- اگر آب مضاف نجس، طوری با آب کر یا جاری مخلوط شود، که دیگر آب مضاف به آن نگویند، پاک می‌شود.

کد مسأله: ۱۵۶۸۸

مسأله ۵۰

مسأله ۵۰- آبی که مطلق بوده و معلوم نیست مضاف شده یا نه، مثل آب مطلق است، یعنی چیز نجس را پاک می‌کند، وضو و غسل هم با آن صحیح است. و آبی که مضاف بوده و معلوم نیست مطلق شده یا نه مثل آب مضاف است، یعنی چیز نجس را پاک نمی‌کند، وضو و غسل هم با آن باطل است.

کد مسأله: ۱۵۶۸۹

مسأله ۵۱

مسأله ۵۱- آبی که معلوم نیست مطلق است یا مضاف، و معلوم نیست که قبلاً مطلق یا مضاف بوده نجاست را پاک نمی‌کند، وضو و غسل هم با آن باطل است، ولی اگر به اندازه کر یا بیشتر باشد و نجاست به آن برسد حکم به نجس بودن آن نمی‌شود.

کد مسأله: ۱۵۶۹۰

مسأله ۵۲

مسأله ۵۲- آبی که عین نجاست مثل خون و بول به آن برسد و بو یا رنگ یا مزه آن را تغییر دهد، اگر چه کر یا جاری باشد، نجس می‌شود. ولی اگر بو یا رنگ یا مزه آب، به واسطه نجاستی که بیرون آن است عوض شود، مثلاً مرداری که پهلوی آب است بوی آن را تغییر دهد، نجس نمی‌شود.

کد مسأله: ۱۵۶۹۱

مسأله ۵۳

مسأله ۵۳- آبی که عین نجاست مثل خون و بول در آن ریخته و بو یا رنگ یا مزه آن را تغییر داده، چنانکه به کر یا جاری متصل شود، یا باران بر آن بیارد یا باد باران را در آن بریزد، یا آب باران از ناودان در آن جاری شود، و تغییر آن از بین برود، پاک می‌شود، ولی بنا بر احتیاط واجب باید آب باران یا کر یا جاری با آن مخلوط گردد. (۱)

۱- اختلاط و امتزاج لازم نیست و به مجرد زوال تغییر پاک می‌شود علی الاقوی

کد مسأله: ۱۵۶۹۲

مسأله ۵۴

مسأله ۵۴- اگر چیز نجس را در آب کر یا جاری آبکشند، آبی که بعد از بیرون آوردن، از آن می‌ریزد پاک است.

کد مسأله: ۱۵۶۹۳

مسأله ۵۵

مسأله ۵۵- آبی که پاک بوده و معلوم نیست نجس شده یا نه پاک است، و آبی که نجس بوده و معلوم نیست پاک شده یا نه،

نجس است.

کد مسأله: ۱۵۶۹۴

احکام تخلی (بول و غائط کردن)

مسأله ۵۶

مسأله ۵۶- نیم خورده سگ و خوک و کافر، نجس و خوردن آن حرام است. و نیم خورده حیوانات حرام گوشت، پاک و خوردن آن مکروه می‌باشد. (۱)

۱- در گربه مکروه نیست و در مؤمن شفاء است.

کد مسأله: ۱۵۶۹۵

مسأله ۵۷

مسأله ۵۷- واجب است انسان وقت تخلی و مواقع دیگر، عورت خود را از کسانی که مکلفند، اگر چه مثل خواهر و مادر با او محرم باشند، و همچنین از دیوانه و بچه‌های ممیز که خوب و بد را می‌فهمند، بپوشاند، ولی زن و شوهر لازم نیست عورت خود را از یکدیگر بپوشانند. (۱)

۱- در مالک و کنیز لازم نیست عورت خود را از یکدیگر ستر نمایند و همچنین در کنیز محله برای طرفین (زن و مرد) ستر لازم نیست و نظر جائز است.

کد مسأله: ۱۵۶۹۶

مسأله ۵۸

مسأله ۵۸- لازم نیست با چیز مخصوصی عورت خود را بپوشاند و اگر مثلاً با دست هم آن را بپوشاند کافی است.

کد مسأله: ۱۵۶۹۷

مسأله ۵۹

مسأله ۵۹- موقع تخلی باید طرف جلوی بدن یعنی شکم و سینه و زانوها (۱) رو به قبله و پشت به قبله نباشد.

۱- اعتباری به استقبال زانوها و استدبار آنها نیست.

کد مسأله: ۱۵۶۹۸

مسأله ۶۰

مسأله ۶۰- اگر موقع تخلی طرف جلوی بدن کسی رو به قبله یا پشت به قبله باشد و عورت را از قبله بگرداند، کفایت نمی‌کند. و اگر جلوی بدن او رو به قبله یا پشت به قبله نباشد، احتیاط واجب آن است که عورت را رو به قبله یا پشت به قبله ننماید.

کد مسأله: ۱۵۶۹۹

مسأله ۶۱

مسئله ۶۱- احتیاط واجب آن است که طرف جلو بدن در موقع استبراء که احکام آن بعداً گفته می شود. و در موقع تطهیر مخرج بول و غائط رو به قبله و پشت به قبله نباشد. (۱)

۱- در موقع استبراء و تطهیر اقوی جواز استقبال و استدبار قبله است ولیکن احتیاط حسن است
کد مسئله: ۱۵۷۰۰

مسئله ۶۲

مسئله ۶۲- اگر برای آنکه نامحرم او را نبیند مجبور شود رو به قبله یا پشت به قبله بنشیند باید رو به قبله یا پشت به قبله بنشیند. و نیز اگر از راه دیگر ناچار باشد که رو به قبله یا پشت به قبله بنشیند، مانعی ندارد.

کد مسئله: ۱۵۷۰۱

مسئله ۶۳

مسئله ۶۳- احتیاط واجب آن است که بچه را در وقت تخلی رو به قبله یا پشت به قبله نشانند. ولی اگر خود بچه بنشیند. جلوگیری از او واجب نیست.

کد مسئله: ۱۵۷۰۲

مسئله ۶۴

مسئله ۶۴- در چهار جا تخلی حرام است: اول: در کوچه‌های بن بست در صورتی که صاحبانش اجازه نداده باشند. دوم: در ملک کسی که اجازه تخلی نداده است. سوم: در جایی که برای عده مخصوصی وقف شده است، مثل بعضی از مدرسه‌ها. چهارم: روی قبر مؤمنین در صورتی که بی‌احترامی به آنان باشد.

کد مسئله: ۱۵۷۰۳

مسئله ۶۵

مسئله ۶۵- در سه صورت مخرج غائط فقط با آب پاک می شود: اول: آنکه با غائط، نجاست دیگری مثل خون بیرون آمده باشد. دوم: آنکه نجاستی از خارج به مخرج غائط رسیده باشد. سوم: آنکه اطراف مخرج بیشتر از مقدار معمول آلوده شده باشد. و در غیر این سه صورت می شود مخرج را با آب شست و یا به دستوری که بعداً گفته می شود. با پارچه و سنگ و مانند اینها پاک کرد، اگر چه شستن با آب بهتر است.

کد مسئله: ۱۵۷۰۴

مسئله ۶۶

مسئله ۶۶- مخرج بول با غیر آب پاک نمی شود، و در کر و جاری اگر بعد از برطرف شدن بول یک مرتبه بشویند کافی است، ولی با آب قلیل باید دو مرتبه شست (۱) و بهتر است سه مرتبه شسته شود.

۱- بنا بر احتیاط واجب

کد مسأله: ۱۵۷۰۵

مسأله ۶۷

مسأله ۶۷- اگر مخرج غائط را با آب بشویند، باید چیزی از غائط در آن نماند. ولی باقی ماندن رنگ و بوی آن مانعی ندارد و اگر در دفعه اول طوری شسته شود که ذره‌ای از غائط در آن نماند، دوباره شستن لازم نیست.

کد مسأله: ۱۵۷۰۶

مسأله ۶۸

مسأله ۶۸- با سنگ و کلوخ و مانند اینها اگر خشک و پاک باشند می‌شود مخرج غائط را تطهیر کرد، و چنانچه رطوبت کمی داشته باشند که به مخرج نرسد اشکال ندارد. ولی باید از سه دفعه کمتر نباشد اگر چه به یک مرتبه یا دو مرتبه مخرج پاکیزه شود. (۱)

۱- ملاک نقاء است اگر چه به یک مرتبه حاصل شود عل الاقوی و تعدد از نقاء (پاک شدن) مستحسن است.

کد مسأله: ۱۵۷۰۷

مسأله ۶۹

مسأله ۶۹- احتیاط واجب (۱) آن است که سنگ یا پارچه‌ای که غائط را با آن بر طرف می‌کنند، سه قطعه باشد و اگر با سه قطعه بر طرف نشود باید به قدری اضافه نمایند تا مخرج کاملاً پاکیزه شود، ولی باقیماندن ذره‌های کوچکی که دیده نمی‌شود اشکال ندارد.

۱- این احتیاط مستحسن است و حجر یا خرقة ذوالجهات کافی است

کد مسأله: ۱۵۷۰۸

مسأله ۷۰

مسأله ۷۰- پاک کردن مخرج غائط با چیزهایی که احترام آنها لازم است: مانند کاغذی که اسم خدا و پیغمبران بر آن نوشته شده حرام است و با استخوان و سر گین هم (۱) نباید مخرج غائط را پاک کرد. و اگر کسی با اینها غائط را بر طرف کند، معصیت کرده ولی مخرج پاک می‌شود.

۱- بنابر احتیاط مستحسن و لکن اقوی جواز تطهیر است با آنها

کد مسأله: ۱۵۷۰۹

مسأله ۷۱

مسأله ۷۱- اگر شک کند که مخرج را تطهیر کرده یا نه، اگر چه همیشه بعد از بول یا غائط فوراً تطهیر می‌کرده، احتیاط واجب (۱) آن است که تطهیر نماید.

۱- علی الاقوی باید تطهیر نماید.

کد مسأله: ۱۵۷۱۰

مسئله ۷۲

مسئله ۷۲- اگر بعد از نماز شك کند که قبل از نماز مخرج را تطهیر کرده یا نه، نمازی که خوانده صحیح است ولی برای نمازهای بعد باید تطهیر کند.

کد مسئله: ۱۵۷۱۱

استبراء**مسئله ۷۳**

مسئله ۷۳- استبراء عمل مستحبی است که مردها بعد از بیرون آمدن بول انجام می‌دهند، برای آنکه یقین کنند بول در مجری نمانده است و آن دارای اقسامی است و بهترین آنها این است که بعد از قطع شدن بول اگر مخرج غائط نجس شده اول آن را تطهیر کنند، بعد سه دفعه با انگشت میانه دست چپ از مخرج غائط تا بیخ آلت بکشند، و بعد شست را روی آلت و انگشت پهلوی شست را زیر آن بگذارند و سه مرتبه تا ختنه گاه بکشند (۱) و پس از آن سه مرتبه سر آلت را فشار دهند.

۱- بلکه تا سر آلت سه مرتبه بکشند.

کد مسئله: ۱۵۷۱۲

مسئله ۷۴

مسئله ۷۴- آبی که گاهی بعد از ملاعبه و بازی کردن از انسان خارج می‌شود، و به آن مذی می‌گویند پاک است. و نیز آبی که گاهی بعد از منی بیرون می‌آید، و به آن وذی گفته می‌شود و آبی که گاهی بعد از بول بیرون می‌آید و به آن ودی می‌گویند، اگر بول به آن نرسیده باشد، پاک است. و چنانچه انسان بعد از بول استبراء کند و بعد آبی از او خارج شود و شك کند که بول است یا یکی از اینها، پاک می‌باشد.

کد مسئله: ۱۵۷۱۳

مسئله ۷۵

مسئله ۷۵- اگر انسان شك کند استبراء کرده یا نه و رطوبتی از او بیرون آید که نداند پاک است یا نه، نجس می‌باشد، و چنانچه وضو گرفته باشد باطل می‌شود. ولی اگر شك کند که استبرائی که کرده درست بوده یا نه و رطوبتی از او بیرون آید که نداند پاک است یا نه، پاک می‌باشد، وضو را هم باطل نمی‌کند.

کد مسئله: ۱۵۷۱۴

مسئله ۷۶

مسئله ۷۶- کسی که استبراء نکرده اگر به واسطه آنکه مدتی از بول کردن او گذشته، یقین کند (۱) بول در مجری نمانده است، و رطوبتی ببیند و شك کند که پاک است یا نه، آن رطوبت پاک می‌باشد، وضو را هم باطل نمی‌کند.

۱- یا اطمینان نماید و لکن مظنه کافی نیست و در حکم شك است.

کد مسأله: ۱۵۷۱۵

مسأله ۷۷

مسأله ۷۷- اگر انسان بعد از بول استبراء کند و وضو بگیرد، چنانچه بعد از وضو رطوبتی ببیند که بداند یا بول است یا منی، واجب است احتیاطاً غسل کند، وضو هم بگیرد. ولی اگر وضو نگرفته باشد، فقط گرفتن وضو کافی است.

کد مسأله: ۱۵۷۱۶

مسأله ۷۸

مسأله ۷۸- برای زن استبراء از بول نیست و اگر رطوبتی ببیند و شک کند پاک است یا نه، پاک می‌باشد، وضو و غسل او را هم باطل نمی‌کند.

کد مسأله: ۱۵۷۱۷

مستحبات و مکروهات تخلی**مسأله ۷۹**

مسأله ۷۹- مستحب است در موقع تخلی جایی بنشیند که کسی او را نبیند، و موقع وارد شدن به مکان تخلی، اول پای چپ و موقع بیرون آمدن اول پای راست را بگذارد. و همچنین مستحب است در حال تخلی سر را بپوشاند و سنگینی بدن را بر پای چپ بیندازد.

کد مسأله: ۱۵۷۱۸

مسأله ۸۰

مسأله ۸۰- نشستن روبروی خورشید و ماه در موقع تخلی مکروه است، ولی اگر عورت خود را به وسیله‌ای بپوشاند مکروه نیست. و نیز در موقع تخلی نشستن روبروی باد، و در جاده و خیابان و کوچه و درب خانه، و زیر درختی که میوه می‌دهد، و چیز خوردن و توقف زیاد، و تطهیر کردن با دست راست مکروه می‌باشد. و همچنین است حرف زدن در حال تخلی، ولی اگر ناچار باشد یا ذکر خدا بگوید، اشکال ندارد.

کد مسأله: ۱۵۷۱۹

مسأله ۸۱

مسأله ۸۱- ایستاده بول کردن و بول کردن در زمین سخت و سوراخ جانوران و در آب خصوصاً آب ایستاده، مکروه است.

کد مسأله: ۱۵۷۲۰

مسأله ۸۲

مسأله ۸۲- خودداری کردن از بول و غائط مکروه است. و اگر برای بدن ضرر داشته باشد، حرام است.

کد مسأله: ۱۵۷۲۱

مسئله ۸۳

مسئله ۸۳- مستحب است انسان پیش از نماز و پیش از خواب و پیش از جماع و بعد از بیرون آمدن منی بول کند.
کد مسئله: ۱۵۷۲۲

۲-۱- بول و غائط**مسئله ۸۴**

مسئله ۸۴- نجاسات دوازده چیز است: اول: بول. دوم: غائط. سوم منی. چهارم: مردار. پنجم: خون. ششم و هفتم: سگ و خوک. هشتم: کافر. نهم: شراب. دهم: فقاغ. یازدهم و دوازدهم عرق جنب از حرام (۱) و عرق حیوان نجاستخوار که بنا بر احتیاط واجب باید از آن اجتناب کرد.
۱- اقوی طهارت آن است ولکن نماز در آن صحیح نیست.
کد مسئله: ۱۵۷۲۳

مسئله ۸۵

مسئله ۸۵- بول و غائط انسان و هر حیوان حرام گوشتی که خون جهنده دارد که اگر رنگ آن را ببرند، خون از آن جستن می‌کند، نجس است. و بنا بر احتیاط واجب باید از بول و غائط حیوان حرام (۱) گوشتی که خون آن جستن نمی‌کند، مثل ماهی حرام گوشت اجتناب کرد ولی فضلہ حیوانات کوچک مثل پشه و مگس که گوشت ندارد، پاک است.
۱- اجتناب از غائط لازم نیست و مستحب است ولی از بول باید اجتناب کرد علی الاقوی
کد مسئله: ۱۵۷۲۴

مسئله ۸۶

مسئله ۸۶- بنا بر احتیاط واجب باید از فضلہ پرندگان حرام گوشت، اجتناب کرد. (۱)
۱- بلکه بنا بر احتیاط مستحسن ولکن اقوی طهارت است.
کد مسئله: ۱۵۷۲۵

مسئله ۸۷

مسئله ۸۷- بول و غائط حیوان نجاستخوار، نجس است و همچنین است بول و غائط حیوانی که انسان آن را وطی کرده، یعنی با آن نزدیکی نموده، و گوسفندی که گوشت آن از خوردن شیر خوک، محکم شده است.
کد مسئله: ۱۵۷۲۶

۳- منی**مسئله ۸۸**

مسأله ۸۸- منی حیوانی که خون جهنده دارد نجس است.

کد مسأله: ۱۵۷۲۷

۴- مردار

مسأله ۸۹

مسأله ۸۹- مردار حیوانی که خون جهنده دارد، نجس است، چه خودش مرده باشد، یا به غیر دستوری که در شرع معین شده، آن را کشته باشند، و ماهی چون خون جهنده ندارد، اگر چه در آب بمیرد پاک است.

کد مسأله: ۱۵۷۲۸

مسأله ۹۰

مسأله ۹۰- چیزهایی از مردار که مثل پشم و مو و کرک و استخوان و دندان روح نداشته، پاک می‌باشد.

کد مسأله: ۱۵۷۲۹

مسأله ۹۱

مسأله ۹۱- اگر از بدن انسان یا حیوانی که خون جهنده دارد و در حالی که زنده است گوشت یا چیز دیگری را که روح دارد جدا کنند نجس است.

کد مسأله: ۱۵۷۳۰

مسأله ۹۲

مسأله ۹۲- پوستهای مختصر لب و جاهای دیگر بدن که موقع افتادنشان رسیده، اگرچه آنها را بکنند پاک است. ولی بنابر احتیاط واجب (۱) باید از پوستی که موقع افتادنش نرسیده و آن را کنده‌اند اجتناب نمایند.

۱- بلکه بنابر احتیاط مستحسن نه لازم

کد مسأله: ۱۵۷۳۱

مسأله ۹۳

مسأله ۹۳- تخم مرغی که از شکم مرغ مرده بیرون می‌آید، اگر پوست روی آن سفت شده باشد (۱) پاک است، ولی ظاهر آن را باید آب کشید.

۱- سفت شدن لازم نیست.

کد مسأله: ۱۵۷۳۲

مسأله ۹۴

مسأله ۹۴- اگر بره و بزغاله پیش از آن که علف خوار شوند بمیرند، پنیر مایه‌ای که در شیردان آنها می‌باشد پاک است، ولی ظاهر

آن را باید آب کشید.

کد مسأله: ۱۵۷۳۳

مسأله ۹۵

مسأله ۹۵- دواجات روان و عطر و روغن و واکس و صابون که از خارجه می‌آورند، اگر انسان یقین به نجاست آنها نداشته باشد، پاک است.

کد مسأله: ۱۵۷۳۴

مسأله ۹۶

مسأله ۹۶- گوشت و پیه و چرمی که در بازار مسلمانان فروخته شود پاک است و همچنین است اگر یکی از اینها در دست مسلمان باشد. ولی اگر بدانند آن مسلمان از کافر گرفته و رسیدگی نکرده که از حیوانی است که به دستور شرع کشته شده یا نه، نجس می‌باشد.

کد مسأله: ۱۵۷۳۵

۵- خون

مسأله ۹۷

مسأله ۹۷- خون انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد، یعنی حیوانی که اگر رگ آن را ببرند خون از آن جستن می‌کند نجس است، پس خون حیوانی که مانند ماهی و پشه خون جهنده ندارد پاک می‌باشد.

کد مسأله: ۱۵۷۳۶

مسأله ۹۸

مسأله ۹۸- اگر حیوان حلال گوشت را به دستوری که در شرع معین شده بکشند و خون آن به مقدار معمول بیرون آید، خونی که در بدنش می‌ماند پاک است ولی اگر به علت نفس کشیدن یا به واسطه اینکه سر حیوان در جای بلندی بوده خون به بدن حیوان برگردد، آن خون نجس است.

کد مسأله: ۱۵۷۳۷

مسأله ۹۹

مسأله ۹۹- بنابر احتیاط واجب (۱) از تخم مرغ که ذره ای خون در آن است باید اجتناب کرد. ولی اگر خون در زرده باشد تا پوست نازک روی آن پاره نشده سفیده پاک می‌باشد.

۱- اجتناب از تخم مرغ لازم نیست و لکن مستحسن است ولی خوردن خون جائز نیست.

کد مسأله: ۱۵۷۳۸

مسأله ۱۰۰

مسأله ۱۰۰- خونی که گاهی موقع دوشیدن شیر دیده می‌شود، نجس است و شیر را نجس می‌کند.
کد مسأله: ۱۵۷۳۹

مسأله ۱۰۱

مسأله ۱۰۱- خونی که از لای دندانها می‌آید، اگر به واسطه مخلوط شدن با آب دهان از بین برود پاک است، ولی احتیاط واجب (۱) آن است که آن را فرو نبرند.
۱- واجب نیست ولی مستحسن است.
کد مسأله: ۱۵۷۴۰

مسأله ۱۰۲

مسأله ۱۰۲- خونی که به واسطه کوبیده شدن، زیر ناخن یا زیر پوست می‌میرد، اگر طوری شود که دیگر به آن خون نگویند، پاک است، و اگر به آن خون بگویند نجس است و در این صورت چنانچه ناخن یا پوست سوراخ شود، اگر مشقت ندارد، باید برای وضو و غسل خون را بیرون آورند و اگر مشقت دارد باید اطراف آن را به طوری که نجاست زیاد نشود بشویند، و پارچه یا چیزی مثل پارچه بر آن بگذارند و روی پارچه دست تر بکشند و تیمم هم بکنند. (۱)
۱- تیمم لازم نیست ولی مستحسن است
کد مسأله: ۱۵۷۴۱

مسأله ۱۰۳

مسأله ۱۰۳- اگر انسان نداند که خون زیر پوست مرده یا گوشت به واسطه کوبیده شدن به آن حالت در آمده، پاک است.
کد مسأله: ۱۵۷۴۲

مسأله ۱۰۴

مسأله ۱۰۴- اگر موقع جوشیدن غذا ذره‌ای خون در آن بیفتد، تمام غذا و ظرف آن نجس می‌شود، و جوشیدن و حرارت و آتش پاک کننده نیست.
کد مسأله: ۱۵۷۴۳

مسأله ۱۰۵

مسأله ۱۰۵- زرد آبه‌ای که در حال بهبودی زخم در اطراف آن پیدا می‌شود، اگر معلوم نباشد که با خون مخلوط است، پاک می‌باشد.
کد مسأله: ۱۵۷۴۴

مسئله ۱۰۶

مسئله ۱۰۶- سگ و خوکی که در خشکی زندگی می‌کنند، حتی مو و استخوان و پنجه و ناخن و رطوبت‌های آنها نجس است، ولی سگ و خوک دریایی پاک است.

کد مسئله: ۱۵۷۴۵

۸- کافر**مسئله ۱۰۷**

مسئله ۱۰۷- کافر یعنی کسی که منکر خدا است یا برای خدا شریک قرار می‌دهد، یا پیغمبری حضرت خاتم الانبیاء محمد ابن عبدالله (ص) را قبول ندارد، نجس است. و نیز کسی که ضروری دین یعنی چیزی را که مثل نماز و روزه، مسلمانان جزو دین اسلام می‌دانند منکر شود، چنانچه بداند آن چیز ضروری دین است نجس می‌باشد، و اگر نداند، احتیاطاً باید از او اجتناب کرد.

کد مسئله: ۱۵۷۴۶

مسئله ۱۰۸

مسئله ۱۰۸- تمام بدن کافر، حتی مو و ناخن و رطوبت‌های او نجس است.

کد مسئله: ۱۵۷۴۷

مسئله ۱۰۹

مسئله ۱۰۹- اگر پدر و مادر و جد و جده بچه نابالغ کافر باشند آن بچه هم نجس است و اگر یکی از اینها مسلمان باشد، بچه پاک است.

کد مسئله: ۱۵۷۴۸

مسئله ۱۱۰

مسئله ۱۱۰- کسی که معلوم نیست مسلمان است یا نه پاک می‌باشد (۱)، ولی احکام دیگر مسلمانان را ندارد (۲)، مثلاً نمی‌تواند زن مسلمان بگیرد و نباید در قبرستان مسلمانان دفن شود.

۱- اگر اصلی بر کفر او نباشد والا نجس است علی الاقوی

۲- اگر اصلی بر اسلام او نباشد والا سایر احکام بر او مترتب است علی الاقوی

کد مسئله: ۱۵۷۴۹

مسئله ۱۱۱

مسئله ۱۱۱- اگر مسلمانی به یکی از دوازده امام دشنام دهد، یا با آنان دشمنی داشته باشد، نجس است.

کد مسئله: ۱۵۷۵۰

۹- شراب**مسئله ۱۱۲**

مسئله ۱۱۲- شراب و هر چیزی که انسان را مست می‌کند، چنانچه به خودی خود روان باشد، نجس است و اگر مثل بنگ و حشیش روان نباشد، اگر چه چیزی در آن بریزند که روان شود، پاک است.

کد مسئله: ۱۵۷۵۱

مسئله ۱۱۳

مسئله ۱۱۳- الکل صنعتی که برای رنگ کردن درب و میز و صندلی و مانند اینها بکارمی‌برند، اگر انسان نداند از چیزی که مست کننده و روان است درست کرده‌اند، پاک می‌باشد. (۱)
۱- یا نداند که خود الکل مست کننده است پاک است.

کد مسئله: ۱۵۷۵۲

مسئله ۱۱۴

مسئله ۱۱۴- اگر انگور و آب انگور به خودی خود جوش بیاید حرام و نجس است (۱) و اگر به واسطه پختن جوش بیاید، خوردنش حرام است، و بنا بر احتیاط واجب نجس می‌باشد. (۲)
۱- علی الاقوی پاک است مگر در صورت اسکار که نجس است علی الاقوی
۲- علی الاقوی پاک است مگر اینکه مسکر باشد.

کد مسئله: ۱۵۷۵۳

مسئله ۱۱۵

مسئله ۱۱۵- خرما و مویز و کشمش و آب آنها اگر جوش بیاید پاک و خوردن آنها حلال است اگر چه احتیاط مستحب آن است که از آنها اجتناب کنند.

کد مسئله: ۱۵۷۵۴

۱۰- فقاع**مسئله ۱۱۶**

مسئله ۱۱۶- فقاع که از جو گرفته می‌شود و به آن آبجو می‌گویند، نجس است. ولی آبی که به دستور طبیب از جو می‌گیرند و به آن ماء الشعیر می‌گویند، پاک می‌باشد.

کد مسئله: ۱۵۷۵۵

۱۱،۱۲- عرق جنب از حرام و عرق حیوان نجاستخوار

مسئله ۱۱۷

مسئله ۱۱۷- عرق جنب از حرام بنا بر احتیاط واجب نجس است: (۱) چه در حال جماع بیرون آید یا بعد از آن، از مرد باشد یا از زن از زنا باشد یا از لواط یا از وطی و نزدیکی کردن با حیوانات یا استمناء. (و استمناء آن است که انسان با خود کاری کند که منی از او بیرون آید).

۱- علی الاقوی پاک است ولی احتیاط مستحسن است و نماز در آن صحیح نیست.

کد مسئله: ۱۵۷۵۶

مسئله ۱۱۸

مسئله ۱۱۸- اگر انسان در موقعی که نزدیکی با زن حرام است مثلاً در روزه ماه رمضان، با زن خود نزدیکی کند، بنا بر احتیاط واجب (۱) باید از عرق خود در نماز اجتناب نماید.

۱- علی الاقوی پاک است ولی نماز در آن صحیح نیست.

کد مسئله: ۱۵۷۵۷

مسئله ۱۱۹

مسئله ۱۱۹- اگر جنب از حرام عوض غسل تیمم نماید و بعد از تیمم عرق کند، باز هم بنا بر احتیاط واجب (۱) باید از عرق خود در نماز اجتناب نماید.

۱- پاک است حتی علی القول بالنجاسه

کد مسئله: ۱۵۷۵۸

مسئله ۱۲۰

مسئله ۱۲۰- اگر کسی از حرام جنب شود و بعد با حلال خود نزدیکی کند، یا اول با حلال خود نزدیکی کند و بعد، از حرام جنب شود، احتیاط واجب آن است که از عرق خود اجتناب نماید. (۱)

۱- در صورت دوم پاک است حتی علی القول بالنجاسه و نماز در آن صحیح است و در صورت اول پاک است ولی نماز در آن صحیح نیست.

کد مسئله: ۱۵۷۵۹

مسئله ۱۲۱

مسئله ۱۲۱- بنا بر احتیاط واجب باید از عرق شتر نجاستخوار و هر حیوانی که به خوردن نجاست انسان عادت کرده اجتناب کرد.

کد مسئله: ۱۵۷۶۰

راه ثابت شدن نجاست**مسئله ۱۲۲**

مسئله ۱۲۲- نجاست هر چیز از سه راه ثابت می‌شود: اول: آنکه خود انسان یقین کند (۱) چیزی نجس است و اگر گمان داشته باشد چیزی نجس است، لازم نیست از آن اجتناب نماید بنابراین غذا خوردن در قهوه‌خانه و مهمان‌خانه‌هایی که مردمان لا ابالی و کسانی که پاکی و نجسی را مراعات نمی‌کنند در آنها غذا می‌خورند، اگر انسان یقین نداشته باشد غذایی را که برای او آورده‌اند نجس است، اشکال ندارد. دوم: آنکه کسی که چیزی در اختیار او است بگوید آن چیز نجس است، مثلاً همسر انسان یا نوکر یا کلفت بگوید، ظرف یا چیز دیگری که در اختیار او است نجس می‌باشد. سوم: آنکه دو مرد عادل بگویند چیزی نجس است، و نیز اگر یک نفر عادل هم بگوید چیزی نجس است، بنابر احتیاط واجب، باید از آن چیز اجتناب کرد.

۱- یا اطمینان داشته باشد.

کد مسئله: ۱۵۷۶۱

مسئله ۱۲۳

مسئله ۱۲۳- اگر به واسطه ندانستن مسئله، نجس بودن و پاک بودن چیزی را نداند، مثلاً نداند عرق جنب از حرام پاک است یا نه، باید مسئله را پرسد، ولی اگر با این که مسئله را می‌داند. چیزی را شک کند پاک است یا نه، مثلاً شک کند آن چیز خون است یا نه یا نداند که خون پشه است یا خون انسان، پاک می‌باشد.

کد مسئله: ۱۵۷۶۲

مسئله ۱۲۴

مسئله ۱۲۴- چیز نجسی که انسان شک دارد پاک شده یا نه نجس است، و چیز پاک را اگر شک کند نجس شده یا نه پاک است، و اگر هم بتواند نجس بودن یا پاک بودن آن را بفهمد لازم نیست واریسی کند.

کد مسئله: ۱۵۷۶۳

راه نجس شدن چیزهای پاک

مسئله ۱۲۵

مسئله ۱۲۵- اگر بداند یکی از دو ظرف یا دو لباسی که از هر دوی آنها استفاده می‌کند نجس شده و نداند کدام است، باید از هر دو اجتناب کند، ولی اگر مثلاً نمی‌داند لباس خودش نجس شده یا لباسی که هیچ از آن استفاده نمی‌کند و مال دیگری است از لباس خودش هم لازم نیست اجتناب نماید.

کد مسئله: ۱۵۷۶۴

مسئله ۱۲۶

مسئله ۱۲۶- اگر چیز پاک به چیز نجس برسد و هر دو یا یکی از آنها به طوری تر باشد که تری یکی به دیگری برسد چیز پاک نجس می‌شود. و اگر تری به قدری کم باشد که به دیگری نرسد چیزی که پاک بوده نجس نمی‌شود.

کد مسئله: ۱۵۷۶۵

مسئله ۱۲۷

مسأله ۱۲۷- اگر چیز پاکی به چیز نجس برسد و انسان شک کند که هر دو یا یکی از آنها تر بوده یا نه، آن چیز پاک نجس نمی‌شود.

کد مسأله: ۱۵۷۶۶

مسأله ۱۲۸

مسأله ۱۲۸- دو چیزی که انسان نمی‌داند کدام پاک است و کدام نجس است، اگر چیز پاکی با رطوبت به یکی از آنها برسد نجس نمی‌شود.

کد مسأله: ۱۵۷۶۷

مسأله ۱۲۹

مسأله ۱۲۹- زمین و پارچه و مانند اینها اگر رطوبت داشته باشد، هر قسمتی که نجاست به آن برسد نجس می‌شود و جاهای دیگر آن پاک است. و همچنین است خیار و خربزه و مانند اینها.

کد مسأله: ۱۵۷۶۸

مسأله ۱۳۰

مسأله ۱۳۰- هرگاه شیره و روغن و مانند اینها طوری باشد که اگر مقداری از آن بردارند جای آن خالی نمی‌ماند (۱)، همین که یک نقطه از آن نجس شد، تمام آن نجس می‌شود. ولی اگر طوری باشد که جای آن در موقع برداشتن خالی بماند اگر چه بعد پر شود، فقط جایی که نجاست به آن رسیده نجس می‌باشد. پس اگر فضله موش در آن بیفتد جایی که فضله افتاده نجس و بقیه پاک است.

۱- ملاک خالی ماندن و خالی نماندن نیست بلکه ملاک میعان و جمود است.

کد مسأله: ۱۵۷۶۹

مسأله ۱۳۱

مسأله ۱۳۱- اگر مگس یا حیوانی مانند آن روی چیز نجسی که تر است بنشیند و بعد روی چیز پاکی که آن هم تر است بنشیند، چنانچه انسان بداند نجاست همراه آن حیوان بوده چیز پاک نجس می‌شود و اگر نداند پاک است.

کد مسأله: ۱۵۷۷۰

مسأله ۱۳۲

مسأله ۱۳۲- اگر جایی از بدن که عرق دارد نجس شود و عرق از آنجا به جای دیگر برود، هر جا که عرق به آن برسد نجس می‌شود، و اگر عرق به جای دیگر نرود جاهای دیگر بدن پاک است.

کد مسأله: ۱۵۷۷۱

مسئله ۱۳۳

مسئله ۱۳۳- اخلاطی که از بینی یا گلو می‌آید، اگر خون داشته باشد، جایی که خون دارد نجس و بقیه آن پاک است. پس اگر به بیرون دهان یا بینی برسد مقداری را که انسان یقین دارد جای نجس اخلاط به آن رسیده نجس است و محلی را که شک دارد جای نجس به آن رسیده یا نه پاک می‌باشد.

کد مسئله: ۱۵۷۷۲

مسئله ۱۳۴

مسئله ۱۳۴- اگر آفتابه‌ای را که ته آن سوراخ است روی زمین نجس بگذارند چنانچه آب طوری زیر آن جمع گردد که با آب آفتابه یکی حساب شود آب آفتابه نجس می‌شود، (۱) ولی اگر آب بر زمین جاری شود یا فرو رود، در صورتی که سوراخ آفتابه به زمین نجس متصل باشد، باز هم بنا بر احتیاط واجب (۲) باید از آب آفتابه اجتناب کرد، ولی اگر سوراخ آن به زمین نجس متصل نباشد و آب زیر آفتابه هم با آب داخل آن یکی حساب نشود آب آفتابه نجس نمی‌شود.

۱- اگر آب آفتابه با فشار خارج می‌شود نجس نمی‌شود و اگر فشار ندارد نجس می‌شود.

۲- این احتیاط مستحسن است نه واجب علی الاقوی آب آفتابه پاک است.

کد مسئله: ۱۵۷۷۳

مسئله ۱۳۵

مسئله ۱۳۵- اگر چیزی داخل بدن شود و به نجاست برسد در صورتی که بعد از بیرون آمدن، آلوده به نجاست نباشد پاک است. پس اگر اسباب اماله یا آب آن در مخرج غائط وارد شود یا سوزن و چاقو و مانند اینها در بدن فرو رود و بعد از بیرون آمدن به نجاست آلوده نباشد نجس نیست. و همچنین است آب دهان و بینی اگر در داخل به خون برسد و بعد از بیرون آمدن به خون آلوده نباشد.

کد مسئله: ۱۵۷۷۴

احکام نجاسات**مسئله ۱۳۶**

مسئله ۱۳۶- نجس کردن خط و ورق قرآن حرام است و اگر نجس شود باید فوراً آن را آب بکشند.

کد مسئله: ۱۵۷۷۵

مسئله ۱۳۷

مسئله ۱۳۷- اگر جلد قرآن نجس شود، در صورتی که بی‌احترامی به قرآن نباشد باید آن را آب بکشند.

کد مسئله: ۱۵۷۷۶

مسئله ۱۳۸

مسئله ۱۳۸- گذاشتن قرآن روی عین نجس مانند خون و مردار، اگر چه آن عین نجس خشک باشد، حرام است و برداشتن قرآن از روی آن واجب می‌باشد.

کد مسئله: ۱۵۷۷۷

مسئله ۱۳۹

مسئله ۱۳۹- نوشتن قرآن با مرکب نجس اگر چه یک حرف آن باشد حرام است. و اگر نوشته شود باید آن را آب بکشند، یا به واسطه تراشیدن و مانند آن کاری کنند که از بین برود.

کد مسئله: ۱۵۷۷۸

مسئله ۱۴۰

مسئله ۱۴۰- دادن قرآن به کافر حرام و گرفتن قرآن از او واجب است.

کد مسئله: ۱۵۷۷۹

مسئله ۱۴۱

مسئله ۱۴۱- اگر ورق قرآن یا چیزی که احترام آن لازم است، مثل کاغذی که اسم خدا یا پیغمبر یا امام بر آن نوشته شده، در مستراح بیفتد، بیرون آوردن و آب کشیدن آن اگر چه خرج داشته باشد واجب است. و اگر بیرون آوردن آن ممکن نباشد، باید به آن مستراح نروند تا یقین کنند آن ورق پوسیده است. و نیز اگر تربت در مستراح بیفتد و بیرون آوردن آن ممکن نباشد، باید تا وقتی که یقین نکرده‌اند، به کلی از بین رفته به آن مستراح نروند.

کد مسئله: ۱۵۷۸۰

مسئله ۱۴۲

مسئله ۱۴۲- خوردن و آشامیدن چیز نجس حرام است و همچنین است خوراندن آن به دیگری حتی به اطفال (۱) ولی اگر خود طفل غذای نجس را بخورد یا با دست نجس غذا را نجس کند و بخورد، لازم نیست از او جلوگیری کنند.

۱- در اعیان نجسه و اما در متنجسات اقوی جواز است ولی احتیاط حسن است

کد مسئله: ۱۵۷۸۱

مسئله ۱۴۳

مسئله ۱۴۳- فروختن و عاریه دادن چیز نجسی که می‌شود آن را آب کشید، اگر نجس بودن آن را به طرف نگویند، اشکال ندارد.

کد مسئله: ۱۵۷۸۲

مسئله ۱۴۴

مسئله ۱۴۴- اگر انسان ببیند کسی چیز نجسی را می‌خورد یا با لباس نجس نماز می‌خواند، لازم نیست به او بگوید.

کد مسأله: ۱۵۷۸۳

مسأله ۱۴۵

مسأله ۱۴۵- اگر جایی از خانه یا فرش کسی نجس باشد و ببیند بدن یا لباس یا چیز دیگر کسانی که وارد خانه او می‌شوند با رطوبت به جای نجس رسیده است، لازم نیست به آنان بگوید. (۱)

۱- لازم نیست به آنان بگوید مگر در صورت نسبیت

کد مسأله: ۱۵۷۸۴

مسأله ۱۴۶

مسأله ۱۴۶- اگر صاحب خانه در بین غذا خوردن بفهمد غذا نجس است، باید به مهمانها بگوید. اما اگر یکی از مهمانها بفهمد، لازم نیست به دیگران خبر دهد. ولی چنانچه طوری با آنان معاشرت دارد که ممکن است به واسطه نجس بودن آنان خود او هم نجس شود، باید بعد از غذا به آنان بگوید.

کد مسأله: ۱۵۷۸۵

مسأله ۱۴۷

مسأله ۱۴۷- اگر چیزی را که عاریه کرده نجس شود چنانچه صاحبش آن چیز را در کاری که شرط آن پاکی است استعمال می‌کند مانند لباس که با آن نماز می‌خواند، واجب است (۱) نجس شدن آنرا به او بگوید بلکه اگر در کاری هم که شرط آن پاکی است استعمال نمی‌کند، بنابراین احتیاط واجب (۲) باید نجس شدن آنرا به او خبر دهد.

۱- در مورد نماز واجب نیست ولی در مورد اکل و شرب باید بگوید.

۲- واجب نیست بلکه احتیاط مستحسن است.

کد مسأله: ۱۵۷۸۶

مسأله ۱۴۸

مسأله ۱۴۸- اگر بچه بگوید چیزی نجس است یا چیزی را آب کشیده نباید حرف او را قبول کرد ولی بچه‌ای که تکلیفش نزدیک است اگر بگوید چیزی را آب کشیدم حرف او قبول می‌شود (۱) و اگر بگوید چیزی نجس است احتیاط مستحب آن است که از آن اجتناب کنند.

۱- بلکه قبول نمی‌شود مگر موجب علم یا اطمینان شود.

کد مسأله: ۱۵۷۸۷

مطهرات**مسأله ۱۴۹**

مسأله ۱۴۹- یازده چیز نجاست را پاک می‌کند و آنها را مطهرات گویند: اول: آب. دوم: زمین. سوم: آفتاب. چهارم: استحاله. پنجم:

کم شدن دو سوم آب انگور. (۱) ششم: انتقال. هفتم: اسلام. هشتم: تبعیت. نهم: برطرف شدن عین نجاست. دهم: استبراء حیوان نجاستخوار. یازدهم: غائب شدن مسلمان. و احکام اینها بطور تفصیل در مسایل آینده گفته می‌شود.

۱- از محللات است نه مطهرات علی الاقوی، زیرا غلیان عصیر موجب نجاست نیست تا ذهاب ثلثین مطهر آن باشد بلکه موجب حرمت است و ذهاب ثلثین محلل آن است.

کد مسأله: ۱۵۷۸۸

آب

مسأله ۱۵۰

مسأله ۱۵۰- آب با چهار شرط، چیز نجس را پاک می‌کند: اول: آنکه مطلق باشد، پس آب مضاف مانند گلاب و عرق یبید چیز نجس را پاک نمی‌کند. دوم: آنکه پاک باشد. سوم: آنکه وقتی چیز نجس را می‌شویند آب مضاف نشود و بو یا رنگ یا مزه نجاست هم نگیرد. (۱) چهارم: آنکه بعد از آب کشیدن چیز نجس، عین نجاست در آن نباشد. و پاک شدن چیز نجس با آب قلیل یعنی آب کمتر از کر شرطهای دیگری هم دارد که بعداً گفته می‌شود.

۱- در خصوص غسله مطهره نه غیر آن.

کد مسأله: ۱۵۷۸۹

مسأله ۱۵۱

مسأله ۱۵۱- ظرف نجس را با آب قلیل باید سه مرتبه شست. و در کر و جاری یک مرتبه کافی است، ولی ظرفی که سگ لیسیده یا از آن ظرف، آب یا چیز روان دیگر خورده، باید اول با خاک پاک، خاک مال کرد (۱) و بعد یک مرتبه در کر یا جاری یا با آب قلیل شست، و همچنین ظرفی را که آب دهان سگ در آن ریخته، بنا بر احتیاط واجب (۲) باید پیش از شستن خاک مال کرد. (۳)

۱- بنا بر احتیاط

۲- بلکه بنا بر اقوا

۳- باید با مزج به آب خاک مال کرد نه با خاک بدون مزج با آب

کد مسأله: ۱۶۴۳۵

مسأله ۱۵۲

مسأله ۱۵۲- اگر دهانه ظرفی که سگ دهن زده، تنگ باشد و نشود آن را خاک مال کرد، چنانچه ممکن است باید کهنه به چوبی به پیچند و به توسط آن، خاک را به آن ظرف بمالند (۱) و اگر ممکن نیست باید خاک را در آن بریزند و به شدت حرکت دهند (۲) تا به همه آن ظرف برسد.

۱- با مزج مقداری آب کافی است.

۲- با مزج مقداری آب کافی است.

کد مسأله: ۱۶۴۳۸

مسأله ۱۵۳

مسئله ۱۵۳- ظرفی را که خوک بلیسد (۱) یا از آن چیز روانی بخورد، با آب قلیل باید هفت مرتبه شست، و در کر و جاری یک مرتبه کافی است و لازم نیست آن را خاک مال کنند، اگر چه احتیاط مستحب آن است که خاک مال شود.

۱- یا موش صحرائی در آن بمیرد حکم هر دو یکی است

کد مسئله: ۱۶۴۴۰

مسئله ۱۵۴

مسئله ۱۵۴- اگر بخواهند ظرفی را که به شراب نجس شده با آب قلیل آب بکشند، بنا بر احتیاط واجب (۱) باید هفت مرتبه بشویند.
۱- زائد بر سه مرتبه مستحب است.

کد مسئله: ۱۶۴۴۵

مسئله ۱۵۵

مسئله ۱۵۵- کوزه‌ای که از گل نجس ساخته شده و یا آب نجس در آن فرو رفته، اگر در آب کر یا جاری بگذارند، به هر جای آن که آب برسد پاک می‌شود، و اگر بخواهند باطن آن هم پاک شود، باید به قدری در آب کر یا جاری بماند که آب به تمام آن فرو رود.

کد مسئله: ۱۶۴۴۸

مسئله ۱۵۶

مسئله ۱۵۶- ظرف نجس را با آب قلیل، دو جور می‌شود آب کشید: یکی آنکه سه مرتبه پر کنند و خالی کنند، دیگر آن که سه دفعه قدری آب در آن بریزند و در هر دفعه آب را طوری در آن بگردانند که به جاهای نجس آن برسد و بیرون بریزند.

کد مسئله: ۱۶۴۵۰

مسئله ۱۵۷

مسئله ۱۵۷- اگر ظرف بزرگی مثل پاتیل و خمیره نجس شود، چنانچه سه مرتبه آن را از آب پر کنند و خالی کنند، پاک می‌شود. و همچنین است اگر سه مرتبه از بالا- آب در آن بریزند، به طوری که تمام اطراف آن را بگیرد و در هر دفعه آبی که ته آن جمع می‌شود بیرون آورند و احتیاط واجب آن است که (۱) در هر دفعه ظرفی را که با آن آبها را بیرون می‌آورند، آب بکشند.
۱- این احتیاط مستحب است نه واجب.

کد مسئله: ۱۶۴۵۳

مسئله ۱۵۸

مسئله ۱۵۸- اگر مس نجس و مانند آن را آب کنند و آب بکشند، ظاهرش پاک می‌شود.

کد مسئله: ۱۶۴۵۵

مسئله ۱۵۹

مسئله ۱۵۹- تنوری که به بول نجس شده است، اگر دو مرتبه از بالا آب در آن بریزند به طوری که تمام اطراف آن را بگیرد پاک می‌شود. و در غیر بول اگر بعد از برطرف شدن نجاست یک مرتبه به دستوری که گفته شد آب در آن بریزند کافی است. و بهتر است که گودالی ته آن بکنند تا آبها در آن جمع شود و بیرون بیاورند، بعد آن گودال را با خاک پاک پر کنند.

کد مسئله: ۱۶۴۵۹

مسئله ۱۶۰

مسئله ۱۶۰- اگر چیز نجس را بعد از برطرف کردن عین نجاست، یک مرتبه در آب کر یا جاری فرو برند که آب به تمام جاهای نجس آن برسد، پاک می‌شود. و در فرش و لباس و مانند اینها فشار لازم نیست.

کد مسئله: ۱۶۴۶۳

مسئله ۱۶۱

مسئله ۱۶۱- اگر بخواهند چیزی را که به بول نجس شده با آب قلیل آب بکشند، چنانچه یک مرتبه آب روی آن بریزند و از آن جدا شود، در صورتی که بول در آن چیز نمانده باشد، یک مرتبه دیگر که آب روی آن بریزند پاک می‌شود، ولی در لباس و فرش و مانند اینها باید بعد از هر دفعه فشار دهند تا غساله آن بیرون آید. (و غساله آبی است که معمولاً در وقت شستن و بعد از آن از چیزی که شسته می‌شود، خود به خود یا به وسیله فشار می‌ریزد)

کد مسئله: ۱۶۴۶۷

مسئله ۱۶۲

مسئله ۱۶۲- اگر چیزی به بول پسر شیرخواری که غذا خور نشده، و شیر خوک و زن کافره (۱) نخورده نجس شود، چنانچه یک مرتبه آب روی آن بریزند که به تمام جاهای نجس آن برسد، پاک می‌شود ولی احتیاط مستحب آنست که یک مرتبه دیگر هم آب روی آن بریزند. و در لباس و فرش و مانند اینها فشار لازم نیست.

۱- نخوردن شیر خوک و زن کافره شرط نیست بلکه مستحسن است.

کد مسئله: ۱۶۴۷۰

مسئله ۱۶۳

مسئله ۱۶۳- اگر چیزی به غیر بول نجس شود، چنانچه بعد از برطرف کردن نجاست یک مرتبه آب روی آن بریزند و از آن جدا شود پاک می‌گردد. و نیز اگر در دفعه اولی که آب روی آن می‌ریزند نجاست آن برطرف شود و بعد از برطرف شدن نجاست هم آب روی آن بیاید پاک می‌شود. ولی در هر صورت لباس و مانند آن را باید فشار دهند تا غساله آن بیرون آید.

کد مسئله: ۱۶۴۷۳

مسئله ۱۶۴

مسئله ۱۶۴- اگر حصیر نجس را که با نخ بافته شده در آب کر یا جاری فرو برند، بعد از برطرف شدن عین نجاست پاک می‌شود.

ولی اگر بخواهند آنرا با آب قلیل آب بکشند. بنابراین احتیاط واجب باید به هر قسم که ممکن است اگرچه به لگد کردن باشد دو دفعه فشار دهند، (۱) که در هر دفعه غسل آن جدا شود.

۱- در حصیر و امثال آن فشار لازم نیست.

کد مسأله: ۱۶۴۷۷

مسأله ۱۶۵

مسأله ۱۶۵- اگر ظاهر گندم و برنج و صابون و مانند اینها نجس شود، به فرو بردن در کر و جاری پاک می‌گردد. و اگر باطن آنها نجس شود، پاک شدن باطن آنها محل اشکال است. (۱)

۱- اگر آب مطلق به آن نفوذ کند بی‌اشکال پاک می‌شود.

کد مسأله: ۱۶۴۷۹

مسأله ۱۶۶

مسأله ۱۶۶- اگر انسان شک کند که آب نجس به باطن صابون رسیده یا نه، باطن آن پاک است.

کد مسأله: ۱۶۴۸۲

مسأله ۱۶۷

مسأله ۱۶۷- اگر ظاهر برنج و گوشت یا چیزی مانند اینها نجس شده باشد، چنانچه آن را در ظرفی بگذارند و سه مرتبه (۱) آب روی آن بریزند و خالی کنند پاک می‌شود، و ظرف آن هم پاک می‌گردد. ولی اگر بخواهد لباس یا چیزی را که فشار لازم دارد در ظرفی بگذارند و آب بکشند، باید در هر مرتبه که آب روی آن می‌ریزند، آن را فشار دهند و ظرف را کج کنند، تا غسله‌ای که در آن جمع شده بیرون بریزد.

۱- یک مرتبه در غیر بول و دو مرتبه در بول کافی است ولی سه مرتبه مستحسن است.

کد مسأله: ۱۶۴۸۴

مسأله ۱۶۸

مسأله ۱۶۸- لباس نجسی را که به نیل و مانند آن رنگ شده اگر در آب کر یا جاری فرو برند و آب پیش از آنکه به واسطه رنگ پارچه مضاف شود به تمام آن برسد، آن لباس پاک می‌شود، اگر چه موقع فشار دادن، آب مضاف یا رنگین از آن بیرون آید.

کد مسئله: ۱۶۴۸۶

گروه: آب

مسأله ۱۶۹

مسأله ۱۶۹- اگر لباسی را در کر یا جاری آب بکشند، و بعد مثلاً لجن آب در آن بینند، چنانچه احتمال ندهند که جلوگیری از رسیدن آب کرده آن لباس پاک است.

کد مسأله: ۱۶۴۸۹

مسئله ۱۷۰

مسئله ۱۷۰- اگر بعد از آب کشیدن لباس و مانند آن، خورده گل یا اشنان در آن دیده شود پاک است. ولی اگر آب نجس به باطن گل یا اشنان رسیده باشد، ظاهر گل و اشنان پاک و باطن آنها نجس است. (۱)

۱- اگر آب نفوذ در آنها نکرده باشد و الا پاک است.

کد مسئله: ۱۶۴۹۱

مسئله ۱۷۱

مسئله ۱۷۱- هر چیز نجس تا عین نجاست را از آن برطرف نکنند، پاک نمی‌شود، ولی اگر بو یا رنگ نجاست در آن مانده باشد اشکال ندارد. پس اگر خون را از لباس برطرف کنند و لباس را آب بکشند و رنگ خون در آن بماند، پاک می‌باشد. اما چنانچه به واسطه بو یا رنگ یقین کنند یا احتمال دهند که ذره‌های نجاست در آن چیز مانده نجس است.

کد مسئله: ۱۶۴۹۵

مسئله ۱۷۲

مسئله ۱۷۲- اگر نجاست بدن را در آب کر یا جاری برطرف کنند، بدن پاک می‌شود. و بیرون آمدن و دوباره در آب رفتن لازم نیست.

کد مسئله: ۱۶۴۹۷

مسئله ۱۷۳

مسئله ۱۷۳- غذای نجسی که لای دندانها مانده اگر آب در دهان بگردانند و به تمام غذای نجس برسد پاک می‌شود.

کد مسئله: ۱۶۴۹۹

مسئله ۱۷۴

مسئله ۱۷۴- اگر موی سر و صورت زیاد باشد و با آب قلیل آب بکشند، باید فشار دهند که غساله آن جدا شود. (۱)

۱- در مورد کثیرالشعر لازم است ولی در خفیف الشعر فشار لازم نیست.

کد مسئله: ۱۶۵۰۲

مسئله ۱۷۵

مسئله ۱۷۵- اگر جایی از بدن یا لباس را با آب قلیل آب بکشند، اطراف آن جا که متصل به آن است و معمولاً موقع آب کشیدن آن جا نجس می‌شود، با پاک شدن جای نجس پاک می‌شود. و همچنین است اگر چیز پاکی را پهلوی چیز نجس بگذارند و روی هر دو آب بریزند. پس اگر برای آب کشیدن یک انگشت نجس، روی همه انگشتها آب بریزند و آب نجس به همه آنها برسد، بعد از پاک شدن انگشت نجس تمام انگشتها پاک می‌شود.

کد مسأله: ۱۶۵۰۴

مسأله ۱۷۶

مسأله ۱۷۶- گوشت و دنبه‌ای که نجس شده مثل چیزهای دیگر آب کشیده می‌شود. و همچنین است اگر بدن یا لباس، چربی کمی داشته باشد که از رسیدن آب به آنها جلوگیری نکند.

کد مسأله: ۱۶۵۰۷

مسأله ۱۷۷

مسأله ۱۷۷- اگر ظرف یا بدن نجس باشد، و بعد به طوری چرب شود که جلوگیری از رسیدن آب به آنها کند، چنانچه بخواهند ظرف و بدن را آب بکشند، باید چربی را برطرف کنند تا آب به آنها برسد.

کد مسأله: ۱۶۵۰۹

مسأله ۱۷۸

مسأله ۱۷۸- چیز نجسی که عین نجاست در آن نیست، اگر زیر شیری که متصل به کر است یک دفعه بشویند، پاک می‌شود. و نیز اگر عین نجاست در آن باشد، چنانچه عین نجاست آن، زیر شیر یا به وسیله دیگر برطرف شود و آبی که از آن چیز می‌ریزد بویا رنگ یا مزه نجاست به خود نگرفته باشد، با آب شیر پاک می‌گردد. اما اگر آبی که از آن می‌ریزد، بو یا رنگ یا مزه نجاست گرفته باشد، باید به قدری آب شیر روی آن بریزند تا در آبی که از آن جدا می‌شود بو یا رنگ یا مزه نجاست نباشد.

کد مسأله: ۱۶۵۱۲

مسأله ۱۷۹

مسأله ۱۷۹- اگر چیزی را آب بکشد و یقین کند پاک شده و بعد شک کند که عین نجاست را از آن برطرف کرده یا نه، چنانچه موقع آب کشیدن متوجه برطرف کردن عین نجاست بوده آن چیز پاک است، و اگر متوجه برطرف کردن عین نجاست نبوده، باید دوباره آن را آب بکشد. (۱)

۱- لازم نیست چون اذکریه حین العمل حکمت است نه علت و لکن مستحسن است.

کد مسأله: ۱۶۵۱۵

مسأله ۱۸۰

مسأله ۱۸۰- زمینی که آب روی آن جاری نمی‌شود، اگر نجس شود با آب قلیل پاک نمی‌گردد. (۱) ولی زمینی که روی آن شن یا ریگ باشد، چون آبی که روی آن می‌ریزند از آن جدا شده و در شن و ریگ فرو می‌رود، با آب قلیل پاک می‌شود، اما زیر ریگها نجس می‌ماند.

۱- اگر آبهای مجتمع را به وسیله‌ای بردارند و دوباره به آب بشویند و آبهای مجتمع را ثانیاً بردارند پاک می‌شود.

کد مسأله: ۱۶۵۱۷

مسئله ۱۸۱

مسئله ۱۸۱- زمین سنگ فرش و آجر فرش و زمین سختی که آب در آن فرو نمی رود، اگر نجس شود با آب قلیل پاک می گردد، ولی باید به قدری آب روی آن بریزند که جاری شود. و چنانچه آبی که روی آن ریخته‌اند از سوراخی بیرون رود همه زمین پاک می شود، و اگر بیرون نرود جایی که آبها جمع می شود نجس می ماند، و برای پاک شدن آنجا باید گودالی بکنند، که آب در آن جمع شود، بعداً آب را بیرون بیاورند و گودال را با خاک پاک پر کنند. (۱)

۱- یا آب جمع شده را به وسیله ای بردارند و ثانیاً بشویند و آب آن را دوباره بردارند پاک می شود.

کد مسئله: ۱۶۵۲۰

مسئله ۱۸۲

مسئله ۱۸۲- اگر ظاهر نمک سنگ و مانند آن نجس شود، با آب کمتر از کر هم پاک می شود.

کد مسئله: ۱۶۵۲۲

مسئله ۱۸۳

مسئله ۱۸۳- اگر شکر آب شده نجس را قند بسازند و در آب کر یا جاری بگذارند، پاک نمی شود.

کد مسئله: ۱۶۵۲۴

زمین**مسئله ۱۸۴**

مسئله ۱۸۴- زمین با سه شرط کف پا و ته کفش نجس را پاک می کند: اول: آنکه زمین پاک باشد. دوم: آنکه خشک باشد. (۱) سوم: آنکه اگر عین نجس مثل خون و بول، یا متنجس مثل گلی که نجس شده در کف پا و ته کفش باشد، به واسطه راه رفتن یا مالیدن پا به زمین برطرف شود. و نیز زمین باید خاک یا سنگ یا آجر فرش و مانند اینها باشد، و با راه رفتن روی فرش و حصیر و سبزه، کف پا و ته کفش نجس پاک نمی شود.

۱- لازم نیست ولی مستحسن است.

کد مسئله: ۱۶۵۲۸

مسئله ۱۸۵

مسئله ۱۸۵- پاک شدن کف پا و ته کفش نجس، به واسطه راه رفتن روی آسفالت و روی زمینی که با چوب فرش شده، محل اشکال است.

کد مسئله: ۱۶۵۳۲

مسئله ۱۸۶

مسئله ۱۸۶- برای پاک شدن کف پا و ته کفش، بهتر است پانزده قدم (۱) یا بیشتر راه بروند، اگر چه به کمتر از پانزده قدم یا

مالیدن پا به زمین، نجاست برطرف شود.

۱- بلکه پانزده ذراع به حسب دلیل

کد مسأله: ۱۶۵۳۴

مسأله ۱۸۷

مسأله ۱۸۷- لازم نیست کف پا و ته کفش نجس، تر باشد. بلکه اگر خشک هم باشد به راه رفتن پاک می‌شود.

کد مسأله: ۱۶۵۳۶

مسأله ۱۸۸

مسأله ۱۸۸- بعد از آنکه کف پا و ته کفش نجس به راه رفتن پاک شد، مقداری از اطراف آن هم که معمولاً به گل آلوده می‌شود، پاک می‌گردد.

کد مسأله: ۱۶۵۳۹

مسأله ۱۸۹

مسأله ۱۸۹- کسی که با دست و زانو راه می‌رود، اگر کف دست یا زانوی او نجس شود، با راه رفتن پاک می‌گردد. و همچنین است ته عصا و ته پای مصنوعی و نعل چهارپایان و چرخ اتومبیل و درشکه (۱) و مانند اینها.

۱- اینها مورد اشکال است.

کد مسأله: ۱۶۵۴۲

مسأله ۱۹۰

مسأله ۱۹۰- اگر بعد از راه رفتن ذره‌های کوچکی از نجاست که دیده نمی‌شود، در کف پا یا ته کفش بماند، اشکال ندارد. (۱) اگرچه احتیاط مستحب آن است به قدری راه روند که آنها هم برطرف شوند.

۱- اگر یقین به ذرات صغار دارد باید زائل شود و الا مشکل است.

کد مسأله: ۱۶۵۴۴

آفتاب

مسأله ۱۹۱

مسأله ۱۹۱- توی کفش و مقداری از کف پا که به زمین نمی‌رسد، به واسطه راه رفتن پاک نمی‌شود. و پاک شدن کف جوراب به واسطه راه رفتن، محل اشکال است. (۱)

۱- اشکال ندارد و پاک می‌شود.

کد مسأله: ۱۶۵۴۶

مسئله ۱۹۲

مسئله ۱۹۲- آفتاب، زمین و ساختمان و چیزهایی که مانند درب و پنجره در ساختمان به کار برده شده، و همچنین میخی را که به دیوار کوبیده‌اند با پنج شرط پاک می‌کند: اول: آنکه چیز نجس به طوری تر باشد که اگر چیز دیگری به آن برسد تر شود. پس اگر خشک باشد، باید به وسیله‌ای آن را تر کنند تا آفتاب خشک کند. دوم: آنکه اگر عین نجاست در آن چیز باشد پیش از تابیدن آفتاب، آن را برطرف کنند. سوم: آنکه چیزی از تابیدن آفتاب جلوگیری نکند. پس اگر آفتاب از پشت پرده یا ابر و مانند اینها بتابد و چیز نجس را خشک کند، آن چیز پاک نمی‌شود. ولی اگر ابر به قدری نازک باشد که از تابیدن آفتاب جلوگیری نکند، اشکال ندارد. چهارم: آنکه آفتاب به تنهایی چیز نجس را خشک نکند. پس اگر مثلاً چیز نجس به واسطه باد و آفتاب خشک شود، پاک نمی‌گردد، ولی اگر باد به قدری کم باشد، که نگویند به خشک شدن چیز نجس کمک کرده، اشکال ندارد. پنجم: آنکه آفتاب مقداری از بنا و ساختمان را که نجاست به آن فرو رفته، یک مرتبه خشک کند. پس اگر یک مرتبه بر زمین و ساختمان نجس بتابد، و روی آن را خشک کند و دفعه دیگر زیر آن را خشک نماید، فقط روی آن پاک می‌شود و زیر آن نجس می‌ماند.

کد مسئله: ۱۶۵۴۹

مسئله ۱۹۳

مسئله ۱۹۳- آفتاب حصیر نجس را پاک می‌کند (۱) ولی اگر یک طرف آن را خشک کند، پاک شدن طرف دیگر آن اشکال دارد. و نیز پاک شدن درخت و گیاه به واسطه آفتاب محل اشکال است. (۲)

۱- مشکل است.

۲- اشکال ندارد پاک می‌کند.

کد مسئله: ۱۶۵۵۱

مسئله ۱۹۴

مسئله ۱۹۴- اگر آفتاب به زمین نجس بتابد، بعد انسان شک کند که زمین موقع تابیدن آفتاب تر بوده یا نه، یا تری آن به واسطه آفتاب خشک شده یا نه، آن زمین نجس است و همچنین است اگر شک کند که پیش از تابش آفتاب عین نجاست از آن برطرف شده یا نه، یا شک کند که چیزی مانع تابش آفتاب بوده یا نه.

کد مسئله: ۱۶۵۵۴

مسئله ۱۹۵

مسئله ۱۹۵- اگر آفتاب به یک طرف دیوار نجس بتابد، طرفی که آفتاب به آن نتابیده پاک نمی‌شود. (۱)

۱- مانند باطن دیوار است که پاک می‌شود در صورتی که یک دفعه خشک کند و الا نجس است مانند باطن زمین و دیوار

کد مسئله: ۱۶۵۵۷

استحاله**مسئله ۱۹۶**

مسأله ۱۹۶- اگر جنس چیز نجس به طوری عوض شود که به صورت چیز پاکی در آید، پاک می‌شود و می‌گویند استحاله شده است. مثل آن که چوب نجس بسوزد و خاکستر گردد، یا سگ در نمکزار فرو رود و نمک شود. ولی اگر جنس آن عوض شود، مثل آن که گندم نجس را آرد کنند یا نان بپزند، پاک نمی‌شود.

کد مسأله: ۱۶۵۶۱

مسأله ۱۹۷

مسأله ۱۹۷- کوزه گلی و مانند آن، که از گل نجس ساخته شده نجس است. و بنابر احتیاط واجب (۱) باید از ذغالی که از چوب نجس درست شده اجتناب نمایند.

۱- بلکه احتیاط مستحسن است.

کد مسأله: ۱۶۵۶۳

مسأله ۱۹۸

مسأله ۱۹۸- چیز نجسی که معلوم نیست استحاله شده یا نه، نجس است. (۱)

۱- بلکه پاک است.

کد مسأله: ۱۶۵۶۶

مسأله ۱۹۹

مسأله ۱۹۹- اگر شراب به خودی خود یا به واسطه آنکه چیزی مثل سرکه و نمک در آن ریخته‌اند سرکه شود، پاک می‌گردد.

کد مسأله: ۱۶۵۶۸

مسأله ۲۰۰

مسأله ۲۰۰- شرابی که از انگور نجس و مانند آن درست کنند، یا نجاست دیگری به آن برسد، به سرکه شدن پاک نمی‌شود.

کد مسأله: ۱۶۵۷۱

مسأله ۲۰۱

مسأله ۲۰۱- سرکه‌ای که از انگور و کشمش و خرما نجس درست کنند نجس است.

کد مسأله: ۱۶۵۷۳

مسأله ۲۰۲

مسأله ۲۰۲- اگر پوشال زیر انگور یا خرما داخل آنها باشد و سرکه بریزند، ضرر ندارد. ولی احتیاط واجب (۱) آن است که تا خرما و کشمش و انگور سرکه نشده، خیار و بادمجان و مانند اینها در آن نریزند.

۱- این احتیاط مستحسن است نه واجب مگر در صورتی که آنها قبل سرکه شدن مسکر شوند.

کد مسأله: ۱۶۵۷۵

کم شدن دو سوم آب انگور**مسأله ۲۰۳**

مسأله ۲۰۳- آب انگوری که به آتش جوش آمده، اگر آنقدر بجوشد که ثلثان شود، یعنی دو قسمت آن کم شود و یک قسمت آن بماند، پاک می‌شود. (۱) ولی اگر بخودی خود جوش بیاید فقط به سرکه شدن پاک می‌شود. (۲)

۱- قبل از ثلثان شدن پاک است ولی خوردن آن حرام و به ذهاب ثلثین حلال می‌شود.

۲- فرقی نیست در جوش آمدن با آتش و غیر آن در حرمت قبل از ذهاب ثلثین و حلیت به ذهاب ثلثین.

کد مسأله: ۱۶۵۷۸

مسأله ۲۰۴

مسأله ۲۰۴- اگر دو قسمت آب انگور بدون جوش آمدن کم شود، چنانچه باقیمانده آن جوش بیاید نجس است. (۱)

۱- بلکه پاک است فقط خوردنش حرام است و به ذهاب ثلثین حلال می‌شود.

کد مسأله: ۱۶۵۸۳

مسأله ۲۰۵

مسأله ۲۰۵- آب انگوری که معلوم نیست جوش آمده یا نه پاک است، ولی اگر جوش بیاید تا انسان یقین نکند که دو قسمت آن کم شده، پاک نمی‌شود. (۱)

۱- پاک است ولی حرام و بذهاب ثلثین حلال می‌شود.

کد مسأله: ۱۶۵۸۷

مسأله ۲۰۶

مسأله ۲۰۶- اگر مثلاً در یک خوشه غوره یک دانه یا دو دانه انگور باشد، چنانچه به آبی که از آن خوشه گرفته می‌شود، آب غوره بگویند و اثری از شیرینی انگور در آن نباشد و بجوشد پاک و خوردن آن حلال است.

کد مسأله: ۱۶۵۸۹

مسأله ۲۰۷

مسأله ۲۰۷- اگر یک دانه انگور در چیزی که با آتش می‌جوشد، بیفتد و بجوشد، احتیاط واجب آن است (۱) که از آن اجتناب کنند و خوردن آن هم حرام است.

۱- پاک است و اجتناب واجب نیست بلکه مستحسن است و اما در صورت استهلاک خوردنش حلال است و الا حرام.

کد مسأله: ۱۶۵۹۱

مسأله ۲۰۸

مسئله ۲۰۸- اگر بخواهند در چند دیگ شیر بپزند، باید کفگیری را که در دیگ جوش آمده زده‌اند در دیگی که جوش نیامده نزنند (۱) و اگر همه جوش آمده باشد. باید کفگیر دیگی را که ثلثان نشده، در دیگی که ثلثان شده نزنند. (۲)

۱- اشکالی ندارد چون پاک است

۲- اشکالی ندارد زیرا نجس نیست.

کد مسئله: ۱۶۵۹۴

انتقال

مسئله ۲۰۹

مسئله ۲۰۹- چیزی که معلوم نیست غوره است یا انگور، اگر جوش بیاید نجس نمی شود.

کد مسئله: ۱۶۵۹۶

مسئله ۲۱۰

مسئله ۲۱۰- اگر خون بدن انسان (۱) یا خون حیوانی که خون جهنده دارد، یعنی حیوانی که وقتی رگ آن را ببرند، خون از آن جستن می کند، به بدن حیوانی که خون جهنده ندارد، برود و خون آن حیوان حساب شود پاک می گردد، و این را انتقال گویند. پس خونی که زالو از انسان می مکد، چون خون زالو به آن گفته نمی شود و می گویند خون انسان است، نجس می باشد.

۱- و کذا سایر نجاسات اگر انتقال پیدا کند به نحوی که استناد به منتقل الیه داشته باشد نه منتقل منه پاک است.

کد مسئله: ۱۶۵۹۸

اسلام

مسئله ۲۱۱

مسئله ۲۱۱- اگر کسی پشه‌ای را که به بدنش نشسته بکشد و نداند خونی که از پشه بیرون آمده از او مکیده یا از خود پشه می باشد، پاک است. و همچنین است اگر بداند از او مکیده ولی جزو بدن پشه حساب شود، اما اگر فاصله بین مکیدن خون و کشتن پشه به قدری کم باشد، که بگویند خون انسان است، یا معلوم نباشد که می گویند خون پشه است یا خون انسان، نجس می باشد.

کد مسئله: ۱۶۶۰۱

مسئله ۲۱۲

مسئله ۲۱۲- اگر کافر شهادتین بگوید، یعنی بگوید: "اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا رسول الله،" (۱) مسلمان می شود، و بعد از مسلمان شدن، بدن و آب دهان و بینی و عرق او پاک است. ولی اگر موقع مسلمان شدن، عین نجاست به بدن او بوده، باید برطرف کند و جای آن را آب بکشد. بلکه اگر پیش از مسلمان شدن، عین نجاست برطرف شده باشد، احتیاط واجب آنستکه جای آنرا آب بکشد.

۱- به هر لغت که باشد و اختصاص به لغت عربی ندارد.

۲- بلکه علی الاقوی باید جای آن را بشوید.

کد مسأله: ۱۶۶۰۵

مسأله ۲۱۳

مسأله ۲۱۳- اگر موقعی که کافر بوده، لباس او با رطوبت به بدنش رسیده باشد و آن لباس در موقع مسلمان شدن در بدن او نباشد نجس است، بلکه اگر در بدن او هم باشد، بنابر احتیاط واجب (۱) باید از آن اجتناب کند.

۱- بلکه علی الاقوی باید اجتناب نماید.

کد مسأله: ۱۶۶۰۷

مسأله ۲۱۴

مسأله ۲۱۴- اگر کافر شهادتین بگوید، و انسان نداند قلباً مسلمان شده یا نه، پاک است. ولی اگر بداند قلباً مسلمان نشده نجس است.

کد مسأله: ۱۶۶۰۹

تبعیت

مسأله ۲۱۵

مسأله ۲۱۵- تبعیت آن است که چیز نجسی به واسطه پاک شدن چیز نجس دیگر، پاک شود.

کد مسأله: ۱۶۶۱۲

مسأله ۲۱۶

مسأله ۲۱۶- اگر شراب سرکه شود، ظرف آن هم تا جایی که شراب موقع جوش آمدن به آن جا رسیده، پاک می‌شود. و کهنه و چیزی هم که معمولاً روی آن می‌گذارند، اگر به آن رطوبت نجس شود، پاک می‌گردد. ولی اگر پشت ظرف به آن شراب آلوده شود، احتیاط واجب آن است که بعد از سرکه شدن شراب از آن اجتناب کنند.

کد مسأله: ۱۶۶۱۴

مسأله ۲۱۷

مسأله ۲۱۷- آب انگور اگر به آتش جوش بیاید و پیش از آن که دو قسمت از سه قسمت آن کم شود بجایی بریزد. بنابر احتیاط واجب باید آنجا را آب بکشند. (۱) ولی ظرفی که آب انگور در آن جوش می‌آید و چیزهایی که مانند کفگیر برای پختن آب انگور بکار می‌رود، بعد از کم شدن دو قسمت آب انگور پاک می‌شود. (۲)

۱- بنابر احتیاط مستحسن زیرا علی الاقوی پاک است.

۲- بلکه حلال می‌شود ولی پاک بود.

کد مسأله: ۱۶۶۱۶

مسأله ۲۱۸

مسأله ۲۱۸- تخته یا سنگی که روی آن میت را غسل می‌دهند، و پارچه‌ای که با آن عورت میت را می‌پوشانند، و دست کسی که او را غسل می‌دهد، بعد از تمام شدن غسل پاک می‌شوند.

کد مسأله: ۱۶۶۱۹

مسأله ۲۱۹

مسأله ۲۱۹- کسی که چیزی را با دست خود آب می‌کشد، بعد از پاک شدن آن چیز، دست او هم پاک می‌شود. (۱)

۱- بالاصاله لا بالتبع

کد مسأله: ۱۶۶۲۱

مسأله ۲۲۰

مسأله ۲۲۰- اگر لباس و مانند آن را با آب قلیل، آب بکشند و به اندازه معمول فشار دهند تا آبی که روی آن ریخته اند جدا شود، آبی که در آن می‌ماند پاک است.

کد مسأله: ۱۶۶۲۳

مسأله ۲۲۱

مسأله ۲۲۱- ظرف نجس را که با آب قلیل آب می‌کشند، بعد از جدا شدن آبی که برای پاک شدن، روی آن ریخته‌اند، آب کمی که در آن می‌ماند پاک است.

کد مسأله: ۱۶۶۲۶

برطرف شدن عین نجاست**مسأله ۲۲۲**

مسأله ۲۲۲- اگر بدن حیوان به عین نجس مثل خون، یا متنجس مثل آب نجس آلوده شود، چنانچه آنها برطرف شود، بدن آن حیوان پاک می‌شود. و همچنین است باطن بدن انسان مثل توی دهان و بینی. مثلاً اگر خونی از لای دندان بیرون آید و در آب دهان از بین برود، آب کشیدن توی دهان لازم نیست. ولی اگر دندان عاریه در دهان نجس شود، باید آن را آب بکشند. (۱)

۱- احتیاطاً

کد مسأله: ۱۶۶۲۹

مسأله ۲۲۳

مسأله ۲۲۳- اگر غذا لای دندان مانده باشد و داخل دهان خون بیاید، چنانچه انسان نداند که خون به غذا رسیده، آن غذا پاک

است. و اگر خون به آن برسد نجس می‌شود. (۱)

۱- محل اشکال است چون نجاست در باطن متجنس نیست پس علی الاقوی پاک است.

کد مسأله: ۱۶۶۳۲

مسأله ۲۲۴

مسأله ۲۲۴- مقداری از لب‌ها و پلک چشم که موقع بستن، روی هم می‌آید و نیز جایی را که انسان نمی‌داند از ظاهر بدن است یا باطن آن، اگر نجس شود بنا بر احتیاط واجب باید آب بکشد. (۱)

۱- احتیاط مستحسن است نه واجب زیرا نجاست مشکوک است و محل جریان قاعده طهارت است.

کد مسأله: ۱۶۶۳۵

مسأله ۲۲۵

مسأله ۲۲۵- اگر گرد و خاک نجس به لباس و فرش و مانند اینها بنشینند، چنانچه طوری آنها را تکان دهند که گرد و خاک نجس از آنها بریزد، پاک می‌شود.

کد مسأله: ۱۶۶۳۸

استبراء حیوان نجاستخوار

مسأله ۲۲۶

مسأله ۲۲۶- بول و غائط حیوانی که به خوردن نجاست انسان عادت کرده، نجس است. و اگر بخواهند پاک شود باید آن را استبراء کنند. یعنی تا مدتی که بعد از آن مدت دیگر نجاستخوار به آن نگویند، نگذارند نجاست بخورد و غذای پاک به آن بدهند. و بنا بر احتیاط واجب (۱) باید شتر نجاستخوار را چهل روز و گاو را سی روز و گوسفند را ده روز و مرغابی را هفت یا پنج روز و مرغ خانگی را سه روز، از خوردن نجاست جلوگیری کنند و غذای پاک به آنها بدهند، اگر بعد از این مدت باز هم نجاستخوار به آنها گفته شود، باید تا مدتی که بعد از آن مدت دیگر نجاست خوار به آنها نگویند آنها را از خوردن نجاست جلوگیری نمایند.

۱- این احتیاط مستحسن است نه واجب

کد مسأله: ۱۶۶۴۲

غایب شدن مسلمان

مسأله ۲۲۷

مسأله ۲۲۷- اگر بدن یا لباس مسلمان یا چیز دیگری که مانند ظرف و فرش در اختیار او است، نجس شود و آن مسلمان غایب گردد، با شش شرط پاکست. (۱)

۱- بلکه با دو شرط اول و پنجم و بقیه اعتباری ندارد اگرچه احوط است.

اول- آنکه آن مسلمان چیزی که بدن یا لباسش را نجس کرده نجس بداند پس اگر مثلاً لباسش به عرق جنب از حرام آلوده شود و آنرا نجس نداند، بعد از غائب شدن او نمی‌شود آن لباس را پاک دانست.

دوم - آنکه بداند بدن یا لباسش به چیز نجس رسیده است.

سوم - آنکه انسان ببیند آن چیز را در کاری که شرط آن پاکی است استعمال می‌کند، مثلاً ببیند با آن لباس نماز می‌خواند.

چهارم - آنکه آن مسلمان بداند شرط کاری را که با آن چیز انجام می‌دهد پاکی است، پس اگر مثلاً نداند که باید لباس نماز گزار پاک باشد، و با لباسی که نجس شده نماز بخواند، نمی‌شود آن لباس را پاک دانست.

پنجم - آنکه انسان احتمال دهد آن مسلمان چیزی را که نجس شده آب کشیده است پس اگر یقین داشته باشد که آب نکشیده، نباید آن چیز را پاک بداند. و نیز اگر نجس و پاک در نظر آن مسلمان فرق نداشته باشد، پاک دانستن آن چیز محل اشکال است.

ششم - آنکه بنا بر احتیاط واجب آن مسلمان بالغ باشد.

کد مسأله: ۱۶۶۴۷

مسأله ۲۲۸

مسأله ۲۲۸- اگر خود انسان یقین کند که چیزی که نجس بوده، پاک شده است، یا دو عادل به پاک شدن آن خبر دهند، آن چیز پاک است. و همچنین است اگر کسی که چیز نجس در اختیار او است بگوید آن چیز پاک شده، یا مسلمانی چیز نجس را آب کشیده باشد، اگر چه معلوم نباشد درست آب کشیده یا نه.

کد مسأله: ۱۶۶۵۰

مسأله ۲۲۹

مسأله ۲۲۹- کسی که وکیل شده است لباس انسان را آب بکشد، اگر بگوید آب کشیدم و انسان به گفته او اطمینان پیدا کند (۱) آن لباس پاک است.

۱- اطمینان لازم نیست

کد مسأله: ۱۶۶۵۲

مسأله ۲۳۰

مسأله ۲۳۰- اگر انسان حالی دارد که در آب کشیدن چیز نجس یقین پیدا نمی‌کند، می‌تواند به گمان اکتفا نماید. (۱)

۱- تطهیر به نحو متعارف کافی در طهارت است و علم و مظنه لازم نیست.

کد مسأله: ۱۶۶۵۵

احکام ظرفها

مسأله ۲۳۱

مسأله ۲۳۱- ظرفی که از پوست سگ یا خوک یا مردار ساخته شده، خوردن و آشامیدن از آن ظرف حرام است. و نباید آن ظرف را در وضو و غسل و کارهایی که باید با چیز پاک انجام داد، استعمال کنند. بلکه احتیاط واجب (۱) آن است که چرم سگ و خوک و مردار را اگر چه ظرف هم نباشد، استعمال نکنند.

۱- اقوی جواز استعمال است اگر چه احوط استحبابی ترک استعمال است.

کد مسأله: ۱۶۶۵۹

مسأله ۲۳۲

مسأله ۲۳۲- خوردن و آشامیدن از ظرف طلا و نقره و استعمال آنها اگر برای زینت اطاق هم باشد حرام است. (۱) بلکه نگهداشتن آن اگرچه استعمال هم نکنند، حرام می‌باشد. و بر صاحب ظرف واجب است طوری آن را بشکند که دیگران به آن، ظرف نگویند.

۱- برای زینت حرام نیست و نگهداشتن آن نیز حرام نیست و شکستن آن واجب نیست.

کد مسأله: ۱۶۶۶۱

مسأله ۲۳۳

مسأله ۲۳۳- ساختن ظرف طلا و نقره و مزدی که برای آن می‌گیرند، حرام است.

۱- ساختن و مزد گرفتن تکلیفاً و وضعاً حرام نیست و لیکن احتیاط استجابی ترک آن است.

کد مسأله: ۱۶۶۶۴

مسأله ۲۳۴

مسأله ۲۳۴- خرید و فروش ظرف طلا و نقره و پول عوضی هم که فروشنده می‌گیرد حرام است. (۱)

۱- خرید و فروش و عوض آن تکلیفاً و وضعاً حرام نیست ولیکن احتیاط استجابی ترک آن است.

کد مسأله: ۱۶۶۶۶

مسأله ۲۳۵

مسأله ۲۳۵- گیره استکان که از طلا یا نقره می‌سازند اگر بعد از برداشتن استکان، ظرف به آن گفته شود، استعمال آن چه به تنهایی و چه با استکان حرام است. و اگر ظرف به آن گفته نشود، استعمال آن مانعی ندارد.

کد مسأله: ۱۶۶۶۹

مسأله ۲۳۶

مسأله ۲۳۶- استعمال ظرفی که روی آن را آب طلا یا آب نقره داده‌اند، اشکال ندارد.

کد مسأله: ۱۶۶۷۳

مسأله ۲۳۷

مسأله ۲۳۷- اگر فلزی را با طلا یا نقره مخلوط کنند و ظرف بسازند، چنانچه مقدار آن فلز به قدری زیاد باشد که ظرف طلا یا نقره به آن ظرف نگویند، استعمال آن مانعی ندارد.

کد مسأله: ۱۶۶۷۵

مسأله ۲۳۸

مسأله ۲۳۸- اگر انسان غذایی را که در ظرف طلا یا نقره است به قصد اینکه چون غذا خوردن در ظرف طلا و نقره دیگر حرام می باشد، در ظرف دیگر بریزد اشکال ندارد، و اگر به این قصد نباشد، ریختن غذا از ظرف طلا یا نقره در ظرف دیگر حرام است (۱) ولی در هر دو صورت خوردن غذا از ظرف دوم مانعی ندارد.

۱- اگر به قصد خوردن از ظرف دیگر هم، تخلیه از ظرف طلا و نقره نکند اشکالی ندارد.

کد مسأله: ۱۶۶۷۸

مسأله ۲۳۹

مسأله ۲۳۹- استعمال بادگیر قلیان و غلاف شمشیر و کارد و قاب قرآن، (۱) اگر از طلا یا نقره باشد، اشکال ندارد. ولی احتیاط واجب آن است که عطر دان و سرمه دان و تریاکدان طلا و نقره را استعمال نکنند.

۱- احتیاط لازم ترک استعمال آنهاست.

کد مسأله: ۱۶۶۸۰

مسأله ۲۴۰

مسأله ۲۴۰- استعمال ظرف طلا یا نقره در حال ناچاری اشکال ندارد، ولی برای وضو و غسل، در حال ناچاری هم نمی شود ظرف طلا و نقره را استعمال کرد.

کد مسأله: ۱۶۶۸۲

مسأله ۲۴۱

مسأله ۲۴۱- استعمال ظرفی که معلوم نیست از طلا یا نقره است یا از چیز دیگر، اشکال ندارد.

کد مسأله: ۱۶۶۸۵

وضو

مسأله ۲۴۲

مسأله ۲۴۲- در وضو واجب است صورت و دستها را بشویند و جلوی سر و روی پاها را مسح کنند.

کد مسأله: ۱۶۶۸۷

مسأله ۲۴۳

مسأله ۲۴۳- درازای صورت را باید از بالای پیشانی جایی که موی سر بیرون می آید تا آخر چانه شست، و پهنای آن به مقداری که بین انگشت وسط و شست قرار می گیرد، باید شسته شود، و اگر مختصری از این مقدار نشوید، وضو باطل است. و برای آنکه یقین کند این مقدار کاملاً شسته شده، باید کمی اطراف آن را هم بشوید.

کد مسأله: ۱۶۶۸۹

مسئله ۲۴۴

مسئله ۲۴۴- اگر صورت یا دست کسی کوچکتر یا بزرگتر از معمول مردم باشد، باید ملاحظه کند که مردمان معمولی تا کجای صورت خود را می‌شویند، او هم تا همان جا را بشوید. و اگر در پیشانی او مو روئیده یا جلوی سرش مو ندارد باید به اندازه معمول، پیشانی را بشوید.

کد مسئله: ۱۶۶۹۲

مسئله ۲۴۵

مسئله ۲۴۵- اگر احتمال دهد چرک یا چیز دیگری در ابروها و گوشه‌های چشم و لب او هست که نمی‌گذارد آب به آنها برسد، چنانچه احتمال او در نظر مردم بجا باشد، باید پیش از وضو واریسی کند که اگر هست برطرف نماید.

کد مسئله: ۱۶۶۹۴

مسئله ۲۴۶

مسئله ۲۴۶- اگر پوست صورت از لای مو پیدا باشد، باید آب را به پوست برساند، و اگر پیدا نباشد، شستن مو کافی است و رساندن آب به زیر آن لازم نیست.

کد مسئله: ۱۶۶۹۶

مسئله ۲۴۷

مسئله ۲۴۷- اگر شک کند که پوست صورت از لای مو پیدا است یا نه، بنابر احتیاط واجب باید مو را بشوید و آب را به پوست هم برساند.

کد مسئله: ۱۶۷۰۱

مسئله ۲۴۸

مسئله ۲۴۸- شستن توی بینی و مقداری از لب و چشم که در وقت بستن دیده نمی‌شود واجب نیست، ولی برای آنکه یقین کند از جاهایی که باید شسته شود چیزی باقی نمانده، واجب است مقداری از آنها را هم بشوید. و کسی که نمی‌داند باید این مقدار را بشوید، اگر نداند در وضوهای که گرفته این مقدار را شسته یا نه، نمازهایی که خوانده صحیح است.

کد مسئله: ۱۶۷۰۳

مسئله ۲۴۹

مسئله ۲۴۹- باید صورت و دست‌ها را از بالا به پائین شست و اگر از پایین به بالا بشوید وضو باطل است.

کد مسئله: ۱۶۷۰۶

مسئله ۲۵۰

مسئله ۲۵۰- اگر دست را تر کند و به صورت و دستها بکشد، چنانچه تری دست به قدری باشد که به واسطه کشیدن دست، آب کمی در آنها جاری شود، کافی است.
کد مسئله: ۱۶۷۰۸

مسئله ۲۵۱

مسئله ۲۵۱- بعد از شستن صورت باید دست راست و بعد از آن دست چپ را از آرنج تا سر انگشتها بشوید.
کد مسئله: ۱۶۷۱۰

مسئله ۲۵۲

مسئله ۲۵۲- برای آنکه یقین کند آرنج را کاملاً شسته، باید مقداری بالاتر از آرنج را هم بشوید.
کد مسئله: ۱۶۷۱۳

مسئله ۲۵۳

مسئله ۲۵۳- کسی که پیش از شستن صورت دستهای خود را تا میچ شسته، در موقع وضو باید تا سر انگشتان را بشوید و اگر فقط تا میچ را بشوید وضوی او باطل است.
کد مسئله: ۱۶۷۱۵

مسئله ۲۵۴

مسئله ۲۵۴- در وضو شستن صورت و دستها مرتبه اول واجب و مرتبه دوم مستحب و مرتبه سوم و بیشتر از آن حرام می‌باشد. و اینکه کدام شستن، اول یا دوم یا سوم است مربوط به قصد کسی است که وضو می‌گیرد، پس اگر به قصد شستن مرتبه اول مثلاً سه مرتبه آب به صورت بریزد اشکال ندارد. و همه آنها شستن اول حساب می‌شود، و اگر به قصد اینکه سه مرتبه بشوید سه مرتبه آب بریزد مرتبه سوم آن حرام است.
کد مسئله: ۱۶۷۱۷

مسئله ۲۵۵

مسئله ۲۵۵- بعد از شستن هر دو دست باید جلوی سر را با تری آب وضو که در دست مانده مسح کند. و احتیاط واجب (۱) آن است که با دست راست از بالا به پائین مسح نماید.
۱- این احتیاط واجب نسبت بلکه مستحب است با دست راست و از بالا به پائین مسح نماید.
کد مسئله: ۱۶۷۲۱

مسئله ۲۵۶

مسئله ۲۵۶- یک قسمت از چهار قسمت سر، که مقابل پیشانی است جای مسح می‌باشد، و هر جای این قسمت را به هر اندازه مسح

کند کافی است، اگر چه احتیاط مستحب آن است که از درازا به اندازه درازای یک انگشت و از پهنا به اندازه پهنای سه انگشت بسته مسح نماید.

کد مسأله: ۱۶۷۲۳

مسأله ۲۵۷

مسأله ۲۵۷- لازم نیست مسح سر بر پوست آن باشد، بلکه بر موی جلوی سر هم صحیح است، ولی کسی که موی جلوی سر او به اندازه‌ای بلند است که اگر مثلاً شانه کند به صورتش می‌ریزد، یا به جاهای دیگر سر می‌رسد، باید بیخ موها را مسح کند یا فرق سر را باز کرده، پوست سر را مسح نماید، و اگر موهایی را که به صورت می‌ریزد یا به جاهای دیگر سر می‌رسد جلوی سر جمع کند و بر آنها مسح نماید یا بر موی جاهای دیگر سر که جلوی آن آمده مسح کند باطل است.

کد مسأله: ۱۶۷۲۶

مسأله ۲۵۸

مسأله ۲۵۸- بعد از مسح سر باید با تری آب وضو که در دست مانده روی پاها را از سر یکی از انگشتها تا برآمدگی روی پا مسح کند و احتیاط واجب آن است تا مفصل را هم مسح نماید.

کد مسأله: ۱۶۷۲۸

مسأله ۲۵۹

مسأله ۲۵۹- پهنای مسح پا به هر اندازه باشد کافی است، ولی بهتر آنست که به اندازه پهنای سه انگشت بسته مسح نماید، و بهتر از آن مسح تمام روی پا است.

کد مسأله: ۱۶۷۳۰

مسأله ۲۶۰

مسأله ۲۶۰- احتیاط واجب (۱) آنست که در مسح پا دست را بر سر انگشتها بگذارد و بعد به پشت پا بکشد، نه آنکه تمام دست را روی پا بگذارد و کمی بکشد.

۱- این احتیاط مستحسن است نه واجب و اگر تمام دست را روی پا بگذارد و کمی بکشد کافی است.

کد مسأله: ۱۶۷۳۳

مسأله ۲۶۱

مسأله ۲۶۱- در مسح سر و روی پا باید دست را روی آنها بکشد و اگر دست را نگهدارد و سر یا پا را به آن بکشد، وضو باطل است. ولی اگر موقعی که دست را می‌کشد سر یا پا مختصری حرکت کند، اشکال ندارد.

کد مسأله: ۱۶۷۳۵

مسأله ۲۶۲

مسئله ۲۶۲- جای مسح باید خشک باشد و اگر به قدری تر باشد که رطوبت کف دست به آن اثر نکند مسح باطل است، ولی اگر تری آن به قدری کم باشد که رطوبتی که بعد از مسح در آن دیده می‌شود، بگویند فقط از تری کف دست است، اشکال ندارد.
کد مسئله: ۱۶۷۳۸

مسئله ۲۶۳

مسئله ۲۶۳- اگر برای مسح، رطوبتی در کف دست نمانده باشد، نمی‌تواند دست را با آب خارج، تر کند بلکه باید از اعضای دیگر وضو رطوبت بگیرد و با آن مسح نماید.
کد مسئله: ۱۶۷۴۰

مسئله ۲۶۴

مسئله ۲۶۴- اگر رطوبت کف دست فقط به اندازه مسح سر باشد، احتیاط واجب (۱) آن است که سر را با همان رطوبت مسح کند، و برای مسح پاها از اعضای دیگر وضو رطوبت بگیرد.
۱- این احتیاط واجب نیست.
کد مسئله: ۱۶۷۴۲

مسئله ۲۶۵

مسئله ۲۶۵- مسح کردن از روی جوراب و کفش باطل است، ولی اگر به واسطه سرمای شدید یا ترس از دزد و درنده و مانند اینها نتواند کفش یا جوراب را بیرون آورد، مسح کردن بر آنها اشکال ندارد. و اگر روی کفش نجس باشد، باید چیز پاکی بر آن بیندازد و بر آن چیز مسح کند. و احتیاط واجب (۱) آن است که تیمم هم بنماید.
۱- واجب نیست ولیکن مسحتسن است.
کد مسئله: ۱۶۷۴۴

مسئله ۲۶۶

مسئله ۲۶۶- اگر روی پا نجس باشد و نتواند برای مسح، آن را آب بکشد، باید تیمم نماید.
کد مسئله: ۱۶۷۴۷

وضوی ارتماسی

مسئله ۲۶۷

مسئله ۲۶۷- وضوی ارتماسی آن است که انسان صورت و دستها را به قصد وضو در آب فرو برد، (۱) یا آنها را در آب فرو برد و به قصد وضو بیرون آورد. و اگر موقعی که دستها را در آب فرو می‌برد نیت وضو کند و تا وقتی که آنها را از آب بیرون می‌آورد و ریزش آب تمام می‌شود به قصد وضو باشد، وضوی او صحیح است و نیز اگر موقع بیرون آوردن از آب قصد وضو کند و تا وقتی که ریزش آب تمام می‌شود، به قصد وضو باشد وضوی او صحیح می‌باشد.

۱- خصوص دست‌ها آنها را به قصد وضو در آب فرو نبرد زیرا جهت مسح مشکل می‌شود بلکه به قصد وضو، از آب بیرون بیاورد تا جهت مسح اشکالی پیدا نشود.

کد مسأله: ۱۶۷۵۲

مسأله ۲۶۸

مسأله ۲۶۸- در وضوی ارتماسی هم باید صورت و دستها از بالا به پایین شسته شود. پس اگر وقتی که صورت و دستها را در آب فرو می‌برد (۱) قصد وضو کند باید صورت را از طرف پیشانی و دستها را از طرف آرنج در آب فرو برد. و اگر موقع بیرون آوردن از آب قصد وضو کند، باید صورت را از طرف پیشانی و دستها را از طرف آرنج بیرون آورد.

۱- خصوص دستها آنها را به قصد وضو در آب فرو نبرد زیرا جهت مسح مشکل می‌شود بلکه به قصد وضو از آب بیرون بیاورد تا جهت مسح اشکالی پیدا نشود.

کد مسأله: ۱۶۷۵۴

مسأله ۲۶۹

مسأله ۲۶۹- اگر وضوی بعضی از اعضا را ارتماسی و بعضی را غیر ارتماسی انجام دهد، اشکال ندارد.

کد مسأله: ۱۶۷۵۷

مسأله ۲۷۰

مسأله ۲۷۰- کسی که وضو می‌گیرد مستحب است موقعی که نگاهش به آب می‌افتد بگوید: "بسم الله و بالله و الحمد لله الذی جعل الماء طهورا و لم یجعلہ نجسا" و موقعی که پیش از وضو دست خود را می‌شوید بگوید: "اللهم اجعلنی من التوابین و اجعلنی من المتطهرین" و در وقت مضمضه کردن، یعنی آب در دهان گرداندن بگوید: "اللهم لقنی حجتی یوم القاک و اطلق لسانی بذکرک" و در وقت استنشاق یعنی آب در بینی کردن بگوید: "اللهم لا تحرم علی ریح الجنه و اجعلنی ممن یشم ریحها و روحها و طیبها" و موقع شستن رو بگوید: "اللهم بیض وجهی یوم تسود فیہ الوجوه و لا- تسود وجهی یوم تبيض فیہ الوجوه" و در وقت شستن دست راست بخواند: "اللهم اعطنی کتابی بیمینی و الخلد فی الجنان بیساری و حاسبنی حسابا یسیرا" و موقع شستن دست چپ بگوید: "اللهم لا تعطنی کتابی بشمالی و لا من وراء ظهری و لا تجعلها مغلوله الی عنقی و اعوذ بک من مقطعات النیران" و موقعی که سر را مسح می‌کند بگوید: "اللهم غشنی برحمتک و برکاتک و عفوک" و در وقت مسح پا بخواند: "اللهم ثبتنی علی الصراط یوم تزل فیہ الاقدام و اجعل سعیی فی ما یرضیک عنی یا ذا الجلال و الاکرام."

کد مسأله: ۱۶۷۵۹

شرایط وضو

مسأله ۲۷۱

شرایط صحیح بودن وضو سیزده چیز است: شرط اول: آنکه آب وضو پاک باشد. شرط دوم: آنکه مطلق باشد.

مسأله ۲۷۱- وضو با آب نجس و آب مضاف باطل است. اگر چه انسان نجس بودن یا مضاف بودن آن را نداند یا فراموش کرده

باشد. و اگر با آن وضو نمازی هم خوانده باشد، باید آن نماز را دوباره با وضوی صحیح بخواند.

کد مسأله: ۱۶۷۶۲

مسأله ۲۷۲

مسأله ۲۷۲- اگر غیر از آب آلوده مضاف، آب دیگری برای وضو ندارد، چنانچه وقت نماز تنگ است، باید تیمم کند و اگر وقت دارد، احتیاط واجب آن است که (۱) باید صبر کند تا آب صاف شود و وضو بگیرد.

۱- علی الاقوی باید صبر نماید تا آب صاف شود.

شرط سوم: آنکه آب وضو و فضایی که در آن وضو می‌گیرد مباح باشد. (۱)

۱- اباحه فضا در غسل شرط نیست چون غسل اتحاد با غضب ندارد ولی در مسح شرط است چون متحد با غضب است.

کد مسأله: ۱۶۷۶۴

مسأله ۲۷۳

مسأله ۲۷۳- وضو با آب غضبی و با آبی که معلوم نیست صاحب آن راضی است یا نه، حرام و باطل است. و نیز اگر آب وضو از صورت و دستها در جای غضبی بریزد، چنانچه در غیر آن نتواند وضو بگیرد وضوی او باطل می‌باشد. و اگر در غیر آنجا بتواند وضو بگیرد وضو صحیح است. (۱)

۱- اگر وضو علت برای تصرف در غضب است وضو باطل است و حرام است ولو در غیر آن مکان بتوان وضو بگیرد.

کد مسأله: ۱۶۷۶۸

مسأله ۲۷۴

مسأله ۲۷۴- وضو گرفتن از حوض مدرسه‌ای که انسان نمی‌داند آن حوض را برای همه مردم وقف کرده‌اند یا برای محصلین همان مدرسه، در صورتی که معمولا مردم از آب آن وضو بگیرند، اشکال ندارد.

کد مسأله: ۱۶۷۷۰

مسأله ۲۷۵

مسأله ۲۷۵- کسی که نمی‌خواهد در مسجدی نماز بخواند، اگر نداند حوض آن را برای همه مردم وقف کرده‌اند یا برای کسانی که در آن جا نماز می‌خوانند، نمی‌تواند (۱) از حوض آن وضو بگیرد، ولی اگر معمولا- کسانی هم که نمی‌خواهند در آن جا نماز بخوانند از حوض آن وضو می‌گیرند، می‌تواند از حوض آن وضو بگیرد.

۱- بلکه می‌تواند مگر با علم به اختصاص

کد مسأله: ۱۶۷۷۳

مسأله ۲۷۶

مسأله ۲۷۶- وضو گرفتن از حوض تیمچه‌ها و مسافرخانه‌ها و مانند اینها برای کسانی که ساکن آن جاها نیستند، در صورتی صحیح است (۱) که معمولا کسانی هم که ساکن آن جاها نیستند، با آب آنها وضو بگیرند.

۱- که علم یا اطمینان به رضای مالک حاصل شود.

کد مسأله: ۱۶۷۷۵

مسأله ۲۷۷

مسأله ۲۷۷- وضو گرفتن در نهرهای بزرگ اگر چه انسان نداند که صاحب آنها راضی است، اشکال ندارد. ولی اگر صاحب آنها از وضو گرفتن نهی کند، احتیاط واجب (۱) آن است که با آب آنها وضو نگیرند.

۱- بلکه اقوی آن است که وضو نگیرد.

کد مسأله: ۱۶۷۷۷

مسأله ۲۷۸

مسأله ۲۷۸- اگر فراموش کند آب غصبی است و با آن وضو بگیرد صحیح است، ولی کسی که خودش آب را غصب کرده اگر غصبی بودن آن را فراموش کند و وضو بگیرد وضوی او باطل است. (۱)

۱- بلکه صحیح است چون حکم تحریم فعلی نیست.

شرط چهارم: آنکه ظرف آب وضو مباح باشد. (۱)

۱- اگر وضوی ارتماسی بگیرد و الا تدریجی وضوء اشکالی ندارد اگر چه باغتراف معصیت کرده.

شرط پنجم: آنکه ظرف آب وضو طلا و نقره نباشد. (۱)

۱- اگر وضوی ارتماسی بگیرد و الا تدریجی وضوء اشکالی ندارد اگر چه باغتراف معصیت کرده.

کد مسأله: ۱۶۷۷۹

مسأله ۲۷۹

مسأله ۲۷۹- اگر آب وضو در ظرف غصبی است و غیر از آن، آب دیگری ندارد باید تیمم کند، و نمی تواند (۱) با آب آنها وضو بگیرد. و اگر آب مباح دیگری دارد چنانچه در آن ظرف غصبی، یا طلا و نقره وضوی ارتماسی بگیرد یا با آنها آب را به صورت و دست-ها بریزد وضوی او باطل است و در صورتی که با مشت یا چیز دیگر، آب را از آنها بر دارد و به صورت و دست ها بریزد وضوی او صحیح است.

۱- به نحو ارتماسی و اما به نحو تدریجی وضو صحیح است اگر چه باغتراف معصیت کرده است.

کد مسأله: ۱۶۷۸۲

مسأله ۲۸۰

مسأله ۲۸۰- بنا بر احتیاط واجب باید در حوضی که مثلاً یک آجر یا یک سنگ آن غصبی است، وضو نگیرد. (۱)

۱- به نحو ارتماسی و اما به نحو تدریجی وضوء صحیح است اگر چه باغتراف معصیت کرده

کد مسأله: ۱۶۷۸۴

مسأله ۲۸۱

مسئله ۲۸۱- اگر در صحن یکی از امامان یا امامزادگان که سابقاً قبرستان بوده، حوض یا نهری بسازند، چنانچه انسان نداند که زمین صحن را برای قبرستان وقف کرده‌اند، وضو گرفتن در آن حوض و نهر اشکال ندارد.
شرط ششم: آنکه اعضای وضو موقع شستن و مسح کردن پاک باشد.
کد مسئله: ۱۶۷۸۷

مسئله ۲۸۲

مسئله ۲۸۲- اگر پیش از تمام شدن وضو، جایی را که شسته یا مسح کرده نجس شود، وضو صحیح است.
کد مسئله: ۱۶۷۸۹

مسئله ۲۸۳

مسئله ۲۸۳- اگر غیر از اعضای وضو جایی از بدن نجس باشد، وضو صحیح است. ولی اگر مخرج را از بول یا غائط تطهیر نکرده باشد، احتیاط مستحب آن است که اول آن را تطهیر کند بعد وضو بگیرد.
کد مسئله: ۱۶۷۹۱

مسئله ۲۸۴

مسئله ۲۸۴- اگر یکی از اعضای وضو نجس باشد و بعد از وضو شک کند که پیش از وضو آن جا را آب کشیده یا نه، چنانچه در موقع وضو ملتفت پاک بودن و نجس بودن آن جا نبوده، وضو باطل است. (۱) و اگر می‌داند ملتفت بوده یا شک دارد که ملتفت بوده یا نه، وضو صحیح است. و در هر صورت جایی را که نجس بوده باید آب بکشد.
۱- بلکه صحیح است.
کد مسئله: ۱۶۷۹۳

مسئله ۲۸۵

مسئله ۲۸۵- اگر در صورت یا دستها بریدگی یا زخمی است که خون آن بند نمی‌آید و آب برای آن ضرر ندارد، باید در آب کر یا جاری فرو برد و قدری فشار دهد که خون بند بیاید بعد به دستوری که گفته شد وضوی ارتماسی بگیرد.
شرط هفتم: آنکه وقت برای وضو و نماز کافی باشد.
کد مسئله: ۱۶۷۹۶

مسئله ۲۸۶

مسئله ۲۸۶- هرگاه وقت به قدری تنگ است که اگر وضو بگیرد، تمام نماز یا مقداری از آن بعد از وقت خوانده می‌شود، باید تیمم کند. ولی اگر برای وضو و تیمم یک اندازه وقت لازم است، باید وضو بگیرد.
کد مسئله: ۱۶۷۹۸

مسئله ۲۸۷

مسئله ۲۸۷- کسی که در تنگی وقت نماز باید تیمم کند، اگر به قصد قربت یا برای کار مستحبی مثل خواندن قرآن وضو بگیرد صحیح است و اگر برای خواندن آن نماز وضو بگیرد باطل است. (۱)
 ۱- اگر به عنوان تقیید باشد والا صحیح است.

شرط هشتم: آنکه به قصد قربت یعنی برای انجام فرمان خداوند عالم وضو بگیرد و اگر برای خنک شدن یا به قصد دیگری وضو بگیرد باطل است.
 کد مسئله: ۱۶۸۰

مسئله ۲۸۸

مسئله ۲۸۸- لازم نیست نیت وضو را به زبان بگویند یا از قلب خود بگذرانند، ولی باید در تمام وضو متوجه باشد که وضو می‌گیرد، به طوری که اگر از او پرسند چه می‌کنی، بگویند وضو می‌گیرم.
 شرط نهم: آنکه وضو را به ترتیبی که گفته شد به جا آورد، یعنی اول صورت و بعد دست راست و بعد دست چپ را بشوید و بعد از آن سر و بعد پاها را مسح نماید، و باید پای راست را پیش از پای چپ مسح کند. و اگر به این ترتیب وضو نگیرد، باطل است.
 شرط دهم: آنکه کارهای وضو را پشت سر هم انجام دهد.
 کد مسئله: ۱۶۸۰۴

مسئله ۲۸۹

مسئله ۲۸۹- اگر بین کارهای وضو به قدری فاصله شود که وقتی می‌خواهد جایی را بشوید یا مسح کند، رطوبت جاهایی که پیش از آن شسته یا مسح کرده خشک شده باشد، وضو باطل است و اگر فقط رطوبت جایی که جلوتر از محلی است که می‌خواهد بشوید یا مسح کند خشک شده باشد، مثلاً موقعی که می‌خواهد دست چپ را بشوید رطوبت دست راست خشک شده باشد و صورت تر باشد، احتیاط واجب آن است که وضو را باطل کند و از سر بگیرد. (۱)
 ۱- ابطال وضو لازم نیست ولی احتیاطاً استیناف کند.
 کد مسئله: ۱۶۸۰۶

مسئله ۲۹۰

مسئله ۲۹۰- اگر کارهای وضو را پشت سر هم بجا آورد، ولی به واسطه گرمای هوا یا حرارت زیاد بدن و مانند اینها رطوبت خشک شود، وضوی او صحیح است.
 کد مسئله: ۱۶۸۰۸

مسئله ۲۹۱

مسئله ۲۹۱- راه رفتن در بین وضو اشکال ندارد. پس اگر بعد از شستن صورت و دستها چند قدم راه برود و بعد سر و پا را مسح کند، وضوی او صحیح است.
 شرط یازدهم: آنکه شستن صورت و دستها و مسح سر و پاها را خود انسان انجام دهد. و اگر دیگری او را وضو دهد یا در رسانیدن

آب به صورت و دستها و مسح سر و پاها به او کمک نماید، وضو باطل است.

کد مسأله: ۱۶۸۱۱

مسأله ۲۹۲

مسأله ۲۹۲- کسی که نمی‌تواند وضو بگیرد، باید نایب بگیرد که او را وضو دهد. و چنانچه مزد هم بخواهد در صورتی که بتواند باید بدهد، (۱) ولی باید خود او نیت وضو کند و با دست خود مسح نماید، و اگر نمی‌تواند باید نایبش دست او را بگیرد و به جای او مسح بکشد. و اگر این هم ممکن نیست، باید از دست او رطوبت بگیرند و با آن رطوبت سر و پای او را مسح کنند.
۱- اگر مضر به حالش نباشد.

کد مسأله: ۱۶۸۱۳

مسأله ۲۹۳

مسأله ۲۹۳- هر کدام از کارهای وضو را که می‌تواند به تنهایی انجام دهد، نباید در آن کمک بگیرد.
شرط دوازدهم: آنکه استعمال آب برای او مانعی نداشته باشد.

کد مسأله: ۱۶۸۱۵

مسأله ۲۹۴

مسأله ۲۹۴- کسی که می‌ترسد که اگر وضو بگیرد مریض شود یا اگر آب را به مصرف وضو برساند تشنه بماند، نباید وضو بگیرد، ولی اگر نداند که آب برای او ضرر دارد و وضو بگیرد اگر چه بعد بفهمد ضرر داشته وضوی او صحیح است.

کد مسأله: ۱۶۸۱۸

مسأله ۲۹۵

مسأله ۲۹۵- اگر رساندن آب به صورت و دستها به مقدار کمی که وضو با آن صحیح است ضرر ندارد و بیشتر از آن ضرر دارد، باید با همان مقدار وضو بگیرد.
شرط سیزدهم - آنکه در اعضاء وضو مانعی از رسیدن آب نباشد.

کد مسأله: ۱۶۸۲۰

مسأله ۲۹۶

مسأله ۲۹۶- اگر می‌داند چیزی به اعضای وضو چسبیده، ولی شک دارد که از رسیدن آب جلوگیری می‌کند یا نه، باید آن را برطرف کند یا آب را به زیر آن برساند.

کد مسأله: ۱۶۸۲۵

مسأله ۲۹۷

مسئله ۲۹۷- اگر زیر ناخن چرک باشد، وضو اشکال ندارد ولی اگر ناخن را بگیرند باید برای وضو آن چرک را بر طرف کنند. و نیز اگر ناخن بیشتر از معمول بلند باشد، باید چرک زیر مقداری را که از معمول بلندتر است بر طرف نمایند.
کد مسئله: ۱۶۸۳۳

مسئله ۲۹۸

مسئله ۲۹۸- اگر در صورت و دستها و جلوی سر و روی پاها به واسطه سوختن یا چیز دیگر برآمدگی پیدا شود، شستن و مسح روی آن کافی است و چنانچه سوراخ شود رساندن آب به زیر پوست لازم نیست، بلکه اگر پوست یک قسمت آن کنده شود لازم نیست آب را به زیر قسمتی که کنده نشده برساند. ولی چنانچه پوستی که کنده شده گاهی به بدن می‌چسبد و گاهی بلند می‌شود، باید آن را قطع کند یا آب را به زیر آن برساند.
کد مسئله: ۱۶۸۴۳

مسئله ۲۹۹

مسئله ۲۹۹- اگر انسان شک کند که به اعضای وضوی او چیزی چسبیده یا نه، چنانچه احتمال او در نظر مردم بجا باشد مثل آنکه بعد از گل کاری شک کند گل بدست او چسبیده یا نه، باید واریسی کند یا به قدری دست بمالد که اطمینان پیدا کند که اگر بوده بر طرف شده یا آب به زیر آن رسیده است.
کد مسئله: ۱۶۸۴۶

مسئله ۳۰۰

مسئله ۳۰۰- جایی را که باید شست و مسح کرد هر قدر چرک باشد، اگر چرک آن مانع از رسیدن آب به بدن نباشد اشکال ندارد. و همچنین است اگر بعد از گچ کاری و مانند آن چیز سفیدی که جلوگیری از رسیدن آب به پوست نمی‌نماید بر دست بماند، ولی اگر شک کند که با بودن آنها آب به بدن می‌رسد یا نه، باید آنها را بر طرف کند.
کد مسئله: ۱۶۸۴۸

مسئله ۳۰۱

مسئله ۳۰۱- اگر پیش از وضو بداند که در بعضی از اعضای وضو مانعی از رسیدن آب هست و بعد از وضو شک کند که در موقع وضو آب را به آنجا رسانده یا نه، وضوی او صحیح است.
کد مسئله: ۱۷۶۴۶

مسئله ۳۰۲

مسئله ۳۰۲- اگر در بعضی از اعضای وضو مانعی باشد که گاهی آب به خودی خود زیر آن می‌رسد و گاهی نمی‌رسد، و انسان بعد از وضو شک کند که آب زیر آن رسیده یا نه، چنانچه بداند موقع وضو ملتفت رسیدن آب به زیر آن نبوده، احتیاط واجب (۱) آنست که دوباره وضو بگیرد.
۱- بلکه مستحب است دوباره وضو بگیرد.

کد مسأله: ۱۷۶۴۷

مسأله ۳۰۳

مسأله ۳۰۳- اگر بعد از وضو چیزی که مانع از رسیدن آب است در اعضای وضو ببیند و نداند موقع وضو بوده یا بعد پیدا شده، وضوی او صحیح است. ولی اگر بداند که در وقت وضو ملتفت آن مانع نبوده، احتیاط واجب (۱) آن است که دوباره وضو بگیرد.

۱- استیناف وضو مستحسن است نه واجب.

کد مسأله: ۱۷۶۵۰

مسأله ۳۰۴

مسأله ۳۰۴- اگر بعد از وضو شک کند چیزی که مانع رسیدن آب است در اعضای وضو بوده یا نه، وضو صحیح است.

کد مسأله: ۱۷۶۵۱

احکام وضو**مسأله ۳۰۵**

مسأله ۳۰۵- کسی که در کارهای وضو و شرایط آن مثل پاک بودن آب و غصبی نبودن آن خیلی شک می‌کند، باید به شک خود اعتنا نکند.

کد مسأله: ۱۷۶۵۲

مسأله ۳۰۶

مسأله ۳۰۶- اگر شک کند که وضوی او باطل شده یا نه، بنا می‌گذارد که وضوی او باقی است. ولی اگر بعد از بول استبراء نکرده و وضو گرفته باشد و بعد از وضو رطوبتی از او بیرون آید که نداند بول است یا چیز دیگر، وضوی او باطل است.

کد مسأله: ۱۷۶۵۳

مسأله ۳۰۷

مسأله ۳۰۷- کسی که شک دارد وضو گرفته یا نه، باید وضو بگیرد.

کد مسأله: ۱۷۶۵۴

مسأله ۳۰۸

مسأله ۳۰۸- کسی که می‌داند وضو گرفته و حدثی هم از او سر زده مثلاً بول کرده، اگر نداند کدام جلوتر بوده، چنانچه پیش از نماز است باید وضو بگیرد و اگر در بین نماز است باید نماز را بشکند (۱) و وضو بگیرد، و اگر بعد از نماز است نمازی که خوانده صحیح است و برای نمازهای بعد باید وضو بگیرد.

۱- ولی احتیاط مستحب آن است که نماز را تمام کند و بعد وضو بگیرد و نماز را اعاده نماید.

کد مسأله: ۱۷۶۵۵

مسأله ۳۰۹

مسأله ۳۰۹- اگر بعد از وضو یا در بین آن یقین کند که بعضی جاها را نشسته یا مسح نکرده است، چنانچه رطوبت جاهایی که پیش از آن است خشک شده، باید دوباره وضو بگیرد و اگر خشک نشده باید جایی را که فراموش کرده و آنچه بعد از آن است بشوید یا مسح کند، و اگر در بین وضو در شستن یا مسح کردن جایی شک کند باید به همین دستور عمل نماید.

کد مسأله: ۱۷۶۵۶

مسأله ۳۱۰

مسأله ۳۱۰- اگر بعد از نماز شک کند که وضو گرفته یا نه، نماز او صحیح است، ولی باید برای نمازهای بعد وضو بگیرد.

کد مسأله: ۱۷۶۵۷

مسأله ۳۱۱

مسأله ۳۱۱- اگر در بین نماز شک کند که وضو گرفته یا نه، نماز او باطل است (۱) و باید وضو بگیرد و نماز را بخواند.
۱- احتیاط مستحب آن است که نماز را تمام کند و بعد وضو بگیرد و اعاده نماید.

کد مسأله: ۱۷۶۵۸

مسأله ۳۱۲

مسأله ۳۱۲- اگر بعد از نماز شک کند که قبل از نماز وضوی او باطل شده یا بعد از نماز، نمازی که خوانده صحیح است.

کد مسأله: ۱۷۶۶۴

مسأله ۳۱۳

مسأله ۳۱۳- اگر انسان مرضی دارد که بول او قطره قطره می ریزد یا نمی تواند از بیرون آمدن غائط خودداری کند، چنانچه یقین دارد که از اول وقت نماز تا آخر آن به مقدار وضو گرفتن و نماز خواندن مهلت پیدا می کند، باید نماز را در وقتی که مهلت پیدا می کند بخواند. و اگر مهلت او به مقدار کارهای واجب نماز است باید در وقتی که مهلت دارد فقط کارهای واجب نماز را بجا آورد و کارهای مستحب آن مانند اذان و اقامه و قنوت را ترک نماید.

کد مسأله: ۱۷۶۶۵

مسأله ۳۱۴

مسأله ۳۱۴- اگر به مقدار وضو و نماز مهلت پیدا نمی کند و در بین نماز چند دفعه بول یا غائط از او خارج می شود، که اگر بخواهد بعد از هر دفعه وضو بگیرد سخت نیست، باید ظرف آبی پهلوی خود بگذارد و هر وقت بول یا غائط از او خارج شد، فوراً وضو بگیرد و بقیه نماز را بخواند. و احتیاط مستحب آن است که همان نماز را دوباره با یک وضو بخواند و اگر در بین آن نماز وضوی

او باطل شد اعتنا نکند.

کد مسأله: ۱۷۶۶۶

مسأله ۳۱۵

مسأله ۳۱۵- کسی که بول یا غائط او طوری پی در پی از او خارج می‌شود که وضو گرفتن بعد از هر دفعه برای او سخت است، اگر بتواند مقداری از نماز را با وضو بخواند، باید برای هر نماز یک وضو بگیرد.

کد مسأله: ۱۷۶۶۹

مسأله ۳۱۶

مسأله ۳۱۶- کسی که بول یا غائط پی در پی از او خارج می‌شود، اگر نتواند هیچ مقدار از نماز را با وضو بخواند، احتیاط واجب (۱) آن است که برای هر نماز یک وضو بگیرد.

۱- بلکه این احتیاط مستحسن است و اقوی کفایت یک وضو است برای نمازهای کثیر

کد مسأله: ۱۷۶۷۲

مسأله ۳۱۷

مسأله ۳۱۷- اگر مرضی دارد که نمی‌تواند از خارج شدن باد جلوگیری کند، باید به وظیفه کسانی که نمی‌توانند از بیرون آمدن غائط خودداری کنند، عمل نماید.

کد مسأله: ۱۷۶۷۳

مسأله ۳۱۸

مسأله ۳۱۸- کسی که بول و غائط پی در پی از او خارج می‌شود، باید برای هر نمازی وضو بگیرد (۱) و فوراً مشغول نماز شود. ولی برای بجا آوردن سجده و تشهد فراموش شده و نماز احتیاط که باید بعد از نماز انجام داد، در صورتی که آنها را بعد از نماز فوراً بجا بیاورد، وضو گرفتن لازم نیست.

۱- یک وضو برای نمازهای کثیره کافی است.

کد مسأله: ۱۷۶۷۴

مسأله ۳۱۹

مسأله ۳۱۹- کسی که بول او قطره قطره می‌ریزد باید برای نماز به وسیله کیسه‌ای که در آن، پنبه یا چیز دیگری است که از رسیدن بول به جاهای دیگر جلوگیری می‌کند، خود را حفظ نماید. و احتیاط واجب آن است که پیش از هر نماز مخرج بول و کیسه را که نجس شده آب بکشد. (۱) و نیز کسی که نمی‌تواند از بیرون آمدن غائط خودداری کند، چنانچه ممکن باشد، باید به مقدار نماز از رسیدن غائط به جاهای دیگر جلوگیری نماید. و احتیاط واجب آن است که اگر مشقت ندارد، برای هر نماز مخرج غائط را آب بکشد.

۱- تطهیر کیسه لازم نیست بلکه مستحب است.

کد مسأله: ۱۷۶۷۵

مسأله ۳۲۰

مسأله ۳۲۰- کسی که نمی‌تواند از بیرون آمدن بول و غائط خودداری کند، در صورتی که ممکن باشد باید به مقدار نماز از خارج شدن بول و غائط جلوگیری نماید. اگر چه خرج داشته باشد، بلکه اگر مرض او به آسانی معالجه شود، احتیاط واجب آن است که خود را معالجه نماید.

کد مسأله: ۱۷۶۷۶

مسأله ۳۲۱

مسأله ۳۲۱- کسی که نمی‌تواند از بیرون آمدن بول و غائط خودداری کند، بعد از آن که مرض او خوب شد، لازم نیست نمازهایی را که در وقت مرض مطابق وظیفه‌اش خوانده قضا نماید. ولی اگر در بین وقت نماز مرض او خوب شود، باید نمازی را که در آن وقت خوانده دوباره بخواند.

کد مسأله: ۱۷۶۷۷

چیزهایی که باید برای آنها وضو گرفت**مسأله ۳۲۲**

مسأله ۳۲۲- برای شش چیز وضو گرفتن واجب است:

اول: برای نمازهای واجب غیر از نماز میت.

دوم: برای سجده و تشهد فراموش شده، اگر بین آنها و نماز حدیثی از او سر زده مثلاً بول کرده باشد. و احتیاط واجب آن است که برای سجده سهو هم وضو بگیرد.

سوم: برای طواف واجب خانه کعبه.

چهارم: اگر نذر یا عهد کرده یا قسم خورده باشد که وضو بگیرد.

پنجم: اگر نذر کرده باشد که جایی از بدن خود را به خط قرآن برساند.

ششم: برای آب کشیدن قرآنی که نجس شده یا بیرون آوردن آن از مستراح و مانند آن، در صورتی که مجبور باشد دست یا جای دیگر بدن خود را به خط قرآن برساند. ولی چنانچه معطل شدن به مقدار وضو بی احترامی به قرآن باشد، باید بدون این که وضو بگیرد، (۱) قرآن را از مستراح و مانند آن بیرون آورد، یا اگر نجس شده آب بکشد.

۱- اگر متمکن از تیمم نباشد و الا تیمم واجب است مگر اینکه تأخیر بمقدار تیمم هم هتک حساب شود.

کد مسأله: ۱۷۶۷۸

مسأله ۳۲۳

مسأله ۳۲۳- مس نمودن خط قرآن یعنی رساندن جایی از بدن به خط قرآن برای کسی که وضو ندارد، حرام است. و احتیاط واجب (۱) آن است که موی خود را هم به خط قرآن نرساند. ولی اگر قرآن را به زبان فارسی یا به زبان دیگر ترجمه کنند. مس آن

اشکال ندارد.

۱- این احتیاط لازم نیست ولی مستحسن است.

کد مسأله: ۱۷۶۸۰

مسأله ۳۲۴

مسأله ۳۲۴- جلوگیری بچه و دیوانه از مس خط قرآن واجب نیست. ولی اگر مس نمودن آنان بی احترامی به قرآن باشد، باید از آنان جلوگیری کنند.

کد مسأله: ۱۷۶۸۲

مسأله ۳۲۵

مسأله ۳۲۵- کسی که وضو ندارد، حرام است اسم خداوند متعال را به هر زبانی نوشته شده باشد، مس نماید. و احتیاط واجب (۱) آن است که اسم مبارک پیغمبر و امام و حضرت زهرا علیهم السلام را هم مس ننماید.

۱- این احتیاط واجب نیست ولیکن مستحسن است.

کد مسأله: ۱۷۶۸۵

مسأله ۳۲۶

مسأله ۳۲۶- اگر پیش از وقت نماز به قصد اینکه با طهارت باشد وضو بگیرد یا غسل کند، صحیح است. و نزدیک وقت نماز هم اگر به قصد مهیا بودن برای نماز وضو بگیرد، اشکال ندارد.

کد مسأله: ۱۷۶۸۷

مسأله ۳۲۷

مسأله ۳۲۷- کسی که یقین دارد وقت داخل شده اگر نیت وضوی واجب کند و بعد از وضو بفهمد وقت داخل نشده، وضوی او صحیح است. (۱)

۱- اگر به نحو تقیید نباشد والا باطل است.

کد مسأله: ۱۷۶۸۸

مسأله ۳۲۸

مسأله ۳۲۸- مستحب است انسان برای نماز میت و زیارت اهل قبور و رفتن به مسجد و حرم امامان علیهم السلام وضو بگیرد، و همچنین برای همراه داشتن قرآن و خواندن و نوشتن آن و نیز برای مس حاشیه قرآن و برای خوابیدن، وضو گرفتن مستحب است و نیز مستحب است کسی که وضو دارد دوباره وضو بگیرد. و اگر برای یکی از این کارها وضو بگیرد هر کاری را که باید با وضو انجام داد، می‌تواند بجا آورد، مثلاً می‌تواند با آن وضو نماز بخواند.

کد مسأله: ۱۷۶۸۹

چیزهایی که وضو را باطل می‌کند

مسئله ۳۲۹

مسئله ۳۲۹- هفت چیز وضو را باطل می‌کند: اول: بول. دوم: غائط. سوم: باد معده و روده که از مخرج غائط خارج شود. چهارم: خوابی که به واسطه آن چشم نبیند و گوش نشنود. ولی اگر چشم نبیند و گوش بشنود وضو باطل نمی‌شود. پنجم: چیزهایی که عقل را از بین می‌برد، مانند دیوانگی و مستی و بیهوشی. ششم: استحاضه زنان، که بعدا گفته می‌شود. هفتم: کاری که برای آن باید غسل کرد مانند جنابت.

کد مسئله: ۱۷۶۹۰

احکام وضوی جبیره

مسئله ۳۳۰

چیزی که با آن زخم و شکسته را می‌بندند و دوایی که روی زخم و مانند آن می‌گذارند جبیره نامیده می‌شود. مسئله ۳۳۰- اگر در یکی از جاهای وضو زخم یا دمل یا شکستگی باشد، چنانچه روی آن باز است و آب برای آن ضرر ندارد، باید به طور معمول وضو گرفت.

کد مسئله: ۱۷۶۹۴

مسئله ۳۳۱

مسئله ۳۳۱- اگر زخم یا دمل یا شکستگی در صورت و دستها است و روی آن باز است و آب ریختن روی آن ضرر دارد، چنانچه کشیدن دست تر بر آن ضرر ندارد، احتیاط واجب (۱) آن است که دست تر بر آن بکشد و بعد پارچه پاک روی آن بگذارد و دست تر را روی پارچه هم بکشد. و اگر این مقدار هم ضرر دارد یا زخم نجس است و نمی‌شود آب کشید، باید اطراف زخم را به طوری که در وضو گفته شد، از بالا به پایین بشوید و بنا بر احتیاط واجب (۲) پارچه پاک روی زخم بگذارد و دست تر روی آن بکشد، و اگر گذاشتن پارچه ممکن نیست باید اطراف زخم را بشوید و بنا بر احتیاط واجب تیمم هم بنماید. (۳)

۱- این احتیاط لازم نیست بلکه مستحب است و فقط روی محل را مسح می‌کند.

۲- واجب نیست و شستن اطراف زخم کافی است ولی مستحب است.

۳- لازم نیست و شستن اطراف زخم کافی است ولی تیمم مستحسن است.

کد مسئله: ۱۷۶۹۵

مسئله ۳۳۲

مسئله ۳۳۲- اگر زخم یا دمل یا شکستگی در جلوی سر یا روی پاها است و روی آن باز است چنانچه نتواند آن را مسح کند، باید پارچه پاک روی آن بگذارد و روی پارچه را با تری آب وضو که در دست مانده مسح کند، (۱) و اگر گذاشتن پارچه ممکن نباشد، مسح لازم نیست ولی باید بعد از وضو تیمم نماید.

۱- گذاشتن پارچه لازم نیست ولی مستحسن است و باید تیمم هم بعد از وضو بنا بر احتیاط لازم بنماید.

کد مسأله: ۱۷۶۹۶

مسأله ۳۳۳

مسأله ۳۳۳- اگر روی دمل یا زخم یا شکستگی بسته باشد، چنانچه باز کردن آن ممکن است و آب هم برای آن ضرر ندارد، باید روی آن را باز کند و وضو بگیرد، چه زخم و مانند آن در صورت و دستها باشد، یا جلوی سر و روی پاها.

کد مسأله: ۱۷۶۹۷

مسأله ۳۳۴

مسأله ۳۳۴- اگر زخم یا دمل یا شکستگی در صورت یا دستها باشد و بشود روی آن را باز کرد، چنانچه ریختن آب روی آن ضرر دارد و کشیدن دست تر ضرر ندارد، احتیاط واجب (۱) آن است که دست تر روی آن بکشد و بعد پارچه پاکی روی آن بگذارد و روی پارچه را هم دست تر بکشد.

۱- لازم نیست ولی مستحسن است و کافی است دست تر روی زخم کشیدن

کد مسأله: ۱۷۶۹۸

مسأله ۳۳۵

مسأله ۳۳۵- اگر نمی‌شود روی زخم را باز کرد ولی زخم و چیزی که روی آن گذاشته پاک است و رسانیدن آب به زخم ممکن است و ضرر و زحمت و مشقت هم ندارد، باید آب را به روی زخم برساند، و اگر زخم یا چیزی که روی آن گذاشته نجس است، چنانچه آب کشیدن آن و رساندن آب به روی زخم ممکن باشد، باید آن را آب بکشد و موقع وضو آب را به زخم برساند، و در صورتی که آب برای زخم ضرر دارد، یا آن که رساندن آب به روی زخم ممکن نیست یا زخم نجس است و نمی‌شود آن را آب کشید، باید اطراف زخم را بشوید و اگر جبیره پاک است روی آن را مسح کند، و اگر جبیره نجس است یا نمی‌شود روی آن را دست تر کشید، مثلاً- دوابی است که به دست می‌چسبد، پارچه پاکی را به طوری که جزء جبیره حساب شود، روی آن بگذارد و دست تر روی آن بکشد و اگر این هم ممکن نیست احتیاط واجب آن است که وضو بگیرد و تیمم هم بنماید.

کد مسأله: ۱۷۶۹۹

مسأله ۳۳۶

مسأله ۳۳۶- اگر جبیره تمام صورت یا تمام یکی از دستها یا تمام هر دو دست را گرفته باشد. باید وضوی جبیره بگیرد و بنابر احتیاط واجب (۱) تیمم هم بنماید.

۱- لازم نیست ولی مستحسن است.

کد مسأله: ۱۷۷۰۰

مسأله ۳۳۷

مسأله ۳۳۷- اگر جبیره تمام اعضای وضو را گرفته باشد، بنابر احتیاط واجب باید وضوی جبیره‌های بگیرد و تیمم هم بنماید. (۱)

۱- اقوی کفایت تیمم است و وضو جبیره لازم نیست ولی جمع مستحسن است.

کد مسأله: ۱۷۷۰۱

مسأله ۳۳۸

مسأله ۳۳۸- کسی که در کف دست و انگشتها جبیره دارد و در موقع وضو دست تر روی آن کشیده است باید سر و پا را با همان رطوبت مسح کند.

کد مسأله: ۱۷۷۰۲

مسأله ۳۳۹

مسأله ۳۳۹- اگر جبیره تمام پهنای روی پا را گرفته ولی مقداری از طرف انگشتان و مقداری از طرف بالای پا باز است، باید جاهایی که باز است روی پا را و جایی که جبیره است روی جبیره را مسح کند.

کد مسأله: ۱۷۷۰۴

مسأله ۳۴۰

مسأله ۳۴۰- اگر در صورت یا دستها چند جبیره باشد، باید بین آنها را بشوید. و اگر جبیره‌ها در سر یا روی پاها باشد، باید بین آنها را مسح کند. و در جاهایی که جبیره است باید بدستور جبیره عمل نماید.

کد مسأله: ۱۷۷۰۶

مسأله ۳۴۱

مسأله ۳۴۱- اگر جبیره بیشتر از معمول اطراف زخم را گرفته و برداشتن آن ممکن نیست، باید به دستور جبیره عمل کند، و بنا بر احتیاط واجب تیمم هم بنماید و اگر برداشتن جبیره ممکن است باید جبیره را بردارد، پس اگر زخم در صورت و دست است اطراف آن را بشوید و اگر در سر یا روی پاها است اطراف آن را مسح کند و برای جای زخم به دستور جبیره عمل نماید.

کد مسأله: ۱۷۷۰۸

مسأله ۳۴۲

مسأله ۳۴۲- اگر در جای وضو زخم و جراحت و شکستگی نیست، ولی به جهت دیگری آب برای همه دست و صورت ضرر دارد، باید تیمم کند و احتیاط مستحب آن است که وضوی جبیره‌ای هم بگیرد.

کد مسأله: ۱۷۷۰۹

مسأله ۳۴۳

مسأله ۳۴۳- اگر جایی از اعضای وضو را رگ زده است و نمی‌تواند آن را آب بکشد یا آب برای آن ضرر دارد، باید به دستور جبیره عمل کند.

کد مسأله: ۱۷۷۱۰

مسئله ۳۴۴

مسئله ۳۴۴- اگر در جای وضو یا غسل چیزی چسبیده است که برداشتن آن ممکن نیست، یا به قدری مشقت دارد که نمی‌شود تحمل کرد، باید به دستور جیره عمل کند، و بنابر احتیاط واجب (۱) تیمم هم بنماید.

۱- واجب نیست بلکه مستحسن است.

کد مسئله: ۱۷۷۱۱

مسئله ۳۴۵

مسئله ۳۴۵- غسل جیره‌ای مثل وضوی جیره‌ای است، ولی باید آن را تربیتی بجا آورد و اگر ارتماسی انجام دهند باطل است. (۱)

۱- علی الاقوی صحیح است.

کد مسئله: ۱۷۷۱۲

مسئله ۳۴۶

مسئله ۳۴۶- کسی که وظیفه او تیمم است، اگر در بعضی از جاهای تیمم او زخم یا دمل یا شکستگی باشد، باید به دستور وضوی جیره‌ای، تیمم جیره‌ای نماید.

کد مسئله: ۱۷۷۱۳

مسئله ۳۴۷

مسئله ۳۴۷- کسی که باید با وضو یا غسل جیره‌ای نماز بخواند چنانچه بداند که تا آخر وقت عذر او برطرف نمی‌شود، می‌تواند در اول وقت نماز بخواند. ولی اگر امید دارد که تا آخر وقت عذر او برطرف شود، احتیاط واجب آن است که صبر کند و اگر عذر او برطرف نشد در آخر وقت نماز را با وضو یا غسل جیره‌ای بجا آورد.

کد مسئله: ۱۷۷۱۴

مسئله ۳۴۸

مسئله ۳۴۸- اگر انسان برای مرضی که در چشم اوست موی چشم خود را بچسباند، باید وضو و غسل را جیره‌ای انجام دهد، و احتیاط آن است که تیمم هم بنماید.

کد مسئله: ۱۷۷۱۵

مسئله ۳۴۹

مسئله ۳۴۹- کسی که نمی‌داند وظیفه اش تیمم است یا وضوی جیره‌ای بنابر احتیاط واجب باید هر دو را بجا آورد.

کد مسئله: ۱۷۷۱۶

مسئله ۳۵۰

مسأله ۳۵۰- نمازهایی را که انسان با وضوی جبیره‌ای خوانده، صحیح است ولی بعد از آن که عذرش برطرف شد، برای نمازهای بعد هم باید وضو بگیرد. (۱)

۱- لازم نیست و برای نمازهای بعد کفایت میکند ولی وضو گرفتن مستحسن است.

کد مسأله: ۱۷۷۲۰

غسلهای واجب

غسلهای واجب هفت است: اول: غسل جنابت. دوم: غسل حیض. سوم: غسل نفاس. چهارم: غسل استحاضه. پنجم: غسل مس میت. ششم: غسل میت. هفتم: غسلی که به واسطه نذر و قسم و مانند اینها واجب می‌شود.

کد مسأله: ۱۷۷۲۱

احکام جنابت

مسأله ۳۵۱

مسأله ۳۵۱- به دو چیز انسان جنب می‌شود: اول: جماع. دوم: بیرون آمدن منی، چه در خواب باشد یا بیداری، کم باشد یا زیاد، با شهوت باشد یا بی‌شهوت، با اختیار باشد یا بی‌اختیار.

کد مسأله: ۱۷۷۲۲

مسأله ۳۵۲

مسأله ۳۵۲- اگر رطوبتی از انسان خارج شود و نداند منی است یا بول یا غیر اینها چنانچه با شهوت و جستن بیرون آمده و بعد از بیرون آمدن آن بدن سست شده، آن رطوبت حکم منی دارد، و اگر هیچ‌یک از این سه نشانه یا بعضی از اینها را نداشته باشد، حکم منی ندارد. ولی در زن و مریض، لازم نیست آن آب با جستن بیرون آمده باشد، بلکه اگر با شهوت بیرون آمده باشد، و در موقع بیرون آمدن بدن سست شود در حکم منی است.

کد مسأله: ۱۷۷۲۳

مسأله ۳۵۳

مسأله ۳۵۳- اگر از مردی که مریض نیست، آبی بیرون آید که یکی از سه نشانه‌ای را که در مسأله پیش گفته شد داشته باشد و نداند نشانه‌های دیگری را داشته یا نه، چنانچه پیش از بیرون آمدن آن آب وضو داشته غسل تنها کافی است (۱) و اگر وضو نداشته، باید غسل کند (۲) و بنا بر احتیاط واجب وضو هم بگیرد.

۱- بلکه باید جمع کند بین وضو و غسل

۲- بلکه وضو تنها کافی است و غسل لازم نیست اگر چه مستحسن است.

کد مسأله: ۱۷۷۲۴

مسأله ۳۵۴

مسئله ۳۵۴- مستحب است انسان بعد از بیرون آمدن منی بول نکند، و اگر بول نکند و بعد از غسل رطوبتی از او بیرون آید، که نداند منی است یا رطوبت دیگر، حکم منی دارد.

کد مسئله: ۱۷۷۲۶

مسئله ۳۵۵

مسئله ۳۵۵- اگر انسان جماع کند و به اندازه ختنه گاه یا بیشتر داخل شود، در زن باشد یا در مرد، در قبل باشد یا در دبر، بالغ باشند یا نابالغ اگر چه منی بیرون نیاید هر دو جنب می‌شوند.

کد مسئله: ۱۷۷۲۸

مسئله ۳۵۶

مسئله ۳۵۶- اگر شک کند که به مقدار ختنه گاه داخل شده یا نه، غسل بر او واجب نیست.

کد مسئله: ۱۷۷۳۰

مسئله ۳۵۷

مسئله ۳۵۷- اگر نعوذ بالله حیوانی را وطی کند یعنی با او نزدیکی نماید و منی از او بیرون آید غسل تنها، کافی است. و اگر منی بیرون نیاید، چنانچه پیش از وطی وضو داشته باز هم غسل تنها کافی است، و اگر وضو نداشته، احتیاط واجب آن است که غسل کند، وضو هم بگیرد.

کد مسئله: ۱۷۷۳۱

مسئله ۳۵۸

مسئله ۳۵۸- اگر منی از جای خود حرکت کند و بیرون نیاید یا انسان شک کند که منی از او بیرون آمده یا نه غسل بر او واجب نیست.

کد مسئله: ۱۷۷۳۲

مسئله ۳۵۹

مسئله ۳۵۹- کسی که نمی‌تواند غسل کند ولی تیمم برایش ممکن است، بعد از داخل شدن وقت نماز، هم می‌تواند با عیال خود نزدیکی کند.

کد مسئله: ۱۷۷۳۳

مسئله ۳۶۰

مسئله ۳۶۰- اگر در لباس خود منی ببیند و بداند که از خود او است و برای آن غسل نکرده، باید غسل کند و نمازهایی را که یقین دارد بعد از بیرون آمدن منی خوانده قضا کند، ولی نمازهایی را که احتمال می‌دهد بعد از بیرون آمدن آن منی خوانده، لازم نیست

قضا نماید.

کد مسأله: ۱۷۷۳۴

چیزهایی که بر جنب حرام است

مسأله ۳۶۱

مسأله ۳۶۱- پنج چیز بر جنب حرام است:

اول: رساندن جایی از بدن به خط قرآن یا به اسم خدا و اسامی مبارکه پیامبران و امامان (۱) علیهم السلام، به طوری که در وضو گفته شد.

دوم: رفتن در مسجد الحرام و مسجد پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم، اگر چه از یک در داخل و از در دیگر خارج شود.

سوم: توقف در مساجد دیگر و حرم امامان علیهم السلام، (۲) ولی اگر از یک در داخل و از در دیگر خارج شود، یا برای برداشتن چیزی برود مانعی ندارد.

چهارم: گذاشتن چیزی در مسجد.

پنجم: خواندن سوره ای که سجده واجب دارد و آن چهار سوره است: اول: سوره سی و دوم قرآن (الم تنزیل) دوم: سوره چهل و یکم (حم سجده) سوم: سوره پنجاه و سوم (و النجم) چهارم: سوره نود و ششم (اقرا) و اگر یک حرف را به قصد یکی از این چهار سوره هم بخواند حرام است.

۱- بنا بر احتیاط واجب.

۲- بنا بر احتیاط واجب.

کد مسأله: ۱۷۷۳۷

چیزهای که بر جنب مکروه است

مسأله ۳۶۲

مسأله ۳۶۲- نه چیز بر جنب مکروه است:

اول و دوم: خوردن و آشامیدن، ولی اگر وضو بگیرد یا دستها را بشوید مکروه نیست.

سوم: خواندن بیشتر از هفت آیه از سوره‌هایی که سجده واجب ندارد.

چهارم: رساندن جایی از بدن به جلد و حاشیه و بین خطهای قرآن.

پنجم: همراه داشتن قرآن.

ششم: خوابیدن، ولی اگر وضو بگیرد یا به واسطه نداشتن آب، بدل از غسل تیمم کند، مکروه نیست.

هفتم: خضاب کردن به حنا و مانند آن.

هشتم: مالیدن روغن به بدن.

نهم: جماع کردن بعد از آن که محتلم شده، یعنی در خواب منی از او بیرون آمده است.

کد مسأله: ۱۷۷۳۸

غسل جنابت**مسئله ۳۶۳**

مسئله ۳۶۳- غسل جنابت به خودی خود مستحب است، و برای خواندن نماز واجب و مانند آن واجب می‌شود. ولی برای نماز میت و سجده شکر و سجده‌های واجب قرآن غسل جنابت لازم نیست.

کد مسئله: ۱۷۷۳۹

مسئله ۳۶۴

مسئله ۳۶۴- لازم نیست در وقت غسل نیت کند که غسل واجب یا مستحب می‌کنم و اگر فقط به قصد قربت یعنی برای انجام فرمان خداوند عالم غسل کند، کافی است.

کد مسئله: ۱۷۷۴۰

مسئله ۳۶۵

مسئله ۳۶۵- اگر یقین کند وقت نماز شده و نیت غسل واجب کند بعد معلوم شود که پیش از وقت غسل کرده، غسل او صحیح است. (۱)

۱- اگر بعنوان داعی باشد نه تقیید و الا باطل است.

کد مسئله: ۱۷۷۴۱

مسئله ۳۶۶

مسئله ۳۶۶- غسل را چه واجب و چه مستحب، به دو قسم می‌شود انجام داد: ترتیبی و ارتماسی.

کد مسئله: ۱۷۷۴۲

غسل ترتیبی**مسئله ۳۶۷**

مسئله ۳۶۷- در غسل ترتیبی باید به نیت غسل، اول سر و گردن، بعد طرف راست، بعد طرف چپ بدن را بشوید. (۱) و اگر عمداً یا از روی فراموشی یا به واسطه ندانستن مسئله به این ترتیب عمل نکند، غسل او باطل است.

۱- ترتیب بین طرف راست و چپ بنا بر احتیاط لازم است نه علی الاقوی

کد مسئله: ۱۷۷۴۳

مسئله ۳۶۸

مسئله ۳۶۸- نصف ناف و نصف عورت را باید با طرف راست بدن و نصف دیگر را باید با طرف چپ بشوید، بلکه بهتر است تمام ناف و عورت با هر دو طرف شسته شود.

کد مسأله: ۱۷۷۴۴

مسأله ۳۶۹

مسأله ۳۶۹- برای آنکه یقین کند هر سه قسمت، یعنی سر و گردن و طرف راست و طرف چپ را کاملاً غسل داده، باید هر قسمتی را که می‌شوید مقداری از قسمت‌های دیگر را هم با آن قسمت بشوید. بلکه احتیاط مستحب آن است که تمام طرف راست گردن را با طرف راست بدن، و تمام طرف چپ گردن را با طرف چپ بدن بشوید.

کد مسأله: ۱۷۷۴۵

مسأله ۳۷۰

مسأله ۳۷۰- اگر بعد از غسل بفهمد جایی از بدن را نشسته و نداند کجای بدن است، باید دوباره غسل کند.

کد مسأله: ۱۷۷۴۶

مسأله ۳۷۱

مسأله ۳۷۱- اگر بعد از غسل بفهمد مقداری از بدن را نشسته، چنانچه از طرف چپ باشد شستن همان مقدار کافی است، و اگر از طرف راست باشد، باید بعد از شستن آن مقدار، دوباره طرف چپ را بشوید. (۱) و اگر از سر و گردن باشد، باید بعد از شستن آن مقدار، دوباره طرف راست و بعد طرف چپ را بشوید.

۱- بنابر احتیاط لازم

کد مسأله: ۱۷۷۴۷

مسأله ۳۷۲

مسأله ۳۷۲- اگر پیش از تمام شدن غسل، در شستن مقداری از طرف چپ شک کند، شستن همان مقدار کافی است. ولی اگر در شستن مقداری از طرف راست شک کند، (۱) باید بعد از شستن آن مقدار، طرف چپ را هم بشوید و اگر در شستن مقداری از سر و گردن شک کند، (۲) باید بعد از شستن آن، دوباره طرف راست و طرف چپ را بشوید.

۱- اگر داخل در طرف چپ شده اعتناء به آن نکند والا مشکوک و ما بعد آن را بشوید.

۲- اگر داخل در طرف راست شده اعتناء به آن نکند و الا مشکوک و ما بعد آن را بشوید.

کد مسأله: ۱۷۷۴۸

غسل ارتماسی**مسأله ۳۷۳**

مسأله ۳۷۳- در غسل ارتماسی باید آب در یک آن تمام بدن را بگیرد، (۱) پس اگر به نیت غسل ارتماسی در آب فرو رود، چنانچه پای او روی زمین باشد باید از زمین بلند کند.

۱- و اگر آب بتدریج تمام بدن را فرا گیرد کافی است و در یک آن لازم نیست.

کد مسأله: ۱۷۷۴۹

مسأله ۳۷۴

مسأله ۳۷۴- در غسل ارتماسی بنا بر احتیاط واجب باید موقعی نیت کند که مقداری از بدن از آب بیرون باشد. (۱)
 ۱- لازم نیست و اگر تمام بدن را آب فرا گرفت نیت غسل کافی است و حرکت مختصری زیر آب به خود می دهد.

کد مسأله: ۱۷۷۵۱

مسأله ۳۷۵

مسأله ۳۷۵- اگر بعد از غسل ارتماسی بفهمد به مقداری از بدن آب نرسیده، چه جای آن را بداند یا نداند، باید دوباره غسل کند.

کد مسأله: ۱۷۷۵۲

مسأله ۳۷۶

مسأله ۳۷۶- اگر برای غسل ترتیبی وقت ندارد و برای ارتماسی وقت دارد باید غسل ارتماسی کند.

کد مسأله: ۱۷۷۵۳

احکام غسل کردن**مسأله ۳۷۷**

مسأله ۳۷۷- کسی که روزه واجب گرفته یا برای حج یا عمره احرام بسته، نمی تواند غسل ارتماسی کند. ولی اگر از روی فراموشی غسل ارتماسی کند، صحیح است.

کد مسأله: ۱۷۷۵۴

مسأله ۳۷۸

مسأله ۳۷۸- در غسل ارتماسی باید تمام بدن پاک باشد، ولی در غسل ترتیبی پاک بودن تمام بدن لازم نیست. و اگر تمام بدن نجس باشد و هر قسمتی را پیش از غسل دادن آن قسمت آب بکشد، کافی است.

کد مسأله: ۱۷۷۵۵

مسأله ۳۷۹

مسأله ۳۷۹- کسی که از حرام جنب شده و اگر بخواهد با آب گرم غسل کند. عرق میکند، چون عرق او بنا بر احتیاط واجب نجس است، (۱) باید با آب سرد غسل کند و اگر آب سرد پیدا نکند یا برای او ضرر داشته باشد نمیتواند در بیرون آب غسل ترتیبی کند و چنانچه بعد از آنکه تمام بدن زیر آب رفت نیت غسل ترتیبی کند و به نیت سر و گردن بدن را حرکت دهد بعد یک مرتبه به نیت طرف راست بدن و مرتبه دیگر به نیت طرف چپ بدن را حرکت دهد غسل او صحیح است.

۱- علی الاقوی پاک است و غسل با آب گرم و ترتیبی هر دو صحیح است.

کد مسأله: ۱۷۷۵۶

مسأله ۳۸۰

مسأله ۳۸۰- اگر در غسل به اندازه سر مویی از بدن نشسته بماند، غسل باطل است، ولی شستن جاهایی از بدن که دیده نمی‌شود، (۱) مثل توی گوش و بینی، واجب نیست.

۱- ملاک باطن است نه عدم رؤیت

کد مسأله: ۱۷۷۵۷

مسأله ۳۸۱

مسأله ۳۸۱- جایی را که شک دارد از ظاهر بدن است یا از باطن آن، بنابراین احتیاط واجب باید بشوید. (۱)

۱- این احتیاط مستحسن است نه واجب و علی الاقوی لازم نیست مگر در صورتی که مشکوک فعلی سابقاً از ظاهر بدن محسوب بوده باید شسته شود.

کد مسأله: ۱۷۷۵۸

مسأله ۳۸۲

مسأله ۳۸۲- اگر سوراخ جای گوشواره و مانند آن به قدری گشاد باشد که داخل آن دیده شود، باید آن را شست و اگر دیده نشود، شستن داخل آن لازم نیست. (۱)

۱- ملاک باطن و ظاهر است نه رؤیت و عدم رؤیت

کد مسأله: ۱۷۷۵۹

مسأله ۳۸۳

مسأله ۳۸۳- چیزی را که مانع رسیدن آب به بدن است، باید بر طرف کند. و اگر پیش از آن که یقین کند بر طرف شده غسل نماید، غسل او باطل است.

کد مسأله: ۱۷۷۶۰

مسأله ۳۸۴

مسأله ۳۸۴- اگر موقع غسل شک کند، چیزی که مانع از رسیدن آب باشد، در بدن او هست یا نه، باید واریسی کند تا مطمئن شود که مانعی نیست.

کد مسأله: ۱۷۷۶۱

مسأله ۳۸۵

مسأله ۳۸۵- در غسل باید موهای کوتاهی را که جزو بدن حساب می‌شود، بشوید و شستن موهای بلند واجب نیست. بلکه اگر آب

را طوری به پوست برساند که آنها تر نشود، غسل صحیح است ولی اگر رساندن آب به پوست بدون شستن آنها ممکن نباشد، باید آنها را بشوید که آب به بدن برسد.

کد مسأله: ۱۷۷۶۲

مسأله ۳۸۶

مسأله ۳۸۶- تمام شرطهایی که برای صحیح بودن وضو گفته شد، مثل پاک بودن آب و غصبی نبودن آن، در صحیح بودن غسل هم شرط است. ولی در غسل لازم نیست بدن را از بالا به پایین بشوید، و نیز در غسل ترتیبی، لازم نیست بعد از شستن هر قسمت فوراً قسمت دیگر را بشوید، بلکه اگر بعد از شستن سر و گردن مقداری صبر کند و بعد طرف راست را بشوید و بعد از مدتی طرف چپ را بشوید، اشکال ندارد. ولی کسی که نمی‌تواند از بیرون آمدن بول و غائط خودداری کند، اگر به اندازه‌ای که غسل کند و نماز بخواند، بول و غائط از او بیرون نمی‌آید، باید هر قسمت را فوراً بعد از قسمت دیگر (۱) غسل دهد و بعد از غسل هم فوراً نماز بخواند. و همچنین است حکم زن مستحاضه که بعداً گفته می‌شود.

۱- شرط صحت غسل نیست ولی بحسب تکلیف باید چنین کند.

کد مسأله: ۱۷۷۶۳

مسأله ۳۸۷

مسأله ۳۸۷- کسی که قصد دارد پول حمامی را ندهد یا بدون اینکه بداند حمامی راضی است بخواهد نسیه بگذارد، اگر چه بعد حمامی را راضی کند، غسل او باطل است.

کد مسأله: ۱۷۷۶۴

مسأله ۳۸۸

مسأله ۳۸۸- اگر حمامی راضی باشد که پول حمام نسیه بماند ولی کسی که غسل می‌کند قصدش این باشد که طلب او را ندهد، یا از مال حرام بدهد، غسل او اشکال دارد. (۱)

۱- بلکه صحیح است ولی ذمه او بری نمیشود.

کد مسأله: ۱۷۷۶۵

مسأله ۳۸۹

مسأله ۳۸۹- اگر بخواهد پول حرام یا پولی که خمس آن را نداده به حمامی بدهد، غسل او باطل است. (۱)

۱- اگر اجرت کلی باشد ولی منطبق بر حرام کند غسلش صحیح است ولی ذمه اش بری نمی‌شود و اگر اجرت شخصی باشد و حرام یا کلی فی المعین باشد و حرام غسلش باطل است.

کد مسأله: ۱۷۷۶۶

مسأله ۳۹۰

مسأله ۳۹۰- اگر مخرج غائط را در آب خزینه تطهیر کند و پیش از غسل شك کند که چون در خزینه تطهیر کرده حمامی به غسل

کردن او راضی است یا نه، غسل او باطل است، مگر اینکه پیش از غسل حمامی را راضی کند.

کد مسأله: ۱۷۷۶۷

مسأله ۳۹۱

مسأله ۳۹۱- اگر شك کند که غسل کرده یا نه، باید غسل کند. ولی اگر بعد از غسل شك کند که غسل او درست بوده یا نه، لازم نیست دوباره غسل نماید.

کد مسأله: ۱۷۷۶۸

مسأله ۳۹۲

مسأله ۳۹۲- اگر در بین غسل حدث اصغر از او سرزند مثلاً بول کند، احتیاط واجب (۱) آن است که غسل را تمام نماید و دوباره غسل کند وضو هم بگیرد، یا غسل را رها کرده و غسل دیگری نماید و بعد از آن وضو بگیرد.

۱- اقوی صحت آن غسل است و اعاده و استیناف لازم نیست ولو باید بعد از غسل وضوء بگیرد.

کد مسأله: ۱۷۷۷۱

مسأله ۳۹۳

مسأله ۳۹۳- اگر به خیال این که به اندازه غسل و نماز وقت دارد برای نماز غسل کند، اگر چنانچه بعد از غسل به اندازه خواندن یک رکعت یا بیشتر وقت داشته باشد، غسل او صحیح است و اگر کمتر از یک رکعت وقت داشته باشد غسل او باطل است. (۱)

۱- اگر به عنوان تقیید باشد والا صحیح است.

کد مسأله: ۱۷۷۷۲

مسأله ۳۹۴

مسأله ۳۹۴- کسی که جنب شده اگر شك کند غسل کرده یا نه، نمازهایی را که خوانده صحیح است، ولی برای نمازهای بعد باید غسل کند.

کد مسأله: ۱۷۷۷۳

مسأله ۳۹۵

مسأله ۳۹۵- کسی که چند غسل بر او واجب است می‌تواند به نیت همه آنها یک غسل به جا آورد، (۱) یا آنها را جدا جدا انجام دهد.

۱- اقوی کفایت واحد معین است از باقی و اگر بخواهد بقیه را به جا آورد به عنوان رجاء قصد نماید.

کد مسأله: ۱۷۷۷۴

مسأله ۳۹۶

مسئله ۳۹۶- اگر بر جایی از بدن، آیه قرآن یا اسم خداوند متعال نوشته شده باشد، بنابراین احتیاط واجب اگر ممکن است باید آنرا از بین ببرد، (۱) و اگر ممکن نیست باید وضو و غسل را ارتماسی انجام دهد، و چنانچه بخواهد وضو یا غسل را ترتیبی به جا آورد، باید آب را طوری به بدن برساند که دست او به نوشته نرسد.

۱- واجب نیست ولیکن مستحسن است.

کد مسئله: ۱۷۷۷۵

مسئله ۳۹۷

مسئله ۳۹۷- کسی که غسل جنابت کرده، نباید برای نماز وضو بگیرد، ولی با غسل‌های دیگر نمی‌شود نماز خواند و باید وضو هم گرفت.

کد مسئله: ۱۷۷۷۶

استحاضه

مسئله ۳۹۸

یکی از خون‌هایی که از زن خارج می‌شود، خون استحاضه است. و زن را در موقع دیدن خون استحاضه، مستحاضه می‌گویند.

مسئله ۳۹۸- خون استحاضه در بیشتر اوقات زرد رنگ و سرد است و بدون فشار و سوزش بیرون می‌آید و غلیظ هم نیست، ولی ممکن است گاهی سیاه یا سرخ و گرم و غلیظ باشد و با فشار و سوزش بیرون آید.

کد مسئله: ۱۷۷۷۷

مسئله ۳۹۹

مسئله ۳۹۹- استحاضه سه قسم است: قلیله و متوسطه و کثیره. استحاضه قلیله آن است که خون فقط روی پنبه‌ای را که زن داخل فرج می‌نماید سوراخ کند و در آن فرو نرود، استحاضه متوسطه آن است که خون در پنبه فرو رود، اگر چه در یک گوشه آن باشد، ولی از پنبه به دستمالی که معمولاً زن‌ها برای جلوگیری از خون می‌بندند، نرسد، استحاضه کثیره آن است که خون پنبه را بگیرد و به دستمال هم برسد.

کد مسئله: ۱۷۷۷۸

احکام استحاضه

مسئله ۴۰۰

مسئله ۴۰۰- در استحاضه قلیله باید زن برای هر نماز یک وضو بگیرد و پنبه را عوض کند و ظاهر فرج را هم اگر خون به آن رسیده، آب بکشد.

کد مسئله: ۱۷۷۷۹

مسئله ۴۰۱

مسئله ۴۰۱- در استحاضه متوسطه باید زن برای نماز غسل کند و تا صبح دیگر برای نمازهای خود، کارهای استحاضه قلیله را که در مسئله پیش گفته شد انجام دهد. و اگر عمداً یا از روی فراموشی برای نماز صبح غسل نکند، باید برای نماز ظهر و عصر غسل کند و اگر برای نماز ظهر و عصر غسل نکند، باید پیش از نماز مغرب و عشاء غسل نماید، چه آنکه خون بیاید یا قطع شده باشد.
کد مسئله: ۱۷۷۸۰

مسئله ۴۰۲

مسئله ۴۰۲- در استحاضه کثیره علاوه بر کارهای استحاضه متوسطه که در مسئله پیش گفته شد، باید برای هر نماز دستمال را عوض کند، یا آب بکشد و یک غسل برای نماز ظهر و عصر و یکی برای نماز مغرب و عشا به جا آورد، و بین نماز ظهر و عصر فاصله نیندازد. و اگر فاصله بیندازد باید برای نماز عصر دوباره غسل کند. و نیز اگر بین نماز مغرب و عشا فاصله بیندازد، باید برای نماز عشا دوباره غسل نماید.
کد مسئله: ۱۷۷۸۱

مسئله ۴۰۳

مسئله ۴۰۳- اگر خون استحاضه، پیش از وقت نماز هم بیاید، چنانچه زن برای آن خون، وضو و غسل بجا نیاورده باشد، باید در موقع نماز وضو و غسل را بجا آورد.
کد مسئله: ۱۷۷۸۲

مسئله ۴۰۴

مسئله ۴۰۴- مستحاضه متوسطه و کثیره که باید وضو بگیرد و غسل کند، هر کدام را اول بجا آورد، صحیح است. ولی بهتر آن است که اول وضو بگیرد.
کد مسئله: ۱۷۷۸۴

مسئله ۴۰۵

مسئله ۴۰۵- اگر استحاضه قلیله زن، بعد از نماز صبح متوسطه شود، باید برای نماز ظهر و عصر غسل کند. و اگر بعد از نماز ظهر و عصر متوسطه شود، باید برای نماز مغرب و عشا غسل نماید.
کد مسئله: ۱۷۷۸۵

مسئله ۴۰۶

مسئله ۴۰۶- اگر استحاضه قلیله یا متوسطه زن بعد از نماز صبح کثیره شود، باید برای نماز ظهر و عصر یک غسل، و برای نماز مغرب و عشا غسل دیگری بجا آورد. و اگر بعد از نماز ظهر و عصر کثیره شود، باید برای نماز مغرب و عشا غسل نماید.
کد مسئله: ۱۷۷۸۶

مسئله ۴۰۷

مسئله ۴۰۷- مستحاضه کثیره یا متوسطه اگر پیش از داخل شدن وقت نماز برای نماز غسل کند، غسل او باطل است. ولی اگر نزدیک اذان صبح برای نماز شب غسل کند و نماز شب را بخواند، و همین که وقت داخل شد، فوراً نماز صبح را بخواند اشکال ندارد.

کد مسئله: ۱۷۷۸۷

مسئله ۴۰۸

مسئله ۴۰۸- زن مستحاضه، برای هر نمازی چه واجب باشد و چه مستحب، باید وضو بگیرد. و نیز اگر بخواند نمازی را که خوانده احتیاطاً دوباره بخواند، (۱) یا بخواند نمازی را که تنها خوانده است دوباره با جماعت بخواند، (۲) باید تمام کارهایی را که برای استحاضه گفته شد انجام دهد. ولی برای خواندن نماز احتیاط و سجده فراموش شده و تشهد فراموش شده و سجده سهو، اگر آنها را بعد از نماز فوراً بجا آورد، لازم نیست کارهای استحاضه را انجام دهد.

۱- علی الاقوی لازم نیست تجدید نماید اگر چه حسن است

۲- علی الاقوی لازم نیست تجدید اعمال سابقه نماید اگر چه حسن است.

کد مسئله: ۱۷۷۸۸

مسئله ۴۰۹

مسئله ۴۰۹- زن مستحاضه بعد از آن که خونش قطع شد، فقط برای نماز اولی که می‌خواند، باید کارهای استحاضه را انجام دهد و برای نمازهای بعد لازم نیست.

کد مسئله: ۱۷۷۸۹

مسئله ۴۱۰

مسئله ۴۱۰- اگر زن نداند استحاضه او چه قسم است، موقعی که می‌خواهد نماز بخواند، باید مقداری پنبه داخل فرج نماید و کمی صبر کند و بیرون آورد و بعد از آن که فهمید استحاضه او کدام یک از آن سه قسم است کارهایی را که برای آن قسم دستور داده شده انجام دهد، ولی اگر بداند تا وقتی که می‌خواهد نماز بخواند استحاضه او تغییر نمی‌کند، پیش از داخل شدن وقت هم می‌تواند خود را واریسی نماید.

کد مسئله: ۱۷۷۹۰

مسئله ۴۱۱

مسئله ۴۱۱- زن مستحاضه اگر پیش از آنکه خود را واریسی کند، مشغول نماز شود، چنانچه قصد قربت داشته و به وظیفه خود عمل کرده مثلاً استحاضه اش قلیله بوده و به وظیفه استحاضه قلیله عمل نموده، نماز او صحیح است. و اگر قصد قربت نداشته یا عمل او مطابق وظیفه اش نبوده، مثل آنکه استحاضه او متوسطه بوده و به وظیفه قلیله رفتار کرده، نماز او باطل است.

کد مسئله: ۱۷۷۹۱

مسئله ۴۱۲

مسئله ۴۱۲- زن مستحاضه اگر نتواند خود را واریسی نماید، باید به آنچه مسلماً وظیفه اوست عمل کند، مثلاً اگر نمی‌داند استحاضه او قلیله است یا متوسطه، باید کارهای استحاضه قلیله را انجام دهد، و اگر نمی‌داند متوسطه است یا کثیره، باید کارهای استحاضه متوسطه را انجام دهد. ولی اگر بداند سابقاً کدام یک از آن سه قسم بوده، باید به وظیفه همان قسم رفتار نماید.
کد مسئله: ۱۷۷۹۳

مسئله ۴۱۳

مسئله ۴۱۳- اگر خون استحاضه در باطن باشد و بیرون نیاید، وضو و غسل باطل نمی‌شود. (۱) و اگر بیرون بیاید، هر چند کم باشد، وضو و غسل را به تفصیلی که گذشت باطل می‌کند.
۱- اگر از عرق عاذل خارج شده و به فضاء رحم آمده ولو خارج از رحم نشده احتیاط لازم بطلان وضو و غسل است.
کد مسئله: ۱۷۷۹۵

مسئله ۴۱۴

مسئله ۴۱۴- زن مستحاضه اگر بعد از نماز خود را واریسی کند و خون نبیند اگر چه بداند دوباره خون می‌آید، با وضویی که دارد می‌تواند نماز بخواند. (۱)
۱- اگر در باطن هم از عرق عاذل خارج نشده باشد و الا احتیاط وضو ساختن است.
کد مسئله: ۱۷۷۹۸

مسئله ۴۱۵

مسئله ۴۱۵- زن مستحاضه اگر بداند از وقتی که مشغول وضو یا غسل شده، خونی از او بیرون نیامده می‌تواند خواندن نماز را تأخیر بیندازد. (۱)
۱- به شرط اینکه از عرق عاذل هم خارج نشده باشد و الا تأخیر جائز نیست.
کد مسئله: ۱۷۷۹۹

مسئله ۴۱۶

مسئله ۴۱۶- اگر مستحاضه بداند که پیش از گذشتن وقت نماز به کلی پاک می‌شود، یا به اندازه خواندن نماز، خون بند می‌آید، باید صبر کند و نماز را در وقتی که پاک است بخواند.
کد مسئله: ۱۷۸۰۰

مسئله ۴۱۷

مسئله ۴۱۷- اگر بعد از وضو و غسل، خون در ظاهر قطع شود و مستحاضه بداند که اگر نماز را تأخیر بیندازد، به مقداری که وضو و غسل و نماز را به جا آورد، به کلی پاک می‌شود، باید نماز را تأخیر بیندازد و موقعی که به کلی پاک شد، دوباره وضو و غسل را بجا آورد و نماز را بخواند. و اگر وقت نماز تنگ شد، لازم نیست (۱) وضو و غسل را دوباره به جا آورد، بلکه با وضو و غسلی که

دارد، می‌تواند نماز بخواند.

۱- و لکن تیمم نماید و اگر وقت ضیق باشد نماز را با وضو و غسل سابق بخواند و بعد از وقت قضاء کند.
کد مسأله: ۱۷۸۰۱

مسأله ۴۱۸

مسأله ۴۱۸- مستحاضه کثیره و متوسطه وقتی به کلی از خون پاک شد باید غسل کند. ولی اگر بداند از وقتی که برای نماز پیش، مشغول غسل شده دیگر خون نیامده (۱) لازم نیست دوباره غسل نماید.
۱- ظاهراً و باطناً و الا اگر از عرق باذل در باطن آمده باشد غسل لازم است بنا بر احتیاط واجب
کد مسأله: ۱۷۸۰۲

مسأله ۴۱۹

مسأله ۴۱۹- مستحاضه قلیله بعد از وضو، و مستحاضه کثیره و متوسطه بعد از غسل و وضو باید فوراً مشغول نماز شود، ولی گفتن اذان و اقامه و خواندن دعاهای قبل از نماز اشکال ندارد. و در نماز هم می‌تواند کارهای مستحب مثل قنوت و غیر آن را بجا آورد.
کد مسأله: ۱۷۸۰۳

مسأله ۴۲۰

مسأله ۴۲۰- زن مستحاضه اگر بین غسل و نماز فاصله بیندازد، باید دوباره غسل کند (۱) و بلافاصله مشغول نماز شود.
۱- اگر خون مجدداً بیاید ولو در باطن فرج و الا لازم نیست.
کد مسأله: ۱۷۸۰۴

مسأله ۴۲۱

مسأله ۴۲۱- اگر خون استحاضه زن جریان داشته باشد و قطع نشود، چنانچه برای او ضرر نداشته باشد، باید پیش از غسل و بعد از آن به وسیله پنبه از بیرون آمدن خون جلوگیری کند. ولی اگر همیشه جریان ندارد، فقط باید بعد از وضو و غسل از بیرون آمدن خون جلوگیری نماید. و چنانچه کوتاهی کند و خون بیرون آید، باید دوباره غسل کند (۱) و اگر نماز هم خوانده، باید دوباره بخواند.

۱- بنا بر احتیاط لازم

کد مسأله: ۱۷۸۰۵

مسأله ۴۲۲

مسأله ۴۲۲- اگر در موقع غسل خون قطع نشود، غسل صحیح است. ولی اگر در بین غسل، استحاضه متوسطه کثیره شود، احتیاط واجب آن است که غسل را از سر بگیرد. (۱)
۱- بلکه علی الاقوی واجب است استیناف نماید.
کد مسأله: ۱۷۸۰۶

مسئله ۴۲۳

مسئله ۴۲۳- احتیاط واجب آن است که زن مستحاضه در تمام روزی که روزه است، به مقداری که می‌تواند از بیرون آمدن خون جلوگیری کند.

کد مسئله: ۱۷۸۰۷

مسئله ۴۲۴

مسئله ۴۲۴- روزه زن مستحاضه‌ای که غسل بر او واجب می‌باشد، در صورتی صحیح است که غسل نماز مغرب و عشاء شبی که می‌خواهد فردای آن را روزه بگیرد بجا آورد. و نیز در روز غسل‌هایی را که برای نمازهای روزش واجب است، (۱) انجام دهد. ولی اگر برای نماز مغرب و عشاء غسل نکند و برای خواندن نماز شب پیش از اذان صبح غسل نماید و در روز هم غسل‌هایی را که برای نمازهای روزش واجب است بجا آورد، روزه او صحیح است.

۱- و همچنین غسل‌هایی را که در شب بعد لازم است انجام دهد.

کد مسئله: ۱۷۸۰۸

مسئله ۴۲۵

مسئله ۴۲۵- اگر بعد از نماز عصر مستحاضه شود و تا غروب غسل نکند، روزه او صحیح است. (۱)

۱- به شرط غسل نماز مغرب و عشاء و الا خالی از اشکال نیست.

کد مسئله: ۱۷۸۰۹

مسئله ۴۲۶

مسئله ۴۲۶- اگر استحاضه قلیله زن پیش از نماز متوسطه یا کثیره شود، باید کارهای متوسطه یا کثیره را که گفته شد انجام دهد. و اگر استحاضه متوسطه، کثیره شود باید کارهای استحاضه کثیره را انجام دهد. و چنانچه برای استحاضه متوسطه غسل کرده باشد، فایده ندارد و باید دوباره برای کثیره غسل کند.

کد مسئله: ۱۷۸۱۰

مسئله ۴۲۷

مسئله ۴۲۷- اگر در بین نماز، استحاضه متوسطه زن کثیره شود، باید نماز را بشکند و برای استحاضه کثیره غسل کند و وضو بگیرد و کارهای دیگر آن را انجام دهد و همان نماز را بخواند. و اگر برای هیچ کدام از غسل و وضو وقت ندارد، باید دو تیمم کند، یکی بدل از غسل و دیگری بدل از وضو. و اگر برای یکی از آنها وقت ندارد، باید عوض آن تیمم کند و دیگری را بجا آورد. ولی اگر برای تیمم هم وقت ندارد، نمی‌تواند نماز را بشکند، و باید نماز را تمام کند، و بنا بر احتیاط واجب (۱) قضا نماید. و همچنین است اگر در بین نماز استحاضه قلیله او متوسطه یا کثیره شود.

۱- بلکه واجب است زیرا صدق فوت حتمی است.

کد مسئله: ۱۷۸۱۱

مسئله ۴۲۸

مسئله ۴۲۸- اگر در بین نماز، خون بند بیاید و مستحاضه نداند که در باطن هم قطع شده یا نه، چنانچه بعد از نماز بفهمد قطع شده بوده، باید وضو و غسل و نماز را دوباره بجا آورد.

کد مسئله: ۱۷۸۱۲

مسئله ۴۲۹

مسئله ۴۲۹- اگر استحاضه کثیره زن متوسطه شود، باید برای نماز اول، عمل کثیره و برای نمازهای بعد، عمل متوسطه را بجا آورد. مثلاً اگر پیش از نماز ظهر استحاضه کثیره متوسطه شود، باید برای نماز ظهر غسل کند و برای نماز عصر و مغرب و عشا فقط وضو بگیرد. ولی اگر برای نماز ظهر غسل نکند و فقط به مقدار نماز عصر وقت داشته باشد، باید برای نماز عصر غسل نماید. و اگر برای نماز عصر هم غسل نکند، باید برای نماز مغرب غسل کند. و اگر برای آن هم غسل نکند و فقط به مقدار نماز عشا وقت داشته باشد، باید برای عشا غسل نماید.

کد مسئله: ۱۷۸۱۳

مسئله ۴۳۰

مسئله ۴۳۰- اگر پیش از هر نماز خون مستحاضه کثیره قطع شود و دوباره بیاید، برای هر نماز باید یک غسل بجا آورد.

کد مسئله: ۱۷۸۱۴

مسئله ۴۳۱

مسئله ۴۳۱- اگر استحاضه کثیره قلیله شود، باید برای نماز اول عمل کثیره و برای نمازهای بعد عمل قلیله را انجام دهد. و نیز اگر استحاضه متوسطه قلیله شود، باید برای نماز اول، عمل متوسطه و برای نمازهای بعد عمل قلیله را بجا آورد.

کد مسئله: ۱۷۸۱۵

مسئله ۴۳۲

مسئله ۴۳۲- اگر مستحاضه یکی از کارهایی را که بر او واجب می‌باشد حتی عوض کردن پنبه را ترک کند، نمازش باطل است.

کد مسئله: ۱۷۸۱۶

مسئله ۴۳۳

مسئله ۴۳۳- مستحاضه قلیله اگر بخواهد غیر از نماز کاری انجام دهد، که شرط آن وضو داشتن است، مثلاً بخواهد جایی از بدن خود را به خط قرآن برساند، باید وضو بگیرد، و وضویی که برای نماز گرفته کافی نیست.

کد مسئله: ۱۷۸۱۷

مسئله ۴۳۴

مسئله ۴۳۴- اگر مستحاضه غسل های واجب خود را به جا آورد، رفتن در مسجد و توقف در آن و خواندن سوره‌ای که سجده واجب دارد و نزدیکی شوهر با او حلال می‌شود، اگر چه کارهای دیگری را که برای نماز واجب است، مثل وضو و عوض کردن پنبه و دستمال انجام نداده باشد.

کد مسئله: ۱۷۸۱۸

مسئله ۴۳۵

مسئله ۴۳۵- اگر زن در استحاضه کثیره یا متوسطه بخواند پیش از وقت نماز سوره ای را که سجده واجب دارد بخواند، یا مسجد برود، بنابر احتیاط واجب باید غسل نماید، و همچنین است اگر شوهرش بخواند با او نزدیکی کند (۱) ولی اگر بخواند جایی از بدن خود را به خط قرآن برساند، باید وضو هم بگیرد.

۱- علی الاقوی باید غسل نماید.

کد مسئله: ۱۷۸۱۹

مسئله ۴۳۶

مسئله ۴۳۶- نماز آیات بر مستحاضه واجب است. و باید برای نماز آیات هم کارهایی را که برای نماز یومیه گفته شد، انجام دهد.

کد مسئله: ۱۷۸۲۰

مسئله ۴۳۷

مسئله ۴۳۷- هرگاه در وقت نماز یومیه نماز آیات بر مستحاضه واجب شود، اگر چه بخواند هر دو را پشت سر هم به جا آورد، باید برای نماز آیات هم تمام کارهایی را که برای نماز یومیه او واجب است، انجام دهد. و نمیتواند هر دو را با یک غسل و وضو بخواند. (۱)

۱- علی الاحوط اگر چه اقوی کفایت است.

کد مسئله: ۱۷۸۲۱

مسئله ۴۳۸

مسئله ۴۳۸- اگر زن مستحاضه بخواند نماز قضا بخواند، باید برای هر نماز کارهایی را که برای نماز ادا بر او واجب است بجا آورد. (۱)

۱- ولی احوط استجابی آن است که صبر نماید تا نقاء حاصل شود مگر در صورت ضیق وقت قضاء

کد مسئله: ۱۷۸۲۲

مسئله ۴۳۹

مسئله ۴۳۹- اگر زن بداند خونی که از او خارج می‌شود خون زخم نیست و شرعاً حکم حیض و نفاس را ندارد، بنابر احتیاط واجب باید به دستور استحاضه عمل کند. بلکه اگر شک داشته باشد که خون استحاضه است یا خونهای دیگر، چنانچه نشان @ آنها را

نداشته باشد، بنابر احتیاط واجب باید کارهای استحاضه را انجام دهد.

کد مسأله: ۱۷۸۲۳

حیض

مسأله ۴۴۰

حیض خونی است که غالباً در هر ماه چند روزی از رحم زنها خارج می‌شود، و زن را در موقع دیدن خون حیض، حائض می‌گویند.

مسأله ۴۴۰- خون حیض در بیشتر اوقات، غلیظ و گرم و رنگ آن سیاه یا سرخ است و با فشار و کمی سوزش بیرون می‌آید.

کد مسأله: ۱۷۸۲۴

مسأله ۴۴۱

مسأله ۴۴۱- زندهای سیده بعد از تمام شدن شصت سال یائسه می‌شوند، یعنی خون حیض نمی‌بینند و زندهایی که سیده نیستند، بعد از تمام شدن پنجاه سال یائسه می‌شوند.

کد مسأله: ۱۷۸۲۵

مسأله ۴۴۲

مسأله ۴۴۲- خونی که دختر پیش از تمام شدن نه سال و زن بعد از یائسه شدن می‌بیند، حیض نیست.

کد مسأله: ۱۷۸۲۶

مسأله ۴۴۳

مسأله ۴۴۳- زن حامله و زنی که بچه شیر می‌دهد، ممکن است حیض ببیند.

کد مسأله: ۱۷۸۲۷

مسأله ۴۴۴

مسأله ۴۴۴- دختری که نمی‌داند نه سالش تمام شده یا نه، اگر خونی ببیند که نشانه‌های حیض را نداشته باشد، حیض نیست. و اگر نشانه‌های حیض را داشته باشد، حیض است و معلوم می‌شود نه سال او تمام شده است.

کد مسأله: ۱۷۸۲۸

مسأله ۴۴۵

مسأله ۴۴۵- زنی که شک دارد یائسه شده یا نه، اگر خونی ببیند و نداند حیض است یا نه، باید بنا بگذارد که یائسه نشده است.

کد مسأله: ۱۷۸۲۹

مسئله ۴۴۶

مسئله ۴۴۶- مدت حیض کمتر از سه روز و بیشتر از ده روز نمی‌شود. و اگر مختصری هم از سه روز کمتر باشد، حیض نیست.

کد مسئله: ۱۷۸۳۱

مسئله ۴۴۷

مسئله ۴۴۷- باید سه روز اول حیض، پشت سر هم باشد. پس اگر مثلاً دو روز خون ببیند و یک روز پاک شود و دوباره یک روز خون ببیند حیض نیست.

کد مسئله: ۱۷۸۳۲

مسئله ۴۴۸

مسئله ۴۴۸- لازم نیست در تمام سه روز خون بیرون بیاید، بلکه اگر در فرج یا رحم، خون باشد، کافی است. و چنانچه در بین سه روز مختصری پاک شود و مدت پاک شدن به قدری کم باشد که بگویند (۱) در تمام سه روز در فرج یا رحم خون بوده، باز هم حیض است. (۲)

۱- بلکه کافی نیست علی الاقوی و باید در فضای فرج و در خارج از آن باشد.

۲- علی الاقوی حیض نیست ولی علی الاحوط بین تروک حائض و عمل مستحاضه جمع نماید.

کد مسئله: ۱۷۸۳۳

مسئله ۴۴۹

مسئله ۴۴۹- لازم نیست شب اول و شب چهارم را خون ببیند، ولی باید در شب دوم و سوم خون قطع نشود. پس اگر از اذان صبح روز اول تا غروب روز سوم پشت سر هم خون بیاید، یا در وسطهای روز اول شروع شود و در همان موقع از روز چهارم قطع شود و در شب دوم و سوم (۱) هم هیچ خون قطع نشود، حیض است.

۱- و چهارم قطع نشود حیض است

کد مسئله: ۱۷۸۳۴

مسئله ۴۵۰

مسئله ۴۵۰- اگر سه روز پشت سر هم خون ببیند و پاک شود، چنانچه دوباره خون ببیند و روزهایی که خون دیده و در وسط پاک بوده، روی هم از ده روز بیشتر نشود، روزهایی هم که در وسط پاک بوده حیض است.

کد مسئله: ۱۷۸۳۵

مسئله ۴۵۱

مسئله ۴۵۱- اگر خونی ببیند که از سه روز بیشتر و از ده روز کمتر باشد، و نداند خون دمل و زخم است یا خون حیض باید آن را حیض قرار دهد. (۱)

۱- اگر از طرف ایسر خارج می شود حیض است والا- حیض نیست مگر آنکه بدانند زخم یا دمل طرف ایسر است در این صورت باید جمع بین تروک حائض و عمل طاهر نماید مگر آنکه حالت سابقه حیض باشد که باید حیض قرار دهد و یا طهر باشد که باید طهر قرار دهد.

کد مسأله: ۱۹۲۰۰

مسأله ۴۵۲

مسأله ۴۵۲- اگر خونی ببیند که نداند خون زخم است یا حیض بنا بر احتیاط واجب (۱) باید عبادت‌های خود را به جا آورد و کارهایی را که بر حائض حرام است ترک کند.

۱- حکم آن در مسأله سابق ذکر شد.

کد مسأله: ۱۹۲۰۴

مسأله ۴۵۳

مسأله ۴۵۳- اگر خونی ببیند و شک کند که خون حیض است یا نفاس، (۱) چنانچه شرایط حیض را داشته باشد، باید حیض قرار دهد.

۱- ظاهراً طرف شك استحاضه است نه حیض و کلمه نفاس سهو قلم است.

کد مسأله: ۱۹۲۰۷

مسأله ۴۵۴

مسأله ۴۵۴- اگر خونی ببیند که نداند خون حیض است یا بکارت، باید خود را واریسی کند، یعنی مقداری پنبه داخل فرج نماید و کمی صبر کند بعد بیرون آورد، پس اگر اطراف آن آلوده باشد، خون بکارت است. و اگر به همه آن رسیده، حیض می‌باشد.

کد مسأله: ۱۹۲۰۹

مسأله ۴۵۵

مسأله ۴۵۵- اگر کمتر از سه روز خون ببیند و پاک شود و بعد از سه روز خون ببیند خون دوم حیض است و خون اول اگر چه در روزهای عادتش باشد حیض نیست.

کد مسأله: ۱۹۲۱۱

احکام حائض

مسأله ۴۵۶

مسأله ۴۵۶- چند چیز بر حائض حرام است:

اول: عبادت‌هایی که مانند نماز باید با وضو یا غسل یا تیمم بجا آورده شود، ولی بجا آوردن عبادت‌هایی که وضو و غسل و تیمم برای آنها لازم نیست، مانند نماز میت، مانعی ندارد.

دوم: تمام چیزهایی که بر جنب حرام است و در احکام جنابت گفته شد.

سوم: جماع کردن در فرج، که هم برای مرد حرام است و هم برای زن، اگر چه به مقدار ختنه گاه داخل شود و منی هم بیرون نیاید، بلکه احتیاط واجب آن است که مقدار کمتر از ختنه گاه را هم داخل نکند. و در دبر زن حائض وطی ننماید. (۱)

۱- حرام نیست ولی مکروه است و احتیاط حسن است.

کد مسأله: ۱۹۲۱۶

مسأله ۴۵۷

مسأله ۴۵۷- جماع کردن در روزهایی هم که حیض زن قطعی نیست ولی شرعاً باید برای خود حیض قرار دهد، حرام است. پس زنی که بیشتر از ده روز خون می‌بیند و باید به دستوری که بعداً گفته می‌شود روزهای عادت خویشان خود را حیض قرار دهد، شوهرش نمی‌تواند در آن روزها با او نزدیکی کند.

کد مسأله: ۱۹۲۱۷

مسأله ۴۵۸

مسأله ۴۵۸- اگر شماره روزهای حیض زن به سه قسمت تقسیم شود و مرد در قسمت اول آن، با زن خود در قبل جماع کند، هیچ‌ده نخود طلا کفاره (۱) به فقیر بدهد و اگر در قسمت دوم جماع کند، نه نخود و اگر در قسمت سوم جماع کند باید چهار نخود و نیم بدهد. مثلاً- زنی که شش روز خون حیض می‌بیند اگر شوهرش در شب یا روز اول و دوم با او جماع کند باید هیچ‌ده نخود طلا بدهد و در شب یا روز سوم و چهارم نه نخود و در شب یا روز پنجم و ششم باید چهار نخود و نیم بدهد.

۱- این احتیاط مستحب است نه واجب ولی احتیاط حسن است.

کد مسأله: ۱۹۲۱۹

مسأله ۴۵۹

مسأله ۴۵۹- بنا بر احتیاط واجب (۱) برای وطی در دبر زن حائض، کفاره بدهد.

۱- این احتیاط واجب نیست ولیکن مستحب است.

کد مسأله: ۱۹۲۲۲

مسأله ۴۶۰

مسأله ۴۶۰- احتیاط واجب آن است (۱) که هیچ‌ده نخود طلای کفاره را سکه دار بدهد و اگر ممکن نباشد، قیمت آن را هم میتوان داد.

۱- این احتیاط واجب نیست اگرچه مستحب است.

کد مسأله: ۱۹۲۲۵

مسأله ۴۶۱

مسأله ۴۶۱- اگر قیمت طلا- در وقتی که جماع کرده با وقتی که می‌خواهد به فقیر بدهد فرق کرده باشد، باید قیمت وقتی را که

می‌خواهد به فقیر بدهد حساب کند.

کد مسأله: ۱۹۲۲۶

مسأله ۴۶۲

مسأله ۴۶۲- اگر کسی هم در قسمت اول و هم در قسمت دوم و هم در قسمت سوم حیض بازن خود جماع کند، باید هر سه کفاره را که روی هم سی و یک نخود و نیم می‌شود بدهد. (۱)

۱- واجب نیست ولی مستحسن است.

کد مسأله: ۱۹۲۲۷

مسأله ۴۶۳

مسأله ۴۶۳- اگر انسان بعد از آنکه در حال حیض جماع کرده و کفاره آن را داده دوباره جماع کند واجب است باز هم کفاره بدهد. (۱)

۱- واجب نیست ولی مستحسن است.

کد مسأله: ۱۹۲۲۸

مسأله ۴۶۴

مسأله ۴۶۴- اگر با زن حائض چند مرتبه جماع کند و در بین آن کفاره ندهد، احتیاط واجب (۱) آن است که برای هر جماع یک کفاره بدهد.

۱- واجب نیست ولیکن مستحسن است.

کد مسأله: ۱۹۲۲۹

مسأله ۴۶۵

مسأله ۴۶۵- اگر مرد در حال جماع بفهمد زن حائض شده، باید فوراً از او جدا شود. و اگر جدا نشود، باید کفاره بدهد. (۱)

۱- عزل واجب است ولی کفاره لازم نیست بلکه مستحسن است.

کد مسأله: ۱۹۲۳۰

مسأله ۴۶۶

مسأله ۴۶۶- اگر مرد با زن حائض زنا کند یا با زن حائض نامحرمی به گمان اینکه عیال خود او است جماع نماید، احتیاط واجب (۱) آن است که کفاره بدهد.

۱- این احتیاط واجب نیست ولی مستحب است.

کد مسأله: ۱۹۲۳۱

مسأله ۴۶۷

مسئله ۴۶۷- کسی که نمی‌تواند کفاره بدهد، بنا بر احتیاط واجب باید استغفار کند، و هر وقت توانست باید کفاره بدهد. (۱)
۱- کفاره دادن واجب نیست ولی مستحب است.

کد مسئله: ۱۹۲۳۲

مسئله ۴۶۸

مسئله ۴۶۸- طلاق دادن زن در حال حیض، به طوری که در کتاب طلاق گفته می‌شود، باطل است.

کد مسئله: ۱۹۲۳۴

مسئله ۴۶۹

مسئله ۴۶۹- اگر زن بگوید حائضم یا از حیض پاک شده‌ام، باید حرف او را قبول کرد.

کد مسئله: ۱۹۲۳۷

مسئله ۴۷۰

مسئله ۴۷۰- اگر زن در بین نماز حائض شود، نماز او باطل است.

کد مسئله: ۱۹۲۳۹

مسئله ۴۷۱

مسئله ۴۷۱- اگر زن در بین نماز شك کند که حائض شده یا نه، نماز او صحیح است. ولی اگر بعد از نماز بفهمد که در بین نماز حائض شده، نمازی که خوانده باطل است.

کد مسئله: ۱۹۲۴۱

مسئله ۴۷۲

مسئله ۴۷۲- بعد از آنکه زن از خون حیض پاک شد، واجب است برای نماز و عبادت‌های دیگری که باید با وضو یا غسل یا تیمم بجا آورده شود، غسل کند. و دستور آن مثل غسل جنابت است. ولی برای نماز باید پیش از غسل یا بعد از آن وضو هم بگیرد، و اگر پیش از غسل وضو بگیرد بهتر است.

کد مسئله: ۱۹۲۴۴

مسئله ۴۷۳

مسئله ۴۷۳- بعد از آن که زن از خون حیض، پاک شد، اگر چه غسل نکرده باشد، طلاق او صحیح است، و شوهرش هم می‌تواند با او جماع کند. ولی احتیاط مستحب آن است که پیش از غسل از جماع با او خودداری نماید. اما کارهای دیگری که در وقت حیض بر او حرام بوده مانند توقف در مسجد و مس خط قرآن، تا غسل نکند بر او حلال نمی‌شود.

کد مسئله: ۱۹۲۴۷

مسئله ۴۷۴

مسئله ۴۷۴- اگر آب برای وضو و غسل کافی نباشد و به اندازه‌ای باشد که بتواند یا غسل کند یا وضو بگیرد، بنا بر احتیاط واجب باید غسل کند و بدل از وضو تیمم نماید. و اگر فقط برای وضو کافی باشد و به اندازه غسل نباشد، باید وضو بگیرد و عوض غسل تیمم نماید. و اگر برای هیچ یک از آنها آب ندارد، باید دو تیمم کند، یکی بدل از غسل و دیگری بدل از وضو.
کد مسئله: ۱۹۲۵۰

مسئله ۴۷۵

مسئله ۴۷۵- نمازهای یومیه‌ای که زن در حال حیض نخوانده، قضا ندارد، ولی روزه‌های واجب را باید قضا نماید.
کد مسئله: ۱۹۲۵۲

مسئله ۴۷۶

مسئله ۴۷۶- هرگاه وقت نماز داخل شود و بداند که اگر نماز را تاخیر بیندازد حائض می‌شود، باید فوراً نماز بخواند.
کد مسئله: ۱۹۲۵۴

مسئله ۴۷۷

مسئله ۴۷۷- اگر زن نماز را تاخیر بیندازد و از اول وقت به اندازه انجام واجبات یک نماز بگذرد و حائض شود، قضای آن نماز بر او واجب است. (۱) ولی در تند خواندن و کند خواندن و چیزهای دیگر باید ملاحظه حال خود را بکند، مثلاً زنی که مسافر نیست اگر در اول ظهر نماز نخواند، قضای آن در صورتی واجب می‌شود که به مقدار خواندن چهار رکعت نماز به دستوری که گفته شد از اول ظهر بگذرد و حائض شود، و برای کسی که مسافر است گذشتن وقت به مقدار خواندن دو رکعت کافی است.
۱- اگر از اول وقت به اندازه خواندن نماز یا تحصیل طهارت از حدث وقت بگذرد و نماز را نخواند قضا بر او واجب است اگرچه متمکن از سایر شرایط نباشد.
کد مسئله: ۱۹۲۵۷

مسئله ۴۷۸

مسئله ۴۷۸- اگر زن در آخر وقت نماز از خون پاک شود و به اندازه غسل و وضو و مقدمات دیگر نماز مانند تهیه کردن لباس یا آب کشیدن آن و خواندن یک رکعت نماز یا بیشتر از یک رکعت وقت داشته باشد، باید نماز را بخواند و اگر نخواند باید قضای آن را بجا آورد.
۱- بلکه اگر وقت به اندازه یک رکعت با طهارت از حدث داشته باشد نماز بر او واجب و اگر ترک کند قضا بر او لازم است اگرچه وقت به مقدار سایر شرایط نداشته باشد.
کد مسئله: ۱۹۲۵۸

مسئله ۴۷۹

مسئله ۴۷۹- اگر زن حائض به اندازه غسل و وضو وقت ندارد، ولی می‌تواند با تیمم نماز را در وقت بخواند آن نماز بر او واجب نیست. اما اگر گذشته از تنگی وقت تکلیفش تیمم است، مثل آنکه آب برایش ضرر دارد، باید تیمم کند و آن نماز را بخواند.
کد مسئله: ۱۹۲۵۹

مسئله ۴۸۰

مسئله ۴۸۰- اگر زن حائض شك کند که برای نماز وقت دارد یا نه، باید نمازش را بخواند.
کد مسئله: ۱۹۲۶۰

مسئله ۴۸۱

مسئله ۴۸۱- اگر به خیال این که به اندازه تهیه مقدمات نماز و خواندن یک رکعت وقت ندارد نماز نخواند، و بعد بفهمد وقت داشته، باید قضای آن نماز را بجا آورد.
کد مسئله: ۱۹۲۶۲

مسئله ۴۸۲

مسئله ۴۸۲- مستحب است زن حائض در وقت نماز خود را از خون پاک نماید و پنبه و دستمال را عوض کند و وضو بگیرد، و اگر نمی‌تواند وضو بگیرد تیمم نماید و در جای نماز رو به قبله بنشیند و مشغول ذکر و دعا و صلوات شود.
کد مسئله: ۱۹۲۶۵

اقسام زنه‌ای حائض

مسئله ۴۸۳

مسئله ۴۸۳- خواندن و همراه داشتن قرآن و رساندن جایی از بدن به حاشیه و ما بین خطهای قرآن و نیز خضاب کردن به حنا و مانند آن برای حائض مکروه است.
کد مسئله: ۱۹۲۶۷

مسئله ۴۸۴

مسئله ۴۸۴- زنه‌ای حائض بر شش قسمند:
اول: صاحب عادت وقتی و عددیه، و آن زنی است که دو ماه پشت سر هم در وقت معین خون حیض ببیند و شماره روزهای حیض او هم در هر دو ماه یک اندازه باشد، مثل آنکه دو ماه پشت سر هم از اول ماه تا هفتم خون ببیند.
دوم: صاحب عادت وقتی، و آن زنی است که دو ماه پشت سر هم در وقت معین، خون حیض ببیند ولی شماره روزهای حیض او در هر دو ماه یک اندازه نباشد، مثلاً دو ماه پشت سر هم از روز اول ماه خون ببیند ولی ماه اول روز هفتم، و ماه دوم روز هشتم از خون پاک شود.
سوم: صاحب عادت عددیه، و آن زنی است که شماره روزهای حیض او در دو ماه پشت سر هم به یک اندازه باشد، ولی وقت

دیدن آن دو خون یکی نباشد، مثل آنکه ماه اول از پنجم تا دهم و ماه دوم از دوازدهم تا هفدهم خون ببیند.

چهارم: مضطربه، و آن زنی است که چند ماه خون دیده، ولی عادت معینی پیدا نکرده یا عادتش به هم خورده و عادت تازه‌ای پیدا نکرده است.

پنجم: مبتدئه، و آن زنی است که دفعه اول خون دیدن او است.

ششم: ناسیه، و آن زنی است که عادت خود را فراموش کرده است.

و هر کدام اینها احکامی دارند که در مسایل آینده گفته می‌شود.

کد مسأله: ۱۹۲۷۲

۱- صاحب عادت وقتی و عددیه

مسأله ۴۸۵

مسأله ۴۸۵- زنهایی که عادت وقتی و عددیه دارند سه دسته‌اند:

اول: زنی که دو ماه پشت سر هم در وقت معین، خون حیض ببیند و در وقت معین هم پاک شود، مثلاً دو ماه پشت سر هم از روز اول ماه، خون ببیند و روز هفتم پاک شود، که عادت حیض این زن از اول ماه تا هفتم است.

دوم: زنی که از خون پاک نمی‌شود ولی دو ماه پشت سر هم چند روز معین مثلاً از اول ماه تا هشتم خونی که می‌بیند نشانه‌های حیض را دارد، یعنی غلیظ و سیاه و گرم است و با فشار و سوزش بیرون می‌آید. و بقیه خونهای او نشانه‌های استحاضه را دارد، که عادت او از اول ماه تا هشتم می‌شود.

سوم: زنی که دو ماه پشت سر هم در وقت معین، خون حیض ببیند و بعد از آنکه سه روز یا بیشتر خون دید یک روز یا بیشتر پاک شود و دوباره خون ببیند و تمام روزهایی که خون دیده با روزهایی که در وسط پاک بوده از ده روز بیشتر نشود و در هر دو ماه همه روزهایی که خون دیده و در وسط پاک بوده روی هم یک اندازه باشد که عادت او به اندازه تمام روزهایی است که خون دیده و در وسط پاک بوده است، و لازم نیست روزهایی که در وسط پاک بوده در هر دو ماه به یک اندازه باشد، مثلاً اگر در ماه اول از روز اول ماه تا سوم خون ببیند و سه روز پاک شود و دوباره سه روز خون ببیند و در ماه دوم بعد از آن که سه روز خون دید، سه روز یا کمتر یا بیشتر پاک شود و دوباره خون ببیند و روی هم از نه روز بیشتر نشود، همه حیض است، و عادت این زن نه روز می‌شود.

کد مسأله: ۱۹۲۷۳

مسأله ۴۸۶

مسأله ۴۸۶- زنی که عادت وقتی و عددیه دارد اگر در وقت عادت یا دو سه روز جلوتر یا دو سه روز عقب‌تر خون ببیند، به طوری که بگویند حیض را جلو یا عقب انداخته اگر چه آن خون، نشانه‌های حیض را نداشته باشد، باید به احکامی که برای زن حائض گفته شد عمل کند. و چنانچه بعد بفهمد حیض نبوده مثل اینکه پیش از سه روز پاک شود، باید عبادتهایی را که بجا نیاورده قضا نماید.

کد مسأله: ۱۹۲۷۷

مسأله ۴۸۷

مسأله ۴۸۷- زنی که عادت وقتی و عددیه دارد اگر چند روز پیش از عادت و همه روزهای عادت و چند روز بعد از عادت خون ببیند و روی هم رفته از ده روز بیشتر نشود، همه حیض است. و اگر از ده روز بیشتر شود، فقط خونی را که در روزهای عادت خود دیده، حیض است و خونی که پیش از آن و بعد از آن دیده استحاضه می باشد. و باید عبادت هایی را که در روزهای پیش از عادت و بعد از عادت به جای نیاورده قضا نماید. و اگر همه روزهای عادت را با چند روز پیش از عادت خون ببیند و روی هم رفته از ده روز بیشتر نشود، همه حیض است. و اگر از ده روز بیشتر شود، فقط روزهای عادت او حیض است و خونی که جلوتر از آن دیده استحاضه می باشد و چنانچه در آن روزها عبادت نکرده باید قضا نماید. و اگر همه روزهای عادت را با چند روز بعد از عادت خون ببیند و روی هم از ده روز بیشتر نشود، همه حیض است. و اگر بیشتر شود فقط روزهای عادت حیض و باقی استحاضه است.

کد مسأله: ۱۹۲۷۹

مسأله ۴۸۸

مسأله ۴۸۸- زنی که عادت وقتی و عددیه دارد، اگر مقداری از روزهای عادت را با چند روز پیش از عادت خون ببیند و روی هم از ده روز بیشتر نشود، همه حیض است. و اگر از ده روز بیشتر شود، روزهایی که در عادت خون دیده با چند روز پیش از آن که روی هم به مقدار عادت او شود حیض، و روزهای اول را استحاضه قرار می دهد. و اگر مقداری از روزهای عادت را با چند روز بعد از عادت خون ببیند و روی هم از ده روز بیشتر نشود، همه حیض است. و اگر بیشتر شود، باید روزهایی که در عادت خون دیده با چند روز بعد از آن که روی هم به مقدار عادت او شود حیض، و بقیه را استحاضه قرار دهد.

کد مسأله: ۱۹۲۸۱

مسأله ۴۸۹

مسأله ۴۸۹- زنی که عادت دارد، اگر بعد از آنکه سه روز یا بیشتر خون دید، پاک شود و دوباره خون ببیند و فاصله بین دو خون کمتر از ده روز باشد و همه روزهایی که خون دیده با روزهایی که در وسط پاک بوده از ده روز بیشتر باشد، مثل آنکه پنج روز خون ببیند و پنج روز پاک شود و دوباره پنج روز خون ببیند، چند صورت دارد:

۱- آنکه تمام خونی که دفعه اول دیده، یا مقداری از آن، در روزهای عادت باشد و خون دوم که بعد از پاک شدن می بیند در روزهای عادت نباشد، که باید همه خون اول را حیض و خون دوم را استحاضه قرار دهد.

۲- آنکه خون اول در روزهای عادت نباشد، و تمام خون دوم یا مقداری از آن در روزهای عادت باشد که باید همه خون دوم را حیض و خون اول را استحاضه قرار دهد.

۳- آنکه مقداری از خون اول و دوم در روزهای عادت باشد، و خون اولی که در روزهای عادت بوده از سه روز کمتر نباشد و با پاکی وسط و مقداری از خون دوم که آن هم در روزهای عادت بوده از ده روز بیشتر نباشد، که در این صورت همه آنها حیض است. و مقداری از خون اول که پیش از روزهای عادت بوده و مقداری از خون دوم که بعد از روزهای عادت بوده استحاضه است، مثلاً- اگر عادتش از سوم ماه تا دهم بوده، در صورتی که یک ماه از اول تا ششم خون ببیند و دو روز پاک شود و بعد تا پانزدهم خون ببیند، از سوم تا دهم حیض است و از اول تا سوم و همچنین از دهم تا پانزدهم استحاضه می باشد.

۴- آنکه مقداری از خون اول و دوم در روزهای عادت باشد. ولی خون اولی که در روزهای عادت بوده، از سه روز کمتر باشد،

که باید در تمام دو خون و پاکی وسط، کارهایی را که بر حائض حرام است و سابقاً گفته شد ترک کند و کارهای استحاضه را بجا آورد، یعنی به دستوری که برای زن مستحاضه گفته شد عبادت‌های خود را انجام دهد.

کد مسأله: ۱۹۲۸۴

مسأله ۴۹۰

مسأله ۴۹۰- زنی که عادت وقتی و عددیه دارد، اگر در وقت عادت خون نبیند و در غیر آن وقت به شماره روزهای حیضش خون ببیند، باید همان را حیض قرار دهد، چه پیش از وقت عادت دیده باشد چه بعد از آن.

کد مسأله: ۱۹۲۸۶

مسأله ۴۹۱

مسأله ۴۹۱- زنی که عادت وقتی و عددیه دارد، اگر در وقت عادت خود خون ببیند، ولی شماره روزهای آن کمتر یا بیشتر از روزهای عادت او باشد و بعد از پاک شدن، دوباره به شماره روزهای عادت که داشته خون ببیند، باید در هر دو خون کارهایی را که بر حائض حرام است ترک کند (۱) و کارهای استحاضه را بجا آورد.

۱- باید خون در ایام عادت را حیض قرار دهد و در غیر ایام عادت را استحاضه مگر آنکه مجموع دو خون و نقاء متخلخل متجاوز از ده روز نباشد که در این صورت مجموع محکوم به حیض است.

کد مسأله: ۱۹۲۸۷

مسأله ۴۹۲

مسأله ۴۹۲- زنی که عادت وقتی و عددیه دارد، اگر بیشتر از ده روز خون ببیند، خونی که در روزهای عادت دیده اگر چه نشانه‌های حیض را نداشته باشد، حیض است. و خونی که بعد از روزهای عادت دیده، اگر چه نشانه‌های حیض را داشته باشد، استحاضه است. مثلاً زنی که عادت حیض او از اول ماه تا هفتم است، اگر از اول تا دوازدهم خون ببیند، هفت روز اول آن حیض، و پنج روز بعد استحاضه می‌باشد.

کد مسأله: ۱۹۲۸۸

۲- صاحب عادت وقتی

مسأله ۴۹۳

مسأله ۴۹۳- زنهایی که عادت وقتی دارند سه دسته‌اند:

اول: زنی که دو ماه پشت سر هم در وقت معین، خون حیض ببیند و بعد از چند روز پاک شود، ولی شماره روزهای آن در هر دو ماه یک اندازه نباشد. مثلاً دو ماه پشت سر هم روز اول ماه خون ببیند ولی ماه اول روز هفتم، و ماه دوم روز هشتم از خون پاک شود، که این زن باید روز اول ماه را عادت حیض خود قرار دهد.

دوم: زنی که از خون پاک نمی‌شود ولی دو ماه پشت سر هم در وقت معین خون او نشانه‌های حیض را دارد، یعنی غلیظ و سیاه و گرم است و با فشار و سوزش بیرون می‌آید، و بقیه خونهای او نشانه استحاضه را دارد، و شماره روزهایی که خون او نشانه حیض

دارد، در هر دو ماه یک اندازه نیست. مثلاً در ماه اول، از اول ماه تا هفتم، و در ماه دوم از اول ماه تا هشتم، خون او نشانه‌های حیض و بقیه نشانه استحاضه را داشته باشد، که این زن هم باید روز اول ماه را روز اول عادت حیض خود قرار دهد.

سوم: زنی که دو ماه پشت سر هم در وقت معین، سه روز یا بیشتر خون حیض ببیند و بعد پاک شود و دو مرتبه خون ببیند و تمام روزهایی که خون دیده با روزهایی که در وسط پاک بوده از ده روز بیشتر نشود ولی ماه دوم کمتر یا بیشتر از ماه اول باشد. مثلاً در ماه اول (از اول ماه) هشت روز و در ماه دوم (از اول ماه) نه روز باشد، که این زن هم باید روز اول ماه را روز اول عادت حیض خود قرار دهد.

کد مسأله: ۱۹۲۸۹

مسأله ۴۹۴

مسأله ۴۹۴- زنی که عادت وقتی دارد، اگر در وقت عادت خود یا دو سه روز پیش از عادت یا دو سه روز بعد از عادت، خون ببیند به طوری که بگویند حیض راجلو یا عقب انداخته، اگر چه آن خون نشانه‌های حیض را نداشته باشد، باید به احکامی که برای زنهاي حائض گفته شد، رفتار نماید. و اگر بعد بفهمد حیض نبوده، مثل آنکه پیش از سه روز پاک شود، باید عبادتهایی را که بجا نیاورده قضا نماید.

کد مسأله: ۱۹۲۹۰

مسأله ۴۹۵

مسأله ۴۹۵- زنی که عادت وقتی دارد، اگر بیشتر از ده روز خون ببیند و نتواند حیض را به واسطه نشانه‌های آن تشخیص دهد، باید شماره عادت خویشان خود را حیض قرار دهد، چه پدری باشند چه مادری، زنده باشند یا مرده. ولی در صورتی می‌تواند عادت آنان را حیض خود قرار دهد که شماره روزهای حیض همه آنان یک اندازه باشد و اگر شماره روزهای حیض آنان یک اندازه نباشد، مثلاً عادت بعضی پنج روز و عادت بعضی دیگر هفت روز باشد، نمی‌تواند عادت آنان را حیض خود قرار دهد. مگر کسانی که عادتشان با دیگران فرق دارد، به قدری کم باشند که در مقابل آنان هیچ حساب شوند، که در این صورت باید عادت بیشتر آنان را حیض خود قرار دهد.

کد مسأله: ۱۹۲۹۱

مسأله ۴۹۶

مسأله ۴۹۶- زنی که عادت وقتی دارد و شماره عادت خویشان خود را حیض قرار می‌دهد، باید روزی را که در هر ماه اول عادت او بوده، اول حیض خود قرار دهد. مثلاً زنی که هر ماه، روز اول ماه خون می‌دیده و گاهی روز هفتم و گاهی روز هشتم پاک می‌شده، چنانچه یک ماه، دوازده روز خون ببیند و عادت خویشانش هفت روز باشد، باید هفت روز اول ماه را حیض و باقی را استحاضه قرار دهد.

کد مسأله: ۱۹۲۹۲

مسأله ۴۹۷

مسأله ۴۹۷- زنی که باید شماره عادت خویشان خود را حیض قرار دهد، چنانچه خویش نداشته باشد، یا شماره عادت آنان مثل هم

نباشد، باید در هر ماه از روزی که خون می‌بیند تا هفت روز را حیض، (۱) و بقیه را استحاضه قرار دهد. ولی اگر در روزهای وسط یا آخر نشانه‌های حیض بیشتر باشد باید هفت روز وسط یا آخر را حیض قرار دهد.

۱- یا تا شش روز را حیض قرار دهد یا تا سه روز را حیض قرار دهد و هفت روز تعیین ندارد بلکه یکی از اطراف تخییر است.
کد مسأله: ۱۹۲۹۳

۳- صاحب عادت عددیه

مسأله ۴۹۸

مسأله ۴۹۸- زنهایی که عادت عددیه دارند سه دسته‌اند:

اول: زنی که شماره روزهای حیض او در دو ماه پشت سر هم یک اندازه باشد، ولی وقت خون دیدن او یکی نباشد که در این صورت هر چند روزی که خون دیده عادت او می‌شود. مثلاً اگر ماه اول از روز اول تا پنجم و ماه دوم از یازدهم تا پانزدهم خون ببیند، عادت او پنج روز می‌شود.

دوم: زنی که از خون پاک نمی‌شود ولی دو ماه پشت سر هم چند روز از خونی که می‌بیند نشانه حیض و بقیه نشانه استحاضه را دارد و شماره روزهایی که خون نشانه حیض دارد در هر دو ماه یک اندازه است، اما وقت آن یکی نیست، که در این صورت هر چند روزی که خون او نشانه حیض را دارد، عادت او می‌شود. مثلاً اگر یک ماه از اول ماه تا پنجم و ماه بعد از یازدهم تا پانزدهم، خون او نشانه حیض و بقیه نشانه استحاضه را داشته باشد، شماره روزهای عادت او پنج روز می‌شود.

سوم: زنی که دو ماه پشت سر هم سه روز یا بیشتر خون ببیند و یک روز یا بیشتر پاک شود و دو مرتبه خون ببیند و وقت دیدن خون در ماه اول با ماه دوم فرق داشته باشد، که اگر تمام روزهایی که خون دیده و روزهایی که در وسط پاک بوده از ده روز بیشتر نشود و شماره روزهای آن هم به یک اندازه باشد، تمام روزهایی که خون دیده با روزهای وسط که پاک بوده عادت حیض او می‌شود، و لازم نیست روزهایی که در وسط پاک بوده در هر دو ماه به یک اندازه باشد. مثلاً اگر ماه اول از روز اول ماه تا سوم خون ببیند و دو روز پاک شود، و دوباره سه روز خون ببیند و ماه دوم از یازدهم تا سیزدهم خون ببیند و دو روز یا بیشتر یا کمتر پاک شود و دوباره خون ببیند و روی هم از هشت روز بیشتر نشود، عادت او هشت روز می‌شود.

کد مسأله: ۱۹۲۹۵

۴- مضطربه

مسأله ۴۹۹

مسأله ۴۹۹- زنی که عادت عددیه دارد، اگر بیشتر از شماره عادت خود خون ببیند و از ده روز بیشتر شود، چنانچه همه خونهایی که دیده یک جور باشد، باید از موقع دیدن خون به شماره روزهای عادتش حیض، و بقیه را استحاضه قرار دهد. و اگر همه خونهایی که دیده یک جور نباشد، بلکه چند روز از آن نشانه حیض و چند روز دیگر نشانه استحاضه را داشته باشد، اگر روزهایی که خون نشانه حیض را دارد با شماره روزهای عادت او یک اندازه است، باید همان روزها را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد. و اگر روزهایی که خون نشانه حیض دارد، از روزهای عادت او بیشتر است، فقط به اندازه روزهای عادت او حیض، و بقیه استحاضه است. و اگر روزهایی که خون نشانه حیض دارد از روزهای عادت او کمتر است، باید آن روز را با چند روز دیگر که روی هم به اندازه روزهای عادتش شود، حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد.

کد مسأله: ۱۹۲۹۷

مسأله ۵۰۰

مسأله ۵۰۰- مضطربه یعنی زنی که چند ماه خون دیده ولی عادت معینی پیدا نکرده اگر بیشتر از ده روز خون ببیند و همه خونهایی که دیده یک جور باشد، چنانچه عادت خویشان او هفت روز است، باید هفت روز را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد، و اگر کمتر است مثلاً پنج روز است، باید همان را حیض قرار دهد. و بنابر احتیاط واجب (۱) در تفاوت بین شماره عادت آنان و هفت روز، که دو روز است، کارهایی را که بر حائض حرام است ترک نماید، و کارهای استحاضه را بجا آورد، یعنی به دستوری که برای زن مستحاضه گفته شد عبادتهای خود را انجام دهد. و اگر عادت خویشانش بیشتر از هفت روز مثلاً نه روز است، باید هفت روز را حیض قرار دهد و بنابر احتیاط واجب (۲) در تفاوت بین هفت روز و عادت آنان، که دو روز است، کارهای استحاضه را بجا آورد و کارهایی را که بر حائض حرام است ترک نماید.

۱ و ۲- بلکه بنابر احتیاط مستحب

کد مسأله: ۱۹۳۰۴

مسأله ۵۰۱

مسأله ۵۰۱- مضطربه اگر بیشتر از ده روز خونی ببیند که چند روز آن، نشانه حیض و چند روز دیگر نشانه استحاضه دارد، چنانچه خونی که نشانه حیض دارد کمتر از سه روز یا بیشتر از ده روز باشد، باید به دستوری که در مسأله قبل گفته شد رفتار نماید، و اگر خونی که نشانه حیض دارد کمتر از سه روز و بیشتر از ده روز نباشد، همه آن حیض است. ولی اگر پیش از گذشتن ده روز از خونی که نشانه حیض دارد، دوباره خونی ببیند که آن هم نشانه حیض را داشته باشد، مثل آنکه پنج روز خون سیاه و نه روز خون زرد، و دوباره پنج روز خون سیاه ببیند، باید به دستوری که در مسأله قبل گفته شد رفتار نماید.

کد مسأله: ۱۹۳۰۷

۵- مبتدئه**مسأله ۵۰۲**

مسأله ۵۰۲- مبتدئه یعنی زنی که دفعه اول خون دیدن اوست، اگر بیشتر از ده روز خون ببیند و همه خونهایی که دیده یک جور باشد، باید عادت خویشان خود را به طوری که در وقتیه گفته شد حیض، و بقیه را استحاضه قرار دهد.

کد مسأله: ۱۹۳۰۹

۶- ناسیه**مسأله ۵۰۳**

مسأله ۵۰۳- مبتدئه اگر بیشتر از ده روز خونی ببیند که چند روز آن نشانه حیض و چند روز دیگر نشانه استحاضه را داشته باشد، چنانچه خونی که نشانه حیض دارد کمتر از سه روز و بیشتر از ده روز نباشد، همه آن حیض است. ولی اگر پیش از گذشتن ده روز از خونی که نشانه حیض دارد دوباره خونی ببیند که آن هم نشانه خون حیض داشته باشد، مثل آن که پنج روز خون سیاه و نه روز

خون زرد و دوباره پنج روز خون سیاه ببیند، باید عادت خویشان خود را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد.

کد مسأله: ۱۹۳۱۱

مسأله ۵۰۴

مسأله ۵۰۴- مبتدئه اگر بیشتر از ده روز خونی ببیند که چند روز آن نشانه حیض و چند روز دیگر آن نشانه استحاضه داشته باشد، چنانچه خونی که نشانه حیض دارد از سه روز کمتر یا از ده روز بیشتر باشد، باید عادت خویشان خود را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد.

کد مسأله: ۱۹۳۱۲

مسأله ۵۰۵

مسأله ۵۰۵- ناسیه یعنی زنی که عادت خود را فراموش کرده است، اگر بیشتر از ده روز خون ببیند، باید روزهایی که خون او نشانه حیض را دارد تا ده روز حیض قرار دهد و اگر نتواند حیض را به واسطه نشانه‌های آن تشخیص دهد، باید هفت روز اول را حیض (۱) و بقیه را استحاضه قرار دهد.

۱- به نحو تخییر بین هفت روز و یا شش روز و یا سه روز را حیض قرار دهد و تعیین هفت روز برای حیض وجهی ندارد.

کد مسأله: ۱۹۳۱۳

مسائل متفرقه حیض

مسأله ۵۰۶

مسأله ۵۰۶- مبتدئه و مضطربه و ناسیه و زنی که عادت عدویه دارد، اگر خونی ببیند که نشانه‌های حیض داشته باشد یا یقین کنند که سه روز طول می‌کشد، باید عبادت را ترک کنند. و چنانچه بعد بفهمند حیض نبوده، باید عبادتهایی را که بجا نیاورده‌اند، قضا نمایند. ولی اگر یقین نکنند که تا سه روز طول می‌کشد و نشانه‌های حیض را هم نداشته باشد، بنابر احتیاط واجب باید تا سه روز کارهای استحاضه را بجا آورند و کارهایی را که بر حائض حرام است ترک نمایند. و چنانچه پیش از سه روز پاک نشدند، باید آن را حیض قرار دهند.

کد مسأله: ۱۹۳۱۴

مسأله ۵۰۷

مسأله ۵۰۷- زنی که در حیض عادت دارد، چه در وقت حیض عادت داشته باشد چه در عدد حیض، یا هم در وقت و هم در عدد آن، اگر دو ماه پشت سر هم بر خلاف عادت خود خونی ببیند که وقت آن یا شماره روزهای آن یا هم وقت و هم شماره روزهای آن یکی باشد، عادتش بر می‌گردد به آنچه در این دو ماه دیده است. مثلاً اگر از روز اول ماه تا هفتم خون می‌دیده و پاک می‌شده چنانچه دو ماه از دهم تا هفدهم ماه، خون ببیند و پاک شود، از دهم تا هفدهم عادت او می‌شود.

کد مسأله: ۱۹۳۱۷

مسأله ۵۰۸

مسئله ۵۰۸- مقصود از یک ماه، از ابتدای خون دیدن است تا سی روز، نه از روز اول ماه تا آخر ماه.

کد مسئله: ۱۹۳۱۹

مسئله ۵۰۹

مسئله ۵۰۹- زنی که معمولاً ماهی یک مرتبه خون می‌بیند، اگر در یک ماه دو مرتبه خون ببیند و آن خون نشانه‌های حیض را داشته باشد، چنانچه روزهایی که در وسط پاک بوده از ده روز کمتر نباشد، باید هر دو را حیض قرار دهد.

کد مسئله: ۱۹۳۲۱

مسئله ۵۱۰

مسئله ۵۱۰- اگر سه روز یا بیشتر خونی ببیند که نشانه حیض را دارد، بعد ده روز یا بیشتر خونی ببیند که نشانه استحاضه را دارد و دوباره سه روز خونی به نشانه‌های حیض ببیند، باید خون اول و خون آخر را که نشانه‌های حیض داشته، حیض قرار دهد.

کد مسئله: ۱۹۳۲۳

مسئله ۵۱۱

مسئله ۵۱۱- اگر زن پیش از ده روز پاک شود و بداند که در باطن خون نیست، باید برای عبادت‌های خود غسل کند، اگر چه گمان داشته باشد که پیش از تمام شدن ده روز دوباره خون می‌بیند. ولی اگر یقین داشته باشد که پیش از تمام شدن ده روز دوباره خون می‌بیند، نباید غسل کند.

کد مسئله: ۱۹۳۲۴

مسئله ۵۱۲

مسئله ۵۱۲- اگر زن پیش از ده روز پاک شود، و احتمال دهد که در باطن خون هست، باید قدری پنبه داخل فرج نماید و کمی صبر کند و بیرون آورد. پس اگر پاک بود، غسل کند و عبادت‌های خود را بجا آورد. و اگر پاک نبود، اگر چه به آب زرد رنگی هم آلوده باشد، چنانچه در حیض عادت ندارد یا عادت او ده روز است، باید صبر کند که اگر پیش از ده روز پاک شد، غسل کند، و اگر سر ده روز پاک شد، یا خون او از ده گذشت، سر ده روز غسل نماید. و اگر عادتش کمتر از ده روز است، در صورتی که بداند پیش از تمام شدن ده روز یا سر ده روز پاک می‌شود، نباید غسل کند. و اگر احتمال دهد خون او از ده روز می‌گذرد، احتیاط واجب (۱) آن است که تا دو روز عبادت را ترک کند و بعد از دو روز تا روز دهم کارهای استحاضه را بجا آورد و کارهایی را که بر حائض حرام است ترک نماید. پس اگر پیش از تمام شدن ده روز یا سر ده روز از خون پاک شد تمامش حیض است، و اگر از ده روز گذشت، باید عادت خود را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد و عبادت‌هایی را که بعد از روزهای عادت بجا نیاورده قضا نماید.

۱- بلکه واجب است استظهار نماید یعنی ترک عبادت کند تا ده روز اگر قطع شد تمامش حیض است و الا ایام عادت را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد و نمازهای ایام استحاضه را قضا میکند.

کد مسئله: ۱۹۳۲۵

مسئله ۵۱۳

مسئله ۵۱۳- اگر چند روز را حیض قرار دهد و عبادت نکند، بعد بفهمد حیض نبوده است، باید نماز و روزه‌ای را که در آن روزها بجا نیاورده قضا نماید. و اگر چند روز را به گمان این که حیض نیست عبادت کند، بعد بفهمد حیض بوده، چنانچه آن روزها را روزه گرفته، باید قضا نماید.

کد مسئله: ۱۹۳۲۶

نفاس**مسئله ۵۱۴**

مسئله ۵۱۴- از وقتی که اولین جزو بچه از شکم مادر بیرون می‌آید، هر خونی که زن می‌بیند، اگر پیش از ده روز یا سرده روز قطع شود، خون نفاس است، و زن را در حال نفاس، نفاس می‌گویند.

کد مسئله: ۱۹۳۲۷

مسئله ۵۱۵

مسئله ۵۱۵- خونی که زن پیش از بیرون آمدن اولین جزء بچه می‌بیند، نفاس نیست.

کد مسئله: ۱۹۳۲۸

مسئله ۵۱۶

مسئله ۵۱۶- لازم نیست که خلقت بچه تمام باشد، بلکه اگر خون بسته‌ای هم از رحم زن (۱) خارج شود و خود زن بداند، یا چهار نفر قابله بگویند که اگر در رحم می‌ماند انسان می‌شد، خونی که تا ده روز ببیند، خون نفاس است.

۱- علقه و مضغه ملحق به ولد نیست و خون بعد از آن محکوم به نفاس نمیشود و در ترتیب احکام نفاس صدق ولد ولو به نحو ناقص معتبر است.

کد مسئله: ۱۹۳۳۰

مسئله ۵۱۷

مسئله ۵۱۷- ممکن است خون نفاس یک آن بیشتر نیاید، ولی بیشتر از ده روز نمی‌شود.

کد مسئله: ۱۹۳۳۳

مسئله ۵۱۸

مسئله ۵۱۸- هرگاه شک کند که چیزی سقط شده یا نه، یا چیزی که سقط شده اگر می‌ماند انسان می‌شد یا نه، لازم نیست واریسی کند. و خونی که از او خارج می‌شود شرعاً خون نفاس نیست.

کد مسئله: ۱۹۳۳۴

مسئله ۵۱۹

مسئله ۵۱۹- توقف در مسجد و رساندن جایی از بدن به خط قرآن و کارهای دیگری که بر حائض حرام است، بر نفساء هم حرام است. و آنچه بر حائض واجب و مستحب و مکروه است، بر نفساء هم واجب و مستحب و مکروه می‌باشد.

کد مسئله: ۱۹۳۳۵

مسئله ۵۲۰

مسئله ۵۲۰- طلاق دادن زنی که در حال نفاس است و نزدیکی کردن با او حرام می‌باشد. (۱) و اگر شوهرش با او نزدیکی کند، احتیاط مستحب آن است به دستوری که در احکام حیض گفته شد، کفاره بدهد.

۱- طلاق دادن او باطل است نه حرام باشد.

کد مسئله: ۱۹۳۳۶

مسئله ۵۲۱

مسئله ۵۲۱- وقتی زن از خون نفاس پاک شد، باید غسل کند و عبادت‌های خود را بجا آورد. و اگر دوباره خون ببیند، چنانچه روزهایی که خون دیده با روزهایی که در وسط پاک بوده، روی هم ده روز یا کمتر از ده روز باشد، تمام آن نفاس است. و اگر روزهایی که پاک بوده روزه گرفته باشد، باید قضا نماید.

کد مسئله: ۱۹۳۳۷

مسئله ۵۲۲

مسئله ۵۲۲- اگر زن از خون نفاس پاک شود و احتمال دهد که در باطن خون هست، باید مقداری پنبه داخل فرج نماید و کمی صبر کند که اگر پاک است، برای عبادت‌های خود غسل کند.

کد مسئله: ۱۹۳۳۸

مسئله ۵۲۳

مسئله ۵۲۳- اگر خون نفاس زن از ده روز بگذرد، چنانچه در حیض عادت دارد، به اندازه روزهای عادت او نفاس و بقیه استحاضه است. و اگر عادت ندارد، تا ده روز نفاس و بقیه استحاضه می‌باشد. و احتیاط مستحب آن است کسی که عادت دارد، از روز بعد از عادت و کسی که عادت ندارد، بعد از روز دهم تا روز هیجدهم زایمان کارهای استحاضه را بجا آورد و کارهایی را که بر نفساء حرام است، ترک کند.

کد مسئله: ۱۹۳۳۹

مسئله ۵۲۴

مسئله ۵۲۴- زنی که عادت حیضش کمتر از ده روز است، اگر بیشتر از روزهای عادتش خون نفاس ببیند، باید به اندازه روزهای عادت خود نفاس قرار دهد، و بعد از آن بنا بر احتیاط واجب (۱) تا دو روز عبادت را ترک نماید و بعد از دو روز تا دهم کارهای

استحاضه را بجا آورد و کارهایی را که بر نفساء حرام است ترک نماید و اگر از ده روز بگذرد استحاضه است و باید روزهای بعد از عادت تا روز دهم را هم استحاضه قرار دهد و عبادت‌هایی که در آن روزها بجا نیاورده قضا نماید. مثلاً زنی که عادت او شش روز بوده اگر بیشتر از شش روز خون ببیند، باید شش روز را نفاس قرار دهد و بنابر احتیاط واجب در روز هفتم و هشتم عبادت را ترک کند و در روز نهم و دهم کارهای استحاضه را بجا آورد و کارهایی را که بر نفساء حرام است ترک نماید و اگر بیشتر از ده روز خون دید. از روز بعد از عادت او استحاضه می باشد.

۱- بلکه واجب است تا ده روز استظهار نماید اگر قطع شد همه نفاس است و اگر قطع نشد مازاد بر عادت حیض، استحاضه است و باید احکام آنرا عمل نماید و نمازهای مازاد بر عادت حیض را قضا نماید.

کد مسأله: ۱۹۳۴۰

مسأله ۵۲۵

مسأله ۵۲۵- زنی که در حیض عادت دارد، اگر بعد از زاییدن تا یک ماه یا بیشتر از یک ماه، پی در پی خون ببیند، به اندازه روزهای عادت او نفاس است. و ده روز از خونی که بعد از نفاس می بیند، اگر چه در روزهای عادت ماهانه اش باشد، استحاضه است. مثلاً زنی که عادت حیض او از بیستم هر ماه تا بیست و هفتم آن است، اگر روز دهم ماه زایید و تا یک ماه یا بیشتر پی در پی خون دید، تا روز هفدهم نفاس، و از روز هفدهم تا ده روز حتی خونی که در روزهای عادت خود که از بیستم تا بیست و هفتم است می بیند، استحاضه می باشد. و بعد از گذشتن ده روز، اگر خونی را که می بیند، در روزهای عادتش باشد حیض است، چه نشانه‌های حیض را داشته باشد یا نداشته باشد. و همچنین است اگر در روزهای عادتش نباشد، ولی نشانه‌های حیض را داشته باشد، اما اگر خونی که بعد از گذشتن ده روز از نفاس می بیند، در روزهای عادت حیض او نباشد و نشانه‌های حیض را هم نداشته باشد استحاضه است.

کد مسأله: ۱۹۳۴۳

مسأله ۵۲۶

مسأله ۵۲۶- زنی که در حیض عادت ندارد، اگر بعد از زایمان تا یک ماه یا بیشتر از یک ماه خون ببیند، ده روز اول آن نفاس و ده روز دوم آن استحاضه است. و خونی که بعد از آن می بیند، اگر نشانه حیض را داشته باشد حیض، و گرنه آن هم استحاضه می باشد.

کد مسأله: ۱۹۳۴۵

غسل مس میت

مسأله ۵۲۷

مسأله ۵۲۷- اگر کسی بدن انسان مرده‌ای را که سرد شده و غسلش نداده‌اند مس کند، یعنی جایی از بدن خود را به آن برساند، باید غسل مس میت نماید، چه در خواب مس کند چه در بیداری، با اختیار مس کند یا بی اختیار. حتی اگر ناخن و استخوان او به ناخن و استخوان میت برسد، باید غسل کند. ولی اگر حیوان مرده‌ای را مس کند، غسل بر او واجب نیست.

کد مسأله: ۱۹۳۴۸

مسئله ۵۲۸

مسئله ۵۲۸- برای مس مرده‌ای که تمام بدن او سرد نشده، غسل واجب نیست، اگر چه جایی را که سرد شده مس نماید.

کد مسئله: ۱۹۳۴۹

مسئله ۵۲۹

مسئله ۵۲۹- اگر موی خود را به بدن میت برساند، یا بدن خود را به موی میت، یا موی خود را به موی میت برساند، (۱) احتیاط واجب آن است که غسل است.

۱- در موی ثلثه غسل واجب نسبت علی الاقوی و لکن مستحسن است.

کد مسئله: ۱۹۳۵۰

مسئله ۵۳۰

مسئله ۵۳۰- برای مس بچه مرده، حتی بچه سقط شده‌ای که چهار ماه او تمام شده غسل مس میت واجب است، بلکه بنا بر احتیاط واجب (۱) برای مس بچه‌ی سقط شده‌ای که از چهار ماه کمتر دارد غسل کرد. بنابر این اگر بچه چهار ماهه‌ای مرده به دنیا بیاید، مادر او باید غسل مس میت کند، (۲) بلکه اگر از چهار ماه کمتر هم داشته باشد بنا بر احتیاط واجب (۳) باید مادر او غسل نماید.

۱- واجب نیست و لکن مستحسن است

۲- اگر مولود بعد از سرد شدن به دنیا بیاید و در کیسه نباشد والا واجب نیست.

۳- واجب نیست و لکن مستحسن است.

کد مسئله: ۱۹۳۵۱

مسئله ۵۳۱

مسئله ۵۳۱- بچه‌ای که بعد از مردن مادر به دنیا می‌آید، وقتی بالغ شد، واجب است غسل مس میت کند. (۱)

۱- در صورتیکه بعد از سرد شدن بدن مادر متولد شود و در کیسه نباشد و الا لازم نیست.

کد مسئله: ۱۹۳۵۲

مسئله ۵۳۲

مسئله ۵۳۲- اگر انسان میتی را که سه غسل او کاملاً تمام شده مس نماید، غسل بر او واجب نمی‌شود. ولی اگر پیش از آنکه غسل سوم تمام شود جایی از بدن او را مس کند، اگرچه غسل سوم آن جا تمام شده باشد باید غسل مس میت نماید.

کد مسئله: ۱۹۳۵۳

مسئله ۵۳۳

مسئله ۵۳۳- اگر دیوانه یا بچه نابالغی میت را مس کند، بعد از آنکه آن دیوانه عاقل یا بچه بالغ شد، باید غسل مس میت نماید.

کد مسئله: ۱۹۳۵۵

مسئله ۵۳۴

مسئله ۵۳۴- اگر از بدن زنده یا مرده‌ای که غسلش نداده‌اند، قسمتی که دارای استخوان است جدا شود و پیش از آنکه قسمت جدا شده را غسل دهند، انسان آنرا مس نماید، باید غسل مس میت کند، ولی اگر قسمتی که جدا شده، استخوان نداشته باشد، برای مس آن غسل واجب نیست.

کد مسئله: ۱۹۳۵۷

مسئله ۵۳۵

مسئله ۵۳۵- برای مس استخوانی که گوشت ندارد و آنرا غسل نداده‌اند، چه از مرده جدا شده باشد چه از زنده بنا بر احتیاط واجب باید غسل کرد. (۱) و همچنین است برای مس دندانی که از مرده جدا شده باشد، در صورتی که آن مرده را غسل نداده باشند ولی برای مس دندانی که از زنده جدا شده و گوشت ندارد. یا گوشت آن خیلی کم است، غسل واجب نیست.

۱- در استخوان جدا شده از میت و دندان جدا شده از میت باید غسل کرد و در استخوان و دندان جدا شده از حی غسل واجب نیست.

کد مسئله: ۱۹۳۶۰

مسئله ۵۳۶

مسئله ۵۳۶- غسل مس میت را باید مثل غسل جنابت انجام دهند. ولی کسی که غسل مس میت کرده، اگر بخواهد نماز بخواند، باید وضو هم بگیرد.

کد مسئله: ۱۹۳۶۲

مسئله ۵۳۷

مسئله ۵۳۷- اگر چند میت را مس کند یا یک میت را چند بار مس نماید، یک غسل کافی است.

کد مسئله: ۱۹۳۶۳

احکام محتضر**مسئله ۵۳۸**

مسئله ۵۳۸- برای کسی که بعد از مس میت غسل نکرده است، توقف در مسجد و جماع و خواندن سوره‌هایی که سجده واجب دارد، مانعی ندارد. ولی برای نماز و مانند آن باید غسل کند و وضو بگیرد.

کد مسئله: ۱۹۳۶۴

مسئله ۵۳۹

مسئله ۵۳۹- مسلمانی را که محتضر است یعنی در حال جان دادن می‌باشد، مرد باشد یا زن، بزرگ باشد یا کوچک، باید به پشت

بخوابانند، به طوری که کف پاهایش به طرف قبله باشد. و اگر خوابانیدن او کاملاً به این طور ممکن نیست، تا اندازه‌ای که ممکن است، باید به این دستور عمل کنند. و چنانچه خوابانیدن او به هیچ قسم ممکن نباشد باید او را رو به قبله بنشانند. و اگر آن هم نشود، باید او را به پهلو راست یا به پهلو چپ، رو به قبله بخوابانند. (۱)

۱- علی الاحوط د رهمه مراحل

کد مسأله: ۱۹۳۶۵

مسأله ۵۴۰

مسأله ۵۴۰- احتیاط واجب (۱) آن است که تا وقتی غسل میت تمام نشده او را رو به قبله بخوابانند ولی بعد از آنکه غسلش تمام شد، بهتر است او را مثل حالتی که بر او نماز میخوانند بخوابانند.

۱- واجب نیست بلکه مستحسن است.

کد مسأله: ۱۹۳۶۶

مسأله ۵۴۱

مسأله ۵۴۱- رو به قبله کردن محضر بر هر مسلمان واجب است، (۱) و اجازه گرفتن از ولی او لازم نیست.

۱- علی الاحوط

کد مسأله: ۱۹۳۶۷

مسأله ۵۴۲

مسأله ۵۴۲- مستحب است شهادتین و اقرار به دوازده امام علیهم السلام و سایر عقاید حقه را، به کسی که در حال جان دادن است طوری تلقین کنند که بفهمد. و نیز مستحب است چیزهایی را که گفته شد، تا وقت مرگ تکرار کنند.

کد مسأله: ۱۹۳۶۸

مسأله ۵۴۳

مسأله ۵۴۳- مستحب است این دعاها را طوری به محضر تلقین کنند که بفهمد: "اللهم اغفر لی الكثير من معاصیک و اقبل منی الیسیر من طاعتک یا من یقبل الیسیر و یعفو عن الكثير اقبل منی الیسیر و اعف عنی الكثير انک انت العفو الغفور اللهم ارحمنی فانک رحیم."

کد مسأله: ۱۹۳۶۹

مسأله ۵۴۴

مسأله ۵۴۴- مستحب است کسی را که سخت جان می‌دهد، اگر ناراحت نمی‌شود به جایی که نماز می‌خوانده ببرند.

کد مسأله: ۱۹۳۷۰

مسأله ۵۴۵

مسئله ۵۴۵- مستحب است برای راحت شدن محتضر بر بالین او سوره مبارکه "یس" و "الصفافات" و "احزاب" و "آیه الکرسی" و آیه پنجاه و چهارم از سوره اعراف و سه آیه آخر سوره بقره، بلکه هر چه از قرآن ممکن است بخوانند.
کد مسئله: ۱۹۳۷۲

مسئله ۵۴۶

مسئله ۵۴۶- تنها گذاشتن محتضر و گذاشتن چیزی (۱) روی شکم او و بودن جنب و حائض نزد او و همچنین حرف زدن زیاد، و گریه کردن و تنها گذاشتن زنها نزد او مکروه است.
۱- اگر ایذاء نباشد و الاحرام است
کد مسئله: ۱۹۳۷۳

احکام بعد از مرگ

مسئله ۵۴۷

مسئله ۵۴۷- بعد از مرگ مستحب است چشم‌ها و لبها (۱) و چانه میت را ببندند و دست و پای او را دراز کنند و پارچه‌ای روی او بیندازند و اگر شب مرده است، در جایی که مرده، چراغ روشن کنند، و برای تشییع جنازه او مؤمنین را خبر کنند. و در دفن او عجله نمایند، ولی اگر یقین به مردن او ندارند، باید صبر کنند تا معلوم شود و نیز اگر میت حامله باشد و بچه در شکم او زنده باشد باید به قدری دفن را عقب بیندازند، که پهلوی چپ او را بشکافند و طفل را بیرون آورند و پهلوی او را بدوزند.
۱- بلکه دهان میت را به هم گذارند که باز نماند.
کد مسئله: ۱۹۳۷۴

احکام غسل و کفن و نماز و دفن میت

مسئله ۵۴۸

مسئله ۵۴۸- غسل و کفن و نماز و دفن مسلمان اگرچه دوازده امامی نباشد، بر هر مکلفی واجب است. و اگر بعضی انجام دهند، از دیگران ساقط می‌شود. و چنانچه هیچ کس انجام ندهد همه معصیت کرده‌اند.
کد مسئله: ۱۹۳۷۵

مسئله ۵۴۹

مسئله ۵۴۹- اگر کسی مشغول کارهای میت شود، بر دیگران واجب نیست اقدام نمایند. ولی اگر او عمل را نیمه کاره بگذارد، باید دیگران تمام کنند.
کد مسئله: ۱۹۳۷۶

مسئله ۵۵۰

مسئله ۵۵۰- اگر انسان یقین کند که دیگری مشغول کارهای میت شده، واجب نیست به کارهای میت اقدام کند. ولی اگر شک یا گمان دارد، باید اقدام نماید.
کد مسئله: ۱۹۳۷۷

مسئله ۵۵۱

مسئله ۵۵۱- اگر کسی بداند غسل یا کفن یا نماز یا دفن میت را باطل انجام داده‌اند، باید دوباره انجام دهد. ولی اگر گمان دارد که باطل بوده یا شک دارد که درست بوده یا نه، لازم نیست اقدام نماید.
کد مسئله: ۱۹۳۷۸

مسئله ۵۵۲

مسئله ۵۵۲- برای غسل و کفن و نماز و دفن میت، باید از ولی او اجازه بگیرند.
کد مسئله: ۱۹۳۷۹

مسئله ۵۵۳

مسئله ۵۵۳- ولی زن شوهر او است و بعد از او، مردهایی (۱) که از میت ارث می‌برند مقدم بر زنهای ایشانند.
۱- بنا بر احتیاط
کد مسئله: ۱۹۳۸۰

مسئله ۵۵۴

مسئله ۵۵۴- اگر کسی بگوید من وصی یا ولی میتم یا ولی میت به من اجازه داده که غسل و کفن و دفن میت را انجام دهم، چنانچه به حرف او اطمینان دارند و دیگری هم نمی‌گوید من ولی یا وصی میتم یا ولی میت به من اجازه داده است، انجام کارهای میت با اوست. و اگر به حرف او اطمینان ندارند یا دیگری می‌گوید من ولی یا وصی میتم یا ولی میت به من اجازه داده است، در صورتی که دو نفر عادل به گفته اولی شهادت دهند باید حرف او را قبول کرد.
کد مسئله: ۱۹۳۸۱

مسئله ۵۵۵

مسئله ۵۵۵- اگر میت برای غسل و کفن و دفن و نماز خود غیر از ولی، کس دیگری را معین کند، احتیاط واجب (۱) آن است که ولی و آن کس هر دو اجازه بدهند، و لازم نیست کسی که میت، او را برای انجام این کارها معین کرده، این وصیت را قبول کند ولی اگر قبول کرد، باید به آن عمل نماید.
۱- احتیاط واجب نیست بلکه وصیت نافذ است و محتاج به اجازه ولی نیست و لکن احتیاط مستحسن است.
کد مسئله: ۱۹۳۸۲

احکام غسل میت

مسئله ۵۵۶

مسئله ۵۵۶- واجب است میت را سه غسل بدهند: اول: به آبی که با سدر مخلوط باشد. دوم: به آبی که با کافور مخلوط باشد. سوم: با آب خالص.

کد مسئله: ۱۹۳۸۴

مسئله ۵۵۷

مسئله ۵۵۷- سدر و کافور باید به اندازه‌ای زیاد نباشد که آب را مضاف کند و به اندازه‌ای هم کم نباشد که نگویند سدر و کافور با آب مخلوط شده است.

کد مسئله: ۱۹۳۸۶

مسئله ۵۵۸

مسئله ۵۵۸- اگر سدر و کافور به اندازه‌ای که لازم است پیدا نشود، بنابر احتیاط واجب باید مقداری که به آن دسترسی دارند، در آب بریزند.

کد مسئله: ۱۹۳۸۸

مسئله ۵۵۹

مسئله ۵۵۹- کسی که برای حج احرام بسته است، اگر پیش از تمام کردن طواف حج یا عمره بمیرد نباید او را با آب کافور غسل دهند و به جای آن باید با آب خالص غسلش بدهند.

کد مسئله: ۱۹۳۸۹

مسئله ۵۶۰

مسئله ۵۶۰- اگر سدر و کافور یا یکی از اینها پیدا نشود یا استعمال آن جایز نباشد، مثل آن که غصبی باشد، باید بجای هر کدام که ممکن نیست، میت را با آب خالص غسل بدهند.

کد مسئله: ۱۹۳۹۰

مسئله ۵۶۱

مسئله ۵۶۱- کسی که میت را غسل می‌دهد باید مسلمان دوازده امامی و بالغ (۱) و عاقل باشد و مسایل غسل را هم بداند.

۱- بلوغ شرط صحت نیست بلکه غیر بالغ اگر ممیز باشد عمل او صحیح است.

کد مسئله: ۱۹۳۹۱

مسئله ۵۶۲

مسئله ۵۶۲- کسی که میت را غسل می‌دهد، باید قصد قربت داشته باشد، یعنی غسل را برای انجام فرمان خداوند عالم بجا آورد و

در اول غسل دوم و سوم هم نیت غسل را تجدید نماید.

۱- تجدید لازم نیست و داعی کافی است.

کد مسأله: ۱۹۳۹۲

مسأله ۵۶۳

مسأله ۵۶۳- غسل بچه مسلمان اگر چه از زنا باشد، واجب است. و غسل و کفن و دفن کافر و اولاد او جایز نیست. و کسی که از بچگی دیوانه بوده و به حال دیوانگی بالغ شده چنانچه پدر و مادر او یا یکی از آنان مسلمان باشند، باید او را غسل داد و اگر هیچ کدام آنان مسلمان نباشند، غسل دادن او جایز نیست.

کد مسأله: ۱۹۳۹۳

مسأله ۵۶۴

مسأله ۵۶۴- بچه سقط شده را اگر چهار ماه یا بیشتر دارد، باید غسل بدهند، و اگر چهار ماه ندارد، باید در پارچه‌ای بپیچند و بدون غسل دفن کنند.

کد مسأله: ۱۹۳۹۴

مسأله ۵۶۵

مسأله ۵۶۵- حرام است مرد زن را، و زن مرد را غسل بدهد. ولی زن می‌تواند شوهر خود را غسل دهد و شوهر هم می‌تواند زن خود را غسل دهد، اگر چه احتیاط مستحب آن است که زن شوهر خود، و شوهر زن خود را غسل ندهد.

کد مسأله: ۱۹۳۹۵

مسأله ۵۶۶

مسأله ۵۶۶- مرد می‌تواند دختر بچه‌ای را که سن او از سه سال بیشتر نیست، غسل دهد. زن هم می‌تواند پسر بچه‌ای را که سه سال بیشتر ندارد، غسل دهد.

کد مسأله: ۱۹۳۹۶

مسأله ۵۶۷

مسأله ۵۶۷- اگر برای غسل دادن میتی که مرد است مرد پیدا نشود، زنانی که با او نسبت دارند و محرمند مثل مادر و خواهر و عمه و خاله، یا به واسطه شیر خوردن با او محرم شده‌اند، می‌توانند از زیر لباس (۱) یا چیزی که بدن او را بپوشاند غسلش بدهند. و نیز اگر برای غسل میت زن، زن دیگری نباشد، مردهایی که با او نسبت دارند و محرمند، یا به واسطه شیر خوردن با او محرم شده‌اند، می‌توانند از زیر لباس (۲) او را غسل دهند.

۱ و ۲- در خصوص عورت باید از زیر لباس باشد ولی در غیر عورت ستر لازم نیست ولکن مستحسن است.

کد مسأله: ۱۹۳۹۹

مسئله ۵۶۸

مسئله ۵۶۸- اگر میت و کسی که او را غسل می‌دهد، هر دو مرد یا هر دو زن باشند، بهتر آن است که غیر از عورت، جاهای دیگر میت برهنه باشد.

کد مسئله: ۱۹۴۰۱

مسئله ۵۶۹

مسئله ۵۶۹- نگاه کردن به عورت میت حرام است، و کسی که او را غسل می‌دهد اگر نگاه کند معصیت کرده، ولی غسل باطل نمی‌شود.

کد مسئله: ۱۹۴۰۳

مسئله ۵۷۰

مسئله ۵۷۰- اگر جایی از بدن میت نجس باشد، باید پیش از آنکه آنجا را غسل بدهند، آب بکشند. و احتیاط مستحب آن است که تمام بدن میت، پیش از شروع به غسل پاک باشد.

کد مسئله: ۱۹۴۰۶

مسئله ۵۷۱

مسئله ۵۷۱- غسل میت مثل غسل جنابت است. و احتیاط واجب (۱) آن است که تا غسل ترتیبی ممکن است، میت را غسل ارتماسی ندهند. و در غسل ترتیبی هم اگر ممکن است هر یک از سه قسمت بدن را در آب فرو نبرند (۲) بلکه آب را روی آن بریزند.

۱- واجب نیست بلکه غسل ارتماسی با تمکن از غسل ترتیبی صحیح است ولی احتیاط مستحسن است.

۲- ارتماس اعضاء در کر صحیح است اگرچه احتیاط مستحسن ترک ارتماسی است.

کد مسئله: ۱۹۴۰۸

مسئله ۵۷۲

مسئله ۵۷۲- کسی را که در حال حیض یا در حال جنابت مرده، لازم نیست غسل حیض یا غسل جنابت بدهند، بلکه همان غسل میت برای او کافی است.

کد مسئله: ۱۹۴۱۰

مسئله ۵۷۳

مسئله ۵۷۳- مزد گرفتن برای غسل دادن میت حرام است (۱) و اگر کسی برای گرفتن مزد، میت را غسل دهد، آن غسل باطل است (۲) ولی مزد گرفتن برای کارهای مقدماتی غسل حرام نیست.

۱- علی الاحوط

۲- مگر به عنوان داعی بر داعی که در این صورت صحیح است.

کد مسأله: ۱۹۴۱۳

مسأله ۵۷۴

مسأله ۵۷۴- اگر آب پیدا نشود، یا استعمال آن مانعی داشته باشد، باید عوض هر غسل، (۱) میت را یک تیمم بدهند و احتیاط واجب آن است که یک تیمم دیگر هم عوض هر سه غسل بدهند و اگر کسی که تیمم می دهد، در تیمم سوم قصد مافی الذمه نماید یعنی نیت کند که این تیمم را برای آن که به تکلیف عمل شده است، انجام می دهد، تیمم چهارم لازم نیست.

۱- بلکه یک تیمم از سه غسل کافی است اگر چه احتیاط حسن است

کد مسأله: ۱۹۴۱۵

مسأله ۵۷۵

مسأله ۵۷۵- کسی که میت را تیمم می دهد، باید دست خود را به زمین بزند و به صورت و پشت دستهای میت بکشد و اگر ممکن باشد، احتیاط مستحب آن است که با دست میت هم او را تیمم بدهد.

کد مسأله: ۱۹۴۱۶

احکام کفن میت**مسأله ۵۷۶**

مسأله ۵۷۶- میت مسلمان را باید با سه پارچه که آنها را لنگ و پیراهن و سرتاسری می گویند، کفن نمایند.

کد مسأله: ۱۹۴۲۱

مسأله ۵۷۷

مسأله ۵۷۷- لنگ باید از ناف تا زانو، اطراف بدن را بپوشاند، و بهتر آن است که از سینه تا روی پا برسد. و پیراهن باید از سر شانه تا نصف ساق پا تمام بدن را بپوشاند، و بهتر آن است که تا روی پا برسد. و درازای سرتاسری باید به قدری باشد که بستن دو سر آن ممکن باشد، و پهنای آن باید به اندازه‌ای باشد که یک طرف آن روی طرف دیگر بیاید.

کد مسأله: ۱۹۴۲۲

مسأله ۵۷۸

مسأله ۵۷۸- مقداری از لنگ، که از ناف تا زانو را می پوشاند و مقداری از پیراهن که از شانه تا نصف ساق را می پوشاند، مقدار واجب کفن است. و آنچه بیشتر از این مقدار در مسأله قبل گفته شد، مقدار مستحب کفن می باشد.

کد مسأله: ۱۹۴۲۳

مسأله ۵۷۹

مسأله ۵۷۹- اگر ورثه بالغ باشند و اجازه دهند که بیشتر از مقدار واجب کفن را، که در مسأله قبل گفته شد از سهم آنان بردارند،

اشکال ندارد. و احتیاط واجب آن است که بیشتر از مقدار واجب کفن را از سهم وارثی که بالغ نشده، بردارند. (۱)

۱- و نیز از سهم وارثی که بالغ شده بردارند مگر با رضایت او

کد مسأله: ۱۹۴۲۴

مسأله ۵۸۰

مسأله ۵۸۰- اگر کسی وصیت کرده باشد که مقدار مستحب کفن را که در دو مسأله قبل گفته شد، از ثلث مال او بردارند، یا وصیت کرده باشد ثلث مال را به مصرف خود او برسانند، ولی مصرف آن را معین نکرده باشد، یا فقط مصرف مقداری از آن را معین کرده باشد، می‌توانند مقدار مستحب کفن را از ثلث مال او بردارند.

کد مسأله: ۱۹۴۲۶

مسأله ۵۸۱

مسأله ۵۸۱- اگر میت وصیت نکرده باشد که کفن را از ثلث مال او بردارند، و بخواهند از اصل مال بردارند، احتیاط واجب آن است (۱) که مقدار واجب کفن را به ارزانترین قیمتی که ممکن است تهیه نماید ولی اگر کسانی از ورثه که بالغ هستند اجازه بدهند که از سهم آنان بردارند، مقداری را که اجازه داده‌اند، از سهم آنان میشود برداشت.

۱- بلکه واجب نیست و جایز است مطابق شأن میت کفن واجب را از اصل مال او بردارند.

کد مسأله: ۱۹۴۲۹

مسأله ۵۸۲

مسأله ۵۸۲- کفن زن بر شوهر است، اگر چه زن از خود مال داشته باشد. و همچنین اگر زن را به شرحی که در کتاب طلاق گفته می‌شود، طلاق رجعی بدهند و پیش از تمام شدن عده بمیرد، شوهرش باید کفن او را بدهد. و چنانچه شوهر بالغ نباشد یا دیوانه باشد، ولی شوهر باید از مال او کفن زن را بدهد.

کد مسأله: ۱۹۴۳۱

مسأله ۵۸۳

مسأله ۵۸۳- کفن میت بر خویشان او واجب نیست، اگر چه مخارج او در حال زندگی بر آنان واجب باشد.

کد مسأله: ۱۹۴۳۲

مسأله ۵۸۴

مسأله ۵۸۴- احتیاط واجب آن است که هر یک از سه پارچه کفن به قدری نازک نباشد که بدن میت از زیر آن پیدا باشد.

کد مسأله: ۱۹۴۳۳

مسأله ۵۸۵

مسئله ۵۸۵- کفن کردن با پوست مردار (۱) و چیز غصبی، اگر چیز دیگری هم پیدا نشود جایز نیست. و چنانچه کفن میت غصبی باشد و صاحب آن راضی نباشد، باید از تنش بیرون آورند، اگر چه او را دفن کرده باشند.

۱- در حال ضرورت جایز است.

کد مسئله: ۱۹۴۳۴

مسئله ۵۸۶

مسئله ۵۸۶- کفن کردن میت با چیز نجس و با پارچه ابریشمی خالص، یا پارچه‌های که با طلا بافته شده جایز نیست، ولی در حال ناچاری اشکال ندارد.

کد مسئله: ۱۹۷۷۵

مسئله ۵۸۷

مسئله ۵۸۷- کفن کردن با پارچه‌ای که از پشم یا موی حیوان حرام گوشت تهیه شده، در حال اختیار جایز نیست. ولی احتیاط واجب آن است که با پوست حیوان حلال گوشتی هم که به دستور شرع کشته شده، میت را کفن نکنند ولی اگر کفن از مو و پشم حیوان حلال گوشت باشد اشکال ندارد، اگرچه احتیاط مستحب آن است که با این دو هم کفن نمایند.

کد مسئله: ۱۹۷۷۷

مسئله ۵۸۸

مسئله ۵۸۸- اگر کفن میت به نجاست خود او، یا به نجاست دیگری نجس شود، چنانچه کفن ضایع نمی‌شود، باید مقدار نجس را بشویند یا ببرند. اگرچه بعد از گذاشتن در قبر باشد. و اگر شستن یا بریدن آن ممکن نیست، در صورتی که عوض کردن آن ممکن باشد، باید عوض نمایند.

کد مسئله: ۱۹۷۸۰

مسئله ۵۸۹

مسئله ۵۸۹- کسی که برای حج یا عمره احرام بسته، اگر بمیرد باید مثل دیگران کفن شود، و پوشاندن سر و صورتش اشکال ندارد.

کد مسئله: ۱۹۷۸۲

احکام جنوط

مسئله ۵۹۰

مسئله ۵۹۰- مستحب است انسان در حال سلامتی، کفن و سدر و کافور خود را تهیه کند.

کد مسئله: ۱۹۷۸۴

مسئله ۵۹۱

مسئله ۵۹۱- بعد از غسل واجب است میت را حنوط کنند، یعنی به پیشانی و کف دستها و سر زانوها و سر دو انگشت بزرگ پاهای او کافور بمالند. و مستحب است به سر بینی میت هم کافور بمالند، و باید کافور ساییده و تازه باشد. و اگر به واسطه کهنه بودن، عطر او از بین رفته باشد، کافی نیست.

کد مسئله: ۱۹۷۸۶

مسئله ۵۹۲

مسئله ۵۹۲- احتیاط واجب آن است (۱) که اول کافور را به پیشانی میت بمالند، ولی در جاهای دیگر ترتیب لازم نیست.
۱- احتیاط واجب نیست بلکه مستحسن است.

کد مسئله: ۱۹۷۸۹

مسئله ۵۹۳

مسئله ۵۹۳- بهتر آن است که میت را پیش از کفن کردن، حنوط نمایند. اگر چه در بین کفن کردن و بعد از آن هم، مانعی ندارد.

کد مسئله: ۱۹۷۹۱

مسئله ۵۹۴

مسئله ۵۹۴- کسی که برای حج احرام بسته است، اگر پیش از تمام کردن طواف بمیرد حنوط کردن او جایز نیست.

کد مسئله: ۱۹۷۹۴

مسئله ۵۹۵

مسئله ۵۹۵- زنی که شوهر او مرده و هنوز عده‌اش تمام نشده، اگر چه حرام است خود را خوشبو کند، ولی چنانچه بمیرد، حنوط او واجب است.

کد مسئله: ۱۹۷۹۶

مسئله ۵۹۶

مسئله ۵۹۶- احتیاط واجب آن است که میت را با مشک و عنبر و عود و عطرهاى دیگر خوشبو نکنند، و اینها را با کافور مخلوط نمایند.

کد مسئله: ۱۹۷۹۸

مسئله ۵۹۷

مسئله ۵۹۷- مستحب است، قدری تربت حضرت سیدالشهدا (ع) با کافور مخلوط کنند ولی باید از آن کافور به جاهایی که بی‌احترامی می‌شود، نرسانند. و نیز باید تربت به قدری زیاد نباشد، که وقتی با کافور مخلوط شد آن را کافور نگویند.

کد مسئله: ۱۹۸۰۰

مسئله ۵۹۸

مسئله ۵۹۸- اگر کافور پیدا نشود، یا فقط به اندازه غسل باشد، حنوط لازم نیست. و چنانچه از غسل زیاد بیاید ولی به همهی هفت عضو نرسد، باید اول به پیشانی و اگر زیاد آمد به جاهای دیگر بمالد.

کد مسئله: ۱۹۸۰۲

مسئله ۵۹۹

مسئله ۵۹۹- مستحب است دو چوب تر و تازه در قبر همراه میت بگذارند.

کد مسئله: ۱۹۸۰۴

احکام نماز میت**مسئله ۶۰۰**

مسئله ۶۰۰- نماز خواندن بر میت مسلمان، اگر چه بچه باشد، واجب است. ولی باید پدر و مادر آن بچه یا یکی از آنان مسلمان باشند و شش سال بچه تمام شده باشد.

کد مسئله: ۱۹۸۰۶

مسئله ۶۰۱

مسئله ۶۰۱- نماز خواندن بر بچه‌های که شش سال او تمام نشده مستحب است ولی نماز خواندن بر بچه‌های که مرده به دنیا آمده مستحب نیست.

کد مسئله: ۱۹۸۰۸

مسئله ۶۰۲

مسئله ۶۰۲- نماز میت باید بعد از غسل و حنوط و کفن کردن او خوانده شود و اگر پیش از اینها، یا در بین اینها بخوانند، اگر چه از روی فراموشی یا ندانستن مسئله باشد کافی نیست.

کد مسئله: ۱۹۸۱۱

مسئله ۶۰۳

مسئله ۶۰۳- کسی که میخواهد نماز میت بخواند، لازم نیست با وضو یا غسل یا تیمم باشد و بدن و لباسش پاک باشد و اگر لباس او غصبی هم باشد اشکال ندارد. اگرچه احتیاط مستحب آن است که تمام چیزهایی را که در نمازهای دیگر لازم است، رعایت کند.

کد مسئله: ۱۹۸۱۳

مسئله ۶۰۴

مسئله ۶۰۴- کسی که به میت نماز میخواند، باید رو به قبله باشد و نیز واجب است میت را مقابل او به پشت بخوابانند، به طوری که سر او به طرف راست نماز گزار و پای او به طرف چپ نماز گزار باشد.

کد مسئله: ۱۹۸۱۵

مسئله ۶۰۵

مسئله ۶۰۵- مکان نماز گزار باید غضبی نباشد و نیز باید از جای میت پستتر یا بلندتر نباشد ولی پستی و بلندی مختصر اشکال ندارد.

کد مسئله: ۱۹۸۱۷

مسئله ۶۰۶

مسئله ۶۰۶- نماز گزار باید از میت دور نباشد، ولی کسی که نماز میت را به جماعت میخواند، اگر از میت دور باشد، چنانچه صفها به یکدیگر متصل باشد اشکال ندارد.

کد مسئله: ۱۹۸۲۰

مسئله ۶۰۷

مسئله ۶۰۷- نماز گزار باید مقابل میت بایستد، ولی اگر نماز به جماعت خوانده شود و صف جماعت از دو طرف میت بگذرد، نماز کسانی که مقابل میت نیستند اشکال ندارد.

کد مسئله: ۱۹۸۲۲

مسئله ۶۰۸

مسئله ۶۰۸- بین میت و نماز گزار، باید پرده و دیوار یا چیزی مانند اینها نباشد ولی اگر میت در تابوت و مانند آن باشد اشکال ندارد.

کد مسئله: ۱۹۸۲۴

مسئله ۶۰۹

مسئله ۶۰۹- در وقت خواندن نماز، باید عورت میت پوشیده باشد و اگر کفن کردن او ممکن نیست، باید عورتش را اگرچه با تخته و آجر و مانند اینها باشد بپوشانند.

کد مسئله: ۱۹۸۲۷

مسئله ۶۱۰

مسئله ۶۱۰- نماز میت را باید ایستاده و با قصد قربت بخواند و در موقع نیت، میت را معین کند، مثلاً نیت کند نماز میخوانم بر این میت قربه الی الله.

کد مسئله: ۱۹۸۳۱

مسأله ۶۱۱

مسأله ۶۱۱- اگر کسی نباشد که بتواند نماز میت را ایستاده بخواند، می‌شود نشسته بر او نماز خواند.

کد مسأله: ۱۹۸۳۳

مسأله ۶۱۲

مسأله ۶۱۲- اگر میت وصیت کرده باشد که شخص معینی بر او نماز بخواند، احتیاط واجب آن است (۱) که آن شخص از ولی میت اجازه بگیرد و بر ولی هم واجب است که اجازه بدهد.

۱- واجب نیست احتیاطاً از ولی اجازه بگیرد و لکن مستحسن است.

کد مسأله: ۱۹۸۳۶

مسأله ۶۱۳

مسأله ۶۱۳- مکروه است بر میت چند مرتبه نماز بخواند، ولی اگر میت اهل علم و تقوی باشد مکروه نیست.

کد مسأله: ۱۹۸۳۸

مسأله ۶۱۴

مسأله ۶۱۴- اگر میت را عمداً یا از روی فراموشی یا به جهت عذری بدون نماز دفن کنند، یا بعد از دفن معلوم شود، نمازی که بر او خوانده شده باطل بوده است، تا وقتی جسد او از هم نپاشیده، واجب است با شرطهایی که برای نماز میت گفته شد به قبرش نماز بخوانند.

کد مسأله: ۱۹۸۴۰

دستور نماز میت**مسأله ۶۱۵**

مسأله ۶۱۵- نماز میت پنج تکبیر دارد و اگر نماز گزار پنج تکبیر به این ترتیب بگوید کافی است: بعد از نیت و گفتن تکبیر اول بگوید: "اشهد ان لا اله الا الله و ان محمدا رسول الله." و بعد از تکبیر دوم بگوید: "اللهم صل علی محمد و آل محمد." و بعد از تکبیر سوم بگوید: "اللهم اغفر للمؤمنین و المؤمنات." و بعد از تکبیر چهارم اگر میت مرد است بگوید: "اللهم اغفر لهذا المیت" و اگر زن است بگوید: "اللهم اغفر لهذه المیت" و بعد از تکبیر پنجم را بگوید. و بهتر است بعد از تکبیر اول بگوید: "اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله ارسله بالحق بشیرا و نذیرا بین یدی الساعة." و بعد از تکبیر دوم بگوید: "اللهم صل علی محمد و آل محمد و بارک علی محمد و آل محمد و ارحم محمدا و آل محمد کافضل ما صلیت و بارکت و ترحمت علی ابراهیم و آل ابراهیم انک حمید مجید و صل علی جمیع الانبیاء و المرسلین و الشهداء و الصدیقین و جمیع عباد الله الصالحین." و بعد از تکبیر سوم بگوید: "اللهم اغفر للمؤمنین و المؤمنات و المسلمین و المسلمات الاحیاء منهم و الاموات تابع بیننا و بینهم بالخیرات انک مجیب الدعوات انک علی کل شیء قدير." و بعد از تکبیر چهارم اگر میت مرد است بگوید: "اللهم ان هذا عبدک و ابن عبدک و ابن امتک نزل بک و انت خیر منزول به اللهم انا لا نعلم منه الا خیرا و انت اعلم به منا اللهم ان کان محسنا فرد

فی احسانه و ان کان مسیئا فتجاوز عنه و اغفر له اللهم اجعله عندک فی اعلى علیین و اخلف علی اهلہ فی الغابین و ارحمه برحمتک یا ارحم الراحمین." و بعد تکبیر پنجم را بگوید. ولی اگر میت زن است بعد از تکبیر چهارم بگوید: "اللهم ان هذه امتک و ابنه عبدک و ابنه امتک نزلت بک و انت خیر منزول به اللهم انالاً- نعلم منها الا خیرا و انت اعلم بها منا اللهم ان کانت محسنه فزد فی احسانها و ان کانت مسیئته فتجاوز عنها و اغفر لها اللهم اجعلها عندک فی اعلى علیین و اخلف علی اهلها فی الغابین و ارحمها برحمتک یا ارحم الراحمین."

کد مسأله: ۱۹۸۵۲

مسأله ۶۱۶

مسأله ۶۱۶- باید تکبیرها و دعاها را طوری پشت سر هم بخواند که نماز از صورت خود خارج نشود.

کد مسأله: ۱۹۸۵۴

مسأله ۶۱۷

مسأله ۶۱۷- کسی که نماز میت را به جماعت می‌خواند، باید تکبیرها و دعاها را هم بخواند.

کد مسأله: ۱۹۸۵۷

مستحبات نماز میت

مسأله ۶۱۸

مسأله ۶۱۸- چند چیز در نماز میت مستحب است:

اول: کسی که نماز میت می‌خواند با وضو یا غسل یا تیمم باشد. و احتیاط مستحب آن است در صورتی تیمم کند که وضو و غسل ممکن نباشد، یا بترسد که اگر وضو بگیرد یا غسل کند به نماز میت نرسد.

دوم: اگر میت مرد است امام جماعت یا کسی که فرادی به او نماز می‌خواند مقابل وسط قامت او بایستد، و اگر میت زن است مقابل سینه‌اش بایستد.

سوم: پابره‌نه نماز بخواند.

چهارم: در هر تکبیر دستها را بلند کند.

پنجم: فاصله او با میت به قدری کم باشد که اگر باد لباسش را حرکت دهد به جنازه برسد.

ششم: نماز میت را به جماعت بخواند.

هفتم: امام جماعت تکبیر و دعاها را بلند بخواند و کسانی که با او نماز می‌خوانند، آهسته بخوانند.

هشتم: در جماعت اگر چه مأوموم یک نفر باشد، عقب امام بایستد.

نهم: نماز گزار به میت و مؤمنین زیاد دعا کند.

دهم: پیش از نماز سه مرتبه بگوید: الصلاة.

یازدهم: نماز را در جایی بخواند که مردم برای نماز میت بیشتر به آنجا می‌روند.

دوازدهم: زن حائض اگر نماز میت را به جماعت می‌خواند، در صفی تنها بایستد.

کد مسأله: ۱۹۸۶۰

مسأله ۶۱۹

مسأله ۶۱۹- خواندن نماز میت در مساجد مکروه است ولی در مسجد الحرام مکروه نیست.

کد مسأله: ۱۹۸۶۴

احکام کفن**مسأله ۶۲۰**

مسأله ۶۲۰- واجب است میت را طوری در زمین دفن کنند که بوی او بیرون نیاید و درندگان هم نتوانند بدنش را بیرون آورند. و اگر ترس آن باشد که جانور بدن او را بیرون آورد باید قبر را با آجر و مانند آن محکم کنند.

کد مسأله: ۱۹۸۶۷

مسأله ۶۲۱

مسأله ۶۲۱- اگر دفن میت در زمین ممکن نباشد، می‌توانند به جای دفن او را در بنا یا تابوت بگذارند.

کد مسأله: ۱۹۸۶۹

مسأله ۶۲۲

مسأله ۶۲۲- میت را باید در قبر به پهلو راست طوری بخوابانند که جلوی بدن او رو به قبله باشد.

کد مسأله: ۱۹۸۷۱

مسأله ۶۲۳

مسأله ۶۲۳- اگر کسی در کشتی بمیرد، چنانچه جسد او فاسد نمی‌شود و بودن او در کشتی مانعی ندارد، باید صبر کنند تا به خشکی برسند و او را در زمین دفن کنند، و گرنه باید در کشتی غسلش بدهند و حنوط و کفن کنند و پس از خواندن نماز میت چیز سنگینی به پایش ببندند و به دریا بیندازند، یا او را در خمره بگذارند (۱) و درش را ببندند و به دریا بیندازند. و اگر ممکن است باید او را در جایی بیندازند که فوراً طعمه حیوانات نشود.

۱- احتیاط لازم آن است که اول این طریق را اختیار کنند و اگر این طریق ممکن نشد آن طریق را عمل نمایند.

کد مسأله: ۱۹۸۷۴

مسأله ۶۲۴

مسأله ۶۲۴- اگر بترسند که دشمن قبر میت را بشکافد و بدن او را بیرون آورد و گوش یا بینی یا اعضای دیگر او را برد، چنانچه ممکن باشد باید به طوری که در مسأله پیش گفته شد، او را به دریا بیندازند.

کد مسأله: ۱۹۸۷۶

مسئله ۶۲۵

مسئله ۶۲۵- مخارج انداختن در دریا و مخارج محکم کردن قبر میت را در صورتی که لازم باشد باید از اصل مال میت بردارند.
کد مسئله: ۱۹۸۷۹

مسئله ۶۲۶

مسئله ۶۲۶- اگر زن کافره بمیرد و بچه در شکم او مرده باشد، یا هنوز روح به بدن او داخل نشده باشد، چنانچه پدر بچه مسلمان باشد، باید زن را در قبر به پهلوئی چپ پشت به قبله بخوابانند که روی بچه به طرف قبله باشد.
کد مسئله: ۱۹۸۸۲

مسئله ۶۲۷

مسئله ۶۲۷- دفن مسلمان در قبرستان کفار و دفن کافر در قبرستان مسلمانان جایز نیست.
کد مسئله: ۱۹۸۸۴

مسئله ۶۲۸

مسئله ۶۲۸- دفن مسلمان در جایی که بی احترامی به او باشد، مانند جایی که خاکروبه و کثافت می‌ریزند، جایز نیست.
کد مسئله: ۱۹۸۸۷

مسئله ۶۲۹

مسئله ۶۲۹- دفن میت در جای غصبی و در زمینی که مثل مسجد برای غیر دفن کردن وقف شده، جایز نیست.
کد مسئله: ۱۹۸۸۹

مسئله ۶۳۰

مسئله ۶۳۰- دفن میت در قبر مردهی دیگر، جایز نیست. مگر آنکه قبر، کهنه شده و میت اولی از بین رفته باشد.
کد مسئله: ۱۹۸۹۳

مسئله ۶۳۱

مسئله ۶۳۱- چیزی که از میت جدا می‌شود، اگر چه مو و ناخن و دندانش باشد، باید با او دفن شود. و دفن ناخن و دندانی که در حال زندگی از انسان جدا میشود، مستحب است.
کد مسئله: ۱۹۸۹۵

مسئله ۶۳۲

مسئله ۶۳۲- اگر کسی در چاه بمیرد و بیرون آوردنش ممکن نباشد، باید در چاه را ببندند و همان چاه را قبر او قرار دهند.

کد مسأله: ۱۹۸۹۷

مسأله ۶۳۳

مسأله ۶۳۳- اگر بچه در رحم مادر بمیرد و ماندنش در رحم برای مادر خطر داشته باشد، باید به آسانترین راه او را بیرون آورند. و چنانچه ناچار شوند که او را قطعه قطعه کنند، اشکال ندارد. ولی باید به وسیله شوهرش اگر اهل فن است یا زنی که اهل فن باشد او را بیرون بیاورند. و اگر ممکن نیست، مرد محرمی که اهل فن باشد. و اگر آن هم ممکن نشود، مرد نامحرمی که اهل فن باشد بچه را بیرون بیاورد. و در صورتی که آن هم پیدا نشود، کسی که اهل فن نباشد می‌تواند بچه را بیرون آورد.

کد مسأله: ۱۹۸۹۹

مسأله ۶۳۴

مسأله ۶۳۴- هرگاه مادر بمیرد و بچه در شکمش زنده باشد، اگر چه امید زنده ماندن طفل را نداشته باشند، باید به وسیله کسانی که در مساله پیش گفته شد، پهلوی چپ او را بشکافند و بچه را بیرون آورند و دوباره بدوزند.

کد مسأله: ۱۹۹۰۲

مستحبات دفن**مسأله ۶۳۵**

مسأله ۶۳۵- مستحب است قبر را به اندازه قد انسان متوسط گود کنند. و میت را در نزدیکترین قبرستان دفن نمایند، مگر آنکه قبرستان دورتر از جهتی بهتر باشد مثل آنکه مردمان خوب در آنجا دفن شده باشند یا مردم برای فاتحه اهل قبور بیشتر به آنجا می‌روند و نیز جنازه را در چند ذرعی قبر زمین بگذارند و تا سه مرتبه کم کم نزدیک ببرند و در هر مرتبه زمین بگذارند و بردارند و در نوبت چهارم وارد قبر کنند و اگر میت مرد است در دفعه سوم طوری زمین بگذارند که سر او طرف پایین قبر باشد و در دفعه چهارم از طرف سر وارد قبر نمایند و اگر زن است در دفعه سوم طرف قبله قبر بگذارند و به پهنا وارد قبر کنند و در موقع وارد کردن پارچه‌ای روی قبر بگیرند و نیز مستحب است جنازه را به آرامی از تابوت بگیرند و وارد قبر کنند و دعاهایی که دستور داده شده پیش از دفن و موقع دفن بخوانند و بعد از آنکه میت را در لحد گذاشتند گره‌های کفن را باز کنند و صورت میت را روی خاک بگذارند و بالشی از خاک زیر سر او بسازند و پشت میت خشت خام یا کلوخی بگذارند که میت به پشت برنگردد و پیش از آنکه لحد را بیوشانند دست راست را به شانه راست میت بزنند و دست چپ را به قوت بر شانه چپ میت بگذارند و دهان را نزدیک گوش او ببرند و به شدت حرکت دهند و سه مرتبه بگویند: "اسمع افهم یا فلان بن فلان." و بجای فلان، اسم میت و پدرش را بگویند. مثلاً اگر اسم او محمد و اسم پدرش علی است، سه مرتبه بگویند: "اسمع افهم یا محمد بن علی." پس از آن بگویند: "هل انت علی العهد الذی فارقتنا علیه من شهاده ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و ان محمدا صلی الله علیه و آله عبده و رسوله و سید النبیین و خاتم المرسلین و ان علیا امیر المؤمنین و سید الوصیین و امام افتراض الله طاعته علی العالمین و ان الحسن و الحسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و القائم الحجه المهدی صلوات الله علیهم ائمه المؤمنین و حجج الله علی الخلق اجمعین و ائمتک ائمه هدی بک ابرار یا فلان بن فلان" و بجای فلان بن فلان اسم میت و پدرش را بگویند. و بعد بگویند: "اذا اتاک الملکان المقربان رسولین من

عند الله تبارک و تعالی و سئلاک عن ربک و عن نبیک و عن دینک و عن کتابک و عن ائمتک فلا تخف و لا تحزن و قل فی جوابهما الله ربی و محمد صلی الله علیه و آله نبیی و الاسلام دینی و القرآن کتابی و الکعبه قبلتی و امیر المؤمنین علی بن ابی طالب امامی و الحسن بن علی المجتبی امامی و الحسین بن علی الشہید بکربلا امامی و علی زین العابدین امامی و محمد الباقر امامی و جعفر الصادق امامی و موسی کاظم امامی و علی الرضا امامی و محمد الجواد امامی و علی الهادی امامی و الحسن العسکری امامی و الحججہ المنتظر امامی هؤلاء صلوات الله علیهم اجمعین ائمتی و سادتی و قادتی و شفعاثنی بهم اتولی و من اعدائهم اتبرء فی الدنیا و الاخره ثم اعلم یا فلان بن فلان "بجای فلان بن فلان اسم میت و پدرش را بگوید. بعد بگوید": ان الله تبارک و تعالی نعم الرب و ان محمداً صلی الله علیه و آله نعم الرسول و ان علی بن ابی طالب و اولاده المعصومین الائمه الاثنی عشر نعم الائمه و ان ما جاء به محمد صلی الله علیه و آله حق و ان الموت حق و سؤال منکر و نکیر فی القبر حق و البعث حق و النشور حق و الصراط حق و المیزان حق و تطایر الکتب حق و ان الجنة حق و النار حق و ان الساعه آتیة لا ریب فیها و ان الله یبعث من فی القبور" پس بگوید: "افهمت یا فلان" و بجای فلان اسم میت را بگوید. پس از آن بگوید: "ثبتک الله بالقول الثابت و هداک الله الی صراط مستقیم عرفک الله بینک و بین اولیائک فی مستقر من رحمته" پس بگوید: "اللهم جاف الارض عن جنیبه و اصعد بروحه الیک و لقه منک برهانا اللهم عفوک عفوک."

کد مسأله: ۱۹۹۰۴

مسأله ۶۳۶

مسأله ۶۳۶- مستحب است کسی که میت را در قبر می‌گذارد با طهارت و سر برهنه و پا برهنه باشد، و از طرف پای میت از قبر بیرون بیاید، و غیر از خویشان میت کسانی که حاضرند با پشت دست‌خاک بر قبر بریزند و بگویند: "انا لله و انا الیه راجعون." اگر میت زن است کسی که با او محرم می‌باشد او را در قبر بگذارد، و اگر محرمی نباشد خویشانش او را در قبر بگذارند.

کد مسأله: ۱۹۹۰۷

مسأله ۶۳۷

مسأله ۶۳۷- مستحب است قبر را مربع یا مربع مستطیل بسازند و به اندازه چهار انگشت از زمین بلند کنند و نشانه‌ای روی آن بگذارند که اشتباه نشود و روی قبر آب پاشند. و بعد از پاشیدن آب کسانی که حاضرند، دستها را بر قبر بگذارند و انگشتها را باز کرده در خاک فرو برند و هفت مرتبه سوره مبارکه "انا انزلناه" بخوانند و برای میت طلب آمرزش کنند و این دعا را بخوانند: "اللهم جاف الارض عن جنیبه و اصعد الیک روحه و لقه منک رضوانا و اسکن قبره من رحمتک ما تغنیه به عن رحمه من سواک."

کد مسأله: ۱۹۹۰۹

مسأله ۶۳۸

مسأله ۶۳۸- پس از رفتن کسانی که تشییع جنازه کرده‌اند، مستحب است ولی میت یا کسی که از طرف ولی اجازه دارد، دعاهایی را که دستور داده شده به میت تلقین کند.

کد مسأله: ۱۹۹۱۲

مسأله ۶۳۹

مسأله ۶۳۹- بعد از دفن مستحب است صاحبان عزا را سر سلامتی دهند. ولی اگر مدتی گذشته است که به واسطه سر سلامتی دادن مصیبت یادشان می‌آید، ترک آن بهتر است. و نیز مستحب است تا سه روز برای اهل خانه میت غذا بفرستند، و غذا خوردن نزد آنان و در منزلشان مکروه است.

کد مسأله: ۱۹۹۱۵

مسأله ۶۴۰

مسأله ۶۴۰- مستحب است انسان در مرگ خویشان مخصوصاً در مرگ فرزند صبر کند و هر وقت میت را یاد می‌کند "انا لله و انا الیه راجعون" بگوید. و برای میت قرآن بخواند، و سر قبر پدر و مادر از خداوند حاجت بخواهد و قبر را محکم بسازد که زود خراب نشود.

کد مسأله: ۱۹۹۱۷

مسأله ۶۴۱

مسأله ۶۴۱- جایز نیست انسان در مرگ کسی صورت و بدن را بخراشد و به خود لطمه بزند.

کد مسأله: ۱۹۹۲۰

مسأله ۶۴۲

مسأله ۶۴۲- پاره کردن یقه در مرگ غیر پدر و برادر جایز نیست. و احتیاط واجب (۱) آن است که در مصیبت آنان هم یقه پاره نکند.

۱- این احتیاط واجب نیست بلکه مستحسن است.

کد مسأله: ۱۹۹۲۲

مسأله ۶۴۳

مسأله ۶۴۳- اگر زن در عزای میت صورت خود را بخراشد، یا موی خود را بکند، (۱) باید یک بنده آزاد کند یا ده فقیر را طعام دهد و یا آنها را بپوشاند. و همچنین است اگر مرد در مرگ زن یا فرزند یقه یا لباس خود را پاره کند.

۱- و اگر موی خود را ببرد باید کفاره افطار ماه رمضان را بدهد یعنی دو ماه روزه یا اطعام شصت مسکین یا یک بنده آزاد نماید.

کد مسأله: ۱۹۹۲۴

مسأله ۶۴۴

مسأله ۶۴۴- احتیاط واجب آن است که در گریه بر میت، صدا را خیلی بلند نکنند.

کد مسأله: ۱۹۹۲۷

نماز وحشت

مسأله ۶۴۵

مسئله ۶۴۵- مستحب است در شب اول قبر دو رکعت نماز وحشت برای میت بخوانند. و دستور آن این است که در رکعت اول بعد از حمد، یک مرتبه آیه الکرسی و در رکعت دوم بعد از حمد، ده مرتبه سوره " انا انزلناه " بخوانند، و بعد از سلام نماز بگویند: " اللهم صل علی محمد و آل محمد و ابعث ثوابها الی قبر فلان " و به جای کلمه فلان، اسم میت را بگویند.

کد مسئله: ۱۹۹۲۹

مسئله ۶۴۶

مسئله ۶۴۶- نماز وحشت را در هر موقع از شب اول قبر می‌شود خواند، ولی بهتر است در اول شب بعد از نماز عشا خوانده شود.

کد مسئله: ۱۹۹۳۲

مسئله ۶۴۷

مسئله ۶۴۷- اگر بخواهند میت را به شهر دوری ببرند، یا به جهت دیگر دفن او تاخیر بیفتد، باید نماز وحشت را تا شب اول قبر او تاخیر بیندازند.

کد مسئله: ۱۹۹۳۴

نیش قبر

مسئله ۶۴۸

مسئله ۶۴۸- نیش قبر مسلمان یعنی شکافتن قبر او اگر چه طفل یا دیوانه باشد، حرام است. ولی اگر بدنش از بین رفته و خاک شده باشد، اشکال ندارد.

کد مسئله: ۱۹۹۳۷

مسئله ۶۴۹

مسئله ۶۴۹- نیش قبر امامزاده‌ها و شهدا و علما و صلحا اگر چه سالها بر آن گذشته باشد، حرام است.

کد مسئله: ۱۹۹۳۹

غسلهای مستحب

مسئله ۶۵۰

مسئله ۶۵۰- شکافتن قبر در چند مورد حرام نیست:

اول: آنکه میت در زمین غصبی دفن شده باشد و مالک زمین راضی نشود که در آنجا بماند.

دوم: آنکه کفن یا چیز دیگری که با میت دفن شده غصبی باشد و صاحب آن راضی نشود که در قبر بماند و همچنین است اگر چیزی از مال خود میت که به ورثه او رسیده با او دفن شده باشد و ورثه راضی نشوند که آن چیز در قبر بماند ولی اگر وصیت کرده باشد که دعا یا قرآن یا انگشتری را با او دفن کنند، برای بیرون آوردن اینها نمیتواند قبر را بشکافتند. (۱)

سوم: آن که میت بی غسل یا بی کفن دفن شده باشد، یا بفهمند غسلش باطل بوده، یا به غیر دستور شرع کفن شده یا در قبر، او را رو به قبله نگذاشته‌اند.

چهارم: آنکه برای ثابت شدن حقی بخوانند بدن میت را ببینند.

پنجم: آنکه میت را در جایی که بی‌احترامی به اوست مثل قبرستان کفار یا جایی که کثافت و خاکروبه می‌ریزند، دفن کرده باشند.

ششم: آنکه برای یک مطلب شرعی که اهمیت آن از شکافتن قبر بیشتر است قبر را بشکافند مثلاً بخوانند بچه زنده را از شکم زن حامله‌ای که دفنش کرده‌اند بیرون آورند.

هفتم: آنکه بترسند درنده‌ای بدن میت را پاره کند یا سیل او را ببرد یا دشمن بیرون آورد.

هشتم: آنکه قسمتی از بدن میت را که با او دفن نشده بخوانند دفن کنند. ولی احتیاط مستحب آن است (۲) که آن قسمت از بدن را طوری در قبر بگذارند که بدن میت دیده نشود.

۱- اگر مورد وصیت زاید بر ثلث نباشد والا با رضایت ورثه نبش قبر جایز است.

۲- بلکه احتیاط لازم است.

کد مسأله: ۱۹۹۴۲

مسأله ۶۵۱

مسأله ۶۵۱- غسلهای مستحب در شرع مقدس اسلام بسیار است و از آن جمله است:

۱- غسل جمعه، و وقت آن از اذان صبح است تا ظهر، و بهتر است نزدیک ظهر بجا آورده شود. و اگر تا ظهر انجام ندهد بهتر است که بدون نیت ادا و قضا تا عصر جمعه بجا آورد. و اگر در روز جمعه غسل نکند، مستحب است از صبح شب تا غروب قضای آن را بجا آورد. و کسی که می‌ترسد در روز جمعه آب پیدا نکند، می‌تواند روز پنجشنبه یا شب جمعه غسل را انجام دهد، و مستحب است انسان در موقع غسل جمعه بگوید:

"اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و ان محمدا عبده و رسوله اللهم صل علی محمد و آل محمد و اجعلنی من التوابین و اجعلنی من المتطهرین."

۲- غسل شب اول ماه رمضان و تمام شبهای طاق مثل شب سوم و پنجم و هفتم. ولی از شب بیست و یکم مستحب است همه شب غسل کنند، و برای غسل شب اول و پانزدهم و هفدهم و نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سوم و بیست و پنجم و بیست و هفتم و بیست و نهم بیشتر سفارش شده است. و وقت غسل شبهای ماه رمضان تمام شب است، و بهتر است مقارن غروب بجا آورده شود، ولی از شب بیست و یکم تا آخر ماه بهتر است غسل را بین نماز مغرب و عشا بجا آورد. و نیز مستحب است در شب بیست و سوم غیر از غسل اول شب، یک غسل هم در آخر شب انجام دهد.

۳- غسل روز عید فطر و عید قربان، و وقت آن از اذان صبح است تا غروب، (۱) و بهتر است آن را پیش از نماز عید بجا آورد.

۴- غسل شب عید فطر، و وقت آن از اول مغرب است تا اذان صبح، و بهتر است در اول شب بجا آورده شود.

۵- غسل روز هشتم و نهم ذی‌الحجه، و در روز نهم بهتر است آن را نزدیک ظهر بجا آورد.

۶- غسل روز اول و پانزدهم و بیست و هفتم و آخر ماه رجب.

۷- غسل روز عید غدیر، و بهتر است پیش از ظهر آنرا انجام دهند.

۸- غسل روز بیست و چهارم ذی‌الحجه.

۹- غسل روز عید نوروز و پانزدهم شعبان و نهم و هفدهم ربیع الاول و روز بیست و پنجم ذی‌قعدة.

- ۱۰- غسل دادن بچه‌ای که تازه بدنیا آمده.
- ۱۱- غسل زنی که برای غیر شوهرش بوی خوش استعمال کرده است.
- ۱۲- غسل کسی که در حال مستی خوابیده.
- ۱۳- غسل کسی که جایی از بدنش را به بدن میتی که غسل داده‌اند رسانده.
- ۱۴- غسل کسی که در موقع گرفتن خورشید و ماه نماز آیات را عمدا نخوانده، (۲) در صورتی که تمام ماه و خورشید گرفته باشد.
- ۱۵- غسل کسی که برای تماشای دار آویخته رفته و آنرا دیده باشد. ولی اگر اتفاقاً یا از روی ناچاری نگاهش بیفتد، یا مثلاً برای شهادت دادن رفته باشد، غسل مستحب نیست.
- ۱- بلکه تا ظهر و از ظهر تا غروب به قصد رجاء عبودیت بجا آورد نه به قصد ورود.
- ۲- احتیاطاً آنرا ترک نکند و بقصد ما فی الذمه بجا آورد.
- کد مسأله: ۱۹۹۴۶

مسأله ۶۵۲

مسأله ۶۵۲- پیش از داخل شدن در حرم مکه، شهر مکه، مسجدالحرام، خانه کعبه، حرم مدینه، شهر مدینه، مسجد پیغمبر و حرم امامان علیهم‌السلام مستحب است انسان غسل کند و اگر در یک روز چند مرتبه مشرف شود، یک غسل کافی است و کسی که می‌خواهد در یک روز داخل حرم مکه و مسجدالحرام و خانه کعبه شود، اگر به نیت همه یک غسل کند کافی است و نیز اگر در یک روز بخواند داخل حرم مدینه و شهر مدینه و مسجد پیغمبر (ص) شود، یک غسل برای همه کفایت می‌کند و برای زیارت پیغمبر و امامان از دور یا نزدیک و برای حاجت خواستن از خداوند عالم و همچنین برای توبه و نشاط به جهت عبادت و برای سفر رفتن خصوصاً سفر زیارت حضرت سیدالشهداء علیه‌السلام مستحب است انسان غسل کند و اگر یکی از غسلهایی را که در این مسأله گفته شد بجا آورد و بعد کاری کند که وضو را باطل می‌نماید مثلاً بخوابد غسل او باطل می‌شود و مستحب است دوباره غسل را بجا آورد.

کد مسأله: ۱۹۹۵۰

مسأله ۶۵۳

مسأله ۶۵۳- انسان نمی‌تواند با غسل مستحبی کاری که مانند نماز وضو لازم دارد انجام دهد.

کد مسأله: ۱۹۹۵۲

مسأله ۶۵۴

مسأله ۶۵۴- اگر چند غسل بر کسی مستحب باشد و به نیت همه، یک غسل بجا آورد، کافی است.

کد مسأله: ۱۹۹۵۵

تیمم

مسأله ۶۵۵

در هفت مورد به جای وضو و غسل باید تیمم کرد:

اول آنکه تهیه آب به قدر وضو یا غسل ممکن نباشد.

مسئله ۶۵۵- اگر انسان در آبادی باشد، باید برای تهیه آب وضو و غسل بقدری جستجو کند که از پیدا شدن آن ناامید شود. و اگر در بیابان باشد، چنانچه زمین آن پست و بلند است باید در هر یک از چهار طرف به اندازه پرتاب یک تیر قدیمی که با کمان پرتاب می‌کردند در جستجوی آب برود. و اگر زمین آن این طور نیست، باید در هر طرف به اندازه پرتاب دو تیر جستجو نماید.

کد مسئله: ۱۹۹۵۸

مسئله ۶۵۶

مسئله ۶۵۶- اگر بعضی از چهار طرف هموار و بعضی دیگر پست و بلند باید در طرفی که هموار است به اندازه پرتاب یک تیر جستجو کند.

کد مسئله: ۱۹۹۶۱

مسئله ۶۵۷

مسئله ۶۵۷- در هر طرفی که یقین دارد آب نیست، در آن طرف جستجو لازم نیست.

کد مسئله: ۱۹۹۶۳

مسئله ۶۵۸

مسئله ۶۵۸- کسی که وقت نماز او تنگ نیست و برای تهیه آب وقت دارد، اگر یقین دارد در محلی دورتر از مقداری که باید جستجو کند آب هست باید برای تهیه آب برود و اگر گمان دارد آب هست رفتن به آن محل لازم نیست (۱) ولی اگر گمان او قوی باشد، بنا بر احتیاط واجب باید برای تهیه آب به آن محل برود.

۱- اگر به حد اطمینان واصل شده جستجو واجب است و اگر به حد اطمینان نرسیده لازم نیست ولو مظنه قوی باشد و لکن احتیاط حسن است.

کد مسئله: ۱۹۹۶۵

مسئله ۶۵۹

مسئله ۶۵۹- لازم نیست خود انسان در جستجوی آب برود، بلکه می‌تواند کسی را که به گفته او اطمینان دارد بفرستد. و در این صورت اگر یک نفر از طرف چند نفر برود، کافی است.

کد مسئله: ۱۹۹۶۸

مسئله ۶۶۰

مسئله ۶۶۰- اگر احتمال دهد که داخل بار سفر خود یا در منزل یا در قافله آب هست باید بقدری جستجو نماید که به نبودن آب یقین کند یا از پیدا کردن آن ناامید شود.

کد مسئله: ۱۹۹۷۰

مسئله ۶۶۱

مسئله ۶۶۱- اگر پیش از وقت نماز جستجو نماید و آب پیدا نکند و تا وقت نماز همان جا بماند، چنانچه احتمال دهد که آب پیدا میکند احتیاط واجب آن است که دوباره در جستجوی آب برود. (۱)
 ۱- اگر احتمال پیدا شدن آب عقلائی باشد والا احتیاط لازم نیست.
 کد مسئله: ۱۹۹۷۳

مسئله ۶۶۲

مسئله ۶۶۲- اگر بعد از داخل شدن وقت نماز جستجو کند و آب پیدا نکند و تا وقت نماز دیگر در همانجا بماند، چنانچه احتمال دهد که آب پیدا میشود، احتیاط واجب آن است که دوباره در جستجو آب برود. (۱)
 ۱- اگر احتمال پیدا شدن آب عقلائی باشد والا احتیاط لازم است.
 کد مسئله: ۱۹۹۷۷

مسئله ۶۶۳

مسئله ۶۶۳- اگر وقت نماز تنگ باشد یا از دزد و درنده برسد یا جستجوی آب به قدری سخت باشد که نتواند تحمل کند، جستجو لازم نیست.
 کد مسئله: ۱۹۹۸۰

مسئله ۶۶۴

مسئله ۶۶۴- اگر در جستجوی آب نرود تا وقت نماز تنگ شود، معصیت کرده ولی نمازش با تیمم صحیح است.
 کد مسئله: ۱۹۹۸۲

مسئله ۶۶۵

مسئله ۶۶۵- کسی که یقین دارد آب پیدا نمی‌کند، چنانچه دنبال آب نرود و با تیمم نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد که اگر جستجو می‌کرد آب پیدا می‌شد، نمازش باطل است.
 کد مسئله: ۱۹۹۸۵

مسئله ۶۶۶

مسئله ۶۶۶- اگر بعد از جستجو آب پیدا نکند و با تیمم نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد در جایی که جستجو کرده آب بوده، نماز او صحیح است.
 کد مسئله: ۱۹۹۸۷

مسئله ۶۶۷

مسأله ۶۶۷- کسی که یقین دارد وقت نماز تنگ است، اگر بدون جستجو با تیمم نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد که برای جستجو وقت داشته، احتیاط واجب آن است که دوباره نمازش را بخواند و اگر وقت گذشته قضا نماید. (۱)
۱- اگر در وقت بفهمد اعاده کند و اگر در خارج وقت بفهمد قضاء ندارد.

کد مسأله: ۱۹۹۹۰

مسأله ۶۶۸

مسأله ۶۶۸- اگر بعد از داخل شدن وقت نماز وضو داشته باشد و بداند که اگر وضوی خود را باطل کند، تهییی آب برای او ممکن نیست، یا نمیتواند وضو بگیرد، چنانچه بتواند وضوی خود را نگهدارد، نباید آنرا باطل نماید.

کد مسأله: ۱۹۹۹۳

مسأله ۶۶۹

مسأله ۶۶۹- اگر پیش از وقت نماز وضو داشته باشد و بداند که اگر وضوی خود را باطل کند، تهیه آب برای او ممکن نیست، چنانچه بتواند وضوی خود را نگهدارد، احتیاط واجب آن است که آن را باطل نکند.

کد مسأله: ۱۹۹۹۵

مسأله ۶۷۰

مسأله ۶۷۰- کسی که فقط به مقدار وضو یا به مقدار غسل آب دارد، و میداند که اگر آن را بریزد آب پیدا نمی کند، چنانچه وقت نماز داخل شده باشد، ریختن آن حرام است. و احتیاط واجب آن است که پیش از وقت نماز هم آن را نریزد.

کد مسأله: ۱۹۹۹۷

مسأله ۶۷۱

مسأله ۶۷۱- کسی که می داند آب پیدا نمی کند، اگر بعد از داخل شدن وقت نماز وضوی خود را باطل کند یا آبی که دارد بریزد، معصیت کرده ولی نمازش با تیمم صحیح است. اگر چه احتیاط مستحب آن است که قضای آن نماز را بخواند.

کد مسأله: ۲۰۰۰۰

دوم از موارد تیمم

مسأله ۶۷۲

مسأله ۶۷۲- اگر به واسطه پیری یا ترس از دزد و جانور و مانند اینها یا نداشتن وسیله‌ای که آب از چاه بکشد، دسترسی به آب نداشته باشد، باید تیمم کند. و همچنین است اگر تهیه کردن آب یا استعمال آن به قدری مشقت داشته باشد که مردم تحمل آن را نکنند.

کد مسأله: ۲۰۰۱۵

مسئله ۶۷۳

مسئله ۶۷۳- اگر برای کشیدن آب از چاه دلو و ریسمان و مانند اینها لازم دارد و مجبور است بخرد یا کرایه نماید، اگر چه قیمت آن چند برابر معمول باشد، باید تهیه کند. و همچنین است اگر آب را به چندین برابر قیمتش بفروشند. ولی اگر تهیه آنها به قدری پول می‌خواهد که نسبت به حال او آن مقدار ضرر دارد، واجب نیست تهیه نماید.

کد مسئله: ۲۰۰۱۸

مسئله ۶۷۴

مسئله ۶۷۴- اگر ناچار شود که برای تهیه آب قرض کند، باید قرض نماید. ولی کسی که می‌داند یا گمان دارد که نمی‌تواند قرض خود را بدهد، واجب نیست قرض کند. (۱)
۱- اگر موجب اهانت و ذلت شود و الا واجب است.

کد مسئله: ۲۰۰۲۱

مسئله ۶۷۵

مسئله ۶۷۵- اگر کردن چاه مشقت ندارد، باید برای تهیه آب، چاه بکند.

کد مسئله: ۲۰۰۲۴

مسئله ۶۷۶

مسئله ۶۷۶- اگر کسی مقداری آب بی‌منت به او بیخشد، باید قبول کند.

کد مسئله: ۲۰۰۲۶

سوم از موارد تیمم**مسئله ۶۷۷**

مسئله ۶۷۷- اگر از استعمال آب بر جان خود بترسد یا بترسد که به واسطه استعمال آن، مرض یا عیبی در او پیدا شود یا مرضش طول بکشد یا شدت کند یا به سختی معالجه شود، باید تیمم نماید. ولی اگر آب گرم برای او ضرر ندارد، باید با آب گرم وضو بگیرد یا غسل کند.

کد مسئله: ۲۰۰۲۸

مسئله ۶۷۸

مسئله ۶۷۸- لازم نیست یقین کند که آب برای او ضرر دارد، بلکه اگر احتمال ضرر بدهد، چنانچه احتمال او در نظر مردم بجا باشد و از آن احتمال ترس برای او پیدا شود، باید تیمم کند.

کد مسئله: ۲۰۰۳۰

مسئله ۶۷۹

مسئله ۶۷۹- کسی که مبتلا به درد چشم است و آب برای او ضرر دارد، باید تیمم نماید.

کد مسئله: ۲۰۰۳۳

مسئله ۶۸۰

مسئله ۶۸۰- اگر به واسطه یقین یا ترس ضرر تیمم کند و پیش از نماز بفهمد که آب برایش ضرر ندارد، تیمم او باطل است. و اگر بعد از نماز بفهمد، بنابر احتیاط واجب (۱) باید دوباره نماز را با وضو یا غسل بخواند و اگر وقت گذشته قضا نماید.

۱- این احتیاط مستحب است نه واجب.

کد مسئله: ۲۰۰۳۵

مسئله ۶۸۱

مسئله ۶۸۱- کسی که می‌داند آب برایش ضرر ندارد، چنانچه غسل کند یا وضو بگیرد و بعد بفهمد که آب برای او ضرر داشته، وضو و غسل او صحیح است.

۱- ولکن احتیاط مستحسن است.

کد مسئله: ۲۰۰۳۷

چهارم از موارد تیمم**مسئله ۶۸۲**

مسئله ۶۸۲- هرگاه بترسد که اگر آب را به مصرف وضو یا غسل برساند، خود او یا عیال و اولاد او، یا رفیقش و کسانی که با او مربوطند مانند نوکر و کلفت از تشنگی بمیرند یا مریض شوند یا به قدری تشنه شوند که تحمل آن مشقت دارد، باید به جای وضو و غسل، تیمم نماید. و نیز اگر بترسد حیوانی که مال خود اوست از تشنگی تلف شود باید آب را به آن بدهد و تیمم نماید، و همچنین است اگر کسی که حفظ جان او واجب است به طوری تشنه باشد که اگر انسان آب را به او ندهد، تلف شود.

کد مسئله: ۲۰۰۳۹

مسئله ۶۸۳

مسئله ۶۸۳- اگر غیر از آب پاکی که برای وضو یا غسل دارد آب نجسی هم به مقدار آشامیدن خود و کسانی که با او مربوطند داشته باشد، باید آب پاک را برای آشامیدن بگذارد و با تیمم نماز بخواند ولی چنانچه آب را برای حیوانش بخواند، باید آب نجس را به آن بدهد و با آب پاک وضو و غسل را انجام دهد.

کد مسئله: ۲۰۰۴۲

پنجم از موارد تیمم**مسئله ۶۸۴**

مسئله ۶۸۴- کسی که بدن یا لباسش نجس است و کمی آب دارد که اگر با آن وضو بگیرد یا غسل کند برای آب کشیدن بدن یا لباس او نمی‌ماند، باید بدن یا لباس را آب بکشد و با تیمم نماز بخواند. ولی اگر چیزی نداشته باشد که بر آن تیمم کند، باید آب را به مصرف وضو یا غسل برساند و با بدن یا لباس نجس نماز بخواند.

کد مسئله: ۲۰۰۴۵

ششم از موارد تیمم

مسئله ۶۸۵

مسئله ۶۸۵- اگر غیر از آب یا ظرفی که استعمال آن حرام است آب یا ظرف دیگری ندارد مثلاً آب یا ظرفش غصبی است و غیر از آن، آب و ظرف دیگری ندارد، باید به جای وضو و غسل تیمم کند.

کد مسئله: ۲۰۰۴۷

هفتم از موارد تیمم

مسئله ۶۸۶

مسئله ۶۸۶- هرگاه وقت به قدری تنگ باشد که اگر وضو بگیرد یا غسل کند، تمام نماز یا مقداری از آن بعد از وقت خوانده می‌شود، باید تیمم کند.

کد مسئله: ۲۰۰۴۹

مسئله ۶۸۷

مسئله ۶۸۷- اگر عمداً نماز را به قدری تاخیر بیندازد که وقت وضو یا غسل نداشته باشد معصیت کرده، ولی نماز او با تیمم صحیح است. اگر چه احتیاط مستحب (۱) آن است که قضای آن نماز را بخواند.

۱- ولی مستحب مؤکد است.

کد مسئله: ۲۰۰۵۲

مسئله ۶۸۸

مسئله ۶۸۸- کسی که شک دارد که اگر وضو بگیرد یا غسل کند وقت برای نماز او می‌ماند یا نه، باید وضو یا غسل بجا آورد. (۱)

۱- بلکه باید تیمم کند

کد مسئله: ۲۰۰۵۴

مسئله ۶۸۹

مسئله ۶۸۹- کسی که به واسطه تنگی وقت تیمم کرده، چنانچه بعد از نماز آبی که داشته از دستش برود، اگر چه تیمم خود را نشکسته باشد، در صورتی که وظیفه‌اش تیمم باشد، باید دوباره تیمم نماید. (۱)

۱- اگر وقت به اندازه وضو گرفتن داشته باشد و بعد از آن فاقد آب شود و الا تکرار تیمم لازم نیست.

کد مسأله: ۲۰۰۵۷

مسأله ۶۹۰

مسأله ۶۹۰- کسی که آب دارد اگر به واسطه تنگی وقت با تیمم مشغول نماز شود و در بین نماز آبی که داشته از دستش برود، چنانچه وظیفه‌اش تیمم باشد احتیاط واجب (۱) آن است که برای نمازهای بعد دوباره تیمم کند.

۱- لازم نیست و تیمم اول کافی است ولی احتیاط مستحسن است.

کد مسأله: ۲۰۰۶۰

مسأله ۶۹۱

مسأله ۶۹۱- اگر انسان به قدری وقت دارد که می‌تواند وضو بگیرد یا غسل کند و نماز را بدون کارهای مستحبی آن مثل اقامه و قنوت بخواند، باید غسل کند یا وضو بگیرد و نماز را بدون کارهای مستحبی آن به جا آورد. بلکه اگر به اندازه سوره هم وقت ندارد، باید غسل کند یا وضو بگیرد و نماز را بدون سوره بخواند.

کد مسأله: ۲۰۰۶۳

چیزهایی که تیمم به آنها صحیح است

مسأله ۶۹۲

مسأله ۶۹۲- تیمم به خاک و ریگ و کلوخ و سنگ صحیح است. ولی احتیاط واجب آن است (۱) که اگر خاک ممکن باشد به چیز دیگر تیمم نکند و اگر خاک نباشد با ریگ و اگر ریگ نباشد با کلوخ و چنانچه کلوخ هم نباشد، با سنگ تیمم نماید.

۱- واجب نیست و همه در عرض هم واقعد ولی احتیاط مستحسن است.

کد مسأله: ۲۰۰۶۵

مسأله ۶۹۳

مسأله ۶۹۳- تیمم بر سنگ گچ و سنگ آهک صحیح است. ولی تیمم به گچ و آهک پخته (۱) و سنگ معدن مثل عقیق باطل میباشد.

۱- اقوی جواز تیمم با آنهاست ولی احتیاط مستحسن است.

کد مسأله: ۲۰۰۶۸

مسأله ۶۹۴

مسأله ۶۹۴- اگر خاک و ریگ و کلوخ و سنگ پیدا نشود، باید به گرد و غباری که روی فرش و لباس و مانند اینهاست، تیمم نماید. و چنانچه گرد پیدا نشود، باید به گل تیمم کند. و اگر گل هم پیدا نشود، احتیاط مستحب آن است که نماز را بدون تیمم بخواند، و واجب است بعداً قضای آن را بجا آورد.

کد مسأله: ۲۰۰۷۰

مسأله ۶۹۵

مسأله ۶۹۵- اگر بتواند با تکاندن فرش و مانند آن خاک تهیه کند، تیمم به گرد باطل است. و اگر بتواند گل را خشک کند و از آن خاک تهیه نماید، تیمم به گل باطل می‌باشد.

کد مسأله: ۲۰۰۷۲

مسأله ۶۹۶

مسأله ۶۹۶- کسی که آب ندارد، اگر برف یا یخ داشته باشد، چنانچه ممکن است باید آن را آب کند و با آن وضو بگیرد یا غسل نماید. و اگر ممکن نیست و چیزی هم که تیمم به آن صحیح است ندارد، احتیاط واجب (۱) آن است که با برف یا یخ، اعضاء وضو یا غسل را نمناک کند، و اگر این هم ممکن نیست به یخ یا برف تیمم نماید ولی در دو صورت اخیر نمازی را که خوانده باید قضا کند.

۱- واجب نیست ولی مستحسن است چنانچه تیمم به آنها هم لازم نیست ولی مستحسن است.

کد مسأله: ۲۰۰۷۵

مسأله ۶۹۷

مسأله ۶۹۷- اگر با خاک و ریگ، چیزی مانند گاه که تیمم به آن باطل است مخلوط شود، نمی‌تواند به آن تیمم کند. ولی اگر آن چیز به قدری کم باشد که در خاک یا ریگ از بین رفته حساب شود، تیمم به آن خاک و ریگ صحیح است.

کد مسأله: ۲۰۰۷۸

مسأله ۶۹۸

مسأله ۶۹۸- اگر چیزی ندارد که بر آن تیمم کند، چنانچه ممکن است باید به خریدن و مانند آن تهیه نماید.

کد مسأله: ۲۰۰۸۰

مسأله ۶۹۹

مسأله ۶۹۹- تیمم به دیوار گلی صحیح است. و احتیاط مستحب آن است که با بودن زمین یا خاک خشک، به زمین یا خاک نمناک تیمم نکند.

کد مسأله: ۲۰۰۸۲

مسأله ۷۰۰

مسأله ۷۰۰- چیزی که با آن تیمم میکند باید پاک باشد و اگر چیز پاکی که تیمم به آن صحیح است ندارد، نماز بر او واجب نیست ولی باید قضای آن را بجا آورد.

کد مسأله: ۲۰۰۸۵

مسأله ۷۰۱

مسأله ۷۰۱- اگر یقین داشته باشد که تیمم به چیزی صحیح است و به آن تیمم نماید، بعد بفهمد تیمم به آن باطل بوده، نمازهایی را که با آن تیمم خوانده، باید دوباره بخواند.

کد مسأله: ۲۰۰۸۷

مسأله ۷۰۲

مسأله ۷۰۲- چیزی که بر آن تیمم می‌کند و مکان آن چیز باید غضبی نباشد، (۱) پس اگر بر خاک غضبی تیمم کند، یا خاکی را که مال خود اوست بیاجازه در ملک دیگری بگذارد و بر آن تیمم کند تیمم او باطل می‌باشد.

۱- عدم غضبی بودن مکان شرط نیست و تیمم صحیح است زیرا متحد با غضب نیست.

کد مسأله: ۲۰۰۸۹

مسأله ۷۰۳

مسأله ۷۰۳- تیمم در فضای غضبی باطل نیست. پس اگر در ملک خود دستها را به زمین بزند و بی‌اجازه داخل ملک دیگری شود و دستها را به پیشانی بکشد، تیمم او باطل نمی‌شود.

کد مسأله: ۲۰۰۹۱

مسأله ۷۰۴

مسأله ۷۰۴- تیمم بر چیز غضبی، یا در فضای غضبی یا بر چیزی که در ملک غضبی است، در صورتی باطل است که انسان بداند غضب است و عمداً تیمم کند و چنانچه نداند، یا فراموش کرده باشد، تیمم او صحیح است. ولی اگر چیزی را خودش غضب کند و فراموش کند که غضب کرده و بر آن تیمم کند، یا ملکی را غضب نماید و فراموش کند که غضب کرده و چیزی را که بر آن تیمم میکند در آن ملک بگذارد، یا در فضای آن ملک تیمم نماید، تیمم او باطل است. (۱)

۱- بلکه صحیح است.

کد مسأله: ۲۰۰۹۴

مسأله ۷۰۵

مسأله ۷۰۵- کسی که در جای غضبی حبس است، اگر آب و خاک او غضبی است، باید با تیمم نماز بخواند.

کد مسأله: ۲۰۰۹۶

مسأله ۷۰۶

مسأله ۷۰۶- مستحب است چیزی که بر آن تیمم می‌کند، گردی داشته باشد که به دست بماند. و بعد از زدن دست بر آن، مستحب

است دست را بتکاند که گرد آن بریزد.

کد مسأله: ۲۰۰۹۸

مسأله ۷۰۷

مسأله ۷۰۷- تیمم به زمین گود و خاک جاده و زمین شوره زار که نمک روی آن را نگرفته، مکروه است. واگر نمک روی آن را گرفته باشد، باطل است.

کد مسأله: ۲۰۱۰۱

دستور تیمم بدل از وضوء

مسأله ۷۰۸

مسأله ۷۰۸- در تیمم چهار چیز واجب است: اول: نیت. دوم: زدن کف دو دست با هم (۱) بر چیزی که تیمم به آن صحیح است. سوم: کشیدن کف هر دو دست به تمام پیشانی و دو طرف آن از جایی که موی سر می‌روید تا ابروها و بالای بینی و احتیاطاً (۲) باید دست‌ها روی ابروها هم کشیده شود. چهارم: کشیدن کف دست چپ به تمام پشت دست راست و بعد از آن کشیدن کف دست راست به تمام پشت دست چپ.

۱- بعید نیست کفایت وضع دو دست

۲- این احتیاط واجب نیست بلکه مستحسن است

کد مسأله: ۲۰۱۰۳

دستور تیمم بدل از غسل

مسأله ۷۰۹

مسأله ۷۰۹- در تیمم بدل از غسل، بعد از آنکه نیت کرد و به دستوری که در مسأله پیش گفته شد، دست‌ها را به زمین زد و به پیشانی کشید، باید یک مرتبه دیگر دست‌ها را به زمین بزند و به پشت دست‌ها بکشد و احتیاط مستحب آن است که تیمم را چه بدل از وضوء باشد، چه بدل از غسل، به این ترتیب بجا آورد: یک مرتبه دست‌ها را به زمین بزند و به پیشانی و پشت دست‌ها بکشد و یک مرتبه دیگر به زمین بزند و پشت دست‌ها را مسح نماید.

کد مسأله: ۲۰۱۰۵

احکام تیمم

مسأله ۷۱۰

مسأله ۷۱۰- اگر مختصری از پیشانی و پشت دست‌ها را هم مسح نکند، تیمم باطل است، چه عمداً مسح نکند یا مسأله را نداند یا فراموش کرده باشد. ولی دقت زیاد هم لازم نیست و همین قدر که بگویند تمام پیشانی و پشت دست مسح شده کافی است.

کد مسأله: ۲۰۱۰۸

مسئله ۷۱۱

مسئله ۷۱۱- برای آنکه یقین کند تمام پشت دست را مسح کرده، باید مقداری بالاتراز مچ را هم مسح نماید. ولی مسح بین انگشتان لازم نیست.

کد مسئله: ۲۰۱۱۰

مسئله ۷۱۲

مسئله ۷۱۲- پیشانی و پشت دستها را باید از بالا به پایین مسح نماید و کارهای آن را باید پشت سر هم بجا آورد و اگر بین آنها به قدری فاصله دهد که نگویند تیمم می کند، باطل است.

۱- علی الاحوط

کد مسئله: ۲۰۱۱۳

مسئله ۷۱۳

مسئله ۷۱۳- در موقع نیت باید معین کند (۱) که تیمم او بدل از غسل است یا بدل از وضو. و اگر بدل از غسل باشد، باید آن غسل را معین نماید. و چنانچه اشتهاً به جای بدل از وضو، بدل از غسل، یا به جای بدل از غسل، بدل از وضو، نیت کند یا مثلاً در تیمم بدل از غسل جنابت، نیت تیمم بدل از غسل مس میت نماید، تیمم او باطل است. (۲)

۱- اگر مبدل مقصود باشد و الا لازم نیست.

۲- اگر به نحو تقیید باشد و اگر به نحو اشتباه در تطبیق است صحیح است.

کد مسئله: ۲۰۱۱۵

مسئله ۷۱۴

مسئله ۷۱۴- در تیمم باید پیشانی و کف دستها و پشت دستها پاک باشد، و اگر کف دست نجس باشد و نتواند آن را آب بکشد، احتیاط واجب (۱) آن است که دو تیمم کند: یکی با کف دست و یکی با پشت دست یعنی پشت دست را به چیزی که تیمم با آن صحیح است بزند و به پیشانی و پشت دستها بکشد.

۱- این احتیاط واجب نیست، تیمم به کف دست نجس کافی است مگر آنکه نجاست مسری باشد و تحفیف (خشک کردن) ممکن نباشد، آنگاه تیمم به پشت دست کافی است ولی احتیاط مستحسن است.

کد مسئله: ۲۰۱۱۸

مسئله ۷۱۵

مسئله ۷۱۵- انسان باید برای تیمم انگشتر را از دست بیرون آورد. و اگر در پیشانی یا پشت دستها یا در کف دستها مانعی باشد، مثلاً چیزی به آنها چسبیده باشد، باید برطرف نماید.

کد مسئله: ۲۰۱۲۰

مسئله ۷۱۶

مسئله ۷۱۶- اگر پیشانی یا پشت دستها زخم است و پارچه یا چیز دیگری را که بر آن بسته، نمی‌تواند باز کند، باید دست را روی آن بکشد. و نیز اگر کف دست زخم باشد و پارچه یا چیز دیگری را که بر آن بسته نتواند باز کند، باید دست را با همان پارچه به چیزی که تیمم به آن صحیح است بزند و به پیشانی و پشت دستها بکشد.

کد مسئله: ۲۰۱۲۲

مسئله ۷۱۷

مسئله ۷۱۷- اگر پیشانی و پشت دستها مو داشته باشد، اشکال ندارد. ولی اگر موی سر روی پیشانی آمده باشد، باید آن را عقب بزند.

کد مسئله: ۲۰۱۲۴

مسئله ۷۱۸

مسئله ۷۱۸- اگر احتمال دهد که در پیشانی و کف دستها یا پشت دستها مانعی هست، چنانچه احتمال او در نظر مردم به جا باشد، باید جستجو نماید تا یقین یا گمان کند (۱) که مانعی نیست.

۱- مظنه کافی نیست ولی اگر اطمینان حاصل شود کافی است.

کد مسئله: ۲۰۱۲۷

مسئله ۷۱۹

مسئله ۷۱۹- اگر وظیفه او تیمم است و نمی‌تواند تیمم کند، باید نایب بگیرد. و کسی که نایب می‌شود، باید او را با دست خود او تیمم دهد. و اگر ممکن نباشد، باید نایب دست خود را به چیزی که تیمم به آن صحیح است بزند و به پیشانی و پشت دستهای او بکشد.

کد مسئله: ۲۰۱۲۹

مسئله ۷۲۰

مسئله ۷۲۰- اگر در بین تیمم شک کند که قسمت پیش از آن را فراموش کرده یا نه، باید آن قسمت را با آنچه بعد از آن است بجا آورد. (۱)

۱- اگر تجاوز از محل مشکوک نکرده باشد والا اعتنا به شک نکند.

کد مسئله: ۲۰۱۳۲

مسئله ۷۲۱

مسئله ۷۲۱- اگر بعد از مسح دست چپ شک کند که درست تیمم کرده یا نه، تیمم او صحیح است.

کد مسئله: ۲۰۱۳۴

مسئله ۷۲۲

مسئله ۷۲۲- کسی که وظیفه‌اش تیمم است نمیتواند پیش از وقت نماز برای نماز تیمم کند. ولی اگر برای کار واجب دیگر یا مستحبی تیمم کند و تا وقت نماز عذر او باقی باشد، می‌تواند با همان تیمم نماز بخواند.

کد مسئله: ۲۰۱۳۶

مسئله ۷۲۳

مسئله ۷۲۳- کسی که وظیفه‌اش تیمم است، اگر بداند تا آخر وقت عذر او باقی می‌ماند، در وسعت وقت می‌تواند با تیمم نماز بخواند. ولی اگر بداند که تا آخر وقت عذر او برطرف می‌شود، باید صبر کند و با وضو یا غسل نماز بخواند. و نیز اگر امید دارد که عذرش برطرف شود (۱)، باید صبر کند و با وضو یا غسل نماز بخواند. یا در تنگی وقت با تیمم نماز را بجا آورد.

۱- در این صورت صبر لازم نیست و نماز با تیمم صحیح است ولی صبر مستحسن است.

کد مسئله: ۲۰۱۳۸

مسئله ۷۲۴

مسئله ۷۲۴- کسی که نمی‌تواند وضو بگیرد یا غسل کند، اگر احتمال ندهد که عذرش به زودی برطرف شود، می‌تواند نمازهای قضای خود را با تیمم بخواند، ولی اگر احتمال دهد، به زودی عذر او برطرف می‌شود، خواندن نمازهای قضا برای او اشکال دارد.

(۱)

۱- اشکال ندارد ولی اگر یقین به زوال عذر عن قریب دارد نماز با تیمم مشکل است.

کد مسئله: ۳۱۳۴۵

مسئله ۷۲۵

مسئله ۷۲۵- کسی که نمی‌تواند وضو بگیرد یا غسل کند، جایز است نمازهای مستحبی را که مثل نافله‌های شبانه روز وقت معین دارد با تیمم بخواند، ولی اگر احتمال دهد که تا آخر وقت آنها عذر او برطرف میشود. نباید آنها را در اول وقتشان بجا آورد. (۱)

۱- در این صورت جایز است در اول وقت نوافل را به جا آورد.

کد مسئله: ۳۱۳۴۸

مسئله ۷۲۶

مسئله ۷۲۶- کسی که احتیاطاً باید غسل جبیره‌ای و تیمم نماید، مثلاً جراحی در پشت او است، اگر بعد از غسل و تیمم نماز بخواند و بعد از نماز حدث اصغری از او سرزند، مثلاً بول کند برای نمازهای بعد باید بدل از غسل احتیاطاً تیمم کند و وضو بگیرد. (۱)

۱- تیمم بدل از غسل واجب نیست و تا عذر باقی است یک تیمم بدل از غسل کافی است فقط باید برای رفع حدث اصغر وضو بگیرد و اگر نمیتواند تیمم بدل از وضو کند و لکن احتیاط مستحب است.

کد مسئله: ۳۱۳۵۰

مسئله ۷۲۷

مسئله ۷۲۷- اگر به واسطه نداشتن آب یا عذر دیگری تیمم کند، بعد از برطرف شدن عذر، تیمم او باطل می‌شود.
کد مسئله: ۳۱۳۵۳

مسئله ۷۲۸

مسئله ۷۲۸- چیزهایی که وضو را باطل می‌کند، تیمم بدل از وضو را هم باطل می‌کند. و چیزهایی که غسل را باطل می‌نماید، تیمم بدل از غسل را هم باطل می‌نماید.
کد مسئله: ۳۱۳۵۶

مسئله ۷۲۹

مسئله ۷۲۹- کسی که نمی‌تواند غسل کند، اگر چند غسل بر او واجب باشد، احتیاط واجب آن است (۱) که بدل هر یک از آنها یک تیمم نماید.
۱- این احتیاط واجب نیست و یک تیمم به عنوان بدل از همه اغسال کافی است.
کد مسئله: ۳۱۳۵۸

مسئله ۷۳۰

مسئله ۷۳۰- کسی که نمی‌تواند غسل کند، اگر بخواهد عملی را که برای آن غسل واجب است انجام دهد، باید بدل از غسل تیمم نماید. و اگر نتواند وضو بگیرد و بخواهد عملی را که برای آن وضو واجب است انجام دهد، باید بدل از وضو تیمم نماید.
کد مسئله: ۳۱۳۶۰

مسئله ۷۳۱

مسئله ۷۳۱- اگر بدل از غسل جنابت تیمم کند، لازم نیست برای نماز وضو بگیرد. ولی اگر بدل از غسلهای دیگر تیمم کند، باید وضو بگیرد. و اگر نتواند وضو بگیرد، باید تیمم دیگری هم بدل از وضو بنماید.
کد مسئله: ۳۱۳۶۲

مسئله ۷۳۲

مسئله ۷۳۲- اگر بدل از غسل تیمم کند و بعد کاری که وضو را باطل می‌کند برای او پیش آید، چنانچه برای نمازهای بعد نتواند غسل کند، باید وضو بگیرد. و بنا بر احتیاط واجب (۱) بدل از غسل تیمم نماید و اگر نمیتواند وضو بگیرد، باید دو تیمم کند یکی بدل از غسل و دیگری بدل از وضو ولی اگر تیمم او بدل از غسل جنابت باشد، چنانچه یک تیمم نماید به قصد اینکه آنچه تکلیف اوست انجام داده باشد، کافی است.
۱- این احتیاط واجب نیست بلکه مستحسن است و وضو یا تیمم بدل از آن کافی است.
کد مسئله: ۳۱۳۶۵

مسئله ۷۳۳

مسئله ۷۳۳- کسی که باید برای انجام عملی مثلاً برای خواندن نماز، بدل از وضو و بدل از غسل تیمم کند، احتیاط واجب (۱) آن است که تیمم سومی هم به قصد اینکه بتواند آن عمل را انجام دهد بنماید. ولی اگر در تیمم اول، نیت بدل از وضو یا نیت بدل از غسل نماید و تیمم دوم را به قصد اینکه وظیفه خود را انجام داده باشد بجا آورد، تیمم سوم لازم نیست.

۱- این احتیاط واجب نیست

کد مسئله: ۳۱۳۶۷

مسئله ۷۳۴

مسئله ۷۳۴- کسی که وظیفه اش تیمم است، اگر برای کاری تیمم کند، تا تیمم و عذر او باقی است، کارهایی را که باید با وضو یا غسل انجام داد، می تواند به جا آورد. ولی اگر عذرش تنگی وقت بوده، یا با داشتن آب برای نماز میت یا خوابیدن، تیمم کرده، فقط کاری را که برای آن تیمم نموده، می تواند انجام دهد.

کد مسئله: ۳۱۳۷۰

مسئله ۷۳۵

مسئله ۷۳۵- در چند مورد مستحب است نمازهایی را که انسان با تیمم خوانده، دوباره بخواند: اول: آنکه از استعمال آب ترس داشته و عمداً خود را جنب کرده و با تیمم نماز خوانده است. دوم: آنکه می دانسته یا گمان داشته که آب پیدا نمی کند و عمداً خود را جنب کرده و با تیمم نماز خوانده است. سوم: آنکه تا آخر وقت عمداً در جستجوی آب نرود و با تیمم نماز بخواند و بعد بفهمد که اگر جستجو می کرد، آب پیدا می شد. چهارم: آنکه عمداً نماز را تأخیر انداخته و در آخر وقت با تیمم نماز خوانده است. پنجم: آنکه می دانسته یا گمان داشته که آب پیدا نمی شود و آبی را که داشته ریخته است. ششم: آنکه از ترس مزاحمت جمعیت و نرسیدن به نماز جماعت، نماز جمعه را با تیمم خوانده است.

کد مسئله: ۳۱۳۷۲

احکام نماز

نماز مهمترین اعمال دینی است که اگر قبول در گاه خداوند عالم شود، عبادتهای دیگر هم قبول می شود. و اگر پذیرفته نشود، اعمال دیگر هم قبول نمی شود. و همانطور که اگر انسان شبانه روزی پنج نوبت در نهر آبی شستشو کند، چرک در بدنش نمی ماند، نمازهای پنجگانه هم انسان را از گناهان پاک می کند. و سزاوار است که انسان نماز را در اول وقت بخواند. و کسی که نماز را پست و سبک شمارد، مانند کسی است که نماز نمی خواند. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: "کسی که به نماز اهمیت ندهد و آن را سبک شمارد، سزاوار عذاب آخرت است." روزی حضرت در مسجد تشریف داشتند، مردی وارد و مشغول نماز شد، و رکوع و سجودش را کاملاً به جا نیاورد. حضرت فرمودند: "اگر این مرد در حالی که نمازش این طور است از دنیا برود، به دین من از دنیا نرفته است." پس انسان باید مواظب باشد که به عجله و شتابزدگی نماز نخواند، و در حال نماز به یاد خدا و با خضوع و خشوع و وقار باشد، و متوجه باشد که با چه کسی سخن می گوید، و خود را در مقابل عظمت و بزرگی خداوند عالم بسیار پست و ناچیز بیند. و اگر انسان در موقع نماز کاملاً به این مطلب توجه کند، از خود بی خبر می شود. چنانچه در حال نماز تیر را از پای

مبارک امیر المؤمنین علیه السلام بیرون کشیدند و آن حضرت متوجه نشدند. و نیز باید نماز گزار توبه و استغفار نماید و گناہانی که مانع قبول شدن نماز است مانند حسد، کبر، غیبت، خوردن حرام، آشامیدن مسکرات و ندادن خمس و زکات، بلکه هر معصیتی را ترک کند. و همچنین سزاوار است کارهایی که ثواب نماز را کم می‌کند بجانیاورد، مثلاً در حال خواب آلودگی و خودداری از بول به نماز نایستد و در موقع نماز به آسمان نگاه نکند. و نیز کارهایی که ثواب نماز را زیاد می‌کند بجا آورد، مثلاً انگشتی عقیق به دست کند، و لباس پاکیزه بپوشد، و شانه و مسواک کند، و خود را خوشبو نماید.

کد مسأله: ۳۱۳۹۵

نمازهای واجب

نمازهای واجب شش است: اول: نماز یومیه. دوم: نماز آیات. سوم: نماز میت. چهارم: نماز طواف واجب خانه کعبه. پنجم: نماز قضای پدر و مادر (۱) که بر پسر بزرگتر واجب است. ششم: نمازی که به واسطه اجاره و نذر و قسم و عهد واجب می‌شود. ۱- نمازهای قضای مادر بر ولد اکبر لازم نیست.

کد مسأله: ۳۱۳۹۷

نمازهای واجب یومیه

مسأله ۷۳۶

نمازهای واجب یومیه پنج است: ظهر و عصر هر کدام چهار رکعت، مغرب سه رکعت، عشا چهار رکعت، صبح دو رکعت. مسأله ۷۳۶- در سفر باید نمازهای چهار رکعتی را با شرایطی که گفته می‌شود، دو رکعت خواند.

کد مسأله: ۳۱۴۰۰

وقت نماز ظهر و عصر

مسأله ۷۳۷

مسأله ۷۳۷- اگر چوب یا چیزی مانند آن را راست در زمین هموار فرو برند، صبح که خورشید بیرون می‌آید، سایه آن به طرف مغرب می‌افتد و هر چه آفتاب بالا- می‌آید، این سایه کم می‌شود. و در شهرهای ما در اول ظهر شرعی به آخرین درجه کمی می‌رسد، و ظهر که گذشت، سایه آن به طرف مشرق برمی‌گردد. و هر چه خورشید رو به مغرب می‌رود، سایه زیادتر می‌شود. بنابراین وقتی سایه به آخرین درجه کمی رسید و دو مرتبه رو به زیاد شدن گذاشت، معلوم می‌شود ظهر شرعی شده است. ولی در بعضی شهرها مثل مکه که گاهی موقع ظهر سایه به کلی از بین می‌رود، بعد از آنکه سایه دوباره پیدا شد، معلوم می‌شود ظهر شده است.

کد مسأله: ۳۱۴۰۳

مسأله ۷۳۸

مسأله ۷۳۸- چوب یا چیز دیگری را که برای معین کردن ظهر به زمین فرو می‌برند، شاخص گویند.

کد مسأله: ۳۱۴۰۵

مسئله ۷۳۹

مسئله ۷۳۹- نماز ظهر و عصر هر کدام وقت مخصوص و مشترکی دارند: وقت مخصوص نماز ظهر از اول ظهر است تا وقتی که از ظهر به اندازه خواندن نماز ظهر بگذرد. که اگر کسی سهواً تمام نماز عصر را در این وقت بخواند، نمازش باطل است و وقت مخصوص نماز عصر موقعی است که به اندازه خواندن نماز عصر، وقت به مغرب مانده باشد که اگر کسی تا این موقع نماز ظهر را نخواند، نماز ظهر او قضا شده و باید نماز عصر را بخواند و ما بین وقت مخصوص نماز ظهر و وقت مخصوص نماز عصر، وقت مشترک نماز ظهر و نماز عصر است، که اگر کسی در این وقت اشتبهاً تمام نماز عصر را پیش از نماز ظهر بخواند نمازش صحیح است و باید نماز ظهر را بعد از آن بجا آورد. (۱)

۱- بلکه صحیح است و عصر واقع می شود و احتیاط مستحسن آن است که آن را ظهر حساب کند و چهار رکعت به عنوان مافی الذمه بجا آورد و نه قصد ظهر نماید و نه عصر، این حکم در وقت مشترک است نه مختص.

کد مسئله: ۳۱۴۰۸

مسئله ۷۴۰

مسئله ۷۴۰- اگر پیش از خواندن نماز ظهر سهواً مشغول نماز عصر شود و در بین نماز بفهمد اشتباه کرده است، چنانچه در وقت مشترک باشد، باید نیت را به نماز ظهر برگرداند. یعنی نیت کند که آنچه تا حال خوانده‌ام و آنچه را مشغولم و آنچه بعد می خوانم، همه نماز ظهر باشد. و بعد از آنکه نماز را تمام کرد، نماز عصر را بخواند. و اگر در وقت مخصوص به ظهر باشد بنا بر احتیاط واجب، (۱) باید نیت را به نماز ظهر برگرداند و نماز را تمام کند، بعد هر دو نماز را به ترتیب بجا آورد.

۱- بلکه در وقت مخصوص علی الاقوی باطل است و عدول صحیح نیست و باید هر دو نماز را به جا آورد.

کد مسئله: ۳۱۴۱۰

مسئله ۷۴۱

مسئله ۷۴۱- در زمان حضور امام (ع) واجب است، انسان در روز جمعه به جای نماز ظهر، دو رکعت نماز جمعه بخواند. ولی در این زمان اگر کسی نماز جمعه خواند، احتیاط واجب (۱) آن است که نماز ظهر را هم بخواند.

۱- بلکه اقوی وجوب نماز ظهر است و نماز جمعه را به عنوان رجاء عبودیت بجا آورد و کافی از نماز ظهر نیست.

کد مسئله: ۳۱۴۱۳

وقت نماز مغرب و عشا**مسئله ۷۴۲**

مسئله ۷۴۲- وقت نماز جمعه از اول ظهر است تا وقتی که سایه‌ی شاخص به اندازه‌ی خود شاخص شود.

کد مسئله: ۳۱۴۱۵

مسئله ۷۴۳

مسئله ۷۴۳- مغرب موقعی است که سرخی طرف مشرق که بعد از غروب آفتاب پیدا می‌شود، از بالای سر انسان بگذرد.

کد مسئله: ۳۱۴۱۸

مسئله ۷۴۴

مسئله ۷۴۴- نماز مغرب و عشا هر کدام وقت مخصوص و مشترکی دارند:

وقت مخصوص نماز مغرب از اول مغرب است تا وقتی که از مغرب به اندازه‌ی خواندن سه رکعت نماز بگذرد که اگر کسی مثلاً مسافر باشد و تمام نماز عشا را سهواً در این وقت بخواند، نمازش باطل است. و وقت مخصوص نماز عشا موقعی است که به اندازه خواندن نماز عشا به نصف شب مانده باشد که اگر کسی تا این موقع نماز مغرب را نخواند، باید اول نماز عشا و بعد از آن نماز مغرب را بخواند. و بین وقت مخصوص نماز مغرب و وقت مخصوص نماز عشا، وقت مشترک نماز مغرب و عشا است، که اگر کسی در این وقت اشتبهاً نماز عشا را پیش از نماز مغرب بخواند و بعد از نماز ملتفت شود، نمازش صحیح است و باید نماز مغرب را بعد از آن بجا آورد.

کد مسئله: ۳۱۴۲۰

مسئله ۷۴۵

مسئله ۷۴۵- وقت مخصوص و مشترک که معنی آن در مسئله پیش گفته شد، برای اشخاص فرق می‌کند. مثلاً اگر به اندازه خواندن دو رکعت نماز از اول ظهر بگذرد، وقت مخصوص نماز ظهر کسی که مسافر است، تمام شده و داخل وقت مشترک می‌شود. و برای کسی که مسافر نیست، باید به اندازه‌ی خواندن چهار رکعت نماز بگذرد.

کد مسئله: ۳۱۴۲۳

مسئله ۷۴۶

مسئله ۷۴۶- اگر پیش از خواندن نماز مغرب، سهواً مشغول نماز عشا شود و در بین نماز بفهمد که اشتباه کرده، چنانچه تمام آنچه را خوانده یا مقداری از آن را، در وقت مشترک خوانده و به رکوع رکعت چهارم نرفته است، باید نیت را به نماز مغرب برگرداند و نماز را تمام کند و بعد نماز عشا را بخواند. و اگر به رکوع رکعت چهارم نرفته باشد تمام کند، بعد نماز مغرب (۱) را بخواند اما اگر تمام آنچه را خوانده، در وقت مخصوص نماز مغرب خوانده باشد و پیش از رکوع رکعت چهارم یادش بیاید، احتیاط واجب (۲) آن است که نیت را به نماز مغرب برگرداند و نماز را تمام کند و دوباره نماز مغرب و بعد از آن عشا را بخواند.

۱- و احتیاط آن است که نماز عشاء را بعد از نماز مغرب بخواند

۲- اقوی بطلان نماز است و باید نماز مغرب و عشاء را بخواند ولی احتیاط مستحسن عدول به نماز مغرب و اتمام آن و دوباره خواندن نماز مغرب و عشاء و اگر در رکوع رکعت چهارم و بعد از آن متذکر شد نماز را به عنوان عشاء تمام کند و صحیح است زیرا بعضی از آن در وقت مشترک واقع شده و بعد از آن نماز مغرب را میخواند ولی احتیاط مستحسن خواندن نماز عشاء است بعد از نماز مغرب.

کد مسئله: ۳۱۴۲۵

مسئله ۷۴۷

مسئله ۷۴۷- آخر وقت نماز عشا نصف شب است. و شب را باید از اول غروب تا اذان صبح حساب کرد، نه تا اول آفتاب.

کد مسئله: ۳۱۴۲۸

مسئله ۷۴۸

مسئله ۷۴۸- اگر از روی معصیت یا به واسطه عذری نماز مغرب یا نماز عشا را تا نصف شب نخواند، بنابر احتیاط واجب باید تا قبل از اذان صبح بدون اینکه نیت ادا و قضا کند، بجا آورد.

کد مسئله: ۳۱۴۳۰

وقت نماز صبح

مسئله ۷۴۹

مسئله ۷۴۹- نزدیک اذان صبح از طرف مشرق سفیده‌ای رو به بالا حرکت می‌کند، که آن را فجر اول گویند. موقعی که آن سفیده پهن شد، فجر دوم و اول وقت نماز صبح است. و آخر وقت نماز صبح، موقعی است که آفتاب بیرون می‌آید.

کد مسئله: ۳۱۴۳۳

احکام وقت نماز

مسئله ۷۵۰

مسئله ۷۵۰- موقعی انسان می‌تواند مشغول نماز شود، که یقین کند وقت داخل شده است، (۱) یا دو مرد عادل به داخل شدن وقت خبر دهند.

۱- یا اطمینان کند به دخول وقت یا عدل عارف به وقت آذان بگوید یا ثقه عارف به وقت آذان بگوید یا دو عادل شهادت به دخول وقت بدهند یا یک عادل شهادت به دخول وقت بدهد.

کد مسئله: ۳۱۴۳۵

مسئله ۷۵۱

مسئله ۷۵۱- اگر به واسطه ابر یا غبار یا نابینایی و یا بودن در زندان نتوان در اول وقت نماز به داخل شدن وقت یقین کند، چنانچه گمان (۱) داشته باشد که وقت داخل شده میتواند مشغول نماز شود ولی احتیاط مستحب آن است که نماز را تأخیر بیندازد تا یقین کند، وقت داخل شده است.

۱- مظنه به دخول وقت کافی نیست مگر در مورد غیم برای افطار نه دخول در نماز و در بقیه موارد باید اطمینان داشته باشد یا دو عادل بدخول وقت شهادت دهند یا آذان عادل عارف یا آذان ثقه عارف به دخول وقت باشد.

کد مسئله: ۳۱۴۳۷

مسئله ۷۵۲

مسئله ۷۵۲- اگر دو مرد عادل به داخل شدن وقت خیر دهند یا انسان یقین کند که وقت نماز شده و مشغول نماز شود و در بین نماز بفهمد که هنوز وقت داخل نشده، نماز او باطل است. و همچنین است اگر بعد از نماز بفهمد که تمام نماز را پیش از وقت خوانده. ولی اگر در بین نماز بفهمد وقت داخل شده، یا بعد از نماز بفهمد که در بین نماز وقت داخل شده، نماز او صحیح است.

کد مسئله: ۳۱۴۴۰

مسئله ۷۵۳

مسئله ۷۵۳- اگر انسان ملتفت نباشد که باید با یقین به داخل شدن وقت مشغول نماز شود، چنانچه بعد از نماز بفهمد که تمام نماز را در وقت خوانده، نماز او صحیح است. و اگر بفهمد تمام نماز را پیش از وقت خوانده یا نفهمد که در وقت خوانده یا پیش از وقت، نماز باطل است. بلکه اگر بعد از نماز بفهمد که در بین نماز وقت داخل شده است، احتیاط واجب آن است که دوباره آن نماز را بخواند.

کد مسئله: ۳۱۴۴۲

مسئله ۷۵۴

مسئله ۷۵۴- اگر یقین کند وقت داخل شده و مشغول نماز شود و در بین نماز شک کند که وقت داخل شده یا نه، نماز او باطل است. ولی اگر در بین نماز یقین داشته باشد که وقت شده و شک کند که آنچه از نماز خوانده در وقت بوده یا نه، نمازش صحیح است.

کد مسئله: ۳۱۴۴۵

مسئله ۷۵۵

مسئله ۷۵۵- اگر وقت نماز به قدری تنگ است که به واسطه به جا آوردن بعضی از کارهای مستحب نماز، مقداری از آن بعد از وقت خوانده می‌شود، باید آن مستحب را به جا نیاورد. و اگر به واسطه خواندن قنوت مقداری از نماز بعد از وقت خوانده می‌شود، باید قنوت نخواند.

کد مسئله: ۳۱۴۴۷

مسئله ۷۵۶

مسئله ۷۵۶- کسی که به اندازه خواندن یک رکعت نماز وقت دارد، باید نماز را به نیت ادا بخواند. ولی نباید عمداً نماز را تا این وقت تأخیر بیندازد.

کد مسئله: ۳۱۴۵۰

مسئله ۷۵۷

مسئله ۷۵۷- کسی که مسافر نیست، اگر تا مغرب به اندازه خواندن پنج رکعت نماز وقت دارد، باید نماز ظهر و عصر هر دو را بخواند. و اگر کمتر وقت دارد، باید فقط نماز عصر را بخواند و بعداً نماز ظهر را قضا کند. و اگر تا نصف شب به اندازه خواندن پنج رکعت نماز وقت دارد، باید نماز مغرب و عشا را بخواند. و اگر کمتر وقت دارد، باید فقط عشا را بخواند و بعداً باید نماز مغرب

را قضا نماید. (۱)

۱- به قصد مافی الذمه بجا آورد نه قصد اداء کند و نه قصد قضا نماید چنانچه سابقاً ذکر شد.

کد مسأله: ۳۱۴۵۲

مسأله ۷۵۸

مسأله ۷۵۸- کسی که مسافر است، اگر تا مغرب به اندازه خواندن سه رکعت نماز وقت دارد، باید نماز ظهر و عصر را بخواند. و اگر کمتر وقت دارد، باید فقط عصر را بخواند و بعداً نماز ظهر را قضا کند. و اگر تا نصف شب به اندازه‌ی خواندن چهار رکعت نماز وقت دارد، باید نماز مغرب و عشا را بخواند. و اگر کمتر وقت دارد، باید فقط عشا را بخواند و بعداً مغرب را قضا نماید. (۱) و چنانچه بعد از خواندن عشا معلوم شود که به مقدار یک رکعت یا بیشتر وقت به نصف شب مانده است، باید فوراً نماز مغرب را به نیت ادا بجا آورد.

۱- نه قصد قضاء و نه قصد اداء کند بلکه به عنوان مافی الذمه بجا آورد.

کد مسأله: ۳۱۴۵۵

مسأله ۷۵۹

مسأله ۷۵۹- مستحب است انسان نماز را در اول وقت آن بخواند، و راجع به آن خیلی سفارش شده است. و هر چه به اول وقت نزدیکتر باشد، بهتر است. مگر آنکه تأخیر آن از جهتی بهتر باشد، مثلاً صبر کند که نماز را به جماعت بخواند.

کد مسأله: ۳۱۴۵۷

مسأله ۷۶۰

مسأله ۷۶۰- هرگاه انسان عذری دارد که اگر بخواهد در اول وقت نماز بخواند، ناچار است مثلاً با تیمم یا با لباس نجس نماز بخواند، چنانچه بداند عذر او تا آخر وقت باقی است، می‌تواند در اول وقت نماز بخواند. ولی اگر احتمال (۱) دهد که عذر او از بین می‌رود، باید صبر کند تا عذرش برطرف شود. و چنانچه عذر او برطرف نشد، در آخر وقت نماز بخواند. و لازم نیست به قدری صبر کند که فقط بتواند کارهای واجب نماز را انجام دهد، بلکه اگر برای مستحبات نماز مانند اذان و اقامه و قنوت هم وقت دارد، می‌تواند تیمم کند و نماز را با آن مستحبات بجا آورد.

۱- در غیر موارد تیمم باید صبر نماید تا آخر وقت یا مایوس شود از زوال عذر و در موارد تیمم صبر لازم نیست و در اول وقت هم میتواند بخواند.

کد مسأله: ۳۱۴۶۰

مسأله ۷۶۱

مسأله ۷۶۱- کسی که مسایل نماز و شکایات و سهویات را نمیداند و احتمال میدهد که یکی از اینها در نماز پیش آید، باید برای یاد گرفتن اینها نماز را از اول وقت تاخیر بیندازد. (۱) ولی اگر اطمینان دارد که نماز را به طور صحیح تمام می‌کند، می‌تواند در اول وقت مشغول نماز شود. پس اگر در نماز مسأله‌ای که حکم آن را نمی‌داند پیش نیاید، نماز او صحیح است. و اگر مسأله‌ای که حکم آن را نمی‌داند پیش بیاید جایز است به یکی از دو طرفی که احتمال می‌دهد عمل نماید و نماز را تمام کند. ولی بعد از نماز

- باید مسأله را بپرسد که اگر نمازش باطل بوده، دوباره بخواند و اگر صحیح هم بوده، بنا بر احتیاط واجب دوباره بجا آورد. (۲)
- ۱- در صورت غلبه اتفاق یکی از مسائل مذکوره در متن و الا تأخیر لازم نیست و تقدم جایز است.
- ۲- واجب نیست بلکه مستحسن است.

کد مسأله: ۳۱۴۶۳

نمازهایی که باید به ترتیب خوانده شود

مسأله ۷۶۲

مسأله ۷۶۲- اگر وقت نماز وسعت دارد و طلبکار هم طلب خود را مطالبه می کند، در صورتی که ممکن است، باید اول قرض خود را بدهد، بعد نماز بخواند. و همچنین است اگر کار واجب دیگری که باید فوراً آنرا بجا آورد پیش آمد کند، مثلاً ببیند مسجد نجس است که باید اول مسجد را تطهیر کند، بعد نماز بخواند. و چنانچه اول نماز بخواند معصیت کرده، ولی نماز او صحیح است.

کد مسأله: ۳۱۴۶۶

مسأله ۷۶۳

مسأله ۷۶۳- انسان باید نماز عصر را بعد از نماز ظهر، و نماز عشا را بعد از نماز مغرب بخواند. و اگر عمداً نماز عصر را پیش از نماز ظهر و نماز عشا را پیش از نماز مغرب بخواند، باطل است.

کد مسأله: ۳۱۴۶۸

مسأله ۷۶۴

مسأله ۷۶۴- اگر به نیت نماز ظهر مشغول نماز شود و در بین نماز یادش بیاید که نماز ظهر را خوانده است، نمی تواند نیت را به نماز عصر برگرداند، بلکه باید نماز را بشکند و نماز عصر را بخواند. و همینطور است در نماز مغرب و عشا.

کد مسأله: ۳۱۴۷۰

مسأله ۷۶۵

مسأله ۷۶۵- اگر در بین نماز عصر یقین کند که نماز ظهر را نخوانده است و نیت را به نماز ظهر برگرداند چنانچه یادش بیاید که نماز ظهر را خوانده بوده بنا بر احتیاط واجب (۱) باید نیت را به نماز عصر برگرداند و بعد از تمام کردن نماز دوباره نماز عصر را بخواند.

۱- احتیاط واجب نیست و لکن مستحسن است ولی نماز عصر را باید بخواند ولو در صورت عدول نیت به نماز عصر

کد مسأله: ۳۱۴۷۳

مسأله ۷۶۶

مسأله ۷۶۶- اگر در بین نماز عصر شک کند که نماز ظهر را خوانده یا نه، باید نیت را (۱) به نماز ظهر برگرداند. ولی اگر وقت به قدری کم است که بعد از تمام شدن نماز مغرب می شود، باید به نیت نماز عصر، نماز را تمام کند.

۱- لازم نیست و قاعده تجاوز حیثی جاری میشود و نماز عصر را تصحیح میکند و میگوید صلوه ظهر قبل از آن از جهت اشتراط ترتیب آمده و بعد از نماز عصر باید نماز ظهر را به جا آورد.

کد مسأله: ۳۱۴۷۵

مسأله ۷۶۷

مسأله ۷۶۷- اگر در نماز عشا پیش از رکوع رکعت چهارم شک کند که نماز مغرب را خوانده یا نه، چنانچه وقت به قدری کم است که بعد از تمام شدن نماز، نصف شب می شود، باید به نیت عشا نماز را تمام کند. و اگر بیشتر وقت دارد، باید نیت را (۱) به نماز مغرب برگرداند و نماز را سه رکعتی تمام کند، بعد نماز عشا را بخواند.

۱- عدول لازم نیست نماز عشاء را تمام میکند و نماز مغرب را بعد از آن بجا می آورد.

کد مسأله: ۳۱۴۷۸

مسأله ۷۶۸

مسأله ۷۶۸- اگر در نماز عشا بعد از رسیدن به رکوع رکعت چهارم، شک کند که نماز مغرب را خوانده یا نه، باید نماز را تمام کند، بعد نماز مغرب را بخواند. (۱)

۱- اگر در وقت مشترک شک واقع شود و اگر در وقت مختص به عشاء باشد نماز مغرب بعد از نماز عشاء لازم نیست.

کد مسأله: ۳۱۴۸۱

مسأله ۷۶۹

مسأله ۷۶۹- اگر انسان نمازی را که خوانده احتیاطاً دوباره بخواند و در بین نماز یادش بیاید، نمازی را که باید پیش از آن بخواند نخوانده است، نمی تواند نیت را به آن نماز برگرداند. مثلاً موقعی که نماز عصر را احتیاطاً می خواند، اگر یادش بیاید نماز ظهر را نخوانده است، نمی تواند نیت را به نماز ظهر برگرداند.

کد مسأله: ۳۱۴۸۳

مسأله ۷۷۰

مسأله ۷۷۰- برگرداندن نیت از نماز قضا به نماز ادا، و از نماز مستحب به نماز واجب جایز نیست.

کد مسأله: ۳۱۴۸۵

مسأله ۷۷۱

مسأله ۷۷۱- اگر وقت نماز ادا وسعت داشته باشد، انسان می تواند در بین نماز نیت را به نماز قضا برگرداند، ولی باید برگرداندن نیت به نماز قضا ممکن باشد. مثلاً- اگر مشغول نماز ظهر است، در صورتی می تواند نیت را به قضای صبح برگرداند که داخل رکعت سوم نشده باشد.

کد مسأله: ۳۱۴۸۷

نمازهای مستحب**مسئله ۷۷۲**

مسئله ۷۷۲- نمازهای مستحبی زیاد است و آنها را نافله گویند. و بین نمازهای مستحبی، به خواندن نافله‌های شبانه روز بیشتر سفارش شده، و آنها در غیر روز جمعه سی و چهار رکعتند، که هشت رکعت آن نافله ظهر و هشت رکعت نافله عصر و چهار رکعت نافله مغرب و دو رکعت نافله عشا و یازده رکعت نافله شب و دو رکعت نافله صبح می‌باشد. و چون دو رکعت نافله عشا را بنا بر احتیاط واجب (۱) باید نشسته خواند، یک رکعت حساب می‌شود. ولی در روز جمعه بر شانزده رکعت نافله ظهر و عصر، چهار رکعت اضافه می‌شود.

۱- این احتیاط مستحسن است و علی الاقوی قیام در آن جایز است.

کد مسئله: ۳۱۴۹۰

مسئله ۷۷۳

مسئله ۷۷۳- از یازده رکعت نافله شب، هشت رکعت آن باید به نیت نافله شب، و دو رکعت آن به نیت نماز شفع، و یک رکعت آن به نیت نماز وتر خوانده شود. و دستور کامل نافله شب در کتابهای دعا گفته شده است.

کد مسئله: ۳۱۴۹۲

مسئله ۷۷۴

مسئله ۷۷۴- نمازهای نافله را می‌شود نشسته خواند ولی بهتر است دو رکعت نماز نافله نشسته را یک رکعت حساب کند. مثلاً کسی که می‌خواهد نافله ظهر را که هشت رکعت است نشسته بخواند، بهتر است شانزده رکعت بخواند. و اگر می‌خواهد نماز وتر را نشسته بخواند، دو نماز یک رکعتی نشسته بخواند.

کد مسئله: ۳۱۴۹۵

مسئله ۷۷۵

مسئله ۷۷۵- نافله ظهر و عصر و عشاء را (۱) در سفر نباید خواند.

۱- علی الاقوی نافله عشاء در سفر ساقط است ولی بهتر آن است که آنرا رجاء عبودیت بجا آورند.

کد مسئله: ۳۱۴۹۸

وقت نافله‌های یومیه**مسئله ۷۷۶**

مسئله ۷۷۶- نافله‌ی نماز ظهر پیش از نماز ظهر خوانده می‌شود. و وقت آن از اول ظهر است تا موقعی که آن مقدار از سایه شاخص که بعد از ظهر پیدا می‌شود، به اندازه دو هفتم آن شود. مثلاً اگر درازی شاخص هفت وجب باشد، هر وقت مقدار سایه‌ای که بعد از ظهر پیدا می‌شود به دو وجب رسید، آخر وقت نافله ظهر است.

کد مسأله: ۳۱۵۰۰

مسأله ۷۷۷

مسأله ۷۷۷- نافله عصر پیش از نماز عصر خوانده می‌شود. و وقت آن تا موقعی است که آن مقدار از سایه‌ی شاخص که بعد از ظهر پیدا می‌شود، به چهار هفتم آن برسد. و چنانچه بخواند نافله ظهر یا نافله عصر را بعد از وقت آنها بخواند، باید نافله ظهر را بعد از نماز ظهر (۱) و نافله عصر را بعد از نماز عصر بخواند. و بنا بر احتیاط واجب، نیت ادا و قضا نکند.

۱- لازم نیست تأخیر نافله ظهر و عصر از نماز ظهر و عصر بلکه تقدیم و تأخیر هر دو جایز است و لکن بعد از مضي وقت نافله به عنوان مافی الذمه بجا آورند نه قصد اداء کند و نه قصد قضا نماید.

کد مسأله: ۳۱۵۰۳

مسأله ۷۷۸

مسأله ۷۷۸- وقت نافله مغرب، بعد از تمام شدن نماز مغرب است تا وقتی که سرخی طرف مغرب که بعد از غروب کردن آفتاب در آسمان پیدا می‌شود، از بین برود. (۱)

۱- بلکه وقت نافله مغرب ممتد است به امتداد وقت نماز مغرب علی الاقوی و لکن احتیاط آن است که بعد از زوال حمزه مغریه به عنوان رجاء عبودیت بجا آورد.

کد مسأله: ۳۱۵۰۵

مسأله ۷۷۹

مسأله ۷۷۹- وقت نافله عشا، بعد از تمام شدن نماز عشا تا نصف شب است. و بهتر است بعد از نماز عشا بلافاصله خوانده شود.

کد مسأله: ۳۱۵۰۸

مسأله ۷۸۰

مسأله ۷۸۰- نافله صبح پیش از نماز صبح خوانده می‌شود. و وقت آن بعد از فجر اول است تا وقتی که سرخی طرف مشرق پیدا شود. و نشانه فجر اول در وقت نماز صبح گفته شد، و ممکن است نافله صبح را بعد از نافله شب بلافاصله بخوانند.

کد مسأله: ۳۱۵۱۰

مسأله ۷۸۱

مسأله ۷۸۱- وقت نافله شب از نصف شب است، تا اذان صبح، و بهتر است نزدیک اذان صبح خوانده شود.

کد مسأله: ۳۱۵۱۲

نماز غفلیه**مسأله ۷۸۲**

مسئله ۷۸۲- مسافر و کسی که برای او سخت است، نافله شب را بعد از نصف شب بخواند، می‌تواند آن را در اول شب بجا آورد.

کد مسئله: ۳۱۵۱۵

مسئله ۷۸۳

مسئله ۷۸۳- یکی از نمازهای مستحبی نماز غفيله است، که بین نماز مغرب و عشا خوانده می‌شود. و وقت آن بنا بر احتیاط پیش از آن است که سرخی طرف مغرب از بین برود. و در رکعت اول آن بعد از حمد، باید به جای سوره، این آیه را بخوانند:

"و ذا النون اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر علیه فنادی فی الظلمات ان لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین فاستجبنا له و نجیناه من الغم و کذلک ننجی المؤمنین." و در رکعت دوم بعد از حمد به جای سوره، این آیه را بخوانند: "و عنده مفاتح الغیب لا یعلمها الا هو و ینزل ما فی البر و البحر و ما تسقط من ورقه الا یعلمها و لا حبه فی ظلمات الارض و لا رطب و لا یابس الا فی کتاب مبین." و در قنوت آن بگویند: "اللهم انی اسئلك بمفاتح الغیب التي لا یعلمها الا انت ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تفعل بی کذا و کذا." و به جای کلمه کذا و کذا حاجتهای خود را بگویند. و بعد بگویند: "اللهم انت ولی نعمتی و القادر علی طلبتی تعلم حاجتی فاسئلك بحق محمد و آل محمد علیه و علیهم السلام لما قضیتها لی."

کد مسئله: ۳۱۵۱۷

احکام قبله

مسئله ۷۸۴

مسئله ۷۸۴- خانه کعبه که در مکه می‌باشد قبله است، و باید روبروی آن نماز خواند. ولی کسی که دور است، اگر طوری بایستد که بگویند رو به قبله نماز می‌خواند، کافی است. و همچنین است کارهای دیگری که مانند سر بریدن حیوانات باید رو به قبله انجام گیرد.

کد مسئله: ۳۱۵۲۰

مسئله ۷۸۵

مسئله ۷۸۵- کسی که نماز واجب را ایستاده می‌خواند، باید صورت و سینه و شکم و جلوی پاهای او رو به قبله باشد و احتیاط مستحب آن است که انگشتان پای او هم روبرو به قبله باشد.

کد مسئله: ۳۱۵۲۲

مسئله ۷۸۶

مسئله ۷۸۶- کسی که باید نشسته نماز بخواند، اگر نمی‌تواند به طور معمول بنشیند و در موقع نشستن، کف پاها را به زمین می‌گذارد، باید در موقع نماز صورت و سینه و شکم و ساق پای او (۱) رو به قبله باشد.

۱- صدق عرفی در مقابله با جهت کعبه کافی است و مقابله ساق پا لازم نیست.

کد مسئله: ۳۱۵۲۵

مسئله ۷۸۷

مسئله ۷۸۷- کسی که نمی‌تواند نشسته نماز بخواند، باید در حال نماز به پهلو راست طوری بخوابد که جلوی بدن او رو به قبله باشد. و اگر ممکن نیست، باید به پهلو چپ طوری بخوابد که جلوی بدن او رو به قبله باشد. و اگر این را هم نتواند، باید به پشت بخوابد، به طوری که کف پای او رو به قبله باشد.

کد مسئله: ۳۱۵۲۷

مسئله ۷۸۸

مسئله ۷۸۸- نماز احتیاط و سجده و تشهد فراموش شده و سجده سهو را باید رو به قبله بجا آورد.

کد مسئله: ۳۱۵۳۰

مسئله ۷۸۹

مسئله ۷۸۹- نماز مستحبی را می‌شود در حال راه رفتن و سواری خواند. و اگر انسان در این دو حال نماز مستحبی بخواند، لازم نیست رو به قبله باشد.

کد مسئله: ۳۱۵۳۲

مسئله ۷۹۰

مسئله ۷۹۰- کسی که می‌خواهد نماز بخواند، باید برای پیدا کردن قبله کوشش نماید تا یقین کند (۱) که قبله کدام طرف است و اگر نتواند یقین پیدا کند، باید به گمانی که از محراب مسجد مسلمانان یا قبرهای آنان یا از راههای دیگر پیدا میشود عمل نماید، حتی اگر از گفته فاسق یا کافری که به واسطه قواعد علمی قبله را می‌شناسد گمان به قبله پیدا کند، کافی است.

۱- یا اطمینان پیدا کند یا دو عادل شهادت دهند.

کد مسئله: ۳۱۵۳۴

مسئله ۷۹۱

مسئله ۷۹۱- کسی که گمان به قبله دارد، اگر بتواند گمان قویتری پیدا کند، نمی‌تواند به گمان خود عمل نماید. مثلاً اگر میهمان از گفته صاحبخانه گمان به قبله پیدا کند، ولی بتواند از راه دیگر گمان قویتری پیدا کند، نباید به حرف او عمل نماید.

کد مسئله: ۳۱۵۳۷

مسئله ۷۹۲

مسئله ۷۹۲- اگر برای پیدا کردن قبله وسیله‌ای ندارد، یا با اینکه کوشش کرده گمانش به طرفی نمی‌رود، چنانچه وقت نماز وسعت دارد، باید چهار نماز به چهار طرف بخواند. و اگر به اندازه چهار نماز وقت ندارد، باید به اندازه‌ای که وقت دارد نماز بخواند. مثلاً اگر فقط به اندازه یک نماز وقت دارد، باید یک نماز به هر طرفی که می‌خواهد بخواند. و باید نمازها را طوری بخواند که یقین کند یکی از آنها رو به قبله بوده، یا اگر از قبله کج بوده، به طرف دست راست و دست چپ قبله نرسیده است.

کد مسئله: ۳۱۵۳۹

مسئله ۷۹۳

مسئله ۷۹۳- اگر یقین یا گمان کند که قبله در یکی از دو طرف است، باید به هر دو طرف نماز بخواند. ولی احتیاط مستحب آن است که در صورت گمان، به چهار طرف نماز بخواند.

کد مسئله: ۳۱۵۴۲

مسئله ۷۹۴

مسئله ۷۹۴- کسی که باید به چند طرف نماز بخواند، اگر بخواند دو نماز بخواند که مثل نماز ظهر و عصر باید یکی بعد از دیگری خوانده شد، احتیاط واجب (۱) آن است که نماز اول را به هر چند طرف که واجب است بخواند، بعد نماز دوم را شروع کند.

۱- لازم نیست بلکه مستحسن است.

کد مسئله: ۳۱۵۴۴

مسئله ۷۹۵

مسئله ۷۹۵- کسی که یقین به قبله ندارد، اگر بخواند غیر از نماز کاری کند که باید رو به قبله انجام داد، مثلاً بخواند سر حیوانی را ببرد، باید به گمان عمل نماید. و اگر گمان ممکن نیست، به هر طرف که انجام دهد، صحیح است. (۱)

۱- در صورت تحقق یکی از عناوین ثانیه مثل اضطرار یا ضرر یا غیر اینها والا اشتراط استقبال ساقط نمیشود.

کد مسئله: ۳۱۵۴۷

پوشانیدن بدن در نماز**مسئله ۷۹۶**

مسئله ۷۹۶- مرد باید در حال نماز، اگر چه کسی او را نمی‌بیند، عورتین خود را بپوشاند. و بهتر است از ناف تا زانو را هم بپوشاند.

کد مسئله: ۳۱۵۴۹

مسئله ۷۹۷

مسئله ۷۹۷- زن باید در موقع نماز تمام بدن، حتی سر و موی خود را بپوشاند. و احتیاط واجب (۱) آن است که کف پا را هم بپوشاند. ولی پوشاندن صورت به مقداری که در وضو شسته می‌شود، و دستها تا مچ، و پاها تا مچ پا لازم نیست. اما برای آنکه یقین کند که مقدار واجب را پوشانده است، باید مقداری از اطراف صورت و قدری پایین تر از مچ پا را هم بپوشاند.

۱- لازم نیست.

کد مسئله: ۳۱۵۵۲

مسئله ۷۹۸

مسئله ۷۹۸- موقعی که انسان قضای سجده فراموش شده یا تشهد فراموش شده را بجا می‌آورد، بلکه بنا بر احتیاط واجب در موقع

سجده سهو هم، باید خود را مثل موقع نماز بپوشاند.

کد مسأله: ۳۱۵۵۴

مسأله ۷۹۹

مسأله ۷۹۹- اگر انسان عمدتاً، یا از روی ندانستن مسأله (۱) در نماز عورتش را بپوشاند، نمازش باطل است.

۱- در صورت جهل حکم چه قصوری باشد و چه تقصیری نماز صحیح است ولی اعاده مستحسن است.

کد مسأله: ۳۱۵۵۷

مسأله ۸۰۰

مسأله ۸۰۰- اگر در بین نماز بفهمد که عورتش پیدا است، باید آن را بپوشاند. و احتیاط واجب (۱) آن است که نمازش را تمام

کند و دوباره بخواند. ولی اگر بعد از نماز بفهمد که در نماز عورت او پیدا بوده، نمازش صحیح است.

۱- نمازش صحیح است و اعاده لازم نیست اگر چه مستحسن است.

کد مسأله: ۳۱۵۵۹

مسأله ۸۰۱

مسأله ۸۰۱- اگر در حال ایستاده، لباسش عورت او را می پوشاند، ولی ممکن است در حال دیگر مثلاً- در حال رکوع و سجود

نپوشاند، چنانچه موقعی که عورت او پیدا می شود به وسیله ای آن را بپوشاند، نماز او صحیح است. ولی احتیاط مستحب آن است که

با آن لباس نماز نخواند.

کد مسأله: ۳۱۵۶۲

مسأله ۸۰۲

مسأله ۸۰۲- انسان می تواند در نماز خود را به علف و برگ درختان بپوشاند، ولی احتیاط مستحب آن است که موقعی خود را با

اینها بپوشاند که چیز دیگری نداشته باشد.

کد مسأله: ۳۱۵۶۴

مسأله ۸۰۳

مسأله ۸۰۳- انسان در حال ناچاری میتواند در نماز خود را با گل بپوشاند.

کد مسأله: ۳۱۵۶۶

مسأله ۸۰۴

مسأله ۸۰۴- اگر چیزی ندارد که در نماز خود را با آن بپوشاند، چنانچه احتمال دهد که پیدا می کند، بنا بر احتیاط واجب (۱) باید

نماز را تأخیر بیندازد و اگر چیزی پیدا نکرد، در آخر وقت مطابق وظیفه اش نماز بخواند.

۱- بلکه علی الاقوی باید نماز را تأخیر بیاندازد.

کد مسأله: ۳۱۵۶۸

مسأله ۸۰۵

مسأله ۸۰۵- کسی که می‌خواهد نماز بخواند، اگر برای پوشاندن خود حتی برگ درخت و علف و گل و لجن نداشته باشد، و آب گل آلود یا چاله ای هم که در آن به ایستد پیدا نکند و احتمال ندهد که تا آخر وقت چیزی پیدا کند که خود را با آن بپوشاند، در صورتی که احتمال بدهد که نامحرم او را می‌بیند، باید نشسته نماز بخواند و برای رکوع و سجود به قدری خم شود (۱) که عورتش پیدا نباشد و برای سجود کمی بیشتر از رکوع خم شود و مهر را بالا بیاورد و پیشانی را بر آن بگذارد و اگر اطمینان دارد که نامحرم او را نمی‌بیند، احتیاط واجب آن است که دو نماز ایستاده بخواند (۲) و موقعی که ایستاده قبل خود را با دست بپوشاند (۳) و در یکی از آن دو نماز، رکوع و سجود را بجا آورد و در دیگری بجای رکوع و سجود با سر اشاره نماید.

۱- خم شدن لازم نیست و برای رکوع و سجود ایماء و اشاره می‌کند.

۲- بلکه علی الاقوی یک نماز قائماً با ایماء و اشاره به رکوع و سجود کافی است و نماز دوم لازم نیست ولی احتیاط مستحسن است.

۳- علی الاحوط.

کد مسأله: ۳۱۵۷۲

لباس نماز گزار

مسأله ۸۰۶

مسأله ۸۰۶- لباس نماز گزار شش شرط دارد: اول: آنکه پاک باشد. دوم: آنکه مباح باشد. سوم: آنکه از اجزای مردار نباشد. چهارم: آنکه از حیوان حرام گوشت نباشد. پنجم و ششم: آنکه اگر نماز گزار مرد است، لباس او ابریشم خالص و طلا باف نباشد. و تفصیل اینها در مسائل آینده گفته می‌شود.

کد مسأله: ۳۱۵۷۵

مسأله ۸۰۷

شرط اول

مسأله ۸۰۷- لباس نماز گزار باید پاک باشد. و اگر کسی عمداً با بدن یا لباس نجس نماز بخواند، نمازش باطل است.

کد مسأله: ۳۱۵۷۷

مسأله ۸۰۸

مسأله ۸۰۸- کسی که نمی‌داند با بدن و لباس نجس نماز باطل است، اگر با بدن یا لباس نجس نماز بخواند، نمازش باطل می‌باشد. (۱)

۱- در جهل تقصیری نه قصوری

کد مسأله: ۳۱۵۸۰

مسأله ۸۰۹

مسأله ۸۰۹- اگر به واسطه تقصیر در ندانستن مسأله، چیز نجسی را نداند نجس است، مثلاً نداند عرق جنب از حرام نجس است و با آن نماز بخواند، نمازش باطل است. (۱)

۱- در جهل تقصیری نه قصوری

کد مسأله: ۳۱۵۸۲

مسأله ۸۱۰

مسأله ۸۱۰- اگر نداند که بدن یا لباسش نجس است و بعد از نماز بفهمد نجس بوده، نماز او صحیح است. ولی احتیاط مستحب آن است که اگر وقت دارد دوباره آن نماز را بخواند.

کد مسأله: ۳۱۵۸۵

مسأله ۸۱۱

مسأله ۸۱۱- اگر فراموش کند که بدن یا لباسش نجس است و در بین نماز یا بعد از آن یادش بیاید، باید نماز را دوباره بخواند، و اگر وقت گذشته قضا نماید.

کد مسأله: ۳۱۵۸۷

مسأله ۸۱۲

مسأله ۸۱۲- کسی که در وسعت وقت مشغول نماز است، اگر در بین نماز بدن یا لباس او نجس شود و پیش از آن که چیزی از نماز را با نجاست بخواند، ملتفت شود که نجس شده یا بفهمد بدن یا لباس او نجس است و شک کند که همان وقت نجس شده یا از پیش نجس بوده، در صورتی که آب کشیدن بدن یا لباس یا عوض کردن لباس یا بیرون آوردن آن، نماز را به هم نمی‌زند، باید در بین نماز بدن یا لباس را آب بکشد یا لباس را عوض نماید یا اگر چیز دیگری عورت او را پوشانده لباس را بیرون آورد. ولی چنانچه طوری باشد که اگر بدن یا لباس را آب بکشد یا لباس را عوض کند یا بیرون آورد نماز به هم می‌خورد و اگر لباس را بیرون آورد برهنه می‌ماند، باید نماز را بشکند و با بدن و لباس پاک نماز بخواند.

کد مسأله: ۳۱۵۹۰

مسأله ۸۱۳

مسأله ۸۱۳- کسی که در تنگی وقت مشغول نماز است، اگر در بین نماز لباس او نجس شود و پیش از آنکه چیزی از نماز را با نجاست بخواند بفهمد که نجس شده یا بفهمد که لباس او نجس است و شک کند که همان وقت نجس شده یا از پیش نجس بوده، در صورتی که آب کشیدن یا عوض کردن یا بیرون آوردن لباس، نماز را به هم نمی‌زند و می‌تواند لباس را بیرون آورد، باید لباس را آب بکشد یا عوض کند یا اگر چیز دیگری عورت او را پوشانده، لباس را بیرون آورد و نماز را تمام کند. اما اگر چیز دیگری عورت او را پوشانده و لباس را هم نمی‌تواند آب بکشد یا عوض کند، باید لباس را بیرون آورد و به دستوری که برای

برهنگان گفته شد، نماز را تمام کند. ولی چنانچه طوری است که اگر لباس را آب بکشد یا عوض کند، نماز به هم می‌خورد و یا به واسطه‌ی سرما و مانند آن نمی‌تواند لباس را بیرون آورد، باید با همان حال نماز را تمام کند و نمازش صحیح است.

کد مسأله: ۳۱۵۹۲

مسأله ۸۱۴

مسأله ۸۱۴- کسی که در تنگی وقت مشغول نماز است، اگر در بین نماز بدن او نجس شود و پیش از آن که چیزی از نماز را با نجاست بخواند، ملتفت شود که نجس شده یا بفهمد بدن او نجس است، و شك کند که همان وقت نجس شده یا از پیش نجس بوده، در صورتی که آب کشیدن بدن نماز را به هم نمی‌زند، باید آب بکشد. و اگر نماز را به هم می‌زند، باید با همان حال نماز را تمام کند و نماز او صحیح است.

کد مسأله: ۳۱۵۹۴

مسأله ۸۱۵

مسأله ۸۱۵- کسی که در پاک بودن بدن یا لباس خود شك دارد، چنانچه نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد که بدن یا لباسش نجس بوده، نماز او صحیح است.

کد مسأله: ۳۱۵۹۷

مسأله ۸۱۶

مسأله ۸۱۶- اگر لباس را آب بکشد و یقین کند که پاک شده است و با آن نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد پاک نشده، باید نماز را دوباره بخواند و اگر وقت گذشته قضا نماید. (۱)
۱- اعاده و قضاء لازم نیست ولی مستحسن است.

کد مسأله: ۳۱۵۹۹

مسأله ۸۱۷

مسأله ۸۱۷- اگر خونی در بدن یا لباس خود ببیند و یقین کند که از خونهای نجس نیست، مثلاً- یقین کند که خون پشه است، چنانچه بعد از نماز بفهمد از خونهایی بوده که نمی‌شود با آن نماز بخواند، نماز او صحیح است.

کد مسأله: ۳۱۶۰۲

مسأله ۸۱۸

مسأله ۸۱۸- اگر یقین کند خونی که در بدن یا لباس او است، خون نجسی است که نماز با آن صحیح است، مثلاً یقین کند خون زخم و دمل است، چنانچه بعد از نماز بفهمد خونی بوده که نماز با آن باطل است، احتیاط واجب (۱) آن است که نماز را دوباره بخواند و اگر وقت گذشته قضا نماید.

۱- بلکه اقوی وجوب اعاده در وقت یا قضاء خارج وقت است.

کد مسأله: ۳۱۶۰۴

مسئله ۸۱۹

مسئله ۸۱۹- اگر نجس بودن چیزی را فراموش کند و بدن یا لباسش با رطوبت به آن برسد و در حال فراموشی نماز بخواند و بعد از نماز یادش بیاید نماز او صحیح است. ولی اگر بدنش با رطوبت به چیزی که نجس بودن آن را فراموش کرده برسد و بدون اینکه خود را آب بکشد غسل کند و نماز بخواند، غسل و نمازش باطل است. و نیز اگر جایی از اعضای وضو با رطوبت به چیزی که نجس بودن آن را فراموش کرده برسد و پیش از آنکه آن جا را آب بکشد وضو بگیرد و نماز بخواند، وضو و نمازش باطل می‌باشد.

کد مسئله: ۳۱۶۰۶

مسئله ۸۲۰

مسئله ۸۲۰- کسی که یک لباس دارد، اگر بدن و لباسش نجس شود و به اندازه آب کشیدن یکی از آنها آب داشته باشد، چنانچه بتواند لباسش را بیرون آورد، باید بدن را آب بکشد و نماز را به دستوری که برای برهنگان گفته شد به جا آورد. و اگر به واسطه سرما یا عذر دیگر نتواند لباس را بیرون آورد، هر کدام از بدن یا لباس را که می‌خواند، می‌تواند آب بکشد. ولی اگر مثلاً نجاست یکی بول است که اگر بخواهد با آب قلیل آب بکشد باید دو مرتبه آب روی آن بریزد و دیگری خون است که یک مرتبه ریختن آب روی آن کافیهست، باید آن را که به بول نجس شده آب بکشد. (۱)

۱- تعیین ندارد اگر چه احتیاط مستحسن است.

کد مسئله: ۳۱۶۰۸

مسئله ۸۲۱

مسئله ۸۲۱- کسی که غیر از لباس نجس لباس دیگری ندارد باید نماز را به دستوری که برای برهنگان گفته شد بجا آورد. ولی اگر به واسطه‌ی سرما و مانند آن نمی‌تواند لباسش را بیرون آورد، باید با لباس نجس نماز بخواند و نماز او صحیح است.

کد مسئله: ۳۱۶۱۰

مسئله ۸۲۲

مسئله ۸۲۲- کسی که دو لباس دارد، اگر بداند یکی از آنها نجس است و نداند کدام یک آنهاست، چنانچه وقت دارد باید با هر دو لباس نماز بخواند، مثلاً اگر می‌خواهد نماز ظهر و عصر بخواند باید با هر کدام یک نماز ظهر و یک نماز عصر بخواند، ولی اگر وقت تنگ است باید نماز را به دستوری که برای برهنگان گفته شد بجا آورد. و احتیاط مستحب (۱) آن است که آن نماز را با لباس پاک قضا نماید.

۱- بلکه احتیاط لازم آن است که آن نماز را با لباس پاک قضا نماید.

کد مسئله: ۳۱۶۱۳

مسئله ۸۲۳

شرط دوم

مسئله ۸۲۳- لباس نمازگزار باید مباح باشد و کسی که می‌داند پوشیدن لباس غضبی حرام است، اگر عمداً در لباس غضبی یا در لباسی که نخ یا دگمه یا چیز دیگر آن غضبی است نماز بخواند، باطل است.
کد مسئله: ۳۱۶۱۵

مسئله ۸۲۴

مسئله ۸۲۴- کسی که می‌داند پوشیدن لباس غضبی حرام است ولی نمی‌داند نماز را باطل می‌کند، اگر عمداً با لباس غضبی نماز بخواند، نمازش باطل است. (۱)
۱- بلکه صحیح است ولی احتیاط مستحسن اعاده است.
کد مسئله: ۳۱۶۱۸

مسئله ۸۲۵

مسئله ۸۲۵- اگر نداند یا فراموش کند که لباس او غضبی است و با آن، نماز بخواند، نمازش صحیح است. ولی اگر خودش آن لباس را غضب نماید و فراموش کند که غضب کرده است و با آن نماز بخواند، نمازش باطل است.
کد مسئله: ۳۱۶۲۰

مسئله ۸۲۶

مسئله ۸۲۶- اگر نداند یا فراموش کند که لباس او غضبی است و در بین نماز بفهمد، چنانچه چیز دیگری عورت او را پوشانده است و می‌تواند فوراً یا بدون اینکه موالات یعنی پی در پی بودن نماز بهم بخورد لباس غضبی را بیرون آورد، باید آن را بیرون آورد و نمازش صحیح است. و اگر چیز دیگری عورت او را پوشانده یا نمی‌تواند لباس غضبی را فوراً بیرون آورد یا اگر بیرون آورد پی در پی بودن نماز بهم می‌خورد، در صورتی که به مقدار یک رکعت هم وقت داشته باشد، باید نماز را بشکند و با لباس غیر غضبی نماز بخواند. و اگر به این مقدار وقت ندارد، باید در حال نماز لباس را بیرون آورد و به دستور نماز برهنگان، نماز را تمام نماید.
کد مسئله: ۳۱۶۲۲

مسئله ۸۲۷

مسئله ۸۲۷- اگر کسی برای حفظ جانش با لباس غضبی نماز بخواند، یا مثلاً برای اینکه دزد لباس غضبی را نبرد با آن نماز بخواند، نمازش صحیح است.
کد مسئله: ۳۱۶۲۵

مسئله ۸۲۸

مسئله ۸۲۸- اگر با عین پولی که خمس یا زکات آن را نداده لباس بخرد، نماز خواندن در آن لباس باطل است. (۱)
۱- ولی اگر معامله کلی نماید نماز صحیح است ولو در مقام تفریغ ذمه از مال غیر مخمس اداء نماید ولو اینکه از اول قاصد همین معنی باشد.

کد مسأله: ۳۱۶۲۷

مسأله ۸۲۹

شرط سوم

مسأله ۸۲۹- لباس نمازگزار باید از اجزای حیوان مرده‌ای که خون جهنده دارد، یعنی حیوانی که اگر رگش را ببرند، خون از آن جستن می‌کند، نباشد. بلکه اگر از حیوان مرده‌ای که مانند ماهی، خون جهنده ندارد لباس تهیه کند، احتیاط واجب آن است که با آن نماز نخواند. (۱)

۱- واجب نیست بلکه مستحسن است.

کد مسأله: ۳۱۶۳۰

مسأله ۸۳۰

مسأله ۸۳۰- هر گاه چیزی از مردار مانند گوشت و پوست آن که روح داشته همراه نمازگزار باشد، گرچه لباس او هم نباشد نمازش باطل است.

کد مسأله: ۳۱۶۳۲

مسأله ۸۳۱

مسأله ۸۳۱- اگر چیزی از مردار حلال گوشت مانند مو و پشم که روح ندارد همراه نمازگزار باشد یا با لباسی که از آنها تهیه کرده‌اند نماز بخواند، نمازش صحیح است.

کد مسأله: ۳۱۶۵۰

مسأله ۸۳۲

شرط چهارم

مسأله ۸۳۲- لباس نمازگزار باید از حیوان حرام گوشت نباشد. و اگر مویی از آن هم همراه نمازگزار باشد، نماز او باطل است.

کد مسأله: ۳۱۶۵۳

مسأله ۸۳۳

مسأله ۸۳۳- اگر آب دهان یا بینی یا رطوبت دیگری از حیوان حرام گوشت مانند گربه بردن یا لباس نمازگزار باشد، چنانچه تر باشد، نماز باطل و اگر خشک شده و عین آن برطرف شده باشد، نماز صحیح است.

کد مسأله: ۳۱۶۵۵

مسأله ۸۳۴

مسأله ۸۳۴- اگر مو و عرق و آب دهان کسی بر بدن یا لباس نمازگزار باشد، اشکال ندارد. و همچنین است اگر مروارید و موم و

عسل همراه او باشد.

کد مسأله: ۳۱۶۵۷

مسأله ۸۳۵

مسأله ۸۳۵- اگر شك داشته باشد که لباسی از حیوان حلال گوشت است یا حرام گوشت، چه در داخله تهیه شده باشد چه در خارجه، احتیاط واجب (۱) آن است که با آن نماز نخواند.

۱- احتیاط مستحسن است و اقوی صحت صلوه در ثوب مشکوک است.

کد مسأله: ۳۱۶۶۰

مسأله ۸۳۶

مسأله ۸۳۶- صدف از حیوان حرام گوشت است. (۱) و اگر انسان احتمال دهد که تکمهی صدفی و مانند آن از آن حیوان است، احتیاط واجب آن است که با آن نماز نخواند.

۱- معلوم نیست صدف از اجزاء حیوان حرام گوشت باشد و در صورت احتمال احتیاط لازم نیست بلکه مستحسن است و اقوی صحت صلوه در صدف است.

کد مسأله: ۳۱۶۶۲

مسأله ۸۳۷

مسأله ۸۳۷- پوشیدن خز خالص در نماز اشکالی ندارد، ولی احتیاط واجب آن است که با پوست سنجاب (۱) نماز نخواند.

۱- احتیاط مستحسن است و اقوی صحت صلوه در پوست سنجاب است.

کد مسأله: ۳۱۶۶۷

مسأله ۸۳۸

مسأله ۸۳۸- اگر با لباسی که نمی‌داند یا فراموش کرده که از حیوان حرام گوشت است نماز بخواند بنا بر احتیاط واجب (۱) باید آن نماز را دوباره بخواند و اگر وقت گذشته قضا نماید.

۱- احتیاط واجب نیست بلکه مستحسن است و اقوی صحت صلوه است و اعاده و قضاء هم ندارد.

کد مسأله: ۳۱۶۶۹

مسأله ۸۳۹

شرط پنجم

مسأله ۸۳۹- پوشیدن لباس طلا باف برای مرد حرام و نماز با آن باطل است. ولی برای زن در نماز و غیر نماز اشکال ندارد.

کد مسأله: ۳۱۶۷۱

مسأله ۸۴۰

مسئله ۸۴۰- زینت کردن به طلا مثل آویختن زنجیر طلا به سینه و انگشتر طلا به دست کردن و بستن ساعت مچی طلا به دست برای مرد حرام و نماز خواندن با آنها باطل است و احتیاط واجب آن است که از استعمال عینک طلا هم خودداری کند. ولی زینت کردن به طلا برای زن در نماز و غیر نماز اشکال ندارد.

کد مسئله: ۳۱۶۷۳

مسئله ۸۴۱

مسئله ۸۴۱- اگر مردی نداند یا فراموش کند که انگشتری یا لباس از طلا است یا شک داشته باشد و با آن نماز بخواند احتیاط واجب (۱) آن است که آن نماز را دوباره بخواند و اگر وقت گذشته قضا نماید.
۱- احتیاط مستحسن است و اقوی صحت صلوه است و اعاده و قضاء ندارد.

کد مسئله: ۳۱۶۷۵

مسئله ۸۴۲

شرط ششم

مسئله ۸۴۲- لباس مرد نماز گزار حتی عرقچین و بند شلوار او باید ابریشم خالص نباشد و در غیر نماز هم پوشیدن آن برای مرد حرام است.

کد مسئله: ۳۱۶۷۷

مسئله ۸۴۳

مسئله ۸۴۳- اگر آستر تمام لباس یا آستر مقداری از آن ابریشم خالص باشد، پوشیدن آن برای مرد حرام و نماز در آن باطل است.

کد مسئله: ۳۱۶۷۹

مسئله ۸۴۴

مسئله ۸۴۴- لباسی را که نمی‌داند از ابریشم خالص است یا چیز دیگر، اگر در غیر نماز بپوشد اشکال ندارد، ولی احتیاط واجب (۱) آن است که با آن نماز نخواند.

۱- احتیاط مستحسن است و اقوی صحت صلوه است.

کد مسئله: ۳۱۶۸۱

مسئله ۸۴۵

مسئله ۸۴۵- دستمال ابریشمی و مانند آن اگر در جیب مرد باشد، اشکال ندارد، و نماز را باطل نمی‌کند.

کد مسئله: ۳۱۶۸۴

مسئله ۸۴۶

مسئله ۸۴۶- پوشیدن لباس ابریشمی برای زن در نماز و غیر نماز اشکال ندارد.

کد مسئله: ۳۱۶۸۶

مسئله ۸۴۷

مسئله ۸۴۷- پوشیدن لباس غصبی و ابریشمی خالص و طلا باف و لباسی که از مردار تهیه شده، در حال ناچاری مانعی ندارد. و نیز کسی که ناچار است لباس بپوشد و لباس دیگری غیر از اینها ندارد می‌تواند با این لباسها نماز بخواند.

کد مسئله: ۳۱۶۸۸

مسئله ۸۴۸

مسئله ۸۴۸- اگر غیر از لباس غصبی و لباسی که از مردار تهیه شده لباس دیگری ندارد و ناچار نیست لباس بپوشد، باید به دستوری که برای برهنگان گفته شد نماز بخواند.

کد مسئله: ۳۱۶۹۰

مسئله ۸۴۹

مسئله ۸۴۹- اگر غیر از لباسی که از حیوان حرام گوشت تهیه شده لباس دیگری ندارد چنانچه در پوشیدن لباس ناچار باشد می‌تواند با همان لباس نماز بخواند و اگر ناچار نباشد باید به دستوری که برای برهنگان گفته شد نماز را بجا آورد، و بنا بر احتیاط واجب یک نماز دیگر هم با همان لباس بخواند. (۱)

۱- احتیاط واجب نیست و اقوی کفایت نماز بدون ستر است ولی احتیاط مستحسن است.

کد مسئله: ۳۱۶۹۲

مسئله ۸۵۰

مسئله ۸۵۰- اگر مرد غیر از لباس ابریشمی خالص یا طلا باف لباس دیگری نداشته باشد چنانچه در پوشیدن لباس ناچار نباشد باید به دستوری که برای برهنگان گفته شد نماز بخواند.

کد مسئله: ۳۱۶۹۴

مسئله ۸۵۱

مسئله ۸۵۱- اگر چیزی ندارد که در نماز عورت خود را با آن بپوشاند، واجب است اگرچه به کرایه یا خریداری باشد تهیه نماید. ولی اگر تهیه آن به قدری پول لازم دارد که نسبت به دارایی او زیاد است، یا طوری است که اگر پول را به مصرف لباس برساند به حال او ضرر دارد، باید به دستوری که برای برهنگان گفته شد، نماز بخواند.

کد مسئله: ۳۱۶۹۶

مسئله ۸۵۲

مسئله ۸۵۲- کسی که لباس ندارد، اگر دیگری لباس به او ببخشد یا عاریه دهد، چنانچه قبول کردن آن برای او مشقت نداشته باشد، باید قبول کند. بلکه اگر عاریه کردن یا طلب بخشش برای او سخت نیست، باید از کسی که لباس دارد طلب بخشش یا عاریه نماید.

کد مسئله: ۳۱۶۹۸

مسئله ۸۵۳

مسئله ۸۵۳- پوشیدن لباسی که پارچه یا رنگ یا دوخت آن برای کسی که می‌خواهد آن را بپوشد معمول نیست مثل آنکه اهل علم لباس نظامی بپوشد، حرام است ولی اگر با آن لباس نماز بخواند اشکال ندارد.

کد مسئله: ۳۱۷۰۰

مسئله ۸۵۴

مسئله ۸۵۴- احتیاط واجب آن است که مرد لباس زنانه، و زن لباس مردانه نپوشد ولی اگر با آن نماز بخواند، اشکال ندارد.

کد مسئله: ۳۱۷۰۲

مسئله ۸۵۵

مسئله ۸۵۵- کسی که باید خوابیده نماز بخواند، اگر برهنه باشد و لحاف یا تشک (۱) او نجس یا ابریشم خالص یا از اجزای حیوان حرام گوشت باشد، احتیاط واجب آن است که در نماز، خود را با آنها نپوشاند.

۱- تشک با عدم تستر به آن اشکالی ندارد.

کد مسئله: ۳۱۷۰۴

مواردی که لازم نیست بدن و لباس نماز گزار پاک باشد

مسئله ۸۵۶

مسئله ۸۵۶- در سه صورت که تفصیل آنها بعداً گفته می‌شود، اگر بدن یا لباس نماز گزار نجس باشد، نماز او صحیح است:

اول: آنکه به واسطه زخم یا جراحت یا دملی که در بدن او است، لباس یا بدنش به خون آلوده شده باشد.

دوم: آنکه بدن یا لباس او به مقدار کمتر از درهم (۱) «که تقریباً به اندازه یک اشرفی می‌شود» به خون آلوده باشد.

سوم: آنکه ناچار باشد با بدن یا لباس نجس نماز بخواند. و در دو صورت اگر فقط لباس نماز گزار نجس باشد، نماز او صحیح است:

اول: آنکه لباسهای کوچک او مانند جوراب و عرقچین نجس باشد.

دوم: آنکه لباس زنی که پرستار پسر بچه است، نجس شده باشد. و احکام این پنج صورت مفصلاً در مسائل بعد گفته می‌شود.

۱- که تقریباً به مقدار بند انگشت سبابه است.

کد مسئله: ۳۱۷۰۷

مسئله ۸۵۷

مسئله ۸۵۷- اگر در بدن یا لباس نمازگزار خون زخم یا جراحت یا دمل باشد، چنانچه طوری است که آب کشیدن بدن یا لباس یا عوض کردن لباس برای بیشتر مردم سخت است، (۱) تا وقتی که زخم یا جراحت یا دمل خوب نشده است، می‌تواند با آن خون نماز بخواند. و همچنین است اگر چرکی که با خون بیرون آمده یا دوایی که روی زخم گذاشته‌اند و نجس شده، در بدن یا لباس او باشد.

۱- بلکه برای شخص سخت باشد چه اینکه برای نوع سخت باشد یا نباشد

کد مسئله: ۳۱۷۰۹

مسئله ۸۵۸

مسئله ۸۵۸- اگر خون بریدگی و زخمی که به زودی خوب می‌شود و شستن آن آسان است، در بدن یا لباس نمازگزار باشد، نماز او باطل است. (۱)

۱- مگر آنکه کمتر از درهم باشد که در این صورت نمازش صحیح است.

کد مسئله: ۳۱۷۱۲

مسئله ۸۵۹

مسئله ۸۵۹- اگر جایی از بدن یا لباس که با زخم فاصله دارد به رطوبت زخم نجس شود، جایز نیست با آن نماز بخواند. ولی اگر مقداری از بدن یا لباس که معمولاً به رطوبت زخم آلوده می‌شود، به رطوبت آن نجس شود، نماز خواندن با آن مانعی ندارد.

کد مسئله: ۳۱۷۱۴

مسئله ۸۶۰

مسئله ۸۶۰- اگر از زخمی که توی دهان و بینی و مانند اینها است خونی به بدن یا لباس برسد احتیاط واجب (۱) آن است که با آن نماز نخواند و همچنین است خون بواسیر در صورتی که دانه‌هایش بیرون نباشد ولی با خون بواسیر که دانه‌های آن بیرون است، میشود نماز خواند.

۱- واجب نیست و لکن مستحسن است و همچنین در بواسیر فرقی بین ظاهر و باطن نیست، یعنی هر دو معفو است.

کد مسئله: ۳۱۷۱۶

مسئله ۸۶۱

مسئله ۸۶۱- کسی که بدنش زخم است، اگر در بدن یا لباس خود خونی ببیند و نداند از زخم است یا خون دیگر، احتیاط واجب (۱) آن است که با آن نماز نخواند.

۱- واجب نیست و لکن مستحسن است

کد مسئله: ۳۱۷۱۸

مسئله ۸۶۲

مسئله ۸۶۲- اگر چند زخم در بدن باشد و به طوری نزدیک هم باشند که یک زخم حساب شود، تا وقتی همه خوب نشده‌اند، نماز خواندن با خون آنها اشکال ندارد. ولی اگر به قدری از هم دور باشند که هر کدام یک زخم حساب شود، هر کدام که خوب شد، باید برای نماز بدن و لباس را از خون آن، آب بکشد.

کد مسئله: ۳۱۷۲۱

مسئله ۸۶۳

مسئله ۸۶۳- اگر سر سوزنی خون حیض یا نفاس، یا استحاضه یا خون سگ یا خوک یا کافر، یا مردار یا حیوان حرام گوشت در بدن یا لباس نمازگزار باشد، نماز او باطل (۱) است. ولی خونهای دیگر مثل خون بدن انسان یا خون حیوان حلال گوشت، اگرچه در چند جای بدن و لباس باشد در صورتی که روی هم کمتر از درهم باشد (که تقریباً به اندازه یک اشرفی (۲) میشود) نماز خواندن با آن اشکال ندارد.

۱- بنا بر احتیاط واجب در نفاس و استحاضه

۲- که تقریباً به مقدار بند انگشت سبابه است.

کد مسئله: ۳۱۷۲۳

مسئله ۸۶۴

مسئله ۸۶۴- خونی که به لباس بی آستر بریزد و به پشت آن برسد، یک خون حساب می‌شود. ولی اگر پشت آن، جدا خونی شود، باید هر کدام را جدا حساب نمود پس اگر خونی که در پشت و روی لباس است، روی هم کمتر از درهم باشد نماز با آن صحیح، و اگر بیشتر باشد، نماز با آن باطل است.

کد مسئله: ۳۱۷۲۵

مسئله ۸۶۵

مسئله ۸۶۵- اگر خون روی لباسی که آستر دارد بریزد و به آستر آن برسد، و یا به آستر بریزد و روی لباس خونی شود، باید هر کدام را جدا حساب نمود. پس اگر خون روی لباس و آستر کمتر از درهم باشد، نماز با آن صحیح، و اگر بیشتر باشد، نماز با آن باطل است.

کد مسئله: ۳۱۷۲۷

مسئله ۸۶۶

مسئله ۸۶۶- اگر خون بدن یا لباس کمتر از درهم باشد و رطوبتی به آن برسد، در صورتی که خون و رطوبتی که به آن رسیده، به اندازه درهم یا بیشتر شود و اطراف را آلوده کند، نماز با آن باطل است. بلکه اگر رطوبت و خون به اندازه درهم نشود و اطراف را هم آلوده نکند، نماز خواندن با آن اشکال دارد. (۱)

۱- در صورت عدم استهلاک ولی در صورت استهلاک نماز صحیح است چه اطراف را آلوده کرده باشد یا نه.

کد مسئله: ۳۱۷۲۹

مسئله ۸۶۷

مسئله ۸۶۷- اگر بدن یا لباس خونی نشود ولی به واسطه رسیدن به خون نجس شود، اگر چه مقداری که نجس شده کمتر از درهم باشد، نمی‌شود با آن، نماز خواند.

کد مسئله: ۳۱۷۳۱

مسئله ۸۶۸

مسئله ۸۶۸- اگر خونی که در بدن یا لباس است، کمتر از درهم باشد و نجاست دیگری به آن برسد، مثلاً یک قطره بول روی آن بریزد، نماز خواندن با آن جایز نیست. (۱)

۱- در صورت عدم استهلاک ولی در صورت استهلاک صحیح است علی‌الاقوی

کد مسئله: ۳۱۷۳۴

مسئله ۸۶۹

مسئله ۸۶۹- اگر لباسهای کوچک نماز گزار مثل عرقچین و جوراب که نمی‌شود با آنها عورت را پوشانید نجس باشد، چنانچه از مردار و حیوان حرام گوشت درست نشده باشد، نماز با آنها صحیح است. و نیز اگر با انگشتری نجس نماز بخواند، اشکال ندارد.

کد مسئله: ۳۱۷۳۵

مسئله ۸۷۰

مسئله ۸۷۰- احتیاط واجب (۱) آن است که چیز نجس مانند دستمال و کلید و چاقوی نجس همراه نماز گزار نباشد، ولی کسی که این مسئله را نمیدانسته و مثلاً مدتی با اینکه دستمال نجس در جیبش بوده نماز خوانده، لازم نیست آن نمازها را قضا کند.

۱- واجب نیست در محمولیکه ساتر عورت نباشد و لکن مستحسن است.

کد مسئله: ۳۱۷۳۸

مسئله ۸۷۱

مسئله ۸۷۱- زنی که پرستار بچه است (۱) و بیشتر از یک لباس ندارد، چنانچه نتواند (۲) لباس دیگری بخرد، یا کرایه و یا عاریه نماید، هرگاه شبانه روز یک مرتبه لباس خود را آب بکشد، اگر چه تا روز دیگر لباسش به بول بچه نجس شود، می‌تواند با آن لباس نماز بخواند. ولی احتیاط مستحب آن است که لباس خود را طرف عصر برای نماز ظهر و عصر آب بکشد و نیز اگر بیشتر از یک لباس دارد ولی ناچار است که همه‌ی آن‌ها را بپوشد، چنانچه شبانه روزی یک مرتبه همه‌ی آنها را آب بکشد کافی است.

۱- در غیر مادر محل اشکال است

۲- بلکه در صورت تمکن از تهیه لباس دیگر هم نماز با آن لباس صحیح است و تهیه لباس لازم نیست.

کد مسئله: ۳۱۷۴۰

مسئله ۸۷۲

مسأله ۸۷۲- هرگاه لباس پرستار (۱) به بول دختر بچه نجس شود، اگرچه روزی یک مرتبه آن را آب کشد، چنانچه بعد از آن نجس شود، احتیاط واجب (۲) آن است که با آن لباس نماز نخواند.

۱- در غیر مادر محل اشکال است.

۲- احتیاط واجب نیست و لکن مستحسن است.

کد مسأله: ۳۱۷۴۲

چیزهایی که در لباس نماز گزار مکروه است

مسأله ۸۷۳

مسأله ۸۷۳- چند چیز در لباس نماز گزار مستحب است که از آن جمله است: عمامه با تحت الحنک، پوشیدن عبا و لباس سفید و پاکیزه‌ترین لباسها، و استعمال بوی خوش، و دست کردن انگشتی عقیق.

کد مسأله: ۳۱۷۴۵

مکان نماز گزار

مسأله ۸۷۴

مسأله ۸۷۴- چند چیز در لباس نماز گزار مکروه است، و از آن جمله است: پوشیدن لباس سیاه و چرک و تنگ، و لباس شرابخوار، و لباس کسی که از نجاست پرهیز نمی‌کند، و لباسی که نقش صورت دارد. و نیز باز بودن تکمه‌های لباس و دست کردن انگشتی که نقش صورت دارد، مکروه می‌باشد.

کد مسأله: ۳۱۷۴۷

چیزهایی که در لباس نماز گزار مستحب است

مسأله ۸۷۵

مکان نماز گزار چند شرط دارد:

شرط اول: آنکه مباح باشد.

مسأله ۸۷۵- کسی که در ملک غصبی نماز می‌خواند، اگر چه روی فرش و تخت (۱) و مانند اینها باشد، نمازش باطل است. ولی نماز خواندن در زیر سقف غصبی و خیمه غصبی، مانعی ندارد.

۱- اگر فضاء نماز گزار غصبی باشد و الا نماز صحیح است.

کد مسأله: ۳۱۷۴۹

مسأله ۸۷۶

مسأله ۸۷۶- نماز خواندن در ملکی که منفعت آن مال دیگری است بدون اجازه کسی که منفعت ملک مال او می‌باشد باطل است مثلاً- در خانه اجاره‌ای اگر صاحب خانه یا دیگری بدون اجازه کسی که آن خانه را اجاره کرده نماز بخواند نمازش باطل است و

همچنین است اگر در ملکی که دیگری در آن حقی دارد نماز بخواند مثلاً اگر میت وصیت کرده باشد که ثلث مال او را به مصرفی برسانند تا وقتی ثلث را جدا نکنند نمی‌شود در ملک او نماز خواند.

کد مسأله: ۳۱۷۵۲

مسأله ۸۷۷

مسأله ۸۷۷- کسی که در مسجد نشسته، اگر دیگری جای او را غصب کند و در آنجا نماز بخواند، نمازش باطل است.

کد مسأله: ۳۱۷۵۴

مسأله ۸۷۸

مسأله ۸۷۸- اگر در جایی که نمی‌داند غصبی است، نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد، یا در جایی که غصبی بودن آن را فراموش کرده، نماز بخواند، و بعد از نماز یادش بیاید، نماز او صحیح است. ولی کسی که خودش جایی را غصب کرده، اگر فراموش کند و در آن جا نماز بخواند نمازش باطل است. (۱)

۱- علی الاقوی صحیح است ولیکن مستحسن اعاده است.

کد مسأله: ۳۱۷۵۶

مسأله ۸۷۹

مسأله ۸۷۹- اگر بداند جایی غصبی است ولی نداند که در جای غصبی نماز باطل است، و در آنجا نماز بخواند، نماز او باطل است.

کد مسأله: ۳۱۷۵۹

مسأله ۸۸۰

مسأله ۸۸۰- کسی که ناچار است نماز واجب را سواره بخواند، چنانچه حیوان سواری یا زین یا نعل (۱) آن غصبی باشد، نماز او باطل است و همچنین است اگر بخواهد بر آن حیوان نماز مستحبی بخواند.

۱- در نعل غصبی مورد اشکال است چون صدق تصرف در غصب معلوم نیست.

کد مسأله: ۳۱۷۶۱

مسأله ۸۸۱

مسأله ۸۸۱- کسی که در ملکی با دیگری شریک است اگر سهم او جدا نباشد، بدون اجازه شریکش نمی‌تواند در آن ملک تصرف کند، و نماز بخواند.

کد مسأله: ۳۱۷۶۴

مسأله ۸۸۲

مسأله ۸۸۲- اگر با عین پولی که خمس و زکات آن را نداده ملکی بخرد تصرف او در آن ملک حرام و نمازش هم در آن باطل

است.

کد مسأله: ۳۱۷۶۶

مسأله ۸۸۳

مسأله ۸۸۳- اگر صاحب ملک به زبان اجازه نماز خواندن بدهد و انسان بداند که قلباً راضی نیست، نماز خواندن در ملک او باطل است. و اگر اجازه ندهد و انسان یقین کند که قلباً راضی است نماز صحیح است.

کد مسأله: ۳۱۷۶۸

مسأله ۸۸۴

مسأله ۸۸۴- تصرف در ملک میتی که خمس یا زکات بدهکار است حرام و نماز در آن باطل است ولی اگر بدهی او را بدهند یا ضامن شوند که ادا نمایند، تصرف و نماز در ملک او اشکال ندارد.

کد مسأله: ۳۱۷۷۰

مسأله ۸۸۵

مسأله ۸۸۵- تصرف در ملک میتی که به مردم بدهکار است حرام، و نماز در آن باطل است. ولی اگر ضامن شوند که قرضهای او را بپردازند یا این که طلبکارها و وصی میت (۱) یا طلبکارها و حاکم شرع اجازه بدهند، تصرف و نماز در ملک او مانعی ندارد. ۱- در صورت وصیت به ثلث احتیاج به اذن وصی یا حاکم شرع در صورت فقدان وصی هست و اما در صورت عدم وصیت به ثلث احتیاج به اذن وصی یا حاکم شرع نیست و فقط رضایت دیان کافی است برای صحت صلوه و جواز تصرف

کد مسأله: ۳۱۷۷۲

مسأله ۸۸۶

مسأله ۸۸۶- اگر میت قرض نداشته باشد، ولی بعضی از ورثه او صغیر یا دیوانه یا غایب باشند، تصرف در ملک او حرام، و نماز در آن باطل است. (۱) ۱- مگر به اذن ولی صغیر و مجنون و غایب که تصرف جایز و نماز صحیح است.

کد مسأله: ۳۱۷۷۵

مسأله ۸۸۷

مسأله ۸۸۷- نماز خواندن در مسافر خانه و حمام و مانند اینها که برای واردین آماده است اشکال ندارد (۱) ولی در غیر این قبیل جاها، در صورتی می شود نماز خواند که مالک آن اجازه بدهد، یا حرفی که معلوم شود، (۲) برای نماز خواندن اذن داده است، مثل اینکه به کسی اجازه دهد در ملک او بنشیند و بخوابد که از اینها فهمیده می شود برای نماز خواندن هم اذن داده است. ۱- اگر از قرائن و شواهد علم یا اطمینان به رضای مالک حاصل شود و الا صحیح نیست.

۲- یا وثوق و اطمینان به رضای مالک تحقق پیدا کند و الا نماز باطل است.

کد مسأله: ۳۱۷۷۷

مسئله ۸۸۸

مسئله ۸۸۸- در زمین بسیار وسیعی که برای بیشتر مردم مشکل است، (۱) موقع نماز از آنجا به جای دیگر بروند، بی اجازه‌ی مالک می شود نماز خواند.

۱- ملاک تعذر و تعسیر شخصی است نه نوعی و عمومی اگر چه برای شخص تعذر و تعسیر نداشته باشد پس سقوط رضای مالک جهت تعذر یا تعسیر اجتناب از چنین اراضی است. پس اگر برای شخص تعسیر یا تعذر نداشته باشد تصرف بدون اجازه مالک صحیح نیست و نماز باطل است.

کد مسئله: ۳۱۷۸۰

مسئله ۸۸۹

شرط دوم

مسئله ۸۸۹- مکان نماز گزار باید بی حرکت باشد، (۱) و اگر به واسطه تنگی وقت یا جهت دیگر ناچار باشد در جایی که حرکت دارد، مانند اتومبیل و کشتی و ترن نماز بخواند، به قدری که ممکن است باید در حال حرکت چیزی نخواند، و اگر آنها از قبله به طرف دیگر حرکت کنند، به طرف قبله برگردد.

۱- به حیثی که منافی استقرار باشد و الا اگر منافی استقرار مصلی نباشد حرکت مکان مصلی مضر نیست و عدم آن لازم نمیباشد مثل مراکبی که تکان ندارد و میشود با استقرار نماز خواند در این صورت در حال اختیار هم نماز اشکال ندارد.

کد مسئله: ۳۱۷۸۳

مسئله ۸۹۰

مسئله ۸۹۰- نماز خواندن در اتومبیل و کشتی و ترن و مانند اینها، وقتی ایستاده‌اند، مانعی ندارد.

کد مسئله: ۳۱۷۸۶

مسئله ۸۹۱

مسئله ۸۹۱- روی خرمن گندم و جو و مانند اینها، که نمی شود بی حرکت ماند، نماز باطل است.

کد مسئله: ۳۱۷۸۸

مسئله ۸۹۲

شرط سوم

مسئله ۸۹۲- بنا بر احتیاط واجب باید در جایی نماز بخواند که اطمینان داشته باشد (۱) نماز را تمام می کند و در جایی که به واسطه احتمال باد و باران و زیادی جمعیت و مانند اینها اطمینان ندارد که بتواند نماز را تمام کند، احتیاط واجب آن است که نماز نخواند.

(۲)

۱- اطمینان شرط نیست بلکه احتمال اتمام در جواز کافی است.

۲- تکلیفاً حرام است و اما وضعاً حکم به اشتراط و فساد مشکل است.

شرط چهارم: آنکه در جایی که ماندن در آن حرام است. مثلاً زیر سقفی که نزدیک است خراب شود نماز نخواند.
شرط پنجم: آنکه روی چیزی که ایستادن و نشستن روی آن حرام است، مثل فرش که اسم خدا بر آن نوشته نماز نخواند.
شرط ششم: آنکه در جایی که سقف آن کوتاه است و نمی تواند در آنجا راست بایستد، یا به اندازه ای کوچک است که جای رکوع و سجود ندارد، نماز نخواند، و اگر ناچار شود که در چنین جایی نماز بخواند، باید به قدری که ممکن است قیام و رکوع و سجود را بجا آورد.

کد مسأله: ۳۱۷۹۱

مسأله ۸۹۳

شرط هفتم

مسأله ۸۹۳- بنا بر احتیاط واجب (۱) باید جلوتر از قبر پیغمبر و امام علیهم السلام نماز نخواند.

۱- اقوی عدم جواز تقدم است.

کد مسأله: ۳۱۷۹۳

مسأله ۸۹۴

مسأله ۸۹۴- اگر در نماز چیزی مانند دیوار بین او و قبر مطهر باشد که بی احترامی نشود اشکال ندارد، ولی فاصله شدن صندوق شریف و ضریح و پارچه‌ای که روی آن افتاده، کافی نیست.

شرط هشتم: آنکه مکان نمازگزار اگر نجس است به طوری تر نباشد که رطوبت آن به بدن یا لباس او برسد، ولی جایی که پیشانی را بر آن می گذارد اگر نجس باشد در صورتی که خشک هم باشد، نماز باطل است، و احتیاط مستحب آن است که مکان نمازگزار اصلاً نجس نباشد.

کد مسأله: ۳۱۷۹۷

مسأله ۸۹۵

شرط نهم

۸۹۵- بنا بر احتیاط واجب، (۱) باید زن عقب تر از مرد بایستد و جای سجده او از جای ایستادن کمی عقب تر باشد.

۱- این احتیاط واجب نیست ولیکن مستحسن است و اگر زن مقدم بر مرد یا مساوی با او نماز کند مکروه است نه باطل

کد مسأله: ۳۱۸۰۰

مسأله ۸۹۶

مسأله ۸۹۶- اگر زن برابر مرد یا جلوتر بایستد، و با هم وارد نماز شوند، احتیاط واجب (۱) آن است که نماز را دوباره بخوانند و اگر یکی زودتر از دیگری به نماز بایستد، نماز او صحیح است و کسی که بعد مشغول نماز شده، بنا بر احتیاط واجب باید نمازش را دو باره بخواند.

۱- واجب نیست بلکه مستحسن است و همچنین احتیاط بعد از آن واجب نیست بلکه مستحب است.

کد مسأله: ۳۱۸۰۲

مسئله ۸۹۷

مسئله ۸۹۷- اگر بین مرد و زن، دیوار یا پرده یا چیز دیگری باشد که یکدیگر را نبینند. یا بین آنان اقلأ ده ذراع که تقریباً پنج ذرع می شود، فاصله باشد چنانچه زن برابر مرد یا جلوتر از او باشد نماز هر دو صحیح است و همچنین است اگر مکان یکی از آنان به قدری بلند باشد که نگویند زن جلوتر از مرد یا برابر او ایستاده است. (۱)

۱- قبلاً گفته شد که تقدم یا مساوی بودن زن با مرد مکروه است نه موجب بطلان نماز

شرط دهم: آنکه جای پیشانی نماز گزار از جای زانوهای او، بیش از چهار انگشت بسته پست تر یا بلندتر نباشد، و تفصیل این مسئله در احکام سجده گفته می شود.

کد مسئله: ۳۱۸۰۵

مسئله ۸۹۸

مسئله ۸۹۸- بودن مرد و زن نامحرم در اطاقی که کسی در آنجا نیست و کسی هم نمیتواند وارد شود، حرام است و احتیاط واجب آن است که در آنجا نماز نخوانند ولی اگر یکی از آنها مشغول نماز باشد و دیگری که با او نامحرم است وارد شود، نماز او اشکال ندارد.

کد مسئله: ۳۱۸۰۷

مسئله ۸۹۹

مسئله ۸۹۹- نماز خواندن در جایی که تار و مانند آن استعمال می کنند باطل است.

کد مسئله: ۳۱۸۰۹

مسئله ۹۰۰

مسئله ۹۰۰- احتیاط واجب (۱) آن است که در خانه کعبه و بر بام آن نماز واجب نخوانند ولی در حال ناچار اشکال ندارد.

۱- واجب نیست بلکه مستحب است و اقوی صحت صلوه واجب است در حال اختیار و اضطرار

کد مسئله: ۳۱۸۱۱

مسئله ۹۰۱

مسئله ۹۰۱- خواندن نماز مستحب در خانه کعبه و بر بام آن اشکال ندارد. بلکه مستحب است در داخل خانه مقابل هر رکنی دو رکعت نماز بخوانند.

کد مسئله: ۳۱۸۱۴

جاهایی که نماز خواندن در آنها مستحب است

مسئله ۹۰۲

مسئله ۹۰۲- در شرع مقدس اسلام بسیار سفارش شده است، که نماز را در مسجد بخوانند. و بهتر از همه مسجدها مسجدالحرام است، و بعد از آن مسجد پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم، و بعد مسجد کوفه، و بعد از آن مسجد بیت المقدس، (۱) و بعد از مسجد بیت المقدس مسجد جامع هر شهر، و بعد از آن مسجد محله، و بعد از مسجد محله مسجد بازار است.

۱- مسجد کوفه با مسجد بیت المقدس از جهت فضیلت مساوی است.

کد مسئله: ۳۸۳۴۶

مسئله ۹۰۳

مسئله ۹۰۳- برای زنها نماز خواندن در خانه، بلکه در صندوقخانه و اطاق عقب بهتر است، ولی اگر بتوانند کاملاً خود را از نامحرم حفظ کنند بهتر است (۱) در مسجد نماز بخوانند.

۱- اگر عنوان دیگری غیر از عنوان مسجد نباشد در بیت افضل است.

کد مسئله: ۳۸۳۴۹

مسئله ۹۰۴

مسئله ۹۰۴- نماز در حرم امامان علیهم السلام مستحب، بلکه بهتر از مسجد است و نماز در حرم مطهر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام برابر دویست هزار نماز است.

کد مسئله: ۳۸۳۵۳

مسئله ۹۰۵

مسئله ۹۰۵- زیاد رفتن به مسجد و رفتن در مسجدی که نماز گزار ندارد، مستحب است. و همسایه مسجد اگر عذری نداشته باشد، مکروه است در غیر مسجد نماز بخواند.

کد مسئله: ۳۸۳۵۵

جاهایی که نماز خواندن در آنها مکروه است

مسئله ۹۰۶

مسئله ۹۰۶- مستحب است انسان با کسی که در مسجد حاضر نمی شود، غذا نخورد و در کارها با او مشورت نکند، و همسایه او نشود، و از او زن نگیرد و به او زن ندهد.

کد مسئله: ۳۸۳۵۷

مسئله ۹۰۷

مسئله ۹۰۷- نماز خواندن در چند جا مکروه است و از آن جمله است: حمام، زمین نم‌کار، مقابل انسان، مقابل دری که باز است، در جاده و خیابان و کوچه اگر برای کسانی که عبور می کنند زحمت نباشد. و چنانچه زحمت باشد حرام و نماز باطل است، مقابل آتش و چراغ، در آشپزخانه و هر کجا که کوره آتش باشد، مقابل چاه و چاله‌ای که محل بول باشد، روبروی عکس و مجسمه

چیزی که روح دارد، مگر آنکه روی آن پرده بکشند، در اطاقی که جنب در آن باشد، در جایی که عکس باشد اگر چه روبروی نمازگزار نباشد، مقابل قبر، روی قبر، بین دو قبر، در قبرستان.
کد مسأله: ۳۸۳۶۰

مسأله ۹۰۸

مسأله ۹۰۸- کسی که در محل عبور مردم نماز می‌خواند، یا کسی روبروی اوست، مستحب است جلوی خود چیزی بگذارد، و اگر چوب یا ریسمانی هم باشد کافی است.
کد مسأله: ۳۸۳۶۳

احکام مسجد

مسأله ۹۰۹

مسأله ۹۰۹- نجس کردن زمین و سقف و بام و طرف داخل دیوار مسجد حرام است. و هر کس بفهمد که نجس شده است، باید فوراً نجاست آن را برطرف کند. و احتیاط واجب (۱) آن است که طرف بیرون دیوار مسجد را هم نجس نکنند. و اگر نجس شود، نجاستش را برطرف نمایند
۱- بلکه اقوی تحریم تنجیس است مگر این که جزء وقف مسجد نباشد که در این صورت تنجیس حرام نیست علی الاقوی
کد مسأله: ۳۸۳۶۸

مسأله ۹۱۰

مسأله ۹۱۰- اگر نتواند مسجد را تطهیر نماید، یا کمک لازم داشته باشد و پیدا نکند، تطهیر مسجد بر او واجب نیست. ولی بنا بر احتیاط واجب باید به کسی که می‌تواند تطهیر کند اطلاع دهد.
کد مسأله: ۳۸۳۷۱

مسأله ۹۱۱

مسأله ۹۱۱- اگر جایی از مسجد نجس شود که تطهیر آن بدون کندن یا خراب کردن ممکن نیست، باید آنجا را بکنند، یا خراب (۱) نمایند. و پر کردن جایی که کنده‌اند، و ساختن جایی که خراب کردند، واجب نیست. ولی اگر چیزی مانند آجر مسجد نجس شود، در صورتی که ممکن باشد، باید بعد از آب کشیدن، به جای اولش بگذارند.
۱- اگر جزیی باشد که ضرری به وقف وارد نماید و اگر کلی باشد که موجب ضرر شود جایز نیست.
کد مسأله: ۳۸۳۷۴

مسأله ۹۱۲

مسأله ۹۱۲- اگر مسجدی را غضب کنند و به جای آن خانه و مانند آن بسازند یا به طوری خراب شود که نماز خواندن در آن ممکن نباشد، باز هم نجس کردن آن حرام و تطهیر آن واجب است.

کد مسأله: ۳۸۳۷۶

مسأله ۹۱۳

مسأله ۹۱۳- نجس کردن حرم امامان علیهم السلام، حرام است. و اگر یکی از آنها نجس شود، چنانچه نجس ماندن آن بی‌احترامی باشد، تطهیر آن واجب است. بلکه احتیاط مستحب آن است که اگر بی‌احترامی هم نباشد، آن را تطهیر کنند.

کد مسأله: ۳۸۳۸۲

مسأله ۹۱۴

مسأله ۹۱۴- اگر حصیر مسجد نجس شود، باید آن را آب بکشند، ولی چنانچه به واسطه آب کشیدن، خراب می‌شود و بریدن جای نجس بهتر است باید آن را ببرند.

کد مسأله: ۳۸۳۸۴

مسأله ۹۱۵

مسأله ۹۱۵- بردن عین نجس مانند خون در مسجد اگر بی‌احترامی به مسجد باشد حرام است. بلکه احتیاط واجب آن است که اگر بی‌احترامی هم نباشد، عین نجس را در مسجد نبرند. ولی بردن چیزی که نجس شده، در صورتی حرام است که بی‌احترامی به مسجد باشد.

کد مسأله: ۳۸۳۹۸

مسأله ۹۱۶

مسأله ۹۱۶- اگر مسجد را برای روضه خوانی چادر بزنند و فرش کنند و سیاهی بکوبند و اسباب چای در آن ببرند، در صورتی که این کارها به مسجد ضرر نرساند و مانع نماز خواندن نشود، اشکال ندارد.

کد مسأله: ۳۸۴۰۶

مسأله ۹۱۷

مسأله ۹۱۷- زینت کردن مسجد به طلا- حرام است و بنا بر احتیاط واجب، نباید صورت چیزهایی که مثل انسان و حیوان روح دارد در مسجد نقش کنند، و نقاشی چیزهایی که روح ندارد، مثل گل و بوته، مکروه است.

کد مسأله: ۳۸۴۰۸

مسأله ۹۱۸

مسأله ۹۱۸- اگر مسجد خراب هم شود، نمی‌توانند آن را بفروشند یا داخل ملک و جاده نمایند.

کد مسأله: ۳۸۴۱۰

مسأله ۹۱۹

مسئله ۹۱۹- فروختن در و پنجره و چیزهایی دیگر مسجد حرام است، و اگر مسجد خراب شود، باید اینها را صرف تعمیر همان مسجد کنند، و چنانچه به درد آن مسجد نخورد باید در مسجد دیگر مصرف شود. ولی اگر به درد مسجدهای دیگر هم نخورد، می‌توانند آن را بفروشند و پول آن را اگر ممکن است صرف تعمیر همان مسجد و گرنه صرف تعمیر مسجد دیگر نمایند.
کد مسئله: ۳۸۴۱۲

مسئله ۹۲۰

مسئله ۹۲۰- ساختن مسجد و تعمیر مسجدی که نزدیک به خرابی می‌باشد مستحب است. و اگر مسجد طوری خراب شود که تعمیر آن ممکن نباشد، می‌توانند آن را خراب کنند و دوباره بسازند. بلکه می‌توانند مسجدی را که خراب نشده برای احتیاج مردم خراب کنند و بزرگتر بسازند.
کد مسئله: ۳۸۴۱۵

مسئله ۹۲۱

مسئله ۹۲۱- تمیز کردن مسجد و روشن کردن چراغ آن مستحب است و کسی که می‌خواهد مسجد برود، مستحب است خود را خوشبو کند و لباس پاکیزه و قیمتی بپوشد و ته کفش خود را واریسی کند که نجاستی به آن نباشد. و موقع داخل شدن به مسجد اول پای راست و موقع بیرون آمدن اول پای چپ را بگذارد. همچنین مستحب است از همه زودتر به مسجد آید و از همه دیرتر از مسجد بیرون رود.
کد مسئله: ۳۸۴۱۷

مسئله ۹۲۲

مسئله ۹۲۲- وقتی انسان وارد مسجد می‌شود، مستحب است دو رکعت نماز به قصد تحیت و احترام مسجد بخواند، و اگر نماز واجب یا مستحب دیگری هم بخواند کافی است.
کد مسئله: ۳۸۴۲۲

مسئله ۹۲۳

مسئله ۹۲۳- خوابیدن در مسجد، اگر انسان ناچار نباشد و صحبت کردن راجع به کارهای دنیا و مشغول صنعت شدن و خواندن شعری که نصیحت و مانند آن نباشد، مکروه است. و نیز مکروه است آب دهان و بینی و اخلاط سینه را در مسجد بیندازد، و گمشده‌ای را طلب کند و صدای خود را بلند کند، ولی بلند کردن صدا برای اذان مانعی ندارد.
کد مسئله: ۳۸۴۲۴

مسئله ۹۲۴

مسئله ۹۲۴- راه دادن بچه و دیوانه به مسجد مکروه است. و کسی که پیاز و سیر و مانند اینها خورده که بوی دهانش مردم را اذیت میکند، مکروه است به مسجد برود.

کد مسأله: ۳۸۴۲۶

اذان و اقامه**مسأله ۹۲۵**

مسأله ۹۲۵- برای مرد و زن مستحب است پیش از نمازهای واجب یومیه اذان و اقامه بگویند (۱) ولی پیش از نمازهای واجب غیر یومیه مثل نماز آیات، مستحب است سه مرتبه بگویند الصلوه (۲)

۱- ولی اقامه مستحب مؤکد است خصوصاً در نماز صبح و مغرب

۲- در خصوص نماز عیدین و در غیر آن به عنوان رجاء گفته شود.

کد مسأله: ۳۸۴۲۹

مسأله ۹۲۶

مسأله ۹۲۶- مستحب است در روز اولی که بچه به دنیا می‌آید یا پیش از آنکه بندنافش بیفتد، در گوش راست او اذان و در گوش چپش اقامه بگویند.

کد مسأله: ۳۸۴۳۹

مسأله ۹۲۷

مسأله ۹۲۷- اذان هیجده جمله است:

"الله اکبر" چهار مرتبه"، اشهد ان لا اله الا الله، اشهد ان محمدا رسول الله، حی علی الصلاه، حی علی الفلاح، حی علی خیر العمل، الله اکبر، لا اله الا الله، "هر یک دو مرتبه. و اقامه هفده جمله است یعنی دو مرتبه "الله اکبر" از اول اذان، و یک مرتبه "لا اله الا الله" از آخر آن کم می‌شود، و بعد از گفتن "حی علی خیر العمل" باید دو مرتبه "قد قامت الصلاه" اضافه نمود.

کد مسأله: ۳۸۴۴۱

مسأله ۹۲۸

مسأله ۹۲۸- "اشهد ان علیا ولی الله" جزو اذان و اقامه نیست، ولی خوب است بعد از "اشهد ان محمدا رسول الله" به قصد قربت گفته شود.

کد مسأله: ۳۸۴۴۶

ترجمه‌ی اذان و اقامه**مسأله ۹۲۹**

"الله اکبر" یعنی خدای تعالی بزرگتر از آن است که او را وصف کنند. "اشهد ان لا اله الا الله" یعنی شهادت می‌دهم که غیر خدایی که یکتا و بی‌همتا است، خدای دیگری سزاوار پرستش نیست. "اشهد ان محمدا رسول الله" یعنی شهادت می‌دهم که حضرت محمد

بن عبد الله صلى الله عليه وآله وسلم، پیغمبر و فرستاده خدا است." اشهد ان عليا امير المؤمنين ولي الله " یعنی شهادت می‌دهم که حضرت علی علیه الصلاة والسلام، امیر المؤمنین و ولی خدا بر همه خلق است." حی علی الصلاة " یعنی بشتاب برای نماز." حی علی الفلاح " یعنی بشتاب برای رستگاری." حی علی خیر العمل " یعنی بشتاب برای بهترین کارها که نماز است." قد قامت الصلاة " یعنی به تحقیق نماز برپا شد." لا اله الا الله " یعنی خدایی سزاوار پرستش نیست مگر خدایی که یکتا و بی‌همتا است.

مسئله ۹۲۹- بین جمله‌های اذان و اقامه باید خیلی فاصله نشود. و اگر بین آنها بیشتر از معمول فاصله بیندازد، باید دوباره آن را از سر بگیرد.

کد مسئله: ۳۸۴۵۰

مسئله ۹۳۰

مسئله ۹۳۰- اگر در اذان و اقامه صدا را در گلو بیندازد، چنانچه غنا شود یعنی به طور آوازه خوانی که در مجالس لهو و بازیگری معمول است اذان و اقامه را بگوید حرام است، و اگر غنا نشود مکروه می‌باشد.

کد مسئله: ۳۸۴۵۳

مسئله ۹۳۱

مسئله ۹۳۱- در پنج نماز اذان ساقط می‌شود: اول: نماز عصر روز جمعه. دوم: نماز عصر روز عرفه که روز نهم ذی‌حجه است. سوم: نماز عشاء شب عید قربان برای کسی که در مشعر الحرام باشد. چهارم: نماز عصر و عشاء زن مستحاضه. پنجم: نماز عصر و عشاء کسی که نمی‌تواند از بیرون آمدن بول و غائط خودداری کند. و در این (۱) پنج نماز در صورتی اذان ساقط می‌شود که با نماز قبلی فاصله نشود، یا فاصله کمی بین آنها باشد، ولی فاصله شدن نافله (۲) و تعقیب ضرر ندارد.

۱- بلکه در هر موردی که دو نماز متوالیاً خوانده شود اذان از نماز دوم ساقط است.

۲- فصل نافله مضر به جمع بین صلوتین است.

کد مسئله: ۳۸۴۵۵

مسئله ۹۳۲

مسئله ۹۳۲- اگر برای نماز جماعتی اذان و اقامه گفته باشند، کسی که با آن جماعت نماز می‌خواند، نباید برای نماز خود اذان و اقامه بگوید.

کد مسئله: ۳۸۴۵۸

مسئله ۹۳۳

مسئله ۹۳۳- اگر کسی برای خواندن نماز جماعت (۱) به مسجد رود و ببیند جماعت تمام شده، تا وقتی که صفها به هم نخورده و جمعیت متفرق نشده می‌تواند (۲) برای نماز خود اذان و اقامه نگوید.

۱- یا فردی

۲- احتیاط واجب ترک اذان و اقامه است

کد مسئله: ۳۸۴۶۱

مسئله ۹۳۴

مسئله ۹۳۴- در جایی که عده‌ای مشغول نماز جماعتند یا نماز آنان تازه تمام شده و صفها به هم نخورده است، اگر انسان بخواهد فرادی یا با جماعت دیگری که برپا می‌شود نماز بخواند، با شش (۱) شرط اذان و اقامه از او ساقط می‌شود:

اول: آن که نماز جماعت در مسجد باشد و اگر در مسجد نباشد، ساقط شدن اذان و اقامه اشکال دارد.

دوم: آن که برای آن نماز اذان و اقامه، گفته باشند.

سوم: آن که نماز جماعت باطل نباشد.

چهارم: آن که نماز او و نماز جماعت در یک مکان باشد، پس اگر نماز جماعت، داخل مسجد باشد. و او بخواهد در بام مسجد نماز بخواند، مستحب است اذان و اقامه بگوید.

پنجم: آن که نماز او و نماز جماعت هر دو ادا باشد.

ششم: آن که وقت نماز او و نماز جماعت مشترک باشد مثلاً هر دو نماز ظهر، یا هر دو نماز عصر بخوانند، یا نمازی که به جماعت خوانده می‌شود، نماز ظهر باشد و او نماز عصر بخواند، یا او نماز ظهر بخواند و نماز جماعت نماز عصر باشد.

۱- بلکه با سه شرط زیرا اولی و پنجمی و ششمی معتبر نیست.

کد مسئله: ۳۸۴۶۳

مسئله ۹۳۵

مسئله ۹۳۵- اگر در شرط سوم از شرطهایی که در مساله پیش گفته شده شک کند، یعنی شک کند که نماز جماعت صحیح بوده یا نه، اذان و اقامه از او ساقط است. ولی اگر در یکی از پنج شرط دیگر شک کند مستحب (۱) است اذان و اقامه بگوید.

۱- اگر شک کند که اذان و اقامه به جماعت گفته شده یا نه ولی اگر شک وحدت در مکان داشته باشد، مستحب نیست اذان و اقامه بگوید. و اگر خواست بگوید به عنوان رجاء عبودیت بگوید و سه شرط دیگر معتبر نیست تا شک در آنها مورد بحث باشد زیرا در صورت قطع به وجود هم اذان و اقامه مستحب است.

کد مسئله: ۳۸۴۶۶

مسئله ۹۳۶

مسئله ۹۳۶- کسی که اذان و اقامه دیگری را می‌شنود، مستحب است هر قسمتی را که می‌شنود بگوید. (۱)

۱- و اولی تبدیل حیعات به حلقه است (یعنی بجای حی علی ها که حیعات می‌باشند، ذکر لا حول و لا قوه الا بالله بگوید).

کد مسئله: ۳۸۴۶۸

مسئله ۹۳۷

مسئله ۹۳۷- کسی که اذان و اقامه دیگری را شنیده، چه با او گفته باشد یا نه، در صورتی که بین آن اذان و اقامه و نمازی که می‌خواهد بخواند زیاد فاصله نشده باشد، می‌تواند برای نماز خود اذان و اقامه نگوید.

کد مسئله: ۳۸۴۷۱

مسئله ۹۳۸

مسئله ۹۳۸- اگر مرد اذان زن را با قصد لذت بشنود، اذان از او ساقط نمی‌شود. بلکه اگر قصد لذت هم نداشته باشد، ساقط شدن اذان اشکال دارد. (۱)

۱- با عدم حرمت سماع یا استماع و عدم حرمت اذان زن ظاهراً سقوط بی اشکال است.

کد مسئله: ۳۸۴۷۳

مسئله ۹۳۹

مسئله ۹۳۹- اذان و اقامه نماز جماعت را باید مرد بگوید، ولی در جماعت زنان اگر زن اذان و اقامه بگوید، کافی است.

کد مسئله: ۳۸۴۷۶

مسئله ۹۴۰

مسئله ۹۴۰- اقامه باید بعد از اذان گفته شود. و اگر قبل از اذان بگویند، صحیح نیست.

کد مسئله: ۳۸۴۷۸

مسئله ۹۴۱

مسئله ۹۴۱- اگر کلمات اذان و اقامه را بدون ترتیب بگوید، مثلاً "حی علی الفلاح" را پیش از "حی علی الصلاه" بگوید، باید از جایی که ترتیب به هم خورده دوباره بگوید.

کد مسئله: ۳۸۴۸۵

مسئله ۹۴۲

مسئله ۹۴۲- باید بین اذان و اقامه فاصله ندهد. و اگر بین آنها به قدری فاصله دهد که اذانی را که گفته اذان این اقامه حساب نشود، مستحب است دوباره اذان و اقامه را بگوید. و نیز اگر بین اذان و اقامه و نماز به قدری فاصله دهد که اذان و اقامه آن نماز حساب نشود، مستحب است دوباره برای آن نماز اذان و اقامه بگوید.

کد مسئله: ۳۸۴۸۷

مسئله ۹۴۳

مسئله ۹۴۳- اذان و اقامه باید به عربی صحیح گفته شود. پس اگر به عربی غلط بگوید یا به جای حرفی حرف دیگر بگوید، یا مثلاً ترجمه آنها را به فارسی بگوید، صحیح نیست.

کد مسئله: ۳۸۴۹۰

مسئله ۹۴۴

مسئله ۹۴۴- اذان و اقامه باید بعد از داخل شدن وقت نماز گفته شود. و اگر عمداً یا از روی فراموشی پیش از وقت بگوید، باطل

است.

کد مسأله: ۳۸۴۹۲

مسأله ۹۴۵

مسأله ۹۴۵- اگر پیش از گفتن اقامه شك کند که اذان گفته یا نه، باید اذان را بگوید. ولی اگر مشغول اقامه شود و شك کند که اذان گفته یا نه، گفتن اذان لازم نیست.

کد مسأله: ۳۸۴۹۴

مسأله ۹۴۶

مسأله ۹۴۶- اگر در بین اذان یا اقامه پیش از آنکه قسمتی را بگوید شك کند که قسمت پیش از آن را گفته یا نه، باید قسمتی را که در گفتن آن شك کرده بگوید. ولی اگر در حال گفتن قسمتی از اذان یا اقامه شك کند که آنچه پیش از آن است گفته یا نه، گفتن آن لازم نیست.

کد مسأله: ۳۸۴۹۷

مسأله ۹۴۷

مسأله ۹۴۷- مستحب است انسان در موقع گفتن اذان رو به قبله بایستد و با وضو یا غسل باشد و دستها را به گوش بگذارد (۱) و صدا را بلند نماید و بکشد و بین جمله‌های اذان کمی فاصله دهد و بین آنها حرف نزنند.

۱- بلکه انگشت در گوش بگذارد

کد مسأله: ۳۸۴۹۹

مسأله ۹۴۸

مسأله ۹۴۸- مستحب است بدن انسان در موقع گفتن اقامه آرام باشد، و آن را از اذان آهسته‌تر بگوید، و جمله‌های آن را به هم نچسباند. ولی به اندازه‌ای که بین جمله‌های اذان فاصله می‌دهد، بین جمله‌های اقامه فاصله ندهد.

کد مسأله: ۳۸۵۰۱

مسأله ۹۴۹

مسأله ۹۴۹- مستحب است بین اذان و اقامه یک قدم بردارد یا قدری بنشیند یا سجده کند یا ذکر بگوید یا دعا بخواند یا قدری ساکت باشد یا حرفی بزند یا دو رکعت نماز بخواند. ولی حرف زدن بین اذان و اقامه صبح و نماز خواندن بین اذان و اقامه نماز

مغرب مستحب نیست. (۱)

۱- بلکه مستحب است.

کد مسأله: ۳۸۵۰۳

مسأله ۹۵۰

مسئله ۹۵۰- مستحب است کسی را که برای گفتن اذان معین می‌کنند، عادل (۱) و وقت‌شناس و صدایش بلند باشد و اذان را در جای بلند بگوید.

۱- عدالت معتبر نیست بلکه مستحب است از اخیار باشد ولو عادل نباشد.

کد مسئله: ۳۸۵۰۶

واجبات نماز

مسئله ۹۵۱

واجبات نماز یازده چیز است: اول: نیت. دوم: قیام یعنی (ایستادن). سوم: تکبیره الاحرام یعنی گفتن "الله اکبر" در اول نماز. چهارم: رکوع. پنجم: سجود. ششم: قرائت. هفتم: ذکر. هشتم: تشهد. نهم: سلام. دهم: ترتیب. یازدهم: موالات یعنی پی در پی بودن اجزاء نماز.

مسئله ۹۵۱- بعضی از واجبات نماز رکن است، یعنی اگر انسان آنها را بجا نیاورد یا در نماز (۱) اضافه کند، عمداً باشد یا اشتهاً، نماز باطل می‌شود. و بعضی دیگر رکن نیست، یعنی اگر عمداً کم یا زیاد شود، نماز باطل می‌شود. و چنانچه اشتهاً کم یا زیاد گردد، نماز باطل نمی‌شود. و رکن پنج چیز است: اول: نیت. دوم: تکبیره الاحرام. سوم: قیام در موقع گفتن تکبیره الاحرام، و قیام متصل به رکوع یعنی ایستادن پیش از رکوع. چهارم: رکوع. پنجم: دو سجده.

۱- تصویر زیادی نیت بنابر داعی ممکن نیست و بنابر اخطار ممکن است ولی قاذح (یعنی مضر) نیست.

کد مسئله: ۳۸۵۰۸

نیت

مسئله ۹۵۲

مسئله ۹۵۲- انسان باید نماز را به نیت قربت یعنی برای انجام فرمان خداوند عالم به جا آورد و لازم نیست نیت را از قلب خود بگذراند یا مثلاً به زبان بگوید که چهار رکعت نماز ظهر می‌خوانم قربه الی الله.

کد مسئله: ۳۸۵۱۱

مسئله ۹۵۳

مسئله ۹۵۳- اگر در نماز ظهر یا در نماز عصر نیت کند که چهار رکعت نماز می‌خوانم و معین نکند ظهر است یا عصر، نماز او باطل است. و نیز کسی که مثلاً قضای نماز ظهر بر او واجب است، اگر در وقت نماز ظهر بخواند آن نماز قضا یا نماز ظهر را بخواند، باید نمازی را که می‌خواند در نیت معین کند.

کد مسئله: ۳۸۵۱۶

مسئله ۹۵۴

مسئله ۹۵۴- انسان باید از اول تا آخر نماز به نیت خود باقی باشد. پس اگر در بین نماز به طوری غافل شود که اگر پرسند چه

می‌کنی نداند چه بگوید، نمازش باطل است.

کد مسأله: ۳۸۵۱۸

مسأله ۹۵۵

مسأله ۹۵۵- انسان باید فقط برای انجام امر خداوند عالم نماز بخواند. پس کسی که ریا کند یعنی برای نشان دادن به مردم نماز بخواند، نمازش باطل است، خواه فقط برای مردم باشد، یا خدا و مردم هر دو را در نظر بگیرد.

کد مسأله: ۳۸۵۲۱

مسأله ۹۵۶

مسأله ۹۵۶- اگر قسمتی از نماز را هم برای غیر خدا بجا آورد نماز باطل است، چه آن قسمت واجب باشد مثل حمد و سوره، چه مستحب (۱) باشد مانند قنوت. بلکه اگر تمام نماز را برای خدا بجا آورد ولی برای نشان دادن به مردم در جای مخصوصی مثل مسجد، یا در وقت مخصوصی مثل اول وقت، یا به طرز مخصوصی مثلاً با جماعت بخواند، نمازش باطل است.

۱- در اجزاء مستحبه ریا موجب بطلان نماز نیست و اقوی صحت صلوه است و لکن احتیاط اعاده آن نماز است.

کد مسأله: ۳۸۵۲۴

تکبیره الاحرام

مسأله ۹۵۷

مسأله ۹۵۷- گفتن "الله اکبر" در اول هر نماز واجب و رکن است و باید حروف "الله" و حروف "اکبر" و دو کلمه "الله" و "اکبر" را پشت سر هم بگوید. و نیز باید این دو کلمه به عربی صحیح گفته شود، و اگر به عربی غلط بگوید یا مثلاً ترجمه آن را به فارسی بگوید صحیح نیست.

کد مسأله: ۳۸۵۲۶

مسأله ۹۵۸

مسأله ۹۵۸- احتیاط واجب (۱) آن است که تکبیره الاحرام نماز را به چیزی که پیش از آن می‌خواند مثلاً- به اقامه یا به دعایی که پیش از تکبیر می‌خواند، نچسباند.

۱- واجب نیست بلکه مستحسن است.

کد مسأله: ۳۸۵۲۹

مسأله ۹۵۹

مسأله ۹۵۹- اگر انسان بخواهد "الله اکبر" را به چیزی که بعد از آن می‌خواند مثلاً به "بسم الله الرحمن الرحيم" بچسباند، باید (ر) اکبر را پیش بدهد.

کد مسأله: ۳۸۵۳۱

مسئله ۹۶۰

مسئله ۹۶۰- موقع گفتن تکبیره الاحرام باید بدن آرام باشد، و اگر عمداً در حالی که بدنش حرکت دارد تکبیره الاحرام را بگوید، باطل است.

کد مسئله: ۳۸۵۳۳

مسئله ۹۶۱

مسئله ۹۶۱- تکبیر و حمد و سوره و ذکر و دعا را باید طوری بخواند که خودش بشنود. و اگر به واسطه سنگینی یا کوری گوش یا سر و صدای زیاد نمی‌شنود، باید طوری بگوید که اگر مانعی نباشد بشنود.

کد مسئله: ۳۸۵۳۷

مسئله ۹۶۲

مسئله ۹۶۲- کسی که لال است یا زبان او مرضی دارد که نمی‌تواند "الله اکبر" را درست بگوید، باید به هر طور که می‌تواند بگوید. و اگر هیچ نمی‌تواند بگوید، باید در قلب خود بگذارند و برای تکبیر اشاره کند، و زبانش را هم اگر می‌تواند حرکت دهد.

کد مسئله: ۳۸۵۴۰

مسئله ۹۶۳

مسئله ۹۶۳- مستحب است بعد از تکبیره الاحرام بگوید: "یا محسن قد اتاک المسیء و قد امرت المحسن ان یتجاوز عن المسیء انت المحسن و انا المسیء بحق محمد و آل محمد صل علی محمد و آل محمد و تجاوز عن قبیح ما تعلم منی،" یعنی ای خدایی که به بندگان احسان می‌کنی، بنده گناهکار به در خانه تو آمده و تو امر کرده‌ای که نیکوکار از گناهکار بگذرد، تو نیکوکاری و من گناهکار، به حق محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم رحمت خود را بر محمد و آل محمد بفرست و از بدیهایی که می‌دانی از من سر زده بگذر.

کد مسئله: ۳۸۵۴۲

مسئله ۹۶۴

مسئله ۹۶۴- مستحب است موقع گفتن تکبیر اول نماز و تکبیرهای بین نماز، دستها را تا مقابل گوشها بالا ببرد.

کد مسئله: ۳۸۵۵۱

مسئله ۹۶۵

مسئله ۹۶۵- اگر شک کند که تکبیره الاحرام را گفته یا نه، چنانچه مشغول خواندن چیزی شده به شک خود اعتنا نکند. و اگر چیزی نخوانده، باید تکبیر را بگوید.

کد مسئله: ۳۸۵۵۵

مسئله ۹۶۶

مسئله ۹۶۶- اگر بعد از گفتن تکبیره الاحرام شك کند که آن را صحیح گفته یا نه، چنانچه مشغول خواندن چیزی شده به شك خود اعتنا نکند و اگر چیزی نخوانده باید تکبیر (۱) را بگوید و احتیاط واجب (۲) آن است که اول عملی که نماز را باطل می کند، انجام دهد مثلاً صورت خود را از قبله برگرداند، بعد تکبیر را بگوید.

۱- اقوی صحت تکبیره الاحرام است ولی احتیاط مستحسن تمام کردن نماز و اعاده آن است.

۲- واجب نیست بلکه احتیاط مستحسن آن است که بعد از تمام کردن نماز دوباره نماز را بخواند.

کد مسئله: ۳۸۵۶۰

قیام (ایستادن)**مسئله ۹۶۷**

مسئله ۹۶۷- قیام در موقع گفتن تکبیره الاحرام و قیام پیش از رکوع که آن را قیام متصل به رکوع می گویند رکن است. ولی قیام در موقع خواندن حمد و سوره و قیام بعد از رکوع، رکن نیست و اگر کسی آن را از روی فراموشی ترک کند، نمازش صحیح است.

کد مسئله: ۳۸۵۶۳

مسئله ۹۶۸

مسئله ۹۶۸- واجب است پیش از گفتن تکبیر و بعد از آن مقداری بایستد تا یقین کند که در حال ایستادن تکبیر گفته است.

کد مسئله: ۳۸۵۶۶

مسئله ۹۶۹

مسئله ۹۶۹- اگر رکوع را فراموش کند و بعد از حمد و سوره بنشیند و یادش بیاید که رکوع نکرده، باید بایستد و به رکوع رود. و اگر بدون این که بایستد به حال خمیدگی به رکوع برگردد، چون قیام متصل به رکوع را بجا نیاورده، نماز او باطل است.

کد مسئله: ۳۸۵۶۸

مسئله ۹۷۰

مسئله ۹۷۰- موقعی که ایستاده است باید بدن را حرکت ندهد و به طرفی خم نشود و به جایی تکیه نکند. ولی اگر از روی ناچاری باشد، یا در حال خم شدن برای رکوع پاها را حرکت دهد، اشکال ندارد.

کد مسئله: ۳۸۵۷۰

مسئله ۹۷۱

مسئله ۹۷۱- اگر موقعی که ایستاده از روی فراموشی بدن را حرکت دهد یا به طرفی خم شود یا به جایی تکیه کند اشکال ندارد. ولی در قیام موقع گفتن تکبیره الاحرام و قیام متصل به رکوع اگر از روی فراموشی هم باشد، بنابر احتیاط واجب (۱) باید نماز را تمام کند و دوباره بخواند.

۱- واجب نیست و اقوی صحت نماز است ولی احتیاط مستحسن اعاده آن است

کد مسأله: ۳۸۵۷۳

مسأله ۹۷۲

مسأله ۹۷۲- احتیاط واجب (۱) آن است که در موقع ایستادن هر دو پا روی زمین باشد. ولی لازم نیست سنگینی بدن روی هر دو پا باشد، و اگر روی یک پا هم باشد اشکال ندارد.

۱- واجب نیست ولی مستحسن است و بعید نیست کفایت قیام بر یک پا

کد مسأله: ۳۸۵۷۵

مسأله ۹۷۳

مسأل ۹۷۳- کسی که می‌تواند درست بایستد، اگر پاها را خیلی گشاد بگذارد که به حال ایستادن معمولی نباشد، نمازش باطل است. (۱)

۱- اگر صدق قیام نکند والا صحیح است.

کد مسأله: ۳۸۵۷۸

مسأله ۹۷۴

مسأله ۹۷۴- موقعی که انسان در نماز مشغول خواندن چیزیست حتی موقع گفتن ذکرهای مستحبی نماز، باید بدنش آرام باشد. و در موقعی که می‌خواهد کمی جلو یا عقب رود یا کمی بدن را به طرف راست یا چپ حرکت دهد، باید چیزی نگوید، ولی "بحول الله و قوته اقوم و اقعده" را باید در حال برخاستن بگوید.

کد مسأله: ۳۸۵۸۰

مسأله ۹۷۵

مسأله ۹۷۵- اگر در حال حرکت بدن ذکر بگوید، مثلا موقع رفتن به رکوع یا رفتن به سجده تکبیر بگوید، چنانچه آن را به قصد ذکر می‌گوید که در نماز دستور داده‌اند بگوید، باید احتیاطا نماز را دوباره بخواند. و اگر به این قصد نگوید بلکه بخواهد ذکر گفته باشد، نماز صحیح است.

کد مسأله: ۳۸۵۸۳

مسأله ۹۷۶

مسأله ۹۷۶- حرکت دادن دست و انگشتان در موقع خواندن حمد اشکال ندارد، اگر چه احتیاط مستحب آن است که آنها را هم حرکت ندهد.

کد مسأله: ۳۸۵۸۵

مسأله ۹۷۷

مسئله ۹۷۷- اگر موقع خواندن حمد و سوره یا خواندن تسبیحات بی اختیار به قدری حرکت کند که از حال آرام بودن بدن خارج شود، احتیاط واجب (۱) آن است که بعد از آرام گرفتن بدن، آنچه را در حال حرکت خوانده دوباره بخواند.

۱- واجب نیست و اقوی صحت حمد و سوره و تسبیحات است ولی احتیاط مستحسن اعاده است.

کد مسئله: ۳۸۵۸۷

مسئله ۹۷۸

مسئله ۹۷۸- اگر در بین نماز از ایستادن عاجز شود باید بنشیند، و اگر از نشستن هم عاجز شود باید بخوابد، ولی تا بدنش آرام نگرفته باید چیزی نخواند.

کد مسئله: ۳۸۵۹۰

مسئله ۹۷۹

مسئله ۹۷۹- تا انسان می تواند ایستاده نماز بخواند، نباید بنشیند. مثلاً کسی که در موقع ایستادن بدنش حرکت می کند یا مجبور است به چیزی تکیه دهد یا بدنش را کج کند یا خم شود یا پاها را بیشتر از معمول گشاد بگذارد، (۱) باید به هر طور که می تواند ایستاده نماز بخواند. ولی اگر به هیچ قسم حتی مثل حال رکوع هم نتواند بایستد، باید راست بنشیند و نشسته نماز بخواند.

۱- در صورتی که صدق قیام بکند والا جلوس مقدم بر آن است.

کد مسئله: ۳۸۵۹۲

مسئله ۹۸۰

مسئله ۹۸۰- تا انسان می تواند بنشیند، نباید خوابیده نماز بخواند. و اگر نتواند راست بنشیند باید هر طور که می تواند بنشیند، و اگر به هیچ قسم نمی تواند بنشیند باید به طوری که در احکام قبله گفته شد به پهلوئی راست بخوابد، و اگر نمی تواند به پهلوئی چپ، و اگر آن هم ممکن نیست به پشت بخوابد به طوری که کف پاهای او رو به قبله باشد.

کد مسئله: ۳۸۵۹۶

مسئله ۹۸۱

مسئله ۹۸۱- کسی که نشسته نماز می خواند، اگر بعد از خواندن حمد و سوره بتواند بایستد و رکوع را ایستاده بجا آورد، باید بایستد و از حال ایستاده به رکوع رود. و اگر نتواند، باید رکوع را هم نشسته بجا آورد.

کد مسئله: ۳۸۵۹۹

مسئله ۹۸۲

مسئله ۹۸۲- کسی که خوابیده نماز می خواند، اگر در بین نماز بتواند بنشیند، باید مقداری را که می تواند نشسته بخواند. و نیز اگر می تواند بایستد، باید مقداری را که می تواند ایستاده بخواند، ولی تا بدنش آرام نگرفته باید چیزی نخواند.

کد مسئله: ۳۸۶۰۱

مسئله ۹۸۳

مسئله ۹۸۳- کسی که نشسته نماز می‌خواند، اگر در بین نماز بتواند بایستد باید مقداری را که می‌تواند ایستاده بخواند، ولی تا بدنش آرام نگرفته باید چیزی نخواند.

کد مسئله: ۳۸۶۰۳

مسئله ۹۸۴

مسئله ۹۸۴- کسی که می‌تواند بایستد، اگر بترسد که به واسطه ایستادن مریض شود یا ضرری به او برسد، می‌تواند نشسته نماز بخواند. و اگر از نشستن هم بترسد، می‌تواند خوابیده نماز بخواند.

کد مسئله: ۳۸۶۰۵

مسئله ۹۸۵

مسئله ۹۸۵- اگر انسان احتمال بدهد که تا آخر وقت بتواند ایستاده نماز بخواند، باید نماز را تأخیر بیندازد. پس اگر نتوانست بایستد، در آخر وقت مطابق وظیفه اش نماز را بجا آورد.

کد مسئله: ۳۸۶۰۷

مسئله ۹۸۶

مسئله ۹۸۶- مستحب است در حال ایستادن بدن را راست نگهدارد، شانه‌ها را پایین بیندازد، دستها را روی رانها بگذارد، انگشتها را به هم بچسباند، جای سجده را نگاه کند، سنگینی بدن را به طور مساوی روی دو پا بیندازد، با خضوع و خشوع باشد، پاها را پس و پیش نگذارد، اگر مرد است پاها را از سه انگشت باز تا یک وجب فاصله دهد، و اگر زن است پاها را به هم بچسباند.

کد مسئله: ۳۸۶۱۰

قرائت**مسئله ۹۸۷**

مسئله ۹۸۷- در رکعت اول و دوم نمازهای واجب یومیه انسان باید اول حمد و بعد از آن یک سوره تمام بخواند. (۱)

۱- بنا بر احتیاط واجب

کد مسئله: ۳۸۶۱۲

مسئله ۹۸۸

مسئله ۹۸۸- اگر وقت نماز تنگ باشد یا انسان ناچار شود که سوره را نخواند، مثلاً بترسد که اگر سوره را بخواند دزد یا درنده یا چیز دیگری به او صدمه بزند، نباید سوره را بخواند.

کد مسئله: ۳۸۶۱۴

مسئله ۹۸۹

مسئله ۹۸۹- اگر عمداً سوره را پیش از حمد بخواند، نمازش باطل است. و اگر اشتباهاً سوره را پیش از حمد بخواند و در بین آن یادش بیاید، باید سوره را رها کند و بعد از خواندن حمد سوره را از اول بخواند.

کد مسئله: ۳۸۶۱۷

مسئله ۹۹۰

مسئله ۹۹۰- اگر حمد و سوره یا یکی از آنها را فراموش کند و بعد از رسیدن به رکوع بفهمد، نمازش صحیح است.

کد مسئله: ۳۸۶۲۳

مسئله ۹۹۱

مسئله ۹۹۱- اگر پیش از آنکه برای رکوع خم شود، بفهمد که حمد و سوره را نخوانده باید بخواند، و اگر بفهمد سوره را نخوانده باید فقط سوره را بخواند. ولی اگر بفهمد حمد تنها را نخوانده، باید اول حمد و بعد از آن دوباره سوره را بخواند. و نیز اگر خم شود و پیش از آن که به رکوع برسد بفهمد حمد و سوره یا سوره تنها، یا حمد تنها را نخوانده، باید بایستد و به همین دستور عمل نماید.

کد مسئله: ۳۸۶۲۵

مسئله ۹۹۲

مسئله ۹۹۲- اگر در نماز یکی از چهار سوره‌ای را که آیه سجده دارد و در مسئله ۳۶۱ گفته شد عمداً بخواند، نمازش باطل است. (۱)

۱- در صورتی که آیه سجده را بخواند و سجده بجا آورد و الا به مجرد شروع باطل نمی شود و اگر آیه سجده را بخواند و سجده نیاورد احتیاطاً نماز را تمام می کند و نماز دیگری بجا می آورد.

کد مسئله: ۳۸۶۲۹

مسئله ۹۹۳

مسئله ۹۹۳- اگر اشتباهاً مشغول خواندن سوره‌ای شود که سجده واجب دارد، چنانچه پیش از رسیدن به آیه سجده بفهمد، باید آن سوره را رها کند و سوره دیگر بخواند. و اگر بعد از خواندن آیه سجده بفهمد، (۱) می تواند سوره را تمام کند و بعد از نماز سجده آن را بجا آورد.

۱- اگر عمداً بخواند باید بعد از بجا آوردن سجده تلاوت بصورت ایماء، سوره دیگری به قصد قربت مطلقه بخواند و نماز را تمام کند و دوباره آن نماز را بخواند علی الاحوط و اگر بعد از بجا آوردن آیه سجده نسیاناً متذکر شد نمازش صحیح است و اعاده ندارد علی الاقوی اگر چه اعاده مستحسن است.

کد مسئله: ۳۸۶۳۲

مسئله ۹۹۴

مسئله ۹۹۴- اگر در نماز آیه سجده را بشنود (۱) نمازش صحیح است و باید بعد از نماز سجده آن را به جا آورد.

۱- یا استماع نماید در اثناء نماز برای سجده ایما نماید و نماز را تمام کند و بعد از نماز احتیاطاً سجده تلاوت را به نحو متعارف بجا آورد.

کد مسئله: ۳۸۶۳۴

مسئله ۹۹۵

مسئله ۹۹۵- در نماز مستحبی خواندن سوره لازم نیست، اگر چه آن نماز به واسطه نذر کردن واجب شده باشد. ولی در بعضی از نمازهای مستحبی مثل نماز وحشت که سوره مخصوصی دارد، اگر بخواند به دستور آن نماز رفتار کرده باشد، باید همان سوره را بخواند.

کد مسئله: ۳۸۶۳۸

مسئله ۹۹۶

مسئله ۹۹۶- در نماز جمعه و در نماز ظهر روز جمعه، مستحب است در رکعت اول بعد از "حمد" سوره "جمعه" و در رکعت دوم بعد از "حمد" سوره "منافقین" بخواند. و اگر مشغول یکی از اینها شود، بنابر احتیاط واجب نمی‌تواند (۱) آن را رها کند و سوره دیگر بخواند.

۱- نمی‌تواند اگر تجاوز از نصف کرده باشد والا علی الاقوی جائز است.

کد مسئله: ۳۸۶۴۱

مسئله ۹۹۷

مسئله ۹۹۷- اگر بعد از حمد مشغول خواندن سوره "قل هو الله احد" یا سوره "قل یا ایها الکافرون" شود، نمی‌تواند آن را رها کند و سوره دیگر بخواند. ولی در نماز جمعه و نماز ظهر روز جمعه اگر از روی فراموشی به جای سوره "جمعه" و "منافقین" یکی از این دو سوره را بخواند، تا به نصف نرسیده می‌تواند آن را رها کند و سوره "جمعه" و "منافقین" را بخواند.

کد مسئله: ۳۸۶۴۳

مسئله ۹۹۸

مسئله ۹۹۸- اگر در نماز جمعه یا نماز ظهر روز جمعه عمداً سوره "قل هو الله احد" یا سوره "قل یا ایها الکافرون" بخواند، اگر چه به نصف نرسیده باشد، بنابر احتیاط واجب نمی‌تواند رها کند و سوره "جمعه" و "منافقین" را بخواند.

کد مسئله: ۳۸۶۴۶

مسئله ۹۹۹

مسئله ۹۹۹- اگر در نماز غیر سوره "قل هو الله احد" و "قل یا ایها الکافرون" سوره دیگری بخواند، تا به نصف نرسیده می‌تواند رها کند و سوره دیگر بخواند.

کد مسأله: ۳۸۶۴۸

مسأله ۱۰۰۰

مسأله ۱۰۰۰- اگر مقداری از سوره را فراموش کند یا از روی ناچاری مثلاً به واسطه تنگی وقت یا جهت دیگر نشود آن را تمام نماید، می‌تواند آن سوره را رها کند و سوره دیگر بخواند، اگر چه از نصف گذشته باشد یا سوره‌ای را که می‌خوانده "قل هو الله احد" یا "قل یا ایها الکافرون" باشد.

کد مسأله: ۳۸۶۵۲

مسأله ۱۰۰۱

مسأله ۱۰۰۱- بر مرد واجب است حمد و سوره نماز صبح و مغرب و عشا را بلند بخواند. و بر مرد و زن واجب است حمد و سوره نماز ظهر و عصر را آهسته بخواند.

کد مسأله: ۳۸۶۵۴

مسأله ۱۰۰۲

مسأله ۱۰۰۲- مرد باید در نماز صبح و مغرب و عشا مواظب باشد که تمام کلمات حمد و سوره حتی حرف آخر آنها را بلند بخواند.

کد مسأله: ۳۸۶۵۷

مسأله ۱۰۰۳

مسأله ۱۰۰۳- زن می‌تواند حمد و سوره نماز صبح و مغرب و عشا را بلند یا آهسته بخواند. ولی اگر نامحرم صدایش را بشنود، بنابر احتیاط واجب باید آهسته بخواند.

کد مسأله: ۳۸۶۵۹

مسأله ۱۰۰۴

مسأله ۱۰۰۴- اگر در جایی که باید نماز را بلند بخواند عمداً آهسته بخواند، یا در جایی که باید آهسته خواند عمداً بلند بخواند، نمازش باطل است. ولی اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله باشد، صحیح است. و اگر در بین خواندن حمد و سوره هم بفهمد اشتباه کرده، لازم نیست مقداری را که خوانده دوباره بخواند.

کد مسأله: ۳۸۶۶۱

مسأله ۱۰۰۵

مسأله ۱۰۰۵- اگر کسی در خواندن حمد و سوره بیشتر از معمول صدایش را بلند کند، مثل آنکه آنها را با فریاد بخواند، نمازش باطل است.

کد مسأله: ۳۸۶۶۴

مسأله ۱۰۰۶

مسأله ۱۰۰۶- انسان باید نماز را یاد بگیرد که غلط نخواند. و کسی که به هیچ قسم نمی‌تواند صحیح آن را یاد بگیرد، باید هر طور که می‌تواند بخواند، و احتیاط مستحب آن است که نماز را به جماعت بجا آورد.

کد مسأله: ۳۸۶۶۶

مسأله ۱۰۰۷

مسأله ۱۰۰۷- کسی که حمد و سوره و چیزهای دیگر نماز را به خوبی نمی‌داند و می‌تواند یاد بگیرد، چنانچه وقت نماز وسعت دارد، باید یاد بگیرد و اگر وقت تنگ است، بنابر احتیاط (۱) واجب در صورتی که ممکن باشد باید نمازش را به جماعت بخواند.
۱- واجب نیست علی الاقوی و لکن مستحسن است.

کد مسأله: ۳۸۶۶۸

مسأله ۱۰۰۸

مسأله ۱۰۰۸- مزد گرفتن برای یاد دادن واجبات نماز حرام است ولی برای مستحبات آن اشکال ندارد.

کد مسأله: ۳۸۶۷۰

مسأله ۱۰۰۹

مسأله ۱۰۰۹- اگر یکی از کلمات حمد یا سوره را نداند، یا عمداً آن را نگوید، یا بجای حرفی، حرف دیگر بگوید مثلاً به جای (ض)، (ظ) بگوید، یا جایی که باید بدون زیر و زبر خوانده شود زیر و زبر بدهد، یا تشدید را نگوید، نماز او باطل است.

کد مسأله: ۳۸۶۷۳

مسأله ۱۰۱۰

مسأله ۱۰۱۰- اگر انسان کلمه‌ای را صحیح بداند و در نماز همانطور بخواند و بعد بفهمد غلط خوانده، باید دوباره (۱) نماز را بخواند و اگر وقت گذشته قضا نماید.

۱- علی الاقوی لازم نیست و لکن مستحسن است چه در وقت باشد و چه در خارج وقت.

کد مسأله: ۳۸۶۷۵

مسأله ۱۰۱۱

مسأله ۱۰۱۱- اگر زیر و زبر کلمه‌ای را نداند یا نداند مثلاً- کلمه ای به (س) است یا به (ص)، باید یاد بگیرد و چنانچه دو جور یا بیشتر بخواند، مثل آن که در "اهدنا الصراط المستقیم"، "مستقیم" را یک مرتبه با "سین" و یک مرتبه با "صاد" بخواند نمازش باطل است.

کد مسأله: ۳۸۶۷۷

مسأله ۱۰۱۲

مسأله ۱۰۱۲- اگر در کلمه‌ای "واو" باشد و حرف قبل از "واو" در آن کلمه پیش داشته باشد و حرف بعد از "واو" در آن کلمه همزه (ء) باشد مثل کلمه "سوء" باید آن واو را مد بدهد یعنی آن را بکشد و همچنین اگر در کلمه‌ای "الف" باشد و حرف قبل از "الف" در آن کلمه زبر داشته باشد و حرف بعد از "الف" در آن کلمه همزه باشد مثل "جاء"، باید "الف" آن را بکشد و نیز اگر در کلمه‌ای (ی) باشد و حرف پیش از (ی) در آن کلمه زیر داشته باشد و حرف بعد از (ی) در آن کلمه همزه باشد مثل "جیء"، باید (ی) را با مد بخواند و اگر بعد از این "واو" و "الف" و "ی" بجای همزه (ء) حرفی باشد که ساکن است، یعنی زیر و زبر و پیش ندارد باز هم باید این سه حرف را با مد بخواند، مثلاً در "ولا الضالین" که بعد از "الف" حرف "لام" ساکن است، باید الف آنرا با مد بخواند و چنانچه به دستور که گفته شد رفتار نکند، احتیاط واجب (۱) آن است که نماز را تمام کند و دوباره بخواند.

۱- در صورتی که بعد از حروف مد همزه باشد مد کلمه مستحسن است و ترک آن موجب بطلان و اعاده نیست و در صورتی که بعد از حروف مد حرف ساکن باشد مد کلمه لازم است و ترک آن موجب بطلان نماز و لزوم اعاده و قضاء است.

کد مسأله: ۳۸۶۸۰

مسأله ۱۰۱۳

مسأله ۱۰۱۳- احتیاط واجب (۱) آن است که در نماز، وقف به حرکت و وصل به سکون ننماید. (۲) و معنی وقف به حرکت آن است که زیر یا زبر یا پیش یا آخر کلمه‌ای را بگوید و بین آن کلمه و کلمه بعدش فاصله دهد. مثلاً بگوید "الرحمن الرحیم" و میم "الرحیم" را زیر بدهد و بعد قدری فاصله دهد و بگوید: "مالک یوم الدین." و معنی وصل به سکون آن است که زیر یا زبر یا پیش کلمه‌ای را نگوید و آن کلمه را به کلمه بعد بچسباند، مثل آنکه بگوید: "الرحمن الرحیم" و میم "الرحیم" را زیر ندهد و فوراً "مالک یوم الدین" را بگوید.

- ۱- لازم نیست ولی از محسنات قرائت است و ترک آن موجب بطلان و لزوم اعاده و قضا نیست علی الاقوی
- ۲- در صورتی که وقف جائز نباشد و الا تعلم لازم نیست زیرا وقف جائز است و کلمه را به صورت وقف اداء می کند.

کد مسأله: ۳۸۶۸۲

مسأله ۱۰۱۴

مسأله ۱۰۱۴- در رکعت سوم و چهارم نماز می تواند فقط یک حمد بخواند، یا بنا بر احتیاط واجب سه مرتبه (۱) تسبیحات اربعه بگوید، یعنی سه مرتبه بگوید: "سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر،" و می تواند در یک رکعت حمد، و در رکعت دیگر تسبیحات بگوید، و بهتر است (۲) در هر دو رکعت تسبیحات بخواند.

- ۱- واجب نیست ولی مستحسن است سه مرتبه بگوید و بعد از آن استغفار نماید.
- ۲- برای خصوص مأموم اما برای امام حمد افضل است و برای منفرد هر دو مساوی است.

کد مسأله: ۳۸۶۸۴

مسأله ۱۰۱۵

مسئله ۱۰۱۵- در تنگی وقت باید تسیحات اربعه را یک مرتبه بگوید.

کد مسئله: ۳۸۶۸۶

کد مسئله: ۳۸۶۹۳

مسئله ۱۰۱۶

مسئله ۱۰۱۶- بر مرد و زن واجب است که در رکعت سوم و چهارم نماز، حمد یا تسیحات را آهسته بخوانند.

کد مسئله: ۳۸۶۹۷

مسئله ۱۰۱۷

مسئله ۱۰۱۷- اگر در رکعت سوم و چهارم حمد بخواند، بنا بر احتیاط واجب (۱) باید "بسم الله" آن را هم آهسته بگوید.

۱- واجب نیست بلکه علی الاقوی استحباب جهر است ولی اخفات احتیاط مستحسن است.

کد مسئله: ۳۸۷۰۰

مسئله ۱۰۱۸

مسئله ۱۰۱۸- کسی که نمی تواند تسیحات را یاد بگیرد یا درست بخواند، باید در رکعت سوم و چهارم حمد بخواند.

کد مسئله: ۳۸۷۰۲

مسئله ۱۰۱۹

مسئله ۱۰۱۹- اگر در دو رکعت اول نماز به خیال این که دو رکعت آخر است تسیحات بگوید، چنانچه پیش از رکوع بفهمد، باید

حمد و سوره را بخواند و اگر در رکوع یا بعد از رکوع بفهمد، نمازش صحیح است.

کد مسئله: ۳۸۷۰۶

مسئله ۱۰۲۰

مسئله ۱۰۲۰- اگر در دو رکعت آخر نماز به خیال اینکه در دو رکعت اول است حمد بخواند، یا در دو رکعت اول نماز با اینکه

گمان می کرده در دو رکعت آخر است حمد بخواند، چه پیش از رکوع بفهمد چه بعد از آن، نمازش صحیح است.

کد مسئله: ۳۸۷۰۹

مسئله ۱۰۲۱

مسئله ۱۰۲۱- اگر در رکعت سوم یا چهارم می خواست حمد بخواند تسیحات به زبانش آمد یا می خواست تسیحات بخواند حمد به

زبانش آمد باید آن را رها کند و دوباره حمد یا تسیحات را بخواند ولی اگر عادتش (۱) خواندن چیزی بوده که به زبانش آمده

می تواند همان را تمام کند و نمازش صحیح است.

۱- با قصد اجمالی کافی است والا باید دوباره با قصد شروع کند.

کد مسأله: ۳۸۷۱۱

مسأله ۱۰۲۲

مسأله ۱۰۲۲- کسی که عادت دارد در رکعت سوم و چهارم تسیحات بخواند اگر بدون قصد مشغول خواندن حمد شود باید آن را رها کند و دوباره حمد یا تسیحات را بخواند.

کد مسأله: ۳۸۷۲۲

مسأله ۱۰۲۳

مسأله ۱۰۲۳- در رکعت سوم و چهارم مستحب است بعد از تسیحات استغفار کند، مثلاً بگوید: "استغفر الله ربی و اتوب الیه" یا بگوید: "اللهم اغفر لی". و کسی که مشغول گفتن استغفار است، اگر شک کند که حمد یا تسیحات را خوانده یا نه، چنانچه عادت داشته در نماز فقط بعد از تسیحات استغفار کند باید به شک خود اعتنا ننماید (۱) و اگر در جاهای دیگر نماز هم استغفار می کرده باید حمد یا تسیحات را بخواند و نیز اگر نماز گزار پیش از خم شدن برای رکوع در حالی که مشغول گفتن استغفار نیست، شک کند که حمد یا تسیحات را خوانده یا نه، باید حمد یا تسیحات را بخواند.

۱- بلکه باید اعتنا کند و تسیحات یا حمد را بجا آورد زیرا ترتیب استغفار بر تسیحات با حمد معلوم نیست.

کد مسأله: ۳۸۷۲۵

مسأله ۱۰۲۴

مسأله ۱۰۲۴- اگر در رکوع رکعت سوم یا چهارم یا در حال رفتن (۱) به رکوع شک کند که حمد یا تسیحات را خوانده یا نه، باید به شک خود اعتنا نکند.

۱- اگر به حد رکوع نرسیده باشد برگردد و حمد یا تسیحات را بخواند.

کد مسأله: ۳۸۷۲۷

مسأله ۱۰۲۵

مسأله ۱۰۲۵- هرگاه شک کند که آیه یا کلمه‌ای را درست گفته یا نه، اگر به چیزی که بعد از آن است مشغول نشده، باید آن آیه یا کلمه را (۱) به طور صحیح بگوید. و اگر به چیزی که بعد از آن است مشغول شده، چنانچه آن چیز رکن باشد مثل آنکه در رکوع شک کند که فلان کلمه از سوره را درست گفته یا نه، باید به شک خود اعتنا نکند. و اگر رکن نباشد، مثلاً موقع گفتن "الله الصمد" شک کند که "قل هو الله احد" را درست گفته یا نه، باز هم می‌تواند به شک خود اعتنا نکند. ولی اگر احتیاطاً آن آیه یا کلمه را به طور صحیح بگوید، اشکال ندارد. و اگر چند مرتبه هم شک کند، می‌تواند چند بار بگوید. اما اگر به وسواس برسد و باز هم بگوید، بنابر احتیاط واجب باید نمازش را دوباره بخواند.

۱- لازم نیست چون قاعده فراغ در اجزاء مرکب هم جاری می‌شود و دخول در غیر شرط جریان قاعده فراغ نیست.

کد مسأله: ۳۸۷۳۰

مسأله ۱۰۲۶

مسئله ۱۰۲۶- مستحب است در رکعت اول پیش از خواندن حمد بگوید: "اعوذ بالله من الشیطان الرجیم" و در رکعت اول و دوم نماز ظهر و عصر "بسم الله" را بلند بگوید و حمد و سوره را شمرده بخواند و در آخر هر آیه وقف کند، یعنی آن آیه را به آیه بعد نچسباند، و در حال خواندن حمد و سوره به معنای آیه توجه داشته باشد. اگر نماز را به جماعت می‌خواند، بعد از تمام شدن حمد امام و اگر فردی می‌خواند، بعد از آنکه حمد خودش تمام شد، بگوید "الحمد لله رب العالمین." "بعد از خواندن سوره" قل هو الله احد "یک یا دو یا سه مرتبه" کذلک الله ربی "یا سه مرتبه" کذلک الله ربنا "بگوید، بعد از خواندن سوره کمی صبر کند و بعد تکبیر پیش از رکوع را بگوید یا قنوت را بخواند.

کد مسئله: ۳۸۷۳۲

مسئله ۱۰۲۷

مسئله ۱۰۲۷- مستحب است در تمام نمازها در رکعت اول سوره "انا انزلناه" و در رکعت دوم سوره "قل هو الله احد" را بخواند.

کد مسئله: ۳۸۷۳۵

مسئله ۱۰۲۸

مسئله ۱۰۲۸- مکروه است انسان در تمام نمازهای یک شبانه روز سوره "قل هو الله احد" را نخواند.

کد مسئله: ۳۸۷۳۷

مسئله ۱۰۲۹

مسئله ۱۰۲۹- خواندن سوره "قل هو الله احد" به یک نفس مکروه است.

کد مسئله: ۳۸۷۳۹

رکوع

مسئله ۱۰۳۰

مسئله ۱۰۳۰- سوره‌ای را که در رکعت اول خوانده، مکروه است در رکعت دوم بخواند، ولی اگر سوره "قل هو الله احد" را در هر دو رکعت بخواند مکروه نیست.

کد مسئله: ۳۸۷۴۱

مسئله ۱۰۳۱

مسئله ۱۰۳۱- در هر رکعت بعد از قرائت باید به اندازه‌ای خم شود (۱) که بتواند دست را به زانو بگذارد، و این عمل را رکوع می‌گویند.

۱- بلکه بتواند اطراف اصابع را به زانو بگذارد کافی است.

کد مسئله: ۳۸۷۴۴

مسئله ۱۰۳۲

مسئله ۱۰۳۲- اگر به اندازه رکوع خم شود ولی دستها را به زانو نگذارد اشکال ندارد.

کد مسئله: ۳۸۷۴۶

مسئله ۱۰۳۳

مسئله ۱۰۳۳- هرگاه رکوع را بطور غیر معمول بجا آورد، مثلاً به چپ یا راست خم شود، اگر چه دستهای او به زانو برسد صحیح نیست.

کد مسئله: ۳۸۷۴۸

مسئله ۱۰۳۴

مسئله ۱۰۳۴- خم شدن باید به قصد رکوع باشد، پس اگر به قصد کار دیگری مثلاً برای کشتن جانور خم شود، نمی‌تواند آن را رکوع حساب کند بلکه باید بایستد و دوباره برای رکوع خم شود، و به واسطه این عمل، رکن زیاد نشده و نماز باطل نمی‌شود.

کد مسئله: ۳۸۷۵۰

مسئله ۱۰۳۵

مسئله ۱۰۳۵- کسی که دست یا زانوی او با دست و زانوی دیگران فرق دارد، مثلاً دستش خیلی بلند است که اگر کمی خم شود به زانو می‌رسد یا زانوی او پایین‌تر از مردم دیگر است که باید خیلی خم شود تا دستش به زانو برسد باید به اندازه معمول خم شود.

کد مسئله: ۳۸۷۵۲

مسئله ۱۰۳۶

مسئله ۱۰۳۶- کسی که نشسته رکوع می‌کند باید به قدری خم شود که صورتش مقابل زانوهای برسد، و بهتر است به قدری خم شود که صورت نزدیک جای سجده برسد.

کد مسئله: ۳۸۷۵۵

مسئله ۱۰۳۷

مسئله ۱۰۳۷- احتیاط واجب (۱) آن است که در رکوع، سه مرتبه "سبحان الله" یا یک مرتبه "سبحان ربی العظیم و بحمده" بگوید ولی در تنگی وقت و در حال ناچاری گفتن یک سبحان الله کافی است.

۱- این احتیاط واجب نیست و اقوی کفایت مطلق ذکر است به مقدار سه تسبیح صغیره یا یک تسبیح کبیره.

کد مسئله: ۳۸۷۵۷

مسئله ۱۰۳۸

مسئله ۱۰۳۸- ذکر رکوع باید دنبال هم و به عربی صحیح گفته شود. و مستحب است آن را سه یا پنج یا هفت مرتبه بلکه بیشتر

بگویند.

کد مسأله: ۳۸۷۵۹

مسأله ۱۰۳۹

مسأله ۱۰۳۹- در رکوع باید به مقدار ذکر واجب، بدن آرام باشد و در ذکر مستحب هم اگر آن را به قصد ذکر که برای رکوع دستور داده‌اند بگویند بنا بر احتیاط واجب، (۱) آرام بودن بدن لازم است.

۱- بلکه مستحسن است نه لازم.

کد مسأله: ۳۸۷۶۱

مسأله ۱۰۴۰

مسأله ۱۰۴۰- اگر موقعی که ذکر واجب رکوع را می‌گویید، بی‌اختیار به قدری حرکت کند که از حال آرام بودن بدن خارج شود باید بعد از آرام گرفتن بدن بنا بر احتیاط واجب دوباره ذکر را بگویند (۱) ولی اگر کمی حرکت کند که از حال آرام بودن بدن خارج نشود، یا انگشتان را حرکت دهد اشکال ندارد.

۱- لازم نیست ولیکن مستحسن است.

کد مسأله: ۳۸۷۶۳

مسأله ۱۰۴۱

مسأله ۱۰۴۱- اگر پیش از آن که به مقدار رکوع خم شود و بدن آرام گیرد عمداً ذکر رکوع را بگویند نمازش باطل است.

کد مسأله: ۳۸۷۶۶

مسأله ۱۰۴۲

مسأله ۱۰۴۲- اگر پیش از تمام شدن ذکر واجب، عمداً سر از رکوع بردارد نمازش باطل است، و اگر سهواً سر بردارد چنانچه پیش از آنکه از حال رکوع خارج شود، یادش بیاید که ذکر رکوع را تمام نکرده، باید در حال آرامی بدن دوباره ذکر را بگویند، (۱) و اگر بعد از آنکه از حال رکوع خارج شد، یادش بیاید، نماز او صحیح است.

۱- لازم نیست ولیکن مستحسن است.

کد مسأله: ۳۸۷۶۸

مسأله ۱۰۴۳

مسأله ۱۰۴۳- اگر نتواند به مقدار ذکر در رکوع بماند احتیاط واجب آن است که بقیه آن را در حال برخاستن بگویند. (۱)

۱- مخیر است که در حال برخاستن اتمام نماید یا قبل از وصول به حد رکوع شروع کند و هیچ کدام تعیین ندارد.

کد مسأله: ۳۸۷۷۰

مسأله ۱۰۴۴

مسئله ۱۰۴۴- اگر به واسطه مرض و مانند آن در رکوع آرام نگیرد نماز صحیح است، ولی باید پیش از آنکه از حال رکوع خارج شود، ذکر واجب یعنی "سبحان ربی العظیم و بحمده" یا سه مرتبه "سبحان الله" را بگوید.

کد مسئله: ۳۸۷۷۲

مسئله ۱۰۴۵

مسئله ۱۰۴۵- هرگاه نتواند به اندازه رکوع خم شود باید به چیزی تکیه دهد و رکوع کند و اگر موقعی هم که تکیه داده نتواند به طور معمول رکوع کند باید به هر اندازه می‌تواند خم شود و اگر هیچ نتواند خم شود باید موقع رکوع بنشیند و نشسته رکوع کند، و احتیاط مستحب آن است که نماز دیگری هم بخواند و برای رکوع آن با سر اشاره نماید.

کد مسئله: ۳۸۷۷۴

مسئله ۱۰۴۶

مسئله ۱۰۴۶- کسی که می‌تواند ایستاده نماز بخواند اگر در حال ایستاده یا نشسته نتواند رکوع کند باید ایستاده نماز بخواند و برای رکوع با سر اشاره کند، و اگر نتواند اشاره کند باید به نیت رکوع چشمها را هم بگذارد و ذکر آن را بگوید و به نیت برخاستن از رکوع چشمها را باز کند. و اگر از این هم عاجز است باید در قلب نیت رکوع کند و ذکر آن را بگوید.

کد مسئله: ۳۸۷۷۷

مسئله ۱۰۴۷

مسئله ۱۰۴۷- کسی که نمی‌تواند ایستاده یا نشسته رکوع کند و برای رکوع فقط می‌تواند در حالی که نشسته است کمی خم شود یا در حالی که ایستاده است با سر اشاره کند باید ایستاده نماز بخواند و برای رکوع با سر اشاره نماید و احتیاط مستحب آن است که نماز دیگری هم بخواند و موقع رکوع آن بنشیند و هر قدر می‌تواند برای رکوع خم شود.

کد مسئله: ۳۸۷۷۹

مسئله ۱۰۴۸

مسئله ۱۰۴۸- اگر بعد از رسیدن به حد رکوع و آرام گرفتن بدن سر بردارد و دو مرتبه به اندازه رکوع خم شود نمازش باطل است، یا بعد از آنکه به اندازه رکوع خم شد و بدنش آرام گرفت، به قدری خم شود که از اندازه رکوع بگذرد و دوباره به رکوع برگردد چون رکوع زیاد شده نمازش باطل است. (۱)

۱- در فرض دوم رکوع زیاد نشده و نماز باطل نیست ولی در فرض اول رکوع زیاد شده در صورتی که به قصد رکوع خم شود.

کد مسئله: ۳۸۷۸۱

مسئله ۱۰۴۹

مسئله ۱۰۴۹- بعد از تمام شدن ذکر رکوع باید راست بایستد و بعد از آنکه بدن آرام گرفت به سجده رود، و اگر عمداً پیش از ایستادن یا پیش از آرام گرفتن بدن به سجده رود نمازش باطل است.

کد مسأله: ۳۸۷۸۳

مسأله ۱۰۵۰

مسأله ۱۰۵۰- اگر رکوع را فراموش کند و پیش از آنکه به سجده برسد یادش بیاید باید بایستد بعد به رکوع رود و چنانچه به حالت خمیدگی به رکوع برگردد نمازش باطل است.

کد مسأله: ۳۸۷۸۵

مسأله ۱۰۵۱

مسأله ۱۰۵۱- اگر بعد از آنکه پیشانی به زمین رسید یادش بیاید که رکوع نکرده، نمازش باطل است. (۱)

۱- اگر در سجده دوم یادش بیاید که رکوع نکرده ولی اگر در سجده اول یادش بیاید نمازش باطل نیست برمی گردد و رکوع را بجای می آورد و بعد از نماز دو سجده سهو برای سجده زیاد شده بجای می آورد و احتیاط مستحب آن است که آن نماز را دوباره اعاده کند و لکن اقوی صحت است.

کد مسأله: ۳۸۷۸۸

مسأله ۱۰۵۲

مسأله ۱۰۵۲- مستحب است پیش از رفتن به رکوع در حالی که راست ایستاده تکبیر بگویند و در رکوع زانوها را به عقب دهد و پشت را صاف نگه دارد و گردن را بکشد و مساوی پشت نگه دارد و بین دو قدم را نگاه کند (۱) و پیش از ذکر یا بعد از آن صلوات بفرستد ولی آن را به نیت ذکر رکوع نگویند (۲) و بعد از آنکه از رکوع برخاست و راست ایستاد، در حال آرامی بدن بگویند: "سمع الله لمن حمده".

۱- در حال برخاستن از رکوع ولی در حال رکوع غمض عین نماید چنانچه مفاد صحیحه حماد است.

۲- گفتن به نیت ذکر رکوع مانعی ندارد.

کد مسأله: ۳۸۷۹۰

مسأله ۱۰۵۳

مسأله ۱۰۵۳- مستحب است در رکوع زنها دست را از زانو بالاتر بگذارند و زانوها را به عقب ندهند.

کد مسأله: ۳۸۷۹۲

سجود**مسأله ۱۰۵۴**

مسأله ۱۰۵۴- نمازگزار باید در هر رکعت از نمازهای واجب و مستحب بعد از رکوع دو سجده کند و سجده آن است (۱) که پیشانی و کف دو دست و سر دو زانو و سر دو انگشت بزرگ پاها را بر زمین بگذارد.

۱- حقیقت سجده وضع جبهه به زمین است و بقیه امور واجبات سجده است نه حقیقت سجده

کد مسأله: ۳۸۷۹۵

مسأله ۱۰۵۵

مسأله ۱۰۵۵- دو سجده روی هم یک رکن است که اگر کسی در نماز واجب عمداً یا از روی فراموشی هر دو را ترک کند یا دو سجده دیگر به آنها اضافه نماید، نمازش باطل است.

کد مسأله: ۳۸۷۹۸

مسأله ۱۰۵۶

مسأله ۱۰۵۶- اگر عمداً یک سجده کم یا زیاد کند نماز باطل می‌شود، و اگر سهواً یک سجده کم کند حکم آن بعداً گفته خواهد شد.

کد مسأله: ۳۸۸۰۰

مسأله ۱۰۵۷

مسأله ۱۰۵۷- اگر پیشانی را عمداً یا سهواً به زمین نگذارد سجده نکرده است اگر چه جاهای دیگر به زمین برسد، ولی اگر پیشانی را به زمین بگذارد و سهواً جاهای دیگر را به زمین نرساند یا سهواً ذکر نگوید سجده صحیح است.

کد مسأله: ۳۸۸۰۲

مسأله ۱۰۵۸

مسأله ۱۰۵۸- احتیاط واجب (۱) آن است که در سجده سه مرتبه سبحان الله یا یک مرتبه سبحان ربی الاعلی و بحمده بگوید و باید این کلمات دنبال هم و به عربی صحیح گفته شود. و مستحب است سبحان ربی الاعلی و بحمده را سه یا پنج یا هفت مرتبه بگوید. ۱- واجب نیست بلکه مستحسن است زیرا علی الاقوی مطلق ذکر در سجده کافی است به شرطی که از سه تسبیح صغیره یا یک تسبیح کبیره کمتر نشود

کد مسأله: ۳۸۸۰۴

مسأله ۱۰۵۹

مسأله ۱۰۵۹- در سجود باید به مقدار ذکر واجب، بدن آرام باشد و موقع گفتن ذکر مستحب (۱) هم اگر آن را به قصد ذکری که برای سجده دستور داده‌اند بگوید، آرام بودن بدن لازم است. ۱- آرام بودن لازم نیست ولیکن احوط است.

کد مسأله: ۳۸۸۰۷

مسأله ۱۰۶۰

مسأله ۱۰۶۰- اگر پیش از آن که پیشانی به زمین برسد و بدن آرام بگیرد عمداً ذکر سجده را بگوید، یا پیش از تمام شدن ذکر

عمداً سر از سجده بردارد، نماز باطل است.

کد مسأله: ۳۸۸۰۹

مسأله ۱۰۶۱

مسأله ۱۰۶۱- اگر پیش از آن که پیشانی به زمین برسد و بدن آرام گیرد، سهواً ذکر سجده را بگوید و پیش از آن که سر از سجده بردارد، بفهمد اشتباه کرده است، باید دوباره در حال آرام بودن، ذکر را بگوید. (۱)

۱- واجب نیست تکرار ذکر اگر از جهت عدم استقرار بوده ولی واجب است تکرار ذکر در صورتی که پیش از وضع جبهه بر زمین باشد.

کد مسأله: ۳۸۸۱۱

مسأله ۱۰۶۲

مسأله ۱۰۶۲- اگر بعد از آن که سر از سجده برداشت، بفهمد که پیش از آرام گرفتن بدن ذکر را گفته، یا پیش از آن که ذکر سجده تمام شود سر برداشته، نمازش صحیح است.

کد مسأله: ۳۸۸۱۴

مسأله ۱۰۶۳

مسأله ۱۰۶۳- اگر موقعی که ذکر سجده را می گوید، یکی از هفت عضو را عمداً از زمین بردارد، نماز باطل می شود ولی موقعی که مشغول گفتن ذکر نیست، اگر غیر پیشانی جاهای دیگر را از زمین بردارد و دوباره بگذارد اشکال ندارد.

کد مسأله: ۳۸۸۱۶

مسأله ۱۰۶۴

مسأله ۱۰۶۴- اگر پیش از تمام شدن ذکر سجده سهواً پیشانی را از زمین بردارد نمی تواند دوباره به زمین بگذارد و باید آن را یک سجده حساب کند. ولی اگر جاهای دیگر را سهواً از زمین بردارد، باید دو مرتبه به زمین بگذارد و ذکر را بگوید. (۱)

۱- احتیاطاً و لکن اقوی عدم وجوب آن است.

کد مسأله: ۳۸۸۱۹

مسأله ۱۰۶۵

مسأله ۱۰۶۵- بعد از تمام شدن ذکر سجده اول، باید بنشیند تا بدن آرام گیرد و دوباره به سجده رود.

کد مسأله: ۳۸۸۲۱

مسأله ۱۰۶۶

مسأله ۱۰۶۶- جای پیشانی نماز گزار باید از جای زانوها و سرانگشتان پای او بلندتر از چهار انگشت بسته نباشد. بلکه احتیاط واجب

(۱) آن است که جای پیشانی او از جای انگشتان و سر زانوهای پست تر از چهار انگشت بسته نباشد.
 ۱- بل علی الاقوی باید جای پیشانی از جای انگشتان و سر زانوهای پست تر از چهار انگشت بسته نباشد.
 کد مسأله: ۳۸۸۲۳

مسأله ۱۰۶۷

مسأله ۱۰۶۷- در زمین سراشیب که سراشیبی آن درست معلوم نیست، اگر جای پیشانی نماز گزار از جای انگشت های پا و سر زانوهای او مختصری بیش از چهار انگشت بسته بلندتر باشد اشکال ندارد. (۱)
 ۱- اشکال دارد و فرقی بین زیادی مختصر و غیر مختصر نیست.
 کد مسأله: ۳۸۸۳۰

مسأله ۱۰۶۸

مسأله ۱۰۶۸- اگر پیشانی را به چیزی بگذارد که از جای انگشتهای پا و سر زانوهای او بلندتر از چهار انگشت بسته است، چنانچه بلندی آن به قدری است که نمی گویند در حال سجده است باید سر را بردارد و به چیزی که بلندی آن به اندازه چهار انگشت بسته یا کمتر است بگذارد، و اگر بلندی آن به قدری است که می گویند در حال سجده است احتیاط واجب (۱) آن است که پیشانی را از روی آن به روی چیزی که بلندی آن به اندازه چهار انگشت بسته یا کمتر است بکشد، و اگر کشیدن پیشانی ممکن نیست بنابر احتیاط واجب باید نماز را تمام کند و دوباره بخواند. (۲)
 ۱- علی الاقوی جزّ جبهه نماید و الا سجده زیاد شود.
 ۲- بعد از تدارک سجده به رفع و وضع اتمام نماز نماید و دوباره نماز را بخواند.
 کد مسأله: ۳۸۸۳۳

مسأله ۱۰۶۹

مسأله ۱۰۶۹- باید بین پیشانی و آنچه بر آن سجده می کند چیزی نباشد، پس اگر مهر به قدری چرک باشد که پیشانی به خود مهر نرسد سجده باطل است، ولی اگر مثلاً رنگ مهر تغییر کرده باشد، اشکال ندارد.
 کد مسأله: ۳۸۸۳۵

مسأله ۱۰۷۰

مسأله ۱۰۷۰- در سجده باید کف دست را بر زمین بگذارد ولی در حال ناچاری پشت دست هم مانعی ندارد، و اگر پشت دست ممکن نباشد باید مچ دست را بگذارد، و چنانچه آن را هم نتواند باید تا آرنج هر جا که میتواند بر زمین بگذارد و اگر آن هم ممکن نیست گذاشتن بازو کافی است.
 کد مسأله: ۳۸۸۳۷

مسأله ۱۰۷۱

مسأله ۱۰۷۱- در سجده باید سر دو انگشت بزرگ پاها (۱) را به زمین بگذارد و اگر انگشتهای دیگر پا، یا روی پا را به زمین

بگذارد یا به واسطه بلند بودن ناخن، سر شست به زمین نرسد نمازش باطل است. و کسی که به واسطه بی دانستن مسأله نمازهای خود را این طور خوانده، باید دوباره بخواند.

۱- فرقی بین طرف انگشت و ظهر و بطن آن نیست علی الاقوی هر سه کافی است.

کد مسأله: ۳۸۸۴۰

مسأله ۱۰۷۲

مسأله ۱۰۷۲- کسی که مقداری از شست پایش بریده باید بقیه آن را به زمین بگذارد، و اگر چیزی از آن نمانده یا اگر مانده خیلی کوتاه است باید بقیه انگشتان را بگذارد و اگر هیچ انگشت ندارد باید هر مقداری از پا باقی مانده به زمین بگذارد. (۱)

۱- و احتیاط استحبابی آن است که محل ابهام را مراعات نماید.

کد مسأله: ۳۸۸۴۲

مسأله ۱۰۷۳

مسأله ۱۰۷۳- اگر به طور غیر معمول سجده کند مثلاً سینه و شکم را به زمین بچسباند یا پاها را دراز کند، اگر چه هفت عضوی که گفته شد به زمین برسد بنا بر احتیاط واجب (۱) باید نماز را دوباره بخواند.

۱- اگر صدق سجد نماید احتیاط لازم نیست ولکن مستحسن است و اگر صدق سجده نکند نماز باطل است و علی الاقوی باید نماز را دوباره بخواند.

کد مسأله: ۳۸۸۴۴

مسأله ۱۰۷۴

مسأله ۱۰۷۴- مهر یا چیز دیگری که بر آن سجده می کند باید پاک باشد ولی اگر مثلاً مهر را روی فرش نجس بگذارد یا یک طرف مهر نجس باشد و پیشانی را به طرف پاک آن بگذارد اشکال ندارد.

کد مسأله: ۳۸۸۴۷

مسأله ۱۰۷۵

مسأله ۱۰۷۵- اگر در پیشانی دمل و مانند آن باشد، چنانچه ممکن است باید با جای سالم پیشانی سجده کند. و اگر ممکن نیست باید زمین را گود کند و دمل را در گودال و جای سالم را به مقداری که برای سجده کافی باشد بر زمین بگذارد.

کد مسأله: ۳۸۸۴۹

مسأله ۱۰۷۶

مسأله ۱۰۷۶- اگر دمل یا زخم تمام پیشانی را گرفته باشد، باید به یکی از دو طرف پیشانی سجده کند و اگر ممکن نیست به چانه و اگر به چانه هم ممکن نیست باید به هر جای از صورت که ممکن است سجده کند و اگر به هیچ جای از صورت ممکن نیست باید با جلوی سر سجده نماید. (۱)

۱- لازم نیست با جلوی سر سجده کند بلکه در حال جلوس ایماء به سجده می کند.

کد مسأله: ۳۸۸۵۳

مسأله ۱۰۷۷

مسأله ۱۰۷۷ - کسیکه نمی‌تواند پیشانی را بر زمین برساند، باید بقدری که میتواند خم شود و مهر یا چیز دیگری را که سجده بر آن صحیح است روی چیز بلندی گذاشته و طوری پیشانی را بر آن بگذارد که بگویند سجده کرده است، ولی باید کف دستها و زانوها و انگشتان پا را بطور معمول به زمین بگذارد.

کد مسأله: ۳۸۸۵۵

مسأله ۱۰۷۸

مسأله ۱۰۷۸ - کسی که هیچ نمی‌تواند خم شود باید برای سجده بنشیند و با سر اشاره کند، و اگر نتواند باید با چشمها اشاره نماید و در هر دو صورت احتیاط واجب (۱) آن است که اگر می‌تواند مهر را بلند کند و به پیشانی بگذارد و اگر با سر یا چشمها هم نمی‌تواند اشاره کند باید در قلب نیت سجده کند و بنابر احتیاط واجب با دست و مانند آن برای سجده اشاره نماید.

۱- واجب نیست بلکه مستحسن است چنانچه اشاره به دست و مانند آن لازم نیست و لکن مستحسن است.

کد مسأله: ۳۸۸۵۷

مسأله ۱۰۷۹

مسأله ۱۰۷۹ - کسی که نمی‌تواند بنشیند باید ایستاده نیت سجده کند و چنانچه می‌تواند برای سجده با سر اشاره کند، و اگر نمی‌تواند با چشمها اشاره نماید، و اگر این را هم نمی‌تواند در قلب نیت سجده کند و بنابر احتیاط واجب (۱) با دست و مانند آن برای سجده اشاره نماید.

۱- واجب نیست و نیت قلبی کافی است و لکن ایماء به دست و مانند آن مستحسن است.

کد مسأله: ۳۸۸۵۹

مسأله ۱۰۸۰

مسأله ۱۰۸۰ - اگر پیشانی بی‌اختیار از جای سجده بلند شود چنانچه ممکن باشد باید نگذارد دوباره به جای سجده برسد و این یک سجده حساب می‌شود چه ذکر سجده را گفته باشد یا نه و اگر نتواند سر را نگه دارد و بی‌اختیار دوباره به جای سجده برسد روی هم یک سجده حساب می‌شود و اگر ذکر نگفته باشد باید بگوید.

کد مسأله: ۳۸۸۶۲

مسأله ۱۰۸۱

مسأله ۱۰۸۱ - جایی که انسان باید تقیه کند می‌تواند بر فرش و مانند آن سجده نماید و لازم نیست برای نماز به جای دیگر برود ولی اگر بتواند بر حصیر یا چیزی که سجده بر آن صحیح می‌باشد، طوری سجده کند که به زحمت نیفتد، نباید بر فرش و مانند آن سجده نماید.

کد مسأله: ۳۸۸۶۴

مسأله ۱۰۸۲

مسأله ۱۰۸۲- اگر روی تشک پر یا چیز دیگری که بدن روی آن آرام نمی گیرد، سجده کند باطل است.

کد مسأله: ۳۸۸۶۶

مسأله ۱۰۸۳

مسأله ۱۰۸۳- اگر انسان ناچار شود که در زمین گل نماز بخواند، چنانچه آلوده شدن بدن و لباس برای او مشقت ندارد، باید سجده و تشهد را به طور معمول بجا آورد و اگر مشقف دارد. می تواند در حالی که ایستاده برای سجده با سر اشاره کند و تشهد را ایستاده بخواند و اگر سجده و تشهد را به طور معمول هم بجا آورد، نمازش صحیح است.

کد مسأله: ۳۸۸۶۸

مسأله ۱۰۸۴

مسأله ۱۰۸۴- در رکعت اول و رکعت سومی که تشهد ندارد مثل رکعت سوم نماز ظهر و عصر و عشا بنا بر احتیاط واجب (۱) باید بعد از سجده دوم قدری بی حرکت بنشیند و بعد برخیزد.

۱- اقوی عدم وجوب جلسه استراحت است و لیکن احتیاط مستحسن است.

کد مسأله: ۳۸۸۷۰

چیزهایی که سجده بر آنها صحیح است**مسأله ۱۰۸۵**

مسأله ۱۰۸۵- باید بر زمین و چیزهای غیر خوراکی که از زمین می روید مانند چوب و برگ درخت سجده کرد و سجده بر چیزهای خوراکی و پوشاکی و معدنی صحیح نیست.

کد مسأله: ۳۸۸۷۳

مسأله ۱۰۸۶

مسأله ۱۰۸۶- احتیاط واجب آن است که بر برگ درخت مو اگر تازه باشد سجده نکنند. (۱)

۱- علی الاقوی بر برگ تازه جایز نیست و بر برگ خشک جایز است.

کد مسأله: ۳۸۸۷۵

مسأله ۱۰۸۷

مسأله ۱۰۸۷- سجده بر چیزهایی که از زمین می روید و خوراک حیوان است مثل علف و گاه صحیح است.

کد مسأله: ۳۸۸۷۷

مسئله ۱۰۸۸

مسئله ۱۰۸۸- سجده بر گلهایی که خوراکی نیستند صحیح است ولی سجده بر دواهای خوراکی که از زمین می‌روید مانند گل بنفشه و گل گاو زبان صحیح نیست.

کد مسئله: ۳۸۸۷۹

مسئله ۱۰۸۹

مسئله ۱۰۸۹- سجده بر گیاهی که خوردن آن در بعضی از شهرها معمول است و در شهرهای دیگر معمول نیست و نیز سجده بر میوه نارس صحیح نیست.

کد مسئله: ۳۸۸۸۱

مسئله ۱۰۹۰

مسئله ۱۰۹۰- سجده بر سنگ آهک و سنگ گچ صحیح است و احتیاط واجب (۱) آن است که در حال اختیار به گچ و آهک پخته و آجر و کوزه گلی و مانند آن سجده نکنند.

۱- بلکه احتیاط مستحسن است و اقوی جواز سجده بر تمام آنهاست.

کد مسئله: ۳۸۸۸۴

مسئله ۱۰۹۱

مسئله ۱۰۹۱- اگر کاغذ را از چیزی که سجده بر آن صحیح است مثلاً از کاه ساخته باشند می‌شود بر آن سجده کرد. ولی سجده بر کاغذی که از پنبه و مانند آن ساخته شده اشکال دارد. (۱)

۱- جایز نیست.

کد مسئله: ۳۸۸۸۶

مسئله ۱۰۹۲

مسئله ۱۰۹۲- برای سجده بهتر از هر چیز تربت حضرت سیدالشهدا علیه السلام می‌باشد، بعد از آن خاک، بعد از خاک سنگ، و بعد از سنگ گیاه است.

کد مسئله: ۳۸۸۸۸

مسئله ۱۰۹۳

مسئله ۱۰۹۳- اگر چیزی که سجده بر آن صحیح است ندارد، یا اگر دارد بواسطه سرما یا گرمای زیاد و مانند اینها نمی‌تواند بر آن سجده کند، چنانچه لباس او از کتان یا پنبه است، باید به لباس سجده کند و اگر از چیز دیگر است باید بر پشت دست یا چیز معدنی مانند انگشتر عقیق سجده نماید. ولی احتیاط مستحب (۱) آن است که تا سجده بر پشت دست ممکن است، بر چیز معدنی سجده نکند.

۱- بلکه بنا بر احتیاط لازم

کد مسأله: ۳۸۸۹۱

مسأله ۱۰۹۴

مسأله ۱۰۹۴- سجده بر گل و خاک سستی که پیشانی روی آن آرام نمی‌گیرد باطل است.

کد مسأله: ۳۸۸۹۳

مسأله ۱۰۹۵

مسأله ۱۰۹۵- اگر در سجده اول مهر به پیشانی بچسبد و بدون اینکه مهر را بردارد، دوباره به سجده برود اشکال ندارد (۱) و دو سجده حساب می‌شود.

۱- اشکال دارد

کد مسأله: ۳۸۸۹۵

مسأله ۱۰۹۶

مسأله ۱۰۹۶- اگر در بین نماز چیزی که بر آن سجده می‌کند گم شود و چیزی که سجده بر آن صحیح است نداشته باشد چنانچه وقت وسعت دارد باید نماز را بشکند و اگر وقت تنگ است باید به لباسش اگر از پنبه یا کتان است سجده کند و اگر از چیز دیگری است بر پشت دست، یا چیز معدنی مانند انگشتر عقیق سجده نماید و احتیاط مستحب (۱) آن است که تا سجده بر پشت دست ممکن است، به چیز معدنی سجده نکند.

۱- بلکه احتیاط لازم اگر نگوئیم اقوی است.

کد مسأله: ۳۸۸۹۷

مسأله ۱۰۹۷

مسأله ۱۰۹۷- هرگاه در حال سجده بفهمد پیشانی را بر چیزی گذاشته که سجده بر آن باطل است اگر ممکن باشد باید پیشانی را از روی آن به روی چیزی که سجده بر آن صحیح است بکشد و اگر ممکن نباشد، چنانچه وقت نماز وسعت دارد، باید نماز را بشکند و اگر وقت تنگ است، در صورتی که لباسش از پنبه یا کتان است باید پیشانی را از روی آن بر روی لباس بکشد و اگر از چیز دیگر است پیشانی را از روی آن به پشت دست (۱) یا چیز معدنی بکشد.

۱- با تقدم پشت دست بر چیز معدنی بنا بر احتیاط واجب

کد مسأله: ۳۸۹۰۰

مسأله ۱۰۹۸

مسأله ۱۰۹۸- اگر بعد از سجده بفهمد پیشانی را روی چیزی گذاشته که سجده بر آن باطل است اشکال ندارد.

کد مسأله: ۳۸۹۰۲

مستحبات و مکروهات سجده

مسئله ۱۰۹۹

مسئله ۱۰۹۹- سجده کردن برای غیر خداوند متعال حرام می‌باشد و بعضی از مردم عوام که مقابل قبر امامان علیهم السلام پیشانی را به زمین می‌گذارند اگر برای شکر خداوند متعال باشد اشکال ندارد و گرنه حرام است.

کد مسئله: ۳۸۹۰۴

مسئله ۱۱۰۰

مسئله ۱۱۰۰- در سجده چند چیز مستحب است:

- ۱- کسی که ایستاده نماز می‌خواند بعد از آنکه سر از رکوع برداشت و کاملاً ایستاد و کسی که نشسته نماز می‌خواند بعد از آن که کاملاً نشست، برای رفتن به سجده تکبیر بگوید.
- ۲- موقعی که مرد می‌خواهد به سجده برود اول دستها را و زن اول زانوها را به زمین بگذارد.
- ۳- بینی را به مهر یا چیزی که سجده بر آن صحیح است بگذارد.
- ۴- در حال سجده انگشتان دست را به هم بچسباند و برابر گوش بگذارد بطوری که سر آنها رو به قبله باشد.
- ۵- در سجده دعا کند و از خدا حاجت بخواهد و این دعا را بخواند: «یا خیر المسئولین و یا خیر المعطین ارزقنی و ارزق عیالی من فضلک فانک ذو الفضل العظیم»، یعنی ای بهترین کسی که از او سؤال می‌کنند و ای بهترین عطا کنندگان، روزی بده به من و عیال من از فضل خودت، پس به درستی که تو دارای فضل بزرگی.
- ۶- بعد از سجده بر ران چپ بنشیند و روی پای راست را بر کف پای چپ بگذارد.
- ۷- بعد از هر سجده وقتی نشست و بدنش آرام گرفت تکبیر بگوید.
- ۸- بعد از سجده اول بدنش که آرام گرفت «استغفر الله ربی و اتوب الیه» بگوید.
- ۹- سجده را طول بدهد و در موقع نشستن دستها را روی رانها بگذارد.
- ۱۰- برای رفتن به سجده دوم در حال آرامی بدن «الله اکبر» بگوید.
- ۱۱- در سجده‌ها صلوات بفرستد ولی آن را به قصد ذکر (۱) که در سجده دستور داده‌اند نگوید.
- ۱۲- در موقع بلند شدن، دستها را بعد از زانوها از زمین بردارد.
- ۱۳- مردها آرنجها و شکم را به زمین نچسبانند و بازوها را از پهلو جدا نگاه دارند و زنها آرنجها و شکم را بر زمین بگذارند و اعضاء بدن را به یکدیگر بچسبانند. و مستحبات دیگر سجده در کتابهای مفصل گفته شده است.

۱- بآن قصد اشکال ندارد.

کد مسئله: ۳۸۹۱۲

مسئله ۱۱۰۱

مسئله ۱۱۰۱- قرآن خواندن در سجده مکروه است و نیز مکروه است برای برطرف کردن گرد و غبار جای سجده را فوت کند و اگر در اثر فوت کردن دو حرف از دهان بیرون آید، نماز باطل است و غیر اینها مکروهات دیگری هم در کتابهای مفصل گفته شده است.

کد مسأله: ۴۱۳۸۲

سجده واجب قرآن**مسأله ۱۱۰۲**

مسأله ۱۱۰۲- در هر یک از چهار سوره: «و النجم، و اقراء، و الم تنزیل و حم سجده» یک آیه سجده است که اگر انسان بخواند یا بشنود بعد از تمام شدن آن آیه باید فوراً سجده کند و اگر فراموش کرد هر وقت یادش آمد باید سجده نماید.

کد مسأله: ۴۱۳۸۵

مسأله ۱۱۰۳

مسأله ۱۱۰۳- اگر انسان موقعی که آیه سجده را می‌خواند از دیگری هم بشنود بنا بر احتیاط واجب باید دو سجده نماید.

کد مسأله: ۴۱۳۸۸

مسأله ۱۱۰۴

مسأله ۱۱۰۴- در غیر نماز اگر در حال سجده آیه سجده را بخواند یا بشنود، باید سر از سجده بردارد و دوباره سجده کند.

کد مسأله: ۴۱۳۹۰

مسأله ۱۱۰۵

مسأله ۱۱۰۵- اگر انسان از بچه غیر ممیز که خوب و بد را نمی‌فهمد، یا از کسی که قصد خواندن قرآن ندارد، آیه سجده را بشنود، احتیاط واجب (۱) آن است که سجده کند. و همچنین است اگر مثلاً از گرامافون و رادیو آیه سجده را بشنود.

۱- واجب نیست و همچنین در مورد گرامافون و ضبط صوت و رادیو اگر از ضبط و گرامافون پخش شود، ولی اگر از انسانی مستقیماً پخش شود و قاصد قرآن باشد سجده واجب است و اگر قصد قرآن نداشته باشد واجب نیست.

کد مسأله: ۴۱۳۹۳

مسأله ۱۱۰۶

مسأله ۱۱۰۶- در سجده واجب قرآن باید جای انسان غضبی نباشد و جای پیشانی او از جای زانوها و سرانگشتانش بیش از چهار انگشت بسته بلندتر نباشد (۱) ولی لازم نیست با وضو یا غسل و رو به قبله باشد و عورت خود را بپوشاند و بدن و جای پیشانی او پاک باشد و نیز چیزهایی که در لباس نمازگزار شرط می‌باشد، در لباس او شرط نیست. اما اگر لباس او غضبی است، چنانچه سجده کردن، تصرف در آن لباس باشد (۲) سجده باطل است.

۱- بنا بر احتیاط و صدق سجده کافی است

۲- ولی تصرف نیست.

کد مسأله: ۴۱۳۹۶

مسأله ۱۱۰۷

مسئله ۱۱۰۷- احتیاط واجب آن است که در سجده واجب قرآن، پیشانی را بر مهر یا چیز دیگری که سجده بر آن صحیح است گذاشته و جاهای دیگر بدن را به دستوری که در سجده نماز گفته شد بر زمین بگذارد.
کد مسئله: ۴۱۳۹۸

تشهد

مسئله ۱۱۰۸

مسئله ۱۱۰۸- هرگاه در سجده واجب قرآن پیشانی را به قصد سجده به زمین بگذارد، اگر چه ذکر نگوید کافی است، و گفتن ذکر مستحب است. و بهتر است بگوید: «لا اله الا الله حقا حقا لا اله الا الله ايمانا و تصديقا لا اله الا الله عبودية و رقا سجدت لك يا رب تعبدًا و رقا لا مستكفًا و لا مستكبرا بل انا عبد ذليل ضعيف خائف مستجير».
کد مسئله: ۴۱۴۰۱

مسئله ۱۱۰۹

مسئله ۱۱۰۹- در رکعت دوم تمام نمازهای واجب و رکعت سوم نماز مغرب و رکعت چهارم نماز ظهر و عصر و عشا باید انسان بعد از سجده دوم بنشیند و در حال آرام بودن بدن تشهد بخواند یعنی بگوید: «اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شريك له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله اللهم صل على محمد و آل محمد». و احتیاط واجب (۱) آن است که به غیر از این ترتیب نگوید.
۱- و اقوی جواز اختصار بر خصوص شهادت به رسالت است به اینکه بگوید اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمداً رسول الله و کلمه عبده نگوید و اقوی جواز اختصار بر خصوص شهادت الهیت است بدون اضافه کلمه وحده لا شريك له ولی احتیاط مستحسن است.

کد مسئله: ۴۱۴۰۳

مسئله ۱۱۱۰

مسئله ۱۱۱۰- کلمات تشهد باید به عربی صحیح و به طوری که معمول است پشت سر هم گفته شود.
کد مسئله: ۴۱۴۰۵

مسئله ۱۱۱۱

مسئله ۱۱۱۱- اگر تشهد را فراموش کند و بایستد و پیش از رکوع یادش بیاید که تشهد را نخوانده، باید بنشیند و تشهد را بخواند و دوباره بایستد و آنچه باید در آن رکعت خوانده شود بخواند و نماز را تمام کند و بنا بر احتیاط واجب (۱) بعد از نماز برای ایستادن بیجا، دو سجده سهو بجا آورد. و اگر در رکوع یا بعد از آن یادش بیاید، باید نماز را تمام کند و بعد از سلام نماز، تشهد را قضاء کند. و برای تشهد فراموش شده دو سجده سهو بجا آورد.
۱- علی الاقوی واجب است.

کد مسئله: ۴۱۴۰۸

مسئله ۱۱۱۲

مسئله ۱۱۱۲- مستحب است در حال تشهد بر ران چپ بنشیند و روی پای راست را به کف پای چپ بگذارد و پیش از تشهد بگوید: «الحمد لله» یا بگوید: «بسم الله و بالله و الحمد لله و خیر الاسماء لله» و نیز مستحب است دستها را بر رانها بگذارد و انگشتها را به یکدیگر بچسباند و به دامان خود نگاه کند و بعد از تمام شدن تشهد بگوید: «و تقبل شفاعته و ارفع درجته».

کد مسئله: ۴۱۴۱۰

مسئله ۱۱۱۳

مسئله ۱۱۱۳- مستحب است زنها در وقت خواندن تشهد رانها را به هم بچسبانند.

کد مسئله: ۴۱۴۱۳

سلام نماز**مسئله ۱۱۱۴**

مسئله ۱۱۱۴- بعد از تشهد رکعت آخر نماز مستحب است در حالی که نشسته و بدن آرام است بگوید: «السلام علیک ایها النبی و رحمه الله و برکاته» و بعد از آن باید بگوید: «السلام علیکم» و احوط استجابی آن است که «و رحمه الله و برکاته» را اضافه نماید یا بگوید: «السلام علینا و علی عباد الله الصالحین» ولی اگر این سلام را بگوید احتیاط واجب (۱) آن است که بعد از آن السلام علیکم و رحمه الله و برکاته را هم بگوید.

۱- واجب نیست و علی الاقوی یکی از دو سلام کافی است و در سلام اول واجب خصوص کلمه السلام علیکم است و کلمه و رحمه الله و برکاته واجب نیست ولی مستحسن است.

کد مسئله: ۴۱۴۱۵

مسئله ۱۱۱۵

مسئله ۱۱۱۵- اگر سلام نماز را فراموش کند و موقعی یادش بیاید که صورت نماز به هم نخورده و کاری هم که عمدی و سهوی آن نماز را باطل می کند مثل پشت به قبله کردن انجام نداده باید سلام را بگوید و نمازش صحیح است.

کد مسئله: ۴۱۴۱۷

مسئله ۱۱۱۶

مسئله ۱۱۱۶- اگر سلام نماز را فراموش کند و موقعی یادش بیاید که صورت نماز به هم خورده است چنانچه پیش از آن که صورت نماز به هم بخورد کاری که عمدی و سهوی آن نماز را باطل می کند مثل پشت به قبله کردن انجام نداده باشد نمازش صحیح است. و اگر پیش از آن که صورت نماز به هم بخورد کاری که عمدی و سهوی آن نماز را باطل می کند انجام داده باشد، نمازش باطل است. (۱)

۱- بلکه نمازش صحیح است و تدارک سلام هم لازم نیست ولی فقط دو سجده سهو بنا بر احتیاط واجب بجا آورد.

کد مسئله: ۴۱۴۲۰

ترتیب

مسئله ۱۱۱۷

مسئله ۱۱۱۷- اگر عمداً ترتیب نماز را به هم بزنند مثلاً سوره را پیش از حمد بخوانند یا سجود را پیش از رکوع بجا آورد، نماز باطل می‌شود.

کد مسئله: ۴۱۴۲۲

مسئله ۱۱۱۸

مسئله ۱۱۱۸- اگر رکنی از نماز را فراموش کند و رکن بعد از آن را بجا آورد، مثلاً پیش از آنکه رکوع کند دو سجده نماید، نماز باطل است.

کد مسئله: ۴۱۴۲۵

مسئله ۱۱۱۹

مسئله ۱۱۱۹- اگر رکنی را فراموش کند و چیزی را که بعد از آن است و رکن نیست بجا آورد مثلاً- پیش از آنکه دو سجده کند تشهد بخواند، باید رکن را بجا آورد و آنچه را اشتباهاً پیش از آن خوانده دوباره (۱) بخواند.

۱- و بعد از نماز دو سجده برای زیادتی تشهد بنابر احتیاط واجب بجا آورد.

کد مسئله: ۴۱۴۲۷

مسئله ۱۱۲۰

مسئله ۱۱۲۰- اگر چیزی را که رکن نیست فراموش کند و رکن بعد از آن را بجا آورد، مثلاً حمد را فراموش کند و مشغول رکوع شود، نمازش صحیح است. (۱)

۱- و جهت نقیصه حمد دو سجده سهو بنابر احتیاط واجب بجا آورد.

کد مسئله: ۴۱۴۳۰

مسئله ۱۱۲۱

مسئله ۱۱۲۱- اگر چیزی را که رکن نیست فراموش کند و چیزی را که بعد از آن است و آن هم رکن نیست بجا آورد. مثلاً حمد را فراموش کند و سوره را بخواند چنانچه مشغول رکن بعد شده باشد مثلاً در رکوع یادش بیاید که حمد را نخوانده باید بگذرد و نماز او صحیح است. (۱) و اگر مشغول رکن بعد نشده باشد باید آنچه را فراموش کرده بجا آورد و بعد از آن چیزی را که اشتباهاً جلوتر خوانده دوباره بخواند. (۲)

۱- و جهت نقیصه حمد دو سجده سهو بنابر احتیاط واجب بجا آورد.

۲- و جهت زیادتی سهو سهو دو سجده سهو بنابر احتیاط واجب بجا آورد.

کد مسئله: ۴۱۴۳۲

مسئله ۱۱۲۲

مسئله ۱۱۲۲- اگر سجده اول را به خیال این که سجده دوم است یا سجده دوم را به خیال اینکه سجده اول است بجا آورد نماز صحیح است و سجده اول او سجده اول و سجده دوم او سجده دوم حساب می‌شود.

کد مسئله: ۴۱۴۳۴

موالات**مسئله ۱۱۲۳**

مسئله ۱۱۲۳- انسان باید نماز را با موالات بخواند یعنی کارهای نماز مانند رکوع و سجود و تشهد را پشت سر هم بجا آورد و چیزهایی را که در نماز می‌خواند به طوری که معمول است پشت سر هم بخواند و اگر به قدری بین آنها فاصله بیندازد که نگویند نماز می‌خواند، نمازش باطل است.

کد مسئله: ۴۱۴۳۷

مسئله ۱۱۲۴

مسئله ۱۱۲۴- اگر در نماز سهواً بین حرفها یا کلمات فاصله بیندازد و فاصله به قدری نباشد که صورت نماز از بین برود چنانچه مشغول رکن بعد نشده باشد باید آن حرفها یا کلمات را به طور معمول بخواند و اگر مشغول رکن بعد شده باشد نمازش صحیح است.

کد مسئله: ۴۱۴۳۹

مسئله ۱۱۲۵

مسئله ۱۱۲۵- طول دادن رکوع و سجود و خواندن سوره‌های بزرگ موالات را به هم نمی‌زند.

کد مسئله: ۴۱۴۴۲

قنوت**مسئله ۱۱۲۶**

مسئله ۱۱۲۶- در تمام نمازهای واجب و مستحب پیش از رکوع رکعت دوم مستحب است قنوت بخواند (۱) و در نماز وتر با آن که یک رکعت می‌باشد خواندن قنوت پیش از رکوع مستحب است و نماز جمعه در هر رکعت یک قنوت دارد و نماز آیات پنج قنوت و نماز عید فطر و قربان در رکعت اول پنج قنوت و در رکعت دوم چهار قنوت دارد.

۱- غیر از نماز شفع که به عنوان ورود نخواند بلکه به عنوان رجاء بخواند.

کد مسئله: ۴۱۴۴۵

مسئله ۱۱۲۷

مسأله ۱۱۲۷- مستحب است در قنوت دست‌ها را مقابل صورت و کف آنها را رو به آسمان و پهلوی هم نگهدارد و غیر شست، انگشت‌های دیگر را به هم بچسباند و به کف دست‌ها نگاه کند.

کد مسأله: ۴۱۴۴۷

مسأله ۱۱۲۸

مسأله ۱۱۲۸- در قنوت هر ذکر بگوید اگر چه یک «سبحان الله» باشد کافی است. و بهتر است بگوید: «لا اله الا الله الحليم الكريم، لا اله الا الله العلي العظيم، سبحان الله رب السموات السبع و رب الارضين السبع و ما فيهن و ما بينهن و رب العرش العظيم و الحمد لله رب العالمين».

کد مسأله: ۴۱۴۵۰

مسأله ۱۱۲۹

مسأله ۱۱۲۹- مستحب است انسان قنوت را بلند بخواند. ولی برای کسی که نماز را به جماعت می‌خواند، اگر امام جماعت صدای او را بشنود، بلند خواندن قنوت مستحب نیست.

کد مسأله: ۴۱۴۵۶

مسأله ۱۱۳۰

مسأله ۱۱۳۰- اگر عمداً قنوت نخواند قضا ندارد و اگر فراموش کند و پیش از آن که به اندازه رکوع خم شود یادش بیاید مستحب است بایستد و بخواند و اگر در رکوع یادش بیاید مستحب است بعد از رکوع قضا کند و اگر در سجده یادش بیاید مستحب است بعد از سلام نماز قضا نماید.

کد مسأله: ۴۱۴۵۸

ترجمه نماز

۱- ترجمه سوره حمد

«بسم الله الرحمن الرحيم» یعنی ابتدا می‌کنم بنام خداوندی که در دنیا بر مؤمن و کافر رحم می‌کند و در آخرت بر مؤمن رحم می‌نماید. «الحمد لله رب العالمين» یعنی ثنا مخصوص خداوندی است که پرورش دهنده همه موجودات است. «الرحمن الرحيم» یعنی در دنیا بر مؤمن و کافر و در آخرت بر مؤمن رحم می‌کند. «مالك يوم الدين» یعنی پادشاه و صاحب اختیار روز قیامت است. «اياك نعبد و اياك نستعين» یعنی فقط تو را عبادت می‌کنیم و فقط از تو کمک می‌خواهیم. «اهدنا الصراط المستقيم» یعنی هدایت کن ما را به راه راست که آن دین اسلام است. «صراط الذين انعمت عليهم» یعنی به راه کسانی که به آنان نعمت دادی که آنان پیغمبران و جانشینان پیغمبران هستند. «غير المغضوب عليهم و لا الضالين» یعنی نه به راه کسانی که غضب کرده‌ای بر ایشان و نه آن کسانی که گمراهند.

۲- ترجمه سوره قل هو الله احد

بسم الله الرحمن الرحيم: «قل هو الله احد»، یعنی بگو ای محمد (ص) که خداوند، خدایی است یگانه. «الله الصمد»، یعنی خدایی که از تمام موجودات بی‌نیاز است. «لم يلد و لم يولد»، فرزند ندارد و فرزند کسی نیست. «و لم يكن له كفوا احد»، یعنی هیچ کس از

مخلوقات مثل او نیست.

۳- ترجمه ذکر رکوع و سجود و ذکرهایی که بعد از آنها مستحب است

«سبحان ربی العظیم و بحمده»، یعنی پروردگار بزرگ من از هر عیب و نقصی پاک و منزّه است و من مشغول ستایش او هستم. «سبحان ربی الاعلی و بحمده» یعنی پروردگار من که از همه کس بالاتر می‌باشد از هر عیب و نقصی پاک و منزّه است و من مشغول ستایش او هستم. «سمع الله لمن حمده»، یعنی خدا بشنود و بپذیرد ثنای کسی که او را ستایش می‌کند. «استغفر الله ربی و اتوب الیه»، یعنی طلب آمرزش و مغفرت می‌کنم از خداوندی که پرورش دهنده من است و من به طرف او بازگشت می‌نمایم. «بحول الله و قوته اقوم و اقعده»، یعنی به یاری خدای متعال و قوه او برمی‌خیزم و می‌نشینم.

۴- ترجمه قنوت

«لا اله الا الله الحلیم الکریم»، یعنی نیست خدایی سزاوار پرستش مگر خدای یکتای بی‌همتایی که صاحب حلم و کرم است. «لا اله الا الله العلی العظیم» یعنی نیست خدایی سزاوار پرستش مگر خدای یکتای بی‌همتایی که بلند مرتبه و بزرگ است. «سبحان الله رب السموات السبع و رب الارضین السبع»، یعنی پاک و منزّه است خداوندی که پروردگار هفت آسمان و پروردگار هفت زمین است. «و ما فیهن و ما بینهن و رب العرش العظیم»، یعنی پروردگار هر چیزی است که در آسمانها و زمینها و مابین آنهاست و پروردگار عرش بزرگ است. «و الحمد لله رب العالمین»، یعنی حمد و ثنا مخصوص خداوندی است که پرورش دهنده تمام موجودات است.

۵- ترجمه تسبیحات اربعه

«سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر»، یعنی پاک و منزّه است خداوند تعالی و ثنا مخصوص اوست و نیست خدایی سزاوار پرستش مگر خدای بی‌همتا. و بزرگتر است از اینکه او را وصف کنند.

۶- ترجمه تشهد و سلام

«الحمد لله اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له»، یعنی ستایش، مخصوص پروردگار است و شهادت می‌دهم که خدایی سزاوار پرستش نیست مگر خدایی که یگانه است و شریک ندارد. «و اشهد ان محمدا عبده و رسوله»، یعنی شهادت می‌دهم که محمد صلی الله علیه و آله بنده خدا و فرستاده اوست. «اللهم صل علی محمد و آل محمد»، یعنی خدایا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد. «و تقبل شفاعته و ارفع درجته» یعنی قبول کن شفاعت پیغمبر را و درجه آن حضرت را نزد خود بلند کن. «السلام علیک ایها النبی و رحمه الله و برکاته»، یعنی سلام بر تو ای پیغمبر و رحمت و برکات خدا بر تو باد. «السلام علینا و علی عباد الله الصالحین»، یعنی سلام از خداوند عالم بر ما نمازگزاران و تمام بندگان خوب او. «السلام علیکم و رحمه الله و برکاته» یعنی سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما مؤمنین باد.

کد مسأله: ۴۱۴۷۰

تعقیب نماز

مسأله ۱۱۳۱

مسأله ۱۱۳۱- مستحب است انسان بعد از نماز مقداری مشغول تعقیب یعنی خواندن ذکر و دعا و قرآن شود و بهتر است پیش از آنکه از جای خود حرکت کند و وضو و غسل و تیمم او باطل شود رو به قبله تعقیب را بخواند و لازم نیست تعقیب به عربی باشد ولی بهتر است چیزهایی را که در کتابهای دعا دستور داده‌اند بخواند و از تعقیبهایی که خیلی سفارش شده است تسبیح حضرت زهرا سلام الله علیها است که باید به این ترتیب گفته شود: ۳۴ مرتبه «الله اکبر»، بعد ۳۳ مرتبه «الحمد لله»، بعد از آن ۳۳

مرتبۀ «سبحان الله» و می‌شود «سبحان الله» را پیش از «الحمد لله» گفت ولی بهتر است بعد از «الحمد لله» گفته شود.

کد مسأله: ۴۱۴۷۳

مسأله ۱۱۳۲

مسأله ۱۱۳۲- مستحب است بعد از نماز سجده شکر نماید و همین قدر که پیشانی را به قصد شکر بر زمین بگذارد کافی است، ولی بهتر است صد مرتبه یا سه مرتبه یا یک مرتبه «شکراً لله» یا «شکراً» یا «عفواً» بگوید و نیز مستحب است هر وقت نعمتی به انسان می‌رسد یا بلائی از او دور می‌شود سجده شکر بجا آورد.

کد مسأله: ۴۱۴۷۶

صلوات بر پیغمبر

مسأله ۱۱۳۳

مسأله ۱۱۳۳- هر وقت انسان اسم مبارک حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم مانند محمد و احمد یا لقب و کنیه آن جناب را مثل مصطفی و ابوالقاسم بگوید یا بشنود اگر چه در نماز باشد، مستحب است صلوات بفرستد. (۱)
۱- در غیر نماز احتیاطاً ترک نشود.

کد مسأله: ۴۱۴۸۰

مسأله ۱۱۳۴

مسأله ۱۱۳۴- موقع نوشتن اسم مبارک حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم مستحب است صلوات را هم بنویسد. و نیز بهتر است هر وقت آن حضرت را یاد می‌کند صلوات بفرستد.

کد مسأله: ۴۱۴۸۴

مبطلات نماز

مسأله ۱۱۳۵

مسأله ۱۱۳۵- دوازده چیز نماز را باطل می‌کند و آنها را مبطلات می‌گویند:

اول: آنکه در بین نماز یکی از شرطهای آن از بین برود مثلاً در بین نماز بفهمد مکانش غصبی است.

دوم: آنکه در بین نماز عمداً یا سهواً یا از روی ناچاری، چیزی که وضو یا غسل را باطل می‌کند پیش آید، مثلاً بول از او بیرون آید ولی کسی که نمی‌تواند از بیرون آمدن بول و غائط خودداری کند، اگر چه در بین نماز بول یا غائط از او خارج شود، چنانچه به دستوری که در احکام وضو گفته شد رفتار نماید، نمازش باطل نمی‌شود. و نیز اگر در بین نماز از زن مستحاضه خون خارج شود، در صورتی که به دستور استحاضه رفتار کرده باشد، نمازش صحیح است.

کد مسأله: ۴۱۵۳۱

مسأله ۱۱۳۶

مسئله ۱۱۳۶- کسی که بی اختیار خوابش برده اگر نداند که در بین نماز خوابش برده یا بعد از آن بنا بر احتیاط واجب باید نمازش را دوباره بخواند.

کد مسئله: ۴۱۵۳۴

مسئله ۱۱۳۷

مسئله ۱۱۳۷- اگر بداند به اختیار خودش خوابیده و شک کند که بعد از نماز بوده یا در بین نماز یادش رفته که مشغول نماز است و خوابیده نمازش صحیح است. (۱)

۱- اگر خود را فارغ از نماز می بیند پس شک کند و الا دوباره نماز را اعاده کند چون قاعده فراغ جاری نیست.

کد مسئله: ۴۱۵۳۵

مسئله ۱۱۳۸

مسئله ۱۱۳۸- اگر در حال سجده از خواب بیدار شود و شک کند که در سجده آخر نماز است یا در سجده شکر باید آن نماز را دوباره بخواند.

سوم: از مبطلات نماز آن است که مثل بعض کسانی که شیعه نیستند دستها را روی هم بگذارد. (۱)

۱- به شرط قصد جزئیت

کد مسئله: ۴۱۵۳۷

مسئله ۱۱۳۹

مسئله ۱۱۳۹- هرگاه برای ادب دستها را روی هم بگذارد اگر چه مثل آنها نباشد، بنا بر احتیاط واجب باید نماز را دوباره بخواند، ولی اگر از روی فراموشی یا ناچاری یا برای کار دیگر مثل خاراندن دست و مانند آن، دستها را روی هم بگذارد اشکال ندارد. چهارم: از مبطلات نماز آن است که بعد از خواندن حمد آمین بگوید ولی اگر اشتهاً یا از روی تقیه بگوید، نماز باطل نمی شود. پنجم: از مبطلات نماز آن است که عمداً یا از روی فراموشی پشت به قبله کند، یا به طرف راست یا چپ قبله برگردد، بلکه اگر عمداً بقدری برگردد که نگویند رو به قبله است، اگر چه به طرف راست یا چپ نرسد، نمازش باطل است.

کد مسئله: ۴۱۵۴۱

مسئله ۱۱۴۰

مسئله ۱۱۴۰- اگر عمداً سر را به قدری بگرداند که بتواند پشت سر را ببیند، نمازش باطل است و اگر سهواً سر را به این مقدار بگرداند احتیاط واجب (۱) آن است که نماز را تمام کند و دوباره بخواند ولی اگر سر را کمی بگرداند عمداً باشد یا اشتهاً نمازش باطل نمی شود.

۱- علی الاقوی باطل است و تمام کردن لازم نیست و اگر سر را به نقطه یمین و یسار بگرداند اگر فاحش باشد احتیاط واجب در صورت عمد و سهو هر دو اعاده نماز است و اگر فاحش نباشد نماز صحیح است چه عمداً باشد و چه سهواً

ششم: از مبطلات نماز آن است که عمداً کلمه‌ای بگوید که دو حرف یا بیشتر باشد، اگر چه معنی هم نداشته باشد، ولی اگر سهواً بگوید نماز باطل نمی شود.

کد مسأله: ۴۱۵۴۳

مسأله ۱۱۴۱

مسأله ۱۱۴۱- اگر کلمه‌ای بگوید که یک حرف دارد چنانچه آن کلمه معنی داشته باشد مثل (ق) که در زبان عرب به معنای این است که «نگهداری کن» چنانچه معنی آن را بداند و قصد آن را نماید نمازش باطل می‌شود، بلکه اگر قصد معنای آن را نکند ولی ملتفت معنای آن باشد احتیاط واجب آن است که نماز را دوباره بخواند.

کد مسأله: ۴۱۵۴۶

مسأله ۱۱۴۲

مسأله ۱۱۴۲- سرفه کردن و آروغ زدن و آه کشیدن در نماز اشکال ندارد ولی گفتن آخ و آه و مانند اینها که دو حرف است اگر عمدی باشد نماز را باطل می‌کند. (۱)

۱- اگر گفتن کلمه آه از جهت خوف از خداوند باشد نماز باطل نمی‌شود.

کد مسأله: ۴۱۵۴۸

مسأله ۱۱۴۳

مسأله ۱۱۴۳- اگر کلمه‌ای را به قصد ذکر بگوید، مثلاً به قصد ذکر بگوید: «الله اکبر» و در موقع گفتن آن، صدا را بلند کند که چیزی را به دیگری بفهماند اشکال ندارد. ولی چنانچه به قصد این که چیزی به کسی بفهماند بگوید اگرچه قصد ذکر هم داشته باشد نماز باطل می‌شود. (۱)

۱- اگر قصد ذکر داشته باشد نمازش صحیح است چه قصد فهماندن داعی بر ذکر باشد یا در عرض قصد ذکر باشد

کد مسأله: ۴۱۵۵۰

مسأله ۱۱۴۴

مسأله ۱۱۴۴- خواندن قرآن در نماز، غیر از چهار سوره‌ای که سجده واجب دارد و در احکام جنابت گفته شد و نیز دعا کردن در نماز اشکال ندارد ولی احتیاط واجب (۱) آن است که به غیر عربی دعا نکند.

۱- واجب نیست ولیکن مستحسن است.

کد مسأله: ۴۱۵۵۴

مسأله ۱۱۴۵

مسأله ۱۱۴۵- اگر چیزی از حمد و سوره و ذکرهای نماز را عمداً یا احتیاطاً چند مرتبه بگوید اشکال ندارد. ولی اگر از روی وسواس چند مرتبه بگوید، نماز باطل می‌شود.

کد مسأله: ۴۱۵۵۶

مسأله ۱۱۴۶

مسئله ۱۱۴۶- در حال نماز انسان نباید به دیگری سلام کند و اگر دیگری به او سلام کند باید همان طور که او سلام کرده جواب دهد مثلاً اگر گفته «سلام علیکم» در جواب بگوید سلام علیکم ولی در جواب علیکم السلام باید بگوید سلام علیکم
۱- لازم نیست بلکه مراعات مماثله را نماید.

کد مسئله: ۴۱۵۵۸

مسئله ۱۱۴۷

مسئله ۱۱۴۷- انسان باید جواب سلام را چه در نماز یا در غیر نماز فوراً بگوید و اگر عمداً یا از روی فراموشی جواب سلام را به قدری طول دهد که اگر جواب بگوید جواب آن سلام حساب نشود چنانچه در نماز باشد نباید جواب بدهد و اگر در نماز نباشد جواب دادن واجب نیست.

کد مسئله: ۴۱۵۶۱

مسئله ۱۱۴۸

مسئله ۱۱۴۸- باید جواب سلام را طوری بگوید که سلام کننده بشنود، ولی اگر سلام کننده کر باشد چنانچه انسان بطور معمول جواب او را بدهد کافی است.

کد مسئله: ۴۱۵۶۴

مسئله ۱۱۴۹

مسئله ۱۱۴۹- احتیاط واجب (۱) آن است که نماز گزار جواب سلام را به قصد دعا بگوید، یعنی از خداوند عالم برای کسی که سلام کرده سلامتی بخواهد.

۱- واجب نیست بلکه باید به قصد تحیت نه دعا و قرآن جواب گوید ولیکن به نحو طولیت قصد دعا و قرآن اشکال ندارد.

کد مسئله: ۴۱۵۶۸

مسئله ۱۱۵۰

مسئله ۱۱۵۰- اگر زن یا مرد نامحرم یا بچه ممیز یعنی بچه‌ای که خوب و بد را می‌فهمد به نماز گزار سلام کند نماز گزار می‌تواند جواب او را بدهد (۱) ولی در جواب سلام زن باید بگوید، سلام علیک و کاف را زیر و زبر و پیش ندهد.

۱- باید جواب او را بدهد و در جواب سلام زن می‌تواند ضمیر خطاب را کسره بدهد.

کد مسئله: ۴۱۵۷۳

مسئله ۱۱۵۱

مسئله ۱۱۵۱- اگر نماز گزار جواب سلام را ندهد معصیت کرده، ولی نمازش صحیح است.

کد مسئله: ۴۱۵۷۶

مسئله ۱۱۵۲

مسئله ۱۱۵۲- اگر کسی به نماز گزار غلط سلام کند به طوری که سلام حساب نشود جواب او واجب نیست.
کد مسئله: ۴۱۵۷۹

مسئله ۱۱۵۳

مسئله ۱۱۵۳- جواب سلام کسی که از روی مسخره یا شوخی سلام می کند و جواب سلام مرد و زن غیر مسلمان واجب نیست. (۱)
۱- اگر ذمی باشد لازم است.
کد مسئله: ۴۱۵۸۱

مسئله ۱۱۵۴

مسئله ۱۱۵۴- اگر کسی بعده ای سلام کند، جواب سلام او بر همه آنان واجب است، ولی اگر یکی از آنان جواب دهد کافی است.
کد مسئله: ۴۱۵۸۴

مسئله ۱۱۵۵

مسئله ۱۱۵۵- اگر کسی به عده‌ای سلام کند و کسی که سلام کننده قصد سلام دادن به او را نداشته، جواب دهد باز هم جواب سلام او بر آن عده واجب است.
کد مسئله: ۴۱۵۸۸

مسئله ۱۱۵۶

مسئله ۱۱۵۶- اگر به عده‌ای سلام کند و کسی که بین آنها مشغول نماز است شک کند که سلام کننده قصد سلام کردن به او را هم داشته یا نه نباید جواب بدهد و همچنین است اگر بدانند قصد او را هم داشته ولی دیگری جواب سلام را بدهد. اما اگر بدانند که قصد او را هم داشته و دیگری جواب ندهد باید جواب او را بگویند.
کد مسئله: ۴۱۵۹۱

مسئله ۱۱۵۷

مسئله ۱۱۵۷- سلام کردن مستحب است و خیلی سفارش شده است که سواره به پیاده و ایستاده به نشسته و کوچکتر به بزرگتر سلام کند.
کد مسئله: ۴۱۵۹۳

مسئله ۱۱۵۸

مسئله ۱۱۵۸- اگر دو نفر با هم به یکدیگر سلام کنند بر هر یک واجب است جواب سلام دیگری را بدهد.
کد مسئله: ۴۱۵۹۵

مسئله ۱۱۵۹

مسئله ۱۱۵۹- در غیر نماز مستحب است جواب سلام را بهتر از سلام بگوید مثلاً اگر کسی گفت: «سلام علیکم» در جواب بگوید: «سلام علیکم و رحمه الله».

هفتم: از مبطلات نماز خنده با صدا و عمدی است و چنانچه سهواً هم با صدا بخندد، نمازش اشکال دارد (۱) ولی لبخند نماز را باطل نمی کند.

۱- اشکال ندارد و صحیح است.

کد مسئله: ۴۱۵۹۹

مسئله ۱۱۶۰

مسئله ۱۱۶۰- اگر برای جلوگیری از صدای خنده حالش تغییر کند مثلاً رنگش سرخ شود بنا بر احتیاط واجب (۱) باید نمازش را دوباره بخواند.

۱- واجب نیست و لکن مستحسن است.

هشتم: از مبطلات نماز آن است که برای کار دنیا عمداً با صدا گریه کند. (۱) و احتیاط واجب آن است که برای کار دنیا بی صدا هم گریه نکند، ولی اگر از ترس خدا یا برای آخرت گریه کند، آهسته باشد یا بلند اشکال ندارد بلکه از بهترین اعمال است.

۱- بلکه اضطراراً و بی اختیار هم گریه کند نمازش باطل می شود.

نهم: از مبطلات نماز کاری است که صورت نماز را به هم بزند مثل دست زدن و به هوا پریدن و مانند اینها کم باشد یا زیاد عمداً باشد یا از روی فراموشی (۱) ولی کاری که صورت نماز را به هم نزند مثل اشاره کردن به دست اشکال ندارد.

۱- در صورت فراموشی اشکالی ندارد.

کد مسئله: ۴۱۶۰۲

مسئله ۱۱۶۱

مسئله ۱۱۶۱- اگر در بین نماز به قدری ساکت بماند که نگویند نماز می خواند نمازش باطل می شود. (۱)

۱- در صورت عمد و اما در صورت فراموشی اشکالی ندارد و نماز صحیح است.

کد مسئله: ۴۱۶۰۴

مسئله ۱۱۶۲

مسئله ۱۱۶۲- اگر در بین نماز کاری انجام دهد یا مدتی ساکت شود و شک کند که نماز به هم خورده یا نه، نمازش صحیح است. دهم: از مبطلات نماز خوردن و آشامیدن است، اگر در نماز طوری بخورد یا بیاشامد که نگویند نماز می خواند. عمداً باشد یا از

روی فراموشی (۱) نمازش باطل می شود. ولی کسی که می خواهد روزه بگیرد، اگر پیش از اذان صبح نماز مستحبی بخواند و تشنه باشد، چنانچه بترسد که اگر نماز را تمام کند صبح شود، در صورتی که آب رو به روی او در دو سه قدمی باشد می تواند در بین نماز آب بیاشامد، اما باید کاری که نماز را باطل می کند، مثل رو گرداندن از قبله انجام ندهد.

۱- در صورت فراموشی نماز باطل نیست ولی احتیاط مستحسن اعاده آن است.

کد مسئله: ۴۱۶۰۶

مسئله ۱۱۶۳

مسئله ۱۱۶۳- اگر به واسطه خوردن یا آشامیدن عمدی موالات نماز به هم بخورد، یعنی طوری شود که نگویند نماز را پشت سر هم می خواند، بنا بر احتیاط واجب باید نماز را دوباره بخواند.

کد مسئله: ۴۱۶۱۰

مسئله ۱۱۶۴

مسئله ۱۱۶۴- اگر در بین نماز غذایی را که در دهان یا لای دندانها مانده فرو ببرد، نمازش باطل نمی شود. و نیز اگر قند یا شکر و مانند اینها در دهان مانده باشد و در حال نماز کم آب شود و فرو رود اشکال ندارد.

یازدهم: از مبطلات نماز شک در رکتهای نماز دو رکعتی یا سه رکعتی یا در دو رکعت اول نمازهای چهار رکعتی است.

دوازدهم: از مبطلات نماز آن است که رکن نماز را عمداً یا سهواً کم یا زیاد کند، یا چیزی را که رکن نیست عمداً کم یا زیاد نماید.

کد مسئله: ۴۱۶۱۳

مسئله ۱۱۶۵

مسئله ۱۱۶۵- اگر بعد از نماز شک کند که در بین نماز کاری که نماز را باطل می کند انجام داده یا نه، نمازش صحیح است.

کد مسئله: ۴۱۶۱۵

چیزهایی که در نماز مکروه است**مسئله ۱۱۶۶**

مسئله ۱۱۶۶- مکروه است در نماز صورت را کمی به طرف راست یا چپ بگرداند و چشمها را هم بگذارد یا به طرف راست و چپ بگرداند و با ریش و دست خود بازی کند و انگشتهای داخل هم نماید و آب دهان بیندازد و به خط قرآن یا کتاب یا خط انگشتی نگاه کند و نیز مکروه است موقع خواندن حمد و سوره و گفتن ذکر، برای شنیدن حرف کسی ساکت شود بلکه هر کاری که خضوع و خشوع را از بین ببرد مکروه می باشد.

کد مسئله: ۴۱۶۱۷

مسئله ۱۱۶۷

مسئله ۱۱۶۷- موقعی که انسان خوابش می آید و نیز موقع خودداری کردن از بول و غائط مکروه است نماز بخواند و همچنین پوشیدن جوراب تنگ که پا را فشار دهد در نماز مکروه می باشد و غیر از اینها مکروهات دیگری هم در کتابهای مفصل گفته شده است.

کد مسئله: ۴۱۶۲۱

مواردی که می شود نماز واجب را شکست

مسئله ۱۱۶۸

مسئله ۱۱۶۸- شکستن نماز واجب از روی اختیار حرام است، ولی برای حفظ مال و جلوگیری از ضرر مالی یا بدنی مانعی ندارد.

کد مسئله: ۴۱۶۲۳

مسئله ۱۱۶۹

مسئله ۱۱۶۹- اگر حفظ جان خود انسان یا کسی که حفظ جان او واجب است یا حفظ مالی که نگهداری آن واجب می‌باشد بدون شکستن نماز ممکن نباشد باید نماز را بشکنند ولی شکستن نماز برای مالی که اهمیت ندارد مکروه است.

کد مسئله: ۴۱۶۲۵

مسئله ۱۱۷۰

مسئله ۱۱۷۰- اگر در وسعت وقت مشغول نماز باشد و طلبکار طلب خود را از او مطالبه کند چنانچه بتواند در بین نماز طلب او را بدهد باید در همان حال بپردازد و اگر بدون شکستن نماز دادن طلب او ممکن نیست باید نماز را بشکند و طلب او را بدهد، بعد نماز را بخواند.

کد مسئله: ۵۲۸۵۵

مسئله ۱۱۷۱

مسئله ۱۱۷۱- اگر در بین نماز بفهمد که مسجد نجس است، چنانچه وقت تنگ باشد باید نماز را تمام کند و اگر وقت وسعت دارد و تطهیر مسجد نماز را به هم نمی‌زند باید در بین نماز تطهیر کند بعد بقیه نماز را بخواند و اگر نماز را به هم می‌زند در صورتی که بعد از نماز تطهیر مسجد ممکن باشد، شکستن نماز جایز نیست (۱) و اگر بعد از نماز تطهیر مسجد ممکن نباشد، باید نماز را بشکند و مسجد را تطهیر نماید، بعد نماز را بخواند.

۱- بلکه واجب است چه بعد از نماز تطهیر ممکن باشد و چه ممکن نباشد مگر در صورتی که اتمام نماز منافات با فوریت عرفیه ازاله نجاست از مسجد نداشته باشد که در این صورت قطع جایز نیست بلکه نماز را تمام کند و بعداً ازاله نماید.

کد مسئله: ۵۲۸۶۲

مسئله ۱۱۷۲

مسئله ۱۱۷۲- کسی که باید نماز را بشکند اگر نماز را تمام کند معصیت کرده ولی نماز او صحیح است. اگر چه احتیاط مستحب آن است که دوباره بخواند.

کد مسئله: ۵۲۸۶۴

مسئله ۱۱۷۳

مسئله ۱۱۷۳- اگر پیش از آنکه به اندازه رکوع خم شود یادش بیاید که اذان یا اقامه را فراموش کرده، (۱) چنانچه وقت نماز وسعت دارد مستحب است برای گرفتن آنها نماز را بشکند.

۱- ولی اگر اذان تنها را فراموش کرده قطع جایز نیست.

کد مسأله: ۵۲۸۶۷

شکایات

شکایات نماز ۲۳ قسم است: هشت قسم آن شکهایی است که نماز را باطل می‌کند، و به شش قسم آن نباید اعتنا کرد، و نه قسم دیگر آن صحیح است.

کد مسأله: ۵۲۸۷۰

شک های باطل

مسأله ۱۱۷۴

مسأله ۱۱۷۴- شکهایی که نماز را باطل می‌کند از این قرار است:

اول: شک در شماره رکعتهای نماز دو رکعتی مثل نماز صبح و نماز مسافر، ولی شک در شماره رکعتهای نماز مستحب دو رکعتی و نماز احتیاط نماز را باطل نمی‌کند.

دوم: شک در شماره رکعتهای نماز سه رکعتی.

سوم: آنکه در نماز چهار رکعتی شک کند که یک رکعت خوانده یا بیشتر.

چهارم: آنکه در نماز چهار رکعتی پیش از تمام شدن سجده دوم شک کند که دو رکعت خوانده یا بیشتر (تفصیل این مسأله در صورت چهارم از مسأله ۱۲۰۸)

پنجم: شک بین دو و پنج یا دو و بیشتر از پنج. (۱)

ششم: شک بین سه و شش یا سه و بیشتر از شش. (۲)

هفتم: شک در رکعتهای نماز که نداند چند رکعت خوانده است.

هشتم: شک بین چهار و شش یا چهار و بیشتر از شش، پیش از تمام شدن سجده دوم، ولی اگر بعد از سجده دوم شک بین چهار و شش یا چهار و بیشتر از شش برای او پیش آید، احتیاط واجب (۳) آن است که بنا بر چهار بگذارد و نماز را تمام کند و بعد از نماز دو سجده سهو بجا آورد و نماز را هم دوباره بخواند.

۱- در صورتی که قبل از اكمال سجده‌تین باشد و اگر بعد از اكمال سجده‌تین باشد احتیاط واجب آن است که بنا را بر دو گذارد و نماز را تمام کند و دوباره نماز را بخواند.

۲- احتیاط واجب آن است که بنا را بر اقل گذارد و نماز را تمام کند و دوباره آن را بخواند.

۳- احتیاط واجب آن است که بنا را بر اقل بگذارد و نماز را تمام کند و دوباره آن را بخواند چه شک قبل از اكمال سجده‌تین باشد یا بعد از اكمال سجده‌تین.

کد مسأله: ۵۲۸۷۴

مسأله ۱۱۷۵

مسأله ۱۱۷۵- اگر یکی از شکهای باطل کننده برای انسان پیش آید نمی‌تواند نماز را به هم بزند، بلکه باید به قدری فکر کند (۱)

که صورت نماز به هم بخورد، یا از پیدا شدن یقین یا گمان نا امید شود.

۱- که شک استقرار پیدا کند تا رجحان یکی از دو طرف معلوم یا مظنون شود و احتیاجی به، به هم خوردن صورت نماز نیست.

کد مسأله: ۵۲۸۸۲

شک هایی که نباید با آنها اعتنا کرد

مسأله ۱۱۷۶

مسأله ۱۱۷۶- شکهایی که نباید به آنها اعتنا کرد از این قرار است:

اول: شک در چیزی که محل بجا آوردن آن گذشته است، مثل آنکه در رکوع شک کند که حمد را خوانده یا نه.

دوم: شک بعد از سلام نماز.

سوم: شک بعد از گذشتن وقت نماز.

چهارم: شک کثیرالشک، یعنی کسی که زیاد شک می کند.

پنجم: شک امام در شماره رکعتهای نماز در صورتی که ماموم شماره آنها را بداند و همچنین شک مأموم در صورتی که امام

شماره رکعتهای نماز را بداند.

ششم: شک در نماز مستحبی.

کد مسأله: ۵۲۸۸۵

۱- شک در چیزی که محل آن گذشته است

مسأله ۱۱۷۷

مسأله ۱۱۷۷- اگر در بین نماز شک کند که یکی از کارهای واجب آن را انجام داده یا نه مثلاً شک کند که حمد خوانده یا نه

چنانچه مشغول کاری که باید بعد از آن انجام دهد نشده باید آنچه را که در انجام آن شک کرده بجا آورده و اگر مشغول کاری

که باید بعد از آن انجام دهد شده به شک خود اعتنا نکند.

کد مسأله: ۵۲۸۹۱

مسأله ۱۱۷۸

مسأله ۱۱۷۸- اگر در بین خواندن آیه‌ای شک کند که آیه پیش را خوانده یا نه، یا وقتی آخر آیه را می‌خواند شک کند که اول آن

را خوانده یا نه باید به شک خود اعتنا نکند.

کد مسأله: ۵۲۸۹۴

مسأله ۱۱۷۹

مسأله ۱۱۷۹- اگر بعد از رکوع یا سجود شک کند که کارهای واجب آن مانند ذکر و آرام بودن بدن را انجام داده یا نه باید به

شک خود اعتنا نکند.

کد مسأله: ۵۲۸۹۶

مسئله ۱۱۸۰

مسئله ۱۱۸۰- اگر در حالی که به سجده می‌رود شک کند که رکوع کرده یا نه، یا شک کند که بعد از رکوع ایستاده یا نه، به شک خود اعتنا نکند.

کد مسئله: ۵۲۸۹۸

مسئله ۱۱۸۱

مسئله ۱۱۸۱- اگر در حال برخاستن شک کند که تشهد (۱) را بجا آورده یا نه، باید برگردد و بجا آورد.
۱- در صورت شک در تشهد اعتناء نکند.

کد مسئله: ۵۲۹۰۱

مسئله ۱۱۸۲

مسئله ۱۱۸۲- کسی که نشسته یا خوابیده نماز می‌خواند اگر موقعی که حمد یا تسییحات می‌خواند شک کند که سجده یا تشهد را بجا آورده یا نه، باید به شک خود اعتنا نکند و اگر پیش از آن که مشغول حمد یا تسییحات شود شک کند که سجده یا تشهد را بجا آورده یا نه، باید بجا آورد. (۱)

۱- اگر در جلوس بدل از قیام شک کند، اعتناء نکند و اگر جلوس بدل از قیام معلوم نیست باید بجا آورد.

کد مسئله: ۵۲۹۰۳

مسئله ۱۱۸۳

مسئله ۱۱۸۳- اگر شک کند که یکی از رکنهای نماز را بجا آورد یا نه، چنانچه مشغول کاری که بعد از آن است نشده باید آن را بجا آورد، مثلاً اگر پیش از خواندن تشهد شک کند که دو سجده را بجا آورده یا نه، باید بجا آورد و چنانچه بعد یادش بیاید که آن رکن را بجا آورده بوده چون رکن زیاد شده نمازش باطل است.

کد مسئله: ۵۲۹۰۶

مسئله ۱۱۸۴

مسئله ۱۱۸۴- اگر شک کند عملی را که رکن نیست بجا آورده یا نه، چنانچه مشغول کاری که بعد از آن است نشده باید آن را بجا آورد، مثلاً اگر پیش از خواندن سوره شک کند که حمد را خوانده یا نه باید حمد را بخواند و اگر بعد از انجام آن یادش بیاید که آن را بجا آورده بوده چون رکن زیاد نشده نماز صحیح است.

کد مسئله: ۵۲۹۰۹

مسئله ۱۱۸۵

مسئله ۱۱۸۵- اگر شک کند که رکنی را بجا آورده یا نه، چنانچه مشغول تشهد است اگر شک کند که دو سجده را بجا آورده یا

نه، باید به شک خود اعتنا نکند و اگر یادش بیاید که آن رکن را بجا نیاورده در صورتی که مشغول رکن بعد نشده باید آن را بجا آورد و اگر مشغول رکن بعد شده نمازش باطل است مثلاً اگر پیش از رکوع رکعت بعد یادش بیاید که دو سجده را بجا نیاورده باید بجا آورد و اگر در رکوع یا بعد از آن یادش بیاید نمازش باطل است.

کد مسأله: ۵۲۹۱۱

مسأله ۱۱۸۶

مسأله ۱۱۸۶- اگر شک کند عملی را که رکن نیست بجا آورده یا نه، چنانچه مشغول کاری که بعد از آن است شده باید به شک خود اعتنا نکند، مثلاً موقعی که مشغول خواندن سوره است اگر شک کند که حمد را خوانده یا نه، باید به شک خود اعتنا نکند و اگر بعد یادش بیاید که آن را بجا نیاورده در صورتی که مشغول رکن بعد نشده باید بجا آورد و اگر مشغول رکن بعد شده نمازش صحیح است، بنابراین اگر مثلاً در قنوت یادش بیاید که حمد را نخوانده باید بخواند و اگر در رکوع یادش بیاید نماز او صحیح است.

کد مسأله: ۵۲۹۱۳

مسأله ۱۱۸۷

مسأله ۱۱۸۷- اگر شک کند که سلام نماز را گفته یا نه یا شک کند درست گفته (۱) یا نه، چنانچه مشغول تعقیب نماز یا مشغول نماز دیگر شده، یا به واسطه انجام کاری که نماز را به هم می‌زند از حال نمازگزار بیرون رفته باید به شک خود اعتنا نکند و اگر پیش از اینها شک کند باید سلام را بگوید.

۱- در صورت شک در صحت سلام مطلقاً اعتنا به شک خود نکند چه داخل در غیر شده باشد یا نه.

کد مسأله: ۵۲۹۱۷

۲- شک بعد از سلام

مسأله ۱۱۸۸

مسأله ۱۱۸۸- اگر بعد از سلام نماز شک کند که نمازش صحیح بوده یا نه، مثلاً شک کند رکوع کرده یا نه یا بعد از سلام نماز چهار رکعتی شک کند که چهار رکعت خوانده یا پنج رکعت به شک خود اعتنا نکند، ولی اگر هر دو طرف شک او باطل باشد، مثلاً بعد از سلام نماز چهار رکعتی شک کند که سه رکعت خوانده یا پنج رکعت، نمازش باطل است.

کد مسأله: ۵۲۹۱۹

۳- شک بعد از وقت

مسأله ۱۱۸۹

مسأله ۱۱۸۹- اگر بعد از گذشتن وقت نماز شک کند که نماز خوانده یا نه یا گمان کند که نخوانده، خواندن آن لازم نیست. ولی اگر پیش از گذشتن وقت شک کند که نماز خوانده یا نه یا گمان کند که نخوانده، باید آن نماز را بخواند، بلکه اگر گمان کند که خوانده، باید آن را بجا آورد.

کد مسأله: ۵۲۹۲۱

مسأله ۱۱۹۰

مسأله ۱۱۹۰- اگر بعد از گذشتن وقت شك کند که نماز را درست خوانده یا نه، (۱) به شك خود اعتنا نکند.
 ۱- گذشتن وقت دخالت ندارد بلکه شك در صحت ولو در وقت باشد اعتناء نکند.

کد مسأله: ۵۲۹۲۴

مسأله ۱۱۹۱

مسأله ۱۱۹۱- اگر بعد از گذشتن وقت نماز ظهر و عصر بداند چهار رکعت نماز خوانده ولی نداند به نیت ظهر خوانده یا به نیت عصر باید چهار رکعت نماز قضا به نیت نمازی که بر او واجب است بخواند.

کد مسأله: ۵۲۹۲۶

مسأله ۱۱۹۲

مسأله ۱۱۹۲- اگر بعد از گذشتن وقت نماز مغرب و عشا بداند یک نماز خوانده ولی نداند سه رکعتی خوانده یا چهار رکعتی باید قضای نماز مغرب و عشا را بخواند.

کد مسأله: ۵۲۹۲۸

۴- کثیرالشک (کسی که زیاد شک می کند)**مسأله ۱۱۹۳**

مسأله ۱۱۹۳- اگر کسی در یک نماز سه مرتبه شك کند یا در سه نماز پشت سر هم مثلاً در نماز صبح و ظهر و عصر شك کند، کثیرالشک است و چنانچه زیاد شك کردن او از غضب یا ترس یا پریشانی حواس نباشد به شك خود اعتنا نکند.

کد مسأله: ۵۲۹۳۲

مسأله ۱۱۹۴

مسأله ۱۱۹۴- کثیرالشک اگر در بجا آوردن چیزی شك کند، چنانچه بجا آوردن آن نماز را باطل نمی کند باید بنا بگذارد که آن را بجا آورده، مثلاً اگر شك کند که رکوع کرده یا نه باید بنا بگذارد که رکوع کرده است و اگر بجا آوردن آن نماز را باطل می کند باید بنا بگذارد که آن را انجام نداده، مثلاً اگر شك کند که یک رکوع کرده یا بیشتر چون زیاد شدن رکوع نماز را باطل می کند باید بنا بگذارد که بیشتر از یک رکوع نکرده است.

کد مسأله: ۵۲۹۳۴

مسأله ۱۱۹۵

مسأله ۱۱۹۵- کسی که در یک چیز نماز زیاد شك می کند چنانچه در چیزهای دیگر نماز شك کند باید به دستور آن عمل نماید،

(۱) مثلاً کسی که زیاد شك می کند سجده کرده یا نه، اگر در بجا آوردن رکوع شك کند باید به دستور آن رفتار نماید یعنی اگر ایستاده، رکوع را بجا آورد و اگر به سجده رفته، اعتنا نکند.

۱- بعید نیست جریان کثیرالشک در حق او مادامیکه در نماز متصّف بکثرت شك است.

کد مسأله: ۵۲۹۴۱

مسأله ۱۱۹۶

مسأله ۱۱۹۶- کسی که در نماز مخصوصی مثلاً در نماز ظهر زیاد شك می کند اگر در نماز دیگر مثلاً در نماز عصر شك کند باید به دستور شك رفتار نماید. (۱)

۱- بعید نیست جریان کثیرالشک در حق او مادامی که در نماز متصّف به کثرت شك است.

کد مسأله: ۵۲۹۴۴

مسأله ۱۱۹۷

مسأله ۱۱۹۷- کسی که وقتی در جای مخصوصی نماز می خواند، زیاد شك می کند اگر در غیر آن جا نماز بخواند و شکی برای او پیش آید باید به دستور شك عمل نماید. (۱)

۱- بلکه باید به وظیفه کثیرالشک عمل نماید چون در نماز متصّف به کثیرالشک است.

کد مسأله: ۵۲۹۴۶

مسأله ۱۱۹۸

مسأله ۱۱۹۸- اگر انسان شك کند که کثیرالشک شده یا نه، باید به دستور شك عمل نماید و کثیرالشک تا وقتی یقین نکند که به حال معمولی مردم برگشته باید به شك خود اعتنا نکند.

کد مسأله: ۵۲۹۴۸

مسأله ۱۱۹۹

مسأله ۱۱۹۹- کسی که زیاد شك می کند اگر شك کند رکنی را بجا آورده یا نه و اعتنا نکند بعد یادش بیاید که آن را بجا نیاورده چنانچه مشغول رکن بعد نشده باید آن را بجا آورد و اگر مشغول رکن بعد شده نمازش باطل است، مثلاً اگر شك کند رکوع کرده یا نه و اعتنا نکند چنانچه پیش از سجده یادش بیاید که رکوع نکرده باید رکوع کند و اگر در سجده یادش بیاید نمازش باطل است. (۱)

۱- در صورتی که در سجده دوم متذکر شود و اگر قبل از سجده دوم متذکر شود برمی گردد و رکوع را بجا می آورد و نمازش صحیح است و احتیاط مستحب اعاده نماز است.

کد مسأله: ۵۲۹۵۰

مسأله ۱۲۰۰

مسأله ۱۲۰۰- کسی که زیاد شك می کند اگر شك کند چیزی را که رکن نیست بجا آورده یا نه و اعتنا نکند و بعد یادش بیاید که

آن را بجا نیاورده، چنانچه از محل بجا آوردن آن نگذشته باید آن را بجا آورد و اگر از محل آن گذشته نمازش صحیح است، مثلاً اگر شك کند که حمد خوانده یا نه و اعتنا نکند چنانچه در قنوت یادش بیاید که حمد نخوانده باید بخواند و اگر در رکوع یادش بیاید نماز او صحیح است.

کد مسأله: ۵۲۹۵۲

۵- شك امام و مأموم

مسأله ۱۲۰۱

مسأله ۱۲۰۱- اگر امام جماعت در شماره رکعت‌های نماز (۱) شك کند، مثلاً شك کند که سه رکعت خوانده یا چهار رکعت چنانچه مأموم یقین یا گمان داشته باشد که چهار رکعت خوانده و به امام بفهماند که چهار رکعت خوانده است امام باید نماز را تمام کند و خواندن نماز احتیاط لازم نیست و نیز اگر امام یقین یا گمان داشته باشد که چند رکعت خوانده است و مأموم در شماره رکعت‌های نماز شك کند باید به شك خود اعتنا ننماید.

۱- الحاق افعال به رکعات نماز بعید نیست.

کد مسأله: ۵۲۹۵۵

۶- شك در نماز مستحبی

مسأله ۱۲۰۲

مسأله ۱۲۰۲- اگر در شماره رکعت‌های نماز مستحبی شك کند چنانچه طرف بیشتر شك نماز را باطل می‌کند باید بنا را بر کمتر بگذارد، مثلاً- اگر در نافله صبح شك کند که دو رکعت خوانده یا سه رکعت باید بنا بگذارد که دو رکعت خوانده است و اگر طرف بیشتر شك نماز را باطل نمی‌کند، مثلاً شك کند که دو رکعت خوانده یا یک رکعت، به هر طرف شك عمل کند نمازش صحیح است.

کد مسأله: ۵۲۹۵۷

مسأله ۱۲۰۳

مسأله ۱۲۰۳- کم شدن رکن نافله را باطل می‌کند (۱) ولی زیاد شدن رکن آن را باطل نمی‌کند، پس اگر یکی از کارهای نافله را فراموش کند و موقعی یادش بیاید که مشغول رکن بعد از آن شده باید آن کار را انجام دهد و دوباره آن رکن را بجا آورد، مثلاً اگر در بین رکوع یادش بیاید که سوره را نخوانده باید برگردد و سوره را بخواند و دوباره به رکوع رود.

۱- بعید نیست عدم بطلان مثل زیاد شدن رکن

کد مسأله: ۵۲۹۵۹

مسأله ۱۲۰۴

مسأله ۱۲۰۴- اگر در یکی از کارهای نافله شك کند خواه رکن باشد یا غیر رکن چنانچه محل آن نگذشته باید بجا آورد (۱) و اگر محل آن گذشته به شك خود اعتنا نکند.

۱- حکم آن مثل شك در رکعات است و بعید نیست عدم لزوم اعتناء به آن

کد مسأله: ۵۲۹۶۱

مسأله ۱۲۰۵

مسأله ۱۲۰۵- اگر در نماز مستحبی دو رکعتی گمانش به سه رکعت یا بیشتر برود، باید اعتنا نکند و نمازش صحیح است. (۱) و اگر گمانش به دو رکعت یا کمتر برود باید، بنا بر احتیاط واجب (۲) باید به همان گمان عمل کند، مثلاً اگر گمانش به یک رکعت می رود احتیاطاً باید یک رکعت دیگر بخواند.

۱- بلکه باید اعتناء نماید ولو موجب فساد نماز شود و به عبارت دیگر مظنه در نماز نافله حجت است و باید به او ترتیب اثر داده شود.

۲- بلکه علی الاقوی باید بنا را بر مظنون گذارد و نماز را به حسب آن تمام نماید.

کد مسأله: ۵۲۹۶۳

مسأله ۱۲۰۶

مسأله ۱۲۰۶- اگر در نماز نافله کاری کند که برای آن سجده سهو واجب می شود، یا یک سجده یا تشهد را فراموش نماید، لازم نیست بعد از نماز سجده سهو یا قضای سجده و تشهد را بجا آورد.

کد مسأله: ۵۲۹۶۶

مسأله ۱۲۰۷

مسأله ۱۲۰۷- اگر شك کند که نماز مستحبی را خوانده یا نه، چنانچه آن نماز مثل نماز جعفر طیار وقت معین نداشته باشد بنا بگذارد که نخوانده است و همچنین است اگر مثل نافله یومیه وقت معین داشته باشد، پیش از گذشتن وقت شك کند که آن را بجا آورده یا نه، ولی اگر بعد از گذشتن وقت شك کند که خوانده است یا نه، به شك خود اعتنا نکند.

کد مسأله: ۵۲۹۶۸

شک های صحیح

مسأله ۱۲۰۸

مسأله ۱۲۰۸- در نه صورت اگر در شماره رکعتهای نماز چهار رکعتی شك کند باید فوراً فکر نماید، پس اگر یقین یا گمان به یک طرف شك پیدا کرد، همان طرف را بگیرد و نماز را تمام کند و گرنه به دستورهایی که گفته می شود عمل نماید و آن نه صورت از این قرار است:

اول: آنکه بعد از سر برداشتن (۱) از سجده دوم شك کند دو رکعت خوانده یا سه رکعت، که باید بنا بگذارد سه رکعت خوانده و یک رکعت دیگر بخواند و نماز را تمام کند و بعد از نماز یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته به دستوری که بعداً گفته می شود بجا آورد. (۲)

۱- یا قبل از سر برداشتن و بعد از ذکر سجده دوم و همچنین در مابقی شکوک

۲- احتیاط مستحب آن است که یک رکعت ایستاده بجا آورد.

دوم: شک بین دو و چهار بعد از سر برداشتن از سجده دوم، که باید بنا بگذارد چهار رکعت خوانده و نماز را تمام کند و بعد از نماز دو رکعت نماز احتیاط ایستاده بخواند.

سوم: شک بین دو و سه و چهار بعد از سر برداشتن از سجده دوم که باید بنا بر چهار بگذارد و بعد از نماز دو رکعت نماز احتیاط ایستاده و بعد دو رکعت نشسته بجا آورد. (۱)

۱- یا یک رکعت ایستاده بجای دو رکعت نشسته بجا آورد.

چهارم: شک بین چهار و پنج بعد از سر برداشتن از سجده دوم که باید بنا بر چهار بگذارد و نماز را تمام کند و بعد از نماز دو سجده سهو بجا آورد. ولی اگر بعد از سجده اول یا پیش از سر برداشتن از سجده دوم، یکی از این چهار شک، برای او پیش آید، بنا بر احتیاط واجب (۱) باید به دستور همان شک عمل کند و نماز را هم دوباره بخواند.

۱- اگر در سجده دوم بعد از ذکر باشد این احتیاط لازم نیست ولی مستحسن است و اگر قبل از ذکر باشد یا بعد از سجده اول نماز باطل است و باید استیناف نماید.

پنجم: شک بین سه و چهار که در هر جای نماز باشد بنا بر چهار بگذارد و نماز را تمام کند و بعد از نماز یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته بجا آورد.

ششم: شک بین چهار و پنج در حال ایستاده که باید بنشیند و تشهد بخواند و نماز را سلام دهد و یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته بجا آورد.

هفتم: شک بین سه و پنج در حال ایستاده که باید بنشیند و تشهد بخواند و نماز را سلام دهد و دو رکعت نماز احتیاط ایستاده بجا آورد.

هشتم: شک بین سه و چهار و پنج در حال ایستاده که باید بنشیند و تشهد بخواند بعد از سلام نماز دو رکعت نماز احتیاط ایستاده و بعد دو رکعت نشسته بجا آورد. (۱)

۱- یا یک رکعت ایستاده بجای دو رکعت نشسته بجا آورد.

نهم: شک بین پنج و شش در حال ایستاده که باید بنشیند و تشهد بخواند و نماز را سلام دهد و دو سجده سهو بجا آورد. (۱) و بنا بر احتیاط واجب دو سجده سهو دیگر برای ایستادن بیجا بنماید.

۱- علی الاقوی

کد مسأله: ۵۲۹۷۳

مسأله ۱۲۰۹

مسأله ۱۲۰۹- اگر یکی از شکهای صحیح برای انسان پیش آید نباید نماز را بشکند و چنانچه نماز را بشکند معصیت کرده است. پس اگر پیش از انجام کاری که نماز را باطل می‌کند مثل رو گرداندن از قبله، نماز را از سر گیرد نماز دومش هم باطل است. و اگر بعد از انجام کاری که نماز را باطل می‌کند مشغول نماز شود نماز دومش صحیح است.

کد مسأله: ۵۲۹۷۵

مسأله ۱۲۱۰

مسأله ۱۲۱۰- اگر یکی از شکهایی که نماز احتیاط بر آنها واجب است در نماز پیش آید، چنانچه انسان نماز را تمام کند و بدون

خواندن نماز احتیاط، نماز را از سر بگیرد، معصیت کرده است. پس اگر پیش از انجام کاری که نماز را باطل می‌کند نماز را از سر گرفته، نماز دومش هم باطل است، و اگر بعد از انجام کاری که نماز را باطل می‌کند، مشغول نماز شده، نماز دومش صحیح است.
کد مسأله: ۵۲۹۷۷

مسأله ۱۲۱۱

مسأله ۱۲۱۱- وقتی یکی از شکهای صحیح برای انسان پیش آید، چنانکه گفته شد، باید فوراً فکر کند ولی اگر چیزهایی که به واسطه آنها ممکن است یقین یا گمان به یک طرف شک پیدا شود از بین نمی‌رود، چنانچه کمی بعد فکر کند، اشکال ندارد، مثلاً اگر در سجده شک کند می‌تواند تا بعد از سجده فکر کردن را تاخیر بیندازد.
کد مسأله: ۵۲۹۷۹

مسأله ۱۲۱۲

مسأله ۱۲۱۲- اگر اول گمانش به یک طرف بیشتر باشد، بعد دو طرف در نظر او مساوی شود باید به دستور شک عمل نماید، و اگر اول دو طرف در نظر او مساوی باشد و به طرفی که وظیفه او است بنا بگذارد، بعد گمانش به طرف دیگر برود. باید همان طرف را بگیرد و نماز را تمام کند.
کد مسأله: ۵۲۹۸۱

مسأله ۱۲۱۳

مسأله ۱۲۱۳- کسی که نمی‌داند گمانش به یک طرف بیشتر است یا هر دو طرف در نظر او مساوی است، باید به دستور شک عمل کند.
کد مسأله: ۵۲۹۸۴

مسأله ۱۲۱۴

مسأله ۱۲۱۴- اگر بعد از نماز بداند که در بین نماز حال تردیدی داشته که مثلاً دو رکعت خوانده یا سه رکعت و بنا را بر سه گذاشته، ولی نداند که گمانش به خواندن سه رکعت بوده یا هر دو طرف در نظر او مساوی بوده، باید نماز احتیاط را بخواند. (۱)
۱- بنا بر احتیاط لازم
کد مسئله: ۵۲۹۸۶

مسأله ۱۲۱۵

مسأله ۱۲۱۵- اگر موقعی که تشهد می‌خواند یا بعد از ایستادن شک کند که دو سجده را بجا آورده یا نه و در همان موقع یکی از شکهایی که اگر بعد از تمام شدن دو سجده اتفاق بیفتد صحیح می‌باشد، برای او پیش آید، مثلاً شک کند که دو رکعت خوانده یا سه رکعت، چنانچه به دستور آن شک عمل کند نمازش صحیح است. (۱)
۱- ولی احتیاط مستحسن اعاده آن است خصوصاً اگر شک در رکعت تقدم بر شک در سجده داشته باشد.
کد مسئله: ۵۲۹۸۹

مسأله ۱۲۱۶

مسأله ۱۲۱۶- اگر پیش از آنکه مشغول تشهد شود یا در رکعتی که تشهد ندارد پیش از ایستادن شک کند که دو سجده را بجا آورده یا نه، و در همان موقع یکی از شکهایی که بعد از تمام شدن دو سجده صحیح است برایش پیش آید، نمازش باطل است. کد مسأله: ۵۲۹۹۱

مسأله ۱۲۱۷

مسأله ۱۲۱۷- اگر موقعی که ایستاده، بین سه و چهار یا بین سه و چهار و پنج شک کند و یادش بیاید که دو سجده یا یک سجده از رکعت پیش بجا نیاورده، نمازش باطل است. کد مسأله: ۵۲۹۹۴

مسأله ۱۲۱۸

مسأله ۱۲۱۸- اگر شک او از بین برود و شک دیگری برایش پیش آید، مثلاً اول شک کند که دو رکعت خوانده یا سه رکعت، بعد شک کند که سه رکعت خوانده یا چهار رکعت، باید به دستور شک دوم عمل نماید. کد مسأله: ۵۲۹۹۶

مسأله ۱۲۱۹

مسأله ۱۲۱۹- اگر بعد از نماز شک کند که در نماز مثلاً بین دو و چهار شک کرده یا بین سه و چهار، احتیاط واجب آن است که به دستور هر دو عمل کند و نماز را هم دوباره بخواند. (۱)
۱- لازم نیست و لکن مستحسن است. کد مسأله: ۵۲۹۹۸

مسأله ۱۲۲۰

مسأله ۱۲۲۰- اگر بعد از نماز بفهمد که در نماز شکی برای او پیش آمده ولی نداند از شکهای باطل بوده یا از شکهای صحیح و اگر از شکهای صحیح بوده کدام قسم آن بوده است، باید دو رکعت نماز احتیاط ایستاده و دو رکعت نشسته و دو سجده سهو بجا آورد و نماز را هم دوباره بخواند. کد مسأله: ۵۳۰۰۳

مسأله ۱۲۲۱

مسأله ۱۲۲۱- کسی که نشسته نماز میخواند اگر شکی کند که باید برای آن، یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته بخواند، باید یک رکعت نشسته به جا آورد، (۱) و اگر شکی کند که باید برای آن دو رکعت نماز احتیاط ایستاده بخواند، باید دو رکعت نشسته بجا آورد.

۱- بلکه مختیر است بین یک رکعت نشسته یا دو رکعت نشسته

کد مسأله: ۵۳۰۰۶

مسأله ۱۲۲۲

مسأله ۱۲۲۲- کسی که ایستاده نماز می‌خواند، اگر موقع خواندن نماز احتیاط از ایستادن عاجز شود، باید مثل کسی که نماز را نشسته می‌خواند و حکم آن در مسأله پیش گفته شد نماز احتیاط را بجا آورد.

کد مسأله: ۵۳۰۰۸

مسأله ۱۲۲۳

مسأله ۱۲۲۳- کسی که نشسته نماز می‌خواند اگر موقع خواندن نماز احتیاط بتواند بایستد، باید به وظیفه کسی که نماز را ایستاده می‌خواند عمل کند.

کد مسأله: ۵۳۰۱۰

نماز احتیاط

مسأله ۱۲۲۴

مسأله ۱۲۲۴- کسی که نماز احتیاط بر او واجب است، بعد از سلام نماز باید فوراً نیت نماز احتیاط کند و تکبیر بگوید و حمد را بخواند و به رکوع رود و دو سجده نماید. پس اگر یک رکعت نماز احتیاط بر او واجب است، بعد از دو سجده تشهد بخواند و سلام دهد، و اگر دو رکعت نماز احتیاط بر او واجب است، بعد از دو سجده یک رکعت دیگر مثل رکعت اول بجا آورد و بعد از تشهد سلام دهد.

کد مسأله: ۵۳۰۱۷

مسأله ۱۲۲۵

مسأله ۱۲۲۵- نماز احتیاط سوره و قنوت ندارد و باید آن را آهسته بخوانند (۱) و نیت آن را به زبان نیاورد، و احتیاط واجب (۲) آن است که "بسم الله" آن را هم آهسته بگوید.

۱- علی الاحوط

۲- بلکه مستحب است بسم الله را به جهر بخوانند

کد مسأله: ۵۳۰۲۰

مسأله ۱۲۲۶

مسأله ۱۲۲۶- اگر پیش از خواندن نماز احتیاط بفهمد نمازی که خوانده درست بوده، لازم نیست نماز احتیاط را بخواند، و اگر در بین نماز احتیاط بفهمد، لازم نیست آن را تمام نماید.

کد مسأله: ۵۳۰۲۲

مسئله ۱۲۲۷

مسئله ۱۲۲۷- اگر پیش از خواندن نماز احتیاط بفهمد که رکعتهای نمازش کم بوده، چنانچه کاری که نماز را باطل می‌کند انجام نداده، باید آنچه از نماز را که نخوانده بخواند و برای سلام بیجا دو سجده سهو نماید، و اگر کاری که نماز را باطل می‌کند انجام داده، مثلاً پشت به قبله کرده، باید نماز را دوباره بجا آورد.

کد مسئله: ۵۳۰۲۵

مسئله ۱۲۲۸

مسئله ۱۲۲۸- اگر بعد از نماز احتیاط بفهمد کسری نمازش به مقدار نماز احتیاط بوده، مثلاً در شک بین سه و چهار یک رکعت نماز احتیاط بخواند، بعد بفهمد نماز را سه رکعت خوانده، نمازش صحیح است.

کد مسئله: ۵۳۰۲۷

مسئله ۱۲۲۹

مسئله ۱۲۲۹- اگر بعد از خواندن نماز احتیاط بفهمد کسری نماز کمتر از نماز احتیاط بوده، مثلاً در شک بین دو و چهار، دو رکعت نماز احتیاط بخواند، بعد بفهمد نماز را سه رکعت خوانده، باید نماز را دوباره بخواند.

کد مسئله: ۵۳۰۳۲

مسئله ۱۲۳۰

مسئله ۱۲۳۰- اگر بعد از خواندن نماز احتیاط بفهمد کسری نماز بیشتر از نماز احتیاط بوده، مثلاً در شک بین سه و چهار یک رکعت نماز احتیاط بخواند، بعد بفهمد نماز را دو رکعت خوانده، چنانچه بعد از نماز احتیاط کاری که نماز را باطل می‌کند انجام داده، مثلاً پشت به قبله کرده، باید نماز را دوباره بخواند و اگر کاری که نماز را باطل می‌کند انجام نداده، باید دو رکعت کسری نمازش را بجا آورد و نماز را هم دوباره بخواند. (۱)

۱- لازم نیست ولکن مستحسن است و دو سجده سهو برای سلام بی جا بجا آورد.

کد مسئله: ۵۳۰۳۴

مسئله ۱۲۳۱

مسئله ۱۲۳۱- اگر بین دو و سه و چهار شک کند و بعد از خواندن دو رکعت نماز احتیاط ایستاده، یادش بیاید که نماز را دو رکعت خوانده، لازم نیست دو رکعت نماز احتیاط نشسته را بخواند.

کد مسئله: ۵۳۰۳۹

مسئله ۱۲۳۲

مسئله ۱۲۳۲- اگر بین سه و چهار شک کند و موقعی که دو رکعت نماز احتیاط نشسته یا یک رکعت ایستاده را می‌خواند یادش بیاید که نماز را سه رکعت خوانده، باید نماز احتیاط را تمام کند (۱) و بنا بر احتیاط واجب نماز را دوباره بخواند.

۱- بلکه باید نماز احتیاط را القاء نماید و نقیصه نماز را انجام دهد و دو سجده سهو برای سلام بی جا به جا آورد و نمازش صحیح است و اعاده لازم نیست اگرچه مستحسن است.
کد مسأله: ۵۳۰۴۲

مسأله ۱۲۳۳

مسأله ۱۲۳۳- اگر بین دو و سه و چهار شک کند و موقعی که دو رکعت نماز احتیاط ایستاده را می‌خواند پیش از رکوع رکعت دوم یادش بیاید که نماز را سه رکعت خوانده باید بنشیند و نماز احتیاط را یک رکعتی تمام کند (۱) و بنابر احتیاط واجب نماز را دوباره بخواند.

۱- بلکه باید نماز احتیاط را القاء نماید و نقیصه نماز را بجا آورد و دو سجده سهو برای سلام بی جا بجا آورد و اعاده نماز لازم نیست اگرچه مستحسن است.
کد مسأله: ۵۳۰۴۵

مسأله ۱۲۳۴

مسأله ۱۲۳۴- اگر در بین نماز احتیاط بفهمد کسری نمازش بیشتر یا کمتر از نماز احتیاط بوده، چنانچه نتواند (۱) نماز احتیاط را مطابق کسری نمازش تمام کند باید آن را رها کند و کسری نماز را بجا آورد و بنابر احتیاط واجب نماز را دوباره بخواند مثلاً در شک بین سه و چهار اگر موقعی که دو رکعت نماز احتیاط نشسته را می‌خواند یادش بیاید که نماز را دو رکعت خوانده، چون نمی‌تواند دو رکعت نشسته را به جای دو رکعت ایستاده حساب کند، باید نماز احتیاط نشسته را رها کند و دو رکعت کسری نمازش را بخواند و احتیاطاً نماز را دوباره بجا آورد.

۱- چه بتواند و چه نتواند باید نماز احتیاط را القاء کند و نقیصه نماز را بجا آورد و دو سجده سهو برای سلام بیجا بجا آورد و نماز او صحیح است و اعاده لازم نیست اگر چه مستحسن است.
کد مسأله: ۵۳۰۴۷

مسأله ۱۲۳۵

مسأله ۱۲۳۵- اگر شک کند نماز احتیاطی را که به او واجب بوده بجا آورده یا نه چنانچه وقت نماز گذشته به شک خود اعتنا نکند و اگر وقت دارد، در صورتی که مشغول کار دیگری نشده و از جای نماز برنخاسته و کاری هم مثل رو گرداندن از قبله که نماز را باطل می‌کند، انجام نداده باید نماز احتیاط را بخواند و اگر مشغول کار دیگری شده یا کاری که نماز را باطل می‌کند (۱) بجا آورده یا بین نماز و شک او زیاد طول کشیده احتیاط واجب آن است که نماز احتیاط را بجا آورد و نماز را هم دوباره بخواند.
۱- در این صورت خواندن نماز احتیاط لازم نیست و فقط اصل نماز را اعاده می‌کند.

کد مسأله: ۵۳۰۴۹

مسأله ۱۲۳۶

مسأله ۱۲۳۶- اگر در نماز احتیاط، رکنی را زیاد کند یا مثلاً به جای یک رکعت دو رکعت بخواند، نماز احتیاط باطل می‌شود و باید دوباره نماز احتیاط، و اصل نماز را بخواند.

کد مسأله: ۵۳۰۵۲

مسأله ۱۲۳۷

مسأله ۱۲۳۷- موقعی که مشغول نماز احتیاط است اگر در یکی از کارهای آن شک کند چنانچه محل آن نگذشته، باید بجا آورد و اگر محلش گذشته باید به شک خود اعتنا نکند مثلاً اگر شک کند که حمد خوانده یا نه چنانچه به رکوع نرفته باید بخواند و اگر به رکوع رفته باید به شک خود اعتنا نکند.

کد مسأله: ۵۳۰۵۵

مسأله ۱۲۳۸

مسأله ۱۲۳۸- اگر در شماره رکعت‌های نماز احتیاط شک کند، چنانچه طرف بیشتر شک نماز را باطل می‌کند بنا بر کمتر گذارد و اگر طرف بیشتر شک نماز را باطل نمی‌کند، باید بنا را بر بیشتر بگذارد؛ مثلاً موقعی که مشغول خواندن دو رکعت نماز احتیاط است، اگر شک کند که دو رکعت خوانده یا سه رکعت، چون طرف بیشتر شک نماز را باطل می‌کند، باید بنا بگذارد که دو رکعت خوانده و اگر شک کند یک رکعت خوانده یا دو رکعت، چون طرف بیشتر شک نماز را باطل نمی‌کند، باید بنا بگذارد که دو رکعت خوانده است.

کد مسأله: ۵۳۰۵۸

مسأله ۱۲۳۹

مسأله ۱۲۳۹- اگر در نماز احتیاط چیزی که رکن نیست سهواً کم یا زیاد شود سجده سهو ندارد.

کد مسأله: ۵۳۰۶۲

مسأله ۱۲۴۰

مسأله ۱۲۴۰- اگر بعد از سلام نماز احتیاط شک کند که یکی از اجزاء یا شرایط آن را بجا آورده یا نه به شک خود اعتنا نکند.

کد مسأله: ۵۳۰۶۸

مسأله ۱۲۴۱

مسأله ۱۲۴۱- اگر در نماز احتیاط، تشهد یا یک سجده را فراموش کند، احتیاط واجب آن است که بعد از سلام نماز آن را قضا نماید.

کد مسأله: ۵۳۰۷۱

مسأله ۱۲۴۲

مسأله ۱۲۴۲- اگر نماز احتیاط و قضای یک سجده یا قضای یک تشهد یا دو سجده سهو بر او واجب شود باید اول نماز احتیاط را بجا آورد.

کد مسأله: ۵۳۰۷۸

مسأله ۱۲۴۳

مسأله ۱۲۴۳- حکم گمان در نماز مثل حکم یقین است. مثلاً اگر انسان گمان دارد که نماز را چهار رکعت خوانده، نباید نماز احتیاط بخواند و اگر گمان دارد رکوع کرده، نباید آن را بجا آورد و اگر گمان دارد حمد را نخوانده، چنانچه به رکوع نرفته، باید بخواند، و اگر به رکوع رفته نمازش صحیح است.

کد مسأله: ۵۳۰۸۰

سجده سهو**مسأله ۱۲۴۴**

مسأله ۱۲۴۴- حکم شک و سهو و گمان در نمازهای واجب یومیه و نمازهای واجب دیگر فرق ندارد، مثلاً اگر در نماز آیات شک کند که یک رکعت خوانده یا دو رکعت، چون شک او در نماز دو رکعتی است، نمازش باطل می‌شود.

کد مسأله: ۵۳۰۸۲

مسأله ۱۲۴۵

مسأله ۱۲۴۵- برای پنج چیز بعد از سلام نماز، انسان باید دو سجده سهو به دستوری که بعداً گفته می‌شود بجا آورد:

اول: آنکه در بین نماز، سهواً حرف بزند. (۱)

دوم: جایی که نباید نماز را سلام دهد، مثلاً در رکعت اول سهواً سلام بدهد. (۲)

سوم: آنکه یک سجده را فراموش کند. (۳)

چهارم: آنکه تشهد را فراموش کند.

پنجم: آنکه در نماز چهار رکعتی بعد از سجده دوم شک کند که چهار رکعت خوانده یا پنج رکعت. و نیز اگر در جایی که باید بایستد مثلاً موقع خواندن حمد و سوره اشتهاً بنشیند یا در جایی که باید بنشیند مثلاً موقع خواندن تشهد اشتهاً بایستد، بنابر احتیاط واجب باید دو سجده سهو بجا آورد. بلکه برای هر چیزی که در نماز اشتهاً کم یا زیاد کند، احتیاط مستحب (۴) آن است که دو سجده سهو بنماید. و احکام این چند صورت در مسائل آینده گفته می‌شد.

۱- علی الاحوط و استحباب بعید نیست.

۲- علی الاحوط

۳- علی الاحوط

۴- علی الاحوط لزوماً نه احتیاط مستحب

کد مسأله: ۵۳۰۸۵

مسأله ۱۲۴۶

مسأله ۱۲۴۶- اگر انسان اشتهاً یا به خیال این که نمازش تمام شده حرف بزند باید دو سجده سهو بجا آورد. (۱)

۱- علی الاحوط ولی استحباب بعید نیست.

کد مسأله: ۵۳۰۸۷

مسأله ۱۲۴۷

مسأله ۱۲۴۷- برای حرفی که از آه کشیدن و سرفه پیدا می‌شود، سجده ی سهو واجب نیست، ولی اگر مثلاً سهواً آخ یا آه بگوید، باید سجده سهو نماید. (۱)

۱- علی الاحوط ولی استحباب بعید نیست.

کد مسأله: ۵۳۰۸۹

مسأله ۱۲۴۸

مسأله ۱۲۴۸- اگر چیزی را که غلط خوانده دوباره بطور صحیح بخواند برای دوباره خواندن آن سجده سهو واجب نیست.

کد مسأله: ۵۳۰۹۲

مسأله ۱۲۴۹

مسأله ۱۲۴۹- اگر در نماز سهواً مدتی حرف بزند و تمام آنها یک مرتبه حساب شود، دو سجده سهو بعد از سلام نماز کافی است. (۱)

۱- علی الاحوط ولیکن استحباب آن بعید نیست.

کد مسأله: ۵۳۰۹۴

مسأله ۱۲۵۰

مسأله ۱۲۵۰- اگر سهواً تسیحات اربعه را نگوید یا بیشتر یا کمتر از سه مرتبه بگوید احتیاط مستحب آن است که بعد از نماز دو سجده سهو بجا آورد. (۱)

۱- در ترک اصل تسیحات دو سجده سهو احتیاطاً لازم است و در ترک کمتر از سه مرتبه یا زائد بر آن دو سجده سهو احتیاط مستحب است.

کد مسأله: ۵۳۰۹۶

مسأله ۱۲۵۱

مسأله ۱۲۵۱- اگر در جایی که نباید سلام نماز را بگوید سهواً بگوید: "السلام علينا و علی عباد الله الصالحین" یا بگوید: "السلام علیکم و رحمه الله و برکاته"، باید دو سجده سهو بنماید، (۱) ولی اگر اشتهاً مقداری از این دو سلام را بگوید، یا بگوید: "السلام علیک ایها النبی و رحمه الله و برکاته" احتیاط مستحب آن است که دو سجده سهو بجا آورد.

۱- بنابر احتیاط لازم و همچنین در اجزاء دو سلام واجب ولی در سلام بر نبی صلی الله علیه و آله که سلام واجب نیست احتیاطاً دو سجده، سهو بجا آورد.

کد مسأله: ۵۳۰۹۹

مسئله ۱۲۵۲

مسئله ۱۲۵۲- اگر در جایی که نباید سلام دهد اشتباها هر سه سلام را بگوید. دو سجده سهو کافی است. (۱)
 ۱- احتیاطاً به تعداد سلام سجده سهو تکرار شود.

کد مسئله: ۵۳۱۰۱

مسئله ۱۲۵۳

مسئله ۱۲۵۳- اگر یک سجده یا تشهد را فراموش کند و پیش از رکوع رکعت بعد یادش بیاید باید برگردد و بجا آورد و بعد از نماز بنا بر احتیاط واجب برای ایستادن بی جا دو سجده سهو بنماید.

کد مسئله: ۵۳۱۰۴

مسئله ۱۲۵۴

مسئله ۱۲۵۴- اگر در رکوع یا بعد از آن یادش بیاید که یک سجده یا تشهد را از رکعت پیش فراموش کرده باید بعد از سلام نماز سجده یا تشهد را قضا نماید و بعد از آن دو سجده سهو بجا آورد. (۱)

۱- بنا بر احتیاط لازم در سجده فراموش شده و علی الاقوی در تشهد فراموش شده.

کد مسئله: ۵۳۱۰۷

مسئله ۱۲۵۵

مسئله ۱۲۵۵- اگر سجده سهو را بعد از سلام نماز عمداً بجا نیاورد، معصیت کرده و واجب است هر چه زودتر آن را انجام دهد و چنانچه سهواً بجا نیاورد هر وقت یادش آمد، باید فوراً انجام دهد (۱) و لازم نیست نماز را دوباره بخواند.

۱- بنا بر احتیاط لازم.

کد مسئله: ۵۳۱۰۹

مسئله ۱۲۵۶

مسئله ۱۲۵۶- اگر شك دارد که سجده سهو بر او واجب شده یا نه لازم نیست بجا آورد.

کد مسئله: ۵۳۱۱۱

مسئله ۱۲۵۷

مسئله ۱۲۵۷- کسی که شك دارد مثلاً دو سجده سهو بر او واجب شده یا چهار تا، اگر دو سجده بنماید کافی است.

کد مسئله: ۵۳۱۱۴

مسئله ۱۲۵۸

مسئله ۱۲۵۸- اگر بداند یکی از دو سجده سهو را بجا نیاورده باید دو سجده سهو بجا آورد و اگر بداند سهواً سه سجده کرده ، احتیاط واجب (۱) آن است که دوباره دو سجده سهو بنماید.

۱- بلکه واجب است

کد مسئله: ۵۳۱۱۶

دستور سجده سهو

مسئله ۱۲۵۹

مسئله ۱۲۵۹- دستور سجده سهو این است که بعد از سلام نماز فوراً نیت سجده سهو کند و پیشانی را به چیزی که سجده بر آن صحیح است بگذارد و بگوید: «بسم الله و بالله و صلی الله علی محمد و آله» یا «بسم الله و بالله اللهم صلی علی محمد و آل محمد» ولی بهتر است بگوید «بسم الله و بالله السلام علیک ایها النبی و رحمہ الله و برکاته» بعد باید بنشیند و دوباره به سجده رود و یکی از ذکرهایی را که گفته شد بگوید و بنشیند و بعد از خواندن تشهد سلام دهد.

کد مسئله: ۵۳۱۱۸

قضای سجده و تشهد فراموش شده

مسئله ۱۲۶۰

مسئله ۱۲۶۰- سجده و تشهد را که انسان فراموش کرده و بعد از نماز قضای آن را بجامی آورد باید تمام شرایط نماز مانند پاک بودن بدن و لباس و رو به قبله بودن و شرطهای دیگر را داشته باشد.

کد مسئله: ۵۳۱۲۰

مسئله ۱۲۶۱

مسئله ۱۲۶۱- اگر سجده یا تشهد را چند دفعه فراموش کند مثلاً یک سجده از رکعت اول و یک سجده از رکعت دوم فراموش نماید باید بعد از نماز قضای هر دو را با سجده‌های سهوی که برای آنها لازم است بجا آورد (۱) و لازم نیست معین کند که قضای کدام یک از آنها است.

۱- سجده سهو برای سجده فراموش شده بنابر احتیاط واجب و برای تشهد فراموش شده علی الاقوی واجب است.

کد مسئله: ۵۳۱۲۳

مسئله ۱۲۶۲

مسئله ۱۲۶۲- اگر یک سجده و تشهد را فراموش کند احتیاط واجب (۱) آن است که هر کدام را اول فراموش کرده اول قضا نماید. و اگر نداند کدام اول فراموش شده، باید احتیاطاً (۲) یک سجده و تشهد و بعد یک سجده دیگر بجا آورد یا یک تشهد و یک سجده و بعد یک تشهد دیگر بجا آورد تا یقین کند سجده و تشهد را به ترتیبی که فراموش کرده قضا نموده است.

۱- بلکه مستحسن است.

۲- لازم نیست ولی مستحسن است.

کد مسأله: ۵۳۱۲۵

مسأله ۱۲۶۳

مسأله ۱۲۶۳- اگر به خیال این که اول، سجده را فراموش کرده، اول قضای آن را بجا آورد و بعد از خواندن تشهد یادش بیاید که اول تشهد را فراموش کرده احتیاط واجب (۱) آن است که دوباره سجده را قضا نماید و نیز اگر به خیال این که اول تشهد را فراموش کرده اول قضای آن را بجا آورد، و بعد از سجده یادش بیاید که اول سجده را فراموش کرده بنا بر احتیاط واجب باید دوباره تشهد را بخواند.

۱- واجب نیست و لکن مستحسن است و همچنین احتیاط بعد لازم نیست و لکن مستحسن است

کد مسأله: ۵۳۱۲۸

مسأله ۱۲۶۴

مسأله ۱۲۶۴- اگر بین سلام نماز و قضای سجده یا تشهد کاری کند که اگر عمداً یا سهواً در نماز اتفاق بیفتد نماز باطل می شود مثلاً پشت به قبله نماید، احتیاط واجب (۱) آن است که بعد از قضای سجده و تشهد دوباره نماز را بخواند.

۱- واجب نیست و لکن مستحسن است و اقوی کفایت قضاء تشهد و سجده است.

کد مسأله: ۵۳۱۳۱

مسأله ۱۲۶۵

مسأله ۱۲۶۵- اگر بعد از سلام نماز یادش بیاید که یک سجده از رکعت آخر را فراموش کرده چنانچه کاری که عمدی و سهوی آن نماز را باطل می کند، مثل رو گرداندن از قبله انجام نداده، بنا بر احتیاط واجب (۱) باید به قصد اینکه وظیفه خود را انجام داده باشد، سجده فراموش شده و بعد از آن تشهد و سلام و دو سجده سهو به جا آورد. و نیز اگر یادش بیاید که تشهد رکعت آخر را فراموش کرده، احتیاطاً باید به قصد اینکه وظیفه خود را انجام داده باشد، تشهد را بخواند و بعد از آن سلام دهد و دو سجده سهو بنماید.

۱- این احتیاط واجب نیست بلکه سجده فراموش شده را باید قضا نماید و همچنین در تشهد آخر نماز باید تشهد فراموش شده را قضا کند و دو سجده سهو بنا بر احتیاط لازم در سجده فراموش شده و علی الاقوی در تشهد فراموش شده بجا آورد.

کد مسأله: ۵۳۱۳۳

مسأله ۱۲۶۶

مسأله ۱۲۶۶- اگر بین سلام نماز و قضای سجده یا تشهد کاری کند که برای آن سجده سهو واجب می شود، مثل آن که سهواً حرف بزند، بنا بر احتیاط واجب باید سجده یا تشهد را قضا کند و غیر از سجده سهوی که برای قضای سجده یا تشهد لازم است دو سجده سهو دیگر بنماید.

کد مسأله: ۵۳۱۳۶

مسأله ۱۲۶۷

مسئله ۱۲۶۷- اگر نداند که سجده را فراموش کرده یا تشهد را باید هر دو را قضا نماید و هر کدام را اول بجا آورد اشکال ندارد.

کد مسئله: ۵۳۱۳۹

مسئله ۱۲۶۸

مسئله ۱۲۶۸- اگر شک دارد که سجده یا تشهد را فراموش کرده یا نه واجب نیست قضا نماید.

کد مسئله: ۵۳۱۴۱

مسئله ۱۲۶۹

مسئله ۱۲۶۹- اگر بداند سجده یا تشهد را فراموش کرده و شک کند که پیش از رکوع رکعت بعد بجا آورده یا نه، احتیاط واجب (۱) آن است که آن را قضا نماید.

۱- بلکه علی الاقوی باید قضا نماید

کد مسئله: ۵۳۱۴۳

مسئله ۱۲۷۰

مسئله ۱۲۷۰- کسی که باید سجده یا تشهد را قضا نماید، اگر برای کار دیگری هم سجده سهو بر او واجب شود، باید بعد از نماز سجده یا تشهد را قضا نماید، بعد سجده سهو را بجا آورد. (۱)

۱- در سجده فراموش شده ولی در تشهد فراموش شده تأخیر سجده سهو از تشهد لازم نیست ولی مستحسن است.

کد مسئله: ۵۳۱۴۹

کم و زیاد کردن اجزاء و شرایط نماز

مسئله ۱۲۷۱

مسئله ۱۲۷۱- اگر شک دارد که بعد از نماز، قضای سجده یا تشهد فراموش شده را بجا آورده یا نه، چنانچه وقت نماز نگذشته، باید سجده یا تشهد را قضا نماید و اگر وقت نماز گذشته قضای آن مستحب است.

کد مسئله: ۵۳۱۵۱

مسئله ۱۲۷۲

مسئله ۱۲۷۲- هرگاه چیزی از واجبات نماز را عمداً کم یا زیاد کند، اگر چه یک حرف آن باشد نماز باطل است.

کد مسئله: ۵۳۱۵۳

مسئله ۱۲۷۳

مسئله ۱۲۷۳- اگر به واسطه ندانستن مسئله، چیزی از اجزاء نماز را کم یا زیاد کند، نماز باطل است. (۱) ولی چنانچه به واسطه ی ندانستن مسئله حمد و سوره نماز صبح و مغرب و عشاء را آهسته بخواند، یا حمد و سوره نماز ظهر و عصر را بلند بخواند، یا در

مسافرت نماز ظهر و عصر و عشاء را چهار رکعتی بخواند، نماز صحیح است.

۱- در خصوص ارکان و در غیر آن نسبت به جاهل قاصر صحیح و نسبت به جاهل مقصر احتیاط لازم لزوم اعاده و قضاء است.
کد مسأله: ۵۳۱۵۶

مسأله ۱۲۷۴

مسأله ۱۲۷۴- اگر در بین نماز بفهمد وضو یا غسلش باطل بوده یا بدون وضو یا غسل مشغول نماز شده باید نماز را به هم بزند و دوباره با وضو یا غسل بخواند، و اگر بعد از نماز بفهمد باید دوباره نماز را با وضو یا غسل بجا آورد و اگر وقت گذشته قضا نماید.
کد مسأله: ۵۳۱۶۰

مسأله ۱۲۷۵

مسأله ۱۲۷۵- اگر بعد از رسیدن به رکوع یادش بیاید که دو سجده از رکعت پیش فراموش کرده نمازش باطل است، و اگر پیش از رسیدن به رکوع یادش بیاید برگردد و دو سجده را بجا آورد و برخیزد و حمد و سوره یا تسبیحات را بخواند و نماز را تمام کند و بعد از نماز بنا بر احتیاط واجب، برای ایستادن بیجا دو سجده سهو بنماید.
کد مسأله: ۵۳۱۶۲

مسأله ۱۲۷۶

مسأله ۱۲۷۶- اگر پیش از گفتن "السلام علینا" و "السلام علیکم" یادش بیاید که دو سجده رکعت آخر را بجا نیاورده باید دو سجده را بجا آورد و دوباره تشهد بخواند و نماز را سلام دهد. (۱)
۱- و برای تشهد زائد دو سجده سهو بنا بر احتیاط واجب بجا آورد.
کد مسأله: ۵۳۱۶۴

مسأله ۱۲۷۷

مسأله ۱۲۷۷- اگر پیش از سلام نماز یادش بیاید که یک رکعت یا بیشتر، از آخر نماز نخوانده، باید مقداری را که فراموش کرده بجا آورد.
کد مسأله: ۵۳۱۶۶

مسأله ۱۲۷۸

مسأله ۱۲۷۸- اگر بعد از سلام نماز یادش بیاید که یک رکعت یا بیشتر از آخر نماز را نخوانده چنانچه کاری انجام داده که اگر در نماز عمدتاً یا سهواً اتفاق بیفتد نماز را باطل می‌کند، مثلاً پشت به قبله کرده، نمازش باطل است. و اگر کاری که عمدی و سهوی آن نماز را باطل می‌کند انجام نداده باید فوراً مقداری که فراموش کرده بجا آورد. (۱)
۱- و جهت تشهد و سلام زائد هر کدام دو سجده سهو بنا بر احتیاط واجب بجا آورد
کد مسأله: ۵۳۱۶۸

نماز مسافر**مسئله ۱۲۷۹**

مسئله ۱۲۷۹- هرگاه بعد از سلام نماز عملی انجام دهد که اگر در نماز عمدتاً یا سهواً اتفاق بیفتد نماز را باطل می‌کند مثلاً پشت به قبله نماید و بعد یادش بیاید که دو سجده آخر را بجا نیاورده، نمازش باطل است. و اگر پیش از انجام کاری که نماز را باطل می‌کند، یادش بیاید، باید دو سجده ای را که فراموش کرده بجا آورد و دوباره تشهد بخواند و نماز را سلام دهد و دو سجده سهو برای سلامی که اول گفته است بنماید. (۱)

۱- و دو سجده سهو دیگر جهت تشهد زائد انجام دهد

کد مسئله: ۵۳۱۷۱

مسئله ۱۲۸۰

مسئله ۱۲۸۰- اگر بفهمد نماز را پیش از وقت خوانده، یا پشت به قبله یا به طرف راست یا به طرف چپ قبله (۱) بجا آورده، باید دوباره بخواند و اگر وقت گذشته قضا نماید.

۱- در مورد جاهل و ناسی و غافل حکم چنین است که در متن ذکر شده ولی در مورد مجتهد مخفی در وقت اعاده لازم است ولی در خارج وقت قضاء لازم نیست اگرچه احتیاط مستحسن است.

کد مسئله: ۵۳۱۷۳

مسائل متفرقه**مسئله ۱۲۸۱**

مسافر باید نماز ظهر و عصر و عشا را با هشت شرط شکسته بجا آورد، یعنی دو رکعت بخواند:

شرط اول: آنکه سفر او کمتر از هشت فرسخ شرعی نباشد و فرسخ شرعی تقریباً پنج کیلومتر و نیم است. (۱)

۱- اگر دو ذراع متعارف کمتر از یک متر باشد والا اگر هر ذراع متعارف نیم متر باشد فرسخ شرعی عین فرسخ عرفی است یعنی ۶ کیلومتر است نه کمتر.

مسئله ۱۲۸۱- کسی که رفتن و برگشتن او هشت فرسخ است اگر در یک شب و یک روز برود و برگردد، (۱) مثلاً اگر روز برود و همان روز یا شب آن برگردد، چنانچه رفتن او کمتر از چهار فرسخ نباشد، باید نماز را شکسته بخواند. بنابراین اگر رفتن سه فرسخ و برگشتن پنج فرسخ باشد، باید نماز را تمام یعنی چهار رکعتی بخواند.

۱- شرط نیست ذهاب و ایاب در یوم و لیل واحد باشد بلکه قصد اقامه عشره نداشته باشد و همچنین شرط نیست ذهاب کمتر از چهار فرسخ نباشد بلکه ملاک قصد هشت فرسخ است ولو ذهاب یک فرسخ و ایاب هفت فرسخ باشد یا بالعکس که نماز شکسته است.

کد مسئله: ۵۳۱۷۶

مسئله ۱۲۸۲

مسأله ۱۲۸۲- اگر رفتن و برگشتن هشت فرسخ باشد ولی روزی که می رود، همان روز یا شب آن برنگردد، مثلاً امروز برود و فردا برگردد، به اندازه ای که ممکن است، باید احتیاط را مراعات کند، (۱) یعنی نماز را هم تمام و هم شکسته بخواند و روزه بگیرد و قضای آن را هم بجا آورد.

۱- در مسأله سابق گذشت که شرط نیست ذهاب و ایاب در یوم و لیله واحده باشد پس احتیاط لازم نیست و وظیفه نماز قصر و افطار صوم است در صورت عدم قصد اقامه عشره ایام.

کد مسأله: ۵۳۱۷۸

مسأله ۱۲۸۳

مسأله ۱۲۸۳- اگر سفر مختصری از هشت فرسخ کمتر باشد یا انسان نداند که سفر او هشت فرسخ است یا نه، نباید نماز را شکسته بخواند، و چنانچه شک کند که سفر او هشت فرسخ است یا نه، در صورتی که تحقیق کردن برایش مشقت دارد باید نمازش را تمام بخواند و اگر مشقت ندارد بنا بر احتیاط واجب باید تحقیق کند (۱) که اگر دو عادل بگویند، یا بین مردم معروف باشد که سفر او هشت فرسخ است نماز را شکسته بخواند.

۱- واجب نیست ولکن مستحسن است.

کد مسأله: ۵۳۱۸۰

مسأله ۱۲۸۴

مسأله ۱۲۸۴- اگر یک عادل خیر دهد که سفر انسان هشت فرسخ است بنا بر احتیاط واجب (۱) باید نماز را هم شکسته بخواند و هم تمام بخواند و روزه بگیرد و قضای آن را هم بجا آورد

۱- این احتیاط واجب نیست ولکن مستحسن است و اقوی وجوب نماز تمام است و به قول عدل واحد هشت فرسخ شرعی ثابت نمی شود.

کد مسأله: ۵۳۱۸۳

مسأله ۱۲۸۵

مسأله ۱۲۸۵- کسی که یقین دارد سفر او هشت فرسخ است، اگر نماز را شکسته بخواند، بعد بفهمد که هشت فرسخ نبوده، باید آن را چهار رکعتی بجا آورد و اگر وقت گذشته قضا نماید.

کد مسأله: ۵۳۱۸۶

مسأله ۱۲۸۶

مسأله ۱۲۸۶- کسی که یقین دارد سفرش هشت فرسخ نیست یا شک دارد که هشت فرسخ هست یا نه، چنانچه در بین راه بفهمد که سفر او هشت فرسخ بوده اگر چه کمی از راه باقی باشد باید نماز را شکسته بخواند، و اگر تمام خوانده دوباره شکسته بجا آورد.

کد مسأله: ۵۳۱۸۸

مسأله ۱۲۸۷

مسئله ۱۲۸۷- اگر بین دو محلی که فاصله آنها کمتر از چهار فرسخ است چند مرتبه رفت و آمد کند اگر چه روی هم رفته هشت فرسخ شود باید نماز را تمام بخواند.

کد مسئله: ۵۳۱۹۰

مسئله ۱۲۸۸

مسئله ۱۲۸۸- اگر محلی دو راه داشته باشد یک راه آن کمتر از هشت فرسخ و راه دیگر آن هشت فرسخ یا بیشتر باشد چنانچه انسان از راهی که هشت فرسخ یا بیشتر است به آنجا برود باید نماز را شکسته بخواند و اگر از راهی که هشت فرسخ نیست، برود باید تمام بخواند.

کد مسئله: ۵۳۱۹۲

مسئله ۱۲۸۹

مسئله ۱۲۸۹- اگر شهر دیوار دارد باید ابتدای هشت فرسخ را از دیوار شهر حساب کند، و اگر دیوار ندارد، باید از خانه های آخر شهر حساب نماید.

شرط دوم: آنکه از اول مسافرت قصد هشت فرسخ را داشته باشد، پس اگر به جایی که کمتر از هشت فرسخ است مسافرت کند و بعد از رسیدن به آن جا قصد کند جایی برود که با مقداری که آمده هشت فرسخ شود، چون از اول قصد هشت فرسخ را نداشته باید نماز را تمام بخواند، ولی اگر بخواهد از آن جا هشت فرسخ برود یا چهار فرسخ برود، و همان روز یا شب (۱) آن، به وطنش یا به جایی که می خواهد ده روز بماند برگردد باید نماز را شکسته بخواند.

۱- گذشت که معتبر نیست ذهاب و ایاب در یوم و لیله واحد باشد بلکه تا قبل از ده روز که برگردد و قصد اقامه نکرده باشد، نمازش قصر است.

کد مسئله: ۵۳۱۹۵

مسئله ۱۲۹۰

مسئله ۱۲۹۰- کسی که نمی داند سفرش چند فرسخ است مثلاً برای پیدا کردن گمشده‌ای مسافرت می کند و نمی داند که چه مقدار باید برود تا آن را پیدا کند باید نماز را تمام بخواند. ولی در برگشتن چنانچه تا وطنش یا جایی که می خواهد ده روز در آن جا بماند هشت فرسخ یا بیشتر باشد باید نماز را شکسته بخواند. و نیز اگر در بین رفتن قصد کند که چهار فرسخ برود و همان روز یا شب آن (۱) برگردد چنانچه رفتن و برگشتن هشت فرسخ شود، باید نماز را شکسته بخواند.

۱- شرط نیست که آن روز یا شب آن روز برگردد بلکه همینکه قصد اقامه ده روز نداشته باشد باید نماز را قصر بخواند.

کد مسئله: ۵۳۱۹۸

مسئله ۱۲۹۱

مسئله ۱۲۹۱- مسافر در صورتی باید نماز را شکسته بخواند که تصمیم داشته باشد هشت فرسخ برود پس کسی که از شهر بیرون می رود و مثلاً قصدش این است که اگر رفیق پیدا کند سفر هشت فرسخی برود چنانچه اطمینان دارد که رفیق پیدا می کند، باید نماز را شکسته بخواند و اگر اطمینان ندارد باید تمام بخواند.

کد مسأله: ۵۳۲۰۱

مسأله ۱۲۹۲

مسأله ۱۲۹۲- کسی که قصد هشت فرسخ دارد، اگر چه در هر روز مقدار کمی راه برود، وقتی به جایی برسد که دیوار شهر را نبیند و اذان آن را نشنود (۱) باید نماز را شکسته بخواند ولی اگر در هر روز مقدار خیلی کمی راه برود که نگویند مسافر است باید نمازش را تمام بخواند (۲) و احتیاط مستحب آن است که هم شکسته و هم تمام بخواند.

۱- یکی از دو خفاء کافی است و اجتماع هر دو معتبر است.

۲- بلکه باید نمازش را قصر بخواند ولی احتیاط مستحسن جمع است.

کد مسأله: ۵۳۲۰۳

مسأله ۱۲۹۳

مسأله ۱۲۹۳- کسی که در سفر به اختیار دیگری است مانند نوکری که با آقای خود مسافرت می‌کند، چنانچه بداند سفر او هشت فرسخ است، باید نماز را شکسته بخواند و اگر نداند بنا بر احتیاط واجب (۱) باید از او پرسد، که اگر سفر او هشت فرسخ باشد، نماز را شکسته بجا آورد.

۱- این احتیاط لازم نیست اگر چه مستحسن است و وظیفه در صورت عدم استخبار نماز تمام است.

کد مسأله: ۵۳۲۰۵

مسأله ۱۲۹۴

مسأله ۱۲۹۴- کسی که در سفر به اختیار دیگری است اگر بداند یا گمان داشته باشد که پیش از رسیدن به چهار فرسخ از او جدا می‌شود باید نماز را تمام بخواند.

کد مسأله: ۵۳۲۰۷

مسأله ۱۲۹۵

مسأله ۱۲۹۵- کسی که در سفر به اختیار دیگری است، اگر شک دارد که پیش از رسیدن به چهار فرسخ از او جدا می‌شود یا نه، باید نماز را تمام بخواند. ولی اگر شک او از این جهت است که احتمال می‌دهد مانعی برای سفر او پیش آید، چنانچه احتمال او در نظر مردم بجا نباشد باید نماز را شکسته بخواند.

شرط سوم: آنکه در بین راه از قصد خود برنگردد، پس اگر پیش از رسیدن به چهار فرسخ از قصد خود برنگردد، یا مردد شود، باید نماز را تمام بخواند.

کد مسأله: ۵۳۲۱۰

مسأله ۱۲۹۶

مسأله ۱۲۹۶- اگر بعد از رسیدن به چهار فرسخ از مسافرت منصرف شود، چنانچه تصمیم داشته باشد که همان جا بماند یا بعد از ده روز برگردد یا در برگشتن و ماندن مردد باشد، باید نماز را تمام بخواند.

کد مسأله: ۵۳۲۱۲

مسأله ۱۲۹۷

مسأله ۱۲۹۷- اگر بعد از رسیدن به چهار فرسخ از مسافرت منصرف شود و تصمیم داشته باشد که همان روز یا شب آن برگردد، باید نماز را شکسته بخواند و اگر همان روز یا همان شب برنگردد و بخواند کمتر از ده روز در آنجا بماند، به اندازه ممکن احتیاط را مراعات کند (۱) و نماز را هم تمام و هم شکسته بخواند.

۱- این احتیاط لازم نیست و وظیفه نماز قصر است و لکن احتیاط مستحسن است.

کد مسأله: ۵۳۲۱۵

مسأله ۱۲۹۸

مسأله ۱۲۹۸- اگر برای رفتن به محلی حرکت کند و بعد از رفتن مقداری از راه بخواند جای دیگری برود، چنانچه از محل اولی که حرکت کرده تا جایی که می‌خواهد برود هشت فرسخ باشد، باید نماز را شکسته بخواند.

کد مسأله: ۵۳۲۱۷

مسأله ۱۲۹۹

مسأله ۱۲۹۹- اگر پیش از آن که به هشت فرسخ برسد، مردد شود که بقیه راه را برود یا نه، و در موقعی که مردد است راه نرود و بعد تصمیم بگیرد که بقیه راه را برود، باید تا آخر مسافرت نماز را شکسته بخواند. (۱)

۱- اگر باقی مسافت ولو تلفیقاً هشت فرسخ باشد والا احتیاط جمع است نه قصر.

کد مسأله: ۵۳۲۲۰

مسأله ۱۳۰۰

مسأله ۱۳۰۰- اگر پیش از آن که به هشت فرسخ برسد، مردد شود که بقیه راه را برود یا نه، و در موقعی که مردد است مقداری راه برود و بعد تصمیم بگیرد که هشت فرسخ دیگر برود، یا چهار فرسخ برود و همان روز یا شب آن (۱) برگردد تا آخر مسافرت باید نماز را شکسته بخواند.

۱- شرط نیست ذهاب و ایاب در یوم و لیله واحد باشد چنانچه گذشت بلکه تا قبل از ده روز که برگردد نمازش قصر است.

کد مسأله: ۵۳۲۲۲

مسأله ۱۳۰۱

مسأله ۱۳۰۱- اگر پیش از آنکه به هشت فرسخ برسد مردد شود که بقیه راه را برود یا نه، و در موقعی که مردد است مقداری راه برود و بعد تصمیم بگیرد که بقیه راه را برود چنانچه باقیمانده سفر او کمتر از هشت فرسخ باشد و نخواهد همان روز یا شب آن برگردد (۱) باید نماز را تمام بخواند. ولی اگر راهی که پیش از مردد شدن و راهی که بعد از آن می‌رود روی هم هشت فرسخ باشد، بنا بر احتیاط واجب باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند.

۱- و نخواهد تا قبل از ده روز برگردد باید نماز را تمام بخواند و اگر بخواند تا قبل از ده روز برگردد باید نماز را قصر بخواند در

صورتی که تلفیقاً هشت فرسخ باشد و الا باید تمام بخواند و احتیاط مذکور در ذیل مسأله لازم نیست ولی مستحسن است. شرط چهارم: آنکه نخواهد پیش از رسیدن به هشت فرسخ از وطن خود بگذرد، یا ده روز یا بیشتر در جایی بماند، پس کسی که می‌خواهد پیش از رسیدن به هشت فرسخ از وطنش بگذرد، یا ده روز در محلی بماند باید نماز را تمام بخواند.

کد مسأله: ۵۳۲۲۵

مسأله ۱۳۰۲

مسأله ۱۳۰۲- کسی که نمی‌داند پیش از رسیدن به هشت فرسخ از وطنش می‌گذرد یا نه، یا ده روز در محلی می‌ماند یا نه، باید نماز را تمام بخواند.

کد مسأله: ۵۳۲۲۸

مسأله ۱۳۰۳

مسأله ۱۳۰۳- کسی که می‌خواهد پیش از رسیدن به هشت فرسخ از وطنش بگذرد یا ده روز در محلی بماند و نیز کسی که مردد است که از وطنش بگذرد یا ده روز در محلی بماند، اگر از ماندن ده روز یا گذشتن از وطن منصرف شود، باز هم باید نماز را تمام بخواند ولی اگر باقیمانده راه هشت فرسخ باشد یا چهار فرسخ باشد و بخواند برود و همان روز یا شب آن برگردد (۱) باید نماز را شکسته بخواند.

۱- بلکه تا قبل از ده روز برگردد نمازش قصر است چنانچه در مسائل سابق گذشت.

شرط پنجم: آن که برای کار حرام سفر نکند، و اگر برای کار حرامی مانند دزدی سفر کند، باید نماز را تمام بخواند. و همچنین است اگر خود سفر حرام باشد، مثل آن که برای او ضرر داشته باشد، یا زن بدون اجازه شوهر و فرزند با نهی پدر و مادر (۱) سفری برود که بر آنان واجب نباشد، ولی اگر مثل سفر حج واجب باشد، باید نماز را شکسته بخواند.

۱- در صورتی که موجب ایذاء آنان شود، والا باید نماز قصر بخواند.

کد مسأله: ۵۳۲۳۳

مسأله ۱۳۰۴

مسأله ۱۳۰۴- سفری که اسباب اذیت پدر و مادر باشد حرام است و انسان باید در آن سفر نماز را تمام بخواند و روزه هم بگیرد.

کد مسأله: ۵۳۲۳۶

مسأله ۱۳۰۵

مسأله ۱۳۰۵- کسی که سفر او حرام نیست و برای کار حرام هم سفر نمی‌کند اگر چه در سفر، معصیتی انجام دهد مثلاً غیبت کند یا شراب بخورد باید نماز را شکسته بخواند.

کد مسأله: ۵۳۲۳۹

مسأله ۱۳۰۶

مسئله ۱۳۰۶- اگر مخصوصاً برای آن که کار واجبی را ترک کند، مسافرت نماید نمازش تمام است، پس کسی که بدهکار است اگر بتواند بدهی خود را بدهد و طلبکار هم مطالبه کند، چنانچه در سفر نتواند بدهی خود را بدهد و مخصوصاً برای فرار از دادن قرض مسافرت نماید باید نماز را تمام بخواند ولی اگر مخصوصاً برای ترک واجب مسافرت نکند، باید نماز را شکسته بخواند و احتیاط مستحب آن است که هم شکسته و هم تمام بخواند.

کد مسئله: ۵۳۲۴۲

مسئله ۱۳۰۷

مسئله ۱۳۰۷- اگر سفر او سفر حرام نباشد ولی حیوان سواری یا مرکب دیگری که سوار است غصبی باشد یا در زمینی غصبی مسافرت کند، بنا بر احتیاط واجب (۱) باید نماز را هم شکسته است و هم تمام بخواند.
۱- بلکه علی الاقوی نماز را تمام بخواند و احتیاط مستحسن جمع است.

کد مسئله: ۵۳۲۴۴

مسئله ۱۳۰۸

مسئله ۱۳۰۸- کسی که با ظالم مسافرت می کند اگر ناچار نباشد و مسافرت او کمک به ظالم باشد باید نماز را تمام بخواند و اگر ناچار باشد یا مثلاً برای نجات دادن مظلومی با او مسافرت کند، نمازش شکسته است.

کد مسئله: ۵۳۲۴۶

مسئله ۱۳۰۹

مسئله ۱۳۰۹- اگر به قصد تفریح و گردش مسافرت کند، حرام نیست و باید نماز را شکسته بخواند.

کد مسئله: ۵۳۲۴۸

مسئله ۱۳۱۰

مسئله ۱۳۱۰- اگر برای لهو و خوشگذرانی به شکار رود نمازش تمام است و چنانچه برای تهیه معاش به شکار رود، نمازش شکسته است و اگر برای کسب و زیاد کردن مال برود احتیاط واجب (۱) آن است که نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند ولی باید روزه نگیرد.

۱- واجب نیست ولی مستحسن است و اقوی نمازش شکسته است.

کد مسئله: ۵۳۲۵۰

مسئله ۱۳۱۱

مسئله ۱۳۱۱- کسی که برای معصیت سفر کرده، موقعی که از سفر برمی گردد اگر توبه کرده، باید نماز را شکسته بخواند و اگر توبه نکرده، (۱) باید تمام بخواند و احتیاط مستحب آن است که هم شکسته و هم تمام بخواند.

۱- بلکه باید قصر بخواند مگر آنکه در عود از سفر نیز قاصد معصیت باشد که در این صورت باید تمام بخواند.

کد مسئله: ۵۳۲۵۳

مسئله ۱۳۱۲

مسئله ۱۳۱۲- کسی که سفر او سفر معصیت است، اگر در بین راه از قصد معصیت برگردد، چنانچه باقیمانده راه هشت فرسخ باشد یا چهار فرسخ باشد و بخواد برود و همان روز یا شب آن برگردد (۱) باید نماز را شکسته بخواند.

۱- بلکه تا قبل از ده روز برگردد نمازش قصر است چنانچه در مسائل سابق مکرراً ذکر باشد.

کد مسئله: ۵۳۲۵۵

مسئله ۱۳۱۳

مسئله ۱۳۱۳- کسی که برای معصیت سفر نکرده، اگر در بین راه قصد کند که بقیه راه را برای معصیت برود، باید نماز را تمام بخواند ولی نمازهایی را که شکسته خوانده صحیح است.

شرط ششم: آنکه از صحرائشینهایی نباشد که در بیابانها گردش می کنند و هر جا آب و خوراک برای خود و حشمتان پیدا کنند می مانند و بعد از چندی به جای دیگر می روند و صحرائشینه در این مسافرتها باید نماز را تمام بخوانند.

کد مسئله: ۵۳۲۵۸

مسئله ۱۳۱۴

مسئله ۱۳۱۴- اگر یکی از صحرائشینه برای پیدا کردن منزل و چراگاه حیواناتشان سفر کند، چنانچه سفر او هشت فرسخ باشد احتیاطاً واجب (۱) آن است که هم شکسته و هم تمام بخواند.

۱- واجب نیست و باید قصرأ بخواند اگر بدون چادر و اثاثیه سفر کرده و باید تمام بخواند اگر با منزل حرکت کرده

کد مسئله: ۵۳۲۶۰

مسئله ۱۳۱۵

مسئله ۱۳۱۵- اگر صحرائشین برای زیارت یا حج یا تجارت و مانند اینها مسافرت کند، باید نماز را شکسته بخواند. (۱)

۱- اگر با چادر و اثاثیه حرکت نکرده باشد و اگر با منزل حرکت کرد باشد، باید تمام بخواند.

شرط هفتم: آنکه شغل او مسافرت نباشد، بنابراین شتردار و راننده و چوبدار و کشتیان و مانند اینها، اگر چه برای بردن اثاثیه منزل خود مسافرت کنند، در غیر سفر اول (۱) باید نماز را تمام بخوانند، ولی در سفر اول اگر چه طول بکشد، نمازشان شکسته است.

۱- بلکه در سفر اول هم تمام بخواند چون صدق شغل به قصد با سفر اول محقق می شود و احتیاجی به تکرار نیست.

کد مسئله: ۵۳۲۶۳

مسئله ۱۳۱۶

مسئله ۱۳۱۶- کسی که شغلش مسافرت است اگر برای کار دیگری مثلاً برای زیارت یا حج مسافرت کند، باید نماز را شکسته بخواند. ولی اگر مثلاً شوهر، اتومبیل خود را برای زیارت کرایه بدهد و در ضمن خودش هم زیارت کند، باید نماز را تمام بخواند.

کد مسئله: ۵۳۲۶۵

مسئله ۱۳۱۷

مسئله ۱۳۱۷- حمله دار یعنی کسی که برای رساندن حاجیها به مکه مسافرت می کند چنانچه شغلش مسافرت باشد باید نماز را تمام بخواند، و اگر شغلش مسافرت نباشد، باید شکسته بخواند.

کد مسئله: ۵۳۲۶۸

مسئله ۱۳۱۸

مسئله ۱۳۱۸- کسی که شغل او حمله داری است و حاجیها را از راه دور به مکه می برد، چنانچه تمام سال یا بیشتر سال (۱) را در راه باشد، باید نماز را تمام بخواند.

۱- شرط شغل بودن سفر است برای شخص و اعتبار به تمام سال یا بیشتر آن نیست بلکه اگر در اشهر حج شغل او سفر است کافی است و باید نماز را تمام بخواند مثل کسانی که سفر شغل آنهاست در فصول خاصی از سال.

کد مسئله: ۵۳۲۷۰

مسئله ۱۳۱۹

مسئله ۱۳۱۹- کسی که در مقداری از سال شغلش مسافرت است، مثل شوفری که فقط در تابستان یا زمستان اتومبیل خود را کرایه می دهد، باید در سفر نماز را تمام بخواند و احتیاط مستحب آن است که هم شکسته و هم تمام بخواند.

کد مسئله: ۵۳۲۷۲

مسئله ۱۳۲۰

مسئله ۱۳۲۰- راننده و دوره گردی که در دو سه فرسخی شهر رفت و آمد می کند، چنانچه اتفاقاً سفر هشت فرسخی برود، باید نماز را شکسته بخواند. ولی اگر مردم بگویند شغل او مسافرت است، در صورتی که سفر هشت فرسخی برود، بنابر احتیاط واجب (۱) باید نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند.

۱- واجب نیست و وظیفه نماز قصر است ولکن مستحسن جمع است.

کد مسئله: ۵۳۲۷۴

مسئله ۱۳۲۱

مسئله ۱۳۲۱- کسی که شغلش مسافرت است، اگر ده روز یا بیشتر در وطن خود بماند، چه از اول قصد ماندن ده روز را داشته باشد چه بدون قصد بماند، باید در سفر اولی که بعد از ده روز می رود، نماز را شکسته بخواند.

کد مسئله: ۵۳۲۷۶

مسئله ۱۳۲۲

مسئله ۱۳۲۲-

کد مسئله: ۵۳۲۷۹

مسئله ۱۳۲۳

مسئله ۱۳۲۳- کسی که شغلش مسافرت است، اگر شك کند که در وطن خود یا جای دیگر ده روز مانده یا نه، باید نماز را تمام بخواند.

کد مسئله: ۵۳۲۸۱

مسئله ۱۳۲۴

مسئله ۱۳۲۴- کسی که در شهرها سیاحت می کند و برای خود وطنی اختیار نکرده، باید نماز را تمام بخواند. (۱)

۱- ولی مستحسن جمع است.

کد مسئله: ۵۳۲۸۳

مسئله ۱۳۲۵

مسئله ۱۳۲۵- کسی که شغلش مسافرت نیست، اگر مثلاً در شهری یا دهی جنسی دارد که برای حمل آن مسافرت‌های پی در پی می کند باید نماز را شکسته بخواند.

کد مسئله: ۵۳۲۸۶

مسئله ۱۳۲۶

مسئله ۱۳۲۶- کسی که از وطنش صرف نظر کرده و می خواهد وطن دیگری برای خود اختیار کند، اگر شغلش مسافرت نباشد باید در مسافرت نماز را شکسته بخواند.

شرط هشتم: آنکه به حد ترخص برسد، یعنی از وطنش یا جایی که قصد کرده ده روز در آنجا بماند، بقدری دور شود که دیوار شهر را نبیند و صدای اذان آن را نشنود، (۱) ولی باید در هوا غبار یا چیز دیگری نباشد که از دیدن دیوار و شنیدن اذان جلوگیری کند، و لازم نیست بقدری دور شود که مناره‌ها و گنبدها را نبیند، یا دیوارها هیچ پیدا نباشد، بلکه همین قدر که دیوارها کاملاً معلوم نباشد، کافی است.

۱- یکی از آن دو کافی است و اجتماع هر دو معتبر نیست

کد مسئله: ۵۳۲۸۹

مسئله ۱۳۲۷

مسئله ۱۳۲۷- کسی که به سفر می رود، اگر به جایی برسد که اذان را نشنود، ولی دیوار شهر را ببیند، یا دیوارها را نبیند و صدای اذان را بشنود، چنانچه بخواد در آن جا نماز بخواند، بنابر احتیاط واجب (۱) باید هم شکسته و هم تمام بخواند.

۱- واجب نیست و لکن مستحسن است و نماز قصر کافی است، زیرا اجتماع هر دو معتبر نیست.

کد مسئله: ۵۳۲۹۵

مسئله ۱۳۲۸

مسأله ۱۳۲۸- مسافری که به وطنش برمی‌گردد، وقتی دیوار وطن خود را ببیند و صدای اذان آن را بشنود (۱) باید نماز را تمام بخواند. و نیز مسافری که می‌خواهد ده روز در محلی بماند وقتی دیوار آن جا را ببیند و صدای اذان را بشنود. باید نماز را تمام بخواند و احتیاط مستحب آن است که نمازشان را تأخیر بیندازند تا به منزل برسند، یا نماز را هم شکسته و هم تمام بخوانند.

۱- یکی از آن دو کافی است و اجتماع هر دو معتبر نیست همچنین در صورت دوم

کد مسأله: ۵۳۲۹۷

مسأله ۱۳۲۹

مسأله ۱۳۲۹- هرگاه شهر در بلندی باشد که از دور دیده شود یا به قدری گود باشد که اگر انسان کمی دور شود دیوار آن را نبیند کسی که از آن شهر مسافرت می‌کند، وقتی به اندازه‌ای دور شود که اگر آن شهر در زمین هموار بود دیوارش از آن جا دیده نمی‌شد، باید نماز خود را شکسته بخواند و نیز اگر پستی و بلندی خانه‌ها بیشتر از معمول باشد ملاحظه معمول را بنماید.

کد مسأله: ۵۳۲۹۹

مسأله ۱۳۳۰

مسأله ۱۳۳۰- اگر از محلی مسافرت کند که خانه و دیوار ندارد، وقتی به جایی برسد که اگر آن محل دیوار داشت از آنجا دیده نمی‌شد. باید نماز را شکسته بخواند.

کد مسأله: ۵۳۳۰۲

مسأله ۱۳۳۱

مسأله ۱۳۳۱- اگر به قدری دور شود که نداند صدایی را که می‌شنود صدای اذان است یا صدای دیگر باید نماز را شکسته بخواند. (۱) ولی اگر بفهمد اذان می‌گویند و کلمات آن را تشخیص ندهد، باید تمام بخواند.

۱- بلکه باید نماز را تمام بخواند

کد مسأله: ۵۳۳۰۴

مسأله ۱۳۳۲

مسأله ۱۳۳۲- اگر به قدری دور شود که اذان خانه‌ها را نشنود ولی اذان شهر را که معمولاً در جای بلند می‌گویند، بشنود، نباید نماز را شکسته بخواند.

کد مسأله: ۵۳۳۰۷

مسأله ۱۳۳۳

مسأله ۱۳۳۳- اگر به جایی برسد که اذان شهر را که معمولاً در جای بلند می‌گویند نشنود ولی اذانی را که در جای خیلی بلند می‌گویند بشنود باید نماز را شکسته بخواند.

کد مسأله: ۵۳۳۰۹

مسئله ۱۳۳۴

مسئله ۱۳۳۴- اگر چشم یا گوش او، یا صدای اذان غیر معمولی باشد، در محلی باید نماز را شکسته بخواند که چشم متوسط دیوار خانه‌ها را نبیند و گوش متوسط صدای اذان معمولی را نشنود.

کد مسئله: ۵۳۳۱۱

مسئله ۱۳۳۵

مسئله ۱۳۳۵- اگر موقعی که سفر می رود شک کند که به حد ترخص یعنی جایی که اذان را نشنود و دیوار او را نبیند، رسیده یا نه، باید نماز را تمام بخواند. و در موقع برگشتن اگر شک کند که به حد ترخص رسیده یا نه، باید شکسته بخواند.

کد مسئله: ۵۳۳۱۳

مسئله ۱۳۳۶

مسئله ۱۳۳۶- مسافری که در سفر از وطن خود عبور می کند وقتی به جایی برسد که دیوار وطن خود را ببیند و صدای اذان آن را بشنود (۱) باید نماز را تمام بخواند.

۱- بلکه یکی از آن دو کافی است و اجتماع هر دو معتبر نیست.

کد مسئله: ۵۳۳۱۵

مسئله ۱۳۳۷

مسئله ۱۳۳۷- مسافری که در بین مسافرت به وطنش رسیده، تا وقتی در آن جا هست باید نماز را تمام بخواند ولی اگر بخواهد از آن جا هشت فرسخ برود یا چهار فرسخ برود و همان روز یا شب برگردد (۱) وقتی به جایی برسد که دیوار وطن را نبیند و صدای اذان آن را نشنود، (۲) باید نماز را شکسته بخواند.

۱- تا قبل از ده روز برگردد نمازش قصر است.

۲- دیوار وطن یا صدای اذان را نشنود و اجتماع هر دو معتبر نیست.

کد مسئله: ۵۳۳۱۷

مسئله ۱۳۳۸

مسئله ۱۳۳۸- محلی را که انسان برای اقامت و زندگی خود اختیار کرده وطن اوست، چه در آن جا به دنیا آمده و وطن پدر و مادرش باشد، یا خودش آن جا را برای زندگی اختیار کرده باشد.

کد مسئله: ۵۳۳۱۹

مسئله ۱۳۳۹

مسئله ۱۳۳۹- اگر قصد دارد در محلی که وطن اصلیش نیست مدتی بماند و بعد به جای دیگر رود، آن جا وطن او حساب نمی شود.

کد مسأله: ۵۳۳۲۱

مسأله ۱۳۴۰

مسأله ۱۳۴۰- جایی را که انسان محل زندگی خود قرار داده و مثل کسی که آنجا وطن اوست در آنجا زندگی می کند که اگر مسافرتی برای او پیش آید، دوباره به همان جا برمی گردد. گر چه قصد نداشته باشد که همیشه در آنجا بماند، وطن او حساب می شود. (۱)

۱- به شرط اینکه قصد توقیت نداشته باشد.

کد مسأله: ۵۳۳۲۴

مسأله ۱۳۴۱

مسأله ۱۳۴۱- کسی که در دو محل زندگی می کند مثلاً شش ماه در شهری و شش ماه در شهر دیگر می ماند، هر دو وطن او است. و نیز اگر بیشتر از دو محل را برای زندگی خود اختیار کرده باشد، همه آنها وطن او حساب می شود.

کد مسأله: ۵۳۳۲۶

مسأله ۱۳۴۲

مسأله ۱۳۴۲- کسی که در محلی ملک دارد، اگر موقعی که آن ملک را دارد شش ماه در آنجا بماند، تا وقتی که آن ملک، مال اوست هر وقت در مسافرت به آنجا برسد باید نماز را تمام بخواند. (۱)

۱- اگر قصد توطن کرده باشد و از آنجا اعراض هم نکرده باشد باید تمام بخواند والا اگر قصد توطن نکرده یا اعراض کرده باشد باید نماز را قصرأ بخواند.

کد مسأله: ۵۳۳۲۸

مسأله ۱۳۴۳

مسأله ۱۳۴۳- اگر به جایی برسد که وطن او بوده و از آن جا صرف نظر کرده نباید نماز را تمام بخواند، اگر چه وطن دیگری هم برای خود اختیار نکرده باشد.

کد مسأله: ۵۳۳۳۱

مسأله ۱۳۴۴

مسأله ۱۳۴۴- مسافری که قصد دارد ده روز پشت سر هم در محلی بماند، یا می داند که بدون اختیار ده روز در محلی می ماند، در آن محل باید نماز را تمام بخواند.

کد مسأله: ۵۳۳۳۳

مسأله ۱۳۴۵

مسئله ۱۳۴۵- مسافری که می‌خواهد ده روز در محلی بماند، لازم نیست قصد ماندن شب اول یا شب یازدهم را داشته باشد و همین که قصد کند اذان صبح روز اول تا غروب روز دهم بماند باید نماز را تمام بخواند، ولی اگر مثلاً قصدش این باشد که از ظهر روز اول تا ظهر روز یازدهم بماند، احتیاط واجب (۱) آن است که نماز را هم شکسته و هم تمام بخواند.

۱- واجب نیست و اقوی لزوم نماز تمام است و لکن احتیاط مستحسن است.

کد مسئله: ۵۳۳۳۵

مسئله ۱۳۴۶

مسئله ۱۳۴۶- مسافری که می‌خواهد ده روز در محلی بماند، در صورتی باید نماز را تمام بخواند که بخواهد تمام ده روز را در یک جا بماند، پس اگر بخواهد مثلاً ده روز در نجف و کوفه یا در تهران و شمیران بماند باید نماز را شکسته بخواند.

کد مسئله: ۵۳۳۳۸

مسئله ۱۳۴۷

مسئله ۱۳۴۷- مسافری که می‌خواهد ده روز در محلی بماند، اگر از اول قصد داشته باشد که در بین ده روز به اطراف آن جا برود، چنانچه جایی که می‌خواهد برود به قدری دور باشد که از آنجا صدای اذان آن محل را نشنود و دیوار آنرا نبیند (۱) اگر چه بخواهد همان روزی که می‌رود برگردد، باید در تمام ده روز نماز را شکسته بخواند (۲) و اگر به این مقدار دور نباشد باید نمازش را تمام بخواند.

۱- و یا دیوار آن را نبیند زیرا اجتماع هر دو معتبر نیست.

۲- اگر خارج شدن از محل اقامه به مقدار یک ساعت یا دو ساعت باشد مضر به قصد اقامه نیست و باید نماز را تمام بخواند و اگر بیش از آن باشد، مثلاً یک روز و نصف آن مضر به قصد اقامه است و باید نماز را شکسته بخواند.

کد مسئله: ۵۳۳۴۰

مسئله ۱۳۴۸

مسئله ۱۳۴۸- مسافری که تصمیم ندارد ده روز در محلی بماند مثلاً قصدش این است که اگر رفیقش بیاید یا منزل خوبی پیدا کند ده روز بماند باید نماز را شکسته بخواند.

کد مسئله: ۵۳۳۴۲

مسئله ۱۳۴۹

مسئله ۱۳۴۹- کسی که تصمیم دارد، ده روز در محلی بماند، اگر چه احتمال بدهد که برای ماندن او مانعی برسد، باید نماز را تمام بخواند.

کد مسئله: ۵۳۳۴۴

مسئله ۱۳۵۰

مسئله ۱۳۵۰- اگر مسافر بداند که مثلاً ده روز یا بیشتر به آخر ماه مانده و قصد کند که تا آخر ماه در جایی بماند، باید نماز را تمام

بخواند. ولی اگر نداند تا آخر ماه چقدر مانده و قصد کند که تا آخر ماه بماند، باید نماز را شکسته بخواند (۱) اگر چه از موقعی که قصد کرده تا آخر ماه ده روز یا بیشتر باشد.

۱- اگر از زمان قصد تا آخر ماه ده روز بیشتر نباشد و الا باید تمام بخواند.

کد مسأله: ۵۳۳۴۶

مسأله ۱۳۵۱

مسأله ۱۳۵۱- اگر مسافر قصد کند ده روز در محلی بماند، چنانچه پیش از خواندن یک نماز چهار رکعتی از ماندن منصرف شود، یا مردد شود که در آن جا بماند یا به جای دیگر برود، باید نماز را شکسته بخواند. و اگر بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی از ماندن منصرف شود. یا مردد شود تا وقتی در آن جا هست باید نماز را تمام بخواند.

کد مسأله: ۵۳۳۴۸

مسأله ۱۳۵۲

مسأله ۱۳۵۲- مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند، اگر روزه بگیرد و بعد از ظهر از ماندن در آن جا منصرف شود چنانچه یک نماز چهار رکعتی خوانده باشد روزه اش صحیح است و تا وقتی در آن جا هست باید نمازهای خود را تمام بخواند و اگر یک نماز چهار رکعتی نخوانده باشد روزه آن روزش صحیح است (۱) اما نمازهای خود را باید شکسته بخواند و روزه‌های بعد هم نمی‌تواند روزه بگیرد.

۱- بلکه صحیح نیست و باید قضا نماید اگر تا قبل از ظهر منصرف شود والا اگر بعد از ظهر منصرف شود روزه اش صحیح است و قضا ندارد و لکن احتیاط در هر دو صورت مستحسن است.

کد مسأله: ۵۳۳۵۱

مسأله ۱۳۵۳

مسأله ۱۳۵۳- مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند اگر از ماندن منصرف شود و شک کند پیش از آن که از قصد ماندن برگردد، یک نماز چهار رکعتی خوانده یا نه، باید نمازهای خود را شکسته بخواند.

کد مسأله: ۵۳۳۵۳

مسأله ۱۳۵۴

مسأله ۱۳۵۴- اگر مسافر به نیت این که نماز را شکسته بخواند مشغول نماز شود و در بین نماز تصمیم بگیرد که ده روز یا بیشتر بماند باید نماز را چهار رکعتی تمام نماید.

کد مسأله: ۵۳۳۵۵

مسأله ۱۳۵۵

مسأله ۱۳۵۵- مسافری که قصد کرده، ده روز در محلی بماند، اگر در بین نماز چهار رکعتی از قصد خود برگردد، چنانچه مشغول رکعت سوم نشده، باید نماز را دو رکعتی تمام نماید و بقیه نمازهای خود را شکسته بخواند، و اگر مشغول رکعت سوم شده و به

رکوع نرفته نمازش باطل است (۱) و تا وقتی در آن جا هست باید نماز را شکسته بخواند و اگر به رکوع رکعت سوم رفته، بنا بر احتیاط واجب (۲) باید نماز را چهار رکعتی تمام کند و دوباره شکسته بخواند و تا در آنجا هست نمازهایش را هم تمام و هم شکسته بجا آورد.

۱- بلکه باطل نیست و باید بنشیند و سلام گوید و دو سجده سهو بجا آورد.

۲- نمازش باطل است و باید او را القاء کند و نماز قصرأ بخواند و همچنین تا آنجا هست نماز را قصرأ بخواند و احتیاط لازم نیست اگر چه مستحسن است.

کد مسأله: ۵۳۳۵۷

مسأله ۱۳۵۶

مسأله ۱۳۵۶- مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند اگر بیشتر از ده روز در آن جا بماند تا وقتی مسافرت نکرده باید نمازش را تمام بخواند و لازم نیست دوباره قصد ماندن ده روز کند.

کد مسأله: ۵۳۳۵۹

مسأله ۱۳۵۷

مسأله ۱۳۵۷- مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند باید، روزه واجب را بگیرد و می‌تواند روزه مستحبی را هم به جا آورد و نماز جمعه و نافله ظهر و عصر و عشا را هم بخواند.

۱- نماز جمعه مشروط به قصد اقامه نیست و مسافر هم می‌تواند بخواند چنانچه نماز و تیره از مسافر ساقط نیست.

کد مسأله: ۵۳۳۶۲

مسأله ۱۳۵۸

مسأله ۱۳۵۸- مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند اگر بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی بخواند به جایی که کمتر از چهار فرسخ است برود و برگردد و دوباره در جای اول خود ده روز بماند، از وقتی که می‌رود تا برمی‌گردد و بعد از برگشتن باید نماز را تمام بخواند ولی اگر نخواهد بعد از برگشتن ده روز بماند در موقع رفتن به جایی که کمتر از چهار فرسخ است و در مدتی که آنجا می‌ماند، بنا بر احتیاط واجب (۱) باید هم شکسته و هم تمام بخواند، و در موقع برگشتن و بعد از آنکه برگشت باید نماز را شکسته بخواند.

۱- بلکه باید قصر بخواند و لکن احتیاط به جمع مستحسن است.

کد مسأله: ۵۳۳۶۴

مسأله ۱۳۵۹

مسأله ۱۳۵۹- مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند اگر بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی بخواند به جای دیگری که کمتر از هشت فرسخ است برود و ده روز در آن جا بماند، باید در رفتن و در محلی که قصد ماندن ده روز دارد، نمازهای خود را تمام بخواند ولی اگر محلی که می‌خواهد برود هشت فرسخ یا بیشتر باشد و نخواهد ده روز در آنجا بماند باید موقع رفتن و مدتی که در آنجا می‌ماند نمازهای خود را شکسته بخواند. (۱)

۱- ولو بخواید ده روز در آنجا بماند باید در رفتن نماز را قصر بخواند.

کد مسأله: ۵۳۳۶۶

مسأله ۱۳۶۰

مسأله ۱۳۶۰- مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند اگر بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی بخواید به جایی که کمتر از چهار فرسخ است برود، چنانچه مردد باشد که به محل اولش برگردد یا نه، یا به کلی از برگشتن به آن جا غافل باشد، یا بخواید برگردد، ولی مردد باشد که ده روز در آن جا بماند یا نه، یا آن که از ده روز ماندن در آن جا و مسافرت از آن جا غافل باشد، باید از وقتی که می رود تا برمی گردد و بعد از برگشتن نمازهای خود را تمام بخواند.

کد مسأله: ۵۳۳۶۸

مسأله ۱۳۶۱

مسأله ۱۳۶۱- اگر به خیال این که رفقاییش می خواهند ده روز در محلی بمانند، قصد کند که ده روز در آن جا بماند و بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی بفهمد که آنها قصد نکرده‌اند. اگر چه خودش هم از ماندن منصرف شود، تا مدتی که در آن جا هست باید نماز را تمام بخواند. (۱)

۱- اگر قصد آنها داعی باشد برای قصد ماندن این شخص باید نماز را تمام بخواند و اگر قصد آنها قید باشد برای قصد ماندن این شخص باید نماز را قصر بخواند.

کد مسأله: ۵۳۳۷۰

مسأله ۱۳۶۲

مسأله ۱۳۶۲- اگر مسافر بعد از رسیدن به هشت فرسخ، سی روز در محلی بماند و در تمام سی روز در رفتن و ماندن مردد باشد بعد از گذشتن سی روز اگر چه مقدار کمی در آن جا بماند، باید نماز را تمام بخواند. ولی اگر پیش از رسیدن به هشت فرسخ، در رفتن بقیه راه مردد شود، از وقتی که مردد می شود (۱) باید نماز را تمام بخواند.

۱- اگر مردد بین رفتن و ماندن ده روز شود یا مردد بین ماندن ده روز و برگشتن و اما اگر مردد بین رفتن و ماندن کمتر از ده روز باشد قصر بخواند یا مردد بین ماندن کمتر از ده روز و برگشتن اگر ۴ فرسخ رفته باشد باید قصر بخواند و اگر کمتر از ۴ فرسخ باشد باید تمام بخواند.

کد مسأله: ۵۳۳۷۳

مسأله ۱۳۶۳

مسأله ۱۳۶۳- مسافری که می خواهد نه روز یا کمتر در محلی بماند اگر بعد از آن که نه روز یا کمتر در آن جا ماند بخواید دوباره نه روز دیگر یا کمتر بماند همین طور تا سی روز، روز سی و یکم باید نماز را تمام بخواند.

کد مسأله: ۵۳۳۷۵

مسأله ۱۳۶۴

مسأله ۱۳۶۴- مسافری که سی روز مردد بوده، در صورتی باید نماز را تمام بخواند که سی روز را در یک جا بماند، پس اگر مقداری از آن را در جایی و مقداری را در جای دیگر بماند، بعد از سی روز هم باید نماز را شکسته بخواند.
کد مسأله: ۵۳۳۷۷

کم و زیاد کردن اجزاء و شرایط نماز

مسأله ۱۳۶۵

مسأله ۱۳۶۵- مسافر می‌تواند در مسجد الحرام و مسجد پیغمبر (۱) صلی الله علیه و آله و سلم و مسجد کوفه نمازش را تمام بخواند. ولی اگر بخواهد در جایی که اول جزء این مساجد نبوده و بعد به این مساجد اضافه شده نماز بخواند، احتیاط واجب آن است که شکسته بخواند (۲) و نیز مسافر می‌تواند در حائر حضرت سید الشهداء علیه السلام نماز را تمام بخواند. ولی احتیاط واجب آن است که اگر دورتر از اطراف ضریح (۳) مقدس نماز بخواند، شکسته بجا آورد.
۱- بلکه در تمام شهرستان مکه و مدینه مسافر مخیر است بین اتمام و قصر و اتمام افضل و قصر احوط است و در خصوص مسجد کوفه مخیر است بین اتمام و قصر و افضل اتمام و و احوط قصر است و در شهرستان کربلا- مخیر نیست بلکه در خصوص حائر حسینی علیه السلام مخیر است بین اتمام و قصر و اتمام افضل و قصر احوط است .
۲- در مسجد الحرام و مسجد النبی احتیاط لازم نیست زیرا تخیر اختصاص به مسجد ندارد و اما در مسجد کوفه اصلی و فرعی ندارد و حکم در اصلی و فرعی تخیر است ولی احتیاط مستحسن در خصوص فرعی به خواندن نماز قصر است.
۳- این احتیاط لازم نیست و حکم در تمام حائر حسینی علی السلام تخیر است ولی احتیاط مستحسن است.
کد مسأله: ۵۴۴۷۱

مسأله ۱۳۶۶

مسأله ۱۳۶۶- کسی که می‌داند مسافر است و باید نماز را شکسته بخواند، اگر در غیر چهار مکانی که در مسأله پیش گفته شد عمداً تمام بخواند نمازش باطل است. و همچنین است اگر فراموش کند (۱) که نماز مسافر شکسته است و تمام بخواند.
۱- در نسیان حکم سفر اگر در وقت ملتفت شد اعاده کند و اگر در خارج وقت ملتفت شد قضا ندارد و نمازش صحیح است علی الاقوی
کد مسأله: ۵۴۴۷۴

مسأله ۱۳۶۷

مسأله ۱۳۶۷- کسی که می‌داند مسافر است و باید نماز را شکسته بخواند، اگر فراموش کند (۱) و تمام بخواند نمازش باطل است.
۱- مراد از نسیان در اینجا، نه نسیان حکم است و نه نسیان موضوع بلکه مراد سهو است.
کد مسأله: ۵۴۴۷۶

مسأله ۱۳۶۸

مسأله ۱۳۶۸- مسافری که نمی‌داند باید نماز را شکسته بخواند، اگر تمام بخواند نمازش صحیح است.

کد مسأله: ۵۴۴۷۸

مسأله ۱۳۶۹

مسأله ۱۳۶۹- مسافری که می‌داند باید نماز را شکسته بخواند اگر بعضی از خصوصیات آن را نداند مثلاً نداند که در سفر هشت فرسخی باید شکسته بخواند چنانچه تمام بخواند، نمازش باطل است.

کد مسأله: ۵۴۴۸۰

مسأله ۱۳۷۰

مسأله ۱۳۷۰- مسافری که می‌داند باید نماز را شکسته بخواند، اگر به گمان اینکه سفر او کمتر از هشت فرسخ است تمام بخواند، وقتی بفهمد که سفرش هشت فرسخ بوده، نمازی را که تمام خوانده باید دوباره شکسته بخواند و اگر وقت گذشته قضا نماید.

کد مسأله: ۵۴۴۸۲

مسأله ۱۳۷۱

مسأله ۱۳۷۱- اگر فراموش کند که مسافر است و نماز را تمام بخواند چنانچه در وقت یادش بیاید باید شکسته به جا آورد و اگر بعد از وقت یادش بیاید قضای آن نماز بر او واجب نیست.

کد مسأله: ۵۴۴۸۴

مسأله ۱۳۷۲

مسأله ۱۳۷۲- کسی که باید نماز را تمام بخواند، اگر شکسته بجا آورد در هر صورت نمازش باطل است. (۱)
۱- مگر در صورتی که قصد اقامه کند و جهلاً نماز را قصر بخواند علی الاقوی نمازش صحیح است و اعاده و قضاء ندارد.

کد مسأله: ۵۴۴۸۶

مسأله ۱۳۷۳

مسأله ۱۳۷۳- اگر مشغول نماز چهار رکعتی شود و در بین نماز یادش بیاید که مسافر است یا ملتفت شود که سفر او هشت فرسخ است چنانچه به رکوع رکعت سوم نرفته، باید نماز را دو رکعتی تمام کند و اگر به رکوع رکعت سوم رفته نمازش باطل است و در صورتی که به مقدار خواندن یک رکعت هم وقت داشته باشد، باید نماز را شکسته بخواند.

کد مسأله: ۵۴۴۸۷

مسأله ۱۳۷۴

مسأله ۱۳۷۴- اگر مسافر بعضی از خصوصیات نماز مسافر را نداند، مثلاً نداند که اگر چهار فرسخ برود و همان روز یا شب آن برگردد (۱) باید شکسته بخواند، چنانچه به نیت نماز چهار رکعتی مشغول نماز شود، و پیش از رکوع رکعت سوم مسأله را بفهمد باید نماز را دو رکعتی تمام کند و اگر در رکوع ملتفت شود نمازش باطل است و در صورتی که به مقدار یک رکعت از وقت هم

مانده باشد باید نماز را شکسته بخواند.

۱- لازم نیست شب آن روز برگردد بلکه تا قبل از ده روز برگردد نمازش قصر است.

کد مسأله: ۵۴۴۸۸

مسأله ۱۳۷۵

مسأله ۱۳۷۵- مسافری که باید نماز را تمام بخواند اگر به واسطه ندانستن مسأله به نیت نماز دو رکعتی مشغول نماز شود و در بین نماز مسأله را بفهمد، باید نماز را چهار رکعتی تمام کند و احتیاط مستحب آن است که بعد از تمام شدن نماز دوباره آن نماز را چهار رکعتی بخواند.

کد مسأله: ۵۴۴۸۹

مسأله ۱۳۷۶

مسأله ۱۳۷۶- مسافری که نماز نخوانده، اگر پیش از تمام شدن وقت به وطنش برسد، یا به جایی برسد که می‌خواهد ده روز در آنجا بماند، باید نماز را تمام بخواند. و کسی که مسافر نیست اگر در اول وقت نماز نخواند و مسافرت کند در سفر باید نماز را شکسته بخواند.

کد مسأله: ۵۴۴۹۰

مسأله ۱۳۷۷

مسأله ۱۳۷۷- اگر از مسافری که باید نماز را شکسته بخواند نماز ظهر یا عصر یا عشاء قضا شود باید آن را دو رکعتی قضا نماید اگر چه در غیر سفر بخواند قضای آن را به جا آورد و اگر از کسی که مسافر نیست یکی از این سه نماز قضا شود باید چهار رکعتی قضا نماید اگر چه در سفر بخواند آن را قضا نماید.

کد مسأله: ۵۴۴۹۱

مسأله ۱۳۷۸

مسأله ۱۳۷۸- مستحب است مسافر بعد از هر نمازی سی مرتبه بگوید: "سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر" و در تعقیب نماز ظهر و عصر و عشاء بیشتر سفارش شده است. بلکه بهتر است در تعقیب این سه نماز شصت مرتبه بگوید.

کد مسأله: ۵۴۴۹۲

نماز قضا

مسأله ۱۳۷۹

مسأله ۱۳۷۹- کسی که نماز واجب خود را در وقت آن نخوانده باید قضای آن را بجا آورد، اگر چه در تمام وقت نماز خواب مانده یا به واسطه مستی یا بیهوشی (۱) نماز نخوانده باشد ولی نمازهای یومیهای را که زن در حال حیض یا نفاس نخوانده قضا ندارد. ۱- در مغمی علیه قضا واجب نیست اگر تمام وقت را به حالت اغماء بوده و الا قضاء واجب است.

کد مسأله: ۵۴۴۹۳

مسأله ۱۳۸۰

مسأله ۱۳۸۰- اگر بعد از وقت نماز بفهمد نمازی را که خوانده باطل بوده باید قضای آن را بخواند.

کد مسأله: ۵۴۴۹۴

مسأله ۱۳۸۱

مسأله ۱۳۸۱- کسی که نماز قضا دارد باید در خواندن آن کوتاهی نکند ولی واجب نیست فوراً آن را بجا آورد.

کد مسأله: ۵۴۴۹۵

مسأله ۱۳۸۲

مسأله ۱۳۸۲- کسی که نماز قضا دارد می‌تواند نماز مستحبی بخواند.

کد مسأله: ۵۴۴۹۶

مسأله ۱۳۸۳

مسأله ۱۳۸۳- اگر انسان احتمال دهد که نماز قضایی دارد یا نمازهایی را که خوانده صحیح نبوده، مستحب است احتیاطاً قضای آن را بجا آورد.

کد مسأله: ۵۴۴۹۷

مسأله ۱۳۸۴

مسأله ۱۳۸۴- قضای نمازهای یومیه باید به ترتیب خوانده شود مثلاً کسی که یک روز نماز عصر و روز بعد نماز ظهر را نخوانده، باید اول نماز عصر و بعد از آن نماز ظهر را قضا نماید.

کد مسأله: ۵۴۴۹۸

مسأله ۱۳۸۵

مسأله ۱۳۸۵- اگر بخواهد قضای چند نماز غیر یومیه مانند نماز آیات را بخواند یا مثلاً بخواهد قضای یک نماز یومیه و چند نماز غیر یومیه را بخواند لازم نیست آنها را به ترتیب بجا آورد.

کد مسأله: ۵۴۴۹۹

مسأله ۱۳۸۶

مسأله ۱۳۸۶- اگر ترتیب نمازهایی را که نخوانده فراموش کند بنابر احتیاط واجب، (۱) باید طوری آنها را بخواند که یقین کند به ترتیبی که قضا شده بجا آورده است مثلاً اگر قضای یک نماز ظهر و یک نماز مغرب بر او واجب است و نمی‌داند کدام اول قضا

شده، احتیاطاً باید اول یک نماز مغرب و بعد از آن یک نماز ظهر و دوباره نماز مغرب را بخواند، یا اول یک نماز ظهر و بعد از آن یک نماز مغرب و دوباره نماز ظهر را بخواند، تا یقین کند هر کدام را که اول قضا شده اول خوانده است اما اگر نمازهایی که ترتیب آنها را فراموش کرده به قدری زیاد باشد که اگر بخواهد به ترتیب بخواند خیلی مشقت دارد، لازم نیست آنها را به ترتیب بجا آورد.

۱- بلکه علی الاقوی باید طوری آنها را بخواند که یقین کند ترتیب حاصل شده مگر در صورتیکه موجب عسر و حرج شود که ترتیب ساقط است.

کد مسأله: ۵۴۵۰۰

مسأله ۱۳۸۷

مسأله ۱۳۸۷- اگر نماز ظهر یک روز و نماز عصر روز دیگر یا دو نماز ظهر یا دو نماز عصر از او قضا شده و نمی داند کدام اول قضا شده است، چنانچه دو نماز چهار رکعتی بخواند به نیت اینکه اولی قضای نماز روز اول و دومی قضای نماز روز دوم باشد کافی است.

کد مسأله: ۵۴۵۰۱

مسأله ۱۳۸۸

مسأله ۱۳۸۸- اگر یک نماز ظهر و یک نماز عشاء یا یک نماز عصر و یک نماز عشاء از او قضاء شود و نداند کدام اول قضا شده است، بنابر احتیاط واجب (۱) باید طوری آنها را بخواند که یقین کند به ترتیب بجا آورده است، مثلاً اگر یک نماز ظهر و یک نماز عشاء از او قضا شده و اولی آنها را نمی داند، باید اول یک نماز ظهر، بعد یک نماز عشاء دوباره یک نماز ظهر، یا اول یک نماز عشاء بعد یک نماز ظهر، دوباره یک نماز عشاء بخواند.

۱- این احتیاط واجب نیست بلکه یک چهار رکعتی بعنوان قضا اول و یک چهار رکعتی دیگر به عنوان قضا ثانی کافی است علی الاقوی

کد مسأله: ۵۴۵۰۲

مسأله ۱۳۸۹

مسأله ۱۳۸۹- کسی که می داند یک نماز چهار رکعتی نخوانده ولی نمی داند نماز ظهر است یا نماز عصر، اگر یک نماز چهار رکعتی به نیت قضای نمازی که نخوانده بجا آورد کافی است.

کد مسأله: ۵۴۵۰۳

مسأله ۱۳۹۰

مسأله ۱۳۹۰- کسی که پنج نماز پشت سر هم از او قضا شده و نمی داند اولی آنها کدام است باید نه نماز به ترتیب بخواند مثلاً از نماز صبح شروع کند و بعد از آن که ظهر و عصر و مغرب و عشاء را خوانده دو مرتبه نماز صبح و ظهر و عصر و مغرب را بخواند و اگر شش نماز پشت سر هم از او قضا شده و اولی آنها را نمی داند، باید ده نماز به ترتیب قضا کند و همین طور برای هر یک نمازی که به نمازهای قضای او اضافه می شود در صورتی که پشت سر هم قضا شده باشد، باید یک نماز بر مقداری که گفته شد

اضافه نماید مثلاً اگر هفت نماز او قضاء شده و اولی آنها را نمی داند باید یازده نماز به ترتیب بجا آورد.

کد مسأله: ۵۴۵۰۴

مسأله ۱۳۹۱

مسأله ۱۳۹۱- کسی که می داند نمازهای پنجگانه او هر کدام از یک روز قضا شده و ترتیب آنها را نمی داند، باید پنج شبانه روز نماز بخواند و اگر شش نماز از شش روز او قضا شده باید شش شبانه روز نماز بخواند و همچنین برای هر نمازی که به نمازهای قضای او اضافه شود. باید یک شبانه روز بیشتر بخواند تا یقین کند به ترتیبی که قضا شده بجا آورده است، مثلاً اگر هفت نماز از هفت روز نخوانده باشد، باید هفت شبانه روز قضا نماید.

کد مسأله: ۵۴۵۰۵

مسأله ۱۳۹۲

مسأله ۱۳۹۲- کسی که مثلاً چند نماز صبح یا چند نماز ظهر از او قضا شده و شماره آنها را نمی داند مثلاً نمی داند که سه یا چهار یا پنج نماز بوده، چنانچه مقدار کمتر را بخواند کافی است. ولی اگر شماره آنها را می دانسته و فراموش کرده، بنابر احتیاط واجب (۱) باید به قدری نماز بخواند که یقین کند تمام آنها را خوانده است. مثلاً اگر فراموش کرده که چند نماز صبح از او قضا شده است و یقین دارد که بیشتر از ده تا نبوده، احتیاطاً باید ده نماز صبح بخواند.

۱- این احتیاط واجب نیست و اکتفاء به قدر معلوم کافی است ولی احتیاط مستحسن است.

کد مسأله: ۵۴۵۰۷

مسأله ۱۳۹۳

مسأله ۱۳۹۳- کسی که فقط یک نماز قضا از روزهای پیش دارد، بنابر احتیاط واجب (۱) اگر ممکن است باید اول آنرا بخواند بعد مشغول نماز آن روز شود. و نیز اگر از روزهای پیش نماز قضا ندارد ولی یک نماز یا بیشتر از همان روز قضا شده است، در صورتی که ممکن باشد بنابر احتیاط واجب باید نماز قضای آن روز را پیش از نماز اداء نماید.

۱- این احتیاط و احتیاط مذکور در ذیل مسأله هیچ کدام واجب نیست و لکن هر دو مستحسنند

کد مسأله: ۵۴۵۰۹

مسأله ۱۳۹۴

مسأله ۱۳۹۴- اگر در بین نماز یادش بیاید که یک نماز یا بیشتر از همان روز از او قضا شده، یا فقط یک نماز قضا از روزهای پیش دارد، چنانچه وقت وسعت دارد و ممکن است نیت را به نماز قضا برگرداند، بنابر احتیاط واجب (۱) باید نیت نماز قضا کند مثلاً اگر در نماز ظهر پیش از تمام شدن رکعت دوم یادش بیاید که نماز صبح آن روز قضا شده در صورتی که وقت نماز ظهر تنگ نباشد احتیاطاً باید نیت را به نماز صبح برگرداند و آن را دو رکعتی تمام کند بعد نماز ظهر را بخواند ولی اگر وقت تنگ است یا نمی تواند نیت را به نماز قضا برگرداند. مثلاً در رکوع سوم نماز ظهر یادش بیاید که نماز صبح را نخوانده، چون اگر بخواهد نیت نماز صبح کند یک رکوع که رکن است زیاد می شود، نباید نیت را به قضای صبح برگرداند.

۱- واجب نیست بلکه مستحسن است.

کد مسأله: ۵۴۵۱۲

مسأله ۱۳۹۵

مسأله ۱۳۹۵- اگر از روزهای گذشته نمازهای قضا دارد و یک نماز یا بیشتر هم از همان روز از او قضاء شده چنانچه برای قضای تمام آنها وقت ندارد، یا نمی خواهد همه را در آن روز بخواند، مستحب است نماز قضای آن روز را پیش از نماز اداء بخواند ولی باید بعد از خواندن قضای نمازهای سابق دو باره نماز قضایی را که در آن روز پیش از نماز ادا خوانده بجا آورد. (۱)

۱- لازم نیست ولکن مستحسن است.

کد مسأله: ۵۴۵۱۴

مسأله ۱۳۹۶

مسأله ۱۳۹۶- تا انسان زنده است اگر چه از خواندن نماز قضاهاى خود عاجز باشد دیگری نمی تواند نمازهای او را قضا نماید.

کد مسأله: ۵۴۵۱۶

مسأله ۱۳۹۷

مسأله ۱۳۹۷- نماز قضا را با جماعت می شود خواند، چه نماز امام جماعت ادا باشد یا قضا و لازم نیست هر دو یک نماز را بخوانند مثلاً اگر نماز قضای صبح را با نماز ظهر یا عصر امام بخواند اشکال ندارد.

کد مسأله: ۵۴۵۱۸

مسأله ۱۳۹۸

مسأله ۱۳۹۸- مستحب است بجههیمیمیز یعنی بجهای که خوب و بد را می فهمد به نماز خواندن و عبادت‌های دیگر عادت دهند بلکه مستحب است او را به قضای نمازها هم وادار نمایند.

کد مسأله: ۵۴۵۲۰

نماز قضای پدر و مادر که بر پسر بزرگتر واجب است**مسأله ۱۳۹۹**

مسأله ۱۳۹۹- اگر پدر و مادر (۱) نماز و روزه خود را بجا نیاورده باشند، چنانچه از روی نافرمانی ترک نکرده (۲) و می توانسته قضا کند بر پسر بزرگتر واجب است که بعد از مرگشان بجا آورد، یا برای آنان اجیر بگیرد. ولی روزه ای را که در سفر نگرفته اند، اگر چه نمی توانسته اند قضا کنند، احتیاط واجب (۳) آن است که پسر بزرگتر قضا نماید، یا برای آنان اجیر بگیرد.

۱- بنا بر احتیاط لازم در خصوص نماز و روزه مادر .

۲- فرقی نیست در ترک عمدی و غیر عمدی همه را باید قضا کند.

۳- در خصوص سفر اگر چه تمکن از قضا نداشته باشد علی الاقوی ولد اکبر باید قضا کند.

کد مسأله: ۵۴۵۲۱

مسئله ۱۴۰۰

مسئله ۱۴۰۰- اگر پسر بزرگتر شک دارد که پدر و مادرش نماز و روزه قضا داشته یا نه چیزی بر او واجب نیست.

کد مسئله: ۵۴۵۲۲

مسئله ۱۴۰۱

مسئله ۱۴۰۱- اگر پسر بزرگتر بداند که پدر و مادرش نماز قضا داشته و شک کند که بجا آورده یا نه، بنا بر احتیاط واجب (۱) باید قضا نماید.

۱- بلکه علی الاقوی باید قضا کند.

کد مسئله: ۵۴۵۲۳

مسئله ۱۴۰۲

مسئله ۱۴۰۲- اگر معلوم نباشد که پسر بزرگتر کدام است، قضای نماز و روزه پدر بر هیچ کدام از پسرها واجب نیست. ولی احتیاط مستحب آن است که نماز و روزه آنان را بین خودشان قسمت کنند، یا برای انجام آن قرعه بزنند.

کد مسئله: ۵۴۵۲۴

مسئله ۱۴۰۳

مسئله ۱۴۰۳- اگر میت وصیت کرده باشد که برای نماز و روزه او اجیر بگیرند، بعد از آنکه اجیر، نماز و روزه او را به طور صحیح بجا آورد، بر پسر بزرگتر چیزی واجب نیست.

کد مسئله: ۵۴۵۲۵

مسئله ۱۴۰۴

مسئله ۱۴۰۴- اگر پسر بزرگتر بخواهد نماز پدر و مادر را بخواند، باید به تکلیف خود عمل کند، مثلاً قضای نماز صبح و مغرب و عشا را باید بلند بخواند.

کد مسئله: ۵۴۵۲۶

مسئله ۱۴۰۵

مسئله ۱۴۰۵- کسی که خودش نماز و روزه قضا دارد، اگر نماز و روزه پدر و مادر هم بر او واجب شود، هر کدام را اول بجا آورد صحیح است.

کد مسئله: ۵۴۵۲۷

مسئله ۱۴۰۶

مسئله ۱۴۰۶- اگر پسر بزرگتر موقع مرگ پدر یا مادر نابالغ یا دیوانه باشد، وقتی که بالغ شد یا عاقل گردید باید نماز و روزه پدر و

مادر را قضا نماید، و چنانچه پیش از بالغ شدن یا عاقل شدن بمیرد، بر پسر دوم چیزی واجب نیست.

کد مسأله: ۵۴۵۲۸

مسأله ۱۴۰۷

مسأله ۱۴۰۷- اگر پسر بزرگتر پیش از آنکه نماز و روزه پدر را قضا کند بمیرد چنانچه بین مرگ پدر یا مادر و مرگ او به قدری طول کشیده که می توانسته قضای نماز و روزه آنها را به جا آورد بر پسر دوم چیزی واجب نیست و اگر این مقدار طول نکشیده قضای آنها بر پسر دوم واجب است. (۱)

۱- در هر دو صورت حکم واحد است و اقوی عدم وجوب است و لکن احتیاط در هر دو صورت مستحسن است.

کد مسأله: ۵۴۵۲۹

نماز جماعت

مسأله ۱۴۰۸

مسأله ۱۴۰۸- مستحب است نمازهای واجب خصوصاً نمازهای یومیه را به جماعت بخوانند و در نماز صبح و مغرب و عشا خصوصاً برای همسایه مسجد و کسی که صدای اذان مسجد را می شنود بیشتر سفارش شده است.

کد مسأله: ۵۴۵۳۰

مسأله ۱۴۰۹

مسأله ۱۴۰۹- اگر یک نفر به امام جماعت اقتدا کند، هر رکعت از نماز آنان ثواب صد و پنجاه نماز دارد و اگر دو نفر اقتدا کنند هر رکعتی ثواب ششصد نماز دارد و هر چه بیشتر شوند ثواب نمازشان بیشتر می شود تا به ده نفر برسند و عده آنان که از ده گذشت، اگر تمام آسمانها کاغذ و دریاها مرکب و درختها قلم و جن و انس و ملائکه نویسنده شوند، نمی توانند ثواب یک رکعت آن را بنویسند.

کد مسأله: ۵۴۵۳۱

مسأله ۱۴۱۰

مسأله ۱۴۱۰- حاضر نشدن به نماز جماعت از روی بی‌اعتنایی جایز نیست. و سزاوار نیست که انسان بدون عذر نماز جماعت را ترک کند.

کد مسأله: ۵۴۵۳۲

مسأله ۱۴۱۱

مسأله ۱۴۱۱- مستحب است انسان صبر کند که نماز را به جماعت بخواند و نماز جماعت از نماز اول وقت که فرادی یعنی تنها خوانده شود، بهتر است. و نیز نماز جماعتی را که مختصر بخوانند، از نماز فرادی که آن را طول بدهند، بهتر می باشد.

کد مسأله: ۵۴۵۳۳

مسئله ۱۴۱۲

مسئله ۱۴۱۲- وقتی که جماعت بر پا می‌شود مستحب است کسی که نمازش را فرادی خوانده دوباره با جماعت بخواند و اگر بعد بفهمد که نماز اولش باطل بوده نماز دوم او کافی است.

کد مسئله: ۵۴۵۳۴

مسئله ۱۴۱۳

مسئله ۱۴۱۳- اگر امام یا ماموم بخواهد نمازی را که به جماعت خوانده دوباره با جماعت بخواند، اشکال دارد. (۱)
۱- اشکالی ندارد چه با جماعت دیگر بخواند یا با همان جماعت.

کد مسئله: ۵۴۵۳۵

مسئله ۱۴۱۴

مسئله ۱۴۱۴- کسی که در نماز وسواس دارد و فقط در صورتی که نماز را با جماعت بخواند، از وسواس راحت می‌شود، باید نماز را با جماعت بخواند.

کد مسئله: ۵۴۵۳۶

مسئله ۱۴۱۵

مسئله ۱۴۱۵- اگر پدر یا مادر به فرزند خود امر کند که نماز را به جماعت بخواند، نماز جماعت بر او واجب می‌شود.
۱- اگر مخالفت موجب ایذاء آنان شود والا واجب نمی‌شود.

کد مسئله: ۵۴۵۳۸

مسئله ۱۴۱۶

مسئله ۱۴۱۶- نماز مستحب را نمی‌شود به جماعت خواند، مگر نماز استسقاء که برای آمدن باران می‌خوانند و نمازی که واجب بوده و به جهتی مستحب شده است، مانند نماز عید فطر و قربان که در زمان امام علیه السلام واجب بوده و به واسطه غایب شدن ایشان مستحب می‌باشد.

کد مسئله: ۵۴۵۴۴

مسئله ۱۴۱۷

مسئله ۱۴۱۷- موقعی که امام جماعت نماز یومیه می‌خواند، هر کدام از نماز یومیه را می‌شود به او اقتدا کرد ولی اگر نماز یومیه‌اش را احتیاطاً دوباره می‌خواند، اقتداء کردن به او اشکال دارد. (۱)

۱- بلکه جایز نیست مگر در صورتی که سبب احتیاط امام و مأموم یکی باشد که در این مورد اقتداء جایز است و اشکالی ندارد.

کد مسئله: ۵۴۵۴۶

مسئله ۱۴۱۸

مسئله ۱۴۱۸- اگر امام جماعت قضای نماز یومیه خود را می‌خواند می‌شود به او اقتدا کرد، ولی اگر نمازش را احتیاطاً قضا می‌کند، یا قضای نماز کس دیگر را می‌خواند، اگر چه برای آن پول نگرفته باشد، اقتدای به او اشکال دارد. (۱)

۱- اگر قضای حتمی باشد اشکالی ندارد چه تبرعاً بخواند و چه استیجاراً و اگر قضای غیر حتمی باشد جایز نیست مطلقاً.

کد مسئله: ۵۴۵۴۸

مسئله ۱۴۱۹

مسئله ۱۴۱۹- اگر انسان نداند نمازی را که امام می‌خواند نماز واجب یومیه است یا نماز مستحب، نمی‌تواند به او اقتدا کند.

کد مسئله: ۵۴۵۵۰

مسئله ۱۴۲۰

مسئله ۱۴۲۰- اگر امام در محراب باشد و کسی پشت سر او اقتدا نکرده باشد کسانی که دو طرف محراب ایستاده‌اند و به واسطه دیوار محراب امام را نمی‌بینند، نمی‌توانند اقتدا کنند، بلکه اگر کسی هم پشت سر امام اقتدا کرده باشد اقتدا کردن کسانی که دو طرف او ایستاده‌اند و به واسطه دیوار محراب امام را نمی‌بینند اشکال دارد. (۱)

۱- اشکالی ندارد و طرفین صف اول مانند سایر صفوف است در حکم چنانچه لازم نیست سایر صفوف امام را رؤیت کنند و رؤیت مأموم رأیی ولو به واسطه کافی است. همچنین کسانی که در دو طرف صف اول ایستاده‌اند و مأموم را مشاهده می‌کنند کافی است.

کد مسئله: ۵۴۵۵۲

مسئله ۱۴۲۱

مسئله ۱۴۲۱- اگر به واسطه درازی صف اول، کسانی که دو طرف صف ایستاده‌اند امام را نبینند می‌توانند اقتدا کنند و نیز اگر به واسطه درازی یکی از صفهای دیگر، کسانی که دو طرف آن ایستاده‌اند، صف جلوی خود را نبینند، می‌توانند اقتدا نمایند.

کد مسئله: ۵۴۵۵۵

مسئله ۱۴۲۲

مسئله ۱۴۲۲- اگر صفهای جماعت تا درب مسجد برسد کسی که مقابل درب پشت صف ایستاده نمازش صحیح است، و نیز نماز کسانی که پشت سر او اقتدا می‌کنند، صحیح می‌باشد ولی نماز کسانی که دو طرف او ایستاده‌اند و صف جلو را نمی‌بینند، اشکال دارد. (۱)

۱- در این صورت هم اشکالی ندارد چنانچه در مسئله قبل مفصلاً ذکر شد.

کد مسئله: ۵۴۵۵۷

مسئله ۱۴۲۳

مسأله ۱۴۲۳- کسی که پشت ستون ایستاده، اگر از طرف راست یا چپ به واسطه مأموم دیگر به امام متصل نباشد نمی‌تواند اقتدا کند.

کد مسأله: ۵۴۵۵۹

مسأله ۱۴۲۴

مسأله ۱۴۲۴- جای ایستادن امام باید از جای مأموم بلندتر نباشد، ولی اگر مکان امام مقدار خیلی کمی بلندتر (۱) باشد، اشکال ندارد. و نیز اگر زمین سراشیب باشد و امام در طرفی که بلندتر است بایستد در صورتی که سراشیبی آن زیاد نباشد و طوری باشد که به آن زمین مسطح بگویند مانعی ندارد.

۱- به مقدار کمتر از یک وجب بلند باشد اشکالی ندارد ولی اگر به مقدار یک وجب و بیشتر بلند باشد اشکال دارد و جماعت منعقد نمی‌شود.

کد مسأله: ۵۴۵۶۰

مسأله ۱۴۲۵

مسأله ۱۴۲۵- اگر جای مأموم بلند تر از جای امام باشد اشکال ندارد. ولی اگر به قدری بلند باشد که نگویند اجتماع کرده اند جماعت صحیح نیست.

کد مسأله: ۵۴۵۶۱

مسأله ۱۴۲۶

مسأله ۱۴۲۶- اگر بین کسانی که در یک صف ایستاده‌اند بچه ممیز یعنی بچه‌ای که خوب و بد را می‌فهمد فاصله شود، چنانچه ندانند نماز او باطل است، می‌تواند اقتدا کنند. (۱)

۱- بلکه اگر بدانند نماز او باطل است باز هم می‌توانند اقتداء کنند چون این مقدار از فاصله مضر به جماعت نیست مگر آنکه اطفال متعدد باشند که فاصله زیاد شود در این صورت باید نماز آنها صحیح باشد والا چنین فصلی مضر به جماعت است.

کد مسأله: ۵۴۵۶۲

مسأله ۱۴۲۷

مسأله ۱۴۲۷- بعد از تکبیر امام اگر صف جلو آماده نماز، و تکبیر گفتن آنان نزدیک باشد کسی که در صف بعد ایستاده، می‌تواند تکبیر بگوید ولی احتیاط مستحب آن است که صبر کند تا تکبیر صف جلو تمام شود.

کد مسأله: ۵۴۵۶۳

مسأله ۱۴۲۸

مسأله ۱۴۲۸- اگر بدانند نماز یک صف از صفهای جلو باطل است، در صفهای بعد نمی‌تواند اقتدا کند، ولی اگر ندانند نماز آنان صحیح است یا نه، می‌تواند اقتدا نماید.

کد مسأله: ۵۴۵۶۴

مسئله ۱۴۲۹

مسئله ۱۴۲۹- هرگاه بداند نماز امام باطل است مثلاً بداند امام وضو ندارد، اگر چه خود امام ملتفت نباشد، نمی‌تواند به او اقتدا کند.
کد مسئله: ۵۴۵۶۵

مسئله ۱۴۳۰

مسئله ۱۴۳۰- اگر مأموم بعد از نماز بفهمد که امام عادل نبوده، یا کافر بوده، یا به جهتی نمازش باطل بوده، مثلاً بی وضو نماز خوانده، نمازش صحیح است. (۱)
۱- اگر غیر از فقدان قرائت رکن زیاد نکرده باشد.
کد مسئله: ۵۴۵۶۶

مسئله ۱۴۳۱

مسئله ۱۴۳۱- اگر در بین نماز شک کند که اقتدا کرده یا نه، چنانچه در حالی باشد که وظیفه مأموم است، مثلاً به حمد و سوره امام گوش می‌دهد باید نماز را به جماعت تمام کند، (۱) و اگر مشغول کاری باشد که هم وظیفه امام و هم وظیفه مأموم است مثلاً در رکوع یا سجده باشد، باید نماز را به نیت فرادی تمام نماید.
۱- باید نماز را به فرادی تمام کند بنابر اقوی در هر دو صورت
کد مسئله: ۵۴۵۶۷

مسئله ۱۴۳۲

مسئله ۱۴۳۲- احتیاط واجب (۱) آن است که در بین نماز جماعت تا ناچار نشود نیت فرادی نکند.
۱- این احتیاط واجب نیست ولیکن مستحسن است و اقوی جواز قصد انفراد است در هر حال
کد مسئله: ۵۴۵۶۸

مسئله ۱۴۳۳

مسئله ۱۴۳۳- اگر مأموم به واسطه عذری (۱) بعد از حمد و سوره امام، نیت فرادی کند، لازم نیست حمد و سوره را بخواند، ولی اگر پیش از تمام شدن حمد و سوره نیت فرادی نماید، باید مقداری را که امام نخوانده بخواند.
۱- فرقی بین عذر و غیر عذر نمی‌کند چون قصد فرادی مطلقاً جایز است ولی احتیاط مستحسن آن است که بدون عذر قصد فرادی نکند.
کد مسئله: ۵۴۵۶۹

مسئله ۱۴۳۴

مسئله ۱۴۳۴- اگر در بین نماز جماعت نیت فرادی نماید، نمی‌تواند دوباره نیت جماعت کند. ولی اگر مردد شود که نیت فرادی

کند یا نه، و بعد تصمیم بگیرد نماز را با جماعت تمام کند، نمازش صحیح است.

کد مسأله: ۵۴۵۷۰

مسأله ۱۴۳۵

مسأله ۱۴۳۵- اگر شک کند که نیت فرادی کرده یا نه، باید بنا بگذارد که نیت فرادی نکرده است.

کد مسأله: ۵۴۵۷۱

مسأله ۱۴۳۶

مسأله ۱۴۳۶- اگر موقعی که امام در رکوع است، اقتدا کند و به رکوع امام برسد، اگر چه ذکر امام تمام شده باشد، نمازش صحیح است و یک رکعت حساب می‌شود، اما اگر به مقدار رکوع خم شود و به رکوع امام نرسد، نمازش باطل است. (۱)
۱- اقوی صحت نماز است به عنوان فرادی و اعاده آن هم لازم نیست و لکن احتیاط مستحسن است.

کد مسأله: ۵۴۵۷۲

مسأله ۱۴۳۷

مسأله ۱۴۳۷- اگر موقعی که امام در رکوع است اقتدا کند و به مقدار رکوع خم شود و شک کند که به رکوع امام رسیده یا نه، نمازش باطل است. (۱)
۱- به عنوان جماعت و اما بعنوان فرادی صحیح است علی الاقوی و اعاده آن هم لازم نیست و لکن مستحسن است.

کد مسأله: ۵۴۵۷۳

مسأله ۱۴۳۸

مسأله ۱۴۳۸- اگر موقعی که امام در رکوع است اقتدا کند و پیش از آن که به اندازه رکوع خم شود، امام سر از رکوع بردارد، بنا بر احتیاط واجب (۱) باید بایستد تا امام برای رکعت بعد برخیزد و آن را رکعت اول نماز خود حساب کند ولی اگر برخاستن امام به قدری طول بکشد که نگویند این شخص نماز جماعت می‌خواند، باید نیت فرادی نماید.

۱- این احتیاط واجب نیست و مخیر است قصد فرادی کند و نمازش را بخواند یا صبر کند تا امام برای رکعت بعد برخیزد و نمازش را به جماعت بخواند.

کد مسأله: ۵۴۵۷۴

مسأله ۱۴۳۹

مسأله ۱۴۳۹- اگر اول نماز یا بین حمد و سوره اقتدا کند و پیش از آن که به رکوع رود، امام سر از رکوع بردارد، نماز او صحیح است. (۱)

۱- به عنوان جماعت ولی خود را به سجده امام برساند.

کد مسأله: ۵۴۵۷۶

مسئله ۱۴۴۰

مسئله ۱۴۴۰- اگر موقعی برسد که امام مشغول خواندن تشهد آخر نماز است، چنانچه بخواهد به ثواب جماعت برسد، باید بعد از نیت و گفتن تکبیره الاحرام بنشیند و تشهد را با امام بخواند ولی سلام را نگوید و صبر کند تا امام سلام نماز را بدهد، بعد بایستد و بدون آن که دوباره نیت کند و تکبیر بگوید، حمد و سوره را بخواند و آن را رکعت اول نماز خود حساب کند.

کد مسئله: ۵۴۵۷۹

مسئله ۱۴۴۱

مسئله ۱۴۴۱- مأموم نباید جلوتر از امام بایستد، و اگر مساوی او بایستد، اشکال ندارد ولی اگر قد او بلند تر از امام است، بنا بر احتیاط واجب (۱) باید طوری بایستد که در رکوع و سجود جلوتر از امام نباشد.

۱- این احتیاط مستحسن است نه واجب

کد مسئله: ۵۴۵۸۰

مسئله ۱۴۴۲

مسئله ۱۴۴۲- در نماز جماعت باید بین مأموم و امام پرده و مانند آن که پشت آن دیده نمی‌شود فاصله نباشد، و همچنین است بین انسان و مأموم دیگری که انسان به واسطه او به امام متصل شده است، ولی اگر امام، مرد و مأموم زن باشد، چنانچه بین آن زن و امام یا بین آن زن و مأموم دیگری که مرد است و زن به بواسطه او به امام متصل شده است پرده و مانند آن باشد اشکال ندارد.

کد مسئله: ۵۴۵۸۳

مسئله ۱۴۴۳

مسئله ۱۴۴۳- اگر بعد از شروع به نماز بین مأموم و امام یا بین مأموم و کسی که مأموم به واسطه او متصل به امام است، پرده یا چیز دیگری که پشت آن را نمی‌توان دید فاصله شود، چنانچه مأموم فوراً قصد فرادی نکند نمازش باطل است. (۱)

۱- قصد فرادی لازم نیست و قهراً فرادی می‌شود و نمازش صحیح است اگر به وظیفه منفرد عمل نماید والا باطل است.

کد مسئله: ۵۴۵۸۵

مسئله ۱۴۴۴

مسئله ۱۴۴۴- احتیاط واجب آن است که بین جای سجده مأموم و جای ایستادن امام بیشتر از یک قدم معمولی فاصله نباشد. (۱) و نیز اگر انسان به واسطه مأمومی که جلوی او ایستاده به امام متصل باشد، بنا بر احتیاط واجب باید فاصله جای سجده اش از جای ایستادن او بیشتر از یک قدم معمولی نباشد، و احتیاط مستحب آن است که جای سجده مأموم با جای کسی که جلوی او ایستاده، هیچ فاصله نداشته باشد.

۱- اگر به مقدار یک قدم بلند و غیر معمولی هم بین امام و مأموم و یا بین مأموم و مأموم دیگر فاصله باشد اشکالی ندارد ولی احتیاط لازم آن است که زائد بر این مقدار نشود.

کد مسئله: ۵۴۵۸۶

مسئله ۱۴۴۵

مسئله ۱۴۴۵- اگر مأموم به واسطه کسی که طرف راست یا چپ او اقتدا کرده به امام متصل باشد و از جلو به امام متصل نباشد، بنا بر احتیاط واجب باید با کسی که در طرف راست یا چپ او اقتداء کرده، بیشتر از یک قدم معمولی فاصله نداشته باشد.
کد مسئله: ۵۴۵۸۷

مسئله ۱۴۴۶

مسئله ۱۴۴۶- اگر در نماز بین مأموم و امام یا بین مأموم و کسی که مأموم به واسطه او به امام متصل است، بیشتر از یک قدم فاصله پیدا شود (۱) چنانچه فوراً قصد فرادی نکند نمازش باطل است.
۱- اگر یک قدم بلند و غیر معمولی هم فاصله شود اشکال ندارد ولی اگر زائد بر یک قدم بلند و غیر معمولی فاصله شود نماز جماعت باطل می شود و احتیاج به قصد فرادی هم ندارد و نماز فرادی صحیح است مگر آنکه اخلال به نماز فرادی شود.
کد مسئله: ۵۴۵۸۸

مسئله ۱۴۴۷

مسئله ۱۴۴۷- اگر نماز همه کسانی که در صف جلو هستند تمام شود، یا همه نیت فرادی نمایند، چنانچه فوراً برای نماز دیگری (۱) به امام اقتدا کنند، یا کسانی که در صف بعد ایستاده اند فوراً قصد فرادی نمایند، نماز صف بعد صحیح است و در غیر این دو صورت نماز صف بعد باطل می شود.
۱- اقتداء فوری آنان موجب اتصال بعد از انفصال نیست و نماز آنان فرادی می شود ولی قصد فرادی هم نکنند بلکه احتیاجی در این صورت به قصد فرادی نیست و نماز آنان به عنوان انفرادی صحیح است مگر اخلالی به نماز منفرد شود.
کد مسئله: ۵۴۵۸۹

مسئله ۱۴۴۸

مسئله ۱۴۴۸- اگر در رکعت دوم اقتدا کند، لازم نیست حمد و سوره بخواند. ولی قنوت و تشهد را با امام می خواند و احتیاط آن است که موقع خواندن تشهد انگشتان دست و سینه پا را به زمین بگذارد و زانوها را بلند کند و باید بعد از تشهد با امام برخیزد و حمد و سوره را بخواند و اگر برای سوره وقت ندارد، حمد را تمام کند (۱) و در رکوع یا سجده، خود را به امام برساند، ولی اگر در سجده، به امام برسد بهتر است که احتیاطاً نماز را دوباره بخواند.
۱- یا قصد فرادی نماید و یا حمد را قطع کند و خود را به رکوع امام برساند و بعد از نماز حمد را قضا نماید. و در هر سه صورت نماز صحیح است و اعاده لازم نیست اگر چه در صورت اول و سوم اعاده نماز مستحسن است.
کد مسئله: ۵۴۵۹۰

مسئله ۱۴۴۹

مسئله ۱۴۴۹- اگر موقعی که امام در رکعت دوم نماز چهار رکعتی است اقتدا کند، باید در رکعت دوم نمازش که رکعت سوم امام است، بعد از دو سجده بنشیند و تشهد را به مقدار واجب بخواند و برخیزد، و چنانچه برای گفتن سه مرتبه تسبیحات وقت ندارد،

یک مرتبه بگوید و در رکوع یا سجده خود را به امام برساند. (۱)

۱- گذشت که یک مرتبه مطلقاً کافی است.

کد مسأله: ۵۴۵۹۱

مسأله ۱۴۵۰

مسأله ۱۴۵۰- اگر امام در رکعت سوم یا چهارم باشد و مأموم بداند که اگر اقتدا کند و حمد را بخواند به رکوع امام نمی رسد، بنا بر احتیاط واجب باید صبر کند تا امام به رکوع رود، بعد اقتدا نماید.

کد مسأله: ۵۴۵۹۲

مسأله ۱۴۵۱

مسأله ۱۴۵۱- اگر در رکعت سوم یا چهارم امام اقتدا کند، باید حمد و سوره را بخواند و اگر برای سوره وقت ندارد باید حمد را تمام کند و در رکوع یا سجده خود (۱) را به امام برساند، ولی اگر در سجده به امام برسد بهتر است که احتیاطاً نماز را دوباره بخواند.

۱- یا قصد فرادی کند و یا حمد را قطع کند و به رکوع رود و بعد از نماز حمد را قضا نماید و اعاده هم لازم نیست.

کد مسأله: ۵۴۵۹۳

مسأله ۱۴۵۲

مسأله ۱۴۵۲- کسی که می داند اگر سوره یا قنوت را تمام کند به رکوع امام نمی رسد، چنانچه عمداً سوره یا قنوت را بخواند و به رکوع نرسد نمازش اشکال دارد. (۱)

۱- نمازش صحیح است و اشکالی ندارد.

کد مسأله: ۵۴۵۹۴

مسأله ۱۴۵۳

مسأله ۱۴۵۳- کسی که اطمینان دارد که اگر سوره را شروع کند یا تمام نماید به رکوع امام می رسد، احتیاط واجب (۱) آن است که سوره را شروع کند، یا اگر شروع کرده تمام نماید.

۱- بلکه اقوی آن است که سوره را ترک نکند و اگر شروع کرده قطع نکند و اتمام نماید.

کد مسأله: ۵۴۵۹۵

مسأله ۱۴۵۴

مسأله ۱۴۵۴- کسی که یقین دارد، اگر سوره را بخواند به رکوع امام می رسد، چنانچه سوره را بخواند و به رکوع نرسد نمازش صحیح است.

کد مسأله: ۵۴۵۹۶

مسئله ۱۴۵۵

مسئله ۱۴۵۵- اگر امام ایستاده باشد و مأموم نداند که در کدام رکعت است می‌تواند اقتدا کند ولی باید حمد و سوره را به قصد قربت بخواند و اگر چه بعد بفهمد که امام در رکعت اول یا دوم بوده نمازش صحیح است.

کد مسئله: ۵۴۵۹۷

مسئله ۱۴۵۶

مسئله ۱۴۵۶- اگر به خیال این که امام در رکعت اول یا دوم است حمد و سوره نخواند و بعد از رکوع بفهمد که در رکعت سوم یا چهارم بوده نمازش صحیح است. ولی اگر پیش از رکوع بفهمد باید حمد و سوره را بخواند و اگر وقت ندارد فقط حمد را بخواند و در رکوع یا سجده خود را به امام برساند. (۱)

۱- و یا قصد فرادی کند و یا قطع حمد نماید و خود را به رکوع امام برساند و بعد از نماز حمد را قضاء نماید.

کد مسئله: ۵۴۵۹۸

مسئله ۱۴۵۷

مسئله ۱۴۵۷- اگر به خیال این که امام در رکعت سوم یا چهارم است حمد و سوره را بخواند و پیش از رکوع یا بعد از آن بفهمد که در رکعت اول یا دوم بوده نمازش صحیح است. و اگر در بین حمد و سوره بفهمد، لازم نیست آنها را تمام کند.

کد مسئله: ۵۴۵۹۹

مسئله ۱۴۵۸

مسئله ۱۴۵۸- اگر موقعی که مشغول نماز مستحبی است جماعت بر پا شود، چنانچه اطمینان ندارد که اگر نماز را تمام کند به جماعت برسد، مستحب است نماز را رها کند و مشغول نماز جماعت شود. بلکه اگر اطمینان نداشته باشد که به رکعت اول برسد مستحب است به همین دستور رفتار نماید.

کد مسئله: ۵۴۶۰۰

مسئله ۱۴۵۹

مسئله ۱۴۵۹- اگر موقعی که مشغول نماز سه رکعتی یا چهار رکعتی است جماعت بر پا شود، چنانچه به رکوع رکعت سوم نرفته و اطمینان ندارد که اگر نماز را تمام کند به جماعت برسد، مستحب است به نیت نماز مستحبی نماز را دو رکعتی تمام کند و خود را به جماعت برساند.

کد مسئله: ۵۴۶۰۱

مسئله ۱۴۶۰

مسئله ۱۴۶۰- اگر نماز امام تمام شود و مأموم مشغول تشهد یا سلام اول باشد، لازم نیست نیت فرادی کند.

کد مسئله: ۵۴۶۰۳

مسئله ۱۴۶۱

مسئله ۱۴۶۱- کسی که یک رکعت از امام عقب مانده بنا بر احتیاط واجب، باید (۱) وقتی امام تشهد رکعت آخر را می‌خواند، انگشتان دست و سینه پا را به زمین بگذارد و زانوها را بلند نگه دارد و صبر کند تا امام سلام نماز را بگوید و بعد برخیزد.
 ۱- واجب نیست و می‌تواند قصد انفراد نماید و پیش از تشهد برخیزد
 کد مسئله: ۵۴۶۰۵

شرایط امام جماعت**مسئله ۱۴۶۲**

مسئله ۱۴۶۲- امام جماعت باید بالغ و عاقل و شیعه دوازده امامی و عادل و حلال زاده باشد و نماز را به طور صحیح بخواند، و نیز اگر مأوموم مرد است امام او هم باید مرد باشد و اقتدا کردن بچه ممیز که خوب و بد را می‌فهمد به بچه ممیز دیگر مانعی ندارد. (۱)
 ۱- اگر امام که طفل ممیز است ده سالش تمام شده باشد والا مشکل است.
 کد مسئله: ۵۴۶۰۸

مسئله ۱۴۶۳

مسئله ۱۴۶۳- امامی را که عادل می‌دانسته، اگر شک کند به عدالت خود باقی است یا نه، می‌تواند به او اقتدا نماید.
 کد مسئله: ۵۴۶۱۰

مسئله ۱۴۶۴

مسئله ۱۴۶۴- کسی که ایستاده نماز می‌خواند نمی‌تواند به کسی که نشسته یا خوابیده نماز می‌خواند اقتدا کند و کسی که نشسته نماز می‌خواند، نمی‌تواند به کسی که خوابیده نماز می‌خواند، اقتدا نماید.
 کد مسئله: ۵۴۶۱۲

مسئله ۱۴۶۵

مسئله ۱۴۶۵- کسی که نشسته یا خوابیده نماز می‌خواند، می‌تواند به کسی که نشسته نماز می‌خواند اقتدا کند و همچنین کسی که خوابیده نماز می‌خواند، می‌تواند به کسی که خوابیده نماز می‌خواند اقتداء نماید.
 کد مسئله: ۵۴۶۱۴

مسئله ۱۴۶۶

مسئله ۱۴۶۶- اگر امام جماعت به واسطه عذری با لباس نجس یا با تیمم یا با وضوی جبیره ای نماز بخواند، می‌شود به او اقتداء کرد.
 کد مسئله: ۵۴۶۱۶

مسئله ۱۴۶۷

مسئله ۱۴۶۷- اگر امام مرضی دارد که نمی‌تواند از بیرون آمدن بول و غائط خودداری کند، می‌شود به او اقتدا کرد. و نیز زنی که مستحاضه نیست می‌تواند به زن مستحاضه اقتدا نماید.

کد مسئله: ۵۴۶۱۸

احکام جماعت**مسئله ۱۴۶۸**

مسئله ۱۴۶۸- بنا بر احتیاط واجب (۱) کسی که مرض خوره یا پیسی دارد، نباید امام جماعت شود.
۱- این احتیاط مستحسن است نه واجب.

کد مسئله: ۵۴۶۲۱

مسئله ۱۴۶۹

مسئله ۱۴۶۹- موقعی که مأوم نیت می‌کند، باید امام را معین نماید، ولی دانستن اسم او لازم نیست، مثلاً اگر نیت کند اقتدا می‌کنم به امام حاضر نمازش صحیح است.

کد مسئله: ۵۴۶۲۳

مسئله ۱۴۷۰

مسئله ۱۴۷۰- مأوم باید غیر از حمد و سوره همه چیز نماز را خودش بخواند، ولی اگر رکعت اول یا دوم او، رکعت سوم یا چهارم امام باشد، باید حمد و سوره را بخواند.

کد مسئله: ۵۴۶۲۵

مسئله ۱۴۷۱

مسئله ۱۴۷۱- اگر مأوم در رکعت اول و دوم نماز صبح و مغرب و عشا صدای حمد و سوره امام را بشنود، اگر چه کلمات را تشخیص ندهد، باید حمد و سوره را بخواند و اگر صدای امام را نشنود، مستحب است حمد و سوره بخواند ولی باید آهسته بخواند و چنانچه سهواً بلند بخواند اشکال ندارد.

کد مسئله: ۵۴۶۲۸

مسئله ۱۴۷۲

مسئله ۱۴۷۲- اگر مأوم بعضی از کلمات حمد و سوره امام را بشنود، احتیاط واجب آن است که حمد و سوره را نخواند.

کد مسئله: ۵۴۶۳۱

مسئله ۱۴۷۳

مسئله ۱۴۷۳- اگر مأوم سهواً حمد و سوره بخواند، یا خیال کند صدایی را که می‌شنود صدای امام نیست و حمد و سوره بخواند و بعد بفهمد صدای امام بوده نمازش صحیح است.

کد مسئله: ۵۴۶۳۴

مسئله ۱۴۷۴

مسئله ۱۴۷۴- اگر شك کند که صدای امام را می‌شنود یا نه، یا صدایی بشنود و نداند صدای امام است یا صدای کس دیگر، می‌تواند حمد و سوره بخواند.

کد مسئله: ۵۴۶۳۶

مسئله ۱۴۷۵

مسئله ۱۴۷۵- احتیاط واجب (۱) آن است که مأوم در رکعت اول و دوم نماز ظهر و عصر حمد و سوره نخواند و مستحب است به جای آن ذکر بگوید.

۱- این احتیاط واجب نیست و اقوی جواز قرائت حمد و سوره است و لکن ترک مستحسن است.

کد مسئله: ۵۴۶۴۰

مسئله ۱۴۷۶

مسئله ۱۴۷۶- مأوم نباید تکبیره الاحرام را پیش از امام بگوید. بلکه احتیاط واجب (۱) آن است که تا تکبیر امام تمام نشده، تکبیر نگوید.

۱- این احتیاط واجب نیست و اقوی جواز شروع در تکبیره الاحرام است بعد از شروع امام در تکبیره الاحرام و لکن این احتیاط مستحسن است.

کد مسئله: ۵۴۶۴۲

مسئله ۱۴۷۷

مسئله ۱۴۷۷- اگر مأوم سلام امام را بشنود، یا بداند چه وقت سلام می‌گوید، احتیاط واجب (۱) آن است که پیش از امام سلام نگوید و چنانچه عمداً پیش از امام سلام بدهد، نمازش اشکال دارد ولی اگر سهواً پیش از امام سلام دهد، نمازش صحیح است و لازم نیست دوباره با امام سلام دهد.

۱- این احتیاط واجب نیست و لکن مستحسن است و اگر عمداً سبقت به سلام نماید نمازش صحیح است و اشکالی ندارد.

کد مسئله: ۵۴۶۴۶

مسئله ۱۴۷۸

مسئله ۱۴۷۸- اگر مأوم غیر از تکبیره الاحرام و سلام، (۱) چیزهای دیگر نماز را پیش از امام بگوید اشکال ندارد. ولی اگر آنها را بشنود، یا بداند امام چه وقت می‌گوید، احتیاط مستحب آن است که پیش از امام نگوید.

۱- در خصوص سلام اشکال ندارد هر چند مستحسن است.

کد مسئله: ۵۴۶۴۸

مسئله ۱۴۷۹

مسئله ۱۴۷۹- مأموم باید غیر از آنچه در نماز خوانده می‌شود، کارهای دیگر آن، مانند رکوع و سجود را با امام یا کمی بعد از امام به جا آورد. و اگر عمداً پیش از امام یا مدتی بعد از امام انجام دهد، معصیت کرده. و احتیاط واجب (۱) آن است که نماز را تمام کند و دوباره بخواند.

۱- واجب نیست بلکه مستحسن است.

کد مسئله: ۵۴۶۴۹

مسئله ۱۴۸۰

مسئله ۱۴۸۰- اگر سهواً پیش از امام سر از رکوع بردارد، چنانچه امام در رکوع باشد باید به رکوع برگردد و با امام سر بردارد و در این صورت زیاد شدن رکوع که رکن است نماز را باطل نمی‌کند. ولی اگر به رکوع برگردد و پیش از آن که به رکوع برسد، امام سر بردارد نمازش باطل است.

کد مسئله: ۵۴۶۵۰

مسئله ۱۴۸۲

مسئله ۱۴۸۲- کسی که اشتبهاً پیش از امام سر از سجده برداشته هرگاه به سجده برگردد، و هنوز به سجده نرسیده امام سر بردارد، نمازش صحیح است ولی اگر در هر دو سجده این اتفاق بیفتد، نماز باطل است.

کد مسئله: ۵۴۶۵۲

مسئله ۱۴۸۲

مسئله ۱۴۸۲- کسی که اشتبهاً پیش از امام سر از سجده برداشته هرگاه به سجده برگردد، و هنوز به سجده نرسیده امام سر بردارد، نمازش صحیح است ولی اگر در هر دو سجده این اتفاق بیفتد، نماز باطل است.

کد مسئله: ۵۴۶۵۲

مسئله ۱۴۸۳

مسئله ۱۴۸۳- اگر اشتبهاً سر از رکوع یا سجده بردارد و سهواً یا به خیال اینکه به امام نمی‌رسد به رکوع یا سجده نرود نمازش صحیح است.

کد مسئله: ۵۴۶۵۳

مسئله ۱۴۸۴

مسئله ۱۴۸۴- اگر سر از سجده بردارد و ببیند امام در سجده است چنانچه به خیال این که سجده اول امام است، به قصد این که با امام سجده کند به سجده رود و بفهمد سجده دوم امام بوده، سجده دوم او حساب می شود. و اگر به خیال اینکه سجده دوم امام است به سجده رود و بفهمد سجده اول اما بوده، باید به قصد اینکه با امام سجده کند (۱) تمام کند و دوباره با امام به سجده رود. و در هر دو صورت احتیاط واجب آن است که نماز را به جماعت تمام کند و دوباره بخواند.

۱- قصد متابعت لازم نیست قهراً سجده اول حساب می شود و اعاده در هیچ یک از دو صورت لازم نیست و لکن مستحسن است.

کد مسئله: ۵۴۶۵۴

مسئله ۱۴۸۵

مسئله ۱۴۸۵- اگر سهواً پیش از امام به رکوع رود و طوری باشد که اگر سر بردارد به مقداری از قرائت امام می رسد، چنانچه سر بردارد و با امام به رکوع رود نمازش صحیح است. و اگر عمداً برنگردد، احتیاط واجب (۱) آن است که نماز را به جماعت تمام کند و دوباره بخواند.

۱- واجب نیست و اقوی صحت نماز است و لکن مستحسن اعاده است

کد مسئله: ۵۴۶۵۵

مسئله ۱۴۸۶

مسئله ۱۴۸۶- اگر سهواً پیش از امام به رکوع رود و طوری باشد که اگر برگردد به چیزی از قرائت امام نمی رسد، در صورتی که صبر کند (۱) تا امام به او برسد، نمازش صحیح است. و اگر به قصد اینکه با امام نماز بخواند سر بردارد و با امام به رکوع رود، احتیاط واجب (۲) آن است که نماز را تمام کند و دوباره بجا آورد.

۱- نباید صبر کند بلکه باید متابعت نماید ولی اگر صبر کند نمازش صحیح است.

۲- این احتیاط واجب نیست و نمازش صحیح است و اعاده ندارد، و بنابر احتیاط لازم ذکر رکوع در هر دو رکوع ترک نشود.

کد مسئله: ۵۴۶۵۶

مسئله ۱۴۸۷

مسئله ۱۴۸۷- اگر سهواً پیش از امام به سجده رود، در صورتی که صبر (۱) کند تا امام به او برسد نمازش صحیح است و اگر به قصد اینکه با امام نماز بخواند سر بردارد و با امام به سجده رود، احتیاط واجب آن است (۲) که نماز را تمام کند و دوباره بجا آورد.

۱- نباید صبر کند بلکه باید متابعت نماید ولی اگر متابعت نکرد نمازش صحیح است.

۲- واجب نیست و نمازش صحیح است و اعاده ندارد ولی احتیاط لازم ذکر سجده است که باید ترک نشود چنانچه در مسئله سابق ذکر رکوع بنابر احتیاط لازم در هر دو رکوع ترک نشود.

کد مسئله: ۵۴۶۵۷

مسئله ۱۴۸۸

مسئله ۱۴۸۸- اگر امام در رکعتی که قنوت ندارد اشتباهاً قنوت بخواند، یا در رکعتی که تشهد ندارد اشتباهاً مشغول خواندن تشهد

شود، مأموم نباید قنوت و تشهد را بخواند، ولی نمی تواند پیش از امام به رکوع رود، یا پیش از ایستادن امام بایستد، بلکه باید صبر کند تا قنوت و تشهد امام تمام شود (۱) و بقیه نماز را با او بخواند.

۱- مأموم اگر بتواند امام را متوجه کند که اشتباهاً قنوت یا تشهد می خواند مستحسن است نه واجب و نه احتیاط مطلق
کد مسأله: ۵۴۶۵۸

چیزهایی که در نماز جماعت مستحب است

مسأله ۱۴۸۹

مسأله ۱۴۸۹- اگر مأموم یک مرد باشد، مستحب است طرف راست امام بایستد، و اگر یک زن باشد، (۱) مستحب است در طرف راست امام طوری بایستد که جای سجده اش مساوی زانو یا قدم امام باشد، و اگر یک مرد و یک زن، یا یک مرد و چند زن باشند، مستحب است مرد طرف راست امام و باقی پشت سر امام بایستند، و اگر چند مرد و چند زن باشند، مستحب است مردها عقب امام و زنها پشت مردها بایستند.

۱- بلکه افضل آن است که خلف امام بایستد نه محاذی قدم و نه محاذی زانو
کد مسأله: ۵۴۶۵۹

مسأله ۱۴۹۰

مسأله ۱۴۹۰- اگر امام و مأموم هر دو زن باشند بهتر است که ردیف یکدیگر بایستند و امام جلوتر از دیگران نایستد.
کد مسأله: ۵۴۶۶۰

مسأله ۱۴۹۱

مسأله ۱۴۹۱- مستحب است امام در وسط صف بایستد و اهل علم و کمال و تقوی در صف اول بایستند.
کد مسأله: ۵۴۶۶۱

مسأله ۱۴۹۲

مسأله ۱۴۹۲- مستحب است صفهای جماعت منظم باشد و بین کسانی که در یک صف ایستاده اند فاصله نباشد و شانه آنان ردیف یکدیگر باشد.
کد مسأله: ۵۴۶۶۲

مسأله ۱۴۹۳

مسأله ۱۴۹۳- مستحب است بعد از گفتن "قد قامت الصلاة" مأمومین برخیزند.
کد مسأله: ۵۴۶۶۳

مسأله ۱۴۹۴

مسئله ۱۴۹۴- مستحب است امام جماعت حال مأومی را که از دیگران ضعیف تر است رعایت کند و قنوت و رکوع و سجود را طول ندهد. مگر بدانند همه کسانی که به او اقتدا کرده اند مایلند.
کد مسئله: ۵۴۶۶۴

مسئله ۱۴۹۵

مسئله ۱۴۹۵- مستحب است امام جماعت در حمد و سوره و ذکرهایی که بلند می‌خواند، صدای خود را بقدری بلند کند که دیگران بشنوند، ولی باید بیش از اندازه صدا را بلند نکند.
کد مسئله: ۵۴۶۶۵

مسئله ۱۴۹۶

مسئله ۱۴۹۶- اگر امام در رکوع بفهمد کسی تازه رسیده و می‌خواهد اقتدا کند مستحب است رکوع را دو برابر همیشه طول بدهد و بعد برخیزد، اگر چه بفهمد کس دیگری هم برای اقتدا وارد شده است.
کد مسئله: ۵۴۶۶۷

چیزهایی که در نماز جماعت مکروه است

مسئله ۱۴۹۷

مسئله ۱۴۹۷- اگر در صفهای جماعت جا باشد، مکروه است انسان تنها بایستد.
کد مسئله: ۵۴۶۶۹

مسئله ۱۴۹۸

مسئله ۱۴۹۸- مکروه است مأوم ذکرهای نماز را طوری بگوید که امام بشنود.
کد مسئله: ۵۴۶۷۱

مسئله ۱۴۹۹

مسئله ۱۴۹۹- مسافری که نماز ظهر و عشا را دو رکعت می‌خواند مکروه است در این نمازها به کسی که مسافر نیست اقتدا کند و کسی که مسافر نیست مکروه است در این نمازها به مسافر اقتدا نماید.
کد مسئله: ۵۴۶۷۳

نماز آیات

مسئله ۱۵۰۰

مسئله ۱۵۰۰- نماز آیات که دستور آن بعداً گفته خواهد شد، به واسطه چهار چیز واجب می‌شود:

اول: گرفتن خورشید.

دوم: گرفتن ماه، اگر چه مقدار کمی از آنها گرفته شود و کسی هم از آن نترسد.

سوم: زلزله، اگر چه کسی هم نترسد.

چهارم: رعد و برق و بادهای سیاه و سرخ و مانند اینها در صورتی که بیشتر مردم بترسند.

کد مسأله: ۵۴۶۷۵

مسأله ۱۵۰۱

مسأله ۱۵۰۱- اگر از چیزهایی که نماز آیات برای آنها واجب است بیشتر از یکی اتفاق بیفتد، انسان باید برای هر یک از آنها یک نماز آیات بخواند، مثلاً اگر خورشید بگیرد و زلزله هم بشود باید دو نماز آیات بخواند.

کد مسأله: ۵۴۶۷۷

مسأله ۱۵۰۲

مسأله ۱۵۰۲- کسی که چند نماز آیات بر او واجب است اگر همه آنها برای یک چیز بر او واجب شده باشد، مثلاً سه مرتبه خورشید گرفته و نماز آنها را نخوانده است موقعی که قضای آنها را می‌خواند، لازم نیست معین کند که برای کدام دفعه آنها باشد. و همچنین است اگر چند نماز برای رعد و برق و بادهای سیاه و سرخ و مانند اینها بر او واجب شده باشد، ولی اگر برای آفتاب گرفتن و ماه گرفتن و زلزله، یا برای دوتای اینها نمازهایی بر او واجب شده باشد، بنابر احتیاط واجب باید موقع نیت معین کند، نماز آیاتی را که می‌خواند برای کدام یک آنها است.

کد مسأله: ۵۴۶۷۹

مسأله ۱۵۰۳

مسأله ۱۵۰۳- چیزهایی که نماز آیات برای آنها واجب است در هر شهری اتفاق بیافتد فقط مردم همان شهر باید نماز آیات بخوانند و بر مردم جاهای دیگر واجب نیست، ولی اگر مکان آنها بقدری نزدیک باشد که با آن شهر یکی حساب شود نماز آیات بر آنها هم واجب است. (۱)

۱- علی الاقوی واجب نیست و لکن مستحسن است.

کد مسأله: ۵۴۶۸۱

مسأله ۱۵۰۴

مسأله ۱۵۰۴- از وقتی که خورشید یا ماه شروع به گرفتن می‌کند انسان باید نماز آیات را بخواند و بنابر احتیاط واجب (۱) باید به قدری تاخیر نیندازد که شروع به باز شدن کند.

۱- واجب نیست و علی الاقوی وقت تا انجلاء تمام قرص باقی است.

کد مسأله: ۵۴۶۸۴

مسأله ۱۵۰۵

مسئله ۱۵۰۵- اگر خواندن نماز آیات را به قدری تأخیر بیندازد که آفتاب یا ماه شروع به باز شدن کند، بنابر احتیاط واجب نیت ادا و قضا نکند (۱) ولی اگر بعد از باز شدن تمام آن، نماز بخواند باید نیت قضا نماید.

۱- واجب نیست و علی الاقوی نیت اداء مانعی ندارد.

کد مسئله: ۵۴۶۸۶

مسئله ۱۵۰۶

مسئله ۱۵۰۶- اگر مدت گرفتن خورشید یا ماه به اندازه خواندن یک رکعت نماز (۱) یا کمتر باشد، نمازی که می خواند ادا است. و همچنین است اگر مدت گرفتن آنها بیشتر باشد ولی انسان نماز نخواند، تا به اندازه خواندن یک رکعت به آخر وقت آن مانده باشد.

۱- اگر قایل به توقیف باشیم در چنین صورت نماز واجب نیست و اگر قایل نباشیم نماز واجب است و محتاج به دلیل ادراک رکعت در وقت نیستیم و علی الاحوط نماز خوانده شود.

کد مسئله: ۵۴۶۹۰

مسئله ۱۵۰۷

مسئله ۱۵۰۷- موقعی که زلزله و رعد و برق و مانند اینها اتفاق می افتد، انسان باید فوراً نماز آیات را بخواند و اگر نخواند معصیت کرده و تا آخر عمر بر او واجب است و هر وقت بخواند ادا است.

کد مسئله: ۵۴۶۹۳

مسئله ۱۵۰۸

مسئله ۱۵۰۸- اگر بعد از باز شدن آفتاب یا ماه بفهمد که تمام آن گرفته بوده، باید قضای نماز آیات را بخواند. ولی اگر بفهمد مقداری از آن گرفته بوده قضا بر او واجب نیست.

کد مسئله: ۵۴۶۹۴

مسئله ۱۵۰۹

مسئله ۱۵۰۹- اگر عده‌ای بگویند که خورشید یا ماه گرفته است، چنانچه انسان از گفته آنان یقین پیدا نکند و نماز آیات نخواند و بعد معلوم شود راست گفته‌اند، در صورتی که تمام خورشید یا ماه گرفته باشد باید نماز آیات را بخواند. بلکه اگر مقداری از آن هم گرفته باشد، بنابر احتیاط خواندن نماز آیات بر او واجب است. (۱) و همچنین است اگر دو نفر که عادل بودن آنان معلوم نیست، بگویند خورشید یا ماه گرفته، بعد معلوم شود که عادل بوده اند.

۱- واجب نیست بلکه مستحسن است و همچنین در صورت بعد واجب نیست و لکن احتیاط مستحسن است.

کد مسئله: ۵۴۶۹۵

مسئله ۱۵۱۰

مسئله ۱۵۱۰- اگر انسان به گفته کسانی که از روی قاعده علمی، وقت گرفتن خورشید و ماه را می دانند، اطمینان پیدا کند که

خورشید یا ماه گرفته، بنابر احتیاط واجب باید نماز آیات را بخواند. و نیز اگر بگویند فلان وقت خورشید یا ماه میگیرد و فلان مقدار طول می کشد و انسان به گفته آنان اطمینان پیدا کند، بنابر احتیاط واجب باید به حرف آنان عمل نماید، مثلاً اگر بگویند آفتاب فلان ساعت شروع به باز شدن (۱) می کند، احتیاطاً باید نماز را تا آن وقت تاخیر نیندازد.

۱- بلکه لازم نیست زیرا وقت آن تا انجلاء تمام قرص باقی است.

کد مسأله: ۵۴۶۹۶

مسأله ۱۵۱۱

مسأله ۱۵۱۱- اگر بفهمد نماز آیاتی را که خوانده باطل بوده، باید دوباره بخواند، و اگر وقت گذشته قضا نماید.

کد مسأله: ۵۴۶۹۷

مسأله ۱۵۱۲

مسأله ۱۵۱۲- اگر در وقت نماز یومیه نماز آیات هم بر انسان واجب شود، چنانچه برای هر دو نماز وقت دارد، هر کدام را اول بخواند اشکال ندارد، (۱) و اگر وقت یکی از آن دو تنگ باشد، باید اول آن را بخواند، و اگر وقت هر دو تنگ باشد، باید اول نماز یومیه را بخواند.

۱- ولی احوط تقدم نماز یومیه است.

کد مسأله: ۵۴۶۹۸

مسأله ۱۵۱۳

مسأله ۱۵۱۳- اگر در بین نماز یومیه بفهمد که وقت نماز آیات است، چنانچه وقت نماز یومیه هم تنگ باشد، باید آن را تمام کند، بعد نماز آیات را بخواند، و اگر وقت نماز یومیه تنگ نباشد، باید آن را بشکند و اول نماز آیات، بعد نماز یومیه را بجا آورد.

کد مسأله: ۵۴۶۹۹

مسأله ۱۵۱۴

مسأله ۱۵۱۴- اگر در بین نماز آیات بفهمد که وقت نماز یومیه تنگ است، باید نماز آیات را رها کند و مشغول نماز یومیه شود و بعد از آن که نماز را تمام کرد، پیش از انجام کاری که نماز را به هم بزند، بقیه نماز آیات را از همان جا که رها کرده بخواند.

کد مسأله: ۵۴۷۰۰

مسأله ۱۵۱۵

مسأله ۱۵۱۵- اگر در حال حیض یا نفاس زن، آفتاب یا ماه بگیرد نماز آیات بر او واجب نیست و قضا هم ندارد ولی اگر زلزله یا رعد و برق و مانند اینها اتفاق بیفتد، احتیاط مستحب آن است که بعد از پاک شدن، نماز آیات را بخواند.

کد مسأله: ۵۴۷۰۱

دستور نماز آیات

مسئله ۱۵۱۶

مسئله ۱۵۱۶- نماز آیات دو رکعت است و در هر رکعت پنج رکوع دارد، و دستور آن این است که انسان بعد از نیت، تکبیر بگوید و یک حمد و یک سوره تمام بخواند و به رکوع رود و سر از رکوع بردارد، دوباره یک حمد و یک سوره بخواند، باز به رکوع رود تا پنج مرتبه، و بعد از بلند شدن از رکوع پنجم دو سجده نماید و برخیزد و رکعت دوم را هم مثل رکعت اول بجا آورد و تشهد بخواند و سلام دهد.

کد مسئله: ۵۴۷۰۲

مسئله ۱۵۱۷

مسئله ۱۵۱۷- در نماز آیات ممکن است انسان بعد از نیت و تکبیر و خواندن حمد، آیه‌های یک سوره را پنج قسمت کند و یک آیه یا بیشتر (۱) از آن را بخواند و به رکوع رود و سر بردارد و بدون این که حمد بخواند قسمت دوم همان سوره را بخواند و به رکوع رود و همین طور تا پیش از رکوع پنجم سوره را تمام نماید، مثلاً به قصد سوره "قل هو الله احد" بسم الله الرحمن الرحيم بگوید و به رکوع رود، بعد بایستد و بگوید: "قل هو الله احد" دوباره به رکوع رود و بعد از رکوع بایستد و بگوید: "الله الصمد" باز به رکوع رود و بایستد و بگوید: "لم یلد و لم یولد" و برود به رکوع بازهم سر بردارد و بگوید: "و لم یکن له کفوا احد" و بعد از آن به رکوع پنجم رود و بعد از سر برداشتن، دو سجده کند و رکعت دوم را هم مثل رکعت اول بجا آورد و بعد از سجده دوم، تشهد بخواند و نماز را سلام دهد.

۱- و یا کمتر از آن را بخواند و به رکوع رود

کد مسئله: ۵۴۷۰۳

مسئله ۱۵۱۸

مسئله ۱۵۱۸- اگر در یک رکعت از نماز آیات پنج مرتبه حمد و سوره بخواند و در رکعت دیگر یک حمد بخواند و سوره را پنج قسمت کند، مانعی ندارد.

کد مسئله: ۵۴۷۰۴

مسئله ۱۵۱۹

مسئله ۱۵۱۹- چیزهایی که در نماز یومیه واجب و مستحب است، در نماز آیات هم واجب و مستحب می‌باشد، ولی در نماز آیات مستحب است به جای اذان و اقامه سه مرتبه بگویند: "الصلوه".

کد مسئله: ۵۴۷۰۵

مسئله ۱۵۲۰

مسئله ۱۵۲۰- مستحب است بعد از رکوع پنجم و دهم بگوید "سمع الله لمن حمده" و نیز پیش از رکوع و بعد از آن تکبیر بگوید، ولی بعد از رکوع پنجم و دهم، گفتن تکبیر مستحب نیست.

کد مسئله: ۵۴۷۰۶

مسئله ۱۵۲۱

مسئله ۱۵۲۱- مستحب است پیش از رکوع دوم و چهارم و ششم و هشتم و دهم قنوت بخواند، و اگر فقط یک قنوت پیش از رکوع دهم بخواند، کافی است.

کد مسئله: ۵۴۷۰۸

مسئله ۱۵۲۲

مسئله ۱۵۲۲- اگر در نماز آیات شك کند که چند رکعت خوانده و فکرش به جایی نرسد، نماز باطل است.

کد مسئله: ۵۴۷۱۱

مسئله ۱۵۲۳

مسئله ۱۵۲۳- اگر شك کند که در رکوع آخر رکعت اول است یا در رکوع اول رکعت دوم، و فکرش به جایی نرسد، نماز باطل است. ولی اگر مثلاً شك کند که چهار رکوع کرده یا پنج رکوع، چنانچه برای رفتن به سجده خم نشده، باید رکوعی را که شك دارد بجا آورده یا نه، بجا آورد. و اگر برای رفتن به سجده خم شده، باید به شك خود اعتنا نکند. (۱)

۱- در صورتی که به سجده نرسیده باید اعتناء کند و برگردد و رکوع مشکوک را بجا آورد.

کد مسئله: ۵۴۷۱۳

مسئله ۱۵۲۴

مسئله ۱۵۲۴- هر یک از رکوع های نماز آیات رکن است که اگر عمداً یا اشتهاً کم یا زیاد شود، نماز باطل است.

کد مسئله: ۵۴۷۱۵

نماز عید فطر و قربان**مسئله ۱۵۲۵**

مسئله ۱۵۲۵- نماز عید فطر و قربان در زمان حضور امام علیه السلام واجب است و باید به جماعت خوانده شود، و در زمان ما که امام علیه السلام غایب است مستحب می باشد. و می شود آن را به جماعت یا فرادی خواند.

کد مسئله: ۵۴۷۱۹

مسئله ۱۵۲۶

مسئله ۱۵۲۶- وقت نماز عید قربان از اول آفتاب روز عید است تا ظهر.

کد مسئله: ۵۴۷۲۳

مسئله ۱۵۲۷

مسأله ۱۵۲۷- مستحب است نماز عید قربان را بعد از بلند شدن آفتاب بخوانند و در عید فطر مستحب است بعد از بلند شدن آفتاب افطار کنند و زکات فطره را هم بدهند (۱) بعد نماز عید را بخوانند.

۱- واجب است قبل از نماز عید فطر، زکوه فطره را بدهند یا جهت فقیر منظور کنار بگذارد.

کد مسأله: ۵۴۷۲۶

مسأله ۱۵۲۸

مسأله ۱۵۲۸- نماز عید فطر و قربان دو رکعت است که در رکعت اول بعد از خواندن حمد و سوره باید پنج تکبیر بگوید، و بعد از هر تکبیر یک قنوت بخواند و بعد از قنوت پنجم تکبیری بگوید و به رکوع رود و دو سجده بجا آورد و برخیزد، و در رکعت دوم چهار مرتبه تکبیر بگوید و بعد از هر تکبیر قنوت بخواند و تکبیر پنجم را بگوید و به رکوع رود و بعد از رکوع دو سجده کند و تشهد بخواند و نماز را سلام دهد.

کد مسأله: ۵۴۷۳۴

مسأله ۱۵۲۹

مسأله ۱۵۲۹- در قنوت نماز عید فطر و قربان هر دعا و ذکر بخوانند کافی است ولی بهتر است این دعا را بخوانند: "اللهم اهل الکبرياء والعظمه و اهل الجود و الجبروت و اهل العفو و الرحمه و اهل التقوى و المغفره اسئلك بحق هذا اليوم الذى جعلته للمسلمين عيدا و لمحمد صلى الله عليه و آله ذخرا و شرفا و كرامه و مزيدا ان تصلى على محمد و آل محمد و ان تدخلنى فى كل خير ادخلت فيه محمدا و آل محمد و ان تخرجنى من كل سوء اخرجت منه محمدا و آل محمد صلواتك عليه و عليهم اللهم انى اسئلك خير ما سئلك به عبادك الصالحون و اعوذ بك مما استعاذ منه عبادك المخلصون."

کد مسأله: ۵۴۷۳۶

مسأله ۱۵۳۰

مسأله ۱۵۳۰- در زمان غایب بودن امام علیه السلام مستحب است بعد از نماز عید فطر و قربان دو خطبه بخوانند. و بهتر است که در خطبه عید فطر احکام زکوه فطره و در خطبه عید قربان احکام قربانی را بگویند.

کد مسأله: ۵۴۷۳۸

مسأله ۱۵۳۱

مسأله ۱۵۳۱- نماز عید سوره مخصوصی ندارد، ولی بهتر است که در رکعت اول آن سوره "شمس" (سوره ۹۱) و در رکعت دوم سوره "غاشیه" (سوره ۸۸) را بخوانند، یا در رکعت اول سوره "سبح اسم" (سوره ۸۷) و در رکعت دوم سوره "شمس" را بخوانند.

کد مسأله: ۵۴۷۴۱

مسأله ۱۵۳۲

مسأله ۱۵۳۲- مستحب است نماز عید را در صحرا بخوانند ولی در مکه مستحب است در مسجد الحرام خوانده شود.

کد مسأله: ۵۴۷۴۲

مسئله ۱۵۳۳

مسئله ۱۵۳۳- مستحب است پیاده و پا برهنه و با وقار به نماز عید بروند و پیش از نماز غسل کنند، و عمامه سفید بر سر بگذارند.
کد مسئله: ۵۴۷۴۳

مسئله ۱۵۳۴

مسئله ۱۵۳۴- مستحب است در نماز عید بر زمین سجده کنند و در حال گفتن تکبیرها دستها را بلند کنند و کسی که نماز عید می خواند، اگر امام جماعت است، یا فرادی نماز می خواند، نماز را بلند بخواند.
کد مسئله: ۵۴۷۴۴

مسئله ۱۵۳۵

مسئله ۱۵۳۵- بعد از نماز مغرب و عشاء شب عید فطر و بعد از نماز صبح آن، و بعد از نماز عید فطر (۱) مستحب است این تکبیرها را بگویند: "الله اکبر الله اکبر لا اله الا الله و الله اکبر الله اکبر و لله الحمد الله اکبر علی ما هدانا."
۱- و بعد از نماز ظهر و عصر روز عید فطر نیز مستحب است.
کد مسئله: ۵۴۷۴۵

مسئله ۱۵۳۶

مسئله ۱۵۳۶- مستحب است انسان در عید قربان بعد از ده نماز که اول آنها نماز ظهر روز عید و آخر آنها نماز صبح روز دوازدهم است تکبیرهایی را که در مسئله پیش گفته شد بگوید و بعد از آن بگوید: "الله اکبر علی ما رزقنا من بهیمه الانعام و الحمد لله علی ما ابلانا" ولی اگر عید قربان را در منی باشد، مستحب است بعد از پانزده نماز که اول آنها نماز ظهر روز عید و آخر آنها نماز صبح روز سیزدهم ذی حجه است، این تکبیرها را بگوید.
کد مسئله: ۵۴۷۴۶

مسئله ۱۵۳۷

مسئله ۱۵۳۷- احتیاط مستحب آن است که زن ها از رفتن به نماز عید خوداری کنند ولی این احتیاط برای زنهای پیر نیست.
کد مسئله: ۵۴۷۴۷

مسئله ۱۵۳۸

مسئله ۱۵۳۸- در نماز عید هم مثل نمازهای دیگر، مأموم باید غیر از حمد و سوره چیزهای دیگر نماز را خودش بخواند.
کد مسئله: ۵۴۷۴۸

مسئله ۱۵۳۹

مسئله ۱۵۳۹- اگر مأوم موقعی برسد که امام مقداری از تکبیرها را گفته، بعد از آنکه امام به رکوع رفت، باید آنچه از تکبیرها و قنوت‌ها را که با امام نگفته خودش بگوید و اگر در هر قنوت یک سبحان الله یا یک الحمد لله بگوید کافی است.
کد مسئله: ۵۴۷۴۹

مسئله ۱۵۴۰

مسئله ۱۵۴۰- اگر در نماز عید موقعی برسد که امام در رکوع است می‌تواند نیت کند و تکبیر اول نماز را بگوید و به رکوع رود.
(۱)

۱- بلکه باید بعد از تکبیره الاحرام تکبیرات و قنوتات را بخواند و بعد به رکوع رود و اگر نمی‌رسد اقتداء نکند.
کد مسئله: ۵۴۷۵۰

مسئله ۱۵۴۱

مسئله ۱۵۴۱- اگر در نماز عید یک سجده یا تشهد را فراموش کند احتیاط آن است که بعد از نماز آن را بجا آورد. و اگر کاری که برای آن، سجده سهو لازم است پیش آید. بنا بر احتیاط باید بعد از نماز دو سجده سهو بنماید.
کد مسئله: ۵۴۷۵۱

اجیر گرفتن برای نماز

مسئله ۱۵۴۲

مسئله ۱۵۴۲- بعد از مرگ انسان می‌شود برای نماز و عبادت‌های دیگر او که در زندگی بجا نیاورده، دیگری را اجیر کنند یعنی به او مزد دهند که آنها را بجا آورد. و اگر کسی بدون مزد هم آنها را انجام دهد، صحیح است.
کد مسئله: ۵۴۷۵۲

مسئله ۱۵۴۳

مسئله ۱۵۴۳- انسان می‌تواند برای بعضی از کارهای مستحبی مثل زیارت قبر پیغمبر و امامان علیهم السلام، از طرف زندگان اجیر شود. و نیز می‌تواند کار مستحبی را انجام دهد و ثواب آن را برای مردگان یا زندگان هدیه نماید.
کد مسئله: ۵۴۷۵۳

مسئله ۱۵۴۴

مسئله ۱۵۴۴- کسی که برای نماز قضای میت اجیر شده باید یا مجتهد باشد یا مسایل نماز را از روی تقلید صحیح، بداند. (۱)
۱- یا عمل به احتیاط نماید.

کد مسئله: ۵۴۷۵۴

مسئله ۱۵۴۵

مسئله ۱۵۴۵- اجیر باید موقع نیت، میت را معین نماید، و لازم نیست اسم او را بدانند. پس اگر نیت کند از طرف کسی نماز می خوانم که برای او اجیر شده‌ام، کافی است.
کد مسئله: ۵۴۷۵۵

مسئله ۱۵۴۶

مسئله ۱۵۴۶- اجیر باید خود را به جای میت فرض کند (۱) و عبادت‌های او را قضا نماید، و اگر عملی را انجام دهد و ثواب آن را برای او هدیه کند، کافی نیست.
۱- یا عملی که ذمه میت به آن مشغول است انجام دهد
کد مسئله: ۵۴۷۵۷

مسئله ۱۵۴۷

مسئله ۱۵۴۷- باید کسی را اجیر کنند که اطمینان داشته باشند عمل را به طور صحیح انجام می دهد.
کد مسئله: ۵۴۷۵۹

مسئله ۱۵۴۸

مسئله ۱۵۴۸- کسی که دیگری را برای نمازهای میت اجیر کرده اگر بفهمد که عمل را بجا نیاورده یا باطل انجام داده باید دوباره اجیر بگیرد.
کد مسئله: ۵۴۷۶۱

مسئله ۱۵۴۹

مسئله ۱۵۴۹- هرگاه شک کند که اجیر عمل را انجام داده یا نه، اگر چه بگوید انجام داده‌ام، باید دوباره اجیر بگیرد. (۱) ولی اگر شک کند که عمل او صحیح بوده یا نه، گرفتن اجیر لازم نیست.
۱- قول اجیر مسموع است و دوباره لازم نیست اجیر بگیرد.
کد مسئله: ۵۴۷۶۲

مسئله ۱۵۵۰

مسئله ۱۵۵۰- کسی را که عذری دارد و مثلاً با تیمم یا نشسته نماز می خواند، نمی شود برای نمازهای میت اجیر کرد، اگرچه نماز میت هم همانطور قضا شده باشد.
کد مسئله: ۵۴۷۶۳

مسئله ۱۵۵۱

مسئله ۱۵۵۱- مرد برای زن و زن برای مرد می تواند اجیر شود و در بلند خواندن و آهسته خواندن نماز باید به تکلیف خود عمل

نماید.

کد مسأله: ۵۴۷۶۴

مسأله ۱۵۵۲

مسأله ۱۵۵۲- قضای نمازهای میت باید به ترتیب خوانده شود و اگر ترتیب آنها را نمی دانند باید با اجیر شرط کنند به قدری نماز بخواند که ترتیب به عمل آید.

کد مسأله: ۵۴۷۶۵

مسأله ۱۵۵۳

مسأله ۱۵۵۳- اگر با اجیر شرط کنند که عمل را به طور مخصوصی انجام دهد، باید همان طور بجا آورد و اگر با او شرط نکنند، باید در آن عمل به تکلیف خود رفتار نماید، و احتیاط مستحب آن است که از وظیفه خودش و میت هر کدام که به احتیاط نزدیک تر است به آن عمل کند، مثلاً اگر وظیفه میت گفتن سه مرتبه تسبیحات اربعه بوده و تکلیف او یک مرتبه است سه مرتبه بگوید.

کد مسأله: ۵۴۷۶۶

مسأله ۱۵۵۴

مسأله ۱۵۵۴- اگر با اجیر شرط نکنند که نماز را با چه مقدار از مستحبات آن بخواند، باید مقداری از مستحبات نماز را که معمول است بجا آورد.

کد مسأله: ۵۴۷۶۷

مسأله ۱۵۵۵

مسأله ۱۵۵۵- اگر انسان چند نفر را برای نماز قضای میت اجیر کند، باید برای هر کدام آنها وقتی را معین نماید مثلاً اگر با یکی از آنها قرار گذاشت که از صبح تا ظهر نماز قضا بخواند با دیگری قرار بگذارد که از ظهر تا شب بخواند و نیز باید نمازی را که در هر دفعه شروع می کند معین نماید مثلاً قرار بگذارد، اول نمازی را که می خواند صبح باشد یا ظهر یا عصر و همچنین باید با آنها قرار بگذارد که در هر دفعه نماز یک شبانه روز را تمام کنند و اگر ناقص بگذارند آن را حساب نکنند و دفعه بعد نماز یک شبانه روز را از سر شروع نمایند.

کد مسأله: ۵۴۷۶۸

مسأله ۱۵۵۶

مسأله ۱۵۵۶- اگر کسی اجیر شود که مثلاً در مدت یک سال نمازهای میت را بخواند و پیش از تمام شدن سال، بمیرد بنا بر احتیاط واجب (۱) باید برای نمازهایی که می دانند یا احتمال می دهند بجا نیاورده، دیگری را اجیر نمایند.

۱- نسبت به آنچه احتمال می دهند بجا نیاورده باشد و بنابر اقوی نسبت به آنچه می دانند بجا نیاورده است.

کد مسأله: ۵۴۷۶۹

مسئله ۱۵۵۷

مسئله ۱۵۵۷- کسی را که برای نمازهای میت اجیر کرده‌اند، اگر پیش از تمام کردن نمازها بمیرد و اجرت همه آنها را گرفته باشد، چنانچه شرط کرده باشند که تمام نمازها را خودش بخواند، باید اجرت مقداری را که نخوانده از مال او به ولی میت بدهند، مثلاً اگر نصف آنها را نخوانده، باید نصف پولی را که گرفته از مال او به ولی میت بدهند، و اگر شرط نکرده باشند، باید ورثه‌اش از مال او اجیر بگیرند، اما اگر مال نداشته باشد بر ورثه او چیزی واجب نیست.

کد مسئله: ۵۴۷۷۰

مسئله ۱۵۵۸

مسئله ۱۵۵۸- اگر اجیر پیش از تمام کردن نمازهای میت بمیرد و خودش هم نماز قضا داشته باشد، باید از مال او (۱) برای نمازهایی که اجیر بوده دیگری را اجیر نمایند و اگر چیزی زیاد آمد، در صورتی که وصیت کرده باشد و ورثه اجازه بدهند برای تمام نمازهای او اجیر بگیرند و اگر اجازه ندهند ثلث آن را به مصرف نماز خودش برسانند.

۱- در صورتی که شرط مباشرت نشده باشد والا باید اجرت مقداری را که نخوانده به ولی منوب عنه بدهند.

کد مسئله: ۵۴۷۷۱

احکام روزه

روزه آن است که انسان برای انجام فرمان خداوند عالم از اذان صبح تا مغرب از چیزهایی که روزه را باطل می‌کند و شرح آنها بعداً گفته می‌شود، خودداری نماید.

کد مسئله: ۵۷۷۵۶

نیت**مسئله ۱۵۵۹**

مسئله ۱۵۵۹- لازم نیست انسان نیت روزه را از قلب خود بگذراند یا مثلاً بگوید فردا را روزه می‌گیرم بلکه همین قدر که برای انجام فرمان خداوند عالم از اذان صبح تا مغرب کاری که روزه را باطل می‌کند انجام ندهد، کافی است. و برای آن که یقین کند تمام این مدت را روزه بوده، باید مقداری پیش از اذان صبح و مقداری هم بعد از مغرب از انجام کاری که روزه را باطل می‌کند خودداری نماید.

کد مسئله: ۵۷۷۶۵

مسئله ۱۵۶۰

مسئله ۱۵۶۰- انسان می‌تواند در هر شب از ماه رمضان برای روزه فردای آن، نیت کند و بهتر است که شب اول ماه نیت روزه همه ماه را بنماید.

کد مسئله: ۵۷۷۶۷

مسئله ۱۵۶۱

مسئله ۱۵۶۱- وقت نیت روزه ماه رمضان از اول شب است تا اذان صبح.

کد مسئله: ۵۷۷۷۰

مسئله ۱۵۶۲

مسئله ۱۵۶۲- وقت نیت روزه مستحبی از اول شب است تا موقعی که به اندازه نیت کردن به مغرب وقت مانده باشد که اگر تا این وقت کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده باشد و نیت روزه مستحبی کند، روزه او صحیح است.

کد مسئله: ۵۷۷۷۳

مسئله ۱۵۶۳

مسئله ۱۵۶۳- کسی که پیش از اذان صبح بدون نیت روزه خوابیده است، اگر پیش از ظهر بیدار شود و نیت کند، روزه او صحیح است چه روزه او واجب باشد چه مستحب، و اگر بعد از ظهر بیدار شود، نمی‌تواند نیت روزه واجب نماید.

کد مسئله: ۵۷۷۷۶

مسئله ۱۵۶۴

مسئله ۱۵۶۴- اگر بخواهد غیر روزه رمضان، روزه دیگری بگیرد، باید آن را معین نماید، (۱) مثلاً نیت کند که روزه قضا یا روزه نذر می‌گیرم. ولی در ماه رمضان لازم نیست نیت کند که روزه ماه رمضان می‌گیرم، بلکه اگر نداند ماه رمضان است، یا فراموش نماید و روزه دیگری را نیت کند، روزه ماه رمضان حساب می‌شود.

۱- اگر یقین نداشته باشد.

کد مسئله: ۵۷۷۷۸

مسئله ۱۵۶۵

مسئله ۱۵۶۵- اگر بدانند ماه رمضان است و عمداً نیت روزه غیر رمضان کند، نه روزه رمضان حساب می‌شود و نه روزه‌ای که قصد کرده است.

کد مسئله: ۵۷۷۸۰

مسئله ۱۵۶۶

مسئله ۱۵۶۶- اگر مثلاً به نیت روز اول ماه روزه بگیرد، بعد بفهمد دوم یا سوم بوده روزه او صحیح است.

کد مسئله: ۵۷۷۸۳

مسئله ۱۵۶۷

مسئله ۱۵۶۷- اگر پیش از اذان صبح نیت کند و بیهوش شود و در بین روز به هوش آید، بنا بر احتیاط واجب باید روزه آن روز را

تمام نماید و اگر تمام نکرد، قضای آن را بجا آورد.

کد مسأله: ۵۷۷۸۵

مسأله ۱۵۶۸

مسأله ۱۵۶۸- اگر پیش از اذان صبح نیت کند و مست شود و در بین روز بهوش آید، احتیاط واجب آن است که روزه آن روز را تمام کند و قضای آن را هم بجا آورد. (۱)
۱- قضا واجب نیست و اداء کافی است.

کد مسأله: ۵۷۷۸۸

مسأله ۱۵۶۹

مسأله ۱۵۶۹- اگر پیش از اذان صبح نیت کند و بخوابد و بعد از مغرب بیدار شود، روزه‌اش صحیح است.

کد مسأله: ۵۷۷۹۰

مسأله ۱۵۷۰

مسأله ۱۵۷۰- اگر نداند یا فراموش کند که ماه رمضان است و پیش از ظهر ملتفت شود، چنانچه کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده باشد، باید نیت کند و روزه او صحیح است و اگر کاری که روزه را باطل می‌کند انجام داده باشد، یا بعد از ظهر ملتفت شود که ماه رمضان است، روزه او باطل می‌باشد. ولی باید تا مغرب کاری که روزه را باطل می‌کند انجام ندهد و بعد از رمضان هم روزه آن روز را قضا نماید.

کد مسأله: ۵۷۷۹۲

مسأله ۱۵۷۱

مسأله ۱۵۷۱- اگر بچه پیش از اذان صبح ماه رمضان بالغ شود، باید روزه بگیرد، و اگر بعد از اذان بالغ شود، روزه آن روز بر او واجب نیست.

کد مسأله: ۵۷۷۹۳

مسأله ۱۵۷۲

مسأله ۱۵۷۲- کسی که برای به جا آوردن روزه میتی اجیر شده اگر روزه مستحبی بگیرد اشکال ندارد، (۱) ولی کسی که روزه قضا یا روزه واجب دیگری دارد، نمی‌تواند روزه مستحبی بگیرد (۲) و چنانچه فراموش کند و روزه مستحب بگیرد، در صورتی که پیش از ظهر یادش بیاید، روزه مستحبی او به هم می‌خورد و می‌تواند نیت خود را به روزه واجب برگرداند. و اگر بعد از ظهر ملتفت شود، روزه او باطل است و اگر بعد از مغرب یادش بیاید، روزه‌اش صحیح است. (۳)

۱- اشکال دارد.

۲- می‌تواند روزه مستحبی بگیرد بشرط عدم ضیق وقت.

۳- شرط صحت وجود ندارد.

کد مسأله: ۵۷۷۹۴

مسأله ۱۵۷۳

مسأله ۱۵۷۳- اگر غیر از روزه ماه رمضان، روزه معین دیگری بر انسان واجب باشد، مثلاً نذر کرده باشد که روز معینی را روزه بگیرد، چنانچه عمداً تا اذان صبح نیت نکند، روزه اش باطل است، و اگر نداند که روزه آن روز بر او واجب است، یا فراموش کند و پیش از ظهر یادش بیاید، چنانچه کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده باشد و نیت کند روزه او صحیح و گرنه باطل می‌باشد.

کد مسأله: ۵۷۷۹۵

مسأله ۱۵۷۴

مسأله ۱۵۷۴- اگر برای روزه واجب غیر معینی مثل روزه کفاره، عمداً تا نزدیک ظهر نیت نکند، اشکال ندارد. بلکه اگر پیش از نیت تصمیم داشته باشد که روزه نگیرد، یا تردید داشته باشد که بگیرد یا نه، چنانچه کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده باشد، و پیش از ظهر نیت کند، روزه او صحیح است.

کد مسأله: ۵۷۷۹۶

مسأله ۱۵۷۵

مسأله ۱۵۷۵- اگر در ماه رمضان پیش از ظهر کافر مسلمان شود و از اذان صبح تا آن وقت کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده باشد، بنابر احتیاط واجب باید نیت روزه کند (۱) و روزه را تمام نماید. و اگر آن روز را روزه نگیرد، قضای آن را بجا آورد. ۱- واجب نیست بلکه روزه او صحیح نیست و قضا هم ندارد.

کد مسأله: ۵۷۷۹۷

مسأله ۱۵۷۶

مسأله ۱۵۷۶- اگر مریض پیش از ظهر ماه رمضان خوب شود و از اذان صبح تا آن وقت کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده باشد، باید نیت روزه کند (۱) و آن روز را روزه بگیرد، و چنانچه بعد از ظهر خوب شود، روزه آن روز بر او واجب نیست. ۱- اگر مرض جهل مرکب باشد والا واجب نیست بلکه صحت ندارد.

کد مسأله: ۵۷۸۰۰

مسأله ۱۵۷۷

مسأله ۱۵۷۷- روزی را که انسان شک دارد آخر شعبان است یا اول رمضان واجب نیست روزه بگیرد، و اگر بخواهد روزه بگیرد نمی‌تواند نیت روزه رمضان کند، یا نیت کند که اگر رمضان است (۱) روزه رمضان و اگر رمضان نیست روزه قضا یا مانند آن باشد بلکه باید نیت روزه قضا و مانند آن بنماید و چنانچه بعد معلوم شود رمضان بوده، از رمضان حساب می‌شود.

۱- صحت به این نحو بعید نیست بلکه به قصد امر واقعی فعل نیز صحیح است.

کد مسأله: ۵۷۸۰۴

مسئله ۱۵۷۸

مسئله ۱۵۷۸- اگر روزی را که شک دارد آخر شعبان است یا اول رمضان، به نیت روزه قضا یا روزه مستحبی و مانند آن روزه بگیرد، و در بین روز بفهمد که ماه رمضان است، باید نیت روزه رمضان کند.

کد مسئله: ۵۷۸۰۶

مسئله ۱۵۷۹

مسئله ۱۵۷۹- اگر در روزه واجب معینی مثل روزه رمضان مردد شود که روزه خود را باطل کند یا نه، یا قصد کند که روزه را باطل کند، روزه اش باطل می شود، اگر چه از قصدی که کرده توبه نماید و کاری هم که روزه را باطل می کند انجام ندهد.

کد مسئله: ۵۷۸۰۹

مسئله ۱۵۸۰

مسئله ۱۵۸۰- در روزه مستحب و روزه واجبی که وقت آن معین نیست مثل روزه کفاره، اگر قصد کند کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد، یا مردد شود که به جا آورد یا نه، چنانچه به جا نیورد و پیش از ظهر دوباره نیت روزه کند، روزه او صحیح است. (۱)

۱- در روزه مستحب تا قبل از غروب نیت کند روزه او صحیح است.

کد مسئله: ۵۷۸۱۱

چیزهایی که روزه را باطل می کند**مسئله ۱۵۸۱**

مسئله ۱۵۸۱- نه چیز روزه را باطل می کند:

اول: خوردن و آشامیدن. دوم: جماع. سوم: استمناء و استمناء آن است که انسان با خود کاری کند که منی از او بیرون آید. چهارم: دروغ بستن به خدا و پیغمبر و جانشینان پیغمبر علیهم السلام. پنجم: رساندن غبار غلیظ به حلق. ششم: فرو بردن تمام سر در آب. هفتم: باقی ماندن بر جنابت و حیض و نفاس تا اذان صبح. هشتم: اماله کردن با چیزهای روان. نهم: قی کردن. و احکام اینها در مسایل آینده گفته می شود.

کد مسئله: ۵۷۸۱۸

۱- خوردن و آشامیدن**مسئله ۱۵۸۲**

مسئله ۱۵۸۲- اگر روزه دار عمداً چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه او باطل می شود، چه خوردن و آشامیدن آن چیز معمول باشد مثل نان و آب، چه معمول نباشد مثل خاک و شیره درخت، و چه کم باشد یا زیاد. حتی اگر مسواک را از دهان بیرون آورد و دوباره به دهان ببرد و رطوبت آن را فرو برد، روزه او باطل می شود، مگر آنکه رطوبت مسواک در آب دهان به طوری از بین برود که

رطوبت خارج به آن گفته نشود.

کد مسأله: ۵۷۸۲۱

مسأله ۱۵۸۳

مسأله ۱۵۸۳- اگر موقعی که مشغول غذا خوردن است بفهمد صبح شده، باید لقمه را از دهان بیرون آورد. و چنانچه عمداً فرو برد، روزه اش باطل است و به دستوری که بعداً گفته خواهد شد، کفاره هم بر او واجب می شود.

کد مسأله: ۵۷۸۲۴

مسأله ۱۵۸۴

مسأله ۱۵۸۴- اگر روزه دار سهواً چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه اش باطل نمی شود.

کد مسأله: ۵۷۸۲۶

مسأله ۱۵۸۵

مسأله ۱۵۸۵- احتیاط واجب آن است (۱) که روزه دار از استعمال آمپولی که به جای دوا و غذا به کار می رود، خودداری کند. ولی تزریق آمپولی که عضو را بی حس می کند، اشکال ندارد.

۱- واجب نیست چون صدق خوردن و آشامیدن نمی کند و لکن احتیاط حسن است.

کد مسأله: ۵۷۸۲۷

مسأله ۱۵۸۶

مسأله ۱۵۸۶- اگر روزه دار چیزی را که لای دندان مانده است، عمداً فرو ببرد، روزه اش باطل می شود.

کد مسأله: ۵۷۸۲۸

مسأله ۱۵۸۷

مسأله ۱۵۸۷- کسی که می خواهد روزه بگیرد، لازم نیست پیش از اذان دندانهایش را خلال کند، ولی اگر بدانند غذایی که لای دندان مانده در روز فرو می رود، چنانچه خلال نکند و چیزی از آن فرو رود روزه اش باطل می شود. (۱)

۱- بلکه اگر فرو نرود نیز روزه اش باطل است زیرا منافی با قصد صوم (روزه) است.

کد مسأله: ۵۷۸۲۹

مسأله ۱۵۸۸

مسأله ۱۵۸۸- فرو بردن آب دهان، اگر چه بواسطه خیال کردن ترشی و مانند آن در دهان جمع شده باشد، روزه را باطل نمی کند.

کد مسأله: ۵۷۸۳۰

مسأله ۱۵۸۹

مسأله ۱۵۸۹- فرو بردن اخلاط سر و سینه، تا به فضای دهان نرسیده، اشکال ندارد. ولی اگر داخل فضای دهان شود، احتیاط واجب آن است که آن را فرو نبرد.

کد مسأله: ۵۷۸۳۱

مسأله ۱۵۹۰

مسأله ۱۵۹۰- اگر روزه دار به قدری تشنه شود که بترسد از تشنگی بمیرد (۱) می تواند به اندازه ای که از مردن نجات پیدا کند آب بیاشامد ولی روزه او باطل می شود و اگر ماه رمضان باشد، باید در بقیه روز از بجا آوردن کاری که روزه را باطل می کند خودداری نماید.

۱- بلکه به او ضرر برسد یا در حرج واقع شود جایز است آب بیاشامد بلکه در دو صورت اول و دوم واجب است.

کد مسأله: ۵۷۸۳۲

مسأله ۱۵۹۱

مسأل ۱۵۹۱- جویدن غذا برای بچه یا پرنده و چشیدن غذا و مانند اینها که معمولاً به حلق نمی رسد، اگر چه اتفاقاً به حلق برسد، روزه را باطل نمی کند، ولی اگر انسان از اول بداند که به حلق می رسد روزه اش باطل می شود (۱) و باید قضای آن را بگیرد و کفاره هم بر او واجب است.

۱- بلکه اگر هم نرسد باطل می شود زیرا منافی با نیت است

کد مسأله: ۵۷۸۳۳

مسأله ۱۵۹۲

مسأه ۱۵۹۲- انسان نمی تواند برای ضعف روزه را بخورد، ولی اگر ضعف او به قدری است که معمولاً نمی شود آن را تحمل کرد، خوردن روزه اشکال ندارد.

کد مسأله: ۵۷۸۳۵

۲- جماع

مسأله ۱۵۹۳

مسأله ۱۵۹۳- جماع روزه را باطل می کند، اگر چه به مقدار ختنه گاه داخل شود و منی هم بیرون نیاید.

کد مسأله: ۵۷۸۳۸

مسأله ۱۵۹۴

مسأله ۱۵۹۴- اگر کمتر از مقدار ختنه گاه داخل شود و منی هم بیرون نیاید، روزه باطل نمی شود.

کد مسأله: ۵۷۸۴۰

مسئله ۱۵۹۵

مسئله ۱۵۹۵- اگر شك کند که به اندازه ختنه گاه داخل شده یا نه، روزه او صحیح است.

کد مسئله: ۵۷۸۴۲

مسئله ۱۵۹۶

مسئله ۱۵۹۶- اگر فراموش کند که روزه است و جماع نماید، یا او را به جماع مجبور نمایند، (۱) روزه او باطل نمی‌شود. ولی چنانچه در بین جماع یادش بیاید. یا دیگر مجبور نباشد، باید فوراً از حال جماع خارج شود، و اگر خارج نشود، روزه او باطل است.

۱- به نحوی که از خود اراده نداشته باشد والا روزه اش باطل است و قضا هم دارد.

کد مسئله: ۵۷۸۴۵

۳- استمناء**مسئله ۱۵۹۷**

مسئله ۱۵۹۷- اگر روزه دار استمناء کند، یعنی با خود کاری کند که منی از او بیرون آید، روزه اش باطل می‌شود.

کد مسئله: ۵۷۸۴۷

مسئله ۱۵۹۸

مسئله ۱۵۹۸- اگر بی اختیار منی از او بیرون آید، روزه اش باطل نیست. ولی اگر کاری کند که بی اختیار منی از او بیرون آید، روزه اش باطل می‌شود.

کد مسئله: ۵۷۸۵۳

مسئله ۱۵۹۹

مسئله ۱۵۹۹- هرگاه روزه دار بداند که اگر در روز بخوابد، محتلم می‌شود، یعنی در خواب منی از او بیرون می‌آید، بنا بر احتیاط واجب (۱) باید نخوابد. ولی در صورتی که به سبب نخوابیدن به زحمت بیفتد اگر بخوابد روزه اش باطل نمی‌شود.

۱- بلکه بنا بر احتیاط مستحب نخوابد.

کد مسئله: ۵۷۸۵۷

مسئله ۱۶۰۰

مسئله ۱۶۰۰- اگر روزه دار در حال بیرون آمدن منی از خواب بیدار شود، واجب نیست از بیرون آمدن آن جلوگیری کند.

کد مسئله: ۵۷۸۶۱

مسئله ۱۶۰۱

مسأله ۱۶۰۱- روزه‌داری که محتلم شده، می‌تواند بول کند و به دستوری که در مسأله ۷۳ گفته شد، استبرا نماید. اگرچه بدانند به واسطه بول یا استبراء کردن باقیمانده منی از مجری بیرون می‌آید.
کد مسأله: ۵۷۸۶۶

مسأله ۱۶۰۲

مسأله ۱۶۰۲- روزه‌داری که محتلم شده، اگر بدانند منی در مجری مانده و در صورتی که پیش از غسل بول نکند بعد از غسل منی از او بیرون می‌آید، بنابر احتیاط واجب (۱) باید پیش از غسل بول کند.
۱- بلکه بنابر احتیاط مستحب پیش از غسل بول کند.
کد مسأله: ۵۷۸۷۰

مسأله ۱۶۰۳

مسأله ۱۶۰۳- کسی که می‌داند که اگر عمداً منی از خود بیرون آورد، روزه اش باطل می‌شود، در صورتی که به قصد بیرون آمدن منی با کسی بازی و شوخی کند، اگرچه منی از او بیرون نیاید، بنابر احتیاط واجب (۱) باید روزه را تمام کند و قضا هم بنماید.
۱- بلکه اقوی روزه اش باطل است زیرا منافی با نیت است.
کد مسأله: ۵۷۸۷۳

مسأله ۱۶۰۴

مسأله ۱۶۰۴- اگر روزه دار بدون قصد بیرون آمدن منی با کسی بازی و شوخی کند، چنانچه اطمینان دارد که منی از او خارج نمی‌شود، اگر چه اتفاقاً منی بیرون آید روزه او صحیح است. ولی اگر اطمینان ندارد در صورتی که منی از او بیرون آید، روزه اش باطل است.
کد مسأله: ۵۷۸۷۵

۴- دروغ بستن به خدا و پیغمبر

مسأله ۱۶۰۵

مسأله ۱۶۰۵- اگر روزه‌دار به گفتن یا به نوشتن یا به اشاره و مانند اینها، به خدا و پیغمبران و جانشینان پیغمبران عمداً نسبت دروغ بدهد، اگر چه فوراً بگوید دروغ گفتم، یا توبه کند، روزه او باطل است. و احتیاط واجب آن است که به حضرت زهرا سلام الله علیها هم نسبت دروغ ندهد.
کد مسأله: ۵۷۸۷۶

مسأله ۱۶۰۶

مسأله ۱۶۰۶- اگر بخواهد خبری را که نمی‌داند راست است یا دروغ نقل کند، بنابر احتیاط واجب باید از کسی که آن خبر را گفته

یا از کتابی که آن خبر در آن نوشته شده، نقل نماید.

کد مسأله: ۵۷۸۷۷

مسأله ۱۶۰۷

مسأله ۱۶۰۷- اگر چیزی را به اعتقاد این که راست است از قول خدا یا پیغمبر نقل کند و بعد بفهمد دروغ بوده، روزه‌اش باطل نمی‌شود.

کد مسأله: ۵۷۸۷۸

مسأله ۱۶۰۸

مسأله ۱۶۰۸- اگر بداند دروغ بستن به خدا و پیغمبر روزه را باطل می‌کند و چیزی را که می‌داند دروغ است به آنان نسبت دهد و بعداً بفهمد آن چه را که گفته، راست بوده، احتیاط واجب آن است که روزه را تمام کند (۱) و قضای آن را هم بجا آورد.
۱- روزه باطل است از جهت قصد خبر که منافی با نیت است و قضا هم واجب است و باید در ماه رمضان به جهت حرمت ماه مبارک امساک نماید.

کد مسأله: ۵۷۸۷۹

مسأله ۱۶۰۹

مسأله ۱۶۰۹- اگر دروغی را که دیگری ساخته عمداً به خدا و پیغمبر و جانشینان پیغمبر نسبت دهد، روزه‌اش باطل می‌شود، ولی اگر از قول کسی که آن دروغ را ساخته نقل کند، اشکال ندارد.

کد مسأله: ۵۷۸۸۰

مسأله ۱۶۱۰

مسأله ۱۶۱۰- اگر از روزه‌دار پرسند که آیا پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم چنین مطلبی فرموده‌اند و او جایی که در جواب باید بگوید نه، عمداً بگوید بلی، یا جایی که باید بگوید بلی، عمداً بگوید نه، روزه‌اش باطل می‌شود.

کد مسأله: ۵۷۸۸۱

مسأله ۱۶۱۱

مسأله ۱۶۱۱- اگر از قول خدا یا پیغمبر حرف راستی را بگوید، بعد بگوید دروغ گفتم، یا در شب دروغی را به آنان نسبت دهد و فردای آن روز که روزه می‌باشد بگوید آنچه دیشب گفتم راست است، روزه‌اش باطل می‌شود.

کد مسأله: ۵۷۸۸۲

۵- رساندن غبار غلیظ به حلق

مسأله ۱۶۱۲

مسئله ۱۶۱۲- رساندن غبار غلیظ به حلق روزه را باطل می‌کند، چه غبار چیزی باشد که خوردن آن حلال است، مثل آرد، یا غبار چیزی باشد که خوردن آن حرام است مثل خاک و بنابر احتیاط واجب باید غباری را هم که غلیظ نیست به حلق نرساند.
کد مسئله: ۵۹۸۱۵

مسئله ۱۶۱۳

مسئله ۱۶۱۳- اگر به واسطه باد غبار غلیظی پیدا شود و انسان با این که متوجه است مواظبت نکند و به حلق برسد، روزه اش باطل می‌شود.
کد مسئله: ۵۹۸۱۸

مسئله ۱۶۱۴

مسئله ۱۶۱۴- احتیاط واجب آن است که روزه دار بخار غلیظ و دود سیگار و تنباکو و مانند اینها را هم به حلق نرساند.
کد مسئله: ۵۹۸۲۰

مسئله ۱۶۱۵

مسئله ۱۶۱۵- اگر مواظبت نکند و غبار یا بخار یا دود و مانند اینها داخل حلق شود، چنانچه یقین داشته که به حلق نمی‌رسد روزه اش صحیح است. و اگر گمان می‌کرده که به حلق نمی‌رسد، بنابر احتیاط واجب (۱) باید آن روزه را قضا کند.
۱- اگر گمان به سر حد اطمینان برسد روزه صحیح است و قضا ندارد و الا روزه باطل است و قضا هم واجب علی الاقوی
کد مسئله: ۵۹۸۲۲

۶- فرو بردن سر در آب

مسئله ۱۶۱۶

مسئله ۱۶۱۶- اگر فراموش کند که روزه است و مواظبت نکند، یا بی‌اختیار غبار و مانند آن به حلق او برسد، روزه اش باطل نمی‌شود، و چنانچه ممکن است باید آن را بیرون آورد.
کد مسئله: ۵۹۸۲۴

مسئله ۱۶۱۷

مسئله ۱۶۱۷- اگر روزه دار عمداً تمام سر را در آب فرو برد، اگرچه باقی بدن او از آب بیرون باشد، روزه اش باطل می‌شود ولی اگر تمام بدن را آب بگیرد و مقداری از سر بیرون باشد روزه باطل نمی‌شود.
کد مسئله: ۵۹۸۲۷

مسئله ۱۶۱۸

مسئله ۱۶۱۸- اگر نصف سر را یک دفعه و نصف دیگر آن را دفعه‌ی دیگر در آب فرو برد، روزه اش باطل نمی‌شود.

کد مسأله: ۵۹۸۲۹

مسأله ۱۶۱۹

مسأله ۱۶۱۹- اگر شك کند که تمام سر زیر آب رفته یا نه روزه اش صحیح است.

کد مسأله: ۵۹۸۳۲

مسأله ۱۶۲۰

مسأله ۱۶۲۰- اگر تمام سر زیر آب برود ولی مقداری از موها بیرون بماند، روزه باطل می‌شود.

کد مسأله: ۵۹۸۳۸

مسأله ۱۶۲۱

مسأله ۱۶۲۱- اگر سر را در گلاب فرو برد، روزه باطل می‌شود (۱) و احتیاط واجب آن است (۲) که سر را در آبهای مضاف دیگر هم فرو نبرد ولی در چیزهای دیگری که روان است اشکال ندارد.

۱- باطل نمی‌شود.

۲- واجب نیست بلکه مستحسن است.

کد مسأله: ۵۹۸۴۱

مسأله ۱۶۲۲

مسأله ۱۶۲۲- اگر روزه‌دار بی‌اختیار در آب بیفتد و تمام سر او را آب بگیرد، یا فراموش کند که روزه است و سر در آب فرو برد، روزه او باطل نمی‌شود.

کد مسأله: ۵۹۸۴۴

مسأله ۱۶۲۳

مسأله ۱۶۲۳- اگر به خیال این که آب سر او را نمی‌گیرد، خود را در آب بیندازد و آب تمام سر او را بگیرد، روزه اش اشکال دارد. (۱)

۱- اگر گمانش به حد اطمینان نرسیده اشکال دارد والا روزه اش صحیح است.

کد مسأله: ۵۹۸۴۷

مسأله ۱۶۲۴

مسأله ۱۶۲۴- اگر فراموش کند که روزه است و سر را در آب فرو برد یا دیگری به زور سر او را در آب فرو برد، چنانچه در زیر آب یادش بیاید که روزه است، یا آن کس دست خود را بردارد، باید فوراً سر را بیرون آورد، و چنانچه بیرون نیاورد، روزه اش باطل می‌شود.

کد مسأله: ۵۹۸۴۹

مسأله ۱۶۲۵

مسأله ۱۶۲۵- اگر فراموش کند که روزه است و به نیت غسل سر را در آب فرو برد، روزه و غسل او صحیح است.

کد مسأله: ۵۹۸۵۲

مسأله ۱۶۲۶

مسأله ۱۶۲۶- اگر بداند که روزه است و عمداً برای غسل سر را در آب فرو برد، چنانچه روزه او مثل روزه رمضان واجب معین باشد، روزه و غسل هر دو باطل است و اگر روزه مستحب باشد، یا روزه واجبی باشد (۱) که مثل كفاره وقت معینی ندارد غسل صحیح و روزه باطل می باشد.

۱- که ابطال آن جایز باشد والا هر دو باطل است

کد مسأله: ۵۹۸۵۵

مسأله ۱۶۲۷

مسأله ۱۶۲۷- اگر برای آنکه کسی را از غرق شدن نجات دهد، سر را در آب فرو برد، اگرچه نجات دادن او واجب باشد، روزه اش باطل می شود.

کد مسأله: ۵۹۸۶۳

۷- باقیماندن بر جنابت و حیض و نفاس تا اذان صبح**مسأله ۱۶۲۸**

مسأله ۱۶۲۸- اگر جنب عمداً تا اذان صبح غسل نکند یا اگر وظیفه او تیمم است عمداً تیمم ننماید، روزه اش باطل است.

کد مسأله: ۵۹۸۶۵

مسأله ۱۶۲۹

مسأله ۱۶۲۹- اگر در روزه واجبی که مثل روزه ماه رمضان وقت آن معین است، تا اذان صبح غسل نکند و تیمم هم ننماید، ولی از روی عمد نباشد مثل آنکه دیگری نگذارد غسل و تیمم کند روزه اش صحیح است.

کد مسأله: ۵۹۸۷۰

مسأله ۱۶۳۰

مسأله ۱۶۳۰- کسی که جنب است و می خواهد روزه واجبی بگیرد که مثل روزه رمضان وقت آن معین است، چنانچه عمداً غسل نکند تا وقت تنگ شود، بنابر احتیاط واجب (۱) باید تیمم کند و روزه بگیرد و قضای آن را هم بجا آورد.

۱- بلکه واجب است و روزه صحیح و قضا هم ندارد.

کد مسأله: ۵۹۸۷۶

مسأله ۱۶۳۱

مسأله ۱۶۳۱- اگر جنب در ماه رمضان غسل را فراموش کند و بعد از یک روز یادش بیاید، باید روزه آن روز را قضا نماید، و اگر بعد از چند روز یادش بیاید، باید روزه هر چند روزی را که یقین دارد جنب بوده قضا نماید. مثلاً اگر نمی‌داند سه روز جنب بوده یا چهار روز، باید روزه سه روز را قضا کند.

کد مسأله: ۵۹۸۷۹

مسأله ۱۶۳۲

مسأله ۱۶۳۲- کسی که در شب ماه رمضان برای هیچ کدام از غسل و تیمم وقت ندارد، اگر خود را جنب کند، روزه‌اش باطل است و قضا و کفاره بر او واجب می‌شود، ولی اگر برای تیمم وقت دارد، چنانچه خود را جنب کند، بنا بر احتیاط واجب (۱) باید تیمم نماید و روزه بگیرد و قضای آن را هم بجا آورد.

۱- بلکه تیمم واجب و روزه صحیح و قضا هم ندارد.

کد مسأله: ۵۹۸۸۱

مسأله ۱۶۳۳

مسأله ۱۶۳۳- اگر برای آن که بفهمد وقت دارد یا نه، جستجو نماید و گمان کند که به اندازه غسل وقت دارد و خود را جنب کند و بعد بفهمد وقت تنگ بوده، چنانچه تیمم کند، روزه اش صحیح است و اگر بدون جستجو گمان کند که وقت دارد و خود را جنب نماید و بعد بفهمد وقت تنگ بوده و با تیمم روزه بگیرد، بنا بر احتیاط واجب (۱) باید روزه آن روز را قضا کند.

۱- احتیاط واجب نیست زیرا روزه صحیح است.

کد مسأله: ۵۹۸۸۴

مسأله ۱۶۳۴

مسأله ۱۶۳۴- کسی که در شب ماه رمضان جنب است و می‌داند که اگر بخوابد تا صبح بیدار نمی‌شود، نباید بخوابد، و چنانچه بخوابد و تا صبح بیدار نشود، روزه اش باطل است و قضا و کفاره بر او واجب می‌شود.

کد مسأله: ۵۹۸۸۷

مسأله ۱۶۳۵

مسأله ۱۶۳۵- هر گاه جنب در شب ماه رمضان بخوابد و بیدار شود، احتیاط واجب (۱) آن است که پیش از غسل نخوابد، اگر چه احتمال بدهد که اگر دوباره بخوابد پیش از اذان صبح بیدار می‌شود.

۱- احتیاط واجب نیست بلکه مستحسن است.

کد مسأله: ۵۹۸۹۰

مسئله ۱۶۳۶

مسئله ۱۶۳۶- کسی که در شب ماه رمضان جنب است و می‌داند یا احتمال می‌دهد که اگر بخوابد پیش از اذان صبح بیدار می‌شود، چنانچه تصمیم داشته باشد که بعد از بیدار شدن غسل کند و با این تصمیم بخوابد و تا اذان خواب بماند، روزه اش صحیح است. کد مسئله: ۵۹۸۹۲

مسئله ۱۶۳۷

مسئله ۱۶۳۷- کسی که در شب ماه رمضان جنب است و می‌داند یا احتمال می‌دهد که اگر بخوابد پیش از اذان صبح بیدار می‌شود، چنانچه غفلت داشته باشد که بعد از بیدار شدن باید غسل کند، در صورتی که بخوابد و تا اذان صبح خواب بماند، بنابر احتیاط قضا و کفاره بر او واجب می‌شود. (۱)
۱- بلکه واجب نمی‌شود و روزه اش صحیح است. کد مسئله: ۵۹۸۹۶

مسئله ۱۶۳۸

مسئله ۱۶۳۸- کسی که در شب ماه رمضان جنب است و می‌داند یا احتمال می‌دهد که اگر بخوابد پیش از اذان صبح بیدار می‌شود، چنانچه نخواهد بعد از بیدار شدن غسل کند، یا تردید داشته باشد که غسل کند یا نه، در صورتی که بخوابد و بیدار نشود، روزه اش باطل است. کد مسئله: ۵۹۸۹۹

مسئله ۱۶۳۹

مسئله ۱۶۳۹- اگر جنب در شب ماه رمضان بخوابد و بیدار شود و بداند یا احتمال دهد که اگر دوباره بخوابد پیش از اذان صبح بیدار می‌شود و تصمیم هم داشته باشد که بعد از بیدار شدن غسل کند، چنانچه دوباره بخوابد و تا اذان صبح بیدار نشود، باید روزه آن روز را قضا کند، و اگر از خواب دوم بیدار شود و برای مرتبه سوم بخوابد، و تا اذان صبح بیدار نشود، قضای روزه و کفاره بر او واجب می‌شود. (۱)
۱- وجوب کفاره محل اشکال است و لکن احتیاط مستحسن است. کد مسئله: ۵۹۹۰۱

مسئله ۱۶۴۰

مسئله ۱۶۴۰- بنابر احتیاط واجب خوابی را که در آن محتمل شده، باید خواب اول حساب کند (۱) پس اگر بعد از بیدار شدن دوباره بخوابد و بداند یا احتمال دهد که بیدار می‌شود و تصمیم هم داشته باشد که بعد از بیدار شدن غسل کند، چنانچه تا اذان خواب بماند بنابر احتیاط واجب (۲) باید قضای آن روز را بگیرد. اگر دوباره بیدار شود و بداند یا احتمال دهد که اگر بخواند بیدار می‌شود و تصمیم داشته باشد که بعد از بیدار شدن غسل کند در صورتی که باز هم بخوابد و تا اذان خواب بماند، باید قضای آن روز را بگیرد و بنابر احتیاط کفاره هم بر او واجب می‌شود. (۳)

۱- نباید خواب اول حساب کرد.

۲- بنا بر احتیاط غیر واجب

۳- بنا بر احتیاط کفار بر او مستحسن است نه واجب

کد مسأله: ۵۹۹۰۴

مسأله ۱۶۴۱

مسأله ۱۶۴۱- اگر روزه‌دار در روز محتلم شود، واجب نیست فوراً غسل کند.

کد مسأله: ۵۹۹۰۷

مسأله ۱۶۴۲

مسأله ۱۶۴۲- هرگاه در ماه رمضان بعد از اذان صبح بیدار شود و ببیند محتلم شده، اگرچه بداند پیش از اذان محتلم شده، روزه او

صحیح است.

کد مسأله: ۵۹۹۰۹

مسأله ۱۶۴۳

مسأله ۱۶۴۳- کسی که می‌خواهد قضای روزه رمضان را بگیرد، هرگاه تا اذان صبح جنب بماند، اگر چه از روی عمد نباشد، روزه

او باطل است.

کد مسأله: ۵۹۹۱۱

مسأله ۱۶۴۴

مسأله ۱۶۴۴- کسی که می‌خواهد قضای روزه رمضان را بگیرد، اگر بعد از اذان صبح بیدار شود و ببیند محتلم شده و بداند پیش از

اذان محتلم شده است، چنانچه وقت روزه تنگ است، مثلاً پنج روز روزه رمضان دارد، و پنج روز هم به رمضان مانده است، بنابر

احتیاط واجب (۱) باید آن روز را روزه بگیرد و بعد از رمضان هم عوض آن را بجا آورد و اگر وقت قضای روزه تنگ نیست،

روزه او باطل است.

۱- بنابر احتیاط مستحسن آن روزه را بگیرد و الا واجب نیست.

کد مسأله: ۵۹۹۱۳

مسأله ۱۶۴۵

مسأله ۱۶۴۵- اگر در روزه واجبی غیر روزه رمضان و قضای آن، تا اذان صبح جنب بماند، ولی از روی عمد نباشد چنانچه وقت آن

روز معین است مثلاً نذر کرده که آن روز را روزه بگیرد، روزه اش صحیح است و اگر مثل روزه کفاره وقت آن معین نیست،

احتیاط واجب (۱) آن است که غیر از آن روز، روز دیگری را روزه بگیرد.

۱- بلکه احتیاط مستحسن آن است که غیر آن روز را روزه بگیرد.

کد مسأله: ۵۹۹۲۰

مسئله ۱۶۴۶

مسئله ۱۶۴۶- اگر زن پیش از اذان صبح از حیض یا نفاس پاک شود و عمداً غسل نکند، یا اگر وظیفه او تیمم است تیمم نکند، روزه‌اش باطل است.

کد مسئله: ۵۹۹۲۳

مسئله ۱۶۴۷

مسئله ۱۶۴۷- اگر زن پیش از اذان صبح از حیض یا نفاس پاک شود و برای غسل وقت نداشته باشد، چنانچه بخواهد روزه واجبی بگیرد که مثل روزهی رمضان وقت آن معین است باید تیمم نماید (۱) و بنا بر احتیاط واجب (۲) تا اذان صبح بیدار بماند. و اگر بخواهد روزه مستحب یا روزهی واجبی بگیرد که مثل روزه کفاره وقت آن معین نیست، نمی‌تواند با تیمم روزه بگیرد.

۱- بلکه می‌تواند با تیمم روزه بگیرد.

۲- بنا بر احتیاط مستحسن

کد مسئله: ۵۹۹۲۶

مسئله ۱۶۴۸

مسئله ۱۶۴۸- اگر زن نزدیک اذان صبح از حیض یا نفاس پاک شود و برای هیچ کدام از غسل و تیمم وقت نداشته باشد، یا بعد از اذان بفهمد که پیش از اذان پاک شده، چنانچه روزه ای را که می‌گیرد مثل روزه رمضان واجب معین باشد صحیح است. و اگر روزه مستحب یا روزه ای باشد که مثل روزه کفاره وقت آن معین نیست، صحیح بودن آن اشکال دارد.

۱- بلکه صحت آن اشکال ندارد.

کد مسئله: ۵۹۹۲۸

مسئله ۱۶۴۹

مسئله ۱۶۴۹- اگر زن بعد از اذان صبح از خون حیض یا نفاس پاک شود، یا در بین روز خون حیض یا نفاس ببیند، اگر چه نزدیک مغرب باشد، روزه او باطل است.

کد مسئله: ۵۹۹۳۲

مسئله ۱۶۵۰

مسئله ۱۶۵۰- اگر زن غسل حیض یا نفاس را فراموش کند و بعد از یک روز یا چند روز یادش بیاید، روزه‌هایی که گرفته صحیح است.

کد مسئله: ۵۹۹۳۵

مسئله ۱۶۵۱

مسأله ۱۶۵۱- اگر زن پیش از اذان صبح از حیض یا نفاس پاک شود و در غسل کردن کوتاهی کند و تا اذان غسل نکند روزه‌اش باطل است. (۱) ولی چنانچه کوتاهی نکند، مثلاً منتظر باشد که حمام زنانه شود، اگرچه سه مرتبه بخوابد و تا اذان غسل نکند، روزه او صحیح است. (۲)

۱- اگر تیمم نکرده باشد والا صحیح است.

۲- در صورتی که با تیمم وارد صبح شود.

کد مسأله: ۵۹۹۳۷

مسأله ۱۶۵۲

مسأله ۱۶۵۲- اگر زنی که در حال استحاضه است، غسلهای خود را به تفصیلی که در احکام استحاضه در مسأله ۴۰۱-۴۰۵ گفته شد بجا آورد، روزه او صحیح است.

کد مسأله: ۵۹۹۴۰

مسأله ۱۶۵۳

مسأله ۱۶۵۳- کسی که مس میت کرده، یعنی جایی از بدن خود را به بدن میت رسانده، می‌تواند بدون غسل مس میت روزه بگیرد. و اگر در حال روزه هم میت را مس نماید، روزه او باطل نمی‌شود.

کد مسأله: ۵۹۹۴۲

۸- اماله کردن

مسأله ۱۶۵۴

مسأله ۱۶۵۴- اماله کردن با چیز روان اگر چه از روی ناچاری و برای معالجه باشد، روزه را باطل می‌کند.

کد مسأله: ۵۹۹۴۴

۹- قی کردن

مسأله ۱۶۵۵

مسأله ۱۶۵۵- هرگاه روزه‌دار عمداً قی کند اگر چه به واسطه مرض و مانند آن ناچار باشد روزه‌اش باطل می‌شود، ولی اگر سهواً یا بی‌اختیار قی کند، اشکال ندارد.

کد مسأله: ۵۹۹۴۸

مسأله ۱۶۵۶

مسأله ۱۶۵۶- اگر در شب چیزی بخورد که می‌داند به واسطه خوردن آن در روز بی‌اختیار قی می‌کند، احتیاط واجب آن است که روزه آن روز را قضا نماید.

کد مسأله: ۵۹۹۵۰

مسأله ۱۶۵۷

مسأله ۱۶۵۷- اگر روزه‌دار بتواند از قی کردن خودداری کند، چنانچه برای او ضرر و مشقت نداشته باشد، باید خودداری نماید. (۱)
 ۱- لازم نیست خودداری کردن

کد مسأله: ۵۹۹۵۳

مسأله ۱۶۵۸

مسأله ۱۶۵۸- اگر مگس در گلوی روزه‌دار برود، چنانچه ممکن باشد، باید آن را بیرون آورد و روزه او باطل نمی شود. ولی اگر بداند که به واسطه بیرون آوردن آن قی می کند واجب نیست بیرون آورد و روزه او صحیح است.

کد مسأله: ۵۹۹۵۵

مسأله ۱۶۵۹

مسأله ۱۶۵۹- اگر سهواً چیزی را فرو برد و پیش از رسیدن به شکم یادش بیاید که روزه است، چنانچه ممکن باشد، باید آن را بیرون آورد (۱) و روزه او صحیح است.

۱- بعد از گذشتن از حلق بیرون آوردن واجب نیست ولو به معده نرسیده باشد

کد مسأله: ۵۹۹۵۸

مسأله ۱۶۶۰

مسأله ۱۶۶۰- اگر یقین داشته باشد که به واسطه آروغ زدن چیزی از گلو بیرون می آید، نباید عمداً آروغ بزند، ولی اگر یقین نداشته باشد اشکال ندارد.

کد مسأله: ۵۹۹۶۱

مسأله ۱۶۶۱

مسأله ۱۶۶۱- اگر آروغ بزند و چیزی در گلو یا دهانش بیاید (۱) باید آن را بیرون بریزد و اگر بی اختیار فرو رود، روزه اش صحیح است.

۱- در مورد دهان صحیح است و اما در مورد گلو لازم نیست آن را بیرون آورد.

کد مسأله: ۵۹۹۶۳

احکام چیزهایی که روزه را باطل می کند**مسأله ۱۶۶۲**

مسأله ۱۶۶۲- اگر انسان عمداً و از روی اختیار کاری که روزه را باطل می کند، انجام دهد، روزه او باطل می شود و چنانچه از روی

عمد نباشد اشکال ندارد، ولی جنب اگر بخوابد و به تفصیلی که در مسأله ۱۶۳۹ گفته شد تا اذان صبح غسل نکند، روزه او باطل است.

کد مسأله: ۵۹۹۶۵

مسأله ۱۶۶۳

مسأله ۱۶۶۳- اگر روزه‌دار سهواً یکی از کارهایی که روزه را باطل می‌کند انجام دهد و به خیال این که روزه‌اش باطل شده، عمداً دوباره یکی از آنها را بجا آورد، روزه او باطل می‌شود.

کد مسأله: ۵۹۹۶۸

مسأله ۱۶۶۴

مسأله ۱۶۶۴- اگر چیزی به زور در گلوی روزه‌دار بریزند، یا سر او را به زور در آب فرو برند، روزه او باطل نمی‌شود، ولی اگر مجبورش کنند که روزه خود را باطل کند مثلاً- به او بگویند اگر غذا نخوری ضرر مالی یا جانی به تو می‌زنیم و خودش برای جلوگیری از ضرر، چیزی بخورد، روزه او باطل می‌شود.

کد مسأله: ۵۹۹۷۱

مسأله ۱۶۶۵

مسأله ۱۶۶۵- روزه‌دار نباید جایی برود که می‌داند چیزی در گلوش می‌ریزند یا مجبورش می‌کنند که خودش روزه خود را باطل کند، و اگر برود و چیزی در گلوش بریزند، یا از روی ناچاری کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد، روزه او باطل می‌شود، بلکه اگر قصد رفتن کند، اگرچه نرود روزه اش باطل است.

کد مسأله: ۵۹۹۷۳

آنچه برای روزه‌دار مکروه است

مسأله ۱۶۶۶

مسأله ۱۶۶۶- چند چیز برای روزه‌دار مکروه است و از آن جمله است: دوا ریختن به چشم و سرمه کشیدن در صورتی که مزه یا بوی آن به حلق برسد، انجام دادن هر کاری که مانند خون گرفتن و حمام رفتن باعث ضعف می‌شود، انفیه کشیدن اگر نداند که به حلق می‌رسد و اگر بداند به حلق می‌رسد جایز نیست، بو کردن گیاههای معطر، نشستن زن در آب، استعمال شیاف، تر کردن لباسی که در بدن است، کشیدن دندان و هر کاری که به واسطه آن از دهان خون بیاید، مسواک کردن به چوب تر، بی جهت آب یا چیزی در دهان کردن. و نیز مکروه است انسان بدون قصد بیرون آمدن منی زن خود را ببوسد، یا کاری کند که شهوت خود را به حرکت آورد. و اگر به قصد بیرون آمدن منی باشد، روزی او باطل می‌شود.

کد مسأله: ۵۹۹۷۶

جاهایی که قضا و کفاره واجب است

مسأله ۱۶۶۷

مسأله ۱۶۶۷- اگر در روزه ماه رمضان عمداً قی کند یا در شب جنب شود و به تفصیلی که در مسأله ۱۶۳۹ گفته شد بیدار شود و دوباره بخوابد و تا اذان صبح بیدار نشود، فقط باید قضای آن روز را بگیرد ولی اگر کار دیگری که روزه را باطل می کند، عمداً انجام دهد، در صورتی که می دانسته آن کار روزه را باطل می کند، قضا و کفاره (۱) بر او واجب می شود.

۱- غیر از تماس و اماله قضا و کفاره واجب می شود و در آنها احتیاط است.

کد مسأله: ۵۹۹۷۹

مسأله ۱۶۶۸

مسأله ۱۶۶۸- اگر به واسطه ندانستن مسأله کاری انجام دهد که روزه را باطل می کند، چنانچه می توانسته مسأله را یاد بگیرد، بنا بر احتیاط کفاره بر او واجب می شود و اگر نمی توانسته مسأله را یاد بگیرد کفاره بر او واجب نیست.

کد مسأله: ۵۹۹۸۴

کفاره روزه**مسأله ۱۶۶۹**

مسأله ۱۶۶۹- کسی که کفاره روزه رمضان بر او واجب است، باید یک بنده آزاد کند یا به دستوری که در مسأله بعد گفته می شود، دو ماه روزه بگیرد، یا شصت فقیر را سیر کند یا به هر کدام، یک مد که تقریباً ده سیر است، طعام یعنی گندم یا جو و مانند اینها بدهد، و چنانچه اینها برایش ممکن نباشد، باید ۱۸ روز پی در پی روز بگیرد (۱) و اگر نتواند، بنا بر احتیاط واجب هر چند مد که می تواند به فقرا طعام بدهد، و اگر نتواند روزه بگیرد و طعام بدهد باید استغفار کند، اگر چه مثلاً یک مرتبه بگوید: "استغفرالله،" و احتیاط واجب آن است که هر وقت بتواند، کفاره را بدهد.

۱- مخیر است بین هیجده روز روزه و هر مقدار طعام که می تواند و ترتیب بین آن دو نیست.

کد مسأله: ۵۹۹۸۶

مسأله ۱۶۷۰

مسأله ۱۶۷۰- کسی که می خواهد دو ماه کفاره روزه رمضان را بگیرد، باید سی و یک روز آن را پی در پی بگیرد، و اگر بقیه آن پی در پی نباشد، اشکال ندارد.

کد مسأله: ۵۹۹۸۹

مسأله ۱۶۷۱

مسأله ۱۶۷۱- کسی که می خواهد دو ماه کفاره روزه رمضان را بگیرد، نباید موقعی شروع کند که در بین سی و یک روز، روزی باشد که مانند عید قربان، روزه آن حرام است.

کد مسأله: ۵۹۹۹۲

مسئله ۱۶۷۲

مسئله ۱۶۷۲- کسی که باید پی در پی روزه بگیرد، اگر در بین آن بدون عذر یک روز روزه نگیرد، یا وقتی شروع کند که در بین آن به روزی برسد که روزه آن واجب است، مثلاً به روزی برسد که نذر کرده آن روز را روزه بگیرد، باید روزه‌ها را از سر بگیرد.
کد مسئله: ۵۹۹۹۵

مسئله ۱۶۷۳

مسئله ۱۶۷۳- اگر در بین روزهایی که باید پی در پی روزه بگیرد، عذری مثل حیض یا نفاس یا سفری که در رفتن آن مجبور است، برای او پیش آید، بعد از برطرف شدن عذر واجب نیست روزه‌ها را از سر بگیرد، بلکه بقیه را بعد از برطرف شدن عذر بجای می‌آورد.
کد مسئله: ۵۹۹۹۸

مسئله ۱۶۷۴

مسئله ۱۶۷۴- اگر به چیز حرامی روزه خود را باطل کند، چه آن چیز اصلاً حرام باشد مثل شراب و زنا، یا به جهتی حرام شده باشد مثل خوردن غذای حلالی که برای انسان ضرر دارد و نزدیکی کردن با عیال خود در حال حیض، بنا بر احتیاط (۱) کفاره جمع بر او واجب می‌شود، یعنی باید یک بنده آزاد کند و دو ماه روزه بگیرد و شصت فقیر را سیر کند، یا به هر کدام آنها یک مد که تقریباً ده سیر است گندم یا جو یا نان و مانند اینها بدهد. و چنانچه هر سه برایش ممکن نباشد، هر کدام آنها را که ممکن است باید انجام دهد.

۱- بنا بر اقوی کفاره جمع بر او واجب است.

کد مسئله: ۶۰۰۰۱

مسئله ۱۶۷۵

مسئله ۱۶۷۵- اگر روزه دار دروغی را به خدا و پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم نسبت دهد، اگرچه روزه خود را به چیز حرام باطل کرده، ولی کفاره جمع که تفصیل آن در مسئله پیش گفته شد بر او واجب نمی‌شود. (۱)
۱- بلکه واجب می‌شود
کد مسئله: ۶۰۰۰۳

مسئله ۱۶۷۶

مسئله ۱۶۷۶- اگر روزه دار در یک روز ماه رمضان چند مرتبه جماع کند، بنا بر احتیاط برای هر دفعه یک کفاره بر او واجب است، ولی اگر جماع او حرام باشد برای هر دفعه یک کفاره جمع واجب می‌شود.
کد مسئله: ۶۰۰۰۶

مسئله ۱۶۷۷

مسئله ۱۶۷۷- اگر روزه‌دار در یک روز ماه رمضان چند مرتبه غیر جماع کار دیگری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد، برای همه آنها یک کفاره کافی است.

کد مسئله: ۶۰۰۰۸

مسئله ۱۶۷۸

مسئله ۱۶۷۸- اگر روزه‌دار غیر جماع کار دیگری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد و بعد با حلال خود جماع نماید، بنا بر احتیاط (۱) برای هر کدام یک کفاره واجب می‌شود.

۱- بلکه یک کفاره کافی است و زائد بر آن مستحسن است.

کد مسئله: ۶۰۰۱۰

مسئله ۱۶۷۹

مسئله ۱۶۷۹- اگر روزه‌دار غیر جماع کار دیگری که حلال است و روزه را باطل می‌کند، انجام دهد، مثلاً آب بیاشامد، و بعد کار دیگری که حرام است و روزه را باطل می‌کند غیر جماع انجام دهد، مثلاً غذای حرامی بخورد، یک کفاره کافی است.

کد مسئله: ۶۰۰۱۳

مسئله ۱۶۸۰

مسئله ۱۶۸۰- اگر روزه‌دار آروغ بزند و چیزی در دهانش بیاید، چنانچه عمداً آن را فرو ببرد، روزه‌اش باطل است و باید قضای آن را بگیرد و کفاره هم بر او واجب می‌شود، و اگر خوردن آن چیز حرام باشد، مثلاً موقع آروغ زدن خون یا غذایی که از صورت غذا بودن خارج شده به دهان او بیاید و عمداً آن را فرو برد، باید قضای آن روزه را بگیرد، و بنا بر احتیاط (۱) کفاره جمع هم بر او واجب می‌شود.

۱- علی الاقوی کفاره جمع بر او واجب است.

کد مسئله: ۶۰۰۱۵

مسئله ۱۶۸۱

مسئله ۱۶۸۱- اگر نذر کند که روز معینی را روزه بگیرد، چنانچه در آن روز عمداً روزه خود را باطل کند، باید یک بنده آزاد نماید، یا دو ماه پی در پی روزه بگیرد، یا به شصت فقیر طعام دهد.

کد مسئله: ۶۰۰۱۷

مسئله ۱۶۸۲

مسئله ۱۶۸۲- کسی که می‌تواند وقت را تشخیص دهد، اگر به گفته کسی که می‌گوید مغرب شده (۱) افطار کند، و بعد بفهمد مغرب نبوده است، قضا و کفاره بر او واجب می‌شود.

۱- در صورتی که علم یا اطمینان حاصل نشده باشد یا شرعاً قول گوینده متبع نباشد والا قضا بدون کفاره واجب است.

کد مسئله: ۶۰۰۲۰

مسئله ۱۶۸۳

مسئله ۱۶۸۳- کسی که عمداً روزه خود را باطل کرده، اگر بعد از ظهر مسافرت کند، یا پیش از ظهر برای فرار از کفاره سفر نماید، کفاره از او ساقط نمی‌شود، بلکه اگر قبل از ظهر مسافرتی برای او پیش آمد کند، بنابر احتیاط (۱) کفاره بر او واجب است.

۱- بلکه علی الاقوی کفاره بر او واجب است.

کد مسئله: ۶۰۰۲۲

مسئله ۱۶۸۴

مسئله ۱۶۸۴- اگر عمداً روزه خود را باطل کند، و بعد عذری مانند حیض یا نفاس یا مرض برای او پیدا شود، کفاره بر او واجب نیست.

کد مسئله: ۶۰۰۲۵

مسئله ۱۶۸۵

مسئله ۱۶۸۵- اگر یقین کند که روز اول ماه رمضان است، و عمداً روزه خود را باطل کند، بعد معلوم شود که آخر شعبان بوده، کفاره بر او واجب نیست.

کد مسئله: ۶۰۰۲۷

مسئله ۱۶۸۶

مسئله ۱۶۸۶- اگر انسان شک کند که آخر رمضان است یا اول شوال، و عمداً روزه خود را باطل کند، بعد معلوم شود اول شوال بوده، کفاره بر او واجب نیست.

کد مسئله: ۶۰۰۳۰

مسئله ۱۶۸۷

مسئله ۱۶۸۷- اگر روزه دار در ماه رمضان با زن خود که روزه دار است جماع کند، چنانچه زن را مجبور کرده باشد، کفاره روزه خودش و روزه زن را باید بدهد و اگر زن به جماع راضی بوده، بر هر کدام یک کفاره واجب است.

کد مسئله: ۶۰۰۳۲

مسئله ۱۶۸۸

مسئله ۱۶۸۸- اگر زنی شوهر روزه دار خود را مجبور به جماع نماید، یا کاری دیگری که روزه را باطل می‌کند، انجام دهد، واجب نیست کفاره روزه شوهر را بدهد.

کد مسئله: ۶۰۰۳۵

مسئله ۱۶۸۹

مسئله ۱۶۸۹- اگر روزه دار در ماه رمضان زن خود را مجبور به جماع نماید و در بین جماع زن راضی شود بنا بر احتیاط واجب باید مرد دو کفاره و زن یک کفاره بدهد.

کد مسئله: ۶۰۰۳۷

مسئله ۱۶۹۰

مسئله ۱۶۹۰- اگر روزه دار در ماه رمضان با زن روزه دار خود که خواب است جماع نماید، یک کفاره بر او واجب می شود، و روزه زن صحیح است و کفاره هم بر او واجب نیست.

کد مسئله: ۶۰۰۳۹

مسئله ۱۶۹۱

مسئله ۱۶۹۱- اگر مرد زن خود را مجبور کند که غیر جماع کار دیگری که روزه را باطل می کند بجا آورد، کفاره زن را نباید بدهد، و بر خود زن هم کفاره واجب نیست.

کد مسئله: ۶۰۰۴۲

مسئله ۱۶۹۲

مسئله ۱۶۹۲- کسی که به واسطه مسافرت یا مرض روزه نمی گیرد، نمی تواند زن روزه دار خود را مجبور به جماع کند، ولی اگر او را مجبور نماید، کفاره بر مرد واجب نیست.

کد مسئله: ۶۰۰۴۴

مسئله ۱۶۹۳

مسئله ۱۶۹۳- انسان نباید در بجا آوردن کفاره کوتاهی کند، ولی لازم نیست فوراً آن را انجام دهد.

کد مسئله: ۶۰۰۴۷

مسئله ۱۶۹۴

مسئله ۱۶۹۴- اگر کفاره بر انسان واجب شود و چند سال آن را بجا نیاورد، چیزی بر آن اضافه نمی شود.

کد مسئله: ۶۰۰۵۱

مسئله ۱۶۹۵

مسئله ۱۶۹۵- کسی که باید برای کفاره یک روز شصت فقیر را طعام بدهد، اگر به شصت فقیر دسترسی دارد، نباید به هر کدام از آنها بیشتر از یک مد که تقریباً ده سیر است طعام بدهد، یا یک فقیر را بیشتر از یک مرتبه سیر نماید، ولی می تواند برای هر یک از عیالات فقیر اگرچه صغیر باشند یک مد به آن فقیر بدهد.

کد مسئله: ۶۰۰۵۴

مسئله ۱۶۹۶

مسئله ۱۶۹۶- کسی که قضای روزه رمضان را گرفته، اگر بعد از ظهر عمداً کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد، باید به ده فقیر هر کدام یک مد که تقریباً ده سیر است طعام بدهد، و اگر نمی‌تواند سه روز پی در پی روزه بگیرد.
کد مسئله: ۶۰۰۵۷

جاهایی که فقط قضای روزه واجب است

مسئله ۱۶۹۷

مسئله ۱۶۹۷- در چند صورت فقط قضای روزه بر انسان واجب است، و کفاره واجب نیست:
اول: آنکه روزه‌دار در روز ماه رمضان عمداً قی کند.
دوم: آنکه در شب ماه رمضان جنب باشد و به تفصیلی که در مسئله ۱۶۳۹ گفته شد تا اذان صبح از خواب دوم بیدار نشود.
سوم: عملی که روزه را باطل می‌کند بجا نیارد، ولی نیت روزه نکند. یا ریا کند، یا قصد کند که روزه نباشد. یا قصد کند کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد.
چهارم: آنکه در ماه رمضان غسل جنابت را فراموش کند، و با حال جنابت یک روز یا چند روز روزه بگیرد.
پنجم: آنکه در ماه رمضان بدون این که تحقیق کند صبح شده یا نه، کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد، بعد معلوم شود صبح بوده و نیز اگر بعد از تحقیق با این که گمان دارد صبح شده، کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد بعد معلوم شود صبح بوده، قضای آن روزه بر او واجب است. بلکه اگر بعد از تحقیق شک کند که صبح شده یا نه و کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد، بعد معلوم شود صبح بوده، احتیاط واجب آن است که قضای روزه آن روز را بجا آورد.
ششم: آنکه کسی بگوید صبح نشده و انسان به گفته او کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد، بعد معلوم شود صبح بوده است.
هفتم: آنکه کسی بگوید صبح شده و انسان به گفته او یقین نکند، یا خیال کند شوخی می‌کند و کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد، بعد معلوم شود صبح بوده است.
هشتم: آنکه کور و مانند آن به گفته کس دیگر افطار کند بعد معلوم شود مغرب نبوده است. (۱)
نهم: آنکه در هوای صاف به واسطه تاریکی یقین کند که مغرب شده و افطار کند، بعد معلوم شود مغرب نبوده است. ولی اگر در هوای ابر به گمان این که مغرب شده افطار کند، بعد معلوم شود مغرب نبوده، قضا لازم نیست.
دهم: آنکه برای خنک شدن، یا بی جهت مضمضه کند، یعنی آب در دهان بگرداند و بی اختیار فرو رود. ولی اگر فراموش کند که روزه است و آب را فرو دهد، یا برای وضو مضمضه کند (۲) و بی اختیار فرو رود، قضا بر او واجب نیست.
۱- اگر مفید علم و اطمینان باشد یا قول او حجت باشد والا کفاره هم واجب است.
۲- اگر وضو واجب باشد والا روزه را قضا کند.
کد مسئله: ۶۰۰۶۱

مسئله ۱۶۹۸

مسئله ۱۶۹۸- اگر غیر آب چیز دیگری را در دهان ببرد و بی اختیار فرو رود، یا آب داخل بینی کند و بی اختیار فرو رود، قضا بر او واجب نیست.

کد مسأله: ۶۰۰۶۵

مسأله ۱۶۹۹

مسأله ۱۶۹۹- مضمضه زیاد برای روزه‌دار مکروه است. و اگر بعد از مضمضه بخواند آب دهان را فرو برد، بهتر است سه مرتبه آب دهان را بیرون بریزد.

کد مسأله: ۶۰۰۶۷

مسأله ۱۷۰۰

مسأله ۱۷۰۰- اگر انسان بداند که به واسطه مضمضه، بی‌اختیار یا از روی فراموشی آب وارد گلویش می‌شود، نباید مضمضه کند. (۱)

۱- تکلیفاً اشکالی ندارد ولو وضعاً در بعض صور موجب قضا شود.

کد مسأله: ۶۰۰۷۲

مسأله ۱۷۰۱

مسأله ۱۷۰۱- اگر در ماه رمضان بعد از تحقیق یقین کند که صبح نشده و کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد، بعد معلوم شود صبح بوده، قضا لازم نیست.

کد مسأله: ۶۰۰۷۶

مسأله ۱۷۰۲

مسأله ۱۷۰۲- اگر انسان شك کند که مغرب شده یا نه، نمی‌تواند افطار کند، ولی اگر شك کند که صبح شده یا نه، پیش از تحقیق هم می‌تواند کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد.

کد مسأله: ۶۰۰۷۹

احکام روزه قضا

مسأله ۱۷۰۳

مسأله ۱۷۰۳- اگر دیوانه عاقل شود، واجب نیست روزه‌های وقتی را که دیوانه بوده قضا نماید.

کد مسأله: ۶۰۰۸۳

مسأله ۱۷۰۴

مسأله ۱۷۰۴- اگر کافر مسلمان شود، واجب نیست روزه‌های وقتی را که کافر بوده قضا نماید، ولی اگر مسلمانی کافر شود و دوباره مسلمان گردد، روزه‌های وقتی را که کافر بوده باید قضا نماید.

کد مسأله: ۶۰۰۸۶

مسئله ۱۷۰۵

مسئله ۱۷۰۵- روزه‌ای که از انسان به واسطه مستی فوت شده باید قضا نماید، اگر چه چیزی را که به واسطه آن مست شده برای معالجه خورده باشد.

کد مسئله: ۶۰۰۸۹

مسئله ۱۷۰۶

مسئله ۱۷۰۶- اگر برای عذری چند روز روزه نگیرد و بعد شك کند که چه وقت عذر او برطرف شده، بنا بر احتیاط واجب (۱) باید مقدار بیشتری را که احتمال می‌دهد روزه نگرفته قضا نماید، مثلاً کسی که پیش از ماه رمضان مسافرت کرده و نمی‌داند پنجم رمضان از سفر برگشته یا ششم، باید احتیاطاً شش روز روزه بگیرد. ولی کسی که نمی‌داند چه وقت عذر برایش پیدا شده، می‌تواند مقدار کمتر را قضا نماید، مثلاً اگر در آخرهای ماه رمضان مسافرت کند و بعد از رمضان برگردد و نداند که بیست و پنجم رمضان مسافرت کرده یا بیست و ششم، می‌تواند مقدار کمتر یعنی پنج روز را قضا کند، اگر چه احتیاط مستحب آن است که مقدار بیشتر یعنی شش روز را قضا نماید.

۱- بلکه بنا بر احتیاط مستحب و اقوی کفایت اقل است در هر دو صورت.

کد مسئله: ۶۰۰۹۲

مسئله ۱۷۰۷

مسئله ۱۷۰۷- اگر از چند ماه رمضان روزه قضا داشته باشد، قضای هر کدام را که اول بگیرد مانعی ندارد. ولی اگر وقت قضای رمضان آخر تنگ باشد، مثلاً پنج روز از رمضان آخر قضا داشته باشد و پنج روز هم به رمضان مانده باشد، احتیاط آن است که اول قضای رمضان آخر را بگیرد.

کد مسئله: ۶۰۰۹۵

مسئله ۱۷۰۸

مسئله ۱۷۰۸- اگر قضای روزه چند رمضان بر او واجب باشد، و در نیت معین نکند روزه‌ای را که می‌گیرد قضای کدام رمضان است، قضای سال اول حساب می‌شود. (۱)

۱- انصراف به سال اول محل کلام است مگر اینکه قرینه‌ای بر تعیین ولو به نحو اجمال در نیت باشد.

کد مسئله: ۶۰۰۹۷

مسئله ۱۷۰۹

مسئله ۱۷۰۹- کسی که قضای روزه رمضان را گرفته، اگر وقت قضای روزه او تنگ نباشد، می‌تواند پیش از ظهر روزه خود را باطل نماید.

کد مسئله: ۶۰۱۰۰

مسئله ۱۷۱۰

مسئله ۱۷۱۰- اگر قضای روزه میتی را گرفته باشد، احتیاط واجب (۱) آن است که بعد از ظهر روزه را باطل نکند.

۱- بلکه واجب آن است که بعد از ظهر روزه را باطل نکند.

کد مسئله: ۶۰۱۰۲

مسئله ۱۷۱۱

مسئله ۱۷۱۱- اگر به واسطه مرض یا حیض یا نفاس، روزه رمضان را نگیرد و پیش از تمام شدن رمضان بمیرد، لازم نیست روزه هایی را که نگرفته، برای او قضا کنند.

کد مسئله: ۶۰۱۰۶

مسئله ۱۷۱۲

مسئله ۱۷۱۲- اگر به واسطه مرضی روزه رمضان را نگیرد و مرض او تا رمضان سال بعد طول بکشد، قضای روزه هایی را که نگرفته بر او واجب نیست و باید برای هر روز یک مد که تقریباً ده سیر است طعام، یعنی گندم یا جو و مانند اینها به فقیر بدهد. ولی اگر به واسطه عذر دیگری، مثلاً برای مسافرت روزه نگرفته باشد و عذر او تا رمضان بعد باقی بماند، روزه هایی را که نگرفته، باید قضا کند، و احتیاط مستحب آن است که برای هر روز یک مد طعام هم به فقیر بدهد.

کد مسئله: ۶۰۱۰۸

مسئله ۱۷۱۳

مسئله ۱۷۱۳- اگر به واسطه مرضی روزه رمضان را نگیرد و بعد از رمضان مرض او برطرف شود ولی عذر دیگری پیدا کند که نتواند تا رمضان بعد قضای روزه را بگیرد، باید روزه هایی را که نگرفته، قضا نماید. و نیز اگر در ماه رمضان غیر مرض، عذر دیگری داشته باشد و بعد از رمضان آن عذر برطرف شود و تا رمضان سال بعد به واسطه مرض نتواند روزه بگیرد، روزه هایی را که نگرفته، باید قضا کند. (۱)

۱- در این صورت اقوی وجوب یک مد طعام است و احتیاط جمع بین فدیة و قضا است.

کد مسئله: ۶۰۱۱۳

مسئله ۱۷۱۴

مسئله ۱۷۱۴- اگر در ماه رمضان به واسطه عذری روزه نگیرد و بعد از رمضان عذر او برطرف شود و تا رمضان آینده عمداً قضای روزه را نگیرد، باید روزه را قضا کند و برای هر روز یک مد گندم یا جو و مانند اینها هم به فقیر بدهد.

کد مسئله: ۶۰۱۱۵

مسئله ۱۷۱۵

مسئله ۱۷۱۵- اگر در قضای روزه کوتاهی کند تا وقت تنگ شود و در تنگی وقت عذری پیدا کند، باید قضا را بگیرد و برای هر

روز یک مد گندم یا جو و مانند اینها به فقیر بدهد، ولی اگر موقعی که عذر دارد، تصمیم داشته باشد که بعد از برطرف شدن عذر روزه‌های خود را قضا کند و پیش از آن که قضا نماید در تنگی وقت عذر پیدا کند، قضا کافی است. (۱)

۱- بلکه اقوی جمع بین قضا و کفاره است.

کد مسأله: ۶۰۱۱۷

مسأله ۱۷۱۶

مسأله ۱۷۱۶- اگر مرض انسان چند سال طول بکشد، بعد از آن که خوب شد باید قضای رمضان آخر را بگیرد و برای هر روز از سالهای پیش یک مد که تقریباً ده سیر است، طعام یعنی گندم یا جو و مانند اینها به فقیر بدهد.

کد مسأله: ۶۰۱۲۴

مسأله ۱۷۱۷

مسأله ۱۷۱۷- کسی که باید برای هر روز یک مد طعام به فقیر بدهد، می‌تواند کفاره چند روز را به یک فقیر بدهد.

کد مسأله: ۶۰۱۲۶

مسأله ۱۷۱۸

مسأله ۱۷۱۸- اگر قضای روزه رمضان را چند سال تأخیر بیندازد، باید قضا را بگیرد و برای هر روز یک مد طعام به فقیر بدهد.

کد مسأله: ۶۰۱۳۰

مسأله ۱۷۱۹

مسأله ۱۷۱۹- اگر روزه رمضان را عمداً نگیرد، باید قضای آن را به جا آورد و برای هر روز دو ماه روزه بگیرد، یا به شصت فقیر طعام بدهد، یا یک بنده آزاد کند. و چنانچه تا رمضان آینده قضای آن روزه را به جا نیاورد، برای هر روز نیز دادن یک مد طعام لازم نیست. (۱)

۱- بلکه علی الاقوی لازم است.

کد مسأله: ۶۰۱۳۲

مسأله ۱۷۲۰

مسأله ۱۷۲۰- اگر روزه رمضان را عمداً نگیرد و در روز، مکرر جماع کند، بنابر احتیاط واجب (۱) کفاره هم مکرر می‌شود ولی اگر چند مرتبه کار دیگری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد، مثلاً چند مرتبه غذا بخورد، یک کفاره کافی است.

۱- بلکه بنابر احتیاط مستحسن مکرر می‌شود و لکن علی الاقوی تکرار واجب نیست.

کد مسأله: ۶۰۱۳۴

مسأله ۱۷۲۱

مسأله ۱۷۲۱- بعد از مرگ پدر و مادر (۱) پسر بزرگتر باید قضای نماز و روزه آنان را به تفصیلی که در مسأله ۱۳۹۹ گفته شد بجا آورد.

۱- در خصوص مادر بنا بر احتیاط

کد مسأله: ۶۰۱۳۷

مسأله ۱۷۲۲

مسأله ۱۷۲۲- اگر پدر و مادر غیر از روزه رمضان، روزه واجب دیگری را مانند روزه نذر نگرفته باشد، احتیاط واجب آن است که پسر بزرگتر قضا نماید. (۱)

۱- در خصوص پدر واجب است و اما نسبت به مادر احتیاط است.

کد مسأله: ۶۰۱۳۹

احکام روزه مسافر

مسأله ۱۷۲۳

مسأله ۱۷۲۳- مسافری که باید نمازهای چهار رکعتی را در سفر دو رکعت بخواند، نباید روزه بگیرد. و مسافری که نمازش را تمام می‌خواند، مثل کسی که شغلش مسافرت، یا سفر او سفر معصیت است، باید در سفر روزه بگیرد.

کد مسأله: ۶۰۱۴۲

مسأله ۱۷۲۴

مسأله ۱۷۲۴- مسافرت در ماه رمضان اشکال ندارد ولی اگر برای فرار از روزه باشد، مکروه است.

کد مسأله: ۶۰۱۴۴

مسأله ۱۷۲۵

مسأله ۱۷۲۵- اگر غیر روزه‌ی رمضان، روزه معین دیگری بر انسان واجب باشد، مثلاً نذر کرده باشد روز معینی را روزه بگیرد، تا ناچار نشود، نمی‌تواند (۱) در آن روز مسافرت کند. و اگر در سفر باشد. چنانچه ممکن است باید قصد کند (۲) که ده روز در جایی بماند و آن روز را روزه بگیرد.

۱- بلکه علی‌الاقوی سفر جایز است.

۲- واجب نیست قصد کند علی‌الاقوی.

کد مسأله: ۶۰۱۴۷

مسأله ۱۷۲۶

مسأله ۱۷۲۶- اگر نذر کند روزه بگیرد و روز آن را معین نکند، نمی‌تواند آن را در سفر بجا آورد. ولی چنانچه نذر کند که روز معینی را در سفر روزه بگیرد، باید آن را در سفر بجا آورد. و نیز اگر نذر کند روز معینی را چه مسافر باشد یا نباشد، روزه بگیرد،

باید آن روز را اگر چه مسافر باشد روزه بگیرد.

کد مسأله: ۶۰۱۴۹

مسأله ۱۷۲۷

مسأله ۱۷۲۷- مسافر می‌تواند برای خواستن حاجت، سه روز در مدینه طیبه روزه مستحبی بگیرد.

کد مسأله: ۶۰۱۵۲

مسأله ۱۷۲۸

مسأله ۱۷۲۸- کسی که نمی‌داند روزه مسافر باطل است، اگر در سفر روزه بگیرد و در بین روز مسأله را بفهمد، روزه اش باطل می‌شود، و اگر تا مغرب نفهمد، روزه اش صحیح است.

کد مسأله: ۶۰۱۶۲

مسأله ۱۷۲۹

مسأله ۱۷۲۹- اگر فراموش کند که مسافر است، یا فراموش کند که روزه مسافر باطل می‌باشد و در سفر روزه بگیرد، روزه او باطل است.

کد مسأله: ۶۰۱۶۴

مسأله ۱۷۳۰

مسأله ۱۷۳۰- اگر روزه‌دار بعد از ظهر مسافرت نماید، باید روزه خود را تمام کند، و اگر پیش از ظهر مسافرت کند، وقتی به حد ترخص برسد، یعنی به جایی برسد که دیوار شهر را نبیند و صدای اذان (۱) آن را نشنود، باید روزه خود را باطل کند و اگر پیش از آن روزه را باطل کند، کفاره بر او واجب است.

۱- اجتماع شرط نیست و هر کدام به تنهایی کافی است.

کد مسأله: ۶۰۱۶۷

مسأله ۱۷۳۱

مسأله ۱۷۳۱- اگر مسافر پیش از ظهر به وطنش برسد، یا به جایی برسد که می‌خواهد ده روز در آن جا بماند، چنانچه کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده، باید آن روز را روزه بگیرد، و اگر انجام داده روزه آن روز بر او واجب نیست.

کد مسأله: ۶۰۱۶۹

مسأله ۱۷۳۲

مسأله ۱۷۳۲- اگر مسافر بعد از ظهر به وطنش برسد، یا به جایی برسد که می‌خواهد ده روز در آن جا بماند، نباید آن روز را روزه بگیرد.

کد مسأله: ۶۰۱۷۲

مسأله ۱۷۳۳

مسأله ۱۷۳۳- مسافر و کسی که از روزه گرفتن عذر دارد، مکروه است در روز ماه رمضان جماع نماید و در خوردن و آشامیدن کاملاً خود را سیر کند.

کد مسأله: ۶۰۱۷۶

کسانی که روزه بر آنها واجب نیست**مسأله ۱۷۳۴**

مسأله ۱۷۳۴- کسی که به واسطه پیری نمی‌تواند روزه بگیرد، یا برای او مشقت دارد، روزه بر او واجب نیست، ولی در صورت دوم (۱) باید برای هر روز یک مد که تقریباً ده سیر است گندم یا جو و مانند اینها به فقیر بدهد.

۱- بلکه در صورت اول هم برای هر روز یک مد طعام علی‌الاقوی بدهد

کد مسأله: ۶۰۱۷۸

مسأله ۱۷۳۵

مسأله ۱۷۳۵- کسی که به واسطه پیری روزه نگرفته، اگر بعد از ماه رمضان بتواند روزه بگیرد، باید قضای روزهایی را که نگرفته بجا آورد. (۱)

۱- بنا بر احتیاط مستحسن و لکن اقوی عدم وجوب قضا است.

کد مسأله: ۶۰۱۸۰

مسأله ۱۷۳۶

مسأله ۱۷۳۶- اگر انسان مرضی دارد که زیاد تشنه می‌شود و نمی‌تواند تشنگی را تحمل کند، یا برای او مشقت دارد، روزه بر او واجب نیست. ولی در صورت دوم (۱) باید برای هر روز یک مد گندم یا جو و مانند اینها به فقیر بدهد. و احتیاط مستحب آن است که بیشتر از مقداری که ناچار است آب نیشامد، و چنانچه بعد بتواند روزه بگیرد، باید روزهایی را که نگرفته قضا نماید. (۲)

۱- بلکه در صورت اول هم باید برای هر روز یک مد طعام به فقیر بدهد علی‌الاقوی

۲- علی‌الاقوی قضا واجب نیست و لکن مستحسن است

کد مسأله: ۶۰۱۸۵

مسأله ۱۷۳۷

مسأله ۱۷۳۷- زنی که زاییدن او نزدیک است و روزه برای حملش ضرر دارد. روزه بر او واجب نیست، و باید برای هر روز یک مد طعام، یعنی گندم یا جو و مانند اینها به فقیر بدهد. و نیز اگر روزه برای خودش ضرر دارد، روزه بر او واجب نیست. و بنا بر احتیاط واجب (۱) باید برای هر روز یک مد طعام به فقیر بدهد، و در هر دو صورت روزهایی را که نگرفته باید قضا نماید.

۱- بلکه علی الاقوی باید برای هر روز یک مد طعام به فقیر بدهد

کد مسأله: ۶۰۱۸۸

مسأله ۱۷۳۸

مسأله ۱۷۳۸- زنی که بچه شیر می‌دهد و شیر او کم است، چه مادر بچه یا دایه او باشد، یا بی‌اجرت شیر دهد، اگر روزه برای بچه‌ای که شیر می‌دهد ضرر دارد، روزه بر او واجب نیست و باید برای هر روز یک مد طعام، یعنی گندم یا جو و مانند اینها به فقیر بدهد. و نیز اگر برای خودش ضرر دارد، روزه بر او واجب نیست و بنا بر احتیاط واجب (۱) باید برای هر روز یک مد طعام به فقیر بدهد. و در هر دو صورت روزه‌هایی را که نگرفته باید قضا نماید. ولی اگر کسی پیدا شود که بی‌اجرت بچه را شیر دهد، یا برای شیر دادن بچه از پدر یا مادر بچه یا از کس دیگری که اجرت او را بدهد اجرت بگیرد، احتیاط واجب (۲) آن است که بچه را به او بدهد و روزه بگیرد.

۱- بلکه واجب است علی الاقوی برای هر روز یک مد طعام به فقیر بدهد

۲- بلکه واجب است علی الاقوی بچه را به او بدهد و خودش روزه بگیرد

کد مسأله: ۶۰۱۹۱

راه ثابت شدن اول ماه

مسأله ۱۷۳۹

مسأله ۱۷۳۹- اول ماه به پنج چیز ثابت می‌شود:

اول: آنکه خود انسان ماه را ببیند.

دوم: عده‌ای که از گفته آنان یقین پیدا می‌شود (۱) بگویند ماه را دیده ایم. و همچنین است هر چیزی که به واسطه آن یقین پیدا شود. (۲)

سوم: دو مرد عادل بگویند که در شب ماه را دیده‌ایم، ولی اگر صفت ماه را بر خلاف یکدیگر بگویند، اول ماه ثابت نمی‌شود.

چهارم: سی روز از اول ماه شعبان بگذرد که بواسطه آن اول ماه رمضان ثابت می‌شود، و سی روز از اول رمضان بگذرد که بواسطه آن اول ماه شوال ثابت می‌شود.

پنجم: حاکم شرع حکم کند که اول ماه است.

۱- عموماً اطمینان پیدا می‌شود

۲- یا اطمینان پیدا شود.

کد مسأله: ۶۰۱۹۳

مسأله ۱۷۴۰

مسأله ۱۷۴۰- اگر حاکم شرع حکم کند که اول ماه است، کسی هم که تقلید او را نمی‌کند، باید به حکم او عمل نماید، ولی کسی که می‌داند حاکم شرع اشتباه کرده، نمی‌تواند به حکم او عمل نماید.

کد مسأله: ۶۰۱۹۶

مسئله ۱۷۴۱

مسئله ۱۷۴۱- اول ماه با پیشگویی منجمین ثابت نمی‌شود، ولی اگر انسان از گفته آنان یقین پیدا کند، (۱) باید به آن عمل نماید.
۱- یا اطمینان پیدا کند باید به آن عمل نماید.

کد مسئله: ۶۰۱۹۸

مسئله ۱۷۴۲

مسئله ۱۷۴۲- بلند بودن ماه یا دیر غروب کردن آن، دلیل نمی‌شود که شب پیش، شب اول ماه بوده است.

کد مسئله: ۶۰۲۰۱

مسئله ۱۷۴۳

مسئله ۱۷۴۳- اگر اول ماه رمضان برای کسی ثابت نشود و روزه نگیرد، چنانچه دو مرد عادل بگویند که شب پیش ماه را دیده‌ایم، باید روزه آن روز را قضا نماید.

کد مسئله: ۶۰۲۰۵

مسئله ۱۷۴۴

مسئله ۱۷۴۴- اگر در شهری اول ماه ثابت شود، برای مردم شهر دیگر فایده ندارد، مگر آن دو شهر با هم نزدیک باشند، یا انسان بدانند که افق آنها یکی است. (۱)

۱- و در صورت اختلاف افق به شهری که رؤیت هلال شده آفتاب زودتر غروب کند تا شهری که رؤیت هلال نشده نه عکس آن، لذا اثبات اول ماه می‌شود. (یعنی ماه در آنجا بالاتر است از شهری که رؤیت هلال شده است پس وقتی در شرق ماه دیده شود در غرب هم دیده می‌شود مثلاً اگر در ایران دیده شود در انگلستان که ۳ ساعت بالاتر است اول ماه است ولی نمی‌شود اول ماه را با رؤیت در ایران برای مثل ژاپن اثبات کرد چون در شرق ایران است نه در غرب)

کد مسئله: ۶۰۲۰۹

مسئله ۱۷۴۵

مسئله ۱۷۴۵- اول ماه به تلگراف ثابت نمی‌شود، مگر دو شهری که از یکی به دیگری تلگراف کرده‌اند، نزدیک یا هم افق باشند و انسان بدانند تلگراف از روی حکم حاکم شرع یا شهادت دو مرد عادل بوده است.

کد مسئله: ۶۰۲۱۱

مسئله ۱۷۴۶

مسئله ۱۷۴۶- روزی را که انسان نمی‌داند آخر رمضان است یا اول شوال، باید روزه بگیرد. ولی اگر پیش از مغرب بفهمد که اول شوال است، باید افطار کند.

کد مسئله: ۶۰۲۱۴

مسئله ۱۷۴۷

مسئله ۱۷۴۷- اگر زندانی نتواند به ماه رمضان یقین کند، باید به گمان عمل نماید، و اگر آن هم ممکن نباشد، هر ماهی را که روزه بگیرد صحیح است. ولی باید بعد از گذشتن یازده ماه از ماهی که روزه گرفته دوباره یک ماه روزه بگیرد.
کد مسئله: ۶۰۲۱۶

روزه های حرام و مکروه**مسئله ۱۷۴۸**

مسئله ۱۷۴۸- روزه عید فطر و قربان حرام است، و نیز روزی را که انسان نمی‌داند آخر شعبان است یا اول رمضان، اگر به نیت اول رمضان روزه بگیرد، حرام می‌باشد.
کد مسئله: ۶۰۲۲۲

مسئله ۱۷۴۹

مسئله ۱۷۴۹- اگر زن به واسطه گرفتن روزه مستحبی حق شوهرش از بین برود، روزه او حرام است. و احتیاط واجب (۱) آن است که اگر حق شوهر هم از بین نرود، بدون اجازه او روزه مستحبی نگیرد.
۱- در صورت نهی و الا احتیاط مستحسن است.
کد مسئله: ۶۰۲۲۴

مسئله ۱۷۵۰

مسئله ۱۷۵۰- روزه مستحبی اولاد اگر اسباب اذیت پدر و مادر یا جد شود، حرام است.
کد مسئله: ۶۰۲۲۷

مسئله ۱۷۵۱

مسئله ۱۷۵۱- اگر پسر بدون اجازه پدر روزه مستحبی بگیرد، و در بین روز پدر او را نهی کند، (۱) باید افطار کند.
۱- اگر مخالفت نهی موجب ایذا پدر شود و الا افطار لازم نیست.
کد مسئله: ۶۰۲۳۰

مسئله ۱۷۵۲

مسئله ۱۷۵۲- کسی که می‌داند روزه برای او ضرر ندارد، اگرچه دکترا بگوید ضرر دارد، باید روزه بگیرد و کسی که یقین یا گمان دارد که روزه برایش ضرر دارد، اگرچه دکترا بگوید ضرر ندارد، باید روزه نگیرد، و اگر روزه بگیرد، صحیح نیست. (۱)
۱- با عدم کشف خلاف و الا با تمشق قصد قربت صحیح است.
کد مسئله: ۶۰۲۳۲

مسئله ۱۷۵۳

مسئله ۱۷۵۳- اگر انسان احتمال بدهد که روزه برایش ضرر دارد و از آن احتمال ترس برای او پیدا شود، چنانچه احتمال او در نظر مردم بجا باشد، نباید روزه بگیرد، و اگر روزه بگیرد صحیح نیست.

کد مسئله: ۶۰۲۳۵

مسئله ۱۷۵۴

مسئله ۱۷۵۴- کسی که عقیده‌اش این است که روزه برای او ضرر ندارد، اگر روزه بگیرد و بعد از مغرب بفهمد روزه برای او ضرر داشته، بنابر احتیاط واجب (۱) باید قضای آن را بجا آورد.

۱- بلکه علی الاقوی قضا واجب است.

کد مسئله: ۶۰۲۳۹

مسئله ۱۷۵۵

مسئله ۱۷۵۵- غیر از روزه‌هایی که گفته شد، روزه‌های حرام دیگری هم هست که در کتابهای مفصل گفته شده است.

کد مسئله: ۶۰۲۴۱

مسئله ۱۷۵۶

مسئله ۱۷۵۶- روزه روز عاشورا و روزی که انسان شک دارد روز عرفه است یا عید قربان، مکروه است.

کد مسئله: ۶۰۲۴۴

روزه های مستحب**مسئله ۱۷۵۷**

مسئله ۱۷۵۷- روزه تمام روزه‌های سال غیر از روزه‌های حرام و مکروه که گفته شد مستحب است. و برای بعضی از روزها بیشتر سفارش شده است، که از آن جمله است:

۱- پنجشنبه اول و پنجشنبه آخر هر ماه، و چهارشنبه اولی که بعد از روز دهم ماه است. و اگر کسی اینها را بجا نیاورد مستحب است قضا نماید، و چنانچه اصلاً نتواند روزه بگیرد، مستحب است برای هر روز یک مد طعام یا ۶/۱۲ نخود نقره به فقیر بدهد.

۲- سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم هر ماه.

۳- تمام ماه رجب و شعبان و بعضی از این دو ماه اگر چه یک روز باشد.

۴- روز عید نوروز، روز چهارم تا نهم شوال، روز بیست و پنجم و بیست و نهم ذی‌قعدة، روز اول تا روز نهم ذیحجه (روز عرفه)

ولی اگر بواسطه ضعف روزه، نتواند دعاهای روز عرفه را بخواند، روزه آن روز مکروه است، عید سعید غدیر (۱۸ ذی‌حجه) روز

مباهله (۲۴ ذی‌حجه) روز اول و سوم و هفت محرم، میلاد مسعود پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، (۱۷ ربیع الاول) پانزدهم

جمادی الاولی، روز مبعث حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، (۲۷ رجب) و اگر کسی روزه مستحبی بگیرد واجب

نیست آن را به آخر برساند، بلکه اگر برادر مؤمنش او را به غذا دعوت کند، مستحب است دعوت او را قبول کند، و در بین روز

افطار نماید.

کد مسأله: ۶۰۲۴۷

مواردی که مستحب است انسان از کارهایی که روزه را باطل می کند خوداری نماید

مسأله ۱۷۵۸

مسأله ۱۷۵۸- برای شش نفر مستحب است در ماه رمضان اگر چه روزه نیستند از کارهای که روزه را باطل می کند خوداری نمایند: اول: مسافری که در سفر، کاری که روزه را باطل می کند انجام داده باشد و پیش از ظهر به وطنش یا به جایی که می خواهد ده روز بماند، برسد.

دوم: مسافری که بعد از ظهر به وطنش یا به جایی که می خواهد ده روز در آن جا بماند برسد.

سوم: مریضی که پیش از ظهر خوب شود و کاری که روزه را باطل می کند انجام داده باشد.

چهارم: مریضی که بعد از ظهر خوب شود.

پنجم: زنی که در بین روز از خون حیض یا نفاس پاک شود.

ششم: کافری که بعد از ظهر مسلمان شود. (۱)

۱- یا پیش از ظهر مسلمان شود چه افطار کرده باشد یا نه.

کد مسأله: ۶۰۲۵۰

مسأله ۱۷۵۹

مسأله ۱۷۵۹- مستحب است روزه دار نماز مغرب و عشا را پیش از افطار کردن بخواند، ولی اگر کسی منتظر او است یا میل زیادی به غذا دارد که نمی تواند با حضور قلب نماز بخواند، بهتر است اول افطار کند. ولی به قدری که ممکن است نماز را در وقت فضیلت آن بجا آورد.

کد مسأله: ۶۰۲۵۲

احکام خمس

مسأله ۱۷۶۰

مسأله ۱۷۶۰- در هفت چیز خمس واجب می شود: اول: منفعت کسب. دوم: معدن. سوم: گنج. چهارم: مال حلال مخلوط به حرام. پنجم: جواهری که به واسطه غواصی، یعنی فرو رفتن در دریا به دست می آید. ششم: غنیمت جنگی. هفتم: زمینی که کافر ذمی از مسلمان بخرد. و احکام اینها مفصلاً گفته خواهد شد.

کد مسأله: ۶۰۲۵۶

۱- منفعت کسب

مسأله ۱۷۶۱

مسئله ۱۷۶۱- هرگاه انسان از تجارت یا صنعت یا کسبه‌های دیگر مالی به دست آورد، اگرچه مثلاً نماز و روزه میتی را به جا آورد و از اجرت آن مالی تهیه کند، چنانچه از مخارج سال خود و عیالاتش زیاد بیاید، باید خمس، یعنی پنج یک آن را به دستوری که بعداً گفته خواهد شد بدهد.

کد مسئله: ۶۰۲۵۸

مسئله ۱۷۶۲

مسئله ۱۷۶۲- اگر از غیر کسب، مالی به دست آورد، مثلاً چیزی به او ببخشند، واجب نیست (۱) خمس آن را بدهد، اگر چه احتیاط مستحب آن است که اگر از مخارج سالش زیاد بیاید، خمس آن را هم بدهد.

۱- بلکه واجب است علی الاقوی

کد مسئله: ۶۰۲۶۰

مسئله ۱۷۶۳

مسئله ۱۷۶۳- مهری که زن می‌گیرد خمس ندارد. (۱) و همچنین است ارثی که به انسان می‌رسد. ولی اگر مثلاً با کسی خویشاوندی دوری داشته باشد و نداند چنین خویشی دارد، احتیاط مستحب (۲) آن است خمس ارثی را که از او می‌برد، اگر از مخارج سالش زیاد بیاید بدهد.

۱- بنا بر احتیاط لازم خمس دارد.

۲- بلکه علی الاقوی خمس واجب است در میراث لایحتسب و فرقی بین دور و نزدیک نیست.

کد مسئله: ۶۰۲۶۶

مسئله ۱۷۶۴

مسئله ۱۷۶۴- اگر مالی به ارث به او برسد، و بداند کسی که این مال از او به ارث رسیده خمس آن را نداده، باید خمس آن را بدهد. و نیز اگر در خود آن مال خمس نباشد ولی انسان بداند کسی که آن مال از او به ارث رسیده، خمس بدهکار است، باید خمس را از مال او بدهد.

کد مسئله: ۶۰۲۶۸

مسئله ۱۷۶۵

مسئله ۱۷۶۵- اگر به واسطه قناعت کردن چیزی از مخارج سال انسان زیاد بیاید، باید خمس آن را بدهد.

کد مسئله: ۶۰۲۷۱

مسئله ۱۷۶۶

مسئله ۱۷۶۶- کسی که دیگری مخارج او را می‌دهد، باید خمس تمام مالی را که به دست می‌آورد بدهد.

کد مسئله: ۶۰۲۷۳

مسئله ۱۷۶۷

مسئله ۱۷۶۷- اگر ملکی را بر افراد معینی، مثلاً بر اولاد خود وقف نماید، چنانچه در آن ملک زراعت و درختکاری کنند و از آن چیزی به دست آورند و از مخارج سال آنان زیاد بیاید، باید خمس آن را بدهند. بلکه اگر طور دیگری هم از ملک نفع ببرد مثلاً اجاره آن را بگیرند، بنابر احتیاط واجب (۱) باید خمس مقداری را که از مخارج سالشان زیاد می آید بدهند.

۱- بلکه بنابر اقوی باید خمس بدهد

کد مسئله: ۶۰۲۷۷

مسئله ۱۷۶۸

مسئله ۱۷۶۸- اگر مالی را که فقیر بابت خمس و زکوه و صدقه مستحبی گرفته، (۱) از مخارج سالش زیاد بیاید، واجب نیست خمس آن را بدهد. ولی اگر از مالی که به او داده‌اند منفعتی ببرد، مثلاً از درختی که بابت خمس به او داده‌اند میوه‌ای به دست آورد، و از مخارج سالش زیاد بیاید، باید خمس آن را بدهد.

۱- بنابر احتیاط واجب خمس در خصوص صدقه مستحبی بدهد.

کد مسئله: ۶۰۲۷۹

مسئله ۱۷۶۹

مسئله ۱۷۶۹- اگر با عین پول خمس نداده جنسی را بخرد، یعنی به فروشنده بگوید این جنس را به این پول می خرم، چنانچه حاکم شرع معامله پنج یک آن را اجازه بدهد، معامله آن مقدار صحیح است. و انسان باید پنج یک جنسی را که خریده به حاکم شرع بدهد، و اگر اجازه ندهد، معامله آن مقدار باطل است. پس اگر پولی را که فروشنده گرفته از بین نرفته، حاکم شرع خمس همان پول را می گیرد، و اگر از بین رفته، عوض خمس را از فروشنده یا خریدار مطالبه می کند.

کد مسئله: ۶۰۲۸۲

مسئله ۱۷۷۰

مسئله ۱۷۷۰- اگر جنسی را بخرد و بعد از معامله قیمت آن را از پول خمس نداده بدهد، معامله ای که کرده صحیح است. ولی چون از پولی که خمس در آن است بفروشنده داده، به مقدار پنج یک آن پول به او مدیون می باشد. و پولی را که به فروشنده داده اگر از بین نرفته، حاکم شرع پنج یک همان را می گیرد، و اگر از بین رفته، عوض آن را از خریدار یا فروشنده مطالبه می کند.

کد مسئله: ۶۰۲۸۴

مسئله ۱۷۷۱

مسئله ۱۷۷۱- اگر مالی را که خمس آن داده نشده بخرد، چنانچه حاکم شرع معامله پنج یک آن را اجازه ندهد، معامله آن مقدار باطل است و حاکم شرع می تواند پنج یک آن مال را بگیرد، و اگر اجازه بدهد، معامله صحیح است. و خریدار باید مقدار پنج یک پول آن را به حاکم شرع بدهد، و اگر به فروشنده داده، می تواند از او پس بگیرد.

کد مسئله: ۶۰۲۸۷

مسئله ۱۷۷۲

مسئله ۱۷۷۲- اگر چیزی را که خمس آن داده نشده به کسی ببخشند، پنج‌یک آن چیز مال او نمی‌شود.

کد مسئله: ۶۰۲۹۲

مسئله ۱۷۷۳

مسئله ۱۷۷۳- اگر از کافر یا کسی که به دادن خمس عقیده ندارد، مالی به دست انسان آید. واجب نیست خمس آن را بدهد.

کد مسئله: ۶۰۲۹۴

مسئله ۱۷۷۴

مسئله ۱۷۷۴- تاجر و کاسب و صنعتگر و مانند اینها از وقتی که شروع به کاسبی می‌کنند، (۱) یک سال که بگذرد باید خمس آنچه را که از خرج سالشان زیاد می‌آید بدهند. و کسی که شغلش کاسبی نیست، اگر اتفاقاً منفعتی ببرد بعد از آن که یکسال از موقعی که فایده برده بگذرد، باید خمس مقداری را که از خرج سالش زیاد آمده بدهد.

۱- بلکه از زمان حصول صنعت علی‌الاقوی نه شروع کسب

کد مسئله: ۶۰۲۹۷

مسئله ۱۷۷۵

مسئله ۱۷۷۵- انسان می‌تواند در بین سال هر وقت منفعتی به دستش آید خمس آن را بدهد، و جایز است دادن خمس را تا آخر سال تاخیر بیندازد. و اگر برای دادن خمس سال شمسی قرار دهد، مانعی ندارد. (۱)

۱- خالی از اشکال نیست مدت در صورت اذن حاکم شرع در تأخیر (یعنی برای ده روز اختلاف سال شمسی و قمری از حاکم شرع اجازه بگیرد)

کد مسئله: ۶۰۲۹۹

مسئله ۱۷۷۶

مسئله ۱۷۷۶- کسی که مانند تاجر و کاسب باید برای دادن خمس، سال قرار دهد، اگر منفعتی به دست آورد و در بین سال بمیرد، باید مخارج تا موقع مرگش را از آن منفعت کسر کنند و خمس باقی مانده را بدهند.

کد مسئله: ۶۰۳۰۲

مسئله ۱۷۷۷

مسئله ۱۷۷۷- اگر قیمت جنسی که برای تجارت خریده بالا رود و آن را نفروشد و در بین سال قیمتش پایین آید، خمس مقداری که بالا رفته بر او واجب نیست.

کد مسئله: ۶۰۳۰۴

مسئله ۱۷۷۸

مسأله ۱۷۷۸- اگر قیمت جنسی را که برای تجارت خریده بالا رود و به امید این که قیمت آن بالاتر رود، تا بعد از تمام شدن سال آن را نفروشد و قیمتش پایین آید، چنانچه به اندازه ای نگهداشته که تجار معمولاً برای گران شدن جنس، آن را نگه می‌دارند، خمس مقداری را که بالا رفته بر او واجب نیست. (۱)

۱- واجب است علی الاقوی

کد مسأله: ۶۰۳۰۶

مسأله ۱۷۷۹

مسأله ۱۷۷۹- اگر غیر مال التجاره مالی داشته باشد که خمسش را داده یا خمس ندارد، مثلاً به او بخشیده‌اند، (۱) چنانچه قیمتش بالا رود، اگرچه آن را بفروشد مقداری که بر قیمتش اضافه شده خمس ندارد، (۲) ولی اگر مثلاً درختی که خریده میوه بیاورد، یا گوسفندی چاق شود، در صورتی که مقصود او از نگهداری آنها این بوده که منفعتی از آن ببرد، باید خمس آنچه را زیاد شده بدهد. بلکه اگر مقصودش منفعت بردن هم نبوده، بنابر احتیاط واجب (۳) باید خمس آن را بدهد.

۱- علی الاقوی خمس واجب است چنانچه گذشت

۲- در صورت فروش خمس در اضافه قیمت لازم است اگر زائد بر مؤنه سال باشد

۳- علی الاقوی باید بدهد

کد مسأله: ۶۰۳۰۹

مسأله ۱۷۸۰

مسأله ۱۷۸۰- اگر باغی احداث کند برای آن که بعد از بالا رفتن قیمتش بفروشد، باید خمس میوه و نمو درختها و زیادی قیمت باغ را بدهد، ولی اگر قصدش این باشد که از میوه آن استفاده کند، فقط باید خمس میوه و نمو درختها را بدهد.

کد مسأله: ۶۰۳۱۱

مسأله ۱۷۸۱

مسأله ۱۷۸۱- اگر درخت بید و چنار و مانند اینها را بکارد، سالی که موقع فروش آنها است، اگرچه آنها را نفروشد باید خمس آنها را بدهد (۱) ولی اگر مثلاً از شاخه‌های آن که معمولاً هر سال می‌برند استفاده‌ای ببرد و به تنهایی یا با منفعتهای دیگر کسبش از مخارج سال او زیاد بیاید، در آخر هر سال باید خمس آن را بدهد.

۱- بلکه باید در هر سال زیادی آنها را خمس بدهد.

کد مسأله: ۶۰۳۱۴

مسأله ۱۷۸۲

مسأله ۱۷۸۲- کسی که چند رشته کسب دارد، مثلاً اجاره ملک می‌گیرد و خرید و فروش و زراعت هم می‌کند، باید خمس آنچه را در آخر سال از مخارج او زیاد می‌آید بدهد. و چنانچه از یک رشته نفع ببرد و از رشته دیگر ضرر کند، بنابر احتیاط مستحب (۱) باید خمس نفعی را که برده بدهد.

۱- ولکن اقوی جبران و تدارک ضرر است چه در نوع واحد باشد یا در دو نوع مختلف و بعد از تدارک و جبران اگر از مؤنه سال زیاد آمد باید خمس بدهد والا واجب نیست.

کد مسأله: ۶۰۳۱۸

مسأله ۱۷۸۳

مسأله ۱۷۸۳- خرجهایی را که انسان برای به دست آوردن فایده می‌کند، مانند دلالی و حمالی می‌تواند جزء مخارج سالیانه حساب نماید.

کد مسأله: ۶۰۳۲۱

مسأله ۱۷۸۴

مسأله ۱۷۸۴- آنچه از منافع کسب در بین سال به مصرف خوراک و پوشاک و اثاثیه و خرید منزل و عروسی و جهیزیه دختر و زیارت و مانند اینها می‌رساند، در صورتی که از شأن او زیاد نباشد و زیاده روی هم نکرده باشد خمس ندارد.

کد مسأله: ۶۰۳۲۳

مسأله ۱۷۸۵

مسأله ۱۷۸۵- مالی را که انسان به مصرف نذر و کفاره می‌رساند، جزء مخارج سالیانه است. و نیز مالی را که به کسی می‌بخشد یا جایزه می‌دهد، در صورتی که از شأن او زیاد نباشد از مخارج سالیانه حساب می‌شود.

کد مسأله: ۶۰۳۲۶

مسأله ۱۷۸۶

مسأله ۱۷۸۶- اگر انسان در شهری باشد که معمولاً هر سال مقداری از جهیزه دختر را تهیه می‌کنند، چنانچه در بین سال از منافع آن سال جهیزه بخرد، خمس آن را نباید بدهد و اگر از منافع آن سال در سال بعد جهیزه تهیه نماید، باید خمس آن را بدهد.

کد مسأله: ۶۰۳۴۱

مسأله ۱۷۸۷

مسأله ۱۷۸۷- مالی را که خرج سفر حج و زیارتهای دیگر می‌کند، از مخارج سالی حساب می‌شود که در آن سال شروع به مسافرت کرده، اگرچه سفر او تا مقداری از سال بعد طول بکشد. (۱)

۱- آنچه در سال بعد خرج می‌شود از قبیل آذوقه و امثال آن که عینش باقی نمی‌ماند، باید تخمیس شود و از مؤنه نیست و آنچه عینش باقی می‌ماند مانند مرکب سواری از مؤنه حساب می‌شود و خمس ندارد.

کد مسأله: ۶۰۳۴۴

مسأله ۱۷۸۸

مسئله ۱۷۸۸- کسی که از کسب و تجارت فایده‌ای برده، اگر مال دیگری هم دارد که خمس آن واجب نیست، می‌تواند مخارج سال خود را فقط از فایده کسب حساب کند.
کد مسئله: ۶۰۳۵۰

مسئله ۱۷۸۹

مسئله ۱۷۸۹- اگر آذوقه‌ای که برای مصرف سالش خریده، در آخر سال زیاد بیاید، باید خمس آن را بدهد. (۱) و چنانچه بخواهد قیمت آن را بدهد، در صورتی که قیمتش از وقتی که خریده زیاد شده باشد، باید قیمت آخر سال را حساب کند.
۱- اگر از منافع اکتساب تهیه کرده باشد نه از اصل سرمایه و مال
کد مسئله: ۶۰۳۵۲

مسئله ۱۷۹۰

مسئله ۱۷۹۰- اگر از منفعت کسب پیش از دادن خمس اثاثیه‌ای برای منزل بخرد، هر وقت احتیاجش از آن برطرف شود، احتیاط واجب (۱) آن است که خمس آن را بدهد. و همچنین است زیور آلات زنانه، اگر وقت زینت کردن زن به آنها گذشته باشد.
۱- این احتیاط و مابعدش واجب نیست و علی الاقوی خمس ندارد مگر آنکه در اثناء سال منفعت احتیاج برطرف شود و در این صورت باید خمس آن را بدهد.
کد مسئله: ۶۰۳۵۵

مسئله ۱۷۹۱

مسئله ۱۷۹۱- اگر در یک سال منفعتی نبرد، نمی‌تواند مخارج آن سال را از منفعتی که در سال بعد می‌برد کسر نماید.
کد مسئله: ۶۰۳۵۷

مسئله ۱۷۹۲

مسئله ۱۷۹۲- اگر در اول سال منفعتی نبرد و از سرمایه خرج کند و پیش از تمام شدن سال منفعتی به دستش آید، می‌تواند مقداری را که از سرمایه برداشته از منافع کسر کند.
کد مسئله: ۶۰۳۵۹

مسئله ۱۷۹۳

مسئله ۱۷۹۳- اگر مقداری از سرمایه از بین برود و از باقی مانده آن منفعتی ببرد که از خرج سالش زیاد بیاید، نمی‌تواند مقداری را که از سرمایه کم شده (۱) از منافع بردارد. ولی اگر با سرمایه‌ای که برای او مانده، نتواند کسبی کند که سزاوار شأن او باشد، یا منفعتی که از آن پیدا می‌شود، برای مخارج او کافی نباشد، می‌تواند مقداری را که از سرمایه کم شده از منافع کسر نماید.
۱- بلکه می‌توان علی الاقوی
کد مسئله: ۶۰۳۶۱

مسئله ۱۷۹۴

مسئله ۱۷۹۴- اگر غیر از سرمایه چیز دیگری از مالهای او از بین برود، نمی‌تواند از منفعتی که به دستش می‌آید آن چیز را تهیه کند. ولی اگر در همان سال به آن چیز احتیاج داشته باشد، می‌تواند در بین سال از منافع کسب آن را تهیه کند.
کد مسئله: ۶۰۳۶۴

مسئله ۱۷۹۵

مسئله ۱۷۹۵- اگر در اول سال برای مخارج خود قرض کند و پیش از تمام شدن سال منفعتی ببرد، می‌تواند مقدار قرض خود را از آن منفعت کسر نماید.
کد مسئله: ۶۰۳۶۷

مسئله ۱۷۹۶

مسئله ۱۷۹۶- اگر در تمام سال منفعتی نبرد و برای مخارج خود قرض کند، می‌تواند از منافع سالهای بعد قرض خود را ادا نماید.
کد مسئله: ۶۰۳۷۰

مسئله ۱۷۹۷

مسئله ۱۷۹۷- اگر برای زیاد کردن مال یا خریدن ملکی که به آن احتیاج ندارد قرض کند، نمی‌تواند از منافع کسب آن قرض را بدهد، ولی اگر مالی را که قرض کرده و چیزی را که از قرض خریده از بین برود و ناچار شود که قرض خود را بدهد، می‌تواند از منافع کسب قرض را ادا نماید.
کد مسئله: ۶۰۳۷۲

مسئله ۱۷۹۸

مسئله ۱۷۹۸- انسان می‌توان خمس هر چیز را از همان چیز بدهد یا به مقدار قیمت خمس که بدهکار است، پول یا جنس دیگر بدهد.
کد مسئله: ۶۰۳۷۵

مسئله ۱۷۹۹

مسئله ۱۷۹۹- کسی که قصد دادن خمس را دارد تا پنج یک مال باقی است می‌تواند در بقیه آن تصرف کند.
۱- نمی‌تواند تصرف کند مگر بدادن خمس یا اجازه حاکم شرع
کد مسئله: ۶۰۳۷۷

مسئله ۱۸۰۰

مسئله ۱۸۰۰- کسی که خمس بدهکار است، نمی‌تواند آن را به ذمه بگیرد، یعنی خود را بدهکار اهل خمس بداند و در تمام مال

تصرف کند، و چنانچه تصرف کند و آن مال تلف شود، باید خمس آن را بدهد.

کد مسأله: ۶۰۳۸۰

مسأله ۱۸۰۱

مسأله ۱۸۰۱- کسی که خمس بدهکار است اگر با حاکم شرع مصالحه کند، می‌تواند در تمام مال تصرف نماید، و بعد از مصالحه، منافعی که از آن به دست می‌آید مال خود اوست.

کد مسأله: ۶۰۳۸۲

مسأله ۱۸۰۲

مسأله ۱۸۰۲- کسی که با دیگری شریک است، اگر خمس منافع خود را بدهد و شریک او ندهد و در سال بعد از مالی که خممش را نداده برای سرمایه شرکت بگذارد، هیچ کدام نمی‌توانند در آن تصرف کنند.

کد مسأله: ۶۰۳۸۵

مسأله ۱۸۰۳

مسأله ۱۸۰۳- اگر بچه صغیر سرمایه‌ای داشته باشد و از آن منافعی به دست آید، بنا بر احتیاط واجب (۱) بعد از آنکه بالغ شد باید خمس آن را بدهد.

۱- بلکه علی الاقوی بر ولی واجب است قبل از بلوغ اخراج (خمس) کند.

کد مسأله: ۶۰۳۸۷

مسأله ۱۸۰۴

مسأله ۱۸۰۴- انسان نمی‌تواند در مالی که یقین دارد خممش را نداده‌اند تصرف کند، ولی در مالی که شک دارد خمس آن را داده‌اند یا نه، می‌تواند تصرف نماید.

کد مسأله: ۶۰۳۸۹

مسأله ۱۸۰۵

مسأله ۱۸۰۵- کسی که از اول تکلیف خمس نداده، اگر ملکی بخرد و قیمت آن بالا رود، چنانچه آن ملک را برای آن نخریده که قیمتش بالا رود و بفروشد، مثلاً زمینی را برای زراعت خریده است، در صورتی که آن را خریده و از پول خمس نداده قیمت آن را داده، باید خمس قیمتی را که خریده بدهد. ولی اگر مثلاً پول خمس نداده را به فروشنده داده و به او گفته این ملک را به این پول می‌خرم، در صورتی که حاکم شرع معامله پنج‌یک آن را اجازه بدهد، خریدار باید خمس مقداری که آن ملک ارزش دارد بدهد.

کد مسأله: ۶۰۳۹۲

مسأله ۱۸۰۶

مسئله ۱۸۰۶- کسی که از اول تکلیف خمس نداده، اگر از منافع کسب چیزی که به آن احتیاج ندارد خریده و یک سال از خرید آن گذشته، (۱) باید خمس آن را بدهد، و اگر اثاث خانه و چیزهای دیگری که به آنها احتیاج دارد مطابق شأن خود خریده، پس اگر بدانند در بین سالی که در آن سال فایده برده آنها را خریده، لازم نیست خمس آنها را بدهد. و اگر نداند که در بین سال خریده یا بعد از تمام شدن سال، بنابر احتیاط واجب (۲) باید با حاکم شرع مصالحه کند.

۱- بلکه یک سال از ابتداء حصول رنج گذشته باشد نه یک سال از خرید آن

۲- واجب نیست ولی مستحسن است

کد مسئله: ۶۰۳۹۴

۲- معدن

مسئله ۱۸۰۷

مسئله ۱۸۰۷- اگر از معدن طلا، نقره، سرب، مس، آهن، نفت، ذغال سنگ، فیروزه، عقیق، زاج، نمک و معدنهای دیگر چیزی به دست آورد، در صورتی که به مقدار نصاب باشد، باید خمس آن را بدهد.

کد مسئله: ۶۰۳۹۷

مسئله ۱۸۰۸

مسئله ۱۸۰۸- نصاب معدن (۱) بنابر احتیاط ۱۰۵ مثقال معمولی نقره یا ۱۵ مثقال معمولی طلاست، یعنی اگر قیمت چیزی را که از معدن بیرون آورده، بعد از کم کردن مخارجی که برای آن کرده به ۱۰۵ مثقال نقره یا ۱۵ مثقال طلا برسد، بنابر احتیاط واجب باید خمس آن را بدهد.

۱- نصاب معدن فقط به مقدار بیست مثقال طلای مسکوک شرعی که مطابق پانزده مثقال صیرفی است می باشد و نصاب دیگری ندارد.

کد مسئله: ۶۰۴۰۰

مسئله ۱۸۰۹

مسئله ۱۸۰۹- استفاده‌ای را که از معدن برده، اگر قیمت آن به ۱۰۵ مثقال نقره (۱) یا ۱۵ مثقال طلا نرسد، خمس آن در صورتی لازم است که به تنهایی یا با منفعتهای دیگر کسب او از مخارج سالش زیاد بیاید.

۱- در مسئله ۱۸۰۸ گفته شد که نصاب معدن فقط به طلا می باشد.

کد مسئله: ۶۰۴۰۲

مسئله ۱۸۱۰

مسئله ۱۸۱۰- گچ و آهک و گل سر شور و گل سرخ از چیزهای معدن نیست (۱) و کسی که اینها را بیرون می آورد، در صورتی باید خمس بدهد که آنچه را بیرون آورده، به تنهایی یا با منافع دیگر کسبش از مخارج سال او زیاد بیاید.

۱- بلکه معدنی است و احکام معدن بر آنها جاری است علی الاقوی

کد مسأله: ۶۰۴۰۴

مسأله ۱۸۱۱

مسأله ۱۸۱۱- کسی که از معدن چیزی به دست می‌آورد باید خمس آن را بدهد، چه معدن روی زمین باشد یا زیر آن، در زمینی باشد که ملک است یا در جایی باشد که مالک ندارد.

کد مسأله: ۶۰۴۰۸

مسأله ۱۸۱۲

مسأله ۱۸۱۲- اگر نداند قیمت چیزی را که از معدن بیرون آورده به ۱۰۵ مثقال نقره (۱) یا ۱۵ مثقال طلا می‌رسد یا نه، باید به وزن کردن یا از راه دیگر قیمت آن را معلوم کند. (۲)

۱- در مسأله ۱۸۰۸ گفته شد که نصاب معدن فقط به طلا می‌باشد.

۲- بنابر احتیاط واجب

کد مسأله: ۶۰۴۱۰

مسأله ۱۸۱۳

مسأله ۱۸۱۳- اگر چند نفر چیزی از معدن بیرون آورند چنانچه بعد از کم کردن مخارجی که برای آن کرده‌اند قیمت آن به ۱۰۵ مثقال نقره یا ۱۵ مثقال طلا برسد، (۱) اگر چه سهم هر کدام آنها این مقدار نباشد، بنابر احتیاط واجب باید خمس آن را بدهند. (۲)

۱- در مسأله ۱۸۰۸ گفته شد که نصاب معدن فقط به طلا می‌باشد.

۲- این احتیاط واجب نیست و اقوی عدم وجوب خمس است.

کد مسأله: ۶۰۴۱۳

مسأله ۱۸۱۴

مسأله ۱۸۱۴- اگر معدنی را که در ملک دیگری است بیرون آورد، آنچه از آن به دست می‌آید مال صاحب ملک است و چون صاحب ملک برای بیرون آوردن آن خرجی نکرده باید خمس تمام آنچه را که از معدن بیرون آمده بدهد. (۱)

۱- در صورتی که به حد نصاب رسیده باشد و الا خمس ندارد.

کد مسأله: ۶۰۴۱۵

۳- گنج**مسأله ۱۸۱۵**

مسأله ۱۸۱۵- گنج مالی است که در زمین یا درخت یا کوه یا دیوار پنهان باشد و کسی آن را پیدا کند، و طوری باشد که به آن گنج بگویند.

کد مسأله: ۶۰۴۱۸

مسئله ۱۸۱۶

مسئله ۱۸۱۶- اگر انسان در زمینی که ملک کسی نیست گنجی پیدا کند، مال خود اوست و باید خمس آن را بدهد.

کد مسئله: ۶۰۴۲۵

مسئله ۱۸۱۷

مسئله ۱۸۱۷- نصاب گنج بنا بر احتیاط ۱۰۵ مثقال نقره یا ۱۵ مثقال طلا است، یعنی اگر قیمت چیزی را که از گنج به دست می‌آورد، بعد از کم کردن مخارجی که برای آن کرده به ۱۰۵ مثقال نقره یا ۱۵ مثقال طلا برسد، بنا بر احتیاط واجب باید خمس آن را بدهد. (۱)

۱- علی الاقوی باید خمس آن را بدهد.

کد مسئله: ۶۰۴۲۷

مسئله ۱۸۱۸

مسئله ۱۸۱۸- اگر در زمینی که از دیگری خریده گنجی پیدا کند و بداند مال کسانی که قبلاً مالک آن زمین بوده‌اند نیست، مال خود او می‌شود و باید خمس آن را بدهد. ولی اگر احتمال دهد که مال یکی از آنان است، باید به او اطلاع دهد و چنانچه معلوم شود مال او نیست، باید به کسی که پیش از او مالک زمین بوده اطلاع دهد و به همین ترتیب به تمام کسانی که پیش از او مالک زمین بوده‌اند خبر دهد، و اگر معلوم شود مال هیچ یک آنان نیست مال خود او می‌شود و باید خمس آن را بدهد.

کد مسئله: ۶۰۴۳۰

مسئله ۱۸۱۹

مسئله ۱۸۱۹- اگر در ظرفهای متعددی که در یک جا دفن شده مالی پیدا کند که قیمت آنها روی هم ۱۰۵ مثقال نقره یا ۱۵ مثقال طلا باشد، بنا بر احتیاط واجب (۱) باید خمس آن را بدهد. ولی چنانچه در چند جا گنج پیدا کند، هر کدام آنها که قیمتش به این مقدار برسد، بنا بر احتیاط خمس آن واجب است (۲) و گنجی که قیمت آن به این مقدار نرسیده خمس ندارد.

۱- بلکه علی الاقوی باید خمس بدهد

۲- بلکه علی الاقوی خمس آن واجب است.

کد مسئله: ۶۰۴۳۴

مسئله ۱۸۲۰

مسئله ۱۸۲۰- اگر دو نفر گنجی پیدا کنند که قیمت آن به ۱۰۵ مثقال نقره یا ۱۵ مثقال طلا برسد، اگرچه سهم هر یک از آنان به این مقدار نباشد، بنا بر احتیاط واجب (۱) باید خمس آن را بدهند.

۱- واجب نیست ولکن مستحسن است.

کد مسئله: ۶۰۴۳۶

مسئله ۱۸۲۱

مسئله ۱۸۲۱- اگر کسی حیوانی را بخرد و در شکم آن مالی پیدا کند چنانچه احتمال دهد که مال فروشنده است، باید به او خبر دهد. و اگر معلوم شود مال او نیست، باید به ترتیب، صاحبان قبلی آن را خبر کند، و چنانچه معلوم شود که مال هیچ یک آنان نیست، اگرچه قیمت آن ۱۰۵ مثقال نقره یا ۱۵ مثقال طلا نباشد، بنابر احتیاط واجب باید خمس آن را بدهد.
کد مسئله: ۶۰۴۳۹

۴- مال حلال مخلوط به حرام**مسئله ۱۸۲۲**

مسئله ۱۸۲۲- اگر مال حلال با مال حرام بطوری مخلوط شود که انسان نتواند آنها را از یکدیگر تشخیص دهد و صاحب مال حرام و مقدار آن، هیچ کدام معلوم نباشد، باید خمس تمام مال را بدهد و بعد از دادن خمس، بقیه مال حلال می‌شود.
کد مسئله: ۶۰۴۴۲

مسئله ۱۸۲۳

مسئله ۱۸۲۳- اگر مال حلال با حرام مخلوط شود و انسان مقدار حرام را بداند ولی صاحب آن را نشناسد، باید آن مقدار را به نیت صاحبش صدقه بدهد و احتیاط واجب آن است که از حاکم شرع هم اذن بگیرد.
کد مسئله: ۶۰۴۴۴

مسئله ۱۸۲۴

مسئله ۱۸۲۴- اگر مال حلال با حرام مخلوط شود و انسان مقدار حرام را نداند ولی صاحبش را بشناسد، باید یکدیگر را راضی نمایند (۱) و چنانچه صاحب مال راضی نشود، در صورتی که انسان بداند چیز معینی مال اوست و شک کند که بیشتر از آن هم مال او هست یا نه، باید چیزی را که یقین دارد مال اوست به او بدهد، و احتیاط مستحب آن است مقدار بیشتری را که احتمال می‌دهد مال اوست به او بدهد.
۱- مصالحه یکی از طرق تخلص است و تعیین ندارد.
کد مسئله: ۶۰۴۴۶

مسئله ۱۸۲۵

مسئله ۱۸۲۵- اگر خمس مال حلال مخلوط به حرام را بدهد و بعد بفهمد که مقدار حرام بیشتر از خمس بوده، بنابر احتیاط واجب (۱) باید مقداری را که می‌داند از خمس بیشتر بوده، از طرف صاحب آن صدقه بدهد.
۱- واجب نیست ولی مستحسن است خصوصاً با اذن حاکم شرع
کد مسئله: ۶۰۴۵۰

مسئله ۱۸۲۶

مسئله ۱۸۲۶- اگر خمس مال حلال مخلوط به حرام را بدهد، یا مالی که صاحبش را نمی‌شناسد به نیت او صدقه بدهد، بعد از آنکه صاحبش پیدا شد بنابر احتیاط واجب (۱) باید به مقدار مالش به او بدهد.

۱- در مورد مال حلال مخلوط به حرام اقوی عدم ضمان است و احتیاط مستحسن است و در مورد مجهول المالک اقوی ضمان است اگر مالک صدقه را قبول نکند و الا اقوی عدم ضمان است.

کد مسئله: ۶۰۴۵۲

۵- جواهری که به واسطه فرو رفتن در دریا به دست می‌آید

مسئله ۱۸۲۷

مسئله ۱۸۲۷- اگر مال حلالی با حرام مخلوط شود و مقدار حرام معلوم باشد و انسان بداند که صاحب آن از چند نفر معین بیرون نیست ولی نتواند بفهمد کیست، باید آن مال را به طور مساوی بین آن چند نفر قسمت کند. (۱)

۱- اقوی جلب رضایت همه آن افراد است و اگر ممکن نشد باید با قرعه تعیین مالک نماید و تمام مال را با آن رد کند نه تقسیم بین آنها به طور مساوی

کد مسئله: ۶۰۴۵۴

مسئله ۱۸۲۸

مسئله ۱۸۲۸- اگر به واسطه غواصی یعنی فرو رفتن در دریا لؤلؤ و مرجان یا جواهر دیگری بیرون آورند، رویدنی باشد، یا معدنی، چنانچه بعد از کم کردن مخارجی که برای بیرون آوردن آن کرده‌اند، قیمت آن به ۱۸ نخود طلا برسد، باید خمس آن را بدهند، چه در یک دفعه آن را از دریا بیرون آورده باشند یا در چند دفعه، آنچه بیرون آمده از یک جنس باشد یا از چند جنس، یک نفر آن را بیرون آورده باشد، یا چند نفر. (۱)

۱- در صورتی که سهم هر یک به مقدار نصاب برسد والا واجب نیست علی الاقوی اگرچه مستحسن است.

کد مسئله: ۶۰۴۵۷

مسئله ۱۸۲۹

مسئله ۱۸۲۹- اگر بدون فرو رفتن در دریا به وسیله اسبابی جواهر بیرون آورد و بعد از کم کردن مخارجی که برای آن کرده قیمت آن به ۱۸ نخود طلا برسد بنابر احتیاط خمس آن واجب است. ولی اگر از روی آب دریا یا از کنار دریا جواهر بگیرد، در صورتی باید خمس آن را بدهد که آنچه را به دست آورده به تنهایی یا با منفعت‌های دیگر کسب او از مخارج سالش زیادتر باشد. (۱)

۱- ولو به حد نصاب نرسد خمس به عنوان ارباب مکاسب لازم است.

کد مسئله: ۶۰۴۵۹

مسئله ۱۸۳۰

مسئله ۱۸۳۰- خمس ماهی و حیوانات دیگری که انسان بدون فرو رفتن در دریا می‌گیرد (۱) در صورتی واجب است که به تنهایی یا با منفعت‌های دیگر کسب او از مخارج سالش زیادتر باشد.

۱- یا با فرو رفتن در دریا بگیرد این قید مدخلیتی در حکم ندارد و در هر دو صورت حکم یکی است و باید به عنوان ارباح مکاسب خمس آن را بدهند.

کد مسأله: ۶۰۴۶۲

مسأله ۱۸۳۱

مسأله ۱۸۳۱- اگر انسان بدون قصد این که چیزی از دریا بیرون آورد در دریا فرو رود و اتفاقاً جواهری به دستش آید بنا بر احتیاط واجب باید خمس آن را بدهد.

کد مسأله: ۶۰۴۶۴

مسأله ۱۸۳۲

مسأله ۱۸۳۲- اگر انسان در دریا فرو رود و حیوانی را بیرون آورد و در شکم آن جواهری پیدا کند که قیمتش هیچ‌ده نخود طلا یا بیشتر باشد چنانچه آن حیوان مانند صدف باشد که نوعاً در شکمش جواهر است، باید خمس آن را بدهد، و اگر اتفاقاً جواهر بلعیده باشد در صورتی خمس آن واجب است که به تنهایی یا با منفعت‌های دیگر کسب او از مخارج سالش زیادتر باشد.

کد مسأله: ۶۰۴۶۷

مسأله ۱۸۳۳

مسأله ۱۸۳۳- اگر در رودخانه‌های بزرگ مانند دجله و فرات فرو رود و جواهری بیرون آورد، چنانچه در آن رودخانه جواهر عمل می‌آید باید خمس آن را بدهد.

کد مسأله: ۶۰۴۶۹

مسأله ۱۸۳۴

مسأله ۱۸۳۴- اگر در آب فرو رود و مقداری عنبر بیرون آورد که قیمت آن ۱۸ نخود طلا یا بیشتر باشد باید خمس آن را بدهد و چنانچه از روی آب یا از کنار دریا به دست آورد اگر قیمت آن به مقدار ۱۸ نخود طلا هم نرسد بنا بر احتیاط (۱) خمس آن واجب است.

۱- اقوی عدم وجوب خمس است اگرچه مستحسن است مگر در صورتی که از منافع سال زیاد آید که خمس به عنوان مکاسب به آن تعلق می‌گیرد نه به عنوان غوص

کد مسأله: ۶۰۴۷۲

مسأله ۱۸۳۵

مسأله ۱۸۳۵- کسی که کسبش غواصی یا بیرون آوردن معدن است اگر خمس آنها را بدهد و چیزی از مخارج سالش زیاد بیاید لازم نیست دوباره خمس آن را بدهد.

کد مسأله: ۶۰۴۷۵

مسئله ۱۸۳۶

مسئله ۱۸۳۶- اگر بچه‌ای معدنی را بیرون آورد یا مال حلال مخلوط به حرام داشته باشد یا گنجی پیدا کند یا به واسطه فرو رفتن در دریا جواهری بیرون آورد ولی او باید خمس آنها را بدهد.

کد مسئله: ۶۰۴۷۷

۶- غنیمت**مسئله ۱۸۳۷**

مسئله ۱۸۳۷- اگر مسلمانان به امر امام (ع) علیه السلام با کفار جنگ کنند و چیزهایی در جنگ به دست آورند به آنها غنیمت گفته می‌شود. و مخارجی را که برای غنیمت کرده‌اند مانند مخارج نگهداری، و حمل و نقل آن و نیز مقداری را که امام علیه السلام صلاح می‌داند به مصرفی برساند و چیزهایی که مخصوص به امام است باید از غنیمت کنار بگذارند و خمس بقیه آن را بدهند.

۱- و اگر به امر امام (ع) نباشد غنیمت ملک امام (ع) است و اگر در زمان غیبت واقع شود اگر به عنوان دعوت به اسلام است باز غنیمت ملک امام (ع) است و اگر به عنوان ازدیاد ملک باشد غنیمت ملک آخذین است و باید بعد از زیاد آمدن آن از مؤنه سال به عنوان ارباب مکاسب پردازد نه به عنوان غنیمت که شرط آن زیاد آمدن از مؤنه سال نیست.

کد مسئله: ۶۰۴۷۹

۷- زمینی که کافر ذمی از مسلمان بخرد**مسئله ۱۸۳۸**

مسئله ۱۸۳۸- اگر کافر ذمی زمینی را از مسلمان بخرد، باید خمس آن را از همان زمین یا از مال دیگرش بدهد. و نیز اگر خانه و دکان و مانند اینها را از مسلمان بخرد، باید خمس زمین را بدهد و در دادن این خمس قصد قربت لازم نیست، بلکه حاکم شرع هم که خمس را از او می‌گیرد، لازم نیست قصد قربت نماید.

کد مسئله: ۶۰۴۸۱

مسئله ۱۸۳۹

مسئله ۱۸۳۹- اگر کافر ذمی زمینی را که از مسلمان خریده به مسلمان دیگری هم بفروشد باید خمس آن را بدهد و نیز اگر بمیرد و مسلمانی آن زمین را از او ارث ببرد، باید خمس آن را از همان زمین یا از مال دیگرش بدهد.

کد مسئله: ۶۰۴۸۴

مسئله ۱۸۴۰

مسئله ۱۸۴۰- اگر کافر ذمی موقع خرید زمین شرط کند که خمس ندهد، یا شرط کند که فروشنده خمس آن را بدهد شرط او صحیح نیست و باید خمس را بدهد ولی اگر شرط کند که فروشنده مقدار خمس را از طرف او به صاحبان خمس بدهد، اشکال ندارد.

کد مسأله: ۶۰۴۸۶

مسأله ۱۸۴۱

مسأله ۱۸۴۱- اگر مسلمان زمینی را به غیر خرید و فروش، ملک کافر کند و عوض آن را بگیرد مثلاً به او صلح نماید، کافر ذمی باید خمس آن را بدهد. (۱)

۱- لازم نیست اگرچه احتیاط مستحسن است.

کد مسأله: ۶۰۴۸۸

مسأله ۱۸۴۲

مسأله ۱۸۴۲- اگر کافر ذمی صغیر باشد و ولی او برایش زمینی بخرد، باید خمس آن را بدهد.

کد مسأله: ۶۰۴۹۱

مصرف خمس**مسأله ۱۸۴۳**

مسأله ۱۸۴۳- خمس را باید دو قسمت کنند: یک قسمت آن سهم سادات است، و باید به سید فقیر، یا سید یتیم، یا به سیدی که در سفر درمانده شده بدهند و نصف دیگر آن سهم امام (ع) است که در این زمان باید به مجتهد جامع شرایط بدهند یا به مصرفی که او اجازه می دهد برسانند ولی اگر انسان بخواهد سهم امام را به مجتهدی که از او تقلید نمی کند بدهد، در صورتی به او اذن داده می شود که بداند آن متجهد و مجتهدی که از او تقلید می کند، سهم امام را به یک طور مصرف می کنند.

کد مسأله: ۶۰۴۹۵

مسأله ۱۸۴۴

مسأله ۱۸۴۴- سید یتیمی که به او خمس می دهند، باید فقیر باشد ولی به سیدی که در سفر درمانده شده اگر در وطنش فقیر نباشد می شود خمس داد.

کد مسأله: ۶۰۴۹۷

مسأله ۱۸۴۵

مسأله ۱۸۴۵- به سیدی که در سفر درمانده شده، اگر سفر او سفر معصیت باشد بنابر احتیاط واجب (۱) نباید خمس بدهند.

۱- این احتیاط واجب نیست و دادن خمس اشکالی ندارد اگرچه ترک آن مستحسن است.

کد مسأله: ۶۰۵۰۰

مسأله ۱۸۴۶

مسأله ۱۸۴۶- به سیدی که عادل نیست می شود خمس داد، ولی به سیدی که دوازده امامی نیست، نباید خمس بدهند. (۱)

۱- بنا بر احتیاط اگر اعانت بر عدم ایمان باشد و الا جائز است چون جزء مؤلفه بین قلوب محسوب می شود.

کد مسأله: ۶۰۵۰۲

مسأله ۱۸۴۷

مسأله ۱۸۴۷- به سیدی که معصیت کار است، اگر خمس دادن کمک به معصیت او باشد نمی شود خمس داد و به سیدی هم که آشکارا معصیت می کند، اگر چه دادن خمس کمک به معصیت او نباشد، بنا بر احتیاط واجب (۱) نباید خمس بدهند.

۱- این احتیاط واجب نیست ولکن مستحسن است.

کد مسأله: ۶۰۵۰۴

مسأله ۱۸۴۸

مسأله ۱۸۴۸- اگر کسی بگوید سیدم نمی شود به او خمس داد مگر آنکه دو نفر عادل، سید بودن او را تصدیق کنند یا در بین مردم به طوری معروف باشد که انسان یقین کند (۱) سید است.

۱- یا اطمینان پیدا کند که سید است.

کد مسأله: ۶۰۵۰۷

مسأله ۱۸۴۹

مسأله ۱۸۴۹- به کسی که در شهر خودش مشهور باشد سید است، اگر چه انسان به سید بودن او یقین (۱) نداشته باشد، می شود خمس داد.

۱- بلکه باید وثوق و اطمینان داشته باشد والا نمی شود به او خمس داد.

کد مسأله: ۶۰۵۱۲

مسأله ۱۸۵۰

مسأله ۱۸۵۰- کسی که زنش سیده است بنا بر احتیاط واجب نباید به او خمس بدهد که به مصرف مخارج خودش برساند، ولی اگر مخارج دیگران بر آن زن واجب باشد و نتواند مخارج آنان را بدهد، جایز است انسان خمس به آن زن بدهد که به مصرف آنان برساند.

کد مسأله: ۶۰۵۱۶

مسأله ۱۸۵۱

مسأله ۱۸۵۱- اگر مخارج سیدی که زوجه انسان نیست بر انسان واجب باشد. بنا بر احتیاط واجب نمی تواند از خمس، خوراک و پوشاک او را بدهد ولی اگر مقداری خمس ملک او کند که به مصرف مخارج خودش برساند (۱) مانعی ندارد.

۱- در صورتی که واجب النفقه باشد نمی شود برای مخارج خودش تملیک او کند ولی برای غیر خودش که واجب النفقه خمس دهنده باشند می شود داد.

کد مسأله: ۶۰۵۲۰

مسئله ۱۸۵۲

مسئله ۱۸۵۲- به سید فقیری که مخارجش بر دیگری واجب است و او نمی تواند مخارج آن سید را بدهد می شود خمس داد.
کد مسئله: ۶۰۵۲۴

مسئله ۱۸۵۳

مسئله ۱۸۵۳- احتیاط واجب آن است که بیشتر از مخارج یکسال به یک سید فقیر خمس ندهند.
کد مسئله: ۶۰۵۲۷

مسئله ۱۸۵۴

مسئله ۱۸۵۴- اگر در شهر انسان سید مستحق نباشد و احتمال هم ندهد که پیدا شود یا نگهداری خمس تا پیدا شدن مستحق ممکن نباشد باید خمس را به شهر دیگر ببرد و به مستحق به رساند و می تواند (۱) مخارج بردن آن را از خمس بردارد. و اگر خمس از بین برود. چنانچه در نگهداری آن کوتاهی کرده ، باید عوض آن را بدهد و اگر کوتاهی نکرده، چیزی بر او واجب نیست.

۱- در نقل واجب نه نقل مستحسن (یعنی به شرط بودن فقیر در شهر اگر انتقال دهد این نقل مستحسن است و با نبود فقیر در شهر انتقال واجب است).
کد مسئله: ۶۰۵۲۹

مسئله ۱۸۵۵

مسئله ۱۸۵۵- هرگاه در شهر خودش مستحق نباشد، ولی احتمال دهد که پیدا شود اگرچه نگهداری خمس تا پیدا شدن مستحق ممکن باشد، می تواند خمس را به شهر دیگر ببرد و چنانچه در نگهداری آن کوتاهی نکند و تلف شود نباید چیزی بدهد ولی نمی تواند مخارج بردن آن را از خمس بردارد.
کد مسئله: ۶۰۵۳۱

مسئله ۱۸۵۶

مسئله ۱۸۵۶- اگر در شهر خویش مستحق پیدا شود، باز هم می تواند خمس را به شهر دیگر ببرد و به مستحق برساند. ولی مخارج بردن آن را باید از خودش بدهد و در صورتی که خمس از بین برود اگرچه در نگهداری آن کوتاهی نکرده باشد ضامن است.
کد مسئله: ۶۰۵۳۴

مسئله ۱۸۵۷

مسئله ۱۸۵۷- اگر با اذن حاکم شرع خمس را به شهر دیگر ببرد و از بین برود لازم نیست دوباره خمس بدهد و همچنین است اگر به کسی بدهد که از طرف حاکم شرع وکیل بوده که خمس را بگیرد و از آن شهر به شهر دیگر ببرد.

کد مسأله: ۶۰۵۳۶

مسأله ۱۸۵۸

مسأله ۱۸۵۸- اگر خمس را از خود مال ندهد و از جنس دیگر بدهد، باید به قیمت واقعی آن جنس حساب کند و چنانچه گرانتر از قیمت حساب کند، اگر چه مستحق به آن قیمت راضی شده باشد، باید مقداری را که زیاد حساب کرده بدهد.

کد مسأله: ۶۰۵۳۹

مسأله ۱۸۵۹

مسأله ۱۸۵۹- کسی که از مستحق طلبکار است و می‌خواهد طلب خود را بابت خمس حساب کند، بنابر احتیاط واجب (۱) باید خمس را به او بدهد و بعد مستحق بابت بدهی خود به او برگرداند.

۱- این احتیاط واجب نیست ولکن مستحسن است.

کد مسأله: ۶۰۵۴۱

مسأله ۱۸۶۰

مسأله ۱۸۶۰- مستحق نمی‌تواند خمس را بگیرد و به مالک ببخشد، ولی کسی که مقدار زیادی خمس بدهکار است و فقیر شده و می‌خواهد مدیون اهل خمس نباشد، اگر مستحق راضی شود که خمس را از او بگیرد و به او ببخشد، اشکال ندارد.

کد مسأله: ۶۰۵۴۳

احکام زکوه**مسأله ۱۸۶۱**

مسأله ۱۸۶۱- زکوه نه چیز واجب است: اول: گندم. دوم: جو. سوم: خرما. چهارم: کشمش. پنجم: طلا. ششم: نقره. هفتم: شتر. هشتم: گاو. نهم: گوسفند. و اگر کسی مالک یکی از این نه چیز باشد، با شرایطی که بعداً گفته می‌شود باید مقداری که معین شده به یکی از مصرف‌هایی که دستور داده‌اند برساند.

کد مسأله: ۶۲۹۷۴

مسأله ۱۸۶۲

مسأله ۱۸۶۲- سلت که دانه‌ای است به نرمی گندم و خاصیت جو دارد، و علس که مثل گندم است و خوراک مردمان صنعا می‌باشد، زکوتشان بنابر احتیاط واجب باید داده شود.

کد مسأله: ۶۲۹۸۲

شرایط واجب شدن زکوه**مسأله ۱۸۶۳**

مسئله ۱۸۶۳- زکوه در صورتی واجب می‌شود که مال به مقدار نصاب که بعداً گفته می‌شود برسد و مالک آن، بالغ و عاقل و آزاد باشد و بتواند در آن مال تصرف کند.

کد مسئله: ۶۲۹۸۵

مسئله ۱۸۶۴

مسئله ۱۸۶۴- اگر انسان یازده ماه مالک گاو و گوسفند و شتر و طلا و نقره باشد، اول ماه دوازدهم باید زکوه آن را بدهد. ولی اول سال بعد را باید بعد از تمام شدن ماه دوازدهم حساب کند.

کد مسئله: ۶۲۹۸۷

مسئله ۱۸۶۵

مسئله ۱۸۶۵- اگر مالک گاو و گوسفند و شتر و طلا و نقره در بین سال بالغ شود، احتیاط واجب (۱) آن است که زکوه را بدهد مثلاً اگر بچه ای در اول محرم مالک چهل گوسفند شود و بعد از گذشتن دو ماه بالغ گردد، یازده ماه که از اول محرم بگذرد، اگر شرایط دیگر را هم دارا باشد احتیاطاً باید زکوه آن را بدهد.

۱- این احتیاط واجب نیست و اول حول از اول بلوغ است.

کد مسئله: ۶۲۹۹۱

مسئله ۱۸۶۶

مسئله ۱۸۶۶- زکوه گندم و جو وقتی واجب می‌شود که به آنها گندم و جو گفته شود، و زکوه کشمش بنا بر احتیاط وقتی واجب می‌شود که غوره است، (۱) و موقعی هم که رنگ خرما زرد یا سرخ شد (۲) بنا بر احتیاط زکوه آن واجب می‌شود. ولی وقت دادن زکوه در گندم و جو موقع خرمن و جدا کردن کاه آنها و در خرما و کشمش موقعی است که خشک شده باشند. (۳)

۱- وقتی واجب می‌شود که عنوان انگور بر او صادق باشد علی‌الاقوی

۲- وقتی واجب می‌شود که عنوان خرما بر او صدق کند.

۳- در موقع کندن خرمان و انگور است.

کد مسئله: ۶۲۹۹۷

مسئله ۱۸۶۷

مسئله ۱۸۶۷- اگر موقع واجب شدن زکوه گندم و جو و کشمش و خرما که در مسئله پیش گفته شد صاحب آنها بالغ باشد باید زکوه آنها را بدهد.

کد مسئله: ۶۳۰۰۰

مسئله ۱۸۶۸

مسئله ۱۸۶۸- اگر صاحب گاو و گوسفند و شتر و طلا- و نقره در تمام سال دیوانه باشد، زکوه بر او واجب نیست. ولی اگر در

مقداری از سال دیوانه باشد و در آخر سال عاقل گردد، بنا بر احتیاط زکوه بر او واجب است. (۱)

۱- این احتیاط واجب نیست ولیکن مستحسن است.

کد مسأله: ۶۳۰۰۲

مسأله ۱۸۶۹

مسأله ۱۸۶۹- اگر صاحب گاو و گوسفند و شتر و طلا و نقره در مقداری از سال مست یا بیهوش شود، زکوه از او ساقط نمی‌شود و همچنین است اگر موقع واجب شدن زکوه گندم و جو و خرما و کشمش مست یا بیهوش باشد.

کد مسأله: ۶۳۰۰۵

مسأله ۱۸۷۰

مسأله ۱۸۷۰- مالی را که از انسان غصب کرده‌اند و نمی‌تواند در آن تصرف کند زکوه ندارد ولی اگر زراعتی را از او غصب کنند و موقعی که زکوه آن واجب می‌شود، در دست غصب کننده باشد هر وقت به صاحبش برگشت، احتیاط واجب (۱) آن است که زکوه آن را بدهد.

۱- این احتیاط واجب نیست ولیکن مستحسن است

کد مسأله: ۶۳۰۱۰

مسأله ۱۸۷۱

مسأله ۱۸۷۱- اگر طلا و نقره یا چیز دیگری را که زکوه آن واجب است قرض کند و یک سال نزد او بماند، باید زکوه آن را بدهد و بر کسی که قرض داده چیزی واجب نیست.

کد مسأله: ۶۳۰۱۵

زکوه گندم و جو و خرما و کشمش

مسأله ۱۸۷۲

مسأله ۱۸۷۲- زکوه گندم و جو و خرما و کشمش وقتی واجب می‌شود که به مقدار نصاب برسند و نصاب آنها ۲۸۸ من تبریز (۱) و ۴۵ مثقال کم است که ۲۰۷/۸۴۷ کیلوگرم می‌شود. (۲)

۱- بلکه $53(1/4)$ مثقال کم است و ظاهراً در حساب اشتباه شده است.

۲- بلکه در حدود ۱۷ کیلو بیشتر از مقدار مذکور می‌شود و بهتر آن است که به حسب من تبریز نصاب را حساب کنند تا اشتباه کمتر باشد.

کد مسأله: ۶۳۰۱۸

مسأله ۱۸۷۳

مسأله ۱۸۷۳- اگر پیش از دادن زکوه از انگور و خرما و جو و گندمی که زکوه آنها واجب شده خود و عیالاتش بخورند یا مثلاً به

فقیر بدهد، باید زکوه مقداری (۱) را که مصرف کرده بدهد.

۱- اگر زاید از مقدار متعارف مصرف کرده باشد والا به مقدار متعارف زکوه ندارد.

کد مسأله: ۶۳۰۲۰

مسأله ۱۸۷۴

مسأله ۱۸۷۴- اگر بعد از آن که زکوه گندم و جو و خرما و انگور واجب شد مالک آن بمیرد، باید مقدار زکوه را از مال او بدهند، ولی اگر پیش از واجب شدن زکوه بمیرد، هر یک از ورثه که سهم او به اندازه نصاب است باید زکوه سهم خود را بدهد.

کد مسأله: ۶۳۰۲۳

مسأله ۱۸۷۵

مسأله ۱۸۷۵- کسی که از طرف حاکم شرع مامور جمع آوری زکوه است موقع خرمن که گندم و جو را از کاه جدا می کنند و بعد از خشک شدن خرما و انگور می تواند زکوه را مطالبه کند. و اگر مالک ندهد و چیزی که زکوه آن واجب شده از بین برود باید عوض آن را بدهد.

کد مسأله: ۶۳۰۲۶

مسأله ۱۸۷۶

مسأله ۱۸۷۶- اگر بعد از مالک شدن درخت خرما و انگور یا زراعت گندم و جو زکوه آنها واجب شود، مثلاً خرما در ملک او زرد یا سرخ شود (۱) باید زکوه آن را بدهد.

۱- بلکه در ملک او خرما شود چنانچه سابقاً گذشت.

کد مسأله: ۶۳۰۲۹

مسأله ۱۸۷۷

مسأله ۱۸۷۷- اگر بعد از آن که زکوه گندم و جو و خرما و انگور واجب شد زراعت و درخت را بفروشد، باید زکوه آنها را بدهد.

کد مسأله: ۶۳۰۳۱

مسأله ۱۸۷۸

مسأله ۱۸۷۸- اگر انسان گندم یا جو یا خرما یا انگور را بخرد و بداند که فروشنده زکوه آن را داده یا شک کند که داده یا نه، چیزی بر او واجب نیست و اگر بداند که زکوه آن را نداده چنانچه حاکم شرع معامله مقداری را که باید از بابت زکوه داده شود اجازه ندهد معامله آن مقدار باطل است و حاکم شرع می تواند مقدار زکوه را از خریدار بگیرد و اگر معامله مقدار زکوه را اجازه دهد معامله صحیح است و خریدار باید قیمت آن مقدار را به حاکم شرع بدهد و در صورتی که قیمت آن مقدار را به فروشنده داده باشد می تواند از او پس بگیرد.

کد مسأله: ۶۳۰۳۳

مسئله ۱۸۷۹

مسئله ۱۸۷۹- اگر وزن گندم و جو و خرما و کشمش موقعی که تراست به ۲۸۸ من و ۴۵ مثقال کم برسد و بعد از خشک شدن کمتر از این مقدار شود، زکوه آن واجب نیست.
کد مسئله: ۶۳۰۳۵

مسئله ۱۸۸۰

مسئله ۱۸۸۰- اگر گندم و جو و خرما را پیش از خشک شدن مصرف کند چنانچه خشک آنها به اندازه نصاب باشد باید زکوه آنها را بدهد.
کد مسئله: ۶۳۰۳۸

مسئله ۱۸۸۱

مسئله ۱۸۸۱- خرمایی که تازه آن را می‌خورند و اگر بماند خیلی کم می‌شود یا بعد از خشک شدن، خرما به آن نمی‌گویند چنانچه مقداری باشد که خشک آن به ۲۸۸ من و ۴۵ مثقال کم برسد، زکوه آن واجب است. (۱)
۱- اگر بعد از خشک شدن عنوان خرما بر آن صادق نباشد زکوه واجب نیست ولو این که بعد از خشک شدن به مقدار نصاب باشد.
کد مسئله: ۶۳۰۴۲

مسئله ۱۸۸۲

مسئله ۱۸۸۲- گندم و جو و خرما و کشمش که زکوه آنها را داده، اگر چند سال هم نزد او بماند، زکوه ندارد.
کد مسئله: ۶۳۰۴۴

مسئله ۱۸۸۳

مسئله ۱۸۸۳- اگر گندم و جو و خرما و انگور از آب باران یا نهر مشروب شود، یا مثل زراعت های مصر از رطوبت زمین استفاده کند، زکوه آن ده یک است و اگر با دلو و مانند آن آبیاری شود، زکوه آن بیست یک است. و اگر مقداری از باران، یا نهر یا رطوبت زمین استفاده کند و به همان مقدار از آبیاری با دلو و مانند آن استفاده نماید، زکوه نصف آن ده یک و زکوه نصف دیگر آن بیست یک می باشد یعنی از چهل قسمت سه قسمت آن را باید بابت زکوه بدهد.
کد مسئله: ۶۳۰۴۷

مسئله ۱۸۸۴

مسئله ۱۸۸۴- اگر گندم و جو و خرما و انگور هم از آب باران مشروب شود و هم از آب دلو و مانند آن استفاده کند، چنانچه طوری باشد که بگویند آبیاری با دلو و مانند آن غلبه داشته (۱) زکوه آن بیست یک است، و اگر بگویند آبیاری با آب نهر و باران غلبه داشته زکوه آن ده یک است بلکه اگر نگویند آب باران و نهر غلبه داشته ولی آبیاری با آب باران و نهر بیشتر از آب دلو و

مانند آن باشد بنا بر احتیاط واجب زکوه آن ده یک می‌باشد.

۱- ملاک غلبه نیست بلکه عرفاً صدق کند که به آب باران یا جاری مشروب شده یا صدق کند که با آب چاه یا با دلو مشروب شده و در صورت اول ده یک و در صورت دوم بیست یک و در صورت شک ده یک واجب نیست و احتیاط لازم نیست اگر چه مستحسن است و اقوی از هر چهل قسمت سه قسمت است در صورتی که صدق کند بهر دو مشروب شده والا بیست یک واجب است.

کد مسأله: ۶۳۰۵۱

مسأله ۱۸۸۵

مسأله ۱۸۸۵- اگر شک کند که آبیاری با آب باران و آب دلو به یک اندازه بوده یا آب باران غلبه داشته، می‌تواند از نصف آن ده یک و از نصف دیگر آن بیست یک بدهد و نیز اگر شک کند (۱) که هر دو به یک اندازه بوده، یا آبیاری با دلو غلبه داشته می‌تواند زکوه تمام آن را بیست یک بدهد.

۱- در صدق آبیاری هر دو یا آبیاری به جاری فقط $\frac{3}{40}$ واجب است و اگر شک کند در صدق آبیاری بهر دو یا آبیاری به دلو بیست یک واجب است و اگر شک کند در صدق آبیاری بهر دو یا آبیاری به جاری یا آبیاری به دلو بیست یک کافی است.

کد مسأله: ۶۳۰۵۵

مسأله ۱۸۸۶

مسأله ۱۸۸۶- اگر گندم و جو و خرما و انگور با آب باران و نهر مشروب شود و به آب دلو و مانند آن محتاج نباشد، ولی با آب دلو هم آبیاری شود و آب دلو به زیاد شدن محصول کمک نکند، زکوه آن ده یک است و اگر با دلو و مانند آن آبیاری شود و به آب نهر و باران محتاج نباشد، ولی با آب نهر و باران هم مشروب شود و آنها به زیاد شدن محصول کمک نکنند زکوه آن بیست یک است.

کد مسأله: ۶۳۰۶۱

مسأله ۱۸۸۷

مسأله ۱۸۸۷- اگر زراعتی را با دلو و مانند آن آبیاری کنند، و در زمینی که پهلوی آن است زراعتی کنند که از رطوبت آن زمین استفاده نماید و محتاج به آبیاری نشود، زکوه زراعتی که با دلو آبیاری شده بیست یک و زکوه زراعتی که پهلوی آن است ده یک می‌باشد.

کد مسأله: ۶۳۰۶۳

مسأله ۱۸۸۸

مسأله ۱۸۸۸- مخارجی را که برای گندم و جو و خرما و انگور کرده است، حتی مقداری از قیمت اسباب و لباس را که به واسطه زراعت کم شده می‌تواند از حاصل کسر کند، و چنانچه باقیمانده آن به ۲۸۸ من و ۴۵ مثقال کم برسد، باید زکوه آن را بدهد.

کد مسأله: ۶۳۰۶۷

مسئله ۱۸۸۹

مسئله ۱۸۸۹- تخمی را که به مصرف زراعت رسانده، اگر از خودش باشد، به مقدار وزن آن می‌تواند از حاصل کسر کند و اگر خریده باشد، می‌تواند قیمتی را که برای خرید آن داده جزء مخارج حساب نماید. (۱)

۱- در صورت خرید هم مثل صورت اول خود بذر را از حاصل کسر می‌کند نه قیمت آن را

کد مسئله: ۶۳۰۷۰

مسئله ۱۸۹۰

مسئله ۱۸۹۰- اگر زمین و اسباب زراعت یا یکی از این دو ملک خود او باشد، نباید کرایه آنها را جزء مخارج حساب کند و نیز برای کارهایی که خودش کرده یا دیگری بی‌اجرت انجام داده چیزی از حاصل کسر نمی‌شود.

کد مسئله: ۶۳۰۷۷

مسئله ۱۸۹۱

مسئله ۱۸۹۱- اگر درخت انگور یا خرما را بخرد قیمت آن جزء مخارج نیست، ولی اگر خرما یا انگور را پیش از چیدن بخرد، (۱) پولی را که برای آن داده جزء مخارج حساب می‌شود.

۱- در صورتی که در ملک مشتری مورد تعلق زکوه شود نه در ملک بایع

کد مسئله: ۶۳۰۷۹

مسئله ۱۸۹۲

مسئله ۱۸۹۲- اگر زمینی را بخرد و در آن زمین گندم یا جو بکارد، پولی را که برای خرید زمین داده جزء مخارج حساب نمی‌شود ولی اگر زراعت را بخرد، پولی را که برای خرید آن داده می‌تواند جزء مخارج حساب نماید و از حاصل کم کند، اما باید قیمت کاهی را که از آن بدست می‌آید، از پولی که برای خرید زراعت داده کسر نماید. مثلاً اگر زراعتی را پانصد تومان بخرد و قیمت کاه آن صد تومان باشد فقط چهارصد تومان آن را می‌تواند جزء مخارج حساب نماید. (۱)

۱- در صورتی که در ملک مشتری زکوه به آن تعلق بگیرد نه در ملک بایع

کد مسئله: ۶۳۰۸۲

مسئله ۱۸۹۳

مسئله ۱۸۹۳- کسی که بدون گاو و چیزهای دیگری که برای زراعت لازم است می‌تواند زراعت کند، اگر اینها را بخرد، نباید پولی را که برای خرید اینها داده جزو مخارج حساب نماید.

کد مسئله: ۶۳۰۸۵

مسئله ۱۸۹۴

مسئله ۱۸۹۴- کسی که بدون گاو و چیزهای دیگری که برای زراعت لازم است، نمی‌تواند زراعت کند، اگر آنها را بخرد و به

واسطه زراعت به کلی از بین بروند می‌تواند تمام قیمت آنها را جزو مخارج حساب نماید. و اگر مقداری از قیمت آنها کم شود می‌تواند آن مقدار را جزو مخارج حساب کند ولی اگر بعد از زراعت چیزی از قیمتشان کم نشود، نباید چیزی از قیمت آنها را جزء مخارج حساب نماید.

کد مسأله: ۶۳۰۸۸

مسأله ۱۸۹۵

مسأله ۱۸۹۵- اگر در یک زمین جو و گندم و چیزی مثل برنج و لوبیا که زکوه آن واجب نیست بکارد چنانچه مقصودش زراعت کردن چیزی بوده که زکوه ندارد و بعداً چیزی را که زکوه دارد زراعت کرده، نباید مخارج را حساب کند و اگر مقصودش زراعت کردن چیزی بوده که زکوه دارد و بعداً چیزی را که زکوه ندارد زراعت کرده می‌تواند تمام مخارج را حساب نماید و از حاصل کم کند و در صورتی که مقصودش زراعت هر دو بوده مخارجی را که کرده باید به هر دو قسمت نماید مثلاً اگر هر دو به یک اندازه بوده، می‌تواند نصف مخارج را از جنسی که زکوه دارد کسر نماید.

کد مسأله: ۶۳۰۹۰

مسأله ۱۸۹۶

مسأله ۱۸۹۶- اگر برای شخم زدن یا کار دیگری که تا چند سال برای زراعت فایده دارد خرجی کند، می‌تواند آن را جزء مخارج سال اول حساب نماید.

کد مسأله: ۶۳۰۹۳

مسأله ۱۸۹۷

مسأله ۱۸۹۷- اگر انسان در چند شهر که فصل آنها با یکدیگر اختلاف دارد و زراعت و میوه آنها در یک وقت به دست نمی‌آید گندم یا جو یا خرما یا انگور داشته باشد و همه آنها محصول یک سال حساب شود چنانچه چیزی که اول می‌رسد به اندازه نصاب یعنی ۲۸۸ من و ۴۵ مثقال کم باشد باید زکوه آن را موقعی که می‌رسد بدهد و زکوه بقیه را هر وقت به دست می‌آید ادا نماید و اگر آنچه اول می‌رسد به اندازه نصاب نباشد، در صورتی که یقین دارد با آنچه به دست می‌آید به اندازه نصاب می‌شود، باز هم واجب است (۱) زکوه آنچه را که رسیده همان وقت و زکوه بقیه را موقعی که می‌رسد بدهد و اگر یقین ندارد که همه آنها به اندازه نصاب شود، صبر می‌کند تا بقیه آن برسد، پس اگر روی هم به مقدار نصاب شود، زکوه آن واجب است و اگر به مقدار نصاب نشود زکوه آن واجب نیست.

۱- بلکه واجب نیست و باید صبر کند تا نصاب کامل شود آن وقت واجب است.

کد مسأله: ۶۳۰۹۵

مسأله ۱۸۹۸

مسأله ۱۸۹۸- اگر درخت خرما یا انگور در یک سال دو مرتبه میوه دهد چنانچه روی هم به مقدار نصاب باشد بنابر احتیاط زکوه آن واجب است.

کد مسأله: ۶۳۰۹۷

مسئله ۱۸۹۹

مسئله ۱۸۹۹- اگر مقداری خرما یا انگور تازه دارد که خشک آن به اندازه نصاب می شود، چنانچه به قصد زکوه از تازه آن به قدری به مستحق بدهد که اگر خشک شود به اندازه زکوتی باشد که برای او واجب است اشکال ندارد.

کد مسئله: ۶۳۱۰۰

مسئله ۱۹۰۰

مسئله ۱۹۰۰- اگر زکوه خرمای خشک یا کشمش بر او واجب باشد نمی تواند زکوه آن را خرمای تازه یا انگور بدهد و نیز اگر زکوه خرمای تازه یا انگور بر او واجب باشد، نمی تواند زکوه آن را خرمای خشک یا کشمش بدهد اما اگر یکی از اینها یا چیز دیگری را به قصد قیمت زکوه بدهد مانعی ندارد.

کد مسئله: ۶۳۱۱۵

مسئله ۱۹۰۱

مسئله ۱۹۰۱- کسی که بدهکار است و مالی هم دارد که زکوه آن واجب شده اگر بمیرد باید اول تمام زکوه را از مالی که زکوه آن واجب شده بدهد بعد قرض او را ادا نمایند.

کد مسئله: ۶۳۱۳۳

مسئله ۱۹۰۲

مسئله ۱۹۰۲- کسی که بدهکار است و گندم یا جو یا خرما یا انگور هم دارد اگر بمیرد و پیش از آن که زکوه اینها واجب شود ورثه قرض او را از مال دیگر بدهند، هر کدام که سهمشان به ۲۸۸ من و ۴۵ مثقال کم برسد باید زکوه بدهد و اگر پیش از آن که زکوه اینها واجب شود قرض او را ندهند چنانچه مال میت فقط به اندازه بدهی او باشد، واجب نیست زکوه اینها را بدهند و اگر مال میت بیشتر از بدهی او باشد در صورتی که بدهی او بقدری است که اگر بخواهند ادا نمایند باید مقداری از گندم و جو و خرما و انگور را هم به طلبکار بدهند، آنچه را به طلبکار می دهند زکوه ندارد و بقیه مال ورثه است و هر کدام آنان که سهمش به اندازه نصاب شود باید زکوه آن را بدهد.

کد مسئله: ۶۳۱۳۸

مسئله ۱۹۰۳

مسئله ۱۹۰۳- اگر گندم و جو و خرما و کشمش که زکوه آنها واجب شده خوب و بد دارد، احتیاط واجب (۱) آن است که زکوه هر کدام از خوب و بد را از خود آنها بدهد.

۱- واقوی جواز اداء زکوه است از جنس خوب

کد مسئله: ۶۳۱۴۳

مسأله ۱۹۰۴

مسأله ۱۹۰۴- طلا دو نصاب دارد: نصاب اول آن بیست مثقال شرعی است که هر مثقال آن ۱۸ نخود است، پس وقتی طلا به بیست مثقال شرعی که پانزده مثقال معمولی است برسد اگر شرایط دیگر را هم که گفته شد داشته باشد، انسان باید چهل یک آن را که نه نخود می‌شود از بابت زکوه بدهد و اگر به این مقدار نرسد زکوه آن واجب نیست. و نصاب دوم آن چهار مثقال شرعی است که سه مثقال معمولی می‌شود یعنی اگر سه مثقال به پانزده مثقال اضافه شود، باید زکوه تمام ۱۸ مثقال را از قرار چهل یک بدهد و اگر کمتر از سه مثقال اضافه شود، فقط باید زکوه ۱۵ مثقال آن را بدهد و زیادی آن زکوه ندارد، و همچنین است هر چه بالا رود، یعنی اگر سه مثقال اضافه شود باید زکوه تمام آنها را بدهد و اگر کمتر اضافه شود، مقداری که اضافه شده زکوه ندارد.

کد مسأله: ۶۳۱۴۷

نصاب نقره**مسأله ۱۹۰۵**

مسأله ۱۹۰۵- نقره دو نصاب دارد: نصاب اول آن ۱۰۵ مثقال معمولی است که اگر نقره به ۱۰۵ مثقال برسد و شرایط دیگر را هم که گفته شد داشته باشد انسان باید چهل یک آن را که ۲ مثقال و ۱۵ نخود است از بابت زکوه بدهد و اگر به این مقدار نرسد زکوه آن واجب نیست. و نصاب دوم آن، ۲۱ مثقال است یعنی اگر ۲۱ مثقال به ۱۰۵ مثقال اضافه شود باید زکوه تمام ۱۲۶ مثقال را بطوری که گفته شد بدهد و اگر کمتر از ۲۱ مثقال اضافه شود فقط باید زکوه ۱۰۵ مثقال آن را بدهد و زیادی آن زکوه ندارد و همچنین است هر چه بالا رود، یعنی اگر ۲۱ مثقال اضافه شود باید زکوه تمام آنها را بدهد و اگر کمتر اضافه شود مقداری که اضافه شده و کمتر از ۲۱ مثقال است زکوه ندارد. بنابراین اگر انسان چهل یک هر چه طلا و نقره دارد بدهد، زکوتی را که بر او واجب بوده داده و گاهی هم بیشتر از مقدار واجب داده است مثلاً کسی که ۱۱۰ مثقال نقره دارد اگر چهل یک آن را بدهد، زکوه ۱۰۵ مثقال آن را که واجب بوده داده و مقداری هم برای ۵ مثقال آن داده که واجب نبوده است.

کد مسأله: ۶۳۱۵۰

مسأله ۱۹۰۶

مسأله ۱۹۰۶- کسی که طلا یا نقره او به اندازه نصاب است، اگر چه زکوه آن را داده باشد، تا وقتی از نصاب اول کم نشده همه ساله باید زکوه آن را بدهد.

کد مسأله: ۶۳۱۵۴

مسأله ۱۹۰۷

مسأله ۱۹۰۷- زکوه طلا و نقره در صورتی واجب می‌شود که آن را سکه زده باشند و معامله با آن رواج باشد و اگر سکه آن از بین رفته باشد، باید زکوه آن را بدهند. (۱)

۱- در صورت رواج بنا بر احتیاط واجب و در صورت عدم رواج واجب نیست.

کد مسأله: ۶۳۲۶۹

مسئله ۱۹۰۸

مسئله ۱۹۰۸- طلا- و نقره سکه داری که زنها برای زینت به کار می‌برند، در صورتیکه معامله با آن رواج داشته باشد زکوه آن واجب است بلکه اگر معامله با آن رواج نباشد، ولی پول طلا و نقره به آن بگویند. بنابر احتیاط زکوه آن واجب می‌باشد. (۱)

۱- علی الاقوی زکوه آن واجب نیست.

کد مسئله: ۶۳۲۷۱

مسئله ۱۹۰۹

مسئله ۱۹۰۹- کسی که طلا و نقره دارد، اگر هیچ کدام آنها به اندازه نصاب اول نباشد، مثلاً ۱۰۴ مثقال نقره و ۱۴ مثقال طلا داشته باشد، زکوه بر او واجب نیست.

کد مسئله: ۶۳۲۷۴

مسئله ۱۹۱۰

مسئله ۱۹۱۰- چنان که سابقاً گفته شد، زکوه طلا و نقره در صورتی واجب می‌شود که انسان یازده ماه مالک مقدار نصاب باشد، و اگر در بین یازده ماه طلا و نقره او از نصاب اول کمتر شود، زکوه بر او واجب نیست.

کد مسئله: ۶۳۲۷۷

مسئله ۱۹۱۱

مسئله ۱۹۱۱- اگر در بین یازده ماه طلا و نقره‌ای را که دارد با طلا یا نقره یا چیز دیگر عوض نماید، یا آنها را آب کند، زکوه بر او واجب نیست، ولی اگر برای فرار از دادن زکوه این کارها را بکند، احتیاط مستحب آن است که زکوه را بدهد.

کد مسئله: ۶۳۲۸۰

مسئله ۱۹۱۲

مسئله ۱۹۱۲- اگر در ماه دوازدهم پول طلا و نقره را آب کند، باید زکوه آنها را بدهد، و چنانچه به واسطه آب کردن وزن یا قیمت آنها کم شود، باید زکوتی را که پیش از آب کردن بر او واجب بوده بدهد.

کد مسئله: ۶۳۲۸۲

مسئله ۱۹۱۳

مسئله ۱۹۱۳- اگر طلا و نقره‌ای که دارد خوب و بد داشته باشد، می‌تواند زکوه هر کدام از خوب و بد را از خود آن بدهد، ولی بهتر است زکوه همه آنها را از طلا و نقره خوب بدهد.

کد مسئله: ۶۳۲۸۹

مسئله ۱۹۱۴

مسأله ۱۹۱۴- طلا و نقره‌ای که بیشتر از اندازه معمولی فلز دیگر دارد، اگر خالص آن به اندازه نصاب که مقدار آن گفته شد برسد، انسان باید زکوه آن را بدهد، و چنانچه شک دارد که خالص آن به اندازه نصاب هست یا نه، بنا بر احتیاط واجب (۱) باید به وسیله آب کردن یا از راه دیگر مقدار خالص آن را معلوم کند.

۱- این احتیاط واجب نیست و لکن مستحسن است.

کد مسأله: ۶۳۲۹۲

زکوه شتر و گاو و گوسفند

مسأله ۱۹۱۵

مسأله ۱۹۱۵- اگر طلا و نقره‌ای که دارد به مقدار معمول فلز دیگر با آن مخلوط باشد، نمی‌تواند زکوه آن را از طلا و نقره‌ای بدهد که بیشتر از معمول فلز دیگر دارد. ولی اگر به قدری بدهد که یقین کند طلا- و نقره خالصی که در آن هست به اندازه زکوتی می‌باشد که بر او واجب است، اشکال ندارد.

کد مسأله: ۶۳۲۹۷

مسأله ۱۹۱۶

مسأله ۱۹۱۶- زکوه شتر و گاو و گوسفند غیر از شرطهایی که گفته شد دو شرط دیگر دارد:

اول: آنکه حیوان در تمام سال بی‌کار باشد، و اگر در تمام سال یکی دو روز کار کرده باشد، بنا بر احتیاط (۱) زکوه آن واجب است.

دوم: آنکه در تمام سال از علف بیابان بچرد. پس اگر تمام سال یا مقداری از آن را از علف چیده شده یا از زراعتی که ملک مالک یا ملک کس دیگر است بچرد، زکوه ندارد، ولی اگر در تمام سال یک روز یا دو روز از علف مالک بخورد، بنا بر احتیاط زکوه آن واجب می‌باشد.

۱- بلکه علی‌الاقوی زکوه آن واجب نیست و همچنین در مورد خوردن علف مالک یا غیر مالک در یک روز یا دو روز علی‌الاقوی زکوه آن واجب نیست و لکن در هر دو صورت زکوه مستحب است.

کد مسأله: ۶۳۳۰۰

مسأله ۱۹۱۷

مسأله ۱۹۱۷- اگر انسان برای شتر و گاو و گوسفند خود چراگاهی را که کسی نکاشته بخرد یا اجاره کند، یا برای چراندن در آن باج بدهد، باید زکوه را بدهد.

کد مسأله: ۶۳۳۰۳

نصاب شتر

مسأله ۱۹۱۸

مسأله ۱۹۱۸- شتر دوازده نصاب دارد:

اول: پنج شتر، و زکوه آن یک گوسفند است، و تا شماره شتر به این مقدار نرسد، زکوه ندارد.

دوم: ده شتر، و زکوه آن دو گوسفند است.

سوم: پانزده شتر، و زکوه آن سه گوسفند است.

چهارم: بیست شتر، و زکوه آن چهار گوسفند است.

پنجم: بیست و پنج شتر، و زکوه آن پنج گوسفند است.

ششم: بیست و شش شتر، و زکوه آن یک شتر است که داخل سال دوم شده باشد.

هفتم: سی و شش شتر، و زکوه آن یک شتر است که داخل سال سوم شده باشد.

هشتم: چهل و شش شتر، و زکوه آن یک شتر است که داخل سال چهارم شده باشد.

نهم: شصت و یک شتر، و زکوه آن یک شتر است که داخل سال پنجم شده باشد.

دهم: هفتاد و شش شتر، و زکوه آن دو شتر است که داخل سال سوم شده باشند.

یازدهم: نود و یک شتر، و زکوه آن دو شتر است که داخل سال چهارم شده باشند.

دوازدهم: صد و بیست و یک شتر و بالاتر آن است که باید یا چهل تا چهل تا حساب کند و برای هر چهل تا یک شتری بدهد که

داخل سال سوم شده باشد، یا پنجاه تا پنجاه تا حساب کند و برای هر پنجاه تا یک شتری بدهد که داخل سال چهارم شده باشد، و یا

با چهل و پنجاه حساب کند، ولی در هر صورت باید طوری حساب کند که چیزی باقی نماند، یا اگر چیزی باقی می ماند، از نه تا

بیشتر نباشد، مثلا اگر ۱۴۰ شتر دارد، باید برای صد تا، دو شتری که داخل سال چهارم شده، و برای چهل تا، یک شتری که داخل

سال سوم شده بدهد.

کد مسأله: ۶۳۳۰۶

مسأله ۱۹۱۹

مسأله ۱۹۱۹- زکوه مابین دو نصاب واجب نیست. پس اگر شماره شترهایی که دارد از نصاب اول که پنج تا است بگذرد، تا به

نصاب دوم که ده تا است نرسیده، فقط باید زکوه پنج تای آن را بدهد. و همچنین است در نصابهای بعد.

کد مسأله: ۶۳۳۰۸

نصاب گاو

مسأله ۱۹۲۰

مسأله ۱۹۲۰- گاو دو نصاب دارد:

نصاب اول آن سی تا است، که وقتی شماره گاو به سی رسید، اگر شرایطی را که گفته شد داشته باشد، انسان باید یک گوساله‌ای

که داخل سال دوم شده از بابت زکوه بدهد. و

نصاب دوم آن چهل است، و زکوه آن یک گوساله ماده‌ای است که داخل سال سوم شده باشد. و زکوه مابین سی و چهل واجب

نیست، مثلا کسی که سی و نه گاو دارد، فقط باید زکوه سی تای آنها را بدهد، و نیز اگر از چهل گاو زیاده داشته باشد، تا به

شصت نرسیده، فقط باید زکوه چهل تای آن را بدهد، و بعد از آن که به شصت رسید، چون دو برابر نصاب اول را دارد، باید دو

گوساله‌ای که داخل سال دوم شده بدهد، و همچنین هر چه بالا رود باید یا سی تا سی تا حساب کند، یا چهل تا چهل تا، یا با سی و

چهل حساب نماید، و زکوه آن را به دستوری که گفته شده بدهد، ولی باید طوری حساب کند که چیزی باقی نماند، یا اگر چیزی باقی می‌ماند، از نه تا بیشتر نباشد، مثلاً اگر هفتاد گاو دارد، باید به حساب سی و چهل حساب کند و برای سی تای آن، زکوه سی تا، و برای چهل تای آن، زکوه چهل تا را بدهد، چون اگر به حساب سی تا حساب کند، ده تا زکوه نداده می‌ماند.

کد مسأله: ۶۳۳۱۲

نصاب گوسفند

مسأله ۱۹۲۱

مسأله ۱۹۲۱- گوسفند پنج نصاب دارد:

اول: چهل، و زکوه آن یک گوسفند است، و تا گوسفند به چهل نرسد زکوه ندارد.

دوم: صد و بیست و یک، و زکوه آن دو گوسفند است.

سوم: دویست و یک، و زکوه آن سه گوسفند است.

چهارم: سی صد و یک، و زکوه آن چهار گوسفند است.

پنجم: چهارصد و بالاتر از آن است که باید آنها را صد تا صد تا حساب کند و برای هر صد تای آنها یک گوسفند بدهد، و لازم نیست زکوه را از خود گوسفندها بدهد، بلکه اگر گوسفند دیگری بدهد یا مطابق قیمت گوسفند پول یا جنس دیگر بدهد کافی است.

کد مسأله: ۶۳۳۱۵

مسأله ۱۹۲۲

مسأله ۱۹۲۲- زکوه مابین دو نصاب واجب نیست. پس اگر شماره گوسفندهای کسی از نصاب اول که چهل است بیشتر باشد، تا به نصاب دوم که صد و بیست و یک است نرسیده، فقط باید زکوه چهل تای آن را بدهد و زیاده آن زکوه ندارد. و همچنین است در نصابهای بعد.

کد مسأله: ۶۳۳۱۷

مسأله ۱۹۲۳

مسأله ۱۹۲۳- زکوه شتر و گاو و گوسفندی که به مقدار نصاب برسد واجب است، چه همه آنها نر باشند یا ماده، یا بعضی نر باشند و بعضی ماده.

کد مسأله: ۶۳۳۱۹

مسأله ۱۹۲۴

مسأله ۱۹۲۴- در زکوه، گاو و گاو میش یک جنس حساب می‌شود، و شتر عربی و غیر عربی یک جنس است، و همچنین بز و میش و شیشک در زکوه با هم فرق ندارند.

کد مسأله: ۶۳۳۲۲

مسئله ۱۹۲۵

مسئله ۱۹۲۵- اگر گوسفند برای زکوه بدهد، بنابر احتیاط واجب (۱) باید اقلاً داخل سال دوم شده باشد. و اگر بز بدهد، احتیاطاً باید داخل سال سوم شده باشد.

۱- بلکه علی الاقوی در آن و ما بعد آن

کد مسئله: ۶۳۳۲۴

مسئله ۱۹۲۶

مسئله ۱۹۲۶- گوسفندی را که بابت زکوه می‌دهد، اگر قیمتش مختصری از گوسفندهای دیگر او کمتر باشد اشکال ندارد، ولی بهتر است گوسفندی را که قیمت آن از تمام گوسفندهایش بیشتر است بدهد. و همچنین است در گاو و شتر.

کد مسئله: ۶۳۳۲۶

مسئله ۱۹۲۷

مسئله ۱۹۲۷- اگر چند نفر با هم شریک باشند، هر کدام آنان که سهمش به نصاب اول رسیده، باید زکوه بدهد، و بر کسی که سهم او کمتر از نصاب اول است زکوه واجب نیست.

کد مسئله: ۶۳۳۲۹

مسئله ۱۹۲۸

مسئله ۱۹۲۸- اگر یک نفر در چند جا گاو یا شتر یا گوسفند داشته باشد و روی هم به اندازه نصاب باشند، باید زکوه آنها را بدهد.

کد مسئله: ۶۳۳۳۳

مسئله ۱۹۲۹

مسئله ۱۹۲۹- اگر گاو و گوسفند و شتری که دارد مریض و معیوب هم باشند، باید زکوه آنها را بدهد.

کد مسئله: ۶۳۳۳۶

مسئله ۱۹۳۰

مسئله ۱۹۳۰- اگر گاو و گوسفند و شتری که دارد، همه مریض یا معیوب یا پیر باشند، می‌تواند زکوه را از خود آنها بدهد. ولی اگر همه سالم و بی عیب و جوان باشند، نمی‌تواند زکوه آنها را مریض یا معیوب یا پیر بدهد، بلکه اگر بعضی از آنها سالم و بعضی مریض، و دسته‌ای معیوب و دسته دیگری بی عیب، و مقداری پیر و مقداری جوان باشند، احتیاط واجب آن است که برای زکوه آنها سالم و بی عیب و جوان بدهد.

کد مسئله: ۶۳۳۵۱

مسئله ۱۹۳۱

مسأله ۱۹۳۱- اگر پیش از تمام شدن ماه یازدهم، گاو و گوسفند و شتری را که دارد با چیز دیگر عوض کند یا نصابی را که دارد با مقدار نصاب از همان جنس عوض نماید، مثلاً چهل گوسفند بدهد، و چهل گوسفند دیگر بگیرد زکوه بر او واجب نیست.
کد مسأله: ۶۳۳۵۴

مسأله ۱۹۳۲

مسأله ۱۹۳۲- کسی که باید زکوه گاو و گوسفند و شتر را بدهد اگر زکوه آنها را از مال دیگرش بدهد تا وقتی شماره آنها از نصاب کم نشده، همه ساله باید زکوه را بدهد و اگر از خود آنها بدهد و از نصاب اول کمتر شوند، زکوه بر او واجب نیست مثلاً کسی که چهل گوسفند دارد اگر از مال دیگرش زکوه آنها را بدهد تا وقتی که گوسفندهای او از چهل کم نشده همه ساله باید یک گوسفند بدهد و اگر از خود آنها بدهد تا وقتی به چهل نرسیده زکوه بر او واجب نیست.
کد مسأله: ۶۳۳۵۷

مصرف زکوه

مسأله ۱۹۳۳

مسأله ۱۹۳۳- انسان می‌تواند زکوه را در هشت مورد مصرف کند:
اول: فقیر، و آن کسی که مخارج سال خود و عیالاتش را ندارد و کسی که صنعت یا ملک یا سرمایه‌ای دارد که می‌تواند مخارج سال خود را بگذراند فقیر نیست.
دوم: مسکین، و آن کسی است که از فقیر سخت تر می‌گذراند.
سوم: کسی که از طرف امام علیه‌السلام یا نایب امام مامور است که زکوه را جمع و نگهداری نماید و به حساب آن رسیدگی کند و آن را به امام علیه‌السلام یا نایب امام یا فقرا برساند.
چهارم: کافرایی که اگر زکوه به آنان بدهند به دین اسلام مایل می‌شوند یا در جنگ به مسلمانان کمک می‌کنند.
پنجم: خریداری بندها و آزاد کردن آنان.
ششم: بدهکاری که نمی‌تواند قرض خود را بدهد.
هفتم: سیل الله یعنی کارهایی که منفعت عمومی دینی دارد، مثل ساختن مسجد و مدرسه ای که علوم دینی در آن خوانده می‌شود.
هشتم: ابن‌السبیل، یعنی مسافری که در سفر درمانده شده. و احکام اینها در مسایل آینده گفته خواهد شد.
کد مسأله: ۶۳۳۶۰

مسأله ۱۹۳۴

مسأله ۱۹۳۴- احتیاط واجب (۱) آن است که فقیر و مسکین بیشتر از مخارج سال خود و عیالاتش را از زکوه نگیرد، و اگر مقداری پول یا جنس دارد فقط به اندازه کسری مخارج یک سالش زکوه بگیرد.
۱- این احتیاط واجب نیست ولیکن مستحسن است ولی در صورتی که یک دفعه نگیرد و به تدریج اخذ زکوه نماید نمی‌تواند زاید بر مخارج سالش اخذ کند.
کد مسأله: ۶۳۳۶۳

مسأله ۱۹۳۵

مسأله ۱۹۳۵- کسی که مخارج سالش را داشته اگر مقداری از آن را مصرف کند و بعد شک کند که آنچه باقی مانده به اندازه مخارج سال او هست یا نه نمی‌تواند زکوه بگیرد
کد مسأله: ۶۳۳۶۵

مسأله ۱۹۳۶

مسأله ۱۹۳۶- صنعتگر یا مالک یا تاجری که در آمد او از مخارج سالش کمتر است، می‌تواند برای کسری مخارجش زکوه بگیرد و لازم نیست ابزار کار یا ملک یا سرمایه خود را به مصرف مخارج برساند.
کد مسأله: ۶۳۳۷۳

مسأله ۱۹۳۷

مسأله ۱۹۳۷- فقیری که خرج سال خود و عیالاتش را ندارد اگر خانه‌ای دارد که ملک اوست و در آن نشسته یا مال سواری دارد چنانچه بدون اینها نتواند زندگی کند اگرچه برای حفظ آبرویش باشد می‌تواند زکوه بگیرد و همچنین است اثاث خانه و ظرف و لباس تابستانی و زمستانی و چیزهایی که به آنها احتیاج دارد و فقیری که اینها را ندارد اگر به اینها احتیاج داشته باشد می‌تواند از زکوه خریداری نماید.
کد مسأله: ۶۳۳۷۷

مسأله ۱۹۳۸

مسأله ۱۹۳۸- فقیری که یاد گرفتن صنعت برای او مشکل نیست بنابر احتیاط واجب باید یاد بگیرد، و با گرفتن زکوه زندگی نکند ولی تا وقتی مشغول یاد گرفتن است، می‌تواند زکوه بگیرد.
کد مسأله: ۶۳۳۸۰

مسأله ۱۹۳۹

مسأله ۱۹۳۹- به کسی که قبلاً فقیر بوده، و می‌گوید فقیرم، اگر چه انسان از گفته او اطمینان پیدا نکند، می‌شود زکوه داد.
کد مسأله: ۶۳۳۸۳

مسأله ۱۹۴۰

مسأله ۱۹۴۰- کسی که می‌گوید فقیرم و قبلاً فقیر نبوده یا معلوم نیست، فقیر بوده یا نه چنانچه از گفته او اطمینان پیدا نشود، احتیاط واجب آن است که به او زکوه ندهند. (۱)
۱- بلکه علی‌الاقوی ندهند تا علم یا اطمینان یا بینة اقامه شود.
کد مسأله: ۶۳۳۸۵

مسأله ۱۹۴۱

مسئله ۱۹۴۱- کسی که باید زکوه بدهد، اگر از فقیری طلبکار باشد می‌تواند طلبی را که از او دارد بابت زکوه حساب کند.
کد مسئله: ۶۳۳۸۸

مسئله ۱۹۴۲

مسئله ۱۹۴۲- اگر فقیر بمیرد و مال او به اندازه قرض نباشد، انسان می‌تواند طلبی را که از او دارد بابت زکوه حساب کند. ولی اگر مال او به اندازه قرضش باشد و ورثه قرض او را ندهند، یا به جهت دیگر انسان نتواند طلب خود را بگیرد، بنا بر احتیاط واجب (۱) نباید طلبی را که از او دارد، بابت زکوه حساب کند.
۱- بلکه علی‌الاقوی نباید طلب را از زکوه حساب کرد.
کد مسئله: ۶۳۳۹۱

مسئله ۱۹۴۳

مسئله ۱۹۴۳- چیزی را که انسان بابت زکوه به فقیر می‌دهد لازم نیست به او بگوید که زکوه است. بلکه اگر فقیر خجالت بکشد، مستحب است به اسم پیشکش بدهد ولی باید قصد زکوه نماید.
کد مسئله: ۶۳۳۹۵

مسئله ۱۹۴۴

مسئله ۱۹۴۴- اگر به خیال این که کسی فقیر است به او زکوه بدهد، بعد بفهمد فقیر نبوده یا از روی ندانستن مسئله به کسی که می‌داند فقیر نیست زکوه بدهد، چنانچه چیزی را که به او داده باقی باشد باید از او بگیرد و به مستحق بدهد و اگر از بین رفته باشد پس اگر کسی که آن چیز را گرفته می‌دانسته زکوه است انسان باید عوض آن را از او بگیرد و به مستحق بدهد و اگر نمی‌دانسته زکوه است نمی‌تواند چیزی از او بگیرد و باید از مال خودش زکوه را به مستحق بدهد.
کد مسئله: ۶۳۳۹۷

مسئله ۱۹۴۵

مسئله ۱۹۴۵- کسی که بدهکار است و نمی‌تواند بدهی خود را بدهد اگرچه مخارج سال خود را داشته باشد می‌تواند برای دادن قرض خود زکوه بگیرد ولی باید مالی را که قرض کرده در معصیت خرج نکرده باشد یا اگر در معصیت خرج کرده از آن معصیت توبه کرده باشد. (۱)
۱- توبه شرط اداء دین از زکوه نیست ولیکن احتیاط مستحسن است.
کد مسئله: ۶۳۴۰۴

مسئله ۱۹۴۶

مسئله ۱۹۴۶- اگر به کسی که بدهکار است و نمی‌تواند بدهی خود را بدهد زکوه بدهد بعد بفهمد قرض را در معصیت مصرف کرده چنانچه آن بدهکار فقیر باشد می‌تواند آنچه را به او داده بابت زکوه حساب کند ولی احتیاط واجب آن است که اگر از آن

معصیت توبه نکرده (۱) چیزی را که به او داده بابت زکوه حساب نکند.

۱- این احتیاط واجب نیست و لکن مستحسن است.

کد مسأله: ۶۳۴۰۸

مسأله ۱۹۴۷

مسأله ۱۹۴۷- کسی که بدهکار است و نمی‌تواند بدهی خود را بدهد، اگرچه فقیر نباشد انسان می‌تواند طلبی را که از او دارد بابت زکوه حساب کند.

کد مسأله: ۶۳۴۱۱

مسأله ۱۹۴۸

مسأله ۱۹۴۸- مسافری که خرجی او تمام شده یا مرکبش از کار افتاده چنانچه سفر او سفر معصیت نباشد و نتواند با قرض کردن یا فروختن چیزی، خود را به مقصد برساند اگرچه در وطن خود فقیر نباشد می‌تواند زکوه بگیرد ولی اگر بتواند در جای دیگر با قرض کردن یا فروختن چیزی مخارج سفر خود را فراهم کند فقط به مقداری که به آنجا برسد. می‌تواند زکوه بگیرد.

کد مسأله: ۶۳۴۱۴

شرایط کسانی که مستحق زکاتند

مسأله ۱۹۴۹

مسأله ۱۹۴۹- مسافری که در سفر در مانده شده و زکوه گرفته، بعد از آنکه به وطنش رسید، اگر چیزی از زکوه زیاد آمده باشد، باید آن را به حاکم شرع بدهد (۱) و بگوید آن چیز زکوه است.

۱- لازم نیست و لکن مستحسن است.

کد مسأله: ۶۳۴۱۷

مسأله ۱۹۵۰

مسأله ۱۹۵۰- کسی که زکوه می‌گیرد باید شیعه دوازده امامی باشد، و اگر انسان کسی را شیعه بداند و به او زکوه بدهد، بعد معلوم شود شیعه نبوده، باید دوباره زکوه بدهد.

کد مسأله: ۶۳۴۱۹

مسأله ۱۹۵۱

مسأله ۱۹۵۱- اگر طفل یا دیوانه‌ای از شیعه فقیر باشد انسان می‌تواند به ولی او زکوه بدهد، به قصد اینکه آنچه را می‌دهد ملک طفل یا دیوانه باشد.

کد مسأله: ۶۳۴۲۲

مسأله ۱۹۵۲

مسئله ۱۹۵۲- اگر به ولی طفل و دیوانه دسترسی ندارد می‌تواند خودش یا به وسیله یک نفر امین زکوه را به مصرف طفل یا دیوانه برساند و باید موقعی که زکوه به مصرف آنان می‌رسد نیت زکوه کنند.

کد مسئله: ۶۳۴۲۴

مسئله ۱۹۵۳

مسئله ۱۹۵۳- به فقیری که گدایی می‌کند می‌شود زکوه داد، ولی به کسی که زکوه را در معصیت مصرف می‌کند نمی‌شود زکوه داد.

کد مسئله: ۶۳۴۲۷

مسئله ۱۹۵۴

مسئله ۱۹۵۴- به کسی که معصیت کبیره را آشکارا بجا می‌آورد احتیاط واجب (۱) آن است که زکوه ندهند.
۱- این احتیاط واجب نیست ولیکن مستحسن است.

کد مسئله: ۶۳۴۳۱

مسئله ۱۹۵۵

مسئله ۱۹۵۵- به کسی که بدهکار است و نمی‌تواند بدهی خود را بدهد، اگر چه مخارج او بر انسان واجب باشد می‌شود زکوه داد.

کد مسئله: ۶۳۴۳۴

مسئله ۱۹۵۶

مسئله ۱۹۵۶- انسان نمی‌تواند مخارج کسانی را که مثل اولاد خرجشان بر او واجب است از زکوه بدهد ولی اگر مخارج آنان را ندهد دیگران می‌توانند به آنان زکوه بدهند.

کد مسئله: ۶۳۴۳۷

مصرف زکوه

مسئله ۱۹۵۷

مسئله ۱۹۵۷- اگر انسان زکوه به پسرش بدهد که خرج زن و نوکر و کلفت خود نماید، اشکال ندارد.

کد مسئله: ۶۳۴۳۹

شرایط کسانی که مستحق زکاتند

مسئله ۱۹۵۸

مسئله ۱۹۵۸- اگر پسر به کتابهای علمی دینی احتیاج داشته باشد پدر می‌تواند برای خریدن آنها به او زکوه بدهد.

کد مسأله: ۶۳۴۴۲

مسأله ۱۹۵۹

مسأله ۱۹۵۹- پدر می‌تواند به پسرش زکوه بدهد که برای خود زن بگیرد پسر هم می‌تواند برای آن که پدرش زن بگیرد، زکوه خود را به او بدهد.

کد مسأله: ۶۳۴۴۴

مسأله ۱۹۶۰

مسأله ۱۹۶۰- به زنی که شوهرش مخارج او را نمی‌دهد یا خرجی نمی‌دهد ولی ممکن است او را بدادن خرجی مجبور کنند، نمی‌شود زکوه داد.

کد مسأله: ۶۳۴۴۷

مسأله ۱۹۶۱

مسأله ۱۹۶۱- زنی که صیغه شده اگر فقیر باشد شوهرش و دیگران می‌توانند به او زکوه بدهند ولی اگر شوهرش در ضمن عقد شرط کند که مخارج او را بدهد یا به جهت دیگری دادن مخارجش بر او واجب باشد، در صورتی که بتواند مخارج آن زن را بدهد، نمی‌شود به آن زن زکوه داد.

کد مسأله: ۶۳۴۴۹

مسأله ۱۹۶۲

مسأله ۱۹۶۲- زن می‌تواند به شوهر فقیر خود زکوه بدهد اگر چه شوهر زکوه را صرف مخارج خود آن زن نماید.

کد مسأله: ۶۳۴۵۱

مسأله ۱۹۶۳

مسأله ۱۹۶۳- سید نمی‌تواند از غیر سید زکوه بگیرد ولی اگر خمس و سایر وجوهات کفایت مخارج او را نکند و از گرفتن زکوه ناچار باشد می‌تواند از غیر سید زکوه بگیرد.

کد مسأله: ۶۳۴۵۳

مسأله ۱۹۶۴

مسأله ۱۹۶۴- به کسی که معلوم نیست سید است یا نه می‌شود زکوه داد.

کد مسأله: ۶۳۴۵۶

نیت زکوه

مسئله ۱۹۶۵

مسئله ۱۹۶۵- انسان باید زکوه را به قصد قربت یعنی برای انجام فرمان خداوند عالم بدهد و در نیت معین کند که آنچه را می دهد زکوه مال است یا زکوه فطره، ولی اگر مثلاً زکوه گندم و جو بر او واجب باشد لازم نیست معین کند چیزی را که می دهد زکوه گندم است یا زکوه جو.

کد مسئله: ۶۳۴۵۸

مسئله ۱۹۶۶

مسئله ۱۹۶۶- کسی که زکوه چند مال بر او واجب شده اگر مقداری زکوه بدهد و نیت هیچ کدام آنها را نکند، چنانچه چیزی را که داده هم جنس یکی از آنها باشد زکوه همان جنس حساب می شود، (۱) و اگر هم جنس هیچ کدام آنها نباشد به همه آنها قسمت می شود پس کسی که زکوه چهل گوسفند و زکوه پانزده مثقال طلا بر او واجب است اگر مثلاً یک گوسفند از بابت زکوه بدهد و نیت هیچ کدام آنها را نکند زکوه گوسفند حساب می شود ولی اگر مقداری نقره بدهد به زکوتی که برای گوسفند و طلا بدهکار است تقسیم می شود.

۱- در صورتی که قصد زکوه آن جنس بکند والا توزیع می شود مثل صورتی که با هیچ کدام هم جنس نباشد.

کد مسئله: ۶۳۴۶۱

مسئله ۱۹۶۷

مسئله ۱۹۶۷- اگر کسی را وکیل کند که زکوه مال او را بدهد، موقعی که زکوه را به آن وکیل می دهد، بنا بر احتیاط واجب باید نیت کند که آنچه را وکیل او بعداً به فقیر می دهد زکوه باشد، وکیل هم وقتی که زکوه را به فقیر می دهد، باید از طرف مالک نیت زکوه کند.

کد مسئله: ۶۳۴۶۴

مسائل متفرقه زکوه**مسئله ۱۹۶۸**

مسئله ۱۹۶۸- اگر مالک یا وکیل او بدون قصد قربت زکوه را به فقیر بدهد و پیش از آن که آن مال از بین برود، خود مالک نیت زکوه کند حساب می شود.

کد مسئله: ۶۳۴۶۶

مسئله ۱۹۶۹

مسئله ۱۹۶۹- موقعی که گندم و جو را از کاه جدا می کنند و موقع خشک شدن خرما و انگور (۱) انسان باید زکوه را به فقیر بدهد یا از مال خود جدا کند و زکوه طلا و نقره و گاو و گوسفند و شتر را بعد از تمام شدن، ماه یازدهم باید به فقیر بدهد یا از مال خود جدا نماید. ولی اگر منتظر فقیر معینی باشد، یا بخواهد به فقیری بدهد که از جهتی برتری دارد، می تواند زکوه را جدا نکند.

۱- بلکه موقع چیدن خرما و انگور

کد مسأله: ۶۳۴۶۸

مسأله ۱۹۷۰

مسأله ۱۹۷۰- بعد از جدا کردن زکوه لازم نیست فوراً آن را به مستحق بدهد. ولی اگر به کسی که می‌شود زکوه داد دسترسی دارد احتیاط مستحب (۱) آن است که دادن زکوه را تاخیر نیندازد.

۱- این احتیاط واجب است مگر برای جهتی مثل انتظار فقیر معین یا فقیر افضل

کد مسأله: ۶۳۴۷۱

مسأله ۱۹۷۱

مسأله ۱۹۷۱- کسی که می‌تواند زکوه را به مستحق برساند اگر ندهد و به واسطه کوتاهی او از بین برود باید عوض آن را بدهد.

کد مسأله: ۶۳۴۷۳

مسأله ۱۹۷۲

مسأله ۱۹۷۲- کسی که می‌تواند زکوه را به مستحق برساند اگر زکوه را ندهد و بدون آن که در نگهداری آن کوتاهی کند از بین برود چنانچه دادن زکوه را به قدری تاخیر انداخته که نمی‌گویند فوراً داده است باید عوض آن را بدهد و اگر به این مقدار تأخیر نینداخته مثلاً دو سه ساعت تأخیر انداخته و در همان دو سه ساعت تلف شده، در صورتی که مستحق حاضر نبوده چیزی بر او واجب نیست و اگر مستحق حاضر بوده بنابر احتیاط واجب باید عوض آن را بدهد.

کد مسأله: ۶۳۴۷۶

مسأله ۱۹۷۳

مسأله ۱۹۷۳- اگر زکوه را از خود مال کنار بگذرد می‌تواند در بقیه آن تصرف کند و اگر از مال دیگرش کنار بگذارد می‌تواند در تمام مال تصرف نماید.

کد مسأله: ۶۳۴۷۸

مسأله ۱۹۷۴

مسأله ۱۹۷۴- انسان نمی‌تواند زکوتی را که کنار گذاشته برای خود بردارد و چیز دیگری به جای آن بگذارد

کد مسأله: ۶۳۴۸۱

مسأله ۱۹۷۵

مسأله ۱۹۷۵- اگر از زکوتی که کنار گذاشته منفعتی ببرد مثلاً گوسفندی که برای زکوه گذاشته بره بیاورد، مال فقیر است.

کد مسأله: ۶۳۴۸۴

مسأله ۱۹۷۶

مسئله ۱۹۷۶- اگر موقعی که زکوه را کنار می‌گذارد مستحقی حاضر باشد بهتر است زکوه را به او بدهد (۱) مگر کسی را در نظر داشته باشد که دادن زکوه به او از جهتی بهتر باشد.

۱- لازم است مگر فقیر معین یا فقیر افضل در نظر داشته باشد.

کد مسئله: ۶۳۴۸۷

مسئله ۱۹۷۷

مسئله ۱۹۷۷- اگر بدون اجازه حاکم شرع با مالی که برای زکوه کنار گذشته تجارت کند و ضرر نماید، نباید چیزی از زکوه کم کند، ولی اگر منفعت کند، بنابر احتیاط واجب (۱) باید آن را به مستحق بدهد.

۱- در صورت اجازه حاکم شرع معامله صحیح و منفعت متعلق به مال زکوی است والا معامله صحیح نیست.

کد مسئله: ۶۳۴۸۹

مسئله ۱۹۷۸

مسئله ۱۹۷۸- اگر پیش از آن که زکوه بر او واجب شود چیزی بابت زکوه به فقیر بدهد زکوه حساب نمی‌شود و بعد از آن که زکوه بر او واجب شد، اگر چیزی را که به فقیر داده از بین نرفته باشد و آن فقیر هم به فقر خود باقی باشد می‌تواند چیزی را که به او داده بابت زکوه حساب کند.

کد مسئله: ۶۳۴۹۶

مسئله ۱۹۷۹

مسئله ۱۹۷۹- فقیری که می‌داند زکوه بر انسان واجب نشده اگر چیزی بابت زکوه بگیرد و پیش او تلف شود ضامن است پس موقعی که زکوه بر انسان واجب می‌شود اگر آن فقیر به فقر خود باقی باشد می‌تواند عوض چیزی را که به او داده بابت زکوه حساب کند.

کد مسئله: ۶۳۵۰۹

مسئله ۱۹۸۰

مسئله ۱۹۸۰- فقیری که نمی‌داند زکوه بر انسان واجب نشده اگر چیزی بابت زکوه بگیرد و پیش او تلف شود ضامن نیست و انسان نمی‌تواند عوض آن را بابت زکوه حساب کند.

کد مسئله: ۶۳۵۱۱

مسئله ۱۹۸۱

مسئله ۱۹۸۱- مستحب است زکوه گاو و گوسفند و شتر را به فقیرهای آبرومند بدهد و در دادن زکوه، خویشان خود را بر دیگران و اهل علم و کمال را بر غیر آنان، و کسانی را که اهل سؤال نیستند، بر اهل سؤال مقدم بدارد، ولی اگر دادن زکوه به فقیری از جهت دیگری بهتر باشد مستحب است زکوه را به او بدهد.

کد مسأله: ۶۳۵۱۳

مسأله ۱۹۸۲

مسأله ۱۹۸۲- بهتر است زکوه را آشکار، و صدقه مستحبی را، مخفی بدهند.

کد مسأله: ۶۳۵۱۷

مسأله ۱۹۸۳

مسأله ۱۹۸۳- اگر در شهر کسی که می‌خواهد زکوه بدهد مستحقی نباشد، و نتواند زکوه را به مصرف دیگری هم که برای آن معین شده برساند، چنانچه امید نداشته باشد که بعداً مستحق پیدا کند باید زکوه را به شهر دیگر برد و به مصرف زکوه برساند و می‌تواند مخارج بردن به آن شهر را از زکوه بردارد و اگر زکوه تلف شود ضامن نیست.

کد مسأله: ۶۳۵۲۰

مسأله ۱۹۸۴

مسأله ۱۹۸۴- اگر در شهر خودش مستحق پیدا شود می‌تواند زکوه را به شهر دیگر برد، ولی مخارج بردن به آن شهر را باید از خودش بدهد و اگر زکوه تلف شود ضامن است مگر آنکه با اجازه حاکم شرع برده باشد.

کد مسأله: ۶۳۵۲۵

مسأله ۱۹۸۵

مسأله ۱۹۸۵- اجرت وزن کردن و پیمانه نمودن گندم و جو و کشمش و خرمایی را که برای زکوه می‌دهد با خود اوست.

کد مسأله: ۶۳۵۲۹

مسأله ۱۹۸۶

مسأله ۱۹۸۶- کسی که ۲ مثقال و ۱۵ نخود نقره یا بیشتر، از بابت زکوه بدهکار است، بنابر احتیاط واجب (۱) باید کمتر از ۲ مثقال و ۱۵ نخود نقره به یک فقیر ندهد و نیز اگر غیر نقره چیز دیگری مثل گندم و جو بدهکار باشد و قیمت آن به ۲ مثقال و ۱۵ نخود نقره برسد، بنابر احتیاط واجب باید به یک فقیر کمتر از آن ندهد.

۱- این احتیاط و احتیاط بعد از آن لازم نیست ولیکن مستحسن است

کد مسأله: ۶۳۵۳۰

مسأله ۱۹۸۷

مسأله ۱۹۸۷- مکروه است انسان از مستحق درخواست کند که زکوتی را که از او گرفته به او بفروشد ولی اگر مستحق بخواهد چیزی را که گرفته بفروشد بعد از آنکه به قیمت رساند کسی که زکوه را به او داده در خریدن آن بر دیگران مقدم است.

کد مسأله: ۶۳۵۳۱

مسئله ۱۹۸۸

مسئله ۱۹۸۸- اگر شک کند زکوتی را که بر او واجب بوده داده یا نه باید زکوه را بدهد هر چند شک او برای زکوه سالهای پیش باشد.

کد مسئله: ۶۳۵۳۲

مسئله ۱۹۸۹

مسئله ۱۹۸۹- فقیر نمی‌تواند زکوه را به کمتر از مقدار آن صلح کند یا چیزی را گرانتر از قیمت آن بابت زکوه قبول نماید، یا زکوه را از مالک بگیرد و به او ببخشد. ولی کسی که زکوه زیادی بدهکار است و فقیر شده و نمی‌تواند زکوه را بدهد، چنانچه بخواهد توبه کند، فقیر می‌تواند زکوه را از او بگیرد و به او ببخشد. (۱)

۱- ولی بر او شرط کند در صورت تجدد تمکن زکوه را بدهد.

کد مسئله: ۶۳۵۳۳

مسئله ۱۹۹۰

مسئله ۱۹۹۰- انسان می‌تواند از زکوه قرآن یا کتاب دینی یا کتاب دعا بخرد و وقف نماید، اگر چه بر اولاد خود و بر کسانی وقف کند که خرج آنان بر او واجب است. و نیز می‌تواند تولیت وقف را برای خود یا اولاد خود قرار دهد.

کد مسئله: ۶۳۵۳۴

مسئله ۱۹۹۱

مسئله ۱۹۹۱- انسان نمی‌تواند از زکوه ملک بخرد و بر اولاد خود یا بر کسانی که مخارج آنان بر او واجب است وقف نماید که عایدی آن را به مصرف مخارج خود برسانند.

کد مسئله: ۶۳۵۳۵

مسئله ۱۹۹۲

مسئله ۱۹۹۲- فقیر می‌تواند برای رفتن به حج و زیارت و مانند اینها زکوه بگیرد، ولی اگر به مقدار خرج سالش زکوه گرفته باشد، برای زیارت و مانند آن نمی‌تواند زکوه بگیرد. (۱)

۱- به عنوان فقراء ولی می‌تواند از سهم سبیل الله زکوه بگیرد و زیارت و حج برود

کد مسئله: ۶۳۵۳۶

مسئله ۱۹۹۳

مسئله ۱۹۹۳- اگر مالک فقیری را وکیل کند، که زکوه مال او را بدهد، چنانچه آن فقیر احتمال دهد که قصد مالک این بوده که خود آن فقیر از زکوه بر ندارد، نمی‌تواند چیزی از آن را برای خودش بردارد و اگر یقین داشته باشد که قصد مالک این نبوده، برای خودش هم می‌تواند بردارد.

کد مسأله: ۶۳۵۳۷

مسأله ۱۹۹۴

مسأله ۱۹۹۴- اگر فقیر شتر و گاو و گوسفند و طلا و نقره را بابت زکوه بگیرد، چنانچه شرطهایی که برای واجب شدن زکوه گفته شد در آنها جمع شود باید زکوه آنها را بدهد.

کد مسأله: ۶۳۵۳۸

مسأله ۱۹۹۵

مسأله ۱۹۹۵- اگر دو نفر در مالی که زکوه آن واجب شده با هم شریک باشند و یکی از آنان زکوه قسمت خود را بدهد و بعد مال را تقسیم کنند چنانچه بداند شریکش زکوه سهم خود را نداده، تصرف او در سهم خودش هم اشکال دارد.

کد مسأله: ۶۳۵۳۹

مسأله ۱۹۹۶

مسأله ۱۹۹۶- کسی که خمس یا زکوه بدهکار است و کفاره و نذر و مانند اینها هم بر او واجب است و قرض هم دارد چنانچه نتواند همه آنها را بدهد اگر مالی که خمس یا زکوه آن واجب شده از بین نرفته باشد باید خمس و زکوه را بدهد و اگر از بین رفته باشد می تواند خمس یا زکوه را بدهد یا کفاره و نذر و قرض و مانند اینها را ادا نماید.

کد مسأله: ۶۳۵۴۰

مسأله ۱۹۹۷

مسأله ۱۹۹۷- کسی که خمس یا زکوه بدهکار است و نذر و مانند اینها هم بر او واجب است و قرض هم دارد، اگر بمیرد و مال او برای همه آنها کافی نباشد چنانچه مالی که خمس و زکوه آن واجب شده از بین نرفته باشد، باید خمس یا زکوه را بدهند و بقیه مال او را به چیزهای دیگری که بر او واجب است قسمت کنند و اگر مالی که خمس و زکوه آن واجب شده از بین رفته باشد باید مال او را به خمس و زکوه و قرض و نذر و مانند اینها قسمت نمایند مثلاً اگر چهل تومان خمس بر او واجب است و بیست تومان به کسی بدهکار است و همه مال او سی تومان است، باید بیست تومان بابت خمس و ده تومان به دین او بدهند.

کد مسأله: ۶۳۵۴۱

مسأله ۱۹۹۸

مسأله ۱۹۹۸- کسی که مشغول تحصیل علم است و اگر تحصیل نکند می تواند برای معاش خود کسب کند، چنانچه تحصیل آن علم واجب یا مستحب باشد، می شود به او زکوه داد و اگر تحصیل آن علم واجب یا مستحب نباشد، زکوه دادن به او اشکال دارد.

(۱)

۱- در صورت تحصیل علم مباح هم اشکال ندارد با صدق عنوان فقر بر او و لکن احتیاط مستحسن است.

کد مسأله: ۶۳۵۴۲

زکوه فطره**مسئله ۱۹۹۹**

مسئله ۱۹۹۹- کسی که موقع غروب شب عید فطر بالغ و عاقل و هوشیار است و فقیر و بنده کس دیگر نیست، باید برای خودش و کسانی که نان خور او هستند هر نفری یک صاع که تقریباً سه کیلو است، گندم یا جو یا خرما یا کشمش یا برنج یا ذرت و مانند اینها به مستحق بدهد، و اگر پول یکی از اینها را هم بدهد، کافی است.

کد مسئله: ۶۳۵۴۳

مسئله ۲۰۰۰

مسئله ۲۰۰۰- کسی که مخارج سال خود و عیالاتش را ندارد و کسبی هم ندارد که بتواند مخارج سال خود و عیالاتش را بگذراند، فقیر است و دادن زکوه فطره بر او واجب نیست.

کد مسئله: ۶۳۵۴۴

مسئله ۲۰۰۱

مسئله ۲۰۰۱- انسان باید فطره کسانی را که در غروب شب عید فطر نان خور او حساب می‌شوند، بدهد کوچک باشند یا بزرگ، مسلمان باشند یا کافر، دادن خرج آنان بر او واجب باشد یا نه، در شهر خود او باشند یا در شهر دیگر.

کد مسئله: ۶۳۵۵۷

مسئله ۲۰۰۲

مسئله ۲۰۰۲- اگر کسی را که نان خور اوست و در شهر دیگر است، وکیل کند که از مال او فطره خود را بدهد چنانچه اطمینان داشته باشد که فطره را می‌دهد، لازم نیست خودش فطره او را بدهد.

کد مسئله: ۶۳۵۵۸

مسئله ۲۰۰۳

مسئله ۲۰۰۳- فطره مهمانی که پیش از غروب شب عید فطر با رضایت صاحبخانه وارد شده و نان خور او حساب می‌شود، (۱) بر او واجب است.

۱- بعید نیست که صدق عنوان مهمان و ضیف کافی باشد و لازم نیست که عنوان غیلوله بر مهمان صدق کند. (یعنی شرط نیست نان خور او حساب شود و همین که صدق مهمان کند کافی است).

کد مسئله: ۶۳۵۵۹

مسئله ۲۰۰۴

مسئله ۲۰۰۴- فطره مهمانی که پیش از غروب شب عید فطر بدون رضایت صاحبخانه وارد می‌شود و مدتی نزد او می‌ماند بنا بر احتیاط، واجب است، و همچنین است فطره کسی که انسان را مجبور کرده‌اند که خرجی او را بدهد.

کد مسأله: ۶۳۵۶۰

مسأله ۲۰۰۵

مسأله ۲۰۰۵- فطره مهمانی که بعد از غروب شب عید فطر وارد می‌شود بر صاحبخانه واجب نیست، اگر چه پیش از غروب او را دعوت کرده باشد و در خانه او هم افطار کند.

کد مسأله: ۶۳۵۶۱

مسأله ۲۰۰۶

مسأله ۲۰۰۶- اگر کسی موقع غروب شب عید فطر، دیوانه یا بیهوش باشد زکوه فطره بر او واجب نیست.

کد مسأله: ۶۳۵۶۲

مسأله ۲۰۰۷

مسأله ۲۰۰۷- اگر پیش از غروب یا مقارن غروب بچه بالغ شود، یا دیوانه عاقل گردد، یا فقیر غنی شود، در صورتی که شرایط واجب شدن فطره را دارا باشد، باید زکوه فطره را بدهد.

کد مسأله: ۶۳۵۶۳

مسأله ۲۰۰۸

مسأله ۲۰۰۸- کسی که موقع غروب شب عید فطر، زکوه فطره بر او واجب نیست، اگر تا پیش از ظهر روز عید شرطهای واجب شدن فطره در او پیدا شود، مستحب است زکوه فطره را بدهد.

کد مسأله: ۶۳۵۶۴

مسأله ۲۰۰۹

مسأله ۲۰۰۹- کافری که بعد از غروب شب عید فطر مسلمان شده، فطره بر او واجب نیست. ولی مسلمانی که شیعه نبوده اگر بعد از دیدن ماه شیعه شود، باید زکوه فطره را بدهد.

کد مسأله: ۶۳۵۶۵

مسأله ۲۰۱۰

مسأله ۲۰۱۰- کسی که فقط به اندازه یک صاع که تقریباً سه کیلو است گندم و مانند آن دارد، مستحب است زکوه فطره را بدهد و چنانچه عیالاتی داشته باشد و بخواهد فطره آنها را هم بدهد می‌تواند به قصد فطره، آن یک صاع را به یکی از عیالاتش بدهد و او هم به همین قصد به دیگری بدهد و همچنین تا به نفر آخر برسد و بهتر است نفر آخر چیزی را که می‌گیرد به کسی بدهد که از خودشان نباشد و اگر یکی از آنها صغیر باشد، ولی او بجای او می‌گیرد و احتیاط آن است چیزی را که برای صغیر گرفته به کسی ندهد.

کد مسأله: ۶۳۵۶۶

مسأله ۲۰۱۱

مسأله ۲۰۱۱- اگر بعد از غروب شب عید فطر بچه‌دار شود، یا کسی نان‌خور او حساب شود، واجب نیست فطره او را بدهد، اگر چه مستحب است فطره کسانی را که بعد از غروب تا پیش از ظهر روز عید نان‌خور او حساب می‌شوند بدهد.

کد مسأله: ۶۳۵۶۷

مسأله ۲۰۱۲

مسأله ۲۰۱۲- اگر انسان نان‌خور کسی باشد و پیش از غروب یا مقارن غروب نان‌خور کس دیگر شود، فطره او بر کسی که نان‌خور او شده واجب است، مثلاً اگر دختر پیش از غروب به خانه شوهر رود، شوهرش باید فطره او را بدهد.

کد مسأله: ۶۳۵۶۸

مسأله ۲۰۱۳

مسأله ۲۰۱۳- کسی که دیگری باید فطره او را بدهد، واجب نیست فطره خود را بدهد.

کد مسأله: ۶۳۵۶۹

مسأله ۲۰۱۴

مسأله ۲۰۱۴- اگر فطره انسان بر کسی واجب باشد و او فطره را ندهد بر خود انسان واجب نمی‌شود.

کد مسأله: ۶۳۵۷۰

مسأله ۲۰۱۵

مسأله ۲۰۱۵- اگر کسی که فطره او بر دیگری واجب است خودش فطره را بدهد، از کسی که فطره بر او واجب شده ساقط نمی‌شود. (۱)

۱- مگر در صورتی که به اذن او یا بدون اذن او از طرف او تبرعاً بدهد که ساقط می‌شود.

کد مسأله: ۶۳۵۷۱

مسأله ۲۰۱۶

مسأله ۲۰۱۶- زنی که شوهرش مخارج او را نمی‌دهد، چنانچه نان‌خور کس دیگر باشد، فطره‌اش بر آن کس واجب است. و اگر نان‌خور کس دیگر نیست، در صورتی که فقیر نباشد، باید فطره خود را بدهد.

کد مسأله: ۶۳۵۷۲

مسأله ۲۰۱۷

مسئله ۲۰۱۷- کسی که سید نیست نمی‌تواند به سید فطره بدهد. حتی اگر سیدی نان‌خور او باشد، نمی‌تواند فطره او را به سید دیگر بدهد.

کد مسئله: ۶۳۵۷۳

مسئله ۲۰۱۸

مسئله ۲۰۱۸- فطره طفلی که از مادر یا دایه شیر می‌خورد بر کسی است که مخارج مادر یا دایه را می‌دهد، ولی اگر مادر یا دایه مخارج خود را از مال طفل برمی‌دارد فطره طفل بر کسی واجب نیست.

کد مسئله: ۶۳۵۷۴

مسئله ۲۰۱۹

مسئله ۲۰۱۹- انسان اگر چه مخارج عیالاتش را از مال حرام بدهد، باید فطره آنان را از مال حلال بدهد.

کد مسئله: ۶۳۵۷۵

مسئله ۲۰۲۰

مسئله ۲۰۲۰- اگر انسان کسی را اجیر نماید و شرط کند که مخارج او را بدهد باید فطره او را هم بدهد، ولی چنانچه شرط کند که مقداری از مخارج او را بدهد و مثلاً پولی برای مخارجش بدهد، واجب نیست فطره او را بدهد.

کد مسئله: ۶۳۵۷۶

مسئله ۲۰۲۱

مسئله ۲۰۲۱- اگر کسی بعد از غروب شب عید فطر بمیرد باید فطره او و عیالاتش را از مال او بدهند، ولی اگر پیش از غروب بمیرد واجب نیست فطره او و عیالاتش را از مال او بدهند.

کد مسئله: ۶۳۵۷۷

مصرف زکوه فطره

مسئله ۲۰۲۲

مسئله ۲۰۲۲- اگر زکوه فطره را به یکی از هشت مصرفی که سابقاً برای زکوه مال گفته شد برسانند کافی است، ولی احتیاط مستحب آن است که فقط به فقرا شیعه بدهد.

کد مسئله: ۶۳۵۷۸

زکوه فطره

مسئله ۲۰۲۳

مسئله ۲۰۲۳- اگر طفل شیعه‌ای فقیر باشد، انسان می‌تواند فطره را به مصرف او برساند یا به واسطه دادن به ولی طفل ملک طفل نماید.

کد مسئله: ۶۳۵۷۹

مسئله ۲۰۲۴

مسئله ۲۰۲۴- فقیری که فطره به او می‌دهند، لازم نیست عادل باشد، ولی احتیاط واجب آن است که به شراب خوار (۱) و کسی که آشکارا معصیت می‌کند (۲) فطره ندهند.

۱- بلکه احتیاط مستحسن است نه واجب.

۲- این احتیاط مستحسن است نه واجب.

کد مسئله: ۶۳۵۸۰

مصرف زکوه فطره

مسئله ۲۰۲۵

مسئله ۲۰۲۵- به کسی که فطره را در معصیت مصرف می‌کند، نباید فطره بدهند.

کد مسئله: ۶۳۵۸۱

مسئله ۲۰۲۶

مسئله ۲۰۲۶- احتیاط واجب آن است که به یک فقیر کمتر از یک صاع که تقریباً سه کیلو است فطره ندهند. ولی اگر بیشتر بدهند اشکال ندارد.

کد مسئله: ۶۳۵۸۲

مسئله ۲۰۲۷

مسئله ۲۰۲۷- اگر از جنسی که قیمتش دو برابر قیمت معمولی آن است مثلاً از گندمی که قیمت آن دو برابر قیمت گندم معمولی است نصف صاع که معنای آن در مسئله پیش گفته شد بدهد کافی نیست، و اگر آن را به قصد قیمت فطره هم بدهد اشکال دارد.

(۱)

۱- مگر آنکه بفروشد به فقیر و ثمن آن را بعنوان زکوه فطره حساب کند که در این صورت بی اشکال است.

کد مسئله: ۶۳۵۸۳

مسئله ۲۰۲۸

مسئله ۲۰۲۸- انسان نمی‌تواند نصف صاع را از یک جنس مثلاً گندم و نصف دیگر آن را از جنس دیگر مثلاً جو بدهد، و اگر آن را به قصد قیمت فطره هم بدهد اشکال دارد. (۱)

۱- به قصد قیمت اشکالی ندارد ولیکن احتیاط مستحسن آن است که آن را به فقیر بفروشد و ثمن آن را به عنوان قیمت فطره حساب

کند.

کد مسأله: ۶۳۵۸۴

مسأله ۲۰۲۹

مسأله ۲۰۲۹- مستحب است در دادن زکوه فطره خویشان فقیر خود را بر دیگران مقدم دارد و بعد همسایگان فقیر را بعد اهل علم فقیر را ولی اگر دیگران از جهتی برتری داشته باشند مستحب است آنها را مقدم بدارد.

کد مسأله: ۶۳۵۸۵

مسأله ۲۰۳۰

مسأله ۲۰۳۰- اگر انسان به خیال این که کسی فقیر است به او فطره بدهد و بعد بفهمد فقیر نبوده، چنانچه مالی را که به او داده از بین نرفته باشد، می‌تواند پس بگیرد و به مستحق بدهد، و اگر نتواند بگیرد باید از مال خودش فطره را بدهد، (۱) و اگر از بین رفته باشد در صورتی که گیرنده فطره می‌دانسته آنچه را گرفته فطره است، باید عوض آن را بدهد، و اگر نمی‌دانسته دادن عوض بر او واجب نیست و انسان باید دوباره فطره را بدهد. (۲)

۱- در صورت مسامحه در تشخیص مستحق والا لازم نیست.

۲- در صورت مسامحه در تشخیص و الا ضامن نیست و دوباره واجب نیست.

کد مسأله: ۶۳۵۸۶

مسأله ۲۰۳۱

مسأله ۲۰۳۱- اگر کسی بگوید فقیرم نمی‌شود به او فطره داد، مگر آن که از گفتن او اطمینان پیدا شود یا انسان بداند که قبلاً فقیر بوده است.

کد مسأله: ۶۳۵۸۷

مسائل متفرقه زکوه فطره**مسأله ۲۰۳۲**

مسأله ۲۰۳۲- انسان باید زکوه فطره را به قصد قربت یعنی برای انجام فرمان خداوند عالم بدهد و موقعی که آن را می‌دهد نیت دادن فطره نماید.

کد مسأله: ۶۳۵۸۸

مسأله ۲۰۳۳

مسأله ۲۰۳۳- اگر پیش از ماه رمضان فطره را بدهد صحیح نیست، و احتیاط واجب آن است که در ماه رمضان هم فطره را ندهد، ولی اگر پیش از رمضان یا در ماه رمضان به فقیر قرض بدهد و بعد از آن که فطره بر او واجب شد طلب خود را بابت فطره حساب کند مانعی ندارد.

کد مسأله: ۶۳۵۸۹

مسأله ۲۰۳۴

مسأله ۲۰۳۴- گندم یا چیز دیگری را که برای فطره می‌دهد باید به جنس دیگر یا خاک مخلوط نباشد و چنانچه مخلوط باشد اگر خالص آن به یک صاع که تقریباً سه کیلوگرم است برسد، یا آنچه مخلوط شده به قدری کم باشد که قابل اعتنا نباشد اشکال ندارد.

کد مسأله: ۶۳۵۹۰

مسأله ۲۰۳۵

مسأله ۲۰۳۵- اگر فطره را از چیز معیوب بدهد، کافی نیست.

کد مسأله: ۶۳۵۹۱

مسأله ۲۰۳۶

مسأله ۲۰۳۶- کسی که فطره چند نفر را می‌دهد لازم نیست همه را از یک جنس بدهد و اگر مثلاً فطره بعضی را گندم و فطره بعض دیگر را جو بدهد کافی است.

کد مسأله: ۶۳۵۹۲

مسأله ۲۰۳۷

مسأله ۲۰۳۷- کسی که نماز عید فطر می‌خواند، بنابر احتیاط واجب باید فطره را پیش از نماز عید بدهد، ولی اگر نماز عید نمی‌خواند می‌تواند دادن فطره را تا ظهر تأخیر بیندازد.

کد مسأله: ۶۳۵۹۳

مسأله ۲۰۳۸

مسأله ۲۰۳۸- اگر به نیت فطره مقداری از مال خود را کنار بگذارد و تا ظهر روز عید به مستحق ندهد احتیاط واجب (۱) آن است که هر وقت آن را می‌دهد نیت فطره نماید.

۱- بلکه واجب آن است که به عنوان فطره بدهد.

کد مسأله: ۶۳۵۹۴

مسأله ۲۰۳۹

مسأله ۲۰۳۹- اگر موقعی که دادن زکوة فطره واجب است فطره را ندهد و کنار هم نگذارد، بعداً باید بدون این که نیت ادا و قضا کند، فطره را بدهد. (۱)

۱- بلکه علی الاقوی نیت زکوة فطره نماید و آن را به عنوان اداء بپردازد

کد مسأله: ۶۳۵۹۵

مسأله ۲۰۴۰

مسأله ۲۰۴۰- اگر فطره را کنار بگذارد، نمی‌تواند آن را برای خودش بردارد و مالی دیگر را برای فطره بگذارد.

کد مسأله: ۶۳۵۹۶

مسأله ۲۰۴۱

مسأله ۲۰۴۱- اگر انسان مالی داشته باشد که قیمتش از فطره بیشتر است، چنانچه فطره را ندهد و نیت کند که مقداری از آن مال برای فطره باشد اشکال دارد.

کد مسأله: ۶۳۵۹۷

مسأله ۲۰۴۲

مسأله ۲۰۴۲- اگر مالی را که برای فطره کنار گذاشته از بین برود، چنانچه دسترسی به فقیر داشته و دادن فطره را تأخیر انداخته باید عوض آن را بدهد و اگر دسترسی به فقیر نداشته ضامن نیست. (۱)
۱- در صورتی که مسامحه در حفظ نکرده باشد والا ضامن است.

کد مسأله: ۶۳۵۹۸

مسأله ۲۰۴۳

مسأله ۲۰۴۳- اگر در محل خودش مستحق پیدا شود، احتیاط واجب (۱) آن است که فطره را به جای دیگر نبرد. و اگر به جای دیگر برود و تلف شود، باید عوض آن را بدهد.

۱- بلکه احتیاط مستحسن آن است که به جای دیگری نبرد و اقوی جواز نقل است. ولی در صورت نقل و تلف ضامن است.

کد مسأله: ۶۳۵۹۹

احکام حج**مسأله ۲۰۴۴**

مسأله ۲۰۴۴- حج: زیارت کردن خانه خدا و انجام اعمالی است که دستور داده‌اند در آن جا بجا آورده شود، و در تمام عمر بر کسی که این شرایط را دارا باشد یک مرتبه واجب می‌شود: اول: آنکه بالغ باشد. دوم: آنکه عاقل و آزاد باشد. سوم: به واسطه رفتن به حج مجبور نشود که کار حرامی را انجام دهد یا عمل واجبی را که از حج مهمتر است (۱) ترک نماید. پس اگر مثلاً مجبور باشد از راه غصبی برود و راه دیگری هم نباشد نباید به حج برود. چهارم: آنکه مستطیع باشد، و مستطیع بودن به چند چیز است: اول: آنکه توشه راه و مرکب سواری یا مالی که بتواند آنها را تهیه کند داشته باشد. دوم: سلامت مزاج و توانایی آن را داشته باشد که بتواند مکه رود و حج را بجا آورد. سوم: در راه مانعی از رفتن نباشد و اگر راه بسته باشد، یا انسان بترسد که در راه جان یا عرض او از بین برود، یا مال او را ببرند، حج بر او واجب نیست. ولی اگر از راه دیگری بتواند برود، اگرچه دورتر باشد باید از آن برود.

چهارم: به قدر بجا آوردن اعمال حج وقت داشته باشد. پنجم: مخارج کسانی را که خرجی آنان بر او واجب است مثل زن و بچه و مخارج کسانی را که مردم خرجی دادن به آنها را لازم می‌دانند داشته باشد. ششم: بعد از برگشتن، کسب یا زراعت یا عایدی ملک یا راه دیگری برای معاش خود داشته باشد که مجبور نشود به زحمت زندگی کند

۱- اهمیت شرط نیست بلکه ملاک فوت واجب و یا ارتکاب معصیت است زیرا ایجاب حج مشروط به استطاعه شرعیه است و با ترک واجب یا فعل حرام استطاعت حاصل نیست پس حج واجب نیست.

کد مسأله: ۶۳۶۰۰

مسأله ۲۰۴۵

مسأله ۲۰۴۵- کسی که بدون خانه ملکی رفع احتیاجش نمی‌شود، وقتی حج بر او واجب است که پول خانه را هم داشته باشد.

کد مسأله: ۶۳۶۰۱

مسأله ۲۰۴۶

مسأله ۲۰۴۶- زنی که می‌تواند مکه برود، اگر بعد از برگشتن از خودش مال نداشته باشد و شوهرش هم مثلاً فقیر باشد و خرجی او را ندهد، و ناچار شود که به سختی زندگی کند. حج بر او واجب نیست.

کد مسأله: ۶۳۶۰۲

مسأله ۲۰۴۷

مسأله ۲۰۴۷- اگر کسی توشه راه و مرکب سواری نداشته باشد و دیگری به او بگوید حج برو، من خرج تو و عیالات تو را در موقعی که در سفر حج هستی می‌دهم، در صورتی که اطمینان داشته باشد که خرج او را می‌دهد، حج بر او واجب می‌شود.

کد مسأله: ۶۳۶۰۳

مسأله ۲۰۴۸

مسأله ۲۰۴۸- اگر خرجی رفتن و برگشتن و خرجی عیالات کسی را در مدتی که مکه می‌رود و برمی‌گردد به او ببخشند و با او شرط کنند که حج کند، و او قبول نماید (۱) حج بر او واجب می‌شود، اگر چه قرض داشته باشد و در موقع برگشتن هم مالی که بتواند با آن زندگی کند نداشته باشد.

۱- واجب است قبول نماید.

کد مسأله: ۶۳۶۰۴

مسأله ۲۰۴۹

مسأله ۲۰۴۹- اگر مخارج رفتن و برگشتن و مخارج عیالات کسی را در مدتی که مکه می‌رود و برمی‌گردد به او بدهند و بگویند حج برو، ولی ملک او نکنند در صورتی که اطمینان داشته باشد که از او پس نمی‌گیرند، حج بر او واجب می‌شود.

کد مسأله: ۶۳۶۰۵

مسئله ۲۰۵۰

مسئله ۲۰۵۰- اگر مقداری مال که برای حج کافی است به کسی بدهند و با او شرط کنند که در راه مکه خدمت کسی که مال را داده بنماید، حج بر او واجب نمی‌شود.

کد مسئله: ۶۳۶۰۶

مسئله ۲۰۵۱

مسئله ۲۰۵۱- اگر مقداری مال به کسی بدهند و حج بر او واجب شود، چنانچه حج بنماید، هر چند بعداً مالی از خود پیدا کند، دیگر حج بر او واجب نیست.

کد مسئله: ۶۳۶۰۷

مسئله ۲۰۵۲

مسئله ۲۰۵۲- اگر برای تجارت مثلاً تا جده برود و مالی به دست آورد که اگر بخواهد از آنجا به مکه رود مستطیع باشد باید حج کند، و در صورتی که حج نماید اگر چه بعداً مالی پیدا کند که بتواند از وطن خود به مکه رود دیگر حج بر او واجب نیست.

کد مسئله: ۶۳۶۰۸

مسئله ۲۰۵۳

مسئله ۲۰۵۳- اگر انسان اجیر شود که از طرف کس دیگر حج کند، چنانچه خودش نتواند برود و بخواهد دیگری را از طرف خودش بفرستد باید از کسی که او را اجیر کرده اجازه بگیرد. (۱)
۱- در صورت تقیید اجازه به مباشرت والا محتاج به اجازه نیست.

کد مسئله: ۶۳۶۰۹

مسئله ۲۰۵۴

مسئله ۲۰۵۴- اگر کسی مستطیع شود و مکه نرود و فقیر شود باید اگر چه به زحمت باشد بعداً حج کند، و اگر به هیچ قسم نتواند حج برود، چنانچه کسی او را برای حج اجیر کند باید به مکه رود و حج کسی را که برای او اجیر شده بجا آورد و تا سال بعد در مکه بماند و برای خود حج نماید، ولی اگر ممکن باشد که اجیر شود و اجرت را نقد بگیرد و کسی که او را اجیر کرده راضی شود که حج او در سال بعد بجا آورده شود، باید سال اول برای خود و سال بعد برای کسی که اجیر شده حج نماید.

کد مسئله: ۶۳۶۱۰

مسئله ۲۰۵۵

مسئله ۲۰۵۵- اگر در سال اولی که مستطیع شده به مکه رود و در وقت معینی که دستور داده‌اند به عرفات و مشعرالحرام نرسد، چنانچه در سالهای بعد مستطیع نباشد، حج بر او واجب نیست، ولی اگر از سالهای پیش مستطیع بوده و نرفته اگر چه به زحمت باشد باید حج کند.

کد مسأله: ۶۳۶۱۱

مسأله ۲۰۵۶

مسأله ۲۰۵۶- اگر در سال اولی که مستطیع شده حج نکند و بعد به واسطه پیری یا مرض و ناتوانی نتواند حج نماید و ناامید باشد (۱) از این که بعداً خودش حج کند باید دیگری را از طرف خود بفرستد، بلکه اگر در سال اولی که به قدر رفتن حج مال پیدا کرده، به واسطه پیری یا مرض یا ناتوانی نتواند حج کند، احتیاط مستحب آن است (۲) کسی را از طرف خود بفرستد که حج نماید.

۱- بلکه اگر ناامید هم نباشد واجب است نایب بگیرد.

۲- بلکه واجب است نایب بگیرد.

کد مسأله: ۶۳۶۱۲

مسأله ۲۰۵۷

مسأله ۲۰۵۷- کسی که از طرف دیگری برای حج اجیر شده باید طواف نساء را از طرف او بجا آورد. و اگر بجا نیاورد، زن بر آن اجیر حرام می‌شود.

کد مسأله: ۶۳۶۱۳

مسأله ۲۰۵۸

مسأله ۲۰۵۸- اگر طواف نساء را درست بجا نیاورد یا فراموش کند چنانچه بعد از چند روز یادش بیاید و از بین راه برگردد و بجا آورد صحیح است.

کد مسأله: ۶۳۶۱۴

احکام خرید و فروش**مسأله ۲۰۵۹**

چیزهایی که در خرید و فروش مستحب است

مسأله ۲۰۵۹- پنج چیز در خرید و فروش مستحب است:

اول - یاد گرفتن احکام آن (۱) حضرت صادق (ع) فرمودند: کسی که می‌خواهد خرید و فرش کند، باید احکام آن را یاد بگیرد و اگر پیش از یاد گرفتن احکام آن خرید و فروش کند، به واسطه معامله‌های باطل و شبهه ناک به هلاکت می‌افتد.

دوم - آنکه در قیمت جنس بین مشتری‌های مسلمان فرق نگذارد. (۲)

سوم - آنکه در قیمت جنس سخت گیری نکند.

چهارم - چیزی را که می‌فروشد زیادتر بدهد و آنچه را می‌خرد کمتر بگیرد.

پنجم - کسی که با او معامله کرده اگر پشیمان شود و از او تقاضا کند که معامله را به هم بزند، برای به هم زدن معامله حاضر شود.

۱- در صورت احتمال ابتلاء به معاملات حرام یا باطل واجب است احکام تجارت را بیاموزد نه مستحب باشد.

۲- مگر به جهت فضیلت علم و تقوی

کد مسأله: ۶۳۶۱۵

مسأله ۲۰۶۰

مسأله ۲۰۶۰- اگر انسان نداند معامله‌ای که کرده صحیح است یا باطل، نمی‌تواند در مالی که گرفته تصرف نماید. (۱)
 ۱- می‌تواند ولكن مستحسن عدم تصرف است تا علم به صحت معامله پیدا نکرده است.

کد مسأله: ۶۳۶۱۶

مسأله ۲۰۶۱

مسأله ۲۰۶۱- کسی که مال ندارد و مخارجی بر او واجب است مثل خرج زن و بچه، باید کسب کند، و برای کارهای مستحب مانند وسعت دادن به عیالات و دستگیری از فقرا کسب کردن مستحب است.

کد مسأله: ۶۳۶۱۷

معاملات مکروه**مسأله ۲۰۶۲**

مسأله ۲۰۶۲- عمده معاملات مکروه از این قرار است: اول: ملک فروشی. دوم: قصابی. سوم: کفن فروشی. چهارم: معامله با مردمان پست. پنجم: معامله بین اذان صبح و اول آفتاب. ششم: آنکه کار خود را خرید و فروش گندم و جو و مانند اینها قرار دهد. هفتم: آنکه برای خریدن جنسی که دیگری می‌خواهد بخرد داخل معامله او شود.

کد مسأله: ۶۳۶۱۸

معاملات حرام**مسأله ۲۰۶۳**

مسأله ۲۰۶۳- معاملات حرام شش است: اول: خرید و فروش عین نجس، (۱) مثل بول و غائط دوم: خرید و فروش مال غصبی، (۲) سوم: خرید و فروش چیزهایی که مال نیست. مثل حیوانات درنده. (۳) چهارم: معامله چیزی که منافع معمولی آن حرام باشد، مانند: اسباب قمار. پنجم: معامله‌ای که در آن ربا باشد. ششم - فروش جنسی که با چیز دیگر مخلوط است، در صورتی که آن چیز معلوم نباشد و فروشنده هم به خریدار نگوید، مثل فروختن روغنی که آن را با پیه مخلوط کرده است، و این عمل را غش می‌گویند. (۴) پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: از ما نیست کسی که در معامله با مسلمانان غش کند یا به آنان ضرر بزند یا تقلب و حيله نماید، و هر که با برادر مسلمان خود غش کند، خداوند برکت روزی او را می‌برد و راه معاش او را می‌بندد و او را به خودش واگذار می‌کند.

۱- مطلق اعیان نجسه خرید و فروش آنها حرام نیست بلکه بعضی آن حرام است مثل کلب هراش و مسکر و خوک و مردار و بعضی آن حلال است مثل کلب معلم و عبد کافر و غائط بجهت کود کردن

۲- اصل معامله آن حرام نیست چون تصرف در غضب نیست بلکه فضولی است و صحت آن منوط با اجازه مالک است ولی تصرف در مال مغضوب حرام است.

۳- اگر منفعت محلّ عقلائی نداشته باشد و الا معامله باطل نیست.

۴- غش حرام است ولی معامله در صورت عیب باطل نیست و خیار (اختیار) فسخ دارد و در صورت تباین مغشوش با مورد معامله بیع باطل است.

کد مسأله: ۶۳۶۱۹

مسأله ۲۰۶۴

مسأله ۲۰۶۴- فروختن چیز پاکی که نجس شده و آب کشیدن آن ممکن است اشکال ندارد، ولی اگر مشتری آن چیزی را برای کاری بخواهد که شرط آن پاک بودن است مثلاً لباس است که می‌خواهد با آن نماز بخواند بنا بر احتیاط واجب (۱) باید فروشنده نجس بودن آن را به او بگوید.

۱- در این مورد احتیاط لازم نیست بلکه مستحسن است ولی در مورد جنس نجسی که مشتری برای خوردن می‌خرد باید بائع به او بگوید علی الاقوی.

کد مسأله: ۶۳۶۲۰

مسأله ۲۰۶۵

مسأله ۲۰۶۵- اگر چیز پاکی مانند روغن و نفت که آب کشیدن آن ممکن نیست نجس شود، چنانچه آن را برای کاری بخواهند که شرط آن پاک بودن است، مثلاً روغن نجس را برای خوردن بخواهند، فروش آن حرام است (۱) و اگر برای کاری بخواهند که شرط آن پاک بودن نیست مثلاً بخواهند نفت نجس را بسوزانند، فروش آن اشکال ندارد.

۱- اگر بشرط خوردن یا تبانی طرفین برخوردار باشد معامله باطل است و الا باطل نیست چون منافع محلله عقلائی غیر خوردن دارد و باید بائع به مشتری اعلام نماید. چنانچه در مسأله سابق گفته شد.

کد مسأله: ۶۳۶۲۱

مسأله ۲۰۶۶

مسأله ۲۰۶۶- خرید و فروش دواهای نجس حرام است (۱) ولی اگر پول را برای ظرف آن یا برای زحمت دوا فروش بدهند اشکال ندارد.

۱- اگر منفعتی غیر از خوردن و آشامیدن نداشته باشد و الا معامله صحیح و جایز است.

کد مسأله: ۶۳۶۲۲

مسأله ۲۰۶۷

مسأله ۲۰۶۷- خرید و فروش روغن و دواهای روان و عطرهايي که از ممالک غیر اسلامی می‌آورند اگر نجس بودن آنها معلوم نباشد اشکال ندارد، ولی روغنی را که از حیوان بعد از جان دادن آن می‌گیرند چنانچه در شهر کفار از دست کافر (۱) بگیرند و از حیوانی باشد که اگر رگ آن را ببرند خون از آن جستن می‌کند نجس است و معامله آن باطل می‌باشد.

۱- که مسبوق به ید مسلم نباشد و الا حکم به طهارت و صحّت معامله می‌شود و در صورتی که مسبوق به ید مسلم نباشد حکم به نجاست مسلم (حتمی) است و حکم به بطلان معامله صحیح نیست بلکه چون دارای منافع محلّ غیر اکل (خوردن) می‌باشد معامله

صحیح است.

کد مسأله: ۶۳۶۲۳

مسأله ۲۰۶۸

مسأله ۲۰۶۸- اگر روباه را به غیر دستوری که در شرع معین شده کشته باشند یا خودش مرده باشد، خرید و فروش پوست آن حرام و معامله آن باطل است.

کد مسأله: ۶۳۶۲۴

مسأله ۲۰۶۹

مسأله ۲۰۶۹- خرید و فروش گوشت و پیه و چرمی که از ممالک غیر اسلامی می‌آورند یا از دست کافر گرفته می‌شود باطل است، (۱) ولی اگر انسان بداند که آنها از حیوانی است که به دستور شرع کشته شده خرید و فروش آنها اشکال ندارد.

۱- در صورتی که مسبوق به ید مسلم نباشد والا معامله آن صحیح است و اگر مسبوق به ید مسلم نبود بطلان معامله منوط است به عدم قائده محله والا باطل نیست.

کد مسأله: ۶۳۶۲۵

مسأله ۲۰۷۰

مسأله ۲۰۷۰- خرید و فروش گوشت و پیه و چرمی که از دست مسلمان گرفته شود اشکال ندارد. ولی اگر انسان بداند که آن مسلمان آن را از دست کافر گرفته و تحقیق نکرده که از حیوانی است که به دستور شرع کشته شده یا نه، خریدن آن حرام و معامله آن باطل است.

کد مسأله: ۶۳۶۲۶

مسأله ۲۰۷۱

مسأله ۲۰۷۱- خرید و فروش مسکرات حرام و معامله آنها باطل است.

کد مسأله: ۶۳۶۲۷

مسأله ۲۰۷۲

مسأله ۲۰۷۲- فروختن مال غضبی باطل است، (۱) و فروشنده باید پولی را که از خریدار گرفته به او برگرداند. ۱- در صورت عدم اجازه مالک و الا صحیح است.

کد مسأله: ۶۳۶۲۸

مسأله ۲۰۷۳

مسأله ۲۰۷۳- اگر خریدار قصدش این باشد که پول جنس را ندهد معامله اشکال دارد. (۱)

۱- بلکه معامله صحیح است ولی در عدم تأدیه ثمن (پرداختن قیمت) مسئول و معاقب است.

کد مسأله: ۶۳۶۲۹

مسأله ۲۰۷۴

مسأله ۲۰۷۴- اگر خریدار بخواهد پول جنس را بعداً از حرام بدهد، معامله صحیح است، ولی باید مقداری را که بدهکار است از مال حلال بدهد.

کد مسأله: ۶۳۶۳۰

مسأله ۲۰۷۵

مسأله ۲۰۷۵- خرید و فروش آلات لهو مثل تار و ساز حتی سازهای کوچک حرام است.

کد مسأله: ۶۳۶۳۱

مسأله ۲۰۷۶

مسأله ۲۰۷۶- اگر چیزی را که می‌شود استفاده حلال از آن ببرند به قصد این بفروشند که آن را در حرام مصرف کنند، مثلاً انگور را به این قصد بفروشند که از آن شراب تهیه نمایند، معامله آن حرام و باطل است.

کد مسأله: ۶۳۶۳۲

مسأله ۲۰۷۷

مسأله ۲۰۷۷- خرید و فروش مجسمه حرام است (۱) ولی خرید و فروش صابون که روی آن مجسمه دارد، اگر مقصود معامله صابون باشد اشکال ندارد.

۱- بلکه مکروه است علی الاقوی ولی ساختن مجسمه حرام است. چنانچه مجسمه صاحب روح باشد و کامل باشد

کد مسأله: ۶۳۶۳۳

مسأله ۲۰۷۸

مسأله ۲۰۷۸- خریدن چیزی که از قمار یا دزدی یا از معامله باطل تهیه شده حرام است (۱) و اگر کسی آن را بخرد باید به صاحب اصلیش برگرداند.

۱- عقد بیع حرمت ندارد ولی تصرف در آن مال حرام است و معامله فضولی است و اگر مالک اجازه بدهد صحیح والا باطل است.

کد مسأله: ۶۳۶۳۴

مسأله ۲۰۷۹

مسأله ۲۰۷۹- اگر روغنی را که با پیه مخلوط است بفروشد، چنانچه آن را معین کند، مثلاً بگوید این یک من روغن را می‌فروشم، معامله به مقدار پیهی که در آن است باطل می‌باشد (۱) و پولی که فروشنده برای پیه آن گرفته مال مشتری و پیه مال فروشنده است

و مشتری می تواند معامله روغن خالصی را هم که در آن است به هم بزند ولی اگر آن را معین نکند بلکه یک من روغن بفروشد، بعد روغنی که پیه دارد بدهد. مشتری می تواند آن روغن را پس بدهد و روغن خالص مطالبه نماید.

۱- در صورت امتزاج با روغن والا مبیع معیوب و معامله خیاری است و باطل نیست.

کد مسأله: ۶۳۶۳۵

مسأله ۲۰۸۰

مسأله ۲۰۸۰- اگر مقداری از جنسی را که با وزن یا پیمانه می فروشند، به زیادت از همان جنس بفروشد، مثلاً یک من گندم را به یک من و نیم گندم بفروشد ربا و حرام است، و گناه یک درهم ربا بزرگتر از آن است که انسان هفتاد مرتبه با محرم خود زنا کند، بلکه اگر یکی از دو جنس سالم و دیگری معیوب، یا جنس یکی خوب و جنس دیگری بد باشد یا با یکدیگر تفاوت قیمت داشته باشند، چنانچه بیشتر از مقداری که می دهد بگیرد باز هم ربا و حرام است، پس اگر مس درست را بدهد و بیشتر از آن مس شکسته بگیرد، یا برنج صدری را بدهد و بیشتر از آن برنج گرده بگیرد، یا طلای ساخته را بدهد و بیشتر از آن طلای نساخته بگیرد ربا و حرام می باشد.

کد مسأله: ۶۳۶۳۶

مسأله ۲۰۸۱

مسأله ۲۰۸۱- اگر چیزی را که اضافه می گیرند غیر از جنسی باشد که می فروشد، مثلاً یک من گندم به یک من گندم و یک قران پول بفروشد باز هم ربا و حرام است. بلکه اگر چیزی زیادت را بگیرد ولی شرط کند که خریدار عملی برای او انجام دهد، ربا و حرام می باشد.

کد مسأله: ۶۳۶۳۷

مسأله ۲۰۸۲

مسأله ۲۰۸۲- اگر کسی که مقدار کمتر را می دهد چیزی علاوه کند، مثلاً یک من گندم و یک دستمال را به یک من و نیم گندم بفروشد، اشکال ندارد و همچنین است اگر از هر دو طرف چیزی زیاد کنند مثلاً یک من گندم و یک دستمال را به یک من و نیم گندم و یک دستمال بفروشد.

کد مسأله: ۶۳۶۳۸

مسأله ۲۰۸۳

مسأله ۲۰۸۳- اگر چیزی را که مثل پارچه با متر و ذرع می فروشند یا چیزی را که مثل گردو و تخم مرغ با شماره معامله می کنند بفروشد و زیادت بگیرد، مثلاً ده تا تخم مرغ بدهد و یازده تا بگیرد اشکال ندارد.

کد مسأله: ۶۳۶۳۹

مسأله ۲۰۸۴

مسأله ۲۰۸۴- جنسی را که در بعضی از شهرها به وزن یا پیمانه می فروشند و در بعضی از شهرها با شماره معامله می کنند، احتیاط

واجب آن است (۱) که آن جنس را به زیادت از آن نفروشند.

۱- در شهری که به عدد معامله می کنند ربا جایز است و در شهری که به وزن یا کیل معامله صورت می گیرد ربا جایز نیست.
کد مسأله: ۶۳۶۴۰

مسأله ۲۰۸۵

مسأله ۲۰۸۵- اگر چیزی را که می فروشند و عوضی را که می گیرد از یک جنس نباشد، زیادی گرفتن اشکال ندارد، پس اگر یک من برنج بفروشد و دو من گندم بگیرد معامله صحیح است.
کد مسأله: ۶۳۶۴۱

مسأله ۲۰۸۶

مسأله ۲۰۸۶- اگر جنسی را که می فروشند و عوضی را که می گیرد، از یک چیز عمل آمده باشد باید در معامله زیادی نگیرد، پس اگر یک من روغن بفروشد و در عوض آن یک من و نیم پنیر بگیرد ربا و حرام است، و احتیاط واجب آن است که اگر میوه رسیده را با میوه نارس معامله کند زیادی نگیرد.
کد مسأله: ۶۳۶۴۲

مسأله ۲۰۸۷

مسأله ۲۰۸۷- جو و گندم در ربا یک جنس حساب می شود، پس اگر یک من گندم بدهد و یک من و پنج سیر جو بگیرد ربا و حرام است، و نیز اگر مثلاً ده من جو بخرد که سر خرمن ده من گندم بدهد، چون جو را نقد گرفته و بعد از مدتی گندم را می دهد مثل آن است که زیادی گرفته و حرام می باشد.
کد مسأله: ۶۳۶۴۳

مسأله ۲۰۸۸

مسأله ۲۰۸۸- اگر مسلمان از کافری که در پناه اسلام نیست (۱) ربا بگیرد اشکال ندارد، و نیز پدر و فرزند و زن و شوهر می توانند از یکدیگر ربا بگیرند.
۱- ولو در پناه اسلام هم باشد ربا گرفتن از آنها جایز است.
کد مسأله: ۶۳۶۴۴

شرایط فروشنده و خریدار

مسأله ۲۰۸۹

مسأله ۲۰۸۹- برای فروشنده و خریدار شش چیز شرط است: اول: آنکه بالغ باشند. دوم: آنکه عاقل باشند. سوم: آنکه سفیه نباشند یعنی مال خود را در کارهای بیهود مصرف نکنند. چهارم: آنکه قصد خرید و فروش داشته باشند، پس اگر مثلاً به شوخی بگویند مال خود را فروختم، معامله باطل است. پنجم: آنکه کسی آنها را مجبور نکرده باشد. ششم: آنکه جنس و عوضی را که می دهند

مالک باشند، (۱) و احکام اینها در مسایل آینده گفته خواهد شد.

۱- یا حق تصرف در مثنی و ثمن را داشته باشند ولو اینکه مالک نباشند.

کد مسأله: ۶۳۶۴۵

مسأله ۲۰۹۰

مسأله ۲۰۹۰- معامله با بچه نابالغ باطل است، اگر چه پدر یا جد آن بچه به او اجازه داده باشند (۱) که معامله کند، اما اگر طفل وسیله باشد که پول را بفروشنده بدهد و جنس را به خریدار برساند یا جنس را به خریدار بدهد و پول را به فروشنده برساند، چون واقعاً دو نفر بالغ با یکدیگر معامله کرده‌اند، معامله صحیح است، ولی باید فروشنده و خریدار یقین داشته باشند که طفل جنس و پول را به صاحب آن می‌رساند.

۱- در صورت اجازه ولی معامله طفل ممیز صحیح است.

کد مسأله: ۶۳۶۴۶

مسأله ۲۰۹۱

مسأله ۲۰۹۱- اگر از بچه نابالغ چیزی بخرد یا چیزی به او بفروشد باید جنس یا پولی را که از او گرفته به صاحب آن بدهد (۱) یا از صاحبش رضایت بخواهد، و اگر صاحب آن را نمی‌شناسد و برای شناختن او هم وسیله‌ای ندارد باید چیزی را که از بچه گرفته از طرف صاحب آن مظالم بدهد. (۲)

۱- در صورتی که معامله بدون اجازه ولی ممیز صورت گرفته باشد والا معامله صحیح است.

۲- یا به نظر حاکم شرع به عنوان مظلوم صدقه دهد.

کد مسأله: ۶۳۶۴۷

مسأله ۲۰۹۲

مسأله ۲۰۹۲- اگر کسی با بچه نابالغ معامله کند و جنس یا پولی که به بچه داده از بین برود، نمی‌تواند (۱) از بچه یا ولی او مطالبه کند.

۱- در صورتی که معامله بدون اجازه ولی واقع شود و باطل باشد می‌تواند از صبی ممیز و از ولی مطالبه کند.

کد مسأله: ۶۳۶۴۸

مسأله ۲۰۹۳

مسأله ۲۰۹۳- اگر خریدار یا فروشنده را به معامله مجبور کنند، چنانچه بعد از معامله راضی شود و بگوید راضی هستم معامله صحیح است. ولی احتیاط مستحب آن است که دوباره صیغه معامله را بخوانند.

کد مسأله: ۶۳۶۴۹

مسأله ۲۰۹۴

مسأله ۲۰۹۴- اگر انسان مال کسی را بدون اجازه او بفروشد، چنانچه صاحب مال به فروش آن راضی نشود و اجازه ندهد معامله

باطل است.

کد مسأله: ۶۳۶۵۰

مسأله ۲۰۹۵

مسأله ۲۰۹۵- پدر و جد پدری طفل و نیز وصی پدر و وصی جد پدری می توانند مال طفل را بفروشند، مجتهد عادل هم می تواند مال دیوانه یا طفل یتیم یا مال کسی را که غایب است بفروشد. (۱)
۱- در تمام این امور لحاظ غبطه و مصلحت باید بشود.

کد مسأله: ۶۳۶۵۱

مسأله ۲۰۹۶

مسأله ۲۰۹۶- اگر کسی مالی را غصب کند و بفروشد و بعد از فروش صاحب مال معامله را برای خودش اجازه دهد معامله صحیح است. و چیزی را که غصب کننده به مشتری داده و منفعت های آن از موقع معامله ملک مشتری است و چیزی را که مشتری داده و منفعت های آن موقع معامله، ملک کسی است که مال او را غصب کرده اند.

کد مسأله: ۶۳۶۵۲

مسأله ۲۰۹۷

مسأله ۲۰۹۷- اگر کسی مالی را غصب کند و بفروشد به قصد این که پول آن، مال خودش باشد، چنانچه صاحب مال معامله را اجازه ندهد معامله باطل است، و اگر برای کسی هم که مال را غصب کرده اجازه نماید صحیح بودن معامله اشکال دارد. (۱)
۱- بلکه صحیح است ولی ثمن ملک مالک است نه غاصب مگر اینکه مالک به غاصب هبه نماید.

کد مسأله: ۶۳۶۵۳

شرایط جنس و عوض آن

مسأله ۲۰۹۸

مسأله ۲۰۹۸- جنسی که می فروشند و چیزی که عوض آن می گیرند پنج شرط دارد.

اول: آنکه مقدار آن با وزن یا پیمانانه یا شماره و مانند اینها معلوم باشد.

دوم: آنکه بتوانند آن را تحویل دهند، بنابر این فروختن اسبی که فرار کرده صحیح نیست ولی اگر اسبی را که فرار کرده با چیزی که می تواند تحویل دهد مثلا با یک فرش بفروشد. اگر چه آن اسب پیدا نشود معامله صحیح است.

سوم: خصوصیاتی را که در جنس و عوض هست و به واسطه آنها میل مردم به معامله فرق می کند، معین نماید.

چهارم: کسی در جنس یا در عوض آن حقی نداشته باشد، پس مالی را که انسان پیش کسی گرو گذاشته بدون اجازه او نمی تواند بفروشد.

پنجم: خود جنس را بفروشد، نه منفعت آن را، پس اگر مثلا منفعت یک ساله خانه را بفروشد صحیح نیست. و چنانچه خریدار به جای پول منفعت ملک خود را بدهد، مثلا- فرشی را از کسی بخرد و عوض آن منفعت یک ساله خانه خود را به او واگذار کند

اشکال ندارد. و احکام اینها در مسائل آینده گفته خواهد شد.

کد مسأله: ۶۳۶۵۴

مسأله ۲۰۹۹

مسأله ۲۰۹۹- جنسی را که در شهری با وزن یا پیمانہ معامله می‌کنند، در آن شهر انسان باید با وزن یا پیمانہ بخرد، ولی می‌تواند همان جنس را در شهری که با دیدن معامله می‌کنند با دیدن خریداری نماید.

کد مسأله: ۶۳۶۵۵

مسأله ۲۱۰۰

مسأله ۲۱۰۰- چیزی را که با وزن خرید و فروش می‌کنند با پیمانہ هم می‌شود معامله کرد، به این طور که اگر مثلاً می‌خواهد ده من گندم بفروشد با پیمانہ‌ای که یک من گندم می‌گیرد ده پیمانہ بدهد.

کد مسأله: ۶۳۶۵۶

مسأله ۲۱۰۱

مسأله ۲۱۰۱- اگر یکی از شرطهایی که گفته شد در معامله نباشد معامله باطل (۱) است. ولی اگر خریدار و فروشنده راضی باشند که در مال یکدیگر تصرف کنند، تصرف آنها اشکال ندارد. (۲)

۱- مگر در مورد تعلق حق غیر معین ثمن و مثنی که در این صورت بطلان معامله مشروط به رد صاحب حق است والا- معامله صحیح است.

۲- در صورت رضای مطلق نه مقید به معامله والا تصرف جایز نیست.

کد مسأله: ۶۳۶۵۷

مسأله ۲۱۰۲

مسأله ۲۱۰۲- معامله چیزی را که وقف شده باطل است، ولی اگر بطوری خراب شود که نتواند استفاده‌ای را که مال برای آن وقف شده از آن ببرند، مثلاً حصیر مسجد بطوری پاره شود که نتوانند روی آن نماز بخوانند فروش آن اشکال ندارد، و در صورتی که ممکن باشد باید پول آن را در همان مسجد به مصرفی برسانند که به مقصود وقف کننده نزدیکتر باشد.

کد مسأله: ۶۳۶۵۸

مسأله ۲۱۰۳

مسأله ۲۱۰۳- هرگاه بین کسانی که مال را برای آنان وقف کرده‌اند به طوری اختلاف پیدا شود که اگر مال وقف را نفروشد گمان آن برود که مال یا جانی تلف شود می‌تواند آن مال را بفروشد و به مصرفی که به مقصود وقف کننده نزدیکتر است برساند.

کد مسأله: ۶۳۶۵۹

مسأله ۲۱۰۴

مسئله ۲۱۰۴- خرید و فروش ملکی که آن را به دیگری اجاره داده‌اند اشکال ندارد، ولی استفاده آن ملک در مدت اجاره مال مستاجر است، و اگر خریدار نداند که آن ملک را اجاره داده‌اند یا به گمان این که مدت اجاره کم است ملک را خریده باشد پس از اطلاع می‌تواند معامله خودش را به هم بزند.

کد مسئله: ۶۳۶۶۰

صیغه خرید و فروش

مسئله ۲۱۰۵

مسئله ۲۱۰۵- در خرید و فروش لازم نیست صیغه عربی بخوانند، مثلاً اگر فروشنده به فارسی بگوید این مال را در عوض این پول فروختم و مشتری بگوید قبول کردم معامله صحیح است، ولی خریدار و فروشنده باید قصد انشاء داشته باشند، یعنی به گفتن این دو جمله مقصودشان خرید و فروش باشد.

کد مسئله: ۶۳۶۶۱

مسئله ۲۱۰۶

مسئله ۲۱۰۶- اگر در موقع معامله صیغه نخوانند ولی فروشنده در مقابل مالی که از خریدار می‌گیرد مال خود را ملک او کند و او بگیرد معامله صحیح است و هر دو مالک می‌شوند.

کد مسئله: ۶۳۶۶۲

خرید و فروش میوه‌ها

مسئله ۲۱۰۷

مسئله ۲۱۰۷- فروش میوه‌ای که گل آن ریخته و دانه بسته پیش از چیدن صحیح است، و نیز فروختن غوره بر درخت اشکال ندارد.

کد مسئله: ۶۳۶۶۳

مسئله ۲۱۰۸

مسئله ۲۱۰۸- اگر بخواهند میوه‌ای را که بر درخت است، پیش از آنکه دانه به بندد و گلش بریزد بفروشند باید چیزی از حاصل زمین مانند سبزی‌ها را با آن بفروشند یا با مشتری شرط کنند (۱) که میوه را پیش از دانه بستن بچیند یا میوه بیشتر از یکسال را به او بفروشند.

۱- این شرط مصحح معامله نیست.

کد مسئله: ۶۳۶۶۴

مسئله ۲۱۰۹

مسئله ۲۱۰۹- اگر خرمايي را که زرد یا سرخ شده بر درخت بفروشند اشکال ندارد، ولی نباید عوض آن را خرما بگیرند. اما اگر

کسی یک درخت خرما در خانه یا باغ کس دیگر (۱) داشته باشد، در صورتی که مقدار آن را تخمین کنند و صاحب درخت آن را به صاحب-خانه یا باغ بفروشد و عوض آن، خرما بگیرد. چنانچه خرمایی را که می‌گیرد کمتر یا زیادتر از مقداری که تخمین زده اند نباشد اشکال ندارد.

۱- مورد استثناء نیست و معامله نکنند.

کد مسأله: ۶۳۶۶۵

مسأله ۲۱۱۰

مسأله ۲۱۱۰- فروختن خیار و بادمجان و سبزیها و مانند اینها که سالی چند مرتبه چیده می‌شود، در صورتی که ظاهر و نمایان شده باشد و معین کنند که مشتری در سال چند دفعه آن را بچیند اشکال ندارد.

کد مسأله: ۶۳۶۶۶

مسأله ۲۱۱۱

مسأله ۲۱۱۱- اگر خوشه گندم و جو را بعد از آن که دانه بسته به چیز دیگری غیر گندم و جو بفروشند اشکال ندارد.

کد مسأله: ۶۳۶۶۷

نقد و نسیه

مسأله ۲۱۱۲

مسأله ۲۱۱۲- اگر جنسی را نقد بفروشند، خریدار و فروشنده بعد از معامله می‌توانند جنس و پول را از یکدیگر مطالبه نموده و تحویل بگیرند، و تحویل دادن خانه و زمین و مانند اینها به این است که آن را در اختیار خریدار بگذارند که بتواند در آن تصرف کند، و تحویل دادن فرش و لباس و مانند اینها به این است که آن را طوری در اختیار خریدار بگذارند که اگر بخواهد آن را به جای دیگر ببرد فروشنده جلوگیری نکند.

کد مسأله: ۶۳۶۶۸

مسأله ۲۱۱۳

مسأله ۲۱۱۳- در معامله نسیه باید مدت کاملاً معلوم باشد، پس اگر جنسی را بفروشد که سر خرمن پول آن را بگیرد، چون مدت کاملاً معین نشده معامله باطل است.

کد مسأله: ۶۳۶۶۹

مسأله ۲۱۱۴

مسأله ۲۱۱۴- اگر جنسی را نسیه بفروشد، پیش از تمام شدن مدتی که قرار گذاشته‌اند، نمی‌تواند عوض آن را از خریدار مطالبه نماید. ولی اگر خریدار بمیرد و از خودش مال داشته باشد، فروشنده می‌تواند پیش از تمام شدن مدت طلبی را که دارد از ورثه او مطالبه نماید.

کد مسأله: ۶۳۶۷۰

مسأله ۲۱۱۵

مسأله ۲۱۱۵- اگر جنسی را نسیه بفروشد، بعد از تمام شدن مدتی که قرار گذاشته‌اند می‌تواند عوض آن را از خریدار مطالبه نماید، ولی اگر خریدار نتواند بپردازد باید او را مهلت دهد.

کد مسأله: ۶۳۶۷۱

مسأله ۲۱۱۶

مسأله ۲۱۱۶- اگر به کسی که قیمت جنس را نمی‌داند، مقداری نسیه بدهد و قیمت آن را به او نگوید معامله باطل است. ولی اگر به کسی که قیمت نقدی جنس را می‌داند نسیه بدهد و گرانتر حساب کند، مثلاً بگوید جنسی را که به تو نسیه می‌دهم تومانی یک ریال از قیمتی که نقد می‌فروشم گرانتر حساب می‌کنم و او قبول کند اشکال ندارد.

کد مسأله: ۶۳۶۷۲

مسأله ۲۱۱۷

مسأله ۲۱۱۷- کسی که جنسی را نسیه فروخته و برای گرفتن پول آن مدتی قرار داده، اگر مثلاً بعد از گذشتن نصف مدت مقداری از طلب خود را کم کند و بقیه را نقد بگیرد اشکال ندارد.

کد مسأله: ۶۳۶۷۳

معامله سلف**مسأله ۲۱۱۸**

مسأله ۲۱۱۸- معامله سلف آن است که مشتری پول را بدهد که بعد از مدتی جنس را تحویل بگیرد، و اگر بگوید این پول را می‌دهم که مثلاً بعد از شش ماه فلان جنس را بگیرم و فروشنده بگوید قبول کردم، یا فروشنده پول را بگیرد و بگوید فلان جنس را فروختم که بعد از شش ماه تحویل بدهم معامله صحیح است.

کد مسأله: ۶۳۶۷۴

مسأله ۲۱۱۹

مسأله ۲۱۱۹- اگر پولی را سلف بفروشد و عوض آن را پول بگیرد معامله باطل است، (۱) ولی اگر جنسی را سلف بفروشد و عوض آن را جنس دیگر یا پول بگیرد معامله صحیح است. و احتیاط مستحب آن است در عوض جنسی که می‌فروشد پول بگیرد و جنس دیگر نگیرد.

۱- در پولی که از جنس طلا و نقره باشد این حکم جاری است و در غیر آن اشکالی ندارد و معامله صحیح است.

کد مسأله: ۶۳۶۷۵

شرایط معامله سلف**مسأله ۲۱۲۰**

مسأله ۲۱۲۰- معامله سلف شش شرط دارد:

اول: خصوصیتی را که قیمت جنس به واسطه آنها فرق می‌کند معین نمایند ولی دقت زیاد هم لازم نیست همین قدر که مردم بگویند خصوصیات آن معلوم شده کافی است پس معامله سلف در نان (۱) و گوشت و پوست حیوان و مانند اینها که نمی‌شود خصوصیاتشان را کامل معین کرد باطل است

دوم: پیش از آنکه خریدار و فروشنده از هم جدا شوند خریدار تمام قیمت را به فروشنده بدهد یا به مقدار پول آن از فروشنده طلبکار باشد و طلب خود را بابت قیمت جنس حساب کند و او قبول نماید و چنانچه مقداری از قیمت آن را بدهد، اگرچه معامله به آن مقدار صحیح است، ولی فروشنده می‌تواند معامله همان مقدار را به هم بزند.

سوم: مدت را کاملاً معین کنند، و اگر مثلاً بگویند تا اول خرمن جنس را تحویل می‌دهم چون مدت کاملاً معلوم نشده معامله باطل است.

چهارم: وقتی را برای تحویل جنس معین کنند که در آن وقت جنس به قدری کمیاب نباشد که فروشنده نتواند آن را تحویل دهد.

پنجم: جای تحویل جنس را معین نمایند. (۲) ولی اگر از حرفهای آنان جای آن معلوم باشد لازم نیست اسم آن جا را ببرند.

ششم: وزن یا پیمانه آن را معین کنند و جنسی را هم که معمولاً با دیدن معامله می‌کنند اگر سلف بفروشند اشکال ندارد. ولی باید مثل بعضی از اقسام گردو و تخم مرغ تفاوت افراد آن به قدری کم باشد که مردم به آن اهمیت ندهند.

۱- در صورتی که رفع ضرر به تعیین اوصاف از مذکورات در متن شود معامله باطل است و الا صحیح است.

۲- اگر بدون تعیین مستلزم ضرر باشد والا لازم نیست و معامله بدون آن صحیح است.

کد مسأله: ۶۳۶۷۶

احکام معامله سلف**مسأله ۲۱۲۱**

مسأله ۲۱۲۱- انسان نمی‌تواند جنسی را که سلف خریده پیش از تمام شدن مدت بفروشد، و بعد از تمام شدن مدت اگر چه آن را تحویل نگرفته باشد فروختن آن اشکال ندارد. (۱) ولی فروختن غله مانند گندم و جو پیش از تحویل گرفتن آن مکروه است. (۲)

۱- اگر به نحو قولیت بفروشد والا مشکل است بلکه جایز نیست. (یعنی بگوید بشرطی که جنس به دستم برسد فروختن آن را)

۲- بلکه جایز نیست و این حکم در کلیه مکیل و موزون جاری است.

کد مسأله: ۶۳۶۷۷

مسأله ۲۱۲۲

مسأله ۲۱۲۲- در معاملهی سلف اگر فروشنده جنسی را که قرارداد کرده بدهد، مشتری باید قبول کند. و نیز اگر بهتر از آنچه قرار گذاشته بدهد، و طوری باشد که از همان جنس حساب شود، مشتری باید قبول نماید.

کد مسأله: ۶۳۶۷۸

مسئله ۲۱۲۳

مسئله ۲۱۲۳- اگر جنسی را که فروشنده می‌دهد پست‌تر از جنسی باشد که قرارداد کرده، مشتری می‌تواند قبول نکند.
کد مسئله: ۶۳۶۷۹

مسئله ۲۱۲۴

مسئله ۲۱۲۴- اگر فروشنده به جای جنسی که قرارداد کرده جنس دیگری بدهد، در صورتی که مشتری راضی شود اشکال ندارد.
کد مسئله: ۶۳۶۸۰

مسئله ۲۱۲۵

مسئله ۲۱۲۵- اگر جنسی را که سلف فروخته، در موقعی که باید آن را تحویل دهد نایاب شود و نتواند آن را تهیه کند، مشتری می‌تواند صبر کند تا تهیه نماید یا معامله را به هم بزند و چیزی را که داده پس بگیرد.
کد مسئله: ۶۳۶۸۱

فروش طلا و نقره به طلا و نقره**مسئله ۲۱۲۶**

مسئله ۲۱۲۶- اگر جنسی را بفروشد و قرار بگذارد که بعد از مدتی تحویل دهد و پول آن را هم بعد از مدتی بگیرد، معامله باطل است.
کد مسئله: ۶۳۶۸۲

مسئله ۲۱۲۷

مسئله ۲۱۲۷- اگر طلا را به طلا یا نقره را به نقره بفروشد، سکه‌دار باشند یا بی‌سکه، در صورتی که وزن یکی از آنها زیاده‌تر از دیگری باشد معامله حرام و باطل است.
کد مسئله: ۶۳۶۸۳

مسئله ۲۱۲۸

مسئله ۲۱۲۸- اگر طلا را به نقره، یا نقره را به طلا بفروشد، معامله صحیح است و لازم نیست وزن آنها مساوی باشد.
کد مسئله: ۶۳۶۸۴

مسئله ۲۱۲۹

مسئله ۲۱۲۹- اگر طلا یا نقره را به طلا یا نقره بفروشند باید فروشنده و خریدار پیش از آنکه از یکدیگر جدا شوند جنس و عوض آن را به یکدیگر تحویل دهند، و اگر هیچ مقدار از چیزی را که قرار گذاشته‌اند، تحویل ندهند معامله باطل است.

کد مسأله: ۶۳۶۸۵

مسأله ۲۱۳۰

مسأله ۲۱۳۰- اگر فروشنده یا خریدار تمام چیزی را که قرار گذاشته، تحویل دهد و دیگری مقداری از آن را تحویل دهد و از یکدیگر جدا شوند، اگر چه معامله به آن مقدار صحیح است. ولی کسی که تمام مال به دست او نرسیده، می‌تواند معامله را به هم بزند.

کد مسأله: ۶۳۶۸۶

مسأله ۲۱۳۱

مسأله ۲۱۳۱- اگر خاک نقره معدن را به نقره خالص و خاک طلا معدن را به طلا خالص بفروشند معامله باطل است. ولی فروختن خاک نقره به طلا، و خاک طلا به نقره اشکال ندارد.

کد مسأله: ۶۳۶۸۷

مواردی که انسان می‌تواند معامله را به هم بزند**مسأله ۲۱۳۲**

مسأله ۲۱۳۲- حق به هم زدن معامله را خیار می‌گویند و خریدار و فروشنده در یازده صورت می‌توانند معامله را به هم بزنند:

اول: آنکه از مجلس معامله متفرق نشده باشند، و این خیار را خیار مجلس می‌گویند.

دوم: آنکه مغبون شده باشند (خیار غبن).

سوم: در معامله قرارداد کنند که تا مدت معینی هر دو یا یکی از آنان بتوانند معامله را به هم بزنند (خیار شرط).

چهارم: فروشنده یا خریدار مال خود را بهتر از آنچه هست نشان دهد و طوری کند که قیمت مال در نظر مردم زیاد شود (خیار تدلیس).

پنجم: فروشنده یا خریدار شرط کند که کاری انجام دهد یا شرط کند مالی را که می‌دهد طور مخصوصی باشد و به آن شرط عمل نکند، که در این صورت دیگری می‌تواند معامله را به هم بزند (خیار تخلف شرط).

ششم: در جنس یا عوض آن عیبی باشد (خیار عیب).

هفتم: معلوم شود مقداری از جنسی را که فروخته‌اند مال دیگری است که اگر صاحب آن به معامله راضی نشود خریدار می‌تواند معامله را به هم بزند یا پول آن مقدار را از فروشنده بگیرد، و نیز اگر معلوم شود مقداری از چیزی را که خریدار عوض قرار داده، مال دیگری است و صاحب آن راضی نشود، فروشنده می‌تواند معامله را به هم بزند یا عوض آن مقدار را از خریدار بگیرد (خیار شرکت). (۱)

هشتم: فروشنده خصوصیات جنس معینی را که مشتری ندیده به او بگوید، بعد معلوم شود طوری که گفته، نبوده است، که در این صورت مشتری می‌تواند معامله را به هم بزند، و نیز اگر مشتری خصوصیات عوض معینی را که می‌دهد بگوید، بعد معلوم شود طوری که گفته نبوده است، فروشنده می‌تواند معامله را به هم بزند (خیار رؤیت).

نهم: مشتری پول جنسی را که نقداً خریده تا سه روز ندهد و فروشنده هم جنس را تحویل ندهد، که اگر مشتری شرط نکرده باشد

که دادن پول را تاخیر بیندازد فروشنده می‌تواند معامله را به هم بزند. ولی اگر جنسی را که خریده مثل بعضی از میوه‌ها باشد که اگر یک روز بماند ضایع می‌شود، چنانچه تا شب پول آن را ندهد و شرط نکرده باشد که دادن پول را تاخیر بیندازد فروشنده می‌تواند معامله را به هم بزند (خیار تاخیر).

دهم: حیوانی را خریده باشد که تا سه روز می‌تواند معامله را به هم بزند و اگر در عوض حیوانی که خریده، حیوان دیگری داده باشد فروشنده هم تا سه روز می‌تواند معامله را به هم بند (خیار حیوان).

یازدهم: فروشند نتواند جنسی را که فروخته تحویل دهد، مثلاً اسبی را که فروخته فرار نماید، که در این صورت مشتری می‌تواند معامله را به هم بزند (خیار تعذر تسلیم). و احکام اینها در مسایل آینده گفته خواهد شد.

۱- در صورت امتزاج خیار شرکت و در صورت عدم امتزاج خیار تبعیض صفت است. (صفت یعنی متاع و کالا)

کد مسأله: ۶۳۶۸۸

مسأله ۲۱۳۳

مسأله ۲۱۳۳- اگر خریدار قیمت جنس را نداند یا در موقع معامله غفلت کند و جنس را گرانتر از قیمت معمولی آن بخرد، چنانچه بقدری گران خریده که مردم به آن اهمیت می‌دهند می‌تواند معامله را به هم بزند، و نیز اگر فروشنده قیمت جنس را نداند یا موقع معامله غفلت کند و جنس را ارزانتر از قیمت آن بفروشد، در صورتی که مردم به مقداری که ارزان فروخته اهمیت بدهند، می‌تواند معامله را به هم بزند.

کد مسأله: ۶۳۶۸۹

مسأله ۲۱۳۴

مسأله ۲۱۳۴- در معامله بیع شرط، که مثلاً خانه هزار تومانی را به دوست تومان می‌فروشند و قرار می‌گذارند که اگر فروشنده سر مدت پول را بدهد بتواند معامله را به هم بزند، در صورتی که خریدار و فروشنده قصد خرید و فروش داشته باشند، معامله صحیح است.

کد مسأله: ۶۳۶۹۰

مسأله ۲۱۳۵

مسأله ۲۱۳۵- در معامله بیع شرط، اگرچه فروشنده اطمینان داشته باشد که هرگاه سر مدت پول را ندهد خریدار ملک را به او می‌دهد معامله صحیح است، ولی اگر سر مدت پول را ندهد حق ندارد ملک را از خریدار مطالبه کند، و اگر خریدار بمیرد نمی‌تواند ملک را از ورثه او مطالبه نماید.

کد مسأله: ۶۳۶۹۱

مسأله ۲۱۳۶

مسأله ۲۱۳۶- اگر چای اعلا را با چای پست مخلوط کند و به اسم چای اعلا بفروشد، مشتری می‌تواند معامله را به هم بزند.

کد مسأله: ۶۳۶۹۲

مسئله ۲۱۳۷

مسئله ۲۱۳۷- اگر خریدار بفهمد مالی را که گرفته عیبی دارد، (۱) مثلاً حیوانی را بخرد و بفهمد که یک چشم آن کور است، چنانچه آن عیب پیش از معامله در مال بوده و او نمی‌دانسته، می‌تواند معامله را به هم بزند یا فرق قیمت سالم و معیوب آن را معین کند و به نسبت تفاوت قیمت سالم و معیوب از پولی که به فروشنده داده پس بگیرد، مثلاً مالی را که به چهار تومان خریده اگر بفهمد معیوب است، در صورتی که قیمت سالم آن هشت تومان و قیمت معیوب آن شش تومان باشد. چون فرق قیمت سالم و معیوب یک چهارم می‌باشد می‌تواند یک چهارم پولی را که داده یعنی یک تومان از فروشنده بگیرد.

۱- در صورتی که مبیع مشخص باشد والا خیار عیب ندارد و مصداق معیوب را می‌دهد و مصداق صحیح می‌گیرد و هم چنین است در ثمن معیوب.

کد مسئله: ۶۳۶۹۳

مسئله ۲۱۳۸

مسئله ۲۱۳۸- اگر فروشنده بفهمد در عوضی که گرفته عیبی هست، چنانچه آن عیب پیش از معامله در عوض بوده و او نمی‌دانسته، می‌تواند معامله را به هم بزند یا تفاوت قیمت سالم و معیوب را به دستوری که در مسئله پیش گفته شد بگیرد.

کد مسئله: ۶۳۶۹۴

مسئله ۲۱۳۹

مسئله ۲۱۳۹- اگر بعد از معامله و پیش از تحویل گرفتن مال عیبی در آن پیدا شود خریدار می‌تواند معامله را به هم بزند، و نیز اگر در عوض مال، بعد از معامله و پیش از تحویل گرفتن عیبی پیدا شود فروشنده می‌تواند معامله را به هم بزند، ولی اگر بخواهند تفاوت قیمت بگیرند اشکال دارد. (۱)

۱- مطالبه ارزش (تفاوت قیمت) اشکالی ندارد.

کد مسئله: ۶۳۶۹۵

مسئله ۲۱۴۰

مسئله ۲۱۴۰- اگر بعد از معامله عیب مال را بفهمد و فوراً معامله را به هم نزند دیگر حق به هم زدن معامله را ندارد. (۱)

۱- خیار عیب فوری نیست.

کد مسئله: ۶۳۶۹۶

مسئله ۲۱۴۱

مسئله ۲۱۴۱- هرگاه بعد از خریدن جنس عیب آن را بفهمد، اگرچه فروشنده حاضر نباشد، می‌تواند معامله را به هم بزند.

کد مسئله: ۶۳۶۹۷

مسئله ۲۱۴۲

مسأله ۲۱۴۲- در چهار صورت اگر خریدار بفهمد مال عیبی دارد، نمی‌تواند معامله را به هم بزند یا تفاوت قیمت بگیرد:
اول: آنکه موقع خریدن عیب مال را بداند.
دوم: به عیب مال راضی شود.

سوم: در وقت معامله بگوید اگر مال عیبی داشته باشد پس نمی‌دهم و تفاوت قیمت هم نمی‌گیرم.
چهارم: فروشنده در وقت معامله بگوید این مال را با هر عیبی که دارد می‌فروشم، ولی اگر عیبی را معین کند و بگوید مال را با این عیب می‌فروشم و معلوم شود عیب دیگری هم دارد، خریدار می‌تواند برای عیبی که فروشنده معین نکرده مال را پس دهد یا تفاوت قیمت بگیرد.

کد مسأله: ۶۳۶۹۸

مسأله ۲۱۴۳

مسأله ۲۱۴۳- در سه صورت اگر خریدار بفهمد مال عیبی دارد نمی‌تواند معامله را به هم بزند، ولی می‌تواند تفاوت قیمت بگیرد:
اول: آنکه بعد از معامله در مال تصرف کند. (۱)
دوم: بعد از معامله بفهمد مال عیب دارد و فقط حق برگرداندن آن را ساقط کند.

سوم: بعد از تحویل گرفتن مال عیب دیگری در آن پیدا کند، ولی اگر حیوان معیوبی را بخرد و پیش از گذشتن سه روز عیب دیگری پیدا کند، اگر چه آن را تحویل گرفته باشد باز هم می‌تواند آن را پس دهد، و نیز اگر فقط خریدار تا مدتی حق به هم زدن معامله را داشته باشد و در آن مدت مال عیب دیگری پیدا کند، اگر چه آن را تحویل گرفته باشد می‌تواند معامله را به هم بزند.

۱- بنحویکه تغییری در آن پیدا شود والا می‌تواند رد کند.

کد مسأله: ۶۳۶۹۹

مسأله ۲۱۴۴

مسأله ۲۱۴۴- اگر انسان مالی داشته باشد که خودش آن را ندیده و دیگری خصوصیات آن را برای او گفته باشد، چنانچه او همان خصوصیات را به مشتری بگوید و آن را بفروشد و بعد از فروش بفهمد که بهتر از آن بوده، می‌تواند معامله را به هم بزند.

کد مسأله: ۶۳۷۰۰

مسائل متفرقه

مسأله ۲۱۴۵

مسأله ۲۱۴۵- اگر فروشنده قیمت خرید جنس را به مشتری بگوید باید تمام چیزهایی را که به واسطه آنها قیمت مال کم یا زیاد می‌شود بگوید، اگر چه به همان قیمت یا به کمتر از آن بفروشد، مثلاً باید بگوید که نقد خریده است یا نسیه.

کد مسأله: ۶۳۷۰۱

مسأله ۲۱۴۶

مسأله ۲۱۴۶- اگر انسان جنسی را به کسی بدهد و قیمت آن را معین کند و بگوید این جنس را به این قیمت بفروش و هر چه

زیادتر فروختی مال خودت باشد، هر چه زیادتر از آن قیمت بفروشد مال صاحب (۱) مال است و فروشنده فقط می تواند مزد زحمت خود را از صاحب مال بگیرد. ولی اگر بگوید این جنس را به این قیمت به تو فروختم و او بگوید قبول کردم یا به قصد فروختن جنس را به او بدهد و او هم به قصد خریدن بگیرد، هر چه زیادتر از آن قیمت بفروشد مال خود اوست.

۱- اگر زیادی به عنوان حق الجعالة یا به عنوان صلح باشد اشکالی ندارد و مال واسطه و دلال است.

کد مسأله: ۶۳۷۰۲

مسأله ۲۱۴۷

مسأله ۲۱۴۷- اگر قصاب گوشت نر بفروشد و به جای آن گوشت ماده بدهد معصیت کرده است. پس اگر آن گوشت را معین کرده و گفته این گوشت نر را می فروشم، مشتری می تواند معامله را به هم بزند. و اگر آن را معین نکرده، در صورتی که مشتری به گوشتی که گرفته راضی نشود، قصاب باید گوشت نر به او بدهد.

کد مسأله: ۶۳۷۰۳

مسأله ۲۱۴۸

مسأله ۲۱۴۸- اگر مشتری به بزاز بگوید پارچه‌ای می خواهم که رنگ آن نرود، و بزاز پارچه‌ای به او بفروشد که رنگ آن برود، مشتری می تواند معامله را به هم بزند.

کد مسأله: ۶۳۷۰۴

مسأله ۲۱۴۹

مسأله ۲۱۴۹- قسم خوردن در معامله اگر راست باشد مکروه است، و اگر دروغ باشد حرام است.

کد مسأله: ۶۳۷۰۵

احکام شرکت

مسأله ۲۱۵۰

مسأله ۲۱۵۰- اگر دو نفر بخواهند با هم شرکت کنند، چنانچه هر کدام مقداری از مال خود را با مال دیگری به طوری مخلوط کند که از یکدیگر تشخیص داده نشود (۱) و به عربی یا به زبان دیگر صیغه شرکت را بخوانند، یا کاری کنند که معلوم باشد می خواهند با یکدیگر شریک باشند، شرکت آنان صحیح است.

۱- در حصول شرکت به عقد شریک احتیاج به خلط و مزج مال شریکین نیست بلکه نفس صیغه شریک کافی در حصول شرکت است ولی مزج به صورت عدم تشخیص مالین به تنهایی خود موجب شرکت است منتهی شرکت ظاهری نه واقعی.

کد مسأله: ۶۳۷۰۶

مسأله ۲۱۵۱

مسأله ۲۱۵۱- اگر چند نفر در مزدی که از کار خودشان می گیرند با یکدیگر شرکت کنند، مثل دلاکها که قرار می گذارند هر قدر

مزد گرفتند با هم قسمت کنند، شرکت آنان صحیح نیست.

کد مسأله: ۶۳۷۰۷

مسأله ۲۱۵۲

مسأله ۲۱۵۲- اگر دو نفر با یکدیگر شرکت کنند که هر کدام به اعتبار خود جنسی بخرد و قیمت آن را خودش بدهکار شود ولی در جنسی که هر کدام خریده‌اند و در استفاده آن با یکدیگر شریک باشند، صحیح نیست، اما اگر هر کدام دیگری را وکیل کند که جنس را برای او نسبیه بخرد، بعد هر شریکی جنس را برای خودش و شریکش بخرد که هر دو بدهکار شوند، شرکت صحیح است.

کد مسأله: ۶۳۷۰۸

مسأله ۲۱۵۳

مسأله ۲۱۵۳- کسانی که به واسطه عقد شرکت با هم شریک می‌شوند، باید مکلف و عاقل باشند و از روی قصد و اختیار شرکت کنند، و نیز باید بتوانند در مال خود تصرف نمایند. پس آدم سفیهی که مال خود را در کارهای بیهوده مصرف می‌کند، چون حق ندارد در مال خود تصرف نماید، اگر شرکت کند صحیح نیست. (۱)

۱- در صورتی که بدون اذن یا اجازه ولی باشد والا صحیح است.

کد مسأله: ۶۳۷۰۹

مسأله ۲۱۵۴

مسأله ۲۱۵۴- اگر در عقد شرکت شرط کنند کسی که کار می‌کند یا بیشتر از شریک دیگر کار می‌کند بیشتر منفعت ببرد، باید آنچه را شرط کرده‌اند به او بدهند ولی اگر شرط کنند کسی که کار نمی‌کند، یا کمتر کار می‌کند بیشتر منفعت ببرد، شرکت آنان اشکال دارد. (۱)

۱- بلکه عقد شرکت و شرط هر دو صحیح است.

کد مسأله: ۶۳۷۱۰

مسأله ۲۱۵۵

مسأله ۲۱۵۵- اگر قرار بگذارند که همه استفاده را یک نفر ببرد، یا تمام ضرر یا بیشتر آنرا یکی از آنان بدهد شرکت باطل است. (۱)

۱- بلکه عقد شرکت و شرط هر دو صحیح است.

کد مسأله: ۶۳۷۱۱

مسأله ۲۱۵۶

مسأله ۲۱۵۶- اگر شرط نکنند که یکی از شریکها بیشتر منفعت ببرد، چنانچه سرمایه آنان یک اندازه باشد، منفعت و ضرر را همه به یک اندازه می‌برند، و اگر سرمایه آنان یک اندازه نباشد، باید منفعت و ضرر را به نسبت سرمایه قسمت نمایند، مثلاً اگر دو نفر

شرکت کنند و سرمایه یکی از آنان دو برابر سرمایه دیگری باشد، سهم او از منفعت و ضرر دو برابر سهم دیگری است، چه هر دو به یک اندازه کار کنند یا یکی کمتر کار کند یا هیچ کار نکند.

کد مسأله: ۶۳۷۱۲

مسأله ۲۱۵۷

مسأله ۲۱۵۷- اگر در عقد شرکت شرط کنند که هر دو با هم خرید و فروش نمایند یا هر کدام به تنهایی معامله کنند یا فقط یکی از آنان معامله کند، باید به قرارداد عمل نمایند.

کد مسأله: ۶۳۷۱۳

مسأله ۲۱۵۸

مسأله ۲۱۵۸- اگر معین نکنند که کدام یک از آنان با سرمایه خرید و فروش نماید، هیچ یک از آنان بدون اجازه دیگری نمی تواند با آن سرمایه معامله کند.

کد مسأله: ۶۳۷۱۴

مسأله ۲۱۵۹

مسأله ۲۱۵۹- شریکی که اختیار سرمایه شرکت با اوست باید به قرارداد شرکت عمل کند، مثلاً اگر با او قرار گذاشته اند که نسبه بخرد یا نقد بفروشد یا جنس را از محل مخصوصی بخرد، باید به همان قرارداد رفتار نماید، و اگر با او قرار نگذاشته باشند باید به طور معمول معامله کند و داد و ستدی نماید که برای شرکت ضرر نداشته باشد. و نباید نسبه بخرد (۱) یا نسبه بفروشد. یا مال شرکت را در مسافرت همراه خود ببرد.

۱- در صورت عدم اشتراط خرید و فروش نسبه یا بردن مال شرکت در سفر اشکالی ندارد.

کد مسأله: ۶۳۷۱۵

مسأله ۲۱۶۰

مسأله ۲۱۶۰- شریکی که با سرمایه شرکت معامله می کند، اگر بر خلاف قراردادی که با او کرده اند خرید و فروش کند و خسارتی برای شرکت پیش آید ضامن است، ولی اگر بعداً به قراردادی که شده معامله کند صحیح است، و نیز اگر با او قراردادی نکرده باشند و بر خلاف معمول معامله کند ضامن می باشد، (۱) اما اگر بعداً مطابق معمول معامله کند معامله او صحیح است.

۱- در صورت اطلاق عقد شرکت و عدم اشتراط ضامن نیست.

کد مسأله: ۶۳۷۱۶

مسأله ۲۱۶۱

مسأله ۲۱۶۱- شریکی که با سرمایه شرکت معامله می کند اگر زیاده روی ننماید و در نگهداری سرمایه کوتاهی نکند و اتفاقاً مقداری از آن یا تمام آن تلف شود ضامن نیست.

کد مسأله: ۶۳۷۴۲

مسئله ۲۱۶۲

مسئله ۲۱۶۲- شریکی که با سرمایه شرکت معامله می‌کند اگر بگوید سرمایه تلف شده و پیش حاکم شرع قسم بخورد، باید حرف او را قبول کرد.
کد مسئله: ۶۳۷۴۳

مسئله ۲۱۶۳**مسئله ۲۱۶۴**

مسئله ۲۱۶۴- هر وقت یکی از شریکها تقاضا کند که سرمایه شرکت را قسمت کنند، اگر چه شرکت مدت داشته باشد باید دیگران قبول نمایند. (۱)
۱- در صورتی که قسمت موجب ضرر نسبت به شرکاء نباشد والا قبول واجب نیست.
کد مسئله: ۶۳۷۴۵

مسئله ۲۱۶۵

مسئله ۲۱۶۵- اگر یکی از شریکها بمیرد یا دیوانه یا بیهوش شود، شریک های دیگر نمی‌توانند در مال شریک تصرف کنند و همچنین است اگر یکی از آنان سفیه شود یعنی مال خود را در کارهای بیهود مصرف نماید.
کد مسئله: ۶۳۷۴۶

مسئله ۲۱۶۶

مسئله ۲۱۶۶- اگر شریک چیزی را نسبه برای خود بخرد، نفع و ضررش مال خود اوست، ولی اگر برای شرکت بخرد و شریک دیگر بگوید به آن معامله راضی هستم، (۱) نفع و ضررش مال هر دوی آنان است.
۱- اگر قصد شرکت مطلق باشد و مقید به معامله نقد نباشد احتیاج به امضاء شرکاء نیست و نفع و ضرر آن معامله بین شرکاء نسبت به سهام تقسیم می‌شود.
کد مسئله: ۶۳۷۴۷

مسئله ۲۱۶۷

مسئله ۲۱۶۷- اگر با سرمایه شرکت معامله‌ای کنند، بعد بفهمند شرکت باطل بوده، چنانچه طوری باشد که اگر می‌دانستند شرکت درست نیست به تصرف در مال یکدیگر راضی بودند معامله صحیح است، و هر چه از آن معامله پیدا شود مال همه آنان است، و اگر این طور نباشد، در صورتی که کسانی که به تصرف دیگران راضی نبوده‌اند بگویند به آن معامله راضی هستیم، معامله صحیح و گرنه باطل می‌باشد، و در هر صورت هر کدام آنان که برای شرکت کاری کرده است، اگر به قصد مجانی کار نکرده باشد می‌تواند مزد زحمتهای خود را به اندازه معمول از شریکهای دیگر بگیرد.
کد مسئله: ۶۳۷۴۸

احکام صلح

مسئله ۲۱۶۸

مسئله ۲۱۶۸- صلح آن است که انسان با دیگری سازش کند که مقداری از مال یا منفعت مال خود را ملک او کند، یا از طلب یا حق خود بگذرد، که او هم در عوض، مقداری از مال، یا منفعت مال خود را به او واگذا نماید، یا از طلب یا حقی که دارد بگذرد. بلکه اگر بدون آنکه عوض بگیرد مقداری از مال، یا منفعت مال خود را به کسی واگذار کند، یا از طلب یا حق خود بگذرد، باز هم صلح صحیح است.
کد مسئله: ۶۳۷۴۹

مسئله ۲۱۶۹

مسئله ۲۱۶۹- دو نفری که چیزی را به یکدیگر صلح می‌کنند باید بالغ و عاقل باشند، (۱) و کسی آنها را مجبور نکرده باشد، و قصد صلح داشته باشند.
۱- و سفیه و مفلس ممنوع التصرف نباشند.
کد مسئله: ۶۳۷۵۰

مسئله ۲۱۷۰

مسئله ۲۱۷۰- لازم نیست صیغه صلح به عربی خوانده شود، بلکه با هر لفظی که بفهماند باهم صلح و سازش کرده‌اند صحیح است.
کد مسئله: ۶۳۷۵۲

مسئله ۲۱۷۱

مسئله ۲۱۷۱- اگر کسی گوسفندهای خود را به چوپان بدهد که مثلاً یک سال نگهداری کند و از شیر آن استفاده نماید و مقداری روغن بدهد، چنانچه شیر گوسفند را در مقابل زحمتهای چوپان و آن روغن صلح کند صحیح است، (۱) ولی اگر گوسفند را یک ساله به چوپان اجاره دهد که از شیر آن استفاده کند و در عوض مقداری روغن بدهد اشکال دارد. (۲)
۱- اگر آن روغن بر ذمه چوپان باشد نه روغن مشخص حاصل از شیر آن گوسفندان
۲- اگر از روغن آن گوسفندان باشد والا جایز است.
کد مسئله: ۶۳۷۵۳

مسئله ۲۱۷۲

مسئله ۲۱۷۲- اگر کسی بخواهد طلب یا حق خود را به دیگری صلح کند، در صورتی صحیح است که او قبول نماید ولی اگر بخواهد از طلب یا حق خود بگذرد قبول کردن او لازم نیست.
کد مسئله: ۶۳۷۵۴

مسئله ۲۱۷۳

مسئله ۲۱۷۳- اگر انسان مقدار بدهی خود را بداند و طلبکار او نداند، چنانچه طلبکار طلب خود را به کمتر از مقداری که هست صلح کند، مثلاً پنجاه تومان طلبکار باشد و طلب خود را به ده تومان صلح نماید، زیاده برای بدهکار حلال نیست، مگر آنکه مقدار بدهی خود را به او بگوید و او را راضی کند، یا طوری باشد که اگر مقدار طلب خود را می دانست باز هم به آن مقدار صلح می کرد.

کد مسئله: ۶۳۷۵۵

مسئله ۲۱۷۴

مسئله ۲۱۷۴- اگر بخواهند دو چیزی را که از یک جنس، و وزن آنها معلوم است به یکدیگر صلح کنند، احتیاط واجب آن است که وزن یکی بیشتر از دیگری نباشد، ولی اگر وزن آنها معلوم نباشد، اگر چه احتمال دهند که وزن یکی بیشتر از دیگری است صلح صحیح است. (۱)

۱- خالی از اشکال نیست و از این جهت ترک کنند.

کد مسئله: ۶۳۷۵۶

مسئله ۲۱۷۵

مسئله ۲۱۷۵- اگر دو نفر از یک نفر طلبکار باشند یا دو نفر از دو نفر دیگر طلبکار باشند و بخواهند طلبهای خود را به یکدیگر صلح کنند، چنانچه طلب آنان از یک جنس و وزن آنها یکی باشد، مثلاً هر دو ده من گندم طلبکار باشند، مصالحه آنان صحیح است، و همچنین است اگر جنس طلب آنان یکی نباشد، مثلاً یکی ده من برنج و دیگری دوازده من گندم طلبکار باشد، ولی اگر طلب آنان از یک جنس و چیزی باشد که معمولاً با وزن یا پیمانه آن را معامله می کنند، در صورتی که وزن یا پیمانه آنها مساوی نباشد مصالحه آنان اشکال دارد. (۱)

۱- بلکه باطل است.

کد مسئله: ۶۳۷۵۷

مسئله ۲۱۷۶

مسئله ۲۱۷۶- اگر از کسی طلبی دارد که باید بعد از مدتی بگیرد، چنانچه طلب خود را به مقدار کمتری صلح کند و مقصودش این باشد که از مقداری از طلب خود گذشت کند و بقیه را نقد بگیرد اشکال ندارد.

کد مسئله: ۶۳۷۵۸

مسئله ۲۱۷۷

مسئله ۲۱۷۷- اگر دو نفر چیزی را با هم صلح کنند، با رضایت یکدیگر می توانند صلح را به هم بزنند، و نیز اگر در ضمن معامله برای هر دو یا یکی از آنان حق به هم زدن معامله را قرار داده باشند، کسی که آن حق را دارد می تواند صلح را به هم بزند.

کد مسئله: ۶۳۷۵۹

مسئله ۲۱۷۸

مسأله ۲۱۷۸- تا وقتی خریدار و فروشنده از مجلس معامله متفرق نشده‌اند می‌توانند معامله را به هم بزنند. و نیز اگر مشتری حیوانی را بخرد تا سه روز حق به هم زدن معامله را دارد، و همچنین اگر پول جنسی را که نقد خریده تا سه روز ندهد و جنس را تحویل نگیرد، فروشنده می‌تواند معامله را به هم بزند، ولی کسی که مالی را صلح می‌کند در این سه صورت حق به هم زدن صلح را ندارد، و در هشت صورت دیگر که در احکام خرید و فروش گفته شد، می‌تواند صلح را به هم بزند.
کد مسأله: ۶۳۷۶۰

مسأله ۲۱۷۹

مسأله ۲۱۷۹- اگر چیزی را که به صلح گرفته معیوب باشد می‌تواند صلح را به هم بزند، ولی اگر بخواهد تفاوت قیمت صحیح و معیوب را بگیرد اشکال دارد. (۱)
۱- جایز نیست ارش بگیرد. (ارش یعنی تفاوت قیمت گرفتن)
کد مسأله: ۶۳۷۶۱

مسأله ۲۱۸۰

مسأله ۲۱۸۰- هرگاه مال خود را به کسی صلح نماید و با او شرط کند که اگر بعد از مرگ وارثی نداشته‌ام باید چیزی را که به تو صلح کردم وقف کنی، و او هم این شرط را قبول کند، باید به شرط عمل نماید.
کد مسأله: ۶۳۷۶۲

احکام اجاره

مسأله ۲۱۸۱

مسأله ۲۱۸۱- اجاره دهنده و کسی که چیزی را اجاره می‌کند باید مکلف و عاقل باشند و به اختیار خودشان اجاره را انجام دهند، و نیز باید در مال خود حق تصرف داشته باشند، پس سفیهی که مال خود را در کارهای بیهوده مصرف می‌کند، چون حق ندارد در مال خود تصرف نماید اگر چیزی را اجاره کند یا اجاره دهد صحیح نیست. (۱)
۱- ولی با اجازه ولی صحیح است زیرا سفیه مسلوب العبارة نیست تا اجازه ولی مؤثر در صحت نباشد.
کد مسأله: ۶۳۷۶۳

مسأله ۲۱۸۲

مسأله ۲۱۸۲- انسان می‌تواند از طرف دیگری وکیل شود و مال او را اجاره دهد.
کد مسأله: ۶۳۷۶۴

مسأله ۲۱۸۳

مسأله ۲۱۸۳- اگر ولی یا قیم بچه مال او را اجاره دهد، یا خود او را اجیر دیگری نماید اشکال ندارد. و اگر مدتی از زمان بالغ شدن او را جزء مدت اجاره قرار دهد، بعد از آنکه بچه بالغ شد می‌تواند (۱) بقیه اجاره را به هم بزند، ولی هرگاه طوری بوده که اگر

مقداری از زمان بالغ بودن بچه را جزء مدت اجاره نمی‌کرد بر خلاف مصلحت بچه بود، نمی‌تواند اجاره را به هم بزند.
 ۱- در صورت صحت و لزوم عقد اجاره وجهی برای سلطه بر فسخ عقد اجاره بعد از بلوغ نیست و مابین دو صورت در متن فرقی نیست.

کد مسأله: ۶۳۷۶۵

مسأله ۲۱۸۴

مسأله ۲۱۸۴- بچه صغیری را که ولی ندارد بدون اجازه مجتهد نمی‌شود اجیر کرد، و کسی که به مجتهد دسترسی ندارد می‌تواند از چند نفر مؤمن که عادل باشند، اجازه بگیرد و او را اجیر نماید.

کد مسأله: ۶۳۷۶۶

مسأله ۲۱۸۵

مسأله ۲۱۸۵- اجاره دهنده و مستأجر لازم نیست صیغه عربی بخوانند، بلکه اگر مالک به کسی بگوید ملک خود را به تو اجاره دادم و او بگوید قبول کردم، اجاره صحیح است، و نیز اگر حرفی نزنند و مالک به قصد این که ملک را اجاره دهد آن را به مستأجر واگذار کند و او هم به قصد اجاره کردن بگیرد اجاره صحیح می‌باشد.

کد مسأله: ۶۳۷۶۷

مسأله ۲۱۸۶

مسأله ۲۱۸۶- اگر انسان بدون صیغه خواندن بخواهد برای انجام عملی اجیر شود، همین که مشغول آن عمل شد اجاره صحیح است.

کد مسأله: ۶۳۷۶۸

مسأله ۲۱۸۷

مسأله ۲۱۸۷- کسی که نمی‌تواند حرف بزند، اگر با اشاره بفهماند که ملک را اجاره داده یا اجاره کرده، صحیح است.

کد مسأله: ۶۳۷۶۹

مسأله ۲۱۸۸

مسأله ۲۱۸۸- اگر خانه یا دکان یا اطاقی را اجاره کند و صاحب ملک با او شرط کند که فقط خود او از آنها استفاده نماید، مستأجر نمی‌تواند آن را به دیگری اجاره دهد، و اگر شرط نکند، می‌تواند آن را به دیگری اجاره دهد ولی اگر بخواهد به زیاده‌تر از مقداری که اجاره کرده آن را اجاره دهد، باید در آن کاری مانند تعمیر و سفید کاری انجام داده باشد یا به غیر جنسی که اجاره کرده (۱) آن را اجاره دهد، مثلاً اگر با پول اجاره کرده، به گندم یا چیز دیگر اجاره دهد.

۱- در صورتی که به حسب قیمت بیشتر از مال الاجاره نباشد و الاجاز نیست و معامله باطل است.

کد مسأله: ۶۳۷۷۰

مسأله ۲۱۸۹

مسئله ۲۱۸۹- اگر اجیر با انسان شرط کند که فقط برای خود انسان کار کند، نمی‌شود او را به دیگری اجاره داد. و اگر شرط نکند، چنانچه او را به چیزی که اجرت او قرار داده اجاره دهد، باید زیادتر نگیرد، و اگر به چیز دیگری اجاره دهد می‌تواند زیادتر بگیرد. (۱)

۱- نمی‌تواند زیادتر از مال الاجاره بگیرد مگر خودش عملی انجام دهد.

کد مسئله: ۶۳۷۷۱

مسئله ۲۱۹۰

مسئله ۲۱۹۰- اگر غیر خانه و دکان و اطاق و اجیر، چیز دیگر مثلاً زمین را اجاره کند و مالک با او شرط نکند که فقط خودش از آن استفاده نماید، اگر چه بیشتر از مقداری که اجاره کرده آن را اجاره دهد، اشکال ندارد. کد مسئله: ۶۳۷۷۲

شرایط مالی که آنرا اجاره می‌دهند

مسئله ۲۱۹۱

مسئله ۲۱۹۱- اگر خانه یا دکانی را مثلاً یک ساله به صد تومان اجاره کند و از نصف آن خودش استفاده نماید، می‌تواند نصف دیگر آن را به صد تومان اجاره دهد، ولی اگر بخواهد نصف آن را به زیادتر از مقداری که اجاره کرده مثلاً به صد و بیست تومان اجاره دهد، باید در آن کاری مانند تعمیر انجام داده باشد. کد مسئله: ۶۳۷۷۳

مسئله ۲۱۹۲

مسئله ۲۱۹۲- مالی را که اجاره می‌دهند چند شرط دارد:
 اول: آنکه معین باشد، پس اگر بگوید یکی از خانه‌های خود را اجاره دادم درست نیست.
 دوم: مستاجر آن را ببیند یا کسی که آن را اجاره می‌دهد طوری خصوصیات آن را بگوید که کاملاً معلوم باشد.
 سوم: تحویل دادن آن ممکن باشد، پس اجاره دادن اسبی که فرار کرده باطل است.
 چهارم: آن مال به واسطه استفاده کردن از بین نرود، پس اجاره دادن نان و میوه و خوردنیهای دیگر صحیح نیست.
 پنجم: استفاده‌ای که مال را برای آن اجاره داده‌اند ممکن باشد، پس اجاره دادن زمین برای زراعت در صورتی که آب باران کفایت آن را نکند و از آب نهر هم مشروب نشود صحیح نیست.
 ششم: چیزی را که اجاره می‌دهد مال خود او باشد و اگر مال کس دیگر را اجاره دهد در صورتی صحیح است که صاحبش رضایت دهد.

کد مسئله: ۶۳۷۷۴

مسئله ۲۱۹۳

مسئله ۲۱۹۳- اجاره دادن درخت برای آن که از میوه‌اش استفاده کنند اشکال دارد. (۱)

۱- اشکالی ندارد و صحیح است.

کد مسأله: ۶۳۷۷۵

شرایط استفاده‌ای که مال را برای آن اجاره می دهند

مسأله ۲۱۹۴

مسأله ۲۱۹۴- زن می‌تواند برای آنکه از شیرش استفاده کنند اجیر شود و لازم نیست از شوهر خود اجازه بگیرد، ولی اگر به واسطه شیر دادن حق شوهر از بین برود، بدون اجازه او نمی‌تواند اجیر شود.

کد مسأله: ۶۳۷۷۶

مسأله ۲۱۹۵

مسأله ۲۱۹۵- استفاده‌ای که مال را برای آن اجاره می‌دهند چهار شرط دارد:

اول: آنکه حلال باشد، بنابر این اجاره دادن دکان برای شراب فروشی یا نگهداری شراب و کرایه دادن حیوان برای حمل و نقل شراب باطل است.

دوم: پول دادن برای آن استفاده در نظر مردم بیهوده نباشد.

سوم: اگر چیزی را که اجاره می‌دهند چند استفاده دارد، استفاده‌ای را که مستاجر باید از آن برد معین نماید، مثلاً اگر حیوانی را که سواری می‌دهد و بار می‌برد اجاره دهند، باید در موقع اجاره معین کنند که سواری یا باربری آن مال مستاجر است یا همه استفاده‌های آن.

چهارم: مدت استفاده را معین نمایند و اگر مدت معلوم نباشد ولی عمل را معین کنند، مثلاً با خیاط قرار بگذارند که لباس معینی را بطور مخصوصی بدوزد کافی است. (۱)

۱- ولی با عدم تعیین زمانی عمل و اطلاق عقد اجاره از این جهت اقتضای تعجیل عرفی دارد.

کد مسأله: ۶۳۷۷۷

مسأله ۲۱۹۶

مسأله ۲۱۹۶- اگر ابتدای مدت اجاره را معین نکنند، ابتدای آن بعد از خواندن صیغه اجاره است.

کد مسأله: ۶۳۷۷۸

مسأله ۲۱۹۷

مسأله ۲۱۹۷- اگر خانه‌ای را مثلاً یک ساله اجاره دهند و ابتدای آن را یک ماه بعد از خواندن صیغه قرار دهند اجاره صحیح است، اگرچه موقعی که صیغه می‌خوانند خانه در اجاره دیگری باشد.

کد مسأله: ۶۳۷۷۹

مسأله ۲۱۹۸

مسئله ۲۱۹۸- اگر مدت اجاره را معلوم نکند و بگوید هر وقت در خانه نشستی اجاره آن ماهی ده تومان است اجاره صحیح نیست.
کد مسئله: ۶۳۷۸۰

مسئله ۲۱۹۹

مسئله ۲۱۹۹- اگر به مستاجر بگوید خانه را ماهی ده تومان به تو اجاره دادم (۱) و یا بگوید خانه را یک ماهه به ده تومان به تو اجاره دادم و بعد از آن هم هر قدر بنشین اجاره آن ماهی ده تومان است، در صورتی که ابتدای مدت اجاره را معین کنند یا ابتدای آن معلوم باشد، اجاره ماه اول صحیح است.
۱- در این صورت چون مدت اجاره معلوم نیست اجاره باطل است و در صورت دوم اگر ابتدای اجاره معلوم باشد فقط ماه اول اجاره صحیح است و الا ماه اول هم باطل است.
کد مسئله: ۶۳۷۸۱

مسئله ۲۲۰۰

مسئله ۲۲۰۰- خانه‌ای را که غریب و زوار در آن منزل می‌کنند و معلوم نیست چقدر در آن می‌مانند، اگر قرار بگذارند که مثلاً شبی یک تومان بدهند و صاحب خانه راضی شود، استفاده از آن خانه اشکال ندارد، ولی چون مدت اجاره را معلوم نکرده‌اند اجاره صحیح نیست و صاحب خانه هر وقت بخواهد می‌تواند آنان را بیرون کند.
کد مسئله: ۶۳۷۸۲

مسائل متفرقه اجاره

مسئله ۲۲۰۱

مسئله ۲۲۰۱- مالی را که مستاجر بابت اجاره می‌دهد باید معلوم باشد، پس اگر از چیزهایی است که مثل گندم با وزن معامله می‌کنند، باید وزن آن معلوم باشد، و اگر از چیزهایی است که مثل تخم مرغ با شماره معامله می‌کنند، باید شماره آن معین باشد، و اگر مثل اسب و گوسفند است، باید اجاره دهنده آن را ببیند یا مستاجر خصوصیات آن را به او بگوید.
کد مسئله: ۶۳۷۸۳

مسئله ۲۲۰۲

مسئله ۲۲۰۲- اگر زمینی را برای زراعت جو یا گندم اجاره دهد و مال الاجاره را جو یا گندم همان زمین قرار دهد، اجاره صحیح نیست.
کد مسئله: ۶۳۷۸۴

مسئله ۲۲۰۳

مسئله ۲۲۰۳- کسی که چیزی را اجاره داده، تا آن چیز را تحویل ندهد حق ندارد اجاره آن را مطالبه کند، و نیز اگر برای انجام عملی اجیر شده باشد، پیش از انجام عمل حق مطالبه اجرت ندارد.

کد مسأله: ۶۳۷۸۵

مسأله ۲۲۰۴

مسأله ۲۲۰۴- هرگاه چیزی را که اجاره داده تحویل دهد، اگرچه مستأجر تحویل نگیرد یا تحویل بگیرد و تا آخر مدت اجاره از آن استفاده نکند، باید مال الاجاره آن را بدهد.

کد مسأله: ۶۳۷۸۶

مسأله ۲۲۰۵

مسأله ۲۲۰۵- اگر انسان اجیر شود که در روز معینی کاری را انجام دهد و در آن روز برای انجام آن کار حاضر شود، کسی که او را اجیر کرده اگرچه آن کار را به او مراجعه ندهد، باید اجرت او را بدهد، مثلاً- اگر خیاطی را در روز معینی برای دوختن لباسی اجیر نماید و خیاط در آن روز آماده کار باشد، اگرچه پارچه را به او ندهد که بدوزد، باید اجرتش را بدهد، چه خیاط بیکار باشد، چه برای خودش یا دیگری کار کند.

کد مسأله: ۶۳۷۸۷

مسأله ۲۲۰۶

مسأله ۲۲۰۶- اگر بعد از تمام شدن مدت اجاره معلوم شود که اجاره باطل بوده، مستأجر باید مال الاجاره را به مقدار معمول به صاحب ملک بدهد، مثلاً- اگر خانه‌ای را یک ساله به صد تومان اجاره کند بعد بفهمد اجاره باطل بوده، چنانچه اجاره آن خانه معمولاً- پنجاه تومان است، باید پنجاه تومان را بدهد و اگر دویست تومان است، باید دویست تومان را بپردازد، و نیز اگر بعد از گذشتن مقداری از مدت اجاره معلوم شود که اجاره باطل بوده، باید اجاره آن مدت را به مقدار معمول به صاحب ملک بدهد.

کد مسأله: ۶۳۷۸۸

مسأله ۲۲۰۷

مسأله ۲۲۰۷- اگر چیزی را که اجاره کرده از بین برود، چنانچه در نگهداری آن کوتاهی نکرده و در استفاده بردن از آن هم زیاده‌روی ننموده ضامن نیست، و نیز اگر مثلاً پارچه‌ای را که به خیاط داده از بین برود، در صورتی که خیاط زیاده‌روی نکرده و در نگهداری آن هم کوتاهی نکرده باشد نباید عوض آن را بدهد.

کد مسأله: ۶۳۷۸۹

مسأله ۲۲۰۸

مسأله ۲۲۰۸- هرگاه صنعتگر چیزی را که گرفته ضایع کند ضامن است.

کد مسأله: ۶۳۷۹۰

مسأله ۲۲۰۹

مسئله ۲۲۰۹- اگر قصاب سر حیوانی را ببرد و آن را حرام کند چه مزد گرفته باشد چه مجانی سر بریده باشد، باید قیمت آن را به صاحبش بدهد.
کد مسئله: ۶۳۷۹۱

مسئله ۲۲۱۰

مسئله ۲۲۱۰- اگر حیوانی را اجاره کند و معین نماید که چقدر بار بر آن بگذارد، چنانچه بیشتر از آن مقدار بار کند و آن حیوان بمیرد یا معیوب شود ضامن است و نیز اگر مقدار بار را معین نکرده باشند و بیشتر از معمول بار کند و حیوان تلف شود یا معیوب گردد ضامن می‌باشد.
کد مسئله: ۶۳۷۹۲

مسئله ۲۲۱۱

مسئله ۲۲۱۱- اگر حیوانی را برای بردن بار شکستنی اجاره دهد، چنانچه آن حیوان بلغزد یا رم کند و بار را بشکند صاحب حیوان ضامن نیست، ولی اگر به واسطه زدن و مانند آن کاری کند که حیوان زمین بخورد و بار را بشکند ضامن است.
کد مسئله: ۶۳۷۹۳

مسئله ۲۲۱۲

مسئله ۲۲۱۲- اگر کسی بچه‌ای را ختنه کند و ضرری به آن بچه برسد یا بمیرد، چنانچه بیشتر از معمول بریده باشد ضامن است و اگر بیشتر از معمول نبریده باشد ضامن نیست. (۱)
۱- بلکه علی الاقوی ضامن است
کد مسئله: ۶۳۷۹۴

مسئله ۲۲۱۳

مسئله ۲۲۱۳- اگر دکتر به دست خود به مریض دوا بدهد یا درد و دواى مریض را به او بگوید و مریض دوا را بخورد، چنانچه در معالجه خطا کند و به مریض ضرری برسد یا بمیرد دکتر ضامن است، ولی اگر فقط بگوید فلان دوا برای فلان مرض فایده دارد و به واسطه خوردن دوا ضرری به مریض برسد یا بمیرد دکتر ضامن نیست. (۱)
۱- در صورتی که در مقام معالجه نباشد و الا ضامن است و فرقی بین صور مذکور نیست.
کد مسئله: ۶۳۷۹۵

مسئله ۲۲۱۴

مسئله ۲۲۱۴- هرگاه دکتر به مریض یا ولی او بگوید که اگر ضرری به مریض برسد ضامن نباشد، در صورتی که دقت و احتیاط خود را بکند و به مریض ضرری برسد یا بمیرد، دکتر ضامن نیست.
کد مسئله: ۶۳۷۹۶

مسئله ۲۲۱۵

مسئله ۲۲۱۵- مستاجر و کسی که چیزی را اجاره داده با رضایت یکدیگر می‌توانند معامله را به هم بزنند و نیز اگر در اجاره شرط کنند که هر دو یا یکی از آنان حق به هم زدن معامله را داشته باشند می‌توانند مطابق قرارداد اجاره را به هم بزنند.
کد مسئله: ۶۳۷۹۷

مسئله ۲۲۱۶

مسئله ۲۲۱۶- اگر اجاره دهنده یا مستاجر بفهمد که مغبون شده است، چنانچه در موقع خواندن صیغه ملتفت نباشد که مغبون است، می‌تواند اجاره را به هم بزند، ولی اگر در صیغه اجاره شرط کنند که اگر مغبون هم باشند حق به هم زدن معامله را نداشته باشند، نمی‌تواند اجاره را به هم بزنند.
کد مسئله: ۶۳۷۹۸

مسئله ۲۲۱۷

مسئله ۲۲۱۷- اگر چیزی را اجاره دهد و پیش از آن که تحویل دهد کسی آن را غصب نماید مستاجر می‌تواند اجاره را به هم بزند و چیزی را که به اجاره دهنده داده پس بگیرد، یا اجاره را به هم نزند و اجاره مدتی را که در تصرف غصب کننده بوده به میزان معمول از او بگیرد، پس اگر حیوانی را یک ماهه به ده تومان اجاره نماید و کسی آن را ده روز غصب کند و اجاره معمولی ده روز آن پانزده تومان باشد می‌تواند پانزده تومان را از غصب کننده بگیرد.
کد مسئله: ۶۳۷۹۹

مسئله ۲۲۱۸

مسئله ۲۲۱۸- اگر چیزی را که اجاره کرده تحویل بگیرد و بعد دیگری آن را غصب کند نمی‌تواند اجاره را به هم بزند و فقط حق دارد کرایه آن چیز را به مقدار معمول از غصب کننده بگیرد.
کد مسئله: ۶۳۸۰۰

مسئله ۲۲۱۹

مسئله ۲۲۱۹- اگر پیش از آن که مدت اجاره تمام شود ملک را به مستاجر بفروشد اجاره به هم نمی‌خورد و مستاجر باید مال الاجاره را به فروشنده بدهد و همچنین است اگر آن را به دیگری بفروشد.
کد مسئله: ۶۳۸۰۱

مسئله ۲۲۲۰

مسئله ۲۲۲۰- اگر پیش از ابتدای مدت اجاره ملک بطوری خراب شود که هیچ قابل استفاده نباشد یا قابل استفاده‌ای که شرط کرده‌اند نباشد اجاره باطل می‌شود و پولی که مستاجر به صاحب ملک داده به او برمی‌گردد بلکه اگر طوری باشد که بتواند استفاده مختصری هم از آن ببرد می‌تواند اجاره را به هم بزند.

کد مسأله: ۶۳۸۰۲

مسأله ۲۲۲۱

مسأله ۲۲۲۱- اگر ملکی را اجاره کند و بعد از گذشتن مقداری از مدت اجاره به طوری خراب شود که هیچ قابل استفاده نباشد یا قابل استفاده‌ای که شرط کرده‌اند نباشد اجاره مدتی که باقی مانده باطل می‌شود و اگر استفاده مختصری هم بتواند از آن ببرد می‌تواند اجاره مدت باقی مانده را به هم بزند. (۱)

۱- بلکه اجاره را به هم بزند و به مقدار استفاده از مورد اجاره اجره المثل بدهد و تمام اجره المسمی را برگرداند.

کد مسأله: ۶۳۸۰۳

مسأله ۲۲۲۲

مسأله ۲۲۲۲- اگر خانه‌ای را که مثلاً دو اتاق دارد اجاره دهد و یک اتاق آن خراب شود چنانچه فوراً آن را بسازد و هیچ مقدار از استفاده آن از بین نرود اجاره باطل نمی‌شود و مستأجر هم نمی‌تواند اجاره را به هم بزند، (۱) ولی اگر ساختن آن به قدری طول بکشد که مقداری از استفاده مستأجر از بین برود اجاره به آن مقدار باطل می‌شود و مستأجر می‌تواند اجاره باقی مانده را به هم بزند.

۱- بلکه می‌تواند اجاره را فسخ کند و تمام اجره المسمی را بگیرد و به مقدار استفاده از مورد اجاره اجره المثل بدهد.

کد مسأله: ۶۳۸۰۴

مسأله ۲۲۲۳

مسأله ۲۲۲۳- اگر اجاره دهنده یا مستأجر بمیرد اجاره باطل نمی‌شود ولی اگر خانه مال اجاره دهنده نباشد مثلاً دیگری وصیت کرده باشد که تا او زنده است منفعت خانه مال او باشد، چنانچه آن خانه را اجاره دهد و پیش از تمام شدن مدت اجاره بمیرد، از وقتی که مرده اجاره باطل است.

کد مسأله: ۶۳۸۰۵

مسأله ۲۲۲۴

مسأله ۲۲۲۴- اگر صاحب کار بنا را وکیل کند که برای او عمله بگیرد چنانچه بنا کمتر از مقداری که از صاحب کار می‌گیرد به عمله بدهد، زیادی آن بر او حرام است و باید آن را به صاحب کار بدهد، ولی اگر اجیر شود که ساختمان را تمام کند و برای خود اختیار بگذارد که خودش بسازد یا به دیگری بدهد در صورتی که کمتر از مقداری که اجیر شده به دیگری بدهد زیادی آن برای او حلال می‌باشد. (۱)

۱- در صورتی که مقداری از عمل را خودش انجام داده باشد والا زیادی برای او حلال نیست.

کد مسأله: ۶۳۸۰۶

مسأله ۲۲۲۵

مسأله ۲۲۲۵- اگر رنگرز قرار بگذارد که مثلاً پارچه را با نیل رنگ کند چنانچه با رنگ دیگر رنگ نماید حق ندارد چیزی بگیرد.

کد مسأله: ۶۳۸۰۷

احکام جعاله**مسئله ۲۲۲۶**

مسئله ۲۲۲۶- جعاله آن است که انسان قرار بگذارد در مقابل کاری که برای او انجام می دهند مال معینی بدهد، مثلاً بگوید هر کس گمشده مرا پیدا کند، ده تومان به او می دهم و به کسی که این قرار را می گذارد جاعل و کسی که کار را انجام می دهد عامل می-گویند. و فرق بین جعاله و اینکه کسی را که برای کاری اجیر کنند، این است که در اجاره بعد از خواندن صیغه، اجیر باید عمل را انجام دهد و کسی هم که او را اجیر کرده اجرات را به او بدهکار می شود، ولی در جعاله عامل می تواند مشغول عمل نشود و تا عمل را انجام ندهد، جاعل بدهکار نمی شد.

کد مسئله: ۶۳۸۰۸

مسئله ۲۲۲۷

مسئله ۲۲۲۷- جاعل باید بالغ و عاقل باشد و از روی قصد و اختیار قرارداد کند و شرعاً بتواند در مال خود تصرف نماید، بنابراین جعاله آدم سفیهی که مال خود را در کارهای بیهوده مصرف می کند، صحیح نیست. (۱)
۱- بدون اجازه ولی و لکن با اجازه ولی صحیح است زیرا او مسلوب الجاز نیست.

کد مسئله: ۶۳۸۰۹

مسئله ۲۲۲۸

مسئله ۲۲۲۸- کاری را که جاعل می گوید برای او انجام دهند باید حرام یا بی فایده نباشد، پس اگر بگوید هر کس شراب بخورد یا در شب به جای تاریکی برود ده تومان به او می دهم جعاله صحیح نیست.

کد مسئله: ۶۳۸۱۰

مسئله ۲۲۲۹

مسئله ۲۲۲۹- اگر مالی را که قرار می گذارد بدهد معین کند مثلاً بگوید: "هر کس اسب مرا پیدا کند این گندم را به او می دهم،" لازم نیست بگوید آن گندم مال کجاست و قیمت آن چیست. ولی اگر مال را معین نکند مثلاً بگوید: "کسی که اسب مرا پیدا کند ده من گندم به او می دهم،" باید خصوصیات آن را کاملاً معین نماید. (۱)
۱- لازم نیست ولی موافق احتیاط است.

کد مسئله: ۶۳۸۱۱

مسئله ۲۲۳۰

مسئله ۲۲۳۰- اگر جاعل مزد معینی برای کار قرار ندهد مثلاً بگوید: هر کس بچه مرا پیدا کند پولی به او می دهم و مقدار آن را معین نکند چنانچه کسی آن عمل را انجام دهد، باید مزد او را به مقداری که کار او در نظر مردم ارزش دارد بدهد.

کد مسئله: ۶۳۸۱۲

مسئله ۲۲۳۱

مسئله ۲۲۳۱- اگر عامل پیش از قرارداد کار را انجام داده باشد یا بعد از قرارداد به قصد این که پول نگیرد انجام دهد، حقی به مزد ندارد.

کد مسئله: ۶۳۸۱۳

مسئله ۲۲۳۲

مسئله ۲۲۳۲- پیش از آنکه عامل شروع به کار کند جاعل و عامل می‌توانند جعاله را به هم بزنند.

کد مسئله: ۶۳۸۱۴

مسئله ۲۲۳۳

مسئله ۲۲۳۳- بعد از آن که عامل شروع به کار کرد اگر جاعل بخواهد جعاله را به هم بزند اشکال دارد.

۱- اشکالی ندارد ولی باید اجرت عمل به مقدار انجام شده را بدهد.

کد مسئله: ۶۳۸۱۵

مسئله ۲۲۳۴

مسئله ۲۲۳۴- عامل می‌تواند عمل را ناتمام بگذارد، ولی اگر تمام نکردن عمل اسباب ضرر جاعل شود، باید آن را تمام نماید. مثلاً اگر کسی بگوید: "هر کس چشم مرا عمل کند فلان مقدار به او می‌دهم" و دکتر جراحی شروع به عمل کند، چنانچه طوری باشد که اگر عمل را تمام نکند چشم معیوب می‌شود، باید آن را تمام نماید و در صورتی که ناتمام بگذارد حقی به جاعل ندارد.

کد مسئله: ۶۳۸۱۶

مسئله ۲۲۳۵

مسئله ۲۲۳۵- اگر عامل کار را ناتمام بگذارد چنانچه آن کار مثل پیدا کردن اسب است که تا تمام نشود، برای جاعل فایده ندارد عامل نمی‌تواند چیزی مطالبه کند و همچنین است اگر جاعل مزد را برای تمام کردن عمل قرار بگذارد مثلاً بگوید: "هر کس لباس مرا بدوزد ده تومان به او می‌دهم." ولی اگر مقصودش این باشد که هر مقدار از عمل که انجام گیرد برای آن مقدار مزد بدهد، جاعل باید مزد مقداری را که انجام شده به عامل بدهد، اگر چه احتیاط این است که به طور مصالحه یک دیگر را راضی نمایند.

کد مسئله: ۶۳۸۱۷

احکام مزارعه**مسئله ۲۲۳۶**

مسئله ۲۲۳۶- مزارعه آن است که مالک با زارع به این قسم معامله کند که زمین را در اختیار او بگذارد تا زراعت کند و مقداری از حاصل آن را به مالک بدهد.

کد مسأله: ۶۳۸۱۸

مسأله ۲۲۳۷

مسأله ۲۲۳۷- مزارعه چند شرط دارد:

اول: آنکه صاحب زمین به زارع بگوید زمین را به تو واگذار کردم و زارع هم بگوید قبول کردم، یا بدون اینکه حرفی بزنند، مالک زمین را واگذار کند و زارع قبول نماید، ولی در این صورت تا زارع مشغول کار نشده مالک و زارع می توانند معامله را به هم بزنند. (۱)

دوم: صاحب زمین و زارع هر دو مکلف و عاقل باشند و با قصد و اختیار خود مزارعه را انجام دهند و سفیه نباشد یعنی مال خود را در کارهای بیهوده مصرف نکنند.

سوم: مالک و زارع از تمام حاصل زمین ببرند، پس اگر مثلاً شرط کنند که آنچه اول یا آخر می رسد، مال یکی از آنها باشد مزارعه باطل است.

چهارم: سهم هر کدام نصف یا ثلث حاصل و مانند اینها باشد. پس اگر مالک بگوید در این زمین زراعت کن و هر چه می خواهی به من بده، صحیح نیست.

پنجم: مدتی را که باید زمین در اختیار زارع باشد معین کنند، و باید مدت به قدری باشد که در آن مدت به دست آمدن حاصل ممکن باشد.

ششم: زمین قابل زراعت باشد و اگر زراعت در آن ممکن نباشد اما بتوانند کاری کنند که زراعت ممکن شود، مزارعه صحیح است.

هفتم: اگر منظور هر کدام آنان زراعت مخصوصی است چیزی را که زارع باید بکارد معین کند ولی اگر زراعت معینی را در نظر ندارند، یا زراعتی را که هر دو در نظر دارند معلوم است، لازم نیست آن را معین نماید.

هشتم: مالک، زمین را معین کند. پس کسی که چند قطعه زمین دارد و با هم تفاوت دارند اگر به زارع بگوید در یکی از این زمینها زراعت کن، و آن را معین نکند، مزارعه باطل است.

نهم: خرجی را که هر کدام آنان باید کنند معین نمایند، ولی اگر خرجی را که هر کدام باید کنند معلوم باشد، لازم نیست آن را معین نمایند.

۱- در این صورت هم نمی توانند فسخ کنند زیرا معاطات مفید لزوم است مثل معامله به صیغه

کد مسأله: ۶۳۸۱۹

مسأله ۲۲۳۸

مسأله ۲۲۳۸- اگر مالک با زارع قرار بگذارد که مقداری از حاصل برای او باشد و بقیه را بین خودشان قسمت کنند چنانچه بدانند که بعد از برداشتن آن مقدار چیزی باقی می ماند مزارعه صحیح است.

کد مسأله: ۶۳۸۲۰

مسأله ۲۲۳۹

مسأله ۲۲۳۹- اگر مدت مزارعه تمام شود و حاصل به دست نیاید، چنانچه مالک راضی شود که با اجاره یا بدون اجاره زراعت در

زمین او بماند و زارع هم راضی باشد مانعی ندارد و اگر مالک راضی نشود می‌تواند زارع را وادار کند که زراعت را بچیند و اگر برای چیندن زراعت ضرری به زارع برسد لازم نیست عوض آن را به او بدهد. ولی زارع اگر چه راضی شود که به مالک چیزی بدهد نمی‌تواند مالک را مجبور کند که زراعت در زمین بماند.

کد مسأله: ۶۳۸۲۱

مسأله ۲۲۴۰

مسأله ۲۲۴۰- اگر به واسطه پیش آمدی زراعت در زمین ممکن نباشد مثلاً- آب از زمین قطع شود، مزارعه به هم می‌خورد و اگر زارع بدون عذر زراعت نکند، چنانچه زمین در تصرف او بوده و مالک در آن تصرفی نداشته است، باید اجاره آن مدت را به مقدار معمول به مالک بدهد.

کد مسأله: ۶۳۸۲۲

مسأله ۲۲۴۱

مسأله ۲۲۴۱- اگر مالک و زارع صیغه خوانده باشند بدون رضایت یکدیگر نمی‌توانند مزارعه را به هم بزنند و نیز اگر مالک به قصد مزارعه زمین را به کسی واگذار کند و بعد از آن که او مشغول عمل شد، جایز نیست (۱) بدون رضایت یکدیگر معامله را به هم بزنند، ولی اگر در ضمن خواندن صیغه مزارعه شرط کرده باشند که هر دو یا یکی از آنان حق به هم زدن معامله را داشته باشند می‌توانند مطابق قراری که گذاشته‌اند معامله را به هم بزنند.

۱- قبل از عمل هم فسخ جایز است زیرا معاطات مثل عقد به صیغه است.

کد مسأله: ۶۳۸۲۳

مسأله ۲۲۴۲

مسأله ۲۲۴۲- اگر بعد از قرارداد مزارعه مالک یا زارع بمیرد مزارعه به هم نمی‌خورد، و وارثان به جای آنان است ولی اگر زارع بمیرد و شرط کرده باشند که خود زارع زراعت را انجام دهد مزارعه به هم می‌خورد و چنانچه زراعت نمایان شده باشد باید سهم او را به ورثه‌اش بدهند و حقوق دیگری هم که زارع داشته، ورثه او ارث می‌برند ولی نمی‌توانند مالک را مجبور کنند که زراعت در زمین باقی بماند.

کد مسأله: ۶۳۸۲۴

مسأله ۲۲۴۳

مسأله ۲۲۴۳- اگر بعد از زراعت بفهمند که مزارعه باطل بوده چنانچه تخم مال مالک بوده حاصلی هم که به دست می‌آید مال اوست و باید مزد زارع و مخارجی را که کرده و کرایه گاو یا حیوان دیگری را که مال زارع بوده و در آن زمین کار کرده به او بدهد و اگر تخم مال زارع بوده زراعت هم مال اوست و باید اجاره زمین و خرجهایی را که مالک کرده و کرایه گاو یا حیوان دیگری که مال او بوده و در آن زراعت کار کرده به او بدهد.

کد مسأله: ۶۳۸۲۵

مسئله ۲۲۴۴

مسئله ۲۲۴۴- اگر تخم مال زارع باشد و بعد از زراعت بفهمند که مزارعه باطل بوده، چنانچه مالک و زارع راضی شوند که با اجرت یا بی اجرت زراعت در زمین بماند اشکال ندارد و اگر مالک راضی نشود پیش از رسیدن زراعت هم می‌تواند زارع را وادار کند که زراعت را بچیند و زارع اگرچه راضی شود چیزی به مالک بدهد نمی‌تواند او را مجبور کند که زراعت در زمین بماند و نیز مالک نمی‌تواند زارع را مجبور کند که اجاره بدهد و زراعت را در زمین باقی بگذارد.

کد مسئله: ۶۳۸۲۹

کد مسئله: ۶۳۸۲۶

کد مسئله: ۶۳۸۲۷

کد مسئله: ۶۳۸۲۸

مسئله ۲۲۴۵

مسئله ۲۲۴۵- اگر بعد از جمع کردن حاصل و تمام شدن مدت مزارعه ریشه زراعت در زمین بماند و سال بعد دو مرتبه حاصل دهد چنانچه مالک و زارع از زراعت صرف نظر نکرد باشند حاصل سال دوم را هم باید مثل سال اول قسمت کنند.

کد مسئله: ۶۳۸۳۰

احکام مساقات**مسئله ۲۲۴۶**

مسئله ۲۲۴۶- اگر انسان با کسی به این قسم معامله کند که درختهای میوه‌ای را که میوه آن مال خود اوست، یا اختیار میوه های آن با اوست تا مدت معینی به آن کس واگذار کند که تربیت نماید و آب دهد و به مقداری که قرار می‌گذارند از میوه آن بردارد این معامله را مساقات می‌گویند.

کد مسئله: ۶۳۸۳۱

مسئله ۲۲۴۷

مسئله ۲۲۴۷- معامله مساقات در درختهایی که مثل بید و چنار میوه نمی‌دهد صحیح نیست و در مثل درخت حنا که از برگ آن استفاده می‌کنند اشکال دارد. (۱)

۱- اشکالی ندارد بلکه در قسم اول هم که از چوب آنها استفاده می‌شود می‌توان گفت اشکالی ندارد زیرا معامله عقلایی است و ردع بخصوص نشده و داخل در عمومات است.

کد مسئله: ۶۳۸۳۲

مسئله ۲۲۴۸

مسئله ۲۲۴۸- در معامله مساقات لازم نیست صیغه بخوانند بلکه اگر صاحب درخت به قصد مساقات آن را واگذار کند و کسی که کار می‌کند به همین قصد مشغول کار شود (۱) معامله صحیح است.

۱- نفس تحویل گرفتن کافی است و احتیاجی به اشتغال عمل ندارد.

کد مسأله: ۶۳۸۳۳

مسأله ۲۲۴۹

مسأله ۲۲۴۹- مالک و کسی که تربیت درختها را به عهده می گیرد باید مکلف و عاقل باشند و کسی آنها را مجبور نکرده باشد و نیز باید سفیه نباشند (۱) یعنی مال خود را در کارهای بیهوده مصرف نکنند.

۱- در صورت سفاهت با اجازه ولی معامله صحیح است.

کد مسأله: ۶۳۸۳۴

مسأله ۲۲۵۰

مسأله ۲۲۵۰- مدت مساقات باید معلوم باشد و اگر اول آن را معین کنند و آخر آن را موقعی قرار دهند که میوه آن سال به دست می آید صحیح است.

کد مسأله: ۶۳۸۳۵

مسأله ۲۲۵۱

مسأله ۲۲۵۱- باید سهم هر کدام نصف یا ثلث حاصل و مانند اینها باشد و اگر قرار بگذارند که مثلاً صد من از میوه‌ها مال مالک و بقیه مال کسی باشد که کار می کند، معامله باطل است.

کد مسأله: ۶۳۸۳۶

مسأله ۲۲۵۲

مسأله ۲۲۵۲- باید قرار معامله مساقات را پیش از ظاهر شدن میوه بگذارند و اگر بعد از ظاهر شدن میوه و پیش از رسیدن آن قرار بگذارند پس اگر کاری مانند آبیاری که برای تربیت درخت لازم است باقی مانده باشد معامله صحیح است و گرنه اشکال دارد اگر چه احتیاج به کاری مانند چیدن میوه و نگهداری آن داشته باشد.

کد مسأله: ۶۳۸۳۷

مسأله ۲۲۵۳

مسأله ۲۲۵۳- معامله مساقات در بوته خربزه و خیار و مانند اینها صحیح نیست. (۱)

۱- بلکه صحیح است ولو مساقات معطله نباشد زیرا ردع بخصوص نشده و عمومات شامل اوست

کد مسأله: ۶۳۸۳۸

مسأله ۲۲۵۴

مسأله ۲۲۵۴- درختی که از آب باران یا رطوبت زمین استفاده می کند و به آبیاری احتیاج ندارد، اگر به کارهای دیگر مانند بیل

زدن و کود دادن محتاج باشد معامله مساقات در آن صحیح است.

کد مسأله: ۶۳۸۳۹

مسأله ۲۲۵۵

مسأله ۲۲۵۵- دو نفری که مساقات کرده‌اند با رضایت یکدیگر می‌توانند معامله را به هم بزنند و نیز اگر در ضمن خواندن صیغه مساقات شرط کنند که هر دو یا یکی از آنان حق به هم زدن معامله را داشته باشند مطابق قراری که گذاشته‌اند به هم زدن معامله اشکال ندارد. بلکه اگر در معامله شرط کنند و عملی نشود کسی که برای نفع او شرط کرده‌اند، می‌تواند معامله را به هم بزند.

کد مسأله: ۶۳۸۴۰

مسأله ۲۲۵۶

مسأله ۲۲۵۶- اگر مالک بمیرد معامله مساقات به هم نمی‌خورد و ورثه‌اش به جای او هستند.

کد مسأله: ۶۳۸۴۱

مسأله ۲۲۵۷

مسأله ۲۲۵۷- اگر کسی که تربیت درختها به او واگذار شده بمیرد چنانچه در عقد شرط نکرده باشند که خودش آنها را تربیت کند ورثه‌اش به جای او هستند و چنانچه خودش عمل را انجام ندهند و اجیر هم نگیرند حاکم شرع از مال میت اجیر می‌گیرد و حاصل را بین ورثه میت و مالک قسمت می‌کند و اگر شرط کرده باشند که خود او درختها را تربیت نماید پس اگر قرار گذاشته‌اند که به دیگری واگذار نکند (۱) با مردن او معامله به هم می‌خورد و اگر قرار نگذاشته‌اند مالک می‌تواند عقد را به هم بزند یا راضی شود که ورثه او یا کسی که آنها اجیرش می‌کنند درختها را تربیت نماید.

۱- این شرط عین شرط اول است و با مردن عامل معامله باطل نمی‌شود بلکه برای مالک حق فسخ می‌باشد.

کد مسأله: ۶۳۸۴۲

مسأله ۲۲۵۸

مسأله ۲۲۵۸- اگر شرط کند که تمام حاصل برای مالک باشد مساقات باطل است و میوه مال مالک می‌باشد و کسی که کار می‌کند نمی‌تواند مطالبه اجرت نماید ولی اگر باطل بودن مساقات به جهت دیگر باشد مالک باید مزد آبیاری و کارهای دیگر را به مقدار معمول به کسی که درختها را تربیت کرده بدهد.

کد مسأله: ۶۳۸۴۳

کسانی که نمی‌توانند در مال خود تصرف کنند

مسأله ۲۲۵۹

مسأله ۲۲۵۹- اگر زمینی را به دیگری واگذار کند که در آن درخت بکارند و آنچه عمل می‌آید مال هر دو باشد، معامله باطل است. (۱) پس اگر درختها مال صاحب زمین بوده، بعد از تربیت هم مال او است و باید مزد کسی که آنها را تربیت کرده بدهد و اگر مال

کسی بوده که آنها را تربیت کرده، بعد از تربیت هم مال او است و می‌تواند آنها را بکند، ولی باید گودالهایی را که به واسطه کندن درختها پیدا شده پر کند و اجاره زمین را از روزی که درختها را کاشته به صاحب زمین بدهد و مالک هم می‌تواند او را مجبور نماید که درختها را بکند و اگر به واسطه کندن درخت عیبی در آن پیدا شود، باید تفاوت قیمت آن را به صاحب درخت بدهد (۲) و نمی‌تواند او را مجبور کند که با اجاره یا بدون اجاره درخت را در زمین باقی بگذارد.

۱- بلکه معامله صحیح است زیرا از طرف شارع ردع خصوص نشده و داخل در اطلاقات عقود است اگر چه مساقات اصطلاحی نباشد و در نتیجه تمام فروع مذکوره ساقط می‌شود.

۲- در صورتی که قایل به بطلان معامله بشویم دادن تفاوت قیمت بر مالک لازم نیست زیرا عامل حق بقاء اشجار در زمین مالک ندارد.

کد مسأله: ۶۳۸۴۴

مسأله ۲۲۶۰

مسأله ۲۲۶۰- بچه‌ای که بالغ نشده شرعاً نمی‌تواند (۱) در مال خود تصرف کند و نشانه بالغ شدن یکی از سه چیز است: اول: روییدن موی درشت زیر شکم بالای عورت. دوم: بیرون آمدن منی. سوم: تمام شدن پانزده سال قمری در مرد و تمام شدن نه سال قمری در زن.

۱- بدون اذن و اجازه ولی اما با اذن و اجازه ولی می‌تواند تصرف کند.

کد مسأله: ۶۳۸۴۵

مسأله ۲۲۶۱

مسأله ۲۲۶۱- روییدن موی درشت در صورت و پشت لب و در سینه و زیر بغل و درشت شدن صدا و مانند اینها نشانه بالغ شدن نیست، مگر انسان به واسطه اینها به بالغ شدن یقین کند.

کد مسأله: ۶۳۸۴۶

مسأله ۲۲۶۲

مسأله ۲۲۶۲- دیوانه و سفیه (۱) یعنی کسی که مال خود را در کارهای بیهوده مصرف می‌کند، نمی‌تواند در مال خود تصرف نمایند.

۱- بدون اجازه و اذن ولی، اما با اذن و اجازه ولی تصرف سفیه جایز است.

کد مسأله: ۶۳۸۴۷

مسأله ۲۲۶۳

مسأله ۲۲۶۳- کسی که گاهی عاقل و گاهی دیوانه است، تصرفی که موقع دیوانگی در مال خود می‌کند صحیح نیست.

کد مسأله: ۶۳۸۴۸

مسأله ۲۲۶۴

مسأله ۲۲۶۴- انسان می‌تواند در مرضی که به آن مرض از دنیا می‌رود هر قدر از مال خود را به مصرف خود و عیال و مهمان و کارهایی که اسراف شمرده نمی‌شود برساند. و نیز اگر مال خود را به قیمت بفروشد، یا اجازه دهد اشکال ندارد ولی اگر مثلاً مال خود را به کسی ببخشد یا ارزانتر از قیمت بفروشد، چنانچه مقداری را که بخشیده یا ارزانتر فروخته، به اندازه ثلث مال او یا کمتر باشد، تصرف او صحیح است و اگر بیشتر از ثلث باشد، در صورتی که ورثه اجازه بدهند صحیح و اگر اجازه ندهند تصرف او در مقدار بیشتر از ثلث باطل می‌باشد. (۱)

۱- منجزات مریض در زائد بر ثلث صحیح است و احتیاجی به اذن و اجازه ورثه ندارد. (منجزات مریض یعنی معاملات مریض در مرضی که منجر به فوت او می‌شود).
کد مسأله: ۶۳۸۴۹

احکام وکالت

مسأله ۲۲۶۵

وکالت آن است که انسان کاری را که می‌تواند در آن دخالت کند به دیگری واگذار نماید تا از طرف او انجام دهد، مثلاً کسی را وکیل کند که خانه او را بفروشد یا زنی را برای او عقد نماید پس آدم سفیهی که مال خود را در کارهای بیهوده مصرف می‌کند چون حق ندارد در مال خود تصرف کند، نمی‌تواند برای فروش آن، کسی را وکیل نماید. (۱)
۱- بدون اذن یا اجازه ولی اما با اذن یا اجازه ولی وکالت او صحیح است.

مسأله ۲۲۶۵- در وکالت لازم نیست صیغه بخوانند و اگر انسان به دیگری بفهماند که او را وکیل کرده و او هم بفهماند قبول نموده، مثلاً مال خود را به کسی بدهد که برای او بفروشد و او مال را بگیرد وکالت صحیح است.
کد مسأله: ۶۳۸۵۰

مسأله ۲۲۶۶

مسأله ۲۲۶۶- اگر انسان کسی را که در شهر دیگر است وکیل نماید و برای او وکالتنامه بفرستد و او قبول کند اگرچه وکالتنامه بعد از مدتی برسد وکالت صحیح است.
کد مسأله: ۶۳۸۵۱

مسأله ۲۲۶۷

مسأله ۲۲۶۷- موکل یعنی کسی که دیگری را وکیل می‌کند، و نیز کسی که وکیل می‌شود باید بالغ و عاقل باشند (۱) و از روی قصد و اختیار اقدام کنند.
۱- ممیز غیر بالغ با اذن ولی یا اجازه او وکالتش ایجاباً و قبولاً صحیح است.
کد مسأله: ۶۳۸۵۲

مسأله ۲۲۶۸

مسأله ۲۲۶۸- کاری را که انسان نمی‌تواند انجام دهد، یا شرعاً نباید انجام دهد نمی‌تواند برای انجام آن از طرف دیگری وکیل

شود، مثلاً کسی که در احرام حج است چون نباید، صیغه عقد زناشویی را بخواند، نمی‌تواند برای خواندن صیغه از طرف دیگری وکیل شود.

کد مسأله: ۶۳۸۵۳

مسأله ۲۲۶۹

مسأله ۲۲۶۹- اگر انسان کسی را برای انجام تمام کارهای خودش وکیل کند صحیح است. ولی اگر برای یکی از کارهای خود وکیل نماید و آن کار را معین نکند وکالت صحیح نیست.

کد مسأله: ۶۳۸۵۴

مسأله ۲۲۷۰

مسأله ۲۲۷۰- اگر وکیل را عزل کند یعنی از کار برکنار نماید بعد از آن که خبر به او رسید نمی‌تواند آن کار را انجام دهد. ولی اگر پیش از رسیدن خبر آن کار را انجام داده باشد صحیح است.

کد مسأله: ۶۳۸۵۶

مسأله ۲۲۷۱

مسأله ۲۲۷۱- وکیل می‌تواند از وکالت کناره بگیرد و اگر موکل غایب هم باشد اشکال ندارد.

کد مسأله: ۶۳۸۵۷

مسأله ۲۲۷۲

مسأله ۲۲۷۲- وکیل نمی‌تواند برای انجام کاری که به او واگذار شده دیگری را وکیل نماید ولی اگر موکل به او اجازه داده باشد که وکیل بگیرد به هر طوری که به او دستور داده، می‌تواند رفتار نماید، پس اگر گفته باشد برای من وکیل بگیر باید از طرف او وکیل بگیرد و نمی‌تواند کسی را از طرف خودش وکیل کند. (۱)

۱- در صورتی که در مورد وکالت قید مباشرت وکیل نشده باشد می‌تواند دیگری را از طرف خود وکیل نماید.

کد مسأله: ۶۳۸۵۸

مسأله ۲۲۷۳

مسأله ۲۲۷۳- اگر انسان با اجازه موکل خودش کسی را از طرف او وکیل کند، نمی‌تواند آن وکیل را عزل نماید و اگر وکیل اول بمیرد یا موکل، او را عزل کند وکالت دومی باطل نمی‌شود.

کد مسأله: ۶۳۸۵۹

مسأله ۲۲۷۴

مسأله ۲۲۷۴- اگر وکیل با اجازه موکل، کسی را از طرف خودش وکیل کند موکل و وکیل اول می‌توانند آن وکیل را عزل کنند و

اگر وکیل اول بمیرد یا عزل شود وکالت دومی باطل می‌شود.

کد مسأله: ۶۳۸۶۰

مسأله ۲۲۷۵

مسأله ۲۲۷۵- اگر چند نفر را برای انجام کاری وکیل کند و به آنها اجازه دهد که هر کدام به تنهایی در آن کار اقدام کنند، هر یک از آنان می‌تواند آن کار را انجام دهد و چنانچه یکی از آنان بمیرد وکالت دیگران باطل نمی‌شود، ولی اگر نگفته باشد (۱) که با هم یا به تنهایی انجام دهند، یا گفته باشد که با هم انجام دهند، نمی‌توانند به تنهایی اقدام نمایند. و در صورتی که یکی از آنان بمیرد، وکالت دیگران باطل می‌شود.

۱- در این صورت می‌توانند هر کدام به تنهایی آن کار را انجام دهند مگر عقد وکالت ظهور در انضمام داشته باشد.

کد مسأله: ۶۳۸۶۱

مسأله ۲۲۷۶

مسأله ۲۲۷۶- اگر وکیل یا موکل بمیرد یا دیوانه، یا بیهوش شود. وکالت باطل می‌شود و نیز اگر چیزی که برای تصرف در آن وکیل شده است از بین رود، مثلاً گوسفندی که برای فروش آن وکیل شده بمیرد، وکالت باطل می‌شود.

کد مسأله: ۶۳۸۶۲

مسأله ۲۲۷۷

مسأله ۲۲۷۷- اگر انسان کسی را برای کاری وکیل کند و چیزی برای او قرار بگذارد بعد از انجام آن کار، چیزی را که قرار گذاشته باید به او بدهد.

کد مسأله: ۶۳۸۶۳

مسأله ۲۲۷۸

مسأله ۲۲۷۸- اگر وکیل در نگهداری مالی که در اختیار او است کوتاهی نکند و غیر از تصرفی که به او اجازه داده‌اند، تصرف دیگری در آن ننماید و اتفاقاً آن مال از بین برود نباید عوض آن را بدهد.

کد مسأله: ۶۳۸۶۴

مسأله ۲۲۷۹

مسأله ۲۲۷۹- اگر وکیل در نگهداری مالی که در اختیار او است کوتاهی کند، یا غیر از تصرفی که به او اجازه داده‌اند تصرف دیگری در آن بنماید و آن مال از بین برود ضامن است. پس اگر لباسی را که گفته‌اند بفروش، بپوشد و آن لباس تلف شود باید

عوض آن را بدهد

کد مسأله: ۶۳۸۶۵

مسأله ۲۲۸۰

مسئله ۲۲۸۰- اگر وکیل غیر از تصرفی که به او اجازه داده اند. تصرف دیگری در مال بکند، مثلاً لباسی را که گفته‌اند بفروش، بپوشد و بعداً تصرفی را که به او اجازه داده‌اند بنماید، آن تصرف صحیح است.

کد مسئله: ۶۳۸۶۶

احکام قرض

مسئله ۲۲۸۱

قرض دادن از کارهای مستحبی است که در آیات قرآن و اخبار، راجع به آن زیاد سفارش شده است. از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده که هر کس به برادر مسلمان خود قرض بدهد مال او زیاد می‌شود و ملائکه بر او رحمت می‌فرستند و اگر با بدهکار خود مدارا کند بدون حساب و به سرعت از صراط می‌گذرد. و کسی که برادر مسلمانش از او قرض بخواهد و ندهد بهشت بر او حرام می‌شود.

مسئله ۲۲۸۱- در قرض لازم نیست صیغه بخوانند بلکه اگر چیزی را به نیت قرض به کسی بدهد و او هم به همین قصد بگیرد صحیح است ولی مقدار آن باید کاملاً معلوم باشد.

کد مسئله: ۶۳۸۶۷

مسئله ۲۲۸۲

مسئله ۲۲۸۲- هر وقت بدهکار بدهی خود را بدهد، طلبکار باید قبول نماید. (۱)
۱- اگر مؤجل نباشد و الا لازم نیست مگر در صورتی که اجل رسیده باشد که لازم است قبول کند.

کد مسئله: ۶۳۸۶۸

مسئله ۲۲۸۳

مسئله ۲۲۸۳- اگر در صیغه قرض برای پرداخت آن مدتی قرار دهند، احتیاط واجب (۱) آن است که طلبکار پیش از تمام شدن آن مدت طلب خود را مطالبه نکند ولی اگر مدت نداشته باشد طلبکار هر وقت بخواهد می‌تواند طلب خود را مطالبه نماید.
۱- بلکه اقوی عدم جواز مطالبه است.

کد مسئله: ۶۳۸۶۹

مسئله ۲۲۸۴

مسئله ۲۲۸۴- اگر طلبکار طلب خود را مطالبه کند، چنانچه بدهکار بتواند بدهی خود را بدهد باید فوراً آن را بپردازد و اگر تاخیر بیندازد گناهکار است.

کد مسئله: ۶۳۸۷۰

مسئله ۲۲۸۵

مسئله ۲۲۸۵- اگر بدهکار غیر از خانه‌ای که در آن نشسته و اثاثیه منزل و چیزهای دیگری که به آنها احتیاج دارد، چیزی نداشته

باشد طلبکار نمی‌تواند طلب خود را از او مطالبه نماید، بلکه باید صبر کند تا بتواند بدهی خود را بدهد.

کد مسأله: ۶۳۸۷۱

مسأله ۲۲۸۶

مسأله ۲۲۸۶- کسی که بدهکار است و نمی‌تواند بدهی خود را بدهد چنانچه بتواند کاسبی کند، احتیاط واجب (۱) آن است که کسب کند و بدهی خود را بدهد.

۱- بلکه واجب است مگر در صورتی که کسب بر او حرجی باشد.

کد مسأله: ۶۳۸۷۲

مسأله ۲۲۸۷

مسأله ۲۲۸۷- کسی که دسترسی به طلبکار خود ندارد، چنانچه امید نداشته باشد که او را پیدا کند باید با اجازه حاکم شرع طلب او را به فقیر بدهد، ولی اگر طلبکار او سید نباشد، احتیاط واجب آن است که طلب او را به سید فقیر ندهد. (۱)
۱- جایز است به سید فقیر هم بدهد.

کد مسأله: ۶۳۸۷۳

مسأله ۲۲۸۸

مسأله ۲۲۸۸- اگر مال میت بیشتر از خرج واجب کفن و دفن و بدهی او نباشد باید مالش را به همین مصرفها برسانند و به وارث او چیزی نمی‌رسد.

کد مسأله: ۶۳۸۷۴

مسأله ۲۲۸۹

مسأله ۲۲۸۹- اگر کسی مقداری پول طلا- یا نقره قرض کند و قیمت آن کم شود، یا چند برابر گردد چنانچه همان مقدار را که گرفته پس بدهد کافی است ولی اگر هر دو به غیر آن راضی شوند اشکال ندارد.

کد مسأله: ۶۳۸۷۵

مسأله ۲۲۹۰

مسأله ۲۲۹۰- اگر مالی را که قرض کرده از بین نرفته باشد و صاحب مال، آن را مطالبه کند احتیاط مستحب آن است که بدهکار همان مال را به او بدهد.

کد مسأله: ۶۳۸۷۶

مسأله ۲۲۹۱

مسأله ۲۲۹۱- اگر کسی که قرض می‌دهد شرط کند که زیادتر از مقداری که می‌دهد بگیرد، مثلاً یک من گندم بدهد و شرط کند

که یک من و پنج سیر بگیرد، یا ده تخم مرغ بدهد که یازده تا بگیرد ربا و حرام است بلکه اگر قرار بگذارد که بدهکار کاری برای او انجام دهد یا چیزی را که قرض کرده با مقداری جنس دیگر پس دهد، مثلاً شرط کند یک تومانی را که قرض کرده با یک کبریت پس دهد ربا و حرام است. و نیز اگر با او شرط کند که چیزی را که قرض می‌گیرد به طور مخصوصی پس دهد مثلاً مقداری طلای نساخته به او بدهد و شرط کند که ساخته پس بگیرد باز هم ربا و حرام می‌باشد ولی اگر بدون این که شرط کند خود بدهکار زیادتر از آنچه قرض کرده پس بدهد اشکال ندارد بلکه مستحب است.

کد مسأله: ۶۳۸۷۷

مسأله ۲۲۹۲

مسأله ۲۲۹۲- ربا دادن مثل ربا گرفتن حرام است و کسی که قرض ربایی گرفته مالک آن نمی‌شود و نمی‌تواند در آن تصرف کند (۱) ولی چنانچه طوری باشد که اگر قرار ربا را هم نداده بودند، صاحب پول راضی بود که گیرنده قرض در آن پول تصرف کند، قرض گیرنده می‌تواند در آن تصرف نماید.

۱- مالک ربا و زیاده نمی‌شود ولی اصل قرض صحیح است و مستقرض مالک آن می‌شود و تصرف در آن جایز است.

کد مسأله: ۶۳۸۷۸

مسأله ۲۲۹۳

مسأله ۲۲۹۳- اگر گندم یا چیزی مانند آن را به طور قرض ربایی بگیرد و با آن زراعت کند، حاصلی که از آن به دست می‌آید مال قرض دهنده است. (۱)

۱- چون اصل قرض صحیح است پس زراعت ملک مستقرض است نه مقرض.

کد مسأله: ۶۳۸۷۹

مسأله ۲۲۹۴

مسأله ۲۲۹۴- اگر لباسی را بخرد و بعداً از پولی که به قرض ربائی گرفته یا از پول حلالی که مخلوط با ربا است به صاحب لباس بدهد، پوشیدن آن لباس و نماز خواندن با آن اشکال ندارد. ولی اگر به فروشنده بگوید که این لباس را با این پول می‌خرم پوشیدن آن لباس حرام است و اگر بداند پوشیدن آن حرام است نماز هم با آن باطل می‌باشد.

کد مسأله: ۶۳۸۸۰

مسأله ۲۲۹۵

مسأله ۲۲۹۵- اگر انسان مقداری پول به تاجر بدهد که در شهر دیگر از طرف او کمتر بگیرد اشکال ندارد و این را صرف برات می‌گویند.

کد مسأله: ۶۳۸۸۱

مسأله ۲۲۹۶

مسأله ۲۲۹۶- اگر مقداری پول به کسی بدهد که بعد از چند روز در شهر دیگر زیادتر بگیرد، مثلاً نهصد و نود تومان بدهد که بعد

از ده روز در شهر دیگر هزار تومان بگیرد ربا و حرام است (۱) ولی اگر کسی که زیادی را می‌گیرد در مقابل زیادی جنس بدهد یا عملی انجام دهد اشکال ندارد.

۱- اگر به عنوان قرض باشد والا اشکالی ندارد و ربا نیست چون اسکناس های معمولی نه مکیل است و نه موزون بلکه معدود است و ربا در بیع معدود نیست.

کد مسأله: ۶۳۸۸۲

مسأله ۲۲۹۷

مسأله ۲۲۹۷- اگر در مقابل طلبی که از کسی دارد سفته یا براتی داشته باشد و بخواهد طلب خود را پیش از وعده آن به کمتر از آن بفروشد اشکال ندارد.

کد مسأله: ۶۳۸۸۳

احکام حواله دادن

مسأله ۲۲۹۸

مسأله ۲۲۹۸- اگر انسان طلبکار خود را حواله بدهد که طلب خود را از دیگری بگیرد و طلبکار قبول نماید بعد از آن که حواله درست شد کسی که به او حواله شده بدهکار می‌شود، و دیگر طلبکار نمی‌تواند طلبی را که دارد از بدهکار اولی مطالبه نماید.

کد مسأله: ۶۳۸۸۴

مسأله ۲۲۹۹

مسأله ۲۲۹۹- بدهکار و طلبکار و کسی که سر او حواله شده باید مکلف و عاقل باشند و کسی آنها را مجبور نکرده باشد و نیز باید سفیه نباشند (۱) یعنی مال خود را در کارهای بیهوده مصرف نکنند.

۱- و نیز مفلس هم نباشد مگر آنکه حواله بر برئی (بر برئی الذمه) باشد که در این صورت افلاس محیل مضر به حواله نیست. (یعنی به شخصی باید حواله بدهد که برئی الذمه نباشد بلکه مشغول الذمه باشد والا حواله کردنش صحیح نیست چون طلبی از او ندارد تا کسی را به او حواله دهد.)

کد مسأله: ۶۳۸۸۵

مسأله ۲۳۰۰

مسأله ۲۳۰۰- حواله دادن سر کسی که بدهکار نیست در صورتی صحیح است که او قبول کند و نیز اگر انسان بخواهد به کسی که جنسی بدهکار است جنس دیگر حواله دهد مثلاً به کسی که جو بدهکار است گندم حواله دهد تا او قبول نکند حواله صحیح نیست.

کد مسأله: ۶۳۸۸۶

مسأله ۲۳۰۱

مسئله ۲۳۰۱- موقعی که انسان حواله می‌دهد باید بدهکار باشد، پس اگر بخواهد از کسی قرض کند تا وقتی از او قرض نکرده نمی‌تواند او را به کسی حواله دهد که آنچه را بعداً قرض می‌دهد از آن کس بگیرد.
کد مسئله: ۶۳۸۸۷

مسئله ۲۳۰۲

مسئله ۲۳۰۲- حواله دهنده و طلبکار باید مقدار حواله و جنس آن را بدانند، پس اگر مثلاً ده من گندم و ده تومان پول به یک نفر بدهکار باشد و به او بگوید، یکی از دو طلب خود را از فلانی بگیر و آن را معین نکند، حواله درست نیست.
کد مسئله: ۶۳۸۸۸

مسئله ۲۳۰۳

مسئله ۲۳۰۳- اگر بدهی واقعا معین باشد ولی بدهکار و طلبکار در موقع حواله دادن مقدار آن یا جنس آن را ندانند حواله صحیح است (۱) مثلاً اگر طلب کسی را در دفتر نوشته باشد و پیش از دیدن دفتر حواله بدهد و بعد دفتر را ببیند و به طلبکار مقدار طلبش را بگوید حواله صحیح می‌باشد.
۱- بلکه خالی از اشکال نیست
کد مسئله: ۶۳۸۸۹

مسئله ۲۳۰۴

مسئله ۲۳۰۴- طلبکار می‌تواند حواله را قبول نکند اگر چه کسی که به او حواله شده فقیر نباشد و در پرداختن حواله هم کوتاهی ننماید
کد مسئله: ۶۳۸۹۰

مسئله ۲۳۰۵

مسئله ۲۳۰۵- اگر سر کسی حواله بدهد که بدهکار نیست چنانچه او حواله را قبول کند پیش از پرداختن حواله نمی‌تواند مقدار حواله را از حواله دهنده بگیرد ولی اگر طلبکار طلب خود را به مقدار کمتری صلح کند کسی که حواله را قبول کرده همان مقدار را می‌تواند از حواله دهنده مطالبه نماید. (۱)
۱- بلکه می‌تواند تمام حواله را بگیرد ولو اینکه محال علیه با محتال به کمتر از آن صلح کرده باشد یا محتال ذمه محال علیه را ابراء نموده باشد.
کد مسئله: ۶۳۸۹۱

مسئله ۲۳۰۶

مسئله ۲۳۰۶- بعد از آن که حواله درست شد، حواله دهنده و کسی که به او حواله شده نمی‌توانند حواله را به هم بزنند و هرگاه کسی که به او حواله شده در موقع حواله فقیر نباشد. اگر چه بعداً فقیر شود طلبکار هم نمی‌تواند حواله را به هم بزند و همچنین است اگر موقع حواله فقیر باشد و طلبکار بداند فقیر است ولی اگر نداند فقیر است و بعد بفهمد، اگر چه در آن وقت مالدار شده باشد

طلبکار می‌تواند حواله را به هم بزند و طلب خود را از حواله دهنده بگیرد.

کد مسأله: ۶۳۸۹۲

مسأله ۲۳۰۷

مسأله ۲۳۰۷- اگر بدهکار و طلبکار و کسی که به او حواله شده یا یکی از آنان برای خود حق به هم زدن حواله را قرار دهند، مطابق قراری که گذاشته‌اند، می‌توانند حواله را به هم بزنند.

کد مسأله: ۶۳۸۹۳

مسأله ۲۳۰۸

مسأله ۲۳۰۸- اگر حواله دهنده خودش طلب طلبکار را بدهد چنانچه به خواهش کسی که به او حواله شده داده است می‌تواند چیزی را که داده از او بگیرد. و اگر بدون خواهش او داده و قصدش این بوده که عوض آن را نگیرد، نمی‌تواند چیزی را که داده از او مطالبه نماید.

کد مسأله: ۶۳۸۹۴

احکام رهن

مسأله ۲۳۰۹

مسأله ۲۳۰۹- رهن آن است که بدهکار مقداری از مال خود را نزد طلبکار بگذارد که اگر طلب او را ندهد طلبش را از آن مال به دست آورد.

کد مسأله: ۶۳۸۹۵

مسأله ۲۳۱۰

مسأله ۲۳۱۰- در رهن لازم نیست صیغه بخوانند و همین قدر که بدهکار مال خود را به قصد گرو به طلبکار بدهد و طلبکار هم به همین قصد بگیرد رهن صحیح است.

کد مسأله: ۶۳۸۹۶

مسأله ۲۳۱۱

مسأله ۲۳۱۱- گرو دهنده و کسی که مال را گرو می‌گیرد باید مکلف و عاقل باشند و کسی آنها را مجبور نکرده باشد و نیز باید سفیه نباشد (۱) یعنی مال خود را بیهوده مصرف نکند.

۱- در مرتهن عدم سفاهت شرط نیست و نیز باید راهن مفلس نباشد.

کد مسأله: ۶۳۸۹۷

مسأله ۲۳۱۲

مسئله ۲۳۱۲- انسان مالی را می‌تواند گرو بگذارد که شرعاً بتواند در آن تصرف کند. و اگر مال کس دیگر را گرو بگذارد، در صورتی صحیح است که صاحب مال بگوید به گرو گذاشتن راضی هستم.
کد مسئله: ۶۳۸۹۸

مسئله ۲۳۱۳

مسئله ۲۳۱۳- چیزی را که گرو می‌گذارند باید خرید و فروش آن صحیح باشد پس اگر شراب و مانند آن را گرو بگذارند درست نیست.
کد مسئله: ۶۳۸۹۹

مسئله ۲۳۱۴

مسئله ۲۳۱۴- استفاده چیزی را که گرو می‌گذارند، مال کسی است که آن را گرو گذاشته. (۱)
۱- اگر مالک باشد والا ملک مالک عین مرهونه است.
کد مسئله: ۶۳۹۰۰

مسئله ۲۳۱۵

مسئله ۲۳۱۵- طلبکار و بدهکار نمی‌توانند مالی را که گرو گذاشته شده، بدون اجازه یکدیگر ملک کسی کنند. مثلاً ببخشند یا بفروشند ولی اگر یکی از آنان آن را ببخشد یا بفروشد بعد دیگری بگوید راضی هستم اشکال ندارد.
کد مسئله: ۶۳۹۰۱

مسئله ۲۳۱۶

مسئله ۲۳۱۶- اگر طلبکار چیزی را که گرو برداشته با اجازه بدهکار بفروشد پول آن هم مثل خود مال گرو می‌باشد.
کد مسئله: ۶۳۹۰۲

مسئله ۲۳۱۷

مسئله ۲۳۱۷- اگر موقعی که باید بدهی خود را بدهد طلبکار مطالبه کند و او ندهد، طلبکار می‌تواند مالی را که گرو برداشته بفروشد و طلب خود را بردارد و باید بقیه را به بدهکار بدهد، ولی اگر به حاکم شرع دسترسی دارد، باید برای فروش آن از حاکم شرع اجازه بگیرد.
کد مسئله: ۶۳۹۰۳

مسئله ۲۳۱۸

مسئله ۲۳۱۸- اگر بدهکار غیر از خانه‌ای که در آن نشسته و چیزهایی که مانند اثاثیه خانه محل احتیاج او است چیز دیگری نداشته باشد طلبکار نمی‌تواند طلب خود را از او مطالبه کند ولی اگر مالی را که گرو گذاشته خانه و اثاثیه هم باشد، طلبکار می‌تواند

بفروشد و طلب خود را بردارد.

کد مسأله: ۶۳۹۰۴

احکام ضامن شدن

مسأله ۲۳۱۹

مسأله ۲۳۱۹- اگر انسان بخواهد ضامن شود که بدهی کسی را بدهد، ضامن شدن او در صورتی صحیح است که به هر لفظی (۱) اگر چه عربی نباشد به طلبکار بگوید که من ضامن شده‌ام طلب تو را بدهم، و طلبکار هم رضایت خود را بفهماند، ولی رضایت بودن بدهکار شرط نیست.

۱- یا عملی که دلالت بر ایجاب ضمان داشت باشد و در قبول هم قول یا فعلی که دلالت بر قبول ضمان داشته باشد و صرف رضایت مضمون له کافی نیست.

کد مسأله: ۶۳۹۰۵

مسأله ۲۳۲۰

مسأله ۲۳۲۰- ضامن و طلبکار باید مکلف و عاقل باشند و کسی هم آنها را مجبور نکرده باشد و نیز باید سفیه نباشد (۱) یعنی مال خود را در کارهای بیهوده مصرف نکنند، ولی این شرطها در بدهکار نیست مثلاً اگر کسی ضامن شود که بدهی بچه یا دیوانه را بدهد صحیح است.

۱- و نیز مضمون له مفلس نباشد ولی این شرط در ضامن معتبر نیست.

کد مسأله: ۶۳۹۰۶

مسأله ۲۳۲۱

مسأله ۲۳۲۱- هرگاه برای ضامن شدن خودش شرطی قرار دهد، مثلاً بگوید: "اگر بدهکار قرض تو را نداد من می‌دهم،" ضامن شدن او باطل است. (۱)

۱- باطل نیست زیرا تعلیق در ضمان مضر به انعقاد آن نمی‌باشد.

کد مسأله: ۶۳۹۰۷

مسأله ۲۳۲۲

مسأله ۲۳۲۲- کسی که انسان ضامن بدهی او می‌شود باید بدهکار باشد، پس اگر کسی بخواهد از دیگری قرض کند تا وقتی قرض نکرده انسان نمی‌تواند ضامن او شود.

کد مسأله: ۶۳۹۰۸

مسأله ۲۳۲۳

مسأله ۲۳۲۳- در صورتی انسان می‌تواند ضامن شود که طلبکار و بدهکار و جنس بدهی همه معین باشد پس اگر دو نفر از کسی

طلبکار باشند و انسان بگوید: "من ضامن هستم که طلب یکی از شماها را بدهم،" چون معین نکرده که طلب کدام را می دهد، ضامن شدن او باطل است. و نیز اگر کسی از دو نفر طلبکار باشد و انسان بگوید: "من ضامن هستم که بدهی یکی از آن دو نفر را به تو بدهم،" چون معین نکرده که بدهی کدام را می دهد، ضامن شدن او باطل می باشد. و همچنین اگر کسی از دیگری مثلا ده من گندم و ده تومان پول طلبکار باشد و انسان بگوید: "من ضامن یکی از دو طلب تو هستم" و معین نکند که ضامن گندم است یا ضامن پول، صحیح نیست.

کد مسأله: ۶۳۹۰۹

مسأله ۲۳۲۴

مسأله ۲۳۲۴- اگر طلبکار طلب خود را به ضامن ببخشد، (۱) ضامن نمی تواند از بدهکار چیزی بگیرد و اگر مقداری از آن را ببخشد، نمی تواند آن مقدار را مطالبه نماید.

۱- در صورت بخشش ضامن می تواند به مضمون عنه مراجعه کند ولی در صورت ابراء (یعنی بری الذمه کردن او) ضامن نمی تواند از مضمون عنه مطالبه نماید.

کد مسأله: ۶۳۹۱۰

مسأله ۲۳۲۵

مسأله ۲۳۲۵- اگر انسان ضامن شود که بدهی کسی را بدهد نمی تواند از ضامن شدن خود برگردد.

کد مسأله: ۶۳۹۱۱

مسأله ۲۳۲۶

مسأله ۲۳۲۶- ضامن و طلبکار می توانند شرط کنند که هر وقت بخواهند ضامن بودن ضامن را به هم بزنند.

کد مسأله: ۶۳۹۱۲

مسأله ۲۳۲۷

مسأله ۲۳۲۷- هرگاه انسان در موقع ضامن شدن، بتواند طلب طلبکار را بدهد اگرچه بعد فقیر شود، طلبکار نمی تواند ضامن بودن او را به هم بزند و طلب خود را از بدهکار اول مطالبه نماید و همچنین است اگر در آن موقع نتواند طلب او را بدهد ولی طلبکار بداند و به ضامن شدن او راضی شود.

کد مسأله: ۶۳۹۱۳

مسأله ۲۳۲۸

مسأله ۲۳۲۸- اگر انسان در موقعی که ضامن می شود نتواند طلب طلبکار را بدهد و طلبکار در آن وقت نداند و بعد ملتفت شود می تواند ضامن بودن او را به هم بزند. ولی اگر پیش از آنکه طلبکار ملتفت شود، ضامن قدرت پیدا کرده باشد، چنانچه بخواهد ضامن بودن او را به هم بزند، اشکال دارد. (۱)

۱- اشکالی ندارد و می تواند عقد ضمان را فسخ کند.

کد مسأله: ۶۳۹۱۴

مسأله ۲۳۲۹

مسأله ۲۳۲۹- اگر کسی بدون اجازه بدهکار ضامن شود که بدهی او را بدهد، نمی‌تواند چیزی از او بگیرد.

کد مسأله: ۶۳۹۱۵

مسأله ۲۳۳۰

مسأله ۲۳۳۰- اگر کسی با اجازه بدهکار ضامن شود که بدهی او را بدهد، می‌تواند مقداری را که ضامن شده از او مطالبه نماید. (۱) ولی اگر به جای جنسی که بدهکار بوده جنس دیگری به طلبکار او بدهد نمی‌تواند، چیزی را که داده از او مطالبه نماید، مثلاً اگر ده من گندم بدهکار باشد و ضامن ده من برنج بدهد نمی‌تواند برنج را از او مطالبه نماید، اما اگر خودش راضی شود که برنج بدهد اشکال ندارد.

۱- بعد از اداء ضمان به مضمون له می‌تواند به مضمون عنه مراجعه کند ولی قبل از اداء ضمان نمی‌تواند

کد مسأله: ۶۳۹۱۶

احکام کفالت**مسأله ۲۳۳۱**

مسأله ۲۳۳۱- کفالت آن است که انسان ضامن شود که هر وقت طلبکار بدهکار را خواست، به دست او بدهد (۱) و به کسی که این طور ضامن می‌شود کفیل می‌گویند.

۱- یا حق دیگری غیر از دین و اختصاص بدین ندارد.

کد مسأله: ۶۳۹۱۷

مسأله ۲۳۳۲

مسأله ۲۳۳۲- کفالت در صورتی صحیح است که کفیل به هر لفظی (۱) اگر چه عربی نباشد به طلبکار بگوید که من ضامنم هر وقت بدهکار خود را بخواهی به دست تو بدهم و طلبکار هم قبول نماید.

۱- یا فعلی که دلالت بر ایجاب کفالت کند.

کد مسأله: ۶۳۹۱۸

مسأله ۲۳۳۳

مسأله ۲۳۳۳- کفیل باید مکلف و عاقل باشد و او را در کفالت مجبور نکرده باشند و بتواند کسی را که کفیل او شده حاضر نماید.

کد مسأله: ۶۳۹۱۹

مسأله ۲۳۳۴

مسئله ۲۳۳۴- یکی از پنج چیز کفالت را به هم می زند: اول: کفیل، بدهکار را به دست طلبکار بدهد. دوم: طلب طلبکار داده شود. سوم: طلبکار از طلب خود بگذرد. چهارم: بدهکار بمیرد. پنجم: طلبکار کفیل را از کفالت آزاد کند.
کد مسئله: ۶۳۹۲۰

مسئله ۲۳۳۵

مسئله ۲۳۳۵- اگر کسی به زور بدهکار را از دست طلبکار رها کند، چنانچه طلبکار دسترسی به او نداشته باشد، کسی که بدهکار را رها کرده، باید او را به دست طلبکار بدهد. (۱)
۱- یا حق او را به صاحب حق بپردازد.
کد مسئله: ۶۳۹۲۱

احکام ودیعه (امانت)

مسئله ۲۳۳۶

مسئله ۲۳۳۶- اگر انسان مال خود را به کسی بدهد و بگوید نزد تو امانت باشد و او هم قبول کند، یا بدون این که حرفی بزنند صاحب مال بفهماند که مال را برای نگهداری به او می دهد و او هم به قصد نگهداری کردن بگیرد، باید به احکام ودیعه و امانتداری که بعدا گفته می شود عمل نماید.
کد مسئله: ۶۳۹۲۴

مسئله ۲۳۳۷

مسئله ۲۳۳۷- امانت دار و کسی که مال را امانت می گذارد باید هر دو بالغ و عاقل باشند پس اگر انسان مالی را پیش بچه (۱) یا دیوانه امانت بگذارد، یا دیوانه و بچه مالی را پیش کسی امانت بگذارند صحیح نیست.
۱- صبی ممیز به اذن ولی می تواند امانت بگذارد و امانت قبول کند.
کد مسئله: ۶۳۹۲۶

مسئله ۲۳۳۸

مسئله ۲۳۳۸- اگر از بچه یا دیوانه چیزی را به طور امانت قبول کند، باید آن را به صاحبش بدهد و اگر آن چیز مال خود بچه یا دیوانه است باید به ولی او برساند و چنانچه در رساندن مال به آنان کوتاهی کند (۱) و تلف شود باید عوض آن را بدهد.
۱- در صورت عدم صحت عقد ودیعه امانت دار ضامن است چه تعدی و تفریط کرده باشد یا نکرده باشد مگر اینکه مال را به عنوان حفظ برای صاحبش اخذ کرده باشد. که در این صورت با عدم تعدی و تفریط ضامن نیست زیرا محسن است و بر محسن است سبیلی نیست.
کد مسئله: ۶۳۹۲۹

مسئله ۲۳۳۹

مسئله ۲۳۳۹- کسی که نمی‌تواند امانت را نگهداری نماید، بنا بر احتیاط واجب باید قبول نکند. (۱)
 ۱- بلکه واجب است قبول نکند مگر با علم مودع به حال مستودع که در این صورت قبول امانت اشکالی ندارد.
 کد مسئله: ۶۳۹۳۰

مسئله ۲۳۴۰

مسئله ۲۳۴۰- اگر انسان به صاحب مال بفهماند که برای نگهداری مال او حاضر نیست، چنانچه او مال را بگذارد و برود و آن مال تلف شود، کسی که امانت را قبول نکرده ضامن نیست، ولی احتیاط مستحب آن است که اگر ممکن باشد آن را نگهداری نماید.
 کد مسئله: ۶۳۹۳۱

مسئله ۲۳۴۱

مسئله ۲۳۴۱- کسی که چیزی را امانت می‌گذارد، هر وقت بخواهد می‌تواند آن را پس بگیرد، و کسی هم که امانت را قبول می‌کند، هر وقت بخواهد می‌تواند آن را به صاحبش برگرداند.
 کد مسئله: ۶۳۹۳۲

مسئله ۲۳۴۲

مسئله ۲۳۴۲- اگر انسان از نگهداری امانت منصرف شود و ودیعه را به هم بزند، باید هر چه زودتر مال را به صاحب آن یا وکیل یا ولی صاحبش برساند یا به آنان خبر دهد که به نگهداری حاضر نیست و اگر بدون عذر، مال را به آنان نرساند و خبر هم ندهد، چنانچه مال تلف شود باید عوض آن را بدهد.
 کد مسئله: ۶۳۹۳۳

مسئله ۲۳۴۳

مسئله ۲۳۴۳- کسی که امانت را قبول می‌کند، اگر برای آن، جای مناسبی ندارد، باید جای مناسب تهیه نماید. و طوری آن را نگهداری کند که مردم نگویند در امانت خیانت کرده و در نگهداری آن کوتاهی نموده است و اگر در جایی که مناسب نیست بگذارد و تلف شود باید عوض آن را بدهد.
 کد مسئله: ۶۳۹۳۴

مسئله ۲۳۴۴

مسئله ۲۳۴۴- کسی که امانت را قبول می‌کند اگر در نگهداری آن کوتاهی نکند و تعدی یعنی زیاده روی هم ننماید و اتفاقاً آن مال تلف شود، ضامن نیست ولی اگر آن را در جایی بگذارد که گمان می‌رود ظالمی بفهمد و آن را ببرد چنانچه تلف شود باید عوض آن را به صاحبش بدهد.
 کد مسئله: ۶۳۹۳۵

مسئله ۲۳۴۵

مسئله ۲۳۴۵- اگر صاحب مال برای نگهداری مال خود جایی را معین کند و به کسی که امانت را قبول کرده بگوید: که باید مال را در این جا حفظ کنی و اگر احتمال هم بدهی که از بین برود، نباید آن را به جای دیگری ببری، چنانکه امانت دار احتمال دهد که در آن جا از بین برود و بداند چون آن جا در نظر صاحب مال برای حفظ بهتر بوده، گفته است که نباید از آن جا بیرون ببری، می‌تواند آن را به جای دیگر ببرد و اگر در آن جا ببرد و تلف شود ضامن نیست. ولی اگر نداند به چه جهت گفته که به جای دیگر نبر، چنانچه به جای دیگر ببرد و تلف شود، احتیاط واجب (۱) آن است که عوض آن را بدهد.

۱- بلکه واجب است عوض آن را بدهد.

کد مسئله: ۶۳۹۳۶

مسئله ۲۳۴۶

مسئله ۲۳۴۶- اگر صاحب مال برای نگهداری مال خود جایی را معین کند ولی به کسی که امانت را قبول کرده نگویید که آن را به جای دیگر نبر، چنانکه امانت دار احتمال دهد که در آن جا از بین برود، می‌تواند آن را به جای دیگری که مال در آنجا محفوظ تر است ببرد و چنانچه مال در آنجا تلف شود ضامن نیست.

کد مسئله: ۶۳۹۳۷

مسئله ۲۳۴۷

مسئله ۲۳۴۷- اگر صاحب مال دیوانه شود، کسی که امانت را قبول کرده باید فوراً امانت را به ولی او برساند، و یا به ولی او خبر دهد و اگر بدون عذر شرعی مال را به ولی او ندهد و از خبر دادن هم کوتاهی کند و مال تلف شود باید عوض آن را بدهد.

کد مسئله: ۶۳۹۳۸

مسئله ۲۳۴۸

مسئله ۲۳۴۸- اگر صاحب مال بمیرد، امانت دار باید مال را به وارث او برساند، یا به وارث او خبر دهد، و چنانچه مال را به وارث او ندهد و از خبر دادن هم کوتاهی کند و مال تلف شود ضامن است، ولی اگر برای آن که می‌خواهد بفهمد کسی که می‌گوید من وارث میتم راست می‌گویم یا نه، یا میت وارث دیگری دارد یا نه، مال را ندهد و از خبر دادن هم کوتاهی کند و مال تلف شود ضامن نیست.

کد مسئله: ۶۳۹۳۹

مسئله ۲۳۴۹

مسئله ۲۳۴۹- اگر صاحب مال بمیرد و چند وارث داشته باشد، کسی که امانت را قبول کرده باید مال را به همه ورثه بدهد، یا به کسی بدهد که همه آنان گرفتن مال را به او واگذار کرده‌اند، پس اگر بدون اجازه دیگران تمام مال را به یکی از ورثه بدهد ضامن سهم دیگران است.

کد مسئله: ۶۳۹۴۰

مسئله ۲۳۵۰

مسئله ۲۳۵۰- اگر کسی که امانت را قبول کرده بمیرد، یا دیوانه شود، وارث یا ولی او باید هر چه زودتر به صاحب مال اطلاع دهد، یا امانت را به او برساند.

کد مسئله: ۶۳۹۴۱

مسئله ۲۳۵۱

مسئله ۲۳۵۱- اگر امانت دار نشانه‌های مرگ را در خود ببیند چنانچه ممکن است، باید امانت را به صاحب آن یا وکیل او برساند و اگر ممکن نیست باید آن را به حاکم شرع بدهد و چنانچه به حاکم شرع دسترسی ندارد، در صورتی که وارث او امین است و از امانت اطلاع دارد، لازم نیست وصیت کند و گرنه باید وصیت کند و شاهد بگیرد و به وصی و شاهد، اسم صاحب مال و جنس و خصوصیات مال و محل آن را بگوید.

کد مسئله: ۶۳۹۴۲

مسئله ۲۳۵۲

مسئله ۲۳۵۲- اگر امانت دار نشانه‌های مرگ را در خود ببیند و به وظیفه‌ای که در مسئله پیش گفته شد عمل نکند، چنانچه آن امانت از بین برود، باید عوضش را بدهد، اگر چه در نگهداری آن کوتاهی نکرده باشد (۱) و مرض او خوب شود یا بعد از مدتی پشیمان شود و وصیت کند.

۱- حکم به ضمان با عدم تعدی و تفریط در حفظ امانت و صحت مستودع مشکل است.

کد مسئله: ۶۳۹۴۳

احکام عاریه

مسئله ۲۳۵۳

مسئله ۲۳۵۳- عاریه آن است که انسان مال خود را به دیگری بدهد که از آن استفاده کند و در عوض، چیزی هم از او نگیرد.

کد مسئله: ۶۳۹۴۴

مسئله ۲۳۵۴

مسئله ۲۳۵۴- لازم نیست در عاریه صیغه بخوانند، و اگر مثلاً لباس را به قصد عاریه به کسی بدهد و او به همین قصد بگیرد عاریه صحیح است.

کد مسئله: ۶۳۹۴۵

مسئله ۲۳۵۵

مسئله ۲۳۵۵- عاریه دادن چیز غصبی و چیزی که مال انسان است ولی منفعت آن را به دیگری واگذار کرده مثلاً آن را اجاره داده، در صورتی صحیح است که مالک چیز غصبی یا کسی که آن چیز را اجاره کرده بگوید به عاریه دادن راضی هستم.

کد مسئله: ۶۳۹۴۶

مسئله ۲۳۵۶

مسئله ۲۳۵۶- چیزی را که منفعتش مال انسان است مثلاً- آن را اجاره کرده می‌تواند عاریه بدهد. ولی اگر در اجاره شرط کرده باشند که خودش از آن استفاده کند، نمی‌تواند آن را به دیگری عاریه دهد.
کد مسئله: ۶۳۹۴۷

مسئله ۲۳۵۷

مسئله ۲۳۵۷- اگر دیوانه و بچه (۱) مال خود را عاریه بدهند صحیح نیست، اما اگر ولی بچه مصلحت بداند که مال او را عاریه دهد و بچه آن مال را به دستور ولی به عاریه کننده برساند اشکال ندارد.
۱- بچه ممیز با اذن ولی عاریه بدهد صحیح است.
کد مسئله: ۶۳۹۴۸

مسئله ۲۳۵۸

مسئله ۲۳۵۸- اگر در نگهداری چیزی که عاریه کرده کوتاهی نکند و در استفاده از آن هم زیاده روی ننماید و اتفاقاً آن چیز تلف شود ضامن نیست ولی چنانچه شرط کنند که اگر تلف شود عاریه کننده ضامن باشد یا چیزی را که عاریه کرده طلا- و نقره باشد، باید عوض آن را بدهد.
کد مسئله: ۶۳۹۴۹

مسئله ۲۳۵۹

مسئله ۲۳۵۹- اگر طلا و نقره را عاریه نماید و شرط کند که اگر تلف شود ضامن نباشد، چنانچه تلف شود ضامن نیست.
کد مسئله: ۶۳۹۵۰

مسئله ۲۳۶۰

مسئله ۲۳۶۰- اگر عاریه دهنده بمیرد، عاریه گیرنده باید چیزی را که عاریه کرده به ورثه او بدهد.
کد مسئله: ۶۳۹۵۱

مسئله ۲۳۶۱

مسئله ۲۳۶۱- اگر عاریه دهند طوری شود که شرعاً نتواند در مال خود تصرف کند مثلاً دیوانه شود عاریه کننده باید مالی را که عاریه کرده به ولی او بدهد.
کد مسئله: ۶۳۹۵۲

مسئله ۲۳۶۲

مسئله ۲۳۶۲- کسی که چیزی عاریه داده هر وقت بخواهد می‌تواند آن را پس بگیرد و کسی هم که عاریه کرده هر وقت بخواهد

می‌تواند آن را پس دهد.

کد مسأله: ۶۳۹۵۳

مسأله ۲۳۶۳

مسأله ۲۳۶۳- عاریه دادن چیزی که استفاده حلال ندارد مثل ظرف طلا و نقره باطل است. (۱)

۱- اگر معیر برای استعمال ظروف طلا و نقره عاریه بدهد باطل است ولی اگر برای تزئین اطاق و غیره عاریه دهد باطل نیست زیرا تزئین مباح است.

کد مسأله: ۶۳۹۵۴

مسأله ۲۳۶۴

مسأله ۲۳۶۴- عاریه دادن گوسفند برای استفاده از شیر و پشم آن و عاریه دادن حیوان نر برای کشیدن بر ماده صحیح است.

کد مسأله: ۶۳۹۵۵

مسأله ۲۳۶۵

مسأله ۲۳۶۵- اگر چیزی را که عاریه کرده به مالک یا وکیل یا ولی او بدهد و بعد آن چیز تلف شود، عاریه کننده ضامن نیست. ولی اگر بدون اجازه صاحب مال، یا وکیل، یا ولی او آن را به جایی ببرد که صاحبش معمولاً به آنجا می‌برده مثلاً اسب را در اصطبل که صاحبش برای آن درست کرده ببندد و بعد تلف شود، یا کسی آن را تلف کند ضامن است.

کد مسأله: ۶۳۹۵۶

مسأله ۲۳۶۶

مسأله ۲۳۶۶- اگر چیز نجس را برای کاری که شرط آن پاکی است عاریه دهد، مثلاً لباس را عاریه دهد که با آن نماز بخواند، بنا بر احتیاط واجب (۱) باید نجس بودن آن را به کسی که عاریه می‌کند بگوید.

۱- در مورد عاریه ظروف برای استعمال در اکل و شرب واجب است نجاست آن را بگوید و در غیر اکل و شرب ولو مشروط به طهارت باشد لازم نیست معیر نجاست آن را به مستعیر بگوید ولکن مستحسن است.

کد مسأله: ۶۳۹۵۷

مسأله ۲۳۶۷

مسأله ۲۳۶۷- چیزی را که عاریه کرده بدون اجازه صاحب آن نمی‌تواند به دیگری اجاره یا عاریه دهد.

کد مسأله: ۶۳۹۵۸

مسأله ۲۳۶۸

مسأله ۲۳۶۸- اگر چیزی را که عاریه کرده با اجازه صاحب آن به دیگری عاریه دهد، چنانچه کسی که اول آن چیز را عاریه کرده

بمیرد یا دیوانه شود، عاریه دومی باطل نمی‌شود.

کد مسأله: ۶۳۹۵۹

مسأله ۲۳۶۹

مسأله ۲۳۶۹- اگر بداند مالی را که عاریه کرده غصبی است باید آن را به صاحبش برساند و نمی‌تواند به عاریه دهنده بدهد.

کد مسأله: ۶۳۹۶۰

مسأله ۲۳۷۰

مسأله ۲۳۷۰- اگر مالی را که می‌داند غصبی است عاریه کند و از آن استفاده‌ای ببرد و در دست او از بین برود، مالک می‌تواند عوض مال و عوض استفاده‌ای را که عاریه کننده برده از او یا از کسی که مال را غصب کرده مطالبه کند و اگر از عاریه کننده بگیرد، او نمی‌تواند چیزی را که به مالک می‌دهد از عاریه دهنده مطالبه نماید.

کد مسأله: ۶۳۹۶۱

مسأله ۲۳۷۱

مسأله ۲۳۷۱- اگر نداند مالی را که عاریه کرده غصبی است و در دست او از بین برود، چنانچه صاحب مال عوض آن را از او بگیرد او هم می‌تواند آن چه را به صاحب مال داده از عاریه دهنده مطالبه نماید، ولی اگر چیزی را که عاریه کرده طلا و نقره باشد یا عاریه دهنده با او شرط کرده باشد که اگر آن چیز از بین برود عوضش را بدهد نمی‌تواند چیزی را که به صاحب مال می‌دهد از عاریه دهنده مطالبه نماید.

کد مسأله: ۶۳۹۶۲

احکام نکاح یا ازدواج

زناشویی

زناشویی

به واسطه عقد ازدواج، زن به مرد حلال می‌شود و آن بر دو قسم است: دائم و غیر دائم. عقد دائم آن است که مدت زناشویی در آن معین نشود، (۱) و زنی را که به این قسم عقد می‌کنند دائمه گویند. و عقد غیر دائم آن است که مدت زناشویی در آن معین شود، مثلاً زن را به مدت یک ساعت یا یک روز یا یک ماه یا یک سال یا بیشتر عقد نمایند، و زنی را که به این قسم عقد کنند متعه و صیغه می‌نامند.

۱- اصلاً عقد دائم مدت ندارد نه اینکه تعیین مدت در او نمی‌شود.

کد مسأله: ۶۳۹۶۳

احکام عقد

مسأله ۲۳۷۲

مسئله ۲۳۷۲- در زناشویی چه دائم چه غیر دائم باید صیغه خوانده شود و تنها راضی بودن زن و مرد کافی نیست و صیغه عقد را یا خود زن و مرد می‌خوانند یا دیگری را وکیل می‌کنند که از طرف آنان بخواند.

کد مسئله: ۶۳۹۶۴

مسئله ۲۳۷۳

مسئله ۲۳۷۳- وکیل لازم نیست مرد باشد، زن هم می‌تواند برای خواندن صیغه عقد از طرف دیگری وکیل شود.

کد مسئله: ۶۳۹۶۵

مسئله ۲۳۷۴

مسئله ۲۳۷۴- زن و مرد تا یقین نکنند که وکیل آنها صیغه را خوانده است نمی‌توانند به یکدیگر نگاه محرمانه نمایند، و گمان به این که وکیل صیغه را خوانده است کفایت نمی‌کند ولی اگر وکیل بگوید صیغه را خوانده‌ام کافی است.

کد مسئله: ۶۳۹۶۶

مسئله ۲۳۷۵

مسئله ۲۳۷۵- اگر زنی کسی را وکیل کند که مثلاً ده روز او را به عقد مردی در آورد و ابتدای ده روز را معین نکند، آن وکیل می‌تواند هر وقت بخواهد او را ده روزه به عقد آن مرد در آورد و اگر معلوم باشد که زن، روز یا ساعت معینی را قصد کرده، باید صیغه را مطابق قصد او بخواند.

کد مسئله: ۶۳۹۶۷

مسئله ۲۳۷۶

مسئله ۲۳۷۶- یک نفر می‌تواند برای خواندن صیغه عقد دائم یا غیر دائم از طرف دو نفر وکیل شود و نیز انسان می‌تواند از طرف زن وکیل شود و او را برای خود به طور دائم یا غیر دائم عقد کند، ولی احتیاط مستحب آن است که عقد را دو نفر بخوانند.

کد مسئله: ۶۳۹۶۸

دستور خواندن عقد دائم

مسئله ۲۳۷۷

مسئله ۲۳۷۷- اگر صیغه عقد دائم را خود زن و مرد بخوانند و اول زن بگوید: "زوجتك نفسی علی الصداق المعلوم" (یعنی خود را زن تو نمودم به مهری که معین شده) پس از آن بدون فاصله مرد بگوید: "قبلت التزویج" (یعنی قبول کردم ازدواج را) عقد صحیح است. و اگر دیگری را وکیل کنند که از طرف آنها صیغه عقد را بخواند، چنانچه مثلاً اسم مرد احمد و اسم زن فاطمه باشد و وکیل زن بگوید: "زوجت موکلتی فاطمه موکلک احمد علی الصداق المعلوم" پس بدون فاصله وکیل مرد بگوید: "قبلت لموکلی احمد علی الصداق"، صحیح می‌باشد. و بنابر احتیاط واجب (۱) باید لفظی که مرد می‌گوید با لفظی که زن می‌گوید مطابق باشد، مثلاً اگر زن زوجت می‌گوید مرد هم قبلت التزویج بگوید.

۱- تطابق لفظین احتیاط لازم نیست ولیکن مستحسن است.

کد مسأله: ۶۳۹۶۹

دستور خواندن عقد غیر دائم

مسأله ۲۳۷۸

مسأله ۲۳۷۸- اگر خود زن و مرد بخواهند صیغه عقد غیر دائم را بخوانند، بعد از آن که مدت و مهر را معین کردند، چنانچه زن بگوید: "زوجتک نفسی فی المده المعلومه علی المهر المعلوم" بعد بدون فاصله مرد بگوید: "قبلت" صحیح است. و اگر دیگری را وکیل کنند و اول وکیل زن به وکیل مرد بگوید: "متع موكلتی موكلك فی المده المعلومه علی المهر المعلوم" پس بدون فاصله وکیل مرد بگوید: "قبلت لموكلی هکذا،" صحیح می‌باشد.

کد مسأله: ۶۳۹۷۰

شرایط عقد

مسأله ۲۳۷۹

مسأله ۲۳۷۹- عقد ازدواج چند شرط دارد:

اول: آنکه به عربی صحیح خوانده (۱) شود، و اگر خود مرد و زن نتوانند صیغه را به عربی صحیح بخوانند، چنانچه ممکن باشد احتیاط واجب (۲) آن است کسی را که می‌تواند به عربی صحیح بخواند وکیل کنند و اگر ممکن نباشد، خودشان می‌توانند به غیر عربی بخوانند، اما باید لفظی بگویند که معنی زوجت و قبلت را بفهماند.

دوم: مرد و زن یا وکیل آنها که صیغه را می‌خوانند قصد انشاء داشته باشند یعنی اگر خود مرد و زن صیغه را می‌خوانند، زن به گفتن «زوجتک نفسی» قصدش این باشد که خود را زن او قرار دهد و مرد به گفتن «قبلت الترویج» زن بودن او را برای خود قبول نماید، و اگر وکیل مرد و زن صیغه را می‌خوانند، به گفتن «زوجت و قبلت» قصدشان این باشد که مرد و زنی آنان را وکیل کرده‌اند، زن و شوهر شوند.

سوم: کسی که صیغه را می‌خواند بالغ و عاقل باشد، (۳) چه برای خودش بخواند یا از طرف دیگری وکیل شده باشد.

چهارم: اگر وکیل زن و شوهر یا ولی آنها صیغه را می‌خوانند، در عقد، زن و شوهر را معین کنند مثلاً اسم آنها را ببرند یا به آنها اشاره نمایند. پس کسی که چند دختر دارد، اگر به مردی بگوید زوجتک احدی بناتی (یعنی زن تو نمودم یکی از دخترانم را) و او بگوید قبلت یعنی قبول کردم، چون در موقع عقد، دختر را معین نکرده‌اند عقد باطل است.

پنجم: زن و مرد به ازدواج راضی باشند، ولی اگر زن ظاهراً به کراهت اذن دهد و معلوم باشد قلباً راضی است عقد صحیح است.

۱- بنا بر احتیاط و الا بغیر عرب جایز است.

۲- این احتیاط واجب نیست ولیکن مستحسن است.

۳- عقد صبی ممیز با اجازه ولی مطلقاً صحیح است.

کد مسأله: ۶۳۹۷۱

مسأله ۲۳۸۰

مسئله ۲۳۸۰- اگر در عقد یک حرف غلط خوانده شود که معنی آن را عوض کند عقد باطل است.

کد مسئله: ۶۳۹۷۲

مسئله ۲۳۸۱

مسئله ۲۳۸۱- کسی که دستور زبان عربی را نمی‌داند، اگر قرائتش صحیح باشد و معنای هر کلمه از عقد را جداگانه بداند و از هر لفظی معنای آن را قصد نماید، می‌تواند عقد را بخواند.

کد مسئله: ۶۳۹۷۳

مسئله ۲۳۸۲

مسئله ۲۳۸۲- اگر زنی را برای مردی بدون اجازه آنان عقد کنند و بعداً زن و مرد بگویند به آن عقد راضی هستیم عقد صحیح است.

کد مسئله: ۶۳۹۷۴

مسئله ۲۳۸۳

مسئله ۲۳۸۳- اگر زن و مرد یا یکی از آن دو را به ازدواج مجبور نمایند و بعد از خواندن عقد راضی شوند و بگویند به آن عقد راضی هستیم، احتیاط واجب (۱) آنست که دوباره عقد را بخوانند.
۱- این احتیاط واجب نیست بلکه مستحسن است.

کد مسئله: ۶۳۹۷۵

مسئله ۲۳۸۴

مسئله ۲۳۸۴- پدر و جد پدری می‌توانند برای فرزند نابالغ یا دیوانه خود که به حال دیوانگی بالغ شده است ازدواج کنند و بعد از آن که طفل بالغ شد یا دیوانه عاقل گردید، اگر ازدواجی که برای او کرده‌اند مفسده‌ای نداشته، نمی‌تواند آن را به هم بزند و اگر مفسده‌ای داشته، می‌تواند آن را به هم بزند.

کد مسئله: ۶۳۹۷۶

مسئله ۲۳۸۵

مسئله ۲۳۸۵- دختری که به حد بلوغ رسیده و رشیده است یعنی مصلحت خود را تشخیص می‌دهد اگر بخواهد شوهر کند، چنانچه باکره باشد، بنابر احتیاط واجب (۱) باید از پدر یا جد پدری خود اجازه بگیرد، و اجازه مادر و برادر لازم نیست.
۱- این احتیاط مستحسن است.

کد مسئله: ۶۳۹۷۷

مسئله ۲۳۸۶

مسئله ۲۳۸۶- اگر پدر و جد پدری غایب باشند، یا اگر دختر باکره نباشد اجازه پدر و جد لازم نیست.

کد مسئله: ۶۳۹۷۸

مسئله ۲۳۸۷

مسئله ۲۳۸۷- اگر پدر یا جد پدری برای پسر نابالغ خود زن بگیرد، پسر باید بعد از بالغ شدن خرج آن زن بدهد. (۱)
۱- با تمکین زوجه قبل از بلوغ زوج و قابلیت زوج جهت تمتع از زوجه باید نفقه زوجه از مال زوج داده شود و در صورت عدم تأدیه زوج ضامن است.

کد مسئله: ۶۳۹۷۹

مسئله ۲۳۸۸

مسئله ۲۳۸۸- اگر پدر یا جد پدری برای پسر نابالغ خود، زن بگیرد، چنانچه پسر در موقع عقد مالی داشته، مدیون مهر زن است، و اگر در موقع عقد مالی نداشته، پدر یا جد او باید مهر زن را بدهند.

کد مسئله: ۶۳۹۸۰

عیب‌هایی که به واسطه آنها می‌شود عقد را به هم زد

مسئله ۲۳۸۹

مسئله ۲۳۸۹- اگر مرد بعد از عقد بفهمد که زن یکی از این هفت عیب را دارد می‌تواند عقد را به هم بزند: اول: دیوانگی. دوم: مرض خوره. سوم: مرض برص. چهارم: کوری. پنجم: زمین گیر بودن ششم: آنکه افضاء شده، یعنی راه بول و حیض و یا راه حیض و غائط او یکی شده باشد. (۱) هفتم: آنکه گوشت یا استخوانی در فرج او باشد که مانع از نزدیکی شود.
۱- یا مسلک جمیع یکی شده باشد.

کد مسئله: ۶۳۹۸۱

مسئله ۲۳۹۰

مسئله ۲۳۹۰- اگر زن بعد از عقد بفهمد که شوهر او دیوانه است یا آلت مردی ندارد یا مرضی دارد که نمی‌تواند وطی و نزدیکی نماید، یا تخمهای او را کشیده‌اند (۱) می‌تواند عقد را به هم بزند. (۲)
۱- یا کوبیده باشند اگرچه قدرت بر وطی داشته باشد.
۲- یا مرد مجذوم باشد علی‌الاقوی زن می‌تواند عقد را فسخ کند.

کد مسئله: ۶۳۹۸۲

مسئله ۲۳۹۱

مسئله ۲۳۹۱- اگر مرد یا زن، به واسطه یکی از عیب‌هایی که در دو مساله پیش گفته شد عقد را به هم بزند، باید بدون طلاق از هم جدا شوند.

کد مسأله: ۶۳۹۸۳

مسأله ۲۳۹۲

مسأله ۲۳۹۲- اگر به واسطه آن که مرد نمی تواند وطی و نزدیکی کند، زن عقد را به هم بزند شوهر باید نصف مهر را بدهد. ولی اگر به واسطه یکی از عیبهای دیگری که گفته شد، مرد یا زن عقد را به هم بزند، چنانچه مرد با زن نزدیکی نکرده باشد چیزی بر او نیست و اگر نزدیکی کرده، باید تمام مهر را بدهد.

کد مسأله: ۶۳۹۸۴

عده ای از زن ها که ازدواج با آنان حرام است**مسأله ۲۳۹۳**

مسأله ۲۳۹۳- ازدواج با زنهایی که مثل مادر و خواهر و مادر زن با انسان محرم هستند حرام است.

کد مسأله: ۶۳۹۸۵

مسأله ۲۳۹۴

مسأله ۲۳۹۴- اگر کسی زنی را برای خود عقد نماید، اگر چه با او نزدیکی نکند، مادر و مادر مادر آن زن و مادر پدر او هر چه بالا روند به آن مرد محرم می شوند.

کد مسأله: ۶۳۹۸۶

مسأله ۲۳۹۵

مسأله ۲۳۹۵- اگر زنی را عقد کند و با او نزدیکی نماید، دختر و نوه دختری و پسری آن زن هر چه پایین روند، چه در وقت عقد باشند یا بعداً به دنیا بیایند، به آن مرد محرم می شوند.

کد مسأله: ۶۳۹۸۷

مسأله ۲۳۹۶

مسأله ۲۳۹۶- اگر با زنی که برای خود عقد کرده نزدیکی هم نکرده باشد، تا وقتی که آن زن در عقد او است نمی تواند با دختر او ازدواج کند.

کد مسأله: ۶۳۹۸۸

مسأله ۲۳۹۷

مسأله ۲۳۹۷- عمه و خاله پدر و عمه و خاله پدر پدر، و عمه و خاله مادر و عمه و خاله مادر مادر، هر چه بالا روند به انسان محرمند.

کد مسأله: ۶۳۹۸۹

مسئله ۲۳۹۸

مسئله ۲۳۹۸- پدر و جد شوهر، هر چه بالا روند، و پسر و نوه پسری و دختری او هر چه پایین آیند چه در موقع عقد باشند، یا بعداً به دنیا بیایند به زن او محرم هستند.

کد مسئله: ۶۳۹۹۰

مسئله ۲۳۹۹

مسئله ۲۳۹۹- اگر زنی را برای خود عقد کند، دائمه باشد، یا صیغه تا وقتی که آن زن در عقد اوست نمی‌تواند با خواهر آن زن ازدواج نماید.

کد مسئله: ۶۳۹۹۱

مسئله ۲۴۰۰

مسئله ۲۴۰۰- اگر زن خود را به ترتیبی که در کتاب طلاق گفته می‌شود طلاق رجعی دهد، در بین عده نمی‌تواند خواهر او را عقد نماید، بلکه در عده طلاق بائن هم که بعداً بیان می‌شود، احتیاط مستحب آن است که از ازدواج با خواهر او خودداری نماید.

کد مسئله: ۶۳۹۹۲

مسئله ۲۴۰۱

مسئله ۲۴۰۱- انسان نمی‌تواند بدون اجازه زن خود با خواهر زاده و برادر زاده او ازدواج کند ولی اگر بدون اجازه زنش آنان را عقد نماید و بعداً زن بگوید به آن عقد راضی هستم اشکال ندارد.

کد مسئله: ۶۳۹۹۳

مسئله ۲۴۰۲

مسئله ۲۴۰۲- اگر زن بفهمد شوهرش برادر زاده یا خواهر زاده او را عقد کرده و حرفی نزد، (۱) چنانچه بعداً رضایت ندهد عقد آنان باطل است.

۱- در صورتی که سکوت دلیل بر رضایت نباشد والا عدم رضایت بعد از سکوت دال بر رضایت اثری ندارد و موجب بطلان عقد نیست علی الاقوی.

کد مسئله: ۶۳۹۹۴

مسئله ۲۴۰۳

مسئله ۲۴۰۳- اگر انسان پیش از آنکه دختر عمه یا دختر خاله خود را بگیرد با مادر آنان زنا کند، دیگر نمی‌تواند با آنان ازدواج نماید.

کد مسئله: ۶۳۹۹۵

مسئله ۲۴۰۴

مسئله ۲۴۰۴- اگر با دختر عمه یا دختر خاله خود ازدواج نماید و پیش از آن که با آنان نزدیکی کند با مادرشان زنا نماید، احتیاط واجب (۱) آن است که از ایشان جدا شود.

۱- این احتیاط مستحسن است.

کد مسئله: ۶۳۹۹۶

مسئله ۲۴۰۵

مسئله ۲۴۰۵- اگر با زنی غیر از عمه و خاله خود زنا کند، احتیاط واجب آن است که با دختر (۱) او ازدواج نکند، ولی اگر زنی را عقد نماید و با او نزدیکی کند بعد با مادر او زنا کند، آن زن بر او حرام نمی‌شود، و همچنین است اگر پیش از آنکه با او نزدیکی کند با مادر او زنا نماید، ولی در این صورت احتیاط مستحب آن است که از آن زن جدا شود.

۱- این احتیاط واجب نیست و لکن مستحسن است

کد مسئله: ۶۳۹۹۷

مسئله ۲۴۰۶

مسئله ۲۴۰۶- زن مسلمان نمی‌تواند به عقد کافر در آید، مرد مسلمان هم نمی‌تواند با زنه‌های کافره بطور دائم ازدواج کند (۱) ولی صیغه کردن زنه‌های اهل کتاب مانند یهود و نصاری مانعی ندارد.

۱- و یا به طور غیر دائم ازدواج کند.

کد مسئله: ۶۳۹۹۸

مسئله ۲۴۰۷

مسئله ۲۴۰۷- اگر با زنی که در عده طلاق رجعی است زنا کند آن زن بر او حرام می‌شود و اگر با زنی که در عده متعه، یا طلاق بائن، یا عده وفات است زنا کند، بعداً می‌تواند او را عقد نماید، اگر چه احتیاط مستحب آن است که با او ازدواج نکند و معنای طلاق رجعی و طلاق بائن و عده متعه و عده وفات در احکام طلاق گفته خواهد شد.

کد مسئله: ۶۳۹۹۹

مسئله ۲۴۰۸

مسئله ۲۴۰۸- اگر با زن بی‌شوهری که در عده نیست زنا کند، بعداً می‌تواند آن زن را برای خود عقد نماید، ولی احتیاط مستحب آن است که صبر کند تا آن زن حیض ببیند بعد او را عقد نماید و همچنین است اگر دیگری بخواهد آن زن را عقد کند.

کد مسئله: ۶۴۰۰۰

مسئله ۲۴۰۹

مسئله ۲۴۰۹- اگر زنی را که در عده دیگری است برای خود عقد کند، چنانچه مرد و زن یا یکی از آنان بدانند که عده زن تمام

نشده و بدانند عقد کردن زن در عده حرام است، آن زن بر او حرام می‌شود، اگر چه مرد بعد از عقد با آن زن نزدیکی نکرده باشد.
کد مسأله: ۶۴۰۰۱

مسأله ۲۴۱۰

مسأله ۲۴۱۰- اگر زنی را برای خود عقد کند و بعد معلوم شود که در عده بوده، چنانچه هیچکدام نمی‌دانسته‌اند زن در عده است و نمی‌دانسته‌اند که عقد کردن زن در عده حرام است، در صورتی که مرد با او نزدیکی کرده باشد آن زن بر او حرام می‌شود.
کد مسأله: ۶۴۰۰۲

مسأله ۲۴۱۱

مسأله ۲۴۱۱- اگر انسان بدانند زنی شوهر دارد و با او ازدواج کند باید از او جدا شود و احتیاط واجب (۱) آن است که بعداً هم او را برای خود عقد نکند.
۱- بلکه علی القوی آن زن بر او حرام مؤبد (حرام ابدی) می‌شود.
کد مسأله: ۶۴۰۰۳

مسأله ۲۴۱۲

مسأله ۲۴۱۲- زن شوهردار اگر زنا بدهد بر شوهر خود حرام نمی‌شود و چنانچه توبه نکنند و بر عمل خود باقی باشد، بهتر است که شوهر او را طلاق دهد ولی باید مهرش را بدهد.
کد مسأله: ۶۴۰۰۴

مسأله ۲۴۱۳

مسأله ۲۴۱۳- زنی را که طلاق داده‌اند و زنی که صیغه بوده و شوهرش مدت او را بخشیده یا مدتش تمام شده، چنانچه بعد از مدتی شوهر کند و بعد شک کند که موقع عقد شوهر دوم عده شوهر اول تمام بوده یا نه باید به شک خود اعتنا نکند.
کد مسأله: ۶۴۰۰۵

مسأله ۲۴۱۴

مسأله ۲۴۱۴- مادر و خواهر و دختر پسری که لواط داده بر لواط کننده حرام است اگر چه لواط کننده و لواط دهنده بالغ نباشند. ولی اگر گمان کند که دخول شده، یا شک کند که دخول شده یا نه، بر او حرام نمی‌شوند.
کد مسأله: ۶۴۰۰۶

مسأله ۲۴۱۵

مسأله ۲۴۱۵- اگر با مادر یا خواهر یا دختر کسی ازدواج نماید و بعد از ازدواج با آن کس لواط کند، آنها بر او حرام نمی‌شوند.
(۱)

۱- ولی اگر طلاق بدهد مجدداً نمی تواند آنها را عقد نماید.

کد مسأله: ۶۴۰۰۷

مسأله ۲۴۱۶

مسأله ۲۴۱۶- اگر کسی در حال احرام که یکی از کارهای حج است با زنی ازدواج نماید عقد او باطل است، و چنانچه می دانسته که زن گرفتن بر او حرام است، دیگر نمی تواند آن زن را عقد کند.

کد مسأله: ۶۴۰۰۸

مسأله ۲۴۱۷

مسأله ۲۴۱۷- اگر زنی که در حال احرام است با مردی که در حال احرام نیست ازدواج کند عقد او باطل است، و اگر زن می دانسته که ازدواج کردن در حال احرام حرام است احتیاط واجب (۱) آن است که بعداً با آن مرد ازدواج نکند.
۱- بلکه علی الاقوی با آن مرد ازدواج نکند.

کد مسأله: ۶۴۰۰۹

مسأله ۲۴۱۸

مسأله ۲۴۱۸- اگر مرد طواف نساء را که یکی از کارهای حج است بجا نیاورد، زنش بر او حرام می شود. و نیز اگر زن طواف نساء نکند، شوهرش بر او حرام می شود، ولی اگر بعداً طواف نساء را انجام دهند به یکدیگر حلال می شوند.

کد مسأله: ۶۴۰۱۰

مسأله ۲۴۱۹

مسأله ۲۴۱۹- اگر کسی دختر نابالغی را برای خود عقد کند و پیش از آنکه نه سال دختر تمام شود، با او نزدیکی و دخول کند، احتیاط واجب (۱) آن است که تا آخر عمر از دخول با او خودداری نماید.

۱- این احتیاط واجب نیست چه افضاء شده باشد یا افضاء نشده باشد ولیکن احتیاط مستحسن است.

کد مسأله: ۶۴۰۱۱

مسأله ۲۴۲۰

مسأله ۲۴۲۰- زنی را که سه مرتبه طلاق داده‌اند بر شوهرش حرام می شود، ولی اگر با شرایطی که در کتاب طلاق گفته می شود با مرد دیگری ازدواج کند، شوهر اول می تواند دوباره او را برای خود عقد نماید.

کد مسأله: ۶۴۰۱۲

احکام عقد دائم

مسأله ۲۴۲۱

مسأله ۲۴۲۱- زنی که عقد دائمی شده نباید بدون اجازه شوهر از خانه بیرون رود و باید خود را برای هر لذتی که او می‌خواهد، تسلیم نماید و بدون عذر شرعی از نزدیکی کردن او جلوگیری نکند و اگر در اینها از شوهر اطاعت کند تهیه غذا و لباس و منزل او بر شوهر واجب است و اگر تهیه نکند چه توانایی داشته باشد، یا نداشته باشد مدیون زن است.

کد مسأله: ۶۴۰۱۳

مسأله ۲۴۲۲

مسأله ۲۴۲۲- اگر زن در کارهایی که در مسأله پیش گفته شد اطاعت شوهر را نکند گناهکار است و حق غذا و لباس و هم‌خوابی ندارد ولی مهر او از بین نمی‌رود.

کد مسأله: ۶۴۰۱۴

مسأله ۲۴۲۳

مسأله ۲۴۲۳- مرد حق ندارد زن خود را به خدمت‌خانه مجبور کند.

کد مسأله: ۶۴۰۱۵

مسأله ۲۴۲۴

مسأله ۲۴۲۴- مخارج سفر زن اگر بیشتر از مخارج وطن باشد با شوهر نیست ولی اگر شوهر مایل باشد که زن را سفر ببرد، باید خرج سفر او را بدهد.

کد مسأله: ۶۴۰۱۶

مسأله ۲۴۲۵

مسأله ۲۴۲۵- زنی که از شوهر اطاعت می‌کند و شوهر خرج او را نمی‌دهد اگر ممکن است می‌تواند خرجی خود را بدون اجازه از مال او بردارد (۱) و اگر ممکن نیست چنانچه ناچار باشد که معاش خود را تهیه کند، در موقعی که مشغول تهیه معاش است اطاعت شوهر بر او واجب نیست.

۱- با اجازه حاکم شرع در صورت تمکن

کد مسأله: ۶۴۰۱۷

مسأله ۲۴۲۶

مسأله ۲۴۲۶- مرد باید در هر چهار شب یک شب نزد زن دائمی خود بماند.

کد مسأله: ۶۴۰۱۸

مسأله ۲۴۲۷

مسأله ۲۴۲۷- شوهر نمی‌تواند بیش از چهار ماه نزدیکی با عیال دائمی خود را ترک کند.

کد مسأله: ۶۴۰۱۹

مسأله ۲۴۲۸

مسأله ۲۴۲۸- اگر در عقد دائمی مهر را معین نکنند عقد صحیح است، و چنانچه مرد با زن نزدیکی کند، باید مهر او را مطابق مهر زنهایی که مثل او هستند بدهد.

کد مسأله: ۶۴۰۲۰

مسأله ۲۴۲۹

مسأله ۲۴۲۹- اگر موقع خواندن عقد دائمی برای دادن مهر مدتی را معین نکرده باشند، زن می‌تواند پیش از گرفتن مهر از نزدیکی کردن شوهر جلوگیری کند، چه شوهر توانایی دادن مهر را داشته باشد چه نداشته باشد. ولی اگر پیش از گرفتن مهر به نزدیکی راضی شود و شوهر با او نزدیکی کند دیگر نمی‌تواند بدون عذر شرعی از نزدیکی شوهر جلوگیری نماید.

کد مسأله: ۶۴۰۲۲

متعہ یا صیغہ**مسأله ۲۴۳۰**

مسأله ۲۴۳۰- صیغہ کردن زن اگر چه برای لذت بردن هم نباشد صحیح است.

کد مسأله: ۶۴۰۲۳

مسأله ۲۴۳۱

مسأله ۲۴۳۱- احتیاط واجب (۱) آن است که شوهر بیش از چهار ماه نزدیکی با متعہ خود را ترک نکند.
۱- بلکه واجب است علی الاقوی فرقی نیست بین زوجه دایم و متعہ و بین زوجه مشابہ (زن جوان) و شائبہ (زن پیر)

کد مسأله: ۶۴۰۲۴

مسأله ۲۴۳۲

مسأله ۲۴۳۲- زنی که صیغہ می‌شود اگر در عقد شرط کند که شوهر با او نزدیکی نکند، عقد و شرط او صحیح است و شوهر فقط می‌تواند لذتهای دیگر از او ببرد ولی اگر بعداً به نزدیکی راضی شود، شوهر می‌تواند با او نزدیکی نماید.

کد مسأله: ۶۴۰۲۵

مسأله ۲۴۳۳

مسأله ۲۴۳۳- زنی که صیغہ شده اگر چه آبستن شود حق خرجی ندارد.

کد مسأله: ۶۴۰۲۶

مسئله ۲۴۳۴

مسئله ۲۴۳۴- زنی که صیغه شده حق همخوابی ندارد و از شوهر ارث نمی‌برد و شوهر هم از او ارث نمی‌برد.

کد مسئله: ۶۴۰۲۷

مسئله ۲۴۳۵

مسئله ۲۴۳۵- زنی که صیغه شده اگر نداند که حق خرجی و همخوابی ندارد عقد او صحیح است و برای آن که نمی‌دانسته، حقی به شوهر پیدا نمی‌کند.

کد مسئله: ۶۴۰۲۸

مسئله ۲۴۳۶

مسئله ۲۴۳۶- زنی که صیغه شده، می‌تواند بدون اجازه شوهر از خانه بیرون برود، ولی اگر به واسطه بیرون رفتن، حق شوهر از بین می‌رود بیرون رفتن او حرام است.

کد مسئله: ۶۴۰۲۹

مسئله ۲۴۳۷

مسئله ۲۴۳۷- اگر زنی مردی را وکیل کند که به مدت و مبلغ معین او را برای خود صیغه نماید، چنانچه مرد او را به عقد دائم خود در آورد، یا به غیر از مدت یا مبلغی که معین شده او را صیغه کند، وقتی آن زن فهمید، اگر فوراً بگوید (۱) راضی هستم عقد صحیح و گرنه باطل است.

۱- فوریت در اجازه عقد فضولی لازم نیست. چه فوراً اجازه کند یا متراخياً اجازه نماید عقد صحیح است.

کد مسئله: ۶۴۰۳۰

مسئله ۲۴۳۸

مسئله ۲۴۳۸- اگر پدر و جد پدری برای محرم شدن، یک ساعت یا دو ساعت زنی را به عقد پسر نابالغ خود در آورد کافی است. و نیز می‌توانند دختر نابالغ خود را برای محرم شدن، به عقد کسی در آورند ولی باید آن عقد برای دختر نفعی داشته باشد. (۱)

۱- نفع لازم نیست، عدم مفسده در صحت عقد کافی است.

کد مسئله: ۶۴۰۳۱

مسئله ۲۴۳۹

مسئله ۲۴۳۹- اگر پدر یا جد پدری، طفل خود را که در محل دیگری است و نمی‌داند زنده است یا مرده، برای محرم شدن به عقد کسی در آورد، بر حسب ظاهر محرم بودن حاصل می‌شود و چنانچه بعداً معلوم شود که در موقع عقد آن دختر زنده نبوده عقد باطل است و کسانی که به واسطه عقد ظاهراً محرم شده بودند نامحرمند.

کد مسئله: ۶۴۰۳۲

مسئله ۲۴۴۰

مسئله ۲۴۴۰- اگر مرد مدت صیغه را ببخشد، چنانچه با او نزدیکی کرده باید تمام چیزی را که قرار گذاشته به او بدهد و اگر نزدیکی نکرده باید نصف آن را بدهد.

کد مسئله: ۶۴۰۳۳

مسئله ۲۴۴۱

مسئله ۲۴۴۱- مرد می‌تواند زنی را که صیغه او بوده و هنوز عده‌اش تمام نشده به عقد دائم خود در آورد.

کد مسئله: ۶۴۰۳۴

احکام نگاه کردن**مسئله ۲۴۴۲**

مسئله ۲۴۴۲- نگاه کردن مرد به بدن زن نامحرم و دختری که (۱) نه سالش تمام نشده ولی خوب و بعد را می‌فهمد و همچنین نگاه کردن به موی آنان چه با قصد لذت و چه بدون آن حرام است و نگاه کردن به صورت و دستها اگر به قصد لذت باشد حرام است، بلکه احتیاط واجب (۲) آن است که بدون قصد لذت هم به آنها نگاه نکند. و نیز نگاه کردن زن به بدن مرد نامحرم حرام می‌باشد.

۱- با عدم ریبه و تلذذ جایز است.

۲- بلکه علی‌الاقوی واجب است.

کد مسئله: ۶۴۰۳۵

مسئله ۲۴۴۳

مسئله ۲۴۴۳- اگر انسان بدون قصد لذت به صورت و دستهای زنهای اهل کتاب مثل زنهای یهود و نصاری نگاه کند در صورتی که نترسد که به حرام بیفتد اشکال ندارد. و احتیاط واجب (۱) آن است که به غیر صورت و دستها آنان نگاه نکند.

۱- آنچه به حسب عادت عدم تستر آن است نگاه کردن با عدم تلذذ و ریبه جایز است در این حکم سایر کفار هم شامل اهل کتاب می‌باشند.

کد مسئله: ۶۴۰۳۶

مسئله ۲۴۴۴

مسئله ۲۴۴۴- زن باید بدن و موی خود را از مرد نامحرم بیوشاند بلکه احتیاط واجب (۱) آن است که بدن و موی خود را از پسری هم که بالغ نشده ولی خوب و بد را می‌فهمد بیوشاند.

۱- این احتیاط واجب نیست.

کد مسئله: ۶۴۰۳۷

مسئله ۲۴۴۵

مسئله ۲۴۴۵- نگاه کردن به عورت دیگری حتی به عورت بچه ممیزی که خوب و بد را می فهمد حرام است، اگرچه از پشت شیشه یا در آئینه یا آب صاف و مانند اینها باشد. (۱) ولی زن و شوهر می توانند به تمام بدن یکدیگر نگاه کنند.

۱- بنا بر احتیاط

کد مسئله: ۶۴۰۳۸

مسئله ۲۴۴۶

مسئله ۲۴۴۶- مرد و زنی که با یکدیگر محرمند، اگر قصد لذت نداشته باشند می توانند غیر از عورت به تمام بدن یکدیگر نگاه کنند.

کد مسئله: ۶۴۰۳۹

مسئله ۲۴۴۷

مسئله ۲۴۴۷- مرد نباید با قصد لذت به بدن مرد دیگر نگاه کند و نگاه کردن زن هم به بدن زن دیگر با قصد لذت حرام است.

کد مسئله: ۶۴۰۴۰

مسئله ۲۴۴۸

مسئله ۲۴۴۸- مرد نباید (۱) عکس زن نامحرم را بیندازد و اگر زن نامحرم را بشناسد نباید به عکس او نگاه کند. (۲)

۱- در صورتی که مستلزم حرام نباشد اشکالی ندارد و در صورت استلزام همان حرام محرم است نه عکس برداری

۲- بنا بر احوط استجابی مگر آنکه ریه و تلذذ شود و فرقی هم در نامحرم آشنا و یا غریبه نمی باشد.

کد مسئله: ۶۴۰۴۱

مسئله ۲۴۴۹

مسئله ۲۴۴۹- اگر زن بخواهد (۱) زن دیگر، یا مردی غیر از شوهر خود را تنقیه کند، یا عورت او را آب بکشد باید چیزی در دست کند که دست او به عورت آن مرد نرسد و همچنین است اگر مرد بخواهد مرد دیگر، یا زنی غیر از خود را تنقیه کند یا عورت او را آب بکشد.

۱- این حکم در صورت اضطرار است و الا جائز نیست.

کد مسئله: ۶۴۰۴۲

مسئله ۲۴۵۰

مسئله ۲۴۵۰- اگر مرد برای معالجه زن نامحرم ناچار باشد که او را نگاه کند و دست به بدن او بزند اشکال ندارد، ولی اگر با نگاه کردن بتواند معالجه کند نباید دست به بدن او بزند و اگر با دست زدن بتواند معالجه کند نباید او را نگاه کند.

کد مسئله: ۶۴۰۴۳

مسئله ۲۴۵۱

مسئله ۲۴۵۱- اگر انسان برای معالجه کسی ناچار شود که به عورت او نگاه کند، بنا بر احتیاط واجب (۱) باید آئینه را در مقابل گذاشته و در آن نگاه کند ولی اگر چاره‌ای جز نگاه کردن به عورت نباشد اشکال ندارد.

۱- اگر با نگاه کردن در آینه معالجه ممکن است اضطراب به نگاه کردن به عورت نیست و در این صورت حتماً باید در آینه نگاه کند و اگر با نگاه کردن در آینه معالجه ممکن نیست نگاه کردن به عورت جایز است و در این صورت احتیاط موضوع ندارد پس در هر دو صورت احتیاط بی مورد است.

کد مسئله: ۶۴۰۴۴

مسائل متفرقه زناشویی

مسئله ۲۴۵۲

مسئله ۲۴۵۲- کسی که به واسطه نداشتن زن به حرام میافتد، واجب است زن بگیرد.

کد مسئله: ۶۴۰۴۶

کد مسئله: ۶۴۰۴۷

مسئله ۲۴۵۳

مسئله ۲۴۵۳- اگر شوهر در عقد شرط کند که زن باکره باشد و بعد از عقد معلوم شود که باکره نبوده، می‌تواند عقد را به هم بزند. (۱)

۱- اگر به اقرار یا بیینه ثابت شود قبل از عقد باکره نبوده والا نمی‌تواند عقد را فسخ کند و فقط باید تفاوت بگیرد.

کد مسئله: ۶۴۰۴۸

مسئله ۲۴۵۴

مسئله ۲۴۵۴- ماندن مرد و زن نامحرم در محل خلوتی که کسی در آنجا نیست و دیگری هم نمی‌تواند وارد شود (۱) حرام است چه به ذکر خدا مشغول باشند یا به صحبت دیگر، خواب باشند یا بیدار، ولی اگر طوری باشد که کس دیگر نتواند وارد شود، یا بچه‌ای که خوب و بد را می‌فهمد در آنجا باشد اشکال ندارد.

۱- چه ورود شخصی ثالث ممکن باشد یا نباشد حرام است زیرا صدق خلوت با اجنبیه می‌کند.

کد مسئله: ۶۴۰۴۹

مسئله ۲۴۵۵

مسئله ۲۴۵۵- اگر مرد مهر زن را در عقد معین کند و قصدش این باشد که آن را ندهد عقد صحیح است ولی مهر را باید بدهد.

کد مسئله: ۶۴۰۵۰

مسئله ۲۴۵۶

مسئله ۲۴۵۶- مسلمانی که منکر خدا یا پیغمبر شود، یا حکم ضروری دین یعنی حکمی را که مسلمانان جزء دین اسلام می‌دانند مثل

واجب بودن نماز و روزه انکار کند، در صورتی که بداند آن حکم ضروری دین است مرتد می شود.

کد مسأله: ۶۴۰۵۱

مسأله ۲۴۵۷

مسأله ۲۴۵۷- اگر زن پیش از آن که شوهرش با او نزدیکی کند به طوری که در مسأله پیش گفته شد مرتد شود، عقد او باطل می گردد. همچنین است اگر بعد از نزدیکی مرتد شود ولی یائسه باشد یعنی اگر سیده است شصت سال و اگر سیده نیست پنجاه سال او تمام شده باشد اما اگر یائسه نباشد، باید به دستوری که در احکام طلاق گفته خواهد شد عده نگهدارد، پس اگر در بین عده مسلمان شود عقد باقی و اگر تا آخر عده مرتد بماند عقد باطل است.

کد مسأله: ۶۴۰۵۲

مسأله ۲۴۵۸

مسأله ۲۴۵۸- مردی که مسلمان زاده است اگر مرتد شود زنش بر او حرام می شود و باید به مقداری که در احکام طلاق گفته می- شود عده وفات نگهدارد.

کد مسأله: ۶۴۰۵۳

مسأله ۲۴۵۹

مسأله ۲۴۵۹- مردی که از پدر و مادر غیر مسلمان به دنیا آمده و مسلمان شده، اگر پیش از نزدیکی با عیالش مرتد شود، عقد او باطل می گردد. و اگر بعد از نزدیکی مرتد شود، چنانچه زن او در سن زنهایی باشد که حیض می بیند باید آن زن به مقداری که در احکام طلاق گفته می شود، عده نگهدارد، پس اگر پیش از تمام شدن عده، شوهر او مسلمان شود عقد باقی و گرنه باطل است.

کد مسأله: ۶۴۰۵۴

مسأله ۲۴۶۰

مسأله ۲۴۶۰- اگر زن در عقد با مرد شرط کند که او را از شهری بیرون نبرد و مرد هم قبول کند نباید زن را از آن شهر بیرون ببرد.

کد مسأله: ۶۴۰۵۵

مسأله ۲۴۶۱

مسأله ۲۴۶۱- اگر زن انسان از شوهر دیگرش دختری داشته باشد انسان می تواند آن دختر را برای پسر خود که از آن زن نیست عقد کند و نیز اگر دختری را برای پسر خود عقد کند می تواند با مادر آن دختر ازدواج نماید.

کد مسأله: ۶۴۰۵۶

مسأله ۲۴۶۲

مسأله ۲۴۶۲- اگر زنی از زنا آستن شود، در صورتی که خود آن زن، یا مردی که با او زنا کرده، یا هر دوی آنان مسلمان باشند،

برای آن زن جایز نیست بچه‌اش را سقط کند.

۱- در صورت عدم اسلام هر دو اگر اهل ذمه هستند سقط جایز نیست و اگر کافر حربی هستند سقط جایز است
کد مسأله: ۶۴۰۵۷

مسأله ۲۴۶۳

مسأله ۲۴۶۳- اگر کسی با زنی که شوهر ندارد و در عده کسی هم نیست زنا کند، چنانچه بعد او را عقد کند و بچه‌ای از آنان پیدا شود، در صورتی که ندانند از نطفه حلال است یا حرام. آن بچه حلال زاده است.
کد مسأله: ۶۴۰۵۸

مسأله ۲۴۶۴

مسأله ۲۴۶۴- اگر مرد نداند که زن در عده است و با او ازدواج کند، چنانچه زن هم نداند و بچه‌ای از آنان به دنیا آید، حلال زاده است و شرعاً فرزند هر دو می باشد. ولی اگر زن می دانسته که در عده است، (۱) شرعاً بچه فرزند پدر است و در هر دو صورت عقد آنان باطل است و به یکدیگر حرام می باشند.
۱- و می دانسته که نکاح در عده جایز نیست.
کد مسأله: ۶۴۰۵۹

مسأله ۲۴۶۵

مسأله ۲۴۶۵- اگر زن بگوید یا نسهام نباید حرف او را قبول کرد ولی اگر بگوید شوهر ندارم حرف او قبول می شود.
کد مسأله: ۶۴۰۶۰

مسأله ۲۴۶۶

مسأله ۲۴۶۶- اگر بعد از آنکه انسان با زنی ازدواج کرد کسی بگوید آن زن شوهر داشته و زن بگوید نداشتم، چنانچه شرعاً ثابت نشود که زن شوهر داشته، باید حرف زن را قبول کرد.
کد مسأله: ۶۴۰۶۱

مسأله ۲۴۶۷

مسأله ۲۴۶۷- تا هفت سال دختر تمام نشده، پدر نمی تواند او را از مادرش جدا کند. (۱)
۱- بلکه بعد از دو سال می تواند و فرقی بین دختر و پسر نیست و لکن تا هفت سال مراعات احتیاط حسن است.
کد مسأله: ۶۴۰۶۲

مسأله ۲۴۶۸

مسأله ۲۴۶۸- مستحب است در شوهر دادن دختری که بالغه است یعنی مکلف شده عجله کنند، حضرت صادق علیه السلام

فرمودند: یکی از سعادت‌های مرد آن است که دخترش در خانه او حیض نبیند.

کد مسأله: ۶۴۰۶۳

مسأله ۲۴۶۹

مسأله ۲۴۶۹- اگر زن مهر خود را به شوهر صلح کند که زن دیگر نگیرد، احتیاط واجب (۱) آن است که زن مهر را نگیرد و شوهر هم با زن دیگر ازدواج نکند.

۱- بلکه واجب است و نتیجه صلح خروج مهر از ملکیت زوجه و دخول آن در ملکیت زوج است و وجوب وفاء و عمل بر طبق صلح نسبت به زوج در ترک ازدواج با زن دیگر است و اگر مرد با زن دیگر ازدواج کرد عقد او صحیح است ولی معصیت کرده.

کد مسأله: ۶۴۰۶۴

مسأله ۲۴۷۰

مسأله ۲۴۷۰- کسی که از زنا به دنیا آمده، اگر زن بگیرد و بچه‌ای پیدا کند آن بچه حلال زاده است.

کد مسأله: ۶۴۰۶۵

مسأله ۲۴۷۱

مسأله ۲۴۷۱- هر گاه مرد در روزه ماه رمضان یا در حال حیض زن، با او نزدیکی کند معصیت کرده ولی اگر بچه‌ای از آنان به دنیا آید، حلال زاده است.

کد مسأله: ۶۴۰۶۶

مسأله ۲۴۷۲

مسأله ۲۴۷۲- زنی که یقین دارد شوهرش در سفر مرده، اگر بعد از عده وفات که مقدار آن در احکام طلاق گفته خواهد شد، شوهر کند و شوهر اول از سفر برگردد باید از شوهر دوم جدا شود و به شوهر اول حلال است ولی اگر شوهر دوم با او نزدیکی کرده باشد، زن باید عده نگه دارد و شوهر دوم باید مهر او را مطابق زنهایی که مثل او هستند بدهد، ولی خرج عده ندارد.

کد مسأله: ۶۴۰۶۷

احکام شیر دادن

مسأله ۲۴۷۳

مسأله ۲۴۷۳- اگر زنی بچه‌ای را با شرایطی که در مسأله ۲۴۸۳ گفته خواهد شد شیر دهد، آن بچه به این عده محرم می‌شود:
اول: خود زن و آن را مادر رضاعی می‌گویند.

دوم: شوهر زن که شیر مال اوست و او را پدر رضاعی می‌گویند.

سوم: پدر و مادر آن زن هر چه بالا روند، اگر چه پدر و مادر رضاعی او باشند.

چهارم: بچه‌هایی که از آن زن به دنیا آمده‌اند، یا به دنیا می‌آیند.

پنجم: بچه‌های اولاد آن زن هر چه پایین روند، چه از اولاد او به دنیا آمده، یا اولاد او آن بچه‌ها را شیر داده باشند.
 ششم: خواهر و برادر آن زن اگر چه رضاعی باشند. یعنی به واسطه شیر خوردن، با آن زن خواهر و برادر شده باشند.
 هفتم: عمو و عمه آن زن اگر چه رضاعی باشند.
 هشتم: دایی و خاله آن زن اگر چه رضاعی باشند.
 نهم: اولاد شوهر آن زن که شیر مال آن شوهر است، هر چه پایین روند، اگر چه اولاد رضاعی او باشند.
 دهم: پدر و مادر شوهر آن زن که شیر مال آن شوهر است، هر چه بالا روند.
 یازدهم: خواهر و برادر شوهری که شیر مال او است اگر چه خواهر و برادر رضاعی او باشند.
 دوازدهم: عمو و عمه و دایی و خاله شوهری که شیر مال اوست هر چه بالا روند، اگر چه رضاعی باشند. و نیز عده دیگری هم که در مسایل بعد گفته می‌شود، به واسطه شیر دادن محرم می‌شوند.
 کد مسأله: ۶۴۰۶۸

مسأله ۲۴۷۴

مسأله ۲۴۷۴- اگر زنی بچه‌ای را با شرایطی که در مسأله ۲۴۸۳ گفته می‌شود شیر دهد پدر آن بچه نمی‌تواند با دخترهایی که از آن زن به دنیا آمده‌اند ازدواج کند و نیز نمی‌تواند دخترهای شوهری را که شیر مال اوست، اگر چه دخترهای رضایی او باشند برای خود عقد نماید ولی جایز است با دخترهای رضاعی آن زن ازدواج کند، اگر چه احتیاط مستحب آن است که با آنان ازدواج نکند و نگاه محرمانه یعنی نگاهی که انسان می‌تواند به محرمهای خود کند به آنان ننماید.
 کد مسأله: ۶۴۰۶۹

مسأله ۲۴۷۵

مسأله ۲۴۷۵- اگر زنی بچه‌ای را با شرایطی که در مسأله ۲۴۸۳ گفته می‌شود شیر دهد، شوهر آن زن که صاحب شیر است به خواهرهای آن بچه محرم نمی‌شود. ولی احتیاط مستحب آن است که با آنان ازدواج ننماید و نیز خویشان شوهر به خواهر و برادر آن بچه محرم نمی‌شوند.
 کد مسأله: ۶۴۰۷۰

مسأله ۲۴۷۶

مسأله ۲۴۷۶- اگر زنی بچه‌ای را شیر دهد به برادرهای آن بچه محرم نمی‌شود و نیز خویشان آن زن به برادر و خواهر بچه‌ای که شیر خورده محرم نمی‌شوند.
 کد مسأله: ۶۴۰۷۱

مسأله ۲۴۷۷

مسأله ۲۴۷۷- اگر انسان با زنی که دختری را شیر کامل داده ازدواج کند و با آن زن نزدیکی نماید، دیگر نمی‌تواند آن دختر را برای خود عقد کند.
 کد مسأله: ۶۴۰۷۲

مسئله ۲۴۷۸

مسئله ۲۴۷۸- اگر انسان با دختری ازدواج کند دیگر نمی‌تواند با زنی که آن دختر را شیر کامل داده ازدواج نماید.
کد مسئله: ۶۴۰۷۳

مسئله ۲۴۷۹

مسئله ۲۴۷۹- انسان نمی‌تواند با دختری که مادر یا مادر بزرگ انسان او را شیر کامل داده ازدواج کند و نیز اگر زن پدر انسان از شیر پدر او دختری را شیر داده باشد انسان نمی‌تواند با آن دختر ازدواج نماید و چنانچه دختر شیرخواری را برای خود عقد کند بعد مادر یا مادر بزرگ یا زن پدر (۱) او آن دختر را شیر دهد عقد باطل می‌شود.
۱- به شرطی که از شیر پدر او باشد.
کد مسئله: ۶۴۰۷۴

مسئله ۲۴۸۰

مسئله ۲۴۸۰- با دختری که خواهر یا زن برادر انسان (۱) او را شیر کامل داده نمی‌شود ازدواج کرد. و همچنین است اگر خواهرزاده یا برادرزاده یا نوه خواهر یا نوه برادر انسان آن دختر را شیر داده باشد.
۱- بشرطی که از شیر برادر او باشد.
کد مسئله: ۶۴۰۷۵

مسئله ۲۴۸۱

مسئله ۲۴۸۱- اگر زنی بچه دختر خود را شیر دهد آن دختر به شوهر خود حرام می‌شود و همچنین است اگر بچه‌ای را که شوهر دخترش از زن دیگر دارد شیر دهد ولی اگر بچه پسر خود را شیر دهد زن پسرش که مادر آن طفل شیر خوار است بر شوهر خود حرام نمی‌شود.
کد مسئله: ۶۴۰۷۶

شرایط شیر دادنی که علت محرم شدن است**مسئله ۲۴۸۲**

مسئله ۲۴۸۲- اگر زن پدر دختری، بچه شوهر آن دختر را از شیر دهد، (۱) آن دختر به شوهر خود حرام می‌شود، چه بچه از همان دختر یا زن دیگر شوهر او باشد.
۱- به شرطی که از شیر پدر آن دختر باشد.
کد مسئله: ۶۴۰۷۷

مسئله ۲۴۸۳

مسأله ۲۴۸۳- شیر دادنی که علت محرم شدن است هشت شرط دارد:

اول: بچه شیر زن زنده را بخورد، پس اگر از پستان زنی که مرده است شیر بخورد فایده ندارد.

دوم: شیر آن زن از حرام نباشد، پس اگر شیر بچه‌ای را که از زنا به دنیا آمده به بچه دیگر بدهند، به واسطه آن شیر، بچه به کسی محرم نمی‌شود.

سوم: بچه شیر را از پستان بمکد پس اگر شیر را در گلوی او بریزند نتیجه ندارد.

چهارم: شیر خالص و با چیز دیگر مخلوط نباشد. (۱)

پنجم: شیر از یک شوهر باشد. پس اگر زن شیر دهی را طلاق دهند، بعد شوهر دیگری کند و از او آبستن شود و تا موقع زاییدن، شیری که از شوهر اول داشته باقی باشد و مثلاً هشت دفعه پیش از زاییدن از شیر شوهر اول و هفت دفعه بعد از زاییدن از شیر شوهر دوم به بچه‌ای بدهد، آن بچه به کسی محرم نمی‌شود.

ششم: بچه به واسطه مرض شیر را قی نکند و اگر قی کند بنا بر احتیاط واجب کسانی که به واسطه شیر خوردن به آن بچه محرم می‌شوند باید با او ازدواج نکنند و نگاه محرمانه هم به او نمایند.

هفتم: پانزده مرتبه یا یک شبانه روز به طوری که در مساله بعد گفته می‌شود شیر سیر بخورد یا مقداری شیر به او بدهند که بگویند از آن شیر استخوانش محکم شده و گوشت در بدنش روییده است، بلکه اگر ده مرتبه هم به او شیر دهند احتیاط مستحب آن است کسانی که به واسطه شیر خوردن او به او محرم می‌شوند با او ازدواج نکنند و نگاه محرمانه هم به او نمایند.

هشتم: دو سال بچه تمام نشده باشد و اگر بعد از تمام شدن دو سال او را شیر دهند به کسی محرم نمی‌شود بلکه اگر مثلاً پیش از تمام شدن دو سال چهارده مرتبه و بعد از آن یک مرتبه شیر بخورد به کسی محرم نمی‌شود، ولی چنانچه از موقع زاییدن زن شیرده بیشتر از دو سال گذشته باشد و شیر او باقی باشد و بچه‌ای را شیر دهد آن بچه به کسانی که گفته شد محرم می‌شود.

۱- در صورت استهلاک آن چیز در شیر اشکالی ندارد

کد مسأله: ۶۴۰۷۸

مسأله ۲۴۸۴

مسأله ۲۴۸۴- باید بچه در بین یک شبانه روز غذا یا شیر کس دیگر را نخورد ولی اگر کمی غذا بخورد که نگویند در بین، غذا خورده اشکال ندارد و نیز باید پانزده مرتبه را از شیر یک زن بخورد و در بین پانزده مرتبه شیر کس دیگر را نخورد و در هر دفعه بدون فاصله شیر بخورد ولی اگر در بین شیر خوردن نفس تازه کند یا کمی صبر کند که از اولی که پستان در دهان می‌گیرد تا وقتی سیر می‌شود یک دفعه حساب شود اشکال ندارد.

کد مسأله: ۶۴۰۷۹

مسأله ۲۴۸۵

مسأله ۲۴۸۵- اگر زن از شیر شوهر خود بچه‌ای را شیر دهد بعد شوهر دیگر کند و از شیر آن شوهر هم بچه دیگر را شیر دهد آن دو بچه به یکدیگر محرم نمی‌شوند اگر چه بهتر است با هم ازدواج نکنند و نگاه محرمانه به یکدیگر نمایند.

کد مسأله: ۶۴۰۸۰

مسأله ۲۴۸۶

مسئله ۲۴۸۶- اگر زن از شیر یک شوهر چندین بچه را شیر دهد، همه آنان به یکدیگر و به شوهر و به زنی که آنان را شیر داده محرم می‌شوند.
کد مسئله: ۶۴۰۸۱

مسئله ۲۴۸۷

مسئله ۲۴۸۷- اگر کسی چند زن داشته باشد و هر کدام آنان با شرایطی که گفتیم بچه‌ای را شیر دهد همه آن بچه‌ها به یکدیگر و به آن مرد و به همه آن زنها محرم می‌شوند.
کد مسئله: ۶۴۰۸۲

مسئله ۲۴۸۸

مسئله ۲۴۸۸- اگر کسی دو زن شیرده داشته باشد و یکی از آنان بچه‌ای را مثلاً هشت مرتبه و دیگری هفت مرتبه شیر بدهد آن بچه به کسی محرم نمی‌شود.
کد مسئله: ۶۴۰۸۳

مسئله ۲۴۸۹

مسئله ۲۴۸۹- اگر زنی از شیر یک شوهر پسر و دختری را شیر کامل بدهد خواهر و برادر آن دختر به خواهر و برادر آن پسر محرم نمی‌شوند.
کد مسئله: ۶۴۰۸۴

مسئله ۲۴۹۰

مسئله ۲۴۹۰- انسان نمی‌تواند بدون اذن زن خود با زنهایی که به واسطه شیر خوردن خواهرزاده یا برادر زاده زن او شده‌اند ازدواج کند و نیز اگر با پسری لواط کند، احتیاط واجب (۱) آن است که دختر و خواهر و مادر و مادر بزرگ آن پسر را که رضاعی هستند یعنی به واسطه شیر خوردن دختر و خواهر و مادر او شده‌اند، برای خود عقد نکند.
۱- بلکه واجب است علی‌الاقوی
کد مسئله: ۶۴۰۸۵

مسئله ۲۴۹۱

مسئله ۲۴۹۱- زنی که برادر انسان را شیر داده به انسان محرم نمی‌شود، اگر چه احتیاط مستحب آن است که با او ازدواج نکند.
کد مسئله: ۶۴۰۸۶

مسئله ۲۴۹۲

مسئله ۲۴۹۲- انسان نمی‌تواند با دو خواهر اگر چه رضاعی باشند یعنی به واسطه شیر خوردن خواهر یکدیگر شده باشند ازدواج کند

و چنانچه دو زن را عقد کند و بعد بفهمد خواهر بوده‌اند در صورتی که عقد آنان در یک وقت بوده هر دو باطل است (۱) و اگر در یک وقت نبوده عقد اولی صحیح و عقد دومی باطل می‌باشد.

۱- بحسب قاعده ولکن نص صحیح دلالت دارد بر تخییر یعنی یکی را امساک کند و دیگری را ترک نماید.

کد مسأله: ۶۴۰۸۷

مسأله ۲۴۹۳

مسأله ۲۴۹۳- اگر زن از شیر شوهر خود کسانی را که بعداً گفته می‌شود شیر دهد شوهرش بر او حرام نمی‌شود، اگر چه بهتر آن است که احتیاط کنند:

اول: برادر و خواهر خود را.

دوم: عمو و عمه و دایی و خاله خود را.

سوم: اولاد عمو و اولاد دایی خود را.

چهارم: برادر زاده خود را.

پنجم: برادر شوهر یا خواهر شوهر خود را.

ششم: خواهر زاده خود یا خواهر زاده شوهرش را.

هفتم: عمو و عمه و دایی و خاله شوهرش را.

هشتم: نوه زن دیگر شوهر خود را.

کد مسأله: ۶۴۰۸۸

مسأله ۲۴۹۴

مسأله ۲۴۹۴- اگر کسی دختر عمه یا دختر خاله انسان را شیر دهد به انسان محرم نمی‌شود ولی احتیاط مستحب آن است که از ازدواج با او خودداری نماید.

کد مسأله: ۶۴۰۸۹

مسأله ۲۴۹۵

مسأله ۲۴۹۵- مردی که دو زن دارد اگر یکی از آن دو زن فرزند عموی زن دیگر را شیر دهد زنی که فرزند عموی او شیر خورده به شوهر خود حرام نمی‌شود.

کد مسأله: ۶۴۰۹۰

آداب شیر دادن

مسأله ۲۴۹۶

مسأله ۲۴۹۶- برای شیر دادن بچه بهتر از هر کس مادر اوست و سزاوار است که مادر برای شیر دادن از شوهر خود مزد نگیرد و خوب است که شوهر مزد بدهد و اگر مادر بخواهد بیشتر از دایه مزد بگیرد شوهر می‌تواند بچه را از او گرفته و به دایه بدهد.

کد مسأله: ۶۴۰۹۱

مسأله ۲۴۹۷

مسأله ۲۴۹۷- مستحب است دایه‌ای که برای طفل می‌گیرند دوازده امامی و دارای عقل و عفت و صورت نیکو باشد و مکروه است کم عقل یا غیر دوازده امامی یا بد صورت یا بد خلق یا زنا زاده باشد و نیز مکروه است دایه‌ای بگیرند که بچه‌ای که دارد از زنا به دنیا آمده باشد.

کد مسأله: ۶۴۰۹۲

مسائل متفرقه شیر دادن**مسأله ۲۴۹۸**

مسأله ۲۴۹۸- مستحب است از زنها جلوگیری کنند که هر بچه‌ای را شیر ندهند زیرا ممکن است فراموش شود که به چه کسانی شیر داده‌اند و بعدا دو نفر محرم با یکدیگر ازدواج نمایند.

کد مسأله: ۶۴۰۹۳

مسأله ۲۴۹۹

مسأله ۲۴۹۹- کسانی که به واسطه شیر خوردن خویشی پیدا می‌کنند مستحب است یکدیگر را احترام نمایند ولی از یکدیگر ارث نمی‌برند و حقه‌ای خویشی که انسان با خویشان خود دارد برای آنان نیست.

کد مسأله: ۶۴۰۹۴

مسأله ۲۵۰۰

مسأله ۲۵۰۰- در صورتی که ممکن باشد مستحب است بچه را دو سال تمام شیر بدهند.

کد مسأله: ۶۴۰۹۵

مسأله ۲۵۰۱

مسأله ۲۵۰۱- اگر به واسطه شیر دادن حق شوهر از بین نرود زن می‌تواند بدون اجازه شوهر بچه کس دیگر را شیر دهد، ولی جایز نیست بچه‌ای را شیر دهد که به واسطه شیر دادن به آن بچه به شوهر خود حرام شود مثلا اگر شوهر او دختر شیرخواری را برای خود عقد کرده باشد زن نباید آن دختر را شیر دهد، چون اگر آن دختر را شیر دهد خودش مادر زن شوهر می‌شود و بر او حرام می‌گردد.

کد مسأله: ۶۴۰۹۶

مسأله ۲۵۰۲

مسأله ۲۵۰۲- اگر کسی بخواهد زن برادرش به او محرم شود باید دختر شیرخواری را مثلا دو روزه برای خود صیغه کند و در آن

دو روز با شرایطی که در مسأله ۲۴۸۳ گفته شد زن برادرش آن دختر را شیر دهد.

کد مسأله: ۶۴۰۹۷

مسأله ۲۵۰۳

مسأله ۲۵۰۳- اگر مرد پیش از آن که زنی را برای خود عقد کند بگوید به واسطه شیر خوردن آن زن بر او حرام شده: مثلاً بگوید شیر مادر او را خورده چنانچه تصدیق او ممکن باشد نمی‌تواند با آن زن ازدواج کند. و اگر بعد از عقد بگوید و خود زن هم حرف او را قبول نماید عقد باطل است پس اگر مرد با او نزدیکی نکرده باشد یا نزدیکی کرده باشد ولی در وقت نزدیکی کردن زن بداند بر آن مرد حرام است، مهر ندارد و اگر بعد از نزدیکی بفهمد که بر آن مرد حرام بوده، شوهر باید مهر او را مطابق زنهایی که مثل او هستند بدهد.

کد مسأله: ۶۴۰۹۸

مسأله ۲۵۰۴

مسأله ۲۵۰۴- اگر زن پیش از عقد بگوید به واسطه شیر خوردن بر مردی حرام شده چنانچه تصدیق او ممکن باشد نمی‌تواند با آن مرد ازدواج کند و اگر بعد از عقد بگوید مثل صورتی است که مرد بعد از عقد بگوید که زن بر او حرام است و حکم آن در مسأله پیش گفته شد.

کد مسأله: ۶۴۰۹۹

مسأله ۲۵۰۵

مسأله ۲۵۰۵- شیر دادنی که علت محرم شدن است به دو چیز ثابت می‌شود:

اول: خبر دادن عده‌ای که انسان از گفته آنان یقین پیدا کند. (۱)

دوم: شهادت دو مرد عادل یا چهار زن (۲) که عادل باشند.

ولی باید شرایط شیر دادن را هم بگویند مثلاً بگویند ما دیده‌ایم که فلان بچه بیست و چهار ساعت از پستان فلان زن شیر خورده و چیزی هم در بین نخورده و همچنین سایر شرطها را که در مسأله ۲۴۸۳ گفته شد شرح دهند.

۱- یا اطمینان پیدا کند.

۲- و یا یک مرد عادل و دو زن عادل شهادت دهند ثابت می‌شود.

کد مسأله: ۶۴۱۰۱

مسأله ۲۵۰۶

مسأله ۲۵۰۶- اگر شک کنند بچه به مقداری که علت محرم شدن است شیر خورده یا نه یا گمان داشته باشند که به آن مقدار شیر خورده، بچه به کسی محرم نمی‌شود ولی بهتر آن است که احتیاط کنند.

کد مسأله: ۶۴۱۰۳

احکام طلاق

مسئله ۲۵۰۷

مسئله ۲۵۰۷- مردی که زن خود را طلاق می‌دهد، باید بالغ (۱) عاقل باشد و به اختیار خود طلاق دهد و اگر او را مجبور کنند که زنش را طلاق دهد طلاق باطل است و نیز باید قصد طلاق داشته باشد، پس اگر صیغه طلاق را به شوخی بگوید صحیح نیست.

۱- بلوغ زوج در طلاق شرط نیست پس طلاق زوج عاقل غیر بالغ صحیح است.

کد مسئله: ۶۴۱۰۴

مسئله ۲۵۰۸

مسئله ۲۵۰۸- زن باید در وقت طلاق از خون حیض و نفاس پاک باشد و شوهرش در آن پاکی با او نزدیکی نکرده باشد و تفصیل این دو شرط در مسایل آینده گفته می‌شود.

کد مسئله: ۶۴۱۰۵

مسئله ۲۵۰۹

مسئله ۲۵۰۹- طلاق دادن زن در حال حیض یا نفاس در سه صورت صحیح است:

اول: آنکه شوهرش بعد از ازدواج با او نزدیکی نکرده باشد.

دوم: معلوم باشد آبستن است و اگر معلوم نباشد و شوهر در حال حیض طلاقش بدهد، بعد بفهمد آبستن بوده، احتیاط واجب (۱) آن است که دوباره او را طلاق دهد.

سوم: مرد به واسطه غایب بودن نتواند بفهمد که زن از خون حیض یا نفاس پاک است یا نه.

۱- این احتیاط مستحسن است.

کد مسئله: ۶۴۱۰۶

مسئله ۲۵۱۰

مسئله ۲۵۱۰- اگر زن را از خون حیض پاک بدانند و طلاقش دهد، بعد معلوم شود که موقع طلاق در حال حیض بوده، طلاق او باطل است، و اگر او را در حیض بدانند و طلاقش دهد بعد معلوم شود پاک بوده، طلاق او صحیح است.

کد مسئله: ۶۴۱۰۷

مسئله ۲۵۱۱

مسئله ۲۵۱۱- کسی که می‌داند زنی در حال حیض یا نفاس است، اگر غایب شود مثلاً مسافرت کند و بخواهد او را طلاق دهد، باید تا مدتی که معمولاً زنها از حیض یا نفاس پاک می‌شوند، صبر کند.

کد مسئله: ۶۴۱۰۸

مسئله ۲۵۱۲

مسئله ۲۵۱۲- اگر مردی که غایب است بخواهد زن خود را طلاق دهد، چنانچه بتواند اطلاع پیدا کند که زن او در حال حیض یا

نفاس است یا نه، اگر چه اطلاع او از روی عادت حیض زن یا نشانه‌های دیگری باشد که در شرع معین شده، باید تا مدتی که معمولاً زن‌ها از حیض یا نفاس پاک می‌شوند، صبر کند.

کد مسأله: ۶۴۱۰۹

مسأله ۲۵۱۳

مسأله ۲۵۱۳- اگر با عیالش که از خون حیض و نفاس پاک است، نزدیکی کند و بخواهد طلاقش دهد، باید صبر کند تا دوباره حیض ببیند و پاک شود، ولی زنی را که نه سالش تمام نشده، یا آبستن است، اگر بعد از نزدیکی طلاق دهند، اشکال ندارد، و همچنین است اگر یائسه باشد، یعنی اگر سیده است بیشتر از شصت سال و اگر سیده نیست بیشتر از پنجاه سال داشته باشد.

کد مسأله: ۶۴۱۱۰

مسأله ۲۵۱۴

مسأله ۲۵۱۴- اگر با زنی که از خون حیض و نفاس پاک است، نزدیکی کند و در همان پاکی طلاقش دهد، چنانچه بعد معلوم شود که موقع طلاق آبستن بوده، بنا بر احتیاط واجب (۱) باید دوباره او را طلاق دهد.

۱- این احتیاط مستحسن است

کد مسأله: ۶۴۱۱۱

مسأله ۲۵۱۵

مسأله ۲۵۱۵- اگر با زنی که از خون حیض و نفاس پاک است نزدیکی کند و مسافرت نماید، چنانچه بخواهد در سفر طلاقش دهد، باید به قدری که زن معمولاً بعد از آن پاکی، خون می‌بیند و دوباره پاک می‌شود، صبر کند.

کد مسأله: ۶۴۱۳۶

مسأله ۲۵۱۶

مسأله ۲۵۱۶- اگر مرد بخواهد زن خود را که به واسطه مرضی حیض نمی‌بیند طلاق دهد، باید از وقتی که با او نزدیکی کرده، تا سه ماه از جماع با او خودداری نماید و بعد او را طلاق دهد.

کد مسأله: ۶۴۱۳۷

مسأله ۲۵۱۷

مسأله ۲۵۱۷- طلاق باید به صیغه عربی صحیح خوانده شود (۱) و دو مرد عادل آن را بشنوند و اگر خود شوهر بخواهد صیغه طلاق را بخواند و اسم زن او مثلاً فاطمه باشد، باید بگوید: "زوجتی فاطمه طالق" زن من فاطمه رها است، و اگر دیگری را وکیل کند، آن وکیل باید بگوید: "زوجه موکلی فاطمه طالق."

۱- بنا بر احتیاط در صورت ممکن والا به هر لغتی کافی است.

کد مسأله: ۶۴۱۳۸

مسئله ۲۵۱۸

مسئله ۲۵۱۸- زنی که صیغه شده، مثلاً یک ماهه یا یک ساله او را عقد کرده‌اند طلاق ندارد، و رها شدن او به این است که مدتش تمام شود یا مرد مدت را به او ببخشد، به این ترتیب که بگوید: "مدت را به تو بخشیدم،" و شاهد گرفتن و پاک بودن زن از حیض لازم نیست.

کد مسئله: ۶۴۱۳۹

عده طلاق**مسئله ۲۵۱۹**

مسئله ۲۵۱۹- زنی که نه سالش تمام نشده و زن یا نسه عده ندارد، یعنی اگر چه شوهرش با او نزدیکی کرده باشد، بعد از طلاق می‌تواند فوراً شوهر کند.

کد مسئله: ۶۴۱۴۰

مسئله ۲۵۲۰

مسئله ۲۵۲۰- زنی که نه سالش تمام شده و یا نسه نیست، اگر شوهرش با او نزدیکی کند و طلاقش دهد، بعد از طلاق باید عده نگهدارد یعنی بعد از آن که در پاکی طلاقش داد، به قدری صبر کند که دوبار حیض ببیند و پاک شود و همین که حیض سوم را دید، عده او تمام می‌شود و می‌تواند شوهر کند، ولی اگر پیش از نزدیکی کردن با او طلاقش دهد، عده ندارد، یعنی می‌تواند بعد از طلاق فوراً شوهر کند.

کد مسئله: ۶۴۱۴۱

مسئله ۲۵۲۱

مسئله ۲۵۲۱- زنی که حیض نمی‌بیند اگر در سن زنهایی باشد که حیض می‌بینند، چنانچه شوهرش او را طلاق دهد، باید بعد از طلاق تا سه ماه عده نگهدارد.

کد مسئله: ۶۴۱۴۲

مسئله ۲۵۲۲

مسئله ۲۵۲۲- زنی که عده او سه ماه است، اگر اول ماه طلاقش بدهند، باید سه ماه هلالی یعنی از موقعی که ماه دیده می‌شود تا سه ماه عده نگهدارد، و اگر در بین ماه طلاقش بدهند، باید باقی ماه را با دو ماه بعد از آن و نیز کسری ماه اول را از ماه چهارم عده نگهدارد تا سه ماه تمام شود، مثلاً اگر غروب روز بیستم ماه طلاقش بدهند و آن ماه بیست و نه روز باشد، باید نه روز باقی ماه را با دو ماه بعد از آن و بیست روز از ماه چهارم عده نگهدارد، و احتیاط مستحب آن است که از ماه چهارم بیست و یک روز عده نگهدارد تا با مقداری که از ماه اول عده نگهداشته سی روز شود.

کد مسئله: ۶۴۱۴۳

مسئله ۲۵۲۳

مسئله ۲۵۲۳- اگر زن آبستن را طلاق دهند، عده‌اش تا دنیا آمدن یا سقط شدن بچه او است، بنابر این اگر مثلاً یک ساعت بعد از طلاق بچه او به دنیا آید، عده‌اش تمام می‌شود.

کد مسئله: ۶۴۱۴۴

مسئله ۲۵۲۴

مسئله ۲۵۲۴- زنی که نه سالش تمام شده و یائسه نیست، اگر صیغه شود، مثلاً یک ماهه یا یک ساله، شوهر کند، چنانچه شوهرش با او نزدیکی نماید و مدت آن زن تمام شود یا شوهر مدت را به او ببخشد باید عده نگهدارد، پس اگر حیض می‌بیند بنابر احتیاط واجب (۱) باید به مقدار دو حیض یا به مقدار دو پاکی هر کدام که بیشتر است عده نگهدارد و شوهر نکند و اگر حیض نمی‌بیند، احتیاط واجب (۲) آن است که چهل و پنج روز از شوهر کردن خودداری نماید.

۱- این احتیاط واجب نیست دو حیض یا دو طهر هر کدام کافی است ولی ملاحظه اکثر مستحسن است.

۲- بلکه علی الاقوی عده او چهل و پنج روز است.

کد مسئله: ۶۴۱۴۵

مسئله ۲۵۲۵

مسئله ۲۵۲۵- ابتدای عده طلاق از موقعی است که خواندن صیغه طلاق تمام می‌شود، چه زن بداند طلاقش داده‌اند یا نداند، پس اگر بعد از تمام شدن عده بفهمد که او را طلاق داده‌اند، لازم نیست دوباره عده نگهدارد.

کد مسئله: ۶۴۱۴۶

عده زنی که شوهرش مرده**مسئله ۲۵۲۶**

مسئله ۲۵۲۶- زنی که شوهرش مرده، اگر آبستن نباشد، باید تا چهار ماه و ده روز (۱) عده نگهدارد یعنی از شوهر کردن خودداری نماید اگر چه یائسه یا صیغه باشد، یا شوهرش با او نزدیکی نکرده باشد، و اگر آبستن باشد باید تا موقع زاییدن عده نگهدارد، ولی اگر پیش از گذشتن چهار ماه و ده روز، بچه‌اش به دنیا آید، باید تا چهار ماه و ده روز از مرگ شوهرش صبر کند، و این عده را عده وفات می‌گویند.

۱- اگر حزه (آزاد) باشد والا دو ماه و پنج روز عده وفات اوست.

کد مسئله: ۶۴۱۴۷

مسئله ۲۵۲۷

مسئله ۲۵۲۷- زنی که در عده وفات می‌باشد حرام است لباس الوان بپوشد و سرمه بکشد و همچنین کارهای دیگری که زینت حساب شود بر او حرام می‌باشد.

کد مسئله: ۶۴۱۴۸

مسئله ۲۵۲۸

مسئله ۲۵۲۸- اگر زن یقین کند که شوهرش مرده و بعد از تمام شدن عده وفات شوهر کند، چنانچه معلوم شود شوهر او بعدا مرده است، باید از شوهر دوم جدا شود و در صورتی که آبستن باشد، به مقداری که در عده طلاق گفته شد برای شوهر دوم عده طلاق و بعد برای شوهر اول عده وفات نگهدارد، و اگر آبستن نباشد، برای شوهر اول عده وفات و بعد برای شوهر دوم عده طلاق نگهدارد.

کد مسئله: ۶۴۱۴۹

مسئله ۲۵۲۹

مسئله ۲۵۲۹- ابتدای عده وفات از موقعی است که زن از مرگ شوهر مطلع شود.

کد مسئله: ۶۴۱۵۰

مسئله ۲۵۳۰

مسئله ۲۵۳۰- اگر زن بگوید عده‌ام تمام شده، با دو شرط از او قبول می‌شود:

اول: آنکه مورد تهمت نباشد.

دوم: از طلاق یا مردن شوهرش به قدری گذشته باشد که در آن مدت، تمام شدن عده ممکن باشد.

کد مسئله: ۶۴۱۵۱

طلاق بائن و طلاق رجعی**مسئله ۲۵۳۱**

مسئله ۲۵۳۱- طلاق بائن آن است که بعد از طلاق مرد حق ندارد به زن خود رجوع کند یعنی بدون عقد او را به زنی قبول نماید و

آن بر پنج قسم است:

اول: طلاق زنی که نه سالش تمام نشده باشد.

دوم: طلاق زنی که یائسه باشد. یعنی اگر سیده است بیشتر از شصت سال و اگر سیده نیست بیشتر از پنجاه سال داشته باشد.

سوم: طلاق زنی که شوهرش بعد از عقد با او نزدیکی نکرده باشد.

چهارم: طلاق زنی که او را سه دفعه طلاق داده‌اند.

پنجم: طلاق خلع و مبارات، و احکام اینها بعدا گفته خواهد شد.

و غیر اینها طلاق رجعی است، که بعد از طلاق تا وقتی زن در عده است مرد می‌تواند به او رجوع نماید.

کد مسئله: ۶۴۱۵۲

مسئله ۲۵۳۲

مسئله ۲۵۳۲- کسی که زنش را طلاق رجعی داده، حرام است او را از خانه‌ای که موقع طلاق در آن خانه بوده بیرون کند، ولی در

بعضی از مواقع (۱) در کتابهای مفصل گفته شده، بیرون کردن او اشکال ندارد، و نیز حرام است زن برای کارهای غیر لازم از آن خانه بیرون رود.

۱- جهت اجراء حد زنا یا به جهت ایذا اهل خانه آن را به خانه دیگر منتقل می کنند.
کد مسأله: ۶۴۱۵۳

احکام رجوع کردن

مسأله ۲۵۳۳

مسأله ۲۵۳۳- در طلاق رجعی مرد به دو قسم می تواند به زن خود رجوع کند:
اول: حرفی بزند که معنایش این باشد که او را دوباره زن خود قرار داده است.
دوم: کاری کند که از آن بفهمد رجوع کرده است.
کد مسأله: ۶۴۱۵۴

مسأله ۲۵۳۴

مسأله ۲۵۳۴- برای رجوع کردن لازم نیست مرد شاهد بگیرد، یا به زن خبر دهد، بلکه اگر بدون این که کسی بفهمد بگوید به زنم رجوع کردم، صحیح است.
کد مسأله: ۶۴۱۵۵

مسأله ۲۵۳۵

مسأله ۲۵۳۵- مردی که زن خود را طلاق رجعی داده اگر مالی از او بگیرد و با او صلح کند که به او رجوع نکند حق رجوع او از بین نمی رود.
کد مسأله: ۶۴۱۵۶

مسأله ۲۵۳۶

مسأله ۲۵۳۶- اگر زنی را دوبار طلاق دهد و به او رجوع کند، یا دو بار او را طلاق دهد و بعد از هر طلاق عقدش کند، بعد از طلاق سوم، آن زن بر او حرام است. ولی اگر بعد از طلاق سوم به دیگری شوهر کند، با چهار شرط به شوهر اول حلال می شود، یعنی می تواند آن زن را دوباره عقد نماید:
اول: آنکه عقد شوهر دوم همیشگی باشد و اگر مثلاً یک ماهه یا یک ساله او را صیغه کند، بعد از آن که از او جدا شد، شوهر اول نمی تواند او را عقد کند.

دوم: شوهر دوم با او نزدیکی و دخول کند. (۱)

سوم: شوهر دوم طلاقش دهد یا بمیرد.

چهارم: عده طلاق یا عده وفات شوهر دوم تمام شود.

۱- احتیاط لازم آن است که در قبل باشد و انزال هم واقع گردد.

کد مسأله: ۶۴۱۵۷

طلاق خلع**مسأله ۲۵۳۷**

مسأله ۲۵۳۷- طلاق زنی را که به شوهرش مایل نیست (۱) و مهر یا مال دیگر خود را به او می‌بخشد که طلاقش دهد طلاق خلع گویند.

۱- بلکه کراهت دارد و در صورت عدم کراهت بذل باطل و طلاق رجعی است.

کد مسأله: ۶۴۱۵۸

مسأله ۲۵۳۸

مسأله ۲۵۳۸- اگر شوهر بخواهد صیغه طلاق خلع را بخواند، چنانچه اسم زن مثلاً فاطمه باشد می‌گوید: "زوجتی فاطمه خالعتها (۱) علی ما بذلت هی طالق" یعنی زنم فاطمه را طلاق خلع دادم او رها است.

۱- باید خلعتها بگوید

کد مسأله: ۶۴۱۵۹

مسأله ۲۵۳۹

مسأله ۲۵۳۹- اگر زنی کسی را وکیل کند که مهر او را به شوهرش ببخشد و شوهر، همان کس را وکیل کند که زن را طلاق دهد. چنانچه مثلاً اسم شوهر محمد و اسم زن فاطمه باشد وکیل صیغه را این طور می‌خواند: "عن موکلتی فاطمه بذلت مهرها لموکلای محمد لیخلعها علیه" پس از آن بدون فاصله می‌گوید: "زوجه موکلای خالعتها (۱) علی ما بذلت هی طالق" و اگر زنی کسی را وکیل کند که غیر از مهر چیز دیگری را به شوهر ببخشد که او را طلاق دهد وکیل به جای کلمه (مهرها) آن چیز را بگوید، مثلاً اگر صد تومان داده باید بگوید: "بذلت ماه تومان".

۱- باید خلعتها بگوید و احتیاطاً وکیل از طرف زوج قبول بذل نماید به این نحو که بگوید قبلت البذل لموکلای فهی علی ما بذلت مختلعه

کد مسأله: ۶۴۱۶۰

طلاق مبارات**مسأله ۲۵۴۰**

مسأله ۲۵۴۰- اگر زن و شوهر یکدیگر را نخواهند و زن مالی به مرد بدهد که او را طلاق دهد، آن طلاق را مبارات گویند.

کد مسأله: ۶۴۱۶۱

مسأله ۲۵۴۱

مسئله ۲۵۴۱- اگر شوهر بخواهد صیغه مبارات را بخواند چنانچه مثلا اسم زن فاطمه باشد، باید بگوید: "بارات زوجتی فاطمه علی مهرها فهی طالق" یعنی مبارات کردم زنم فاطمه را در مقابل مهر او پس او رها است، و اگر دیگری را وکیل کند، وکیل باید بگوید: "بارات زوجه موکلی فاطمه علی مهرها فهی طالق" و در هر دو صورت اگر بجای کلمه "علی مهرها" "بمهرها" بگوید اشکال ندارد.

کد مسئله: ۶۴۱۶۲

مسئله ۲۵۴۲

مسئله ۲۵۴۲- صیغه طلاق خلع و مبارات باید به عربی صحیح خوانده شود، (۱) ولی اگر زن برای آن که مال خود را به شوهر ببخشد مثلا به فارسی بگوید: "برای طلاق فلان مال را به تو بخشیدم،" اشکال ندارد.

۱- بنا بر احتیاط

کد مسئله: ۶۴۱۶۳

مسئله ۲۵۴۳

مسئله ۲۵۴۳- اگر زن در بین عده طلاق خلع یا مبارات از بخشش خود برگردد، شوهر می‌تواند رجوع کند و بدون عقد دوباره او را زن خود قرار دهد.

کد مسئله: ۶۴۱۶۴

مسئله ۲۵۴۴

مسئله ۲۵۴۴- مالی را که شوهر برای طلاق مبارات می‌گیرد، باید بیشتر از مهر نباشد، ولی در طلاق خلع اگر بیشتر باشد، اشکال ندارد.

کد مسئله: ۶۴۱۶۵

احکام متفرقه طلاق

مسئله ۲۵۴۵

مسئله ۲۵۴۵- اگر با زن نامحرمی به گمان این که عیال خود او است نزدیکی کند، چه زن بداند که او شوهرش نیست، یا گمان کند که شوهرش می‌باشد باید عده نگهدارد. (۱)

۱- در صورتی که از طرف زن وطی به شبهه باشد احتیاط لازم این است که عده نگهدارد

کد مسئله: ۶۴۱۶۶

مسئله ۲۵۴۶

مسئله ۲۵۴۶- اگر با زنی که می‌داند عیالش نیست، زنا کند، چه زن بداند که آن مرد شوهر او نیست، یا گمان کند شوهرش می‌باشد، لازم نیست عده نگهدارد.

کد مسأله: ۶۴۱۶۷

مسأله ۲۵۴۷

مسأله ۲۵۴۷- اگر مرد، زنی را گول بزند که از شوهر طلاق بگیرد و زن او شود، طلاق و عقد آن صحیح است، ولی هر دو معصیت بزرگی کرده‌اند

کد مسأله: ۶۴۱۶۸

مسأله ۲۵۴۸

مسأله ۲۵۴۸- هرگاه زن در ضمن عقد با شوهر شرط کند که اگر شوهر مسافرت نماید، یا مثلاً شش ماه به او خرجی ندهد، اختیار طلاق با او باشد، این شرط باطل است، ولی چنانچه شرط کند که اگر مرد مسافرت کند، یا مثلاً تا شش ماه خرجی ندهد، از طرف او برای طلاق خود وکیل باشد، چنانچه به رضایت (۱) شوهرش خود را طلاق دهد صحیح است.

۱- اگر عزل از وکالت نشده رضایت نمی خواهد

کد مسأله: ۶۴۱۶۹

مسأله ۲۵۴۹

مسأله ۲۵۴۹- زنی که شوهرش گم شده، اگر بخواهد به دیگری شوهر کند باید نزد مجتهد عادل برود و به دستور او عمل نماید.

کد مسأله: ۶۴۱۷۰

مسأله ۲۵۵۰

مسأله ۲۵۵۰- پدر و جد پدری دیوانه می‌توانند زن او را طلاق بدهند. (۱)

۱- با رعایت مصلحت و اتصال جنون به زمان صغر و الا ولایت با حاکم شرع است و احتیاط آن است که با اذن آنها باشد و این احتیاط ترک نشود.

کد مسأله: ۶۴۱۷۱

مسأله ۲۵۵۱

مسأله ۲۵۵۱- اگر پدر و جد پدری برای طفل خود زنی را صیغه کند، اگرچه مقداری از زمان تکلیف بچه جزء مدت صیغه باشد، مثلاً برای پسر چهارده ساله خودش زنی را دو ساله صیغه کند چنانچه صلاح بچه باشد، می‌تواند مدت آن زن را ببخشد ولی زن دایمی او را نمی‌تواند طلاق دهد.

کد مسأله: ۶۴۱۷۲

مسأله ۲۵۵۲

مسأله ۲۵۵۲- اگر از روی علاماتی که در شرع معین شده، مرد دو نفر را عادل بداند و زن خود را پیش آنان طلاق دهد، دیگری که

آنان را عادل نمی‌داند (۱) می‌تواند آن زن را بعد از تمام شدن عده اش برای خود یا برای کس دیگر عقد کند، اگر چه احتیاط مستحب (۲) آن است که از ازدواج با او خودداری نماید و برای دیگری هم او را عقد نکند.

۱- اگر شاک باشد می‌تواند و اگر عالم به عدم عدالت باشد نمی‌تواند نه برای خودش و نه برای غیر او را عقد کند.

۲- این احتیاط لازم بلکه علی‌الاقوی جایز نیست آن را برای خود یا برای غیر ازدواج نماید.

کد مسأله: ۶۴۱۷۳

مسأله ۲۵۵۳

مسأله ۲۵۵۳- اگر کسی زن خود را بدون این که او بفهمد طلاق دهد، چنانچه مخارج او را مثل وقتی که زنش بوده بدهد و مثلاً بعد از یک سال بگوید: یک سال پیش تو را طلاق دادم و شرعاً هم ثابت کند، می‌تواند چیزهایی را که در آن مدت برای زن تهیه نموده و او مصرف نکرده است از او پس بگیرد ولی چیزهایی را که مصرف کرده نمی‌تواند از او مطالبه نماید.

کد مسأله: ۶۴۱۷۴

احکام غصب

مسأله ۲۵۵۴

غصب آن است که انسان از روی ظلم بر مال یا حق کسی مسلط شود و این یکی از گناهان بزرگ است که اگر کسی انجام دهد در قیامت به عذاب سخت گرفتار می‌شود. از حضرت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده است که هر کس یک وجب زمین از دیگری غصب کند، در قیامت آن زمین را از هفت طبقه آن مثل طوق بر گردن او می‌اندازد.

مسأله ۲۵۵۴- اگر انسان نگذارد مردم از مسجد و مدرسه و پل و جاهای دیگری که برای عموم ساخته شده استفاده کنند، حق آنان را غصب نموده، و همچنین است اگر کسی در مسجد جایی برای خود بگیرد و دیگری نگذارد که از آنجا استفاد نماید.

کد مسأله: ۶۴۱۷۵

مسأله ۲۵۵۵

مسأله ۲۵۵۵- چیزی را که انسان پیش طلبکار گرو می‌گذارد، باید پیش او بماند که اگر طلب او را ندهد طلب خود را از آن به دست آورد. پس اگر پیش از آن که طلب او را بدهد آن چیز را از او بگیرد، حق او را غصب کرده است.

کد مسأله: ۶۴۱۷۶

مسأله ۲۵۵۶

مسأله ۲۵۵۶- مالی را که نزد کسی گرو گذاشته‌اند، اگر دیگری غصب کند، صاحب مال و طلبکار می‌تواند چیزی را که غصب کرده، از او مطالبه نمایند، و چنانچه آن چیز را از او بگیرند، باز هم در گرو است، و اگر آن چیز از بین برود و عوض آن را بگیرند، آن عوض هم مثل خود آن چیز گرو می‌باشد.

کد مسأله: ۶۴۱۷۷

مسأله ۲۵۵۷

مسئله ۲۵۵۷- اگر انسان چیزی را غصب کند باید به صاحبش برگرداند و اگر آن چیز از بین برود باید عوض آن را به او بدهد.
کد مسئله: ۶۴۱۷۸

مسئله ۲۵۵۸

مسئله ۲۵۵۸- اگر از چیزی که غصب کرده منفعتی به دست آید مثلاً از گوسفندی که غصب کرده بره‌ای پیدا شود، مال صاحب مال است، و نیز کسی که مثلاً خانه‌ای را غصب کرده، اگر چه در آن نشیند، باید اجاره آن را بدهد.
کد مسئله: ۶۴۱۷۹

مسئله ۲۵۵۹

مسئله ۲۵۵۹- اگر از بچه یا دیوانه چیزی را غصب کند، باید آن را به ولی او بدهد و اگر از بین رفته، باید عوض آن را بدهد.
کد مسئله: ۶۴۱۸۰

مسئله ۲۵۶۰

مسئله ۲۵۶۰- هرگاه دو نفر با هم چیزی را غصب کنند، اگر چه هر یک به تنهایی می‌توانسته‌اند آن را غصب نمایند، هر کدام آنان ضامن نصف آن است. (۱)
۱- اگر استیلاء و ید هر کدام بر نصف آن چیز باشد و الا هر کدام ضامن مجموع است نه نصف مثل تعاقب ایادی در غصب.
کد مسئله: ۶۴۱۸۱

مسئله ۲۵۶۱

مسئله ۲۵۶۱- اگر چیزی را که غصب کرده با چیز دیگری مخلوط کند، مثلاً گندمی را که غصب کرده با جو مخلوط نماید، چنانچه جدا کردن آنها ممکن است اگر چه زحمت داشته باشد باید جدا کند و به صاحبش برگرداند.
کد مسئله: ۶۴۱۸۲

مسئله ۲۵۶۲

مسئله ۲۵۶۲- اگر ظرف طلا- و نقره یا چیز دیگری را که ساختنش حرام است، (۱) غصب کند و خراب نماید، لازم نیست مزد ساختن آن را به صاحبش بدهد. ولی اگر مثلاً گوشواره‌ای را که غصب کرده خراب نماید، باید آن را با مزد ساختنش به صاحب آن بدهد، و چنانچه برای اینکه مزد ندهد، بگوید آن را مثل اولش می‌سازم، مالک مجبور نیست قبول نماید و نیز مالک نمی‌تواند او را مجبور کند که آن را مثل اولش بسازد.

۱- ساختنش حرام نیست و اگر هیئت آن ظرف را خراب کند ضامن است و باید مزد ساختن آن را بدهد.
کد مسئله: ۶۴۱۸۳

مسئله ۲۵۶۳

مسأله ۲۵۶۳- اگر چیزی را که غضب کرده به طوری تغییر دهد که از اولش بهتر شود، مثلاً- طلایی را که غضب کرده گوشواره بسازد، چنانچه صاحب مال بگوید: مال را به همین صورت بده، باید به او بدهد و نمی‌تواند برای زحمتی که کشیده مزد بگیرد، بلکه بدون اجازه مالک حق ندارد آن را به صورت اولش در آورد و اگر بدون اجازه او آن چیز را مثل اولش کند باید مزد ساختن آن را هم به صاحبش بدهد. (۱)

۱- بلکه مابه التفاوت بین ساخته و نساخته را باید به مالک بدهد نه اجرت ساخت

کد مسأله: ۶۴۱۸۵

مسأله ۲۵۶۴

مسأله ۲۵۶۴- اگر چیزی را که غضب کرده به طوری تغییر دهد که از اولش بهتر شود، و صاحب مال بگوید: "باید آن را به صورت اول در آوری،" واجب است آن را به صورت اولش در آورد، و چنانچه قیمت آن به واسطه تغییر دادن از اولش کمتر شود، باید تفاوت آن را به صاحبش بدهد، پس طلایی را که غضب کرده، اگر گوشواره بسازد و صاحب آن بگوید: "باید به صورت اولش در آوری،" در صورتی که بعد از آب کردن، قیمت آن از پیش از گوشواره ساختن کمتر شود، باید تفاوت آن را بدهد.

کد مسأله: ۶۴۱۸۷

مسأله ۲۵۶۵

مسأله ۲۵۶۵- اگر در زمینی که غضب کرده زراعت کند، یا درخت بنشاند، زراعت و درخت و میوه آن مال خود او است، و چنانچه صاحب زمین راضی نباشد که زراعت، و درخت در زمین بماند، کسی که غضب کرده، باید فوراً زراعت، یا درخت خود را، اگر چه ضرر نماید، از زمین بکند، و نیز باید اجاره زمین را در مدتی که زراعت و درخت در آن بوده به صاحب زمین بدهد، و خرابیهایی را که در زمین پیدا شده درست کند، مثلاً- جای درختها را پر نماید، و اگر به واسطه اینها قیمت زمین از اولش کمتر شود، باید تفاوت آن را هم بدهد، و نمی‌تواند صاحب زمین را مجبور کند که زمین را به او بفروشد، یا اجاره دهد، و نیز صاحب زمین نمی‌تواند او را مجبور کند که درخت یا زراعت را به او بفروشد.

کد مسأله: ۶۴۱۸۸

مسأله ۲۵۶۶

مسأله ۲۵۶۶- اگر صاحب زمین راضی شود که زراعت و درخت در زمین او بماند، کسی که آن را غضب کرده، لازم نیست درخت و زراعت را بکند، ولی باید اجاره آن زمین را از وقتی که غضب کرده تا وقتی صاحب زمین راضی شده بدهد.

کد مسأله: ۶۴۱۸۹

مسأله ۲۵۶۷

مسأله ۲۵۶۷- اگر چیزی را که غضب کرده از بین برود در صورتی که مثل گاو و گوسفند باشد که قیمت اجزاء آن با هم فرق دارد (۱) مثلاً- گوشت آن یک قیمت و پوست آن قیمت دیگر دارد، باید قیمت آن را بدهد و چنانچه قیمت بازار آن فرق کرده باشد، باید قیمت وقتی را که غضب کرده بدهد (۲) و احتیاط مستحب آن است که بالاترین قیمتی را که از زمان غضب تا زمان تلف داشته بدهد.

- ۱- بلکه افراد آن به جهت خصوصیات فردیه اختلاف قیمت دارند و مثل بر خلاف آن است.
- ۲- قیمت یوم الاداء را باید بدهد و احتیاطاً اعلی القیم از زمان غضب تا زمان اداء داده شود
- کد مسأله: ۶۴۱۹۰

مسأله ۲۵۶۸

مسأله ۲۵۶۸- اگر چیزی را که غضب کرده و از بین رفته مانند گندم و جو باشد که قیمت اجزایش با هم فرق ندارد، باید مثل همان چیزی را که غضب کرده بدهد، ولی چیزی را که می‌دهد، باید خصوصیاتش مثل چیزی باشد که آن را غضب کرده و از بین رفته است.

کد مسأله: ۶۴۱۹۱

مسأله ۲۵۶۹

مسأله ۲۵۶۹- اگر چیزی را که مثل گوسفند قیمت اجزاء آن با هم فرق دارد غضب نماید و از بین برود چنانچه قیمت بازار آن فرق نکرده باشد ولی در مدتی که پیش او بوده مثلاً چاق شده باشد باید قیمت وقتی را که چاق بوده (۱) بدهد.

۱- باید چاقی را به قیمت یوم الاداء بدهد.

کد مسأله: ۶۴۱۹۲

مسأله ۲۵۷۰

مسأله ۲۵۷۰- اگر چیزی را که غضب کرده دیگری از او غضب نماید و از بین برود، صاحب مال می‌تواند عوض آن را از هر یک از آنان بگیرد یا از هر کدام آنان مقداری از عوض آنرا مطالبه نماید و چنانچه عوض مال را از اولی بگیرد، اولی می‌تواند آنچه را داده از دومی بگیرد ولی اگر از دومی بگیرد، او نمی‌تواند آنچه را داده از اولی مطالبه نماید.

کد مسأله: ۶۴۱۹۳

مسأله ۲۵۷۱

مسأله ۲۵۷۱- اگر چیزی را که می‌فروشند یکی از شرطهای معامله در آن نباشد، مثلاً چیزی را که باید با وزن خرید و فروش کنند بدون وزن معامله ننمایند، معامله باطل است. و چنانچه فروشنده و خریدار با قطع نظر از معامله راضی باشند که در مال یک دیگر تصرف کنند اشکال ندارد و گرنه چیزی را که از یکدیگر گرفته‌اند مثل مال غضبی است و باید آن را به هم برگرداند. و در صورتی که مال هر یک در دست دیگری تلف شود چه بداند معامله باطل است چه نداند، باید عوض آن را بدهد.

کد مسأله: ۶۴۱۹۴

مسأله ۲۵۷۲

مسأله ۲۵۷۲- هرگاه مالی را از فروشنده بگیرد که آن را ببیند یا مدتی نزد خود نگهدارد تا اگر پسندید بخرد، در صورتی که آن مال تلف شود، باید عوض آن را به صاحبش بدهد.

کد مسأله: ۶۴۱۹۵

احکام مالی که انسان آن را پیدا می کند

مسئله ۲۵۷۳

مسئله ۲۵۷۳- مالی که انسان پیدا می کند اگر نشانه‌ای نداشته باشد که به واسطه آن صاحبش معلوم شود، می تواند به قصد اینکه ملک خودش (۱) شود آن را بردارد. ولی احتیاط مستحب آن است که از طرف صاحبش صدقه بدهد.
۱- اگر کمتر از درهم باشد والا تملک جایز نیست چه نشانه داشته باشد یا نه، بلکه باید از طرف صاحبش صدقه بدهد
کد مسئله: ۶۴۱۹۶

مسئله ۲۵۷۴

مسئله ۲۵۷۴- اگر مالی پیدا کند که نشانه دارد و قیمت آن از ۶/۱۲ نخود نقره سکه‌دار کمتر است، چنانچه صاحب آن معلوم باشد و انسان نداند راضی است یا نه، نمی تواند بدون اجازه او بردارد، و اگر صاحب آن معلوم نباشد، می تواند به قصد این که ملک خودش شود بردارد و احتیاط واجب آن است که هر وقت صاحبش پیدا شد، عوض آن را به او بدهد.
کد مسئله: ۶۴۱۹۷

مسئله ۲۵۷۵

مسئله ۲۵۷۵- هرگاه چیزی که پیدا کرده نشانه‌ای دارد که به واسطه آن می تواند صاحبش را پیدا کند اگر چه بداند صاحب آن سنی یا کافری باشد که در امان مسلمانان است در صورتی که قیمت آن چیز به ۶/۱۲ نخود نقره سکه‌دار برسد باید از روزی (۱) که آن را پیدا کرده تا یک هفته روزی دو مرتبه و بعد تا یک ماه هفته‌ای یک مرتبه و بعد تا یکسال ماهی یک مرتبه در محل اجتماع مردم اعلان کند.
۱- به این نحو که در متن ذکر شده است لازم نیست بلکه باید به نحوی تعریف کند که بگوید در طول سال تعریف می کرده
کد مسئله: ۶۴۱۹۸

مسئله ۲۵۷۶

مسئله ۲۵۷۶- اگر انسان خودش نخواهد اعلان کند، می تواند به کسی که اطمینان دارد بگوید از طرف او اعلان نماید.
کد مسئله: ۶۴۱۹۹

مسئله ۲۵۷۷

مسئله ۲۵۷۷- اگر تا یک سال اعلان کند و صاحب مال پیدا نشود، می تواند آن را برای خود بردارد به قصد این که هر وقت صاحبش پیدا شد به او بدهد یا برای او نگهداری کند که هر وقت پیدا شد به او بدهد ولی احتیاط مستحب آن است که از طرف صاحبش صدقه بدهد.
کد مسئله: ۶۴۲۰۰

مسئله ۲۵۷۸

مسئله ۲۵۷۸- اگر بعد از آن که یک سال اعلان کرد و صاحب مال پیدا نشد، مال را برای صاحبش نگهداری کند و از بین برود، چنانچه در نگهداری آن کوتاهی نکرده و تعدی یعنی زیاده روی هم ننموده، ضامن نیست، ولی اگر از طرف صاحبش صدقه داده باشد، یا برای خود برداشته باشد، در هر صورت ضامن است. (۱)

۱- در صورتی که مالک، صدقه را قبول نکند والا ضامن نیست.

کد مسئله: ۶۴۲۰۱

مسئله ۲۵۷۹

مسئله ۲۵۷۹- کسی که مالی را پیدا کرده اگر عمداً به دستوری که گفته شد اعلان نکند، گذشته از این که معصیت کرده، باز هم واجب است اعلان کند.

کد مسئله: ۶۴۲۰۲

مسئله ۲۵۸۰

مسئله ۲۵۸۰- اگر بچه نابالغ چیزی پیدا کند، ولی او باید اعلان نماید.

کد مسئله: ۶۴۲۰۳

مسئله ۲۵۸۱

مسئله ۲۵۸۱- اگر انسان در بین سالی که اعلان می‌کند، از پیدا شدن صاحب مال ناامید شود، و بخواهد آن را صدقه بدهد اشکال دارد. (۱)

۱- اشکال ندارد.

کد مسئله: ۶۴۲۰۸

مسئله ۲۵۸۲

مسئله ۲۵۸۲- اگر در بین سالی که اعلان می‌کند، مال از بین برود، چنانچه در نگهداری آن کوتاهی کرده یا تعدی یعنی زیاده روی کرده باشد، باید عوض آن را به صاحبش بدهد، و اگر کوتاهی نکرده و زیاده روی هم ننموده، چیزی بر او واجب نیست.

کد مسئله: ۶۴۲۰۹

مسئله ۲۵۸۳

مسئله ۲۵۸۳- اگر مالی را که نشانه دارد و قیمت آن به ۶/۱۲ نخود نقره سکه‌دار می‌رسد در جایی پیدا کند که معلوم است به واسطه اعلان صاحب آن پیدا نمی‌شود، می‌تواند در روز اول آن را از طرف صاحبش صدقه بدهد و چنانچه صاحبش پیدا شود و به صدقه دادن راضی نشود، باید عوض آن را به او بدهد و ثواب صدقه‌ای که داده، مال خود او است.

کد مسئله: ۶۴۲۱۰

مسئله ۲۵۸۴

مسئله ۲۵۸۴- اگر چیزی را پیدا کند و به خیال این که مال خود او است بردارد، بعد بفهمد مال خودش نبوده، باید تا یک سال اعلان نماید و همچنین است اگر مثلاً پای خود را به گمشده ای بزند و آن را از جای خودش حرکت دهد. (۱)

۱- به مجرد پا زدن حکم ضاله را پیدا نمی کند.

کد مسئله: ۶۴۲۱۱

مسئله ۲۵۸۵

مسئله ۲۵۸۵- لازم نیست موقع اعلان، جنس چیزی را که پیدا کرده بگوید بلکه همین قدر که بگوید چیزی پیدا کرده ام، کافی (۱) است.

۱- در صورتیکه صدق تعریف بکند و الا باید نوع را تعریف نماید.

کد مسئله: ۶۴۲۱۲

مسئله ۲۵۸۶

مسئله ۲۵۸۶- اگر کسی چیزی را پیدا کند و دیگری بگوید مال من است، در صورتی باید به او بدهد که نشانه‌های آن را بگوید (۱) ولی لازم نیست نشانه هائی را که بیشتر اوقات صاحب مال هم ملتفت آنها نیست بگوید.

۱- به طوری که موجب علم یا اطمینان شود که او مالک است.

کد مسئله: ۶۴۲۱۳

مسئله ۲۵۸۷

مسئله ۲۵۸۷- اگر قیمت چیزی که پیدا کرده به ۶/۱۲ نخود نقره سکه‌دار برسد، چنانچه اعلان نکند و در مسجد، یا جای دیگری که محل اجتماع مردم است بگذارد و آن چیز از بین برود یا دیگری آن را بردارد، کسی که آن را پیدا کرده ضامن است.

کد مسئله: ۶۴۲۱۴

مسئله ۲۵۸۸

مسئله ۲۵۸۸- هرگاه چیزی پیدا کند که اگر بماند فاسد می‌شود، باید با اجازه (۱) حاکم شرع یا وکیل او قیمت آن را معین کند و بفروشد و پولش را نگهدارد و اگر صاحب آن پیدا نشد از طرف او صدقه بدهد.

۱- بنابر احتیاط و در صورت عدم تمکن از اجازه حاکم یا وکیل او خودش تقویم می کند و می فروشد یا خودش آن را به همان قیمت مصرف می کند و پول آن را نگه می دارد.

کد مسئله: ۶۴۲۱۵

مسئله ۲۵۸۹

مسئله ۲۵۸۹- اگر چیزی را که پیدا کرده موقع وضو گرفتن و نماز خواندن همراه او باشد، در صورتی که قصدش این باشد که

صاحب آن را پیدا کند، اشکال ندارد.

کد مسأله: ۶۴۲۱۶

مسأله ۲۵۹۰

مسأله ۲۵۹۰- اگر کفش او را ببرند و کفش دیگری به جای آن بگذارند، چنانچه بداند کفشی که مانده مال کسی است که کفش او را برده، (۱) می‌تواند به جای کفش خودش بردارد. ولی اگر قیمت آن از کفش خودش بیشتر باشد، باید هر وقت صاحب آن پیدا شد زیادی قیمت را به او بدهد، و چنانچه از پیدا شدن او ناامید شود، باید با اجازه حاکم شرع (۲) زیادی قیمت را از طرف صاحبش صدقه بدهد، و اگر احتمال دهد کفشی که مانده، مال کسی نیست که کفش او را برده، در صورتی که قیمت آن از ۶/۱۲ نخود نقره سکه دار کمتر باشد، می‌تواند برای خود بردارد و اگر بیشتر باشد، باید تا یکسال اعلان کند و بعد از یکسال احتیاطاً از طرف صاحبش صدقه بدهد.

۱- با تعمد (علم) به عنوان تقاص بر می‌دارد و در غیر این صورت حکم مجهول المالک را دارد.

۲- بنا بر احتیاط

کد مسأله: ۶۴۲۱۷

مسأله ۲۵۹۱

مسأله ۲۵۹۱- اگر مالی را که کمتر از ۱۲/۶ نخود نقره سکه‌دار ارزش دارد پیدا کند و از آن صرف نظر نماید و در مسجد یا جای دیگر بگذارد، چنانچه کسی آن را بردارد، برای او حلال است.

کد مسأله: ۶۴۲۱۸

احکام سر بریدن و شکار کردن حیوانات

مسأله ۲۵۹۲

مسأله ۲۵۹۲- اگر حیوان حلال گوشت را به دستوری که بعداً گفته می‌شود سر ببرند: وحشی باشد یا اهلی، بعد از جان دادن، گوشت آن حلال و بدن آن پاک است، ولی حیوانی که انسان با آن وطی و نزدیکی کرده و حیوانی که نجاستخوار شده، اگر به دستوری که در شرع معین نموده‌اند آن را استبراء نکرده باشند، بعد از سر بریدن گوشت آن حلال نیست.

کد مسأله: ۶۴۲۱۹

کد مسأله: ۶۴۲۲۰

مسأله ۲۵۹۳

مسأله ۲۵۹۳- حیوان حلال گوشت وحشی مانند آهو و کبک و بز کوهی و حیوان حلال گوشتی که اهلی بوده و بعداً وحشی شده مثل گاو و شتر اهلی که فرار کرده و وحشی شده است، اگر به دستوری که بعداً گفته می‌شود آنها را شکار کنند، پاک و حلال است ولی حیوان حلال گوشت اهلی مانند گوسفند و مرغ خانگی و حیوان حلال گوشت وحشی که به واسطه تربیت کردن اهلی شده است، با شکار کردن پاک و حلال نمی‌شود.

کد مسأله: ۶۴۲۲۱

مسأله ۲۵۹۴

مسأله ۲۵۹۴- حیوان حلال گوشت وحشی در صورتی با شکار کردن پاک و حلال می‌شود که بتواند فرار کند یا پرواز نماید، بنابر این بچه آهو که نمی‌تواند فرار کند و بچه کبک که نمی‌تواند پرواز نماید، با شکار کردن پاک و حلال نمی‌شود، و اگر آهو و بچه‌اش را که نمی‌تواند فرار کند با یک تیر شکار نمایند، آهو حلال و بچه‌اش حرام است.

کد مسأله: ۶۴۲۲۲

مسأله ۲۵۹۵

مسأله ۲۵۹۵- حیوان حلال گوشتی که مانند ماهی خون جهنده ندارد، اگر به خودی خود بمیرد، پاک است، ولی گوشت آن را نمی‌شود خورد.

کد مسأله: ۶۴۲۲۳

مسأله ۲۵۹۶

مسأله ۲۵۹۶- حیوان حرام گوشتی که خون جهنده ندارد، مانند مار با سر بریدن حلال نمی‌شود، ولی مرده آن پاک است.

کد مسأله: ۶۴۲۲۴

مسأله ۲۵۹۷

مسأله ۲۵۹۷- سگ و خوک به واسطه سر بریدن و شکار کردن پاک نمی‌شوند و خوردن گوشت آنها هم حرام است و حیوان حرام گوشتی را که درنده و گوشتخوار است مانند گرگ و پلنگ، اگر به دستوری که گفته می‌شود سر ببرند یا با تیر و مانند آن شکار کنند، پاک است ولی گوشت آن حلال نمی‌شود، و اگر با سگ شکاری آن را شکار کنند، پاک شدن بدنش هم اشکال دارد.

کد مسأله: ۶۴۲۲۵

مسأله ۲۵۹۸

مسأله ۲۵۹۸- فیل و خرس و بوزینه و موش و حیواناتی که مانند مار و سوسمار در داخل زمین زندگی می‌کنند، اگر خون جهنده داشته باشند و به خودی خود بمیرند، نجسند، بلکه اگر سر آنها را هم ببرند، یا آنها را شکار نمایند، پاک شدن بدنشان اشکال دارد.

(۱)

۱- بی اشکال است و از پوست آنها بعد از ذبح شرعی استفاده جایز است.

کد مسأله: ۶۴۲۲۶

مسأله ۲۵۹۹

مسأله ۲۵۹۹- اگر از شکم حیوان زنده بچه مرده‌ای بیرون آید یا آن را بیرون آورند، خوردن گوشت آن حرام است.

کد مسأله: ۶۴۲۲۷

دستور سر بریدن حیوانات**مسأله ۲۶۰۰**

مسأله ۲۶۰۰- دستور سر بریدن حیوان آن است که چهار رگ (۱) بزرگ گردن آن را از پایین برآمدگی زیر گلو به طور کامل ببرند، و اگر آنها را بشکافند، کافی نیست.

۱- مری و حلقوم و دو رگ محیط به حلقوم باید از پایین برآمدگی قطع شود و مجازاً اطلاق اوداج اربعه بر آنها می کنند.

کد مسأله: ۶۴۲۲۸

مسأله ۲۶۰۱

مسأله ۲۶۰۱- اگر بعضی از چهار رگ را ببرند و صبر کنند تا حیوان بمیرد، بعد بقیه را ببرند، فایده ندارد. بلکه اگر به این مقدار هم صبر نکنند، ولی به طور معمول چهار رگ را پشت سر هم نبرند، اگر چه پیش از جان دادن حیوان بقیه رگها را ببرند، اشکال دارد. (۱)

۱- اگر صدق وحدت عمل نماید اشکالی ندارد.

کد مسأله: ۶۴۲۲۹

کسانی که نمی توانند در مال خود تصرف کنند، شرایط سر بریدن حیوان**مسأله ۲۶۰۲**

مسأله ۲۶۰۲- اگر گرگ گلوی گوسفند را به طوری بکند که از چهار رگی که در گردن است و باید بریده شود چیزی نماند، آن حیوان حرام می شود. ولی اگر مقداری از گردن را بکند و چهار رگ باقی باشد، یا جای دیگر بدن را بکند، در صورتی که گوسفند زنده باشد، و به دستوری که گفته می شود سر آن را ببرند، حلال و پاک می باشد.

کد مسأله: ۶۴۲۳۰

مسأله ۲۶۰۳

مسأله ۲۶۰۳- سر بریدن حیوان پنج شرط دارد:

اول: کسی که سر حیوان را می برد چه مرد باشد چه زن، باید مسلمان باشد و اظهار دشمنی با اهل بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم نکند و بچه مسلمان هم اگر ممیز باشد یعنی خوب و بد را بفهمد، می تواند سر حیوان را ببرد.

دوم: سر حیوان را با چیزی ببرند که از آهن باشد، ولی چنانچه آهن پیدا نشود و طوری باشد که اگر سر حیوان را نبرند می میرد، (۱) با چیز تیزی که چهار رگ آن را جدا کند مانند شیشه و سنگ تیز، می شود، سر آن را ببرد.

سوم: در موقع سر بریدن، صورت و دست پا و شکم حیوان رو به قبله باشد و کسی که می داند باید رو به قبله سر ببرد، اگر عمداً حیوان را رو به قبله نکند، حیوان حرام می شود. ولی اگر فراموش کند، یا مسأله را نداند، یا قبله را اشتباه کند، یا نداند قبله کدام طرف است، یا نتواند حیوان را رو به قبله کند، اشکال ندارد.

چهارم: وقتی می‌خواهد سر حیوان را ببرد یا کارد به گلویش بگذارد به نیت سر بریدن، نام خدا را ببرد و همین قدر که بگوید: "بسم الله" کافی است و اگر بدون قصد سر بریدن، نام خدا را ببرد، آن حیوان پاک نمی‌شود و گوشت آن هم حرام است، ولی اگر از روی فراموشی نام خدا را نبرد، اشکال ندارد.

پنجم: حیوان بعد از سر بریدن حرکتی نکند، اگر چه مثلاً چشم یادم خود را حرکت دهد، یا پای خود را به زمین زند و نیز احتیاط واجب (۲) آن است که به اندازه معمول خون از بدن حیوان بیرون آید.

۱- تعذر حدید کافی است در جواز ذبح به سائر آلات ولو حیوان نمیرد.

۲- این احتیاط واجب نیست بلکه یکی از دو امر واجب است نه هر دو

کد مسأله: ۶۴۲۳۱

دستور کشتن شتر

مسأله ۲۶۰۴

مسأله ۲۶۰۴- اگر بخواهند شتر را بکشند که بعد از جان دادن پاک و حلال باشد، باید با پنج شرطی که برای سر بریدن حیوانات گفته شد کارد یا چیز دیگری را که از آهن و برنده باشد، در گودی بین گردن و سینه‌اش فرو کنند.

کد مسأله: ۶۴۲۳۲

مسأله ۲۶۰۵

مسأله ۲۶۰۵- وقتی می‌خواهند کارد را به گردن شتر فرو ببرند، بهتر است که شتر ایستاده باشد، ولی اگر در حالی که زانوها را به زمین زده یا به پهلو خوابیده و دست و پا و سینه‌اش، رو به قبله است، کارد را در گودی گردنش فرو کنند اشکال ندارد.

کد مسأله: ۶۴۲۳۳

مسأله ۲۶۰۶

مسأله ۲۶۰۶- اگر به جای این که کارد در گودی گردن شتر فرو کنند سر آن را ببرند یا گوسفند و گاو و مانند اینها را مثل شتر کارد در گودی گردنش فرو کنند، گوشت آنها حرام و بدن آنها نجس است، ولی اگر چهار رگ شتر را ببرند و تا زنده است، به دستوری که گفته شد، کارد در گودی گردنش فرو کنند، گوشت آن حلال و بدن آن پاک است، و نیز اگر کارد در گودی گردن گاو یا گوسفند یا مانند اینها فرو کنند و تا زنده است سر آن را ببرند، حلال و پاک می‌باشد.

کد مسأله: ۶۴۲۳۴

مسأله ۲۶۰۷

مسأله ۲۶۰۷- اگر حیوانی سرکش شود و نتوانند آن را به دستوری که در شرع معین شده بکشند یا مثلاً در چاه بیفتند و احتمال بدهند که در آن جا بمیرد و کشتن آن به دستور شرع ممکن نباشد، هر جای بدنش را که زخم بزنند و در اثر زخم جان بدهد حلال می‌شود و رو به قبله بودن آن لازم نیست ولی باید شرطهای دیگری را که برای سر بریدن حیوان گفته شد دارا باشد.

کد مسأله: ۶۴۲۳۵

چیزهایی که موقع سر بریدن حیوانات مستحب است

مسئله ۲۶۰۸

مسئله ۲۶۰۸- چند چیز در سر بریدن حیوانات مستحب است:

اول: موقع سر بریدن گوسفند، دو دست و یک پای آن را ببندند و پای دیگرش را باز بگذارند، و موقع سر بریدن گاو، چهار دست و پایش را ببندند و دم آن را باز بگذارند، و موقع کشتن شتر دو دست آن را از پایین تا زانو، یا تا زیر بغل به یک دیگر ببندند و پاهایش را باز بگذارند، و مستحب است مرغ را بعد از سر بریدن رها کنند تا پر و بال بزند.

دوم: کسی که حیوان را می‌کشد، رو به قبله باشد.

سوم: پیش از کشتن حیوان، آب جلوی آن بگذارند.

چهارم: کاری کنند که حیوان کمتر اذیت شود. مثلاً کارد را خوب تیز کنند و با عجله سر حیوان را ببرند.

کد مسئله: ۶۴۲۳۶

چیزهایی که در کشتن حیوانات مکروه است

مسئله ۲۶۰۹

مسئله ۲۶۰۹- چند چیز در کشتن حیوانات مکروه است:

اول: آنکه کارد را پشت حلقوم فرو کنند و به طرف جلو بیاورند که حلقوم از پشت آن بریده شود.

دوم: پیش از بیرون آمدن روح، سر حیوان را از بدنش جدا کنند (۱) ولی اگر از روی غفلت یا به واسطه تیز بودن کارد بی اختیار سر حیوان جدا شود مکروه نیست.

سوم: پیش از بیرون آمدن روح، پوست حیوان را بکنند.

چهارم: پیش از آنکه روح از بدن حیوان بیرون رود، مغز حرام را که در تیره پشت است ببرند. (۲)

پنجم: در جایی حیوان را بکشند که حیوان دیگر آنرا ببند.

ششم: در شب یا پیش از ظهر روز جمعه سر حیوان را ببرند ولی در صورت احتیاج عیبی ندارد.

هفتم: خود انسان چهارپایی را که پرورش داده است بکشد.

۱- این عمل حرام است ولی موجب حرمت گوشت آن نمی‌شود و در صورت عدم تعمد حرام نیست ولیکن احتیاط مستحب اجتناب از گوشت آن است.

۲- این عمل حرام است ولی موجب حرمت گوشت آن نمی‌شود و لکن احتیاط مستحب اجتناب از گوشت آن است.

کد مسئله: ۶۴۲۳۷

احکام شکار کردن با اسلحه

مسئله ۲۶۱۰

مسئله ۲۶۱۰- اگر حیوان حلال گوشت وحشی را با اسلحه شکار کنند، با پنج شرط حلال و بدنش پاک است:

اول: آنکه اسلحه شکار مثل کارد و شمشیر برنده باشد، یا مثل نیزه و تیر، تیز باشد که به واسطه تیز بودن، بدن حیوان را پاره کند. و

اگر به وسیله دام یا چوب و سنگ و مانند اینها حیوانی را شکار کند، پاک نمی‌شود و خوردن آن هم حرام است. و اگر حیوانی را با تفنگ شکار کنند، چنانچه گلوله آن تیز باشد که در بدن حیوان فرو رود و آن را پاره کند، پاک و حلال است. و اگر گلوله تیز نباشد بلکه با فشار در بدن حیوان فرو رود و حیوان را بکشد، یا به واسطه حرارتش بدن حیوان را بسوزاند و در اثر سوزاندن، حیوان بمیرد، پاک و حلال بودنش اشکال دارد. (۱)

دوم: کسی که شکار می‌کند باید مسلمان باشد یا بچه مسلمان باشد که خوب و بد را بفهمد، و اگر کافر یا کسی که اظهار دشمنی با اهل بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌کند، حیوانی را شکار نماید، آن شکار حلال نیست.

سوم: اسلحه را برای شکار کردن حیوان به کار برد و اگر مثلاً جایی را نشان کند و اتفاقاً حیوانی را بکشد، آن حیوان پاک نیست و خوردن آن هم حرام است.

چهارم: در وقت بکار بردن اسلحه نام خدا را ببرد و چنانچه عمداً نام خدا را نبرد، شکار حلال نمی‌شود. ولی اگر فراموش کند، اشکال ندارد.

پنجم: وقتی به حیوان برسد که مرده باشد، یا اگر زنده است، به اندازه سر بریدن آن وقت نباشد. و چنانچه به اندازه سر بریدن وقت باشد و سر حیوان را نبرد تا بمیرد، حرام است.

۱- در صورت خرق و پاره کردن چه از جهت تیزی یا شدت یا تحریق اشکالی ندارد.

کد مسأله: ۶۴۲۳۸

مسأله ۲۶۱۱

مسأله ۲۶۱۱- اگر دو نفر حیوانی را شکار کنند، و یکی از آنان مسلمان و دیگری کافر باشد یا یکی از آن دو نام خدا را ببرد و دیگری عمداً نام خدا را نبرد، آن حیوان حلال نیست.

کد مسأله: ۶۴۲۳۹

مسأله ۲۶۱۲

مسأله ۲۶۱۲- اگر بعد از آنکه حیوانی را تیر زدند مثلاً در آب بیفتند، و انسان بداند که حیوان بواسطه تیر و افتادن در آب جان داده حلال نیست. بلکه اگر شک کند که فقط برای تیر بوده یا نه، حلال نمی‌باشد.

کد مسأله: ۶۴۲۴۰

مسأله ۲۶۱۳

مسأله ۲۶۱۳- اگر با سگ غصبی یا اسلحه غصبی حیوانی را شکار کند، شکار حلال است و مال خود او می‌شود. ولی گذشته از این که گناه کرده باید اجرت اسلحه یا سگ را به صاحبش بدهد.

کد مسأله: ۶۴۲۴۱

مسأله ۲۶۱۴

مسأله ۲۶۱۴- اگر با شمشیر یا چیز دیگری که شکار کردن با آن صحیح است، با شرطهایی که در بالا گفته شد، حیوانی را دو قسمت کنند و سر و گردن در یک قسمت بماند و انسان وقتی برسد که حیوان جان داده باشد، هر دو قسمت حلال است و همچنین

است اگر حیوان زنده باشد ولی به اندازه سر بریدن وقت نباشد اما اگر به اندازه سر بریدن وقت باشد و ممکن باشد که مقداری زنده بماند، قسمتی که سر و گردن ندارد حرام و قسمتی که سر و گردن دارد، اگر سر آن را به دستوری که در شرع معین شده ببرند حلال و گرنه آن هم حرام می باشد.

کد مسأله: ۶۴۲۴۲

مسأله ۲۶۱۵

مسأله ۲۶۱۵- اگر با چوب یا سنگ یا چیز دیگری که شکار کردن با آن صحیح نیست حیوانی را دو قسمت کنند، قسمتی که سر و گردن ندارد حرام است و قسمتی که سر و گردن دارد اگر زنده باشد و ممکن باشد که مقداری زنده بماند، و سر آن را به دستوری که در شرع معین شده ببرند حلال و گرنه آن قسمت هم حرام است.

کد مسأله: ۶۴۲۴۳

مسأله ۲۶۱۶

مسأله ۲۶۱۶- اگر حیوانی را شکار کنند یا سر ببرند و بچه زنده ای از آن بیرون آید چنانچه آن بچه را به دستوری که در شرع معین شده سر ببرند حلال و گرنه حرام می باشد.

کد مسأله: ۶۴۲۴۴

مسأله ۲۶۱۷

مسأله ۲۶۱۷- اگر حیوانی را شکار کنند یا سر ببرند و بچه مرده ای از شکمش بیرون آورند، چنانچه خلقت آن بچه کامل باشد و مو یا پشم در بدنش روئیده پاک و حلال است.

کد مسأله: ۶۴۲۴۵

شکار کردن با سگ شکاری

مسأله ۲۶۱۸

مسأله ۲۶۱۸- اگر سگ شکاری، حیوان وحشی حلال گوشتی را شکار کند، پاک بودن و حلال بودن آن حیوان شش شرط دارد: اول: سگ به طوری تربیت شده باشد که هر وقت آن را برای گرفتن شکار بفرستند، برود و هر وقت از رفتن جلوگیری کنند، بایستد. و نیز باید عادتش این باشد که تا صاحبش نرسد از شکار نخورد ولی اگر اتفاقاً شکار را بخورد اشکال ندارد. دوم: صاحبش آنرا بفرستد و اگر پیش خود دنبال شکار رود و حیوانی را شکار کند خوردن آن حرام است. بلکه اگر پیش خود دنبال شکار رود و بعداً صاحبش بانگ بزند که زودتر آنرا به شکار برساند، اگر چه بواسطه صدای صاحبش شتاب کند، بنا بر احتیاط واجب باید از خوردن آن شکار خودداری نمایند.

سوم: کسی که سگ را می فرستد باید مسلمان باشد یا بچه مسلمان باشد که خوب و بد را بفهمد، و اگر کافر یا کسی که اظهار دشمنی با اهل بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم می کند سگ را بفرستد، شکار آن سگ حرام است.

چهارم: وقت فرستادن سگ، نام خدا را ببرد. و اگر عمداً نام خدا را نبرد، آن شکار حرام است. ولی اگر فراموش کند اشکال ندارد.

پنجم: شکار به واسطه زخمی که از دندان سگ پیدا کرده بمیرد. پس اگر سگ شکار را خفه کند یا شکار از دویدن یا ترس بمیرد، حلال نیست.

ششم: کسی که سگ را فرستاده، وقتی برسد که حیوان مرده باشد یا اگر زنده است به اندازه سر بریدن آن وقت نباشد. و چنانچه وقتی برسد که به اندازه سر بریدن وقت باشد مثلاً حیوان چشم یا دم خود را حرکت دهد، یا پای خود را به زمین بزند، چنانچه سر حیوان را نبرد تا بمیرد، حلال نیست.

کد مسأله: ۶۴۲۴۶

مسأله ۲۶۱۹

مسأله ۲۶۱۹- کسی که سگ را فرستاده اگر وقتی برسد که بتواند سر حیوان را ببرد، چنانچه مثلاً بواسطه بیرون آوردن کارد و مانند آن وقت بگذرد و آن حیوان بمیرد، حلال است. ولی اگر چیزی همراه او نباشد که با آن سر حیوان را ببرند و حیوان بمیرد احتیاط واجب آن است که از خوردن آن خودداری کنند.

کد مسأله: ۶۴۲۴۷

مسأله ۲۶۲۰

مسأله ۲۶۲۰- اگر چند سگ را بفرستد و با هم حیوانی را شکار کنند، چنانچه همه آنها دارای شرطهایی که در بالا گفته بوده‌اند، شکار حلال است و اگر یکی از آنها دارای آن شرطها نبوده شکار حرام است.

کد مسأله: ۶۴۲۴۸

مسأله ۲۶۲۱

مسأله ۲۶۲۱- اگر سگ را برای شکار حیوانی بفرستد و آن سگ حیوان دیگری را شکار کند، آن شکار حلال و پاک است. و نیز اگر آن حیوان را با حیوان دیگری شکار کند، هر دوی آنها حلال و پاک می‌باشند.

کد مسأله: ۶۴۲۴۹

مسأله ۲۶۲۲

مسأله ۲۶۲۲- اگر چند نفر با هم سگ را بفرستند و یکی از آنها کافر باشد یا عمداً نام خدا را نبرد، آن شکار حرام است. و نیز اگر یکی از سگهایی را که فرستاده‌اند به طوری که در صفحه گذشته گفته شد، تربیت شده نباشد، آن شکار حرام می‌باشد.

کد مسأله: ۶۴۲۵۰

مسأله ۲۶۲۳

مسأله ۲۶۲۳- اگر باز یا حیوان دیگری غیر سگ شکاری، حیوانی را شکار کند آن شکار حلال نیست ولی اگر وقتی برسند که حیوان زنده باشد و به دستوری که در شرع معین شده سر آن را ببرند، حلال است.

کد مسأله: ۶۴۲۵۱

صید ماهی**مسئله ۲۶۲۴**

مسئله ۲۶۲۴- اگر ماهی فلس‌دار را زنده از آب بگیرند و بیرون آب جان دهد، پاک و خوردن آن حلال است. و چنانچه در آب بمیرد، پاک است ولی خوردن آن حرام می‌باشد و ماهی بی فلس را، اگر چه زنده از آب بگیرند و بیرون آب جان دهد، خوردن آن حرام است.

کد مسئله: ۶۴۲۵۲

مسئله ۲۶۲۵

مسئله ۲۶۲۵- اگر ماهی از آب بیرون بیفتد یا موج آن را بیرون بیندازد یا آب فرو رود و ماهی در خشکی بماند، چنانچه پیش از آن که بمیرد با دست یا به وسیله دیگر کسی آن را بگیرد، بعد از جان دادن حلال است.

کد مسئله: ۶۴۲۵۳

مسئله ۲۶۲۶

مسئله ۲۶۲۶- کسی که ماهی را صید می‌کند، لازم نیست مسلمان باشد و در موقع گرفتن نام خدا را ببرد. ولی مسلمان باید گرفتن آن را دیده باشد. (۱)

۱- باید اخذ آن از آب مقطوع باشد ولو به غیر طریق رؤیت

کد مسئله: ۶۴۲۵۴

مسئله ۲۶۲۷

مسئله ۲۶۲۷- ماهی مرده‌ای که معلوم نیست آن را زنده از آب گرفته‌اند یا مرده، چنانچه در دست مسلمان باشد، حلال است و اگر در دست کافر باشد، اگر چه بگوید آن را زنده گرفته‌ام، حرام می‌باشد. (۱)

۱- مگر در صورت علم یا اطمینان یا اقامه بینه بر اخذ آن از آب حیاً

کد مسئله: ۶۴۲۵۵

مسئله ۲۶۲۸

مسئله ۲۶۲۸- بنا بر احتیاط واجب باید از خوردن ماهی زنده خودداری کرد. (۱)

۱- این احتیاط مستحسن است.

کد مسئله: ۶۴۲۵۶

مسئله ۲۶۲۹

مسئله ۲۶۲۹- اگر ماهی زنده را بریان کنند یا در بیرون آب پیش از جان دادن بکشند، احتیاط واجب (۱) آن است که از خوردن آن خودداری نمایند.

۱- این احتیاط مستحسن است

کد مسئله: ۶۴۲۵۷

مسئله ۲۶۳۰

مسئله ۲۶۳۰- اگر ماهی را بیرون آب دو قسمت کنند، و یک قسمت آن در حالی که زنده است در آب بیفتد، بنا بر احتیاط واجب (۱) قسمتی را که بیرون آب مانده نباید خورد.

۱- این احتیاط مستحسن است

کد مسئله: ۶۴۲۵۸

صید ملخ

مسئله ۲۶۳۱

مسئله ۲۶۳۱- اگر ملخ را با دست یا به وسیله دیگری زنده بگیرند، بعد از جان دادن (۱) خوردن آن حلال است. و لازم نیست کسی که آن را می‌گیرد مسلمان باشد و در موقع گرفتن، نام خدا را ببرد، ولی اگر ملخ مرده‌ای در دست کافر باشد و معلوم نباشد که آن را زنده گرفته یا نه، اگر چه بگوید زنده گرفته‌ام، حلال نیست. (۲)

۱- بنا بر احتیاط مستحسن والا علی الاقوی زهاق روح شرط حلیت آن نیست.

۲- مگر به طریق شرعی اثبات شود که آن را زنده گرفته در این صورت جایز است اکل آن.

کد مسئله: ۶۴۲۵۹

مسئله ۲۶۳۲

مسئله ۲۶۳۲- خوردن ملخی که بال در نیاورده، و نمی‌تواند پرواز کند حرام است.

کد مسئله: ۶۴۲۶۰

احکام خوردنی‌ها و آشامدنی‌ها

مسئله ۲۶۳۳

مسئله ۲۶۳۳- خوردن گوشت مرغی که مثل شاهین چنگال دارد، حرام است و پرستو حلال می‌باشد، و احتیاط واجب (۱) آن است که از خوردن گوشت هدهد خودداری نمایند.

۱- این احتیاط مستحسن است و خوردن آن مکروه است

کد مسئله: ۶۴۲۶۱

مسئله ۲۶۳۴

مسئله ۲۶۳۴- اگر چیزی را که روح دارد، از حیوان زنده جدا نمایند، مثلا دنبه یا مقداری گوشت از گوسفند زنده ببرند، نجس و

حرام می‌باشد.

کد مسئله: ۶۴۲۶۲

مسئله ۲۶۳۵

مسئله ۲۶۳۵- پانزده چیز از حیوانات حلال گوشت، حرام است: ۱- خون ۲- فضل ۳- نری ۴- فرج ۵- بچه‌دان ۶- غدد که آن را دشول می‌گویند ۷- تخم که آن را دنبلان می‌گویند ۸- چیزی که در مغز کله است و به شکل نخود می‌باشد ۹- مغز حرام که در میان تیره پشت است ۱۰- پی که در دو طرف تیره پشت است ۱۱- زهره دان ۱۲- سپرز (طحال) ۱۳- بول دان (مثانه) (۱) ۱۴- حدقه چشم ۱۵- چیزی که در میان سم است و به آن "ذات الاشاجع" می‌گویند. (۲)

۱- بنا بر احتیاط

۲- بنا بر احتیاط

کد مسئله: ۶۴۲۶۳

مسئله ۲۶۳۶

مسئله ۲۶۳۶- خوردن سرگین و بول حیوان (۱) و آب دماغ و چیزهای خبیث دیگر که طبیعت انسان از آن متنفر است، حرام می‌باشد. ولی اگر پاک باشد، و مقداری از آن به طوری با چیز حلال مخلوط شود که در نظر مردم نابود حساب شود، خوردن آن اشکال ندارد.

۱- بول شتر به جهت استشفاء (طلب شفاء کردن) شرب آن جایز است.

کد مسئله: ۶۴۲۶۴

مسئله ۲۶۳۷

مسئله ۲۶۳۷- خوردن خاک حرام است ولی خوردن کمی از تربت حضرت سید الشهداء علیه السلام برای شفا و خوردن گل داغستان و گل ارمنی برای معالجه اشکال ندارد.

کد مسئله: ۶۴۲۶۵

مسئله ۲۶۳۸

مسئله ۲۶۳۸- فرو بردن آب بینی و خلط سینه که در دهان آمده، حرام نیست، و نیز فرو بردن غذایی که موقع خلل کردن از لای دندان بیرون می‌آید، اگر طبیعت انسان از آن متنفر نباشد، اشکال ندارد.

کد مسئله: ۶۴۲۶۶

مسئله ۲۶۳۹

مسئله ۲۶۳۹- خوردن چیزی که برای انسان ضرر دارد، حرام است.

کد مسئله: ۶۴۲۶۷

مسأله ۲۶۴۰

مسأله ۲۶۴۰- خوردن گوشت اسب و قاطر و الاغ مکروه است، و اگر کسی با آنها وطی کند، یعنی نزدیکی نماید، حرام می‌شود، و باید آنها را از شهر بیرون ببرند و در جای دیگر بفروشند.

کد مسأله: ۶۴۲۶۸

مسأله ۲۶۴۱

مسأله ۲۶۴۱- اگر با حیوان حلال گوشتی مانند گاو و گوسفند نزدیکی کنند بول و سرگین آنها نجس می‌شود و آشامیدن شیر آنها هم حرام است و باید فوری آن حیوان را بکشند و بسوزانند و کسی که با آن وطی کرده، پول آن را به صاحبش بدهد.

کد مسأله: ۶۴۲۶۹

مسأله ۲۶۴۲

مسأله ۲۶۴۲- آشامیدن شراب، حرام و در بعضی از اخبار بزرگترین گناه شمرده شده است، و اگر کسی آن را حلال بدان کافر است از حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام روایت شده است که فرمودند: شراب ریشه بدیها، و منشا گناهان است، و کسی که شراب می‌خورد عقل خود را از دست می‌دهد و در آن موقع خدا را نمی‌شناسد و از هیچ گناهی باک ندارد، و احترام هیچ کس را نگه نمی‌دارد، و حق خویشان نزدیک را رعایت نمی‌کند، و از زشتیهای آشکار، رو نمی‌گرداند، و روح ایمان و خدا شناسی از بدن او بیرون می‌رود و روح ناقص خبیثی که از رحمت خدا دور است، در او می‌ماند و خدا و فرشتگان و پیغمبران و مؤمنین، او را لعنت می‌کنند، و تا چهل روز نماز او قبول نمی‌شود، و روز قیامت روی او سیاه است، و زبان از دهانش بیرون می‌آید، و آب دهان او به سینه‌اش می‌ریزد و فریاد تشنگی او بلند است.

کد مسأله: ۶۴۲۷۰

مسأله ۲۶۴۳

مسأله ۲۶۴۳- نشستن سر سفره‌ای که در آن شراب می‌خورند اگر انسان یکی از آنان حساب شود، حرام و چیز خوردن از آن سفره نیز حرام است.

کد مسأله: ۶۴۲۷۱

مسأله ۲۶۴۴

مسأله ۲۶۴۴- بر هر مسلمان واجب است مسلمان دیگری را که نزدیک است از گرسنگی یا تشنگی بمیرد، نان و آب داده و او را از مرگ نجات دهد.

کد مسأله: ۶۴۲۷۲

چیزهایی که موقع غذا خوردن مستحب است

مسأله ۲۶۴۵

مسأله ۲۶۴۵- چند چیز در غذا خوردن مستحب است:

اول: هر دو دست را پیش از غذا بشوید.

دوم: بعد از غذا دست خود را بشوید و با دستمال خشک کند.

سوم: میزبان پیش از همه شروع به غذا خوردن کند و بعد از همه دست بکشد، و پیش از غذا اول میزبان دست خود را بشوید بعد کسی که طرف راست او نشسته و همین طور تا برسد به کسی که طرف چپ او نشسته، و بعد از غذا اول کسی که طرف چپ میزبان نشسته دست خود را بشوید و همین طور تا به طرف راست میزبان برسد.

چهارم: در اول غذا "بسم الله" بگویید ولی اگر سر یک سفره چند جور غذا باشد، در وقت خوردن هر کدام آنها، گفتن "بسم الله" مستحب است.

پنجم: با دست راست غذا بخورد.

ششم: با سه انگشت یا بیشتر غذا بخورد و با دو انگشت نخورد.

هفتم: اگر چند نفر سر یک سفره نشسته‌اند، هر کسی از غذای جلو خودش بخورد.

هشتم: لقمه را کوچک بردارد.

نهم: سر سفره زیاد بنشیند و غذا خوردن را طول بدهد.

دهم: غذا را خوب بجود.

یازدهم: بعد از غذا خداوند عالم را حمد کند.

دوازدهم: انگشتها را بلیسد.

سیزدهم: بعد از غذا خلال نماید، ولی با چوب انار و چوب ریحان و نی و برگ درخت خرما خلال نکند.

چهاردهم: آنچه بیرون سفره می‌ریزد جمع کند و بخورد ولی اگر در بیابان غذا بخورد، مستحب است آنچه می‌ریزد برای پرندگان و حیوانات بگذارد.

پانزدهم: در اول روز و اول شب غذا بخورد و در بین روز و در بین شب غذا نخورد.

شانزدهم: بعد از خوردن غذا به پشت بخوابد و پای راست را روی پای چپ بیندازد.

هفدهم: در اول غذا و آخر آن نمک بخورد. هیجدهم: میوه را پیش از خوردن با آب بشوید.

کد مسأله: ۶۴۲۷۳

چیزهایی که در غذا خوردن مکروه است

مسأله ۲۶۴۶

مسأله ۲۶۴۶- چند چیز در غذا خوردن مکروه است:

اول: در حال سیری غذا خوردن.

دوم: پر خوردن و در خبر است که خداوند عالم بیشتر از هر چیز از شکم پر بدش می‌آید.

سوم: نگاه کردن به صورت دیگران در موقع غذا خوردن.

چهارم: خوردن غذای گرم.

پنجم: فوت کردن چیزی که می‌خورد یا می‌آشامد.

ششم: بعد از گذاشتن نان در سفره، منتظر چیز دیگر شدن.

هفتم: پاره کردن نان با کارد.

هشتم: گذاشتن نان زیر ظرف غذا.

نهم: پاک کردن گوشتی که به استخوان چسبیده به طوری که چیزی در آن نماند.

دهم: پوست کندن میوه.

یازدهم: دور انداختن میوه پیش از آن که کاملاً آن را بخورد.

کد مسأله: ۶۴۲۷۴

مستحبات آب آشامیدن

مسأله ۲۶۴۷

مسأله ۲۶۴۷- در آشامیدن آب چند چیز مستحب است:

اول: آب را به طور مکیدن بیاشامد.

دوم: در روز ایستاده آب بخورد.

سوم: بیش از آشامیدن آب "بسم الله" و بعد از آن "الحمد لله" بگوید.

چهارم: به سه نفس آب بیاشامد.

پنجم: از روی میل آب بیاشامد.

ششم: بعد از آشامیدن آب حضرت ابا عبد الله علیه السلام و اهل بیت ایشان را یاد کند و قاتلان آن حضرت را لعنت نماید.

کد مسأله: ۶۴۲۷۵

مکروهات آب آشامیدن

مسأله ۲۶۴۸

مسأله ۲۶۴۸- زیاد آشامیدن آب و آشامیدن آن بعد از غذای چرب و در شب به حال ایستاده مکروه است، و نیز آشامیدن آب با

دست چپ، و همچنین از جای شکسته کوزه و جایی که دسته آن است، مکروه است.

کد مسأله: ۶۴۲۷۶

احکام نذر و عهد

مسأله ۲۶۴۹

مسأله ۲۶۴۹- نذر آن است که انسان بر خود واجب کند که کار خیری را برای خدا بجا آورد، یا کاری را که نکردن آن بهتر است

برای خدا ترک نماید.

کد مسأله: ۶۴۲۷۷

مسأله ۲۶۵۰

مسأله ۲۶۵۰- در نذر باید صیغه خوانده شود و لازم نیست آن را به عربی بخوانند، پس اگر بگوید: "چنانچه مریض من خوب شود، برای خدا بر من است که ده تومان به فقیر بدهم،" نذر او صحیح است.
کد مسأله: ۶۴۲۷۸

مسأله ۲۶۵۱

مسأله ۲۶۵۱- نذر کننده باید مکلف و عاقل باشد و به اختیار و قصد خود نذر کند. بنابراین نذر کردن کسی که او را مجبور کرده‌اند، یا به واسطه عصبانی شدن بی‌اختیار نذر کرده، صحیح نیست.
کد مسأله: ۶۴۲۷۹

مسأله ۲۶۵۲

مسأله ۲۶۵۲- آدم سفیهی که مال خود را در کارهای بیهوده مصرف می‌کند، اگر مثلاً نذر کند چیزی به فقیر بدهد صحیح نیست.
کد مسأله: ۶۴۲۸۰

مسأله ۲۶۵۳

مسأله ۲۶۵۳- اگر شوهر از نذر کردن زن جلوگیری نماید، زن نمی‌تواند نذر کند و اگر با جلوگیری شوهر نذر کند او باطل است.
کد مسأله: ۶۴۲۸۱

مسأله ۲۶۵۴

مسأله ۲۶۵۴- اگر زن با اجازه شوهر نذر کند، شوهرش نمی‌تواند نذر او را به هم بزند، یا او را از عمل کردن به نذر جلوگیری نماید.
کد مسأله: ۶۴۲۸۲

مسأله ۲۶۵۵

مسأله ۲۶۵۵- اگر فرزند با اجازه پدر نذر کند، باید به آن نذر عمل نماید. بلکه اگر بدون اجازه او نذر کند، بنابر احتیاط عمل کردن به آن نذر واجب است.
۱- بلکه علی‌الاقوی واجب است مگر آنکه پدر نذر را منحل کند.
کد مسأله: ۶۴۲۸۳

مسأله ۲۶۵۶

مسأله ۲۶۵۶- انسان کاری را می‌تواند نذر کند که انجام آن برایش ممکن باشد، بنابراین کسی که نمی‌تواند پیاده کربلا برود، اگر نذر کند که پیاده برود نذر او صحیح نیست.

کد مسأله: ۶۴۲۸۴

مسأله ۲۶۵۷

مسأله ۲۶۵۷- اگر نذر کند که کار حرام یا مکروهی را انجام دهد، یا کار واجب یا مستحبی را ترک کند، نذر او صحیح نیست.

کد مسأله: ۶۴۲۸۵

مسأله ۲۶۵۸

مسأله ۲۶۵۸- هر جهت مساوی باشد، نذر او صحیح نیست، و اگر انجام آن از جهتی بهتر باشد و انسان به قصد همان جهت نذر کند، مثلاً نذر کند غذایی را بخورد که برای عبادت قوت بگیرد، نذر او صحیح است، و نیز اگر ترک آن از جهتی بهتر باشد، و انسان برای همان جهت نذر کند که آن را ترک نماید، مثلاً برای این که دود مضر است، نذر کند که آن را استعمال نکند، نذر او صحیح می‌باشد.

کد مسأله: ۶۴۲۸۶

مسأله ۲۶۵۹

مسأله ۲۶۵۹- اگر نذر کند نماز واجب خود را در جایی بخواند که بخودی خود ثواب نماز در آنجا زیاد نیست، مثلاً نذر کند نماز را در اطاق بخواند، چنانچه نماز خواندن در آنجا از جهتی بهتر باشد مثلاً به واسطه این که خلوت است انسان حضور قلب پیدا می‌کند، نذر صحیح است.

کد مسأله: ۶۴۲۸۷

مسأله ۲۶۶۰

مسأله ۲۶۶۰- اگر نذر کند عملی را انجام دهد، باید همانطور که نذر کرده بجا آورد. پس اگر نذر کند که روز اول ماه صدقه بدهد یا روزه بگیرد یا نماز اول ماه بخواند، چنانچه قبل از آن روز یا بعد از آن به جا آورد، کفایت نمی‌کند. و نیز اگر نذر کند که وقتی مریض او خوب شد، صدقه بدهد، چنانچه پیش از آن که خوب شود صدقه را بدهد، کافی نیست.

کد مسأله: ۶۴۲۸۸

مسأله ۲۶۶۱

مسأله ۲۶۶۱- اگر نذر کند روزه بگیرد ولی وقت و مقدار آن را معین نکند چنانچه یک روز روزه بگیرد، کافی است. و اگر نذر کند نماز بخواند و مقدار و خصوصیات آن را معین نکند، اگر یک نماز دو رکعتی بخواند کفایت می‌کند و اگر نذر کند صدقه بدهد و جنس و مقدار آن را معین نکند اگر چیزی بدهد که بگویند صدقه داده، به نذر عمل کرده است و اگر نذر کند کاری برای خدا بجا آورد، در صورتی که یک نماز بخواند یا یک روز روزه بگیرد، یا چیزی صدقه بدهد، نذر خود را انجام داده است.

کد مسأله: ۶۴۲۸۹

مسأله ۲۶۶۲

مسئله ۲۶۶۲- اگر نذر کند روز معینی را روزه بگیرد، باید همان روز را روزه بگیرد، و نمی‌تواند در آن روز مسافرت کند (۱) و اگر به واسطه مسافرت روزه نگیرد، باید گذشته از قضای آن روز کفاره هم بدهد. یعنی یک بنده آزاد کند، یا شصت فقیر طعام دهد یا دو ماه پی در پی روزه بگیرد ولی اگر ناچار شود که مسافرت کند یا غدر دیگری مثل مرض یا حیض برای او پیش آید، قضای تنها کافیت.

۱- بلکه می‌تواند و باید قضاء آن روز را انجام دهد

کد مسئله: ۶۴۲۹۰

مسئله ۲۶۶۳

مسئله ۲۶۶۳- اگر انسان از روی اختیار به نذر خود عمل نکند باید به مقداری که در مسئله پیش گفته شد کفاره بدهد.

کد مسئله: ۶۴۲۹۱

مسئله ۲۶۶۴

مسئله ۲۶۶۴- اگر نذر کند که تا وقت معینی عمل را ترک کند، بعد از گذشتن آن وقت می‌تواند آن عمل را به جا آورد و اگر پیش از گذشتن وقت از روی فراموشی، یا ناچاری انجام دهد، چیزی بر او واجب نیست، ولی باز هم لازم است که تا آن وقت آن عمل را به جا نیاورد، و چنانچه دوباره پیش از رسیدن آن وقت بدون عذر آن عمل را انجام دهد، باید به مقداری که در دو مسئله پیش گفته شد کفاره بدهد.

کد مسئله: ۶۴۲۹۲

مسئله ۲۶۶۵

مسئله ۲۶۶۵- کسی که نذر کرده عملی را ترک کند و وقتی برای آن معین نکرده است اگر از روی فراموشی یا ناچاری یا ندانستن، آن عمل را انجام دهد کفاره بر او واجب نیست، ولی بعداً هر وقت از روی اختیار آن را بجا آورد، باید به مقداری که در سه مسئله پیش گفته شد کفاره بدهد.

کد مسئله: ۶۴۲۹۳

مسئله ۲۶۶۶

مسئله ۲۶۶۶- اگر نذر کند که در هر هفته روز معینی مثلاً روز جمعه را روزه بگیرد چنانچه یکی از جمعه‌ها عید فطر یا قربان باشد، یا در روز جمعه عذر دیگری مانند حیض برای او پیدا شود، باید آن روز را روزه نگیرد و قضای آن را به جا آورد.

کد مسئله: ۶۴۲۹۴

مسئله ۲۶۶۷

مسئله ۲۶۶۷- اگر نذر کند که مقدار معینی صدقه بدهد، چنانچه پیش از دادن صدقه بمیرد باید آن مقدار را از مال او صدقه بدهند.

کد مسئله: ۶۴۲۹۵

مسئله ۲۶۶۸

مسئله ۲۶۶۸- اگر نذر کند که به فقیر معینی صدقه بدهد، نمی‌تواند آن را به فقیر دیگر بدهد و اگر آن فقیر بمیرد، بنا بر احتیاط باید به ورثه او بدهد.

کد مسئله: ۶۴۲۹۶

مسئله ۲۶۶۹

مسئله ۲۶۶۹- اگر نذر کند که به زیارت یکی از امامان مثلاً به زیارت حضرت اباعبدالله علیه‌السلام مشرف شود چنانچه به زیارت امام دیگر برود کافی نیست و اگر به واسطه عذری نتواند آن امام را زیارت کند، چیزی بر او واجب نیست.

کد مسئله: ۶۴۲۹۷

مسئله ۲۶۷۰

مسئله ۲۶۷۰- کسی که نذر کرده زیارت برود و غسل زیارت و نماز آن را نذر نکرده لازم نیست آنها را بجا آورد.

کد مسئله: ۶۴۲۹۸

مسئله ۲۶۷۱

مسئله ۲۶۷۱- اگر برای حرم یکی از امامان یا امامزادگان چیزی نذر کند، باید آن را در تعمیر و روشنایی و فرش حرم و مانند اینها مصرف کند (۱) یا به زوار و خدام آنان بدهد.

۱- در صورتی که مصرف خاصی را در نظر نگرفته باشد.

کد مسئله: ۶۴۲۹۹

مسئله ۲۶۷۲

مسئله ۲۶۷۲- اگر برای خود امام علیه‌السلام چیزی نذر کند، چنانچه مصرف معینی را قصد کرده، باید به همان مصرف برساند و اگر مصرف معینی را قصد نکرده، باید به فقرا و زوار بدهد یا مسجد و مانند آن بسازد و ثواب آن را هدیه آن امام نماید، و همچنین است اگر چیزی را برای امامزاده‌ای نذر کند.

کد مسئله: ۶۴۳۰۰

مسئله ۲۶۷۳

مسئله ۲۶۷۳- گوسفندی را که برای صدقه، یا برای یکی از امامان نذر کرده‌اند، اگر پیش از آن که به مصرف نذر برسد شیر بدهد یا بچه بیاورد، مال کسی است که آن را نذر کرده ولی پشم گوسفند و مقداری که چاق می‌شود جزء نذر است.

کد مسئله: ۶۴۳۰۱

مسئله ۲۶۷۴

مسئله ۲۶۷۴- هر گاه نذر کند که اگر مریض او خوب شود، یا مسافر او بیاید، عملی را انجام دهد چنانچه معلوم شود که پیش از نذر کردن مریض خوب شده، یا مسافر آمده است عمل کردن به نذر لازم نیست.
کد مسئله: ۶۴۳۰۲

مسئله ۲۶۷۵

مسئله ۲۶۷۵- اگر پدر یا مادر نذر کند که دختر خود را به سید شوهر دهد، بعد از آن که دختر به تکلیف رسید، اختیار با خود اوست و نذر آنان اعتبار ندارد.
کد مسئله: ۶۴۳۰۳

مسئله ۲۶۷۶

مسئله ۲۶۷۶- هر گاه با خدا عهد کند که اگر به حاجت شرعی خود برسد کار خیری را انجام دهد، بعد از آن که حاجتش برآورده شد، باید آن کار را انجام دهد و نیز اگر بدون آن که حاجتی داشته باشد عهد کند که عمل خیری را انجام دهد، آن عمل بر او واجب می‌شود.
کد مسئله: ۶۴۳۰۴

مسئله ۲۶۷۷

مسئله ۲۶۷۷- در عهد هم مثل نذر باید صیغه خوانده شود و نیز کاری را که عهد می‌کند انجام دهد، باید یا عبادت باشد مثل نماز واجب و مستحب یا کاری بکند که انجام آن بهتر از ترکش باشد.
کد مسئله: ۶۴۳۰۵

مسئله ۲۶۷۸

مسئله ۲۶۷۸- اگر به عهد خود عمل نکند، باید کفاره بدهد یعنی شصت فقیر را سیر کند، یا دو ماه روزه بگیرد، یا یک بنده آزاد کند.
کد مسئله: ۶۴۳۰۶

احکام قسم خوردن

مسئله ۲۶۷۹

مسئله ۲۶۷۹- اگر قسم بخورد که کاری را انجام دهد یا ترک کند، مثلاً قسم بخورد که روزه بگیرد، یا دود استعمال نکند، چنانچه عمداً مخالفت کند، باید کفاره بدهد یعنی یک بنده آزاد کند. یا ده فقیر را سیر کند یا آنان را ببوشاند و اگر اینها را نتواند باید سه روز روزه بگیرد.
کد مسئله: ۶۴۳۰۷

مسئله ۲۶۸۰

مسأله ۲۶۸۰- قسم چند شرط دارد:

اول: کسی که قسم می‌خورد باید بالغ و عاقل باشد، و از روی قصد و اختیار قسم بخورد پس قسم خوردن بچه و دیوانه و مست و کسی که مجبورش کرده‌اند، درست نیست و همچنین است اگر در حال عصبانی بودن بی قصد قسم بخورد.

دوم: کاری را که قسم می‌خورد انجام دهد، باید حرام و مکروه نباشد و کاری را که قسم می‌خورد ترک کند، باید واجب و مستحب نباشد، و اگر قسم بخورد که کار مباحی را به جا آورد، باید ترک آن در نظر مردم بهتر از انجامش نباشد، و نیز اگر قسم بخورد کار مباحی را ترک کند، باید انجام آن در نظر مردم بهتر از ترکش نباشد.

سوم: به یکی از اسامی خداوند عالم قسم بخورد که به غیر ذات مقدس او گفته نمی‌شود، مانند خدا و الله و نیز اگر به اسمی قسم بخورد که به غیر خدا هم می‌گویند، ولی به قدری به خدا گفته می‌شود که هر وقت کسی آن اسم را بگوید، ذات مقدس حق در نظر می‌آید، مثل آن که به خالق و رازق قسم بخورد، صحیح است.

چهارم: قسم را به زبان بیاورد و اگر بنویسد یا در قلبش آن را قصد کند صحیح نیست ولی آدم لال اگر با اشاره قسم بخورد صحیح است.

پنجم: عمل کردن به قسم برای او ممکن باشد و اگر موقعی که قسم می‌خورد ممکن باشد و بعداً از عمل به آن عاجز شود، از وقتی که عاجز می‌شود، قسم او به هم می‌خورد و همچنین است اگر عمل کردن به نذر به قدری مشقت پیدا کند که نشود آن را تحمل کرد.

کد مسأله: ۶۴۳۰۸

مسأله ۲۶۸۱

مسأله ۲۶۸۱- اگر پدر از قسم خوردن فرزند جلوگیری کند یا شوهر از قسم خوردن زن جلوگیری نماید، قسم آنان صحیح نیست.

کد مسأله: ۶۴۳۰۹

مسأله ۲۶۸۲

مسأله ۲۶۸۲- اگر فرزند بدون اجازه پدر و زن بدون اجازه شوهر قسم بخورد، پدر و شوهر می‌توانند قسم آنان را به هم بزنند.

کد مسأله: ۶۴۳۱۰

مسأله ۲۶۸۳

مسأله ۲۶۸۳- اگر انسان از روی فراموشی یا ناچاری به قسم عمل نکند، کفاره براو واجب نیست و همچنین است اگر مجبورش کنند که به قسم عمل ننماید و قسمی که آدم و سواسی می‌خورد مثل اینکه می‌گوید: "و الله الان مشغول نماز می‌شوم" و به واسطه سواس مشغول نماز نمی‌شود، اگر سواس او طوری باشد که بی اختیار به قسم عمل نکند، کفاره ندارد.

کد مسأله: ۶۴۳۱۱

مسأله ۲۶۸۴

مسأله ۲۶۸۴- کسی که قسم می‌خورد اگر حرف او راست باشد قسم خوردن او مکروه است، و اگر دروغ باشد، حرام و از گناهان

بزرگ می‌باشد، ولی اگر برای این که خودش یا مسلمان دیگری را از شر ظالمی نجات دهد، قسم دروغ بخورد اشکال ندارد بلکه گاهی واجب می‌شود، اما اگر بتواند توریه کند یعنی موقع قسم خوردن طوری نیت کند که دروغ نشود، بنا بر احتیاط واجب (۱) باید توریه نماید. مثلاً اگر ظالمی بخواهد کسی را اذیت کند و از انسان بپرسد که او را ندیده ای و انسان یک ساعت قبل او را دیده باشد، احتیاط آن است که بگوید او را ندیده ام و قصد کند که از پنج دقیقه پیش ندیده ام.

۱- بلکه علی الاقوی باید توریه نماید.

کد مسأله: ۶۴۳۱۲

احکام وقف

مسأله ۲۶۸۵

مسأله ۲۶۸۵- اگر کسی چیزی را وقف کند، از ملک او خارج می‌شود و خود او و دیگران نمی‌توانند آن را ببخشند یا بفروشند و کسی هم از آن ملک ارث نمی‌برد، ولی در بعضی از موارد که در مسأله ۲۱۰۲ و ۲۱۰۳ گفته شد، فروختن آن اشکال ندارد.

کد مسأله: ۶۴۳۱۳

مسأله ۲۶۸۶

مسأله ۲۶۸۶- لازم (۱) نیست صیغه وقف را به عربی بخوانند. بلکه اگر مثلاً بگوید خانه خود را وقف کردم، و خودش یا کسیکه خانه را برای او وقف کرده یا وکیل یا ولی آنکس بگوید قبول کردم وقف صحیح است. ولی اگر برای افراد مخصوصی وقف نکند، بلکه مثل مسجد و مدرسه برای عموم وقف کند، یا مثلاً بر فقرا یا سادات وقف نماید، قبول کردن کسی لازم نیست.

۱- بلکه وقف معاطاتی نیز صحیح است.

کد مسأله: ۶۴۳۱۴

مسأله ۲۶۸۷

مسأله ۲۶۸۷- اگر ملکی را برای وقف معین کند و پیش از خواندن صیغه وقف پشیمان شود یا بمیرد، وقف درست نیست. (۱)

۱- در صورتی که وقف معاطاتی حاصل نشده باشد.

کد مسأله: ۶۴۳۱۵

مسأله ۲۶۸۸

مسأله ۲۶۸۸- کسی که مالی را وقف می‌کند باید قصد قربت داشته باشد (۱) و از موقع خواندن صیغه، مال را برای همیشه وقف کند و اگر مثلاً بگوید این مال بعد از مردن من وقف باشد، چون از موقع خواندن صیغه تا مردنش وقف نبوده صحیح نیست و نیز اگر بگوید تا ده سال وقف باشد، و بعد از آن نباشد، یا بگوید تا ده سال وقف باشد، بعد پنج سال وقف نباشد و دوباره وقف باشد، وقف صحیح نمی‌باشد.

۱- قصد قربت شرط کمال است نه شرط صحت

کد مسأله: ۶۴۳۱۶

مسئله ۲۶۸۹

مسئله ۲۶۸۹- وقف در صورتی صحیح است که مال وقف را به تصرف کسی که برای او وقف شده یا وکیل، یا ولی او بدهند ولی اگر چیزی را بر اولاد صغیر خود وقف کند و به قصد این که آن چیز ملک آنان شود از طرف آنان نگهداری نماید، وقف صحیح است.

کد مسئله: ۶۴۳۱۷

مسئله ۲۶۹۰

مسئله ۲۶۹۰- اگر مسجدی را وقف کنند بعد از آن که یک نفر در آن مسجد نماز خواند (۱) وقف درست می‌شود.

۱- به عنوان قبض وقف و تسلیم آن

کد مسئله: ۶۴۳۱۸

مسئله ۲۶۹۱

مسئله ۲۶۹۱- وقف کننده باید مکلف و عاقل و با قصد و اختیار باشد و شرعاً بتواند در مال خود تصرف کند. بنا بر این سفیهی که مال خود را در کارهای بیهوده صرف می‌کند، چون حق ندارد در مال خود تصرف نماید، اگر چیزی را وقف کند صحیح نیست. (۱)

۱- در صورتی که ولی او اذن یا اجازه وقف را نداده باشد والا صحیح است.

کد مسئله: ۶۴۳۱۹

مسئله ۲۶۹۲

مسئله ۲۶۹۲- اگر مالی را برای کسانی که به دنیا نیامده‌اند وقف کند، درست نیست، ولی اگر برای زندگان و بعد از آنها برای کسانی که بعداً به دنیا می‌آیند وقف نماید مثلاً چیزی را بر اولاد خود وقف کند که بعد از آنان وقف نوه‌های او باشد و هر دسته‌ای بعد از دسته دیگر از وقف استفاده کنند صحیح است.

کد مسئله: ۶۴۳۲۰

مسئله ۲۶۹۳

مسئله ۲۶۹۳- اگر چیزی را بر خودش وقف کند مثل آن که دکانی را وقف کند که عایدی آن را بعد از مرگ او خرج مقبره‌اش نمایند صحیح نیست، ولی اگر مثلاً مالی را بر فقرا وقف کند و خودش فقیر شود می‌تواند از منافع وقف استفاده نماید.

کد مسئله: ۶۴۳۲۱

مسئله ۲۶۹۴

مسئله ۲۶۹۴- اگر برای چیزی که وقف کرده متولی معین کند، باید مطابق قرارداد او رفتار نمایند. و اگر معین نکند، چنانچه بر افراد مخصوصی مثلاً بر اولاد خود وقف کرده باشد، و آنها بالغ باشند، اختیار با خود آنان است و اگر بالغ نباشند، اختیار با ولی ایشان

است و برای استفاده از وقف اجازه حاکم شرع لازم نیست.

کد مسأله: ۶۴۳۲۲

مسأله ۲۶۹۵

مسأله ۲۶۹۵- اگر ملکی را مثلاً بر فقرا یا سادات وقف کند، یا وقف کند که منافع آن به مصرف خیرات برسد در صورتی که برای آن ملک متولی معین نکرده باشد، اختیار آن با حاکم شرع است.

کد مسأله: ۶۴۳۲۳

مسأله ۲۶۹۶

مسأله ۲۶۹۶- اگر ملکی را بر افراد مخصوصی مثلاً- بر اولاد خود وقف کند که هر طبقه‌ای بعد از طبقه دیگر از آن استفاده کنند چنانچه متولی ملک آن را اجاره دهد و بمیرد اجاره باطل نمی شود (۱) ولی اگر متولی نداشته باشد و یک طبقه از کسانی که ملک بر آنها وقف شده آنرا اجاره دهند و در بین مدت اجاره بمیرند، اجاره باطل می شود (۲) و در صورتی که مستأجر مال الاجاره تمام مدت را داده باشد، مال الاجاره از زمان مردنشان تا آخر مدت اجاره را از مال آنان می گیرد.

۱- نسبت به طبقه ثانیه فضولی است و منوط به اجازه آنان است.

۲- در صورتی که طبقه ثانیه به قید اجاره را امضاء نکنند والا صحیح است.

کد مسأله: ۶۴۳۲۴

مسأله ۲۶۹۷

مسأله ۲۶۹۷- اگر ملک وقف خراب شود، از وقف بودن بیرون نمی رود.

کد مسأله: ۶۴۳۲۵

مسأله ۲۶۹۸

مسأله ۲۶۹۸- ملکی که مقداری از آن وقف است و مقداری از آن وقف نیست اگر تقسیم نشده باشد، حاکم شرع یا متولی وقف می تواند با نظر خبره سهم وقف را جدا کند.

کد مسأله: ۶۴۳۲۶

مسأله ۲۶۹۹

مسأله ۲۶۹۹- اگر متولی وقف خیانت کند و عایدات آن را به مصرفی که معین شده نرساند، حاکم شرع می تواند بجای او متولی امینی معین نماید.

کد مسأله: ۶۴۳۲۷

مسأله ۲۷۰۰

مسئله ۲۷۰۰- فرشی را که برای حسینیه وقف کرده‌اند نمی‌شود برای نماز به مسجد ببرند اگرچه آن مسجد نزدیک حسینیه باشد.
کد مسئله: ۶۴۳۲۸

مسئله ۲۷۰۱

مسئله ۲۷۰۱- اگر ملکی را برای تعمیر مسجدی وقف نمایند، چنانچه آن مسجد احتیاج به تعمیر ندارد و انتظار هم نمی‌رود که تا مدتی احتیاج به تعمیر پیدا کند می‌توانند عایدات آن ملک را به مصرف مسجدی که احتیاج به تعمیر دارد برسانند. (۱)
۱- در صورتی که حفظ عایدات برای تعمیر مسجد اول لغو و بیهوده نباشد نمی‌توانند در مسجد دیگر مصرف نمایند و در غیر این صورت می‌توانند.
کد مسئله: ۶۴۳۲۹

مسئله ۲۷۰۲

مسئله ۲۷۰۲- اگر ملکی را وقف کند که عایدی آن را خرج تعمیر مسجد نمایند و به امام جماعت و به کسی که در آن مسجد اذان می‌گوید بدهند، در صورتی که بدانند یا گمان داشته باشند (۱) که برای هر یک چقدر معین کرده، باید همانطور مصرف کنند، و اگر یقین یا گمان نداشته باشند، باید اول مسجد را (۲) تعمیر کنند و اگر چیزی زیاد آمد، بین امام جماعت و کسی که اذان می‌گوید به طور مساوی قسمت نمایند و بهتر آن است که این دو نفر در تقسیم با یکدیگر صلح کنند.
۱- گمان تا به حد اطمینان نرسد در حکم شک است
۲- اولیت مسجد در مصرف وقف معلوم نیست بلکه باید در هر سه مصرف به نحو تساوی تقسیم نماید.
کد مسئله: ۶۴۳۳۰

احکام وصیت

مسئله ۲۷۰۳

مسئله ۲۷۰۳- وصیت آن است که انسان سفارش کند بعد از مرگش برای او کارهایی انجام دهند، یا بگوید بعد از مرگش چیزی از مال او ملک کسی باشد (۱) یا برای اولاد خود و کسانی که اختیار آنان با اوست، قیم و سرپرست معین کند، و کسی را که به او وصیت می‌کنند وصی می‌گویند.
۱- یا تملیک مشخصی نمایند.
کد مسئله: ۶۴۳۳۱

مسئله ۲۷۰۴

مسئله ۲۷۰۴- کسی که نمی‌تواند حرف بزند اگر، با اشاره مقصود خود را بفهماند برای هر کاری می‌تواند وصیت کند و کسی هم که می‌تواند حرف بزند، اگر در کارهای کوچک و کم ارزش با اشاره ای که مقصودش را بفهماند وصیت کند صحیح است ولی در کارهای بزرگ مثل آنکه بخواهد وصیت کند مبلغ زیادی به کسی بدهند اشاره فائده ندارد. (۱)
۱- در انشاء وصیت تلفظ اعتباری ندارد بلکه انشاء وصیت به هر قول و فعلی محقق می‌شود پس انشاء وصیت به اشاره در امور

حقیره و خطیره صحیح و فایده دارد.

کد مسأله: ۶۴۳۳۲

مسأله ۲۷۰۵

مسأله ۲۷۰۵- اگر نوشته‌ای به امضا یا مهر میت ببینند چنانچه مقصود او را بفهماند و معلوم باشد که برای وصیت کردن نوشته، باید مطابق آن عمل کند.

کد مسأله: ۶۴۳۳۳

مسأله ۲۷۰۶

مسأله ۲۷۰۶- کسی که وصیت می‌کند، باید عاقل و بالغ باشد (۱) و از روی اختیار وصیت کند و نیز باید سفیه نباشد (۲) یعنی مال خود را در کارها بیهوده مصرف نکند.

۱- بلوغ در صحت و لزوم وصیت شرط نیست بلکه وصیت پسر ده ساله که ممیز باشد و خیر و شر را درک کند نافذ و صحیح است.

۲- وصیت سفیه به اذن یا اجازه ولی صحیح و نافذ است.

کد مسأله: ۶۴۳۳۴

مسأله ۲۷۰۷

مسأله ۲۷۰۷- کسی که از روی عمد مثلاً- زخمی بخود زده یا سمی خورده است که به واسطه آن، یقین یا گمان به مردن او پیدا می‌شود، اگر وصیت کند که مقداری از مال او را به مصرفی برساند صحیح نیست. (۱)

۱- ولی اگر قبل از عمل جنایی وصیت کند و سپس خودکشی نماید وصیت او نافذ است.

کد مسأله: ۶۴۳۳۵

مسأله ۲۷۰۸

مسأله ۲۷۰۸- اگر انسان وصیت کند که چیزی به کسی بدهند در صورتی آن کس آن چیز را مالک می‌شود که بعد از مردن وصیت کننده آن را قبول کند. (۱) و اگر در زمان زنده بودن او قبول نماید مالک نمی‌شود. (۲)

۱- در حصول ملکیت موصی له قبول لازم نیست همین که رد وصیت نکند مالک می‌شود

۲- در صورت اعتبار قبول در حصول ملکیت موصی له قبول زمان حیات کافی است و مالک می‌شود و لکن علی الاقوی قبول شرط نیست.

کد مسأله: ۶۴۳۳۶

مسأله ۲۷۰۹

مسأله ۲۷۰۹- وقتی انسان نشانه‌های مرگ را در خود دید باید فوراً امانتهای مردم را به صاحبانش برگرداند و اگر به مردم بدهکار است و موقع دادن آن بدهی رسیده باید بدهد، و اگر خودش نمی‌تواند بدهد یا موقع دادن بدهی او نرسیده، باید وصیت کند و بر وصیت شاهد بگیرد، ولی اگر بدهی او معلوم باشد وصیت کردن لازم نیست.

کد مسأله: ۶۴۳۳۷

مسأله ۲۷۱۰

مسأله ۲۷۱۰- کسی که نشانه‌های مرگ را در خود می‌بیند، اگر خمس و زکوه و مظالم بدهکار است، باید فوراً بدهد و اگر نمی‌تواند بدهد، چنانچه از خودش مال دارد، یا احتمال می‌دهد کسی آنها را ادا نماید، باید وصیت کند، و همچنین است اگر حج بر او واجب باشد.

کد مسأله: ۶۴۳۳۸

مسأله ۲۷۱۱

مسأله ۲۷۱۱- کسی که نشانه‌های مرگ را در خود می‌بیند اگر نماز و روزه قضا دارد، باید وصیت کند که از مال خودش برای آنها اجیر بگیرند، بلکه اگر مال نداشته باشد ولی احتمال بدهد کسی بدون آن که چیزی بگیرد آنها را انجام می‌دهد، باز هم واجب است وصیت نماید، و اگر قضای نماز و روزه او به تفصیلی که در مسأله ۱۳۹۹ گفته شد، بر پسر بزرگترش واجب باشد، باید به او اطلاع دهد یا وصیت کند که برای او بجا آورند.

کد مسأله: ۶۴۳۳۹

مسأله ۲۷۱۲

مسأله ۲۷۱۲- کسی که نشانه‌های مرگ را در خود می‌بیند، اگر مالی پیش کسی دارد یا در جایی پنهان کرده است که ورثه نمی‌دانند، چنانچه به واسطه ندانستن حقشان از بین برود، باید به آنان اطلاع دهد، و لازم نیست برای بچه‌های صغیر خود قیم و سرپرست معین کند، ولی در صورتی که بدون قیم مالشان از بین می‌رود، یا خودشان ضایع می‌شوند، باید برای آنان قیم امینی معین نماید.

کد مسأله: ۶۴۳۴۰

مسأله ۲۷۱۳

مسأله ۲۷۱۳- وصی باید مسلمان و بالغ و عاقل و مورد اطمینان باشد.

کد مسأله: ۶۴۳۴۱

مسأله ۲۷۱۴

مسأله ۲۷۱۴- اگر کسی چند وصی برای خود معین کند، چنانچه اجازه داده باشد که هر کدام به تنهایی به وصیت عمل کنند، لازم نیست در انجام وصیت از یکدیگر اجازه بگیرند، و اگر اجازه نداده باشد، چه گفته باشد که همه با هم به وصیت عمل کنند، یا نگفته باشد، باید با نظر یکدیگر به وصیت عمل نمایند، و اگر حاضر نشوند که با یکدیگر به وصیت عمل کنند، حاکم شرع آنها را مجبور می‌کند و اگر اطاعت نکنند به جای آنان دیگران را معین می‌نماید.

کد مسأله: ۶۴۳۴۲

مسئله ۲۷۱۵

مسئله ۲۷۱۵- اگر انسان از وصیت خود برگردد مثلاً بگوید ثلث مالش را به کسی بدهند، بعد بگوید به او ندهند وصیت باطل می‌شود، و اگر وصیت خود را تغییر دهد مثل آن که قیمی برای بچه‌های خود معین کند، بعد دیگری را به جای او قیم نماید، وصیت اولش باطل می‌شود و باید به وصیت دوم او عمل نمایند.

کد مسئله: ۶۴۳۴۳

مسئله ۲۷۱۶

مسئله ۲۷۱۶- اگر کاری کند که معلوم شود از وصیت خود برگشته، مثلاً خانه‌ای را که وصیت کرده به کسی بدهند بفروشد، یا دیگری را برای فروش آن وکیل نماید، وصیت باطل می‌شود.

کد مسئله: ۶۴۳۴۴

مسئله ۲۷۱۷

مسئله ۲۷۱۷- اگر وصیت کند چیز معینی را به کسی بدهند بعد وصیت کند که نصف همان را به دیگری بدهند، باید آن چیز را دو قسمت کنند و به هر کدام از آن دو نفر یک قسمت آن را بدهند.

کد مسئله: ۶۴۳۴۵

مسئله ۲۷۱۸

مسئله ۲۷۱۸- اگر کسی در مرضی که به آن مرض می‌میرد، مقداری از مالش را به کسی ببخشد و وصیت کند که بعد از مردن او هم مقداری به کس دیگر بدهند، چنانچه روی هم بیشتر از ثلث نباشد، یا اگر بیشتر است ورثه اجازه بدهند که گفته او عملی شود، باید به آنچه گفته عمل کنند و اگر روی هم بیشتر از ثلث باشد، و ورثه هم اجازه ندهند، باید مالی را که پیش از مرگ بخشیده از ثلث بدهند (۱) و اگر چیزی از ثلث زیاد آمد مال دومی است.

۱- مالی که در حال مرض بخشیده از اصل حساب می‌شود و مالی که وصیت کرده بعد از مرگ بدهند از ثلث حساب می‌شود اگر به مقدار ثلث یا کمتر از آن باشد بدون اجازه ورثه نافذ است و اگر بیشتر از ثلث باشد با اجازه ورثه زائد بر ثلث نافذ والا به مقدار ثلث نافذ است.

کد مسئله: ۶۴۳۴۶

مسئله ۲۷۱۹

مسئله ۲۷۱۹- اگر وصیت کند که ثلث مال او را نفروشد و عایدی آن را به مصرفی برسانند، باید مطابق گفته او عمل نمایند.

کد مسئله: ۶۴۳۴۷

مسئله ۲۷۲۰

مسئله ۲۷۲۰- اگر در مرضی که به آن مرض می‌میرد، بگوید مقداری به کسی بدهکار است، چنانچه متهم باشد که برای ضرر زدن

به ورثه گفته است، باید مقداری را که معین کرده از ثلث او بدهند و اگر متهم نباشد، و کسی هم منکر گفته او نشود باید از اصل مالش بدهند.

کد مسأله: ۶۴۳۴۸

مسأله ۲۷۲۱

مسأله ۲۷۲۱- کسی که انسان وصیت می‌کند که چیزی به او بدهند، باید وجود داشته باشد. پس اگر وصیت کند به بچه‌ای که ممکن است فلان زن حامله شود چیزی بدهند باطل است، ولی اگر وصیت کند به بچه‌ای که در شکم مادر است چیزی بدهند، اگر چه هنوز روح نداشته باشد، وصیت صحیح است. پس اگر زنده به دنیا آمد، باید آنچه را که وصیت کرده به او بدهند، و اگر مرده به دنیا آمد وصیت باطل می‌شود و آنچه را که برای او وصیت کرده ورثه میان خودشان قسمت می‌کنند.

کد مسأله: ۶۴۳۴۹

مسأله ۲۷۲۲

مسأله ۲۷۲۲- اگر انسان بفهمد کسی او را وصی کرده، چنانچه به اطلاع وصیت کننده برساند که برای انجام وصیت او حاضر نیست، لازم نیست بعد از مردن او به وصیت عمل کند، ولی اگر پیش از مردن او بفهمد که او را وصی کرده، یا بفهمد و به او اطلاع ندهد که برای عمل کردن به وصیت حاضر نیست. در صورتی که مشقت نداشته باشد، باید وصیت او را انجام دهد. و نیز اگر وصی پیش از مرگ، موقعی ملتفت شود که مریض بواسطه شدت مرض، نتواند به دیگری وصیت کند، باید وصیت را قبول نماید.

کد مسأله: ۶۴۳۵۰

مسأله ۲۷۲۳

مسأله ۲۷۲۳- اگر کسی که وصیت کرده بمیرد، وصی نمی‌تواند (۱) دیگری را برای انجام کارهای میت معین کند و خود از کار کناره گیری نماید، ولی اگر بداند مقصود میت این بوده که خود وصی آن کار را انجام دهد، بلکه مقصودش فقط انجام کار بوده، می‌تواند دیگری را از طرف خود وکیل نماید.

۱- اگر قید مباشرت در وصیت شده باشد و الا می‌تواند

کد مسأله: ۶۴۳۵۱

مسأله ۲۷۲۴

مسأله ۲۷۲۴- اگر کسی دو نفر را وصی کند، چنانچه یکی از آن دو بمیرد یا دیوانه یا کافر شود، حاکم شرع یک نفر دیگر را (۱) به جای او معین می‌کند، و اگر هر دو بمیرند، یا دیوانه یا کافر شوند، حاکم شرع دو نفر دیگر را (۲) معین می‌کند، ولی اگر یک نفر بتواند وصیت را عملی کند، معین کردن دو نفر لازم نیست.

۱- اگر دو وصی مستقل نباشند والا تعیین فرد دیگر لازم نیست.

۲- اگر دو وصی سابق مستقل نباشند والا تعیین یک نفر کافی است و تعیین دو نفر لازم نیست.

کد مسأله: ۶۴۳۵۲

مسئله ۲۷۲۵

مسئله ۲۷۲۵- اگر وصی نتواند به تنهایی کارهای میت را انجام دهد، حاکم شرع برای کمک او یک نفر دیگر را معین میکند.

کد مسئله: ۶۴۳۵۳

مسئله ۲۷۲۶

مسئله ۲۷۲۶- اگر مقداری از مال میت در دست وصی تلف شود، چنانچه در نگهداری آن کوتاهی کرده و یا تعدی نموده، مثلاً میت وصیت کرده است که فلان مقدار به فقراى فلان شهر بده و او مال را به شهر دیگر برده و در راه از بین رفته، (۱) ضامن است و اگر کوتاهی نکرده و تعدی هم ننموده، ضامن نیست.

۱- در این فرض ضامن است ولو اینکه تلف نشده باشد زیرا بغیر مورد وصیت صرف کرده.

کد مسئله: ۶۴۳۵۴

مسئله ۲۷۲۷

مسئله ۲۷۲۷- هرگاه انسان کسی را وصی کند، و بگوید که اگر آن کس بمیرد فلانی وصی باشد، بعد از آن که وصی اول مرد، وصی دوم باید کارهای میت را انجام دهد.

کد مسئله: ۶۴۳۵۵

مسئله ۲۷۲۸

مسئله ۲۷۲۸- حجتی که بر میت واجب است و بدهکاری و حقوقی را که مثل خمس و زکوه و مظالم، ادا کردن آنها واجب می‌باشد، باید از اصل مال میت بدهند اگر چه میت برای آنها وصیت نکرده باشد.

کد مسئله: ۶۴۳۵۶

مسئله ۲۷۲۹

مسئله ۲۷۲۹- اگر مال میت از بدهی و حج واجب و حقوقی که مثل خمس و زکوه و مظالم بر او واجب است زیاد بیاید، چنانچه وصیت کرده باشد که ثلث یا مقداری از ثلث را به مصرفی برسانند، باید به وصیت او عمل کنند و اگر وصیت نکرده باشد، آنچه می‌ماند مال ورثه است.

کد مسئله: ۶۴۳۵۷

مسئله ۲۷۳۰

مسئله ۲۷۳۰- اگر مصرفی را که میت معین کرده، از ثلث مال او بیشتر باشد، وصیت او در بیشتر از ثلث در صورتی صحیح است که ورثه حرفی بزنند یا کاری کنند که معلوم شود عملی شدن وصیت را اجازه داده‌اند و تنها راضی بودن آنان کافی نیست (۱) و اگر مدتی بعد از مردن او هم اجازه بدهند، صحیح است.

۱- بلکه کافی است و احتیاجی به انشاء اذن یا اجازه ندارد.

کد مسأله: ۶۴۳۵۸

مسأله ۲۷۳۱

مسأله ۲۷۳۱- اگر مصرفی را که میت معین کرده، از ثلث مال او بیشتر باشد و پیش از مردن او ورثه اجازه بدهند که وصیت او عملی شود، بعد از مردن او نمی‌توانند از اجازه خود برگردند.

کد مسأله: ۶۴۳۵۹

مسأله ۲۷۳۲

مسأله ۲۷۳۲- اگر وصیت کند که از ثلث او خمس و زکوه یا بدهی دیگر او را بدهند، و برای نماز و روزه او اجیر بگیرند، و کار مستحبی هم مثل اطعام به فقرا انجام دهند، باید اول بدهی او را از ثلث بدهند و اگر چیزی زیاد آمد برای نماز و روزه او اجیر بگیرند و اگر از آن هم زیاد آمد به مصرف کار مستحبی که معین کرده برسانند و چنانچه ثلث مال او فقط به اندازه بدهی او باشد، و ورثه هم اجازه ندهند که بیشتر از ثلث مال مصرف شود، وصیت برای نماز و روزه و کارهای مستحبی باطل است. (۱)

۱- باطل نیست بلکه واجبات مالی میت (خمس و زکوه) را در این فرض از اصل مال او اداء می‌کنند و ثلث را مصرف واجبات بدنی (نماز و روزه) و مستحبات قرار می‌دهند.

کد مسأله: ۶۴۳۶۰

مسأله ۲۷۳۳

مسأله ۲۷۳۳- اگر وصیت کند که بدهی او را بدهند و برای نماز و روزه او اجیر بگیرند و کار مستحبی هم انجام دهند چنانچه وصیت نکرده باشد که اینها را از ثلث بدهند، باید بدهی او را از اصل مال بدهند، و اگر چیزی زیاد آمد، ثلث آن را به مصرف نماز و روزه و کارهای مستحبی که معین کرده برسانند، و در صورتی که ثلث کافی نباشد، پس اگر ورثه اجازه بدهند، باید وصیت او عملی شود و اگر اجازه ندهند، باید نماز و روزه را از ثلث بدهند و اگر چیزی زیاد آمد به مصرف کار مستحبی که معین کرده برسانند.

کد مسأله: ۶۴۳۶۱

مسأله ۲۷۳۴

مسأله ۲۷۳۴- اگر کسی بگوید که میت وصیت کرده فلان مبلغ به من بدهند، چنانچه دو مرد عادل گفته او را تصدیق کنند، یا قسم بخورد و یک مرد عادل هم گفته او را تصدیق نماید، یا یک مرد عال و دو زن عادل، یا چهار زن عادل به گفته او شهادت دهند، باید مقداری را که می‌گوید به او بدهند، و اگر یک زن عادل شهادت بدهد، باید یک چهارم چیزی را که مطالبه می‌کند به او بدهند، و اگر دو زن عادل شهادت دهند نصف آن را، و اگر سه زن عادل شهادت دهند، باید سه چهارم آن را به او بدهند، و نیز اگر دو مرد کافر ذمی که در دین خود عادل باشند گفته او را تصدیق کنند، در صورتی که میت ناچار بوده است که وصیت کند، و مرد و زن (مسلمان) عادل هم در موقع وصیت نبوده، باید چیزی را که مطالبه می‌کند به او بدهند.

کد مسأله: ۶۴۳۶۲

مسأله ۲۷۳۵

مسأله ۲۷۳۵- اگر کسی بگوید من وصی می‌تم که مال او را به مصرفی برسانم یا میت مرا قیم بچه‌های خود قرار داده، در صورتی باید حرف او را قبول کرد که دو مرد عادل گفته او را تصدیق نمایند.

کد مسأله: ۶۴۳۶۳

مسأله ۲۷۳۶

مسأله ۲۷۳۶- اگر وصیت کند چیزی به کسی بدهند و آن کس پیش از آن که قبول کند یا رد نماید بمیرد، تا وقتی ورثه او وصیت را رد نکرده‌اند می‌توانند آن چیز را قبول نمایند، ولی این در صورتی است که وصیت کننده از وصیت خود برنگردد و گرنه حقی به آن چیز ندارند.

کد مسأله: ۶۴۳۶۴

احکام ارث**مسأله ۲۷۳۷**

مسأله ۲۷۳۷- کسانی که به واسطه خویشی ارث می‌برند سه دسته هستند:

دسته اول: پدر و مادر و اولاد میت است و با نبودن اولاد، اولاد اولاد هر چه پائین روند هر کدام آنان که به میت نزدیکتر است ارث می‌برد و تا یک نفر از این دسته هست دسته دوم ارث نمی‌برند.

دسته دوم: جد یعنی پدر بزرگ و جده یعنی مادر بزرگ، و خواهر و برادر و بانبودن برادر و خواهر، اولاد ایشان هر کدام آنان که به میت نزدیکتر است ارث می‌برد و تا یک نفر از این دسته هست دسته سوم ارث نمی‌برند.

دسته سوم: عمو و عمه و دایی و خاله و اولاد آنان است و تا یک نفر از عموها و عمه‌ها و دایی‌ها و خاله‌های میت زنده‌اند اولاد آنان ارث نمی‌برند، ولی اگر میت عمومی پدری و پسر عمومی پدر و مادری داشته باشد، ارث به پسر عمومی پدر و مادری می‌رسد و عمومی پدری ارث نمی‌برد.

کد مسأله: ۶۴۳۶۵

مسأله ۲۷۳۸

مسأله ۲۷۳۸- اگر عمو و عمه و دایی و خاله خود میت و اولاد آنان و اولاد اولاد آنان نباشند، عمو و عمه و دایی و خاله پدر و مادر میت ارث می‌برند. و اگر اینها نباشند، اولادشان ارث می‌برند و اگر اینها هم نباشند، عمو و عمه و دایی و خاله جد و جده میت، و اگر اینها نباشند، اولادشان ارث می‌برند.

کد مسأله: ۶۴۳۶۶

مسأله ۲۷۳۹

مسأله ۲۷۳۹- زن و شوهر به تفصیلی که بعداً گفته می‌شود، از یکدیگر ارث می‌برند.

کد مسأله: ۶۴۳۶۷

ارث دسته اول**مسئله ۲۷۴۰**

مسئله ۲۷۴۰- اگر وارث میت فقط یک نفر از دسته اول باشد، مثلاً پدر یا مادر یا یک پسر یا یک دختر باشد، همه مال میت به او می‌رسد. و اگر چند پسر یا چند دختر باشند، همه مال به طور مساوی بین آنان قسمت می‌شود. و اگر یک پسر و یک دختر باشند مال را سه قسمت می‌کنند، دو قسمت را پسر، و یک قسمت را دختر می‌برد. و اگر چند پسر و چند دختر باشند، مال را طوری قسمت می‌کنند که هر پسری دو برابر دختر ببرد.

کد مسئله: ۶۴۳۶۸

مسئله ۲۷۴۱

مسئله ۲۷۴۱- اگر وارث میت فقط پدر و مادر او باشند، مال سه قسمت می‌شود، دو قسمت آن را پدر و یک قسمت را مادر می‌برد، ولی اگر میت دو برادر یا چهار خواهر یا یک برادر و دو خواهر داشته باشد که همه آنان پدری باشند (۱) یعنی پدر آنان با پدر میت یکی باشد، خواه مادرشان هم با مادر میت یکی باشد یا نه، اگر چه تا میت پدر و مادر دارد اینها ارث نمی‌برند، اما به واسطه بودن اینها مادر شش یک مال را می‌برد و بقیه را به پدر می‌دهند.

۱- و موانع ارث در آنان نباشد مثلاً عبد یا کافر یا قاتل نباشند و الا حاجب مادر نمی‌شوند.

کد مسئله: ۶۴۳۶۹

مسئله ۲۷۴۲

مسئله ۲۷۴۲- اگر وارث فقط پدر و مادر و یک دختر باشند، چنانچه میت دو برادر یا چهار خواهر یا یک برادر و دو خواهر پدری نداشته باشد، مال را پنج قسمت می‌کنند، پدر و مادر، هر کدام یک قسمت و دختر سه قسمت آن را می‌برد. و اگر دو برادر یا چهار خواهر یا یک برادر و دو خواهر پدری داشته باشد، مال را شش قسمت می‌کنند، پدر و مادر، هر کدام یک قسمت، و دختر سه قسمت می‌برد، و یک قسمت باقی مانده را چهار قسمت می‌کنند، یک قسمت را به پدر و سه قسمت را به دختر می‌دهند. مثلاً اگر مال میت را ۲۴ قسمت کنند، ۱۵ قسمت آن را به دختر، و ۵ قسمت آن را به پدر، و ۴ قسمت آن را به مادر می‌دهند.

کد مسئله: ۶۴۳۷۰

مسئله ۲۷۴۳

مسئله ۲۷۴۳- اگر وارث میت فقط پدر و مادر و یک پسر باشند مال را شش قسمت می‌کنند، پدر و مادر هر کدام یک قسمت و پسر چهار قسمت آن را می‌برد. و اگر چند پسر یا دختر باشند، آن چهار قسمت را به طور مساوی بین خودشان قسمت می‌کنند و اگر پسر و دختر باشند، آن چهار قسمت را طوری تقسیم می‌کنند که هر پسری دو برابر دختر ببرد.

کد مسئله: ۶۴۳۷۱

مسئله ۲۷۴۴

مسئله ۲۷۴۴- اگر وارث میت فقط پدر و یک پسر، یا مادر و یک پسر باشند، مال را شش قسمت می‌کنند، یک قسمت آن را پدر یا مادر، و پنج قسمت را پسر می‌برد.
کد مسئله: ۶۴۳۷۲

مسئله ۲۷۴۵

مسئله ۲۷۴۵- اگر وارث میت فقط پدر، یا مادر، با پسر و دختر باشد، مال را شش قسمت می‌کنند یک قسمت آن را پدر یا مادر می‌برد و بقیه را طوری قسمت می‌کنند که هر پسری دو برابر دختر ببرد.
کد مسئله: ۶۴۳۷۳

مسئله ۲۷۴۶

مسئله ۲۷۴۶- اگر وارث میت فقط پدر و یک دختر، یا مادر و یک دختر باشد، مال را چهار قسمت می‌کنند، یک قسمت آن را پدر یا مادر و بقیه را دختر می‌برد.
کد مسئله: ۶۴۳۷۴

مسئله ۲۷۴۷

مسئله ۲۷۴۷- اگر وارث میت فقط پدر و چند دختر، یا مادر و چند دختر باشد، مال را پنج قسمت می‌کنند، یک قسمت را پدر یا مادر می‌برد و چهار قسمت را دخترها به طور مساوی بین خودشان قسمت می‌کنند.
کد مسئله: ۶۴۳۷۵

مسئله ۲۷۴۸

مسئله ۲۷۴۸- اگر میت اولاد نداشته باشد، نوه پسری او اگر چه دختر باشد، سهم پسر میت را می‌برد، و نوه دختری او اگر چه پسر باشد، سهم دختر میت را می‌برد، مثلاً اگر میت یک پسر از دختر خود و یک دختر از پسرش داشته باشد، مال را سه قسمت می‌کنند و یک قسمت را به پسر دختر و دو قسمت را به دختر پسر می‌دهند.
کد مسئله: ۶۴۳۷۶

ارث دسته دوم

مسئله ۲۷۴۹

مسئله ۲۷۴۹- دسته دوم از کسانی است که به واسطه خویشی ارث می‌برند. جد یعنی پدر بزرگ و جده یعنی مادر بزرگ و برادر و خواهر میت است و اگر برادر و خواهر نداشته باشد، اولادشان ارث می‌برند.
کد مسئله: ۶۴۳۷۷

مسئله ۲۷۵۰

مسئله ۲۷۵۰- اگر وارث میت فقط یک برادر، یا یک خواهر باشد، همه مال به او می رسد و اگر چند برادر و مادری با هم باشند، یا چند خواهر پدر و مادری باشند مال به طور مساوی بین آنان قسمت می شود، و اگر برادر و خواهر پدر و مادری با هم باشند، هر برادری دو برابر خواهر می برد مثلاً اگر دو برادر و یک خواهر پدر و مادری دارد، مال را پنج قسمت می کنند، هر یک از برادرها دو قسمت و خواهر یک قسمت آن را می برد.

کد مسئله: ۶۴۳۷۸

مسئله ۲۷۵۱

مسئله ۲۷۵۱- اگر میت برادر و خواهر پدر و مادری دارد، برادر و خواهر پدری که از مادر با میت جدا است ارث نمی برد، و اگر برادر و خواهر پدر و مادری ندارد، چنانچه فقط یک خواهر یا یک برادر پدری داشته باشد، همه مال به او می رسد و اگر چند برادر و چند خواهر پدری داشته باشد مال به طور مساوی بین آنان قسمت می شود و اگر هم برادر و هم خواهر پدری داشته باشد هر برادری دو برابر خواهر می برد.

کد مسئله: ۶۴۳۷۹

مسئله ۲۷۵۲

مسئله ۲۷۵۲- اگر وارث میت فقط یک خواهر، یا یک برادر مادری باشد، که از پدر با میت جدا است، همه مال با او می رسد. و اگر چند برادر مادری، یا چند خواهر مادری، یا چند برادر و خواهر مادری باشند، مال به طور مساوی بین آنان قسمت می شود.

کد مسئله: ۶۴۳۸۰

مسئله ۲۷۵۳

مسئله ۲۷۵۳- اگر میت برادر و خواهر پدر و مادری، و برادر و خواهر پدری، و یک برادر یا یک خواهر مادری داشته باشد، برادر و خواهر پدری ارث نمی برند، و مال را شش قسمت می کنند، یک قسمت آن را به برادر یا خواهر مادری، و بقیه را به برادر و خواهر پدر و مادری می دهند. و هر برادری دو برابر خواهر می برد.

کد مسئله: ۶۴۳۸۱

مسئله ۲۷۵۴

مسئله ۲۷۵۴- اگر میت برادر و خواهر پدر و مادری، و برادر و خواهر پدری، و برادر و خواهر مادری داشته باشد، برادر و خواهر پدری ارث نمی برد، و مال را سه قسمت می کنند، یک قسمت آن را برادر و خواهر مادری به طور مساوی بین خودشان قسمت می کنند، و بقیه را به برادر و خواهر پدر و مادری می دهند، و هر برادری دو برابر خواهر می برد.

کد مسئله: ۶۴۳۸۲

مسئله ۲۷۵۵

مسئله ۲۷۵۵- اگر وارث میت فقط برادر و خواهر پدری، و یک برادر مادری، یا یک خواهر مادری باشد، مال را شش قسمت می کنند، یک قسمت آن را برادر یا خواهر مادری می برد و بقیه را به برادر و خواهر پدری می دهند، و هر برادری دو برابر خواهر

می‌برد.

کد مسأله: ۶۴۳۸۳

مسأله ۲۷۵۶

مسأله ۲۷۵۶- اگر وارث میت فقط برادر و خواهر پدری، و چند برادر و خواهر مادری باشد، مال را سه قسمت می‌کنند، یک قسمت آن را برادر و خواهر مادری به طور مساوی بین خودشان قسمت می‌کنند، و بقیه را به برادر و خواهر پدری می‌دهند، و هر برادری دو برابر خواهر می‌برد.

کد مسأله: ۶۴۳۸۴

مسأله ۲۷۵۷

مسأله ۲۷۵۷- اگر وارث میت فقط برادر و خواهر و زن او باشد، زن ارث خود را به تفصیلی که بعداً گفته می‌شود می‌برد، و خواهر و برادر به طوری که در مسایل گذشته گفته شد ارث خود را می‌برند. و نیز اگر زنی بمیرد و وارث او فقط خواهر و برادر و شوهر او باشد. شوهر نصف مال را می‌برد و خواهر و برادر به طوری که در مسایل پیش گفته شد ارث خود را می‌برند، ولی برای آن که زن یا شوهر ارث می‌برد، از سهم برادر و خواهر مادری چیزی کم نمی‌شود، و از سهم برادر و خواهر پدر و مادری یا پدری کم می‌شود، مثلاً اگر وارث میت، شوهر و برادر و خواهر مادری و برادر و خواهر پدر و مادری او باشد، نصف مال به شوهر می‌رسد، و یک قسمت از سه قسمت اصل مال را به برادر و خواهر مادری می‌دهند، و آنچه می‌ماند مال برادر و خواهر پدر و مادری است. پس اگر همه مال او شش تومان باشد، سه تومان به شوهر و دو تومان به برادر و خواهر مادری و یک تومان به برادر و خواهر پدر و مادری می‌دهند.

کد مسأله: ۶۴۳۸۵

مسأله ۲۷۵۸

مسأله ۲۷۵۸- اگر میت خواهر و برادر نداشته باشد، سهم ارث آنان را به اولادشان می‌دهند، و سهم برادر زاده و خواهر زاده مادری به طور مساوی بین آنان قسمت می‌شود، و از سهمی که به برادر زاده و خواهر زاده پدری یا پدر و مادری می‌رسد، هر پسری دو برابر دختر می‌برد.

کد مسأله: ۶۴۳۸۶

مسأله ۲۷۵۹

مسأله ۲۷۵۹- اگر وارث میت فقط یک جد یا یک جده است، چه پدری باشد یا مادری، همه مال به او می‌رسد و با بودن جد میت پدر جد او ارث نمی‌برد.

کد مسأله: ۶۴۳۸۷

مسأله ۲۷۶۰

مسأله ۲۷۶۰- اگر وارث میت فقط جد و جده پدری باشد، مال سه قسمت می‌شود، دو قسمت را جد و یک قسمت را جده می‌برد.

و اگر جد و جده مادری باشد، مال را به طور مساوی بین خودشان قسمت می‌کنند.

کد مسأله: ۶۴۳۸۸

مسأله ۲۷۶۱

مسأله ۲۷۶۱- اگر وارث میت فقط یک جد یا جده پدری و یک جد یا جده مادری باشد، مال سه قسمت می‌شود، دو قسمت را جد یا جده پدری و یک قسمت را جد یا جده مادری می‌برد.

کد مسأله: ۶۴۳۸۹

مسأله ۲۷۶۲

مسأله ۲۷۶۲- اگر وارث میت جد و جده پدری، و جد و جده مادری باشد، مال سه قسمت می‌شود، یک قسمت آن را جد و جده مادری به طور مساوی بین خودشان قسمت می‌کنند و دو قسمت آن را به جد و جده پدری می‌دهند، و جد دو برابر جده می‌برد.

کد مسأله: ۶۴۳۹۰

مسأله ۲۷۶۳

مسأله ۲۷۶۳- اگر وارث میت فقط زن و جد و جده پدری و جد و جده مادری او باشد، زن ارث خود را به تفصیلی که در بعداً گفته می‌شود می‌برد، و یک قسمت از سه قسمت اصل مال را به جد و جده مادری می‌دهند که به طور مساوی بین خودشان قسمت می‌کنند و بقیه را به جد و جده پدری می‌دهند و جد دو برابر جده می‌برد، و اگر وارث میت شوهر و جد و جده باشد، شوهر نصف مال را می‌برد و جد و جده به دستوری که در مسایل گذشته گفته شد، ارث خود را می‌برند.

کد مسأله: ۶۴۳۹۱

ارث دسته سوم

مسأله ۲۷۶۴

مسأله ۲۷۶۴- دسته سوم عمو و عمه و دایی و خاله و اولاد آنان است به تفصیلی که گفته شد، که اگر از طبقه اول و دوم کسی نباشد اینها ارث می‌برند.

کد مسأله: ۶۴۳۹۲

مسأله ۲۷۶۵

مسأله ۲۷۶۵- اگر وارث میت فقط یک عمو یا یک عمه است، چه پدر و مادری باشد یعنی با میت از یک پدر و مادر باشد، یا پدری باشد یا مادری همه مال به او می‌رسد، و اگر چند عمو یا چند عمه باشند و همه پدر و مادری یا همه پدری باشند، مال به طور مساوی بین آنان قسمت می‌شود، و اگر عمو و عمه هر دو باشند، و همه پدر و مادری، یا همه پدری باشند، عمو دو برابر عمه می‌برد، مثلاً اگر وارث میت دو عمو و یک عمه باشد، مال را پنج قسمت می‌کنند، یک قسمت را به عمه می‌دهند و چهار قسمت را عموها به طور مساوی بین خودشان قسمت می‌کنند.

کد مسأله: ۶۴۳۹۳

مسأله ۲۷۶۶

مسأله ۲۷۶۶- اگر وارث میت فقط چند عموی مادری یا چند عمه مادری، یا عمو و عمه مادری باشند مال به طور مساوی بین آنان قسمت می‌شود.

کد مسأله: ۶۴۳۹۴

مسأله ۲۷۶۷

مسأله ۲۷۶۷- اگر وارث میت عمو و عمه باشد و بعضی پدری و بعضی مادری و بعضی پدر و مادری باشند، عمو و عمه پدری ارث نمی‌برند، پس اگر میت یک عمو یا یک عمه مادری دارد مال را شش قسمت می‌کنند، یک قسمت را به عمو یا عمه مادری و بقیه را به عمو و عمه پدر و مادری می‌دهند و عموی پدر و مادری دو برابر عمه پدر و مادری می‌برد و اگر هم عمو و هم عمه مادری دارد، مال را سه قسمت می‌کنند دو قسمت را به عمو و عمه پدر و مادری می‌دهند و عمو دو برابر عمه می‌برد و یک قسمت را به عمو و عمه مادری می‌دهند، که به طور مساوی بین خودشان قسمت می‌کنند و احتیاط آن است که در تقسیم با یکدیگر صلح کنند.

کد مسأله: ۶۴۳۹۵

مسأله ۲۷۶۸

مسأله ۲۷۶۸- اگر وارث میت فقط یک دایی، یا یک خاله باشد همه مال به او می‌رسد، و اگر هم دایی و هم خاله باشد، و همه پدر و مادری، یا پدری، یا مادری باشند مال به طور مساوی بین آنان قسمت می‌شود و احتیاط آن است که در تقسیم با یکدیگر صلح کنند.

کد مسأله: ۶۴۳۹۶

مسأله ۲۷۶۹

مسأله ۲۷۶۹- اگر وارث میت فقط یک دایی، یا یک خاله مادری و دایی و خاله پدر و مادری، و دایی و خاله پدری باشد، دایی و خاله پدری ارث نمی‌برد، و مال را شش قسمت می‌کنند، یک قسمت را به دایی یا خاله مادری و بقیه را به دایی و خاله پدر و مادری می‌دهند (۱) و احتیاط آن است که در تقسیم با یکدیگر صلح کنند.

۱- به طور مساوی ولی احتیاط مستحب آن است که با یکدیگر صلح کنند.

کد مسأله: ۶۴۳۹۷

مسأله ۲۷۷۰

مسأله ۲۷۷۰- اگر وارث میت فقط دایی و خاله پدری و دایی و خاله مادری و دایی و خاله پدر و مادری باشد، دایی و خاله پدری ارث نمی‌برد و باید مال را سه قسمت کنند یک قسمت آن را دایی و خاله مادری به طور مساوی بین خودشان قسمت نمایند و بقیه را به دایی و خاله پدر و مادری بدهند (۱) و احتیاط آن است که در تقسیم آن با یکدیگر صلح کنند.

۱- به طور مساوی ولی احتیاط مستحب آن است که با یکدیگر صلح کنند.

کد مسأله: ۶۴۳۹۸

مسأله ۲۷۷۱

مسأله ۲۷۷۱- اگر وارث میت یک دایی یا یک خاله و یک عمو یا یک عمه باشد مال را سه قسمت می کنند، یک قسمت را دایی یا خاله و بقیه را عمو یا عمه می برد.

کد مسأله: ۶۴۳۹۹

مسأله ۲۷۷۲

مسأله ۲۷۷۲- اگر وارث میت یک دایی یا یک خاله، و عمو و عمه باشد، چنانچه عمو و عمه پدر و مادری یا پدری باشند، مال را سه قسمت می کنند، یک قسمت را دایی یا خاله می برد، و از بقیه، دو قسمت به عمو و یک قسمت به عمه می دهند، بنابراین اگر مال را نه قسمت کنند، سه قسمت را به دایی یا خاله و چهار قسمت را به عمو و دو قسمت را به عمه می دهند.

کد مسأله: ۶۴۴۰۰

مسأله ۲۷۷۳

مسأله ۲۷۷۳- اگر وارث میت یک دایی یا یک خاله و یک عمو یا یک عمه مادری، و عمو و عمه پدر و مادری یا پدری باشد، مال را سه قسمت می کنند، یک قسمت آن را به دایی یا خاله می دهند و دو قسمت باقی مانده را شش قسمت می کنند، یک قسمت را به عمو یا عمه مادری و بقیه را به عمو و عمه پدر و مادری یا پدری می دهند، و عمو دو برابر عمه می برد. بنابراین اگر مال را نه قسمت کنند، سه قسمت را به دایی یا خاله و یک قسمت را به عمو یا عمه مادری و پنج قسمت دیگر را به عمو و عمه پدر و مادری یا پدری می دهند.

کد مسأله: ۶۴۴۰۱

مسأله ۲۷۷۴

مسأله ۲۷۷۴- اگر وارث میت یک دایی، یا یک خاله و عمو و عمه مادری، و عمو و عمه پدر و مادری، یا پدری باشد، مال را سه قسمت می کنند، یک قسمت را دایی یا خاله می برد و دو قسمت باقی مانده را سه سهم می کنند، یک سهم آن را به طور مساوی بین عمو و عمه مادری تقسیم می کنند و دو سهم دیگر را بین عمو و عمه پدر و مادری یا پدری قسمت می نمایند، و عمو دو برابر عمه می برد. بنابراین اگر مال را نه قسمت کنند، سه قسمت آن سهم خاله یا دایی و دو قسمت سهم عمو و عمه مادری و چهار قسمت سهم عمو و عمه پدر و مادری یا پدری می باشد.

کد مسأله: ۶۴۴۰۲

مسأله ۲۷۷۵

مسأله ۲۷۷۵- اگر وارث میت چند دایی و چند خاله باشد که همه پدر و مادری، یا پدری یا مادری باشند و عمو و عمه هم داشته باشد، مال سه سهم می شود، دو سهم آن به دستوری که در مسأله پیش گفته شد عمو و عمه بین خودشان قسمت می کنند و یک

سهم آن را دایی‌ها و خاله‌ها به طور مساوی بین خودشان قسمت می‌نمایند.

کد مسأله: ۶۴۴۰۳

مسأله ۲۷۷۶

مسأله ۲۷۷۶- اگر وارث میت، دایی یا خاله مادری، و چند دایی و خاله پدر و مادری یا پدری، و عمو و عمه باشد، مال سه سهم می‌شود، و دو سهم آن را به دستوری که سابقاً گفته شد، عمو و عمه بین خودشان قسمت می‌کنند، پس اگر میت یک دایی یا یک خاله مادری دارد، یک سهم دیگر آن را شش قسمت می‌کنند، یک قسمت را به دایی یا خاله مادری می‌دهند، و بقیه را به دایی و خاله پدر و مادری یا پدری می‌دهند، که بنا بر احتیاط (۱) باید در تقسیم آن با هم صلح کنند، و اگر چند دایی مادری یا چند خاله مادری یا هم دایی مادری و هم خاله مادری دارد، آن یک سهم را سه قسمت می‌کنند، یک قسمت را دایی‌ها و خاله‌های مادری به طور مساوی بین خودشان قسمت می‌کنند و بقیه را به دایی و خاله پدر و مادری یا پدری می‌دهند، که بنا بر احتیاط در تقسیم آن با هم صلح می‌کنند.

۱- این احتیاط و احتیاط بعدی مستحسن است و اقوی تقسیم به طور مساوی است.

کد مسأله: ۶۴۴۰۴

مسأله ۲۷۷۷

مسأله ۲۷۷۷- اگر میت عمو و عمه و دایی و خاله نداشته باشد، مقداری که به عمو و عمه می‌رسد، به اولاد آنان و مقداری که به دایی و خاله می‌رسد، به اولاد آنان داده می‌شود.

کد مسأله: ۶۴۴۰۵

مسأله ۲۷۷۸

مسأله ۲۷۷۸- اگر وارث میت عمو و عمه و دایی و خاله پدر و عمو و عمه و دایی و خاله مادر او باشند، مال سه سهم می‌شود، یک سهم آن را عمو و عمه و دایی و خاله مادر میت به طور مساوی، بین خودشان قسمت می‌کنند و دو سهم دیگر آن را سه قسمت می‌کنند، یک قسمت را دایی و خاله پدر میت به طور مساوی بین خودشان قسمت می‌نمایند، و دو قسمت دیگر آن را به عمو و عمه پدر میت می‌دهند، و عمو دو برابر عمه می‌برد.

کد مسأله: ۶۴۴۰۶

ارث زن و شوهر

مسأله ۲۷۷۹

مسأله ۲۷۷۹- اگر زنی بمیرد و اولاد نداشته باشد، نصف همه مال را شوهر او و بقیه را ورثه دیگر می‌برند، و اگر از آن شوهر یا از شوهر دیگر اولاد داشته باشد، چهار یک همه مال را شوهر و بقیه را ورثه دیگر می‌برند.

کد مسأله: ۶۴۴۰۷

مسأله ۲۷۸۰

مسئله ۲۷۸۰- اگر مردی بمیرد و اولاد نداشته باشد چهار یک مال او را زن و بقیه را ورثه دیگر می‌برند. و اگر از آن زن یا از زن دیگر اولاد داشته باشند. هشت یک مال را زن و بقیه را ورثه دیگر می‌برند و، زن از زمین خانه مسکونی، نه از خود زمین و نه از قیمت آن ارث نمی‌برد و احتیاط واجب (۱) آن است که در زمین باغ و زراعت و زمین های دیگر هم با ورثه میت صلح کند و نیز از خود هوایی خانه مانند بنا و درخت ارث نمی‌برد ولی از قیمت آنها ارث می‌برد و از درخت و زراعت و ساختمانی که در زمین باغ و زراعت و زمین‌های دیگر است اگرچه ارث می‌برد، اما چون ارث بردن او از خود اینها یا از قیمت اینها محل اشکال است، احتیاط واجب آن است که در اینها هم با ورثه دیگر صلح نماید.

۱- زن از زمین مطلقاً عیناً و قیمه ارث نمی‌برد و از اعیانی هر چه باشد قیمه ارث می‌برد و عیناً ارث نمی‌برد و این دو احتیاط لازم نیست ولی مستحسن است.

کد مسئله: ۶۴۴۰۸

مسئله ۲۷۸۱

مسئله ۲۷۸۱- اگر زن بخواهد در چیزهایی که از آنها ارث نمی‌برد، مانند زمین خانه مسکونی، تصرف کند، باید از ورثه دیگر اجازه بگیرد. و نیز احتیاط واجب (۱) آن است که ورثه تا سهم زن را ندادند در چیزهایی که زن از قیمت آنها ارث می‌برد، مانند بنا و درخت بدون اجازه ی او تصرف نکنند. و چنانچه پیش از دادن سهم زن، اینها را بفروشند، در صورتی که زن معامله را اجازه دهد، صحیح و گرنه باطل است. (۲)

۱- این احتیاط مستحسن است زیرا زوجه از اعیانی حقی ندارد که مانع از جواز تصرف باشد مگر در صورت اذن زوجه.

۲- اجازه زوجه دخالت در صحت ندارد تا عدم آن موجب بطلان معامله باشد.

کد مسئله: ۶۴۴۰۹

مسئله ۲۷۸۲

مسئله ۲۷۸۲- اگر بخواهند بنا و درخت و مانند آن را قیمت نمایند، باید حساب کنند که اگر آنها بدون اجاره در زمین بمانند تا از بین بروند، چقدر ارزش دارند، و سهم زن را از آن قیمت بدهند.

کد مسئله: ۶۴۴۱۰

مسئله ۲۷۸۳

مسئله ۲۷۸۳- مجرای آب قنات و مانند آن حکم زمین را دارد، و آجر و چیزهایی که در آن بکار رفته، در حکم ساختمان است.

کد مسئله: ۶۴۴۱۱

مسئله ۲۷۸۴

مسئله ۲۷۸۴- اگر میت بیش از یک زن داشته باشد، چنانچه اولاد نداشته باشد، چهار یک مال، و اگر اولاد داشته باشد، هشت یک مال، به شرحی که گفته شد، بطور مساوی بین زن‌های او قسمت می‌شود، اگر چه شوهر با هیچ یک از آنان، یا بعضی آنان نزدیکی نکرده باشد، ولی اگر در مرضی که به آن مرض از دنیا رفته، زنی را عقد کرده، و با او نزدیکی نکرده است، آن زن از او ارث

نمی‌برد، و حق مهر هم ندارد.

کد مسأله: ۶۴۴۱۲

مسأله ۲۷۸۵

مسأله ۲۷۸۵- اگر زن در حال مرض شوهر کند، و به همان مرض بمیرد شوهرش اگر چه با او نزدیکی نکرده باشد، از او ارث می‌برد.

کد مسأله: ۶۴۴۱۳

مسأله ۲۷۸۶

مسأله ۲۷۸۶- اگر زن را به ترتیبی که در احکام طلاق گفته شد، طلاق رجعی بدهند، و در بین عده بمیرد، شوهر از او ارث می‌برد. و نیز اگر شوهر در بین عده زن بمیرد، زن از او ارث می‌برد. ولی اگر بعد از گذشتن عده رجعی یا در عده طلاق باین یکی از آنان بمیرد، دیگری از او ارث نمی‌برد.

کد مسأله: ۶۴۴۴۸

مسأله ۲۷۸۷

مسأله ۲۷۸۷- اگر شوهر در حال مرض، عیالش را طلاق دهد، و پیش از گذشتن دوازده ماه هلالی بمیرد، زن با سه شرط از او ارث می‌برد:

اول: آنکه در این مدت شوهر دیگر نکرده باشد.

دوم: به واسطه بی میلی به شوهر، مالی به او نداده باشد که به طلاق دادن راضی شود. بلکه اگر چیزی هم به شوهر ندهد ولی طلاق به تقاضای زن باشد، باز هم ارث بردنش اشکال دارد.

سوم: شوهر در مرضی که در آن مرض زن را طلاق داده، به واسطه آن مرض یا به جهت دیگری بمیرد، پس اگر از آن مرض خوب شود و به جهت دیگری از دنیا برود، زن از او ارث نمی‌برد.

کد مسأله: ۶۴۴۴۹

مسأله ۲۷۸۸

مسأله ۲۷۸۸- لباسی که مرد برای پوشیدن زن خود گرفته اگر چه زن آن را پوشیده باشد، بعد از مردن شوهر، جزء مال شوهر است. (۱)

۱- در صورتی که زوج به زوجه تملیک نکرده باشد و الا جزء مال شوهر نیست.

کد مسأله: ۶۴۴۵۰

مسائل متفرقه ارث

مسأله ۲۷۸۹

مسئله ۲۷۸۹- قرآن و انگشتی و شمشیر میت و لباسی را که پوشیده مال پسر بزرگتر است و اگر میت از این چهار چیز بیشتر از یکی دارد، مثلاً دو قرآن یا دو انگشتی دارد احتیاط واجب آن است که پسر بزرگ در آنها با ورثه دیگر صلح کند.
کد مسئله: ۶۴۴۵۱

مسئله ۲۷۹۰

مسئله ۲۷۹۰- اگر پسر بزرگ میت، بیش از یکی باشد، مثلاً از دو زن او در یک وقت دو پسر به دنیا آمده باشد، باید لباس و قرآن و انگشتی و شمشیر میت را به طور مساوی بین خودشان قسمت کنند.
کد مسئله: ۶۴۴۵۲

مسئله ۲۷۹۱

مسئله ۲۷۹۱- اگر میت قرض داشته باشد، چنانچه قرضش به اندازه مال او یا زیادتر باشد، باید چهار چیزی هم که مال پسر بزرگتر است و در مسئله پیش گفته شد، به قرض او بدهند. و اگر قرض کمتر از مال او باشد، باید از آن چهار چیزی هم که به پسر بزرگتر می‌رسد به نسبت به قرض او بدهند. مثلاً اگر همه دارایی او شصت تومان است و به مقدار بیست تومان آن از چیزهایی است که مال پسر بزرگتر است و سی تومان هم قرض دارد، پسر بزرگ باید به مقدار ده تومان از آن چهار چیز را بابت قرض میت بدهد.
کد مسئله: ۶۴۴۵۳

مسئله ۲۷۹۲

مسئله ۲۷۹۲- مسلمان از کافر ارث می‌برد، ولی کافر اگر چه پدر یا پسر میت باشد، از او ارث نمی‌برد.
کد مسئله: ۶۴۴۵۴

مسئله ۲۷۹۳

مسئله ۲۷۹۳- اگر کسی یکی از خویشان خود را عمداً و بناحق بکشد، از او ارث نمی‌برد. ولی اگر از روی خطا باشد، مثل آنکه سنگ به هوا بیندازد و اتفاقاً به یکی از خویشان او بخورد و او را بکشد، از او ارث می‌برد، ولی ارث بردن او از دیه قتل که بعداً گفته می‌شود، محل اشکال است.
کد مسئله: ۶۴۴۵۵

مسئله ۲۷۹۴

مسئله ۲۷۹۴- هرگاه بخواهند ارث را تقسیم کنند، برای بچه‌ای که در شکم است، که اگر زنده به دنیا بیاید ارث می‌برد، سهم دو پسر را کنار می‌گذارند. ولی اگر احتمال بدهند بیشتر است، مثلاً احتمال بدهند که زن سه بچه حامله باشد، سهم سه پسر را کنار می‌گذارند. و چنانچه مثلاً یک پسر یا یک دختر به دنیا آمد، زیادی را ورثه بین خودشان تقسیم می‌کنند.
کد مسئله: ۶۴۴۵۶

احکام حدی که برای بعضی از گناهان معین شده

مسئله ۲۷۹۵

مسئله ۲۷۹۵- اگر کسی با یکی از محرم های خود که مثل مادر و خواهر با او نسبت دارند زنا کند، به حکم شرع باید او را بکشند و همچنین است اگر مرد کافر با زن مسلمان زنا کند. و در اخبار بسیار وارد شده است که انجام دادن یکی از حدها باعث می شود که مردم کار نامشروع نکنند و دنیا و آخر آنان را حفظ می کنند و منفعتش برای آنان بیشتر است از اینکه چهار روز باران بیارد. کد مسئله: ۶۴۴۵۷

مسئله ۲۷۹۶

مسئله ۲۷۹۶- اگر مرد آزادی زنا کند، باید او را صد تازیانه بزنند و چنانچه سه مرتبه زنا کند و در هر دفعه صد تازیانه اش بزنند، در فعه چهارم باید او را بکشند. ولی کسی که زن عقدی دائمی دارد و درحالی که بالغ و عاقل و آزاد بوده با او نزدیکی کرده و هر وقت هم بخواهد می تواند با او نزدیکی کند، اگر با زنی که بالغه و عاقله است زنا کند، باید او را سنگسار نمایند. کد مسئله: ۶۴۴۵۸

مسئله ۲۷۹۷

مسئله ۲۷۹۷- اگر مردی ببیند که کسی با زن او زنا می کند چنانچه نترسد که به او ضرر بزنند، میتواند هر دو را بکشد. و اگر آنان را نکشد، آن زن بر او حرام نمی شود. کد مسئله: ۶۴۴۵۹

مسئله ۲۷۹۸

مسئله ۲۷۹۸- اگر مرد مکلف عاقلی با مکلف عاقل دیگر لواط کند، باید هر دوی آنان را بکشند و حاکم شرع می تواند لواط کننده را با شمشیر بکشد. یا سنگسار کند، یا زنده به آتش بسوزاند، یا دست و پای او را ببندد و از جای بلندی به زیر اندازد و یا دیواری را روی او خراب کند. کد مسئله: ۶۴۴۶۰

مسئله ۲۷۹۹

مسئله ۲۷۹۹- اگر یک نفر کس دیگر را امر کند که به ناحق کسی را بکشد در صوتی که قاتل و کسی که به او دستور داده، هر دو مکلف و عاقل باشند، قاتل را باید کشت و کسی که او را امر کرده باید حبس کرد تا بمیرد. کد مسئله: ۶۴۴۶۱

مسئله ۲۸۰۰

مسئله ۲۸۰۰- اگر فرزند، پدر یا مادر را عمداً بکشد، باید او را بکشند، ولی اگر پدری فرزند خود را عمداً بکشد، باید به دستوری که در احکام دیه گفته می شود دیه بدهد و هر قدر حاکم شرع صلاح می داند او را بزنند. کد مسئله: ۶۴۴۶۲

مسئله ۲۸۰۱

مسئله ۲۸۰۱- هر گاه کسی پسری را از روی شهوت بیوسد، حاکم شرع از سی تا نود هر قدر صلاح می داند تازیانه به او می زند. و روایت شده است که خداوند عالم دهانه ای از آتش به دهان او می زند و ملائکه آسمان و زمین و ملائکه رحمت و غضب بر او لعنت می کنند و جهنم برای او مهیا خواهد بود. ولی اگر توبه کند توبه او قبول می شود.

کد مسئله: ۶۴۴۶۳

مسئله ۲۸۰۲

مسئله ۲۸۰۲- اگر کسی مرد و زن را برای زنا یا مرد و پسر را برای لواط به هم برساند، چنانچه آنکس زن باشد، باید هفتاد و پنج تازیانه به او بزنند و اگر مرد باشد، بعد از هفتاد و پنج تازیانه باید سر او را بتراشند و در کوچه و بازار بگردانند و از محلی که در آن محل این کار را کرده بیرونش کنند.

کد مسئله: ۶۴۴۶۴

مسئله ۲۸۰۳

مسئله ۲۸۰۳- اگر کسی بخواهد با زنی زنا کند، یا با پسری لواط نماید و بدون آن که او را بکشند جلوگیری از او ممکن نباشد، کشتن او جایز است.

کد مسئله: ۶۴۴۶۵

مسئله ۲۸۰۴

مسئله ۲۸۰۴- اگر کسی به مرد یا زن مسلمانی که بالغ و عاقل و آزاد است نسبت زنا یا لواط بدهد، یا ولد الزنا بگوید، باید هشتاد تازیانه از روی لباس به او بزنند.

کد مسئله: ۶۴۴۶۶

مسئله ۲۸۰۵

مسئله ۲۸۰۵- کسی که مکلف و عاقل است اگر از روی اختیار شراب بخورد، در دفعه اول و دوم باید تمام بدنش را غیر از عورت برهنه کند و هشتاد تازیانه به او بزنند و در دفعه سوم یا چهارم باید او را بکشند.

کد مسئله: ۶۴۴۶۷

مسئله ۲۸۰۶

مسئله ۲۸۰۶- کسی که مکلف و عاقل است اگر چهار نخود و نیم طلا- سکه دار یا چیز دیگری را که به این مقدار ارزش دارد بدزدد. چنانچه شرطهایی را که در شرع برای آن معین شده دارا باشد، در فعه اول باید چهار انگشت دست راست او را از بیخ ببرند و کف دست و شست او را بگذارد و دفعه دوم بنا بر احتیاط باید پای چپ او را از وسط قدم ببرند و در دفعه سوم باید او را حبس کنند تا بمیرد و چنانچه مال دارد خرج او را از مال خودش و اگر ندارد از بیت المال بدهند و در صورتی که در زندان دزدی کند،

باید او را بکشند.

کد مسأله: ۶۴۴۶۸

احکام دیه

مسأله ۲۸۰۷

مسأله ۲۸۰۷- اگر کسی عمدتاً و به ناحق دیگری را بکشد، ولی کشته می‌تواند قاتل را عفو کند یا بکشد یا مقداری که در مسأله بعد گفته می‌شود از او دیه بگیرد. اما اگر از روی خطا بکشد مثلاً برای حیوانی تیر بیندازد و اشتبهاً کسی را بکشد، ولی کشته حق ندارد او را بکشد، اما می‌تواند دیه بگیرد.

کد مسأله: ۶۴۴۶۹

مسأله ۲۸۰۸

مسأله ۲۸۰۸- دیه ای که قاتل باید بدهد یکی از شش چیز است: اول - صد شتر که داخل سال ششم شده باشند. دوم - دویست گاو. سوم - هزار گوسفند چهارم - دویست حله و هر حله دو پارچه ای است که در یمن می‌بافند. پنجم - هزار مثقال شرعی طلا که هر مثقال آن ۱۸ نخود است. ششم - ده هزار درهم که هر درهمی ۶/۱۲ نخود نقره سکه دار است.

کد مسأله: ۶۴۴۷۰

مسأله ۲۸۰۹

مسأله ۲۸۰۹- دیه چند چیز مثل دیه کشتن است که مقدار آن در مسأله پیش گفته شد. اول - آنکه دو چشم کسی را کور کند، یا چهار پلک چشم او را از بین ببرد و اگر یک چشم او را کور کند، باید نصف دیه کشتن را بدهد. دوم - دو گوش کسی را ببرد، یا کاری کند که دو گوش او کر شود (۱) و اگر یک گوش او را ببرد یا کر کند، نصف دیه کشتن را بدهد (۲) و اگر نرمه گوش او را ببرد، باید ثلث دیه کشتن را بدهد. سوم - تمامی بینی یا نرمه بینی کسی را ببرد. چهارم - زبان کسی را از بیخ ببرند و اگر مقداری از آن را ببرند باید به نسبت دیه بدهد مثلاً اگر نصف زبان را ببرند، باید نصف دیه کشتن را بدهد. پنجم - تمام دندان های کسی را از بین ببرد و دیه هر کدام از دوازده دندان جلوی دهان که شش عدد بالا و شش عدد پایین می‌باشد، پنجاه مثقال شرعی طلا (۳) است و هر مثقال شرعی ۱۸ نخود است و اگر یکی از شانزده دندان عقب را که هشت عدد آنها بالا و هشت عدد پایین است از بین ببرد، باید بیست و پنج مثقال شرعی طلا بدهد. ششم - هر دو دست کسی را از بند جدا کند و اگر یک دست را از بند جدا کند، باید نصف دیه کشتن را بدهد. هفتم - ده انگشت کسی را ببرد و دیه هر انگشت ده یک دیه کشتن است. هشتم - پشت کسی را طوری بشکند که دیگر درست نشود (۴) نهم - هر دو پستان زنی را (۵) ببرد و اگر یکی از آنها را ببرد، باید نصف دیه کشتن را بدهد. دهم - هر دو پای کسی را تا مفصل، یا همه ده انگشت پا را ببرد و دیه هر انگشت، ده یک دیه کشتن است. یازدهم - تخم های مردی را از بین ببرد. دوازدهم - طوری به کسی آسیب برساند که عقل او از بین برود. سیزدهم - به کسی صدمه ای بزند که دیگر بوی خوب و بد را نفهمد. و یا منی از او خارج نشود

۱- و امید صحت نباشد والا صبر کنند اگر شنوا شد فنعن المطلوب ولی باید ارش و نقیصه زمان کری را بدهد و اگر شنوا نشد تمام دیه را باید تأدیه نماید.

۲- بلکه به نسبت تأدیه حروف بیست و هشت گانه حساب می شود. مثلاً اگر ثلث زبان را قطع کند ولی تکلم به نصف حروف برای او مقدور نباشد باید نصف دیه تأدیه شود و بالعکس عکس آن ثلث دیه را تأدیه نماید اینها در صورتی است که لال نباشد و الا دیه لال ثلث دیه صحیح است و هر کسری از آن قطع شود به نسبت ثلث دیه حساب می شود.

۳- یا پانصد درهم نقره که هر درهم دوازده نخود و شش عشر نخود نقره خالص است و همچنین در دندان های ضواحک و اضراص هر کدام بیست و پنج مثقال طلای شرعی یا دویست و پنجاه درهم پول نقره و زن با مرد تا ثلث دیه مساوی است و چون از ثلث دیه تجاوز کرد دیه زن نصف دیده مرد است.

۴- یا محدب بماند و یا نتواند بنشیند باید تمام دیه را تأدیه نماید و اگر صحت یافته باید ثلث دیه را تأدیه نماید و احوط در صورت صحت صلح است.

۵- تمام دیه زن که نصف دیه مرد است باید تأدیه نماید.

کد مسأله: ۶۴۴۷۱

مسأله ۲۸۱۰

مسأله ۲۸۱۰- اگر اشتهاً (۱) کسی را بکشد باید دیه او را بدهد و یک بنده آزاد کند و اگر نتواند بنده آزاد کند. دو ماه روزه بگیرد و اگر این را هم نتواند شصت فقیر را سیر کند و اگر عمدتاً و به ناحق بکشد، در صورت عفو یا گرفتن دیه باید دو ماه روزه بگیرد و شصت فقیر را سیر کند و یک بنده را آزاد نماید.

۱- چه خطای محض باشد یا شبه عمد ولی در صورت خطای محض دیه بر عاقله است و در صورت شبه عمد دیه بر قاتل است.

کد مسأله: ۶۴۴۷۲

مسأله ۲۸۱۱

مسأله ۲۸۱۱- کسی که سوار حیوان است، اگر کاری کند که آن حیوان به کسی آسیب برساند، ضامن است. و نیز اگر دیگری کاری کند که حیوان به سوار خود، یا به کس دیگر صدمه بزند، ضامن می باشد.

کد مسأله: ۶۴۴۷۳

مسأله ۲۸۱۲

مسأله ۲۸۱۲- اگر انسان کاری کند که زن حامله سقط کند (۱) چنانچه چیزی که سقط شده نطفه باشد دیه اش بیست مثقال شرعی طلا است که هر مثقال آن ۱۸ نخود می باشد. و اگر علقه یعنی خون بسته باشد، چهل مثقال و اگر مضغه یعنی پاره گوشت باشد، شصت مثقال و اگر استخوان شده باشد هشتاد مثقال و اگر گوشت آورده ولی هنوز روح در او دمیده نشده، صد مثقال. و اگر روح در او دمیده شده، چنانچه پسر باشد، دیه او هزار مثقال و اگر دختر باشد، دیه او پانصد مثقال شرعی طلا است.

۱- و ساقط محکوم به اسلام و حریت باشد و الا حکم چنین نیست.

کد مسأله: ۶۴۴۷۴

مسأله ۲۸۱۳

مسأله ۲۸۱۳- اگر زن حامله کاری کند که بچه اش سقط شود، باید دیه آن را به تفصیلی که در مسأله پیش گفته شد، به وارث بچه

بدهد و به خود زن چیزی از آن نمی رسد.

کد مسأله: ۶۴۴۷۵

مسأله ۲۸۱۴

مسأله ۲۸۱۴- اگر کسی زن حامله را بکشد، باید دیه ی زن و بچه را بدهد.

کد مسأله: ۶۴۴۷۶

کد مسأله: ۶۴۴۷۷

مسأله ۲۸۱۵

مسأله ۲۸۱۵- اگر پوست سر یا صورت مردی را پاره کند، باید یک شتر به او بدهد. و اگر به گوشت برسد و قدری از آن را هم ببرد، باید دو شتر بدهد. و اگر خیلی از گوشت را پاره کند، باید سه شتر بدهد. و اگر به پرده نازک استخوان برسد، چهار شتر، و اگر استخوان نمایان شود، پنج شتر، و اگر استخوان بشکند، ده شتر. و اگر بعضی از ریزه های استخوان از جای خود بیرون آید، پانزده شتر. و اگر به پرده مغز برسد، اید سی و سه شتر بدهد.

کد مسأله: ۶۴۴۷۸

مسأله ۲۸۱۶

مسأله ۲۸۱۶- اگر به صورت کسی سیلی یا چیز دیگری بزند به طوری که صورت او سرخ شود باید یک مثقال و نیم شرعی (۱) طلا که هر مثقالی ۱۸ نخود است بدهد. و اگر کبود شود، سه مثقال، و اگر سیاه شود، باید شش مثقال شرعی طلا بدهد ولی اگر جای دیگر بدن کسی را به واسطه زدن، سرخ یا کبود یا سیاه کند، باید نصف آنچه را که گفته شد بدهد.

۱- که مسکوک به سکه معامله باشد.

کد مسأله: ۶۴۴۷۹

مسأله ۲۸۱۷

مسأله ۲۸۱۷- اگر به حیوان حلال گوشت کسی زخم بزند، یا چیزی از بدن آن را ببرد باید تفاوت قیمت سالم و معیوب آن را به صاحبش بدهد.

کد مسأله: ۶۴۴۸۰

مسأله ۲۸۱۸

مسأله ۲۸۱۸- اگر انسان سگ شکاری کسی را بکشد، باید بیست و یک مثقال معمولی نقره سکه دار به او بدهد. (۱) و اگر سگی را که نگهداری خانه را می کند، یا سگ گله کسی را تلف نماید. باید ده مثقال و نیم نقره سکه دار بدهد و اگر سگی که پاسبانی زراعت را می کند بکشد باید نه من ونیم و سه سیر و چهارده مثقال و نیم گندم که تقریباً ۲۹ کیلو و ۷۵ گرم می شود بدهد.

۱- و احتیاط آن است که قیمت آن را به صاحبش تأدیه نماید و در کلب ماشیه یک گوسفند تأدیه نماید و احتیاط ضمان قیمت آن است و در کلب حائط که بستان باشد و کلب دار که خانه باشد احتیاط نیز ضمان قیمت آن است و در کلب زرع یک فقیر گندم

که تقریباً ۲۹ کیلو و ۷۵ گرم می شود و احتیاط ضمان قیمت آن است.

کد مسأله: ۶۴۴۸۱

مسأله ۲۸۱۹

مسأله ۲۸۱۹- اگر حیوان زراعت یا مال کسی را از بین ببرد، چنانچه صاحب حیوان در نگهداری آن کوتاهی کرده باشد، باید مقداری را که ضرر زده به صاحب مال یا زراعت بدهد.

کد مسأله: ۶۴۴۸۲

مسأله ۲۸۲۰

مسأله ۲۸۲۰- اگر بچه یکی از گناهان کبیره را انجام دهد، ولی یا معلم او (۱) می تواند به قدری که ادب شود و دیه واجب نشود او را بزند.

۱- به اذن ولی شرعی که پدر یا جد یا حاکم شرع است و بدون اذن ولی شرعی معلم نمی تواند او را تأدیب کند.

کد مسأله: ۶۴۴۸۳

مسأله ۲۸۲۱

مسأله ۲۸۲۱- اگر کسی بچه ای را طوری بزند که دیه واجب شود، دیه مال طفل است و اگر مرده باید به ورثه او بدهد و چنانچه مثلاً پدر بچه به قدری او را بزند که بمیرد، دیه او را ورثه دیگرش می برند و به خود پدر از دیه چیزی نمی رسد.

کد مسأله: ۶۴۴۸۴

مسائل متفرقه

اشاره

مسائل متفرقه ای که به صورت سؤال و جواب در آخر رساله های دیگر حضرت مستطاب آیه الله العظمی یاد داشت شده در این رساله هر کدام در محل مناسب خود نوشته شد و قسمتی از آنها که مناسب با مسائل گذشته نبود در اینجا بیان می شود.

مسأله ۲۸۲۲

مسأله ۲۸۲۲- اگر ریشه درخت همسایه در ملک انسان بیاید، می تواند از آن جلوگیری کند و چنانچه ضرری هم از ریشه درخت به او برسد، می تواند از صاحب درخت بگیرد.

کد مسأله: ۶۴۴۸۵

مسأله ۲۸۲۳

مسأله ۲۸۲۳- جهیزیه ای که پدر دختر می دهد، اگر مثلاً به واسطه صلح یا بخشش ملک او کرده باشد، نمی تواند از او پس بگیرد و اگر ملک او نکرده باشد، پس گرفتن آن اشکال ندارد.

کد مسأله: ۶۴۴۸۶

مسأله ۲۸۲۴

مسأله ۲۸۲۴- اگر کسی بمیرد، ورثه بالغ او می توانند از سهم خودشان خرج عزاداری میت نمایند ولی از سهم صغیر نمی شود چیزی برداشت.

کد مسأله: ۶۴۴۸۷

مسأله ۲۸۲۵

مسأله ۲۸۲۵- اگر انسان غیبت مسلمانی را کند، احتیاط واجب آن است که اگر مفسده ای پیدا نشود، از آن مسلمان خواهش کند که او را حلال نماید. و چنانچه ممکن نباشد باید برای او از خدا طلب آمرزش کند و اگر به واسطه غیبتی که کرده توهینی به آن مسلمان شده در صورتی که ممکن است، باید آن توهین را برطرف نمایند.

کد مسئله: ۶۴۴۸۸

مسأله ۲۸۲۶

مسأله ۲۸۲۶- انسان نمی تواند بدون اذن حاکم شرع از مال کسی که می داند خمسی نمی دهد، خمس را بردارد و به حاکم شرع برساند.

کد مسئله: ۶۴۴۸۹

مسأله ۲۸۲۷

مسأله ۲۸۲۷- آوازی که مخصوص مجالس لهو و بازیگری است، غنا و حرام می باشد. و اگر نوحه یا روضه یا قرآن را هم با غنا بخوانند حرام است. ولی اگر آن را با صدای خوب بخوانند که غنا نباشد اشکال ندارد.

کد مسئله: ۶۴۴۹۰

مسأله ۲۸۲۸

مسأله ۲۸۲۸- کشتن حیوانی که اذیت می رساند و مال کسی نیست، اشکال ندارد.

کد مسئله: ۶۴۴۹۱

مسأله ۲۸۲۹

مسأله ۲۸۲۹- جایزه ای را که بانک به بعضی از کسانی که در صندوق پس انداز حساب دارند می دهد، چون برای تشویق مردم از خودش می دهد و ضرر آن به کسی نمی رسد حلال است.

کد مسأله: ۶۴۴۹۲

مسأله ۲۸۳۰

مسئله ۲۸۳۰- اگر چیزی را به صنعتگری بدهند که درست کند و صاحب آن نیاید آن را ببرد، چنانچه صنعتگر جستجو کند و از پیدا کردن صاحب آن ناامید شود، باید آن را به نیت صاحبش صدقه بدهد. (۱)

۱- به اذن حاکم شرع

کد مسئله: ۶۴۴۹۳

مسئله ۲۸۳۱

مسئله ۲۸۳۱- سینه زدن در کوچه و بازار با اینکه زن ها عبور می کنند در صورتی که سینه زن پیراهن پوشیده باشد، اشکال ندارد و نیز اگر جلوی جمعیت عزادار بیرق و مانند آن ببرند، مانعی ندارد ولی باید استعمال آلات لهُو نشود.

کد مسئله: ۶۴۴۹۴

مسئله ۲۸۳۲

مسئله ۲۸۳۲- گذاشتن دندان طلا و دندانی که روکش طلا دارد، برای زن مانعی ندارد. ولی اگر زینت حساب شود (۱) برای مرد جایز نیست.

۱- اگر بقصد زینت باشد و اگر بقصد علاج باشد و یا حفظ دندان از فساد اشکالی ندارد ولو زینت حساب شود.

کد مسئله: ۶۴۴۹۵

مسئله ۲۸۳۳

مسئله ۲۸۳۳- حرام است انسان استمناء کند یعنی با خود کاری کند که منی از او بیرون آید.

کد مسئله: ۶۴۴۹۶

مسئله ۲۸۳۴

مسئله ۲۸۳۴- تراشیدن ریش و ماشین کردن آن اگر مثل تراشیدن باشد حرام است (۱) و در این حکم تمام مردم یکسانند و حکم خدا به واسطه مسخره مردم تغییر نمی کند پس کسی هم که اول تکلیف اوست، یا اگر ریش نتراشد مردم او را مسخره می کنند، چنانچه ریش بتراشد یا طوری ماشین کند که مثل تراشیدن باشد حرام می باشد.

۱- حرمت معلوم نیست ولی احتیاط نماید.

کد مسئله: ۶۴۴۹۷

مسئله ۲۸۳۵

مسئله ۲۸۳۵- احتیاط واجب آن است که (۱) ولی بچه پیش از آنکه بچه بالغ شود، او را ختنه نماید و اگر او را ختنه نکند، بعد از بالغ شدن بر خود بچه واجب است.

۱- واجب نیست ولی بر ولی مستحب است که مولود را ختنه کند.

کد مسئله: ۶۴۴۹۸

مسئله ۲۸۳۶

مسئله ۲۸۳۶- اگر پدر و مادر فقیر باشند و نتوانند کاسبی کنند، فرزند آنان اگر بتواند، باید خرجی آنان را بدهد
کد مسئله: ۶۴۴۹۹

مسئله ۲۸۳۷

مسئله ۲۸۳۷- اگر کسی فقیر باشد و نتواند کاسبی کند، پدر او باید خرجی او را بدهد و اگر پدر ندارد، یا نمی‌تواند خرجی او را بدهد، چنانچه فرزندی هم نداشته باشد که بتواند خرجی او را بدهد، جد پدری او باید خرجی او را بدهد. و اگر جد پدری ندارد، یا نمی‌تواند خرجی او را بدهد، مادرش باید خرجی او را بدهد. و اگر مادر هم ندارد، یا نمی‌تواند خرجی او را بدهد، باید مادر پدر، و مادر مادر و پدر مادر، با هم خرجی او را بدهند و اگر مادر پدر و مادر مادر ندارد، پدر مادر، باید خرجی او را بدهد.
کد مسئله: ۶۴۵۰۰

مسئله ۲۸۳۸

مسئله ۲۸۳۸- دیواری که مال دو نفر است، هیچ کدام آنان حق ندارد بدون اذن شریک دیگران را بسازد، یا سر تیر یا پایه عمارت خود را روی آن دیوار بگذارد. یا به دیوار میخ بکوبد ولی کارهایی که معلوم است شریک راضی است مانند تکیه دادن به دیوار و لباس انداختن روی آن اشکال ندارد، اما اگر شریک او بگوید به این کارها راضی نیستم. انجام اینها هم جایز نیست.
کد مسئله: ۶۴۵۰۱

مسئله ۲۸۳۹

مسئله ۲۸۳۹- عکاسی و نقاشی صورت مکروه است.
کد مسئله: ۶۴۵۰۲

مسئله ۲۸۴۰

مسئله ۲۸۴۰- درخت میوه ای که شاخه آن از دیوار باغ بیرون آمده، اگر انسان نداند صاحبش راضی است، نمی‌تواند (۱) از میوه آن بچیند و اگر میوه آن روی زمین هم ریخته باشد، نمی‌تواند آن را بردارد.
۱- در چیدن میوه و از روی زمین برداشتن آن هر دو احتیاط کنند.
کد مسئله: ۶۴۵۰۳

امر بمعروف و نهی از منکر**مسئله ۲۸۴۱**

مسئله ۲۸۴۱- امر بمعروف و نهی از منکر با شرائطی که ذکر خواهد شد، واجب است، و ترک آن معصیت است، و در مستحبات و مکروهات امر و نهی مستحب است.
کد مسئله: ۶۴۵۳۶

مسئله ۲۸۴۲

مسئله ۲۸۴۲- امر بمعروف و نهی از منکر واجب کفائی می باشد و در صورتی که بعضی از مکلفین قیام به آن می کنند از دیگران ساقط است ، و اگر اقامه معروف و جلوگیری از منکر موقوف بر اجتماع جمعی از مکلفین باشد واجب است اجتماع کنند .
کد مسئله: ۶۴۵۳۷

مسئله ۲۸۴۳

مسئله ۲۸۴۳- اگر بعضی امر و نهی کنند و موثر نشود و بعضی دیگر احتمال بدهند که امر آنها یا نهی آنها موثر است واجب است امر و نهی کنند .
کد مسئله: ۶۴۵۳۸

مسئله ۲۸۴۴

مسئله ۲۸۴۴- بیان مسئله شرعیه کفایت نمی کند در امر بمعروف و نهی از منکر بلکه باید مکلف امر و نهی کند .
کد مسئله: ۶۴۵۳۹

مسئله ۲۸۴۵

مسئله ۲۸۴۵- در امر بمعروف و نهی از منکر قصد قربت معتبر نیست (۱) ، بلکه مقصود اقامه واجب و جلوگیری از حرام است .
۱- چون امر بمعروف و نهی از منکر از عبادات است قصد قربت در آن معتبر است .
کد مسئله: ۶۴۵۴۰

شرایط امر بمعروف و نهی از منکر**مسئله ۲۸۴۶**

مسئله ۲۸۴۶- چند چیز شرط است در واجب بودن امر بمعروف و نهی از منکر :
اول : آنکه کسی که می خواهد امر و نهی کند ، بداند که آنچه شخص مکلف بجا نمی آورد واجب است بجا آورد ، و آنچه بجا می آورد باید ترک کند . و بر کسی که معروف و منکر را نمی داند واجب نیست .
دوم : آنکه احتمال بدهد امر و نهی او تاثیر می کند ، پس اگر بداند اثر می کند واجب نیست .
سوم : آنکه بداند شخص معصیت کار بنا دارد که معصیت خود را تکرار کند ، پس اگر بداند یا گمان کند یا احتمال صحیح بدهد که تکرار نمی کند واجب نیست . (۱)
چهارم : آنکه در امر و نهی مفسده ای نباشد ، پس اگر بداند یا گمان کند که اگر امر یا نهی کند ضرر جانی یا عرضی و آبرویی یا مالی قابل توجه به او می رسد واجب نیست ، بلکه اگر احتمال صحیح بدهد که از آن ترس ضررهای مذکور را پیدا کند واجب نیست ، بلکه اگر بترسد که ضرری متعلقان او می شود واجب نیست ، بلکه با احتمال وقوع ضرر جانی یا عرضی و آبرویی یا مالی موجب حرج بر بعضی مومنین ، (۲) واجب نمی شود بلکه در بسیاری از موارد حرام است .

۱- در صورت احتمال عدم تکرار واجب است و با احتمال عدم تکرار واجب بودن ساقط نمیشود .

۲- ضرر مالی بر بعضی مومنین کافی در عدم وجوب است و احتیاجی به قید حرج نیست .

کد مسأله: ۶۴۵۴۱

مسأله ۲۸۴۷

مسأله ۲۸۴۷- اگر معروف یا منکر از اموری باشد که شارع مقدس به آن اهمیت زیاد می دهد مثل اصول دین یا مذهب و حفظ قرآن مجید و حفظ عقاید مسلمانان یا احکام ضروریه ، باید ملاحظه اهمیت شود ، و مجرد ضرر ، موجب واجب نبودن نمی شود ، پس اگر توقف داشته باشد حفظ عقاید مسلمانان یا حفظ احکام ضروریه اسلام بر بذل جان و مال ، واجب است بذل آن . (۱)

۱- اگر اصل دین مقدس اسلام در خطر سقوط باشد از بذل جان و مال مضایفه جائز نیست و در غیر این صورت ملاحظه شرائط امر بمعروف و نهی از منکر باید بشود .

کد مسأله: ۶۴۵۴۲

مسأله ۲۸۴۸

مسأله ۲۸۴۸- اگر بدعتی در اسلام واقع شود مثل منکراتی که دولت های جائر انجام می دهند به اسم دین مبین اسلام ، واجب است خصوصا بر علماء اسلام اظهار حق و انکار باطل ، و اگر سکوت علماء اعلام موجب هتک مقام علم و موجب اسائه ظن به علماء اسلام شود واجب است اظهار حق بهره نحوی که ممکن است اگر چه بدانند تاثیر نمی کند . (۱)

۱- اگر از باب ارشاد جاهل است احتمال تاثیر در آن معتبر نیست و اگر از باب امر بمعروف و نهی از منکر است احتمال تاثیر در وجوب آن معتبر است و در صورت عدم احتمال تاثیر واجب نیست .

کد مسأله: ۶۴۵۴۳

مسأله ۲۸۴۹

مسأله ۲۸۴۹- اگر احتمال صحیح داده شود که سکوت موجب آن می شود که منکری معروف شود یا معروفی منکر شود واجب است خصوصا بر علماء اعلام اظهار حق و اعلام آن ، و جایز نیست سکوت .

کد مسأله: ۶۴۵۴۴

مسأله ۲۸۵۰

مسأله ۲۸۵۰- اگر سکوت علماء اعلام موجب تقویت ظالم شود یا موجب تایید او گردد یا موجب جرات او شود بر سایر محرّمات ، واجب است اظهار حق و انکار باطل اگر چه تاثیر فعلی نداشته باشد .

کد مسأله: ۶۴۵۴۵

مسأله ۲۸۵۱

مسأله ۲۸۵۱- اگر سکوت علماء اعلام باعث شود که مردم به آنها بدگمان شوند و آنها را متهم کنند بسازش با دستگاه ظلم ، واجب است اظهار حق و انکار باطل اگر چه بدانند جلوگیری از محرم نمی شود و اظهار آنها اثری برای رفع ظلم ندارد .

کد مسأله: ۶۴۵۴۶

مسأله ۲۸۵۲

مسأله ۲۸۵۲- اگر ورود بعض علماء اعلام در دستگاه ظلمه موجب شود که از مفسده ها و منکراتی جلوگیری شود واجب است تصدی آن امر مگر آنکه مفسده اهمی در آن باشد، مثل آ «که تصدی آنها باعث سستی عقاید مردم شود یا سلب اعتماد آنها به علماء گردد، در این صورت جایز نیست.

کد مسأله: ۶۴۵۴۷

مسأله ۲۸۵۳

مسأله ۲۸۵۳- جائز نیست برای علماء و ائمه جماعت تصدی مدارس دینی از طرف دولت جائز و اداره اوقاف چه حقوق خود و طلاب علوم دینی را از دولت جائز یا از مردم یا از موقوفات نگیرند اگر چه موقوفه خود مدرسه باشد زیرا دخالت دولت جائز در این امور و امثال آن مقدمه است برای هدم اساس اسلام به دستور مستعمرین که در جمیع دول اسلامی اشباه آن اجرا شده یا در شرف اجراء است.

کد مسأله: ۶۴۵۴۸

مسأله ۲۸۵۴

مسأله ۲۸۵۴- جائز نیست برای طلاب علوم دینی دخول در موسسات دولت جائز که به اسم موسسات تدینی تاسیس نموده اند مثل مدارس دینی که دولت های جائز در آنها دخالت می نمایند، و از متولیان گرفته اند، و یا متولیان را تحت سلطه و نفوذ خود قرا داده اند، و آنچه با دست اداره اوقاف یا به تصویب آن به آنها بدهند حرام است.

کد مسأله: ۶۴۵۴۹

مسأله ۲۸۵۵

مسأله ۲۸۵۵- جائز نیست برای طلاب علوم دینی دخول در مدارس که بعضی معممین و ائمه جماعت از طرف دولت جائز و یا با اشاره دولت جائز تصدی نموده اند چه برنامه تحصیلی از طرف دولت باشد یا از طرف این نحو متصدیان که عمال دولت جائز هستن د، زیرا در این امور نقشه محو آثار اسلام و احکام قرآن کریم کشیده شده است.

کد مسأله: ۶۴۵۵۰

مسأله ۲۸۵۶

مسأله ۲۸۵۶- کسانی که با لباس اهل علم، در این موسسات که به اشاره دولت جائز تاسیس شده است وارد شوند، لازم است مسلمانان و متدینین از آنها اعراض کنند و با آنها معاشرت شده است وارد شوند، لازم است مسلمانان و متدینین از آنها اعراض کنند و با آنها معاشرت نکنند، و آنها محکوم بعدم عدالت هستند و نماز جماعت با آنها جایز نیست، و طلاق در محضر آنها باطل است، و سهم مبارک امام علیه السلام و سهم سادات عظام را نباید به آنها بدهند، و اگر دادند از ذمه آنها ساقط نمی شود و اگر اهل منبر هستند لازم است آنها را دعوت برای منبر نکنند، و در مجالسی که این قبیل اشخاص از طرف دولت برای ترویج باطل و

تشریح برنامه های خلاف اسلام منبر می روند شرکت نکنند .

کد مسأله: ۶۴۵۵۱

مسأله ۲۸۵۷

مسأله ۲۸۵۷- در تصدی این نحو معممین که عمال ظلمه هستند ، مفساد عظیمه ای است که به تدریج آثار آن ظاهر خواهد شد ، و لهذا نباید مسلمانان به عذرهایی که آنها بر ای تصدی می آورند اعتنا کنند و علماء اعلام نیز لازم است آنها را از حوزه های خود اخراج نمایند و با آنها معاشرت نکنند ، و بر کافه علماء اعلام و طلاب علوم دینیه و خطباء محترم و سایر طبقات مطلع از دسایس عمال اجانب لازم است این اشخاص فاسق فاسد را به ملت معرفی کنند ، و مردم را از شر آنها برحذر دارند .

کد مسأله: ۶۴۵۵۲

مسأله ۲۸۵۸

مسأله ۲۸۵۸- اگر به واسطه قرآنی ظن حاصل شد که شخص متصدی که به لباس اهل علم است موسسه را از طرف دولت جائر تصدی نموده است لازم است که به مفاد مسأله ۲۸۰۱ با آنها عمل شود یا آنکه برائت او ثابت شود .

کد مسأله: ۶۴۵۵۳

مراتب امر بمعروف و نهی از منکر

مسأله ۲۸۵۹

مسأله ۲۸۵۹- برای امر بمعروف و نهی از منکر مراتبی است ، و جائر نیست با احتمال حاصل شدن مقصود از متربه پائین به مراتب دیگر عمل شود .

کد مسأله: ۶۴۵۵۴

مسأله ۲۸۶۰

مسأله ۲۸۶۰- مرتبه اول آنکه با شخص معصیت کار طوری عمل شود که بفهمد برای ارتکاب او به معصیت این نحو عمل با او شده است ، مثل اینکه از او رو برگرداند ، یا با چهره عبوس با او ملاقات نکند ، یا ترک مراده با او کند و از او اعراض کند به نحوی که معلوم شود این امور برای آن است که او ترک معصیت کند .

کد مسأله: ۶۴۵۵۵

مسأله ۲۸۶۱

مسأله ۲۸۶۱- اگر در این مرتبه درجاتی باشد لازم است با احتمال تاثیر درجه خفیف تر ، به همان اکتفا کند ، مثلا اگر احتمال می دهد که با تکلم با او مقصود حاصل می شود ، به همان اکتفا کند و به درجه بالاتر ، عمل نکند ، خصوصا اگر طرف شخصی است که این نحو عمل موجب هتک او می شود.

کد مسأله: ۶۴۵۵۶

مسئله ۲۸۶۲

مسئله ۲۸۶۲- اگر اعراض نمودن ترک معاشرت با معصیت کار موجب تخفیف معصیت می شود یا احتمال بدهد که موجب تخفیف می شود، واجب است اگر چه بدانند موجب ترک بکلی نمی شود، و این امر در صورتی است که با مراتب دیگر، نتواند از معصیت جلوگیری کند.

کد مسئله: ۶۴۵۵۷

مسئله ۲۸۶۳

مسئله ۲۸۶۳- اگر علماء اعلام احتمال بدهند که اعراض از ظلمه و سلاطین جور، موجب تخفیف ظلم آنها می شود، واجب است اعراض کنند از آنها، و به ملت مسلمان بفهمانند اعراض خود را

کد مسئله: ۶۴۵۵۸

مسئله ۲۸۶۴

مسئله ۲۸۶۴- اگر مراد و معاشرت علماء اعلام با ظلمه و سلاطین جور، موجب تخفیف ظلم آنها شود باید ملاحظه کنند که آیا ترک معاشرت اهم است - زیرا ممکن است معاشرت موجب سستی عقاید مردم شود، و موجب هتک اسلام و مراجع اسلام شود - یا تخفیف ظلم، پس هر کدام اهم است، به آن عمل کنند.

کد مسئله: ۶۴۵۵۹

مسئله ۲۸۶۵

مسئله ۲۸۶۵- اگر معاشرت و مراد و علماء اعلام با ظلمه، خالی از مصلحت راجحه ملزمه باشد، نباید معاشرت کنند، زیرا این امر موجب اتهام آنها خواهد شد.

کد مسئله: ۶۴۵۶۰

مسئله ۲۸۶۶

مسئله ۲۸۶۶- اگر ارتباط علماء اعلام با ظلمه، موجب تقویت آنها شود یا موجب تبرئه آنها پیش افراد بی اطلاع شود، یا موجب جرات آنها گردد، یا موجب هتک مقام علم شود، واجب است ترک آن.

کد مسئله: ۶۴۵۶۱

مسئله ۲۸۶۷

مسئله ۲۸۶۷- کسانی که ترویج مقاصد ظلمه را می کنند و کمک به جشنها و معاصی و ظلم آنها می کنند از قبیل بعضی تجار و کسبه، لازم است بر مسلمانان که آنها را نهی کنند، و اگر تاثیر نکرد، از آنها اعراض کنند و با آنها معاشرت و معامله نکنند.

کد مسئله: ۶۴۵۶۲

مسئله ۲۸۶۸

مسئله ۲۸۶۸- مرتبه دوم از امر بمعروف و نهی از منکر، امر و نهی به زبان است، پس با احتمال تاثیر و حصول شرایط گذشته، واجب است اهل معصیت را نهی کنند، و تارک واجب را امر کنند به آوردن واجب.

کد مسئله: ۶۴۵۶۳

مسئله ۲۸۶۹

مسئله ۲۸۶۹- اگر احتمال بدهد که با موعظه و نصیحت، معصیت کار ترک می کند معصیت را، لازم است اکتفا به آن، و نباید از آن تجاوز کند.

کد مسئله: ۶۴۵۶۴

مسئله ۲۸۷۰

مسئله ۲۸۷۰- اگر می داند که نصیحت تاثیر ندارد، واجب است با احتمال تاثیر امر و نهی الزامی کند و اگر تاثیر نمی کند مگر با تشدید در گفتار و تهدید بر مخالفت، لازم است لکن باید از دروغ و معصیت دیگر احتراز شود.

کد مسئله: ۶۴۵۶۵

مسئله ۲۸۷۱

مسئله ۲۸۷۱- جایز نیست برای جلوگیری از معصیت، ارتکاب معصیت مثل فحش و دروغ و اهانت، مگر آنکه معصیت، از چیزهائی باشد که مورد اهتمام شارع مقدس باشد و راضی نباشد به آن به هیچ وجه، مثل قتل نفس محترمه، در این صورت باید جلوگیری کند به هر نحو ممکن است.

کد مسئله: ۶۴۵۶۶

مسئله ۲۸۷۲

مسئله ۲۸۷۲- اگر عاصی ترک معصیت نمی کند مگر به جمع ما بین مرتبه اولی و ثانیه از انکار، واجب جمع به اینکه هم از او اعراض کند و ترک معاشرت نماید و با چهره عبوس با او ملاقات کند، و هم او را امر بمعروف کند لفظاً و نهی کند لفظاً.

کد مسئله: ۶۴۵۶۷

مسئله ۲۸۷۳

مسئله ۲۸۷۳- اگر ممکن شود جلوگیری از معصیت به اینکه بین شخص و معصیت حائل شود و با این نحو مانع از معصیت شود، لازم است اقتصار به آن اگر محذور آن کمتر از چیزهای دیگر باشد.

کد مسئله: ۶۴۵۶۸

مسئله ۲۸۷۴

مسئله ۲۸۷۴- اگر جلوگیری از معصیت توقف داشته باشد بر اینکه دست معصیت کار را بگیرد یا او را از محل معصیت بیرون کند یا در آلتی که به آن معصیت می کند تصرف کند ، جایز است ، بلکه واجب است عمل کند .
کد مسئله: ۶۴۵۶۹

مسئله ۲۸۷۵

مسئله ۲۸۷۵- جایز نیست اموال محترمه معصیت کار را تلف کند مگر آنکه لازمه جلوگیری از معصیت باشد ، در این صورت اگر تلف کند ضامن نیست ظاهراً ، و در غیر این صورت ، ضامن و معصیت کار است . (۱)
۱- بلکه ظاهراً ضامن است اگرچه اتلاف آن معصیت نیست .
کد مسئله: ۶۴۵۷۰

مسئله ۲۸۷۶

مسئله ۲۸۷۶- اگر جلوگیری از معصیت توقف داشته باشد بر حبس نمودن معصیت کار ، در محلی یا منع نمودن از آنکه به محلی وارد شود ، واجب است ، با مراعات مقدار لازم و تجاوز نمودن از آن .
کد مسئله: ۶۴۵۷۱

مسئله ۲۸۷۷

مسئله ۲۸۷۷- اگر توقف داشته باشد جلوگیری از معصیت ، بر کتک زدن و سخت گرفتن بر شخص معصیت کار ، و در مضیقه قرار دادن او جایز است ، لکن لازم است مراعات شود که زیاده روی نشود ، و بهتر آن است که در این امر و نظیر آن اجازه از مجتهد جامع الشرایط گرفته شود . (۱)
۱- بلکه استجازه از حاکم شرع ترک نشود .
کد مسئله: ۶۴۵۷۲

مسئله ۲۸۷۸

مسئله ۲۸۷۸- اگر جلوگیری از منکرات و اقامه واجبات موقوف باشد بر جرح و قتل ، جائز نیست مگر به اذن مجتهد جامع الشرایط با حصول شرائط آن .
کد مسئله: ۶۴۵۷۳

مسئله ۲۸۷۹

مسئله ۲۸۷۹- اگر منکر از اموری است که شارع اقدس به آن اهتمام می دهد و راضی نیست به وقوع آن به هیچ وجه ، جایز است دفع آن به هر نحو که ممکن باشد ، مثلاً اگر کسی خواست یک شخص را که جایز القتل نیست بکشد باید از او جلوگیری کرد ، و اگر ممکن نیست دفاع از قتل مظلوم مگر به قتل ظالم ، جائز است بلکه واجب است ، و لازم نیست از مجتهد اذن حاصل نماید . لکن باید مراعات شود که در صورت امکان جلوگیری به نحو دیگری که به قتل منجر نشود به آن نحو عمل کند ، و اگر از حد لازم تجاوز کند معصیت کار و احکام متعددی بر او جاری خواهد شد .

کد مسأله: ۶۴۵۷۴

مسائل دفاع**مسأله ۲۸۸۰**

مسأله ۲۸۸۰- اگر دشمن بر بلاد مسلمانان و سرحدات آن هجوم نماید، واجب است بر جمیع مسلمانان دفاع از آن به هر وسیله ای که امکان داشته باشد: (۱) از بدل جان و مال. و در این امر احتیاج به اذن حاکم شرع نیست.

۱- حکم در این مسئله تا مسئله ۲۸۲۹ همینطور است در صورتیکه خوف بر بضیه و اصل اسلام باشد و الا چنین نیست.

کد مسأله: ۶۴۵۷۵

مسأله ۲۸۸۱

مسأله ۲۸۸۱- اگر مسلمانان بترسند که اجانب نقشه استیلاء بر بلاد مسلمین را کشیده اند چه بدون واسطه یا به واسطه عمال خود از خارج یا داخل واجب است دفاع از ممالک اسلامی کنند به هر وسیله ای که امکان داشته باشد.

کد مسأله: ۶۴۵۷۶

مسأله ۲۸۸۲

مسأله ۲۸۸۲- اگر در داخل ممالک اسلامی نقشه هائی از طرف اجانب کشیده شده باشد که خوف آن باشد که تسلط بر ممالک اسلامی پیدا کنند، واجب است بر مسلمانان که با هر وسیله ای که ممکن است، نقشه آنها را به هم بزنند، و جلوگیری از توسعه نفوذ آنها کنند.

کد مسأله: ۶۴۵۷۷

مسأله ۲۸۸۳

مسأله ۲۸۸۳- اگر به واسطه توسعه نفوذ سیاسی یا اقتصادی و تجاری اجانب خوف آن باشد که تسلط بر بلاد مسلمین پیدا کنند، واجب است بر مسلمانان، دفاع به هر نحو که ممکن است و قطع ایادی اجانب. چه عمال داخلی باشند یا خارجی.

کد مسأله: ۶۴۵۷۸

مسأله ۲۸۸۴

مسأله ۲۸۸۴- اگر در روابط سیاسی بین دولت های اسلامی و دول اجانب، خوف آن باشد که اجانب بر ممالک اسلامی، تسلط پیدا کنند اگرچه تسلط سیاسی و اقتصادی باشد، لازم است بر مسلمانان که با این نحو روابط مخالفت کنند، و دول اسلامی را الزام کنند به قطع این گونه روابط.

کد مسأله: ۶۴۵۷۹

مسأله ۲۸۸۵

مسئله ۲۸۸۵- اگر در روابط تجاری با اجانب خوف آن است که به بازار مسلمین صدمه اقتصادی وارد شود و موجب اسارت تجاری و اقتصادی شود، واجب است قطع این گونه روابط و حرام است این نحو تجارت.

کد مسئله: ۶۴۵۸۰

مسئله ۲۸۸۶

مسئله ۲۸۸۶- اگر عقد رابطه چه سیاسی و چه تجاری بین یکی از دول اسلامی و اجانب، مخالف مصلحت اسلام و مسلمانان باشد، جایز نیست این گونه رابطه، و اگر دولتی اقدام به آن نمود، بر سایر دول اسلامی واجب است آن را الزام کنند به قطع رابطه به هر نحو ممکن است. (۱)

۱- در صورتیکه موجب خوف بر بیضه و اصل اسلام نباشد طبق موازین امر بمعروف و نهی از منکر باید عمل شود.

کد مسئله: ۶۴۵۸۱

مسئله ۲۸۸۷

مسئله ۲۸۸۷- اگر بعضی روسای ممالک اسلامی یا بعضی و کلاء مجلسین موجب بسط نفوذ اجانب شود چه نفوذ سیاسی یا اقتصادی یا نظامی که مخالف مصالح اسلام و مسلمانان است به واسطه این خیانت، از مقامی که دارد، هر مقامی باشد - منعزل است. اگر فرض شود که احراز آن مقام به حق بوده، و بر مسلمانان لازم است او را مجازات کنند به هر نحو که ممکن شود. (۱)

۱- در صورتی که موجب خوف بر بیضه و اصل اسلام باشد و الا طبق موازین امر بمعروف و نهی از منکر باید عمل شود.

کد مسئله: ۶۴۵۸۲

مسئله ۲۸۸۸

مسئله ۲۸۸۸- روابط تجاری و سیاسی با بعضی دول که آلت دست دول بزرگ جائر هستند از قبیل دولت اسرائیل، جائز نیست، و بر مسلمانان لازم است که به هر نحو ممکن است با این نحو روابط مخالف کنند، (۱) و بازرگانانی که با اسرائیل و عمال اسرائیل روابط تجاری دارند، خائن به اسلام و مسلمانان و کمک کار به هدم احکام هستند، و بر مسلمانان لازم است با این خیانت کاران چه دولت ها و چه تجار قطع رابطه کنند، و آنها را ملزم کنند و توبه و ترک روابط با این نحو دولت ها.

۱- در صورتیکه موجب خوف بر بیضه و اصول اسلام باشد و الا طبق موازین امر بمعروف و نهی از منکر باید عمل شود.

مسائل دفاع از جان و عرض در کتاب تحریر الوسیله است به آنجا رجوع شود.

کد مسئله: ۶۴۵۸۳

مسائل متفرقه

مسئله ۲۸۸۹

مسئله ۲۸۸۹- قوانین و مصوباتی که از مجالس قانونگذاری دولت های جائر به امر عمال اجانب خذلهم الله تعالی بر خلاف صریح قرآن کریم و سنت پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم می گذرد و گذشته است، از نظر اسلام لغو و از نظر قانون بی ارزش است، و لازم است مسلمان ها از امر کننده و رای دهنده به هر طور ممکن است اعراض کنند، و با آنها معاشرت و معامله نکنند، و

آنان مجرمند و عمل کننده به رای آنها معصیت کار و فاسق است .

کد مسأله: ۶۴۵۸۴

مسأله ۲۸۹۰

مسأله ۲۸۹۰- قانونی که اخیرا به اسم قانون خانواده به امر عمال اجانب برای هدم احکام اسلام و بر هم زدن کانون خانواده مسلمانان از مجلسین غیرقانونی و شرعی رژیم طاغوت گذشته است ، بر خلاف احکام اسلام ، و امر کننده و رای دهندگان از نظر شرع و قانون مجرم هستند ، و زن هائی که به امر محکمه طلاق داده می شوند ، طلاق آنها باطل و زن های شوهرداری هستند که اگر شوهر کنند زنان کارند . و کسی که دانسته آنها را بگیرد زنا کار است ، و مستحق حد شرعی ، و اولادهای آن ها اولاد غیر شرعی ، و ارث نمی برد ، و سایر احکام اولاد زنا بر آنها جاری است ، چه محکمه مستقیما طلاق بدهد یا امر دهد طلاق دهند ، و شوهر را الزام کنند به طلاق .

کد مسأله: ۶۴۵۸۵

مسأله ۲۸۹۱

مسأله ۲۸۹۱- بر علماء اعلام ایدهم الله تعالی لازم است در مقابل این نحو قوانین بی ارزش از نظر اسلام و قانون ، اعتراض شدید کنند ، نه استرحام از مجرمین اصلی و دولت خواهی برای آن ها که مامور اجراء و اوامر مخالفین اسلام می باشند ، زیرا این نحو تقاضاها و دولت خواهی ها و توجه جرم را به مامورین جزء و دست دوم دادن موجب تطهیر مجرم اصلی و جرات او بر هدم احکام الهیه است ، و بر کافه مسلمانان لازم است در مقابل این قوانین که دین و دنیا و خاندان آنها را تهدید می کنند ، و دخترهای معلوم آن ها را به فساد و مراکز تباهی می کشد ، و زحمت انبیاء عظام و اولیاء گرام صلی الله علیهم اجمعین را تضییع می نماید ، مقاومت کنند ، و اظهار تنفر نمایند ، و به این قوانین مخالف اسلام عمل نکنند ، و به هر وسیله ای که ممکن است (۱) هم اکنون دفاع از احکام اسلام کنند تا خدای نخواستہ به آتیه سیاه و وحشتاکی که عمال استعمار خذلهم الله تعالی در نظر دارند برای اسلام و مسلمانان مبتلا نشوند .

۱- در صورتیکه خوف بر بضیه و اصل اسلام باشد والا طبق موازین امر بمعروف و نهی از منکر باید عمل شود .

کد مسأله: ۶۴۵۸۶

سفته

مسأله ۲۸۹۲

مسأله ۲۸۹۲- سفته دو قسم است : اول سفته حقیقی که شخص بدهکار در مقابل بدهی خود ، سفته بدهد ، دوم سفته دوستانه که شخص به دیگری می دهد بدون آن که در مقابلش بدهکاری داشته باشد.

کد مسأله: ۶۴۵۸۷

مسأله ۲۸۹۳

مسأله ۲۸۹۳- سفته حقیقی را اگر کسی از بدهکار بگیرد که با دیگری معامله کند به مبلغی کمتر ، باید به نحوی معامله کند که ربا

لازم نیاید، مثل آن که اسکناسی که در ذمه بدهکار طلب دارد (۱)، بفروشد به کمتر و پولش را بگیرد و سفته را بدهد که شخص ثالث از بدهکار تمام بگیرد. این قسم تنزیل سفته اشکال ندارد.

۱- بلکه میتواند خود سفته را بفروشد چه بمدیون باشد یا شخص ثالث و این تنزیل سفته نیست بلکه بیع سفته است و تنزیل آن است که دائن با مدیون کند و دین موجب را مقداری از آن کم نماید و بقیه را معجلا بگیرد.
کد مسأله: ۶۴۵۸۸

مسأله ۲۸۹۴

مسأله ۲۸۹۴- سفته پولی نیست، و معامله به خود آن واقع نمی شود (۱) بلکه پول، اسکناس است و معامله به آن واقع می شود و سفته، برات و قبض است، و چک های تضمینی که در ایران متداول است مثل اسکناس پول است و خریدی و فروش آن به زیاد و کم مانع ندارد.

۱- سفته از اوراق بهادار و ذی قیمت و پول است و معامله بخود آن واقع می شود پس اگر سفته صدتومانی را بفروشد به نود تومان صحیح است.
کد مسأله: ۶۴۵۸۹

مسأله ۲۸۹۵

مسأله ۲۸۹۵- کسی که سفته در دست اوست اگر از طرف، پول قرض کند و سفته بدهد که در موعد، بیشتر از آنچه قرض نموده بگیرد، ربا و حرام است و قرض باطل است.
کد مسأله: ۶۴۵۹۰

مسأله ۲۸۹۶

مسأله ۲۸۹۶- سفته دوستانه را که شخص می دهد به دیگری که نزد ثالثی تنزیل کند و شخص ثالث در موعد مقرر حق رجوع داشته باشد به صاحب سفته که شخص اول است به چند وجه می توان تصحیح نمود: اول آن که این امر برگشت کند به این که شخص اول، وکیل نموده شخص دوم را که در ذمه او معامله کند باش شخص سوم، و بفروشد بعهد او مقداری اسکناس را که همان مقدار سفته است به کمتر از آنچه هست، و وکیل باید شخص دوم پولی را که گرفته است به قرض بردارد، و شخص اول که قرض دهنده است در موعدی که قرار می دهند، برای مطالبه قرض به شخص دوم رجوع کند، بنابراین پس از معامله صاحب اول سفته که بدهکار نبود واقعا بدهکار می شود به شخص سوم، و پس از قرض نمودن شخص دوم، مقداری را که گرفته است از شخص سوم به صاحب اول سفته بدهکار می شود، و باید این قرض بدون قرار نفع باشد والا باطل و حرام است، لکن اگر زیاده را مجاناً بدهد یا برای عمل به استحباب شرعی بدهد مانعی ندارد.

بنابراین پس از معامله شخص ثالث در موعد مقرر می تواند به شخص اول، رجوع کند و طلب خود را بگیرد و شخص اول پس از قرص می تواند رجوع کند به شخص دوم در موعد مقرر و طلب خود را بگیرد و اگر متعارف در این سفته ها آن است که اگر شخص اول، طلب را ندارد شخص ثالث به شخص ثانی می تواند رجوع کند، با توجه به این امر شرط ضمنی است و می تواند رجوع کند.

وجه دوم، آنکه دادن سفته دوستانه را به شخص دوم که نزد سومی تنزیل کند و شخص سوم هم حق داشته باشد رجوع کند به

دومی موجب دو امر است. یکی آنکه به واسطه دادن سفته، گیرنده صاحب اعتبار می شود نزد سومی، از این جهت با خود او معامله می کند، و شخص دوم بدهکار می شود به شخص سوم. دوم آنکه به واسطه معهود بودن در نزد این اشخاص شخص او ملتزم می باشد که مقدار معلوم را اگر شخص دوم ندهد، او بدهد، بنابراین پس از معامله، شخص ثالث در موعد می تواند رجوع کند به شخص دوم و گر او نداد رجوع کند به شخص اول، و شخص اول اگر پرداخت، رجوع کند به شخص دوم، و چون این امور معهود است. قرار دادهای ضمنی است و مانعی ندارد، و بعض وجوه دیگر نیز برای صحت هست. (۱)

۱- چون سفته از اوراق بهادار و ذی قیمت است بیع و معامله با خود آن صحیح است چنانچه سابقا ذکر شد.

کد مسأله: ۶۴۵۹۱

مسأله ۲۸۹۷

مسأله ۲۸۹۷- چون متعارف است در معاملات بانکی و تجاری که هر کس امضاء او در سفته باشد، حق رجوع به او هست اگر سفته دهنده بدهکاری خود را ندهد، بنابراین این قرارداد ضمنی بر این امر است در ضمن معامله، و لازم است مراعات آن لکن اگر طرف معامله اطلاع بر این معهودیت نداشته باشد نمی شود به او رجوع کرد.

کد مسأله: ۶۴۵۹۲

مسأله ۲۸۹۸

مسأله ۲۸۹۸- اگر برای تاخیر بدهکاری، طلبکار چه بانکها یا غیر آنها چیزی از بدهکار بگیرد حرام است، اگر چه بدهکار راضی به آن شود.

کد مسأله: ۶۴۵۹۳

مسأله ۲۸۹۹

مسأله ۲۸۹۹- در مثل اسکناس و دینار کاغذی و سایر پول های کاغذی مثل دلار و لیره ترکی رباء غیر قرضی تحقق پیدا نمی کند و جایز است معاوضه ارزی به زیاده و کم، طبق مقررات دولت جمهوری اسلامی و اما رباء قرضی در تمام آن ها تحقق پیدا می کند، و جایز نیست قرض دادن ده دینار به دوازده دینار.

کد مسأله: ۶۴۵۹۴

سرفلی

مسأله ۲۹۰۰

مسأله ۲۹۰۰- کسانی که خانه یا دکان یا غیر آنها را از صاحبانش اجاره می کنند، مدت اجاره که بسر رسید حرام است بدون اذن صاحب محل در آنجا اقامت کنند، و باید محل را فوراً با عدم رضایت صاحب تخلیه کنند، و اگر نکنند غاصب و ضامن محل، و ضامن مثل مال الاجاره آن هستند و برای آن به هیچ وجه حقی شرعا نیست، چه مدت اجاره آن ها کوتاه باشد یا طولانی، و چه بودن آن ها در مدت اجاره موجب زیادت ارزش محل شده باشد یا نه، و چه بیرون رفتن از محل موجب نقض در تجارتشان باشد یا نه.

کد مسأله: ۶۴۵۹۵

مسأله ۲۹۰۱

مسأله ۲۹۰۱- اگر کسی از مستاجر سابق که مدت اجاره اش گذشته است، آن محل را اجاره کند، اجاره اش صحیح نیست، مگر به اجازه صاحب محل، و توقفش در محل حرام و غضب است و اگر به محل خسارت وارد شود یا تلف شود موجب ضمان است برای این شخص و مادامی که توقف نموده است باید مثل مال الاجاره را به صاحب محل پردازد.

کد مسأله: ۶۴۵۹۶

مسأله ۲۹۰۲

مسأله ۲۹۰۲- اگر شخص غاصب که مستاجر سابق است، چیزی به عنوان سرقفلی از شخصی که محل را به او اجاره داده است بگیرد، حرام است و اگر آنچه را که گرفته است تلف کند یا به حادثه ای تلف شود ضامن دهنده است.

کد مسأله: ۶۴۵۹۷

مسأله ۲۹۰۳

مسأله ۲۹۰۳- اگر محلی را اجاره کند در مدتی و حق داشته باشد که به غیر اجاره دهد در بین مدت و اجاره محل ترقی کند، می تواند آن محل را اجاره دهد به همان مقدار که اجاره کرده است، و مقداری هم به عنوان سرقفلی از آن شخص بگیرد که به او اجاره دهد، مثلاً اگر دکانی را اجاره نمود ده سال به ماهی ده تومان، و پس از مدتی اجاره محل افزایش پیدا کرد به ماهی صد تومان، در صورتی که حق اجاره داشته باشد می تواند آنجا را در مابقی مدت اجاره دهد به ماهی ده تومان، و یک هزار تومان مثلاً به رضایت طرفین از آن شخص بگیرد که محل را به او اجاره دهد.

کد مسأله: ۶۴۵۹۸

مسأله ۲۹۰۴

مسأله ۲۹۰۴- اگر محلی را اجاره کند از صاحبش و شرط کند بر او که مدت بیست سال مثلاً قیمت اجاره را بالا نبرد و شرط کند که اگر محل مذکور را به غیر تحویل داد، صاحب محل با شخص ثالث نیز همین نحو عمل کند، و اگر ثالث به دیگری تحویل داد، و نیز همین نحو عمل کند و اجاره را بالا نبرد، جایز است از برای مستاجر که محل را به دیگری تحویل دهد و مقداری سرقفلی از او بگیرد که محل را به او تحویل دهد، و سرقفلی به این نحو حلال است و دومی به سومی و سومی به چهارمی نیز می تواند به حسب قرار تحویل دهد و از او به این عنوان سرقفلی بگیرد.

کد مسأله: ۶۴۵۹۹

مسأله ۲۹۰۵

مسأله ۲۹۰۵- اگر مساجر بر موجر شرط کند در ضمن عقد اجاره که مال الاجاره را تا مدتی زیاد نکند، و حق اخراج او را از محل نداشته باشد، و حق داشته باشد به مقداری که اجاره نموده در سالهای بعد از او اجاره نماید، و بر موجر لازم باشد که اجاره به او بدهد، می تواند مبلغی از او بگیرد یا از غیر او، برای اسقاط حق خود یا برای تخلیه محل، و این گونه سرقفلی حلال است.

کد مسأله: ۶۴۶۰۰

مسأله ۲۹۰۶

مسأله ۲۹۰۶- مالک می تواند هر مقداری بخواهد به عنوان سرقفلی از شخص بگیرد که محل را به او اجاره دهد ، و اگر مستاجر حق اجاره به غیر داشته باشد می تواند از او مقداری بگیرد که اجاره به او بدهد ، و این نحو سرقفلی مانع ندارد .

کد مسأله: ۶۴۶۰۱

معاملات بانکی**مسأله ۲۹۰۷**

مسأله ۲۹۰۷- آنچه اشخاص از بانک ها می گیرند به عنوان معامله قرض یا غیر قرض ، در صورتی که معامله به وجه شرعی انجام بگیرد حلال است و مانع ندارد ، اگر چه بدانند که در بانک ها پول های حرامی است و احتمال بدهد پولی را که گرفته است از حرام است ، ولی اگر بدانند پولی را که گرفته است حرام است ، تصرف در آن جائز نیست ، و باید با اذن فقیه معامله مجهول المالك با آن بکنند اگر مالک آن را نتواند پیدا کند ، و در این مسأله فرقی میان بانک های خارجی و داخلی و دولتی و غیر دولتی نیست .

کد مسأله: ۶۴۶۰۲

مسأله ۲۹۰۸

مسأله ۲۹۰۸- سپرده های در بانک اگر به عنوان قرض باشد و نفعی در آن قرار نشود ، اشکال ندارد ، (۱) و جایز است از برای بانک ها که در آن تصرف کنند ، و اگر نفع قرار داده شود ، قرض باطل است ، و بانک ها نمی توانند در آنچه می گیرند تصرف کنند .

۱- و اگر بعنوان معامله و بیع و شراء باشد نه قرض زیاده در یک طرف اشکالی ندارد .

کد مسأله: ۶۴۶۰۳

مسأله ۲۹۰۹

مسأله ۲۹۰۹- فرقی نیست در قرار نفع که موجب ربا است بین آنکه صریحا قرار داد شود یا بنای طرفین در حال قرض به گرفتن نفع باشد پس اگر قانون بانک آن باشد که به قرض هائی که می گیرد سود بدهد و قرض مبنی بر این قانون باشد حرام است .

کد مسأله: ۶۴۶۰۴

مسأله ۲۹۱۰

مسأله ۲۹۱۰- اگر در موردی قرض ، بدون قرار نفع باشد نه بطور صراحت و نه به غیر آن قرض صحیح است ، و اگر چیزی بدون قرار به قرض دهنده بدهند حلال است .

کد مسأله: ۶۴۶۰۵

مسئله ۲۹۱۱

مسئله ۲۹۱۱- سپرده های در بانک که به عنوان ودیعه و امانت است اگر مالک اذن ندهد که بانک در آن ها تصرف کند ، جایز نیست تصرف ، و اگر تصرف کند ، ضامن است و اگر اذن بدهد یا راضی باشد ، جایز است و اگر بانک چیزی بدهد یا بگیرد به رضایت حلال است ، مگر رضای به تصرف برگردد حقیقتا به قرض ، یعنی تملک به ضامن ، در این صورت اگر چیزی با قرار بدهد ، حرام است و دیعه بانکی ظاهرا از این قبیل است اگر چه به اسم ودیعه باشد ، پس در این صورت باید از ربا به نحوی تخلص پیدا کند .

کد مسئله: ۶۴۶۰۶

مسئله ۲۹۱۲

مسئله ۲۹۱۲- جایزه هائی که بانک ها یا غیر آنها برای تشویق قرض دهنده می دهند ، یا موسسات دیگر برای تشویق خریدار و مشتری می دهند با قرعه کشی ، حلال است و چیزهائی که فروشنده های در جوف جنسهای خود می گذارند برای جلب مشتری ، و زیاد شدن خریدار ، مثل سکه طلا در قوطی روغن ، حلال است و اشکال ندارد .

کد مسئله: ۶۴۶۰۷

مسئله ۲۹۱۳

مسئله ۲۹۱۳- حواله های بانکی یا تجاری که به آنها صرف برات گفته می شود مانع ندارد ، پس اگر بانک یا تاجر پولی از کسی در محل بگیرد و حواله بدهد که از بانک یا طرف در محل دیگر این شخص آن پول را بگیرد و در مقابل این حواله از دهنده چیزی بگیرد مانع ندارد و حلال است ، مثلا اگر هزار تومان در تهران به بانک دهد و بانک حواله بدهد که شعبه اصفهان هزار تومان به این شخص بپردازد . و در مقابل این حواله بانک تهران ده تومان بگیرد ، اشکال ندارد و اگر هزار تومان بگیرد و حواله بدهد نهمصد و پنجاه تومان از محل دیگر بگیرد اشکال ندارد ، چه آن پول را که بانک می گیرد به عنوان قرض بگیرد یا عنوان دیگر و در فرض مذکور اگر زیادی را به عنوان حق العمل بگیرد اشکال ندارد .

کد مسئله: ۶۴۶۰۸

مسئله ۲۹۱۴

مسئله ۲۹۱۴- اگر بانک یا موسسه دیگر پولی به شخص بدهد و حواله کند که این شخص پول را در محل دیگر به شعبه بانک یا طرف خود بپردازد پس اگر مقداری به عنوان حق زحمت بگیرد اشکال ندارد ، و همین طور اگر به عنوان فروش اسکناس به زیادتر باشد ، مانع ندارد ، و اگر قرض بدهد و قرار نفع بگذارد ، حرام است ، اگر چه قرار نفع صریح نباشد و قرض مبنی بر آن باشد .

کد مسئله: ۶۴۶۰۹

مسئله ۲۹۱۵

مسئله ۲۹۱۵- بانک های رهنی و غیر آنها اگر قرض بدهند با قرار نفع و چیزی را رهن بگیرند که در سر موعد اگر بدهکار بدهی خود را نپرداخت بفروشند ، و مال خود را بردارند ، این قرض باطل و حرام است و رهن نیز باطل است و جایز نیست برای بانک آن

را بفروشد و اگر کسی آن را بخرد، مالک نمی شود، و ضامن است، و اگر قرار نفع نباشد و حق الزحمه بگیرد، (۱) و در مقابل قرض رهن بگیرد، مانع ندارد و با مقررات شرعیه فروش رهن و خرید آن مانع ندارد.

۱- یا پول را بانکی بفروشد زیادتز از آن و خانه یا دکان ویشی دیگر را در مقابل ثمن رهن بگیرد اشکالی ندارد.
کد مسأله: ۶۴۶۱۰

بیمه

مسأله ۲۹۱۶

مسأله ۲۹۱۶- بیمه قرار و عقدی است بین بیمه کننده و موسسه و شرکت یا شخص که بیمه را می پذیرد، و این عقد مثل سایر عقدها محتاج به ایجاب و قبول است، و شرایطی که در موجب و قابل و عقد در سایر عقود معتبر است در این عقد نیز معتبر است، و می توان این عقد را با هر لغتی و زبانی اجرا کرد.

کد مسأله: ۶۴۶۱۱

مسأله ۲۹۱۷

مسأله ۲۹۱۷- در بیمه علاوه بر شرائطی که در سایر عقود است از قبیل بلوغ و عقل و اختیار و غیر آنها، چند شرط معتبر است.

اول: تعیین مورد بیمه که فلان شخص است یا فلان مغازه است یا فلان کشتی یا اتومبیل یا هواپیما است.

دوم: تعیین دو طرف عقد که اشخاص هستند، یا موسسات، یا شرکت ها یا دولت.

سوم: تعیین مبلغی که باید پردازند.

چهارم: تعیین اقساطی که باید پردازند، و تعیین زمان اقساط.

پنجم: تعیین زمان بیمه که از اول فلان ماه یا سال تا چند ماه یا چند سال.

ششم: تعیین خطرهایی که موجب خسارت می شود، مثل حریق یا غرق یا سرقت یا وفات یا مرض، و میتوان کلیه آفات که موجب

خسارت می شود، قرار دهند.

کد مسأله: ۶۴۶۱۲

مسأله ۲۹۱۸

مسأله ۲۹۱۸- لازم نیست در قرار بیمه میزان خسارت تعیین شود پس اگر قرار بگذارند که هر مقدار خسارت وارد شد، جبران کنند

صحیح است.

کد مسأله: ۶۴۶۱۳

مسأله ۲۹۱۹

مسأله ۲۹۱۹- صورت عقد بیمه چند نحو است: یکی آنکه بیمه کننده بگوید بعهد من فلان مقدار که در فلان زمان ماهی فلان

مقدار بدهم، در مقابل آنکه خسارتی که به مغازه من مثلا از ناحیه حریق یا دزدی وارد شد، جبران نمائی و طرف قبول کند، یا

طرف بگوید بر عهده من خسارتی که به موسسه شما وارد می شود از ناحیه حریق یا دزدی مثلا در مقابل آنکه فلان مقدار بدهی و

باید تمام قیودی که در مسأله سابق ذکر شد، معلوم شود و قرار داد شود.

کد مسأله: ۶۴۶۱۴

مسأله ۲۹۲۰

مسأله ۲۹۲۰- ظاهراً تمام اقسام بیمه صحیح باشد، با بکار بردن شرایطی که ذکر شد، چه بیمه عمر باشد، یا بیمه کالاهای تجارتي، یا عمارت یا کشتیها یا هواپیماها، و یا بیمه کارمندان دولت یا موسسات یا بیمه اهل یک قریه یا شهر، یا بیمه عقد مستقلی است و می توان به عنوان بغض عقود دیگر از قبیل صلح آن را اجرا کرد.

کد مسأله: ۶۴۶۱۵

بخت آزمائی

مسأله ۲۹۲۱

مسأله ۲۹۲۱- بلیطهای بخت آزمائی که متعارف شده است می فروشند به مبلغ معینی، پس از آن با قرعه کشی به اشخاصی که قرعه به نام آنها بیرون بیاید مبلغ معینی می دهند، خرید و فروش آنها جایز نیست و باطل است، و پولی را که در مقابل بلیط می گیرند، حرام است و گیرنده ضامن است و مبلغی را که از قرعه کشی بدست می آید حرام است، و شخص گیرنده ضامن صاحبان واقعی آن مبلغ است.

کد مسأله: ۶۴۶۱۶

مسأله ۲۹۲۲

مسأله ۲۹۲۲- فرقی نیست در حرام بودن پول بلیط بین آنکه بلیط را بخرند یا بلیط را بگیرند و پولی بدهند به امید آنکه قرعه به اسم آنها بیرون بیاید در هر دو صورت پول بلیط حرام و پولی که به قرعه دست می آید حرام و موجب ضمان است.

کد مسأله: ۶۴۶۱۷

مسأله ۲۹۲۳

مسأله ۲۹۲۳- اخیراً اسم بلیط بخت آزمائی را عوض کرده اند و به اسم اعانه ملی بلیط را می دهند ولی عمل، همان عمل است، و چون بلیط بخت آزمائی مورد اشکال بوده است و جمعی از خرید آن خودداری می نمودند، سود جویان اسم را برای اغفال این دسته عوض نموده، لکن در عمل فرقی ندارد، و در این صورت با تغییر اسم حلال نمی شود، و پول بلیط و پول قرعه حرام و موجب ضمان است.

کد مسأله: ۶۴۶۱۸

مسأله ۲۹۲۴

مسأله ۲۹۲۴- اگر فرضاً یک شرکت یا موسسه پیدا شود و برای اعانت به موسسات خیریه از قبیل بیمارستان یا مدارس بلیطهایی منتشر کند، و مردم هم برای اعانت این موسسات مبلغی بدهند، و آن شرکت از مال خودش یا وجهی که از انتشار بلیط به دست

می آید ، با اجازه تمام پول دهندگان مبلغی به اشخاصی که قرعه به نام آنها بیرون می آید بدهد مانع ندارد ، لکن این مجرد فرض است و بلیطهائی که اکنون فروخته می شود و قرعه کشی هائی که اکنون عمل می شود ، به این نحو نیست ، و پول بلیط و قرعه حرام است .

کد مسأله: ۶۴۶۱۹

مسأله ۲۹۲۵

مسأله ۲۹۲۵- پول بلیطهائی که بدست شرکت ها می آید ، و پول قرعه کشی ها که بدست اشخاص می آید مجهول المالک است ، و اگر می توانند صاحبان آنها را پیدا کنند ، باید به صاحبانش رد کنند ، و اگر نمی شود باید از طرف صاحبان آن صدقه بدهند ، و احتیاط لازم آن است که از مجتهد جامع الشرایط اجازه بگیرند و صدقه بدهند .

کد مسأله: ۶۴۶۲۱

مسأله ۲۹۲۶

مسأله ۲۹۲۶- اگر آن کسی که پول به دستش می آید فقیر باشد نمی تواند خودش به عنوان صدمه از صاحبش بردارد ، (۱) بلکه باید به فقیر بدهد بنابر احتیاط لازم ، بلکه خالی از قوت نیست .

۱- بلکه علی الاقوی میتواند مال را چون مجهول المالک است بخودش صدقه بدهد چنانچه میتواند بفقیر دیگر صدقه بدهد و لکن در هر دو صورت باید با اذن حاکم شرع باشد .

کد مسأله: ۶۴۶۲۲

کد مسأله: ۶۴۶۲۳

مسأله ۲۹۲۷

مسأله ۲۹۲۷- اگر مال زاید به دست آورد از قرعه کشی و با فقیری قرار گذارد که به او صدقه بدهد و فقیر مقداری بردارد و باقی را به او رد کند و بخواهد با حيله حلال کند ، جائز نیست و حلال نمی شود ، لکن اگر بدون شرط و قید به فقیر داد و فقیر مقداری که مناسب حالش هست به او رد کند با رضایت اشکال ندارد .

کد مسأله: ۶۴۶۲۴

تلفیح

مسأله ۲۹۲۸

مسأله ۲۹۲۸- وارد نمودن منی مرد را در رحم زوجه او با آلتی مثل آب دزدک اشکال ندارد ، لکن باید از مقدمات حرام احتراز نمایند ، پس اگر مرد با رضایت زن ، این عمل را خودش انجام دهد و منی خود را به وجه حلالی بدست بیاورد مانع ندارد .

کد مسأله: ۶۴۶۲۵

مسأله ۲۹۲۹

مسئله ۲۹۲۹- اگر منی مرد را در رحم زنش وارد نمودند چه به وجه حلال یا حرام و از آن ، بچه تولید شد ، اشکالی نیست که بچه مال مرد و زن است و همه احکام فرزند را دارد .

کد مسئله: ۶۴۶۲۶

مسئله ۲۹۳۰

مسئله ۲۹۳۰- جایز نیست (۱) داخل نمودن منی اجنبی را در رحم زن اجنبیه چه با اجازه زن باشد یا نه ، و چه شوهر داشته باشد یا نه ، و چه با اجازه شوهر باشد یا نباشد .

۱- بلکه با اجازه شوهر در مورد زنان شوهردار و با اجازه زن در مورد زنان بی شوهر جائز است ولو از صاحب منی و زن هر دو حساب می شود و جمع احکام آن مترتب می شود .

کد مسئله: ۶۴۶۲۷

مسئله ۲۹۳۱

مسئله ۲۹۳۱- اگر منی مردی را داخل رحم زن اجنبیه نمودند و معلوم شد بچه از آن منی است ، پس اگر این عمل بطور شبهه بوده مثل آنکه گمان می کرد زن خودش هست ، و زن نیز گمان می کرد منی شوهر هست ، و بعد از عمل معلوم شد از شوهر نیست ، اشکالی نیست که بچه شرعا از آن مرد و زن است و تمام احکام فرزندی را دارد ، ولکن اگر از روی علم و عمد باشد ، محل اشکال است (۱) ، و باید احتیاط در جمیع مسائل مراعات شود ، لکن اشکالی نیست که اگر این بچه دختر باشد ، پدر نمی تواند او را به زنی بگیرد ، و اگر بچه پسر باشد نمی تواند مادرش را بگیرد ، و نمی شود دختر به محارمش اگر به عقد صحیح بود شوهر کند ، و پسر محارمش را بگیرد ، لکن باید در تمام مسائل دیگر احتیاط نماید .

۱- بلکه اشکالی نیست که مولود فرزند صاحب منی و زن حساب می شود و تمام احکام مولود مترتب میگردد ولی مولود با زوج ارتباطی ندارد چنانچه حکم در مورد شبهه همینطور است یعنی مولود فرزند صاحب منی و زن محسوب می شود نه زوج و زوجه .

کد مسئله: ۶۴۶۲۸

تشریح و پیوند

مسئله ۲۹۳۲

مسئله ۲۹۳۲- مرده مسلمان را تشریح نمی توان نمود ، و اگر تشریح کنند حرام است ، و برای قطع سر او و قطع سایر اعضا او دیه است که در کتاب تحریر الوسيله ذکر نموده ام ، ولی تشریح مرده غیر مسلمان جایز است ، و دیه ندارد ، چه اهل ذمه باشد یا نباشد . (۱)

۱- تشریح اهل ذمه جائز است و دیه در آن ثابت است مثلا اگر کسی سر میت ذمی را قطع کند عشر دیه ذمی را باید بدهد و آن هشتاد درهم است و همچنین در سایر اعضا آن .

کد مسئله: ۶۴۶۲۹

مسئله ۲۹۳۳

مسئله ۲۹۳۳- اگر ممکن باشد تشریح غیرمسلمان، جایز نیست تشریح مسلمان برای یاد گرفتن مطالب طبی اگر چه متوقف باشد حفظ جان مسلمانی یا عده ای از مسلمانان بر تشریح، و اگر با امکان تشریح غیر مسلمان تشریح مسلمان کنند معصیت کار، و بر آنها دیه است.

کد مسئله: ۶۴۶۳۰

مسئله ۲۹۳۴

مسئله ۲۹۳۴- اگر توقف داشته باشد حفظ جان مسلمانی یا عده ای از مسلمانان بر تشریح، و امکان نداشته باشد تشریح غیرمسلمان، جایز است تشریح مسلمان و اما بر ای یاد گرفتن بدون آنکه زندگی مسلمانی موقوف بر آن باشد جایز نیست و موجب دیه است.

کد مسئله: ۶۴۶۳۱

مسئله ۲۹۳۵

مسئله ۲۹۳۵- در موردی که حفظ جان مسلمانان موقوف بر تشریح مسلمان است بعید نیست دیه نداشته باشد گرچه احتیاط در دیه است. بعید است رفع حکم تکلیفی بجهت ضرورت یا اهمیت حکم دیگر منافات با ثبوت حکم وضعی ندارد پس علی الاقوی دیه ثابت است اگر چه تشریح جایز است.

کد مسئله: ۶۴۶۳۲

مسئله ۲۹۳۶

مسئله ۲۹۳۶- اگر حفظ جان مسلمانی موقوف باشد بر پیوند عضوی از اعضاء میت مسلمانی جائز است قطع آن عضو، و پیوند آن و بعید نیست دیه داشته باشد و آیا دیه بر قطع کننده است یا بر مریض (۱)، محل اشکال است، لکن می تواند طیب با مریض قرار دهد که او دیه را بدهد و اگر حفظ عضوی از مسلمان موقوف باشد بر قطع عضو میت، در این صورت بعید نیست جائز نباشد و اگر قطع کند دیه دارد، لکن اگر میت در حال زندگی اجازه داد ظاهراً دیه (۲) ندارد، لکن جواز شرعی آن محل اشکال است و اگر خود او اجازه نداد، اولیاء او بعد از مرگش نمی توانند اجازه بدهند و دیه از قطع کننده ساقط نمی شود، و معصیت کار است.

۱- دیه بر قاطع است.

۲- ظاهراً دیه دارد و جواز تکلیفی هم ندارد.

کد مسئله: ۶۴۶۳۳

مسئله ۲۹۳۷

مسئله ۲۹۳۷- قطع عضو میت غیر مسلمان برای پیوند، حرام نیست و دیه ندارد، (۱) لکن اگر پیوند کرد اشکال واقع می شود در نجاست آن و میت بودن آن برای نماز، اگر میت انسانی در نماز اشکال داشته باشد، بنابراین اشکال در میت مسلمان نیز هست و اشکال نجاست اگر قبل از غسل قطع نمایند نیز هست، لکن می توان گفت که اگر عضو میت پس از پیوند، حیات پیدا کند از عضویت میت می افتد و به عضویت زنده در می آید و نجس و میت نیست بلکه اگر عضو حیوان نجس العین نیز پیوند شود، و زنده به زندگی انسان شود از عضویت حیوان خارج و به عضویت انسان در می آید.

۱- در میت ذمی حرام است دیه هم دارد چنانچه در سابق ذکر شد.

کد مسأله: ۶۴۶۳۴

مسأله ۲۹۳۸

مسأله ۲۹۳۸- اگر قطع عضو را بعد از مدرن جایز دانستیم ، بعید نیست که در حال حیات ، فروش آن جایز باشد (۱) ، و انسان بتواند اعضاء خودش را بفروشد برای پیوند در مواردی که قطع جایز است بلکه جواز فروش تمام جسم را تشریح در موردی که جایز است ، خیلی بعدی نیست . اگر چه بی اشکال نیست لکن گرفتن مبلغی برای اجازه دادن در مورد جواز مانع ندارد .

۱- بلکه بعید است چنانچه بیع همه جسد نیز بعید است چنانچه گرفتن مبلغ جهت اجازه دادن جایز نیست.

کد مسأله: ۶۴۶۳۵

مسأله ۲۹۳۹

مسأله ۲۹۳۹- انتفاع بردن به خون در غیر خوردن و فروختن آن برای انتفاع حلال ، جائز است پس آنچه اکنون متعارف است که خون را می فروشند برای استفاده مریضها و مجروحین مانع ندارد و بهتر آن است که مصالحه کنند یا آنکه پول را در مقابل حق اختصاص یا در ازاء اجازه خون گرفتن بگیرند که خالی از اشکال و احواط است . بلکه این احتیاط حتی الامکان ترک نشود . لکن اگر گرفتن خون ، برای صاحب آن ضرورت داشته باشد ، اشکال دارد . خصوصا اگر ضرر فاحش و زیاد باشد .

کد مسأله: ۶۴۶۳۶

مسأله ۲۹۴۰

مسأله ۲۹۴۰- جائز است خون بدن انسانی را به بدن دیگری با آلات دیگری منتقل کنند و وزن آن را با مقیاسهائی که دارند تعیین کنند ، و ثمن آن را بگیرند و با جهالت به وزن جائز است بطور مصالحه انتقال دهند . و احواط آن است که پول را در مقابل اجازه نقل بگیرند و این احتیاط چنانچه گذشت حتی الامکان ترک نشود .

کد مسأله: ۶۴۶۳۷

خاتمه**مسأله ۲۹۴۱**

مسأله ۲۹۴۱- گوسفند یا حیوانات دیگر را اگر ذبح کنند با کارخانه ها و مکینه هائی که اخیرا در بعض بلاد متعارف شده است ، حرام و نجس و مردار است (۱) ، و فروش و خردی آنها جائز نیست و فروشنده ضامن پول خریدار است چه کلید برق را مسلمان بزند و تسمیه بگوید و رو به قبله باشد و از حلقوم ببرد یا نه چه برسد به آنکه این امور نیز مراعات نشود ، ولی گوشتهائی که در بازار مسلمانان فروش می رود و احتمال داده می شود که به طور شرعی ذبح شده باشد ، حلال و خرید و فروش آن جایز است .

۱- اگر شرائط ذبح مراعات شود حلال و طاهر است و خرید و فروش آن جائز است یعنی کلید برق را مسلمان بزند و تسمیه بگوید و حیوان رو بقبله باشد و اوداج اربعه حیوان قطع بشود و از زیر برآمدگی اوداج اربعه قطع بشود نه روی آن ، حلال و طاهر است و خرید و فروش آن جائز است .

کد مسأله: ۶۴۶۳۸

مسئله ۲۹۴۲

مسئله ۲۹۴۲- گوشتها یا مرغهای سر بریده ای که از بلاد کفر می آورند محکوم به نجاست و حرمت و مردار بودن است مگر آنکه ثابت شود ذبح شرعی آنها .

کد مسئله: ۶۴۶۳۹

مسئله ۲۹۴۳

مسئله ۲۹۴۳- رادیو و تلویزیون دارای منافع حلال عقلائی و منافع حرام است از نظر اسلام و جائز است انتفاع بردن از آنها به نحو حلال ، از قبیل اخبار و مواعظ از رادیو و نشان دادن چیزهای حلال برای تعلیم و تربیت صحیح ، یا نشان دادن کالاها و عجایب خلقت از بر و بحر از تلویزیون و اما چیزهای حرام از قبل پخش غنا ، و موسیقی و اشاعه منکرات از قبیل پخش قوانین خلاف اسلام و مدح خائن و ظالم ، و ترویج باطل و ارائه چیزهایی که اخلاق جامعه را فاسد و عقاید آنها را متزلزل می کند ، حرام و معصیت است .

کد مسئله: ۶۴۶۴۰

مسئله ۲۹۴۴

مسئله ۲۹۴۴- چون استعمال این آلات در دوران طاغوت در منافع حرام شایع و رایج بود به طوری که استعمال حلال آن تقریباً غیر مقصود بود (۱) اجازه نمی دادم فروش و خرید آنها را ما خرید و فروش آنها برای استفاده مشروع اشکال ندارد .

۱- اگر خصوص انتفاع حرام مورد شرط یا تبانی بین طرفین معامله باشد معامله جائز نیست والا جائز است اگرچه بدانند در خصوص محرم صرف میشود .

کد مسئله: ۶۴۶۴۱

مسئله ۲۹۴۵

مسئله ۲۹۴۵- کسانی که می خواهند از بانک ها یا غیر آنها قرض بگیرند و دهنده بدون ربا قرض نمی دهد ، جائز است اصل قرض را قبول کنند و شرط را در واقع و به طور جد قبول نکنند و در این صورت اگر اظهار قبول کنند بدون جد و قصد حقیقی ، این فرار صوری حرام نیست ، بنابراین اصل قرض صحیح است شرط باطل ، و مرتکب حرام هم نشده اند .

کد مسئله: ۶۴۶۴۲

مسئله ۲۹۴۶

مسئله ۲۹۴۶- اگر پولی به بانک یا غیر آن بدهند و بانک به آنها ربا بدهد جائز نیست بگیرند اگر چه قرار هم نگذاشته باشند ولی اگر قرض گیرنده مجانا چیزی بدهد حرام نیست ، و جائز است گرفتن آن .

کد مسئله: ۶۴۶۴۳

مسئله ۲۹۴۷

مسئله ۲۹۴۷- در بیع مثل به مثل اگر قیمتها با هم اختلاف داشته باشد و نخواهند از بیع مثل به مثل فرار کنند - نه از زیادی - جائز است حيله ، مثلاً- اگر يك كيلو گندم خوب به دو كيلو گندم بد ارزش دارد و می خواهند يك كيلو خوب بدهند و دو كيلو بد بگیرند در این مورد اگر چیزی ضمیمه کنند از بیع مثل به مثل فرار کنند جائز است .

کد مسئله: ۶۴۶۴۴

مسئله ۲۹۴۸

مسئله ۲۹۴۸- اگر بخواهند مثل به مثل را مبادله کنند و ربا بگیرند با حيله ، جائز نیست ، مثلاً يك خروار گندم را که ارزش آن نصف دو خروار است اگر بخواهند مبادله کنند که يك خروار بدهند و بعد از شش ماه دو خروار بگیرند زیادی ربا است و با ضم چیزی صحیح نمی شود ، و علاوه بر آنکه معامله حرام است باطل هم می باشد ، و مثل باب قرض نیست که قرض صحیح باشد و شرط باطل ، بلکه اصل معامله باطل است .

کد مسئله: ۶۴۶۴۵

مسئله ۲۹۴۹

مسئله ۲۹۴۹- از مسئله قبل ظاهر شد که حيله در موردی است که بخواهند از معامله مثل به مثل فرار کنند بدون آنکه زیاده قیمت و ربا در کار باشد و اما مواردی که می خواهند ربا بگیرند حيله جائز نیست . و اگر در بعض رساله های علمیه اینجانب چیزی بر خلاف آن ذکر شده است صحیح نیست .

کد مسئله: ۶۴۶۴۶

[نماز جمعه]

مسئله ۲۹۵۰

مسئله ۲۹۵۱

مسئله ۲۹۵۱- کسی که نماز جمعه را بجا آورده واجب نیست نماز ظهر را هم بخواند ، ولی احتیاط مستحب آن است که آن را نیز بجا آورد .

کد مسئله: ۶۴۶۴۸

مسئله ۲۹۵۲

مسئله ۲۹۵۲- نماز جمعه تنها توسط مردان منعقد می شود ، ولی زنان هم می توانند در آن شرکت کنند .

کد مسئله: ۶۴۶۴۹

مسئله ۲۹۵۳

مسئله ۲۹۵۳- نماز جمعه باید به جماعت بر گزار شود و نمی توان آن را به طور فردی بجا آورد .

کد مسئله: ۶۴۶۵۰

مسئله ۲۹۵۴

مسئله ۲۹۵۴- همه شرائطی که در نماز جماعت معتبر است در نماز جمعه نیز لازم است ، مانند نبودن حائل ف بالاتر نبودن جای امام ، فاصله بیش از حد نداشتن و غیر اینها .

کد مسئله: ۶۴۶۵۱

مسئله ۲۹۵۵

مسئله ۲۹۵۵- همه شرائطی که در امام جماعت لازم است باید در امام جمعه هم باشد مانند عقل ، ایمان ، حلال زادگی و عدالت . ولی امامت کودکان و زنان در نماز جمعه جائز نیست اگر چه در نمازهای دیگر برای خودشان جائز است .

کد مسئله: ۶۴۶۵۲

مسئله ۲۹۵۶

مسئله ۲۹۵۶- بر هر مرد مکلف آزاد غیر مسافری که نابینا ، بیمار و پیر فرتوت نباشد ، نماز جمعه واجب است البته در صورتی که فاصله او تا محل اقامه جمعه بیش از دو فرسخ نباشد . بنابراین بر کسانی که فاقد یکی از این شروط باشند حرکت به سوی نماز جمعه به فرض اینکه وجوب تعیینی هم داشته باشد واجب نیست گرچه حضور در آن برایشان هیچ مشتی نداشته باشد .

کد مسئله: ۶۴۶۵۳

مسئله ۲۹۵۷

مسئله ۲۹۵۷- کمترین فاصله لازم بین دو نماز جمعه یک فرسخ است .

کد مسئله: ۶۴۶۵۴

مسئله ۲۹۵۸

مسئله ۲۹۵۸- کمترین عدد لازم برای انعقاد نماز جمعه - ۵ نفر - است که باید یکی از آنها امام باشد پس نماز جمعه با کمتر از ۵ نفر - واجب نیست و منعقد نمی شود ولی اگر - ۷ نفر - و بیشتر باشند فضیلت جمعه بیشتر خواهد بود .

کد مسئله: ۶۴۶۵۵

مسئله ۲۹۵۹

مسئله ۲۹۵۹- در صورت وجود شرائط لازم ، نماز جمعه بر سکنه شهرها و شهرکها و حاشیه نشینان آنها و روستائیان ، چادر نشینان و بیابانگردهائی که روش زندگی آنها چنین است واجب است .

کد مسئله: ۶۴۶۵۶

مسئله ۲۹۶۰

مسأله ۲۹۶۰- فاقدین شرائط و جوب نماز جمعه اگر اتفاقاً در نماز حاضر شوند یا با مشقت خود را به آن برسانند نمازشان صحیح است و نماز ظهر بر آنها واجب نیست. همچنین کسانی که با وجود باران یا سرمای شدید یا نداشتن پا یا عضو دیگر که موجب مشقت و اسقاط تکلیف نماز جمعه است در نماز جمعه شرکت کرده اند، نمازشان صحیح است. اما اگر دیوانه به نماز جمعه بپردازد نمازش صحیح نیست ولی نماز جمعه پسران نابالغ صحیح است گرچه نمی توانند مکمل عدد لازم - ۵ نفر - باشند همانگونه که نمی توانند تنهائی تشکیل نماز جمعه بدهند.

کد مسأله: ۶۴۶۵۷

مسأله ۲۹۶۱

مسأله ۲۹۶۱- مسافر می تواند در نماز جمعه شرکت کند و در این صورت نماز ظهر از او ساقط است. لکن مسافرین به تنهائی (بتون شرکت حاضرین) نمی توانند نماز جمعه تشکیل دهند و در این صورت نماز ظهر بر آنها واجب است و نیز مسافر نمی تواند مکمل عدد لازم - ۵ نفر - باشد ولی اگر مسافرین قصد اقامه (ده روز یا بیشتر) بنمایند می توانند نماز جمعه تشکیل دهند.

کد مسأله: ۶۴۶۵۸

مسأله ۲۹۶۲

مسأله ۲۹۶۲- زنان می توانند در نماز جمعه شرکت کنند و نمازشان صحیح است و مجزی از نماز جمعه است اما به تنهائی (بدون شرکت مردان) نمی توانند نماز جمعه تشکیل دهند چنانکه نمی توانند مکمل عدد لازم - ۵ نفر - هم باشند زیرا نماز جمعه تنها با شرکت مردان منعقد می شود.

کد مسأله: ۶۴۶۵۹

مسأله ۲۹۶۳

مسأله ۲۹۶۳- خنثی مشکله می تواند در نماز جمعه شرکت کند ولی نمی تواند مکمل عدد لازم - ۵ نفر - یا امام جمعه باشد پس اگر غیر از او فقط چهار نفر جمع شده باشند نماز جمعه برگزار نمی شود و باید نماز ظهر بخوانند.

کد مسأله: ۶۴۶۶۰

مسأله ۲۹۶۴

مسأله ۲۹۶۴- وقت نماز جمعه با زوال خورشید شروع می شود و تا وقتی که سایه شاخص به اندازه دو قدم متعارف برسد، امتداد دارد. ولی احتیاط واجب آن است که از اوائل عرفی زوال ظهر تاخیر نیاندازند و اگر تاخیر افتاد احتیاط مستحب آن است که نماز ظهر را بخوانند.

کد مسأله: ۶۴۶۶۱

مسأله ۲۹۶۵

مسأله ۲۹۶۵- اگر امام خطبه ها را قبلاً شروع کرده و هنگام زوال به پایان برساند و نماز جمعه را شروع کند صحیح است.

کد مسأله: ۶۴۶۶۲

مسئله ۲۹۶۶

مسئله ۲۹۶۶- جائز نیست امام جمعه خطبه‌ها را آن قدر طولانی کند که وقت نماز بگذرد، والا باید نماز ظهر را بخواند، زیرا نماز جمعه در خارج وقت آن قضا ندارد.
کد مسئله: ۶۴۶۶۳

مسئله ۲۹۶۷

مسئله ۲۹۶۷- اگر در بین نماز جمعه وقت آن تمام شود در صورتی که یک رکعت آن در وقت واقع شده باشد صحیح است ولی احتیاط مستحب آن است که پس از اتمام آن، نماز ظهر را هم بجا آورد و اگر یک رکعت آن در وقت واقع نشده باطل است ولی احتیاط مستحب آن است که آن را تمام کند و سپس نماز ظهر را بخواند.
کد مسئله: ۶۴۶۶۴

مسئله ۲۹۶۸

مسئله ۲۹۶۸- اگر عمدا نماز جمعه را طوری به تاخیر بیاورد که تنها یک رکعت آن وقت باقی باشد احتیاط واجب آن است که نماز ظهر را بجا آورند.
کد مسئله: ۶۴۶۶۵

مسئله ۲۹۶۹

مسئله ۲۹۶۹- اگر یقین دارد وقت به اندازه ای هست که می‌تواند حداقل واجب را در تحقق دو خطبه و دو رکعت نماز بجا آورد بین نماز جمعه و ظهر مخیر است. و اگر یقین دارد که به این اندازه وقت نیست باید نماز ظهر را بخواند و اگر شک دارد، نماز جمعه صحیح است ولی در صورتی که پس از نماز معلوم شود که حتی برای یک رکعت هم وقت باقی نبوده، باید نماز ظهر را بجا آورد گرچه احتیاط مستحب آن است که اگر تنها یک رکعت آن هم در وقت واقع شده، نماز ظهر را بخواند.
کد مسئله: ۶۴۶۶۶

مسئله ۲۹۷۰

مسئله ۲۹۷۰- اگر مقدار وقت را می‌داند ولی شک دارد که در این مقدار می‌تواند نماز جمعه را بجا آورد یا نه، جایز است نماز جمعه را شروع کند، پس اگر وقت برای همه نماز کافی بود نمازش صحیح است والا- باید نماز ظهر را بجا آورد ولی احتیاط مستحب آن است که در این صورت اساسا نماز ظهر را اختیار کند.
کد مسئله: ۶۴۶۶۷

مسئله ۲۹۷۱

مسئله ۲۹۷۱- در صورتی که نماز جمعه با عدد کامل و در وقت دامنه دار شروع شده ولی مامومی به رکعت اول نرسیده باشد، اگر

به رکعت دوم، ولو به رکوع آن برسد و اقتدا کند نمازش صحیح است به شرط آنکه بداند وقت به اندازه ای هست که رکعت دوم او هم وقت واقع می شود (در این صورت دومین رکعت نماز خود را بطور فردی بجا آورد ولی برای کسی که تکبیر رکوع رکعت دوم امام را درک نکرده بهتر آن است که نیت خود را به ظهر برگردانده و نماز ظهر را بجا آورد .

کد مسأله: ۶۴۶۶۸

مسأله ۲۹۷۲

مسأله ۲۹۷۲- نماز جمعه دو رکعت است و کیفیت آن مانند نماز صبح است . و مستحب است که حمد و سوره با صدای بلند خوانده شود و در رکعت اول بعد از حمد ، سوره جمعه و در رکعت دوم ، سوره منافقون را قرائت نمایند .

کد مسأله: ۶۴۶۶۹

مسأله ۲۹۷۳

مسأله ۲۹۷۳- نماز جمعه دارای دو قنوت است ، قنوت اول قبل از رکوع رکعت اول و قنوت دوم پس از رکوع رکعت دوم است .

کد مسأله: ۶۴۶۷۰

کد مسأله: ۶۴۶۷۱

مسأله ۲۹۷۴

مسأله ۲۹۷۴- نماز جمعه دارای دو خطبه است که مانند اصل نماز واجب بوده و باید توسط امام جمعه ایراد شود . بدون این دو خطبه نماز جمعه محقق نمی شود .

کد مسأله: ۶۴۶۷۲

مسأله ۲۹۷۵

مسأله ۲۹۷۵- واجب است دو خطبه را قبل از نماز جمعه بخواند و اگر اول نماز جمعه را بجا آورد باطل است و در صورتی که وقت باقی است باید پس از ایراد خطبه ها مجدداً نماز جمعه را بخواند ولی اگر نیست به حکم مسأله جاهل بوده یا اشتباه کرده ، اعاده خطبه ها لازم نیست بلکه اعاده نماز هم لازم نیست .

کد مسأله: ۶۴۶۷۳

کد مسأله: ۶۴۶۷۴

مسأله ۲۹۷۶

مسأله ۲۹۷۶- جائز است دو خطبه نماز جمعه قبل از ظهر شرعی ایراد شود به طوری که پایان خطبه ها با ظهر شرعی مصادف باشد . ولی احتیاط مستحب آن است که آنها را در وقت ظهر بخواند .

کد مسأله: ۶۴۶۷۵

مسأله ۲۹۷۷

مسئله ۲۹۷۷- در خطبه اول واجب است حمد الهی گرچه به هر لفظی که حمد الهی محسوب شود جائز است ، ولی احتیاط مستحب آن است که به لفظ جلاله (الله) باشد و احتیاط واجب آن است که پس از آن به ثنای الهی پردازد و سپس به پیغمبر اسلام درود فرستد و واجب است مردم را به تقوی سفارش کند و یک سوره کوچک از قرآن را بخواند .

و در خطبه دوم نیز حمد و ثنای الهی (به صورتی که ذکر شد) و درود بر پیغمبر اسلام واجب است و احتیاط واجب آن است که در این خطبه نیز به تقوی سفارش کند و سوره کوچکی از قرآن تلاوت نماید . و احتیاط مستحب و موکد آن است که در خطبه دوم پس از درود بر پیغمبر (ص) به ائمه معصومین (ع) نیز درود فرستد و برای مومنین استغفار کند .

و بهتر است از خطبه های منسوب به امیرالمومنین (ع) یا آنچه از ائمه معصومین (ع) وارد شده انتخاب کند .

کد مسئله: ۶۴۶۷۶

مسئله ۲۹۷۸

مسئله ۲۹۷۸- شایسته است امام خطیب، بلیغ باشد و به تناسب اوضاع و احوال سخن گوید و عبارات فصیح و روان به کار برد ، به حوادثی که در سراسر عالم بر مسلمین می گذرد به خصوص حوادث منطقه خود، آشنا باشد . مصالح اسلام و مسلمین را تشخیص دهد . چنان شجاع باشد که در راه خدا از ملامت و نکوهش احدی بیم بخورد راه ندهد ، در اظهار حق و ابطال باطل بر حسب شرائط زمان و مکان صراحت داشته باشد ، اموری از قبیل مواظبت در اوقات نماز و عمل به روش صلحا و اولیاء خدا را که موجب تاثیر کلام او در مردم است رعایت کند ، کارهای او با مواظ و وعد و وعیدهایش تطبیق نماید ، از آنچه که موجب سبکی او و کلامش می شود حتی از قبیل پرگوئی ، شوخی و بیهوده گوئی پرهیزد و همه این امور را تنها برای خداوند رعایت کند و هدف اعراض از دنیا پرستی و ریاست طلبی باشد که بر سلسله همه گناهان است تا کلامش در جان مردم موثر افتاد .

کد مسئله: ۶۴۶۷۷

مسئله ۲۹۷۹

مسئله ۲۹۷۹- شایسته است امام خطیب در خطبه نماز جمعه مصالح دین و دنیای مسلمین را تذکر دهد و مردم را در جریان مسائل زیان بار و سودمند کشورهای اسلامی و غیر اسلامی قرار دهد و نیازهای مسلمین را در امر معاد و معاش تذکر دهد و از امور سیاسی و اقتصادی آنچه را که در استقلال و کیان مسلمین نقش مهمی دارد گوشزد کند و کیفیت صحیح روابط آنان را با سائر ملل بیان نماید و مردم را از دخالت‌های دول ستمگر و استعمارگر در امور سیاسی و اقتصادی مسلمین که منجر به استعمار و استثمار آنها می شود بر حذر دارد . خلاصه نماز جمعه و دو خطبه آن نظیر حج و مراکز تجمع آن و نمازهای عید فطر و قربان و غیره از سنگرهای بزرگی است که متاسفانه مسلمانان از وظائف مهم سیاسی خود در آن غافل مانده اند ، چنانچه از سایر پایگاه های عظیم سیاست اسلامی هم غافلند . اسلام دین سیاست آن هم در همه شئون آن است و کسی که در احکام قضائی ، سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی اسلام اندکی تامل کند متوجه این معنی می شود . هر کس گمان کند دین از سیاست جدا است ، جاهلی است که نه اسلام را می شناسد و نه سیاست را .

کد مسئله: ۶۴۶۷۸

مسئله ۲۹۸۰

مسئله ۲۹۸۰- مستحب است امام خطیب در زمستان و تابستان عمامه داشته باشد و ردائی از برد یمانی یا (عدنی) بپوشد و خود را

بیاراید ، تمیزترین لباسهای خود را بپوشد و بوی خوش بکار برد به طوری که با وقار و سکینه باشد و قبل از خطابه هنگامی که موذن اذن می گوید او بر منبر نشسته باشد تا اذان به پایان رسد و خطبه را آغاز کند و هنگام صعود بر منبر خطابه روبروی مردم بایستد و سلام کند و مردم نیز با چهره های خود از او استقبال کنند و به چیزی از قبیل کمان و شمشیر (اسلحه) و عصا تکیه کند . و مردم نیز خود را روبروی او قرار دهند .

کد مسأله: ۶۴۶۷۹

مسأله ۲۹۸۱

مسأله ۲۹۸۱- واجب است امام جمعه شخصا و در حال ایستاده به ایراد خطبه پردازد و اگر نتواند خطبه ها را در حال ایستاده بخواند ، باید دیگری به ایراد خطبه پردازد و امامت نماز را هم به عهده گیرد . و اگر هیچکس برای ایراد خطبه ها در حال ایستاده پیدا نشود نماز جمعه ساقط و نماز ظهر وجب است .

کد مسأله: ۶۴۶۸۰

مسأله ۲۹۸۲

مسأله ۲۹۸۲- جائز نیست امام جمعه خطبه ها و به خصوص موعظه و توصیه به تقوی را به آهستگی ادا کند و احتیاط واجب آن است که با صدای بلند به ایراد خطبه پردازد بطوری که حداقل عدد لازم - ۴ نفر - صدای او را بشنوند بلکه احتیاط مستحب آن است که در هنگام موعظه و سفارش به تقوی صدای خود را چنان بلند نماید که همه حاضرین موعظ او را بشنوند و در مجامع بزرگ به توسط بلندگوها به خطبه پردازد تا تشویق و تحذیر و مسائل مهمه را به گوش همگان برساند .

کد مسأله: ۶۴۶۸۱

مسأله ۲۹۸۳

مسأله ۲۹۸۳- احتیاط مستحب آن است که امام در حال خطبه سخنی غیر مربوط به خطبه ها نگوید البته در فاصله بین خطبه ها و نماز، سخن گفتن بلامانع است .

کد مسأله: ۶۴۶۸۲

مسأله ۲۹۸۴

مسأله ۲۹۸۴- واجب است امام پس از خطبه اول مقدار کمی بنشیند و سپس به خطبه دوم پردازد .

کد مسأله: ۶۴۶۸۳

مسأله ۲۹۸۵

مسأله ۲۹۸۵- احتیاط مستحب آن است که امام و مستمعین در حال خطبه واجد طهارت کامل (که برای نماز معتبر است) باشند .

کد مسأله: ۶۴۶۸۵

مسأله ۲۹۸۶

مسئله ۲۹۸۶- احتیاط مستحب آن است که مامومین در حال خطبه روبروی امام بوده و بیش از مقداری که در نماز می توانند خود را از قبله منحرف کنند رو بر نگردانند .

کد مسئله: ۶۴۶۸۷

مسئله ۲۹۸۷

مسئله ۲۹۸۷- وجب است مامورین به خطبه های امام گوش فرا دهند و احتیاط مستحب آن است که ساکت باشند و از حرف زدن پرهیزند که صحبت کردن در وقت خطبه ها مکروه است بلکه اگر سخن گفتن مامومین موجب نشنیدن خطبه و از بین رفتن فائده آن باشد سکوت لازم است .

کد مسئله: ۶۴۶۸۹

مسئله ۲۹۸۸

مسئله ۲۹۸۸- احتیاط واجب آن است که امام جمعه در خطبه حمد الهی و درود بر پیغمبر و ائمه علیهم السلام را به زبان عربی ایراد نماید ، گرچه او و مستمعین او عرب نباشند اما می تواند در مقام وعظ و توصیه به تقوی به زبان دیگری تکلم نماید . و احتیاط مستحب آن است که موعظه و آنچه را به مصالح مسلمین مربوط می شود به زبان مستمعین ادا نماید ، اگر مستمعین مختلفند آنها را به زبان های مختلف تکرار کند . گرچه در صورتی که مامومین بیش از حد نصاب - ۴ نفر - باشند می تواند به زبان حد نصاب - ۴ نفر - اکتفا نماید ولی احتیاط در آن است که آنها را به زبان خودشان موعظه کند .

کد مسئله: ۶۴۶۹۱

مسئله ۲۹۸۹

مسئله ۲۹۸۹- اذان دوم در روز جمعه بدعت و حرام است.

کد مسئله: ۶۴۶۹۲

مسئله ۲۹۹۰

مسئله ۲۹۹۱

مسئله ۲۹۹۱- اگر امام و ماموم بخواهند پس از نماز جمعه نماز ظهر را احتیاطا بجا آورند می توانند آن را به جماعت برگزار کنند ولی مامومی که در نماز جمعه شرکت نکرده اگر به این نماز احتیاطی اقتدار کند از نماز ظهر او مجزی نیست و باید آن را اعاده نماید .

کد مسئله: ۶۴۶۹۴

مسئله ۲۹۹۲

مسئله ۲۹۹۲- اگر مامومی که رکوع رکعت اول امام جمعه را در رک کرده به علت کثرت جمعیت یا غیر آن نتواند در سجده ها با امام همراهی کند در این صورت اگر بتواند (پس از قیام امام برای رکعت دوم) سجده ها را خود بجا آورده و قبل از رکوع یا در

حین آن به امام ملحق شود، نمازش صحیح است. والا باید به حال خود باقی بماند تا امام به سجده های رکعت دوم برسد آنگاه دو سجده را به نیت سجده های رکعت اول نماز خود همراه امام بجا آورد و سپس رکعت دوم را فردی بخواند و نمازش صحیح است. ولی اگر آنها را به نیت سجده های رکعت دوم و یا به نیت متابعت امام انجام دهد احتیاط واجب آن است که از آن دو سجده صرفنظر کرده و دو سجده دیگر به نیت سجده های رکعت اول بجا آورد و سپس به رکعت دوم پردازد و پس از اتمام نماز، نماز ظهر را هم بجا آورد.

کد مسأله: ۶۴۶۹۵

مسأله ۲۹۹۳

مسأله ۲۹۹۳- اگر مامور به قصد اتصال به نماز، در رکوع رکعت دوم تکبیر بگوید و به رکوع برود ولی شک کند که رکوع امام را درک کرده یا نه، نماز جمعه او محقق نمی شود و احتیاط واجب آن است که آن نماز را به نیت نماز ظهر به پایان برساند و سپس نماز ظهر را اعاده کند.

کد مسأله: ۶۴۶۹۶

مسأله ۲۹۹۴

مسأله ۲۹۹۴- اگر مامومین پس از اتمام خطبه ها و شروع نماز امام، از اقتدا به او خودداری کنند و امام را تنها بگذارند نماز جمعه منعقد نشده و باطل است و امام می تواند آن نماز را رها نموده و به نماز ظهر پردازد ولی احتیاط مستحب آن است که نیت خود را به ظهر برگرداند و پس از اتمام آن مجددا نماز ظهر را بخواند و احتیاط بیشتر در آن است که نماز را با همان نیت نماز جمعه تمام کند و سپس نماز ظهر را بجا آورد.

کد مسأله: ۶۴۶۹۷

مسأله ۲۹۹۵

مسأله ۲۹۹۵- اگر نماز جمعه با عدد کامل (حداقل ۴ نفر به اضافه امام) منعقد شود - ولو اینکه فقط تکبیر آن را گفته باشند - و سپس متفرق شوند، نماز باطل می شود چه همه مامومین یا بعضی از آنها متفرق شوند و امام باقی بماند و چه برعکس، چه یک رکعت کامل نماز را خوانده باشند و چه کمتر ولی احتیاط مستحب آن است که باقیمانده ها نماز جمعه را تمام کنند و سپس نماز ظهر را هم بجا آورند اما اگر بعضی از آنها در اواخر رکعت دوم بلکه بعد از رکوع رکعت دوم بلکه بعد از رکوع دوم متفرق شوند نماز جمعه صحیح است و احتیاط مستحب آن است که پس از آن نماز ظهر را هم بجا آورند.

کد مسأله: ۶۴۶۹۸

مسأله ۲۹۹۶

مسأله ۲۹۹۶- اگر عاد مامومین بیش از حد لازم - ۴ نفر - برای نماز جمعه باشد پراکندگی عده ای از آنها مطلقا ضرر ندارد به شرط آنکه افراد باقیمانده از - ۴ نفر - کمتر نباشند.

کد مسأله: ۶۴۶۹۹

مسئله ۲۹۹۷

مسئله ۲۹۹۷- اگر - ۵ نفر - (یا بیشتر) ، برای نماز جمعه مهیا شوند ولی در اثناء خطبه ها یا بعد از آنها و قبل از اقامه نماز متفرق شوند و برنگردند به طوری که کمتر از - ۵ نفر - باقی مانده باشند وظیفه افراد باقی مانده نماز ظهر است .
کد مسئله: ۶۴۷۰۰

مسئله ۲۹۹۸

مسئله ۲۹۹۸- در صورتی که قبل از انجام مسمای وجب در خطبه (یعنی حداقلی از واجبات خطبه ها که بتوان آنها را خطبه نامید) عده ای از مامومین متفرق شوند و کمتر از - ۴ نفر - بمانند و پس از مدت کوتاهی برگردند (بطوری که عدد لازم - ۵ نفر - کامل شود) اگر امام در این فاصله سکوت کرده باشد ، پس از مراجعه مامومین باید از نقطه ای که خطبه را قطع نموده ادامه دهد ولی اگر (با وجود تقلیل مامومین از حد نصاب لازم) خطبه را ادامه داده و جریان امر بصورتی بوده که افراد پراکنده صدای او را شنیده اند ، باید پس از مراجعه آنها و تکمیل عدد لازم ، آن قسمت را که در غیاب آنها خوانده اعاده کند . و اگر زمان بازگشت مامومین طولانی باشد بطوری که عرفا به یک پارچگی خطبه لطمه بزند باید امام خطبه را اعاده کند . چنانچه اگر با ورود مامومین جدید هم عدد لازم - ۵ نفر - کامل بشود اعاده خطبه ضروری است .
کد مسئله: ۶۴۷۰۱

مسئله ۲۹۹۹

مسئله ۲۹۹۹- اگر مامومین بعد از خطبه یا در اثنای آن متفرق شوند (بطوری که کمتر از ۵ نفر باقی بمانند) و سپس برگردند تا عدد لازم کامل شود در صورتی که مسمای خطبه محقق شده باشد اعاده خطبه وجب نیست ، گرچه مدت تفرق طولانی باشد . و در صورتی که مسمای خطبه محقق نشده باشد ، اگر علت تفرق ، انصراف مامومین از نماز جمعه بوده احتیاط واجب آن است که پس از بازگشت آنها ، امام ، خطبه ها را از نو بخواند (ولو اینکه مدت تفرق کم باشد) و اگر علت تفرق و پراکندگی امری نظیر باران و غیره بوده در این صورت اگر مدت آن به قدری طولانی شود که عرفا به یک پارچگی خطبه لطمه بزند واجب است خطبه ها را از نو بخواند والا خطبه قبلی را ادامه می دهد و صحیح است .
کد مسئله: ۶۴۷۰۲

مسئله ۳۰۰۰

مسئله ۳۰۰۰- اگر در جائی نماز جمعه برگزار شد نباید در فاصله ای کمتر از یک فرسخی آن نماز جمعه دیگری منعقد شود . پس اگر با فاصله یک فرسخ دو نماز جمعه اقامه شود هر دو صحیح است . لازم به تذکر است که میزان در مسافت ، محل نماز جمعه است نه شهری که نماز جمعه در آن تشکیل شده است . بنابراین در شهرهای بزرگی که طول آن چند فرسخ است می توان چند نماز جمعه تشکیل داد .
کد مسئله: ۶۴۷۰۳

مسئله ۳۰۰۱

مسئله ۳۰۰۱- احتیاط مستحب آن است که قبل از اقامه نماز جمعه مطمئن شوند که در کمتر از حد مقرر نماز جمعه دیگری قبل از آنها و یا مقارن آنها برگزار نشده و نمی شود
کد مسئله: ۶۴۷۰۴

مسئله ۳۰۰۲

مسئله ۳۰۰۲- اگر دو نماز جمعه در یک زمان و با فاصله کمتر از حد معین (یک فرسخ) تشکیل شود هر دو باطل است. ولی اگر یکی از آنها قبلاً شروع شده ولو فقط تکبیره الاحرام را گفته باشد، دیگری باطل است. چه نماز گزاران بدانند که قبل از آنها یا بعد از آنها نماز جمعه دیگری در فاصله کمتر برقرار شده و یا می شود و چه ندانند. و میزان در صحت، تقدم در نماز است نه در خطبه ها. بنابراین اگر یکی از دو نماز جمعه در خطبه ها مقدم بوده اما نماز دوم در شروع نماز تقدم داشته نماز دوم صحیح و اولی باطل خواهد بود.
کد مسئله: ۶۴۷۰۵

مسئله ۳۰۰۳

مسئله ۳۰۰۳- اگر یقین دارند که در فاصله کمتر از حد لازم (یک فرسخ) نماز جمعه ای بر پا شده ولی شک دارند که آن نماز قبلاً برگزار شده یا نه، و یا شک دارند که آن نماز مقارن با آنها برگزار می شود یا نه، در هر دو صورت می توانند خود نماز جمعه ای تشکیل دهند و همچنین است در صورتی که نسبت به اصل انعقاد نماز جمعه دیگر اطمینان نداشته باشند.
کد مسئله: ۶۴۷۰۶

مسئله ۳۰۰۴

مسئله ۳۰۰۴- اگر پس از پایان نماز جمعه متوجه شوند که نماز جمعه دیگری در کمتر از حد مقرر تشکیل شده و هر یک از دو گروه احتمال دهد که قبل از دیگری به اقامه جمعه پرداخته، بر هیچ یک اعاده جمعه و نیز نماز ظهر واجب نیست. گرچه قول به وجوب اعاده، مطابق احتیاط است ولی اگر گروه سومی خواسته باشند در همان محدوده اقامه جمعه دیگری بنمایند، باید یقین داشته باشند که آن دو نماز جمعه باطل است و اگر احتمال صحت یکی از آن دو را بدهند نمی توانند اقامه جمعه دیگری بنمایند.
کد مسئله: ۶۴۷۰۷

مسئله ۳۰۰۵

مسئله ۳۰۰۵- در زمان غیبت ولی عصر (عج) که نماز جمعه واجب تعیینی نیست خرید و فروش و سایر معاملات پس از اذان جمعه حرام نیست.
کد مسئله: ۶۴۷۰۸

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتبع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتبع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

